



سلسلہ انشارات نجران امارتی

۷۹

کشف الآیات

شاہنامہ فرودوسی

جلد دوم

ح - می

بکوشش دکتور محمد دبیر سیاتی

**Collection of Prof. Muhammad Iqbal Mujaddidi
Preserved in Punjab University Library.**

پروفیسر محمد اقبال مجددی کا مجموعہ
پنجاب یونیورسٹی لائبریری میں محفوظ شدہ







سلسلہ انشارات انجمن آثار ملی

۷۹

کشف الآیات

شاہنامہ فردوسی



جلد دوم

ح - می

بکوشش دکتور محمد دبیر سیاتی

خرداد ۱۳۵۰

138098

پیکر سنگی يك پارچه حکیم ابوالقاسم فردوسی (به بلندی ۳/۳۵ متر) که به پیروی از فرمان مبارک همایونی برای نصب در میدان فردوسی تهران بدست استاد ابوالحسین صدیقی بمقارش انجمن آثار ملی ساخته شده است - پائین پیکر داستان کودکی زال را مینماید که پدرش سام نریمان او را در کوهسار البرز نهاد ؛ چند سال بوسیله سیمرغ پرستاری و نگاری شده است .



ملی بوده است و کتاب حاضر ششمین جلد شمار می‌رود.^(۱)

کتابهای دیگری نیز در این زمینه حاوی بررسیهای بی سابقه و تحقیقات بس ارزنده بوسیله شخصیت های علمی بلند مرتبت در دست چاپ قرار دارد که امید می‌رود چاپ آنها هم زودتر پایان پذیرد و کاممهای بیش از آنچه تا کنون در راه شناسائی شاهنامه و بهره‌وری از این گنجینه جاودانی برداشته شده است به همت استادان و دانشمندان والا مقام سپرده گردد.

بمینه و کریمه

انجمن آثار ملی

(۱) - کتابهای فردوسی و شعرا و (نشریه شماره ۵۶) و خردنامه (نشریه شماره ۵۷) که به نسبت تجدید ساختن آرامگاه

حکیم تألیف شده بود کمی پیش از نشایس آرامگاه منتشر گردید.

پیشگفتار

دربارهٔ والایی مقام شاعری و هنر سخنوری استاد بزرگمقدار فردوسی طوسی سخن شناسان ادیب و باریک اندیشان موی شکاف سخن بسیار گفته‌اند و دفترها پرداخته. اما وصف سخن و سخندانی او را از هر دهان که می‌شنویم نامکررست و بیان ارجمندی کتاب وی - آن سند لیاقت زبان فارسی - نیز در هر دفتر نامکرر افتاده است.

سبب آنست که زنده کنندهٔ زبان فارسی خود چنین بوده است: مایه‌ور از ذوقی سرشار و خیالی پردامنه و زبانی گشاده و دیدی فراخ و طبعی لطیف و دلی عشق مردم‌پیشه و خوئی نرم و اعتقادی استوار و واقف به نتایج کار خود، یعنی زنده کردن عجم به پارسی کتاب خویش، زنده کردن تاریخ عجم، زبان عجم، بزرگمنشی و آزادگی پارسی، و آن مایه‌شکوه و کمال و فضیلت و فر که امروزه بر ارکان استوار آن پایه‌های اورنگ سرفرازی و بر تارک بلند بر آمدهٔ آن افسر افتخار میان دو تا سه هزار سال شاهنشاهی و بزرگمقداری و سروری نهاده آمده است.

مناظر و وقایع مشابه در کتاب استاد طوس بسیارست و داستانها بدان گونه است که سراینده‌را از دوباره‌گویی و تکرار گزیری نمی‌ماند اما هنر آنست که شاعر از همانندی بیمانندی پدید آورده است.

آفتاب بمناسب در سراسر شاهنامه به بسیار موضع از خاوران سر می‌زند، اما هر بار به شکلی این بت عیار بعبارت در می‌آید و جامه از لفظی دیگر می‌پوشد و از شاعرانه تعبیری دیگر جانی می‌گیرد. و حال

بدین گونه است مناظر و مسایل دیگر را چون پهنه‌های نبرد و آغاز و انجام پادشاهیها و گفتگوی همبردان و پیام زور آوران و نر مگوی باریک اندیشان و جز آن.

سخن فردوسی به بسیار جای حد اعلاّی فصاحت و ایجاز است. مواردی هست که کلام او با نهایت کوتاهی که دارد به شرحی در حد کتابی نیازمندست. به بیت زیرین توجه فرمایید که پیام درشت و نامه بسم دهنده فرمانروایی را از آغاز تا پایان به گوش شما فرو می خواند در کمترین مقدار لفظ و متناسب با منظومه پهلوانی:

یکی نامه باید چو برنده تیغ

پیامی بکردار غرنده میغ

وصف رسولی آگاه دل با چشمانی باز و ظاهری آراسته به صلاح را

از این مختصر تر و دقیقتر کجا می توان یافت:

فرستاد باید فرستاده‌ای

درون پرز مکر و برون ساده‌ای

راستی آنست که آن گفته نظامی عروضی که به بیستی چند در باره نامه‌ای که «زال همی نویسد به سام نریمان به مازندران، در آن حال که با رودابه دختر شاه کابل پیوستگی خواست کرد» مقصور شده است و بدین عبارت است:

«من در عجم سخنی بدین فصاحت نمی بینم و در بسیاری از سخن عرب هم!»

بر بسیاری از تعابیر شاعرانه و ابیات بلند شاهنامه صادقست.

و اینکه بر زبان استاد رفته است که در کتاب او بیت بدکم از پانصدست

اگر بر فروتنی وی حمل نشود، سخت واضحست که در کتابی با آن

اندازه شعر و یکسانی بسیاری از وقایع و یکنواختی انبوهی از مسایل و مطالب، پهلوانی پرمایه چون فردوسی تواند که چنان آسان از ناهمواریها بگذرد و از دشوار تنگناها چست بیرون آید و دامن از خار خارزارها فراچیند.

استاد طوس بدینسان و الامقام شاعر است که سخن از کرسی فرود آمده را بار دیگر بر برده است و بر کرسی نشانده.

این گرانمایه سخنور خرد پیشه سخن را بر کرسی نشانده است اما کاری که بدان دست زده است از روی اندیشه ژرف و بینش و دانش بوده است و سر اینده خود چنانکه گفتیم نتیجه کار را از پیش می دانسته است: «ایران» را و «زنده و جاویدماندن آن به پارسی سخن خود را».

امروزه برای ما ملیت و قومیت و سرزمین نیاکان و بستگیهای مادی و معنوی که با آن داریم و تارها که رگ جانمان را بدان باز بسته است از بسیاری وضوح و روشنی که دارد امری متعارف شده است و ارج واقعی آن جز بدان هنگام که پای سنجش با دور نمای قرون و اعصار پیش آید، آشکارا نمی شود. تاپای تاخت و تازها، غارتها، لشکر کشیها، دست بدست گشتن سرزمینها، ویرانیها و نابسامانیها در میان نیاید، ارزش وحدت کلمه و ثبات وضع و پایداری آثار هنری و حفظ شئون اجتماعی معلوم نمی گردد. چه بگفته سخنور نامی شیراز سعدی تا کسی به مصیبتی گرفتار نیاید قدر عافیت نتواند دانست. و این فردوسی بزرگست که در میان آشتکیها و نابسامانیها ارج و فر «ایران» را بد معنای وسیع کلمه و با همه مفاهیم آن معتقدانه بگوشها فرو خوانده است و نغمه دل انگیزش نیز انصاف را که بس خوش آهنگ افتاده است.

چهار

باری کتاب حاضر که نزدیک به نیمی از نخستین مصراعهای آیات شاهنامه را به ترتیب حروف الفبا در بردارد نردبان نیست که بدان آسان به بام آسمان سخن فردوسی بر توان رفت. و هر چند آن خود در حکم شبهیست که در رشته جواهر آثار سخنوران نامور و سخنشناسان دل آگاه و باریک اندیشان نقاد کشیده شده است.

مجلد اول کشف الایات از آغاز حرف «الف» تا پایان «ج» و مجلد دوم از حرف «ح» تا آخر «ی» را در بردارد و چنانکه گفتیم راهنمایست تا پژوهندگان موضع هر بیت را در کتاب عظیم شاهنامه به کمترین مدت بیابند و موقع آن را بدانند.

در مقدمه شرح چگونگی تهیه این فهرست باید بگویم که شاهنامه استاد را دوازده سال پیش از روی چاپی که ترنرماکان در کلکته پس از مقابله متن آن با نزدیک به سی نسخه شاهنامه به چاپ رسانیده بود در تهران طبع و نشر کردم و بار دیگر نزدیک به پنجاه سال پیش با اصلاح نادرستیها که در طبع کلمات رخ داده بود چاپ دیگری از روی آن بصورت افست ترتیب دادم. در این دو چاپ علائم قرار دادی تقسیماتی را که «ولف» دانشمند آلمانی برای تهیه فهرست لغات شاهنامه در نظر گرفته بود بالای صفحات قید کردم و شماره آیات را در کنار صفحات ثبت نمودم. در تهیه کشف الایات حاضر نیز از همان علائم و تقسیم پیروی کرده ام و شرح آن که خوانندگان عزیز باید بر آن واقف باشند چنین است که:

«فریتز ولف» داستان شاهان مذکور در شاهنامه را برای تقسیم کار و تهیه فهرست لغات خود استقلال داد و مجزا در نظر آورد و به ترتیب زمان پادشاهی هر یک را با شماره ای مشخص ساخت چنانکه به داستان کیومرث

پنج

شماره ۱ داد و به داستان هوشنگ شماره ۲ و بهمین نحو به بازپسین پادشاه مذکور در شاهنامه که یزدگرد پسر شهربار باشد شماره ۵۰ و مقدمه شاهنامه را نیز با نشانه حرف E معین گردانید و سپس ابیات داستان هر شاه را جداگانه شماره گذاری کرد چنانکه مثلاً پادشاهی کیومرث که شماره ۱ دارد بر ۷۶ بیت و پادشاهی هوشنگ که شماره ۲ دارد بر ۴۷ بیت و داستان یزدگرد شهربار که شماره ۵۰ دارد بر ۹۶۲ بیت مشتمل شده است. در این میان چون در پادشاهی کیکاوس و سلطنت کیخسرو چند داستان فرعی قرار گرفته است، «ولف» به این داستان‌ها به ترتیب نیز شماره فرعی داده است و ابیات هر کدام را جداگانه تعداد کرده، چنانکه مثلاً در پادشاهی کیکاوس، که شماره ۱۲ دارد، داستان رستم و سهراب شماره فرعی c ۱۲ یافته و ابیات آن جداگانه ۱۶۷۵ بیت شماره گذاری گردیده است و در پادشاهی کیخسرو که شماره ۱۳ دارد داستان بیژن و منیژه شماره فرعی g ۱۳ یافته و ابیاتش به ۱۳۵۰ بر آمده است.



در کشف الابیاتی که برای برخی کتابها ترتیب داده اند چون کشف الابیات مثنوی مولوی و غیره شماره صفحات کتاب و شماره ابیات مثنوی را برای نشان دادن محل بیت در نظر گرفته اند، و نگفته خود پیدا است که چنین کشف الابیاتی فقط برای همان چاپی که کشف الابیات بر مبنای آن ترتیب داده شده است مفید می تواند باشد، در حالیکه رعایت تقسیم «ولف» این حسن را دارد که فهرست بر تمام چاپهای شاهنامه، که بر اساس تقسیمات پنجاه گانه سلطنت شاهان شماره گذاری شوند، قابلیت انطباق می یابد و خود فهرست «ولف» نیز در آن واحد بر چندین چاپ (مثلاً چاپ پاریس و چاپ وولرس و چاپ کلکته و چاپ بروخیم و چاپ نگارنده

شش

و غیره) قابلیت تطبیق دارد. منتهی چون عدد ایات شاهنامه بر حسب نسخه‌ها تفاوت می‌کند، در هر يك از این چاپها بیت مطلوب ممکن است چند بیت پیشتر و یا پست‌تر از موضعی که فهرست نشان میدهد یافته‌شود.

نظر به اهمیت این تفسیم و تعمیم فایده آن در تهیه کشف الایات مبنای کار نگارنده نیز علائم تقسیمات «ولف» قرار داده شده است، یعنی مثلاً برای آنکه نشان دهیم بیت زیرین در کدام جای شاهنامه است:

چنین گفت کای جوشن کارزار

بر آسودی از جنگك يك روزگار

در فهرست نگفته‌ایم که بیت سی و يك هزار و ششصد و بیست و ششمین شاهنامه است و در صفحه ۱۴۸۲ (از چاپ نگارنده) واقعست، بلکه در ردیف الفبائی فهرست برابر مصراع اول بیت اعداد (۳۵۴۴، ۱۵) را قرار داده‌ایم که نشان می‌دهد این شعر بیست و سه هزار و پانصد و چهل و چهارم از پادشاهی پانزدهمین شاه شاهنامه یعنی گشتاسب است، و پژوهنده با مراجعه به پادشاهی گشتاسب یعنی قسمت شماره ۱۵ شاهنامه بیت مطلوب را در شماره‌ای که نموده شده است خواهد یافت، و در چاپهای مختلف نیز با اندکی اختلاف در تقدم و تأخر ایات به همین مقصود خواهد رسید.

البته ممکنست در خود بیت مطلوب نیز کلمات شعر در چاپهای مختلف شاهنامه دگرگون آمده باشد، مثلاً در مصراع زیر:

چنین است راز سپهر بلند

که مصراع اول بیت (۲۲۶۹، ۴۱) از فهرست ماست، در چاپ بروخیم که بیت ۲۳۲۳، ۴۱ شده مصراع بدینگونه ضبط گردیده است:

چنین است رای سپهر بلند

یعنی بر حسب ضبط نسخه‌ها يك جا «راز» و جای دیگر «رای» آمده است و پیداست که این گونه اختلاف کلمات از باب اختلاف ضبط نسخه‌هاست نه اینکه فهرست ما موجب این دگونی شده باشد.

ممکنست این اختلاف ضبط کلمات در نسخه‌ها مربوط به کلمه اول مصراع اول بیت بشود، در این صورت پیداست آنچه در نسخه چاپ کلکته (که مبنای چاپ نگارنده و تهیه کشف الایات حاضرست) آمده اساس ترتیب الفبایی فهرست ما نیز قرار گرفته است. و طبیعی است که اختلاف نسخه‌ها نباید موجب شود که تصور افتادگی در فهرست ما برود، باید بر حسب ضبط ما موضع بیت یافته شود و با تطبیق مضمون آن، بیت مطلوب در چاپ دیگری از شاهنامه تجسس گردد و صورت اختلافی کلمه آغاز بیت مشخص شود.



نکته گفتی دیگر آنست که مراجعان عزیز باید توجه داشته باشند که در ترتیب الفبایی فهرست ما مواضع ابیات، بسبب اختلاف املاء کلمه، گاه تغییر فاحش می‌یابد.

اصل اینست که کلمات استقلال دارند و باید در تهیه فهرست نیز با همان صورت مستقل مورد توجه واقع شوند. مثلاً «گفته است» را باید به صورت کامل آورد. و نیز «ازاو» و «که آمد» و غیره را. اما گاه علت یا عللی باعث می‌آید که کلمه شکل دیگری به خود گیرد و مخفف شود و ناچار این صورت اخیر در رعایت دقیق ترتیب الفبایی دیگر در جای صورت مستقل و کامل نمیتواند بنشیند. در مورد این صورت اخیر برای کلماتی که مثال آوردیم، یعنی بمناسبت، پای «گفتست» و «ازو» و «کامد» و غیره پیش می‌آید که در ترتیب الفبایی جایشان غیر از جای «گفته است» و «ازاو» و «که آمد» می‌شود

یکی از آن علل رعایت وزن شعر شاهنامه است که گاه صورت کامل کلمه‌ای یا ترکیبی در بحر متقارب بکار رفتنی نیست. بنابراین مقدمات چون نسخه‌های چاپهای شاهنامه در این مورد بر حسب سلیقه یا بی توجهی ناسخان و طابعان روش واحدی را رعایت نکرده‌اند، کار نگارنده این بوده است که تا آنجا که پای ضرورتی در میان نباشد هیئت مستقل و کامل کلمه را حفظ کند. و آنجا که ضرورت حاکم شود صورت اضطراری را ثبت نماید. و برای آنکه مراجعان گرامی تاحدی متوجه موارد اختلاف اصل استقلال کلمه یا هیئت مخفف آن شوند مواردی را که هنگام تهیه فهرست یادداشت کرده‌است ذیلاً یادآور می‌شود:

۱- «از آن»، هنگامی که روی حرف «ز» در تلفظ درنگ کنیم و یا بدون درنگ مجموع را به تلفظ آوریم به ترتیب به هیأت «از آن» و «ازان» ممکنست نوشته شود و هر دو صورت نیز در شاهنامه آمده‌است و صورت اخیر با بحر متقارب بیشتر هماهنگی دارد ولی چون تفکیک موارد ممکن نبود، به پیروی از رعایت اصل هیأت کامل کلمات همه جا «از آن» ضبط کرده‌ام و در ردیف الفبایی «ازان» را به «از آن» مراجعه داده‌ام.

۲- «از او»، با وزن شاهنامه هیأت مخفف آن یعنی «ازو» بیشتر متناسبست، از این جهت همه جا «ازو» ضبط کرده‌ام و در ردیف الفبایی «از او» را به «ازو» رجوع داده‌ام. صورت مخفف آن یعنی «زو» نیز همین حال دارد یعنی «ز او» نیاورده‌ام.

۳- «از ایدر» را به هیأت کامل آورده‌ام و «از یدر» را بدان مراجعه داده‌ام. مخفف آن «ز ایدر» را نیز به همین کیفیت آورده‌ام.

و «زیدر» را بدان مراجعه داده‌ام .

۴- «ازایرا» ، همه جا به هیأت کامل ضبط شده است و «ازیرا»

بدان رجوع داده شده . «از ایران» نیز همین حال دارد .

۵- «ازایشان» ، همه جا به هیأت کامل ضبط شده است و مخفف

آن «زایشان» نیز . «زیشان» و «زیشان» را بدان دو رجوع داده‌ام .

۶- «از این» ، اگر چه در بحر متقارب کمی تلفظ کامل آن

سنگین است اما همه جا هیأت کامل را آورده‌ام و «ازین» را بدان مراجعه

داده‌ام . و در مخفف آن نیز که «زاین» باشد ، بخصوص برای آنکه با

کلمه «زین» که معنی دیگر دارد اشتباه نشود .

۷- در ترکیباتی نظیر «از آتش» «از آذر» «از آواز» و نظایر

آنها همه جاهیات اصلی «آ» حفظ شده است و در ردیف خود آمده .

۸- «الف» آغاز کلمات در ردیف الفبایی همه جا پس از «آ» ضبط

شده است ، حتی جایی که حرف دیگری از قبیل «که» «به» و غیره به آن

ملحق شده باشد .

۹- «که» ، اگر جدا از کلمه آورده شده است یا در پایان کلمه

واقع شده حرف «ه» آخر آن در ردیف الفبایی به حساب آمده است .

اما اگر جدا از کلمه نیامده است یعنی به آغاز کلمه ای ملحق گردیده ناچار

صورت «ه» را از پایان آن برداشته‌ام و منحصرأحرف «ك» را به حساب

آورده‌ام ، بنابراین در ترکیبات «کاین» و «کز» و «کت» و «کش»

و «کشان» هیأت کامل «که این» و «که از» و «که ات» و «که اش»

و «که شان» را نیآورده و در ردیف محسوب نداشته‌ام . حتی درالحاق

به اسامی و افعال نیز مثلاً «کاندیشه» بجای «که اندیشه» و «کافروخته»

بجای «که افروخته» «کآمد» بجای «که آمد» و غیره .

۱۰ - « به » (حرف اضافی) همه جا با اسقاط حرف « ه » تحریر و محسوب شده است - حتی در الحاق به کلماتیکه با «الف» یا «آ» آغاز می شوند، مثلاً در باوردگاه (بجای : به آوردگاه) . با فراسیاب (بجای : به فراسیاب) و نیز بشب (بجای : به شب) . بدرگاه (بجای : به درگاه) و غیره . بآء تأکید چنانکه باید همه جا متصل به فعل آورده شده است چون : «برفت» «بگفت» و جز آن .

۱۱ - «است»، هنگامی که بدنبال کلمه «چنین» یا «چنان» آمده است هیأت کامل آن را بحساب آورده ایم : «چنین است» . نه صورت مخفف آن یعنی «چنینست» را .

و نیز در سوم شخص ماضی نقلی بر حسب مورد که رعایت وزن باشد هیأت کامل «است» و صورت آن مخفف هر دو بحساب آمده است . در الحاق به کلمات دیگر نیز اگر چه اصل تمامیت کلمه باید رعایت می شد اما گاه از این اصل در مجلد اول عدول شده است، ولی در قسمت دوم کتاب این نقیصه رفع گردیده است .

در الحاق به کلمات مختوم به «الف» یا «واو» نیز «است» به صورت مخفف بکار رفته است «تراست» بجای (ترا است) ؛ «اژدهاست» بجای (اژدهاست) ؛ «مینوست» بجای (مینواست) و غیره .

۱۲ - «چنو» در مواردی به هیأت مخفف آمده است و در مواردی به هیأت کامل یعنی «چون او» ضبط شده است و بدیهی است که مورد استعمال هر هیأتی بستگی به بحر متقارب یا موزون قرار گرفتن کلمه در مصراع داشته است چنانکه در مثال : «چنو شهر یاری نبد در جهان» هیأت مخفف

و در مثال: «که چون او دلیری به گیتی نبود» صورت کامل باید بکار میرفت و ناگزیر هر هیأت و شکلی نیز ردیف الفبایی خود جای یافته است.

۱۳ «برو» به هیأت اصلی برگردانده شده است یعنی «بر او».

هر چند که صورت «برو» با وزن شاهنامه ملایم تر است.

۱۴ - «بر این» به هیأت اصلی آمده است نه بصورت «برین».

۱۵ - «کو» به همین هیأت مخفف آمده است زیرا صورت کامل آن یعنی «که او» را وزن شاهنامه همه جا بر نمی تابد البته در مواردی «که او» نیز به کار رفته است.

۱۶ - «درو» بر حسب مورد یعنی در مواردی که رعایت وزن ایجاب می کرده است به صورت کامل «دراو» و در مواضع دیگر به صورت مخفف آمده است.

۱۷ - «در این» به هیأت کامل آمده است نه به شکل مخفف «درین».



نکته گفتنی دیگر آنکه حتی المقدور کوشیده ام که تمام کلمات مصراع اول را - البته تا آنجا که آوردن همه کلمات مصراع نظام مصراعها را درستون فهرست بهم نزنند - بیاورم. و نیز بدنبال این منظور کوشا بوده ام که فهرست چنان تنظیم شود که پژوهنده با مصراعهای مشابه مواجه نشود و مجبور نگردد که با مراجعه به متن شاهنامه از میان مصراعهای مشابه مصراع بیت منظور خود را پیدا کند. اگر در چند مصراع تعدادی از کلمات که در نظام سطرها می توانستند جا بگیرند مشابه واقع می شدند و امکان آن نبود که کلمه یا کلمات آخر مصراع را که ممیز و مشخص هر مصراع از مصراع دیگر می شوند بیاورم، با گذاردن علامت ستاره در پایان هر سطر و قرار دادن همان علامت ستاره در پای صفحه توضیح داده ام

دوازده

که کلمه یا کلمات غیر مشابه آخر هر مصراع چیست . از باب مثال فرض کنیم که در دو مصراع ذیل :

چنین گفت رستم باسفنندیار

و
چنین گفت رستم بافراسیاب

فقط کلمات مشابه «چنین گفت رستم» در هر سطر فهرست می توانسته است جا بگیرد، در این حال با گذاردن علامت ستاره در پایان کلمات مشابه

چنین گفت رستم *

چنین گفت رستم *

در پاورقی توضیح داده ام که علامت ستاره* در سطر اول بجای «باسفنندیار» و در سطر دوم بجای «بافراسیاب» آمده است .

گاه نیز آخرین کلمه مشابه مصراعها را حذف کرده و بجای آن علامت ستاره گذارده ام و کلمه یا کلمات مختلف آخر مصراع را ثبت کرده ام چنانکه فرضاً در همان مثال بالا کلمه «رستم» را که در هر دو مصراع آخرین کلمه مشابه واقع شده است حذف و علامت ستاره بجای آن گذارده ام چنین:

«چنین گفت * باسفنندیار»

و
«چنین گفت * بافراسیاب»

و در پاورقی توضیح داده ام که ستاره در هر دو موضع بجای کلمه «رستم» آمده است .

تنها مورد استثنایی این قرارداد آنجا بوده است که دو یا چند مصراع در تمام کلمات با هم یکی بوده اند و ناگزیر نشان دادن آخرین کلمه یا کلمات مصراعها با علامت ستاره راهبر پژوهنده به اینک که مطلوب او کدام بیت است نمی توانسته است بشود. در این گونه موارد تنها به بیان

سیزده

مقدار کلمه که در سطر جامی گرفته است اکتفا شده است .

☆ ☆

با اینکه کوشش فراوان بکار رفت که کلمات درست چاپ شوند و حروف دور از نادرستی و اشتباه بر آیند مع الاسف در تعدادی از کلمات نادرستی رخ داده است و برای اینکه پژوهندگان ارجمند بدان مواضع و کلمات واقف باشند، جدولی از کلمات نادرست در هر دو مجلد ترتیب داده و در مجلد اول به پایان پیشگفتار و در مجلد دوم به پایان کتاب افزوده ام تا بر اساس آن نسخه خویش را منقح سازند. همچنین چند مصراع از مواضع الفبایی خویش بدور افتاده بود که از آنها نیز جدولی ترتیب داده و به پایان پیشگفتار در مجلد اول و پایان کتاب در مجلد دوم ملحق ساخته ام تا هر کدام را بجای خویش ثبت کنند و کتاب را بار فاع این نقیصه کمال بخشند.

☆ ☆

باز پسین سخن من سپاسی است که باید از انجمن آثار ملی ایران که تنظیم و چاپ کتاب حاضر را مشوق و بانی بوده اند داشته باشم. از خداوند بزرگ توفیق هیأت مدیره محترم انجمن و کارکنان کوشا و دلسوز آن را خواستارم.

☆ ☆

نمودار تقسیمات داستانهای شاهان شاهنامه و شماره آیات هر یک به پایان این پیشگفتار افزوده می شود تا در یافت کیفیت تنظیم این فهرست را بیش روشنگری کند و خود پیدا است که شماره آیات بر اساس مجلدات پنجگانه شاهنامه چاپ نگارنده که بر مبنای چاپ کلکته طبع شده - نموده شده است .

تهران - تجریش

مجلد اول اسفندماه ۱۳۴۷ هجری خورشیدی.

مجلد دوم خردادماه ۱۳۵۰ هجری خورشیدی.

دکتر محمد دبیرسیاقی.

چهارده

نمودار

تقسیمات شاهان شاهنامه و داستانها

و شماره بیتهای هر يك

بیت ۲۴۳	= E مقدمه شاهنامه
بیت ۷۶	= ۱ پادشاهی کیومرث
بیت ۴۷	= ۲ پادشاهی هوشنگ
بیت ۵۱	= ۳ پادشاهی طهمورث
بیت ۲۲۷	= ۴ پادشاهی جمشید
بیت ۵۵۳	= ۵ پادشاهی ضحاک
بیت ۱۲۶۵	= ۶ پادشاهی فریدون
بیت ۲۱۸۴	= ۷ پادشاهی منوچهر
بیت ۶۹۰	= ۸ پادشاهی نوذر
بیت ۵۴	= ۹ پادشاهی زو
بیت ۲۹۲	= ۱۰ پادشاهی گرشاسپ
بیت ۳۲۷	= ۱۱ پادشاهی کیقباد
بیت ۱۲۱۲	= ۱۲ پادشاهی کیکاووس
بیت ۱۰۳۶	= ۱۲b رزم کاووس با شاهاماوران
بیت ۱۶۷۵	= ۱۲c داستان سهراب
جمع ابیات مجلد اول ۹۹۳۳	
بیت ۳۹۰۶	= ۱۲d داستان سیاوش
بیت ۱۶۱۰	= ۱۲e حوادث پس از کشته شدن سیاوش
بیت ۱۹۳۱	= ۱۳ پادشاهی کینخسرو
بیت ۱۷۰۷	= ۱۳b داستان کاموس کشانی
بیت ۱۶۲۳	= ۱۳c داستان رستم باخاقان چین

پانزدہ

بیت ۲۳۹	داستان رستم با اکوان دیو = ۱۳d
بیت ۱۳۵۸	داستان بیژن با منیڑہ = ۱۳e
جمع ابیات مجلد دوم ۱۱۳۷۳	
بیت ۲۵۵۷	داستان دوازده رخ = ۱۳f
	داستان لشکر آراستن کیخسرو = ۱۳g
بیت ۳۲۸۹	با افراسیاب
بیت ۹۳۰	پادشاهی لہراسپ = ۱۴
بیت ۴۶۹۹	پادشاهی گشتاسپ = ۱۵
بیت ۱۶۹	پادشاهی بہمن اسفندیار = ۱۶
بیت ۳۱۹	پادشاهی ہمای = ۱۷
بیت ۱۳۷	پادشاهی داراب = ۱۸
بیت ۴۸۵	پادشاهی دارا پسر داراب = ۱۹

جمع ابیات مجلد سوم ۱۲۵۸۵

بیت ۲۰۶۹	پادشاهی سکندر = ۲۰
بیت ۷۱۷	پادشاهی اشکانیان = ۲۱
بیت ۶۸۱	پادشاهی اردشیر بابکان = ۲۲
بیت ۹۳	پادشاهی شاپور پسر اردشیر = ۲۳
بیت ۹۶	پادشاهی اورمزد پسر شاپور = ۲۴
بیت ۴۱	پادشاهی بہرام پسر اورمزد = ۲۵
بیت ۲۹	پادشاهی بہرام پسر بہرام = ۲۶
بیت ۱۴	پادشاهی بہرام بہرامیان = ۲۷
بیت ۲۵	پادشاهی نرسی پسر بہرام = ۲۸
بیت ۶۲۵	پادشاهی اورمزد پسر نرسی = ۲۹
بیت ۶۷۹	پادشاهی شاپور ذوالاکتاف = ۳۰

شانزده

بیت ۱۶	= پادشاهی اردشیر نیکوکار	۳۱
بیت ۳۵	= پادشاهی شاپور پسر شاپور	۳۲
بیت ۳۲	= پادشاهی بهرام پسر شاپور	۳۳
بیت ۷۰۱	= پادشاهی یزدگرد بزه گر	۳۴
بیت ۲۶۶۱	= پادشاهی بهرام گور	۳۵
بیت ۲۶	= پادشاهی یزدگرد پسر بهرام	۳۶
بیت ۲۰	= پادشاهی هرمز پسر یزدگرد	۳۷
بیت ۱۳۹	= پادشاهی پیروز پسر یزدگرد	۳۸
بیت ۱۹۶	= پادشاهی بلاش پسر پیروز	۳۹
بیت ۴۰۳	= پادشاهی قباد پسر پیروز	۴۰

جمع ابیات مجلد چهارم ۸۶۹۸

بیت ۴۶۴۹	= پادشاهی انوشیروان	۴۱
بیت ۱۹۸۸	= پادشاهی هرمز پسر انوشیروان	۴۲
بیت ۴۲۶۸	= پادشاهی خسرو پرویز	۴۳
بیت ۶۴۳	= پادشاهی قباد (شیرویه)	۴۴
بیت ۹۲	= پادشاهی اردشیر پسر شیروی	۴۵
بیت ۸۹	= پادشاهی گراز (فرابین)	۴۶
بیت ۳۳	= پادشاهی پوران دخت	۴۷
بیت ۱۵	= پادشاهی آزر م دخت	۴۸
بیت ۳۳	= پادشاهی فرخ زاد	۴۹
بیت ۹۶۲	= پادشاهی یزدگرد شهریار	۵۰

جمع ابیات مجلد پنجم ۱۷۶۷۲

جمع ابیات مجلدات پنجگانه ۵۵۲۶۱

حصاری شدند آن سپه در	۵۹ ، ۳۰
حصیری بگسترده و بالن	۶۹۸ ، ۳۵
حکیمماچوکس نیست گفتن	۳۲ ، E
حکیم ارسطالیس پیش اندر	۱۹۴۵ ، ۲۰
حکیمان برفتند با او بهم	۱۵۵ ، ۲۰
حکیمان داننده و هوشمند	۱۱۸۵ ، ۴۱
حکیمان رومی شدند	۱۹۴۹ ، ۲۰
حکیم این جهان را جو دریا	۱۰۹ ، E
حکیمی بزرگ ارسطالیس	۲۸ ، ۱۹
حلب شد بگردار دریای	۶۲۶۹ ، ۴۱
حماین یکی دشنه اندر	۷۱۲ ، ۷
حوصل فشانده می هر	۶۹۷ ، ۳۴
حیی قتیبه است از آزادگان	۹۴۵ ، ۵۰

ح

حدیث پراکنده بپراکند	۳۵۶۰ ، ۴۱
حدیث فرستادگان در	۲۰۳۸ ، ۴۱
حرامست می بر جهان سر	۳۱۸ ، ۳۵
حرم تایمن پاک در دست او	۷۰۰ ، ۲۰
حسد برد بدگوی در کار	۳۵۳۸ ، ۴۳
حصار سقیلا بپرداختند	۴۲۶۸ ، ۴۱
حصاری بد از پیش قلب	۷۵۹ ، ۱۳g
حصاری ز سنگست بالای	۱۹۹۶ ، ۷
حصاری شدند آن پرزگنج	۵۲۴ ، ۲۱



خ

خبر یافت ماهوی سوریان	۸۴۳	۵۰
خبر یافت ماهوی سوری که	۴۶۸	۵۰
خجسته بدی در که کیباد	۳۴۸۵	۱۵
خجسته بروم پیوستگی	۱۶۸۵	۱۲d
خجسته بروم زابل که	۱۳۰۷	۱۳e
خجسته بزرگان و شاهان	۳۱۹۸	۱۵
خجسته بی و نام او زرد	۴۴	۱۵
خجسته سپهدار بسیار هوش	۱۰۰۵	۱۳f
خجسته سروشست بر گاه	۲۱۰۰	۴۱
خجسته شهنشاه پیروز	۲۴۸۲	۴۱
خجسته فریدون ز مادر	۱۱۶	۵
خجسته متوجه بر دست	۷۰۲	۶
خجسته نشست تو با فرقی	۴۲۰	۵
خجسته نشستی و شاد آمدی	۱۱۵۷	۱۳g
خجسته نیارا که اینست	۴۰۰	۱۳f
خداوند آن شهر نیکوتر	۱۹۵۵	۱۲d
خداوند اینان و توران	۴۳۵۷	۱۵
خداوند این را ندانیم کس	۱۱۹	۱۰
خداوند بخشایش و راستی	۳۸	۳۵
خداوند بخشایش و فر و زور	۱۷۰۲	۳۵
خداوند بخشنده و در راست	۷۴۴	۲۰
خداوند بخشنده کار ساز	۶۷۵	۱۲e
خداوند بخشنده و دادگر	۳۰۱	۲۰
خداوند بهر امر کیوان و	۱۰۵۷	۱۲d
خداوند بی یار و ایثار و	۲۱۱	۱۱
خداوند پیر و زان کوی زیاد	۴۱	۲۴
خداوند پیر و زان کوی تری	۳	۳۵
خداوند پیر و زان کوی گاه	۱۵۸۹	۳۵
خداوند پیر و زان کوی گاه	۲۳۹۷	۱۵
خداوند تاج آفرینان	۲۰۹۸	۳۵

خبر چون بشاه سمنگان	۱۲۷	۱۲c
خبر چون بنزدیک پوران	۹	۴۷
خبر چون بنزدیک توران	۷۰۳	۱۲d
خبر زو بشاه سمنگان رسید	۱۶۰۸	۱۲c
خبر زین بشهر مد این	۷۸۹	۴۱
خبر شد از ایشان بکار آگه	۱۳۶۸	۱۳
خبر شد بیژن که گستم	۲۲۲۲	۱۳f
خبر شد بیژن که هومان	۵۹۶	۱۳f
خبر شد بترکان که آمد	۹۴۰	۱۳g
خبر شد بترکان که زو	۴	۱۰
خبر شد بتوران کز ایران	۱۱۳۷	۱۳
خبر شد بدیشان که پیران	۲۲۲۰	۱۳f
خبر شد بدیشان که کاووس	۵۹	۱۲b
خبر شد بر بهمن اردوان	۳۰۹	۲۱
خبر شد بر شاه مازندران	۲۲۸	۱۲
خبر شد بضحاک بدر روزگار	۱۵۷	۵
خبر شد بطوس و بگودرز	۹۹	۱۲
خبر شد بگیتی که فرزند	۱۲۶۲	۱۲e
خبر شد بنزدیک افراسیا	۲۳۵	۱۲c
خبر شد کز ایران یکی کار	۹۶۵	۱۳e
خبر شد که آمد ز ایران	۱۲۳۸	۱۳
خبر شد که سام نریمان	۱۶۸	۸
خبر شد هم آنکه با فراسیا	۱۳۳۴	۱۳g
خبر شد هم آنکه بیانو	۶۱۴	۱۲e
خبر یافت زورستم و گیو	۶۴۹	۱۲b
خبر یافتم از فریدون و	۵۹۷	۳۵

خداوند کویال و شمشیر و	۱۲ ، ۲۰	خداوند تاج و تاج و تاج	۱۹۹۰ ، ۱۲۱
خداوند کویال و شمشیر و	۶۶۳ ، ۲۲	خداوند تاج و خداوند *	۱۹۲ ، E
خداوند کیوان و بهرام و	۳ ، ۱۳b	خداوند تاج و خداوند *	۵۷۱ ، ۱۳c
خداوند کیوان و بهرام و	۱۵۲۲ ، ۱۲e	خداوند تاج و خداوند *	۲ ، ۱۳g
خداوند کیوان و خورشید	۱۲۳۹ ، ۷	خداوند جوی می و انگبین	۱۱۷ ، E
خداوند کیوان و خورشید	۶۷۳ ، ۱۲e	خداوند خانه پیوند سخت	۷۶۸ ، ۳۵
خداوند کیوان و خورشید	۲۱۲۷ ، ۴۱	خداوند خوانده می مهر	۲۴۲۸ ، ۴۳
خداوند کیوان و گردان *	۹ ، ۲۶	خداوند خواندیش بیت-	۶۸۰ ، ۲۰
خداوند کیوان و گردان *	۱۳۱۶ ، ۱۳c	خداوند خورشید و گردا	۹۹۷ ، ۱۳c
خداوند کیوان و ناهید	۲۳۹۶ ، ۱۵	خداوند خورشید و گردنده	۷۱۴ ، ۱۲d
خداوند کیهان و گردان	۳ ، E	خداوند دارنده هست و	۱۷۶۶ ، ۱۲d
خداوند گاو و خر و گوسفند	۲۷۸ ، ۳۵	خداوند دارنده یار توباد	۲۴۳۴ ، ۳۵
خداوند گردنده بهرام و	۳۷۰ ، ۵۰	خداوند دانایی و تاج و	۲۱۳۰ ، ۴۱
خداوند گردنده چرخ	۱۵۹۰ ، ۳۵	خداوند دانایی و فرهی	۱۲۴۷ ، ۳۵
خداوند گردنده خورشید	۷۴۳ ، ۷	خداوند دولت خداوند	۱۹۴۳ ، ۳۵
خداوند گردنده خورشید	۴۶۰ ، ۴۱	خداوند را دیدم اندر	۱۱۰ ، ۱۵
خداوند گفت این سرای	۱۱۵۶ ، ۳۵	خداوند رای و خداوند داد	۹۶۱ ، ۱۲d
خداوند گیتی پناه توباد	۱۱۸۸ ، ۱۳c	خداوند رای و خداوند شرم	۱۷۶ ، E
خداوند گیتی پناه توباد	۳۹۸۱ ، ۴۱	خداوند رز چون کمردید	۲۷۵ ، ۴۲
خداوند گیتی ، خداوند مهر	۶۷۶ ، ۱۲e	خداوند زیبا و بر ترمنش	۵۹ ، ۱۳g
خداوند گیتی و رایار باد	۳۰۱۱ ، ۱۳g	خداوند شرم و خداوند	۱۲۳۱ ، ۱۲d
خداوند ما و شما خود یکی	۱۴۰۰ ، ۷	خداوند شمشیر و زرینه	۱۲ ، ۷
خداوند ماه و خداوند هور	۲۱۴۷ ، ۴۳	خداوند شمشیر و گاه و	۴۲۹ ، ۲۰
خداوند مردی و رای و	۲۳۷ ، E	خداوند فرهنگ و پرهیز	۱۶۹۱ ، ۲۰
خداوند مهری بسیر رخ	۱۰۶ ، ۷	خداوند کشته بر شهریار	۲۵۵ ، ۴۲
خداوند نام و خداوند جا	۲ ، E	خداوند کشته بگفت اسب	۲۵۳ ، ۴۲
خداوند ناهید و بهرام و	۲۰۷۶ ، ۷	خداوند کویال و تیغ	۱۰۰۶ ، ۱۲f
خداوند ناهید و بهرام و	۱۵ ، ۸		

(۵) مقارنه در ستون اول بترتیب بجای « تخت » و « گنج » و « گنج »
 در ستون دوم بترتیب بجای « سپهر » و « کلاه آمده » است .

خراسان سر اسیر بگستهم	۲۲۵۲	۴۳	خداوند نیروی و فرزانیکی	۲۰۸۱	۷
خراسان و مکران زمین	۱۲۱۰	۱۳g	خداوند نیکی ده ورهنما	۲۳۹۸	۱۵
خراسیدن مریم دو رخسار	۱۹۹۸	۴۳	خداوند هست و خداوند	۷۹۵	۷
خرام آرو گردنکشانرا	۶۱۲	۱۳	خداوند هست و خداوند	۱۹۱۷	۳۵
خرامان از آنجا بیامد	۶۰۴	۱۳e	خداوند هستی و هم راستی	۶۷۴	۱۲e
خرامان بایوان خسرو	۱۳۴۹	۱۳c	خداوند هستی و هم راستی	۲	۱۳b
خرامان بدان بزمگاه	۲۲۴۰	۳۵	خداوند هند و خداوند	۵۸	۱۳g
خرامان بر شهر یار آمد	۱۱۳	۱۲d	خداوند هوش و روان و	۱۲۳۹	۱۲d
خرامان برفت از بر تخت	۴۳۴	۷	خداوند هوش و زمان و	۹۶۲	۱۲d
خرامان بشد سوی آن	۱۳۰۶	۱۲c	خدایا ببخشا گناه و را	۱۵۷	E
خرامان بگرد کلان بن	۱۵۶	۱۳e	خدای جهان را نیاید نیاز	۶۸۲	۲۰
خرامان بیامد بشهر صطخر	۱۶۳۰	۳۵	خدای جهان مر ترا باد	۵۸۴	۱۴
خرامان بیامد بنزدیک	۷۱	۶	خدنگش بسندان گذاره	۵۵۱	۳۴
خرامان بیامد بنزدیک	۸۸۳	۲۰	خدنگش چو از شست کرد	۱۰۶۳	۱۲
خرامان بیامد ز پرده سرا	۲۸۳۷	۱۵e	خدنگم ز سندان گذر	۳۸۴۵	۱۵
خرامان بیامد سیاوش	۲۸۶	۱۲d	خدنگی بر آتش بزده همچو	۱۹۱۱	۱۳f
خرامان ز کابلستان آمد	۵۶۰	۷	خدنگی بر آورد پیکان چو	۱۵۱۴	۱۳b
خرامان شدم پیش آن	۷۸۳	۶	خدنگی بر اسپ سپهبد بزود	۸۷۸	۱۳
خرامان و تازان رسیدی	۲۵۴	۱۰	خدنگی ببنداخت مرد	۲۴۸۳	۴۳
خرامان همی رفت بهرام	۱۹۵۸	۳۵	خدنگی ببنداختی چار پیر	۸۹۴	۱۳c
خرامد مگر پهلوان با	۶۱۹	۷	خدنگی دیگر باره هم چار	۱۴۹۸	۱۲d
خرامید با بنده ای پر شتاب	۵۳۸	۷	خدنگیش بر زمین و بر -	۱۶۲۱	۱۳f
خرامید بر گاه و باره	۸۳۱	۱۵	خدنگی که پیکانش بدید	۳۹۴	۱۲e
خرامید بندوی نزدیک	۲۰۳۲	۴۳	خدنگی که پیکانش یازد	۹۰۱	۴۲
خرامید تا پیش آورد گاه	۷۵۷	۱۵	خدنگی گزین کرد پیکان	۹۲۳	۴۲
خرامید تا در میان سپاه	۷۲۵	۱۵	خراج اندر آن بوم برداشتی	۴۱۹	۲۲
خرامید تا نزد دستور	۷۳۹	۱۵	خراسان بدوداد بالشکر	۱۷۸۵	۴۲
خرامید خندان و بر خوان	۲۱۷۷	۴۳	خراسان بگفت این و لب	۸۷۰	۴۳
خرامید ارا بید و در آنجا	۱۲۷	۱۷	خراسان ترا دادم آباد	۱۷۲۱	۳۵
خرامید گر سیوز از پیش	۴۳۵	۱۳e	خراسان سخن بر منش و وار	۸۹۱	۴۳

خرامیدم از پیش آن انجمن	۱۹۸	۱۲e	خرد را بپرسید بنیاد	۴۰۰۴	۴۱
خرامید و شد سوی آرامگاه	۴۸	۷	خرد داند آکنده راز	۱۷۹۱	۳۵
خرامید و نیزه بچنگ اندر	۶۷۹	۱۵	خرد را بر آن گفته هاشاه	۲۸۸۳	۴۳
خرامید بکسر بدرگاه	۱۷۳	۴۱	خرد را چو بادانش انباز	۲۸۹۵	۴۳
خرامی نیز زید مهمان تو	۳۱۴۲	۱۵	خرد را کند پادشا بر هوا	۱۳۸۰	۴۱
خرد از سرش رفته و هوش	۶۷۷	۱۲	خرد را کنی بردل آموز-	۴۱۶۳	۴۱
خرد افسر شهر یاران بود	۱۹	E	خرد را مه و خشم را بنده	۴۶	۲۴
خرد افسر شهر یاران بود	۱۹۲۵	۳۵	خرد را او جان را که یارد	۳۱	E
خرد پاد جان تر اهنمون	۲۸۱۲	۱۳g	خرد را او جان راهمی سنجد	۱۰	E
خرد پاد جان تر اهنمون	۲۵۵۰	۴۱	خرد را او دین راره می دیگر	۷۰۹	۱۲b
خرد پاد دل روشن انباز کرد	۲۷۹۸	۴۱	خرد را همی خیره بفریفتند	۱۴۲	۴۱
خرد باشدت زین سخن	۱۵۰۹	۴۱	خرد رهنمای و خرد دلگشا	۲۱	E
خرد باید اندر سر مرد کار	۱۱۱۰	۱۳	خرد زان چنان مرد بیگانه	۹۳۴	۵۰
خرد باید اندر سر شهر یار	۶۹۷	۱۲c	خرد زنده جاودانی شناس	۲۰	E
خرد باید ودانش و راستی	۴۳۳	۲۰	خرد شاه باید زبان پهلوان	۴۴۵	۳۵
خرد باید و نام و فر و نژاد	۴۰۱۱	۴۱	خرد کز پس آمد ز پیش	۱۲۴۴	۱۳۴
خرد بردل خویش پیرایه	۱۶۶۱	۳۵	خرد کوبدین گفتها نگرود	۱۸۱	۱۳d
خرد بهتر از هر چه ایزد	۱۸	E	خرد گر سخن برگزیند	۸	E
خرد پاسبان باشد و نیک	۱۰	۲۳	خرد گیرد از فر و فرهنگ	۲۳۰۶	۴۱
خرد تیره و مرد روشن روان	۲۳	E	خرد گیر کار ایش جان	۶۲	۲۴
خرد چشم جانست چون	۲۸	E	خرد مندازان خود کی	۱۶۴۷	۴۱
خرد چون بود با دلاور	۳۵۳	۴۱	خرد مندا از این کار خندان	۳۲۰۱	۱۳g
خرد چون شود که ترو نام	۱۸۲۲	۱۳g	خرد مند بادی و پیر و زرای	۲۸۱۳	۱۳g
خرد خود یکی خلعت ایزد	۲۵۷۸	۴۱	خرد مند باش و بی آزار	۳۰۵۰	۱۳g
خرد داد و جان و تن زور	۱۴۴۸	۱۳	خرد مند باشید و پا کیزه	۱۱۷۳	۶
خرد داد و گردان سپهر	۸۲۴	۱۲	خرد مند باشید و روشن	۱۲۰۲	۴۳
خرد دارد ای پیر بسیار	۱۷۸۵	۳۵	خرد مند با مردم پارس	۲۰	۲۴
خرد دارد و هوش و رای	۱۳۶۱	۱۲d	خرد مند باید جهاندار	۶۰۰	۲۲
خرد در جهان چون درخت	۱۲۹۴	۴۱	خرد مند باید که باشد و پیر	۱۵۵۴	۴۱
خرد در زمانه شهنشاه	۲۳۵۰	۴۱	خرد مند بزود آه ن جو	۴۱۰	۲۰

خردمند کار و خواران زمین	۸۶۶ ، ۱۳e	خردمند بنشست بارای	۲۲۶۲ ، ۴۱
خردمند کاین داستان	۱۷ ، ۱۳d	خردمند بهرام از آن شاد	۲۸۴ ، ۳۴
خردمند کردشمنان و در	۱۱۴۹ ، ۴۱	خردمند به کو ندارد	۱۲۵۲ ، ۴۱
خردمند کز دور دریا	۱۱۳ ، E	خردمند پیشرم خواندمرا	۲۹۰۸ ، ۴۳
خردمند کسری بچکان	۲۸۱ ، ۴۱	خردمند بیگانه خواند	۲۲۷ ، ۱۳b
خردمند کودل کند بر دبار	۴۱۸۶ ، ۴۱	خردمند بینا بدانا بگفت	۳۶۸۶ ، ۴۱
خردمند گفتا بشاه زمین	۴۵۴ ، ۱۵	خردمند پاسخ چنین داد	۱۶۱۴ ، ۱۲d
خردمند گفتا در سست	۹۴۳ ، ۱۵	خردمند پیران بدانجا	۱۲۳۸ ، ۱۳g
خردمند گفت ای جهانگیر	۱۱۴۸ ، ۲۰	خردمند پیران که در نامه	۱۲۱۱ ، ۱۳f
خردمند گفت ای شه بهلو	۹۴۹ ، ۱۵	خردمند پیروز با هنگ	۱۳۶ ، ۱۲
خردمند گفت ای گرانمایه	۳۶۳ ، ۱۵	خردمند پیری و برزین	۸۱۹ ، ۳۵
خردمند کند آور سر فراز	۱۲۶۵ ، ۱۵	خردمند چون روی گشتاسپ	۱۷۹ ، ۱۴
خردمند گویا ندارد بها	۵۰۵ ، ۴۴	خردمند چون نزد خسرو	۱۱۵۱ ، ۱۳g
خردمند گوید که در یک	۴۰۴۸ ، ۴۱	خردمند خاقان بدان روز	۱۸۱۲ ، ۴۱
خردمند مام فریدون چو	۱۳۰ ، ۵e	خردمند دانانند فسون	۲۲۷۴ ، ۱۲d
خردمند مردار ترا دوست	۷ ، ۲۸	خردمند ده پیر مانده بجا	۳۵۶ ، ۲۰
خردمند مردم از آن شاره	۱۵۳۵ ، ۷	خردمند ده مرد رومی	۳۴۵ ، ۲۰
خردمند مردم بیگوشند	۹۸۷ ، ۱۳g	خردمند را بیطقون بود	۷۸۱ ، ۲۰
خردمند مردم چه گوید	۳۸۴ ، ۱۲d	خردمند را خلعت ایزد	۱۵۱۰ ، ۴۱
خردمند مردی بخاقان	۱۹۸۵ ، ۴۱	خردمند را دل بر او بر	۲۸۱۲ ، ۱۲d
خردمند مردی و جوینده	۱۴۰۹ ، ۱۲e	خردمند را دل ز کردار او	۲۴۵۱ ، ۱۳f
خردمند قاشق قالیچی	۱۸۸۵ ، ۴۱	خردمند را سرنگونسار	۸۲۱ ، ۵۰
خردمند نامی و دانای بود	۱۶۴۳ ، ۴۲	خردمند را شاد و نزدیک	۴۶۸۸ ، ۱۵
خردمند نپسندد این	۸۹۰ ، ۴۳	خردمند را گردیه نام	۱۶۲۴ ، ۴۲
خردمند نزدیک او خوار	۱۷ ، ۳۴	خردمند را گفتش اسفند	۹۴۵ ، ۱۵
خردمند از خوردن شیر	۲۶ ، ۴۱	خردمند رنج اندر آن کی	۶۹ ، ۸
خردمند و باران کز آسمان	۴۳۱۱ ، ۱۵	خردمند شاهی چو نوشیر	۱۷۲۱ ، ۴۲
خردمند و باد آتش ز آسمان	۷۳۹ ، ۴۱	خردمند شاهی و ما کهنتر	۴۰۰ ، ۱۳e
خردمند و آتش ز آسمان	۳۳۹ ، ۲۰	خردمند شاهی و ما کهنتر	۳۱۵ ، ۴۲
خردمند و در آستان	۱۵۹۹ ، ۴۳	خردمند شد نامه شاه برد	۹۲۲ ، ۱۵
		خردمندشش بود ما را	۴۵۴۹ ، ۴۱

خرید یافته مرد یزدان *	۱۴۲۳	۲۰	خرید یافته مرد یزدان *	۱۴۲۳	۲۰
خرید یافته مرد یزدان *	۲۴۱۴	۱۵	خرید یافته مرد یزدان *	۲۴۱۴	۱۵
خرید یافته موید نیکبخت	۹۹۰	۷	خرید یافته موید نیکبخت	۹۹۰	۷
خرو بارش آورد اندر	۶۶۴	۲۱	خرو بارش آورد اندر	۶۶۴	۲۱
خروش آمد از باره هردو	۳۶۴۳	۱۵	خروش آمد از باره هردو	۳۶۴۳	۱۵
خروش آمد از بوق ایران	۶۸۰	۱۳c	خروش آمد از بوق ایران	۶۸۰	۱۳c
خروش آمد از پس که از	۵۸۸	۲۱	خروش آمد از پس که از	۵۸۸	۲۱
خروش آمد از چشمه آب	۱۵۷۴	۲۰	خروش آمد از چشمه آب	۱۵۷۴	۲۰
خروش آمد از دشت کای	۶۵۱	۲۰	خروش آمد از دشت کای	۶۵۱	۲۰
خروش آمد از دشت و آواز	۳۲۱۶	۴۱	خروش آمد از دشت و آواز	۳۲۱۶	۴۱
خروش آمد از دشت و آوای	۱۳۰۷	۱۳c	خروش آمد از دشت و آوای	۱۳۰۷	۱۳c
خروش آمد از راه اروند	۲۴	۳۰	خروش آمد از راه اروند	۲۴	۳۰
خروش آمد از شهر و هر	۹۷۱	۴۱	خروش آمد از شهر و هر	۹۷۱	۴۱
خروش آمد از کوه و مرد	۵۹۷	۴۱	خروش آمد از کوه و مرد	۵۹۷	۴۱
خروش آمد از کوه و آوای	۵۶۰	۱۳b	خروش آمد از کوه و آوای	۵۶۰	۱۳b
خروش آمد از گرز و کویال	۶۰۹	۴۳	خروش آمد از گرز و کویال	۶۰۹	۴۳
خروش آمد از لشکر هر	۳۶۷	۱۲e	خروش آمد از لشکر هر	۳۶۷	۱۲e
خروش آمد از نای و از	۱۸۶۳	۴۳	خروش آمد از نای و از	۱۸۶۳	۴۳
خروش آمد و بانگ و	۱۳۸۳	۱۳	خروش آمد و بانگ و	۱۳۸۳	۱۳
خروش آمد و گرد رزم از	۶۱۱	۲۰	خروش آمد و گرد رزم از	۶۱۱	۲۰
خروش آمد و ناله بوق و	۴۸	۱۳	خروش آمد و ناله بوق و	۴۸	۱۳
خروش آمد و ناله کرنای	۱۰۷۴	۱۲	خروش آمد و ناله کرنای	۱۰۷۴	۱۲
خروش آمد و ناله کرنای	۴۲۳	۱۲e	خروش آمد و ناله کرنای	۴۲۳	۱۲e
خروش آمد و ناله کرنای	۸۸۸	۱۲e	خروش آمد و ناله کرنای	۸۸۸	۱۲e
خروش آمد و ناله کرنای	۱۰۴۴	۱۲e	خروش آمد و ناله کرنای	۱۰۴۴	۱۲e
خروش آمد و ناله کرنای	۱۵۱۰	۱۵	خروش آمد و ناله کرنای	۱۵۱۰	۱۵
خروش آمد و ناله گاودم	۲۰۴۶	۴۱	خروش آمد و ناله گاودم	۲۰۴۶	۴۱
خروش آمد و ناله گاودم	۲۸۳	۱۲e	خروش آمد و ناله گاودم	۲۸۳	۱۲e
خرید یافته مرد یزدان *	۱۰۱	۴۱	خرید یافته مرد یزدان *	۱۰۱	۴۱
خرید یافته مرد یزدان *	۱۶۳	۴۱	خرید یافته مرد یزدان *	۱۶۳	۴۱
خرید یافته مرد یزدان *	۴۵۴	۵۰	خرید یافته مرد یزدان *	۴۵۴	۵۰
خرید یافته مرد یزدان *	۱۳	۲۰	خرید یافته مرد یزدان *	۱۳	۲۰
خرید یافته مرد یزدان *	۱۱۴۵	۴۱	خرید یافته مرد یزدان *	۱۱۴۵	۴۱
خرید یافته مرد یزدان *	۶۲	۴۲	خرید یافته مرد یزدان *	۶۲	۴۲
خرید یافته مرد یزدان *	۳۶۴۳	۴۱	خرید یافته مرد یزدان *	۳۶۴۳	۴۱
خرید یافته مرد یزدان *	۶۹	۶	خرید یافته مرد یزدان *	۶۹	۶
خرید یافته مرد یزدان *	۶۶۵	۲۲	خرید یافته مرد یزدان *	۶۶۵	۲۲
خرید یافته مرد یزدان *	۱	۲۳	خرید یافته مرد یزدان *	۱	۲۳
خرید یافته مرد یزدان *	۲۵۵۹	۱۲d	خرید یافته مرد یزدان *	۲۵۵۹	۱۲d
خرید یافته مرد یزدان *	۱۰	۳۸	خرید یافته مرد یزدان *	۱۰	۳۸
خرید یافته مرد یزدان *	۶۱۰	۱۳	خرید یافته مرد یزدان *	۶۱۰	۱۳
خرید یافته مرد یزدان *	۷۴۸	۲۰	خرید یافته مرد یزدان *	۷۴۸	۲۰
خرید یافته مرد یزدان *	۵۰۷	۳۴	خرید یافته مرد یزدان *	۵۰۷	۳۴
خرید یافته مرد یزدان *	۸۶۸	۲۰	خرید یافته مرد یزدان *	۸۶۸	۲۰
خرید یافته مرد یزدان *	۲۲۵۲	۳۵	خرید یافته مرد یزدان *	۲۲۵۲	۳۵
خرید یافته مرد یزدان *	۳۱۳۷	۱۵	خرید یافته مرد یزدان *	۳۱۳۷	۱۵
خرید یافته مرد یزدان *	۶۵۳	۱۲b	خرید یافته مرد یزدان *	۶۵۳	۱۲b
خرید یافته مرد یزدان *	۷۰۰	۵۰	خرید یافته مرد یزدان *	۷۰۰	۵۰
خرید یافته مرد یزدان *	۱۳۰	۴۱	خرید یافته مرد یزدان *	۱۳۰	۴۱
خرید یافته مرد یزدان *	۵۲۲	۲۲	خرید یافته مرد یزدان *	۵۲۲	۲۲
خرید یافته مرد یزدان *	۲۴	۱۲g	خرید یافته مرد یزدان *	۲۴	۱۲g
خرید یافته مرد یزدان *	۱۶	۲۴	خرید یافته مرد یزدان *	۱۶	۲۴
خرید یافته مرد یزدان *	۱۲۳	۱۸	خرید یافته مرد یزدان *	۱۲۳	۱۸
خرید یافته مرد یزدان *	۱۲۳۵	۱۵	خرید یافته مرد یزدان *	۱۲۳۵	۱۵
خرید یافته مرد یزدان *	۸۹	۶	خرید یافته مرد یزدان *	۸۹	۶

(۵) شماره در نظر اول بجای ۱ پرست و در دوم بجای ۱ شناس آمده است .

خروش و جوشان بدان	۱۱۷۸ ، ۱۳	خروش آمدوناله گاودم	۱۵۷۰ ، ۱۳c
خروش و جوشان چو پیل	۲۱ ، ۱۲b	خروش آمد و ناله گاودم	۷۴۵ ، ۱۳g
خروش و جوشان چو شیر	۵۷۷ ، ۱۳b	خروش آمدوناله گاودم	۱۹۵۷ ، ۴۱
خروش و جوشان و دل	۸۲۹ ، ۱۳	خروش آمدوناله مرد و	۳۰۹ ، ۱۲c
خروش و جوشان ز کردار	۳۱۴۷ ، ۱۳g	خروش از آن جایکه*	۳۰۳۷ ، ۴۳
خروش و جوشان و نیزه	۱۳۰۱ ، ۱۳	خروش از آن جایکه*	۸۶۰ ، ۴۲
خروش و خون از دودیده	۷۳۹ ، ۱۳f	خروش بدیم از دم از دها	۱۱۹۵ ، ۱۳c
خروش و غلطان بنخاک	۳۵۵ ، ۴۱	خروش بر آمد ز قلب	۱۲۹۵ ، ۱۳b
خروش همه ز ابلستان و	۴۶۵۱ ، ۱۵	خروش بر آن چشمه باز	۳۱۹۰ ، ۱۳g
خروش همی بود از این	۲۵۵ ، ۱۳g	خروش بر اسپ تراوش	۱۸۷۷ ، ۱۳
خروش همی تاخت تا قلب	۱۸۹۶ ، ۴۳	خروش بر او آفرین	۱۹۰۰ ، ۳۵
خروش همی رفت نیزه	۲۶۱ ، ۵	خروش بر شهریار آمد	۴۰۲ ، ۴۱
خروش همی گشت شاه	۳۳۱۶ ، ۴۱	خروش بر شهریار آمد	۳۴۲ ، ۵۰
خروش پیاده فغان سوار	۵۷۸ ، ۱۳	خروش بهشتش ز خاک	۳۸۴ ، ۲۱
خروش تبیره بر آمد ز در	۱۰۹۳ ، ۷	خروش بفلطید بر خاک	۵۶۷ ، ۱۴
خروش تبیره بر آمد ز شهر	۱۱۹۵ ، ۱۳c	خروش بفلطید در پیش	۳۳۲۲ ، ۴۱
خروش تبیره ژمیدان بنخواست	۱۴۵۳ ، ۱۲d	خروش پدر چون پسر را	۱۹۸ ، ۱۹
خروش دم مادیان یافت	۱۷۴۳ ، ۱۳	خروش پر از درد باز	۸۱۷ ، ۱۲c
خروش دمنده بر آمد ز	۱۵۵۴ ، ۲۰	خروش پر از درد ورخ	۱۵۷۸ ، ۱۳f
خروش زنان خاست از شهر	۱۹۵۷ ، ۱۳g	خروش پسر بر پدر روی	۱۷۵۲ ، ۱۳f
خروش سواران و اسپان	۱۴۶۰ ، ۱۳b	خروش ز کابل همی رفت	۱۱۷۰ ، ۷
خروش سواران و اسپان	۷۹۲ ، ۱۳g	خروش زن آمد بهرام	۵۹۴ ، ۴۲
خروش سواران و اسپان	۲۰۲ ، ۱۲e	خروش سپاه و درفشان	۳۵۸ ، ۲۱
خروش سواران و بانگ	۱۳۶۵ ، ۱۳g	خروش سرش را ببرد	۲۴۴۲ ، ۱۲d
خروش سواران و گرد	۵۸۲ ، ۴۱	خروش سوی میمنه راه	۶۵۰ ، ۱۳c
خروش بگوش سپید	۲۶۵۰ ، ۱۲d	خروش شد آنکاه و بر	۲۸۶۴ ، ۱۳g
خروش مغابی بر آورد	۴۹۴ ، ۱۳b	خروش شد این فر گسان	۳۹۹ ، ۴۰
خروش گشته دل زین	۱۹۵۱ ، ۷	خروش شود دخمه ارد	۷۳۱ ، ۵۰
خروش و فغان و چشم بر	۶۰۶ ، ۶	خروش فرود آمد از	۲۴۱ ، ۱۳g
خوشی بد اندر میان	۲۴۶ ، ۱۹	خروش و جوشان بهخشم	۲۴۷ ، ۶

(* ستاره در سطر اول بجای بجای «باز گشت» و در دوم بجای «بر نشست» آمده است.)

خروشی برآمد از آن سوک	۵۶۷	۶	۸۸۲	۶	خروشی برآمد ز پیش
خروشی برآمد از ایران	۳۰۶۳	۱۳g	۱۸۸	۱۹	خروشی برآمد ز پیش
خروشی برآمد از ایران که	۱۷۵	۳۹	۸۳۷	۴۲	خروشی برآمد ز پیش
خروشی برآمد بزاری	۲۳۴	۱۷	۱۰۰۷	۴۲	خروشی برآمد ز ترکان
خروشی برآمد بلند از	۱۱۴۴	۱۳g	۲۳۵۵	۱۵	خروشی برآمد ز توران
خروشی برآمد توگفتی که	۱۹۰	۱۳g	۲۸۶۳	۴۱	خروشی برآمد ز داننده
خروشی برآمد ز آتشکده	۴۷۸	۵	۹۴	۱۳۴	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز آورد	۴۱۱۵	۱۵	۱۶۰۱	۱۵	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز افراسیا	۷۶۲	۱۲d	۲۰	۳۸	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز ایران*	۱۳۳	۳۸	۱۷۹	۴۱	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز ایران*	۱۱۲	۴۰	۲۴۵	۴۱	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز ایران*	۴۲۰۱	۱۵	۶۳۶	۴۱	خروشی برآمد ز درگاه
خروشی برآمد ز ایران*	۸۴۳	۱۳	۵۴۶	۱۲d	خروشی برآمد ز دشت
خروشی برآمد ز ایران*	۱۳۹۰	۱۳c	۲۶۸	۵۰	خروشی برآمد ز رستم
خروشی برآمد ز ایران*	۱۵۱۳	۱۳c	۴۵۶۷	۱۵	خروشی برآمد ز ابلستان
خروشی برآمد ز ایران*	۳۰۹۲	۱۳g	۳۲۱۰	۴۱	خروشی برآمد ز طلیحند
خروشی برآمد ز ایرانی	۸۷۳	۴۲	۶۳۱	۴۱	خروشی برآمد ز قالیبیوس
خروشی برآمد ز ایوان	۲۲۰	۱۹	۲۴۹۳	۴۳	خروشی برآمد ز گردان
خروشی برآمد ز پرده سرا	۱۱۷۷	۶	۱۳۳۲	۱۲b	خروشی برآمد ز لشکر*
خروشی برآمد ز پرده سرا	۱۶۸۱	۷	۲۴۲	۱۳g	خروشی برآمد ز لشکر*
خروشی برآمد ز پرده سرا	۱۹۶۶	۱۳g	۴۴	۱	خروشی برآمد ز لشکر*
خروشی برآمد ز پرده سرا	۱۲۸	۱۶	۶۵۷	۲۰	خروشی برآمد ز لشکر*
خروشی برآمد ز پرده سرا	۶۰۱	۴۲	۳۴۰	۵۰	خروشی برآمد ز لشکر*
خروشی برآمد ز پرده سرا	۳۷۷	۳۵	۳۵	۱۸	خروشی برآمد ز بهاو
			۳۲	۲۳	خروشی برآمد ز هرمرز
			۶۰۳	۱۳g	خروشی برآمد که ای شهر

(*) در ستون اول ستاره بترتیب بجای « بدرد » و « بدرد » و « بزارد »
و « سپاه » و « سپاه » و « سپاه » و « سپاه » و در ستون دوم بترتیب بجای
« بدرد » و « بدرد » و « بزارد » و « بزارد » و « بزارد » آمده است .

۲۴۱۰	۵	خروشید کای با سمرگان	۳۱۹۸	۴۱	خروشی بر آمد که فرمان
۲۸۸۰	۱۵	خروشید کای بهلوان سوار	۷۰۶	۱۳g	خروشی بر آمد میان سپاه
۲۰۸۰	۳۵	خروشید کای رنج دیده	۵۴۷	۳۴	خروشی بر آمد میان سر
۱۴۹۰	۱۳b	خروشید کای مرد جنگ	۳۵۴	۳۵	خروشی بر آمد همانکه
۶۰۰	۱۳b	خروشید کای نامبردار	۵۱۴	۵۰	خروشی بر آمدهم اندر
۷۶۴	۱۳g	خروشید کای نامداران *	۱۵۵۰	۱۵	خروشی بر آورد اسفندیار
۶۲۰	۴۳	خروشید کای نامداران *	۸۷۴	۱۲e	خروشی بر آورد برسان *
۱۴۷۱	۱۳b	خروشید کای نامداران *	۲۶۴	۵۰	خروشی بر آورد برسان *
۹۰۶	۴۱	خروشید کای نامورنوش	۱۸۷۸	۱۳	خروشی بر آورد بیژن
۲۸۴	۱۳e	خروشید کرسیوز آنکه	۹۰۲	۵۰	خروشی بر آورد بیژن
۱۸۷۶	۱۳	خروشید کای دلیر از	۱۱۲۳	۱۳c	خروشی بر آورد چون
۱۶	۱۳e	خروشیدم و خواستم زو	۱۸۷۰	۱۳	خروشی بر آورد کاندر
۷۹۱	۱۲d	خروشیدمی من فراوان	۲۰۴۴	۴۳	خروشی بر آورد کای بنده
۱۰۹۸	۱۳b	خروشیدن آمد ز پرده سرا	۲۴۳۶	۱۲d	خروشی بر آورد دل پر
۳۱۷	۸	خروشیدن آمد ز پرده سرا	۵۴۲	۵۰	خروشی بر آید که بر بند
۵۷۸	۶	خروشیدن بهلوانان بدر	۱۰۵۲	۱۳b	خروشی بشادی ز توران
۸۳۸	۶	خروشیدن تازی اسپان	۲۳۷	۱۹	خروشی بلند آمد از بار
۱۳۲۵	۱۳g	خروشیدن بیل و بانگ	۷۷۱	۱۲c	خروشی بلند آمد از دیدگاه
۱۸۸۵	۷	خروشیدن تازی اسپان و	۱۱۴۵	۱۳b	خروشی بلند آمد از دیده
۱۲۶۲	۱۲b	خروشیدن دیده بان بهلوان	۸۷۰	۴۲	خروشید بهرام کای مهتر
۶۷۴	۱۲	خروشیدن و خشم آمد	۹۹۴	۱۳	خروشید بیژن که ای نام
۳۵۶	۷	خروشیدن زنگ و هندی	۶۰۲	۱۳e	خروشید پیش جهان
۱۴۱۸	۱۳b	خروشیدن زنگ و هندی	۳۹۶۸	۱۵	خروشید چون روی رستم
۲۲۰	۷	خروشیدن کوس با کز نای	۱۱۳۷	۱۳e	خروشید رستم چو او را
۱۵۰	۱۰	خروشیدن کوس با کز نای	۳۷۶	۱۲d	خروشید سودابه در پیش
۲۱۰۷	۱۳f	خروشیدن کوس با کز نای	۱۷۷۷	۷	خروشید سهند خست و بشخود
۳۶۸	۱۲e	خروشیدن کوس بر پشت	۵۵۰	۴۱	خروشید کای بیکرانه

(*) در ستون اول ستاره بترتیب بجای ، ابر ، و در عدد ، و در ستون دوم

دوم بترتیب بجای ، جنگ ، و جنگ ، و مرد ، آمده است

خری ماندا کنون بنه بر	۲۶۲۱	۳۵	خروشید و ناله و آه بود	۳۰۹۲	۱۲۸
خزاعه بیامدجو اوگشت	۶۹۹	۲۰	خروشید و ناله و آه بود	۲۲۷	۶
خزروان ابا تیغزن سی	۴۵۷	۸	خروشید و ناله و آه بود	۲۴۴	۵
خزروان بدو گفت کاین	۵۰۰	۸	خروشید و ناله و آه بود	۵	۱۰
خزروان بیامد چنان کینه	۵۱۵	۸	خروشید و ناله و آه بود	۱۸۶۸	۱۳
خزروان دمان باءود	۵۱۰	۸	خروشید و ناله و آه بود	۱۰۷۷	۶
خزروان کجازال بشکست	۱۸۷	۱۱	خروشید و ناله و آه بود	۴۹۲	۱۲
خسک بر پرا کند بر گرد	۳۵۳	۱۳g	خروشید و ناله و آه بود	۱۶۱۰	۱۲c
خم آرد ز بالای او سرو بن	۳۲۰	۲۰	خروشید و ناله و آه بود	۲۱۸	۵
خم آمد روان ترا بهرا زین	۴۱۴۲	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۲۳۷۴	۱۲d
خم آورد بالای سرو سهی	۴۰۴۰	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۴۰۱۱	۱۵
خم آورد بالای سرو سهی	۳۶	۲۴	خروشید و ناله و آه بود	۳۶۲۶	۱۵
خم آورد پشت دلاور جوان	۱۳۴۰	۱۲c	خروشید و ناله و آه بود	۳۱۲۲	۱۳g
خم آورد پشت و سنان	۱۰۳۴	۱۲c	خروشید و ناله و آه بود	۷۲۱	۵۰
خم آورده از بار شاخ سمن	۱۵۵	۱۳e	خروشید و ناله و آه بود	۴۶	۱۳g
خم اندر خم و مار پرمار	۶۹۱	۷	خروشید و ناله و آه بود	۱۵۷	۳۵
خمیده عمودی بزدر برش	۱۱۶۵	۱۲c	خروشید و ناله و آه بود	۶۴۵	۸
خمیدی سر از بار شاخ	۲۴۱۷	۴۱	خروشید و ناله و آه بود	۹۶۷	۱۳c
خنک آنک ازو نیکویی	۱۲۶۵	۶	خروشید و ناله و آه بود	۵۱۳	۲۲
خنک آن کسی کو بود	۱۸۲۰	۱۳g	خروشید و ناله و آه بود	۴۵۳	۲۰
خنک آنکه آباد دارد	۴۶۷	۲۲	خروشید و ناله و آه بود	۹۰	۳۰
خنک آنکه باشد و را چون	۳۰۳۹	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۶۱۱	۱۲c
خنک آنکه بر کینه گه	۱۵۸۲	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۴۳۹	۲۰
خنک آنکه بیند کلاه و را	۴۳۶۱	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۷۱۹	۲۰
خنک آن که جامی بگیرد	۶۵۰	۲۲	خروشید و ناله و آه بود	۲۸۸	۱۳
خنک آنکه چون تو پسر	۳۰۳۸	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۶۳۱	۲۵
خنک آنکه چون تو پسر	۳۳۵۶	۱۵	خروشید و ناله و آه بود	۱۱۴۵	۱۳
خنک آنکه در خشم هشمار	۱۴	۲۵	خروشید و ناله و آه بود		
خنک آنکه شبگیر بیندت	۸۵۸	۳۵	خروشید و ناله و آه بود		
خنک پادشاهی بهنگام او	۸۷۲	۷	خروشید و ناله و آه بود		

خونک در جهان مرد برتر	۲۵۱۱ . ۴۱	خود و سر کشان سوی تور	۱۲۶۷ . ۱۳e
خونک زال کش بگذرد	۱۳۰۶ . ۱۳e	خود و سر کشان سوی *	۱۱۵۸ . ۱۲e
خونک سام یل کاین چنین	۱۶۲۰ . ۷	خود و شاه بهرام بارای زن	۴۹۰ . ۳۴
خونک شاه باداد یزدان	۶۴۱ . ۳۰	خود و گرد روی و فر شید	۲۶۸۸ . ۱۲d
خونک شاه کوچون تودارد	۳۰۲۹ . ۱۵	خود و گرد مهرباب کابل	۱۸۸۲ . ۷
خونک شاه گشتاسپ آن	۳۳۵۵ . ۱۵	خود و گیو بازا بلی صدهزار	۷۵۹ . ۱۳e
خونک شهر ایران که تخت	۳۰۳۰ . ۱۵	خود و گیو در کاخ نیرم شد	۵۸۵ . ۱۲c
خونک مرد بیرنج و پرهیز	۲۵۳۷ . ۳۵	خود و گیو در هام و چند	۶۴۹ . ۱۳b
خونک مرد درویش با دین	۲۶۵۶ . ۳۵	خود و گیو و گودرز و چند	۲۱ . ۱۲d
خونیده بتوران سیاوخش	۱۹۱۹ . ۱۲d	خود و لشکر آمد بتزدیک	۱۵۶۲ . ۱۵
خونیده بگیتی به هرو وفا	۱۳۵۳ . ۱۲d	خود و لشکرش سوی ایران	۵۷۳ . ۱۲e
خونیده بهر جای و جمهور	۲۸۹۷ . ۴۱	خود و و مرزداران بکو-	۴۱۳ . ۳۵
خونیده بهر جای و شیداسپ	۲۱ . ۳	خود و موبدان هر دو نزد-	۵۹۸ . ۳۰
خونیده سوار اندر آورد	۱۹۹۳ . ۱۲d	خود و نامداران بیامد	۱۰۱ . ۲۱
خود آزر دنی نیست در دین	۱۳۵۱ . ۴۳	خود و نامداران پر خاش	۷۷ . ۴۰
خود آگاه نی خسرو از این	۱۸۲۵ . ۴۲	خود و نامداران هزار و	۳۹۵ . ۸
خود آمد بجایی که بودش	۶۹۷ . ۳۵	خود و ویشگان بر هیونان	۱۵۰۶ . ۱۵
خود از بلخزی زا ببلستان	۱۰۱۹ . ۱۵	خود و ویشگان بر هیونان	۱۵۴۸ . ۱۵
خود از پیش گاو ان کردون	۵۹۳ . ۱۴	خود و ویشگان نشسته	۲۲۴ . ۱۳g
خود از جای برخاست	۶۳۰ . ۱۲c	خور از راه خوبی چو	۲۱۶ . ۱۱
خود اندر پرستشکه آمد	۷۷۰ . ۴۳	خور جادوان بد چورستم	۵۲۸ . ۱۲
خود این گفت یارد کس	۴۴ . ۸	خور خویش از آن آسیا	۵۴۶ . ۵۰
خود و بهمن و آذر سرفراز	۱۳۶۱ . ۱۵	خورش آن بود سال تا	۱۵۲۷ . ۲۰
خود و بیژن و گیو در قلب	۱۲۱۸ . ۱۳e	خورش بار گیشان همه	۱۸۷۲ . ۴۱
خود و بیست مرد از دلیران	۲۲۷۴ . ۱۵	خورش باز گیرند ازو تا	۲۳۶ . ۴۰
خود و در دمان نزد خسرو	۱۹۹ . ۱۳f	خورش برد از بیم جان	۲۲۵۶ . ۱۳g
خود و دیو و پیلان پر خاش	۱۰۸۹ . ۱۲	خورش برد و بنشست خود	۱۰۸۵ . ۴۳
خود و رستم و طوس و گودرز	۳۴۷ . ۱۳g	خورش تنگ شد لشکر شاه	۵۵۶ . ۲۱
خود و سر کشان سوی *	۲۴۵۱ . ۱۲d	خورش چون بدینگونه	۲۹۱۲ . ۱۵

(* ستاره در ستون اول بجای « ایران » و در ستون دوم بجای « خیعون »

آمده است .

خورش هست چندان که	۲۰۸۱ ، ۱۵	خورش خانه پادشاه جهان	۲۱ ، ۵
خورش هست چندان که	۱۰۸۲ ، ۴۳	خورش خانه درخان او	۱۶۳۹ ، ۴۱
خورش هست ایوان و گنج	۱۰۶۴ ، ۱۳g	خورش خواست کز خواب	۴۶۷۰ ، ۱۵
خورم من کنون زار فزون	۱۵۸۶ ، ۱۳b	خورش دادشان اندکی	۲۹۶ ، ۱۲
خور و خواب با موبدان	۱۶۲۸ ، ۴۵	خورش را جوان زود	۱۶۸۱ ، ۴۱
خور و خواب و آرامتان	۷۷ ، ۴	خورش زرده خایه دادش	۱۶۶ ، ۴
خور و خواب و آرام جوید	۵۸ ، E	خورش ساخت با بایگاه	۴۰۰ ، ۲۲
خور و خواب و آرام در	۱۱۴۳ ، ۲۰	خورش ساخت چندی زن	۲۷۲ ، ۳۰
خور و خواب و آرام شان	۹۷۴ ، ۱۳۴	خورش ساز و راه سپاه مرا	۱۹۱۸ ، ۱۳g
خور و خواب و آرامگه	۱۱۹۹ ، ۱۳	خورش ساز و آرامشان ده	۱۹۴ ، ۴
خور خواب و رای نشستن	۲۰۲۰ ، ۲۰	خورش کرد و پوشش	۲۰۹۳ ، ۱۳g
خور و ماه با هم جو پیوسته	۱۶۹۵ ، ۱۲d	خورش کم بود کوشش	۲۹۱۵ ، ۱۵
خور و ماه گفتی برنگ	۲۹۲ ، ۱۲e	خورشگر ببردی بایوان	۱۴ ، ۵
خور بد آنچه دارید و آنرا	۲۳ ، ۲۵	خورشگر بدو گفت کای	۱۷۹ ، ۴
خورید و دهید آنکه دارید	۲۲۷۳ ، ۴۳	خورشگر بر آمیخت با شیر	۱۶۸۸ ، ۴۱
خورید و مرا بکسر ایمن	۱۸۴۹ ، ۴۲	خورشگر برایشان بزی	۳۷ ، ۵
خوریم آنچه داریم چیزی	۲۹۰۳ ، ۱۵	خورش گرد کردند بر مرغ	۱۴۰۷ ، ۲۰
خوری یا پوشی و یا گستری	۱۴ ، ۱۳۴	خورش گورو پوشش هم از	۶۹۷ ، ۱۲e
خوش آمد سخن شاه گشتا-	۳۳۱۸ ، ۱۵	خورشها ببردند چندی	۲۰۷۳ ، ۱۳g
خوش آمدش گفتار آن دل	۶۰۸ ، ۲۱	خورشها بیار است خوالی	۳۱۶ ، ۵
خوش آمدش همنشاه بهرام را	۳۷۲ ، ۳۵	خورشها بی اندازه آورده	۸۵۲ ، ۲۰
خوش آمده ما ناشر دیدار	۳۹۶ ، ۷	خورشها جو بردند خوالی	۱۱۵ ، ۴۲
خوش آن روز کاندر گل	۷۰ ، ۱۲e	خورشها ز شهد و شیر و	۱۶۷۳ ، ۴۱
خوشا شهر ایران و فرخ	۱۳۰۸ ، ۱۳e	خورشها ز کبک و تدر و	۱۷۲ ، ۴
خوش و خرم و خوب و آرا-	۱۸۲۲ ، ۱۲d	خورشها فرستاد و چندی	۹۷ ، ۳۰
خوی مرد دانا بگویم پنج	۱۳۰۶ ، ۴۱	خورشها فرستید پیش سپاه	۱۸۷۲ ، ۱۳g
خوی مردمی هیچ دارد همی	۴۵۹ ، ۷	خورشها فرستید و یاری	۱۱۰۴ ، ۴۳
		خورشهای مردم همی رفت	۱۹۷۷ ، ۱۳g

د

دبیر خردمند را پیش	۱۰	۱۹		
دبیر خردمند را پیش	۵۱۸	۴۱		
دبیر ست و باد آتش و هوش	۳۴۸	۱۴		
دبیر سو افراز را پیش	۱۷۱۰	۴۳		
دبیرش بیاورد عهد کیان	۹۳۵	۴۳		
دبیرش مرآن نامه را	۲۶۷	۱۵		
دبیر نویسنده را پیش	۲۳۹۳	۱۵		
دبیر نویسنده را پیش	۹۹۰	۴۲		
دبیر نویسنده را گفت شاه	۲۰۸	۱۱		
دبیر و پرستنده شهریار	۸۵	۴۱		
دبیری با بین و با دستگاه	۳۵۱	۴۲		
دبیری بلینی جهان ندیده	۵۰۱	۳۰		
دبیری بیاموز فرزندان را	۱۵۴۶	۴۱		
دبیری بیاورد آئینه بری	۵۲۴	۴۴		
دبیری رسالت جوان را	۱۵۴۸	۴۱		
دبیر است از پیشه ها ارج	۱۵۴۹	۴۱		
دبیری نگه کرد پیر هیزگار	۱۲۱۲	۳۵		
ددا از تیر گشتاسپی خسته	۴۰۳	۱۴		
دد و دام بر بچه از آدمی	۹۴	۷		
دد و دام بر هر سوئی بشمار	۱۷۷۸	۲۰		
دد و دام و هر جانور کش	۱۴	۱		
دد و مرغ و نخجیر گشته	۴۶	۱		
ددی بود مهر ز آسپی بتن	۲۴۰۱	۴۳		
ددیگر چو تور آن سیر	۶۱۸	۵۰		
ددیگر سه یک پیش آتش	۱۰۴۰	۴۲		
در آب فراست بنگاه من	۱۰۵۱	۴۳		
در آتشکده آن در پیش	۲۸۵۸	۱۳g		
در آخر یکی مادران بد	۱۱۵	۱۸		
در آذربایجان سزای برادر	۱۲	۲۴		
در آسیا را گشایر	۵۷۶	۵۰		
			دبیر آمد و نامه بر خواند	۱۲۰۹ ، ۱۳f
			دبیر آن زمان بند و فرمان	۱۰۹۶ ، ۱۳f
			دبیران بچستند راه گریز	۸۴۹ ، ۴۲
			دبیران برفتند دل پر	۱۳۱۴ ، ۴۲
			دبیران بیگانه را خواند	۱۲۳۷ ، ۳۵
			دبیران چو پیوند جام منند	۳۲۵ ، ۲۲
			دبیران دانا بدیوان شد	۸۴ ، ۳۵
			دبیرانش را گفت نامه	۲۶۶ ، ۱۵
			دبیران که بودند در بارگاه	۱۶۱ ، ۱۴
			دبیران وز روان و دستور	۱۷۱۳ ، ۴۱
			دبیر بزرگ آن زمان لب	۱۶۶۰ ، ۴۲
			دبیر بزرگ جهاندار شاه	۸۴۲ ، ۴۲
			دبیر پژوهنده را پیش	۲۳۱۸ ، ۱۲d
			دبیر پسندیده را پیش	۱۴۸۵ ، ۱۳g
			دبیر پسندیده را پیش	۳۳۶۶ ، ۴۳
			دبیر جهان ندیده را پیش	۱۲۳۵ ، ۱۲d
			دبیر جهان ندیده را پیش	۹۲۷ ، ۱۳e
			دبیر جهان ندیده را پیش	۱۸۶۱ ، ۲۰
			دبیر جهان ندیده را پیش	۲۱۲۵ ، ۴۱
			دبیر جهان ندیده را پیش	۱۲۶۲ ، ۴۳
			دبیر جهان ندیده را پیش	۳۶۸ ، ۵۰
			دبیر جهان ندیده را خواند	۲۷۱ ، ۱۹
			دبیر جهان ندیده را خواند	۱۳۱۳ ، ۱۳e
			دبیر جهان ندیده را خوشنواز	۶۳ ، ۳۸
			دبیر خردمند بنوشت	۸۲۲ ، ۱۲
			دبیر خردمند را پیش	۱۴۴۱ ، ۱۳
			دبیر خردمند را پیش	۱۰۰۲ ، ۱۳f

در آواز بندرومی و پاریسی	۱۹۲۶ ، ۲۰	در آشتی کوهستان	۴۲۸ ، ۱۳c
در آوردن بر چنگ ژوبین	۷۸۶ ، ۱۳c	در آشتی هیچ کوزه مجوی	۵۸ ، ۱۳f
در آوردن لشکر بایران	۳۲۱ ، ۱۵	در آفاق هر جا نزدیک	۴۶۰۷ ، ۳۱
در آوردن هومان بسی	۱۵۳۵ ، ۱۳b	در آمد از ایران سپه	۴۰۸ ، ۱۲e
در آید از آن پشت اسپش	۳۸۵ ، ۱۵	در آمد باو رستم نامدار	۷۳۲ ، ۱۲
در آیند و مردی نمایند	۱۰۳۱ ، ۱۲e	در آمد بیازار مرد جوان	۲۰۵۱ ، ۷
در از او پهنای آن ده کمند	۱۵۵۷ ، ۱۲e	در آمد برابر بچنگ	۳۷۳ ، ۱۲b
در ازست دست فلک بر	۶۷۴ ، ۸	در آمد بر او پیلتن همچو	۵۹۷ ، ۱۳c
در ازست راهش و گر کوه	۱۴۵۱ ، ۱۲e	در آمد بزین چون که	۲۲۴ ، ۱۲c
در ازوی و پهناش سی باری	۱۸۰۴ ، ۱۲d	در آمد بگردار پیل بان	۱۴۶ ، ۱۲e
در افتاد ترس اندر این	۱۱۱۶ ، ۷	در آمد بمیدان بگردار	۳۳۲ ، ۱۲e
در افکننداروی هوش	۲۴۴ ، ۱۳e	در آمد در آن جای نیکان	۳۰۸ ، ۵
در افکنند در گوش گور	۱۳۹۷ ، ۳۵	در آمد یکی دیو چون	۱۸۱۷ ، ۴۳
در انداخت آن و بینداخت	۲۳۲۷ ، ۱۳f	در آن انجمن بود بیگانه	۲۳۵ ، ۱۴
در انداخت تیغ پرند آور	۱۶۷۶ ، ۱۳b	در آن بیشه خاقان و خاتون	۲۴۹۱ ، ۴۳
در اندودیک روی آهن	۴۱۸۶ ، ۱۵	در آن تیر گیش اندر	۲۶۰۷ ، ۱۲d
در اندیشه دل نکند خدا	۳۴۹۳ ، ۴۳	در آنجا که آن روشنی	۱۵۵۵ ، ۱۲e
در اندیشه مهتر کابلی	۴۴۰۷ ، ۱۵	در آن جای جای تو آتش	۳۱۷ ، ۱۱
دراو = درو		در آن خانه سپهدر مستنده	۲۸۲ ، ۱۳e
در ایران جز او نیست	۹۲۲ ، ۶	در آن رزمگه خسته تنها	۲۶۰۳ ، ۱۵
در ایران ندانم کسی رزم-	۴۶ ، ۴۰	در آن رزمها یار من رخس	۳۳۰۵ ، ۱۵
در ایران و توران جومن	۹۲۳ ، ۶	در آن شارسان کرد چند	۱۵۶۰ ، ۱۲e
در ایران و توران هم آورد	۹۰۳ ، ۱۲b	در آن کاخ جایی به پرداخت	۲۶۲۰ ، ۳۱
در این آب چیچست پنهان	۲۳۵۲ ، ۱۳g	در آن کوه چین اندرون	۱۳۳۸ ، ۱۳c
در این است ناکام بهبود	۱۵۹۳ ، ۱۲d	در آن کین و آشوب و دار	۹۷۳ ، ۶
در این بود کامد سواری	۴۶۴۱ ، ۴۱	در آن محضراژدها ناگزیر	۲۱۴ ، ۵
در این بیشه ای شه زمانی	۲۸۰ ، ۳۵	در آن مرز توران یکی	۹۳۴ ، ۱۳e
در این پنج روز اندر آن	۸۷۰ ، ۱۳g	در آن مرز لشکر فرود	۲۸۱ ، ۱۲e
در این جای رفتن نه جای	۱۴ ، ۱۲c	در آن مرغزاران ارمان	۱۷۰ ، ۱۲e
در این جنگه جانم شکبیا	۶۸۱ ، ۳۴	در آن نستان پیشه شیر	۳۱۷ ، ۱۳e

در چاره او بگیرم بدست	۱۰۴۱	۶	در این خانه بیشک تن	۱۶۴	۳۵
در حصن بگرفت و اندر	۱۰۷۹	۶	در این دژ دلیری ببند	۱۳۹۷	۱۲c
در خانه پیدانه ار کاخ بود	۱۶۳	۲۰	در این رزم یاری ده ای	۱۴۵۰	۱۳b
در خانه پیلتن باز کرد	۴۶۲۴	۱۵	در این سال یک شب نیایش	۴۶۰۲	۴۱
در خانه جامه نا برید	۱۶۶۹	۱۲d	در این شهر ما نیکخواه	۶۶	۱۲c
در خانه را تنگ داراب	۱۱۰	۱۷	در این کار گردی مرا	۴۲۴	۱۲
در خانه بکشاد و اندر	۲۲۳۶	۴۱	در این گفته بودند ایرانی	۶۷۹	۱۲
در خانه هاراسه کرد پاک	۱۶۶۱	۱۲c	در ایوان آن پیره سر پرهنر	۴۳۸	۱۲d
درخت از بن و بوخ بر کند	۹۱۸	۱۲	در ایوان پرستار چندانکه	۲۴۱۸	۱۲d
درختان ببینی که آنکس	۳۴۸	۴۰	در ایوان شاهی شبی دیر	۴۵	۵
درختان بسیار با کشت و	۱۹۹۸	۷	در ایوان که در دژ بر آورد	۱۳۷۶	۱۳g
درختان بسیار و آبروان	۱۹۴	۱۰	در ایوانها گاه زرین نهاد	۱۳۴۱	۱۲e
درختان بسیار و آبروان	۱۷۵۰	۱۲d	در ایوان یکی تخت زرین	۱۶۶۷	۷
درختان شده خشک و ویران	۳۸۷	۳۵	در بار بر نامداران ببست	۲۶۲۲	۱۳g
درختان کشته که داریم یاد	۷۳	۱۳e	در بار بسته گشاده زبان	۶۰۳	۶
درخت برومند چون شد	۱	۱۲	در بار بکشاد درستان سام	۴۱۹	۷
درخت بزرگی و گنج وفا	۸۵۳	۱۳e	در بار بکشاد سالار بار	۱۸۳۵	۳۵
درختش زیاقوت و آبش	۶۶۸	۴۱	در بار دادن برایشان	۵۰	۱۳b
درخت گزین تو باز آورد	۲۴۰۵	۱۲d	در باره بکشای و زنهار	۱۱۶۰	۴۲
درخت و برادر بهم بر	۴۵۵۳	۱۵	در باغ بکشاد پالیزبان	۱۴۹۵	۴۲
درخت و گل و آبهای	۲۰۷	۱۴	در باغ بکشاد سالار بار	۸۰۸	۱۳e
درخت و گیا دید و آب	۵۲۳	۱۲	در بتری راه آهر منست	۲۵۱۰	۴۱
درختی بد اندر بر او	۴۵۵۰	۱۵	در بسته را کس نداند گشاد	۱۶۷۱	۱۲c
درختی بد این خود نشانده	۲۲۸۸	۱۲d	در بسته زندانها بر گشاد	۱۷۱۷	۱۲d
درختی بکشم بیابان بهشت	۲۴۱۶	۱۵	در بی نیازی بشمشیر جوی	۱۰۷۱	۱۲d
درختی بود سبز و بارش	۵۸	۲۴	در پادشاه چو دریا شمر	۱۶۰۳	۴۱
درختی بهر جای هر کس	۴۱۹	۳۵	در پهلوان را بیاراستند	۴۲۰	۷
درختی زدند از بر گاه	۸۱۱	۱۳e	در تنگ زندانها باز کرد	۲۴۴۱	۳۵
درختیست آیدر درین	۱۵۹۲	۲۰	در تیر ماه آمد آتش کنم	۲۲۱۶	۱۵
درختیست این بر کشته	۱۱۲۱	۱۲d	در جادو بها با فسون ببست	۳	۷

در دانتش از گنج نامی	۴۰۴۴	۴۱	درختیست این خوردش آنده	۲۴۱۵	۶
در دخمه بستند بر شهر یار	۱۲۵۶	۶	درختیست بارش همه گرز	۱۳۴۷	۱۲ب
در دخمه بستند و گشتند	۴۶۱۸	۱۵	درختیست با شاخ بسیار	۳۲۲	۱۱
در دخمه شاه کرد استوار	۶۳۸	۴۴	درختی که از کین ایرج	۷۳۵	۶
در دخمه کردند سرخ و	۱۸۸۲	۱۳	درختی که بنشاندی آمد	۱۱۴۵	۶
در داد بر داد خواهان	۴۵۲	۱۳	درختی که تلخ آورد بار	۲۱۵۵	۷
در دژ بیست آن زمان جنگ	۱۱۵۷	۱۳c	درختی که سر بر کشد ز	۱۲۲۸	۶
در دژ بستند از آن روی	۱۰۰۵	۱۳	درختی که سردارد اندر	۶۵۰	۱۲
در دژ بستند و از باره	۱۱۲۷	۱۳c	درختی که کشتی چو آمد	۱۹۹۱	۲۰
در دژ بستند و غمگین شد	۳۷۱	۱۲c	درختی کهن بد بمیدان	۱۵۹۹	۷
در دژ گشادند ایرانیان	۱۰۸۴	۱۳	درختی گشن سایه و ریش	۲۰۸	۱۴
در دژ گشادند و گرد آفرید	۳۷۰	۱۲c	درختی نشانی همی بر زمین	۲۵۸۳	۱۲d
درست از همه کارش آگاه	۹۴۴	۱۵	درخشان بگرد اندرون	۱۲۴۷	۱۳e
درست گفتار خواننده	۳۶۱	۴۴	درخشان شود روزگار	۱۸۰	۴۴
درست و اکون بز نهار	۴۱۸	۱۲c	درخشنده زرین یکی باره	۶۹	۱۳d
درستند از این هر که بر دی	۶۹۷	۱۳e	درخشیدن آتش و باد	۱۰۸۳	۶
درستی و هم در دهنی بود	۲۷۱۱	۱۳g	درخشیدن تیغ الماسگون	۲۴۴	۸
در شارسان را با هن بست	۶۶۰	۴۳	درخشیدن تیغ الماسگون	۲۰۳	۱۲e
درشتی ز کس نشود نرم	۱۸	۱۲d	درخشیدن تیغ الماسگون	۱۵۶۷	۱۳
درشتیش نرمیست در پند	۴۹	۴۲	درخشیدن تیغ الماسگون	۵۸۰	۱۳c
درشتی کنم زین سپس روز	۷۳۲	۳۵	درخشیدن تیغ و باران تیر	۱۱۸۹	۱۵
درشتی مکن با گنهکار نیز	۲۰۱۱	۱۳g	درخشیدن تیغ و ژوپین و	۱۷۶	۱۳b
درشتی نباشد چو باشد	۲۱۱	۴۱	درخشیدن تیغ و ژوپین و	۲۰۲۶	۴۱
درشتی نه زیباست از شهر	۳۲۴۶	۴۱	درخشیدن تیغهای بنفش	۳۰۲	۱۲e
در شهر مازندران هست	۶۴۸	۱۲	درخشیدن تیغهای بنفش	۲۹۷	۱۳f
در فرهی بر تو اکنون	۳۴۸۷	۱۵	درخشیدن تیغهای سران	۱۸۵۳	۴۱
درفش ارژمن شاه بستند	۵۰۹	۱۳f	درخشیدن کاوبانی درفش	۳۸۴	۳۰
درفش از پس پشت او شیر	۳۷۵	۱۳	درخشیدن ماه چندان بود	۷۰۴	۱۳f
درفش از پس و پیش بولاد	۱۳۴۴	۱۳c	در خوردنت چیره کن بر	۷۷۵	۵۰
درفش از در بیژن گیو	۱۶۳۲	۱۳	در غوزبان دارد این بومر	۶۶	۱۳

درفش از درفش و گروه از	۲۸۳۰	۱۳۴	درفش پیلان ایر پایی کرد	۲۰۶۰	۱۳۴
درفشان بسیار افراشته	۳۲۲	۱۵	درفش پیردینه با اویم	۱۰۵۱	۱۲c
درفشان و پیلان آراسته	۱۵۴	۱۵	درفش بین ازدها پیگر	۸۹۶	۱۲c
درفش بزرگان نکونسار	۸۰۸	۱۳c	درفش پسان دلاور پندر	۳۲۰	۱۳
درفش بزرگان و پیل و	۲۸۸۲	۱۳g	درفش بماندند و او خود	۱۵۴۴	۱۳c
درفش بزرگی و گنج و	۴۷	۵۰	درفش جو از جایگاه	۲۰۸۲	۱۳۴
درفش بنفش اربچنگ	۱۶۳۹	۱۳	درفش سیاهست و خفتان	۶۳	۱۱
درفش پلاشان ز توران	۱۱۴۲	۱۳	درفش گرفته بدست	۱۰۴۲	۱۲e
درفش تهمتن جو آمد پدید	۴۷	۱۳	درفش یکی ترک جنگی	۵۹۵	۱۳g
درفش تهمتن میان گروه	۶۷۳	۱۳c	درفش شهنشاه با بوق	۲۱۲۳	۱۳۴
درفش تهمتن همانکه ز راه	۲۲۶	۱۲e	درفش شهنشاه با کرنای	۱۹۶	۱۳d
درفش جفا پیشه آمد پدید	۱۶۶	۱۳b	درفش فروزنده کاربان	۳۸۳	۱۵
درفش جفا پیشه افراسیاب	۷۹۱	۱۲b	درفش فریدون بدندان	۵۵۳	۱۵
درفش جهانجوی رهام	۳۸۰	۱۳	درفش فریدون جو آمد	۱۲۱۵	۶
درفش خجسته بدست	۱۹۰۴	۱۳۴	درفش مرا تا نبیند کسی	۵۲۳	۴۱
درفش خجسته میان	۲۹۶	۱۳۴	درفش مرا چون ببیند ز	۵۹۷	۱۲c
درفش خجسته بر آورد	۱۹۱۷	۱۳۴	درفش مرا دید بر یک کران	۱۵۷	۱۱
درفش خجسته بگستهم	۶۴۸	۱۳b	درفش مرا زود بر پای کن	۲۱۰۰	۱۵
درفش درفشان پس هر	۹۸۸	۴۲	درفش مرا اگر ببیند بچنگ	۱۳۹۵	۱۳b
درفش دگر ازدها پیگرش	۱۰۳۴	۱۳b	درفش منوچهر چون دیدسام	۲۳۹	۷
درفش دل افروز بر پای	۳۲۱	۱۳۴	درفش و پس لشکر و جای	۶۵۴	۱۵
درفش ذوشاه نو آمد پدید	۳۱۸۳	۴۱	درفش و سلیحش چنان هم	۲۰۷۸	۱۳۴
درفش سپهد بدو نیم شد	۶۵۲	۱۳b	درفش و ستانرا خود اندازد	۱۰۶۵	۱۳b
درفش سپهد گو پیلتن	۱۲۵۶	۱۳b	درفش و ستان سپهد پیش	۱۳۷۲	۱۲b
درفش سپهد همان که ز راه	۷۲۴	۴۳	درفش و سواران و هم پول	۱۲۸۳	۱۲d
درفش سپهدار ایران کجا	۱۰۲۱	۱۳b	درفش و بست آنکه واری	۵۳۶	۴۲
درفش سپهدار پیران بین	۹۴۶	۱۲e	درفش همایون پسر و ندر	۶۷۹	۱۳c
درفش سپهدار پیران بدید	۱۳۱۹	۱۲d	درفش همایون بچنگ	۱۹۷۹	۱۳۴
درفش سپهدار پیران نکون	۲۱۱۸	۱۳۴	درفش همایون بر افراشته	۸۳۰	۱۴
درفش سرافراز ایران	۸۴۶	۱۳۴	درفش پندر و کجا	۴۷۳	۱۵
درفش سرافراز خاقان	۱۲۳۰	۱۳b			

در کاخ برخویشتن بر	۹۳۳ ، ۷	درفشی بدو داد و گنج	۸۵۱ ، ۱۵
در کاخ بکشاد فرزند شاه	۷۷۷ ، ۴۱	درفشی بر آزرده پیکر	۳۹۶ ، ۱۲
در کاخ گردرز کشوادگان	۷۲۵ ، ۱۳b	درفشی بزد چشمه آفتاب	۱۸۲۲ ، ۲۵
در کاخ و فرخنده ایوان	۷۴۹ ، ۴۱	درفشی بگردار سروسهی	۲۱۲۰ ، ۱۲۴
در کلبه نامور باز کرد	۲۱۶۷ ، ۱۵	درفشی پدید آید از تیره	۲۰۶۸ ، ۱۲۴
در گنج آکنده را باز کرد	۱۲۱ ، ۸	درفشی پس اوست پیکر *	۶۵۸ ، ۱۳
در گنج آن ترک شوریده	۱۳۹۱ ، ۱۳g	درفشی پس پشت اود پیکر	۶۵۲ ، ۱۳
در گنج بکشاد با بک چو	۹۱ ، ۲۱	درفشی پس پشت پیکر *	۹۳۰ ، ۱۲c
در گنج بکشاد شاه جهان	۱۶۱۱ ، ۱۳c	درفشی پس پشت سالار	۵۷ ، ۱۹
در گنج بکشاد شاه جهان	۲۲۴ ، ۱۳d	درفشی پیش پیکر او گراز	۶۶۲ ، ۱۳
در گنج بکشاد نوشیروان	۳۴۴۸ ، ۴۱	درفشی پیش پیکر گاو	۶۶۴ ، ۱۳
در گنج بکشاد و تاج پدر	۱۰۵۷ ، ۲۰	درفشی پلنگست پیکر	۶۶۸ ، ۱۳
در گنج بکشاد و چندان	۳۳۰۲ ، ۴۳	درفشی درفشان بسر بر	۳۰۸۸ ، ۴۱
در گنج بکشاد و چندان	۲۵۹۲ ، ۴۳	درفشی درفشان ز دیبای	۶۶۷ ، ۱۳e
در گنج بکشاد و چندی	۳۴۱ ، ۱۲d	درفشی درفشان ز دیبای	۲۲۸۸ ، ۴۱
در گنج بکشاد و دینار	۱۴۸ ، ۱۰	درفشی دگر جست واسپی	۸۲ ، ۱۳۵
در گنج بکشاد و دینار	۱۰۷۷ ، ۱۳c	درفشی فرستاد و سیصد	۳۱۲ ، ۱۳۴
در گنج بکشاد و روزی	۲۶۰ ، ۱۲c	درفشی کجا آهوش پیکر	۶۶۹ ، ۱۳
در گنج بکشاد و روزی	۱۱۵ ، ۱۳g	درفشی کجا پیکرش ازدها	۶۹۲ ، ۲۳
در گنج بکشاد و روزی	۲۷۰ ، ۱۳g	درفشی کجا پیکرش هست *	۶۶۰ ، ۱۳
در گنج بکشاد و روزی	۲۱۲۵ ، ۱۳g	درفشی کجا پیکرش هست *	۶۶۶ ، ۱۳
در گنج بکشاد و روزی	۳۰۵ ، ۱۵	درفشی کجا شیر پیکر بزر	۶۶۷ ، ۱۳
در گنج بکشاد و روزی	۳۵۳ ، ۲۱	درفشی کجا فرم دارد	۶۷۰ ، ۱۳
در گنج بکشاد و روزی	۸۰ ، ۳۵	درفشی گرفته بدست اندر	۲۱۸۹ ، ۱۳۴
در گنج بکشاد و روزی	۳۲۲۸ ، ۴۱	درفشیدن تیغهای بنفش	۸۶۸ ، ۶
در گنج بکشاد و ز خواسته	۸۲۷ ، ۱۵	درفشیدن خشت و ژوبین	۷۶۶ ، ۱۲۵
در گنج بی رنج بکشاد	۳۷۸ ، ۲۰	درفشی همی برد پیکر *	۴۱۱ ، ۱۳
در گنج خاور کشادند باز	۶۶۸ ، ۶	در کاخ بر بست و تختش	۱۶۶۰ ، ۱۲۵

ستاره در نظر اول بجای « چو ماه » و در دوم و پنجم بجای « گراز » و در

بجای « بر » و در چهارم بجای « گرگ » آمده است .

درم داد مهر یکی را	۲۱۸۱ ، ۱۳g	در گنج دینار بکشاد و	۲۱۵ ، ۱۳
درم داد مزدور درویش را	۳۸۷۲ ، ۴۱	در گنج دینار بکشاد و	۲۱۲۲ ، ۴۱
درم داد ناپاک دل را چهار	۲۵۵ ، ۳۵	در گنج دینار ز مهر کرد	۲۳۰۴ ، ۱۵
درم داد و آباد کردش ز	۸۴ ، ۱۳	در گنج دینار و پر مایه تاج	۴۶۹ ، ۱۲e
درم داد و آمد شهر	۱۴۳۱ ، ۳۵	در گنج دینار و تیغ و کمر	۱۱۰۰ ، ۱۳f
درم داد و آمد سوی خانه	۲۹۳۸ ، ۴۳	در گنج را کرد شاه استوار	۸۵۰ ، ۱۲e
درم داد و آن لشکر آباد	۳۷ ، ۳۹	در گنج سام نریمان و زال	۳۹۹۹ ، ۱۵
درم داد و از سیستان بر	۱۱۶۹ ، ۱۵	در گنج و کویال و بر گستوان	۱۷۲ ، ۱۲e
درم داد و اسپ و نگین و	۱۸۴۲ ، ۳۵	در گنجها را گشادن گرفت	۲۶ ، ۶
درم داد و دینار درویش را	۸۹۱ ، ۷	در گنجهای پدر بر گشاد	۳۰۷۴ ، ۴۱
درم داد و دینار درویش را	۱۸۲۷ ، ۱۳g	در گنجهای کهن باز کرد	۲۸۸۲ ، ۱۲d
درم داد و دینار لشکرش را	۶۷۲ ، ۲۰	در گنجهای کهن بر گشاد	۱۳۷۰ ، ۱۳f
درم داد و دینار و بر گستوان	۱۷ ، ۱۹	در گنجهای کهن بر گشاد	۳۲۸۰ ، ۴۳
درم داد و دینار و تیغ و سپر	۲۸۳ ، ۱۱	در گنجهای کهن کرد باز	۲۲۷ ، ۶
درم داد و دینار و هر گونه	۲۲۳۶ ، ۳۵ ^e	در گنجهای نیا بر گشاد	۱۷۵۶ ، ۱۳g
درم داد و روزی دهان را	۱۱۵ ، ۱۳b	در گنج یکسر برود در میند	۸۶۹ ، ۴۱
درم داد و سوسوی ایران	۱۴۴۵ ، ۳۵	درم بار کردند خروار	۵۳۲ ، ۳۰
درم داد و گنج و دینار	۱۲۲ ، ۳۵	درم باید و تیغ پیراستن	۵۸۷ ، ۲۲
درم داد و نان و نقل و نیند	۲۵۰۳ ، ۱۵	درم بخش هر ماه درویش را	۳۳۰ ، ۲۲
درم ده سپه را و تنندی مکن	۲۹۷۵ ، ۱۵	درم برد با هدیه و نامه برد	۱۷۴۳ ، ۴۳
درم را بنام سکندر ز نیند	۴۶۱ ، ۱۹	درم بستد از بلخ بامی برنج	۳۸۷۹ ، ۴۱
درم را همی میخ سازند	۱۸۱۵ ، ۴۲	درم بود و گوهر بچب و	۳۵۲۹ ، ۴۱
درم را یکی میخ نو ساختم	۲۲۸ ، ۴۴	درم چند باید بدو گفت	۴۲۹۷ ، ۴۱
درم را آن بگوید که	۱۲۱۳ ، ۱۲e	درم خواست از گنج و دینار	۱۵۸۴ ، ۴۳
درم ریختند از بر و زعفران	۲۱۷۸ ، ۱۳g	درم خواست باز رو گوهر	۵۷۹ ، ۷
درم ریختند از کز آن تا	۲۳۹۳ ، ۳۵	درم خواست و ام از پی	۴۲۹۵ ، ۴۱
درم زیر پایش همی ریختند	۲۱۸ ، ۱۲d	درم خواه و خلعت سزاوار	۱۵۶۰ ، ۴۱
درم گفت فردا دم ما هر وی	۹۲۴ ، ۷	درم داد تا لشکر نامدار	۴۳ ، ۳۸
درم ماند بر وی چو سینه	۳۸۳۹ ، ۴۱	درم داد سالار جنگی ز	۱۲۸۹ ، ۲۰
درم نیز چند آنکه بر وی	۱۲۸۶ ، ۱۲d	درم داد مرجهن را سی	۳۶۹۶ ، ۴۳

درود دشت گل بود بام و	۲۴۵۶	۴۱	درمهای آینه را بر	۳۲۸	۲۱
درودشت و پالیز شد چون	۲۶۸	۴۱	درمهای گنجی بر آن	۲۵۹	۴۲
درودشت و کوه و بیابان	۳۲۶	۱۳۴	درمی فزون کرد روزی	۲۰۵	۴۱
درودشتها شده لاله گون	۵۷۶	۱۵	در نام جستن دلیری بود	۱۲۸۵	۴۱
درودشت یکسر همی بیشه	۲۹۴	۴۱	درنگ آورد راستیها پدید	۵۱	۲۴
درودشده از ما و بسیار پند	۹۸	۵۰	درنگ آوردی تو از	۱۳۴۵	۱۳
درودشده از ما و خوبی	۱۲۳۵	۱۵	درنگ آوری کار گردد	۸۱۷	۱۴
درودشده از ما و نیکی	۲۷۷۷	۱۵	درنگی بید تا جهاندار	۱۳۴۶	۴۲
درودشده از من فراوان	۴۵	۱۳d	درنگی مباش و منه سر	۱۱۳۱	۱۲d
درودشهنشاه ایران دهی	۱۲۶۷	۱۵	درنگی نبودم بر اماندگی	۱۴۲۹	۱۳b
درود فریدون فرسخ دهم	۷۸	۶	در و بخشش و داد آمد پدید	۴۸	E
درودم ز ارجا پ آمد	۱۲۶۸	۱۵	در و چار صد گوهر شاهوار	۱۰۶۴	۲۰
درودی رسا نم بشاه جهان	۲۴۰	۱۰	در و چند چیز ست بسته	۱۲۶۷	۴۱
درودی رسا نم ز قیصر بشاه	۱۷۶۶	۳۵	درود آوریدش خجسته	۴۹	۱
درودی ز من سوی پیران	۲۶۱۷	۱۲d	درود از خداوند دیهم	۴۶۸	۴۱
درودی فرستی بی پیغمبرش	۹۳	۲۳	درود از خداوند روز	۵۳۲	۱۲c
درودی که دادی ز افرا	۱۲۲۰	۱۳g	درود بزرگان بخسرو	۹۸۴	۱۳f
درودی همان بر که کشتی	۷۵۵	۵۰	درود بزرگان بدستان	۶۷۴	۱۳e
دروشاه نوشیروان خیره	۲۳۳۳	۴۱	درودت فرستاد و پاسخ	۹۵	۲۰
دروغ آزمایست چرخ	۱۱۷۷	۴۲	درو دجهان آفرین بر تو	۶۷۸	۷
دروغ آزمایی نباشد زرای	۴	۳۲	درو دجهان آفرین بر تو	۹۷۱	۱۳b
دروغ آنکه بی رنگ و	۲۶۹۴	۴۱	درو دجهان آفرین بر تو	۲۴۶۲	۴۳
دروغار جای کمین شماس	۳۴۰	۴۱	درو دجهان آفرین بر شما	۵۹	۴۲
دروغست بر تو همی نام	۱۶۳	۱۳f	درو دجهان نبان بر آنراد	۴۶۳	۵۰
دروغست گفتار تو سر	۴۶۷	۴۳	درو دجهان نداد بر شاه باد	۵۱۹	۳۰
دروغست یکسر همه گفت	۴۵۳	۱۳c	درو دشت برسان دیباشدی	۲۰۵	E
درو گر زمانست و ما چون	۱۵۷۴	۷	درو دشت شد پر ز گرد سوار	۶۰۰	۱۲
درون اندر آکنده موی	۱۸۳۳	۷	درو دشت گشته پر از برف	۴۱۵	۱۳b
درون سرا پرده تختی بلور	۲۴۷	۱۲	درو دشت گفتی که پر خون	۱۶۵۳	۱۳g
درون نرم کرده بدیبای	۲۴	۱۷	درو دشت گفتی که زرین	۳۳۸۲	۱۳
درو هر چه آباد بینی بسوز	۲۱۲	۱۲			

دریغ آن نکرده گرانمایه	۵۲۱	۱۵	درهیزم و گندم و کوسپند	۷۸۰	۵۰
دریغ آن نکوروی تانان	۵۱۴	۱۵	دری بر نهادند از آهن	۳۲۹	۴۱
دریغ آن هن بر افکن کرد	۹۲۷	۱۳۴	دریدم جگر گاه پور جوان	۱۴۲۰	۱۲c
دریغ آن همه پاک فرزند	۳۲۶۴	۱۳g	دریدم جگر گاه دیوسپید	۷۹۰	۱۲
دریغ آن همه تیغ و گرز	۲۲۷۹	۱۳g	دریده درفش و نکونسار	۴۱۸	۸
دریغ آن همه رنج و بیگار	۲۰۷۱	۱۵	دریده درفش و نکونسار	۱۴۰۴	۱۳
دریغ آن همه کشور و بوم	۲۲۷۷	۱۳g	دریده درفش و نکون کرده	۵۷۵	۶
دریغ آن همه مردی و رای	۱۵۱۲	۱۲c	دریغ آمد او را سپید	۲۵۳۲	۱۳۴
دریغ آیدت تخت شاهی	۲۶۷۲	۱۵	دریغ آن برادر فرود جوان	۱۴۵۵	۱۳
دریغ آیدش بهره تن زتن	۲۵۱۹	۴۱	دریغ آن بر و بازویال او	۳۸۷	۱۴
دریغ آیدم کاین چنین	۳۹۲	۱۲c	دریغ آن بلند اختر و رای	۳۱۹۹	۱۳g
دریغ از آن نوجوانان	۱۴۰۲	۱۳c	دریغ آن پراکندن گنج	۱۸۹	۲۲
دریغ اگر طوس یل این	۲۷۸	۱۳b	دریغ آن چنان گرد خسرو	۱۴۶۲	۱۳
دریغ برادر دریغا پسر	۲۲۸۰	۱۳g	دریغ آن چنان نامور شهر	۸۱	۱۲e
دریغ تن و جان و چشم و	۱۶۲۹	۱۲c	دریغ آن در و گاه شاه	۶۸۹	۱۳b
دریغ تھی از تو ایران	۴۴	۱۲e	دریغ آن دلیران و چندین	۳۱۳	۱۳c
دریغ چنان شاه آزاد مرد	۶۱۲	۱۳b	دریغ آن رخ ارغوانی جو	۲۷۲	۱۲e
دریغ چنان شاه و آن داد	۲۶۴۳	۳۵	دریغ آن رخ و برزبالای	۸۰	۱۲c
دریغ دل و زور و این یال	۹۳	۱۳d	دریغ آن سرتاج و آن مهر	۱۱۴	۵۰
دریغ سوارا گوا مهترا	۶۵۲	۱۵	دریغ آن سر تخمه اردشیر	۷۲۶	۵۰
دریغ شاهنشاه و دیدار کیو	۳۵۳	۱۳e	دریغ آن سرتاج و اورنگ	۷۲	۵۰
دریغ فرود سیاوش دریغ	۴۴	۱۳b	دریغ آن سرتاج و بالا و	۷۲۵	۵۰
دریغ افسرو تخت زرین	۲۲۷۸	۱۳g	دریغ آن سوار گرانمایه	۵۷۰	۱۵
دریغ که بدخواه دل شاد	۴۵	۱۲e	دریغ آن شه پروریده بنماز	۵۳۲	۱۵
دریغ که پند چها نکیر زال	۲۷۹	۱۲	دریغ آن شهنشاه و الا گهر	۳۲۰۰	۱۳g
دریغ که رنج نیامد پسر	۱۳۵۱	۱۲c	دریغ آن کمر بند و آن	۱۸۵	E
دریغ که تلوان شور	۳۵۲	۱۳e	دریغ آن کیی چهره و فر	۲۶۵۱	۳۵
دریغ که شد روز کاروان	۱۰۴۷	۱۳e	دریغ آن گل و مشک و	۱۰	۱۲e
دریغ که نا کار و دیده تیغ زال	۱۴۹۷	۱۳	دریغ آن گوشاهزاده	۶۳۸	۱۵
دریغ که گواشیر زال	۴۵۷۶	۱۵	دریغ آن نبرده سوار دلیر	۵۵۵	۱۵

دگر آبگیری که باشد	۲۹۴۱	۱۳g	درینجا کوا کور درینجا	۱۲۹۷	۱۲b
دگر آرزو هرچه باید	۳۵۰۳	۴۳	درینجا کارا مها خسروا	۸۰۲	۱۵
دگر آرزویست اندوه و	۲۳۵	۱۱	درینجا این جزو بزوبالای	۱۲۹۷	۱۲b
دگر آزر تو چنان چیره	۴۳	۴۴	درینجا این برو کفت و بالا	۹۴۹	۳۵
دگر آفرین بر شهنشاه	۱۲۲۷	۳۵	درینجا این سرو تاج و نام و	۹۱۸	۴۱
دگر آفرین بر فریدون	۹۹۹	۶	درینجا این غم و حسرت جان	۱۵۱۳	۱۲c
دگر آفرین کن بدان	۱۳۱۷	۱۳c	درینجا نهایت نیا یدهمی خویش	۱۷۶۶	۱۵
دگر آن سخن چین دورویه	۲۵۴۱	۴۱	درینجا است ایران که ویران	۲۶۰	۱۲b
دگر آن کسی کونوا زنده	۲۶۶۳	۴۱	درینجا رنج اندرین شار	۱۱۳۰	۱۳c
دگر آن کش آید پیبری	۲۹۴۳	۱۳g	درینجا نیا مد از آن روی	۱۶۲۳	۱۲c
دگر آنکه آیین شاهنشهان	۱۱۴	۴۳	درینجا نیا ید ز بخشیدن	۱۶۳۷	۱۵
دگر آنکه از تخمه او بود	۱۱۶۱	۷	دژ آگاه مردی چو دیوی	۲۰۴	۴۳
دگر آنکه از خواسته گفته	۲۰۱	۴۴	دژ گنبدان بود راهش	۲۷۴۴	۱۵
دگر آنکه از رخس داد	۱۲۳	۱۲c	دژ گنبدان کوه تاجر منه	۲۲۹	۵۰
دگر آنکه از روشنک یاد	۹۳	۲۰	دژم بخت آن کز تو جوید	۳۰۳۱	۱۵
دگر آنکه اوز آزمون خرد	۱۲	۲۳	دژم بود از آن دختر پارسا	۳۸۱	۴۲
دگر آنکه با جامه شهریار	۳۵۳۶	۴۱	دژم شد ز کار برادر شناد	۴۴۱۰	۱۵
دگر آنکه باشد بپر کهن	۷۴	۴۳	دژم کرد شاه اندر آن کار	۴۲۸۰	۴۱
دگر آنکه باشد نصیبین مرا	۵۴۳	۳۰	دژم کرد دو تیرا بر کشد	۳۷۷	۱۵
دگر آنکه بخشودنی	۷۸۹	۴۲	دژم گشت از آن آرزو	۳۵۰۵	۴۱
دگر آنکه بد شادورد	۳۹۷۲	۴۳	دژم گشت از آن کار بوزر	۳۵۸۳	۴۱
دگر آنکه بد گوهر افرا	۸۹۹	۴۳	دژم گشت رستم چو او را	۱۱۲۵	۱۲c
دگر آنکه بر پادشا شد	۱۰۱۲	۴۳	دژم گشت سالار بسیار	۲۰۳	۸
دگر آنکه بر جای بخشا	۴۴۸۵	۴۱	دژم گشت و دیده پراز آب	۱۲۴۴	۳۵
دگر آنکه بر گرگ بدرید	۶۲۰	۱۴	دژم گیو بر خاست از پیش	۱۳۸۱	۱۲c
دگر آنکه بسیار نامش	۱۷۸۴	۳۵	دژو گنج و دژبان سراسر	۳۶۱	۱۲c
دگر آنکه بود او ز تخم	۱۴۵	۱۳g	دژی بود با لشکر و بوق	۶۲۶	۴۱
دگر آنکه بودند فرخ	۱۴۲۳	۴۳	دژی بود کش خواندندی	۲۷۶	۱۲c
دگر آنکه بهرام در قلب	۱۰۱	۴۳	دژی داشت پر موده آوازه	۱۰۶۲	۴۱
دگر آنکه بهدار داری	۲۷۰۳	۴۱	دقیقی رسا نیدا اینجا سخن	۱۰۴۱	۱۵
			دقیقی ز جای پدید آمدی	۲	

دگر آنکه کز بشمر آواز	۲۸۲۰	۱۳g	دگر آنکه پیرو نش خوانی	۱۷۷۵	۳۵
دگر آنکه گفتم که پداخت	۲۵۳	۴۳	دگر آنکه بیعایه را بر کشی	۵۶۶	۲۲
دگر آنکه گفتمی تو آواز	۷۷۳	۴۲	دگر آنکه پرسد ز کار زمان	۴۴۹۴	۴۱
دگر آنکه گفتمی تو از کار	۱۵۶	۴۴	دگر آنکه پرسد که دشخوار	۴۵۰	۴۱
دگر آنکه گفتمی ز خون	۲۴۲۳	۱۵	دگر آنکه پرسد که دشمن	۴۴۹۹	۴۱
دگر آنکه گفتمی ز زندان	۱۸۹	۴۴	دگر آنکه پرسیدی از مرد	۴۴۹۶	۴۱
دگر آنکه گفتمی ز کار	۲۶۰	۴۴	دگر آنکه پیمان سخن	۴۰۳۰	۴۱
دگر آنکه گفتمی ز کردار	۴۱۰۰	۴۱	دگر آنکه جز گوشوارش	۱۳۸۲	۴۲
دگر آنکه گفتمی فزون از	۷۸۰	۴۲	دگر آنکه جستی همی	۸۹	۲۰
دگر آنکه گفتمی که باخوا	۲۲۸۲	۳۵	دگر آنکه جنباندا و کوه	۱۰۱۴	۴۳
دگر آنکه گفتمی که باشیده	۲۸۴۴	۱۳g	دگر آنکه چیزی که فرمان	۱۴۱۵	۴۲
دگر آنکه گفتمی که بر	۱۲۱۹	۷	دگر آنکه دارد خردمند	۱۷۹۲	۳۵
دگر آنکه گفتمی که چل	۵۱۳	۴۲	دگر آنکه دارد زیزدان	۲۶۹۸	۴۱
دگر آنکه گفتمی که حجت	۳۱۰	۴۴	دگر آنکه دارد روی آواز	۴۶۸	۲۲
دگر آنکه گفتمی که خیز	۲۲۷۹	۳۵	دگر آنکه داری زقیصر	۲۸۰	۴۴
دگر آنکه گفتمی که دیو	۱۲۶۴	۱۳g	دگر آنکه دانست بازان	۱۱۱	۳۴
دگر آنکه گفتمی که من	۲۲۷۲	۳۵	دگر آنکه دانش مگیرید	۴۶۲	۲۲
دگر آنکه گفتمی مرا که ترند	۷۸۵	۴۲	دگر آنکه دانی تو بهرام	۲۱۰۰	۳۵
دگر آنکه گوید چه کردار	۴۵۰۸	۴۱	دگر آنکه دختر بمن داد	۲۲۷۶	۳۵
دگر آنکه گوید ستمکاره	۴۵۱۰	۴۱	دگر آنکه در شهر دانا	۳۳۶	۲۲
دگر آنکه گوید که با	۱۵۷۸	۱۳g	دگر آنکه راهش بود در	۱۶۷۶	۱۵
دگر آنکه گوید گوا	۴۵۰۳	۴۱	دگر آنکه رستم شود درد	۲۸۱۹	۱۳g
دگر آنکه گیتی پر از	۳۴	۴۴	دگر آنکه روزش بیاید	۲۶۲۱	۴۱
دگر آنکه لشکر بدارد	۶۶۳	۳۰	دگر آنکه زی او بهمان	۱۶۹۰	۷
دگر آنکه منزوش بچوید	۱۲۳۳	۴۱	دگر آنکه زیر اندرش باد	۱۰۱۲	۱۲b
دگر آنکه نامش بود بر	۴۱	۴۲	دگر آنکه فرخ پسر زاید	۵۶۹	۴۴
دگر آنکه نامش به آواز	۴۷۹	۴۲	دگر آنکه فرزند بودت	۴۶	۴۴
دگر آنکه نامش همی بشود	۳۹۶۷	۴۳	دگر آنکه قیصر بجای تو	۳۸	۴۴
دگر آنکه نامش با بند	۱۱۴۷	۱۳f	دگر آنکه کار آگهان	۸۴۰	۱۳c
دگر آنکه چنگی چل	۳۹۷۷	۴۳	دگر آنکه کاووس صندوق	۲۸۳۵	۱۳g

دگر باره کسری برانگیخت	۲۰۲	۴۱	دگر اسپ شبنم کز تاختن	۲۹۸۱	۱۱
دگر باره گردی زبان	۷۲۹	۴۲	دگر اندر یمان سوار دلیر	۱۴۲۶	۱۲d
دگر باره گفت ای بزرگان	۵۹۶	۱۵	دگر ایزدی هر چه بایست	۷۱	۱۲d
دگر باره گفت ای سرافراز	۱۹۵	۳۵	دگر با خردمند مردم	۳۵۱	۷
دگر باره موبد بیرسش	۱۱۶۵	۴۱	دگر باره آمده ز ویران	۱۶۴	۱۷
دگر باره مهمان دشمن	۶۶۳	۱۲b	دگر باره از آب این سو	۱۷۹	۱۹
دگر باز پرسید سهراب ازو	۹۰۳	۱۲c	دگر باره از جای برخاستند	۱۶۴۹	۱۳
دگر با فریبرز کاووس	۱۸۳۳	۱۳۴	دگر باره اسپان بستند	۱۳۳۵	۱۲c
دگر بردباری و بخشایش	۴۴۴۳	۴۱	دگر باره کوان بد و باز	۱۷۰	۱۲d
دگر بردگان مهتران را	۱۸۱۶	۱۳g	دگر باره با شهریار جهان	۶۰۴	۱۲d
دگر بر زمین جهن پیوند	۱۴۳۴	۱۳g	دگر باره بر پیش بگذا -	۱۰۷۲	۴
دگر بر سر آیدده و پنج	۱۱۶۱	۴۳	دگر باره برداشت مردی	۳۸۳۲	۴۱
دگر برف و باد از سپهر	۱۲۹	۴۱	دگر باره بر شدم کز نای	۴۵۱	۱۳b
دگر بر کنامی که ویران	۵۹۹	۴۴	دگر باره بستد زمین داد	۸۰۷	۱۲b
دگر بود ترکی و نامش	۳۱۸	۱۵	دگر باره بنگر ز کوه بلند	۱۰۴۶	۱۳b
دگر بود گودرز از لشکانی	۱۲	۲۱	دگر باره بیدار شد خفته	۴۷۹	۱۲
دگر بویهای خوش آورد	۴۲	۴	دگر باره پرسید از آن	۳۶۲۱	۴۱
دگر بهر شطرنج بودی و	۳۳۲۱	۴۳	دگر باره پرسید ازوسر	۹۳۸	۱۲c
دگر بهره بر سوی کابل -	۹۴۹	۱۳b	دگر باره تابوت سهراب	۱۵۸۳	۱۲c
دگر بهره بگزید از ایرانی	۱۶۰۴	۱۳g	دگر باره چون شد بخواب	۴۷۷	۱۲
دگر بهره را با برادر سپرد	۷۵۹	۱۵	دگر باره خر اد برزین	۱۰۹۰	۴۳
دگر بهره زو بد قم و	۵۸	۴۱	دگر باره خر اد دل تنگ	۲۶۴۹	۴۳
دگر بهره زودشت و کوه	۳۳۱۸	۴۳	دگر باره در زخم جوگان	۲۰۳۱	۱۲d
دگر بهره زودشت و کوه	۳۳۱۲	۴۳	دگر باره رستم زبان بر	۳۹۹۴	۱۵
دگر بهره گنجست و تاج	۴۰۲۷	۴۱	دگر باره زدی بر سر ترگ	۳۴۱	۱۲e
دگر بهره مردم پارسا	۱۲۷	۴۳	دگر باره زیر اندرش	۱۱۳۷	۱۲e
دگر بهره مهترده بدی	۲۹۹	۱۴	دگر باره زی خدمت شاه	۲۲	۴۹
دگر بهژن و اشکش و	۸۴	۱۳۴	دگر باره زین بهتر آرایم	۲۷۹	۱۱
دگر بیست از داد و بخشش	۲۵۳۲	۳۵	دگر باره سهراب گرز	۱۱۰۷	۱۲e
دگر بیشتر کشته و خسته	۵۵	۱۸	دگر باره کرد آن سخن	۱۷۲۵	۲۱

دگر چون کین کار خواند	۲۸۸	۱۳۵	دگر پانصد در خوشاب	۳۵۲۰	۴۳
دگر چون نیا شام آزاده مرد	۱۵۵	۱۳	دگر پرستی بر گشاد از	۲۵۹۱	۴۱
دگر چیز بخشید هیشوی	۳۷۸	۱۴	دگر پنج دارم همه زرنکار	۱۷۱۴	۱۳
دگر خسته بدسه هزار و	۸۱۲	۱۵	دگر پنج شهرست تا بامیان	۱۱۴۵	۱۳۴
دگر خسرو آن مرد بیدار	۸۴۴	۴۲	دگر پنجد پاره دندان	۱۰۶۸	۲۰
دگر خشم و رشکست و ننگ	۲۵۲۹	۴۱	دگر پنجه از نامداران	۵۶	۱۳۴
دگر خفته آسیمه برخاستند	۱۱۴	۳۰	دگر پنجه اندیشه جامه	۱۳	۴
دگر خواسته هر چه بردی	۴۳۵	۳۰	دگر پنج هر گونه ای گوهر	۲۱۰۵	۱۵
دگر خواسته هر چه دارند	۱۵۳	۳۹	دگر پهلو ان طوس زرینه	۱۲۹	۱۳g
دگر خود بدارید با خویشتن	۴۵۱	۵۰	دگر پیکرش افسر و چهر	۴۶۱	۲۰
دگر داد دادن تن خویش	۴۸۸	۲۲	دگر پیکرش در خوشاب	۱۶۶۶	۷
دگر داروی مردم دردمند	۱۹۹۶	۳۵	دگر پیش جنگی هزار و	۳۹۷۶	۴۳
دگر دانش آنست کز	۱۵۱۶	۴۱	دگر تا فرستد بهر کشوری	۸۸	۴۱
دگر دانشش کواز	۱۴۷۱	۴۱	دگر تخت را خواندی	۳۷۶۴	۴۳
دگر دختر شاه به آفرید	۱۱۵۵	۱۵	دگر تخت شاهی و آیین	۱۹۳	۱۲d
دگر دختر کید را بی گزند	۱۸۷۷	۲۰	دگر تخت و دیهیم و گنج	۱۳۳۲	۱۳c
دگر دست را داد بر گرگ	۴۸۹	۱۵	دگر تور را داد توران زمین	۳۰۵	۶
دگر دست لشکرش را	۴۷۷	۱۵	دگر تیر بهر امزد بر سرش	۲۴۸۴	۴۳
دگر ده شتر پار کرد از	۱۷۵۸	۲۰	دگر تیر زد بر میان سرش	۶۸۵	۳۵
دگر ده هزار از دلیران	۱۸۹	۱۳g	دگر تیغ زد بر سر و گردن	۲۷۶	۵۰
دگر ده هزار اشتر سوخ	۳۹۷۸	۴۳	دگر جادویی نام او نام	۱۳۴	۱۵
دگر دین موسی که خوانی	۲۲۱	۲۰	دگر جام باده برستم سپرد	۲۲۵	۱۰
دگر دین یزدان بر ستست	۲۰۵۸	۴۱	دگر جام بردست بهمن	۲۹۱۸	۱۵
دگر دین یونانی آن پاربا	۲۲۲	۲۰	دگر چار بدتخت از عود	۱۰۷۴	۲۰
دگر دیوبی دانش ناسپاس	۲۵۴۳	۴۱	دگر چار پایان دوشیدنی	۱۴۶۸	۷
دگر دیو کهنست بر خشم	۲۵۳۸	۴۱	دگر چار چوبه بزد بر سر	۲۱۸۴	۳۵
دگر دیو نام کوچ دروغ	۲۵۴۰	۴۱	دگر چامه باب خود ماهیار	۱۰۱۲	۳۵
دگر را بنستور فر خنده	۸۲۰	۱۵	دگر چاهساری که بی آب	۲۹۴۹	۱۳g
دگر را در بر زمین رزم آزما	۱۴۷۰	۳۵	دگر چشمه آب یابی چو	۲۰۱۴	۱۵
دگر روز بر خاست از ای	۱۹۹	۱۲	دگر چون که زال آمد اندر	۴۶۵	۱۳
دگر روز بر دادش لشکر	۱۰	۱۱			

دگر سام کوبودمارا نیا	۳۲۴۵	۱۵	دگر روزین نام بست	۲۰۰۰	۳۲
دگر سرفرازی و گنج و	۲۰۰۹	۴۱	دگر روز بندوی بر بام شد	۷۹۴	۴۲
دگر سرکشی بود نامش	۲۰۸۹	۱۲d	دگر روز بنشست بر تخت	۹۵۴	۱۵
دگر سله زعفران بد هزار	۱۷۵۹	۲۰	دگر روز بهرام جنگی	۱۰۶۸	۳۲
دگر سوسرخس و بیابان	۷۴۵	۱۲b	دگر روز چون آسمان	۳۴۸	۲۰
دگر سوی گسته هم نوذر	۱۲۹۳	۱۳g	دگر روز چون بر دمید	۱۵۳	۸
دگر سوی گورفت با گرز	۳۰۴۶	۴۱	دگر روز چون بر دمید	۷۱۳	۱۴
دگر سهمگین دبو بدید	۳۲۲۱	۱۵	دگر روز چون بر دمید	۵۴	۳۵
دگر شارسان از بر کوه	۱۵۶۱	۷	دگر روز چون تاج بفرو	۱۳۶۸	۳۵
دگر شارسان بر که ارد شیر	۶۳۶	۲۲	دگر روز چون تاج بنمود	۱۷۴۹	۳۵
دگر شارسان بر که ارد شیر	۶۳۸	۲۲	دگر روز چون خور بر	۱۱۴۳	۱۳g
دگر شان زدو کشور آبخور	۴۳۴	۶	دگر روز چون سیمکون	۱۵۱۴	۴۲
دگر شاه سندنل که با نامدار	۲۴۵۲	۳۵	دگر روز چون گشت روشن	۱۷۷۸	۱۵
دگر شاه کشمیر بادستگاه	۲۴۵۳	۳۵	دگر روز چون گنبد	۱۷۱	۴
دگر شب بدانگونه دبدم	۱۶۶	۲۰	دگر روز خسرو بیاراست	۲۱۷۳	۴۳
دگر شب چو بر زد بیراز	۲۲۹	۴۲	دگر روز شبگیر برخاستند	۳۶۳۰	۴۳
دگر شب نمایش کند بیشتر	۹۱	E	دگر روز شبگیر سودابه	۱۶۸	۱۲d
دگر شهر یاران که روز	۱۹۸۶	۲۰	دگر روز شبگیر هم پر	۶۰۲	۱۲c
دگر صد هزارش سواران	۱۰۷۱	۲۰	دگر روز قیصر بیالوی	۱۴۸۹	۴۳
دگر صدسگ تیز فنجیر	۴۹۲	۱۵	دگر روز کاین گنبد تیز	۸۲۰	۱۲
دگر طالع تور فرخنده	۲۹۳	۶	دگر روز گرسیوز آمد	۱۹۹۷	۱۲d
دگر طالقان شهر تافاریاب	۱۱۴۴	۱۳f	دگر روز گشتاسپ پامو بد	۳۳۵	۱۵
دگر فیلسوفی که داری	۲۰۱	۲۰	دگر روز لشکر بیاراستند	۳۸۲	۱۲b
دگر کارزاری که هنگام	۱۴۵۷	۴۱	دگر روز هم بامداد پگاه	۱۳۶۱	۴۲
دگر کت زدار مسیحاسخن	۳۴۹۴	۴۳	دگر ره چو اورا بهاماور	۶۷۸	۱۲e
دگر کردبادان پیروز نام	۴۰	۳۸	دگر ره چو در روی میدان	۲۰۳۰	۱۲d
دگر کز بدیهای نا آمده	۱۳۵۴	۴۱	دگر ره نوشتند کار آگاهان	۲۵۶۹	۳۵
دگر کس چو نوای سوار	۶۰۴	۷	دگر زاد فرخ که نامی بد	۴۰۰۲	۴۲
دگر کس نیارست گفتن	۱۵۱۳	۴۲	دگر ساختن کار مهمان	۱۴۶۳	۴۲
دگر کشوری را بگردوی	۲۲۵۹	۴۳	دگر سال روی هوا خشک	۱۴۱۱	۴۲
دگر کندر و شکل آن	۱۲۴۷	۱۳c	دگر سام رفت از پس شهر	۱۷۸	۴۲

دگر گفت بدانیست بدتر	۴۱	۴۱۰۹۰	دگر کو بخون پدر بر میان	۱۲e	۱۴۳۱۰
دگر گفت بر جان ما شاه	۲۰	۱۱۷۲۰	دگر کو بدرویش بر مهر	۴۱	۴۴۱۸۰
دگر گفت بر مرد پیرایه	۴۱	۱۲۱۳۰	دگر کو بستنی بود پیش	۴۱	۱۲۰۸۰
دگر گفت بهرام چو بینه	۴۳	۲۵۱۸۰	دگر کو بشوید زبان از	۴۱	۱۴۴۰۰
دگر گفت بی دستکاه آن	۲۰	۱۹۵۵۰	دگر کودکان را بکاری	۱۵	۳۰۱۲۰
دگر گفت پرسنده پرسد	۲۰	۱۹۶۶۰	دگر کودکانی که بی مادر	۱۳g	۲۹۴۲۰
دگر گفت تالشکر نیمروز	۱۳g	۹۳۰۰	دگر کودکانی که بینی	۳۵	۱۲۶۴۰
دگر گفت جنگی سواری	۴۱	۳۸۴۳۰	دگر کوزنا بودنیها امید	۴۱	۱۲۳۷۰
دگر گفت چندست با او	۴۱	۲۰۹۰۰	دگر که تر آن مرد باهنک	۶	۲۸۱۰
دگر گفت چندی نهفتی	۲۰	۱۹۵۱۰	دگر کیست کواز در پادشا	۴۲	۳۳۷۰
دگر گفت چون بیندت او	۲۰	۱۹۵۷۰	دگر گرد آزاده فرشید	۱۵	۲۶۰۴۰
دگر گفت چون پیش داور	۲۰	۱۹۵۴۰	دگر کردشاپور با اندیان	۴۳	۱۹۲۷۰
دگر گفت چون لشکرت	۲۰	۱۹۷۷۰	دگر گردش اختران بلند	۱۳g	۱۵۶۳۰
دگر گفت خسرو بکاووس	۱۲e	۱۳۱۱۰	دگر گزدهم رزم را ناگزیر	۱۳f	۳۰۸۰
دگر گفت خسرو ز آزار	۴۲	۱۹۵۷۰	دگر گشت گیتی از آنان	۴۵	۵۳۰
دگر گفت دانا بی و راستی	۲۰	۱۴۷۴۰	دگر گفت آن چیست ای	۴۱	۱۲۳۴۰
دگر گفت دیبا پوشیده	۲۰	۱۹۶۲۰	دگر گفت آن را تو دانا	۵۰	۷۴۴۰
دگر گفت روز تو اندر	۲۰	۱۹۶۹۰	دگر گفت آنکس که	۴۱	۱۱۹۴۰
دگر گفت روشن روان	۴۱	۱۱۴۵۰	دگر گفت از آن رفت بر	۱۲b	۶۳۶۰
دگر گفت سختی بیاید	۲۰	۱۴۹۹۰	دگر گفت اگر چند خندان	۵۰	۷۴۲۰
دگر گفت شاه جهانیان	۱۳g	۸۷۵۰	دگر گفت اگر شاه لب را	۵۰	۷۴۶۰
دگر گفت طوس سپهبد	۱۳	۱۲۱۶۰	دگر گفت انوشه بدی*	۴۱	۳۷۶۲۰
دگر گفت فرمان ماسوی	۲۰	۱۶۵۸۰	دگر گفت انوشه بدی*	۴۱	۳۸۴۹۰
دگر گفت کارام و راه	۴۱	۴۴۹۰۰	دگر گفت باز تو ای شهر	۴۱	۳۷۹۴۰
دگر گفت کاری که فرمود	۴۳	۳۱۴۶۰	دگر گفت با شهر یار بلند	۴۳	۳۰۱۲۰
دگر گفت کار یگران	۴۳	۳۹۹۷۰	دگر گفت با نام و تاج	۴۱	۱۲۷۰۰
دگر گفت کاسودی از درد	۲۰	۱۹۵۳۰	دگر گفت با هر کسی	۴۱	۳۸۲۵۰
دگر گفت کافر اسباب این	۱۲c	۱۸۰۰	دگر گفت بد چیست بر	۴۱	۱۲۳۹۰

(*) ستاره در سطر اول بجای « جاودان » و در دوم بجای « سال و ماه »

آمده است .

دگر گفت کای مهتر هندوان	۳۱۷	۱۹	دگر گفت کای مهتر هندوان	۲۱۵۱	۲۵
دگر گفت کای نامبردار	۷۶۱	۵۰	دگر گفت کای نامبردار	۱۲۰۰	۴۱
دگر گفت کای نامور پهلو	۴۵۷	۱۳	دگر گفت کای نامور پهلو	۱۹۷۴	۲۰
دگر گفت کای نامور رای	۲۸۲۱	۴۱	دگر گفت کای نامور رای	۱۲۱۸	۴۱
دگر گفت کای نامور شهر	۳۸۷۱	۴۱	دگر گفت کای نامور شهر	۸۸۸	۱۲۵
دگر گفت کاین دشت و راه	۳۹۰	۶	دگر گفت کاین دشت و راه	۱۵۳۰	۷
دگر گفت کاین غل و بند	۱۳۳۹	۱۵	دگر گفت کاین غل و بند	۱۲۴۹	۴۱
دگر گفت کاین نامه با	۸۲۶	۱۲	دگر گفت کاین نامه با	۷۶۳	۵۰
دگر گفت کردار تو باد	۱۹۷۲	۲۰	دگر گفت کردار تو باد	۲۵۳۸	۴۳
دگر گفت کز بخت کاووس	۱۴۸۹	۱۳	دگر گفت کز بخت کاووس	۳۸۲۰	۴۱
دگر گفت کز بخشش و	۱۲۰۹	۴۱	دگر گفت کز بخشش و	۱۹۵۹	۲۰
دگر گفت کز بهمن سر	۳۸۸۹	۴۱	دگر گفت کز بهمن سر	۳۸۶۱	۴۱
دگر گفت کز خوب گفتار	۷۴۹	۵۰	دگر گفت کز خوب گفتار	۳۷۸۶	۴۱
دگر گفت کز داد گریک	۲۴۱۵	۱۵	دگر گفت کز داد گریک	۳۸۶۴	۴۱
دگر گفت کز دست نوکس	۱۹۵۲	۲۰	دگر گفت کز دست نوکس	۷۵۴	۵۰
دگر گفت کز کار گردان	۸۱	۲۰	دگر گفت کز کار گردان	۳۸۸۶	۴۱
دگر گفت کز کردگار	۱۱۱۸	۱۳۴	دگر گفت کز کردگار	۳۹۱۷	۴۱
دگر گفت کز کردگار	۲۱۳۲	۴۳	دگر گفت کز کردگار	۳۹۰۸	۴۱
دگر گفت کوشش بانداز	۱۲۲۲	۴۱	دگر گفت کوشش بانداز	۳۸۷۴	۴۱
دگر گفت کز گردش	۲۷۵	۱۹	دگر گفت کز گردش	۳۸۳۷	۴۱
دگر گفت کز گردش	۶۲	۵۰	دگر گفت کز گردش	۲۸۵	۱۲b
دگر گفت کز گوهر پادشا	۶۴	۲۰	دگر گفت کز گوهر پادشا	۳۸۵۷	۴۱
دگر گفت کز ماچه نیکو	۱۱۹۶	۴۱	دگر گفت کز ماچه نیکو	۳۷۶۶	۴۱
دگر گفت کز ما هر خ بند	۱۹۶۴	۲۰	دگر گفت کز ما هر خ بند	۳۸۶۸	۴۱
دگر گفت کز مرگ چون	۱۹۵۸	۲۰	دگر گفت کز مرگ چون	۲۱۷۲	۴۳
دگر گفت کز نامور پادشا	۳۰۲	۲۰	دگر گفت کز نامور پادشا	۷۵۶	۵۰
دگر گفت کز اوزره هفت	۲۱۶۲	۱۵	دگر گفت کز اوزره هفت	۱۱۲۷	۲۰
دگر گفت کهتر که دوری	۲۴۲۴	۴۳	دگر گفت کهتر که دوری	۱۲۲۷	۴۱
دگر گفت ماتخت نامی	۲۰	۴۲	دگر گفت کای مرد روشن		

(*) ستاره بترتیب در سطر اول و دوم بجای « بلند » و در سوم بجای

« جهان » و در چهارم بجای « جوان » و در پنجم بجای « سترگ آمده است .

دگر گفت ما چون تو باشیم	۱۹۵۶	۲۰	دگر من کجا ترا همه کرد	۲۴۴۷	۱۲d
دگر گفت مرد فراوان	۱۹۶۰	۲۰	دگر منزل آن شاه آزاد	۳۳۴	۵
دگر گفت مردم توانگر	۱۲۷۳	۴۱	دگر منزل اکنون چه بینم	۱۸۷۰	۱۵
دگر گفت مردم نکردد	۱۲۸۳	۴۱	دگر منزلت شیر آید بچنگ	۱۷۳۴	۱۵
دگر گفته بودی پسندید	۷۹۴	۴۲	دگر من که رفتم بکام	۱۲۳۷	۱۵
دگر گفت هر کس نکوهش	۳۸۱۵	۴۱	دگر موبدی گفت افوشه	۳۷۵۷	۴۱
دگر گفت هر کوز راه	۱۳۴۹	۴۱	دگر موبدی گفت گای	۱۵۲۲	۷
دگر گفت یزدان روانت	۷۵۱	۵۰	دگر موبدی گفت کز	۳۸۰۴	۴۱
دگر گفت یزدان گوی	۴۲۸۷	۱۵	دگر مهر پیروز بهزادرا	۱۴۶۷	۳۵
دگر گنج باد آورش	۳۹۶۶	۴۳	دگر مهر خسرو سوی آند	۲۲۵۷	۴۳
دگر گنج برگستوان و	۱۹۸۹	۳۵	دگر مهره باشد مرا شمع	۱۴۵۰	۲۰
دگر گنج پردر خوشاب	۳۹۷۰	۴۳	دگر نامداران برخاشجو	۱۲۳۷	۱۳c
دگر گنج خضرا و گنج	۲۴۱	۴۴	دگر نامداران کجارفته	۳۲۱۶	۱۳g
دگر گنج کش بار بودیش	۳۹۷۳	۴۳	دگر نامداری ز کار آگهان	۳۷۹۸	۴۱
دگر گنج کش خواندندی	۲۹۵۱	۱۳g	دگر نامداری ز کند آور	۷۲۳	۱۳
دگر گنج کش خواندی	۳۹۶۹	۴۳	دگر نامداری گروخان	۱۷۸	۱۳g
دگر گور بنهاد پیش	۲۹۰۸	۱۵	دگر نامور اشکش بهلوان	۱۱۳	۱۳g
دگر گوز کانان فرخنده	۱۱۴۶	۱۳f	دگر نامور چون بمکران	۱۸۸۴	۱۳g
دگر گون بود کار آن	۴۵۹۶	۴۱	دگر نامور گنج افراسیاب	۳۹۶۸	۴۳
دگر گونه آرایشی کرده	۲	۱۳e	دگر ننگ دیوی بودین	۲۵۳۷	۴۱
دگر گونه آهنگ بدکامه	۳۱	۴۵	دگر نوذر آن شاه آزاد	۱۵۸	۱۳
دگر گونه بد زانکه	۵۸۷	۱۳b	دگر نوذر آن نامور شهر	۲۴۱۵	۱۳g
دگر گونه جوشن دگر گون	۸۰۳	۱۳g	دگر نین پر مایه به آفرید	۱۲۹۱	۱۵
دگر گونه زین باشد آیین	۱۲۸۴	۱۲c	دگر نینه و گوز و تیر و	۱۹۲	۱۲d
دگر گونه شد چرخ گردا	۳۲	۵۰	دگر نیمه را خواب و آسایش	۲۵۸۵	۳۵
دگر کیورا داد شهر ختن	۴۹۳	۱۲e	دگر نیمه راهش سوی مرز	۳۲۸	۱۳
دگر لشکری کز خراسان	۱۷۶	۱۳g	دگر نیمه روز گز	۱۱۲۶	۱۳b
دگر مادر شاه خواهی همی	۱۱۷۷	۱۲e	دگر ویش به اجل دینا بدید	۳۰۱	۴۴
دگر مانده اندر بدروز	۲۱۹۳	۴۱	دگر ها فروشم در روز	۱۷۲	۳۰
دگر مرد بیکار و بسیار گو	۲۰	۴۱	دگر هر چه از گنج بدید	۱۸۶	۱۳f

۴۸۷	تاریخات شاهنامه فردوسی		
دگر هفته نعمان و منذر	۲۰۴	۳۴	دگر هر چه از فردوسی در
دگر همچو کین خسرو کینه	۴۵۹	۴۳	دگر هر چه بودش بدرویش
دگر همچنان چون فریدون	۲۳۰	۱۱	دگر هر چه پرسیدی از
دو هفته زایوان افراسیاب	۱۹۱۱	۱۳	دگر هر چه دارید از این
دل آرام او بود وهم کام او	۱۶۸	۳۴	دگر هر چه در پادشاهی
دل آرام دارید از چار چیز	۴۸۶	۲۲	دگر هر چه زایران بریدی
دل آرام را آرزو نام بود	۱۰۰۲	۳۵	دگر هر چه کشتی از ایران
دل آرام رومی به هدان درون	۹۰	۱۸	دگر هر چه گفستی ز پاکیزه
دل آرام و گنجور شاه اردوان	۱۶۱	۲۱	دگر هر کجا رسم آتشکده
دل آرامی بر ساخت چندان	۱۱۸	۲۰	دگر هر که از تخم دارا
دل آرامی چون این سخن ها	۷۶	۲۰	دگر هر که باشند مرد نژاد
دل آرامی عهدی ز نوشیروان	۴۵۴۰	۴۱	دگر هر که با مردم ناسپاس
دل آرامی و بارای و با ناز	۶۵	۲۰	دگر هر که بشنید گفتار
دل آزرده زو گشت لشکر	۴۴	۴۶	دگر هر که بودند از ایران
دل آکنده گرد جوان را	۲۵۶۰	۳۵	دگر هر که پیرست و بیکار
دل آمد سپه راهمه بازجا	۱۱۲۹	۷	دگر هر که خشنود باشد
دل اوربدو گفت بیژن منم	۱۱۶۰	۱۳	دگر هر که دارد نهفته
دل اوربدو گفت گر بخرد	۱۰۶	۵	دگر هر که دارند بر پای
دل اوربیتاد و دامن زره	۹۳۷	۱۲b	دگر هر که در جنگ من
دل اور جواز بیشه بگرفت	۲۴۲۸	۱۳g	دگر هر که را چیز بود و
دل اور جو بوی شهنشاه یافت	۲۵۲۹	۱۳۴	دگر هر که گردد بدست
دل اور جو پرهیز جوید ز	۵۶۹	۷	دگر هر که یازد بچیز کسان
دل اور دو فرزانه بردست	۳۰۲۳	۴۱	دگر هفت چون هور بفروخت
دل اور سواری که گاه نبرد	۴۱	۲۳	دگر هفته آمد بنخچیر گاه
دل اور سه اسپ تکاور بخوا	۲۳۳۱	۱۲d	دگر هفته بالشکری سر
دل اور شد آن مردم نا دلیر	۳۰	۱۳۴	دگر هفته با موبدان و
دل اور شد از کار او خوشنواز	۱۷۰۱	۴۲	دگر هفته برداشت باده
دل اور شدی تیز و برتر	۳۸۰	۴۳	دگر هفته روزی بنخچیر
دل اور طور گش ندانست	۲۹۷۸	۴۳	دگر هفته روشن دل شهریار
دل اور که نندیشد از پیل	۲۷۷	۶	دگر هفته مر بزم را کرد

دل پر زغم گرد آن مرغزار	۷۱۹ ، ۱۲e	دل اور نخست اندر آمد	۱۴۸۱ ، ۴۳
دل پهلو انان بدو گرم	۴۶ ، ۱۲d	دل اور نشد هیچگونه زرنک	۹۴۳ ، ۱۲b
دل پهلو انان همی گرم	۵۲۴ ، ۱۳	دل از داوریها پیرداختند	۵ ، ۶
دل پهلو انان زان سخن شاد	۱۴۰۰ ، ۱۳b	دل از شاه محمود خرم شد	۳۵۶۲ ، ۴۱
دل پهلو انان شان بیبچه	۵۵۷ ، ۱۳f	دل از عیب صافی و صوفی	۴۷۳ ، ۱۹
دل پهلو انان گشت از آن پر	۱۶۵۲ ، ۱۳f	دل از کار گیتی بیکسو	۱۱۸۱ ، ۴۱
دل با زبان آشنایی	۱۲۳۸ ، ۱۳f	دل از لشکر اردوان بر	۱۷۱ ، ۲۱
دل با زبان هیچ همسایه	۱۲۲۷ ، ۱۳f	دل از مرزو از خانه بردا-	۴۶۳۹ ، ۱۵
دل بسته داری بفرمان	۴۹۳ ، ۲۲	دل از من ز میدست و هوش	۷۶۳ ، ۷
دل تیره بینم سرت پر	۳۵۳۴ ، ۱۵	دل از نور ایمان گر آکنده	۱۷ ، ۱۲c
دل تیره ز اندیشه دیریاب	۱۷۵۸ ، ۴۲	دل اسفندیار اندر آن تنگ	۳۷۴۷ ، ۱۵
دل تیغ گفتی بیاله همی	۳۳۰ ، ۸	دل از فروز بد گیتی افروز	۱۲۱۷ ، ۳۵
دل جادویی را سرمایه	۱۲۲۹ ، ۱۳g	دل از فروز بد نام آن خار	۱۲۱۵ ، ۳۵
دل چفته بینم همی سوی	۲۹۹۷ ، ۴۱	دل از فروز فرخ پیش نام	۵۶۶ ، ۳۰
دل دار زنده بفرهنگ	۱۵ ، ۲۴	دل اندر سرای سپنجی میند	۱۶۷۳ ، ۱۲c
دل را بتیمار چندین	۹ ، ۵۰	دل اندر سرای سپنجی میند	۵۶۹ ، ۱۳c
دل در اجرا بستی اندر	۲۵۶۴ ، ۱۲d	دل او بایران گراید بمهر	۱۱۶۴ ، ۱۲e
دل سوی کزی بیازدهمی	۳۲۰۶ ، ۱۵	دل او بکاو و سیانست شاد	۱۱۹ ، ۱۴
دل شادمان باید و تن	۴۳۹ ، ۱۳	دل او ز کزی بجای آورید	۸۳ ، ۸
دل گر بر راه خطا مایل-	۱۲۱ ، E	دل ای شاه مکسل ز راه	۱۴۴۹ ، ۴۱
دل گر پذیرد یکی بنده	۲۴۰ ، ۱۳b	دل بخردان داشت و منز	۱۴۱ ، ۲۰
دل گر چنین از پدر سیر	۱۲۷۵ ، ۱۵	دل بخردان داشت و منز	۳۸۳ ، ۷
دل گر چنین رتبه گشت	۱۱۴۶ ، ۱۲d	دل بدسگلان شود تار	۳۵۳۷ ، ۴۱
دل تو بدین درد خرسند	۷۷ ، ۴۳	دل بیژن آمد ز تیزی بدرد	۹۳۶ ، ۱۳
دل تو روسلم آمد از غم	۹۴۸ ، ۶	دل بیژن از کینش آمد	۱۱۴۴ ، ۱۳e
دل همچو دریا و درشت	۸۶۱ ، ۳۵	دل بیگناهان کابل مسوز	۱۴۲۶ ، ۷
دل چرخ در نوک شمشیر	۷۴۳ ، ۱۳b	دل بیگانه پر غم از شهر یار	۱۰۳ ، ۴۲
دل چرخ گردان همه جاک	۳۶۹ ، ۱۳b	دل پادشا پر ز پیکار شد	۶۳۱ ، ۲۱
دل خسرو از درد ایشان*	۱۸۵۲ ، ۴۳	دل پادشا سرد گشت از	۱۰۶ ، ۱۸
دل خسرو از درد ایشان*	۷۷۱ ، ۱۲e	دل پاریسی با وفا کی بود	۲۳۶۹ ، ۳۵

(* ستاره در سطر اول بجای «نخست» و در دوم بجای «سوخت» آمده است)

دل ز همان دیورا هست	۴۷۶	۷	دل خسرو را بگوت شد	۱۸۲۹	۱۲
دل زیردستان ماشاد باد	۵۰۳	۲۲	دل خسرو از لشکر نامدار	۱۶۳۱	۲۳
دل زیردستان ماشاد باد	۱۸۹۷	۳۵	دل خود بخیره چه داری	۲۶۸۲	۱۵
دل سام شد چون بهشت	۲۱۰	۷	دل خویش از این گفته	۱۸۷۹	۱۲d
دل سنگ بگذاشتندی بتیر	۱۶۱	۱۳g	دل خویش باید که در جنگ	۲۰۸۰	۴۱
دل سنگ خاراهمی بردرید	۹۰۱	۴۱	دل خویش را آشکار و	۱۱۵۷	۴۱
دل سنگ و سندان بترسد	۱۱۲۶	۱۳	دل خویش را پرمدارا	۶۱	۲۰
دل مزین پیاده بدو فیم	۱۵۵۳	۱۳b	دل خویش گر دورداری	۸	۴۰
دل شاد بر سبزه و گل برید	۱۳۸	۸	دل خویش یکباره نمکین	۳۹۵	۱۲c
دل شاد و خرم پراز درد	۴۰۰	۴۰	دل رای از آن موبدان شد	۲۸۵۳	۴۱
دل شاه از آن آگهی تازه	۲۱۸۷	۱۳g	دل رزم جویش ببست اندر	۲۲	۱۲
دل شاه از آن دیو بیراه	۶۱۵	۱۲b	دل رستم آکنده از کین	۳۱۷	۱۳c
دل شاه از اندیشه آزاد	۳۲۸	۲۱	دل رستم از درد ایشان	۱۳۳۳	۱۳b
دل شاه از این کار شد درد	۲۱۲۷	۱۲d	دل رستم از رخس شد	۴۵۱۱	۱۵
دل شاه ایران از آن خیره	۲۸۱۲	۴۱	دل رستم از غم پیرانندیشه	۳۴۱۶	۱۵
دل شاه ایران پیرانندیشه	۲۵۷۶	۱۵	دل رستم از کینه آمد	۱۱۰۸	۱۲
دل شاه بچه بر آمد بجوش	۳۳	۱	دل رستم اندیشه ای کرد بد	۱۱۲۰	۱۲c
دل شاه بر پهلوان گرم دید	۱۰۸۰	۱۲e	دل روزگارش همی پرورد	۷	۱۳
دل شاه بر جنگ برگشت	۱۱۳۰	۶	دل روشنست هر چه خواهد	۳۳۶	۷
دل شاه بهرام بیدار بود	۱۴۶۰	۳۵	دل روشن را در آتیز کرد	۱۶۳۲	۲۳
دل شاه پرویز از آن شاد	۲۸۴۳	۴۳	دل روشنم شد بتوبد گمان	۹۱۴	۷
دل شاه ناجا و دان شاد باد	۴۴۶	۳۵	دل روشن من جو برگشت	۱۵۸	E
دل شاه ترکان از آن تازه	۲۶۹	۱۳g	دل روشن نامور شد سیاه	۷۳	۳۵
دل شاه ترکان پراز خشم	۸۱۶	۱۳g	دل زاد فرخ تبه داشت نیز	۴۱۰۳	۲۳
دل شاه ترکان چنان کم شنود	۱۸	۱۳f	دل زار بهرام ازو شاد	۳۰۱	۳۴
دل شاه توران برو بر	۲۶۰۳	۱۲d	دل زال زر شد جو خرم	۱۲۷	۱۰
دل شاه خشنود گردد مگر	۴۰۶	۴۱	دل زال شد شاد و بنواختش	۴۲۴	۷
دل شاه شد چون بهشت	۱۵۷۵	۱۳c	دل زال یکباره دیوانه	۴۴۱	۷
دل شاه شد زان سخن پر ز	۴۸۷	۱۳g	دل زنده از کشته بریان	۳۰۹۹	۱۵
دل شاه شد زان سخن شاد	۴۱	۱۳	دل زنگ خورده ز تلخی	۳۲۸۱	۱۲f
دل شاه نمکین شد از کار	۳۳۴۴	۲۳			

دلش زین سخن پر زینار	۱۲۰۷ ، ۱۳c	دل شاه کاووس از آن تنگ	۶۱۷ ، ۱۲d
دلش شادمانه چو خرم	۷۵ ، ۱۳g	دل شاه کاووس پردرد شد	۵۹۱ ، ۱۲d
دلش کرد پیرام و پر	۱۹۸ ، ۷	دل شاه کاووس شد بد گمان	۴۴۷ ، ۱۲d
دلش کور باشد سرش بی	۶۶۵ ، ۱۲e	دل شاه کز مهر دوری	۱۷ ، ۲۴
دلش گرز راه پند گشت	۴۷ ، ۸	دل شاه کسری پراز داد	۱۰۹۵ ، ۴۱
دلش گشت از آن کار پردرد	۱۳۳ ، ۲۱	دل شاه گشت از پیریدنش	۸۰۸ ، ۳۵
دلش گشت پر آتش درد و	۵۴۵ ، ۸	دل شاه گشت از فرامرز	۴۲۴ ، ۱۳
دلش گشت پر آتش مهر	۴۷۳ ، ۷	دل شاه نوشیروان زنده باد	۱۴۸۱ ، ۴۱
دلش گشت پر آتش و سر	۲۳۴۶ ، ۱۲d	دل شاه نوشیروان شاد باد	۳۷۴۱ ، ۴۱
دلش گشت پر بیم و سر پر	۱۴۷۰ ، ۱۵	دل شاه نوشیروان شد غمی	۳۷۱ ، ۴۱
دلش گشت پردرد و بیدار	۱۰۱۰ ، ۱۳	دل شاه هر کشوری خیره	۲۷۳ ، ۴۱
دلش گشت پردرد و جان	۱۳۵۷ ، ۱۳f	دلش بادشادان و تاجش	۴۳۴۷ ، ۱۵
دلش گشت پردرد و رخسار	۲۲۹۳ ، ۱۲d	دلش بود سوزان و دیده	۲۸۷ ، ۱۳
دلش گشت پردرد و رخسار	۴۰۴۳ ، ۴۳	دلش پرزاندیشه شهریار	۱۹۲۹ ، ۴۲
دلش گشت جوشان ز	۳۴۷۴ ، ۴۱	دلش پر زرد و سرش پر	۱۸۷ ، ۵
دلش گشته بود آرزو مند	۸۹۴ ، ۷	دلش پر غم و درد بینم همی	۹۹۷ ، ۷
دلش گشته غرقه بازاندر	۳۲۰ ، ۶	دلش پر نهیبست و پر خون	۶۰۶ ، ۱۳f
دلش شهریار از تو پریان	۹۲۷ ، ۴۱	دلش تازه تر گشت ازین	۲۹۹ ، ۱۳g
دلش شهریاران پر از بیم	۱۴۲ ، ۱۳	دلش تنگتر گشت و باریک	۳۶۴۷ ، ۴۱
دلش شهریاران و پشت کیان	۶۳۳ ، ۱۳e	دلش تنگتر گشت و بی	۹۳ ، ۵
دلش شهریار جهان شاد باد	۲۰۰۵ ، ۲۰	دلش تنگتر گشت و لشکر	۱۵۲۵ ، ۱۳c
دلش شهریار جهان شاه باد	۹۹۲ ، ۴۱	دلش خسته و کشته لشکر	۵۶۸ ، ۱۲b
دلش شیده گشت اندر آن	۴۸۰ ، ۱۳g	دلش خسته و کشته لشکر	۱۰۱۶ ، ۱۲b
دلش شیر دارد تن زنده پیل	۱۷۳ ، ۱۲e	دلش خود ز تخت و کله	۷ ، ۱۰
دلش شیر دارد تن زنده پیل	۳۰۰۷ ، ۱۵	دلش را بپیچید اهریمن	۱۴۱ ، ۱۳e
دلش شیر نر دارد زور پیل	۴۶۴ ، ۷	دلش روز پیکار لرزان	۱۷۵۴ ، ۴۳
دلش طوس بخشایش آورد	۲۵۰ ، ۱۲e	دلش زان زده فای پر	۴۰۴ ، ۵
دلش طوس پر خون و دیده	۸۴۴ ، ۱۳	دلش زان سخنها پر از بیم	۲۱۰۹ ، ۴۱
دلش طوس نمکین شد از کار	۱۳۷ ، ۱۳b	دلش زان سخنها شد اندوه	۳۲۳۵ ، ۴۱
دلش فور پر زور و دل	۶۴۴ ، ۲۰	دلش زان شکفتی بدونیم	۴۹۰ ، ۱۲

دل مرزبانان شکسته شود	۱۹۴	۸	دل قارن آرزو شده از نهب	۹۱۴	۶
دل مسیر شد زین سرای	۲۲۷	۴	دل قارن آزرده گشت از	۲۰۶	۸
دل شادمان شد بتیمار	۴۶۸	۸	دل کوه گفتی بدرد همی	۷۹۳	۱۳g
دل شادمان شد زیولادوند	۱۶۲۲	۱۳c	دل کهرم از پاسبان تنگ	۲۳۴۱	۱۵
دل شدیر آتش ز تیمار اوی	۵۱۷	۱۳e	دل کهرم از دیدبان تیره	۲۳۲۹	۱۵
دل گشت از آن خواب بد	۹۸۳	۱۲d	دل کینه ورشان بدین	۴۵۹	۶
دل گشت از آن کار چون	۳۱۰۲	۱۵	دل گازر از درد پژمرده	۴۴	۱۷
دل گشت از این مرغ	۸۲۵	۳۵	دل گرگسار اندر آن	۲۰۵۸	۱۵
دل گشت بادخت سیندخت	۷۶۷	۷	دل گور بردوخت با پشت	۲۰۳	۳۴
دل من بجوش آمد از نام و	۶۳	۱۸	دل گیو از آن جنگ بد	۱۱۷۷	۱۳
دل من بدین آشتی شاد	۳۱۰۰	۴۱	دل گیو چونان شد از درد	۸۷۸	۱۲e
دل من بگفتار او رام شد	۱۹۰	E	دل گیو شد زان سخن پر	۹۶۳	۱۳
دل من بر از خون شد و روی	۱۴۴	۵۰	دل لشکر شاه توران سپاه	۳۶۶	۱۲e
دل من چو شد بر ستاره	۵۰۴	۷	دل ماز بهرام از آن بود	۵۹	۳۵
دل من چو نور اندر آن تیره	۲۰۲	E	دل ماشد از کار ایشان	۴۸۳	۱۲b
دل من ز درد تو شد پر	۱۵۴۹	۱۲c	دل ماغمی شد ز دیو سترگ	۳۶۲۳	۴۳
دل من سراسر پر از کین	۲۲۱۳	۴۳	دل مایکایک بفرمان تست	۳۱	۷
دل من همی بر تو بریان	۲۱۶	۳۰	دل بر همه کام پیروز کرد	۲۳	۱۳e
دل من همی بر تو مهر آورد	۱۲۵۶	۱۲c	دل بیگمانست کامدش	۸۳۷	۱۳
دل موبد از درد و پیغام	۸۲	۴۲	دل تنگ شد بانگ شان	۳۲۷۹	۱۵
دل موبدان داشت و رای	۳۵۵۰	۴۱	دل تیز شد با نوای پهلوان	۲۰۴	۱۳c
دل موبد موبدان تنگ	۷۴	۴۲	دل را بر زماند آرام ده	۸۵۷	۴۲
دل مهتر از راه نیکی ببرد	۱۰۹	۴	دل مرد بدخواه یا نیکخواه	۲۱۰	۱۳g
دل مهتران را بدو گرم	۸۴	۸	دل مرد بد دل گریزان	۱۴۶۳	۱۳b
دل نامداران بتو گرم باد	۱۱۹۳	۱۲	دل مرد بر ناسد از گفته	۱۹۲	۲۱
دل نامداران بهم در	۱۳۹۵	۱۳f	دل مرد بیدادگر بشکنم	۱۱	۳۹
دل نامداران در آن بسته	۲۱۸۷	۱۲d	دل مرد بیدار شد پر زختم	۳۷۲۳	۱۵
دل نامداران ز تشویر	۱۶۰۶	۳۵	دل مرد طامع بود پر ز درد	۱۰	۲۱
دل نامور مهتر نیک بخت	۱۸۷	۲۱	دل مردم بیخرد با آرزوی	۱۴۷۹	۲۱
دل نره شیران از ایشان	۱۱۰۴	۱۳f	دل مرد جنگی بر آمد ز	۲۲۵	۱۳g

دلیر است و اسب افکنی	۳۵۲ ، ۱۴	دل نوذرا زغم پراز درد	۲۹۱ ، ۸
دلیر است و با پنخشر و فر	۶۶۲ ، ۲۲	دل نیک مردان بدوزنده	۳۵۰۳ ، ۱۵
دلیر است و بیناد دل و چرب	۲۷۹ ، ۱۳	دل و پشت ایران شکسته	۴۱۱ ، ۱۳g
دلیرا ، گوا ، پورزالا ،	۱۸۹۹ ، ۷	دل و پشت بیداد گربشکنید	۴۷۶ ، ۱۹
دلیران ایران بکردار	۲۱۳ ، ۱۷	دل و پشت گردان ایران	۵۲۶ ، ۱۲c
دلیران ایران بکوشش	۸۳۴ ، ۱۲b	دل و جان بدین رفته خرسند	۱۵۶۳ ، ۱۲c
دلیران ایران بما تم شدند	۵۰ ، ۱۳b	دل و جان پیران پراز	۹۳۴ ، ۱۳b
دلیران ایران پس پشت	۶۱۹ ، ۱۳c	دل و جان خسرو پیراندیشه	۱۸۰۲ ، ۴۳
دلیران ایران سراسر	۵۶۲ ، ۱۲b	دل و جان و هوشم پراز مهر	۴۸۳ ، ۷
دلیران ایران سراسر	۹۵۶ ، ۱۲b	دل و جنگ و کین را	۱۳۰۶ ، ۱۲d
دلیران ایران ندارند	۲۲۳ ، ۱۳b	دل و دیده نامداران براه	۷۰۰ ، ۱۳g
دلیران بخوردند نهادند	۴۵۰ ، ۲۱	دل و گرز و بازو مرا یار پس	۲۶۸ ، ۱۰
دلیران بدرگاه افراسیاب	۶۹ ، ۱۳f	دل و گوش کسری بگوینده	۲۷۳۸ ، ۴۱
دلیران بدژها نهادند روی	۹۴۸ ، ۱۳g	دل و منزرا دور دار از	۴۵۶۰ ، ۴۱
دلیران بدشمن نمودند	۱۵۹۶ ، ۱۳e	دل و منز گرسیوز آمد	۲۰۱۷ ، ۱۲d
دلیران برفتند هر دو چو	۱۸۲۲ ، ۱۳	دل و منز مردم دوشاه تن	۶۵۰ ، ۳۰
دلیران بشاهی مرا خواستند	۶۵۰ ، ۱۲c	دل و ی زتیمار خسته مباد	۲۹۰۰ ، ۴۳
دلیران بهر گوشه بشتافتند	۲۰۶۴ ، ۷	دل هر دو بیداد از آن سان	۵۹۵ ، ۶
دلیران بیکدیگر آشوفتند	۳۹۴ ، ۱۳b	دل هر دو بیدار شد پیر نهیب	۶۶۲ ، ۶
دلیران پیاده شدند آن زمان	۱۱۵۴ ، ۱۳c	دل هر کسی بنده آرزوست	۱۱۳۲ ، ۴۱
دلیران ترا خلعت و یارم	۱۹۵۴ ، ۷	دل هر که بر من بسوزد	۱۰۶۴ ، ۱۳
دلیران توران بر آویختند	۱۸۳ ، ۱۰	دل هر یکی شاد کردی	۲۹۵۴ ، ۴۲
دلیران توران و کند آور	۱۹۸ ، ۱۳b	دلی پر خرد داشت و رای	۱۶۳۴ ، ۴۱
دلیران توران و کند آور	۱۸۵۳ ، ۱۳f	دلی پر زدانش سری پر	۳۳۵۱ ، ۱۵
دلیران توران همه جنگ	۹۴۲ ، ۶	دلی دارد از تو پراز درد	۲۲۵۹ ، ۱۲d
دلیران چو بهر امر یافتند	۱۸۲۴ ، ۱۳	دلی داشتی بیشتر پرز شرم	۳۷۸۷ ، ۴۱
دلیران چو سرها بر افرا	۲۳۱۳ ، ۱۳f	دلیر آمدی پیش من باژ	۸۹۱ ، ۲۰
دلیران در دار مردی	۱۰۰۴ ، ۱۳	دلیر آنکه او را تواند	۶۵ ، ۱۳g
دلیران که دیدند جنگ	۲۰۱۵ ، ۴۳	دلی را پراز مهر دارد سپهر	۲۷۱ ، ۳۴
دلیران گریه کردند	۹۷ ، ۱۳f	دلیر از تو گردد بهر جای	۱۲۹۱ ، ۱۳e

دلیری که بد پیلسم نام	۹۰۱ ، ۱۲b	دلیران لشکر ده دانا نجهن	۱۵۹۱۳ ، ۱۲b
دلیری که چندین بجوید	۸۸ ، ۱۳c	دلیران ما چون گزینند	۱۱ ، ۱۳e
دلیری که بود نام او	۱۴۶۸ ، ۱۳b	دلیران نشستند یکسر	۱۳۳۵ ، ۴۲
دلیری گرفتند کند آور	۹۱۱ ، ۱۳f	دلیران و شیران بسی دیده	۱۶۷ ، ۱۱
دلیری مکن جنگ ما را	۵۴۰ ، ۱۳f	دلیران و شیران کاروس	۲۵۳۰ ، ۱۲d
دلیری و گردی بجای	۱۱۰۸ ، ۱۳c	دلیران و گردان آن انجمن	۹۸۳ ، ۱۲
دلی شاد از اسپان فرود	۱۵۸۴ ، ۱۲e	دلیران و گردان ایران	۸۶۵ ، ۱۲e
دلی شاد با هدیه و با	۲۳۱۸ ، ۴۱	دلیران و گردان توران	۴۱۹ ، ۸
دلی کز خرد گردد آراسته	۹۱۷ ، ۱۲d	دلیران و گردان مازندران	۱۰۳۷ ، ۱۲
دلی کوز درد برایش خود	۱۴۴۸ ، ۱۳f	دلیران و گردنکشان را	۱۰۷۶ ، ۱۳c
دلی کو ندارد تن شاه	۱۵۷۲ ، ۴۱	دلیران و مردان توران	۴۲۲ ، ۸
دم آتش تیز و باران تیر	۱۱۵۶ ، ۱۳c	دلیران همه دست کرده	۱۰۱ ، ۱۳b
دم آورد آهنگران صد	۱۵۵۳ ، ۲۰	دلیران همه زیر بار اندر	۳۶۵ ، ۱۳f
دمادم بدنه شب پس یکدگر	۱۴۲ ، ۲۰	دلیران همه نام جستند	۲۲۱۰ ، ۱۳f
دمادم برون رفت لشکر	۵۲۲ ، ۵	دلیران یکایک چو شیر	۸۴۶ ، ۶
دمادم بشد برتۀ تیغزن	۱۹۰ ، ۱۳g	دلیر جوان سر بگفتار	۱۲۹۰ ، ۱۲c
دمادم بلشکر که آمد	۱۹۵۸ ، ۴۱	دلیر و جوان و هشیوار	۲۸۳ ، ۶
دمادم شما از پسم بگذرید	۸۴۶ ، ۱۳g	دلیر و خردمند و بارای	۲۸۶ ، ۶
دمادم فرستد سلیح و سپاه	۲۸۵ ، ۱۳g	دلیر و خردمند و هشیار	۱۸۸ ، ۱۰
دم ازدها دارد و چنگ	۳۹۳ ، ۴۰	دلیر و سخنگوی و گرد و	۹۸۱ ، ۱۲d
دم اسپ ناپاک چنگش	۶۸ ، ۱۳c	دلیر و سرافراز و کند	۱۴۵ ، ۱۷
دم اسپ و گوشش ببايد	۲۴۴ ، ۴۲	دلیر و هنرمند و گرد و	۱۶۳۱ ، ۷
دمان آمده تا باورد گاه	۱۸۶۲ ، ۱۳f	دلیری از ایدر ببايد شدن	۲۶۹ ، ۱۳
دمان از پس اندر منوچهر	۹۸۲ ، ۶	دلیری بجستند گرد و سوار	۴۷۹ ، ۱۲b
دمان از پس پشت پیکر	۴۱۳ ، ۱۳	دلیری بد از بنده این	۲۰۰ ، ۴۱
دمان باد پایان چو کشتی	۱۰۵۵ ، ۱۲	دلیری برزم اندرو زور	۳۹۸۵ ، ۴۱
دمان پیش خوالگیری	۲۷ ، ۵	دلیری چنین کز شما دیده	۷۰۶ ، ۱۳b
دمان پیش ضحاک رفتی	۴۹ ، ۵	دلیری ز هشیار بودن بود	۹ ، ۱۳a
دمان تا بنزدیک پهران	۱۰۵۴ ، ۱۲e	دلیری کجا جهن بدنام	۳۱۲ ، ۱۳g
دمان تا لب رود جیحون	۸۷۷ ، ۱۲d	دلیری کن و رزم ایشان	۱۹۶ ، ۱۳a

دماں رخش بر باد پایان	۱۳۲ ، ۱۳d	دواشت برین بیل کرده نیای	۳۴۰۲ ، ۴۱
دماں رفت تاپیش توران	۷۵ ، ۱۱	دو افسر پر از کوهی	۱۶۷۳ ، ۱۲d
دماں زال پوشید ساز	۵۰۵ ، ۸	دوان آمد از بهر آزار تان	۴۸۱ ، ۶
دماں سوی شهر نشا پور	۱۶۱ ، ۱۶	دوان از بی گیو پیران	۲۷۰ ، ۱۳۴
دماں شاه ایلابیش سپاه	۸۲۷ ، ۱۳g	دوان اسپ بامرد کردن	۱۸۳۸ ، ۴۳
دماں شاه ایلا چو جنگی	۸۲۳ ، ۱۳g	دوان اور مزد از میانه	۲۵۷ ، ۲۲
دماں طوس نامرد نا هوشیار	۳۹ ، ۱۳b	دوان بیژن اندر پس پشت	۹۹۰ ، ۱۳
دماں همچو شیر ژیان پر	۳۴۵ ، ۳۴	دوان پیش اسفندیار آمد	۲۳۸۱ ، ۱۵
دم مرگ چون آتش	۱۲ ، ۱۲c	دوان پیش اور رفت و بردش	۱۶۴۹ ، ۲۰
دمنده بدان رزمگاه آمد	۱۰۷۹ ، ۱۲	دوان تا در خان راه رسید	۷۱۸ ، ۵۰
دمنده چنان بر خزر روان	۵۱۷ ، ۸	دوان چون بنزدیک رستم	۱۱۰۴ ، ۱۲
دمنده دماں گاودم بر	۱۲۷۹ ، ۱۳e	دوان خون بر آن چهره	۵۵۰ ، ۵
دمنده سیه دیوشان پیش	۳۵ ، ۳	دوان دیده بان شد بر شهر	۶۸۹ ، ۲۱
دمور و جرنجاس با او	۳۲۲ ، ۱۳g	دوان رفت بهرام پیش پدر	۱۶۹۶ ، ۱۳
دمید آتشی اندر آن کار	۵۶۰ ، ۱۲b	دوان رفت گلشهر تاپیش	۲۷۴۲ ، ۱۲d
دمیدی بکردار غرنده	۷۹۰ ، ۱۲d	دوان سوی درگاه بنهاد	۲۳۶ ، ۷
دوا برو بسان کمان طراز	۴۰۷ ، ۷	دوان سوی لهاک فرشید	۲۳۰۴ ، ۱۳۴
دو ابرو بمانند چاچی	۱۷۱ ، ۱۲b	دوان شد بیالین شاه	۱۴ ، ۲۸
دوا برو کمان و دو کیسو	۹۴ ، ۱۲c	دوان شد بر گیو و آگاه	۹۴۳ ، ۱۲e
دوا برو کمان و دو نرگس	۵۶۸ ، ۵۰	دوان شد بمیدان شاه ارد	۲۵۱ ، ۲۲
دوات و قلم خواست ناپاک	۳۱۴۳ ، ۴۳	دوان کودکان از پس او	۱۳۰ ، ۲۲
دوات و قلم خواست و	۱۴۰۹ ، ۴۳	دوان کشتی از منوچهر	۵۸۱ ، ۷
دواز آب روشن سراسر	۲۴۹ ، ۲۰	دوان گشت و گرز نیا	۱۹۶۳ ، ۷
دواسپ اندر آن دشت	۱۳۷۹ ، ۱۲c	دوان گشت و پسه چو آب	۴۲۳ ، ۸
دواسپ گرانمایه بازین	۹۳۸ ، ۱۳e	دوان مادر آمد سوی مرغ	۱۴۴ ، ۵
دواسپ گرانمایه بست	۱۷۸۱ ، ۱۵	دوان هر دوان از پس	۱۵۵۰ ، ۷
دواسپ گرانمایه ز آخر	۲۵۲ ، ۳۰	دوایدر بزندان شاه افسر	۲۴ ، ۲۲
دواسپ گرانمایه کرده	۲۰۷ ، ۲۱	دوانید لشکر سوی مرغ	۱۵۳۹ ، ۱۳
دواسپ و دو کوپال و تیرو	۲۴۳ ، ۳۰	دو بار این سر نامور گاه	۶۲۸ ، ۱۲d
دواسپه فرستاده آمد به	۵۴ ، ۴۰	دو بارت امان دادم از	۱۳۳۱ ، ۱۲c

دو بهره زگردان و گردن	۷۸۱ ، ۱۳e	دو بهره زگردان هزاران	۲۱۲ ، ۱۳e
دو بهره سوی زابلستان	۲۵۷ ، ۱۲b	دو بازو بگردار ران	۸۰۴ ، ۱۲c
دو بیجاده بکشاد و آواز	۶۷۷ ، ۷	دو بازو بگردار ران	۳۲۵ ، ۳۰
دو بیدادگر لشکر آراستند	۹۵۴ ، ۶	دو بازو بگردار ران	۱۰۲۵ ، ۳۵
دو بیننده بی کام برخاستند	۲۵ ، ۳۴	دو بازو و رافش چوران	۱۱۷۷ ، ۱۲c
دو بیهوده رادل بر این کار	۵۱۳ ، ۶	دو بازی بهم بر نیایدزدن	۵۸۴ ، ۲۲
دو پاکیزه از خانه جمشید	۶ ، ۵	دو بالابدان در میان سپاه	۱۸۴۵ ، ۱۳f
دو پاکیزه از کشور پادشا	۱۶ ، ۵	دو بچه است با او بالای	۱۸۷۷ ، ۱۵
دو پایش ببندند در زیر	۱۳۶۰ ، ۳۵	دو بچه چنان چون بود دیو	۴۳۴ ، ۱۲d
دو پایش فروشد بیک چاه	۴۵۱۴ ، ۱۵	دو بدخواه رازنده بردار	۴۲۴ ، ۱۹
دو پای و دو دست و دوسر	۱۸۲ ، ۲۰	دو بدخواه رازنده بردار	۷۰۵ ، ۲۱
دو پتیاره زین گونه پیچان	۳۲۲۶ ، ۱۵	دو برگ گلش سوسن می	۹۶ ، ۱۲c
دو پر آب و خمی تهی در	۱۸۵ ، ۲۰	دو بردیمانی همه ز رتبت	۱۳۳۰ ، ۴۲
دو پر خاشجوبایکی نیک	۴۹۲ ، ۶	دو بردیمانی بیکسو نهاد	۱۳۳۲ ، ۴۲
دو پر مایه بیداردل پهلوان	۶۰ ، ۱۳f	دو بگزید بهرام از آن	۱۶۱ ، ۳۴
دو پنجه پر روی بسته	۱۳۳۰ ، ۱۳e	دو بندگران بر نهادش	۴۴۹ ، ۳۰
دو پورتونوش آذر و مهر-	۳۷۲۰ ، ۱۵	دو بنیادیک بردگر بافته	۵۵۶ ، ۲۲
دو پهلوبر آشوبد از خشم	۴۱۷۷ ، ۱۵	دو بودی بمقال هر یک	۱۰۶۵ ، ۲۰
دو پیکان بترکش یکی	۱۸۳ ، ۳۴	دو بهراز جهان زیر پای	۸۴۸ ، ۱۲d
دو پیکان بجای سرو و بر سرش	۱۸۸ ، ۳۴	دو بهره از ایرانیان	۱۴۲۵ ، ۱۳
دو تابوت بردست بگدا-	۴۶۰۶ ، ۱۵	دو بهره از این نام و ننگ	۸۴۵ ، ۵۰
دو تازی دو دهقان ز تخم	۹۰ ، ۳۴	دو بهره بده رومیان را	۲۲۲۶ ، ۴۲
دو تا کرد پشت و فرو برد	۹۹۸ ، ۱۳f	دو بهره بود زیر خاک اندر	۳۹۳ ، ۱۳c
دو تا گشت پیران و بردش	۱۶۵۷ ، ۱۲d	دو بهره جواز تیره شب	۸۸۵ ، ۷
دو تا می شدند بر تخت	۱۵ ، ۱	دو بهره جواز تیره شب	۲۳۸۸ ، ۱۲d
دو تایی شد آن سرو نازان	۲۰۰۹ ، ۲۰	دو بهره جواز تیره شب	۸۸۴ ، ۱۳f
دو تایی شد و بر زمین بوه	۱۱۰۳ ، ۳۵	دو بهره ز توران سپه	۵۶۴ ، ۱۲b
دو ترک دژم را چون دیدم	۹۸۹ ، ۱۲e	دو بهره ز توران نمان کشته	۱۲۹۹ ، ۱۳
دو تن بایدم پاک و نیکو	۱۶ ، ۳۴	دو بهره ز جنگ آوران	۱۳۶۲ ، ۱۲d
		دو بهره زگردان این	۱۴۰۱ ، ۱۳

دوتن بر گذشتند پویان	۲۲۹	۲۱	دو چشمش کند کور خویش	۲۲۱	۴۲
دوتن خفته و گیو بارنج	۸۷۰	۱۲e	دو چشمش گوزن و دو ابرو	۳۶۴	۱۲c
دوتن دید بانیزه و درع و	۲۶۲	۳۰	دو چشم کیانی بهم بر نهاد	۲۱۷۵	۷
دوتن را بر این بوم مهتر	۵۱۶	۱۴	دو چشم گوزن و برویال	۵۴۹	۵۰
دوتن را بفرمود زور آزما	۲۰۳۳	۳۵	دو چشم اگر زنده دیدی	۷۳۶	۱۳
دوتن را ز لشکر، ز کند	۱۰۹۶	۱۲d	دو چشم بروی تو آمد	۴۸۰	۱۳e
دوتن یافتستی که اندر	۷۳۲	۴۲	دو چندان که رشتی بروزی	۴۷۴	۲۱
دو جادوش پر خواب و پر	۵۵۸	۷	دو چنگش بگردار چنگ	۲۴۰۳	۴۳
دو جامه ندیدست هرگز	۱۲۰۳	۳۵	دو حاجت بخوام که	۵۵۹	۴۴
دو چنگ گران کرده شد	۷۰۸	۱۲d	دو خانه دگر ز آبکینه	۵۸۳	۱۲b
دو چنگی بدان سان بر	۲۳۶۹	۱۵	دو خانه ز بهر سلیح نبرد	۵۸۷	۱۲b
دو چنگی بدین گونه تا	۱۱۲۶	۶	دو خنجر گرفتند هر دو	۶۴۰	۲۰
دو چنگی چو نوش آذر	۱۰	۱۶	دو خواهر و دو دختر یکی	۲۴۵۱	۱۵
دو چنگی دو مرد و دو شیر	۳۵۳۶	۱۵	دو خواهرش رفتند از	۲۱۷۱	۱۵
دو چنگی و هر دو دلیر و	۱۹۲۱	۱۳f	دو خونی بدانسان در	۱۹۰۲	۴۳e
دو چشم از بر سر چو دو	۲۱	۲	دو خونی بر افراخته سر	۷۶۷	۱۳f
دو چشمت ندیدست خود	۱۴۲۷	۱۲e	دو خونی همان با سیاهی	۸۵۸	۶
دو چشم تو اندر سرای	۲۲۰	۵۰	دو در بند و زندان شاه	۱۸	۲۲
دو چشمش بسان دونر گس	۴۰۶	۷	دو در بوم بنیاد و آب	۶۳۹	۲۲
دو چشمش پر از خون و	۶۲۱	۱۲e	دو دست از پس پشت بستش	۱۶۸۸	۱۳b
دو چشمش پر از خون شد	۲۲۳	۴۲	دو دست از پس پشت بستش	۱۵۳۴	۱۵
دو چشمش تو گویی نبیند	۱۳۹۰	۱۲e	دو دست از پس پشت بسته	۳۶۶	۱۳e
دو چشمش چو دو چشمه	۱۷۸۴	۱۵	دو دست اندر آورد و زو	۳۹۷	۱۲
دو چشمش چو دونر گس آب	۶۴۷	۷	دو دست ببندم برم نزد	۳۳۶۳	۱۵
دو چشمش چو دونر گس اندر	۳۸۹	۲۰	دو دست نثار بدندان سپاه	۱۴۵۱	۱۳c
دو چشم ز جایی که دارم	۳۰۹	۳۰	دو دستش ببسته و بر دند	۲۳۷۲	۱۵
دو چشمش ز سر کنده زاغ	۲۱۲	۳۵	دو دستش ببندم بکم کند	۵۶۴	۱۳c
دو چشمش سپید و لبانش	۲۱۱	۱۳d	دو دستش بر ناز بستم	۲۳۴۸	۱۳g
دو چشمش کبود و دو	۴۶۶	۴۴	دو دستش بر نجیب بر کش	۴۲۲	۱۳e
دو چشمش کز و سبز و دندان	۳۲۲۴	۴۳	دو دستش پر از خون و دندان	۱۸۲۰	۷

دورویه سپه بر کشیدند	۱۶۰ ، ۱۹	دورستور بودن کرامی	۲۲۷ ، ۱۹
دورویه سپاه اندر آمد	۱۶۸ ، ۱۳b	دودل پرز کینه پکی دل	۴۹۳ ، ۶
دوره شش هزار آزموده	۱۴۷۸ ، ۳۵	دودندان او همچو دندان	۳۶۲ ، ۱۴
دوره صد هیون کرد در	۱۶۰۰ ، ۱۵	دودندان بکردار پیل	۱۶۹۸ ، ۱۵
دوزاغ کمان را بزه بر	۸۹۹ ، ۳۵	دودندان ماهی مرش پنج	۱۶۳۳ ، ۲۰
دو سالار گفتند اگر	۱۴۹۹ ، ۱۳f	دودیده پر از آب کاوس	۶۷۸ ، ۱۲d
دو سالار هر دو بسان	۱۴۹۲ ، ۱۳f	دودیکر ز بیکار جنگ آور	۱۰۲۰ ، ۱۳f
دو سالار هر دو ز کینه	۱۶۳۵ ، ۱۳f	دورانش چوران هیونان	۱۹۱۸ ، ۷
دو ساله شد آن خرد و گو	۲۹۲۴ ، ۴۱	دورخ چون عقیق یمانی	۹۵ ، ۱۲c
دو سرو آن دو بازوی	۱۵۵۹ ، ۷	دورخ را بیال و برش بر	۸۳۵ ، ۱۲e
دوسکزی دو پور مرا	۳۷۲۸ ، ۱۵	دورخ را بخاک سپه بر نهاد	۴۴۸۴ ، ۱۵
دوسنکی دو جنگی دوشاه	۴۷۳ ، ۶	دورخ را بروی پسر بر نهاد	۱۰۸۳ ، ۱۳
دوشاه بت آرای ویزدان	۳۳۸۵ ، ۳۵	دورخ زرد و دودیده پر آب	۱۱۷۹ ، ۲۰
دو شاه دو کشور چنین	۱۴۸۰ ، ۱۳f	دورخسار ز یباش همچون	۱۶۹۸ ، ۱۲d
دوشاه دو کشور رسیده	۲۴۶۸ ، ۳۵	دورخساره پر خون و دل	۴۲ ، ۱
دوشاه دو کشور نشسته	۷۶۶ ، ۶	دورخساره چون لاله اندر	۷۱۰ ، ۷
دوشاه دو لشکر چنان	۸۴۱ ، ۱۳g	دورخساره روز و دوز لفتی	۴۸۷ ، ۵
دوشاه سرافراز در قلب	۳۱۸۴ ، ۴۱	دورزم گران کرده شد	۵۱ ، ۱۸
دوشاه سرافراز و دونیک	۲۶ ، ۱۴	دوروز اندر آن کار شد روز	۴۶۰۳ ، ۱۵
دوشاه گرانمایه پردرد	۳۲۸۷ ، ۴۱	دوروز اندر آن کارها شد	۶۷۹ ، ۳۵
دوشاه گرانمایه سرفراز	۲۴۶۴ ، ۳۵	دوروز این همه رنج بر تن	۹۵۶ ، ۱۳b
دوشاه و دو کشور چنان	۸۱۹ ، ۱۳g	دوروز است تانان و آب	۱۷۳۱ ، ۱۳
دوشیرا وزن از جنگ سیر	۱۱۰۶ ، ۱۲c	دوروز و دوشب باده خام	۲۵۴۴ ، ۱۵
دوشیر زبان پیش آن بیشه	۹۱۱ ، ۳۵	دو روز و دو شب روی	۸۸ ، E
دوشیر زبان چون دمور	۲۱۰۷ ، ۱۲d	دوروزه بیکروز بگذاشتی	۳۷۹ ، ۱۲
دوشیر زبان داشت گتھم	۶۵۸ ، ۳۴	دورویه بزرگان کشیده	۷۰۳ ، ۶
دوشیر گرانمایه بیژن	۸۲۷ ، ۱۴	دورویه چولهاک و فرشید	۱۵۱۱ ، ۱۳f
دو صد بارکش خواسته	۵۰۰ ، ۲۰	دورویه ز لشکر بر آمد	۱۴۹۰ ، ۱۳f
دو صد باره عراده و منجنیق	۱۳۰۲ ، ۱۳g	دورویه سپه اندر آمد جو	۱۹۴۲ ، ۱۳g
دو صد بنده تا مجمر افرو-	۳۵۶۶ ، ۴۳	دورویه سپه بر کشیدند	۱۱۷۹ ، ۱۳g

دو کوردک ز پشت کتی	۴۵۷ ، ۱۲d	دو صد ییل فرمود پس	۱۳۰۶ ، ۱۳g
دو کوه این در گنج نهاد	۴۲۴۴ ، ۴۳	دو صد جامه دیبا بر آن	۴۵۹ ، ۱۲b
دو گرد دلاور ز توران	۲۲۲۹ ، ۱۳f	دو صد چرخ بر هر سوی	۱۳۰۳ ، ۱۳g
دو گرد دلیر گرانمایه را	۱۳۸۷ ، ۱۳c	دو صد خز و دیبای پیکر	۲۶۳ ، ۱۳
دو گرد گرانمایه و یک	۱۳۰۰ ، ۱۳b	دو صد کار دیده دلاور	۱۵۲۴ ، ۱۳f
دو گرد نفر ازیم پیرو جوان	۳۰۶۳ ، ۱۵	دو صد مرد بر نا ز فرمان	۳۵۶۷ ، ۴۳
دو گل را بدو نرگس آبدار	۹۳۵ ، ۷	دو فرزند ار جاسپ گریان	۲۳۵۶ ، ۱۵
دو گوش بنخجر بدو	۴۴۷ ، ۳۰	دو فرزند اورا بر آتش	۲۸۳۶ ، ۴۳
دو گوش چو دو خنجر شاخ	۱۰۶ ، ۱۰	دو فرزند او شد بهندوستان	۱۷ ، ۲۲
دو گوش و دو پای من آهو	۴۳۶۲ ، ۱۵	دو فرزند او نامور پارسا	۱۶۴۰ ، ۴۱
دو گوهر بد این با دو	۱۰۴۹ ، ۱۵	دو فرزند او هم گرفتار	۳۷۷ ، ۲۱
دو گوهر چو آب و چو	۸۵۶ ، ۷	دو فرزند بودش چو خرم	۱۶۳۶ ، ۴۱
دو گوهر یکی آتش و دیگری	۲۱۲۴ ، ۱۲d	دو فرزند بودش بسان دو	۲۳ ، ۱۴
دو گیتی برستم نخواهم	۳۱۱۴ ، ۱۵	دو فرزند پرمایه را پیش	۱۴۶۹ ، ۱۲e
دو گیتی بیابد دل مرد	۱۶ ، ۳۲	دو فرزند را کرد پدرود	۱۹۴۲ ، ۷
دو گیتی پدید آمد از کاف	۴۴۵ ، ۱۹e	دو فرزند ما را کنون با	۱۴۷۵ ، ۱۲e
دو گیتی همی برد خواهد	۱۱۱۷ ، ۱۲d	دو فرزند من از دو گوشه	۴۳۸ ، ۶
دو لب پر ز خنده، دو رخ	۳۸۶ ، ۶	دو فرزند مهبود هر بامداد	۱۶۶۹ ، ۴۱
دو لشکر ببخشید بر هشت	۲۸۰۱ ، ۴۱	دو فرسنگ با او بشد شهر	۲۳۱ ، ۱۳d
دو لشکر بید هر دو آراسته	۵۴۳ ، ۲۱	دو فرسنگ با او همی شد	۳۰۰۴ ، ۴۳
دو لشکر بدانسان بر آشوب	۲۳۵۰ ، ۱۵	دو فرسنگ پیش اندرون	۶۳۰ ، ۴۱
دو لشکر بدین گونه بر	۲۵ ، ۹	دو فرسنگ چون ازدهای	۱۲۶۹ ، ۱۳e
دو لشکر بر آساید از رنج	۴۴۷ ، ۱۳g	دو کار است پیش آمده نا	۱۹۹۳ ، ۴۱
دو لشکر بر آمدنیک ره	۲۷ ، ۱۱	دو کار است هر دو بنفرین	۳۴۱۸ ، ۱۵
دو لشکر بر آن سان بر	۷۷۷ ، ۱۳g	دو کس را بزخم لگد کرد	۴۱ ، ۱۲c
دو لشکر بر آن گونه صف	۱۹۴۱ ، ۱۳g	دو کشور بدین آشتی	۱۲۷۶ ، ۱۲d
دو لشکر برابر کشیدند	۵۰۹ ، ۸	دو کشور ترا باشد و تاج	۱۲۳۳ ، ۱۲d
دو لشکر برابر کشیدند	۳۲۸۵ ، ۴۱	دو کشور همیشه پر از شور	۲۱۸۵ ، ۱۲d
دو لشکر برابر کشیدند	۲۹۷۴ ، ۴۳	دو کودک بدیدند مرده	۴۳۹ ، ۱۲d
دو لشکر بر روی اندر آورد	۱۵۶۳ ، ۱۳	دو کودک بر آن گونه بر	۴۴۴ ، ۱۲d
دو لشکر بر روی اندر آورد	۲۴۹ ، ۱۳f		

دو لشکر بروی اندر آورد	۶۱۰	۱۹	دو مردیم هر دو دلیر و	۶۳۳	۲۰
دو لشکر بروی اندر آورده	۸۸۲	۱۲b	دوم روز چون چشمه آفتاب	۱۴۵۸	۷
دو لشکر بامان دو دریای	۲۴۰	۸	دوم روز رفتند دیگر گروه	۶۵	۳۵
دو لشکر بهامون همی	۳۷۴	۱۲e	دوم روز هنگام بانگ	۴۶۵	۱۳g
دو لشکر بهم اندر آویختند	۱۱۶	۱۱	دو منزل برفتند از آن	۹۷۰	۱۳c
دو لشکر بیک جا شده سخت	۹۶۸	۶	دو منزل بشد خسروس	۲۲۳۴	۴۳
دو لشکر تراشیده ساج	۳۳۹۶	۴۱	دو منزل پیامد یکی باد	۱۳۹۲	۲۰
دو لشکر چنان شده روز	۳۵۸	۱۳g	دو منزل همی کرد رستم	۸۶۷	۱۳b
دو لشکر چنین پاک بر	۱۷۹۹	۱۳f	دو منزل یکی کرد و آمد	۱۱۰۸	۱۲e
دو لشکر چو برهم رسید	۷۳	۱۲b	دو موبد گزین کرد پاکیزه	۲۹۴۱	۴۱
دو لشکر چو تنگ اندر*	۱۰۶۵	۴۲	دو مهتر بد از رزم	۳۷۹	۲۱
دو لشکر چو تنگ اندر*	۱۴۸	۴۳	دو مهتر زنت بود ابر	۹۸۷	۱۲e
دو لشکر ز توران بایران	۸۱۹	۶	دو مهتر نشستند بر تخت	۲۰۳۸	۱۲d
دو لشکر کشیدند صف بر	۳۰۸۷	۴۱	دو مهتر یکی کهتر اندر	۴۷	۵
دو لشکر نظاره بر این	۳۵۴	۱۲c	دو مهر است بامن که چون	۱۴۴۸	۲۰
دو لشکر همی بر تو دارند	۳۷۵	۱۳f	دو مهره بفرمود کردن	۲۷۹۹	۴۱
دو لشکر همی رزم را	۹۴	۳۹	دو نده همی تاخت تا نیم روز	۷۶	۱۲
دوم آنچه دیدی تواز ناج	۲۱۲	۲۰	دو نرگس چو نر آهوی	۵۷۷	۵۰
دوم آن کسی را دهم مهتر	۴۰۱۵	۴۱	دو نرگس دژم و دو ابرو	۵۵۶	۷
دو مارسیه از دو کفتش	۱۸۷	۴	دو نیزه ببالا یکی کنده	۱۳۰۰	۱۳g
دوم باره اش آفرین کرد	۵۸۶	۱۲c	دو هفتش نبودی همی سال	۷۸۹	۱۲d
دوم بهره تا بر در دژ	۲۲۷۱	۱۵	دو هفته ببخشید وهم داد	۲۱۸۵	۱۳g
دوم روز چون شید بنمود	۸۷۷	۱۳e	دو هفته بدان جایگه بر	۱۵۰۶	۲۰
دوم مرد جفا پیشه را دل ز	۸۰۹	۶	دو هفته بدین گونه شادان	۱۱۰۲	۱۳g
دوم مرد خردمند پاکیزه	۹۱	۴۴	دو هفته برآمد بدو گفت	۳۱۶۸	۴۳
دوم مرد خردمند و گرد و	۱۱۹	۳۹	دو هفته برآمد بر آن	۲۵۴۱	۱۳f
دو مردند شاهها بدین شهر	۱۱۳	۳۵	دو هفته برآمد بر این بر	۵۸۳	۱۵

(*) ستاره در سطر اول بجای «آمد بچنگ» و دوم بجای «آمد ز راه»

است.

ده اسپ گرانمایه پاناج	۶۷ ، ۱۲d	دو هفته برآمد بر این کار	۵۷۷ ، ۱۵
ده اسپ گرانمایه پاساز	۱۳۵۴ ، ۷	دو هفته برآمد بزاری	۲۹۲۶ ، ۴۱
ده اشتر زبردین بار کرد	۱۷۵۷ ، ۲۰	دو هفته برآمد بفرمان	۱۰۱۰ ، ۱۳f
ده اشتر نشستنگه شادرا	۷۸۶ ، ۳۵	دو هفته برآمد بفرمان	۱۶۵۶ ، ۴۳
ده اشتر همه باردیبا یروم	۸۸ ، ۱۸	دو هفته برآمد ز چین و	۴۶ ، ۱۳f
ده اشتر همه باردینار کرد	۳۸۱ ، ۲۰	دو هفته بر آن روی دریا	۲۰۸۳ ، ۱۳g
ده اشتر همه بارشان گوهر	۹۳۱ ، ۱۳e	دو هفته بر آن گونه بودند	۲۱۹ ، ۱۳d
دهان بازکن تا خوری	۱۲۱ ، ۴۲	دو هفته بر این بارگاه	۱۰۲۲ ، ۴۲
دهان بر بنا گوش خواهر	۲۸۱۷ ، ۴۳	دو هفته بر این نیز بگذشت	۱۳۶۶ ، ۴۱
دهان خشک و غرقه شده	۸۰۲ ، ۱۳f	دو هفته در بار دادن بیست	۱۷۷ ، ۱۳
دهان شان شد از تشنگی	۷۸۴ ، ۱۳f	دو هفته در این خانه بینوا	۱۶۵ ، ۳۵
دهانش بتنگی دل مستمند	۵۵۷ ، ۷	دو هفته سپهر اندر این	۲۳۴ ، ۳۰
دهانش پر از درخوشاب	۱۴۲۶ ، ۴۱	دو هفته شد اندر سخن شان	۲۲۶ ، ۱۳f
دهانش پر از گوهر شاه	۲۸۵۱ ، ۴۳	دو هفته همی بود دل شاد	۱۴۳۰ ، ۳۵
دهان گریمانند ز خوردن	۱۰۵۳ ، ۱۵e	دو هفته همی خواند استا	۲۲۳۹ ، ۴۳
دهانگشت برسان سیمین	۴۱۰ ، ۷	دو هفته همی راند ز انسان	۱۰۷۶ ، ۱۳f
دهان ناچریده دو دیده	۵۴۳ ، ۵۰	دو هفته همی گشت بایوز	۲۴۶۴ ، ۱۵
دهان و برش پرز گوهر	۳۸۴۱ ، ۴۳	دو یاره بها گیرود و گوش	۳۵۲۱ ، ۴۱
دهان و لبش بود گوهر	۱۷۰۰ ، ۱۲d	دو یاره یکی طوق با افسر	۸۵ ، ۳۰
دهانی پر از در لبی چون	۱۶۹۹ ، ۱۲d	دو یاقوت رخشان دونر گس	۱۷۰ ، ۱۲b
دهد پادشاهی کرادر خور	۲۴۶۴ ، ۱۳f	دو دیدند هر کس که بد	۲۴۴ ، ۴۰
دهد شاه را آگهی زان	۱۴۳۵ ، ۱۳	ده آهر منند آن بنیروی	۲۵۲۶ ، ۴۱
دهد مر مرا تر گد و رومی	۶۳۹ ، ۱۳f	دهاده برآمد ز قلب سپاه	۱۶۶۳ ، ۱۳g
دهد نوش او را ز شیر و شکر	۲۱۸۵ ، ۱۲d	دهاده برآمد ز نخچیر گاه	۱۵۴۵ ، ۳۵
دهستان بکوبید در زیر	۱۳۹ ، ۸	دهاده برآمد زهر پهلوی	۳۸۲ ، ۳۰
دهستان گرفتند یکسر	۳۳۸ ، ۸	دهاده برآمد زهر دوسپاه	۷۳۹ ، ۱۴
دهستان و خوارزم و آن	۱۲۹۳ ، ۱۳f	دهاده برآمد زهر دو گروه	۲۸۱ ، ۸
دهستان و گرگان و آن	۱۰۵۲ ، ۱۳f	دهاده خروش آمده و دار	۱۱۱۵ ، ۶
دهم آنکه از تنش ندارد	۲۵۳۰ ، ۴۱	ده اسپ آوریدش بزیرین	۸۷۳ ، ۱۳f
دهم بی نیازی سپاه خوا	۳۳۷۷ ، ۱۵	ده اسپ آورید ز زرین	۸۲ ، ۱۳e

ده و دو هزار از دلیران	۲۴۳ ، ۱۲c	دهم چشمه ای در بیابان از	۲۵۱ ، ۱۲
ده و دو هزار اشتر بارکش	۳۹۷۹ ، ۴۳	دهم داد آن کس که او داد	۶۲۳ ، ۲۲
ده و دو هزار انگین کندره	۴۴۵ ، ۵۰	دهم از گردان و جنگ	۱۹۸۱ ، ۱۳f
ده و دو هزار دگر برگزید	۳۲۹۶ ، ۴۳	دهم روز لشکر به پیران	۱۶۰ ، ۱۳b
ده و هشت بگذشت سال از	۱۵ ، ۳۶	دهم روز لشکر بهامون	۴۴۳ ، ۱۳e
دهی خرم آمد به پیش	۲۵۹ ، ۳۰	دهم زر که تا این بیرون	۲۲۰ ، ۳۵
دهیدار بگز و بزوپین	۶۷۲ ، ۱۳b	دهم باز کرده چو غار	۱۷۸۵ ، ۱۵
دی و بهمن و آذر و فرودین	۳۶ ، ۱۲	دهنده پیامدبدار ابگفت	۱۱۴ ، ۱۹
دی و فرودینت خجسته	۷۹۵ ، ۱۳e	ده و دار بر خاست از رزم	۲۳۶۴ ، ۱۵
		ده و دو هزار آنکه خویش	۱۳۶۵ ، ۱۲d

حرف ر

رخش گشت پر خون و دل	۱۰۱۲ ، ۱۳	ربایدهمی این از آن آن	۱۲۹ ، ۵۰
رخ شهریار جهان زرد	۳۱۶ ، ۳۵	ربود از دلیران یکی	۸۲۵ ، ۱۲c
رخ شید تا بان چو کام هنر بر	۱۷۹۲ ، ۴۳	ربودش روان از سرای	۱۰۴۲ ، ۱۵
رخ طوس پر شد ز خون	۱۱۰۵ ، ۱۴	ربودم بتوفیق جان آفرین	۱۰۰۰ ، ۱۱
رخ لاله گون گشت برسان	۴۳ ، ۱۳g	ربودند ایرانیان گوی	۱۴۷۵ ، ۱۲d
رخم تازه از زیب چهر	۱۲۰۱ ، ۱۳e	رخان سیاوش چو خون	۳۱۸ ، ۱۲d
رخ مرد را تیره دارد دروغ	۵۶۹ ، ۲۲	رخانت بگلنار ماند	۱۰۲۴ ، ۳۵
رخ من پیشش بیار استید	۶۵۷ ، ۷	رخانش چو گلنار و لب	۴۰۵ ، ۷
رخ نامداران از آن تیره	۳۴۸ ، ۴۱	رخ بدسکالان تو زرد	۵ ، ۲۵
رخ دیه تابان میان	۵۵ ، ۱۷	رخ بندگان گشت چون	۶۰۰ ، ۷
ردا زیر پیروز افکند و	۲۰۲ ، ۵۰	رخ دختران را بیار استند	۳۷۵ ، ۴۲
ردان را پسند آمد آن رای	۲۱۲۰ ، ۴۱	رخ رستم زال زان گرد	۱۸۹۰ ، ۷
ردان را سراسر بیازردمی	۲۸۵۵ ، ۱۳g	رخ رومیان همچو دیبای	۱۱۳۵ ، ۳۵
ردان و سواران توران	۷۷۶ ، ۱۲b	رخ شاه از آواز شد چون	۱۳۱۵ ، ۲۰
ردان را و گند آوران را	۱۳۱۷ ، ۴۳	رخ شاه ایران پر آژنگ	۴۸۸ ، ۵۰
ردوموبدان نماینده راه	۲۷۴۶ ، ۴۱	رخ شاه بر گاه بی رنگ	۴۸ ، ۱۳e
ردوموبدش بود بردست	۱۰۷۷ ، ۱۳g	رخ شاه بهرام از آن زرد	۳۸۸ ، ۳۵
رد و موبد و بخردان	۲۶۴۲ ، ۴۱	رخ شاه تابان بکردار	۸۴۳ ، ۲۰
ردوموبد و مر زبان هر که	۹۶ ، ۳۵	رخ شاه ترکان هر آنکس	۷۰۵ ، ۱۳g
ردو هیرد پیش قبطان	۵۱۲ ، ۴۱	رخ شاه شد چون گل ارغوان	۱۷۳ ، ۱۳
رده بر کشید از دورویه	۱۴۳ ، ۱۲e	رخ شاه کاووس پر شرم بود	۵۳۸ ، ۱۲d
رده بر کشیدند از آن سوی	۱۳۰ ، ۱۳b	رخش پر ز خون دل و دیده	۲۴۴۰ ، ۱۲d
رده بر کشیدند از هر دو	۴۲۹ ، ۸	رخش را توان کرد نسبت	۱۵۷۹ ، ۱۲d
رده بر کشیدند ایران	۴۸۴ ، ۱۳e	رخش زرد گشته هم از بیم	۵۲۲ ، ۱۳e
رده بر کشیدند ایرانیان	۲۷۷ ، ۸	رخش سرخ مانند ارغوان	۴۶۶ ، ۷
رده بر کشیدند ایرانیان	۱۲ ، ۱۱	رخش گشت از اندوه بر	۱۰۱۲ ، ۱۳b
رده بر کشیدند و بر خاست	۴۶۵ ، ۳۰	رخش گشت پر خون و دل	۶۱ ، ۱۳
رده بر کشیدند و بر شد	۵۱۸ ، ۵۰		
رده بر کشیدند یکسر	۸۵۱ ، ۶		
رده بر کشیدند بی بیوان	۱۹۷ ، ۱۰		
رده بر کشیدند سیاهش	۲۰۷ ، E		

رسیدند آنجا که آن بیشه	۱۱۳ ، ۱۳e	رده بن کشیده بیکسره	۲۶۷ ، ۱۳b
رسیدند اندر شهبستان فراز	۳۵۹ ، ۸	رسان تا بمن یا مرا راه	۲۷۱ ، ۷
رسیدند اندر قفای سران	۶۹۶ ، ۱۳b	رساند بدین بارگاه	۳۸۰۶ ، ۴۱
رسیدند بر آب گلزره	۹۳۵ ، ۱۲e	رسانم من اکنون بشاه	۱۳۸۲ ، ۱۳f
رسیدند بر تازیان نوند	۳۰۷ ، ۵	رسانید چیزی که باید	۴۶۰ ، ۱۹
رسیدند بهرام و خسرو	۱۶۵ ، ۴۳	رسانیدروین بر ما پیام	۱۲۲۵ ، ۱۳f
رسیدند بهرام و خسرو	۶۳۳ ، ۴۳	رسن باز بردند نزدیک	۳۹۱۱ ، ۴۳
رسیدند پس پهلوانان	۶۵۸ ، ۱۲b	رسن سوی گنج شهنشاه	۳۸۸۲ ، ۴۳
رسیدند پس پیش سام	۲۰۸۶ ، ۴۱	رسید آنچه گفتی بدین	۱۰۰۲ ، ۱۳e
رسیدند پس پوش سام	۱۰۸۴ ، ۷	رسید آن فرستاده چرب	۱۶۹۲ ، ۲۰
رسیدند پس گیو و خسرو	۱۱۶۵ ، ۱۲e	رسید آن فرستاده رای	۲۸۲۲ ، ۴۱
رسیدند پس يك بدیگر	۳۵۰ ، ۶	رسید آنکهی تنک در شاه	۱۱۴۱ ، ۶
رسیدند پس يك بدیگر	۸۹۹ ، ۱۳f	رسید آنکهی نزد کاوس	۷۸۶ ، ۱۲
رسیدند پس يك بدیگر	۸۰ ، ۴۰	رسید آن نوشته بنزدیک	۲۴۲۰ ، ۱۵
رسیدند پس يك بدیگر	۴۱۲۱ ، ۴۳	رسید آن نوشته فرومایه	۲۷۲ ، ۱۵
رسیدند پویان بپرمایه	۱۴۷ ، ۴۰	رسید اندر آن جای بیژن	۱۳۲۶ ، ۱۳
رسیدند پیروز در نیمروز	۱۷۵۲ ، ۷	رسید اندر آن جای کاوس	۱۱۱۲ ، ۱۲
رسیدند جایی کجا آب	۱۰۴۰ ، ۴۱	رسید اندر آن جایکه	۲۳۰۱ ، ۱۳f
رسیدند جایی که شیرو	۶۳۳ ، ۱۳g	رسید اندر آن کارزروان	۱۶۹۹ ، ۴۱
رسیدند چون يك بدیگر	۵۸۴ ، ۱۲	رسید این سگالش بگودرز	۶۳۴ ، ۱۲b
رسیدند خربان بدرگاه	۶۲۴ ، ۷	رسید این فرستاده بافرین	۲۱۹۶ ، ۴۱
رسیدند گردان بدان	۵۲۷ ، ۱۳b	رسیدم ببلخ و بخرم بهار	۹۶۸ ، ۱۲d
رسیدند گردان میان دو	۶۴۳ ، ۱۳	رسیدم بدیوان مازندران	۸۳۴ ، ۱۳e
رسیدند گودرز و پیران	۱۸۶۹ ، ۱۳f	رسیدم بدیوان مازندران	۳۵۷۰ ، ۱۵
رسیدند نزدیک بهرام	۲۸۳ ، ۳۴	رسیدم براهی بتوران	۲۴۰۰ ، ۱۵
رسیدند نزدیک او مهتران	۱۳۹۱ ، ۳۵	رسیدم بر این دژ که افرا	۱۷۷۷ ، ۱۳g
رسیدند نزدیک ایوان ز	۱۲۲۱ ، ۴۳	رسیدم بفرمان میان دو	۹۳۳ ، ۱۳e
رسیدند نزدیک بهرام	۵۲۵ ، ۳۴	رسیدم بهر سو بگرد	۱۰۰۳ ، ۶
رسیدند نزدیک قیصر	۱۲۲۷ ، ۴۳	رسیدم بهر سو بگرد جهان	۳۸۴۳ ، ۱۵
رسیدند هر دو بمردی	۲۹۵۵ ، ۴۲	رسیدم ز ایران بریک	۸۷۷ ، ۱۳e
رسیدند یاران لشکر	۵۰۹ ، ۱۲e	رسیدمش دیدم چو کوه	۱۲۶۴ ، ۷

روان پیش پایش ترا نشاند	۳۰۵۷ ، ۴۳	رسیدند یکسر بتوران	۱۰۰۵ ، ۴۲
روانت خرد بادودستور	۴۰ ، ۲۴	رسید و بدانستم از کام تو	۱۶۳۲ ، ۷
روان ترا دادگر یار	۴۴۳ ، ۴۴	رسیدوز که دید با نش بدید	۲۰۳۱ ، ۷
روان ترا دوزخست آرزو	۱۱۷۱ ، ۲۰	رسیده بدین سال دوشیزه	۴۸۷ ، ۳۵
روان ترا سودمند این بود	۷۵۲ ، ۵۰	رسیده بلب جان ناتندر	۱۸۰ ، ۲۰
روانت گراز آفر توت	۳۸۰ ، ۲۵	رسیده بمیراث نزدیک	۲۵۳۴ ، ۱۳۴
روانت مر نجان و مگداز	۱۱۳۰ ، ۱۳۴	رسیده بهر جای برهان تو	۲۶۶ ، ۷
روان تو دارنده روشن	۲۲۹۵ ، ۴۳	رسیده بهر کس ز تو دادو	۸۱۱ ، ۱۳b
روان تو زان دردی درد	۱۳۲۷ ، ۱۳b	رسیده بهر نیک و بدرای	۹۶۷ ، ۱۲d
روان تو شد با آسمان در	۴۱۷۲ ، ۱۵	رسیده مرا هیچ فرزند	۶۲۳ ، ۴۳
روان چنان شهر یار جهان	۶۰۵ ، ۸	رسیدی بجایی که بشتافتی	۵۶۲ ، ۸
روان خرد سایه پرست	۱۱۹۸ ، ۱۲e	رش خسروی بیست بهنای	۱۳۶۳ ، ۷
روان خود پیامد بر شهر	۲۱۸ ، ۴۰	رکابش گران شد سبک شد	۲۴۹۰ ، ۲۱
روان خون بر آن چهره	۲۴۹۵ ، ۱۲d	رکابش گران کرد و چندی	۱۶۷۳ ، ۱۳g
روان سیاوخش را زان	۱۷۹۷ ، ۱۳۴	رکوب است پای مرا جای	۶۰۳ ، ۸
روان سیاوش بدو زنده	۲۴۷۷ ، ۱۳g	رکیش دوزرین دوسیمین	۱۷۱ ، ۳۴
روان سیاوش جو خورشید	۵۲۷ ، ۱۳	رمان دیدازو نامداران	۱۹۷۵ ، ۷
روانش بماند در آن تیرگی	۶۸ ، ۸	رمنده ددان راهمه بنگرید	۱۱ ، ۳
روانش پرازغم دلش بر	۶۰۷ ، ۴۲	رمیدند از آن پهلوانامور	۱۹۷۰ ، ۷
روانش خرد بود و تن	۱۰۰ ، ۱۲c	رمیدند ازو رزمسازان	۸۳۸ ، ۱۲b
روان شد بفرمان اوهور	۲۱۳ ، ۱۱	روا باشد از پند من بشنوی	۴۸۶ ، ۱۲e
روانش روان مرا بنده	۸۲۵ ، ۱۳۴	روا باشد از چند بستاییم	۴۴۹۵ ، ۴۱
روانش زانده پیر درد	۱۷۲۳ ، ۴۱	روا باشد از خسته در جوشن	۱۴۸۶ ، ۱۳۴
روانش ز مهجود بریان	۱۷۵۵ ، ۴۱	روا باشد از سر کند زو	۱۲۸۸ ، ۱۲c
روانش شد از کرده خود	۲۷۶۳ ، ۱۲d	روا باشد اکنون که بر	۱۸۰ ، ۷
روانش گمان ستایش	۵۴۵ ، ۱۲	روا بر آمد که بکشای	۲۸۵۳ ، ۱۲d
روان گشت دل خسته از	۱۳۳ ، ۵	روا روچنین تا بچین و	۳۸ ، ۹
روان گشت شهر آده مانند	۲۸۰۶ ، ۱۲d	روا روچنین تا سر کیقباد	۱۲۴۷ ، ۴۳
روان گشته از روی او	۱۶۱۵ ، ۱۲c	روا رو در آمد بدرگاه	۱۴۶۰ ، ۷
روانم بدان جای بیکان	۲۵۶۱ ، ۱۳g	روان اندرو گوهر دلفروز	۸۱ ، E
		روان بداندیش دیوسپید	۹۰۶ ، ۱۲

رها کرد از بند کاه و سر را	۲۹۸۲ ، ۱۳g	روانم بر آنجای نیکان	۲۸۸ ، ۱۳e
رها کرد ز را و بنواخت	۹۶۵ ، ۷	روانم بر آنجای نیکان	۲۵۴۳ ، ۱۳g
رها کرد زو چنگ و ز نهار	۳۰۵ ، ۱۲c	روانم بماندم ایدر پیای	۲۵۱ ، ۱۳e
رها کردش از دست و آمد	۱۲۹۲ ، ۱۲c	روان مرا پور سامست	۱۰۴۷ ، ۷
رها کردشان از پی نام را	۱۳۹۸ ، ۳۵	روان مرا شاد گردان	۶۴۳ ، ۲۲
رها کردنش بدتر از کشتن	۲۵۵۸ ، ۱۲d	روانم روان ترابنده باد	۱۹۸۲ ، ۲۰
رها کردوی را بپیش کنام	۳۱۹۳ ، ۱۵	روانم روان ترابنده باد	۱۸۹۸ ، ۲۰
رها کرد هر کو بزندان	۳۹۱۵ ، ۴۳	روانم روان ترا بی گمان	۱۸۹۳ ، ۲۰
رها کن ز چنگ این سپنجی	۳۲ ، ۴۷	روانم رو'ن گو پلتن	۴۶۵۸ ، ۱۵
رها گشتی از بند و رستی	۸۷۲ ، ۱۳e	روانم نیاید که آرد منی	۲۵۲۴ ، ۱۳g
رها ندخرد مرد را از بلا	۱۹۲۲ ، ۳۵	روان تریمان بر افروختی	۲۱۰۰ ، ۷
رها ندمر ازین غمان دراز	۱۰۵۹ ، ۱۳e	روان نیاکان ما خوش کنید	۱۴۸ ، ۸
رها ندم ز تن همچنان جان	۱۰۱۶ ، ۶	روانهای ترکان گسسته	۲۰۰۲ ، ۱۳f
رها نم ترا از غم و درد و رنج	۳۳۶۵ ، ۱۵	روانهای روشن ببیند	۱۰۰۱ ، ۴۱
رها ننده ماست از ازدها	۲۲۱۳ ، ۳۵	روان همچو رود از تنش	۲۳۵۹ ، ۱۳f
رها نی توشان پاک بردست	۴۲۱ ، ۱۲	روان نیست برگشتن از کار	۸۶ ، ۱۲b
رها نید طینوشم از دست او	۵۶۷ ، ۳۴	روان نیست کزدست پولاد	۱۴۴۷ ، ۱۳c
رها نید یزدان از آن سختی	۱۹۱۹ ، ۴۲	رودتازیان سوی توران	۴۸۴ ، ۱۳
رها نیست از مرگ پران	۱۴۸۳ ، ۴۳	روم بنگرم تاجه خواهد	۱۸۱ ، ۱۳c
رها نی سر که تران را	۳۳۱ ، ۴۲	روم گوشه‌ای گیرم اندر	۲۵۴۴ ، ۱۲d
رها بی نیاید که یا بنده هیچ	۶۶۳ ، ۱۳b	رونده بر شاه برد آگهی	۱۴۳۷ ، ۱۳
رها بی نیاید سر از بند او	۱۴۴۹ ، ۱۳	رو روی شاد با خلعت و خواسته	۲۲۶۱ ، ۳۵
رها بی نیابم سر انجام از	۱۰۸ ، ۵۰	رو روی شاد دل بایکی کاروان	۲۰۱۶ ، ۷
رها بی نیابیم بکن بجای	۲۱۸۱ ، ۱۳f	روم من سوی دانه مهتران	۹۱۸ ، ۷
ره بت پرستی برا کنده شد	۶۰ ، ۱۵	روم هر چه گفتم بجای	۶۹۱ ، ۱۳
ره بهلوانان نسازی همی	۱۴۱۹ ، ۴۲	رونده بدانکه بود کار من	۱۰۱۲ ، ۲۰
ره بر شدن جست و کی بود	۱۶۴ ، ۷	رها شد ز بند زره موی او	۲۴۴ ، ۱۲c
ره داور پاک بنمودشان	۳۷۴ ، ۵	رها شد سرو پای بیژن	۱۱۶۴ ، ۱۳e
ره دستگاری زد یو پلید	۶۷۲ ، ۸	رها کرد از آن بند کاه و سر	۱۶۹۹ ، ۴۲
		رها کرد از بند پای قباد	۱۷۲۳ ، ۴۳

رهستان تادر طینتون	۳۲۹، ۳۴	رهستان را بیاراستند	۳۴، ۱۶
ره مردمی نزد او خواشند	۹، ۸	رهستان گپرو برکش	۱۱۱، ۱۳۴
رهی کز خداوند سر بر	۸۹۲، ۱۵	رهش باز دادند بگریختند	۵۸۶، ۱۳۴



حرف ز

ز آواز او بدهراسان شود	۱۲۷۲	۴۱	ز آب وز کنده بر او بسته	۳۴۱۷	۴۱
ز آواز دیوان و از تیره	۱۰۴۸	۱۲	ز آتش برون آمد آزاد	۵۵۳	۱۲d
ز آواز رستم شب تیره ابر	۲۵۱۶	۱۵	ز آتش پرست و زیزدان	۴۳۸۳	۱۵
ز آواز شیپور و زخم در	۷۰	۱۳۴	ز آخر بزرین و سیمین	۲۵۰	۳۴
ز آواز شیپور و هندی در	۸۲	۱۶	ز آخر بیاورد پس پهلوان	۲۶۸۷	۱۲d
ز آواز گردان بتوفید کوه	۴۷۶	۵	ز آخر گزین کرد اسپ	۳۷۰	۱۴
ز آواز کوبال بر ترگ و	۵۴۹	۲۱	ز آخره انگه یکی کره	۱۳	۴۷
ز آواز گرزش همی روز	۲۹	۲۰	ز آذین و گنبد بشهر و	۲۳۲۲	۴۱
ز آورد چندین بگوید	۱۵۷۴	۱۳g	ز آرایش جامه پهلوی	۲۸۶	۱۰
ز آورد گه تاسر تیغ کوه	۱۱۱۰	۱۳b	ز آزار خاقان چینی نخست	۱۴۱۴	۴۲
ز آورد گه شد سوی نهر وان	۱۹۵	۴۳	ز آزر م گیتی پر آزر	۱۳	۴۸
ز آورد نیزه بر آورد	۲۰۵۱	۱۲d	ز آرزو فزونی برنجی همی	۱۶۲۰	۲۰
ز آهن من بد کنش بد	۳۱۰	۱۵	ز آرزو فزونی بیکسو شو	۹	۱۴
ز آهن بر آن آهن آبدار	۷۸۸	۱۳۴	ز آسیب شیران پولاد	۱۱۸	۱۱
ز آهنگر آن کاوه پره‌نر	۷۸۹	۶	ز آشفتن شاه و بیکار اوی	۷۲۸	۱۲c
ز آهوه‌مان کش سپیدست	۶۷	۷	ز آشوب گفت آنچه دیدو	۴	۴۳
ز ابر اندر آمد بهنگام نم	۲۲۵	E	ز آغاز باید که دانی درست	۳۸	E
ز اختر بجوید و پاسخ	۸۵۸	۷	ز آمل بیامد بگرگان	۱۵۳۴	۳۵
ز اختر بدو نیک بشنوده	۳۴۷	۱۲e	ز آمل کسی آمد ز کار آگه	۳۰۸۲	۴۳
ز اختر شناسان و از موبد	۵۸۷	۲۰	ز آمل گدر سوی همیشه	۴۷	۶
ز اختر یکی روز فرخ	۱۱۷	۱۳b	ز آن مرز تا پیش دریای	۷۱۰	۱۲d
ز ارجاسپ چندی سخن	۲۰۷۷	۱۵	ز آواز اسپان و بانگ	۱۶۵	۱۹
ز اسپان پر مایه و ز گوهر	۱۸۷	۱۳۴	ز آواز اسپان و زخم تبر	۱۱۸۷	۱۵
ز اسپان تازی بزرین ستام	۲۹۰	۷	ز آواز اسپان و گرد سپاه	۲۴۳	۸
ز اسپان تازی بزرین ستام	۸۵۸	۱۲d	ز آواز او اندر آید زجا	۱۷۹۴	۷
ز اسپان تازی بزرین ستام	۱۹۱۵	۱۳			
ز اسپان تازی بزرین ستام	۷۲	۱۶			
ز اسپان تازی بزرین ستام	۱۲۱	۲۰			
ز اسپان تازی بزرین ستام	۲۳۱	۳۴			

زاسپان و مردان بیابان	۷۳۸ ، ۴۲	زاسپان تازی بزین خدنگ	۱۳۶ ، ۱۲d
زاسپان و مردان همه رفته	۱۶۲۷ ، ۱۳۴	زاسپان تازی پلنگینه	۴۳۳۱ ، ۱۵
زاسپ چمنده فرود آمدند	۹۴۱ ، ۱۵	زاسپان تازی و ازگوسفند	۱۷۰۸ ، ۱۲d
زاسپم جدا کرد و شد	۳۱۵ ، ۱۳e	زاسپان جنگی فرود آمد	۱۲۷۱ ، ۱۲c
زاسپ و زاشتر فزون از	۴۶۱ ، ۱۲b	زاسپان جنگی فروریختند	۴۶۹ ، ۵
زاسپ و سلیح و زبوش و	۴۴۴ ، ۱۳g	زاسپان در آمد بدید آن	۱۱۵۹ ، ۳۵
زاسپ و سلیح و زتاج و ز	۱۲۵ ، ۳۹	زاسپان در آمد جهان	۷۸۵ ، ۱۳e
زاسپ و سلیح و زتخت و	۱۰۳ ، ۱۲b	زاسپان در آمد جهان	۸۲۸ ، ۱۲e
زاسپ و سلیح و ز مردان و	۸۳۴ ، ۱۳e	زاسپان در آمد و دستش	۶۰۴ ، ۱۲
زاسقف پیرسید کز نوش	۹۶۴ ، ۴۱	زاسپان در آمد دودستم	۱۱۳۹ ، ۱۲e
زاسکندر راد و پیروز	۲۸۴ ، ۲۰	زاسپان در آمد سبک بیژن	۱۹۴۰ ، ۱۳۴
زاسکندر فیلموس بزرگ	۴۳۹ ، ۱۹	زاسپان در آمد سبک شهر	۲۴۱۵ ، ۱۳۴
زافراسیاب آن سیه دار	۴۸۳ ، ۱۳g	زاسپان در آمد سبک شهر	۷۴۱ ، ۴۳
زافراسیاب ار بنواهی	۱۵۸۳ ، ۱۲d	زاسپان در آمد گرفتش	۶۸۹ ، ۱۳e
زافراسیاب وز پولادوند	۱۵۹۶ ، ۱۳c	زاسپان در آمد گو شیر	۱۱۱۳ ، ۱۳e
زافرسر پیلان پر نکار	۱۱۰۲ ، ۱۳b	زاسپان در آمد نشست از	۳۰۳ ، ۱۲c
زافرسر پیلان پر نکار	۱۵۷۹ ، ۱۳c	زاسپان در آمد نکونسار	۲۳۴ ، ۸
زافسر سرتو از آن شد	۱۳۸۶ ، ۱۲e	زاسپان در آورد زنهار	۲۳۸۷ ، ۱۳۴
زافسون سخن گفتد روزی	۱۶۸۲ ، ۴۱	زاسپان در افتاد پیران	۲۶۹۹ ، ۱۲d
زافسون و از جادویی بر	۴۲۰ ، ۱۳b	زاسپان در افتاد گیو	۱۸۲۶ ، ۱۳
زافکندن شیر شریزه است	۵۸ ، ۱۰	زاسپان در افتاد و زنهار	۱۲۵۰ ، ۱۳
زافکنده گیتی بر آن گوته	۳۲۹۵ ، ۴۱	زاسپان دو خسرو فرود	۲۴۶۵ ، ۳۵
زامید سهراب شدنا امید	۱۰۷۶ ، ۱۲c	زاسپان رومی و دیبای	۱۸۱۶ ، ۴۱
زانبوه ایشان مدارید	۶۴۶ ، ۱۳c	زاسپان فروریخت بر گستو	۱۰۸۴ ، ۱۲c
زانبوه پیلان و شیران	۲۸۹ ، ۱۳g	زاسپان که در دشت بودی	۵۴ ، ۱۹
زاندازه بر نکدرانی سخن	۴۱۶۹ ، ۴۱	زاسپان که کسری همی	۱۷۰۴ ، ۴۱
زانگدام رستم همی رفت	۳۷۵۹ ، ۱۵	زاسپان گله مرچه بودش	۱۰۹۹ ، ۱۳۴
زانده و باشد رخ مرد در د	۱۴۹ ، ۳۴	زاسپان و پوشیده رویان	۲۳۹۸ ، ۴۱
زانده و کاموس و خاقان	۱۰۵۴ ، ۱۳c	زاسپان و پیلان و دستور	۳۳۹۸ ، ۴۱
زانده و زادی سخن	۴۲۳۲ ، ۴۱	زاسپان و مردان آراسته	۲۴۶ ، ۱۲

زباران ڈوبين و باران	۳۴ ، ۱۸	زائده شہ شہادہ را پشت	۳۷۰۹ ، ۴۱
زباران هوا خشک شد هفت	۵۷۶ ، ۱۲۵	زاو لاد بکشاد خم کمند	۶۶۸ ، ۱۲
زبار نمک برد پیش بسی	۲۰۴۸ ، ۷	زاهواز تا پارس يك شار	۲۰۸ ، ۴۰
زبارہ بیفتاد شہ سر نکون	۸۰ ، ۴۶	زایدہ بزابل فرستاد	۴۲۶۰ ، ۱۵
زبارہ چوبک گذاردی تیغ	۱۰۶۰ ، ۱۲	زایران بر آرم یکی تیرہ	۸۷۹ ، ۱۲
ز بارہ فراوان بیارید	۹۹۳ ، ۱۳	زایران بگو نام آن مرد	۹۱۶ ، ۱۲c
زبارہ نکون اندرافتاد و	۷۴۸ ، ۱۵	زایران نباشد کسی کینہ	۹۸۹ ، ۱۲c
زبارہ ہجیر دلاور فکند	۵۷۵ ، ۱۲c	زایران و از ترک و زتازی	۱۳۴ ، ۵۰
زباریدن تیر گفتی کہ ابر	۱۵۹۵ ، ۱۳g	زایران و توران کہ پیش	۷۴۶ ، ۴۲
ز بازار پیش سپاہ آمدند	۱۹۶۹ ، ۴۲	زایران و توران و ہندو -	۳۴۲۵ ، ۴۳
ز بازار گانان ترک و زچین	۲۴۵۰ ، ۴۱	زایرانیان آنکہ بدچرب	۲۴۸ ، ۵۰
ز بازار گانان کہ بر تر و	۱۱۷ ، ۴۱	زایرج کہ بر بیکنہ کشتہ	۸۶۴ ، ۱۲d
ز بازار گانان و دہقان درم	۴۲۸۷ ، ۴۱	زایوان از آن پس خروش	۳۹۳۰ ، ۴۳
ز بازار گانان و دہقان شہر	۴۲۹۱ ، ۴۱	ز ایوان بر آمد بزاری	۱۴۱۴ ، ۱۳g
ز بازار گانان ہر مرزو بوم	۲۴۵۹ ، ۴۱	ز ایوان بر آمد بشادی	۱۶۰۵ ، ۳۵
ز بازار گانان یکی پاک	۱۷۸۹ ، ۴۲	ز ایوان بشد سوی آن	۲۳۵۵ ، ۴۳
ز بازار گان بستہ آن آب	۱۰۸۸ ، ۴۳	ز ایوان پیامد بجای نشست	۱۷۰۷ ، ۴۰
ز بازار نان آورو ناخورش	۴۲۲۱ ، ۴۳	ز ایوان پیامد بنزدیک	۳۵۱۹ ، ۴۱
ز بازو چوبک گذاردی تیغ	۲۲ ، ۱۲b	ز ایوان خرم بر آمد	۳۵۸۰ ، ۴۳
ز بازوش بکست آن بند	۳۵۸۸ ، ۴۱	ز ایوان داستان سام سوار	۶۹ ، ۱۶
ز بازوش پیکان چوہران	۳۸۸ ، ۱۳	ز ایوان و خرگاہ و پردہ	۲۹۶۰ ، ۱۳g
ز بازی کہ پیمان نہادیم	۲۸۷۸ ، ۴۱	ز ایوانها پس یکی بر	۱۴۰۱ ، ۱۲d
ز بازی و از مہرہ و رای	۲۸۴۱ ، ۴۱	ز ایوان ہمہ گنج او باز	۴۶۷ ، ۱۲b
ز بازو خراج آن کہ جاماند	۲۶۰ ، ۴۱	ز ایوان ہمہ کودک و مرد	۲۳۲۳ ، ۴۱
ز باژی کہ خیزد ز روم و	۲۸۱۵ ، ۴۱	ز بابل بروم آورند آگہی	۱۹۰۰ ، ۲۰
ز باغ و زمیندان و آب روان	۶۶۵ ، ۴۱	ز باد آمدہ باز گردد	۴۳ ، ۳۴
ز باقی کہ بد نزد ایرانیان	۸۳ ، ۳۵	ز باد آمدی رفت خواہی	۱۴۲۴ ، ۱۳
ز باقی کہ بد در جہان سر	۸۶ ، ۳۵	ز باد اندر آرد برد سوی	۱۹۹۴ ، ۳۲
ز بالا بایوان نہادند روی	۸۳۱ ، ۱۲e	ز باد اندر آرد دہمان	۲۰۰۵ ، ۱۲c
ز بالا بخاک اندر آید	۱۷۷۹ ، ۱۳	زیاد و زخور شہد و شہ شیر	۳۳۰۱ ، ۱۲d

زبان آوری راستی خواند	۱۷۸۷	۳۵	زبالا بایشان درم ریختند	۲۳۲۴	۴۱
زبان باز بکشاد مرد	۱۱۶۶	۴۱	زبالا چو برق اندر آمد	۲۳۸۴	۱۳۴
زبان بر گشاد اردشیر	۲۸۴	۲۱	زبالا چویی بر زمین برهاد	۴۹۳	۵
زبان بر گشاد اردشیر	۴۰	۴۵	زبالا چو خورشید گیتی	۱۲۱۹	۱۳۴
زبان بر گشادند از آن	۴۱۲	۳۴	زبالا خدنگی براند از	۸۲۰	۱۳
زبان بر گشادند ایرانیان	۷	۳۵	زبالا درفتی گو آمد پدید	۳۳۴۶	۴۱
زبان بر گشادند بر شهر	۱۵۰۱	۷	زبالا زدش تند يك پشت	۱۰۰۷	۱۲c
زبان بر گشادند بر شهر	۸۹۴	۱۳g	زبالا فرو برد سر پیش اوی	۷۰۹	۶
زبان بر گشادند بر شهر	۱۵۱۲	۲۰	زبالا فرود آمد اسفندیار	۲۰۷۴	۱۵
زبان بر گشادند بر شهر	۱۱۱۳	۴۱	زبالا کمند اندر افکند	۷۳۳	۷
زبان بر گشادند بر یکدگر	۱۹۸۸	۱۳۴	زبالا نکون اندر آمد	۶۴۲	۱۲c
زبان بر گشادند فرزنانگان	۳۰۲۵	۴۱	زبالا نگه کرد پس خشنواز	۱۰۶	۳۹
زبان بر گشادند يك با	۳۰۵۳	۴۱	زبالا و دیدار و آهستگی	۴۴۰	۷
زبان بر گشایم چو فرمان	۱۹۷۰	۳۵	زبالا و دیدار شاپور شاه	۹۳	۳۰
زبان بر گشایند بر من	۱۱۲۵	۱۲d	زبالا و دیدار و فرهنگ او	۱۴۰۸	۷
زبان بر گشایند بر من	۲۱۴۶	۱۲d	زبالا و رنگ و زبویا برش	۱۰۹	۱۸
زبان بزرگان پر ازیند	۱۵۲۱	۱۲c	زبالا و زورش چه داری	۱۵۶۱	۱۳b
زبان پر ز گفتار و دل پر	۱۲۳۰	۱۳g	زبالا همه سنگ و باران	۱۱۴۳	۱۳c
زبان پر زیاده روان پر	۵۶۹	۱۳e	زبالا همی بگذرد فر و	۳۵۰۸	۱۵
زبان ترا زوست گفتن	۱۷۶۲	۳۵	زبالا همی دید شاه جهان	۱۵۹۷	۷
زبان تو منز مرا کرد	۳۶۶۹	۴۱	زبالای اسپ اندر آمد	۱۱۷۴	۱۳
زبان تیز با کردیه بر گشاد	۳۰۶۶	۴۳	زبالای او آسمان خیره	۱۶۳۱	۱۳b
زبان تیز بکشاد دستان سام	۷۳۹	۷	زبالای او فرّه ایزدی	۷۲۲	۱۲e
زبان تیز بکشاد و گفتار	۱۹۶۵	۳۵	زبالای دیوار ایوان شاه	۳۸۸۰	۴۳
زبان تیز دارا بر او بر گشاد	۳۹۰	۱۹	زبالا من نیست بالاش	۱۲۳۱	۱۲c
زبان چرب گویند کی فراو	۸	۳۸	زبالین دیبا سرش بر گرفت	۱۵۷	۲۱
زبان چرب گوی و دل آزر	۱۹۴۴	۷	زبام دژا اندر چریره بدید	۵۸۹	۱۲
زبان داد دستان که تا	۶۰۱	۸	زبام سپید کوه نعره بخاست	۹۲۳	۱۳
زبان داد سپند سخن را تا	۱۰۳۷	۷	زبان آوری بود بسیار	۸۰۸	۱۲d
			زبان آوری چرب گوی	۲۴۴	۶

زبانگ سواران برخاش	۴۵۲ ، ۱۳b	زبان در سخن گفتن آذیر	۱۵۲۴ ، ۴۱
زبانگ سواران و زخم	۶۹۴ ، ۱۳c	زبان دومهتر پراز گفتو	۲۴۰۳ ، ۱۳g
زبانگش بلرزید روی	۱۲۶۹ ، ۷	زبان دیگر و داش جای	۶۱۴ ، ۱۲d
زبانگ کمانهای چرخ و	۱۳۲۳ ، ۱۳g	زبان را بترکی بیاراستی	۶۸۱ ، ۱۲e
زبانم براو بر ستایش	۲۷۹ ، ۷	زبان را بخوبی بیاراستی	۳۵۰ ، ۲۱
زبان مرا پاک یزدان بیست	۱۲۴۶ ، ۱۳g	زبان را بدشنام بکشاد و	۸۶۹ ، ۱۳c
زبان و خرد بود و رای درست	۱۸۴ ، ۷	زبان راستی را بیاراسته	۱۶۰ ، ۶
زبان و دولت با خرد راست	۷۶ ، ۲۴	زبان راست گوی و دل آزر	۱۳۸۳ ، ۴۱
زبان و روان بایدت چرب	۲۲۰۸ ، ۴۱	زبان را مگردان بگرد	۳۹ ، ۲۴
زبانها بچربی بیاراستند	۲۰۷۱ ، ۴۳	زبان را مگردان بگرد	۳۹۴۹ ، ۴۱
زبانها بفرمانش گوینده	۴۵۲۱ ، ۴۱	زبان را ندن بود دیده پر آب	۱۲۵۱ ، ۴۱
زبانها پراز آفرین تو باد	۹۴۹ ، ۱۳c	زبان را نکهدار باید بدن	۷ ، ۳۲
زبانها نه تازی و نه پهلوی	۱۲۰۳ ، ۲۰	زبان سراینده رای سست	۶۹۶ ، ۴۱
زبانهای ما گر شود تیغ	۱۶۳۴ ، ۴۲	زبان شان شد از تشنگی	۱۸۹۸ ، ۱۳f
زبانی دگر کون بهر گوشه	۱۴۴۳ ، ۱۳b	زبانش برون کرد هم رنگ	۶۸۳ ، ۲۱
زبانی کجا با خرد بود جفت	۴۹ ، ۲۳	زبانش بسان درختی سیاه	۱۲۶۵ ، ۷
زبانی که اندر سرش منز	۴۵۰ ، ۱۳f	زبانش بگردار برنده	۱۱۵ ، ۸
زبانیستی هر چه در گنج	۱۷۰۰ ، ۱۳g	زبانش بگردار برنده	۱۶۷۸ ، ۲۰
زبایسته آیین پیشین	۹ ، ۴۴	زبانش چو پر دخته شد ز	۴۵۴ ، ۱۳
زبایستهایی نیازش کنم	۸۲ ، ۲۱	زبانش کبود و دو چشمش	۱۲۹۵ ، ۲۰
زبخشایش و بخشش و	۴۴۳۳ ، ۴۱	زبان شمارا بسو گند سخت	۲۳۲۴ ، ۳۵
زبخشایش و دین و پیوند	۱۸۴ ، ۴۴	زبان کرد گویا بشیرین	۳۵۸۳ ، ۴۳
زبخش جهان آفرین بیش	۹۰۵ ، ۱۳b	زبان کرد گویا بنفرین	۱۴۴۰ ، ۱۳
زبخشش منهدل بر اندازه	۵۷۹ ، ۲۲	زبان کرد گویا و دل کرد	۱۳۴ ، ۱۲b
زبخشش هر آن کس که	۹ ، ۲۹	زبان کسی کو بید کرد	۸۸۲ ، ۴۱
زبخشیدن او توانگر شد	۱۴۰۴ ، ۳۵	زبانگ تبیره ببر برستان	۷۲ ، ۱۲b
زبخشیدن و خوردن و داد	۲۹۱۱ ، ۴۱	زبانگ تبیره بسنگ اندر	۲۸۲ ، ۱۳f
زبد تا توانی سگالتی	۴۲۶۸ ، ۴۳	زبانگ تبیره زمین و	۱۴۱۵ ، ۱۳b
زبدخواه روز و شب آذیر	۱۷۱۴ ، ۱۳g	زبانگ تبیره میاز دو کوه	۶۴۶ ، ۱۳
زبد دست ضحاک تازی	۳۳۰ ، ۴۴		

زبرد روز بی بیم داریم	۱۲ ، ۳۵	زبر زین بنظدید بهرام	۸۸۰ ، ۳۵
زبد کردن آید بحاصل	۴۴۰۵ ، ۴۱	زبر طاس و از چین سپه راند	۲۲۰ ، ۴۴
زبد گوهری بر تو بس این	۲۸۶ ، ۱۲b	زبر قوه و از نامداران	۱۴۰۱ ، ۳۵
زبد مهر او پرده جان	۱۰۷۲ ، ۱۲e	زبر گستوان و ز تیر و کمان	۴۳۲۷ ، ۱۵
زبدها بر او بر چه آمد بگو	۴۹۳ ، ۱۳e	زبر گستوان و زرومی کلاه	۲۵۰۷ ، ۱۳f
زبدها تو بودی مرا دست	۲۲۸۵ ، ۴۳	زبر گشتن دشمن ایمن مشو	۱۹۲۴ ، ۱۳
زبدها جهاندار تان یار بس	۲۷۹۵ ، ۴۳	زبر گه گیا پوشش از تخم	۱۱۴۲ ، ۲۰
زبدها که کردی بیزدان	۵۲ ، ۴۴	زبر گه گیاها ن کوهی	۱۵۰ ، ۲۰
زبدها نبایدت پرهیز کرد	۷۰۶ ، ۱۲b	زبر گوش تا شهر مازندران	۶۳۱ ، ۱۲
زبر آسمان تو زرین بود	۴۲۴۲ ، ۴۳	زبر گوش و سگسار و	۳۲۵ ، ۱۳e
زبر بر بیامد سوی تازیان	۵۳۵ ، ۱۲b	زبر آفرین جهاندار	۷۲۴ ، ۱۳e
زبر برستان چون بیامد	۳۹۰ ، ۱۲b	زبر یار کو داشت در	۱۷۶۶ ، ۷
زبر برستان بد صد و شصت	۲۰۳ ، ۱۲b	زبر باغ و ایوان و آب	۱۹۶۷ ، ۱۲d
زبر بر همه لشکر آگه شد	۲۰۲ ، ۱۲b	زبر بانگ اسپان و از بس	۳۴۱ ، ۱۵
زبر پوشش جزع بسته	۸۴۲ ، ۲۰	زبر بر زن و کوی و بازار	۶۷۹ ، ۴۱
زبر ج بره تاترازو جهان	۱۵۵۷ ، ۷	زبر بند و سو گند و پیمان	۲۶۱۶ ، ۱۶
زبر جد با خرد رون ریختند	۵۴۹ ، ۳۵	زبر بر نیانی در فتر سران	۴۳۸۱ ، ۴۱
زبر جد بیاورد و گنج	۱۱۰ ، ۱۲b	زبر بند و پیوند و نیک	۱۲۶۴ ، ۴۳
زبر جد بیاورد و یاقوت	۲۲۰۸ ، ۱۳g	زبر تخت فیر و زه بر پشت	۱۴۱۹ ، ۱۳b
زبر جدت برگشت و چهر	۹ ، ۴۲	زبر تر گ زرین و زرین	۶۴۴ ، ۱۳
زبر جد طبقها و پیروزه	۲۹۳ ، ۷	زبرست و ز کشمیر تا مرز	۲۸۹۹ ، ۴۱
زبر جد طبقها و پیروزه	۱۶۷۲ ، ۱۲d	زبر تیر و زوین و نوک	۳۱۱۹ ، ۴۱
زبر جد نشانده بتخت اندر	۱۱۰۰ ، ۱۳b	زبستی و از لشکر زابلی	۹۰ ، ۱۶
زبر جد یکی جام بودش	۱۷۶۰ ، ۲۰	زبر جنگ و خون ریختن	۲۵۵۹ ، ۳۵
زبر چون بهشتست و دوزخ	۱۷۸۳ ، ۳۵	زبر جوشن و خود و جیش	۸۸۲ ، ۵۰
زبر چیست ای مهتر وزیر	۱۷۷۶ ، ۳۵	زبر جوشن و کاربانی	۱۲۱ ، ۱۳b
زبر دست را گفت خندان	۱۶۹ ، ۴۰	زبر چاک چاک تین زین و	۹۹۰ ، ۱۳g
زبر دست شد مردم زبر	۵۵۵ ، ۳۰	زبر خشم دندانش بر یک	۸۴۸ ، ۱۳
زبر دیمانی و تیغ یمن	۲۳۲ ، ۳۴	زبر خشم گفتند با یکدیگر	۱۶۰۲ ، ۱۳f
زبر زنی سوی برزن	۳۹۲ ، ۳۵	زبر خواسته کبی بر آید	۲۲۳۶ ، ۴۱

زبس کوهمی شیون و ناله	۱۶۴۲ ، ۱۲c	زبس خوب آبشار و ازبند	۱۲۱۰ ، ۱۲f
زبس گرد کزرزمکه بر	۶۹۳ ، ۱۳c	زبس خوبی و پوزش و	۲۱۵۶ ، ۴۱
زبس گرد لشکر جهان	۴۰۷ ، ۱۲b	زبس خوبی و داد و آیین	۳۸۶ ، ۴۰
زبس گرزو باران الماس	۱۶ ، ۱۲b	زبس خود زرین و زرین	۶۸ ، ۱۲b
زبس گرزو شمشیر و پیل	۱۲۱۷ ، ۱۳b	زبس خون کزو رفت بی	۱۰۵ ، ۱۶
زبس گرزو شه شیر مردان	۵۰۹ ، ۱۲b	زبس خون که شدر یخته بر	۹۴ ، ۱۲b
زبس گرز و کوبال و تیغ	۳۸۵ ، ۱۳b	زبس خیمه و خر که سرخ	۲۴۴ ، ۱۲
زبس گنج و زیبایی و فر	۵۷۴ ، ۱۲b	زبس خیمه و مرد و پرده	۷۸۴ ، ۱۲c
زبس گونه گون پر نیانی	۱۷۰۶ ، ۷	زبس دار و گیر و زبس موج	۲۰۶۰ ، ۷
زبس گونه گونه سنان و	۷۶۷ ، ۱۲c	زبس درد کو خورد بر بی	۱۳۱۱ ، ۷
زبس لشکر و گوهر و سیم	۲۸۴ ، ۴۱	زبس دست بی پای و بی پای	۹۷ ، ۱۲b
زبس مردن مردم و چارپا	۱۷ ، ۳۸	زبس رزم و پیکار و خون	۱۹۸۸ ، ۲۰
زبس مهر آن دخت بافر	۴۶۴ ، ۱۲c	زبس رنگ و بوی و ز آب	۵۰۲ ، ۱۲e
زبس مهر بانی که بدبر	۱۰۶۷ ، ۱۳f	زبس رنج کشتش نزدیک	۴۰۲ ، ۱۲d
زبس ناله بوق و بانگ	۷۵۰ ، ۱۳g	زبس رنج و سختی و تیمار	۶۱۸ ، ۱۳e
زبس ناله بوق و کوس و	۱۵۴۸ ، ۱۳	زبس زشت گفتار و کردار	۵۸ ، ۳۵
زبس ناله بوق و هندی در ا	۱۶۴ ، ۱۹	زبس غارت و جنگ و	۱۲۸۳ ، ۴۳
زبس ناله بوق و هندی در ا	۴۶ ، ۲۳	زبس غارت و کشتن مرد	۲۸۶ ، ۳۰
زبس ناله زار و سو گند	۲۳۵۰ ، ۱۳g	زبس غارت و کشتن و تاخت	۳۳۰ ، ۱۳
زبس ناله کوس با کر نا	۳۷۵ ، ۱۳b	زبس غارت و کشتن و تاخت	۱۳۴۶ ، ۴۳
زبس ناله کوس با کر نا	۳۵۷ ، ۲۱	زبس فلغل و ناله کر نا	۱۷۴۶ ، ۱۲d
زبس ناله نای و جنگ	۱۸۳۰ ، ۱۳g	زبس کز جهان آفرین	۶۳۳ ، ۹
زبس ناله نای و جنگ	۲۳۲۷ ، ۴۱	زبس کشتگان اندر آن	۱۴۹۶ ، ۱۳f
زبس نامه مشک و چینی	۲۴۵۱ ، ۴۱	زبس کشتن و غارت و	۳۶۹ ، ۴۱
زبس نمره ازهر سو بی زین	۲۳۳۸ ، ۱۵	زبس کشتن و غارت و	۳۹۸ ، ۴۱
زبس نمره و چاک چاک	۳۲۰۷ ، ۴۱	زبس کشته اندر میان سپاه	۱۸۵۰ ، ۴۳
زبس نمره و ناله کر نا	۳۷۰ ، ۱۲e	زبس کشته بردشت آورد	۷۹۰ ، ۱۳g
زبس نیزه و پر نیانی درفش	۶۷۶ ، ۲۰	زبس کشته در روی هامون	۳۶۰ ، ۲۱
زبس نیزه و تیغ زهر	۹۱ ، ۱۲b	زبس کشته و خسته بردشت	۴۰۸ ، ۲۱
زبس نیزه و تیغهای	۱۴۹۵ ، ۱۵	زبس کشته و خسته شد	۸۰۲ ، ۱۳e
		زبس کشته و خسته و کوفته	۲۲۸۵ ، ۱۵

ز بهرام دارم پیشکش	۲۲۸۴	۲۵	ز بس نیزه و تیغهای	۱۸۴۸	۴۱
ز بهرام شنکله اندر	۲۰۵۹	۲۵	ز بس نیزه و خنجر و گرز	۶۱۶	۱۳c
ز بهرام همه مغز باد و مه	۱۵۸۷	۴۲	ز بس نیزه و گرز و شمشیر	۱۵۶۹	۱۳
ز بهرام و از رستم نامدار	۸۶۶	۱۲c	ز بس نیزه و گرز و کویال	۶۲۰	۱۳c
ز بهرام و ز تخم گودرز زیان	۱۵۸	۱۳c	ز بس نیزه و گرز و کویال	۱۸۵۹	۴۱
ز بهرام و زهره استمارا	۶۶	۵۰	ز بس های و هوی و جرنک	۹۳۲	۱۳e
ز بهرام آنکه پیر سید نام	۲۰۹۱	۳۵	ز بسیار و اندک چه خواهی	۱۶۱۳	۱۲d
ز بهرام میان هر که گردد	۲۸۲	۴۳	ز بسیار و اندک ز کار جهان	۳۷۵۰	۴۱
ز بهر بزرگان ایران زمین	۱۰۵	۱۲	ز بطریق و ز جانیقان	۶۰۴	۱۴
ز بهر برو بوم و فرزند	۵۶۶	۱۲e	ز بنده در راه خراسان گرفت	۳۳۷	۵۰
ز بهر برو بوم و فرزند	۱۲۲۱	۱۳c	ز بنده گردان و جنگ آور	۱۵۸	۱۳g
ز بهر برو بوم و فرزند	۱۳۰۳	۱۳c	ز بگماز و رامش نکرد	۸۱۵	۱۳b
ز بهر برو بوم و فرزند	۱۳۳۷	۱۳g	ز بلبل شنیدم یکی داستان	۲۵۱۷	۱۵
ز بهر بنه تاخت اسپان	۱۱۷۹	۱۳e	ز بلخ و ز شکنان و آموی	۱۸۴۳	۴۱
ز بهر بنه رفت کسب و طوس	۳۵۷	۸	ز بن تاسر تیغ بالای اوی	۱۵۴۷	۲۰
ز بهر پندرزال با سوک و درد	۴۵۹	۸	ز بنده این دو پای من آزاد	۹۸۰	۴۳
ز بهر پندرزین سخن باز	۲۲۷۳	۱۳f	ز بند گران بردمش سوی	۳۳۰۳	۱۵
ز بهر پرستش سر و تن	۲۵۵۰	۱۳g	ز بند و ز سختی رها نیدمش	۷۲۰	۱۲c
ز بهر پرستندهای کز	۵۱	۱۲d	ز بنده نخواهد جز از راستی	۲۱۲۸	۴۱
ز بهر توای شاه غمخواره	۱۹۶۹	۱۵	ز بور اندر افتاد خسرو	۵۱۳	۱۵
ز بهر تو بگذاشت ایران	۲۹۹	۱۳	ز بوم نیاگان و از بهر	۱۲۲۴	۱۳c
ز بهر تو بگذاشت تخت	۱۲۵۰	۱۳g	ز بون بود بدخواه در جنگ	۴۰۶۵	۴۱
ز بهر توماند او بتوران	۶۱۱	۱۳b	ز بون بود جنگال او را	۸۰۵	۳۵
ز بهر تو من باز گردم	۹۵	۱۴	ز بوی زنان موی گردد	۹۵۳	۳۵
ز بهر تو من خود جگر	۷۳۳	۱۳e	ز بویش جهانی پر از	۲۷۶	۷
ز بهر جوان اسب تازی	۲۸۱۵	۱۲d	ز بهر اسیران یکی شهر	۵۷۹	۳۰
ز بهر جهانجوی مرد	۹۶۲	۱۳	ز بهرام بشنیدم مندر سخن	۴۱۹	۳۴
ز بهر جهاندار شاه کیان	۳۲۹	۱۵	ز بهرام چندی سخن راند	۳۱۲۷	۴۳
ز بهر درم تا نباشی پندار	۱۳۵۴	۱۳e	ز بهرام چوبینه پور	۴۲۱	۴۲
			ز بهرام چوبین یکی نامه	۱۰۳۷	۴۳

ز بهمن برآشت اسفند	۳۰۱۰	۱۵	ز بهر درم تنه و بد خو	۱۳۵۵	۱۳e
ز بهمن رسد بد بزا بلستان	۴۱۷۹	۱۵	ز بهر دل شاه ایران زمین	۱۵۱۳	۷
ز بهمن شنیدم که از گل	۲۶۹۰	۱۵	ز بهر زمانه پذیره مشو	۴۲۳	۱۳b
ز بیجاده تاجی و طوقی	۱۵۱۱	۱۲e	ز بهر زن وزاده و دوده	۵۱۷	۴۲
ز بیچارگان خواسته بسته	۴۴	۴۴	ز بهر سپاه این درم وام	۴۲۹۲	۴۱
ز بیداد بستد حجاز و یمن	۷۰۵	۲۰	ز بهر سپید گو پیلتن	۲۹۹۳	۱۳g
ز بیداد شهری که ویران	۲۸۴	۴۳	ز بهر ستودانش کاخ بلند	۲۵۰۱	۱۳g
ز بیداد گر شاه باید گریز	۴۴۹۲	۴۱	ز بهر سیاوخش در خان من	۱۴۳۵	۱۳g
ز بیداد گر شاه و از لشکر	۱۹	۵	ز بهر سیاوش بدم خون	۱۰۶۵	۱۲e
ز بیداد و از رنج افراسیا	۲۳۵۵	۴۱	ز بهر سیاوش پیامی دراز	۱۶۱۷	۱۲d
ز بیدادی پادشاه جهان	۸۴۰	۱۲d	ز بهر سیاوش دودیده پر	۲۷۴۹	۱۲d
ز بیدادی نوذر تا جور	۳۵	۸	ز بهر سیاوش دودیده پر	۱۲۴۹	۱۲e
ز بیداشتی آنچه آمد بروی	۸۹۹	۱۳g	ز بهر ش چنان شهر یاران	۶۷۹	۱۲c
ز بیدان شیت آن نیاید پسند	۲۶۱	۴۴	ز بهر ش چهر رنج و چه سختی	۶۷۶	۱۲c
ز بیدان شی جسته ای بر تری	۲۸۷	۱۲b	ز بهر شما هر سه را خواستم	۱۵۴	۶
ز بیراه مر کاخ را بام و در	۴۶۷	۵	ز بهر فزونی نکردم همی	۱۳۲۸	۲۰
ز بیراهی و کار کرد تو بود	۴۱۸	۴۳	ز بهر فزونی و از بهر	۱۴۴	۱۳e
ز بیرون بر این رزمگاه	۱۲۲	۱۹	ز بهر کسان رنج بر تن	۱۱۹۰	۲۰
ز بیرون چونیم از تنگ	۱۵۵۸	۱۲e	ز بهر گوان رنج برداشتی	۱۸۷	۱۲
ز بیرون دهلیز پرده سرای	۲۲۹	۱۳g	ز بهر گرانمایه فرزندان	۸۸۹	۱۳g
ز بیرون نخواهد خورش	۱۹۳۶	۱۵	ز بهر من آمد بتوران فراز	۱۰۵۷	۱۳e
ز بیژن پیر سید و نالید زار	۱۱۱۶	۱۳e	ز بهر من آهوز هر سو منخواه	۳۵۹	۱۲c
ز بیژن بنخواهم بشه شیر	۸۳۰	۵۰	ز بهر من اکنون از این دیده	۱۰۴۰	۱۳b
ز بیژن چنان شاد شد بهلوی	۸۶۹	۱۳۴	ز بهر منست این همه گفت	۱۸۵	۱۲b
ز بیژن شب و روز چون بهش	۷۰۳	۱۳e	ز بهر نواهم بیازارد اوی	۱۱۶۰	۱۳d
ز بیژن وزون بود هومان	۸۱۳	۱۳۴	ز بهر نیادل پر از درد	۱۲۸۰	۱۵
ز بیژن مگر آگهی یا بما	۵۸۱	۱۳e	ز بهر نیایش سرو تن بشست	۷۵۹	۱۲
ز بیژن ندیدم بکیتی	۵۱۶	۱۳e	ز بهر یکی بازگم بوده	۳۱۲	۱۳e
ز بیشه ببردم ترا ناگهان	۱۸۳	۵	ز بهر یکی تاج و افسر	۹۷۵	۱۵
ز بیشه بهامون کشیدند	۸۵۷	۶	ز بهر یکی چوب بسته	۱۷۰۵	۱۳

زینیش بگشادیک روز	۳۲۸ . ۳۴	ز بیشه بهامون نهادند	۲۳۱۰ . ۱۳۴
زیننی فرود آمدش مغز	۱۱۲۵ . ۱۳c	ز بیشه بیک سو جهانید	۲۶۷۰ . ۳۵
زیاسخ بر آشفت و شد چون	۳۶۲۵ . ۴۱	ز بیشه دوشیر ژیان آوریم	۵۸۷ . ۳۴
زیاسخ پر آژنگ شد روی	۲۱۰۷ . ۳۵	ز بیشه فراز آرهیزم بروز	۱۰۷۰ . ۱۳e
زیاسخ فراوان بر آشفت	۳۶۲۰ . ۴۱	ز بیشی بکزی نهادند رو	۲۵۶۱ . ۳۵
زیاسخ فراوان که او داده	۹۴۹ . ۱۳۴	ز بیشی خرد جان بود سود	۴۰۰۸ . ۴۱
ز پاکی بگوهر ستوده	۸۳۸ . ۱۳b	ز بیشی مرادست کوتاه	۱۳۲۹ . ۲۰
ز پاکیزه جان فرود و ز رسب	۸۱ . ۱۳b	ز بیشی و از گردن افراختن	۴۴۵ . ۴۱
ز پاکی و از پارسایی زن	۲۸۹۲ . ۴۳	ز بیش و کمی و ازرنج و	۲۵۰۳ . ۱۳۴
ز پاکی و در خانه خویش	۶۸۱ . ۲۰	ز بیشی هر آنچت ببايد	۴۳۰۷ . ۱۵
زیالوینه باز گردی روا	۵۸ . ۲۳	ز بیگانگان جای پردخته	۱۲۳۴ . ۱۳c
زیالوینه همچین لشکری	۳۶ . ۲۲	ز بیگانگان شهرها بستدم	۲۶۳ . ۴۴
زیاور کاش جهان خیره	۱۰۶۵ . ۱۲	ز بیگانه ایوان برداختند	۷۹۱ . ۱۴
زیای اندر آمد تن پیل	۲۲۹۶ . ۱۵	ز بیگانه ایوان برداختند	۲۱۶۹ . ۴۱
زیایت که افکند و جای	۱۹۵۰ . ۲۰	ز بیگانه ایوانش پردخت	۱۰۶۴ . ۴۱
زیای و در کیش همی مهر	۱۲۳۳ . ۱۲c	ز بیگانه پردخت کن جای	۱۰۶۰ . ۴۱
زیای و رکب و زدست و	۱۰۱۹ . ۱۲c	ز بیگانه پردخته کردند	۳۵۲ . ۶
زیای هیوان و از گرد	۵۷۵ . ۱۳	ز بیگانه پردخته کردند	۲۱۱۸ . ۱۲d
ز پرپشه تایی ژنده پل	۲۴۰۸ . ۱۲d	ز بیگانه جایش برداختند	۲۴۳ . ۱۳g
ز پرده بتان را بر خویش	۳۱۰۴ . ۱۳g	ز بیگانه خانه برداخت	۱۰۲۵ . ۲۰
ز پرده برون کس ندیده	۱۰۶ . ۱۲c	ز بیگانه خیمه برداختند	۱۳۱۲ . ۱۳c
ز پرده برهنه پیامد برآه	۹۷۶ . ۴۱	ز بیگانه قیصر برداخت	۱۲۷۵ . ۴۳
ز پرده بگی و بریدش	۲۶۵۲ . ۱۲d	ز بیماری شه غمی شد	۱۹۰۵ . ۲۰
ز پرده بگیسوش بیرون	۸۹ . ۱۲e	ز بیمایه دستور ناگردان	۸۶۵ . ۱۳
ز پرده پرستار پنج آورید	۲۷۷ . ۱۳	ز بیم برادرش چیزی	۴۱۰۱ . ۴۳
ز پرده در آمد یکی پرده	۵۴ . ۱۳e	ز بیم جدایش گریان شد	۱۱۶۹ . ۱۲d
ز پر مایگان شاه پاسخ	۱۰۷۵ . ۱۳c	ز بیم سپهد گو پیلتن	۴۸۴ . ۱۲d
ز پر مایگان کاردانی	۵۴ . ۳۴	ز بیم سپهد همه راستان	۲۱۳ . ۵
ز پر مایه اسپان ز روی	۱۰۲۰ . ۱۲b	ز بیم سیاوش سواران	۲۴۵۸ . ۱۲d
ز پر مایه چیزی کن آن بزم	۲۴۳ . ۱۱	ز بیم شهنشاه و باران تیر	۸۵۰ . ۴۲
		ز بیم وزداد جهاندار شاه	۲۴۴۷ . ۴۱

زپوشیدنی شاه دستی بزر	۱۰۲۸	۱۳c	زیرمایه چیزی که آید	۲۲۵	۵۰
ز پوشیدنی وز گستردنی	۲۰۸۹	۷	زیرمایه چیزی که بددل	۷۰۹	۲۱
زپوشیدنیها و از خوردنی	۳۸۵	۲۲	زیرموده و لشکر ساوه	۱۷۹۵	۴۲
زپوشیدنیها و از خوردنی	۸۷۰	۴۱	ز پروازش آورد آنکه	۵۴۳	۷
زپوشیدنیها و از خوردنی	۳۶۸۴	۴۳	ز پروازش آورد نزد پدر	۱۹۹	۷
زپوشیدنیها و گستردنی	۱۲۰	۲۰	ز پرورده سیر آمد این	۷۰۲	۵۰
زپوشیدنی هم ز آکندنی	۱۰۱	۱۲d	ز پر و ز پیکان کلك تو	۷۴۷	۱۳b
زپوشیدنی هم ز افکندنی	۲۳۸	۳۵	ز پرویزت اندازه باید	۳۹۸۹	۴۳
زپوشیدنی هم ز گستردنی	۸۷۷	۳۵	ز پرویز ترسان بدان بد	۴۰۱۲	۴۳
زپوشیدنی باز گستردنی	۱۱۴۹	۲۰	ز پرویز چون داستانی	۳۹۵۶	۴۳
زپوشیده رویان ارجاسی	۲۴۵۰	۱۵	ز پرویز خسرو میندیش	۱۷۴۴	۴۲
زپوشیده رویان پیچد	۱۴۷۰	۱۳g	ز پستان آن گاو طاووس	۱۸۱	۵
زپوشیده رویان جز از سر	۲۸۸	۱۹	ز پستان گاوش ببارید	۷۵۷	۳۵
زپوشیده رویان ده آراسته	۲۳۹	۱۳	ز پستی بیامد بکوهی رسید	۱۹	۱۸
زپوشیده رویان یکی شهر-	۸	۵	ز پستی و کندی بردی	۱۷۲	۴۳
ز پولاد پویشان لشکر شکر	۱۶۴۱	۱۳g	ز پشت اندر آمد براه	۲۰۴۶	۱۳f
ز پولاد در دست رومی	۱۶۰۹	۱۳f	ز پشت سپهبد زهی بر کشید	۴۶۴۳	۱۵
ز پویندگان هر که بدتیز	۱۰	۳	ز پشت سمنش بیازید	۱۱۴۰	۴۳
ز پویندگان هر که مویش	۳۹	۲	ز پشت سیاوش یکی شهر	۵۸۳	۱۲e
ز پهلوی بر رفتند پیر مایگان	۱۶۰۱	۱۲e	ز پشتش جهان پهلوان و	۱۱۰	۷
ز پهلوی پهلوی پذیره شدند	۴۵	۱۳	ز پشت منست این و نام	۲۷۴	۲۲
ز پهلوی برون رفت کاووس	۶۷۲	۱۲d	ز پنجاه بهرام بود از	۵۴۱	۳۴
ز پهلوش بیرون کشیدم	۷۹۱	۱۲	ز پنجاه سی را نوشتند نام	۵۴۲	۳۴
ز پهلوی همه موبدان را	۱۰	۹	ز پند آرمودیم و جندی	۳۱۹۲	۴۱
ز پهلوی همه موبدان را	۴۹۵	۱۲d	ز پندت نبد هیچ مانند	۲۷۷۸	۴۳
ز پهلوی همه موبدان را	۱۷۶	۱۳	ز پند تو آرایش جان کنم	۹۶۰	۴۳
ز پیران برسید افراسیاب	۸۸۲	۱۲b	ز پند خرد گر بگردد سر	۱۱۰	۱۲
ز پیران برسید و پیران	۱۷۹۷	۱۳	ز پند من ار مغزتان شد تهی	۴۰۲	۶
ز پیران برسید و ز لشکر	۱۲۰۷	۱۳f	ز پنهان بدان شاهزاده	۶۱۶	۱۵
ز پیران بپوشید و پیچید	۱۳۴۱	۱۲d	ز پور سیاوش بر آشت	۸۲۲	۴۳

زیبش پدر چون بیاراستند	۶۲۷ ، ۱۳g	زیران چو بشنید افراسیا-	۲۸۴۰ ، ۱۲d
زیبش پدر رفت اسفندیار	۱۶۵۵ ، ۱۵	زیران چو بشنید رستم	۲۷۲ ، ۱۳c
زیبش پدر سرخه بیرون	۱۹۸ ، ۱۲e	زیران غمی گشت خاقان	۳۵۴ ، ۱۳c
زیبش پدر گوی بر بود و	۱۳۲ ، ۲۲	زیران فرستاده آمد	۴۳۳ ، ۱۳c
زیبش پدر گیو بنمود	۱۳۶۵ ، ۱۲e	زیران فرستاده شد نزد	۱۰۲۸ ، ۱۳f
زیبش پدر گیوشد تا بلخ	۲۱۴ ، ۱۳f	زیران گوی بود کهتر	۲۵۰۷ ، ۱۲d
زیبش پشنگ آمد افرا	۱۲۰ ، ۸	زیران نکویی و افراسیا-	۲۷۳ ، ۱۳b
زیبش جهانجوی برخاستند	۴۲۳ ، ۳۴	زیران ولهاک و فرشیدورد	۲۳۶ ، ۱۳g
زیبش جهاندار بیرون	۴۵۷ ، ۴۲	زیران و هومان دلاور	۲۲۳۰ ، ۱۳f
زیبش دهستان سوی ری	۵۷۷ ، ۸	زیرایه و جامه و سیاه و زر	۶۵۹ ، ۲۱
زیبش سپاه اندر آمد	۲۹۹۳ ، ۴۳	زیر جهان دیده بشنو سخن	۲۷۸۱ ، ۱۳g
زیبش سپهبد بیرون شد	۶۴ ، ۶	زیروز گر آفرین بر تو	۳۳۹۷ ، ۴۳
زیبش سپه تیز رفتی	۲۷۹۵ ، ۱۳g	زیروز گر آفرین تو باد	۲۶۱۷ ، ۴۳
زیبش سپه دار بیرون	۱۳۰۶ ، ۱۳c	زیروز گشتن نیایش	۱۱۶۲ ، ۱۳c
زیبش سواران کشانش	۷۴۸ ، ۱۴e	زیروزه تخت و زیجاده	۲۵۶ ، ۱۲c
زیبش سواری نمودند	۹۲۰ ، ۱۲e	زیروزه دیباس را پرده	۱۳۷۱ ، ۱۳b
زیبش براند و بفرمود	۱۵۰۶ ، ۱۳	زیروزه کرده و بر و بر	۵۸۹ ، ۱۲b
زیبش برفتند هر سه بهم	۲۴۱ ، ۱۵	زیروزی او چو آمد نشان	۱۷۰۳ ، ۴۲
زیبش بیامد پرستار	۴۸۵ ، ۴۴	زیروزی چین چوسر بر	۱۵۵۵ ، ۳۵
زیبش شهنشاه برخاستند	۱۱۶۴ ، ۴۱	زیروزی شاه و مردانگی	۲۰۱۵ ، ۴۱
زیبش شهنشاه برخاستند	۷۰۸ ، ۵۰	زیروزی لشکر غاتفر	۱۹۰۹ ، ۴۱
زیبش شهنشاه بر گشت	۱۷۸۴ ، ۱۳g	زیروزی و بخت و از فر	۵۱۳ ، ۲۰
زیبش شهنشاه موبد بر رفت	۳۹۱ ، ۳۵	زیبری خم آورد بالای	۴۴ ، ۱۳g
زیبش صف آمد سوی	۱۹۱۲ ، ۴۳	زیبری مرا تنگ دل دبد	۲۰۱۶ ، ۲۰
زیبش طلایه چو هومان	۴۷۱ ، ۱۳f	زیبری مگر گاو بیگار	۱۸۸۵ ، ۳۵
زیبش طلایه سواری چو	۱۵۲۲ ، ۱۳	زیبری و از تابش آفتاب	۱۱۲۰ ، ۱۵
زیبش فریبرز را نام کرد	۱۵۱۸ ، ۱۳	زیبش اندر آمد گوا سفند	۸۴۵ ، ۱۵
زیبش فریدون بیرون آمد	۱۸۱ ، ۶	زیبش بزرگان بیازید	۳۰۲ ، ۳۵
زیبش فریدون چنان باز	۴۲۹ ، ۶	زیبش پدر باز گشت او	۲۶۸۶ ، ۱۵
زیبش نیا تیز بر داشت	۲۵۸ ، ۲۲	زیبش پدر تا در پهلوان	۶۴۴ ، ۴۲

ز پیش نیا کودك نيك	۹۶	۲۱	ز پیلان واز پایه تخت	۲۱۰۴	۴۱
ز پیش همایش برون	۳۲	۱۷	ز پیل و ز پیروزه و تخت	۴۴۷	۱۲b
ز پیش سخن و افکده گفتی	۷۶۵	۴۲	ز پیمان بگردند و از	۱۲۶	۰
ز پیشی و پیشی ندارند	۱۴۱	۵۰	ز پیمان تو سر نکردم	۱۱۷۷	۱۲d
ز پیغام او شد داس پرشکن	۸۴	۳۲	ز پیمان نکرد ایچ یاد	۱۶۲	۱۳b
ز پیغام هرچش بدل بود	۲۰۸۴	۴۱	ز پیمان نکرد سپهد پدر	۸۲۳	۷
ز پیکارتو خسته و کشته	۱۷۹۱	۱۳	ز پیمان نکردند ایرانی	۲۱۵۹	۱۳f
ز پیکار سر بر مگردان که	۲۲۸۰	۱۳f	ز پیمان و سوگند و پیوند	۱۲۱۳	۴۳
ز پیکار یابد رهایی سپاه	۱۶۳۳	۱۳f	ز پیوه و دن راه و رنج شبان	۸۶۹	۱۲e
ز پیکان الماس و پر عقاب	۹۵	۱۲b	ز پیوستگانم هزار و	۲۰۰۸	۳۵
ز پیکان پولاد گشتند	۱۷۱۵	۱۵	ز پیوسته خون بنزدیک	۹۰۴	۱۲d
ز پیکان پولاد و پر عقاب	۲۹۸	۱۳b	ز پیوند رستم دلش شاد	۱۲۸	۱۲c
ز پیکان پولاد و پر عقاب	۵۷۷	۱۳c	ز پیوند بهراب و از مهر	۱۰۶۰	۷
ز پیکان پولاد و تیر خدنگ	۷۸۰	۱۳f	ز پیوند و از بند آن روز	۲۹۲۳	۴۳
ز پیکان تیر آتشی بر فرو	۳۸۶	۱۲	ز پیوند و از پند و نیکو	۲۸۹۱	۴۳
ز پیکان چنان گشت	۱۸۸۹	۴۳	ز پیوند و خوبشان شده نا	۶۲۰	۱۳e
ز پیکان و از گرز و زوپین	۴۵۳	۱۳b	ز پیوند و خوبشان میر	۳۲۹	۲۲
ز پیکان و از میخ گرد	۳۶۲۶	۴۱	ز پیوند و خویشی و از	۲۲۰۴	۴۳
ز پیکانها است شد بارگی	۱۰۳	۱۶	ز تابوت چون پرنیان بر	۵۷۱	۶
ز پیکان همی آتش افرو	۳۷۴۶	۱۵	ز تابوت زرتخته برداشتمند	۵۷۰	۶
ز پیکان یکی آتش اندر	۱۲۳۰	۱۳	ز تاج بزرگان و تخت	۴۴۵	۱۳g
ز پیلان جنگی نجوید	۱۳۴۸	۱۳b	ز تاج بزرگی گریزان	۱۱۴۴	۶
ز پیلان جنگی و مردان	۱۲۳۹	۱۳c	ز تاج پدر مر سرم بدرسید	۴۱۶۴	۱۵
ز پیلان جنگی هزار و	۸۷۸	۱۲	ز تاج تو چشم بدان دور	۱۴۱	۱۶
ز پیلان جنگی هزار و	۶۳۴	۱۲	ز تاجش به بهره شده	۴	۱۳e
ز پیلان جنگی هزار و	۲۸۷	۴۲	ز تاج و ز تخت و کلاه و	۲۲۳	۱۲c
ز پیلان جنگی هزار و	۴۰۰	۴۳	ز تاراج و پیران شد آن بوم	۳۰۴	۴۲
ز پیل اندر آورد و زد بر	۷۹۰	۱۳c	ز تارک کنون آب برتر	۲۷۹۰	۴۳
ز پیلان نهادند بر پنج	۱۰۹۹	۱۳b	ز تار یکی گرد و اسپ و	۳۴۰	۱۵
ز پیلان و آرایش تخت	۱۴۴۴	۱۳b	ز تازیدن گورو گرد سوار	۵۱۳	۱۳e

ز تخم گرازه شد و اینج	۱۹۸ ، ۱۳	ز تازی و هندی و ایرانیان	۳۴۳۸ ، ۴۳
ز تخمی که یزدان بر اختر	۳۷۴۰ ، ۴۱	ز تخت اندر آرد مراورا	۴۶۲۷ ، ۴۱
ز ترکان بتها تو بر	۱۶۲ ، ۱۳f	ز تخت اندر آرد نشاند	۹۹۱ ، ۶
ز ترکان بر آمد بسی	۱۵۶ ، ۱۳d	ز تخت اندر آمد بزین	۴۸۳ ، ۶
ز ترکان بر آمد سراسر	۱۶۲۳ ، ۱۳f	ز تخت اندر آرد ضحاک	۳۲۴۴ ، ۱۵
ز ترکان بر آورد یزدان	۲۱۱۶ ، ۱۳f	ز تخت بلندی با سپ اندر	۵۱۷ ، ۲۰
ز ترکان بر آید همه کام	۱۰۸۵ ، ۱۳b	ز تختش سوی تیره خاک	۶۶ ، ۸
ز ترکان بسی بد طلا به بر آه	۱۷۷ ، ۱۰	ز تخت کیان دور تر بنگر	۳۹۳۳ ، ۴۳
ز ترکان بسی در پس پشت	۵۲۹ ، ۵۰	ز تخت کیان شاه بد نا	۱۴۴۷ ، ۴۳
ز ترکان پیامد دلیری	۱۱۳۸ ، ۱۳	ز تخت وز آرامکه آرم	۷۰۵ ، ۵۰
ز ترکان پیامد سواری جو	۶۴۷ ، ۴۲	ز تختی که خوانی و راطاق	۳۶۸۹ ، ۴۳
ز ترکان ترابر ترانگاشتم	۴۸۱ ، ۱۳f	ز تختی که هستی فرود	۱۴۲۸ ، ۴۲
ز ترکان جز آن دوسر افراز	۲۱۹۵ ، ۱۳f	ز تخم بزرگان یزدان	۳۸۹ ، ۵۰
ز ترکان جنگی فراوان	۱۱۱۳ ، ۴۲	ز تخم پراکنده و زمزد	۱۳۲ ، ۴۱
ز ترکان جهان پاک دیدش	۱۰۳۶ ، ۱۳g	ز تخم پیشینست و از کیقباده	۳۰۷۳ ، ۱۳g
ز ترکان چینی فراوان	۲۳۷۹ ، ۱۵	ز تخم تو ابه چوهشتاد و	۱۹۱ ، ۱۳
ز ترکان دو بهره فتاده	۹۱۴ ، ۱۳f	ز تخم زرسب آنکه بودند	۸۲۵ ، ۱۴
ز ترکان سپاهی بگردار	۱۳۳۹ ، ۱۳g	ز تخم ستمکاره افراسیا	۵۲۵ ، ۱۳
ز ترکان سواران کین صد	۳۹۶ ، ۱۳g	ز تخم سیادش گوی مهتر	۹۴۹ ، ۴۲
ز ترکان شمشیر زن سی	۲۷۲ ، ۱۳g	ز تخم فریدون بچستند	۱۱ ، ۹
ز ترکان کسی پیش گرویش	۸۶۰ ، ۵۰	ز تخم فریدون چوهشتاد	۱۹۹ ، ۱۳
ز ترکان کسی نیست همعای	۱۴۶۳ ، ۱۵	ز تخم فریدون مگریک	۳۰۴ ، ۸
ز ترکان گریزان تن شهر	۲۶۰۵ ، ۱۵	ز تخم فریدون منم کیقباد	۲۳۵ ، ۱۰
ز ترکان گنه کار جویدهمی	۳۰۳ ، ۱۳c	ز تخم فریدون و از کیقباد	۱۶۵۱ ، ۱۲d
ز ترکان مرا نیست همتا	۲۰۶۳ ، ۱۲d	ز تخم فریدون یل کیقباد	۱۶۸ ، ۱۰
ز ترکان نیمینیم همتای اوی	۱۲۱۱ ، ۱۳c	ز تخم کیان بود و بیدار	۱۶۸ ، ۵
ز ترکان نماید ایچ با او	۱۰۴۲ ، ۱۳	ز تخم کیان بی گمان کس	۶۷۵ ، ۱۳g
ز ترکان نماید کسیر ایگناه	۸۱۴ ، ۱۲d	ز تخم کیان کس جز از تو	۲۹۵ ، ۵۰
ز ترکان و از چین بر آید	۳۳ ، ۱۳f	ز تخم کیان ما دو پوشیده	۳۹۴ ، ۵
ز ترکان و از دست تو	۲۴۱ ، ۱۲b	ز تخم کیم وز کدامین گهر	۱۶۶ ، ۱۲c

ز تنگی کجاراه بدبر سپاه	۹۳۶ ، ۴۲	ز ترکان و از کارا فراسیاب	۳۳۵ ، ۱۳g
ز تنگی که بود اندر آن	۵۵۹ ، ۲۱	ز ترکان هر آنکس که بد*	۴۷۶ ، ۱۳g
ز نو بازمانده می رنج تو	۱۱۸۹ ، ۲۰	ز ترکان هر آنکس که بد*	۱۵۶۵ ، ۳۵
ز تو بدسگالان همیشه نژند	۲۰۴ ، ۷	ز ترکان هر آن کس که بد*	۲۳۷۳ ، ۴۱
ز تو بر من آمد ستم بیشتر	۲۲۱ ، ۵	ز ترکان هر آنکس که بد*	۲۱۳۵ ، ۱۳g
ز تو بس کم این درخانه	۱۹۲ ، ۳۵	ز ترکان هر آنکس که فرمان	۹۴۳ ، ۱۳g
ز تو بود شایسته چونین	۲۰۹۹ ، ۷	ز ترکان هر آنکه که بینی	۱۵۲۵ ، ۱۳g
ز تو بود مهتر بگیتی	۶۵۰ ، ۵۰	ز ترکان همه پیشه فارون	۳۴۳۶ ، ۴۳
ز تو پر خرد پاسخ ایرون	۴۶۳ ، ۶	ز ترکان همه کین او باز	۴۲۵۲ ، ۱۵
ز تو پیش بودند گند آور	۳۲۲ ، ۴۳	ز ترکان یکی بود بازور و	۴۰۴ ، ۱۳b
ز تو پیشتر پادشاه بوده اند	۱۴۴ ، ۱۲	ز ترکان یکی نام اوساوه	۱۷۱۵ ، ۴۲
ز تو تنبل و جادویی دور	۱۶۸۶ ، ۱۳b	ز ترکتس بر آور کمان	۴۵۴۱ ، ۱۵
ز تو حید رفرا آن و وعد	۲۱۱ ، ۵۰	ز ترک و زروم و زهند و ز	۱۱ ، ۴۸
ز تو چشم آهرمان دور	۱۶۶۲ ، ۷	ز ترک و زهند و زسقلاب	۱۸۲۹ ، ۲۰
ز تو چشم بدخواه تو دور	۱۲۷۷ ، ۱۲e	ز ترکی کنون اسب خسته	۹۲۹ ، ۱۳
ز تو خواستم تا یکی نامور	۲۴۹۲ ، ۱۳g	ز ترگ و زجوشن خود	۱۳۵۱ ، ۱۳b
ز تو دور باد آزو خشم و	۸۲۷ ، ۱۳e	ز تشویر هر مز فرو پز مرید	۱۹۰ ، ۴۲
ز تو در باد آرز و هرگ	۱۸۴ ، ۱۲	ز تف زبانه زباد و زدود	۱۲۳۱ ، ۱۳
ز تو دور شد فره و بخردی	۴۲۳۲ ، ۱۵	ز تفس همی پر کرکس	۱۲۵۵ ، ۷
ز توران بخرم بایران	۲۱۲۹ ، ۱۵	ز تن باز کردم سرار جاسپ	۲۶۱۳ ، ۱۵
ز توران برو تا در سند	۲۸۰۵ ، ۱۵	ز تن جان من مگسلان تا	۱۳۱۹ ، ۱۵
ز توران بس پیچیده آمد	۲۴۴۱ ، ۱۳f	ز تن دور دید آن گران	۱۸۲۹ ، ۷
ز توران بکاری برون آمد	۴۷۸ ، ۱۲c	ز تندی و جوش آمدش خون	۱۰۱۲ ، ۱۲c
ز توران بیامد بایران	۵۷۸ ، ۸	ز تندی شود پادشاهی تباہ	۲۶۹۵ ، ۱۲d
ز توران بیامد سرافراز	۱۱۷۷ ، ۱۳c	ز تندی گرفتار شد ریونیز	۱۱۱۳ ، ۱۳
ز توران بیاورد چندان	۱۱۷۶ ، ۱۵	ز تنگی چنان شد که چاره	۲۷ ، ۹
ز توران جزا و نیست انباز	۱۵۸۲ ، ۱۲d	ز تنگی جو خواعی که	۵۸۱ ، ۱۲e
ز توران جو مرغی بایران	۳۷۷ ، ۱۳g	ز تنگی جو گور زبان	۱۴۶۷ ، ۴۲

(*) ستاره به ترتیب بجای «پشرو» ، «پشرو» ، «رای زن» و «سرفراز»

آمده است .

زتور اندر آمد زیان از	۱۲۵۶ ، ۱۳g	زتویافتیم فر واورند و	۲۴۹۰ ، ۱۳g
زتور اندر آمد نخستین	۲۴۸ ، ۱۱	زتویافتیم من کنون تخت	۱۱۵۸ ، ۱۲
ز توران دو بهره بیای	۳۹۵ ، ۱۳e	ز تیر آسمان شد چوپر	۱۶۶۷ ، ۱۳g
ز توران زمین بر نهادند	۱۵۶۹ ، ۱۳c	ز تیر خدنگ استپ هومان	۳۰۰ ، ۱۳b
ز توران زمین تا بسقلاب	۵۲۱ ، ۱۲e	ز تیر گز و بندستان سام	۴۲۷۸ ، ۱۵
ز توران زمین گم شد آن	۳۹ ، ۱۳e	ز تیر و کمان و زبر گستوان	۸۹۱ ، ۱۳c
ز توران سپاه اندر ایمان	۱۶۱۷ ، ۱۳f	ز تیره شب اندر گذشته سه	۱۳۸ ، ۳۰
ز توران سپه کشته بد بی	۲۵۵ ، ۸	ز تیزی پشیمانی آمدش	۲۷۶۵ ، ۱۲d
ز توران سران سوی او	۲۱۹ ، ۱۲e	ز تیزیش خندان شد اسفند	۳۳۴۸ ، ۱۵
ز توران سرانند و چندی	۱۵۴۴ ، ۱۲c	ز تیغ آمدم سوی آن غار	۲۳۷۱ ، ۱۳g
ز توران سزاوار و انباز	۱۵۴۲ ، ۱۲d	ز تیغ تو الماس بریان	۱۱۹۴ ، ۷
ز توران سواران چو آگه	۸۳۵ ، ۱۳g	ز تیغ تو خالی مباد اجهان	۱۳۱۰ ، ۱۳e
ز توران سوی زابلستان	۵۵۴ ، ۱۲e	ز تیغ تو خورشید بریان	۷۴۶ ، ۱۳b
ز توران فراوان سپه کشته	۸۳۷ ، ۱۲b	ز تیغ دلیران هوا شد بنفش	۱۵۴۶ ، ۱۵
ز توران فریبرز با انجمن	۲۰ ، ۱۳b	ز تیغش دو فرسنگ تا بوم	۱۸۱۳ ، ۱۲d
ز توران نخوانیم یک تن	۸۶۵ ، ۱۲b	ز تیغ سران نشان چو بیحان	۳۱۲۳ ، ۴۱
ز توران و از چین و از هند	۳۹۵۹ ، ۴۳	ز تیغ وز گرز و ز کوس و	۳۵۸ ، ۱۳
ز توران نیان لشکری گرد	۵۳۹ ، ۱۲b	ز تیغ و سلیم و ز تاج و ز تخت	۵۵۳ ، ۱۲e
ز توران نیان من بدین خنجر	۲۹۸ ، ۱۳e	ز تیمار او شد دلش بر دو	۲۸۲۰ ، ۴۳
ز تور فریدون و سلم سترگ	۲۴۴۶ ، ۱۳g	ز تیمار بیژن همه پهلوان	۵۶۰ ، ۱۳e
ز تور و پیشنگ اندر آبی	۱۴۳۰ ، ۱۳f	ز تیمار مژگان پر از آب	۲۵۵۲ ، ۱۵
ز تور و ز سلم آمد این	۱۶۱ ، ۱۳f	ز تیمار من هیچ اندیشه	۱۲۸۴ ، ۱۵
ز تور و ز سلم اندر آید	۱۳۶۵ ، ۴۳	ز جاد و سخن رفت و ز شهد	۱۷۳۱ ، ۴۱
ز نو سام دافم که بد مرد تر	۵۳۳ ، ۴۳	ز جاد و سخن هر چه گویند	۱۷۱۸ ، ۴۱
ز تو طبع من گردد آراسته	۳۳ ، ۱۳e	ز جامه شتر و از بیش از	۱۰۶۷ ، ۲۰
ز تو لختکی روشنی یافتند	۴۴۷ ، ۴۳	ز جام برانگیختی تیره	۴۵۷۹ ، ۱۵
ز تو نام باید که ماند بلند	۴۳۷ ، ۱۳	ز جای اندر آمد چو آتش	۱۱۱ ، ۱۱
ز تو نیز هر گزندیدم بدی	۱۱۸۴ ، ۴۳	ز جای اندر آمد چو کوه	۱۰۲۹ ، ۱۲
ز تو نیست پوشیده کار	۸۲۷ ، ۱۳b	ز جای اندر آمد چو کوهی	۱۷۸۳ ، ۱۵
ز تو هر چه خواهد ز اسپر	۳۱۴۱ ، ۴۱	ز جای اندر آمد گویان	۳۸۱ ، ۱۲b

زجهرم بیامد بشهر صطخر	۲۰۰	۱۹	زجای پرستش باورد گاه	۱۱۱۰	۱۵
زجهرم بیامد سوی طیسفون	۴۱۰	۴۴	زجای نیایش بیامد به	۲۱۴۹	۱۳g
زجهرم فرخ زاد را خواندند	۱۰	۴۹	زجای نیایش بیامد چو	۲۸۸	۴۳
زجهن وز گرسپوزوهر که	۱۵۳۱	۱۲d	زجایی کجامایه چندین	۱۳۷۷	۷
زجیحون بر وزدهم بگذریم	۱۵۶	۳۹	زجایی که بدشادمان باز	۲۲۲۵	۱۵
زجیحون بمردی منو	۲۷۶	۱۳b	زجزع یمانی یکی گنبدی	۵۸۵	۱۲b
زجیحون دای پر زخون	۲۳۱۵	۴۱	زجستن مرارنج و سخته ست	۷۱۸	۱۲e
زجیحون دلی پر زخون	۴۰۶	۴۲	زجمشید تا بر فریدون	۲۲۰۱	۱۳g
زجیحون گذر کرد بر	۲۱۷۲	۱۳g	زجم و فریدون چو ایشان	۵۷۶	۴۴
زجیحون گذر کرد پیروز	۱۶۹	۳۹	زجم و فریدون و هوشنگ	۲۴۱	۱۲d
زجیحون گذر کرد خود	۱۰۶۴	۴۲	زجه و روزمای چندین	۳۰۶۸	۴۱
زجیحون گذر کرد مانند	۲۵۸	۱۱	زجنگ آشتی بی گمان	۴۲۷	۱۳e
زجیحون همی تا سرمرز	۳۷	۹	زجنگ آوران بهره ای	۱۱۴	۱۳f
زچاچ سمرقند تا ترک و	۲۳۵۲	۴۱	زجنگ آوران تیز گویا	۱۴۳۱	۱۳e
زچاراندر آمد درم تا	۱۶	۱۹	زجنگ آوران لشکر سر	۳۲۱	۱۲e
زچارم همی منگرد آفتاب	۶۵	۵۰	زجنگ آوران مرد چون	۱۶۶	۸
زچاک تبرزین چرنک	۸۴	۱۶	زجنگ سواری توغم کین	۱۲۱۵	۱۳e
زچاک سلیح وز آوای پیل	۵۰۳	۱۳	زجنگش بیستی بیچید	۱۰۳۲	۱۲e
زچاهی برادرش را بر	۴۵۹۹	۱۵	زجنی سخن گفت و از آدمی	۲۱۰	۵۰
زچرخ بلند اندر آری سخن	۷۵۳	۷	زجوش سواران بچاچ اندر	۱۸۴۰	۴۱
زچرخ ملک بر سرت باد	۲۴۷	۵	زجوشن سواران زرین	۱۷۷	۱۳b
زجرم گوزنان ملمع	۱۰۷۰	۲۰	زجوشن سواران و از گرد	۵۰۴	۴۱
زچشمستان آتش آمد	۸۳	۱۲b	زجوشن سواران و زخم	۱۴۶۱	۱۳b
زچندان بزرگان مرا بر	۱۰۰۴	۱۲e	زجوشن سواران هر کشوری	۸۰۲	۱۳g
زچندان جوان مردم	۲۰۵	۸	زجوشن نگهبان و آوای	۵۲۰	۱۳b
زچندان سپه نیمی او را	۲۸۳	۱۳g	زجوشن تو گفتی بیار اندر	۶۶۸	۱۳b
زچندان کرانمایه گرد	۳۷۹	۶	زجوشن سراز ترک فرسوده	۱۶۳۸	۱۳f
زچندین بزرگان خسرو	۳۰۶۱	۱۳g	زجوشن همه دشت روشن	۷۲۳	۱۳f
زچندین سرو افسر نامدار	۲۷۴	۱۴	زجوشن یکی باره آهنین	۱۲۴۵	۱۳e
زچندین مرنج از بی تاج	۱۴۸۸	۲۰	زجهرم بیامد بایوان	۵۶۰	۲۱

ز چندین یکی را نبود دست	۱۳۴۶ . ۲۰	ز چیزی که بود اندر آن جا	۱۵۶۲ . ۲۰
ز چنگال یوزان همه دشت	۱۰۹ . ۱۳e	ز چیزی که بودش بکنج	۴۳۲۶ . ۱۵
ز چنگ بسی تیز چنگ	۱۵۷۳ . ۱۳f	ز چیزی که خیزد ز قنوج	۲۷۲۳ . ۴۱
ز چنگش رهایی نیابد	۷۹۴ . ۱۳	ز چیزی که خیزد زهر کشور	۳۵۲۳ . ۴۳
ز چنگ و پرو بازو و پال	۸۲۷ . ۱۲b	ز چیزی که در گنج بدبرد	۲۰۵۵ . ۴۳
ز چوبی کمان کرد و ز روده	۲۷۹۳ . ۱۲d	ز چیزی که دلتان زهر اسان	۳۵ . ۴۲
ز چوپان پیرسید کاین	۱۳۶ . ۱۰	ز چیزی که دید اندر آن	۱۶۹۰ . ۱۳g
ز جوگان او گوی شد تا	۱۴۶۳ . ۱۲d	ز چیزی که دید این فرستاده	۲۸۳۰ . ۴۱
ز جوگان او گوی شد تا	۲۰۲۹ . ۱۲d	ز چیزی که رفت اندر آن	۲۱۳۰ . ۴۳
ز چهره بشد شرم و آین	۱۰۸۴ . ۱۲	ز چیزی که رفتی بگرد	۱۸ . ۱۷
ز چیز سیاوش نختین	۱۳۲۰ . ۴۲	ز چیزی که گردد نکوهیده	۱۴۰۴ . ۴۱
ز چیز کسان بی نیازیم	۲۳ . ۲۳	ز چیزی که گفتند پیغمبر	۲۶۰ . ۴۰
ز چیز کسان دست کوتاه	۱۳۹۳ . ۴۳	ز چیزی که گفتی درنگی	۱۴۴۰ . ۴۳
ز چیز کسان دست کوتاه	۲۴۱ . ۱۹	ز چیزی که مارایی و تاب	۱۵۱۶ . ۲۰
ز چیز کسان دور دارید	۱۶۸۹ . ۳۵	ز چیزی که مردم همی	۴۴۷۰ . ۴۱
ز چیز کسان سر پیچید	۱۴۷۱ . ۱۳g	ز چیزی که یابی فرستی	۱۶۷۰ . ۲۰
ز چیزی بکیتی نیابد	۱۵۲ . ۲۰	ز چیزی مرا نیست شاها	۸۵۱ . ۳۵
ز چیزی کجا او دهد بنده	۱۹۱۸ . ۳۵	ز چین تا بجیحون سپاه من	۱۹۸۱ . ۴۱
ز چیزی که از ایشان پسند	۴۳۷۳ . ۱۵	ز چین تا بخار اسپاه ویند	۲۱۶۷ . ۴۱
ز چیزی که از بلخ پامی	۱۴۶۷ . ۱۵	ز چین تا بگلز ریون لشکر	۱۵۱۱ . ۱۳g
ز چیزی که آوردم از هند	۱۸۸۹ . ۲۰	ز چین تا البرود جیحون	۸۶۲ . ۱۲d
ز چیزی که ایدر بهمانی	۲۸۳ . ۱۳c	ز چین روی یکسر بایران	۲۵۸۷ . ۴۳
ز چیزی که باشد بایران	۲۵۱۹ . ۳۵	ز چین سوی کیخسرو آورد	۱۵۲۰ . ۱۳g
ز چیزی که باشد بر او	۱۴۱۲ . ۱۵	ز چین نزد شاپور شده بار	۵۹۰ . ۳۰
ز چیزی که باشد زایران	۱۵۰۶ . ۳۵	ز چین و ختن هدیه ها ساختند	۱۶۹۸ . ۱۳g
ز چیزی که باشد طرایف	۱۶۶۸ . ۲۰	ز چین و زبر بر سپاه آوریم	۳۲۴ . ۱۳c
ز چیزی که بخشش کند	۱۶۶۳ . ۴۲	ز چین و زسقلاب و از هند	۸۸۷ . ۱۳c
ز چیزی که بد اندر آن	۲۴۴ . ۱۹	ز چین و زسقلاب و ز هند	۱۱۶۴ . ۱۳b
ز چیزی که برد اندر آن	۲۷۲۵ . ۴۱	ز چین و زما چین سپه خواستن	۱۲۸۵ . ۱۳c
ز چیزی که بود اندر آن	۱۱۱۱ . ۴۳	ز چیزی ستانم بایران درم	۶۳۵ . ۱۳c

زخاور بشد نامه تا باختر	۲۴۷۳ ، ۱۳g	زچینی ستا تم بایران دهم	۶۸۳ ، ۱۳c
زخاور بیاراست تا باختر	۱۹۸ ، E	زچینی سواران گردنقراز	۲۵۰۲ ، ۴۳
زخانه بیامد دمان تا بکو	۴۶۷ ، ۱۳e	زچینی وشکنی و از هندو	۶۲۴ ، ۱۳c
زخاور جو خورشید بنمود	۹۴ ، ۳۰	زخارا بافسون برون	۴۱ ، ۴
زخاور سپاهی گزین کرد	۱۶۶ ، ۱۳g	زخارا بکنند سنگی	۳۲۳ ، ۵
زخاور و را بود تا باختر	۲۷۸۷ ، ۱۳g	زخارایی افکنده در ژرف	۵۷۷ ، ۴۱
زختلان و از ترمذ و ویسه	۱۸۴۴ ، ۴۱	زخاراش گهواره و دایه	۹۹ ، ۷
زخراد برزین پیرسید	۱۵۶۸ ، ۴۲	زخارا گهر جست یک	۳۹ ، ۴
زخراد برزین گل مهر	۲۷۲۹ ، ۴۳	زخارو زخاشاک و شاخ	۳۰ ، ۱۲c
ز خردک بهجام دمام	۶۴۸ ، ۳۵	زخاشاک تا هفت چرخ	۵۰۰ ، ۴۱
زخردی نشایست گو تخت	۲۹۰۹ ، ۴۱	زخاشاک ناچیز تا شیر	۸۰۰ ، ۴۱
زخرگاه تا بوم هندوستان	۳۴۱ ، ۱۳	زخاشاک ناچیز تا عرش	۴ ، ۲۰
زخرگاه تا پیش دریای	۱۴۸۲ ، ۱۵	زخاشاک ناچیز تا عرش	۶۵۵ ، ۲۲
زخرگاه تا ماوراالنهر در	۲۲۵ ، ۱۱	زخاقان اگر شاه راند	۱۹۲۲ ، ۴۱
زخرگاه و از خیمه و	۴۵۵ ، ۱۲e	زخاقان چو بشنید بهرام	۱۲۸۶ ، ۴۲
زخرگاه و زخیمه چندان	۲۸۸۱ ، ۱۳g	زخاقان چین آن سه ترک	۴۷۴ ، ۴۳
زخرما هزار و ز شکر	۴۴۴ ، ۵۰	زخاقان چینی که از نزد	۱۴۰۲ ، ۴۳
زخسرو بخواهم گناه ترا	۸۷۰ ، ۱۳e	زخاقان کرانه گزیدی	۳۰۷۲ ، ۴۳
زخسرو بساں ارچه من	۳۳۷ ، ۴۲	زخاقان مقاتور آمد بخشم	۲۳۵۰ ، ۴۳
زخسرو بشد فر شاهنشهی	۴۲۶۰ ، ۴۳	زخاقان و کاموس و از	۱۵۹۸ ، ۱۳c
زخسرو چو بشنید مادر	۸۳۳ ، ۱۳b	زخاقان و منشور و کاموس	۱۳۵۲ ، ۱۳c
زخسرو زیان باز باید	۲۵۸ ، ۴۲	زخاک آمد و خاک شد یزد	۳۵۷ ، ۳۴
زخسرو نبد هیچ مانیده	۷۱۹ ، ۱۳g	زخاک اندر آمد ابر پشت	۱۵۲۰ ، ۱۳e
زخسرو ندیدند جای	۳۱۸۸ ، ۱۳g	زخاک بی رخس بر سر کش	۱۵۱ ، ۱۳d
زخسرو نکر تا بدین	۱۴۷۵ ، ۱۳f	زخاک سیاهت چمان بر-	۴۰۹ ، ۴۳
زخشکی چو بانگ برادر	۲۳۸۸ ، ۱۳g	زخاک و ز آتش میانه گزید	۲۸۲ ، ۶
زخشکی خورش تنگ شد	۲۱۴ ، ۴۰	زخاکی که خون سیاوش	۲۸۹۳ ، ۱۲d
زخشمش سرشک ادر آمد	۲۰۴ ، ۸	زخاکیم و باید شدن-وی	۱۷۷۵ ، ۱۲d
زخشم و ز بند من آزاد	۱۶۱۲ ، ۱۲d	زخاکیم و هم خاک رازاده	۳۴ ، ۱۹
زخشودی ایزد اندیشه	۴۲۵ ، ۴۳	زخاور و را در باختر	۱۶۶۱ ، ۲۰

ز خورشید گردنده بر	۱۵۴۰ ، ۴۳	زخفتان رومی و سازنبرد	۲۳۳ ، ۱۲c
ز خورشیدوز آب و از باد	۲۵۰۰ ، ۴۱	زخفتان شایسته بد بستر	۴۱۸ ، ۲۱
ز خوشاب وزر و زبرجد	۳۵۵ ، ۱۳	زخفتان و از خنجر هندو	۱۵۸ ، ۱۹
ز خوشی کیتی چه دارید	۱۱۴۷ ، ۲۰	زخفتان و از خود و بر -	۱۲۲ ، ۲۰
ز خون برادرت گویم	۲۴۱۴ ، ۱۳g	ز خواب اندر آمده شده شاد	۸۷۵ ، ۱۲b
ز خون برادرش فرسیدورد	۱۰۹۴ ، ۱۳	ز خواب اندر آمد گوتاج	۶۵۴ ، ۱۲
ز خون برادرش فرسیدورد	۲۵۸ ، ۱۳g	ز خواری شوم سوی زابل	۴۴۲۲ ، ۱۵
ز خون بر در دژ همی موج	۲۳۶۷ ، ۱۵	ز خواهش که گفتی بسی	۳۵۷۶ ، ۱۵
ز خون پدر بودم اندر خروش	۳۳ ، ۱۳b	ز خواهندگان نامشان بر	۴۷۴ ، ۱۹
ز خون جگر لعل کرد آب	۱۶۴۶ ، ۱۲c	ز خوبان جریره مرادر	۱۵۵۴ ، ۱۲d
ز خون جوانان پر خاشاچو	۱۴۵۴ ، ۱۵	ز خوبان خسرو هزار و	۳۱۷۵ ، ۴۳
ز خون جوانی که بدزان	۱۵۳۴ ، ۱۳c	ز خوبی آن کودک و خواسته	۵۹ ، ۱۷
ز خون جوی برانم بمازندر	۹۰۰ ، ۱۲	ز خوبیش خیره شدی مرد	۳۷۲ ، ۷
ز خون چنان بی زبان چاربا	۳۸۸ ، ۵	ز خوبی نگه کن که پیران	۳۷۸ ، ۱۳g
ز خون خاک میدان کین	۳۱ ، ۱۱	ز خوبی و از مردمی کرده	۲۹۲ ، ۴۴
ز خون در کفش خنجر	۱۵۶۳ ، ۱۵	ز خوبی و دیدار و فرو	۱۴۶۸ ، ۱۲d
ز خون دشت گفتی که رود	۴۱۳ ، ۱۲b	ز خوبی و دیدار و گفتار	۹۸۰ ، ۱۲d
ز خون دلیران بدشت اندر	۱۲۴ ، ۱۱	ز خوبی و نیکی و از راستی	۷۸۰ ، ۷
ز خون رود گفتی میستان	۱۸۰ ، ۱۳b	ز خود داد دادن بهر نیک	۶۷۱ ، ۸
ز خون روی صحرا چو	۹۷۲ ، ۶	ز خوردن بیک هفته تن باز	۴۶۵۹ ، ۱۵
ز خون ریختن دست باید	۱۴۶۸ ، ۱۳g	ز خوردن نگیرد کمی آب	۲۰۴ ، ۲۰
ز خون ریختن دست گردان	۱۵۷۳ ، ۳۵	ز خوردن نیاسود یکروز	۱۷۴۰ ، ۱۲d
ز خون ریختن گشت روی	۱۲۴۰ ، ۲۰	ز خوردن همه روز بر بسته	۲۲ ، ۳
ز خون سران دشت گشت	۱۳۴۹ ، ۴۳	ز خوردن و ز بخشش گرفتم	۲۵۴۲ ، ۳۵
ز خون سیاوش با فرا سیاب	۱۸۱۴ ، ۱۳f	ز خوردن و ز بخشش میاسای	۳۵۰ ، ۷
ز خون سیاوش پراز دره	۲۴۳۰ ، ۱۳f	ز خورشید بر چرخ تابنده	۳۴۰۰ ، ۴۳
ز خون سیاوش جگر خسته	۱۴۵ ، ۱۳c	ز خورشید تابان نهان کرد	۱۹۸۰ ، ۱۵
ز خون سیاوش خروشید	۲۰۵۷ ، ۱۳f	ز خورشید تابان و از گرد	۴۱۰ ، ۲۱
ز خون سیاوش که بر دست	۱۳۵۱ ، ۱۳c	ز خورشید تابنده تاثیر	۲۴۰۷ ، ۱۲d
ز خون سیاوش گشت	۱ ، ۱۲e	ز خورشید تابنده شد دشت	۶۱۱ ، ۳۵
		ز خورشید چون شده و ال	۱۵۹۳ ، ۱۳b

ز خویشان گزین کرد	۱۳۱۱ ، ۱۲d	ز خون سیاوش همه بی گنه	۲۶۹ ، ۱۳c
ز خویشان من بدنداری	۲۶۵ ، ۱۳c	ز خونشان بمرد آتش	۱۱۴۹ ، ۱۵
ز خویشان مهجود چندی	۱۷۵۲ ، ۴۱	ز خونشان در آن خانه	۱۲۷۹ ، ۱۵
ز خویشان میلاد چون صد	۱۹۰ ، ۱۳	ز خونشان فروزند، آتش	۱۱۵۳ ، ۱۵
ز خویشان و پیوند ما صد	۹۳۰ ، ۱۲d	ز خویش بیچند هم دشمنش	۵۱ ، ۲۰
ز خویشان و فرزند و ز	۳۲۲۹ ، ۱۳g	ز خون طشت پر مایه کردند	۳۶۴۲ ، ۴۳
ز خویش و زیوند او هر که	۱۷۶۱ ، ۱۳g	ز خون کرد باید تهیگاه	۴۵۹۴ ، ۴۱
زخمیه بر آورد پر خون	۱۹۳۵ ، ۴۲	ز خون کیان شرم دارد نهنگ	۶۱۱ ، ۵۰
زخمیه فرستاده را باز	۶۲۹ ، ۴۲	ز خون گر درو کوه دریا	۲۶۷ ، ۱۳g
زخمیه نگه کرد رستم	۱۰۴۳ ، ۱۲c	ز خون لعل شد گوش و رویش	۲۴۳۲ ، ۱۳g
ز داد آفریدست ایزد	۶۳۵ ، ۳۴	ز خون مژه خاک را کرد	۱۶۵۱ ، ۱۲c
ز داد آن چنان به که پیمان	۶۴۸ ، ۳۴	ز خون نیادل بی آزار کرد	۱۵۶۱ ، ۱۵
ز دادار باید که دارد سپاس	۲۷۷۹ ، ۱۵	ز خون یلان سیر شد روز	۱۱۲۰ ، ۴۲
ز دادار بر پهلوان آفرین	۲۴۱۸ ، ۱۳f	ز خوی بد آید همه بدتری	۲۳۱ ، ۴۲
ز دادار دارنده دارد سپاس	۴۱۵۰ ، ۴۱	ز خوی بد او سخن نشنود	۱۱۸۲ ، ۱۲d
ز دادار دیدی کس تر سپاس	۱۸۸۲ ، ۳۵	ز خوی بد شاه چندین سخن	۹۵ ، ۴۲
ز دادار کیهان دلم پر	۲۶۵ ، ۱۷	ز خوی بدش دید گریان	۱۴۷ ، ۱۳
ز دادار گردم بسی شرمناک	۱۲۳۷ ، ۱۲c	ز خویشان ار جاسپ و افرا-	۱۸۳۷ ، ۴۱
ز دادار نیکی دهش یاد کن	۱۴۳۹ ، ۴۲	ز خویشان ار جاسپ و افرا-	۱۹۰۸ ، ۴۱
ز دادار نیکی دهش یاد کن	۵۳۶ ، ۴۴	ز خویشان ار جاسپ و افرا-	۱۹۲۶ ، ۴۱
ز داد تو بهنم همی هر چه	۷۶۶ ، ۱۲	ز خویشان ار جاسپ و افرا-	۱۹۶۸ ، ۴۱
ز داد تو هر ذره مهری شود	۷۶۷ ، ۱۲	ز خویشان او کس نیازد	۱۳۹۵ ، ۱۳g
ز داد جهان آفرین این	۱۲۲۱ ، ۱۲d	ز خویشان برزین چو هفتاد	۱۹۶ ، ۱۳
ز دادش جهان یکسر آباد	۴۱۴ ، ۲۲	ز خویشان پیران چون نه صد	۱۶۷۵ ، ۱۳
ز داد و خرد مندی و بیعت	۲۱۳۵ ، ۴۱	ز خویشان تنی چند با خود	۲۰۲۸ ، ۷
ز داد و دهش و ز خرید و	۱۷۶ ، ۲۰	ز خویشان جز از جان	۲۸۳۰ ، ۱۳g
ز داد و زاورنگ و زفر	۳۴۵۵ ، ۴۱	ز خویشان شایسته مردی	۱۶۷۰ ، ۱۳g
ز داد و زبیداد در کشورش	۳۹۲ ، ۲۲	ز خویشان فرستاد صد	۹۷۵ ، ۱۲d
ز داد و زبیداد شهر و سپاه	۲۹۷۵ ، ۴۱	ز خویشان کاموس چندین	۳۲۱ ، ۱۳c
ز داد و زبیداد و از لشکر	۲۰۹۱ ، ۴۱	ز خویشان کسی نیست فریاد	۳۸۰ ، ۱۹

زادوش چو جان تراهایه	۱۱۳۸ ، ۴۱	زادروز بیداد و تخت و	۹۲ ، ۱۲d
ز دانش در بی نیازی	۱۳۳۰ ، ۴۱	زادروزرای وز فرهنگ	۶۲۳ ، ۳۰
ز دانش سراسر بیک سو	۳۶۶۲ ، ۴۱	زدارا بدینسان شدستی	۵۳۲ ، ۲۰
ز دانش نخستین بیزدان	۱۵۱۴ ، ۴۱	زدارابوز آبوز خواب	۲۵۱ ، ۱۷
ز دانش ندارد سرش آگهی	۷۲۱ ، ۱۲e	زدارا چوروی زمین پاک	۵۴۰ ، ۲۰
ز دانشندگان پس پرسید	۶۲۱ ، ۱۲b	زدارای داراب بن اردشیر	۲۷۳ ، ۱۹
ز دانشنده چون شاه پاسخ	۱۰۱۳ ، ۴۱	زدارای داراب وفرمان	۱۶۹۴ ، ۲۰
ز دانشندگان دانش آموختی	۱۶۲۷ ، ۲۱	ز دار مسیحا که گفتی	۳۰۳ ، ۴۴
ز دانشندگان گریوشیم	۱۶۰۷ ، ۴۲	زدارنده برجان آنکس	۱۶۹۹ ، ۳۵
ز دانشندگان هر که بدز ابلی	۲۷۲۰ ، ۱۳g	زدارنده بستد گرانمایه	۳۰ ، ۲۲
ز دخت سپهدار گرسیوز	۶۲ ، ۱۲d	زدارنده دادگر یادکن	۲۶۳ ، ۴۳
ز دد تیزدندان تراز شیر	۲۱۴۸ ، ۱۲d	زداروز کشتن نترسم همی	۳۴۸ ، ۱۳e
ز دربان نباید ترا باز	۲۱۵۶ ، ۱۵	ز داز باگ بر سرش روین	۱۹۳۵ ، ۱۳f
ز دربان چو بشنید یکسر	۱۰۸۳ ، ۳۵	ز دام بلا یافتم من رها	۹۵۹ ، ۱۲e
ز در بند دژ تادرازای	۶۳۳ ، ۱۳e	ز دامی که پای من آزاد	۷۶۱ ، ۱۳f
ز در پرده برداشت سالار	۲۶۴۱ ، ۱۳g	ز دانا پیر رسید پس دادگر	۲۵۷۲ ، ۴۱
ز در پرده برداشت سالار	۱۶۵ ، ۴۲	ز دانا پیر رسید پس شهریار	۲۵۴۵ ، ۴۱
ز در چون بیژن بر افکند	۲۸۱ ، ۱۳e	ز دانا تو نشنیدی این	۱۶۱۰ ، ۱۳
ز در چون رسیدند نزد یک	۷۱۷ ، ۴۳	ز دانا تو نشنیدی این	۴۱۷۴ ، ۱۵
ز درد اندر آمد تکاور	۹۰۶ ، ۱۳f	ز دانا چو بشنید قیصر	۱۴۶۶ ، ۴۳
ز درد برادر پیر از آب روی	۳۱۴۴ ، ۴۱	ز دانا خورد مند بشنید پند	۳۳۳۴ ، ۴۱
ز درد پس رویه جنگجو	۴۲۶ ، ۸	ز دانا سپهبد زیر سوار	۲۴۵ ، ۱۵
ز درد تو خورشید گریان	۶۸ ، ۱۲e	ز دانا سخن بشنوای شهر	۴۲۲ ، ۲۲
ز درد دل اکنون یکی نامه	۴۶۸ ، ۶	ز دانا شنیدم که این جای	۷۸ ، ۱۲d
ز درد سیاوش خروشان	۱۳۴ ، ۱۳b	ز دانا شنیدم یکی داستان	۲۵۱۱ ، ۱۳d
ز دردش همه ساله گریان	۲۴۱۶ ، ۴۳	ز دانا و نادان زدی داستان	۱۸۱۷ ، ۳۵
ز درد و غمان رستگان تو	۱۲۹۳ ، ۱۳e	ز دانای هندی زمان	۲۸۲۴ ، ۴۱
ز درد و غم و رنج دل دور	۵۹۳ ، ۱۲b	ز دانا بی اورا فزون بود	۴۵۶ ، ۲۰
ز درگاه بر خاست آواز	۱۶۵۴ ، ۴۳	ز دانش پدر هر چه جست	۴۳۱۴ ، ۱۵
ز درگاه بر خاست آوای	۱۷۰۲ ، ۱۵	ز دانش پژوهان تودانا	۳۲۳۷ ، ۴۱

زدریا بکنده در ، آب	۳۲۶۰ ، ۴۱	زدرگاه برخاست آوای	۴۴۸ ، ۴۱
ز دریا بمردی بیکسو	۱۲۲ ، ۱۳d	زدرگاه برخاست سالار	۲۱۸ ، ۲۱
زدریا تو گویی که برخاست	۳۶۱ ، ۱۳	ز درگاه برخاست مرد	۱۷۴ ، ۳۰
زدریا چو خورشید برزد	۵۴۰ ، ۳۵	زدرگاه پرده فروهشت	۲۷۵ ، ۷
زدریا در آمد یکی گرد	۲۲۰۲ ، ۱۵	زدرگاه پیران برآمد	۵۲۲ ، ۱۳b
زدریا سپه بود تا تیغ کوه	۳۹۴ ، ۴۱	ز درگاه طلحند بر شد	۳۲۸۱ ، ۴۱
ز دریا گذر کرد زن	۱۴۰۵ ، ۲۰	زدرگاه کاموس برخاست	۱۲۵۰ ، ۱۳b
زدریا نهنگی بچنگ آمد	۳۳۷ ، ۱۳c	ز درگاه لشکر بهامون	۱۰۱۸ ، ۴۲
زدریا و از کنده و آبگیر	۳۳۹۰ ، ۴۱	زدرگاه ماهوی چون شد	۶۸۸ ، ۵۰
ز دریا و ز گنگدزیاد	۲۲۱۳ ، ۱۳g	ز درگاه یکساله روزی	۲۵۷۶ ، ۳۵
ز دریا ودشت و بیابان	۱۵۳۸ ، ۱۳c	زدرگاه یکسر پیش قباد	۴۵۳ ، ۴۴
زدریا همی خاست از باد	۳۲۹۸ ، ۴۱	زدرگه دو دانا پدیدار	۲۰۱۵ ، ۳۵
زدریای چین تا بشهر خزر	۳۴۳۹ ، ۴۳	زدرگه فرستاد سیصد سوار	۴۲۲۳ ، ۴۳
زدریای چین تا بکرمان	۵۱۹ ، ۲۱	ز درگه یکی چاره گر	۴۰۲۲ ، ۴۳
زدریای جوشان چو خور	۶۲۷ ، ۳۵	ز درگه یکی رازداری	۵۶۴ ، ۴۲
زدریا یکی ریگ دارد	۱۶۱۱ ، ۴۱	زدرنده شیران زمین شد	۷۵۰ ، ۱۲b
زدریای گیلان چو ابر	۱۲۰۸ ، ۶	زدروازه تا پیش درگاه	۸۵ ، ۴۴
زدریای هندوستان تا دو	۳۶۴ ، ۴۱	ز دروازه دژ یکی تن	۲۰۱۲ ، ۷
زدریا تا بر او دو فرسنگ بود	۵۸۲ ، ۲۱	زدروازه شهر تا بارگاه	۸۹۰ ، ۱۲d
زدرگنه دینار بیرون	۱۱۶۱ ، ۴۲	زدروزیا قوت و هر گوهر	۲۴۰ ، ۳۵
زدرستان تونشیدی این	۱۲۳۱ ، ۱۳e	زدریش چیزی مدارید	۱۶۹۶ ، ۳۵
زدرستان نام آن سواری	۱۵۹۸ ، ۷	زدریا بدریا ترا لشکر	۱۵۷۹ ، ۱۳g
زدرستان و ایران و از شهر	۸۳۷ ، ۷	ز دریا بدریا سپاه ویست	۴ ، ۱۳g
زدرست تو آواره شد در	۱۸۴۲ ، ۱۳g	زدریا بدریا سپه گسترید	۱۱۷۷ ، ۱۵
زدرست دگر زال و مهرباب	۱۱۲ ، ۱۱	زدریا بدریا نبد هیچ راه	۱۳۵۵ ، ۱۳
زدرست دگر شیر مهتر	۱۲۲۷ ، ۲۰	زدریا بدریا همه مرد بود	۶۸۵ ، ۸
زدرست دگر گیو گودرز	۱۲۷۳ ، ۱۳g	زدریا بدید اهرن نامدار	۵۲۷ ، ۱۴
زدرست دو فرزند آن	۱۶۷۳ ، ۴۱	زدریا بر آمد یکی اسپ	۳۴۴ ، ۳۴
زدرستش بیفتاد زرینه	۴۴۰ ، ۱۵	زدریا بر راه الانان کشید	۳۳۱ ، ۴۱
زدرستور ایران بر رسید	۴۳ ، ۲۲	زدریا بزین اندر آورد	۵۵۲ ، ۱۴
		زدریا بکشتی و زورق شد	۲۳۷ ، ۱۲b

ز دشمن چو کین بند	۲۵۹۲	۱۳g	زدستور بد گوهر و جفت بد	۱۴۱۵	۴۱
زدشمن چہ آید جز اینها	۲۶۴۲	۱۵	زدستور پاکیزہ برسم	۵۰۹	۴۱
زدشمن ز قنچیر آذیر تر	۱۳۵۸	۴۱	زدستور پاکیزہ راہبر	۴۲۰	۱۳e
زدشمن ستاند رساند	۶	۱۳g	زدستور پرسیم یکسر	۶۲۱	۳۴
زدشمن مکن دوستی خوا	۵۷	۲۴	زدستور فرخنده رای	۱۱۱۵	۱۳f
زدشمن ندیدند هرگز	۱۳۹۷	۴۳	زدستور فرزانه دادگر	۳۱	۱۳g
زدشمن نیاید بجز دشمنی	۱۲۶۹	۱۲d	زدستور و گنجور بستد	۱۷۴	۱۲e
زدشمن نیاید مگر دشمنی	۴۲۸۳	۱۵	زدستور و گنجور و زتاچو	۹	۱۳b
زد دفتر همه نامشان بسترم	۳۵۵	۴۳	زدست یکی بد کنش بنده	۱۱۳۷	۴۳
زدم بر زمینش جو پیل	۱۱۴۱	۷	زدست یکی نا سپرده	۱۰۹۴	۱۲c
زدم بر سرش گرزہ گاو	۱۲۷۸	۷	زدش بر زمین بر بکردار	۱۳۴۱	۱۲c
زدم چند بر گبر اسفندیار	۳۸۴۶	۱۵	زدش بر زمین ۵۰ چو شیر	۷۵۳	۱۲
زدم داستان تازراہ خرد	۹۹۱	۷	زدش بر زمین همچویک	۹۹۱	۱۲b
زدل پاک بردارم آزار	۱۳۲	۴۰	زدش پهلوانی یکی بر	۷۴۷	۱۵
زدل دور کن شهر یاراتو	۴۰۰۳	۱۵	زدشت اندر آمد بدانجاہ	۱۱۱۶	۴۳
زدلشان ہی خواست کا گہ	۲۴۵	۶	زدشت اندر آمد یکی	۴۶۵	۱۲
زدل کین دیرینہ بیرون	۴۱	۱۶	زدشت اندر آبی سوی	۳۴۰۴	۱۵
زدلوگران چون چنان	۲۱۹	۲۲	زدشت سواران بر آرند	۴۱۷	۳۴
زدلها همه ترس بیرون	۱۰۳	۱۲e	زدشت سواران نیزہ گذار	۲۸۰۶	۱۵
زدلها همه کینہ بیرون	۲۴۱۱	۳۵	زدشت سواران نیزہ گذار	۲۰۲۹	۴۱
زدلها همه کینہ بیرون	۱۴۶۳	۱۳g	زدست سواران نیزہ گذار	۳۰۲	۴۲
زدنبر پیامد سرا فرازمای	۲۹۱۹	۴۱	زدشت سواران نیزہ ووران	۴۸۷	۴۱
زدنبر پیامد سرا فرازمای	۲۹۸۳	۴۱	زدشت ہری قالب مرورود	۲۸۸	۴۲
زدند آتش اندر سواہی	۱۹۱۷	۲۰	زدشمن بخواہم همان کین	۱۷۲۷	۱۳g
زدند از بر پیل روینہ کوس	۱۵۴	۸	زدشمن برستند چندان	۳۴۳۷	۴۳
زدند اندر آن کارہر گونہ	۱۵۲۷	۴۲	زدشمن بسی نامور کشتہ	۱۶۲۱	۱۳
زدن برای ہشیار و گردن	۳۴۳	۶	زدشمن بہر سو کہ بدہتر	۱۷	۱۷
زدوخم پر آب دونیکمرد	۱۸۶	۲۰	زدشمن تو دل را چہ داری	۳۴۹	۱۳b
زدودست او دور کردی	۱۳۲	۳۰	زدشمن جهان پاک من	۳۱۵۹	۱۵
زدودش بدار و کز آن	۴۱۱	۲۰	زدشمن جهان سر بسر کرد	۲۵۵۸	۱۵

ذدیبا نبرداشتی دوشو	۲۱۴	۲۱	زده دیده بهرام پس خون	۱۸۶۹	۱۲
زدی بانگ برمن چو	۱۰۰۰	۱۳e	زده درازدها بانگ گردون	۱۷۸۲	۱۵
زدی بانگ کای نامداران	۳۵۳	۲۲	زده رویه تنگ اندر آمد	۵۷۵	۱۳c
زدیبا نکویند مردان مرد	۲۰۳	۵۰	زده شیزگان هرشی ده	۱۳۵۴	۲۰
زدیبا و ازجامه نابرید	۴۳۲۹	۱۵	زده لشکر از یار و فریاد	۷۷۱	۱۳f
زدیبا واز گوهران بار	۱۵۸	۳۰	زده باد گردنت و خسته	۲۵۳	۱۵
زدیبا و خز چار صد تخت	۱۰۷۳	۲۰	زده بردرش خیمه هر کسی	۲۳۰	۱۳g
زدیبا و خزو ز یاقوت	۲۹۱	۷	زده بر سر کوه چار از	۱۴۶۱	۲۰
زدیبا و دینار بر خشک و	۲۴۴۶	۴۱	زده بر سر نیزه ها بردرست	۱۰۳۲	۴۲
ز دیبا و دینار چندان	۶۶	۱۹	زده بن درم یک رسیدی	۷۹	۴۱
زدیبا و دینار و اسپورهی	۹۳	۲۱	زده پیش او پیل پیکر	۸۷۶	۱۲c
زدیبا و دینار و خزو حریر	۳۴۴۹	۴۱	زده حربه ها را بن اندر	۴۴۷۶	۱۵
زدیبا و دینار و در و گهر	۲۴۴۹	۱۲d	زده خیمه بر پیش پرده	۱۲۹۳	۱۳c
زدیبا و دینار و در و گهر	۲۸۸۳	۱۲d	زده رش فزون بود پهنای	۱۲۱۸	۲۰
زدیبا و دینار و گوهر هزار	۱۷۵۷	۱۳g	زده سر ز آیین و دین	۲۷۱	۱۵
زدیبا و گوهر هزار این هزار	۱۲۲۲	۶	زدهقان بپرسید از آن	۱۷۸	۴۰
زدیبا ی پر مایه و پرنیان	۲۷۵	۵	زدهقان پر مایه کسر اندید	۶۸	۶
زدیبا ی چینی سرا پرده	۲۲۵	۱۳g	زدهقان کنون بشنو این	۱۶۲۴	۴۱
زدیبا ی چینی صد و چل	۳۵۱۹	۴۳	زدهقان نخواهم جز از	۲۱	۲۳
زدیبا ی چینی و از پرنیان	۹۶۱	۱۳b	زدهقان نژاد ایچ مردم	۹۵۶	۴۳
زدیبا ی چینی و از تخت	۱۰۰۳	۱۳c	زدهقان واز مرد خسرو	۷	۲۵
زدیبا ی چینی و خزو حریر	۱۷۱۱	۲۰	زدهقان و تازی و پر مایه	۸۸	۳۴
ز دیبا ی رومی شتروار	۹۰۲	۱۴	زده کشور ایدر سرافراز	۱۶۱۲	۱۳b
ز دیبا ی رومی و پیشتر	۹۲۱	۱۲c	زده لیز او رستم آواز	۱۱۶۰	۱۳e
ز دیبا ی زربفت چینی	۱۶۷	۴۳	زده یک بر آن بد که کمتر	۶۸	۴۱
ز دیبا ی زربفت رومی	۳۳۷۹	۴۳	زده یک که من بستدم پیش	۴۴۹	۱۲
زدیبا ی زربفت کردش	۴۱۸۷	۱۵	زده یک مرا چند در شهرها	۴۴۶	۲۲
ز دیبا ی زربفت کردش	۱۹۲۱	۲۰	زدیبا سرا پرده ای بر	۱۶۳۹	۲۰
زدیبا ی زربفت و تاج و	۳۱۶۱	۴۳	زدیبا فرو هشته زیبا جلیل	۹۲۴	۱۲c
زدیبا ی زربفت و چینی	۸۱۹	۱۳e	زدیبا کشیده بر او چادری	۱۳۰۷	۲۰
ز دیبا ی زربفت و زرو	۱۴۶۶	۱۵			

ز دین آوران دین آنکس	۹۱۰	۴۱	ز دیبایکی سبز پرده سرا	۱۳۷۹	۱۳b
ز دینار باهر یکی سی هزار	۴۳۴۲	۴۱	ز دیدار اوتاج روشن شد	۲۳	۲۰
ز دینار پر کرده ده چرم	۲۴۲۱	۴۱	ز دیدار اوتاج روشن شد	۶۷۳	۲۲
ز دینار پر کرده ده چرم	۴۳۶۵	۴۱	ز دیدار او چشم بد دور باد	۲۲	۳۹
ز دینار پوشش نیاید نه	۱۹۹۵	۴۱	ز دیدار او شاد شد پهلوان	۴۴۴۶	۱۵
ز دینار چندان که بایست	۲۵۳	۳۰	ز دیدار او مشتری تیره	۱۴۸۵	۴۲
ز دینار چینی ز بهر نثار	۱۹۰۹	۱۳g	ز دیدار پیران فروماندند	۵۸۳	۴۴
ز دینار چینی ز بهر نثار	۱۸۱۸	۴۱	ز دیدارت آرایش جان	۳۰۷۰	۱۵
ز دینار رومی بسالی سه	۵۴۲	۳۰	ز دیدار چون خادر آمد	۷۶۳	۶
ز دینار شد تار کس ناپدید	۱۴۲	۲۲	ز دیدار زاری بیفزایدت	۴۱۶۱	۱۵
ز دینار گان بک درم نستند	۲۰۶۹	۱۵	ز دیدار شان چشم او خیره	۸۱۷	۳۵
ز دینار گفتند و از گاو	۴۳۷۰	۴۱	ز دیدار من گوی بیرون	۱۲۷	۲۲
ز دینار گنجی ز بهر نثار	۵۳۳	۳۰	ز دیدار و چهرش خرد	۳۲۱	۲۰
ز دینار گنجیش پنجه ز	۲۴۹	۳۴	ز دیدار روز فرو فرهنگ او	۸۶	۱۹
ز دینار گنجی فروریختند	۲۶۹	۱۷	ز دی دام و دشمن گرفتگی	۲۵۴۸	۱۲d
ز دینار گنجی کنون ده	۲۷۵	۳۴	ز دی دست بر پشت او نرم	۹۹۴	۴۳
ز دینار لختی به هیشوی	۱۵۱	۱۴	ز دیدن شر و دابه می نارمید	۷۱۳	۷
ز دینار لختی فرستادمت	۱۴۰	۲۱	ز دیده بیارید بروی	۳۵۷	۱۹
ز دینار و از بدره های درم	۱۳۷	۱۲d	ز دیده بیارید چندان	۱۳۷۹	۱۵
ز دینار و از جامه نابسود	۲۵۲۱	۳۵	ز دیده بیارید خوناب شاه	۵۶۲	۱۲e
ز دینار و از گنج آراسته	۹۸	۴۲	ز دیده بیامد بدرگاه	۲۸۴۶	۱۵
ز دینار و از گوهر پر	۱۷۲۳	۷	ز دیده خروشیدن آراستی	۳۱۷	۱۳f
ز دینار و از گوهر شاهوار	۲۳۹۷	۴۳	ز دیده فزون زان بیارید	۴۹۱	۱۲d
ز دینار و از گوهر شاهوار	۳۱۶۰	۴۳	ز دیده گرامی تر داشتند	۲۳۶۴	۳۵
ز دینار و از گوهر و طوق	۲۲۷۹	۴۱	ز دیده همی آب دادم برنج	۲۱۷	۱۳c
ز دینار و اسپان بزین	۱۹۴۷	۱۲d	ز دیده همی خون فرو	۶۸۰	۱۲d
ز دینار و دیبا و اسپان و	۳۱۵۸	۴۱	ز دی گردنش را بشمشیر	۲۴۱۶	۱۳g
ز دینار و دیبا و تاج و کمر	۲۳۹۷	۴۱	ز دی گردن نوذر تاجدار	۱۲۵۹	۱۳g
ز دینار و ز بدره های درم	۱۵۰۸	۱۲d	ز دیگر سوا فراسیاب و	۱۹۱۳	۱۲d
ز دینار و ز بدره های درم	۱۷۰۹	۱۲d	ز دی کیو بیدار دل کردن	۷۷۶	۱۲e
ز دینار و ز گوهر ناپدید	۷۰	۱۶	ز دین آوران این سخن	۳۳۳	۴۰

ز راه اندر ایوان شاه آمد	۱۸۲ . ۳۹	ز دینار روز گوهر و تخت	۸۸۴ . ۱۳c
ز راه اندر ایوان شاه آمد	۷۱۶ . ۴۳	ز دینار روز گوهر شاهوار	۸۴۲ . ۱۲e
ز راه بیابان بشهری رسید	۱۵۸۱ . ۲۰	ز دینار روز گوهر شاهوار	۱۹۱۴ . ۱۳
ز راه پدر شاه تا کی قباد	۱۱۶۴ . ۱۳g	ز دینار روز گوهر شاهوار	۱۲۳ . ۱۴
ز راه جرم بر سپید کوه	۸۰۳ . ۱۳	ز دینار روز گوهر و سیم	۲۵۲۰ . ۳۵
ز راه جزیره در آمد یکی	۲۴۰۴ . ۱۳g	ز دینار و گنجش کرانه	۳۹۶۲ . ۴۳
ز راه خراسان بود رنج ما	۳۲۲ . ۴۲	ز دینار و گنج و زناج و	۷۸۳ . ۱۳b
ز راه خرد بنگری اندکی	۶۶ . E	ز دینار و گوهر زمشک و	۱۸۳۸ . ۳۵
ز راه خرد هیچ گونه	۵۰ . ۲۴	ز دینار و مشک و زپوشش	۲۱۴۶ . ۱۵
ز راه کلات است آهنگ شان	۵۸۱ . ۱۳	ز دینار و یاقوت و مشک و	۳۸۸ . ۷
ز راهی برین نزد ما نامه	۱۷۱ . ۴۴	ز دین پندر کیش مادر	۷۴۷ . ۴۱
ز راهی وزیرمان او نگذریم	۷ . ۴۱	ز دین مسیحا بر آشت	۵۵۷ . ۳۰
ز راهی وزدانش بیک سو	۶۲۲ . ۲۲	ز دین و پرستیدن اندر چه	۱۵۳۷ . ۴۳
ز رخسند پیکان و پر	۳۲۰۸ . ۴۱	ز دیوار گرم ز آهنگرا	۱۵۴۴ . ۲۰
ز رخسند خورشید تا تیره	۱۴۵۱ . ۱۳	ز دیوارها جامه آویختند	۲۴۷۱ . ۱۵
ز رخسند خورشید تا تیره	۷۹۰ . ۴۳	ز دیوارها خشت و از بام	۴۷۲ . ۵
ز رخسند خنجر و تیغ	۷۹۵ . ۱۳g	ز دیوان اگر نام او کرده	۳۵۹ . ۲۲
ز رزم و زینخشش ز رزم و	۴۳۶۰ . ۱۵	ز دیوان بابک بر آمد خر	۱۷۱ . ۴۱
ز رسپ آمد و ترک بر سر	۸۲۷ . ۱۳	ز دیوان با سپا اندر آورد	۱۷۷ . ۴۱
ز رسپ جهاندار و هم ریو-	۹۴۷ . ۱۳	ز دیوان پیش اندرش	۲۲۹ . ۱۲
ز رسپ سپهدان که دارشان	۱۸۴ . ۱۳	ز دیوان بسی شد بیبکان	۱۵۴۸ . ۱۲e
ز رسپ سرافراز بار یونیز	۱۱۲۲ . ۱۳	ز دیوار دژ مالکه بنگر	۶۵ . ۳۰
ز رسپ گرانمایه بد پیش	۵۱۰ . ۱۳	ز دیوان جنگی ده و دوهزار	۶۲۱ . ۱۲
ز رسپ گرانمایه زوشد	۸۹۶ . ۱۳	ز دیوان نکان بندها بر گرفت	۷۷۹ . ۴۱
ز رستم بر رسید پر مایه	۴۰۹ . ۱۲e	ز دیوان ما نام وی بسترنند	۳۸۸۵ . ۴۱
ز رستم بر رسید پس شهر یار	۸۹۲ . ۱۳e	ز دیوان نیمنی نشسته یکی	۷۱۸ . ۱۲
ز رستم بر رسید خندان دو	۱۲۵۰ . ۱۲c	ز دیوان هر آنکس که بد	۱۱۴۶ . ۱۲
ز رستم بر رسید و بنواختش	۱۲۱ . ۱۲d	ز دیوان هر زمان خوبشتن بر	۱۸ . ۴۷
ز رستم بر رسید افراسیاب	۸۷۴ . ۱۲b	ز راه شهری کس آگاه	۱۵۴ . ۵۰
ز رستم چرا بیم داری همی	۱۰۷۱ . ۱۳c	ز راهشگران سرکش و	۳۹۷۳ . ۴۳

زرستم جو اسفندیار این	۳۲۵۳ ، ۱۵	زرومی چوسیند کینزک	۱۰۹ ، ۲۰
زرستم چوبشید اکوان	۱۱۲ ، ۱۳d	زرومی سپاهی بزرگ	۶۲۹ ، ۴۱
زرستم جو بشید بهمن	۲۹۸۱ ، ۱۵	زرومی چوبشید فرشید	۶۳۶ ، ۲۰
زرستم چوبشید خسرو	۱۵۸۲ ، ۱۳g	زرومی وازمردم پارسی	۱۲۱۰ ، ۲۰
زرستم چوبشید گویاسخن	۴۱۳۸ ، ۱۵	زرومی ومصری واز فارسی	۶۰۱ ، ۲۰
زرستم جورانی توچندین	۱۳۹۳ ، ۱۳b	زرومی وهندی واز پارسی	۶۹ ، ۳۴
زرستم دل نامور گشت	۴۳۰۰ ، ۱۵	زرومی همان نیز خادم	۱۶۰۰ ، ۴۳
زرستم سوی زال سام آمد	۵۱ ، ۱۳	زرومی توچشم بدان دور	۳۱۰ ، ۱۳b
زرستم کجا کشته شد روز	۳۷۳ ، ۵۰	زرومی زمین تخت برداشتند	۶۳۳ ، ۱۲b
زرستم نخواهد جهان	۸۶۳ ، ۱۲	زرومی زمین یکسر اندیشه	۳۴۳۹ ، ۱۵
زرشک او فتادند هر دو	۲۹۵۶ ، ۴۲	زرومی هوا ابر تیره ببرد	۴۳۰ ، ۱۳b
زرفتن چو گشتند یکسر	۱۷۷۵ ، ۲۰	زرومی هوا ابر شد ناپدید	۲۱۵ ، ۴۰
زرفتن سراسر سپه گشت	۵۵۲ ، ۲۰	زرویین دژ آورد مارا	۴۲۵۹ ، ۱۵
زرنج نبردوز خون ریختن	۱۶۵۱ ، ۱۳f	زرویین دژا کنون جهان	۱۶۵۰ ، ۱۵
زرنج وز بدشان نبد آگهی	۶۱ ، ۴	زرویین دژو کار اسفندیار	۱۶۵۳ ، ۱۵
زرنج وز پروردن شیر خوار	۲۴۷ ، ۱۷	زرهام وز بیژن تیزمنز	۱۰۹۵ ، ۱۳
زرنجی که ایدر شهنشاه	۴۳۶۴ ، ۴۱	زره باز شد موبد تیزوین	۵۴ ، ۲۲
زرنگ وز چهر و زبالای	۷۲۴ ، ۲۰	زره باز گردید و نامد	۲۶۴۱ ، ۱۵
زرودومی ونای و بانگ	۱۴۲۸ ، ۳۵	زره باز گشت آن زمان	۳۴۴ ، ۴۲
زر روز گذر کردن اندیشه	۶۵۷ ، ۱۲e	زره باز گشتن بد آید بقال	۵۸۶ ، ۴۲
زر وزن، گذشتی تن شوم	۱۶۵ ، ۲۰	زره بود بر تنش پیراهنش	۱۲۵۲ ، ۱۳b
زروسیم بسیار گرد آورد	۲۴۹۳ ، ۴۱	زره بود و خفتان و بی بیان	۱۰۹۹ ، ۱۲c
زروشن جهاندار تان نیست	۷۴۸ ، ۶	زره بود و دیبای پر مایه	۱۶۳۴ ، ۲۰
زروشن روانش بسیری	۲۳۲۵ ، ۱۳f	زره تا کمر بند او بر دزید	۱۱۲۴ ، ۶
زروم و زایران پیر اندیشه	۳۵۰۶ ، ۴۳	زره چون بایوان شاهی	۹۱۸ ، ۱۴
زروم و زچین لشکر آید	۱۸۶ ، ۴۰	زره چون بستک اندر آمد	۳۹۸ ، ۱۴
زروم و زچین نیزش آمد	۲۱۲۱ ، ۱۲d	زره چون بدر گامش بار	۳۱۵۷ ، ۴۳
زروم و زرومی برانگیخت	۲۳۳ ، ۱۷	زره چون بشام آمد این	۱۹۱ ، ۱۳d
زروم و زرومی مدارایچ	۴۵۳ ، ۴۱	زره چون رسید اندر آن	۳۵۲۴ ، ۴۱
زروم و زهند آنکه استاد	۱۷۸۶ ، ۴۱	زره چون طلایه بدیدش	۴۷۵ ، ۱۳g

زری سوی گرگان پیامد	۳۶۴ ، ۵۰	زره خواست و پویشها زیر	۹۸۶ ، ۴۳
زری مردك شوم را باز	۳۲۷۱ ، ۴۳	زره خواهم از تو، گراسپ	۱۱۷۳ ، ۱۲۵
ززابل بایران زایران	۱۰۶۸ ، ۱۳۵	زره دار با خنجر کابلی	۱۷۷۴ ، ۱۵
ززابل برانم من اندك	۱۰۲۶ ، ۱۲۵	زره دار با گرزۀ گاورو	۱۰۹۴ ، ۲۰
ززابل پشاه آمداین آگهی	۲۲۳ ، ۷	زره دار با گرزۀ گاوسر	۱۷۴ ، ۴۱
ززابل بکابل رسید آن	۳۸۰ ، ۷	زره دارد و جوشن و خودو	۱۲۶۲ ، ۱۳۵
ززابلستان تابدان روی	۲۹۹ ، ۷	زره دار گردی پیامد دلیر	۹۰۵ ، ۴۱
ززابلستان تابدریای سند	۲۶۵ ، ۱۱	زره دارو شمشیر زن شش	۷۳۲ ، ۴۳
ززابلستان رستم آید	۵۴۹ ، ۱۳ب	زره دارو شمشیر هندی	۱۸۹۹ ، ۱۵
ززابلستان گر ز ایران	۹۴ ، ۵۰	زره دامنش را بز دبر کمر	۴۲۶ ، ۱۳ب
ززابل هم از کابل و هندوان	۲۷ ، ۱۲ب	زره در پرو بر سرش نیز	۸۷۱ ، ۱۲۵
ززابل هم از کابل و هندوان	۶۸۹ ، ۱۲ب	زره را بهم بر بستند پنج	۲۰۴۵ ، ۱۲د
ززال آگهی یافت افراسیا-	۱۵۷ ، ۱۰	زره زیر بد جوشن اندر	۱۶۲۸ ، ۱۳ب
ززال گر انما به داماد به	۱۰۲۰ ، ۷	زره سوی ایوان رستم شد	۵۵۸ ، ۱۲۵
زراینده قیصر بر افراخت	۱۱۷ ، ۱۸	زرد سوی ایوان شاه آمد	۱۵۸۸ ، ۱۳۵
زرخم تبرزین و از بس	۵۴۳ ، ۱۲ب	زره شان در آمد همه لخت	۱۷ ، ۴۳
زرخم تبرزین و کویال و	۳۲۹۲ ، ۴۱	زره سوی ایوان شاه آمد	۷۸۳ ، ۱۳۴
زرخم دبووس توکوه بلند	۱۲۴۳ ، ۷	زره کتف آزادگان را	۱۳۹۶ ، ۲۰
زرخم دو شاهان پر خاشجو	۳۲۱۴ ، ۴۱	زره نیز کرده ببر پهلوان	۷۵۶ ، ۱۳۴
زرخم سرگرز سندان شکن	۹۶۴ ، ۱۲۵	زریر و همه بخردان را	۱۲۶ ، ۱۴
زرخم سمش گاو و ماهی	۲۱۷ ، ۱۲۵	زری باز خوان آن بد	۳۲۷۵ ، ۴۳
زرخم سنانهای الماس	۲۲۴۵ ، ۱۵	زریرد زمین تا کنابد	۲۷۹ ، ۱۳۴
زررا فراسران بر سر میکسار	۲۴۷۶ ، ۳۵	زریر اندر آمد چو سرو	۸۳۷ ، ۱۴
زرربفت جینی سزاوار	۱۸۸۴ ، ۲۰	زریر خجسته بگشتناص	۸۶۸ ، ۱۴
زرربفت جینی کشیدند	۲۳۳ ، ۵۰	زریر سپید پیش سپاه	۷۸ ، ۱۴
زررتیغ داری و زرین	۱۱۷۵ ، ۳۵	زریر سپید برادرش	۲۱۸ ، ۱۵
زررخایه ریخته صد هزار	۸۱ ، ۱۸	زریر سپید سپه را بماند	۸۳۱ ، ۱۴
زرصد شتروار دینار	۲۱۵۲ ، ۴۳	زریر سپید گرفتش بدست	۲۴۳ ، ۱۵
زرر کرده بر پای دو گاو	۵۴۸ ، ۳۵	زریر ستوده بلهر اسپ	۸۲۱ ، ۱۴
زرر و زبرجد نثاری	۱۹۸۸ ، ۱۲د	زریر و گر انما به اسفندیار	۲۴۰ ، ۱۵

زسایان یادگارست و	۱۱۳ ، ۵۰	ززرین ستام وز کویال و	۹۲ ، ۲۱
زسالار و گردان و گرون	۴۶۷ ، ۱۳۴	ززرین و سیمین که آید	۲۳۲۳ ، ۴۳
زسالش چویک پنجه اندر	۴۹ ، ۶	ززرین و سیمین و از تخت	۲۰۵۶ ، ۴۳
زسالی با صخر بودی مه	۲۳۳ ، ۴۲	ززرین و سیمین و دیبای	۲۱۴۷ ، ۴۱
زسام نریمان بشاه جهان	۱۳۱۶ ، ۷	ززرین و سیمین و گوهر	۲۲۴۲ ، ۴۳
زسام نریمان و گرشاسپ و	۱۴۹۶ ، ۱۲c	ز زرینه و تاجهای بزر	۷۱ ، ۱۶
ز سام نریمان همو بار	۵۴ ، ۷	ز زرینه و جامه نابرید	۴۳۷ ، ۵۰
زسختی برستم فرو بست	۱۴۰۵ ، ۱۲c	ززرینه و گوهر شاهوار	۱۵۹۳ ، ۴۳
زسختی گذر کردن آسان	۳۶۴۲ ، ۴۱	ز زندان بایوان گذر کرد	۱۳۲ ، ۱۶
زسر با منوچهر نو کین	۱۲۵۴ ، ۱۳۴	ز زندان بیامد سرو تن	۳۶۷۷ ، ۴۱
زسر بر گرفت افسر خسرو	۳۵۶ ، ۱۹	ز زندان پیامش فرستاد	۷۸ ، ۴۲
زسر بر گرفتند گردان	۳۲ ، ۳۹	ز زندان نیا بد بسالی رها	۱۳۶۴ ، ۳۵
زسر بر همی کند رودابه	۳۸۳۴ ، ۱۵	ز زنهار بر ما کنون عار	۲۱۸۲ ، ۱۳۴
ز سر تا بیایش باهن	۴۳۷ ، ۱۳e	ز زیتون و از گوز و هر میوه	۷۸ ، ۴۱
زسر تا بیایش ببویید سخت	۱۰۴۵ ، ۴۱	ز زین اندر آویخت اسفند	۱۵۲۷ ، ۱۵
زسر تا بیایش بکردار	۴۰۳ ، ۷	ز زین بر گرفتش بنجم	۲۱۱۱ ، ۴۳
زسر تا بیایش گلست و	۶۰۶ ، ۷	ز زین بر گرفتش * باد	۹۸۶ ، ۶
زسر تا میانش بدونیم**	۱۳۲۲ ، ۳۵	ز زین بر گرفتش * باد	۳۰۱ ، ۱۲c
زسر تا میانش بدونیم**	۴۶۲ ، ۱۴	ز زین بر گرفتش * گو	۴۲۲ ، ۱۲b
زسر تا میانش بدونیم**	۱۷۴۷ ، ۱۵	ز زین بر گرفتش * گو	۳۳۸ ، ۱۲c
زسر شاره هندوی بر گرفت	۴۴۸۲ ، ۱۵	ز زین بر گرفتش میدان	۲۰۹۳ ، ۱۲d
زسر شان همه تر گهاپ	۱۶۵۷ ، ۱۳g	ز زینش جدا کرد و بر	۱۰۳۵ ، ۱۲
زسر کش چو پشید در بان	۳۷۹۵ ، ۴۳	ز زین کیانیش بگشاد	۸۷ ، ۱۳d
زسر کینه و جنگ رادور	۱۱۳۴ ، ۴۲	ز زرف زمین تا بچرخ بلند	۱۰۶ ، ۴۱
زسر گر بر سید گفتم ز	۱۳۰۵ ، ۱۲e	ز ساری و آمل بر آمد	۱۰۹۶ ، ۷
زسر کین و دستار زربفت	۲۵۴ ، ۳۵	ز ساز و ز گردان هر دو	۱۵۹ ، ۱۹
		ز ساسان بر سید و بنواخت	۵۲ ، ۲۱

(* ستاره در ستون اول همه جا بجای کلمه «بکردار» آمده است .

(**) دو ستاره در سطر اول بجای « کرد » و در سطر دوم و سوم بجای

«گشت» آمده است .

ز شاپور ورهام وز بیژن	۶۹۱ ، ۱۳e	ز سرود لاری چنبر کتم	۳۹۵ ، ۴۰
ز شادی پیش جهان آفرین	۱۲۷۶ ، ۱۳e	ز سفد اندرون تاجیحون	۱۸۲۴ ، ۴۱
ز شادی بر او آفرین کرد	۶۴۱ ، ۱۳f	ز سقلاب چون کندر شیر	۹۲۹ ، ۱۲b
ز شادی جوان شد دل مرد	۱۷۱۸ ، ۳۵	ز سند و کشانی سپه بر گرفت	۹۳۹ ، ۱۳g
ز شادی چنان تازه شد زال	۱۶۹۳ ، ۷	ز سلم و ز تور اندر آمد	۵۵۶ ، ۸
ز شادی چنان شد دل اردشیر	۱۳۳ ، ۲۲	ز سر تا میانش بدو نیم کرد	۴۲۸ ، ۱۲b
ز شادی در بخشش اندر	۲۵۳ ، ۳۴	ز سلم و ز تور اندر آمد	۹۵ ، ۱۳b
ز شادی دل اندر برش بر	۱۳۲ ، ۱۱	ز سم ستوران در آن پهن	۱۲۷ ، ۱۱
ز شادی دل خویش را نو	۳۳۸۱ ، ۱۵	ز سنجاب و قاقم زموی	۱۷۱۳ ، ۲۰
ز شادی دلیران توران	۵۹۰ ، ۱۳f	ز سنگ و ز گچ بود بنیاد	۳۸۷۴ ، ۴۳
ز شادی که فرجام او غم بود	۱۳۵۹ ، ۴۱	ز سنگ و ز گچ ساخته وز	۱۸۰۹ ، ۱۲d
ز شادی میاد دل او رها	۱۲۷۹ ، ۱۲d	ز سودا به بوی می و مشک	۴۰۹ ، ۱۲d
ز شاه آفریدون و از لشکر	۷۷۰ ، ۶	ز سودا به گفتار باور نکرد	۱۸۶ ، ۱۲b
ز شاه آنچه بشنید باوی	۳۶۱۷ ، ۴۱	ز سودا به ورزم ها ماوران	۴۵۱ ، ۱۲d
ز شاهان بر نای سیصد سوار	۳۵۷۲ ، ۴۳	ز سوراخ چون مار بیرون	۴۷۶ ، ۳۴
ز شاهان پیشین همی بگذر	۱۰۷۶ ، ۱۵	ز سوک سیاوش پر از آب	۶۰ ، ۱۲e
ز شاهان داننده یا بید گنج	۱۹ ، ۳۹	ز سوی خزر نای روین	۷۱۴ ، ۱۴
ز شاهان ز ضحاک بدتر کسی	۸۴۲ ، ۴۳	ز سوی دگر گیو پر خاشخیر	۲۳ ، ۱۲b
ز شاهای کسی مرچنین	۲۸۱۴ ، ۱۵	ز سهراب چون شد خیر نزد	۱۵۳۲ ، ۱۲c
ز شاهان کسی چون سیاوش	۷۹ ، ۱۲e	ز سهراب درستم زمان بر گشاد	۱۱۷۴ ، ۱۲c
ز شاهان که با تخت و افسر	۱۶۴ ، ۴۱	ز سهراب و از بر زوبالای	۸۴۰ ، ۱۲c
ز شاهان گیتی برادر که	۲۳۱۵ ، ۱۳g	ز سهموی و بویۀ پور خویش	۲۷۷ ، ۷
ز شاهان گیتی چنو کس	۲۷۰ ، ۲۰	ز سهراب یل رفت یکسر	۷۲۹ ، ۱۲c
ز شاهان گیتی خنیده تو	۱۲۸۱ ، ۱۳c	ز سی کرد بیننده موبد	۵۴۴ ، ۳۴
ز شاهان گیتی دل افروز	۱۲۲۳ ، ۱۳g	ز سیماه بر زینت پرسم سخن	۱۵۵ ، ۴۲
ز شاهان گیتی ستایش ترا	۳۸۲ ، ۱۳e	ز سیمین وز زرین شتروار	۱۶۷۶ ، ۱۲d
ز شاهان گیتی سرت برتر	۱۱۶۵ ، ۱۳g	ز سیمین وز زرینه اشتر هزار	۱۷۱۰ ، ۲۰
ز شاهان مراد دیده بردیدن	۳۳ ، ۷	ز سی نیز بهرام بد پیشرو	۵۴۳ ، ۳۴
ز شاهان مرا نیز همتا	۳۵۳ ، ۴۴	ز شاپور از آن گونه شد روز	۶۲۲ ، ۳۰
ز شاهان نبرد زنده کس جز	۱۲۲ ، ۳۸	ز شاپور بهرام تا اردشیر	۵۷۸ ، ۳۴

۱۲	۱۰۸۳	ز شبگیر تا تیره گشت	۴۱	۱۹۸۷	ز شاهان نجوید کسی جای
۸	۳۲۹	ز شبگیر تا خور ز گنبد	۱۳g	۲۸۷۰	ز شاهان ندیدم کزین گونه
۱۳f	۸۰۰	ز شبگیر تا سایه گستر دشنید	۱۳g	۲۷۷۳	ز شاهان ندیدم که این کس
۸	۲۳۱	ز شبگیر تا سایه گستر دهور	۱۳c	۱۱۹۲	ز شاهان و پیلان و از تخت
۱۲c	۱۲۷۴	ز شبگیر تا سایه گستر دهور	۴۱	۶۵	ز شاهان هر آن کس که بد
۱۳f	۱۶۲۵	ز شبگیر تا شب بر آمد ز	۴۳	۱۳۹۶	ز شاهان هر آن کس که *
۱۳g	۱۵۹۶	ز شبگیر تا گشت خورشید	۱۲d	۲۸۹۱	ز شاه جهان چشم بد دور
۱۳g	۱۶۸۳	ز شبگیر تا ماه بر چرخ	۴۱	۱۲۱۸	ز شاه جهان دار جز راستی
۱۲c	۱۳۵	ز شبنم شد آن غنچه تازه	۵۰	۳۸۷	ز شاه جهان یزد گرد *
۴۳	۳۷۵۴	ز شب نیز دیدی که چندی	۴۱	۱۸۸۹	ز شاه چغانی که با بخت
۱۲c	۱۲۲۳	ز شب نیمه ای گفت سهراب	۴۱	۳۹۳۰	ز شاه سرافراز و خورشید
۱۲b	۶۷۹	ز شرم از در کاخ بیرون نرفت	۴۲	۱۳۷۸	ز شاهک پیر سید پس نامجو
۱۲b	۶۸۱	ز شرم دلبران منش کرد	۱۳g	۱۶۷۵	ز شاه کیان خواستند
۱۵	۳۲۴۱	ز ششصد همانا فرو بست	۱۶	۱۶۷	ز شاه نشابور بستد گله
۴۱	۳۴۱۹	ز شطرنج طلحند بود آرزو	۲۰	۵۰۷	ز شاهنشاه اسکندر فیلموس
۴۱	۲۸۴۰	ز شطرنج و زباز و ازرنج	۳۵	۱۲۷۸	ز شاه وز درویش هر کو
۱۲	۸۱۰	ز شمشیر تیز آتش افرو-	۷	۲۳۴	ز شاه وز گردان پیر سید
۴۱	۲۵۴۸	ز شمشیر دیوان خرد جوشن	۴۶	۲۷	ز شاهی بدل ماندان دوه و
۱۳b	۳۷۸	ز شمشیر گردان جوابر	۲۴	۲	ز شاهی براوهیچ تاوان
۱۳	۶۱۶	ز شمشیر و از ترک و	۳۴	۳۱۶	ز شاهی پیر اندیشه شد پزد-
۴۱	۱۸۶۸	ز شمشیر و از نیزه و گرز	۳۰	۵۸۶	ز شاهیش بگذشت پنجاه
۱۳f	۱۸۸	ز شمشیر و از ترک و	۳۴	۳۰	ز شاهیش بگذشت چون
۱۲d	۶۵۹	ز شمشیر و گرز و کلاه و	۴۰	۳۵۹	ز شاهیش چون سال بگذشت
۳۵	۱۸۳۷	ز شمشیر هندی بزین نیام	۲۰	۱۶۱۴	ز شاهیش چون سال شد بر
۱۵	۲۷۰۱	ز شنکل شنیدی که روز	۱۴	۱۰۵	ز شاهی مرانام تاجست و
۴۳	۲۰۸۴	ز شهر آمد امروز بسیار	۴۳	۳۹۶۳	ز شاهین و از بازو پیران
۲۰	۱۲۰۱	ز شهر بر هنر بجایی رسید	۴۱	۱۳۶۹	ز شاهی و از تاج و کند آور
۴۲	۱۸۷۷	ز شهرت یکی بسته زندانیم	۴۱	۳۱۹	ز شاهی و از رای و فرزانه
۲۱	۴۵۳	ز شهر کجاران بدریای	۱۲d	۲۴۰۳	ز شب روشنایی نجوید

(* ستاره در سطر اول بجای بیدار بود، و در سطر دوم بجای بزرگ، آمده است)

۲۱	۵۰۲	ز شهر کجازان برآمد	۷	۳۸۴	ز ضحاک تازی گهر داشتی
۴۱	۲۸۸۱	ز شهر وزلشکر پذیره	۴۳	۸۹۵	ز ضحاک تازی نخست اندر
۱۲c	۸۲	ز شهر وزلشکر سران را	۶	۱۵	ز ضحاک شد تخت شاهی
۱۳c	۹۰	ز شهر و نژاد و ز آرام خویش	۳۰	۴۹	ز طائر یکی دختش آمد چو
۱۳e	۶۲	ز شهری بداد آمد ستیم	۴۱	۳۰۹۲	ز طلحند هر چند جانش
۱۳e	۷۹۳	ز شهر یربادی تو پیر و زگر	۱۳f	۱۰۶۴	ز طوس و ز کاووس نزد
۴۲	۲۹۶	ز شهری که بگرفت نوشیر-	۱۳b	۶۳	ز طوس و زلشکر بیازرد
۴۳	۳۳۷	ز شهری که ویران شد اندر	۵	۱۶۹	ز طهمورث گرد بودش
۳۴	۴۲۵	ز شبیان و غسانیان ده هزار	۱۳g	۱۳۲۴	ز عراده و منجنیق و ز گرد
۱۳b	۶۸۶	ز شیدوش و ز بیژن و	۱۸	۵۰	ز عموریه فیله و سوس و سران
۱۳g	۳۱۱	ز شیده یکی بود کهتر	۱۸	۴۸	ز عموریه لشکری گرد
۴۲	۱۸۳۷	ز شیراز چون سام اسفندیار	۲۰	۱۰۳	ز عموریه مادرش را بنخواند
۴۰	۱۰۴	ز شیراز فرمود تا هر چه	۱۲e	۱۵۱۷	ز عنبر نوشتند بر پهلوی
۳۵	۱۲۲۳	ز شیراز و از ترف سیصد	۱۲b	۶۲۷	ز عود قماری یکی تخت
۱۲b	۸۸۵	ز شیران توران خنیده	۴۱	۲۸۶۶	ز عود و ز عنبر و ز کافور و ز زر
۱۳f	۱۰۲۴	ز شیران چه زابد مگر شرز	۴۳	۱۴۳۳	ز عیب و هنر هر چه دارد
۱۳e	۹۰۹	ز شیران گرد نکش نامور	۱۳f	۱۱۲	ز فزنین برو تا بر راه برین
۷	۱۶۱۹	ز شیران نژاید چنو نیز	۳۰	۴۱	ز غمانیان طائر شیردل
۵۰	۱۸۳	ز شیر شتر خوردن و سوسمار	۲۱	۵۷۵	ز هم هر کسی از جگر خون
۷	۱۶۳۶	ز شیری که باشد شکارش	۱۲c	۵۰۲	ز فتح حصار و درنگ و شتاب
۱۵	۱۵۷۰	ز شیرین روان دل شده تا-	۱۲c	۳۴۹	ز فتراک بگشاد پیچان
۱۲d	۱۸۱۰	ز صدرش فزونست بالای او	۱۳c	۷۳۱	ز فتراک بگشاد پیچان
۱۳b	۳۸۲	ز صف در میان سپاه آمدند	۱۳d	۱۷۴	ز فتراک بگشاد پیچان
۲۱	۶۶۷	ز صندوق بگشاد بند و	۱۳f	۲۳۸۶	ز فتراک بگشاد پیچان
۱۵	۱۸۹۸	ز صندوق بیرون شد اسفند	۱۳	۱۸۴۱	ز فتراک بگشاد خم کمند
۱۳g	۷۶۰	ز صندوق پیلان بیارید	۱۲b	۱۰۱۰	ز فتراک بگشاد رستم کمند
۱۷	۱۱۶	ز صندوق و ز کودک شیر-	۱۲c	۸۲۷	ز فتراک زین بر گشایم
۱۷	۱۸۷	ز صندوق و یاقوت بازوی	۸	۸۱	ز فرخ فریدون و هوشنگ
۱۳f	۱۶۷۰	ز ضحاک بد گوهر بدمنش	۷	۶۱۶	ز فرخنده رای جهان پهاو
۸	۴۶۴	ز ضحاک تازیست ما را	۲۰	۱۴۲۶	ز فردوس باشد بدان چشمه

ز فرمان هر مزد بر مگذر	۴۶۰۰	۴۱	ز فردوسی اکنون سخن	۱۰۴۵	۱۵
ز فرمان یزدان کسی	۲۳۲۲	۱۳g	ز فرزنانگان چون سخن	۳۰۱۶	۴۱
ز فرمان یزدان کسی	۲۸۷۲	۴۳	ز فرزانه‌ای کو بنزدیک	۳۱۴۸	۴۱
ز فرمان یزدان نکردد	۲۵۵۹	۴۱	ز فرزند باشد پدرشاد دل	۴۴۸۳	۴۱
ز فروبزرگی واورندشاه	۲۳۰۰	۴۱	ز فرزانه بشنید شاه این	۳۱۴۳	۴۱
ز فروبزرگی و نیک اختر	۱۰۲	۱۳	ز فرزند پیرسیددانا سخن	۴۴۸۲	۴۱
ز فرهاد و گیوت بر آرم	۶۶۶	۱۳f	ز فرزند پیمان شکستن	۱۰۲۹	۱۲d
ز فرهنگ و از دانش	۱۴۰۷	۴۱	ز فرزند رنگین رخس زرد	۳۶۷۴	۴۳
ز فرهنگ و رای سیاوش	۲۴۶	۱۲d	ز فرزند شاهان بنیر و شود	۴۳۳	۴۴
ز فرهنگیان کودکی یافتم	۱۰۵۴	۴۱	ز فرزند قارن بشد سو فرا	۱۷۰۲	۴۲
ز فریادرس زور و فریاد	۶۰۳	۱۳e	ز فرزند کشته بیچند دلم	۴۶۴	۱۲d
ز فولادچین ترک بر سر	۱۶۲۹	۱۳b	ز فرزند کو بر بدر	۴۴۵۸	۴۱
ز فیروز خسرو بر آشفت	۶۴	۴۵	ز فرزند و از تاج و از	۳۹۵	۱۲d
ز قاچار باشی بیامد دمان	۸۶۸	۵۰	ز فرزند و از دوده ارجمند	۴۵۹۷	۴۱
ز قارن جو افراسیاب آن	۲۴۹	۸e	ز فرزند و خویشان شده نا-	۳۷۹	۱۹
ز قطران و از آتش و	۲۱۲	۵۰	ز فرسیاوش فرومانندند	۱۲۹	۱۲d
ز قلب اندر آمد بگردار	۱۲۵۳	۱۳e	ز فرس جهان شد چو باغ	۲۲۴	E
ز قلب اندر آمد سپهدار	۱۹۴۳	۱۳g	ز فرمان آن تاجور مگذر-	۲۵۱۳	۳۵
ز قلب سپاه اندر آشفت	۱۴۸۳	۱۳b	ز فرمان اگر یک زمان	۵۱۹	۲۰
ز قلب سپاه اندر آمد چو کوه	۷۲۵	۱۳g	ز فرمان او بر نیایی گذر	۱۳۹	۲۲
ز قلب سپه چون نکه کرد	۳۳۰۶	۴۱	ز فرمان او هیچگونه	۹۸	۴۰
ز قلب سپه طوس چون بنگر-	۱۲۹۳	۱۳b	ز فرمان تو نگذرم یک	۲۱۶۳	۳۵
ز قلب سپه کیو چون بنگر-	۹۴۰	۱۲b	ز فرمان تو یک زمان نکند	۳۰۵	۱۹
ز قلب سپه کیو شد پیش	۱۵۷۰	۱۳	ز فرمان سالار هیچند	۶۲۹	۱۳b
ز قلب سپه و یسه آواز	۴۴۳	۸	ز فرمان سرآزاده و ژنده	۲۷	۴
ز قلب و ز صندوق بر تر	۷۶۶	۱۳g	ز فرمان شاهان کنون	۳۲۰۳	۱۵
ز قنوج بر نکهت و نیکبخت	۲۰۸۳	۳۵	ز فرمان من سر بیچیده	۱۴۲۰	۴۲
ز قنوج تا مرز ایران زمین	۲۰۰۰	۳۵	ز فرمان من یک زمان سر	۲۱۳۹	۱۲d
ز قنوج تا مرز کابلستان	۴۳۴	۸	ز فرمان و پیمان او نکند	۳۸۶	۵۰
ز قنوج شیکر شکل	۲۳۴۳	۳۵	ز فرمان و رایش کسی	۷۴۸	۷

ز کار برادر پراز درد	۱۳	۱۴۳۹	ز قنوجوز دنیرو مرغ و	۱۳g	۲۷۳۹
ز کار بزرگان چوپردخت	۱۳g	۳۰۴۰	ز قیصر پیرسید کایزد	۲۰	۱۴۷۷
ز کار بزرگان و جنگ	۱۳b	۱۳۴۳	ز قیصر پیرسید ویوزش	۱۴	۸۳۸
ز کار بلوچار جمندارد شیر	۴۱	۳۷۶	ز قیصر بیابا بی سلیح و سپاه	۴۳	۱۱۵۳
ز کار پدر دل پر اندیشه کرد	۱۲d	۱۰۸۶	ز قیصر پدر مادر شیر نام	۴۳	۳۴۱۶
ز کار پدر زار و گریبان	۱۳	۱۴۵۶	ز قیصر پذیردمگر باز	۴۳	۳۴۰۸
ز کارت خبر بد مرا روز	۱۳c	۱۰۰۸	ز قیصر پذیرفتم آن دختر	۴۳	۱۴۳۲
ز کار تواندیشه کردم دراز	۴۳	۲۰۷۷	ز قیصر ترا مزد بسیار باد	۴۱	۴۲۱۰
ز کار جهان آگهی داشتی	۴۱	۵۵۵	ز قیصر چو بشنید فرخ	۱۴	۸۵۳
ز کار جهان ماند اندر	۱۵	۲۱۹۴	ز قیصر چو بیهوده آید	۴۳	۳۴۹۹
ز کار جهان یکسر آگه	۱۵	۲۶۰۱	ز قیصر درود و زما آفرین	۴۳	۳۴۰۴
ز کار زمانه چو آگه شدند	۴۲	۱۹۶۴	ز قیصر ستم بر کتابیون	۱۴	۶۴۵
ز کار زمانه فمی گشت	۴۳	۳۶۷۰	ز قیصر شنیدی که خسرو	۴۲	۲۲۰۶
ز کار زمانه میانه گزین	۲۶	۲۱	ز قیصر که برداشت زان	۴۳	۱۶۳۴
ز کار سپاه و ز کار جهان	۴۳	۳۳۰۹	ز قیصر یکی که برادرش	۳۰	۴۵۸
ز کار سیاوش پیرسید شاه	۱۲d	۱۹۶۱	ز قیصر یکی نامه آمد بلند	۴۳	۱۴۰۳
ز کار سیاوش چو آگه شد	۱۳c	۲۴۵	ز قیصر یکی نامه ای بانثار	۴۱	۲۴۲۲
ز کار شبیخون نکردند	۱۳b	۱۰۸۶	ز کابل بخوان و ز زابل	۱۳g	۲۶۳۷
ز کارش فروماند هومان	۱۲c	۳۰۷	ز کابل بر آید بخورشید	۷	۱۰۱۲
ز کارش مادل شکسته شود	۸	۳۰۳	ز کابل پیامد پراز داغ و	۱۵	۴۶۵۰
ز کارش نیامد زمانی درنگ	۱۳d	۱۱۹	ز کابلستان تا بزابلستان	۱۵	۴۶۰۴
ز کارشهنشاه نوشین روان	۴۱	۳۴۲۷	ز کابل که با سام یارد چنید	۷	۱۳۳۰
ز کار کتابیون خود آگاه	۱۴	۳۲۵	ز کاخ دلارای تا نیم راه	۲۰	۱۲۶
ز کار گذشته بیوزش گرای	۴۳	۸۸۱	ز کاخ سیاوش بر آمد	۱۲d	۲۶۴۵
ز کار گذشته تودانانتری	۱۶	۳۰	ز کار آزموده گزیده مهان	۱۲d	۱۲۲۵
ز کار گذشته دلش تنگ	۴۱	۳۷۳۳	ز کار آگهان آگهی یافتم	۶	۹۵
ز کار گذشته نیاری بیاد	۱۳۴	۲۲۷۵	ز کار آگهان آنکه بد ره	۱۳g	۱۶۲۲
ز کار گذشته همی کرد یاد	۱۳c	۱۵۷	ز کار آگهان موبدی گفت	۴۱	۳۸۲۹
ز کار گزارش چو داد آگهی	۴۵	۶۸	ز کار آگهان موبدی نیک	۴۱	۳۷۵۱
ز کار منوچهر و از لشکر	۸	۹۵	ز کار آگهان نامداری	۱۳b	۱۲۰۵
ز کار منوچهر و افراسیاب	۱۲d	۲۲۴۸	ز کار آن گزیند که پیرنج تر	۲۰	۲۸۶

ز کردار بد بر تنش بد	۲۴۳۴ ، ۱۳g	ز کارمنیژه به خیره بماند	۲۶۶ ، ۱۳e
ز کردار بد پوزش آراستن	۷۱۷ ، ۶	ز کارنیشته بشد تنگ دل	۳۴۷۶ ، ۴۱
ز کردار بد پوزش آورد	۱۱۴۳ ، ۱۳e	ز کارنیشته که آمد پدید	۳۴۸۷ ، ۴۱
ز کردار بد دور داری	۴۸۸ ، ۳۴	ز کار نبیره بگوش همی	۱۳۲۰ ، ۱۳c
ز کردار بد گر پشیمان	۲۵۲ ، ۱۱	ز کار و زره تان بپرسم	۱۳۸۰ ، ۲۰
ز کردار بیژن بروز نبرد	۹۵۳ ، ۱۳f	ز کار و نشان سپهر بلند	۶۰۶ ، ۱۳e
ز کردار خوب ارپژوهش	۲۷۵۶ ، ۱۳g	ز کاروی ارخون خروشی	۳۴۸۷ ، ۴۱
ز کردار سالار ناهوشیار	۴۱۵ ، ۱۲b	ز کار هجیر بد بد گمان	۱۴۳۳ ، ۱۲c
ز کردار شاهان بر ترمنش	۲۶۱۵ ، ۱۳g	ز کاری که سازدهمی بر خور	۱۷۵۰ ، ۱۳g
ز کردار نوذر بگفتند	۳۴ ، ۸	ز کاری که کردی بدی یا	۴۴۲۵ ، ۴۱
ز کردار نیکو جو بیشی	۱۴۹۲ ، ۴۱	ز کاری که کردی بیایی	۱۱ ، ۴۷
ز کردار نیکی پشیمان	۴۴۶۰ ، ۴۱	ز کافور زیر اندرش بستری	۱۵۷۱ ، ۲۰
ز کردارها بر فزودی	۴۰۱۷ ، ۴۳	ز کافور و از مشک و ماء	۲۱۳ ، ۵۰
ز کردار هر کس که دارم	۲۹۱۵ ، ۱۳g	ز کافور و ز مشک و زعود	۴۳۲۸ ، ۱۵
ز کرده برخ بر نکارش	۲۲۴۲ ، ۴۱ ^e	ز کاموس چون کوه شد	۱۴۲۳ ، ۱۳b
ز کرسی بنخشم اندر آورد	۵۳۴ ، ۵	ز کاموس خود جای گفتار	۱۳۴۶ ، ۱۳b
ز کرسی و خرگاه و پرده	۳۵۶۴ ، ۴۳	ز کاموس و شنکل ز خاقان	۱۳۴۵ ، ۱۳b
ز کرمان بیامد به شهر	۴۸۳ ، ۱۹	ز کاموس و منشور و خاقان	۱۰۳۶ ، ۱۲c
ز کرمان کس آمد سوی	۴۲۹ ، ۱۹	ز کاموس دادش درود و سلام	۱۳۵ ، ۱۲b
ز کژی گریزان شود	۸۴۴ ، ۱۲d	ز کاووس شاه اندر آیم نخست	۱۶۸۹ ، ۴۲
ز کژی نجوید کسی	۳۶۲۲ ، ۴۳	ز کاووس کش سال بکنند	۷۶۹ ، ۱۲e
ز کسری چنان شاد شد	۳۵۷ ، ۴۰	ز کاووس کی باز پرداختم	۷۰۳ ، ۱۲b
ز کسری مرا گنج بخشید	۳۴۵۴ ، ۴۱	ز کاووس کی روی برداشتند	۴۶ ، ۱۲b
ز کس ما نجستیم جز باژ	۲۰۲ ، ۴۴	ز کاووس و از خام گفتار او	۱۱۹۴ ، ۱۲d
ز کسهای او پیش او بد	۱۵۸۸ ، ۴۱	ز کاووس و ز تخت شاهنشهی	۱۸۷۸ ، ۱۲d
ز کشتن رها نم من این ماه	۶۰ ، ۲۲	ز کاووس و ز تخم افراسیاب	۱۶۴۰ ، ۱۲d
ز کشته بهر جای بر توده	۹۸ ، ۱۲b	ز کتان و ابریشم و موی و قز	۱۴ ، ۴
ز کشته بهر جای بر توده	۱۰۸۵ ، ۱۲	ز کردار او چند را نم سخن	۲۹۸۶ ، ۱۳g
ز کشته بهر سویکی توده	۴۰۰ ، ۴۱	ز کردار ایشان بگهتر	۹۶۲ ، ۱۳f
ز کشته چنان شد درودش	۵۳۲ ، ۲۱		
ز کشته چنان شد که در روز	۱۰۴۴ ، ۱۳c		

ز کشته چو دریای خون بد	۹۴۳، ۲۲	ز کنده بصد چاره اندر	۱۴۱۹، ۱۵
ز کشته درودشت گشته چو	۴۱۶، ۱۲b	ز کندی بکزی نهادندرو	۲۵۷، ۳۵
ز کشته زمین کرده مانند	۴۵، ۱۱	ز کوپال و خنجر بیاسود	۱۷۷۵، ۴۱
ز کشته زمین گشت باکوه	۴۳۱، ۱۲b	ز کوپال و زاسپ و بر گستو-	۶۴، ۱۹
ز کشته فکنده بهر سوسران	۲۰۵، ۱۲e	ز کوری یکی دیگری را	۲۳۵، ۲۰
ز کشته نبد جای گشتن	۴۱۶، ۱۲b	ز کوشش مکن ایچ سستی	۱۱۲، ۵۰
ز کشته همه دشت آورد	۶۲۱، ۱۳c	ز کوه اندر آمد بهامون	۲۷۲، ۱۳۴
ز کشتی بیامد بر هفتواد	۵۴۱، ۲۱	ز کوه اندر آمد چو ابر بهار	۲۷۵، ۷
ز کشتی سبک بادبان بر	۱۵۲، ۱۴	ز کوه اندر آمد چو ابر سیاه	۱۸۹۱، ۱۵
ز کشتی گرفتن سخن بود	۱۲۶۲، ۱۲c	ز کوه اندر آمد سپاهی	۱۴۸۷، ۱۵
ز کشتی همه آب شد ناپدید	۲۹۰، ۱۳g	ز کوه اندر آمد کلاغی	۳۱۰، ۳۵
ز کشمیر تا پیش دریای *	۲۱۶، E	ز کوه اندر آوردمش	۲۳۴۹، ۱۳g
ز کشمیر تا پیش دریای *	۳۲۷۷، ۴۱	ز کوه اندر آید یکی باد	۳۱۸۳، ۱۳g
ز کشمیر تا پیش دریای *	۹۲۸، ۱۳b	ز کوه بلوچ و زدشت سروج	۲۴۰۶، ۴۱
ز کشمیر تا دامن کوه	۹۳۶، ۱۳c	ز کوه سپند و زپیل زیان	۵۵، ۱۰
ز کشمیر و از دنبر و مرغ	۳۳۸۵، ۴۱	ز کوه سپند و زپیل سپید	۶۱، ۱۰
ز کشمیر و از کابل و نیمروز	۴۱۹، ۱۳	ز کوه کنا بد برون تا ختند	۷۶۸، ۱۳۴
ز کشمیر و از کابل و قندهار	۱۱۵۴، ۱۳۴	ز کوه کنا بد برون شد	۹۳۲، ۱۳۴
ز کشواد و گیوت که داد	۷۴۱، ۱۲e	ز کوه کنا بد همی دیده	۲۱۱۴، ۱۳۴
ز کشور بدرگاه شاه آمدی	۳۰۱، ۲۲	ز کوه و بیابان و از ریگ	۱۵۵۴، ۱۳g
ز کشور بر آمد سراسر	۵۰۱، ۱۳	ز کوه و بیابان و از ریگ	۱۸۴۵، ۴۱
ز کشور بشد تا بدرگاه	۳۷۹۰، ۴۳	ز کوه با غوش بردارمت	۳۳۷۳، ۱۵
ز کشور بنزدیک خویش	۷۸، ۵	ز کوه با غوش بر گیرمت	۳۵۸۵، ۱۵
ز کشور دبیران شایسته	۲۸۴۸، ۴۱	ز کوه هماون بر آمد خروش	۱۲۲۳، ۱۳b
ز کشور سراسر مهانرا	۱۷۰، ۱۲e	ز کهرم بچیزی نیازرد	۲۹۷، ۳۴
ز کشورش پیرا کند زیر	۶۵۸، ۳۰	ز کهرم بدان گونه تن	۱۱۹۸، ۱۵
ز کشور کنم دور بدخواه	۷، ۲۷	ز کهرم پرستش ز مهتر نواز	۲۸، ۴۲
ز کف بکن این تیر و شمیر	۱۲۵۲، ۱۲c	ز کهرم چو لهر اسب آگاه	۱۱۰۱، ۱۵
ز کندن چو گشتند مردان	۵۴۳، ۳۵	ز کهرمش کهرم پسر بد	۱۴۶۸، ۱۵

(*) ستاره در سطر اول و دوم بجای «چین» و در سوم بجای «شهد» آمده است.

ز کردان ایران بسی	۱۱۰۲ ، ۱۳c	ز کین خسرو اکتون ندارید	۱۰۹۱ ، ۱۳
ز کردان ایران دلاور سر	۱۶۴۴ ، ۱۳	ز کین خسرو ایدر نوایم	۷۱۳ ، ۱۲e
ز کردان ایران دو آزاده	۸۹۴ ، ۱۳	ز کین ارببینم سراو تهی	۲۳۰۴ ، ۱۲d
ز کردان ایران سپه هر که	۸۷ ، ۱۲b	ز کین برادر زخون پدر	۴۸ ، ۱۳b
ز کردان ایران و گردن	۵۸۹ ، ۱۲e	ز کین پدر چند باشی بدرد	۱۲۹۸ ، ۱۵
ز کردان ایران هم آورد	۱۴۷ ، ۱۳b	ز کین پدر گر دلت خیره	۱۵۶۱ ، ۱۳g
ز کردان بیرسید کاین	۷۷ ، ۱۱	ز کین سیاوش توداری	۱۱۵۵ ، ۱۳b
ز کردان برآمد یکی	۱۲۳۴ ، ۴۲	ز کین سیاوش چهارم سخن	۱۲۷۳ ، ۱۳f
ز کردان بگرد اندرش	۸۰۵ ، ۱۲c	ز کین نوآیین و کین کهن	۳۵۰۹ ، ۴۳
ز کردان بیدار دلده هزار	۲۳۰۰ ، ۴۳	ز کین نیاکان بدل یاد کن	۴۹۸ ، ۵۰
ز کردان بیفکند چندی	۱۰۰ ، ۱۶	ز کینه باغریث پر خرد	۲۵۱ ، ۱۱
ز کردان جنگ آوران ده	۱۹۴ ، ۱۳g	ز کینه بدل گفت شاه یمن	۲۳۱ ، ۶
ز کردان جنگ آوران سی	۳۲۱ ، ۱۳g	ز کینه همه پاک دلخسته ایم	۱۷۱۹ ، ۱۳f
ز کردان جنگی بنالید	۸۴۵ ، ۱۳	ز کیوان همه نقشها تا بماه	۳۷۱۱ ، ۴۳
ز کردان جنگی و نام	۶۶۷ ، ۱۲d	ز گازر سخن هر چه بشنید	۲۵۲ ، ۱۷
ز کردان چو خشنود شد	۲۳۸۲ ، ۴۱	ز گاوان گرد و نکشان چل	۲۱۵۹ ، ۱۳g
ز کردان چو گودرز زور هام	۷۱۴ ، ۱۳	ز گاوان گرد و نکشان چل	۴۳۹ ، ۵۰
ز کردان چین نامداری	۲۳۸۴ ، ۱۵	ز گاوان گرد و نکشان ده	۱۷۵۸ ، ۱۳g
ز کرد اندر آمد بسان	۱۶۱۴ ، ۱۷	ز گاوان و رز و ز گاوان	۱۲۲۰ ، ۳۵
ز کرداندر آمد در قبی	۴۲۸ ، ۸	ز گاه بزرگی چوموی از	۴۶۰ ، ۵
ز کردان دوسد بادرفشی	۱۵۲۶ ، ۱۳f	ز گاه خجسته منوچهر باز	۲۱۶ ، ۸
ز کردان سرافراز بهرام	۱۲۰۶ ، ۱۴	ز گاه کیومرث تا این زمان	۳۹۱۸ ، ۴۱
ز کردان شمشیر زن ده	۷۲۳ ، ۱۳g	ز گاه منوچهر تا این زمان	۱۲۵۵ ، ۱۳g
ز کردان شمشیر زن سی هزار	۷۸۹ ، ۱۳b	ز گاه منوچهر تا این زمان	۲۷۴۹ ، ۱۳g
ز کردان فراوان برون	۷۹۷ ، ۱۳	ز گاه منوچهر تا کیقباد	۲۷۲۵ ، ۱۳g
ز کردان کسی دارد اورا	۳۶۶ ، ۱۳c	ز گاه منوچهر تا کیقباد	۳۰۰۳ ، ۱۳g
ز کردان کسی را ای نامتی	۴۳۴ ، ۱۳f	ز گاه منوچهر تا کیقباد	۲۶۵۴ ، ۱۵
ز کردان کسی مایه او	۱۱۶۷ ، ۱۲c	ز گاه منوچهر تا کیقباد	۳۴۹۵ ، ۱۵
ز کردان که رستم بداند	۹۲۰ ، ۱۲d	ز کرد آوریدن که یابد	۳۷۳ ، ۴۰
ز کردان کزین کردی	۵۲ ، ۱۳f	ز کردان ایران برآمد	۱۶۸۹ ، ۱۳

زگردون بسی سنگ بارید	۲۷۰ ، ۱۲	زگردان گزین کرد کلباد	۸۶۱ ، ۱۲c
زگردون گردان که یارد	۴۳۰۵ ، ۱۵	زگردان گیتی برآمد	۱۲۱ ، ۱۲g
زگردون نقابد بیاست	۷۴۵ ، ۳۵	زگردان نکهبان دژ شد	۲۲۰ ، ۱۲b
زگردون واز تینها شد	۱۷۹۱ ، ۱۵	زگردان نیاید کسی جنگ	۹۸۸ ، ۱۲c
زگرتو خورشید گریان	۵۲۸ ، ۱۲c	زگردان نیو وز آوای	۶۹۸ ، ۱۲b
زگرتش دل آسمان چاک	۱۰۶۲ ، ۱۲	زگردان واز رزم و کار	۹۸۹ ، ۱۲d
زگرتش هوا شد پیر از چاک	۱۵۵ ، ۱۱	زگردان و گردنکشانی	۱۶۷ ، ۱۲g
زگرتش سوز آمد ترا بد برو	۲۵۹۷ ، ۱۲d	زگردان و گردنکشان صد	۳۱۰ ، ۱۲g
زگرتش سوز آن خنجر	۲۶۲۴ ، ۱۲d	زگرد دلیران جهان تار	۳۹۴ ، ۸
زگرتش سوز و جهنم پرسید	۱۳۸۴ ، ۱۳g	زگرد سپه چرخ شد ناپدید	۳۸۶ ، ۳۰
زگرتش سب تا نیرم نامدار	۴۲ ، ۷	زگرد سپه روشنایی نماند	۱۴۵۸ ، ۱۲b
زگرتش سب شه مانده بد	۹۵ ، ۱۰	زگرد سوار ابر بر باد	۶۹۸ ، ۱۲c
زگردگان بسیاری و آمل	۲۹۳ ، ۴۱	زگرد سواران جهان تار	۴۶۳۴ ، ۱۵
زگردگان پیامد بشهر	۱۵۳۵ ، ۳۵	زگرد سواران نبود آفتاب	۱۰۳۹ ، ۱۲c
زگردگان پیامد سوی راه	۳۶۵ ، ۵۰	زگرد سواران و آوای	۱۱۱۳ ، ۶
زگردگان چو استای بزدان	۱۸۳۶ ، ۴۲	زگرد سواران واز پرتیر	۱۰۳۳ ، ۱۳
زگردگین بنخواهی مگر	۲۴۹ ، ۱۳e	زگرد سواران واز بوزو	۷۲۹ ، ۱۲b
زگردگین پس آنکه سخن	۴۹۱ ، ۱۲e	زگرد سواران و جوش	۹۰۰ ، ۳۱
زگردگین چنین بد که بر	۱۱۳۲ ، ۱۳e	زگرد سواران و زخم	۳۷۳ ، ۱۲c
زگردگین دهد داد من شهر	۵۴۶ ، ۱۳e	زگرد سواران هوا بست	۹۶۵ ، ۶
زگردگین سخن رفت باشهر	۸۷۹ ، ۱۳e	زگرد سواران هوا بست	۱۸ ، ۱۲b
زگردگین سخن سر بسر خیره	۵۲۱ ، ۱۳e	زگرد سواران هوا شد	۴۶۹ ، ۳۰
زگستردنیها شروار	۱۶۷۴ ، ۱۲d	زگردش هوا گشته چون	۷۰ ، ۱۲b
زگستردنیها واز بوی و	۱۹۸۹ ، ۱۲d	زگردنده خورشید تا تیره	۶ ، ۱۲b
زگستردنیها واز بیش و	۵۵۲ ، ۱۲e	زگردنده هفت اختر اندر	۳۱۳۸ ، ۲۱
زگستردنیها واز تخت	۲۲۷ ، ۱۲d	زگردن کشان اوهمال	۱۳۰۳ ، ۳۱
زگستردنیها وادیبای چین	۲۱۵۸ ، ۱۳g	زگردنکشان پیش اورفت	۱۲۶۴ ، ۱۲
زگستردنیها وادیبای روم	۱۵۹۴ ، ۴۳	زگردنکشان چشم بد دور	۷۰۵ ، ۱۲b
زگستردنیها و هم بنده نیز	۲۵۱ ، ۳۴	زگردنکشان لشکری	۱۲۵۳ ، ۱۲b
زگستردنی هم ز پوشیدنی	۹۰۲ ، ۱۳e	زگردوز شب آسمان تیره	۱۳۸۱ ، ۱۲b

ز گفتار او شاد شد شهریار	۱۸۳۰ ، ۳۵	ز گسته هم بیژن سخن یاد	۲۵۲۳ ، ۱۳۴
ز گفتار او شاد شد شهریار	۲۷۶۴ ، ۴۱	ز گسته هم شایسته تر در	۱۶۰۹ ، ۴۳
ز گفتار او شاد شد شهریار	۳۷۰۸ ، ۴۱	ز گسته هم ورستم خیر یافت	۱۰۳۹ ، ۱۳g
ز گفتار او شاد گشت ارد-	۲۷۸ ، ۲۲	ز گشته اسپوار جاسب بیتی	۱۵۵ ، E
ز گفتار او شاه خشنود	۱۶۲۲ ، ۳۵	ز گشته اسپوار جاسب بیتی	۱۱ ، ۱۵
ز گفتار او شاه خشنود	۵۸۹ ، ۴۲	ز گفتار آنکس شدی بنده	۲۹۳۷ ، ۱۵
ز گفتار او شاه شد بد گمان	۶۰۶ ، ۱۲d	ز گفتار اختر شناسان نشان	۸۸۶ ، ۱۲e
ز گفتار شاه شد بد گمان	۱۳۷۲ ، ۴۲	ز گفتار او انجمن خیره	۱۲۲۴ ، ۴۱
ز گفتار او شد رخ رای زرد	۲۸۴۴ ، ۴۱	ز گفتار او انجمن شاد	۴۵۲۳ ، ۴۱
ز گفتار او گردیه گشت	۳۰۶۷ ، ۴۳	ز گفتار او پاسخ آرد بمن	۲۸۱ ، ۱۳
ز گفتار او گشت بهرام زرد	۱۲۷۲ ، ۴۲	ز گفتار او تنگدل شد شناد	۴۴۴۱ ، ۱۵
ز گفتار او گیور ادل بنخت	۶۲۷ ، ۱۲c	ز گفتار او تنگدل شد قباد	۲۵۸ ، ۴۰
ز گفتار او ماند اندر شکفت	۲۰۳۵ ، ۱۵	ز گفتار او تنگدل گشت	۴۲۴۶ ، ۴۱
ز گفتار او ماند خسرو	۱۱۴۹ ، ۴۳	ز گفتار او تیز شد شهریار	۲۰۶۲ ، ۱۵
ز گفتار او ماند شکل	۲۳۷۸ ، ۳۵	ز گفتار او تیز شد گر کساره	۱۵۲۴ ، ۱۵
ز گفتار او مهربانی بود	۲۷۲ ، ۱۲d	ز گفتار او تیز شد مرد	۵۶۸ ، ۱۲
ز گفتار او ویژه گریان	۶۲۵ ، ۴۴	ز گفتار او تیز اشکر بر اند	۲۰۱۶ ، ۱۵
ز گفتار او هیچگونه نکرد	۳۱۲۲ ، ۴۳	ز گفتار او چند منذر	۳۰۹ ، ۳۴
ز گفتار او هیچ مپرا کنید	۳۶۸ ، ۴۰	ز گفتار او چون غمی گشت	۴۴۷۶ ، ۴۱
ز گفتار ایرانیان پس خیر	۱۴۰۳ ، ۱۳g	ز گفتار او در شکفتی بماند	۱۱۳۹ ، ۴۳
ز گفتار ایشان دلش تازه	۳۲۶۸ ، ۱۳g	ز گفتار او رخ بر افروخت	۱۰۸۳ ، ۱۲e
ز گفتار ایشان دلش گشت	۶۲۴ ، ۲۱	ز گفتار او رستم آمد بشور	۴۴۹۸ ، ۱۵
ز گفتار ایشان دل شهریار	۶۰۷ ، ۲۱	ز گفتار او شاد تر شد	۱۸۱ ، ۴۰
ز گفتار ایشان مکن هیچ	۳۳۶۰ ، ۴۳	ز گفتار او شاد شد ساوه	۶۳۹ ، ۴۲
ز گفتار این مرد اختر	۳۳۵۴ ، ۴۳	ز گفتار او شاد شد شاه	۲۲۲۸ ، ۳۵
ز گفتار بد شد دل کعبه	۴۲ ، ۴۰	ز گفتار او شاد شد شهریار	۲۴۲ ، ۱۲d
ز گفتار بد گوی بر ما	۱۳۷ ، ۴۴	ز گفتار او شاد شد شهریار	۱۹۷۴ ، ۱۲d
ز گفتار بد گوی و زینت	۱۸۵۶ ، ۱۲d	ز گفتار او شاد شد شهریار	۸۸ ، ۱۳b
ز گفتار بد گوی و ز نام	۱۱۳ ، ۱۳b	ز گفتار او شاد شد شهریار	۱۸۵۸ ، ۱۳g
ز گفتار بد گوی و نام	۵۱۶ ، ۴۲	ز گفتار او شاد شد شهریار	۸۴ ، ۳۰

ز گفتار هر دو پشیمان شد	۳۷۳ ، ۴۴	ز گفتار بیداد اندگان	۱۲۹۱ ، ۴۳
ز گفتار یاوه نداری تو شرم	۶۰۸ ، ۱۳b	ز گفتار بیژن بنخندید	۳۸۳ ، ۱۳۴
ز گفت بد آموز جوشان	۲۹۵۸ ، ۴۱	ز گفتار چون سیر شد تهمتن	۷۲۳ ، ۱۲c
ز گفت پدر بیژن آشت	۹۶ ، ۱۳e	ز گفتار خامش چرا ماند	۱۶۳۰ ، ۴۲
ز گفت پدر مغز افراسیاب	۱۰۶ ، ۸	ز گفتار دهقان بر آشت	۳۷۹ ، ۴۱
ز گفت ستاره شمر جست	۲۵۳۶ ، ۳۵	ز گفتار دهقان کنون	۸ ، ۱۲d
ز گفت سیاوش بنخندید	۲۷۰ ، ۱۲d	ز گفتار دهقان یکی داستان	۲۲ ، ۱۲e
ز گفت گذشته پشیمان	۶۳۲ ، ۳۴	ز گفتار رستم دلیر جوان	۲۳۴ ، ۱۰
ز گفت گرزم آنچه بر ما	۱۳۸۶ ، ۱۵	ز گفتار زن گشت بهرام	۲۳۱۳ ، ۳۵
ز گل بهره من جز از خار	۳۴۳ ، ۷	ز گفتار شان خواهر پهلو	۱۶۷۱ ، ۴۲
ز گل هر یکی بر سرش	۴۵۹ ، ۳۵	ز گفتار شاه آمد اکنون	۲۹۸ ، ۸
ز گنج آنچه باید مدارید	۱۳۷ ، ۴۱	ز گفتار شد دانشمندی پیر	۱۸۳۲ ، ۳۵
ز گنج آنچه بایست شان	۲۵۵۲ ، ۳۵	ز گفتار فرزانه دل مرد پیر	۱۱ ، ۱۲
ز گنج بزرگ آنچه بد در	۴۴۰۳ ، ۱۵	ز گفتار فرغار چندی	۱۳۰۱ ، ۱۳c
ز گنج بزرگ افسر تازیان	۹۴۱ ، ۱۷	ز گفتار کسری سرافراز	۴۷۴ ، ۴۱
ز گنج تو آکنده تر گنج	۴۰ ، ۴۱	ز گفتار گر گین پس آنگاه	۵۵۰ ، ۱۳e
ز گنج جهاندار مهران	۲۵۲ ، ۳۴	ز گفتار گویا تواناشوی	۱۳۲۹ ، ۴۱
ز گنج جهاندار دینار	۴۰۵ ، ۳۵	ز گفتار مرد ستاره	۳۶۷۵ ، ۴۳
ز گنج جهان رنج بینش	۱۰۱ ، ۵۰	ز گفتار مردک همی کز	۲۶۱ ، ۴۹
ز گنگ سیاوخش گویم	۱۷۶۴ ، ۱۲d	ز گفتار مندر بر آشت	۴۲۳ ، ۴۱
ز گنجش ز بر جد نثار آور	۱۵۹۹ ، ۱۲e	ز گفتار من سرب بیچید نیز	۸۸۴ ، ۱۲
ز گنجش من ایدر شوم	۳۵۴۰ ، ۴۳	ز گفتار نیکو و کردار	۲۰ ، ۲۵
ز گنج شهنشاه برداشتی	۷۵ ، ۴۱	ز گفتار و دیدارورای و	۵۹۶ ، ۷
ز گنج شهنشاه کردند	۲۸۱۶ ، ۴۱	ز گفتار و کردار آن بد	۳۱۸ ، ۱۲b
ز گنج کهن تاج زر خواستند	۶۶۹ ، ۶	ز گفتار و کردار آن شوخ	۱۶۴۸ ، ۴۱
ز گنج من ایشان توانگر	۵۹۰ ، ۴۳	ز گفتار و کردار او گشت	۴۹۰ ، ۴۲
ز گنج نهان کرده در کوه	۵۰۴ ، ۲۰	ز گفتار و کردار این روز	۴۴۰۹ ، ۴۱
ز گنج نیاکان مرا هر چه	۴۴۳ ، ۱۳g	ز گفتار و کردار و از	۶۴۴ ، ۱۲d
ز گنجور خود جامه نو	۱۸۰۱ ، ۱۵	ز گفتار ویران نکردد	۳۸۹۹ ، ۴۱
ز گنجور و دستور بستند	۹۵ ، ۳۰	ز گفتارها پوزش آورد پیش	۱۵۷۵ ، ۱۲b
ز گنج و ز تاج و ز تخت و	۱۷۲۸ ، ۷	ز گفتارهای چنین شرم دار	۵۳۵ ، ۴۳

ز گوینده پرسید گاین	۱۶۰۵	۲۰	ز گنج وز تخت و ز تاج و	۱۱۴۳	۱۲
ز گیتی پیش منکندر شد	۱۵۴۵	۲۰	ز گنج وز تخت و کلاه و	۱۰۱۹	۱۲b
ز گیتی بدیندار او شاد بود	۱۹۰	۱	ز گنجی که جمشید بنهاد	۵۶۳	۳۵
ز گیتی برآمد سراسر	۶۹۳	۳۴	ز کند آوران سرخه را پیش	۱۷۹	۱۲e
ز گیتی برادر ترا گنج	۶۱۷	۱۳	ز گنگ گزین راه چین بر	۱۸۶۲	۱۳g
ز گیتی برادر تویی شاه	۲۰۷۵	۱۲d	ز گودرز بشنید طوس این	۶۴۳	۱۳b
ز گیتی بر او نام و کام اندک	۱۳۸۸	۱۳g	ز گودرز بگریخت شد	۲۰۲۳	۱۳f
ز گیتی بمردی تو بستنی	۸۵۵	۴۳	ز گودرز چون آگهی شد	۴۹۳	۱۳b
ز گیتی بهر سو که لشکر	۵۲۸	۴۱	ز گودرز چون خواست	۲۱۳۵	۱۳f
ز گیتی بیزدان پناهد و	۱۰۲۰	۳۵	ز گودرز خواهد سپه زینهار	۲۱۴۰	۱۳f
ز گیتی پرستنده فرد نصر	۲۳۵	E	ز گودرز دارد همانا نژاد	۷۰۰	۱۳
ز گیتی پناه ترا بر گزید	۱۲۴۹	۱۳g	ز گودرز دستوری جنگ	۴۸۹	۱۳f
ز گیتی ترا داده شاهی خدا	۱۵۷	۱۵	ز گودرز از طوس و از	۶۹۰	۱۳e
ز گیتی ترا شادمانیست	۲۹۰۴	۱۲d	ز گودرز و بهرام و زریونیز	۹۸۳	۱۳c
ز گیتی تو خشنودی شاه	۱۴	۳۹ ^e	ز گودرز و ز مهتران سپاه	۸۲۸	۱۳f
ز گیتی جهان آفرین بر تر	۲۸۱	۵	ز گودرز زیان آن کجا بهتر	۶۰۲	۱۳b
ز گیتی چو بر خاست آواز	۳۴۶	۲۱	ز گودرز زیان روز جنگ	۴۵۶	۱۳c
ز گیتی چو بهرام جنگی	۱۸۷۱	۴۲	ز گودرز زیان ما بدویم	۷۱۹	۱۳
ز گیتی خور و بخش و پیمان	۹	۱۹	ز گور زیان من جگر خسته	۷۷۸	۱۳b
ز گیتی دگر هر که درویش	۱۶۳۷	۳۵	ز گودرز زیان مهتر و بهتر	۹۱۸	۱۲c
ز گیتی دو بهره بر او گشت	۴۳	۱۳e	ز گودرز زیان هر که بد	۳۰۲۰	۱۳g
ز گیتی دو چیز است جاوید	۲۴۹۸	۴۱	ز گودرز زیان هشت تن	۱۶۷۱	۱۳
ز گیتی زبون تر کس او را	۴۱۰۱	۴۱	ز گودرز زیان هیچ غمگین	۸۷۳	۱۳b
ز گیتی زیانکار تر کار	۱۸۱۳	۳۵	ز گور و ز غم و ز آه و جهان	۶۷۸	۳۵
ز گیتی زیانکار تر کار	۴۴۶۹	۴۱	ز گوهر که پر مایه تر	۸۴۸	۱۲e
ز گیتی زیان کرده ما را	۴۲۷	۶	ز گوهر مراد ردل اندیشه	۲۲۴۵	۱۲d
ز گیتی ستمکاره را دوردار	۸۵۵	۱۳g	ز گوهری من گشت افروخته	۲۳۸	۶
ز گیتی سراسر بر آید	۲۴۲۹	۱۲d	ز گوینده بپذیر به دین او	۵۱	۱۵
ز گیتی کجا بهتر آید	۴۴۶۲	۴۱	ز گوینده بشنید کاووس	۱۰۶	۱۲b
ز گیتی کرا گوی آید	۲۳۶۳	۱۲d	ز گوینده بشنید خسرو	۱۵۷۲	۱۳g

ز لشکر برآمد سراسر	۸۳۷	۶	ز گیتی گزین کن یکی	۷۲۶	۱۴
ز لشکر برآمد سراسر	۱۳۸۳	۱۲c	ز گیتی مبیناد جز کام	۲۰۶۸	۲۰
ز لشکر برآمد سراسر	۶۱۴	۲۰	ز گیتی مرا بهره این بد	۱۸۶۳	۲۰
ز لشکر برآمد سراسر	۱۹۱۵	۲۰	ز گیتی مرا شور بختیست	۱۰۱۴	۱۳b
ز لشکر بر ازش کس آگاه	۱۹۴۸	۳۵	ز گیتی مرا اورا ستایش	۸۶۵	۱۳g
ز لشکر بر پهلوان پیش	۹۲۵	۱۳b	ز گیتی نبیند جز از کاستی	۹۶۴	۱۲d
ز لشکر بر شاه شد خبره	۲۰۱۷	۴۳	ز گیتی هر آنکس که او	۱۳۰۰	۴۲
ز لشکر بر رفتند آزادگان	۷۷	۱۳	ز گیتی هر آنکوبی آزار	۱۸۲۲	۳۵
ز لشکر بر رفتند مردان	۴۲۵	۱۹	ز گیتی همه کام دل یافتی	۷۹	۲۲
ز لشکر بر رفتند نزدیک	۱۴۴۲	۴۲	ز گیتی همه نوش بودیت	۱۱۱۷	۱۳e
ز لشکر برون تاخت برسان	۲۸۸	۱۲c	ز گیتی همی پند ما در فیوش	۲۶۹۲	۱۵
ز لشکر بسی زینهارى شد	۲۹۵۸	۴۳	ز گیتی هنرمند و خامش	۶۴۷	۱۲d
ز لشکر بسی کشته و کوفته	۸۶	۴۶	ز گیتی یکی باز گشتن	۱۵۰۸	۴۱
ز لشکر بسی نامور گرد	۳۰	۱۳c	ز گیتی یکی بهره اورا	۱۸۷۰	۴۲
ز لشکر بسی نوز بی کار	۷۲۵	۴۲	ز گیتی یکی پور بودم	۵۴۰	۱۳e
ز لشکر بشد تا بجای	۱۳۱۴	۱۳g	ز گیتی یکی دخمه شان	۲۶۱۳	۴۳
ز لشکر بلشکر دو فرسنگ	۱۶۰	۱۰	ز گیتی یکی غار بگزید	۲۳۰۸	۱۳g
ز لشکر بیاری سوارى	۹۹۸	۲۰	ز گیتی یکی کنج مارا	۸۷۳	۱۴
ز لشکر بیامد بر او تزاو	۱۷۹۶	۱۳	ز گیتی یکی گوشه اورا	۲۰۸	۴۳
ز لشکر بیامد بکردار	۲۵۴	۱۳b	ز گیلان براه مداین	۴۱۱	۴۱
ز لشکر بیامد سپیده دمان	۸۲	۱۹	ز گیلان تباہی فزونست	۳۷۰	۴۱
ز لشکر بیامد هشیوار	۱۳۷۸	۱۲c	ز گیلان هر آنکس که	۴۰۱	۴۱
ز لشکر بیامد یکی رزم	۶۵۰	۴۲	ز گیل و ز دیلم بیامد	۳۵۴	۲۱
ز لشکر جهان دیدگان را	۷۷۱	۱۲b	ز گیو اربگویم بخسرو	۱۳۱۲	۱۲e
ز لشکر جهان دیدگان را	۵۸	۱۴	ز لاله شکیب و ز نرگس	۱۶۲۵	۱۵
ز لشکر جهان دیدگان را	۱۶۱۳	۱۳g	ز لفظ آن گزیند که کوتاه	۱۵۵۳	۴۱
ز لشکر جهان دیدگان را	۵۳۵	۴۱	ز لشکر ببین تا سزاوار	۱۵۷۳	۱۲e
ز لشکر جهان دیدگان را	۱۸۲۷	۴۱	ز لشکر بخوانیم چندی	۳۰۱۵	۴۱
ز لشکر چو گرداندر آمد	۱۱۷۸	۱۵	ز لشکر بخوانم داننده	۶۷۰	۵۰
ز لشکر چومن زینهارى	۹۳۲	۴۱	ز لشکر برآمد بر آسمان	۱۱۰۹	۴۲

ز لشکر خروشی بر آمد چو	۳۶۲ ، ۳۴	۱۲e	۹۲۲ ، ۱۲e	ز لشکر گزین کرد پیران
ز لشکر دو بهره شده تیره	۲۷۴ ، ۱۲	۱۲d	۱۲۸۵ ، ۱۲d	ز لشکر گزین کرد سیصد
ز لشکر ده و دوهزار دگر	۳۲۹۲ ، ۴۳	۴۳	۲۰۴۱ ، ۴۳	ز لشکر گزین کرد گند -
ز لشکر زبان آوری بر	۴۲۴ ، ۴۱	۱۵	۴۴۶۳ ، ۱۵	ز لشکر گزین کرد شایسته
ز لشکر زخویشان دو تن را	۹۷۲ ، ۱۳۴	۱۵	۲۶۷۹ ، ۱۵	ز لشکر گزین کن فراوان
ز لشکر سخنگوی ده بر	۱۹۹۸ ، ۴۱	۱۳g	۴۶۳ ، ۱۳g	ز لشکر گزینیم جنگاور
ز لشکر سرافراز چندان	۲۲۰۹ ، ۱۵	۱۵	۴۴۶۳ ، ۱۵	ز لشکر گزین کرد
ز لشکر سواران برون	۸۱۶ ، ۶	۴۳	۲۲۳۶ ، ۴۳	ز لشکر که آمد با زر
ز لشکر سواران که بودند	۱۶۰۳ ، ۱۳g	۳۰	۴۰۸ ، ۳۰	ز لشکر که آمد سوی
ز لشکر سواری مصور	۷۲۱ ، ۲۰	۶	۸۳۹ ، ۶	ز لشکر که پهلوان بردو
ز لشکر سه پر مایه را بر	۲۱۲۱ ، ۴۱	۲۰	۵۵۷ ، ۲۰	ز لشکر نینیم اسپ در دست
ز لشکر فرستادگان بر -	۱۸۶۹ ، ۱۳g	۴۲	۸۴۴ ، ۴۲	ز لشکر نگه کن برین رزم
ز لشکر فرستادن و خواسته	۱۶۹۶ ، ۱۳g	۱۳g	۱۶۷۲ ، ۱۳g	ز لشکر نیاراهمی جست
ز لشکر فرستاده ای بر	۳۳۴ ، ۴۱	۴۵	۹۲ ، ۴۵	ز لشکر نیارست دم زد کسی
ز لشکر فرستد پیشت	۴۳۵ ، ۱۳۴	۱۵	۶۴۷ ، ۱۵	ز لشکر نیارورد کس پای
ز لشکر کسانی که باید	۱۷۶۶ ، ۱۳	۱۴	۴۹ ، ۱۴	ز لشکر ورا بود سیصد
ز لشکر کسی کو بمردی	۵۵۶ ، ۴۱	۳۵	۹۰۷ ، ۳۵	ز لشکر هر آنکس که آن
ز لشکر کسی کو گریزد	۸۳۸ ، ۴۲	۱۳b	۹۴۵ ، ۱۳b	ز لشکر هر آنکس که آید
ز لشکر کمان کتر نبود	۲۰۴۳ ، ۴۱	۱۳g	۱۶۳۴ ، ۱۳g	ز لشکر هر آنکس که بد*
ز لشکر کند جنگجو انجمن	۹۸۶ ، ۱۲c	۱۴	۸۲ ، ۱۴	ز لشکر هر آنکس که بد*
ز لشکر کنون شیده را بر	۵۰۸ ، ۱۳g	۱۲b	۱۰۱۷ ، ۱۲b	ز لشکر هر آنکس که بد*
ز لشکر گر آیی بنزدیک	۳۱۵۷ ، ۴۱	۱۲	۱۱۲۳ ، ۱۲	ز لشکر هر آنکس که بد*
ز لشکر گزید از دلاور	۲۴۲ ، ۱۲c	۴۳	۲۲۶۵ ، ۴۳	ز لشکر هر آنکس که*
ز لشکر گزیدند مردی	۵۹۴ ، ۴۳	۱۳۴	۱۰۲ ، ۱۳۴	ز لشکر همه کشور آمد
ز لشکر گزین کرد بهرام	۶۰۳ ، ۴۳	۱۲d	۹۵۲ ، ۱۲d	ز لشکر همی خواست گرد
ز لشکر گزین کرد پس	۱۳۸۹ ، ۱۳g	۱۲d	۱۴۲۰ ، ۱۲d	ز لشکر همی هر کسی با تبار
ز لشکر گزین کرد پس	۱۰۹۳ ، ۲۰	۱۲	۸۵۰ ، ۱۲	ز لشکر یکایک همه بر گزید
ز لشکر گزین کرد پنجه	۱۶۲۰ ، ۱۳g	۴۲	۱۷۸۴ ، ۴۲	ز لشکر یکی پهلوان

(* ستاره در سطر اول و دوم بجای «پیشرو» و در سوم بجای «جنگناز»

و در چهارم بجای «زورمند» و در پنجم بجای «هنگام» آمده است

ز مادر همه مرگرازاده ایم	۱۷۱ ، ۱۳	ز لشکر یکی مرد بگزید	۴۳۷۶ ، ۳۱
ز مادر همه مرگرازاده ایم	۲۵ ، ۱۳c	ز لشکر یکی مرزبان بر	۴۲ ، ۱۸
ز مادر همه مرگرازاده ایم	۱۰۷۲ ، ۱۳c	ز لشکر یکی نامور بر	۲۰۱۳ ، ۱۳g
ز مادر همه مرگرازاده ایم	۱۱۲۵ ، ۴۲	ز لشکر یکی نامور بر	۱۸۳۲ ، ۳۱
ز ماد و برادر مدارید چشم	۲۱۷۱ ، ۱۳۴	ز لعل و ز فیروزه چندی	۲۱۲۴ ، ۱۵
ز ماده مبارز و زایشان	۱۷۱۷ ، ۱۳۴	ز لهر اسپ آید بدین سان	۲۶۸۶ ، ۱۳g
زمازندران مهتران را	۱۱۶۷ ، ۱۲	ز لهر اسپ داردهما نا ترا د	۲۸۴۵ ، ۱۵
زمازندران هدیه این	۱۲۱۳ ، ۷	ز لهر اسپ شاه آن پرستنده	۱۲۷۶ ، ۱۵
زمازندران هر چه دید و	۹۸۱ ، ۱۲	ز لهر اسپ و از کین فرشید	۱۵۸۰ ، ۱۵
زمازندران یاد هرگز	۵۹ ، ۱۲	زما ایزد پاک خشنود باد	۴ ، ۳۳
زما کس نباشد از این پس	۲۴۱۰ ، ۳۵	زما ایمنی خواه و چاره	۵۱۸ ، ۲۰
زما مایه گیرد که خود زور	۴۲۷ ، ۱۲c	زما این نه گفتار آرایش	۷۵۹ ، ۴۲
زما مهتر آزرده شد بی	۱۶۰۴ ، ۴۲	زما باد بر جان آنکس	۱۹۴۰ ، ۳۵
زمان آوریدت کنون پیش	۹۸۱ ، ۱۲e	زما باد بر جان او آفرین	۱۸۵۹ ، ۳۵
زمان تا زمان پیش من	۹۱۳ ، ۷	زما باد بر جان شاه آفرین	۲۴۹۸ ، ۱۵
زمان تا زمان دست بر یازد	۱۴۶۰ ، ۴۳	زما بر همه پادشاهان	۵۰ ، ۳۵
زمان تا زمان زو بر آید	۱۱۵۹ ، ۷	زما تا بود زنده یک نامدار	۱۹۷۰ ، ۱۵
زمان تا زمان زینش بر	۲۹ ، ۳	زما چون یکی گشت پیروز	۶۳۵ ، ۲۰
زمان تا زمان لشکر آید	۲۱۶۷ ، ۱۳۴	زما چین بیاور به مادر دهش	۷۰۲ ، ۱۲e
زمان تا زمان یک زد دیگر	۲۹۴۵ ، ۴۱	زما در بزادم بد انسان که	۸۰۴ ، ۷
زمان چون ترا از جهان	۴۶۴۴ ، ۴۱	زما در بزادم بینداختی	۱۲۰۳ ، ۷
زمان خواست زو نامور	۲۸۴۷ ، ۴۱	زما در پسر چون بدین	۵۷ ، ۷
زمان خواهم از کردگار	۴۴۱۰ ، ۴۱	زما در جدا شد چو طاووس	۱۲۲ ، ۵
زمان خواهم از نامور	۴۶۹ ، ۸	زما در جدا شد در آن چند	۵۵ ، ۷
زمان داد نام شاه را تا سه	۷۹۶ ، ۴۲	زما در چو بشنید طلحند	۲۹۹۱ ، ۴۱
زمانش چنان بد که بگشاد	۴۲۹۰ ، ۱۵	زما در سخن در پذیر و مرو	۲۷۳۳ ، ۱۵
زمانش همینست رسم و نهاد	۱۵۷۹ ، ۷	زما در نهره شمیران شهم	۵۸۰ ، ۳۳
زمان و را در که ان ساختم	۴۱۰۳ ، ۱۵	زما در هم از تخم افراسیاب	۲۸۳۲ ، ۱۳g
زمان و زمین آفرید و سپهر	۴۶ ، ۴۱	زما در هم از تخم ضحاک	۱۱۲۴ ، ۷
زمان و زمین دشمن شاه	۴۴۳ ، ۸	زما در همه مرگرازاده ایم	۶۰۷ ، ۸

زمانه چو ایندازین بندید	۲۷۲ ، ۱۳e	زمانه نوییان هر که بیدار	۱۱۲۱ ، ۴۳
زمانه چنان شد که بود از	۶۹۲ ، ۱۲b	زمانه بجایش کسی برگزید	۴۹۲ ، ۱۳e
زمانه چنان شد که بود از	۴۱ ، ۱۳e	زمانه پنجم آردت هر زمان	۳۲۵ ، ۴۳
زمانه چنین بود و بود آنچه	۴۱۲۱ ، ۱۵	زمانه بخوبی و را داد	۱۲۳۰ ، ۴۱
زمانه چو آید بتیگی فراز	۷۰۷ ، ۱۲b	زمانه بخون تو تشنه شود	۱۳۴۴ ، ۱۲c
زمانه چو او را ز شاهی	۱۸۰۱ ، ۴۱	زمانه بداد من آباد باد	۱۵ ، ۱۸
زمانه چو جنگ آمدش کار	۴۳۸ ، ۸	زمانه بدین خواجه سال خورد	۱۲۱ ، ۴
زمانه ز بد دامن اندر	۱۳۰۵ ، ۱۳f	زمانه بدینسان همی بگذرد	۱۳ ، ۳۷
زمانه ز تو پاک پرگاشت	۲۰۳۱ ، ۱۳f	زمانه بر آسوده از داوری	۵ ، ۴
زمانه زمانست چون	۵ ، ۵۰	زمانه بر آمد بهفتم سخن	۱۳۰۹ ، ۱۳f
زمانه سراسر بد و زنده یاد	۷۴ ، ۱۳g	زمانه برانگیختش با سپاه	۱۵۴۱ ، ۱۲c
زمانه سراسر بکام تو	۴۱۴۶ ، ۱۵	زمانه بر این سان همی	۳۷۶ ، ۱۲
زمانه سراسر پر از جنگ	۱۶۳ ، E	زمانه بر این نیز چندی	۲۲۳ ، ۱۴
زمانه سراسر فریست و	۸۲۸ ، ۱۳f	زمانه برد راست آن را	۳۹۴۵ ، ۱۵
زمانه شد از درد او پر	۴۶۰۸ ، ۱۵	زمانه برست از بد بد گمان	۳۶ ، ۳۸
زمانه شد از گرد چون پر	۱۵۶۲ ، ۳۵	زمانه برستی ز آشوب	۱۴۹۹ ، ۱۳
زمانه شود پر ز آشوب و	۲۱۶۷ ، ۷	زمانه برو دم همی بشمرد	۹۸۰ ، ۱۲e
زمانه فرود آرد او را ز	۱۸ ، ۴۵	زمانه بزهر آب داده است	۲۰۵۱ ، ۱۳f
زمانه نبشته دگر گوته	۹۳۶ ، ۱۲c	زمانه بشمشیر او تیره	۱۷۱۹ ، ۴۳
زمانه نخواهم با زارتان	۵۳۰ ، ۶	زمانه بشمشیر ما راست	۸۳ ، ۲۲
زمانه نخواهیم بی تخت	۳۴۶ ، ۵۰	زمانه بمردم شد آراسته	۷۵۴ ، ۷
زمانه ندادش بر آن بر	۶۹ ، ۴۱	زمانه بمردن بکشتن یکی	۱۶۹۷ ، ۱۳f
زمانه ندادش زمانی	۴۶ ، ۲	زمانه بنام وی آباد باد	۳۹۲۴ ، ۴۱
زمانه و را بد بهانه مرا	۱۱۷۴ ، ۱۳g	زمانه بیازید چنگال	۴۰۸۹ ، ۱۵
زمانه همانا شد از داسیر	۵۲ ، ۹	زمانه بی اندوه گشت از بدی	۴ ، ۶
زمانه همه زیر بخت منست	۱۸۸۸ ، ۱۳g	زمانه بیکسان ندارد درنگ	۹۴۷ ، ۶
زمانه همی تا خست با سپاه	۳۴۴۹ ، ۱۵	زمانه پر از رامش و داد شد	۱۶۵۵ ، ۳۵
زمانی بیاد و زمانی به میغ	۱۰۷۰ ، ۱۳	زمانه ترا ای کشانی براند	۱۶۷۴ ، ۱۳b
زمانی بیچید و رنجور	۹۵۳ ، ۷	زمانه ترا داد گفتم جواز	۱۹۸۹ ، ۲۰
زمانی بختند و بر خاستند	۱۰۵۹ ، ۴۳	زمانه جوان گردد از پند	۳۰۷۵ ، ۱۳g

زمانی غم پادشاهی خورد	۵۸۱ ،	۲۲	زمانی بنخجر زمانی بگوز	۸۷۶ ،	۱۲e
زمانی فرود آی و بگشای	۲۰۲۲ ،	۳۵	زمانی بدست یکی ناسزا	۱۰۷۱ ،	۱۳
زمانی نیکو بیها نگیرند	۸۷۶ ،	۴۱	زمانی بر آشوفت پس شهر	۶۱۴ ،	۳۰
زمانی که آنرا بیا بدستود	۴۴۶۴ ،	۴۱	زمانی بر آمد پدید آمد او	۹۵۳ ،	۴۲
زمانی میاسای از آموختن	۴۸۲ ،	۲۲	زمانی بر آمد چو آمد	۷۷۰ ،	۱۲d
زمانی نباشی بدل شادمان	۴۰۸۹ ،	۴۱	زمانی بر آن سان بر	۱۱۰۹ ،	۱۳c
زمانی نکرد او یله جای	۱۰۸۸ ،	۱۲	زمانی بر این سان همی بود	۷۰۶ ،	۱۵
زمانی نکردند دل را	۲۴۹۹ ،	۳۵	زمانی بشدهوش از آن رزم	۱۵۲۳ ،	۱۳c
زمانی فگه کرد و او را	۲۸۵۶ ،	۱۲d	زمانی بفلتید در خاک و	۹۴۰ ،	۶
زمانی همی با دل اندیشه	۱۸۳ ،	۱۲d	زمانی بکوشید با پور زال	۸۵ ،	۱۱
زمانی همی بار زهر آورد	۱۵۵۴ ،	۱۳c	زمانی بنخجیر تازیم اسپ	۱۸۴۳ ،	۴۲
زمانی همی برد مویش	۹۳۰ ،	۷	زمانی بیاید کز آنسان	۲۳۶ ،	۲۰
زمانی همی بود اسفندیار	۳۷۷۷ ،	۱۵	زمانی بیاید که پاکیزه	۲۲۹ ،	۲۰
زمانی همی بود ایزد گشسپ	۱۴۷۴ ،	۴۲	زمانی بیاید که درویش	۲۴۱ ،	۲۰
زمانی همی بود بر پیش	۴۱۲ ،	۴۴	زمانی بیاید که مردم	۲۴۵ ،	۲۰
زمانی همی بود در رة نژند	۱۹۲۱ ،	۴۲	زمانی چنین بود و بگشاد	۲۸۶۰ ،	۱۲d
زمانی همی بود بهرام دیر	۲۳۷۹ ،	۴۳	زمانی چو آهر من آید	۱۵۵۷ ،	۱۳c
زمانی همی بود تا یافت	۴۰۴۹ ،	۱۵	زمانی خروشید وزاری	۶۹۳ ،	۱۲e
زمانی همی بود در چنگک	۷۲۸ ،	۱۲	زمانی در آن دشت جولان	۳۵ ،	۱۱
زمانی همی بود بهراب	۸۱۴ ،	۱۲c	زمانی در اندیشه شد زال	۱۵۴۲ ،	۷
زمانی همی بود و خامش	۲۲۳۰ ،	۱۲d	زمانی دوید اسپ جنگی	۱۳۱۶ ،	۱۳
زمانی همی داشت بر خاک	۱۴۷۹ ،	۷	زمانی دهد تخت و گنج	۱۰۷۲ ،	۱۳
زمانی همی داشت تا شد	۶۹ ،	۱۳c	زمانی ز بینی نیامدش	۳۴۱ ،	۳۴
زمانی همی گفت بر ساوه	۹۶۷ ،	۴۲	زمانی بکنن نسا زد درنگ	۷۱۷ ،	۱۳g
زمانی همی گفت کاین روز	۹۶۶ ،	۴۲	زمانی سخن بشنو او را	۵۹۶ ،	۳۰
زمانی یکی باره تاج	۵۵۱ ،	۲۲	زمانی سرانگشت راهی	۹۶ ،	۷
زمانی ایران بر آرد	۵۷ ،	۱۲	زمانی سرو پایم اندر کمند	۱۱۴۶ ،	۱۲e
زمانی هر چه باید ز نیرو	۴۲۱۲ ،	۴۱	زمانی شود بر سوی میمنه	۱۰۷ ،	۴۳
زمانی هر چه پرسید پاسخ	۱۱ ،	۴۱	زمانی طهیدند در زیر	۳۲۱۰ ،	۱۳g
زمانی هر چه خواهی همه	۱۵۳۸ ،	۲۰			

زمردی و فر هنگ و دیدار	۳۲۰۱ ، ۱۵	زما هر زنی که گرايد بشو	۱۳۴۸ ، ۲۰
زمردی و گردی بماننگر	۱۷۳۷ ، ۳۵	زما هر که راهست پیروز	۱۸۰۶ ، ۱۳۴
زمر ز سپی جاب تا مر زروم	۹۱۵ ، ۱۳b	زما هر که از روزگار نبرد	۱۳۵۵ ، ۲۰
زمرزی کجا مرز خرگاه	۳۹ ، ۹	زما هر که پیروز گردد	۳۲۶۴ ، ۴۱
زمرغان همان آنکه بد	۱۳ ، ۳	زما هر که خواهد همه مهتر	۵۳۰ ، ۱۳c
زمرگ آن نباشد روان	۱۷۶۰ ، ۴۱	زما هر که یا بیدرهای بیجان	۷۷۳ ، ۱۳۴
زمرگ ای سیه بدی اندوه	۱۴۵۰ ، ۱۲c	زما هوی سوری دلش گشت	۴۷۵ ، ۵۰
زمرگ پدر شاد شد نوش	۷۵۶ ، ۴۱	زماهی بجام اندرون تا	۶۰۷ ، ۱۳e
زمرگ و زرو زبدا ندیشه	۲۵۲۶ ، ۳۵	زماهی بدیشان همه خورد	۱۲۰۴ ، ۲۰
زمریم نیاطوس پذیرفت	۲۲۱۵ ، ۴۳	زماهی بود مردمان را	۱۷۹۲ ، ۲۰
زمریم همی بود شیرین	۳۶۵۶ ، ۴۳	زماهی چو خورشید بنمود	۴۳۳۵ ، ۴۱
زمرزگ شنید این سخنها	۲۷۹ ، ۴۰	زمردان بتر آنکه نادان	۴۱۲۱ ، ۴۱
زمرزده چنان شاد شد پهلو	۲۰۹۴ ، ۷	ز مردان جنگی یکی	۴۱ ، ۵
زمرگان سرشکش برخ	۳۱ ، ۳۹	زمردان کرد اردر کارزار	۵۳۶ ، ۱۲b
زمرگانش بر بر همی خون	۳۸۲ ، ۴۴	زمردان گزین کرد از	۱۹۳۳ ، ۴۳
زمرگان فروریخت خون	۳۳۵۱ ، ۴۱	زمردان مرا و ترا چاره	۱۶۰۷ ، ۱۳
زمرستان بدی جای او	۲۳۶ ، ۴۲	ز مردان واز گنج واز	۶۵۶ ، ۱۳e
زمرستان که بودی که باد	۳۷۴۷ ، ۴۳	زمردان واز گنج و نیروی	۱۴۶۰ ، ۱۳۴
زمرستان و سرما پیش اندر	۱۱۹۰ ، ۱۳g	زمردان و اسپان آراسته	۱۰۵ ، ۱۳c
زمرستان و سرما و باد دمان	۷۱۱ ، ۳۵	زمرد بر او چار صد پاره	۱۰۶۶ ، ۲۰
زمرستی همان روز بازار ایستاد	۶۰۳ ، ۱۲c	زمرد خردمند بیدار تر	۲۹۳۳ ، ۴۳
زمرشک سیه کرده بر گل	۱۶۹ ، ۱۲b	زمردشکیبا پسر سید شاه	۲۶۱۹ ، ۴۱
زمرشک و ز کافور و زرین	۲۱۵۷ ، ۱۳g	زمردم زمین دید چون پر	۱۲۳۱ ، ۲۰
زمرشکوی زرین مرا خوا-	۵۳۴ ، ۴۴	زمردی ببخشای بر جان	۸۲۱ ، ۴۲
زمرشکوی شیرین بیامد	۳۶۰۰ ، ۴۳	زمردی که بودند با بخت	۱۸۶۰ ، ۱۳۴
زمرص آمدم با یکی کاروان	۱۰۵۰ ، ۴۳	زمردی نهیچید هرگز	۸۳۵ ، ۱۳c
زمرص و ز چین و زها ماور	۶۳۸ ، ۱۲c	زمردی نکرد او بدین	۴۴۷ ، ۲۱
زمرصی و چینی و از پارسی	۱۹۰۶ ، ۱۲d	زمردی نیارد کسی را	۲۷۲۴ ، ۱۵
زمرغز تو بگسست روشن	۲۵۹ ، ۴۳	زمردی واز فرۀ ایزدی	۱۴۳۰ ، ۱۲e
زمرگران شد آراسته تا	۴ ، ۱۲b		

۱۳۴۳ ، ۷	زمین جان و ز تو خواسته	۱۹۳۷ ، ۱۳g	زمکران طلایه پیامد بدشت
۱۳۴۹ ، ۱۳b	زمینشور خود بر زمین جای	۱۲۲۴ ، ۷	زمین آرزو خود همی خوا-
۱۲۵۰ ، ۷	زمین گر نبود بکیتی	۶۲۸ ، ۸	زمین آشکارا شود دشمنی
۲۶۷۰ ، ۱۳g	زمین گرنکویس و گرفت	۱۱۰۲ ، ۲۰	زمین ایمنی ترس در دل
۳۶۵۰ ، ۴۳	زمین گشت بدنام شیرین	۱۲۴۱ ، ۳۵	زمین باد بر شاه ایران درود
۲۵۳۵ ، ۱۳g	زمین مانده نام بدی یادگار	۶۶۹ ، ۴۳	زمین باز گشتند یکسر
۸۰۸ ، ۱۳f	زمین مکسل امروز توش	۱۶۲۴ ، ۱۳b	زمین بدره و هدیه زابل
۱۲۵۹ ، ۱۲c	زمین نام پنهان نبایدت	۸۹ ، ۳۰	زمین بدسخن نشنود گوش
۱۶۶۸ ، ۱۵	زمین نشنود شاه جز گفت	۳۹۲۵ ، ۴۱	زمین چو محمود گوید
۷۶۰ ، ۱۳b	زمین هر چه خواهی فزونی	۱۴۳۱ ، ۱۵	زمین بردل آزار و تندی
۱۰۰ ، ۱۴	زمین هر چه خواهی ندارم	۳۳۲۰ ، ۱۵	زمین بشنوای گرد اسفند
۳۱۶ ، ۱۲d	زمین هر چه خواهی همه	۷۶۹ ، ۴۱	زمین بشنو این داستان سر
۲۱۲ ، ۴۴	زمین هر چه گویند از آن	۱۹۴ ، ۱۵	زمین بشنو این راست نیکو
۳۲۴ ، ۴۴	زمین هر دو پند رود باشید	۲۵۲۹ ، ۱۳g	زمین بگسلد فرّه ایزدی
۲۵۰۴ ، ۴۱	زمین یادگارست چندین	۲۸۶۵ ، ۱۳g	زمین بود تیزی و نا بخردی
۲۹۵ ، ۱۷	زمین یادگاری بود این	۲۱۹۱ ، ۴۳	زمین بیش پیچی از آن کز
۱ ، ۱۲b	زمین بد بدین گونه دارد	۲۹۲۸ ، ۱۵	زمین پاسخ این بر باسفند
۲۳ ، ۱۲c	زمین بد بر آن گونه بردا-	۳۹۴ ، ۱۹	زمین پاک تن دختر من
۱۰۲۹ ، ۴۱	زمین بد چو بشنید بوزرچ-	۴۲۹ ، ۳۰	زمین تخت شاهی خرد دور
۳۳۶۵ ، ۴۳	زمین بد چو بشنید خسرو	۹۸ ، ۱۷	زمین جای مهرت بی اندیشه
۳۲۷ ، ۵۰	زمین بد شنیدستم این	۱۱۱۱ ، ۷	زمین چون بدیشان رسید
۳۵۰۲ ، ۴۳	زمین بد گمان بد که ترما	۹۶۹ ، ۱۲d	زمین چون خبر یافت افرا
۱۳۳ ، ۷	زمین سپیدش دل آری	۹۳۲ ، ۱۵	زمین خسرو آزار دارد
۱۷۳۲ ، ۴۱	زمین بود از آن پس پهرسید	۱۶۸۷ ، ۷	زمین خواست پیمان و دادم
۱۶۴۱ ، ۴۱	زمین بود بر در بزرگان	۳۲۸۸ ، ۱۳g	زمین داستان خواهی از
۱۶۴۴ ، ۴۱	زمین بود و از هر دو فرزند	۴۲۸ ، ۴۱	زمین تو کرداد یابی
۱۷۲۱ ، ۴۱	زمین بود و هر دو پسر یاد	۴۸۰ ، ۳۳	زمین چو بشنید از این
۳۱۶۰ ، ۴۱	زمین برادر ترا ننگ	۵۱۶ ، ۳۳	زمین چو شاه این سخنها
۴۲۳۹ ، ۴۱	زمین سبک داشتن ناسزا	۳۸۵ ، ۳۳	زمین گشاید سخن سر بسر
۱۱۷۶ ، ۴۲	زمین ترنه خوبست کردن	۱۵۶۵ ، ۴۱	زمین راستی هر چه دانی
۱۳۷۰ ، ۷	زمین اب گرد آوریده پیام		

زمین از تو گردد بهاران	۸۴۵ . ۱۲e	زمهران چو بشنید کید	۲۷۲ . ۲۰
زمین باغ گشت از کران	۱۷۰۶ . ۱۲d	زمهر دل او تو آگه تری	۲۰۲ . ۱۳f
زمین بر نتابد سپاه ترا	۳۶۸ . ۱۳g	زمهرش جهان را بودارج	۱۱۷۵ . ۴۱
زمین بر نتابد سپاه مرا	۱۹۹۲ . ۳۵	زمهرک یکی دختری ماند	۱۹۰ . ۲۲
زمین برومندو جای نشست	۴۰۷ . ۲۲	زمهر و خرد روی بر تافتی	۱۱۲۴ . ۱۳f
زمین بسترو پوشش از	۱۱۵۲ . ۲۰	زمهمان چنان شاد گشتم	۱۰۱۷ . ۳۵
زمین بسترو خاک بالین	۶۰۲ . ۶	زمهمان چو سیر آمدش	۳۴۹۱ . ۱۵
زمین بنده تخت عاج تو	۱۱۱۷ . ۴۱	زمی خوردن و بخشش و	۱۵۰ . ۲۲
زمین بنده و چرخ یار	۹ . ۷	زمیدان ببرند پنجه	۱۳۶۲ . ۴۲
زمین بنده و رخش گاه	۶۴۶ . ۱۲e	زمیدان بیامد بجای نشست	۵۳۹ . ۴۲
زمین بود در زیر دینای	۲۱۹ . ۱۲d	زمیدان بیکسو نهادند	۱۴۶۹ . ۱۲d
زمین بوس کرد و ثنا	۷۳۸ . ۱۳b	زمیدان چو بر خاست آوا	۳۳۹۲ . ۴۱
زمین بوسه داد آن زمان	۱۱۲۱ . ۳۵	زمیدان چو بهرام بیرون	۱۰۰۴ . ۴۳
زمین بوسه دادند هر سه	۲۴۶۸ . ۱۵	زمیدان خروشیدن گاو	۸۴ . ۳۹
زمین پایه تاج و تخت تو	۷۸ . ۱۳b	زمیرات بیزارم و تاج و	۶۳۰ . ۳۴
زمین پر خروش و هوا پر	۲۰۲۸ . ۴۱	زمیرات دشنام یابی تو	۹۱ . ۲۳
زمین پر ز آکنده دینار	۱۱۹۸ . ۳۵	زمیرین بهر گوهری	۴۷۵ . ۱۴
زمین پر ز جوش و هوا	۷۵۲ . ۱۳g	زمیرین کی آید چنین	۴۸۶ . ۱۴
زمین پر نیان و هوا مشکبو	۱۵۴ . ۱۳e	زمیرین و اهرن بر آشفت	۶۵۴ . ۱۴
زمین پوشد از نور پیراهنا	۸۳ . E	زمیرین یکی بود کهنتر	۴۷۲ . ۱۴
زمین تارو لشکر گهی	۲۸۰۲ . ۴۱	زمی مست قیصر بپرده سرا	۳۷۸ . ۳۰
زمین تازه شد کوه چون	۱۰۸۰ . ۲۰	زمی مست همواره خفته بد	۴۳ . ۴۶
زمین تان سراسر بسوزم	۱۷۵ . ۱۵	زمی گونه روی شان بر	۲۴۸۷ . ۱۵
زمین تان همه یا کویران	۱۷۹ . ۱۵	زمیلاد چون باد لشکر	۵۰۵ . ۲۰
زمین جنب جنبان شد از	۵۴۸ . ۲۱	زمین آمد از نعل اسپان	۲۸۴ . ۱۲e
زمین جنب جنبان شد و	۱۱۱۵ . ۷	زمین آن سپه را همی بر	۳۳ . ۱۸
زمین جنب جنبان هوا پر	۴۸ . ۲۳	زمین آنکه بالاست پهنا	۴۴۱ . ۴۱
زمین چادر سبز در پوشد	۵۸۵ . ۱۳e	زمون آهنین شد هوا	۴۷۲ . ۳۰
زمین چادر سنگ بالای	۷۳۸ . ۲۰	زمون آهنین کرده اسپان	۱۴۹۵ . ۱۳f
زمین چون بهشتی شد آرا	۲۸ . ۱۳	زمین ارغوان و هوا آبتوس	۱۸۳ . ۱۳b

زمین را از خون رنگ دیبا	۴۸۲ ، ۱۳g	زمین خشک شخی که گفتی	۷۷۶ ، ۱۲d
زمین را سراسر بمژگان	۴۱۸ ، ۳۰	زمین دیدرودابه بر پشت	۹۴۳ ، ۷
زمین را سراسر کنید	۶۴۴ ، ۱۳c	زمین را با باد کردن	۴۱۱ ، ۳۵
زمین راهمه سر بسر گشته	۳۲۳۳ ، ۱۵	زمین را ببخشید بر مهتر	۱۱۹۸ ، ۱۲
زمین راهمی دل بر آمد	۱۱۲۳ ، ۱۳f	زمین را ببوسید پس پهلوان	۲۴۰ ، ۷
زمین زو سراسر پر آشوب	۳۴۹۸ ، ۱۵	زمین را ببوسید پیران و	۲۸۴۴ ، ۱۲d
زمین زیر آن چادر قیر	۱۱ ، ۱۳e	زمین را ببوسید در پیش	۱۴۸۷ ، ۱۳
زمین سبز و جوی پر از	۷۰۹ ، ۱۲e	زمین را ببوسید در پیش	۴۷۶ ، ۱۳
زمین سر بسر سبز با داد	۱۱۹۷ ، ۷	زمین را ببوسید زال دلیر	۱۱۸۲ ، ۲۷
زمین سر بسر گشته و خسته	۴۱۵ ، ۱۲e	زمین را ببوسید گلشهر و	۱۶۸۴ ، ۱۲d
زمین سر بسر گفتی از آتش	۱۴۹۶ ، ۱۲e	زمین را ببوسید گیو دلیر	۱۳۱۵ ، ۱۳e
زمین سر بسر گفتی از جو-	۱۸۶۶ ، ۴۳	زمین را ببوسید و آمد	۵۳ ، ۵۰
زمین سر بسر لزه اندر	۳۰۹۶ ، ۱۳g	زمین را ببوسید و بر پای	۱۴۱۸ ، ۷
زمین سم اسپ و را بنده	۱۱۷۹ ، ۴۲	زمین را ببوسید و بردش	۴۰ ، ۵۰
زمینش بکام نیازان در ست	۱۹۳۵ ، ۱۵	زمین را ببوسید و بردش	۴۷۲ ، ۵۰
زمینش بگردند از زر	۸۳۳ ، ۱۵	زمین را ببوسید و بردش	۴۴۳ ، ۱۳
زمینش بدیبا بیاراستند	۸۱۳ ، ۳۵	زمین را ببوسید و پوزش	۷۲ ، ۶
زمین شد بزیر اندرش	۵۱۲ ، ۱۲	زمین را ببوسید و دل شاد	۷۴۳ ، ۱۲d
زمین شد بگردار چشم	۱۱۰۵ ، ۱۳b	زمین را ببوسید و کرد	۱۲۱۷ ، ۶
زمین شد بگردار دریای	۱۰۵۴ ، ۱۲	زمین را ببوسید و کرد	۱۴۷۳ ، ۷
زمین شد بگردار کشتی	۹۰۲ ، ۶	زمین را ببوسید و کرد	۲۱۰۳ ، ۱۳f
زمین شد ز رومی چو دریای	۲۰۰ ، ۱۷	زمین را بپر دازد از دشمن	۲۴۸۷ ، ۴۱
زمین شد ز نعل سواران	۳۶۹ ، ۱۲e	زمین را ببخیر بشوید همی	۲۳۸ ، ۱۲c
زمین شهر تا شهر بالای	۱۲۵۲ ، ۷	زمین را بدرانم اکنون	۱۰۷۸ ، ۱۳e
زمینش ز گرمی همی بر	۱۶۰۴ ، ۲۰	زمین را بدیبا بیاراستند	۱۹۱۴ ، ۱۵
زمینش همه صندل و جوب	۸۸۰ ، ۲۰	زمین را بر تخت اوداد	۱۵۷۱ ، ۱۵
زمین قار شد آسمان شد	۳۲۸۹ ، ۴۱	زمین را بگردار تا بنده	۲۷۰ ، ۴۱
زمین قیر گون کوه چون	۷۷ ، ۳۰	زمین را بکنند گرفتند	۵۴۲ ، ۳۵
زمین کرد ضحاک هر گف	۱۲۵ ، ۵	زمین را بلندی نبد جای	۵۲ ، E
		زمین را از خون باز نشنا-	۲۴ ، ۱۶

زمینها پراز کشته و خسته	۵۷۵ ، ۱۵	زمین کرده بدسرخ رستم	۱۱۹ ، ۱۱
زمینها چو دریا شد از خون	۱۵۵۵ ، ۱۳g	زمین کشانی و ترکان و	۱۶۶ ، ۱۵
زمین هشت فرسنگ بالای	۱۰۶۱ ، ۱۳g	زمین کوه آهن شد از میخ	۹۸۱ ، ۱۳g
زمین هفت فرسنگ لشکر	۱۱۱۸ ، ۱۳g	زمین کوه تا کوه پر خون	۴۹۰ ، ۱۲b
زمین هفت کشور بشاهی ترا	۸۱ ، ۲۲	زمین کوه تا کوه پر خیمه	۲۸۸۵ ، ۱۳g
زمین هفت کشور بشاهی ترا	۴۴۰ ، ۲۲	زمین کوه تا کوه جوشن	۳۲۱ ، ۸
زمین هفت کشور مرا گشت	۲۹۳ ، ۲۲	زمین کوه تا کوه جز خون	۱۹۰۷ ، ۱۵
زمی فیز تو شادمانی	۱۵۳۵ ، ۴۱	زمین کوه تا کوه لشکر	۱۹۳۱ ، ۱۳g
زمینی کجا آفریدون گرد	۱۷۶ ، ۱۱	زمین کوه تا کوه یکسر	۱۹۶۴ ، ۴۱
زمینی که آباد هرگز	۲۴۱۵ ، ۴۱	زمین کهستان و را داد	۱۴۳ ، ۱۲d
زمینی که اورا خداوند	۱۳۳ ، ۴۱	زمین گرد ببرد و بر	۹۰ ، ۱۳d
زمینی که بخشیده بودم	۸۲۸ ، ۱۲d	زمین گرد رخس ترا چاکر	۷۴۵ ، ۱۳b
زمینی که پیوسته مرز	۴۳۸ ، ۱۳	زمین گر گشاده کند راز	۳۱۱۷ ، ۱۳g
زنا آمده بدچه ترسی	۱۶۶۸ ، ۴۲	زمین گر گشاده کند راز	۸۰۸ ، ۴۱
زنا آمده کار دل را بغم	۳۹۶ ، ۱۳e	زمین گرم و نرمست و	۳۱۹۴ ، ۱۳g
زنا خوب کاری که اورا ند	۱۱ ، ۴۴	زمین گشت بی مردم و	۱۲۵۷ ، ۷
زنا خوردنش چشم تاریک	۴۶۶۰ ، ۱۵	زمین گشت پرسبزه و آب	۱۲۰۳ ، ۱۲
زنا خون همی ریختش آب	۳۳۵۳ ، ۱۵	زمین گشت جنبان چو ابر	۹۸۳ ، ۱۳g
زنادان بنا لدل سنگ و	۱۴۶۶ ، ۴۱	زمین گشت جنبانچو کشتی	۵۲ ، ۱۲b
زنادان که گفتیم هفتست	۱۳۱۳ ، ۴۱	زمین گشت روشنتر از	۵۳۰ ، ۱۲d
زنادان نیایی جز از به	۴۴ ، ۲۴	زمین گشت گردان و شد	۲۸۶ ، ۱۳b
زنادانی آمد گنهاری	۱۱۱۳ ، ۳۵	زمین گلشدا از خون گودرز	۱۲۷۰ ، ۱۳g
زنادانی و دانش و راستی	۲۵۱۴ ، ۴۳	زمین گلشن از پایه تخت	۷۱۲ ، ۶
زنادوستی راز پیدا کند	۲۱۱ ، ۱۲b	زمین لاله گون شد هوا	۱۴۹۸ ، ۱۳f
زن از بهم او گشت چون	۹۱۵ ، ۷	زمین نیلگون شده هوا پر	۴۸۳ ، ۱۳c
زن از حجره رفت و بایوان	۹۱۱ ، ۷	زمین و زمان بنده بد پیش	۳۷۶ ، ۱۹
زنا سفته گوهر سه دختش	۱۵۲ ، ۶	زمین و زمان پیش من بنده	۹۸۹ ، ۱۳c
زنا کردنی کار بر تافتن	۱۳۷۷ ، ۴۱	زمین و زمان خاک پای تو	۳۸ ، ۷
ز ناگاه دشمن بشمشیر	۳۸۸ ، ۱۵	زمین و زمان و مکان آفرید	۶۳۹ ، ۱۲e
ز ناگاه کردی بر آمد ز	۹۳۹ ، ۱۲e	ز مینو فرستاد زی من	۷۹ ، ۱۵

زن پیر گفتار ایشان شنید	۲۰۷۲ . ۴۳	زن پیر گفتارمیت آرزو	۲۰۷۷ . ۴۳	زن نالیدن بوق و بانگ سپاه	۲۱ . ۱۱	زناکه دولشکر بهم باز	۱۹۴ . ۱۷
زن چاره گر بستد آن نامه	۳۱۲۴ . ۴۳	زن جادو آواز اسفند	۱۸۳۷ . ۱۵	زن نالیدن بوق و بانگ سرود	۳۵۹۸ . ۴۳	زن نالیدن بوق و زنگ	۴۲۶۱ . ۴۱
زن چاره گر زود بردش	۳۲۶۹ . ۴۳	زن جادو از خویشتن شیر	۱۸۵۱ . ۱۵	زن نالیدن کوس با کرناى	۳۶۸ . ۱۳b	زن نالیدن نای و رود و سرود	۲۰۲۴ . ۱۲d
زن چاره گر زود بردش	۳۲۶۹ . ۴۳	زن چنگزن چنگ در بر	۱۰۱۰ . ۳۵	زن نام تو تا جاودان یاد باد	۱۱۸۹ . ۱۳c	زن نام تو کردم بسی جست	۱۲۵۸ . ۱۳c
زن خچیر دشتی، زمرغان	۱۱۴۶ . ۳۵	زن خچیر کوه و زنجیر	۴۵۲ . ۳۵	زن نام و نشان و گمان بر تر	۴ . E	زن نامردی و خواب ایرانی	۸۶۸ . ۱۳c
زن خچیر کامد سوی خانه	۸۶۴ . ۷	زن خچیر گشتاسپ زانسو	۳۷۵ . ۴	زن نامه بدین کار تندی ممکن	۲۵۵۳ . ۴۳	زن نامست تا جاودان زنده	۲۱ . ۵۰
زن خچیر و زواره	۲۸۷۹ . ۱۵	زن خچیر واز بزم و رامشگر	۱۶۱ . ۴۴	زن نامه فزون زان که بودی	۳۵۱۴ . ۴۱	زن نام وپیی اختر شاه بود	۲۳۴۹ . ۴۱
زن خچیر وازمی بیک سو	۳۳۴۹ . ۴۳	زن خچیر و کفک افکن و	۱۴۶ . ۱۰	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
زن خوبرخ پاسخش داد	۵۸۸ . ۴۴	زن خوبرخ را منش افزای	۱۵۰ . ۳۴	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
زن خوبرخ را منش افزای	۱۵۰ . ۳۴	زند بردر شهر خوارزم	۱۲۲ . ۱۳۴	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
زند بردر شهر خوارزم	۱۲۲ . ۱۳۴	زند بر سرت گرزۀ گاو	۱۰۴ . ۵	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
زند بر سرت گرزۀ گاو	۱۰۴ . ۵	زند خیمه زانکه بدان	۱۶۰ . ۱۳e	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
زند خیمه زانکه بدان	۱۶۰ . ۱۳e	ز نزدیک او باز خوانم	۱۱۵۲ . ۱۳۴	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک او باز خوانم	۱۱۵۲ . ۱۳۴	ز نزدیک ایشان سواری	۳۶۵ . ۲۰	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک ایشان سواری	۳۶۵ . ۲۰	ز نزدیک چون ترک	۶۶۸ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک چون ترک	۶۶۸ . ۱۳c	ز نزدیک دارا بهامد بروم	۴۲۹ . ۱۹	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک دارا بهامد بروم	۴۲۹ . ۱۹	ز نزدیک دانا چو بر گشت	۲۷۴ . ۲۰	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک دانا چو بر گشت	۲۷۴ . ۲۰	ز نزدیک قیصر بهامد	۴۸۴ . ۱۴	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک قیصر بهامد	۴۸۴ . ۱۴	ز نزدیک گرسوز آمد	۲۳۹۰ . ۱۲d	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c
ز نزدیک گرسوز آمد	۲۳۹۰ . ۱۲d			زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c	زن نام و نشانم چه پرسى	۹۷ . ۱۳c

زنوشیروان شاه فرخ نژاد	۴۵۷	۴۱	زنزدیک گودرز کشواد	۱۲۶۳	۱۳b
زنوشیروان شد دلشیر	۶۹۳	۴۱	زنسلم را کرد نام آرزوی	۲۸۸	۶
زن و کودک با ننگ بردا	۱۳۵۷	۱۳g	زنش هم چنان نیز بابوی	۷۹۷	۲۰
زن و کودک از شهر بیرون	۲۴۷۹	۱۳g	زن شیراز آن نامه شهر	۳۱۵۴	۴۳
زن و کودک را بیارم ز	۱۷۸	۱۵	زنظاره هر کس که دشنام	۸۷۸	۴۱
زن و کودک زینهار	۱۰۸۷	۶	زنملستوران پولادسای	۲۹	۱۱
زن و کودک نشان اسیر تو	۵۱۴	۳۰	زن فرخ پاک یزدان پرست	۷۵۵	۳۵
زن و کودک شان ببردند	۵۳	۱۸	زننظسمیه چوبها بر فروخت	۱۳۲۸	۱۳g
زن و کودک شان بدین	۲۶۱۴	۱۵	زن قیصر آن خانه را در	۱۹۷	۳۰
زن و کودک خردایرانیان	۲۷۹۷	۱۳g	زن کم سخن گفت آری	۷۲۲	۳۵
زن و کودک خرد با مرد پیر	۶۴۶	۴۱	زن کارران دید خیره بماند	۵۴	۱۷
زن و کودک خرد بردند	۴۳۰	۳۴	زن گازر از بیم زنهار	۱۱۳	۱۷
زن و کودک خرد و پیر و	۱۱۳۴	۱۳b	زن گازر از چیزش درهنما	۷۶	۱۷
زن و کودک رومیان برده	۳۳۶۰	۴۳	زن گازر از درد کودک	۴۵	۱۷
زن و کودک شهر ایران	۲۵۱	۱۹e	زن گازر او را چوپبوند	۴۲	۱۷
زن و کودک و بوم ایرانیان	۲۷۴	۴۴	زن کارزوشوی گوهر بهم	۲۴۳	۱۷
زن و کودک و پیر مردان	۱۷۴۸	۲۰	زن گازر و گازر آمد دوان	۳۱۲	۱۷
زن و کودک و خرد و پیر و	۹۵۱	۱۳b	زن گازر و گازر و مهره	۱۹۰	۱۷
زن و کودک و مرد با دستوار	۲۱۶	۱۲	زن مهتر از پرده آواز	۵۵۴	۴۴
زن و کودک و مرد گردد	۲۱۱	۱۹	زن نامبردار نامه بداد	۱۳۶۹	۲۰
زن و کودک و مرد و چندین	۱۰۶۲	۱۳g	زنندش بسی چوب تا تخم	۲۶۵۴	۱۲d
زن و گریه دیگر آغاز کرد	۱۵۴	۱۲d	زننده بدان سرو برداشت	۳۸۱۶	۴۳
زن و گنج و فرزند گشته	۱۳۶۱	۱۳g	زننده دگر گون بیاراست	۳۸۲۷	۴۳
زن و مرد از آن پس یکی	۳۷۸	۳۵	زننگ از دلیران بیالود	۵۹۳	۱۳۴
زن و مرد ایرانیان صد	۳۱۵۰	۱۳g	زن واژدها هر دو در خاک	۵۲۴	۱۲d
زن و مرد با کودک و چاربا	۳۴۶	۴۱	زن و خانه و چین بخشید	۲۶۶	۴۰
زن و مرد بود ایستاده بیای	۴۶۰۵	۱۵	زن و خواسته باید اندر	۲۹۱	۴۰
زن و مرد را از بلندی منشی	۱۶۵۸	۷	زن و زمره ادر دل اندیشه	۱۴۵	۸
زن و مرد و کودک و بامون شد	۱۷۰۷	۳۵	زن و زاده در بند ترکان	۳۶۷	۸
زن و مرد و کودک سر امر	۳۷۶	۳۵	زنوش آذر کرد و ز مهر نوش	۳۸۰۹	۱۵

زنيك و بد لشكر آگه بود	۱۵۰ . ۱۷	زنی با جوالی میان پر ز	۵۹۲ . ۴۲
ز نيك و بدیها بیزدان	۱۰ . ۳۳	زنی بود آرایش روزگار	۱۳۱ . ۵
زنيك وزبد آگهی داد	۵۶۰ . ۱۲e	زنی بود با او بیرده درون	۴۲۳ . ۱۲d
زنيكو سخن به چه اندر	۱۶۶ . E	زنی بود برسان گردی	۳۱۲ . ۱۲c
زنيكو گمان اندر آیم	۴۶۴ . ۱۳c	زنی بود بهرام یل را نه	۹۸۷ . ۴۳
زنيكي جدا مانده ام زین	۳۷۸ . ۱۹	زنی بود در اندلس شهریار	۷۱۹ . ۲۰
زنيكي دهش آفرین تو	۲۱۱ . ۱۳c	زنی بودش اندر خور و	۲۹۰۴ . ۴۱
زنيكي دهش بر تو باد	۵۹۴ . ۱۳e	زنی بود گشتا سپراهوش	۱۱۴۰ . ۱۵
زنيكي فرومایه را دور	۴۵۷۲ . ۴۱	زنی دید بر کتف او بر سبو	۶۹۲ . ۳۵
زنيكي می رهیز هرگز	۵۰ . ۴۲	زنی را ز تخم بزرگان	۱۶۲ . ۱۶
زنيم آنگهی رای هشیار	۱۷۶ . ۱۳e	زنی رنگ دشمن نکرد ایچ	۱۰۷۵ . ۶
زواره بیجاهی دگر در بمررد	۴۵۶۳ . ۱۵	زنی رنگ و از قبل و جادو	۱۶۵۳ . ۴۱
زواره بد این جنگ را	۱۹۳ . ۱۳g	زنی و بود مرد را راستی	۱۱۳۷ . ۴۱
زواره بدرد از بر زین	۹۸۶ . ۱۲b	زنی و ش دو نیمه شد دست	۲۰۲۱ . ۱۳f
زواره بدشنام لب بر گنادر	۳۶۸۴ . ۱۵	زنی و عمود اندر آمد بنم	۱۰۸۳ . ۱۲c
زواره بدو گفت کای نام	۴۱۷۳ . ۱۵	زنی و و آسودگی اسپو	۴۸۸ . ۴۲
زواره بدو گفت مندیش	۲۹۹۵ . ۱۵	زنی و ی اسپان و از زخم	۲۱۸ . ۱۲e
زواره پدیدار بد جنگ	۹۷۱ . ۱۲b	زنی و ی او پشت کردی	۱۰۳ . ۱۰
زواره بر آویخت با او	۹۷۳ . ۱۲b	زنی و ی خصمش بیرسید	۲۵۷۰ . ۴۱
زواره برانگیخت اسپ	۳۷۰۲ . ۱۵	زنی و ی شاه پور شاه اردشیر	۲۲۳ . ۲۲
زواره بس و نامور صد	۴۴۷۲ . ۱۵	زنی و ی شاهان و جنگ	۲۸۱۱ . ۴۱
زواره بفرمود تا هر چه	۳۵۴۲ . ۱۵	زنی و ی گردان دوال	۷۹۵ . ۱۳f
زواره بفرمود کاندر نهید	۳۶۹۴ . ۱۵	زنی و ی گردان گران شد	۲۹۴ . ۱۳b
زواره بگردار شیر ژبان	۴۲۶ . ۱۲b	زنی و ی گردان و زخم	۳۶۶۸ . ۱۵
زواره بیامد بر پیلتن	۱۴۱۶ . ۱۲c	زنی و ی گردنکشان تیغ	۲۹۲ . ۱۳b
زواره بیامد بر پیلتن	۱۴۳۲ . ۱۲c	زنی و ی زپیکان هوا تیره	۱۴۵۹ . ۱۳b
زواره بیامد بگردار	۸۵۲ . ۱۲b	زنی و ی نترسده از تیغ و	۱۲۵۹ . ۱۳c
زواره بیامد بنزدیک او	۳۵۳۹ . ۱۵	زنی و ی نیستان شد آورد	۸۸۰ . ۱۲e
زواره بیامد بنزدیک زال	۲۹۹۸ . ۱۵	زنی و ی اختر و گردش هور	۱۰۲۱ . ۱۳f
زواره بیامد خلیده روان	۱۱۹۵ . ۱۲c	زنی و ی کز سیاوش بماند دست	۸۰۵ . ۱۳b

زها ماوران بود صد ژنده	۳۹۱ ، ۱۲b	زواره پیامد زیشت سپاه	۳۶۹۵ ، ۱۵
زها ماوران دیوزادی ببر	۲۶۶۲ ، ۱۵	زواره پیامد سپه گرد کرد	۳۶۱۰ ، ۱۵
زها ماوران زان پس اندیشه	۴۱۳ ، ۱۲d	زواره پیامد سپیده دمان	۱۵۵۳ ، ۱۲c
زها مون بر آمد بکوه بلند	۱۳۹۸ ، ۱۵	زواره پیامد هم اندر زمان	۱۴۲۷ ، ۱۲c
زها مون بر آمد سوی دژ	۲۲۳۰ ، ۱۵	زواره بیاورد از آن سر	۳۶۸۰ ، ۱۵
زها مون بر مرغزار پرسید	۳۵۷۳ ، ۴۱	زواره پی رختی رخشان	۳۷۶۷ ، ۱۵
زها مون بکوهی بر آمد	۲۹۵ ، ۴۱	زواره تهمتن بر آن راه	۴۵۰۷ ، ۱۵
زها مون سپید چو بر	۱۴۱۵ ، ۱۳	زواره چو بشنید زو این	۵۰۶ ، ۱۲e
زها مون سوی او نهادند	۱۷۱۲ ، ۱۵	زواره چو ساغر بکف بر	۸۱۲ ، ۱۲b
ز هجرت شده پنج هشتاد	۹۵۳ ، ۵۰	زواره ز پیش برادر برفت	۳۷۷۶ ، ۱۵
زهای اسپان و آوای	۳۲۹ ، ۱۳b	زواره سپه را گذارد براه	۱۵۳۵ ، ۱۲c
زهای درندگان چنگ	۶۸ ، ۱	زواره فرامرز با او بهم	۳۱۷ ، ۱۳
زهر بدبادار کیهان پناه	۴۳۶ ، ۲۲	زواره فرامرز چون	۴۱۱۴ ، ۱۵
زهر بدبزال و برستم پناه	۱۹۸ ، ۱۲	زواره فرامرز راهم چنین	۲۶۴۵ ، ۱۵
زهر بد تو باشی مرا دستگیر	۱۰۸۴ ، ۱۳e	زواره فرامرز گریان شد	۳۸۳۳ ، ۱۵
زهر بد تویی بندگان را	۷۶۱ ، ۱۲	زواره فرامرز و دستان	۲۵۲۹ ، ۱۲d
زهر بد تویی پیش ایران	۸۲۶ ، ۱۳e	زواره فرامرز و دستان	۲۱۳ ، ۱۳e
زهر بر زنی مهتری را	۶۶۱ ، ۴۳	زواره فرامرز و دستان	۸۰۵ ، ۱۳e
زهر پیشه ای کارگر خوا	۲۵ ، ۱۸	زواره فرامرز و دستان	۲۶۶۷ ، ۱۵
زهر پیشه کار و زهر میوه دار	۱۹۹۹ ، ۷	زواره فرامرز و دستان	۲۸۲۹ ، ۱۵
زهر پیشه و رانجمن کرد	۱۸ ، ۴	زواره فرامرز و دستان	۳۷۸۹ ، ۱۵
زهر چاکه آمد فرستاد	۳۸۲ ، ۲۲	زواره، فرامرز و دستان و	۷۴۸ ، ۱۳e
زهر جامه تخته فرمود	۳۱۵ ، ۱۷	زواره گریبان بدرید	۴۲ ، ۱۲e
زهر جای پرسید و هر چیز	۱۳۰۴ ، ۱۲e	زواره همان و سپاهش	۴۵۶۶ ، ۱۵
زهر جای چندان غنیمت	۴۸۵ ، ۳۰	زواره همی رفت با پیلتن	۴۵۰۵ ، ۱۵
زهر جای رامشگران	۱۶۴۹ ، ۷	زواره یکی سخت سو کند	۵۱۱ ، ۱۲e
زهر جای روزی دهان را	۱۱۷۶ ، ۱۲	زواره یکی نیزه زد بر سر	۳۷۰۴ ، ۱۵
زهر جای کوه کتم دست	۶ ، ۱۳	زویران خروشی بگوش	۱۶۰ ، ۱۷
زهر چار پرسید بهرام	۴۷۷ ، ۳۵	زویران و آباد کرد آور	۵۷۱ ، ۳۵
زهر چش بپایست بودش	۸۲۴ ، ۱۵	زویسه بقارن رسید آگهی	۴۲۴ ، ۸

زهر سو برایشان کمین	۴۶۳۷ ، ۱۵	زهر چش بیرسم نکوید	۶۷۰ ، ۱۴
زهر سو بر رفتند کاریگران	۵۴۱ ، ۳۵	زهر چیز تنها چرا ماندی	۴۳۰ ، ۴۴
زهر سو پراکنده بی مر سپاه	۱۴۷۸ ، ۱۳g	زهر چیز چندا نکه اندازه	۳۵۳ ، ۱۲d
زهر سو چپ لشکر و دست	۵۹۷ ، ۱۳f	زهر چیز کان بود شایسته	۲۱۰۵ ، ۷
زهر سو خریدار بگشاد	۹۶۶ ، ۱۳e	زهر چیز کز من بخوبی	۱۶۸۸ ، ۷
زهر سو زبانه همی بر کشید	۵۵۱ ، ۱۲d	زهر چیز گنجی بیش اندر	۷۰۲ ، ۴۱
زهر سو ز بهر جها ندار شاه	۹۵۰ ، ۱۲e	زهر چیز گنجی بد آراسته	۳۴۳ ، ۱۲d
زهر سو سپاه انجمن شد	۱۸۸۹ ، ۱۲d	زهر چیز گنجی بفرمود	۱۳۵ ، ۱۲d
زهر سو سپه باز چیدارد شیر	۵۵۴ ، ۲۱	زهر خر گهی گلرخی	۲۵۴ ، ۱۲e
زهر سو سپه شد بر او انجمن	۲۲۸ ، ۱۲c	زهر دانشی داشتی بهره ای	۳۴۳۳ ، ۴۱
زهر سو سلاح و سپاه آوریم	۵۶۹ ، ۱۲e	زهر دانشی چون سخن	۳۶ ، E
زهر سوش بر سان دندان	۵۴۷ ، ۱۴	زهر دانشی زو پیرسید	۲۸۶۲ ، ۴۱
زهر سوش پویان بجستن	۴۵۲ ، ۱۳e	زهر دانشی موبدان	۳۴۲۸ ، ۴۱
زهر سو فراوان خریدار	۲۱۴۴ ، ۱۵	زهر در فراوان کشیدیم	۲۳۹ ، ۴۴
زهر سو فرستادگان نزد	۱۴۸۳ ، ۱۳g	زهر دوسپه بر فلک شد	۱۵ ، ۱۲b
زهر سو که آیی بدین بوم	۱۳۴۷ ، ۲۰	زهر دوسپه خاست فریاد	۲۹ ، ۹
زهر سو که بد نامورم هتری	۶۹۰ ، ۱۲d	زهر دو سخن چون بر این	۵۰۰ ، ۱۲d
زهر سو که بودش وسیله	۶۱۲ ، ۸	زهر دو طرف بر کشیدند	۷۴ ، ۱۲b
زهر سو که پویی بر اوراه	۱۷۹۳ ، ۱۲d	زهر دو غریوی بر آمد که	۱۱۲۱ ، ۶
زهر سو که جویی بدوراه	۴۲۵ ، ۱۳f	زهر سو بایوان او بنگرید	۳۷۱ ، ۵
زهر سو که خوانم بیاید	۱۱۹۲ ، ۱۳g	زهر سو بیاید فرستاد کس	۱۳۲ ، ۱۴
زهر سو که رفتی پرستنده	۴۶۶۱ ، ۱۵	زهر سو بتنگ اندر آورد	۱۴۱۸ ، ۱۳f
زهر سو همی جست بدخواه	۴۶۵ ، ۴۴	زهر سو بخوانیم بر ناو پیر	۳۳۸۴ ، ۴۱
زهر سو همی شد دمان و دنان	۱۱۷۱ ، ۱۲e	زهر سو بر آمد خروش سپاه	۱۵۳۷ ، ۱۴
زهر سو هیونی نکاور بتاخت	۴۶ ، ۱۰	زهر سو بر آمد خروش	۱۰۲۹ ، ۱۴
زهر شهر دورو بنزدیک	۲۲۵۴ ، ۱۳g	زهر سو بر آمد ز لشکر	۱۴۴ ، ۱۲e
زهر شهر زیبا پرستنده ای	۴۶۸ ، ۱۹	زهر سو بر او انجمن گشت	۱۶۴۱ ، ۱۲e
زهر شهر فرزانه و رای زن	۲۸۳ ، ۲۱	زهر سو بر او کردشدا انجمن	۲۰۵۲ ، ۷
زهر کام و هر خواسته بی نیاز	۹۳ ، ۶	زهر سو برایشان بگیرید	۶۶۲ ، ۱۲b
زهر کس پیرسید و شد	۳۷۵ ، ۱۲d		

زهر کس بره در سخن خوا	۱۷۱۱ . ۴۱	زهر گونه با هم همی ساختند	۲۷۸ . ۱۳g
زهر کس شنیدم که چو کان	۱۴۲۵ . ۱۲d	زهر گونه بودم ترار همنما	۱۲۶۵ . ۱۲c
زهر کس که پر سی بکام	۳۹۲ . ۶	زهر گونه تخم اندر افکن	۷۳۶ . ۳۵
زهر کس نهانش همی	۱۴۸ . ۲۲	زهر گونه را نیم یکسر	۲۱۶۴ . ۱۳f
زهر کس همه خواسته	۳۹۹۵ . ۴۳	زهر گونه رنگ اندر	۲۱۹۵ . ۱۲d
زهر کس بتوران زمین	۱۵۱۱ . ۱۲d	زهر گونه زور آزمودند	۸۱۲ . ۱۳f
زهر کشوری باژ نو	۱۴۳۸ . ۳۵	زهر گونه گفتند و پیران	۲۲۷ . ۱۳f
زهر کشوری برگرفتند	۱۸ . ۱۴	زهر گونه گفتند و خسرو	۱۳۸۶ . ۱۳g
زهر کشوری دانشی شد	۱۵۴۶ . ۲۰	زهر گونه گفتند و خسرو	۱۸ . ۴۳
زهر کشوری رنج و غم دور	۱۶۵۶ . ۳۵	زهر گونه گفتیم و پیر داختم	۴۳۳ . ۵۰
زهر کشوری کار داری	۲۵۶۳ . ۳۵	زهر گونه گونه در فشان	۱۲۰۷ . ۶
زهر کشوری گرد کن بخرد	۷۰ . ۵	زهر گونه گوهر بدو	۸۱ . ۱۳e
زهر کشوری لشکری	۱۳۰۱ . ۳۵	زهر گونه نیر نکها ساختند	۱۹۱ . ۱۴
زهر کشوری مردمی ژرف	۳۲۲ . ۴۱	زهر ماده ای بچه زاید	۱۵۲۲ . ۲۰
زهر کشوری مرزبانان	۲۵۷۳ . ۳۵	زهر مرز پیوسته شد باز	۴۲۶ . ۲۲e
زهر کشوری موبدان را	۳۶۶ . ۷	زهر مرز زهر کس که دانا	۱۷ . ۱۴
زهر کشوری موبدی سال-	۱۴۰ . E	زهر مرز مردان جنگی	۱۳۴۹ . ۱۳
زهر کشوری مهتران را	۲۰۱ . ۵	زهر مرز جو پیروز دلشاد	۱ . ۳۸
زهر کشوری مهتران را	۳۷۲۸ . ۴۳	زهر مرز همی بینم آهستگی	۲۳ . ۳۶
زهر کشوری نامور مهتر	۶۹۰ . ۱۲b	زهر موبدی نو سخن خوا-	۱۰۹۹ . ۴۱
زهر گونه از مرغ و از چار	۱۶۳ . ۴	زهر نیکویی بهرور بود	۷۴۵ . ۱۳e
زهر گونه ای چند نخچیر	۲۹۲ . ۱۴	زهرستی نشاست بر آب و	۶۶۶ . ۱۲e
زهر گونه ای داستا نهازد	۱۳۳۸ . ۴۳	زهرتاد بر نکند بر کسی	۹۲ . ۱۳g
زهر گونه ای رفت با او	۱۴۰۹ . ۱۲d	زهرتاد چون سالیان بر	۴۴۲۷ . ۴۱
زهر گرنه ای سود از آن	۳۴۷۰ . ۴۱	زهرتاد خون گرامی پس	۲۰۵۸ . ۱۳f
زهر گونه ای گنج آکنده	۱۳ . ۱۲	زهرتاد یکان کلاو و خر	۴۱۲ . ۳۵
زهر گونه ای موبدان	۲۱۱۳ . ۴۱	زهرتاد از آن پس پراکنده	۲۵۱۲ . ۱۳f
زهر گونه ای هست آواز	۶۳۷ . ۱۲b	زهرتاد وز رومت پز شک	۳۶۰ . ۱۹
زهر گونه با او سخن را	۷۶ . ۱۹	زهرتاد و ز سقلاب و جن و	۳۴۷۹ . ۴۳
زهر گونه با او سخن راند	۲۵۹ . ۱۳f		

زهند وزقنفور و خاقان	۲۱ ، ۱۹	زهیتمال وازاشکرغانفر	۱۹۲۵ ، ۴۱
زهندوستان تا در مرز	۱۹۰۴ ، ۳۵	زهیتمال و ترک و سمرقند و	۳۴۴۰ ، ۴۳
زهندوستان چند کار آگه	۵۹۲ ، ۲۰	زهیتمال وز کار خاقان	۱۸۹۸ ، ۴۱
ز هندوستان ساز رفتن	۲۴۴۹ ، ۳۵	زهیتمال و گردان آن	۱۸۸۸ ، ۴۱
زهندی و چینی و از بربر	۳۵۲۲ ، ۴۳	زهیتمالیان سوی اهواز	۱۷۳ ، ۴۰
زهنکام ارجاسپ و افراسیا	۱۳۱۷ ، ۴۲	زهیتالیان کودک و مرد	۱۸۸۳ ، ۴۱
زهنکام پیروز تا خوشنواز	۱۳۷۵ ، ۴۳	زهی چشم بندی که آن پر	۴۵۵ ، ۱۲c
زهنکام تور فریدون گرد	۳۲۹۰ ، ۱۵	زهیزم که بر باره دژ کشید	۲۲۲۰ ، ۱۵
زهنکام رزم منوچهر باز	۲۸ ، ۱۳۴	زهیزم یکی کوه بیند بلند	۲۶۶ ، ۱۳
زهنکام کاووس تا کیقباد	۲۰۰۶ ، ۳۵	زهیشوی بشنید گشتاسب	۱۴۹ ، ۱۴
زهنکام کسرای نوشیر	۳۴۳۳ ، ۴۳	زهیشوی قیصر پیر سد سخن	۶۵۰ ، ۱۴
زهنکام گلشاه تا یزدگرد	۴۴۱۲ ، ۴۱	زهیشوی و آن مهتر نامجو	۳۲۶ ، ۱۴
زهنکام کیقباد اندر	۱۲۴ ، ۱۶	زیاران بسی ماند و بس	۴۴۰۳ ، ۴۱
زهنک سیه دار و چنگ	۸۸ ، ۱۱	زیارانش گیو آنکھی نیزه	۱۶۰۳ ، ۱۳۴
زه و تیر بگرفت شادان	۲۳۷۷ ، ۴۳	زیاران یکی شیر جنگی	۲۰۷۷ ، ۱۲d
زهودج بر آمد یکی ماه	۱۶۸ ، ۱۲b	زیاقوت تاج و زیروزه	۴۵۲ ، ۱۲b
زهودج فرو هشته دیبا	۱۶۴ ، ۱۲b	زیاقوت جامی پرازمشک	۱۱۸۸ ، ۱۲
زهوشنگ تا نوذر نامدار	۵۸۴ ، ۳۵	زیاقوت رخشان دو انکشتر	۱۰۲۷ ، ۱۳c
زهوشنگ پرو تا بکاووس	۲۹۰۷ ، ۱۳g	زیاقوت سرخ از بر شرده	۱۷۶۲ ، ۲۰
زهوشنگ ماند این سده	۳۳ ، ۲	زیاقوت سرخ افسری بر	۱۲۱ ، ۳۰
زهوشنگ و جم و فریدون	۲۷۹۵ ، ۱۵	زیاقوت سرخست چرخ	۷۹ ، E
زهوشنگ و طهمورت	۲۵۲۳ ، ۱۳۴	زیاقوت مرتخت را پایه	۱۶۶۹ ، ۷
زهومان دل من بسوزد	۳۱۶ ، ۱۳c	زیاقوت و از تاج و انکشتر	۱۶۱۲ ، ۱۳c
زهومان گریزان بشد	۱۵۹۲ ، ۱۳	زیاقوت و از گوهر شاهوار	۲۰۲۰ ، ۲۱
زهومان و نستیهن چنگ	۹۵۲ ، ۱۳۴	زیاقوت و از گوهر شاهوار	۲۲۶ ، ۴۴
زهومان نویسه مرا خواستی	۲۰۳ ، ۱۳c	زیاقوت و الماس و از تیغ	۲۷۲۲ ، ۴۱
زهی بر کشیدند سر تا پیا	۹۱۸ ، ۵۰	زیاقوت و پیروزه شاهوار	۱۹۰۴ ، ۱۲d
زهی بر کمانش بر از جرم	۱۵۷۲ ، ۱۳b	زیاقوت و از گوهر شاهوار	۱۹۴۶ ، ۱۲d
زهیتال تا پیش رود برک	۱۰۵۱ ، ۴۲	زیانست رنجش همه هر چه	۱۲۷۹ ، ۳۵

زیزدان شناس آنکه آمد	۴۴ ، ۴۸	زیانکارتر چیز گفتی که	۴۱ ، ۴۵۰۵
زیزدان شناسد همی خوب	۴۱ ، ۱۳۸۲	زیان کسان از پی سود	۵۰ ، ۱۳۹
زیزدان شناس و زیزدان	۱۳e ، ۹۰۳	زیانهاز گفتارها شد ستوه	۴۱ ، ۳۰۴۳
زیزدان شناسید یکسر	۱۳g ، ۳۱۶۱	زیانی بود کان نیاید بکنج	۳۵ ، ۷۲۹
زیزدان نباشید کسی نا	۴۲ ، ۸۹۳	زیانی که آمد بر آن کشت	۴۲ ، ۲۵۷
زیزدان نیکی دهش کرد	۴۱ ، ۲۳۹۶	زیانیکه بودش همه باز داد	۴۲ ، ۱۵۴۰
زیزدان نیکی دهش یاد	۱۲e ، ۱۵۳۹	زیاجوچ و ماچوچ خسته	۲۰ ، ۱۵۱۵
زیزدان نیکی دهش یاد	۴۵ ، ۷	زیاجوچ و ماچوچ گیتی	۲۰ ، ۱۵۵۷
زیزدان و از روی من شرم	۵ ، ۳۴۴۷	زیزدان بترسد که داوری	۴۱ ، ۱۳۷۹
زیزدان و از لشکرش نیست	۴۰ ، ۹۳	زیزدان بترس و زما شرم	۱۶ ، ۱۱۵
زیزدان و از ما بدان کسی	۴۱ ، ۱۶۰	زیزدان بنخواهید تا هم -	۳۵ ، ۱۶۸۴
زیزدان و از ما بر آن کسی	۲۲ ، ۶۳۰	زیزدان بر آن شاه باد	۱۳g ، ۱
زیزدان همه آرزو یافتم	۱۳g ، ۲۵۲۳	زیزدان بر آن گونه دارم	۱۲d ، ۸۶۶
زیزدان همه خواندند	۶ ، ۴۰	زیزدان بود آنکه دارد	۴۱ ، ۱۵۸۴
زیزدان همی آرزو خوا -	۱۵ ، ۲۹۴۱	زیزدان بود زور ما خود	۱۳e ، ۴۰۳
زیزدان همی خواستم تا	۳۴ ، ۵۷۱	زیزدان بودشاد و پیروز	۴۱ ، ۳۹۳۵
زیزدان همی خواستند	۳۴ ، ۴۹۵	زیزدان بود نیکویی در	۱۹ ، ۲۷۷
زیزدان همی خواستی	۴۱ ، ۱۷۵۶	زیزدان پاک آن شکفتی	۲۰ ، ۱۴۳۶
زیک تن چنین زار و بیجان	۱۳e ، ۳۷۰	زیزدان پاکیزه خواهم	۱۳b ، ۷۰۷
زیک دست بیژن زیک دست	۱۳e ، ۱۵۲۷	زیزدان پذیرفتم این تاج	۴۴ ، ۲۰۵
زیک دست چون بر تر آبی	۱۲b ، ۶۶۶	زیزدان پذیرفتم این تخت	۴۳ ، ۳۵
زیک دست رستم بر آمدن	۱۳g ، ۱۶۳۶	زیزدان پرستنده بیزار	۴۴ ، ۲۵۷
زیک روی گیتی مراورا	۱۱ ، ۲۷۲	زیزدان ترا باد چندان	۳۵ ، ۲۲۸۷
زیکسویا بان بی آب و	۱۳ ، ۵۵۰	زیزدان چوشاه آرزوها	۱۳g ، ۲۴۶۴
زیکسو بیامد فراوان	۲۰ ، ۱۲۲۶	زیزدان زور آفرین، زور	۱۳e ، ۱۱۱۴
زیکسو ز کاوس دازم	۱۳g ، ۲۵۲۶	زیزدان سپاس و بدویم	۱۳e ، ۲۱۲
زیکسو غواش و دود و دیو	۳ ، ۳۸	زیزدان سپاس و بدویم	۱۳f ، ۲۴۱۶
زیکسو نبیره ردا فراسیاب	۱۳g ، ۲۷۸۵	زیزدان سپاس و بدویم	۱۳g ، ۱۱۶۳
زیکسو نبیره زیکسو نیا	۴۳ ، ۵۶۹	زیزدان سپاس و بیزدان	۱۳f ، ۷۲۹
زیک سو نشستنگه کام	۱۳e ، ۲۳۹		

زیک مردننگست گفتن	۳۶۲، ۱۳c	زیک سوی آن شازمان کوه	۱۱۱۵، ۱۳g
زیک مهل رده تا بالبرز کوه	۱۹۳، ۱۰	زیک سوی خسرو دگر پهلو	۱۶۳، ۳۳
زیک میل کرد آفریدون	۳۵۳، ۵	زیک سوی دریای گیلان	۲۹۶، ۱۳g
زیک نیمه برسند دارد	۳۲۷، ۱۳	زیک سوی لشکر بیژن	۶۴۷، ۱۳b

حرف س

سبک دست رستم پسان پری	۱۰۱۸ ، ۱۳e	سبک اسپ لہاک ہم زین	۲۳۰۳ ، ۱۳f
سبک دشتبان گوشها بر	۵۷۰ ، ۱۲	سبک اندر آمد برو بر گشاد	۳۸۲ ، ۸
سبک دیدبان پیش مادر	۴۰ ، ۱۷	سبک بارید نزد مردوی	۳۸۰۰ ، ۴۳
سبک دیگری نزد بگرداش	۱۵۹۵ ، ۱۳f	سبک باز با او بیندم کمر	۳۵۸۹ ، ۱۵
سبک ران جنگ اندرون	۸۹۰ ، ۱۲b	سبک باز گردان بنیکو	۲۵۴۸ ، ۱۳g
سبک راه این بیشه برداشتم	۲۰۹ ، ۱۳e	سبک باز گرد دد آگهی	۶۸۹ ، ۱۳
سبک رخنه دیگر اندر	۱۰۹۹ ، ۴۲	سبک باز گسترد گستردنی	۱۸۰ ، ۱۴
سبک رفت جامه ازو در	۴۹۱ ، ۴۴	سبک با سپاه اندر آمد براه	۱۶۷۸ ، ۱۳f
سبک روی بکشاد و دیده	۲۱۹۳ ، ۱۵	سبک باغبان می بشاپور	۲۷۴ ، ۳۰
سبک زاد فرسخ زبان بر	۴۰۹۰ ، ۴۳	سبک بر زویلا جو آن زخم	۸۳۱ ، ۱۳g
سبک زال جنگی بر او حمله	۱۶۱۳ ، ۷	سبک بر سر آبگیر گلابه	۲۱۱ ، ۶
سبک سار تندی نماید نخست	۴۴۹ ، ۱۳f	سبک بیژن گیو بر پای	۲۲۵ ، ۱۳
سبک سار گشت اسپوتندی	۱۳۲۳ ، ۱۳	سبک بیطقون گفت با قید	۸۱۰ ، ۲۰
سبک سار مردم نهوالا بود	۲۱۹۲ ، ۱۲d	سبک بیطقون گفت کاین	۷۹۸ ، ۲۰
سبک سار فرستاده را خوار	۱۸۸۶ ، ۱۳g	سبک پاسخ نامه زن را	۹۰۲ ، ۷
سبک سوی خان فریدون	۱۶۰ ، ۵	سبک پشت بر یکدگر	۲۳۸۹ ، ۳۵
سبک سیم تن پیش مادر	۴۸۷ ، ۲۱	سبک پشت بنمود و بگریخت	۲۵۲ ، ۶
سبک شاه را زال پدرود	۱۷۹ ، ۱۲	سبک تیغ تیز از میان بر	۱۳۴۲ ، ۱۲c
سبک شد عنان و گران شد	۱۵۲۰ ، ۱۲d	سبک تیغ را بر کشید از	۲۵۷ ، ۶
سبک شد عنان و گران شد	۱۰۴۷ ، ۱۲e	سبک تیغ را بر کشید از	۱۲۹۱ ، ۱۳b
سبک شد عنان و گران شد	۶۹۷ ، ۱۳b	سبک تیغ زهر آبگون بر	۲۱۸۶ ، ۳۵
سبک شهریار اندر آمد	۲۰۲۰ ، ۴۳	سبک خستگانرا سوی دژ	۵۱۷ ، ۱۳b
سبک شیردل گرد لشکر	۸۵۴ ، ۱۳f	سبک خنجر اندر دهانش	۵۶۱ ، ۱۴
سبک طوس را باز گردان	۱۴۶۷ ، ۱۳	سبک خواند کهرم برادرش	۳۰۶ ، ۱۵
سبک قارن در زمون کان بدید	۴۳ ، ۱۱	سبک داری اکنون نکویی	۴۰۵۴ ، ۴۱
سبک مرد بهرام را پیش	۱۰۲۷ ، ۴۲	سبک دامن داد بر تافتی	۳۳۱۱ ، ۴۳
سبک مرد بی مایه چون	۵۶۱ ، ۵۰		
سبک موبد موبدان را	۱۵۵۱ ، ۴۲		
سبک مهر او را بپردی	۵۷۳ ، ۵۰		
سبک نزد آیم کردی یا	۱۶۴۱ ، ۷		

سپاس از جهاندار پیروز	۸۴۷ ، ۱۳c	سبک نوزر از تخت آمد	۵۸ ، ۸
سپاس از جهاندار فریاد	۹۹۷ ، ۶	سبک نیزه بر نیزه اندا-	۲۹۷ ، ۱۲c
سپاس از جهاندار کاین	۷۶۴ ، ۱۲e	سبک یک بدیگر بر آویخت	۴۵۰ ، ۸
سپاس از جهاندار هر دو	۸۷۳ ، ۶	سپارد بدوشهر هیتالرا	۱۸۷۷ ، ۴۱
سپاس از جهاندار یزدان	۱۰۰۷ ، ۱۳f	سپارد بکنج تواز گنج	۵۲۰ ، ۱۳g
سپاس از خداوند پیروز	۱۳۵۴ ، ۱۳b	سپارد ترا دشت ترکانو	۳۳۴ ، ۶
سپاس از خداوندت ای	۸۸۸ ، ۱۳	سپاردهمه پادشاهی ورا	۶۳۶ ، ۳۰
سپاس از خداوند جان	۱۳۹۲ ، ۱۲d	سپارم بایرانیان سربس	۸۲۹ ، ۱۲d
سپاس از خداوند چرخ	۳۷۶ ، ۱۲c	سپارم بتو تاج و تخت ورا	۷۵۵ ، ۴۲
سپاس از خداوند خورشید	۱۱۵۷ ، ۱۳b	سپارم بتو گنج آراسته	۸۵۷ ، ۱۲c
سپاس از خداوند خورشید	۲۷۰۶ ، ۴۱	سپارم بدو کشور و گنج	۴۲۸۹ ، ۱۵
سپاس از خداوند خورشید	۲۸۹۲ ، ۴۱	سپارم بدو تاج و گنج و	۹ ، ۳۱
سپاس از خداوند خورشید	۳۷۲۳ ، ۴۱	سپارم ترا افسرو تخت	۲۶۱۸ ، ۱۵
سپاس از خداوند خورشید	۱۲۰۸ ، ۴۲	سپارم ترا پادشاهی و تخت	۳۶۱ ، ۱۹
سپاس از خدایی که جان	۳۸۰۶ ، ۱۵	سپارم ترا تاج شاهنشهی	۱۵۸۷ ، ۱۵
سپاسم بیزدان کزین بیخ	۳۸ ، ۱۰	سپارم ترا گنج و تخت و	۲۶۴۹ ، ۱۵
سپاسم بیزدان که فرزندان	۴۴۳۱ ، ۴۱	سپارم ترا من شوم ناپدید	۱۵۵۹ ، ۱۳g
سپاسم بیزدان پروردگار	۸۹۴ ، ۲۰	سپارم همی هر چه باید بدو	۱۴۷ ، ۱۲b
سپاسم بیزدان کزین مرد	۴۱۴ ، ۴۲	سپاری بدو گوشه ای از	۳۷۰ ، ۶
سپاسم بیزدان که اوداد	۴۴۲ ، ۲۲	سپاری براو گنج و تخت	۶۳۲ ، ۳۰
سپاسم بیزدان که اوداد فر	۲۵۴۰ ، ۱۳g	سپارید گنجم ببهرام شاه	۲۵۱۴ ، ۳۵
سپاسم بیزدان که بگذشت	۳۱۶۰ ، ۱۵	سپارید ما را و ما کن شوید	۲۲۴ ، ۸
سپاسم بیزدان که دادم خرد	۵۷۰ ، ۳۴	سپاریم گفتمی بخسرو همه	۱۲۸۸ ، ۱۳f
سپاسم بیزدان که شب	۳۸۵۳ ، ۱۵	سپاس از نوای داد گریک	۳۳۵ ، ۳۰
سپاسی بدین کار بر من	۹۴ ، ۱۳c	سپاس از تو دارم پس از	۱۸۷ ، ۷
سپاسی بود نزد شاه زمین	۱۲۱۹ ، ۱۲d	سپاس از تو دارم نه از	۹۹۰ ، ۱۴
سپاسی نهادی از این بر سر	۱۵۵۶ ، ۱۲d	سپاس از جهان آفرینت	۳۳۲۵ ، ۴۱
سپاسی نهم بر تو بر زمین	۲۷۷ ، ۴۲	سپاس از جهان آفرین کرد	۱۸۵۸ ، ۱۳
سپاه آفرین خواند بر	۲۳۰ ، ۱۲e	سپاس از جهاندار پرورد-	۴۰۷۰ ، ۴۱
سپاه آفرین خواند بر	۱۲۲۶ ، ۱۳b	سپاس از جهاندار پیروز	۱۱۸۷ ، ۶

سیاه اندر آمد پس پشت پیل	۹۰۹ ، ۴۲	سیاه آمدوراه نزدیک شد	۱۱۴۶ ، ۱۳b
سیاه اندر آمد چنان چون	۱۲۳۴ ، ۱۳	سیاه آمد و موید موبدان	۲ ، ۳۹
سیاه اندر آمد ز افراسیاب	۲۶۲ ، ۱۳۴	سیاه آوریدی بدین جای	۳۱۰ ، ۴۱
سیاه اندر آمد ز بالا	۲۱۱۷ ، ۱۳۴	سیاه آید اورا ز ما چین و	۶۸۱ ، ۵۰
سیاه اندر آمد ز جای	۵۳۰ ، ۲۱	سیاه از بخارا چو پیران	۵۱۱ ، ۵۰
سیاه اندر آمد زهر سوبه	۴۲۶۶ ، ۴۱	سیاه از پس او همی تا ختند	۱۳۹۵ ، ۳۵
سیاه اندر آمد زهر سو گروه	۱۴۹۱ ، ۱۳۴	سیاه از پس پشت و گردان	۹۲۰ ، ۱۳e
سیاه اندر آمد همی فوج	۱۶۵۲ ، ۱۳g	سیاه از تو دارد همی پشت	۱۴۰۷ ، ۱۳b
سیاه اندر آمد یکایک ز	۴۹۸ ، ۳۵	سیاه از دور رویه خود آگاه	۲۷۷ ، ۵۰
سیاه اندر آورد یکسر	۴۱۳۸ ، ۴۳	سیاه از دور رویه کشیدند	۳۳۸ ، ۲۱
سیاه اندر آید پس پشت	۳۵۲ ، ۱۳۴	سیاه از دو سو درهم	۵۴۵ ، ۱۵
سیاه اندر آید پراکنده	۲۵۳ ، ۱۲b	سیاه از شکفتی فرو ماند	۳۶۳۵ ، ۱۵
سیاه اندکی شد بدرگاه	۱۹۶۰ ، ۴۲	سیاه از لب آب بر گاشتنند	۱۷۴ ، ۱۹
سیاه ایستاده چنین بر دو	۳۱۷۱ ، ۴۱	سیاه الانی شدند انجمن	۳۴۳ ، ۴۱
سیاه برادرت از ایران	۵۷۶ ، ۱۳	سیاه انجمن شد بایوان	۲۰۲ ، ۱۹
سیاه پراکنده باز آورید	۱۲۹ ، ۱۵	سیاه انجمن شد بدرگاه او	۳۰۳ ، ۵
سیاه پراکنده را گرد کرد	۴۶۲۸ ، ۱۵	سیاه انجمن شد بدرگاه بر	۱۰۶۵ ، ۳۵
سیاه پراکنده را گرد کرد	۳۵ ، ۳۹	سیاه انجمن شد بدرگاه شاه	۲۵۱۴ ، ۱۳g
سیاه پراکنده را گرد کن	۶۳۹ ، ۵۰	سیاه انجمن شد بر او بر	۲۳۹ ، ۱۲c
سیاه پراکنده شد جفت	۴۹۶ ، ۶	سیاه انجمن شد هزاران	۱۲۳۴ ، ۲۰
سیاه پراکنده کرد انجمن	۳۰۳۸ ، ۴۳	سیاه انجمن کرد برمای	۱۸۴۷ ، ۴۱
سیاه پراکنده گرد آمدند	۱۸۸۵ ، ۱۳	سیاه انجمن کرد و جوشن	۱۲۵۱ ، ۱۳b
سیاهت بدو باز گرددهمه	۲۱۷۸ ، ۱۲d	سیاه انجمن کرد روزی	۴۵۱ ، ۳۰
سیاه ترا بارگاه ترا	۷۹۱ ، ۴۲	سیاه انجمن کرد و گردان	۱۳۴۳ ، ۱۳c
سیاه ترا مرزبانی دهم	۱۲۲۹ ، ۴۲	سیاه اندر آمد پیش سیاه	۵۰۸ ، ۸
سیاه تو بالشکر دشمنند	۵۶۸ ، ۴۳	سیاه اندر آمد پیش سیاه	۱۵۴۵ ، ۱۳c
سیاه تو بی یار و بی جان	۲۳۲ ، ۱۲b	سیاه اندر آمد بتنگ سیاه	۱۷۷۱ ، ۴۳
سیاه تو در زینهار شدند	۴۵۴ ، ۱۳g	سیاه اندر آمد بگرد درفش	۱۶۴۸ ، ۱۳
سیاهت همه بندگان شدند	۴۴۶ ، ۴۳	سیاه اندر آمد بگرد سیاه	۱۳۹۴ ، ۱۳
سیاه خزر گریباید بدین	۳۱۹ ، ۴۲	سیاه اندر آمد بهر پهلوی	۸۰۶ ، ۴۳

سپاهش نشستند بر پشت	۵۰۶	۸	سپاه دد و دار و مرغ و	۶۵۰	۱
سپاهش نگه کن که چند	۶۱۰	۴۲	سپاه دوشاه از پدیره شدن	۵۰۷	۶
سپاهش همه بانگ بر-	۶۲۱	۱۵	سپاه دو کشور چو کردم	۲۴۶۹	۱۲d
سپاهش همه تیغ هندی	۴۰۴	۱۳	سپاه دو کشور کشیدند صف	۷۳۷	۱۳g
سپاهش همه خواندند	۹۱۵	۳۵	سپاه دو کشور کشیدند صف	۲۳	۱۹
سپاهش همه خواندند	۱۴۸	۳۹	سپاه دو کشور همه شد	۱۸۰۰	۱۳f
سپاهش همه خواندند	۴۷۳	۵۰	سپاه دولشکر بر آمد به	۱۶۰۵	۱۳b
سپاهش همه روی بر گاشتند	۶۲۱	۴۳	سپاهت با افزون از	۷۱	۴۳
سپاهش همه زو توانگر	۲۴۳۹	۱۵	سپاهت بر سان کوه روان	۱۳۲۶	۱۳c
سپاهش همه ماند اندر	۲۳۲۲	۱۵	سپاهت چندان با ساوه	۴۵۹	۴۲
سپاهش همه ناله برداشتند	۱۷۹۶	۱۵	سپاهت چندان بدر گاه	۱۰۷۶	۳۵
سپاهش همه خواندند	۱۸۰۵	۱۵	سپاهت چندان بر آن	۱۱۶۲	۱۳b
سپاه فریدون چو آگه شدند	۴۶۸	۵	سپاهت چندانکه دریا و	۶۹۱	۴۱
سپاه کشانی سوی چین	۳۲۳	۱۳c	سپاهت چندین پر از درد	۳۳۲۹	۴۱
سپاه کیانی تیره زدند	۱۰۲۵	۱۳	سپاه سکندر پس اندر دمان	۱۷۲	۱۹
سپاه کیی بانگ برداشتند	۷۵۲	۱۵	سپاه سه کشور امان خوا-	۴۴۱	۱۲b
سپاه مرا بازگردان ز	۱۶۷۱	۲۰	سپاهش بترسید از بیم	۲۴۵۶	۱۲d
سپاه مرا بگسلانند جای	۱۰۶۹	۱۳f	سپاه شب تیره بردشت و	۵	۱۳e
سپاه مرا خیره بفریفتی	۸۲۶	۴۳	سپاهش بدینسان همه هم	۲۴۶	۱۲b
سپاه مرا ست خواند	۲۲۰۳	۳۵	سپاهش بر او بر بیارید	۱۳۰۱	۲۰
سپاه مسلمان پس اندر	۲۸۴	۵۰	سپاهش بر او خواندند	۳۶۱۲	۱۵
سپاهم فزون تر ز برگ	۷۳۵	۴۲	سپاهش بر او خواندند	۱۷۲۳	۲۰
سپاه من اینک پس اندر	۱۰۳۹	۴۳	سپاهش بگردار مور و	۱۱۲۵	۷
سپاه و جهاندار بیرون	۱۵۸	۸	سپاهش بکوه کنا بدشوند	۵۵۸	۱۳f
سپاه ودل و گنجم افزون	۱۶۰	۱۲	سپاهش پراکنده بر هر	۳۶۵	۳۰
سپاه ودل و گنج و دستور	۲۵	۱۳g	سپاهش ز دریا بیگسو	۱۲۲۸	۲۰
سپاه ورا خلعت آرای	۳۵۶۴	۱۵	سپاهش سراسر شکسته	۸۱۲	۴۲
سپاه وزر و گنج من پیش	۱۶۱۰	۱۲d	سپاهش فزون شد ز سپید	۴۶۷	۱۲b
سپاه وزر و گنج و شهر آن	۱۲۵۵	۱۲d	سپاهش فزون نیست از	۷۹۴	۱۲b
سپاه و سپهد بر رفتن گرفت	۱۰۷۴	۱۳f	سپاهش گریزان و دارا	۱۸۴	۱۹
			سپاهش ندادند پاسخ	۵۹۲	۱۵

سیاهی بگرداردریای آب	۵۳۹ ، ۱۳b	سیاه و سپهبد همه شادمان	۱۳۳۱ ، ۱۳b
سیاهی بگرداردریای آب	۷۴۷ ، ۱۳g	سیاه و سکندر بدان خیره	۱۲۱۳ ، ۲۰
سیاهی بگردار کوه روان	۹۶ ، ۴۳	سیاه و سلیحست دیوار او	۲۷۰ ، ۴۴
سیاهی بکشتی برآمد ز	۸۷۹ ، ۵۰	سیاه و سلیح و نکین و کلاه	۱۷۳۳ ، ۱۲d
سیاهی بگرد اندرش	۱۳۸۰ ، ۱۳b	سیاه وی آسوده ازرنج و	۲۰۸۸ ، ۱۳f
سیاهی بمانند دریای آب	۱۷۸ ، ۱۲e	سیاهی از آن پس بگرد	۲۹۷ ، ۱۱
سیاهی بیاراست پیروز شاه	۱۳ ، ۳	سیاهی از ایران چو باد	۷۸۱ ، ۱۲d
سیاهی بیامد پیش سپه	۶۱۵ ، ۴۱	سیاهی بتازد بر او از حجاز	۴۶۲۶ ، ۴۱
سیاهی بیامد بدرگاه شاه	۳۲۸ ، ۱۵	سیاهی بتوران نهادند روی	۱۰۲۸ ، ۱۳g
سیاهی بیامد بهامون ز	۹۶۶ ، ۱۳g	سیاهی بد از بردع وارد بیل	۱۲ ، ۴۳
سیاهی بیامد ز بر بر زم	۸ ، ۱۲b	سیاهی بد از روم و بر بر	۱۷۴ ، ۱۳g
سیاهی بیامد ز راه خزر	۲۹۹ ، ۴۲	سیاهی بدان گونه کردی	۱۱۲۳ ، ۴۲
سیاهی بیامد زهر کشوری	۲۴۰۵ ، ۴۱	سیاهی بدو داد تا بازروم	۴۳۷۸ ، ۴۱
سیاهی بیاورد بهرام گرد	۲۵۸۹ ، ۴۳	سیاهی بدین رزمگاه	۱۱۵۹ ، ۶
سیاهی پر از جاثلیقان	۹۰۳ ، ۴۱	سیاهی بدینسان بیامد ز	۵۳۲ ، ۱۳c
سیاهی پر از غلغل و گفت	۵۵۱ ، ۸	سیاهی بدینگونه کردی	۲۵۵۰ ، ۱۲d
سیاهی پراکنده او را	۳۲۳۸ ، ۴۳	سیاهی برآمد بر آنسان	۱۵۲۹ ، ۱۳g
سیاهی چنان کشته و خسته	۱۰۵۵ ، ۱۳c	سیاهی برآمد ز ترکان و	۱۵۱ ، ۸
سیاهی خردمند و گرد و	۵۵۰ ، ۴۲	سیاهی برآمد ز زابل برون	۱۵۲ ، ۱۰
سیاهی خروشان بدشت نبرد	۵۴۴ ، ۱۳g	سیاهی بر آن جوش و آن	۵۴۵ ، ۱۳b
سیاهی در آن شهر بد بکران	۶۵۳ ، ۴۱	سیاهی بر آنسان که گفتی	۱۳۱۷ ، ۱۲d
سیاهی دلاور بایران کشید	۲۹۶۰ ، ۴۳	سیاهی بر از جنگجویان	۴۵۱ ، ۴۱
سیاهی دلاور بدیشان سپرد	۲۵۸۵ ، ۴۳	سیاهی بر اینسان که هامون	۱۳۷۶ ، ۲۰
سیاهی دلاور ز چین بر	۲۵۶۴ ، ۴۳	سیاهی بر این سوی جیحون	۳۳۶ ، ۱۳g
سیاهی ز اصطخرین مر	۴۰۳ ، ۲۱	سیاهی بر این گونه گرد	۸۶۷ ، ۱۲e
سیاهی ز ایرانیان بر گزید	۳۴۵ ، ۴۲	سیاهی بر رفت اندر آن دشت	۱۱۰۴ ، ۱۳b
سیاهی ز تخم فریدون و	۱۸۳ ، ۱۳g	سیاهی برون کرد از هر سو	۲۳۸۸ ، ۱۵
سیاهی ز ترکان بگرد	۱۲۹۶ ، ۱۵	سیاهی بزرگ از مداین	۸۹۳ ، ۴۱
سیاهی ز توران بر آن سر	۱۲۰۲ ، ۱۳e	سیاهی بسوی بیابان بزرگ	۹۲۴ ، ۱۳g
سیاهی ز توران بر آن سر	۱۲۷۵ ، ۱۳e	سیاهی بگردار پیلان مست	۷۵ ، ۱۳f

سپاهی که دریا و صحرا و	۶۲۰	۱۲b	سپاهی ز توران بیامد	۱۱۴۶	۱۵
سپاهی که دریای چین را	۹۱۰	۱۳b	سپاهی ز جنگ آوران بر	۱۵۴	۱۳b
سپاهی که دیدند کوپال	۲۷۵۲	۱۳g	سپاهی ز جنگ آوران بر	۳۳۸	۱۳g
سپاهی که سگسار خوانند	۱۱۱۰	۷	سپاهی ز جیحون بدین سو	۳۰	۱۰
سپاهی که شان تاختن پیشه	۳۴۴	۴۱	سپاهی ز روم و سپاهی ز	۲۳۴۰	۱۲d
سپاهی که شد تیره خورشید	۸۰	۱۳	سپاهی ز رومی و از پارسی	۴۲	۳۰
سپاهی که شد دشت چون	۳۸	۱۳	سپاهی ز زابل بکابل کشید	۴۶۲۶	۱۵
سپاهی که هستند بانوش	۸۵۸	۴۱	سپاهی ز قیداف آمد بروم	۳۵	۲۳
سپاهی که هنگام ننگ و	۶۸	۱۳f	سپاهی ز گردان پر خاش	۶۴۸	۸
سپاهی گذشت از مداین	۴۲۶۰	۴۱	سپاهی ز گردان کوچ و	۳۹۴	۱۳
سپاهی گران کوه تا کوه	۱۱۱۳	۷	سپاهی ز هر گونه با او	۱۵۱۸	۱۲d
سپاهی گزین کرد از آزاد	۱۶۵۵	۴۳	سپاهی ز هیتالیان بر گزید	۱۸۴۲	۴۱
سپاهی گزین کرد بر میسر	۱۵۰۰	۱۳g	سپاهیست ای شهریار	۴۶۹	۱۵
سپاهی نباید که با پیشه ور	۵۰۳	۵	سپاهی سراسر بکردند	۱۳۲۵	۱۳c
سپاهی و دهقان و بیکار	۱۸	۲۵	سپاهی شتابنده و راه جوی	۲۰۷۲	۱۳g
سپاهی و شهری بایران	۱۳۶	۳۸	سپاهی فرستاد بر میمنه	۸۰۵	۱۳g
سپاهی و شهری شدند	۲۹۱۲	۴۱	سپاهی فرستم تو سالار باش	۱۸۶۶	۴۲
سپاهی و شهری و جنگی	۱۱۴۵	۷	سپاهی کشیدند بر چارمیل	۵۹۱	۲۰
سپاهی و شهری بکردار	۴۸۱	۵	سپاهی که آن را کرانه	۸۱۸	۶
سپاهی و شهری همه جنگ	۳۰۷۰	۴۱	سپاهی که از بردع و	۹۲۷	۱۳g
سپاهی و شهری همه شد	۱۱۶	۴۰	سپاهی که از شهر ارمان	۴۵۵	۸
سپاهی و نرسی نما ندبجا	۱۵۰۰	۳۵	سپاهی که از کوه تا کوه جا	۷۴۱	۶
سپاهی همه پهاوان و سوار	۵۴۳	۱۳b	سپاهی که از کوه تا کوه مرد	۱۰۹۸	۷
سپاهی همه خسته و کوفته	۱۴۷۳	۱۵	سپاهی که از نزد خسرو	۳۰۷۷	۴۳
سپاهی همه نیزه و گرزدار	۳۱۶	۱۲b	سپاهی که با خود و خفتان	۵۷۲	۴۱
سپاهی همه رفت رخساره	۲۷۰۰	۱۳g	سپاهی که بودند از پیشتر	۵۵۱	۱۳
سپهر بردرید و زره را	۹۸۷	۱۳	سپاهی که بودند با او	۱۲۶۰	۱۳
سپهر بر سپر بافته دشت و	۱۹	۱۱	سپاهی که بیند کلاه ترا	۱۱۳۰	۳۵
سپهر بر سر آورد رستم جو	۶۱	۱۳c	سپاهی که بیند کمنند ترا	۸۶۳	۳۵
سپهر بر سر آورد گیو	۱۵۵۷	۱۳f	سپاهی که بینند شاهی	۲۱۷۹	۱۲d
			سپاهی که چندان ندیدست	۱۵۰۱	۱۵

سپردم بهر بهترین کشور	۱۸۶۹	۲۰	سپر برس آورد و بنهاد	۳۲۹	۱۲c
سپردم بهر مز کلاه و نکلین	۲۰	۳۶	سپر برس آورد و شمشیر	۱۸۹۳	۴۳
سپردم ترا، پرده و پیل	۱۱۳۵	۱۲d	سپر برس آورد و نمود	۳۰۲	۱۳b
سپردم ترا تاج شاهی و	۳۰۴۷	۱۳g	سپر برس کتف و نیزه	۳۳۱	۱۲e
سپردم ترا تخت و دیهیم و	۴۶۹۰	۱۵	سپر بر سر و تیغ هندی	۸۹۴	۱۲b
سپردم ترا جای رفتن بنجاک	۴۰۱	۱۹	سپر بر گرفتند و پینوران	۱۶۰۳	۷
سپردم ترا دختر و خواسته	۱۶۲۵	۴۳	سپر بر گرفتند و شمشیر	۷۸۶	۱۳f
سپردم ترا رخت و پرده	۱۲۸۲	۱۲d	سپر خواست از ریدک ترک	۱۶۰۴	۷
سپردم ترا هوش و جان و	۶۴۸	۱۲e	سپرد آنچه دید از کران تا	۲۹۸	۱۲
سپردم شمارا کلاه و نکلین	۵۲۸	۶	سپرد آن زمان پشت لشکر	۳۱۰	۱۳f
سپردن بدانای گوینده	۱۳۲۲	۴۱	سپرد آن زمان کشور و تاج	۷۱۱	۲۱
سپردن بفرهنگ فرزندان	۱۲۶۰	۴۱	سپرد آن زمین گیو را	۲۰۱۰	۱۳g
سپردند اسپان همه خون	۴۱۶	۱۲e	سپرد آن سپه گیو گودرز	۱۸۵	۱۳g
سپردند بسته بدو شاه	۱۲۵	۴۰	سپرد آن سواران و تخت	۱۴۷۴	۳۵
سپردند گردان بدو تاج	۴۰۱	۳۴	سپرد آنکهی پادشاهی	۱۷۵۶	۷
سپردند یکسر بگیو دلیر	۲۹۵۹	۱۳g	سپرد آنکهی تخت شاهی	۱۱۷۰	۱۲
سپردی بمن دختر اردوان	۱۰۰	۲۲	سپردار بسیار در پیش بود	۳۸۵	۱۲e
سپردی دم مار و خستی	۲۵۴۲	۱۲d	سپردار شمشیر زن سی	۶۴۷	۱۳
سپردیم او را درین کوهسار	۱۱۱	۷	سپردش بدان روز بانان	۷۹۲	۱۳c
سپردی مرا کوس و پرده	۲۲۰۹	۱۳f	سپردش بدو روزگاری	۱۰۰	۱۷
سپردیم نوبت کنون زال	۱۲۹۷	۷	سپردش بدو گفت بردار	۲۵۷	۱۵
سپردی یکی راه دشوار	۱۴۰۵	۱۳b	سپردش بسالار گیتی	۱۱۹۰	۱۲
سپر ز بر سر تیغ بنهاد پیش	۵۶۳	۱۲	سپردش بشاهان و خود	۲۴۰۸	۱۳g
سپر هم یکایک زین بر کنند	۲۶۹	۴۴	سپردش بمادر بدان جای	۷۰۵	۱۲e
سپر کرده پیشم تن خویش	۲۸۲۱	۱۳g	سپردم بدو تاج و تخت	۱۵۶	۱۶
سپر کن کیان را همه پیش	۱۸۳۶	۲۰	سپردم بدو خانه و دخترم	۲۵۱	۱۳c
سپر و ریاده ده و دوزخ از	۶۶۴	۱۲d	سپردم بدو کشور و گنج	۲۱۴۰	۱۲d
سپرهای گیلی پیش اندر	۱۶۳	۱۳g	سپردم بر ستم همی خواهر	۱۰۰۵	۱۲e
سپسار و شاهپور و چون	۱۸۷۰	۴۳	سپردم برودا به گفت این	۹۲۲	۷
سپنجست گیتی بر از آبی	۱۹۲۴	۷	سپردم بگفت این نبیره	۱۲۲۹	۶
سپندارمند باستان و	۷۹۴	۱۳e	سپردم بکنجور تار و زگار	۲۴۸۴	۴۱

سپه از بر کوه گشتند باز	۱۴۱۴ . ۱۳	سپه بدو گفت لختی	۲۸۷۹ . ۱۲d
سپه انجمن کرد و پویان	۳۹۰ . ۸	سپه بد بر آشت چون	۶۷۸ . ۸
سپه با برادر هم اینجا بماند	۳۶۱۵ . ۱۵	سپه بد بر آن ریش کافور	۱۱۲۳ . ۱۳
سپه باز با نهار از آفرین	۱۰۹۲ . ۲۰	سپه بد بر ایشان زبان بر	۱۲۲۴ . ۱۳b
سپه باز خواندند شاهان	۱۰۰۳ . ۱۳g	سپه بد بر انگیخت اسب	۵۷۱ . ۴۲
سپه باز خواندند گردان	۷۰۳ . ۱۳b	سپه بد برون آمد از جای	۱۰۲۶ . ۱۳
سپه باز کش چو شب آمد	۸۱۴ . ۱۳g	سپه بد بروها پر از چین	۲۶۷۰ . ۱۵
سپه باز گردید چون تیره	۱۵۹۷ . ۱۳g	سپه بد بز دنا ی و روینه	۱۴۳۴ . ۱۳b
سپه باز گشت از پل نهران	۶۵۷ . ۴۳	سپه بد بسوی سپید کوه شد	۱۰۹۸ . ۱۳
سپه با سپه کار بر ساختند	۶۲۴ . ۲۰	سپه بد بسوی شبستان	۱۹۵۸ . ۷
سپه باشد از جنگ پرداخته	۱۰۶۳ . ۱۳f	سپه بد بسی دیده بد کارزار	۳۰۰ . ۱۳g
سپه بد از آن آگهی شاد	۱۹۰۶ . ۱۳	سپه بد بشکیر لشکر بر اند	۵۹۰ . ۴۲
سپه بد از او جنگها دیده	۱۲۳۳ . ۱۳c	سپه بد بشد پیش خاقان	۱۱۷۸ . ۱۳b
سپه بد با سپه اندر آورد	۱۷۰۹ . ۱۵	سپه بد بشد تا عرض گاه	۴۸۵ . ۴۲
سپه بد بر رسید از آن	۵۸۷ . ۴۳	سپه بد بشد تیز و برگشت	۵۳۷ . ۱۳
سپه بد بر رسید ز ایشان	۵۹۵ . ۷	سپه بد بشد لشکرش راست	۴۷۴ . ۱۵
سپه بد بیچید در خواب	۲۷۳۸ . ۱۲d	سپه بد بفرمود تا گپو و	۱۰۷۵ . ۱۲
سپه بد بپیران سالار گفت	۱۱۹۱ . ۱۳	سپه بد بفرمود تا مشک	۲۰۴۳ . ۱۵
سپه بد بتاریکی اندر	۳۱۳۷ . ۴۳	سپه بد بکزی نگیرد فرو	۱۵۸۶ . ۱۳g
سپه بد بجان داد ز نهار	۴۹۷ . ۱۲e	سپه بد بکوه هم او نرسید	۵۹۴ . ۱۳b
سپه بد بجای دلیران رسید	۱۷۴۱ . ۱۵	سپه بد بکوه هم او ن کشید	۷۲۴ . ۱۳b
سپه بد بخندید با مهتران	۱۰۸۱ . ۱۳b	سپه بد بگفتار او بنگرید	۲۳۷ . ۵
سپه بد بخندید و بکشاد	۲۰۲۹ . ۱۵	سپه بد بگودرز کشواد	۳۴۴ . ۱۳b
سپه بد بدارنده سوگند	۱۰۰۰ . ۱۳	سپه بد بگودرز گفت آن	۳۷۶ . ۱۳b
سپه بد بدان راه لشکر	۵۷۰ . ۱۳	سپه بد بلشکر که رومیان	۲۱۹ . ۱۷
سپه بد بدانست آن کار	۱۵۲۹ . ۴۲	سپه بد بلهاک و فرشیدورد	۱۷۸۵ . ۱۳f
سپه بد بدژ روی بنهاد	۲۱۱۲ . ۱۵	سپه بد بنزدیک ایران	۸۸۷ . ۷
سپه بد بدی بر درش	۵۱۸ . ۲۱	سپه بد بنه بر نهاد و برفت	۱۸۹۹ . ۱۲d
سپه بد بدو گفت کای شهر	۶۰ . ۸	سپه بد بیامد با یوان خویش	۳۱۳ . ۱۳
سپه بد بدو گفت کز بامداد	۵۸۷ . ۱۳g	سپه بد بیامد با یوان شاه	۵۴۲ . ۴۲

سپهبد بیامد بر شهریار	۲۷۴۷ ، ۱۲d	سپهبد چو آگه شد از کار	۱۰۹۴ ، ۴۲
سپهبد بیامد بز شهریار	۴۶۸۰ ، ۴۲	سپهبد چو آمد بنزدیک	۱۷۱۰ ، ۱۵
سپهبد بیامد بمیدان شاه	۵۲۸ ، ۴۲	سپهبد چو آن گرد تیره	۹۰۲ ، ۱۳f
سپهبد بیامد بنزدیک	۷۶ ، ۱۳b	سپهبد چو از باره آوا	۶۸۲ ، ۷
سپهبد بیامد بنزدیک شاه	۹۳ ، ۱۳b	سپهبد چو از تو سخن بشنود	۶۶۷ ، ۱۲e
سپهبد بیامد ز برده سرای	۶۵۱ ، ۴۲	سپهبد چو از جنگ رستم	۹۲ ، ۱۱
سپهبد بیامد ز نزدیک شاه	۵۲۵ ، ۴۲	سپهبد چو اغریرت جنگ	۳۲۵ ، ۱۳g
سپهبد بیامد فرستاد کس	۹۸۵ ، ۴۲	سپهبد چو باد اندر آمد	۱۴۴۲ ، ۴۳
سپهبد بیامد همه گرد	۸۸۹ ، ۱۳c	سپهبد چو بر گشت از پیش	۱۹۱۹ ، ۱۳
سپهبد پذیرفت از و هر چه	۲۴۰ ، ۱۷	سپهبد چو بشنید از او	۱۴۵۱ ، ۱۲d
سپهبد پرستنده را گفت	۶۱۲ ، ۷	سپهبد چو بشنید از ایشان	۱۹۷۲ ، ۱۵
سپهبد پشیمان شد از کار	۱۴۳ ، ۴۲	سپهبد چو بشنید زین سان	۱۹۸۵ ، ۷
سپهبد تو باشی بدین	۱۴۸۳ ، ۱۵	سپهبد چو بشنید گفتار او	۱۰۶۷ ، ۱۳b
سپهبد تویی هم سپهبد نژاد	۹۷۸ ، ۴۲	سپهبد چو بشنید گفتار *	۱۲۲۱ ، ۷
سپهبد جز این خواسته هر	۴۵۰ ، ۱۲b	سپهبد چو پولادوار زنگ	۶۴۹ ، ۱۲
سپهبد جز این کرده بودم	۲۲۶۴ ، ۱۲d	سپهبد چو خواند و را	۴۹۳ ، ۱۳
سپهبد چنین داد پاسخ بدو	۵۰۰ ، ۴۲	سپهبد چو روی و راز اددید	۱۵۲ ، ۱۲e
سپهبد چنین داد پاسخ بدو	۴۱۲۴ ، ۴۳	سپهبد چو شایسته بیند	۱۱۷ ، ۸
سپهبد چنین کرد کوراه	۱۵۴۳ ، ۱۳c	سپهبد چو گفتار از ایشان	۱۵۸۸ ، ۴۲
سپهبد چنین کرد یک روز	۲۱۹۷ ، ۱۲d	سپهبد چو گفت سپهرم	۱۱۲۱ ، ۱۲e
سپهبد چنین گفت با بخرد	۵۲۰ ، ۱۳b	سپهبد چو لشکر بر او گره	۱۲۳۳ ، ۱۳
سپهبد چنین گفت با سرور	۱۰۹۰ ، ۱۲	سپهبد چو نامه فرو خواند	۲۰۹۳ ، ۷
سپهبد چنین گفت با ماهرو	۷۱۷ ، ۷	سپهبد چو هومان و چون	۲۴۳ ، ۱۲c
سپهبد چنین گفت با مهتران	۴۶۶ ، ۱۳b	سپهبد چه پرسد از آن	۱۲۹۷ ، ۱۲e
سپهبد چنین گفت چون دید	۲۷۸ ، ۱۲	سپهبد چه شادان بدی چه	۱۵۳۰ ، ۱۲d
سپهبد چنین گفت کاذر	۱۲۱۰ ، ۱۳	سپهبد خرامید تا گلستان	۵۹۳ ، ۷
سپهبد چنین گفت کز	۲۰۱۵ ، ۱۵	سپهبد خود و لشکرش ساز	۲۹ ، ۴۰
سپهبد چو آتش برانگیخت	۹۴۰ ، ۴۱	سپهبد ز بیگند بیرون	۲۸۶ ، ۱۳g

(* ستاره بجای کلمه « زال » آمده است .

سپهبدش شیری بهرام	۵۳۱	۴۱	سپهبد ز پیکار دیوانه	۱۴۲۷	۱۳
سپهبدشکفتی بماند اندرو	۳۱۹۸	۴۳	سپهبد ز خوالیگران	۳۱۱۷	۱۵
سپهبدشناسد که ماخود	۲۴۷۲	۱۳۴	سپهبد ز کزی و گند آوری	۱۳۳۱	۴۲
سپهبد شنید آنچه موبد	۸۲۲	۷	سپهبد ز کشمیهن آمد	۱۵۵۰	۳۵
سپهبد طلایه بداراب	۱۹۲	۱۷	سپهبد ز کوه افدر آمد	۴۲۷	۲۱
سپهبد عنان از دهار اسپرد	۳۴۲	۱۲c	سپهبد ز گرگان برفت	۴۷۵۸	۴۱
سپهبد فرستاد خواننده را	۷۳۶	۷	سپهبد ز گفتار او خیره	۹۹	۱۰
سپهبد فرستاد نزدیک او	۵۲۶	۲۱	سپهبد ز گفتار ادرس بتافت	۳۴۵۸	۱۵
سپهبد فرستاده را پیش	۱۲۵۲	۱۲e	سپهبد ز گفتار او شاد	۱۴۳۸	۱۲d
سپهبد فرستاده را پیش	۳۲۴۳	۴۱	سپهبد ز گفتار او شد دژم	۴۹۲	۱۲d
سپهبد فرود آمد از پشت	۳۳۱۳	۴۱	سپهبد ز گفتار او گشت	۳۳۲	۳۰
سپهبد فرود آمد از تخت	۴۷	۴۳	سپهبد ز گفتار او نرم شد	۲۵۳۶	۱۲d
سپهبد فرود آمد از کوه	۸۸۵	۱۳	سپهبد سپه راهمه داد پند	۱۴۶۱	۴۲
سپهبد فرود آمد اندر	۲۰۰	۵۰	سپهبد سته راهمی گرد کرد	۱۲۰۳	۱۳
سپهبد فریر ز را گفت مرد	۱۴۹۸	۱۲e	سپهبد سرافراز کاموس	۱۶۴۴	۱۳b
سپهبد کجا گشت پیمان	۶۱	۲۴	سپهبد سر اندر نیارد بخواب	۱۰۷۸	۱۲d
سپهبد کدا مست و سالار	۶۴۸	۴۲	سپهبد سر چاه پوشد بخار	۱۱۱۶	۱۳b
سپهبد کمان خواست تا	۱۴۸۵	۱۲d	سپهبد سواری چویک لخت	۱۲۵۸	۱۳b
سپهبد کمان را بزه بر نهاد	۹۰۳	۴۲	سپهبد سوی آسمان کرد	۱۳۶۴	۱۵
سپهبد که باشد نگهبان	۱۴۷۰	۴۱	سپهبد سوی پارس بنهاد	۶۸۴	۸
سپهبد که با فر یزدان	۲۴۳۶	۱۳g	سپهبد سوی آسمان کرد	۲۴۸۹	۱۳f
سپهبد که لشکر فزون از	۵۱۲	۴۲	سپهبد سوی پارس بنهاد	۳۸۶	۸
سپهبد که مردم فروشد	۱۴۶	۴۱	سپهبد سوی ترکش آورد	۲۹۶	۱۳b
سپهبد گرانمایگان را	۱۹۹۹	۱۵	سپهبد سوی جنگ بنهاد	۳۵۸	۷
سپهبد گزین کرد گلباد	۱۴۴۳	۱۲d	سپهبد سوی کاخ بنهاد روی	۶۷۴	۷
سپهبد گو پیلتن با سپاه	۴۶۲	۱۲e	سپهبد سوی گرز کین دست	۲۴۵	۱۲b
سپهبد گو پیلتن چون	۲۸۸	۱۲e	سپهبد سیا و خش را خواند	۱۷۶	۱۲d
سپهبد منوچهر بنواخت	۱۱۸۳	۶	سپهبد شد آشفته از گفت	۷۹۵	۱۳
سپهبد نژادست و یزدان	۳۲۳	۲۰	سپهبدش را گفت فردا	۳۰۰	۱۵
سپهبد نژادی و گند آوری	۲۶۸	۴۲	سپهبدش را گفت فردا	۳۴۳	۱۵

سپه بود چندان که گفتی	۱۳۰۸ ، ۱۳c	سپهید نشاید که دارد	۹۹۹ ، ۱۳
سپه بود چندانکه گفتی	۱۵۹۵ ، ۳۵	سپهید نشست از بر اسپ	۷۷۴ ، ۱۲e
سپه بود چندان یل تیغ زن	۶۱ ، ۱۲b	سپهید نشست از بر تخت	۵۹۴ ، ۱۲e
سپه بود سر تاسر رودبار	۲۸۷ ، ۱۲g	سپهید نکرد این نه جنگی	۱۰۳۷ ، ۴۲
سپه بود و شمشیر زن سی	۱۲۷۰ ، ۱۲e	سپهید نگهبان زندان او	۴۱۳۲ ، ۴۳
سپه بود و هم گنج آباد بود	۹۰۵ ، ۱۳c	سپهید نگه کرد گردان	۱۴۰۱ ، ۱۳
سپه بی سپهدار گشتند باز	۲۰۰۶ ، ۷	سپهید نویسنده را پیش	۷۹۱ ، ۷
سپه پهلوانان ابی انجمن	۱۴۱۶ ، ۱۲e	سپهید و را داد در کاخ	۸۱ ، ۱۲c
سپه تیغها بر کشیدند پاک	۸۲ ، ۴۶	سپهید هر آنجا که بدموبد	۷۷ ، ۵
سپه جنب جنیان شد و کار	۷۷۳ ، ۱۵	سپهید همان بود و لشکر	۱۲۳۹ ، ۱۳b
سپه پیش تا بوت می رانند	۱۵۵۷ ، ۱۲c	سپهید همی راند با او	۱۲۶۵ ، ۴۲
سپه چار بار از یلان صد	۸۵۶ ، ۴۳	سپهید همی گرد لشکر	۱۵۹ ، ۱۷
سپه چند باشد بگفتار او	۱۶۷۱ ، ۱۵	سپهید یکی داستان زد	۱۱۱۲ ، ۱۳f
سپه چون بدیدند آن	۸۲۳ ، ۱۳g	سپه بردی و جنگ را	۷۳۱ ، ۱۲d
سپه چون فراوان شد از هر	۱۳۶ ، ۱۷	سپه بر سپرها نشستند نام	۵۱ ، ۱۲b
سپه چون گذر کرد از آن	۹۱۴ ، ۱۳g	سپه بر کشید از دورویه	۵۴۵ ، ۲۱
سپه چون نگه کرد در قلب	۱۶۷۴ ، ۱۳g	سپه بر گرفت از عراق و	۲۲۶ ، ۸
سپه خواست کاندیشه جنگ	۴۵ ، ۱۳f	سپه بر گرفت از لب آب	۵۸۵ ، ۲۱
سپه خواند از هر سوی بی	۹۰۹ ، ۱۳g	سپه بر گرفت و بزد نای	۱۱۳۳ ، ۱۳
سپه خواند یکسر بر او	۱۰ ، ۴۹	سپه بر گرفت و بنه بر نهاد	۱۸۲۳ ، ۱۵
سپه خواه یاور ز سالار	۱۳۳۱ ، ۱۳f	سپه بر نشاند و بنه بر نهاد	۵۰۴ ، ۱۳b
سپه داد و دختر ترا داد	۳۹ ، ۴۴	سپه بر گرفت و بنه بر نهاد	۵۰۰ ، ۴۱
سپهدار از آن جنگیان	۱۰۹۲ ، ۴۲	سپه بر هم افتاد و چندی	۹۱۰ ، ۴۲
سپهدار از آن شرم گشته	۵۹۲ ، ۱۳f	سپه بود از آن جنگیان	۱۰۱۷ ، ۴۲
سپهدار از آن کار شد درد	۹۵۲ ، ۴۲	سپه بود از رومیان صد	۲۹۵ ، ۴۲
سپهدار ایران بقرگان	۱۱۱۶ ، ۴۲	سپه بود با طائر اندر حصار	۱۱۳ ، ۳۰
سپهدار ایران بر میدرسید	۹۴۰ ، ۱۳f	سپه بود بر خاک و دریا و	۶۲۵ ، ۱۳c
سپهدار ایران بود کرمان	۹۳۴ ، ۱۳f	سپه بود بر کوه و هامون	۱۹۹۹ ، ۴۳
سپهدار ایران بقرزانه	۲۰۶ ، ۱۲d	سپه بود بر میخنه چل هزار	۷۲۱ ، ۴۲
سپهدار ایران بخراسان	۲۲۳ ، ۴۳	سپه بود چندانکه بر کوه	۲۱۶۱ ، ۱۳g

سپهدار ایران بود پیشرو	۴۵۲ . ۱۳c	سپهدار ایران چو بکشاد	۶۱۱ . ۲۱
سپهدار ایران بهر سو	۱۹۳۰ . ۱۲d	سپهدار ایران چو بنهاد	۱۰۹ . ۱۹
سپهدار ایران دگر گونه	۱۱۱۵ . ۱۳b	سپهدار ایران چو زان	۱۰۴۳ . ۱۲
سپهدار ایران ز کسهای	۱۵۵۳ . ۱۳f	سپهدار ایران که نامش	۲۳۶ . ۱۵
سپهدار ایران سپه را	۴۷۲ . ۱۳b	سپهدار ایران ز پشت سپاه	۷۳۸ . ۱۳g
سپهدار ایران میان را	۱۶۶۱ . ۱۲d	سپهدار ایران نیامد	۱۳۸۹ . ۱۳f
سپهدار ایران نشانی	۱۸۵۰ . ۱۳f	سپهدار ایران و بیروز	۳۸۸ . ۵۰
سپهدار ایران و آن انجمن	۱۹۲۹ . ۱۳	سپهدار ایران و توران	۲۰۰۸ . ۱۳f
سپهدار ایران هم اندر	۱۳۴۸ . ۱۳	سپهدار با افسرو گرز	۵۰۶ . ۱۳
سپهدار ایران یکی چرب	۱۳۲ . ۱۳b	سپهدار با بیژن گیو گفت	۱۰۵۸ . ۱۳b
سپهدار بیروز و لشکر	۲۹۹۵ . ۱۳g	سپهدار با چار پیل و	۱۶۰ . ۱۳d
سپهدار تازی سرراستان	۴۴۲ . ۷	سپهدار با گرز و با گبرو	۶۰۶ . ۱۳g
سپهدار ترکان از آن	۱۵۵۱ . ۱۳g	سپهدار با گیو گریان شد	۸۱۰ . ۱۲e
سپهدار ترکان از آن روی	۲۱۱ . ۱۳g	سپهدار با لشکر و گنج	۱۸۰۹ . ۴۱
سپهدار ترکان بیکنند	۲۱۵ . ۱۳g	سپهدار با لشکر و گنج	۲۱۷۱ . ۴۱
سپهدار ترکان بر آراست	۱۸۲۶ . ۱۳f	سپهدار با موبد موبدان	۱۳۱۱ . ۴۲
سپهدار ترکان بشد زیر	۱۰۷ . ۱۱	سپهدار برجست زانجا	۱۲۰۶ . ۱۳f
سپهدار ترکان چو آوا	۱۴۸۱ . ۱۲d	سپهدار بر شاه کرد آفرین	۱۹۲ . ۱۳f
سپهدار ترکان چو باد دمان	۹۷۰ . ۶	سپهدار بشنید و آرام	۱۹۴۱ . ۴۳
سپهدار ترکان چو شبدر	۱۶۱۲ . ۱۳g	سپهدار بگزید نستوه را	۲۱۰۳ . ۴۳
سپهدار ترکان چه مایه	۱۸۸ . ۱۳g	سپهدار بکشاد از آن نامه	۸۴۱ . ۷
سپهدار ترکان سپه را	۳۵۵ . ۱۳g	سپهدار بنشست و رستم	۹۵۸ . ۱۲d
سپهدار ترکان و شیران	۱۰۹۱ . ۱۲e	سپهدار بنمود و جنگی	۲۸۵۹ . ۴۱
سپهدار توران از آن بدتر	۲۲۵۰ . ۱۲d	سپهدار بهرام گرد دسترگ	۱۷۶۸ . ۴۲
سپهدار توران بر آراست	۲۹۳ . ۱۲e	سپهدار بیژن پیش سپاه	۸۸۰ . ۵۰
سپهدار توران بکنگ	۷۰۰ . ۱۲e	سپهدار پس گیو را پیش	۱۰۸ . ۱۳b
سپهدار توران بنه بر نهاد	۸۴۳ . ۱۳g	سپهدار پس گیو را پیش	۱۵۲ . ۱۳f
سپهدار توران چوزان	۱۰۰۳ . ۱۲b	سپهدار ایران از آن شاد	۲۷۲۶ . ۱۲d
سپهدار توران دودیده پر	۲۰۴ . ۱۱	سپهدار ایران پیش اندر	۱۱۲۲ . ۱۲e
سپهدار توران ز چنگش	۴۰۳ . ۱۲e	سپهدار ایران بدانست	۱۸۶۳ . ۱۲e

سپهدار دانست کن آرزو	۳۷۶ ، ۱۳e	سپهدار توران ز کردار	۱۸۶۳ ، ۱۲d
سپهدار درخانه بنشسته	۹۲۵ ، ۲۰	سپهدار توران غمی گشت	۳۲۷ ، ۱۳f
سپهدار دستان مراورا	۸۹۷ ، ۷	سپهدار توران ورا پیش	۲۱۳۳ ، ۱۲c
سپهدار دستان وینکسر	۱۵ ، ۹	سپهدار چو بینه بهرام	۴۷۵ ، ۴۲
سپهدار دست سیاوش	۱۳۵۴ ، ۱۲d	سپهدار چون بو المظفر	۲۰۳۷ ، ۲۰
سپهدار رستم یل صف شکن	۱۰۵۸ ، ۱۲	سپهدار چون پیش لشکر	۲۰۱۹ ، ۱۵
سپهدار روزی دهان را	۱۰۹۱ ، ۱۳f	سپهدار چون در بیابان	۳۴۴ ، ۱۳g
سپهدار روزی دهان را	۴۲۷۴ ، ۴۱	سپهدار چون رستم و طوس	۸۵۹ ، ۱۲b
سپهدار روین بکردار	۳۴۵ ، ۱۳f	سپهدار چون سوی خشکی	۲۰۹۱ ، ۱۳g
سپهدار ز ابل بکابل بمافد	۹۴۷ ، ۷	سپهدار چون طوس نوذر	۴۳ ، ۱۳b
سپهدار سهراب نیزه	۴۴۱ ، ۱۲c	سپهدار چون طوس و گودرز	۱۲۹۷ ، ۱۳c
سپهدار سهراب و آن زور	۱۳۳۸ ، ۱۲c	سپهدار چون قارن رزم	۷۳۲ ، ۶
سپهدار شان اردشیر دلیر	۸۷۸ ، ۱۴	سپهدار چون قارن کاوگان	۶۵۷ ، ۶
سپهدار شان پیش خرداد	۳۴۷ ، ۴۲	سپهدار چون قارن کاوگان	۸۰۳ ، ۶
سپهدار شان چند و سالار	۷۷۳ ، ۶	سپهدار چون قارن کینه دار	۸۴۴ ، ۶
سپهدار شان دیدبان بر	۴۷۱ ، ۱۵	سپهدار چون کارزانگونه	۵۴۸ ، ۱۲b
سپهدار شان رستم شیردل	۱۲۴۵ ، ۱۳c	سپهدار چون گسته هم را	۱۷۳۶ ، ۱۳f
سپهدار شان سعد و قاصن	۴۶ ، ۵۰	سپهدار چون گیو بر گشت	۲۵۴ ، ۱۳f
سپهدار شان شیده شیردل	۷۴ ، ۱۳f	سپهدار چون گیو و گودرز	۲۲۸ ، ۱۲b
سپهدار شماس پیش اندر	۸۹۶ ، ۴۱	سپهدار چون ویسه تیز	۹۸ ، ۸
سپهدار شیروی با خواسته	۱۲۳۷ ، ۶	سپهدار چین با فرستاده	۱۶۸۲ ، ۲۰
سپهدار طوس آن کیانی	۱۴۸۲ ، ۱۳	سپهدار چین شدز پیغام	۱۷۷۹ ، ۴۲
سپهدار طوس است کامد	۸۵۱ ، ۱۳	سپهدار چین کان سخنها	۲۹۶۲ ، ۴۳
سپهدار طوس است مردی	۹۷۶ ، ۱۳b	سپهدار خاقان بدستور	۱۹۷۸ ، ۴۱
سپهدار طوس دلور چو	۱۰۲۴ ، ۱۳	سپهدار خاقان چین فنج	۱۸۳۹ ، ۴۱
سپهدار قرز ندرادر کنار	۲۱۱۵ ، ۷	سپهدار خانست و فنفور	۵۱۶ ، ۵۰
سپهدار فرمود تا موبدان	۱۳۴۲ ، ۱۳f	سپهدار خود را بنخواندش	۱۱۹۲ ، ۱۲d
سپهدار کابل بر آمد	۴۴۸۰ ، ۱۵	سپهدار خونریز بیداد	۲۳۸۲ ، ۱۵
سپهدار کابل در او بنگرید	۴۴۰۱ ، ۱۵	سپهدار دو نامداران جنگ	۵۴۲ ، ۱۳
سپهدار کاکوی بر زده	۱۱۱۹ ، ۶	سپهدار داند که من با سپاه	۱۴۰۷ ، ۱۳f

سپهدار هندوستان شاد	۳۷۶ . ۲۰	سپهدار کاووس در قلبگاه	۹۹۹ . ۱۲
سپهدار هومان پیش	۱۳۶۹ . ۱۳b	سپهدار کونا شمرده سپاه	۳۷۱ . ۱۳f
سپهدار هومان دمان پیش	۳۳۰ . ۱۳b	سپهدار کینخسرو آن خوار	۹۲۶ . ۱۳g
سپه داغ دل شاه باهای و	۵۸۳ . ۶	سپهدار گردنکش و خشم	۱۰۷۶ . ۴۲
سپه در سپاه قراخان رسید	۸۸۷ . ۱۳g	سپهدار گرسیوز پیلتن	۳۲۷ . ۱۳g
سپه دل شکسته پراز درد	۷۲۰ . ۱۳g	سپهدار گشت از جهان نا	۷۰۳ . ۱۳g
سپه دید آراسته چون	۶۷۳ . ۱۲d	سپهدار گودرز یاد و دمان	۲۴۲۰ . ۱۳f
سپه دید با جوشن و ساز	۲۲۴۰ . ۱۵	سپهدار گودرز بر تیغ کوه	۱۰۰۶ . ۱۳b
سپه دید با گرز و تیغ وزره	۲۴۵۳ . ۱۲d	سپهدار گودرز را خواستند	۱۵۳ . ۱۳g
سپه دید بر هفت فرسنگ	۱۴۱۷ . ۱۵	سپهدار گودرز شان در	۳۲۲ . ۱۳f
سپه دید پر موده چندان	۱۰۷۱ . ۴۲	سپهدار گودرز کشواد بود	۱۵۱ . ۱۳g
سپه دید چندان که دریای	۱۴۴۰ . ۱۳b	سپهدار گودرز کشواد رفت	۶۸۷ . ۱۲c
سپه دید چون کوه آهن	۹۱۳ . ۴۲	سپهدار گودرز کشوادگان	۱۲۸۳ . ۱۲e
سپه دید و بر گشت سوی	۷۸۵ . ۱۳	سپهدار گودرز کشوادگان	۱۲۷ . ۱۳f
سپه دیده بان کردش و	۳۱۴ . ۱۵	سپهدار گودرز لشکر شکن	۲۰ . ۱۲b
سپه آفریدی و اختر	۴۳۹۶ . ۱۵	سپهدار گودرز لشکر شکن	۱۳۹۶ . ۱۲e
سپه را ازوبد در ایران	۱۴۳ . ۸	سپهدار گودرز و گیودلیر	۴۸۲ . ۱۲c
سپه را بآین نوشیروان	۱۷۵ . ۴۳	سپهدار گویی ز میدان	۱۴۵۶ . ۱۲d
سپه را بهرام فرسخ سپرد	۱۹۴۲ . ۴۳	سپهدار لب را بدندان	۱۷۳۱ . ۴۲
سپه را پیش اندر افکند	۱۵۳۱ . ۱۳c	سپهدار مرز و نگهدار	۱۹۴۵ . ۳۵
سپه را بتیر از برش دور	۱۶۴۱ . ۱۳	سپهدار نامه بر ایشان	۵۰۸ . ۱۲c
سپه را بچنگ اندر آورد	۱۵۹۳ . ۱۳g	سپهدار نامی گو پیلتن	۵۲۴ . ۱۲c
سپه را بدان چاره اندر	۴۵۵ . ۱۳c	سپهدار نشنید پند مرا	۲۷۷۲ . ۴۳
سپه را بدان رزمگه بر	۱۵۴۹ . ۱۵	سپهدار نوزد چو آگاه شد	۵۵۰ . ۸
سپه را بدان سو نباید	۱۵۳ . ۱۲	سپهدار راز تخمه پادشاه	۸۷۹ . ۱۲c
سپه را بدان سوی لشکر	۱۱۰۶ . ۴۲	سپهدار و جوشنوران صد	۷۶۱ . ۱۲c
سپه را بدان شارسان جای	۱۴۴۲ . ۲۰	سپهدار و سالار زرینه	۱۴۶۸ . ۱۳
سپه را بدان مرز ایران	۹۲۶ . ۱۳e	سپهدار و کینخسرو دمهر	۱۳۴۸ . ۱۲e
سپه را بدرخواند و روزی	۳۱۵۵ . ۴۳	سپهدار و گردان پر خاش	۱۳۳۰ . ۱۳
سپه را بدوداد اسپهبدی	۳۰۹ . ۱۵	سپهدار و گردنکشان آن	۴۱۷ . ۱۳f

سپه را چرا کرد باید	۵۵۶ ، ۲۰	سپه را بدوداد و خود پیش	۱۹۵۴ ، ۴۳
سپه را چنین صف کشیده	۱۵۴۲ ، ۱۳c	سپه را بدویست فرمان	۵۱۴ ، ۱۳f
سپه را چو آگاهی آمد	۴۲۹ ، ۲۱	سپه را بدینار دل خوش کن	۶۱۳ ، ۱۳
سپه را چورزم گرانست	۱۵۴۷ ، ۱۳b	سپه را بدین گفته ها آزمود	۱۶۲۲ ، ۴۲
سپه را چوروی اندر آمد	۴۶۳۰ ، ۱۵	سپه را بر آراست زان گونه	۱۵۳۶ ، ۱۳g
سپه را چوروی اندر آمد	۱۸۱ ، ۱۹	سپه را بسالار لشکر سپرد	۱۸۷۹ ، ۷
سپه را چوروی اندر آمد	۴۶۴ ، ۳۰	سپه را بسالار لشکر سپرد	۱۸۸۶ ، ۱۵
سپه را چه باید ستاره شمر	۳۸۶ ، ۱۳g	سپه را بسالار لشکر سپرد	۱۶۴۴ ، ۲۰
سپه را خورش پس فراوان	۹۰۱ ، ۱۳b	سپه را بشیروی بسپرد	۱۰۵۰ ، ۶
سپه را درم باید و دستگاه	۴۲۷۶ ، ۴۱	سپه را بفرمود تا بر نشست	۱۷۲۴ ، ۱۳f
سپه را درم دادن آغاز	۷۹۳ ، ۱۳b	سپه را بفرمود تا بر نشست	۷۱۱ ، ۴۲
سپه را درم داد و آباد	۳۳۵ ، ۲۱	سپه را بفرمود تا هر کسی	۷۱۲ ، ۲۰
سپه را درم داد و آباد	۸۲۴ ، ۵۰	سپه را بفرمود تا همگروه	۶۰۹ ، ۱۳c
سپه را درم داد و آسوده	۹۳۵ ، ۱۳g	سپه را بفرمود کز جای	۱۷۳۱ ، ۱۳f
سپه را درم داد و اسپ و	۱۷۸۳ ، ۴۲	سپه را بگردار پروردگار	۴۰۱ ، ۱۳
سپه را درم داد و دینار	۲ ، ۱۶	سپه را بگردار دریای	۱۲۷۳ ، ۱۳b
سپه را درم داد و فرسنگ بد در	۱۲۲۶ ، ۱۲c	سپه را بلشکر گه اندر	۳۸۰ ، ۳۰
سپه را درم داد بر کشیده بماند	۱۶۶۹ ، ۱۳g	سپه را بمرگ اندر آمد	۲۳۶۲ ، ۱۵
سپه را درم داد بر من فراوان	۲۴۱۱ ، ۱۳g	سپه را بنزدیک او جای	۱۳۵۴ ، ۴۲
سپه را درم داد بیرون کشید	۱۴۷ ، ۴۳	سپه را بنزدیکی در بماند	۱۰۵۵ ، ۶
سپه را درم داد دریا بهامون	۱۲۰۲ ، ۶	سپه را بهامونی اندر	۶۲۵ ، ۴۱
سپه را درم دشمن تن آسان	۳۰ ، ۳۵	سپه را بهر جای کرده	۱۵۲۵ ، ۳۵
سپه را درم دشمن نکهدار	۲۱۵۴ ، ۱۳f	سپه را بهنگام روزی	۶۱۶ ، ۳۴
سپه را درم بدی باز داشت	۲۱ ، ۹	سپه را بیاراست ، روزی	۲۰۳۰ ، ۱۳g
سپه را درم سالار و گز دنگش	۸۹۲ ، ۳۵	سپه را بیاراست و خود بر	۸۲۹ ، ۴۲
سپه را درم چشمها تیره	۶۹۶ ، ۱۲	سپه را بیاراید از گنج	۴۱۵۲ ، ۴۱
سپه را درم چار باشی براند	۱۸۳۶ ، ۴۱	سپه را بیارای زید بران	۲۰۹۹ ، ۱۵
سپه را درم کوشش سکن	۲۵۷ ، ۱۹	سپه را بیارای و آژیر باش	۱۰۴۲ ، ۱۳g
سپه را درم هامون بهر ما	۵۳ ، ۱۲b	سپه را بیارای و بر ساز	۴۸ ، ۵۰
سپه را درم بر آسوده	۳۴۹ ، ۲۲	سپه را بیک روی بر کوه	۴۶۷ ، ۳۰
		سپه را تو باش این زمان	۶۱۸ ، ۱۳

سپه راهمه پیش باید شد	۵۶۹ ، ۱۳۴	سپه راهمه پیش باید شد	۹۵۸ ، ۶
سپه همه ترگ و جوشن	۱۴۰۲ ، ۱۳ب	سپه راهمه ترگ و جوشن	۷۹ ، ۳۵
سپه راهمه ترگ و جوشن	۱۸۶۰ ، ۱۳g	سپه راهمه ترگ و جوشن	۱۶۷ ، ۱۲e
سپه راهمه دستگیر آوریم	۳۲۶۳ ، ۴۱	سپه راهمه دستگیر آوریم	۱۱۳۶ ، ۲۰
سپه راهمه دل خروشان	۷۱۸ ، ۱۳g	سپه راهمه دل خروشان	۱۰۷۰ ، ۴۲
سپه راهمه دل شکسته	۱۴۷۵ ، ۱۵	سپه راهمه دل شکسته	۱۱۰ ، ۳۰
سپه راهمه زال آباد	۶۱۱ ، ۸	سپه راهمه زال آباد	۵۰ ، ۳۸
سپه راهمه سر بسر بار داد	۳ ، ۱۷	سپه راهمه سر بسر بار داد	۴۰ ، ۱۲b
سپه راهمه سر بسر داد دل	۱۴۶۹ ، ۱۳۴	سپه راهمه سر بسر داد دل	۱۴۴ ، ۱۶
سپه راهمه سوی دریا	۳۲۸۲ ، ۴۱	سپه راهمه سوی دریا	۲۹۰ ، ۱۳۴
سپه راهمه گرز و جوشن	۱۰۲۱ ، ۱۳	سپه راهمه گرز و جوشن	۱۳۸۷ ، ۱۳۴
سپه راهمه هر چه بایست	۱۲۹۵ ، ۱۳g	سپه راهمه هر چه بایست	۱۲۲ ، ۱۲e
سپه راهمی خوار کرد و	۴۹ ، ۱۳b	سپه راهمی خوار کرد و	۱۶۲۹ ، ۱۳g
سپه راهمی یکایک همه باز خواند	۱۳۰۲ ، ۱۲d	سپه راهمی یکایک همه باز خواند	۱۱۲۳ ، ۱۳b
سپه راهمی یکایک همه بر شمرد	۱۳۵۷ ، ۱۳	سپه راهمی یکایک همه بر شمرد	۱۱۳۳ ، ۱۳g
سپه بر بن کاخ میدان او	۷۷۷ ، ۶	سپه بر بن کاخ میدان او	۶۱۲ ، ۱۳g
سپه بلند ار کشد زمین	۵۲۶ ، ۶	سپه بلند ار کشد زمین	۷۶۸ ، ۱۲b
سپه بلند از تو دل شاد	۹۸۱ ، ۱۳c	سپه بلند از تو دل شاد	۱۷۲ ، ۸
سپه بلندش بپای آورید	۴۷۹ ، ۱۲e	سپه بلندش بپای آورید	۳۷۷ ، ۸
سپه رفت اکنون تو ایدر	۶۲۶ ، ۴۳	سپه رفت اکنون تو ایدر	۳۴۵ ، ۱۳g
سپه رفت تا خرد اردشیر	۴۰۶۶ ، ۴۳	سپه رفت تا خرد اردشیر	۲۲۷ ، ۱۹
سپه رفت و بهمن بزابل	۴۱۹۷ ، ۱۵	سپه رفت و بهمن بزابل	۶۱۹ ، ۴۱
سپه روان را چنینست	۲۷۰ ، ۳۴	سپه روان را چنینست	۳۶۳ ، ۱۳g
سپه گذارنده یار تو	۱۲۷۰ ، ۳۵	سپه گذارنده یار تو	۳۰۸۴ ، ۴۱
سپه م بتر مد شد و بارمان	۷۲۱ ، ۱۲d	سپه م بتر مد شد و بارمان	۱۲۰ ، ۱۸
سپه م بدو گفت آسان	۱۱۱ ، ۱۲e	سپه م بدو گفت آسان	۱۷۴۶ ، ۱۳۴
سپه م پس و بارمان	۶۹۵ ، ۱۲d	سپه م پس و بارمان	۱۶۹۵ ، ۷
سپه م ز خویشان افراسیاب	۱۹۴۸ ، ۱۳۴	سپه م ز خویشان افراسیاب	۶۷۶ ، ۱۵
سپه روزمان وزمین آن	۹۳۱ ، ۱۳c	سپه روزمان وزمین آن	۱۸۲۶ ، ۱۵
سپه روزمان وزمین آن	۳ ، ۲۰	سپه راهمه بیشتر خسته دید	۱۴۰۷ ، ۱۲e

سپهر زمین وزمان کرده	۶۵۴ ، ۲۲	سپه کوه تا کوه صف بر	۳۵۶ ، ۱۲b
سپهر وستاره که گردنده	۱۲۴۳ ، ۴۳	سپه گرد کرد اندر آن	۱۳۴ ، ۱۷
سپهری بر این گونه بر پای	۹۹۸ ، ۱۳c	سپه گرزها بر نهاده بدوش	۱۰۴۵ ، ۱۳g
سپهر بست پنداشت ایوان	۳۸۰ ، ۶	سپه گفت آواز بسیار	۲۳۳۹ ، ۱۵
سپهری کجا باد گرز تو	۱۱۹۶ ، ۷	سپه گفت کاین بر تری	۱۲۴۲ ، ۱۳b
سپهری که بینی از این	۴۴۶ ، ۱۹	سپه ماند از بردع وارد نیل	۵۹۱ ، ۴۳
سپهری که پشت مرا کرد	۴۰۵ ، ۶	سپه میمنه میسر بر کشید	۲۲۴۴ ، ۱۵
سپه ساختن دانی و کیمیا	۷۵۸ ، ۴۲	سپه یکسره بر تو دارند	۲۷۰۷ ، ۱۵
سپه سازد و کار ایران کند	۶۲۵ ، ۱۲d	سپه یکسره پیش سام آمده اند	۲۱۸ ، ۷
سپه ساز و برکش بفرمان	۵۰ ، ۱	سپه یکسره خواندند	۱۰۹۷ ، ۱۳f
سپه سازی و ساز جنگ	۲۶۱ ، ۲۱	سپه یکسره خواندند	۲۱۳۰ ، ۱۳g
سپه سر بسر بردر پیلتن	۴۷ ، ۱۲e	سپه یکسره دست برداشت	۱۹۹۵ ، ۱۵
سپه سر بسر پیش خاقان	۱۵ ، ۱۳c	سپه یکسره نعره برداشت	۸۹۹ ، ۶
سپه سر بسر داشتگشته شدند	۳۸۵ ، ۸	سپه جاب تا مرز گلژر	۴۸۷ ، ۱۲e
سپه سر سرزار و گریان	۴۳ ، ۱	سپه جاب و سفیدی بگودرز	۴۸۱ ، ۱۲e
سپه سر سرزاران توانگر	۴۷۱ ، ۱۲e	سپه دش مژه دیدگان قیر	۲۰۸ ، ۷
سپه سر سر نعره برداشتند	۱۵۴۹ ، ۱۳c	سپه دو سیاهست هر دو	۱۵۴۸ ، ۷
سپه سوی آواز بنهاد گوش	۱۴۹۶ ، ۲۰	سپه بر آمد بنه بر نهاد	۱۶۴ ، ۳۰
سپه سوی ایران برفتن	۹۰۹ ، ۱۴	سپه بر آمد ز کوه سیاه	۲۸۸ ، ۱۳f
سپه شد شکسته دل و وزرد	۱۰۳۸ ، ۱۲	سپه جو از جای خود	۸۹۷ ، ۶
سپه طوش را ده تو خود	۱۰۸۰ ، ۱۲d	سپه جواز کوه سر بر	۷۴۹ ، ۱۳f
سپه کردن و جنگ را	۸۹۰ ، ۴۱	سپه جواز کوه سر بر	۸۴۹ ، ۱۳g
سپه کرد و سر سوی بهمن	۷۷ ، ۱۶	سپه جواز کوه سر بر	۱۸۵ ، ۸
سپه کرد و نزدیک اوراه	۲۶ ، ۱	سپه جو از کوه سر	۱۹۷۹ ، ۱۵
سپه کرده و جنگ را	۲۰۲ ، ۴	سپه جو بر زد ز بالا	۱۰۷۹ ، ۲۰
سپه کش بود گاه کینه دلیر	۸۸۶ ، ۱۲c	سپه جو بر زد ز دریای	۴۱۹ ، ۲۱
سپه کش بشو تن بقلب اندر	۲۲۴۱ ، ۱۵	سپه جو بر زد سر از برج	۱۳۹۷ ، ۱۳
سپه کش جو رستم سپه	۷۴۷ ، ۱۲d	سپه جو بر زد سر از کوه	۳۵ ، ۱۷
سپه کش جو رستم گو پیلتن	۶۹۹ ، ۱۲d	سپه جو بر زد سر از کوه	۵۴۱ ، ۴۲
سپه کش چو قارن مبارز	۸۵۳ ، ۶	سپه دمان اندر آن	۹۳۷ ، ۱۳f

ستاره سنان بود و خورشید	۲۸۰ ، ۱۳۴	سپیده دمان او بجایی	۸۸۷ ، ۱۳۴
ستاره شب تیره یارمنست	۸۱۸ ، ۷	سپیده دمان گاه بانگ	۹۱۷ ، ۱۳۵
ستاره شمر اختران را	۲۰ ، ۸	سپیده دمان گاه بانگ	۹۶۵ ، ۱۳۵
ستاره شمر بود و بسیار هوش	۳۸ ، ۵۰	سپیده دمان گرزها بر	۳۷۱ ، ۱۳۵
ستاره شمر پیش از این	۱۸۵۶ ، ۲۰	سپیده دمان مرد با مهر	۳۱۴ ، ۳۰
ستاره شمر پیش او بر	۳۳۱۵ ، ۴۳	سپیده دمان هست مهمان	۵۶۷ ، ۱۳۵
ستاره شمر پیش باره نماید	۱۶۱۶ ، ۴۳	سپیده هم آنکه ز که بر	۳۹۵۰ ، ۱۵
ستاره شمر پیش دوشهر یار	۳۶۱ ، ۱۳۵	سپیدی مویش بز بیدهمی	۴۷۱ ، ۷
ستاره شمر چون بر آشفست	۱۸۵۲ ، ۲۰	سپینود باشاه بهرام گو	۲۲۳۲ ، ۳۵
ستاره شمر زان غمی گشت	۱۸۴۹ ، ۲۰	سپینود در پیش او بردشاه	۲۴۳۹ ، ۳۵
ستاره شمر شصت و سه ساله	۲۵۳۵ ، ۳۵	سپینود در اجفت بهرامش	۲۵۱۰ ، ۳۵
ستاره شمر کان شکفتی	۴۳۸۶ ، ۱۵	سپینود در ادا من شورهند	۲۵۱۵ ، ۳۵
ستاره شمر گفت ازین در	۲۳۳ ، ۱۳۵	سپینود در گفت اینت بهشت	۲۴۸۶ ، ۳۵
ستاره شمر گفت این خود	۳۲۰ ، ۳۴	سپینود را گفت بهرام	۲۲۹۳ ، ۳۵
ستاره شمر گفت بهرام	۱۰۸۵ ، ۴۲	سپینود را نیز پدرود	۲۳۸۸ ، ۳۵
ستاره شمر گفت جز	۳۸۷ ، ۴۲	سپینود گفت ای سرافراز	۲۳۰۰ ، ۳۵
ستاره شمر گفت کای شهر	۱۴۶ ، ۳۰	سپینود گفت ای سزاوار	۲۳۰۴ ، ۳۵
ستاره شمر گفت و خسرو	۶۲۲ ، ۱۲b	ستاده جوانی بکردار	۱۶۰۰ ، ۷
ستاره شمر مرد اخترگر	۳۴۵ ، ۷	ستاره استرخشان ز چرخ	۱۷۹۳ ، ۳۵
ستاره شمر نیست ازها	۷۶ ، ۳۴	ستاره بچنگ اندر آمد	۱۱۸ ، ۱۲۵
ستاره شناس آن شکفتی	۱۳۳۵ ، ۱۵	ستاره بدان کودک آشفته	۸۱ ، ۱۲d
ستاره شناسان از ایران	۸۵ ، ۱۴	ستاره بر آن جنگ نظاره	۴۷۰ ، ۳۰
ستاره شناسان بر او شدند	۲۱۳۹ ، ۷	ستاره بر آن دشت نظاره	۱۱۹۳ ، ۱۳۵
ستاره شناسان بر وز دراز	۸۵۹ ، ۷	ستاره بر ایشان بنالدهمی	۷۲۶ ، ۱۳b
ستاره شناسان کابلستان	۲۶۲۸ ، ۱۳g	ستاره بسر بر شکفتی نمود	۵۳ ، E
ستاره شناسان و جویند-	۱۴۳۲ ، ۴۱	ستاره پدید آمد از تیره	۱۵۵۰ ، ۱۳g
ستاره شناسان و دین آور	۳۶۷ ، ۷	ستاره تو گفتی با آب اندر	۳۲۶۲ ، ۴۱
ستاره شناسان و کند آور	۲۷۳۸ ، ۱۳g	ستاره چو گل گشت و	۳۷۸ ، ۱۲b
ستاره شناسان و کند آور	۴۳۸۲ ، ۱۵	ستاره زدند از بر خوابگاه	۲۵ ، ۳۲
ستاره شناسان و کند آور	۲۲۶۴ ، ۴۱	ستاره ز ندرای با چرخ	۱۰۰۰ ، ۴۱

ستاره شناسان وهم موبدان	۲۸۵۰	۷	ستایش نیابد دل سفاک	۷	۲۹
ستاره شناسی گرانمایه	۳۵۰۰	۱۵	ستایش همه زیر فرمان	۵۲	۴۱
ستاره نهان کرده زیر	۹۹۰	۱۲c	ستایش همی کرد باخود	۴۴۹	۷
ستاره همی بشمری ز آسما-	۱۷۹۷۰	۳۵	ستایش همی کرد بر پای	۲۴۱۷	۱۳۴
ستاره همی جست راه	۱۱۹۰۰	۱۵	ستایش همی کرد بر کرد	۱۶۸۴	۱۳g
ستاره همی دامن ماه	۱۵۶۴۰	۳۵	ستایش همی کرد بر کرد	۲۳۸۵	۴۱
ستاهم بر آن بارگی بر	۱۲۱۳۰	۴۲	ستاینده ای کو ز بهر	۶۷	۲۴
ستاند ز تو دیگری را	۳۰۰	۴۹	ستاینده بدشهر یار ارد-	۳۲۲	۲۲
ستانمت ازو خلعت و خوا-	۱۲۷۸۰	۱۳	ستاینده شهر یاران بدی	۱۰۶۲	۱۵
ستانم یکی مهر خاقان	۲۷۰۲۰	۴۳	ستاینده مرد نادان شوقه	۲۳۸۰	۲۰
ستاننده را گفت بهرام	۵۹۸۰	۴۲	ستاییم تاج شهنشاه را	۱۰۰	۲۰
ستاننده شهر مازندران	۵۲۷۰	۱۲c	ستاییم تاج شهنشاه را	۶۶۰	۲۲
ستاننده کو ناسپاست	۱۰۰	۲۹	ستبرست بازوت چون	۳۳۵۰	۱۵
ستایش ببايد فزون زان	۴۰۹۲۰	۴۱	ستد آنچه لنبك بدو داد	۱۳۷	۳۵
ستایش چو کرد آن یل	۷۶۸	۱۲	ستداهرن آن نامه از چاره	۵۱۷	۱۴c
ستایش کنان پهلوان	۲۴۱۱۰	۱۳۴	ستد نیزه از دست او نامدار	۲۷۷	۱۰
ستایش کنان پیش او شد	۶۲۴۰	۱۳۴	سترده شد از جان او مهر	۲۰	۳۴
ستایش کنان پیش او شد	۸۵۸۰	۱۳g	ستم باد بر جان آن ماه و	۱۸۷	E
ستایش کنان پیش بیژن	۸۳۱۰	۱۳۴	ستم باد بر جان او ماه و	۲۳۶۶۰	۱۲d
ستایش کنان پیش خسرو	۷۸۹۰	۱۳e	ستم بر سیاوش از ایشان	۱۱۵	۱۳c
ستایش کنانش دویدند	۷۸۸۰	۱۲	ستم دیدگان راهمی خوانند	۱۳۵۳	۴۳
ستایش کنان گرد آن	۱۶۵۰	۷	ستم دیده را اوست فریاد	۴۵۴	۲۲
ستایش کنم ایزد پاک	۲۳۶۰	۱۳d	ستم دیده را پیش او خوانند	۲۱۶	۵
ستایش که داند سزاوار	۴۴۳۰	۲۲	ستم رامیان و کرانه بود	۲۲۹	۵
ستایش گرفت آفریننده	۱۲۳۰	۱۳d	ستم کارگان را کنم برود	۱۹۶۷	۱۳g
ستایش گرفتم بیزدان	۳۸۲۴۰	۱۵	ستم کاره ای کرد بر من	۹۸۷	۱۳c
ستایش گرفتند بر پهلوان	۷۰۷۰	۱۲c	ستم کاره چویان بدست	۲۶۷۷	۱۲d
ستایش گرفتند بر رهنما	۲۴۶۰۰	۴۱	ستم کاره خوانمش ار داد	۴	۱۲c
ستایش گرفتند بر کرد-	۱۴۰۹۰	۱۲c	ستم کاره دیویست بر ما	۲۹۰	۴۳
ستایش نبرد آنکه بیداد	۲۰۶۳۰	۲۰	ستم کاره را از ندم بر واد	۳۸۵۴	۴۱

ستون سپه بود تازه بود	۲۱۵۳	۱۳۴	ستمکاره شد شهر بار جهان	۷۴۲	۳۵
ستون کرد چپ راوخم	۱۵۱۶	۱۳ب	ستمکاره کش نزد او شرم	۴۴۷۱	۴۱
ستون کیان پشت ایران	۱۴۶۳	۱۲۵	ستمگر بد آن کوبید	۲۰۳۹	۱۳g
ستون گوان پشت افراسیا	۲۰۳۰	۱۳۴	ستمگر چرا گشتی ای ماه	۹۳۸	۷
ستون منا پرده کشورا	۸۰۳	۱۵	ستمگر شدی بر تن	۲۵۸۵	۱۲d
ستون نهادند زیر اندر	۱۱۴۸	۱۳c	ستم گرنداری تو بر من	۲۲۲	۵
ستوه آمد از جنگ یکتن	۱۱۱۷	۱۲e	ستم نامه عزل شاهان	۲۰۵۵	۲۰
ستیزه بجایی رساند سخن	۵۰۸	۱۳۴	ستودان مرا بهتر آید	۳۱۱	۱۹
ستیزه بود مرورا پیشرو	۹	۲۴	ستودان نیابیم یکسر نه	۹۸۹	۱۳b
ستیزه نه خوب آید از نام	۱۷	۲۵	ستودان همی سازدش زال	۱۸۰	۸
سحر که بدان دشت توران	۷۳۷	۱۲b	ستودش فراوان و کرد	۴۸۲	۱۲e
سحر که چو از خواب بر	۷۴۲	۱۲b	ستودش فراوان و کرد	۱۲۷۵	۱۲e
سحر که خروش آمد از	۴۶۲۵	۱۵	ستودند شاه جهان را بسی	۱۳۶۵	۴۱
سحر که سواری بیامد	۲۳۳	۱۳g	ستودن گرفت آنکهی زال	۱۸۵۷	۷
سحر که مرا چشم بنمود	۲۷۶۵	۱۳g	ستودن مراو را چنان	۷۴۴	۷
سخن آنکه ایدر نماند	۸۱۲	۴۱	ستودن من او را ندانم	۴	۱۳b
سخن از جهان دیدگان	۸۹	۱۲	ستودن ندانند کس او را	۹	E
سخن بر چه سافست و این	۹۴۰	۷	ستوده تر آن کس بود در	۱۵۴۴	۴۱
سخن بس کن از هر مز	۱۷۴۱	۴۲	ستوده ز هندوستان تا	۴۹۰	۷
سخن بشنو از من توای	۱۰۱۴	۱۲d	ستوده کسی کو میانه	۱۹	۳۲
سخن بشنوای نامور شهر	۱۳۰	۱۲	ستوده نباشد سر بادسار	۲۱۹۰	۱۲d
سخن بهترین یاد	۶۰۶	۲۲	ستوران و پیلان چو تخم	۱۱۸۳	۴۲
سخن بهتر از گوهر شاهوار	۴۴۴	۳۵	ستوران همه خسته و	۷۸۲	۴۳
سخن به که ویران نکردد	۲۰۰۳	۲۰	ستور نوید اندر آمد ز	۱۰۰۱	۴۲
سخن پرسد از بخردان	۴۱۵۳	۴۱	ستون بزرگ گیسست آهستگی	۲۴	۴۲
سخن پر سمت گر تو پاسخ	۷۱۰	۱۳	ستون خرد برد باری بود	۱۷	۲۰
سخن پرسی از گنگ واز	۱۲۱۷	۴۱	ستون خرد داد و بخشایش	۷	۳۸
سخن پیش فرهنگیان	۶۰۷	۲۲	ستون سپاهی بهنگام رزم	۲۱۹	۴۳
سخن جز بشمشیر با او	۲۵۷	۱۳b	ستون سپاهی و زیبای گاه	۴۲۵	۱۳c
سخن جز زیزدان واز دین	۱۷۱۶	۴۱	ستون سپاهی و سالار شاه	۱۷۱۲	۱۳f

سخن چندی بر گفت ناساز	۵۷۰	۱۳۵	سخن چندی بر گفت ناساز	۱۳	۱	سخن بر این
سخن چند بشنید و پاسخ	۵۴۶	۵	سخن چند بشنید و پاسخ	۱۵	۱۰۷۰	سخن راتنگه داشتیم سال
سخن چند سنجی همان به	۱۳۳۵	۴۳	سخن چند سنجی همان به	۴۱	۱۷۱۴	سخن رفت چندی ژا فسون
سخن چند گفتم بچیزی	۳۵۸۰	۱۵	سخن چند گفتم بچیزی	۹	۲۸	سخن رفتشان یک یک
سخن چون بتنگی و سختی	۸۹۹	۷	سخن چون بتنگی و سختی	۱۸	۷۹	سخن رفت هر گونه از باز
سخن چون بدینگونه باید	۱۰۵۰	۱۵	سخن چون بدینگونه باید	۷	۱۰۶۱	سخن رفت هر گونه بامو بد
سخن چون برابر شود	۲	۱۲۵	سخن چون برابر شود	۴۱	۲۹۳۰	سخن رفت هر گونه بر
سخن چون بسالار توران	۲۳۳	۱۳۴	سخن چون بسالار توران	۱۲۵	۲۴۰	سخن زین درازی چه باید
سخن چون بگوش بزرگان	۲۵۶	۱۵	سخن چون بگوش بزرگان	۳۵	۱۴۱۷	سخن زین نشان کس مدار
سخن چون بگوش بزرگان	۴۹	۱۲	سخن چون بگوش بزرگان	۴۳	۳۸۴	سخن زین نشان مرد دانا
سخن چون بگوش سپهبد	۲۴۵	۱۰	سخن چون بگوش سپهبد	۱۳۴	۹۵۴	سخن سر بسر آن کجارفته
سخن چون بگوش سیامک	۳۲	۱	سخن چون بگوش سیامک	۵	۷۱	سخن سر بسر موبدان را
سخن چون بمیرین و اهرن	۶۹۴	۱۴	سخن چون بمیرین و اهرن	۶	۳۵۳	سخن سلم پیوند کرد از
سخن چون زدا ننده بشنید	۲۱۴۵	۷	سخن چون زدا ننده بشنید	۴۴	۴۹۳	سخن سنج بی رنج اگر مرد
سخن چون ز گلنار از آن	۱۹۱	۲۱	سخن چون ز گلنار از آن	۴۱	۱۵۲۳	سخن سنج و دینار گنجی
سخن چون یک اندر دگر	۴۰۳۶	۴۱	سخن چون یک اندر دگر	۱۲۵	۵۲	سخن شان ز تندی بجایی
سخن چین و بیداش و چاره	۴۳	۲۴	سخن چین و بیداش و چاره	۱۴	۴۱۷	سخن شان ز گشتاسب بود
سخن چین و دوروی و بیگار	۴۵۱۴	۴۱	سخن چین و دوروی و بیگار	۶	۵۰۱	سخن شد پژوهیده ازهر
سخن خوب گوید چو دارد	۳۹۶	۴۴	سخن خوب گوید چو دارد	۴۱	۱۵۹۰	سخن کان نه اندر خورد
سخن خوب را نه یک ماه	۹	۴۶	سخن خوب را نه یک ماه	۴۱	۱۳۷۰	سخن کرد از آن موبدان
سخن دارد از موی باریک	۴۲۲	۲۰	سخن دارد از موی باریک	۱۲۵	۱۹۷	سخن کم شنیدم بدین نیکو
سخندان قیصر چو پاسخ	۱۷۹۹	۳۵	سخندان قیصر چو پاسخ	۴۱	۲۵۹	سخن گر چه اندک بود در
سخن را ببايد شنیدن	۱۰	۴۰	سخن را ببايد شنیدن	۱۲۵	۴۹۰	سخن گر گرفتی چنین
سخن را بدینگونه پیوند	۲۹۸۹	۴۳	سخن را بدینگونه پیوند	۴۲	۱۲۹۷	سخن گر رفتی بدین گونه
سخن را تو بر کنده دانی	۵۹۵	۲۲	سخن را تو بر کنده دانی	۱۳۵	۹۸۷	سخن گر نگوئی مرا نم
سخن را فکند ند هر گونه	۳۶۴	۸	سخن را فکند ند هر گونه	۴۲	۱۲۸۵	سخن گر نیتزایی اکنون
سخن را مگردان پس و	۴۴۵۱	۴۱	سخن را مگردان پس و	۴۳	۴۲۵۱	سخن گفت از آن پیل بر
سخن را نبد بر دلش هیچ	۱۸۰۰	۱۳	سخن را نبد بر دلش هیچ	۱۵	۱۴۶	سخن گفت از دوزخ وار
سخن را انداز تور و از سلم و	۱۰۰	۸	سخن را انداز تور و از سلم و	۴۱	۴۲۰۴	سخن گفت با او بخوبی
سخن را انداز رنج راه دراز	۹۴۶	۱۲	سخن را انداز رنج راه دراز	۴۱	۲۴۷۹	سخن گفت خندان و بکشاد
سخن را ندهر گونه افرا-	۱۳۵۰	۱۳۵	سخن را ندهر گونه افرا-	۲۰	۴۱۳	سخن گفتش از جام روحی
			سخن گفت شاهک بر این	۴۲	۱۳۷۹	

سخن گوی دهقان چه گوید	۱	۱	سخن گفت کیخسرو از	۱۵۹۲	۱۳c
سخن گوید و گفت تو	۶۲۸	۲۰	سخن گفت گوینده پیشرو	۴۳۴۵	۴۱
سخن گوی شد بر گدیگر	۱۶۱۷	۲۰	سخن گفت مرد گشاده	۵۹۱	۳۰
سخن گوی گردد یکی زین	۱۵۹۸	۲۰	سخن گفتم و پاسخ داد	۲۳۲	۴۰
سخن گویم از زو کنی	۱۲۶۶	۱۳c	سخن گفتن اکنون نیاید	۷۳۰	۱۴
سخن گوی مردی بجست	۱۸۲۰	۴۱	سخن گفت نا گفته چون	۹۵۸	۱۲c
سخن گوی مردی بر ما	۱۸۸	۵۰	سخن گفتن نغزو کردار	۲۴۹۹	۴۱
سخن گوی موبد سوی	۳۲۳	۴۰	سخن گفتن کز ز بیچارگی	۲۴	۴۱
سخن گوی و بشنو از ایشان	۵۰۱	۳۴	سخن گفتن کشتگان گشت	۱۴۴۷	۱۳f
سخن گوی و روشن دل و *	۱۶۳	۶	سخن گفتن ما بایرانیان	۵۵۱	۴۳
سخن گوی و روشن دل و *	۱۵۹	۶	سخن گفتن مزدك آید	۳۱۴	۴۰
سخن گوی و روشن دل و داد	۱۳۸۵	۴۱	سخن گفتن من شود بی	۲۲۲۸	۱۲d
سخن گوی و روشن دل و یاد	۱۲۶۶	۴۳	سخن گفتن موبدان گوهر	۱۳۴	۴۳
سخن لنگر و باد بانس	۱۶۰۴	۴۱	سخن گفت و بشنید پاسخ	۱۵۵	۱۳c
سخن ما ندان تو همی یاد-	۵۴۲	۵	سخن گفت و بنشست با او	۱۶۳۸	۴۳
سخن ماند از ما همی یاد	۴۰۴۵	۴۱	سخن گفتن ورنجش آیین	۱۲۵	۶
سخن ما ندان در جهان یاد	۲۰۶۲	۲۰	سخن گفته آمد نهفته بر-	۹۱	۱۲c
سخن مشنواز مرد افزون	۲۵۱۶	۴۱	سخن گفته شد گفتنی هم	۱۲۸	E
سخن نرم گوی ای جهان	۷۰۵	۱۳	سخن گوی بکشاد بند از	۱۷۷۳	۳۵
سخن نزد دانندگان خوار	۲۲۷	۵۰	سخن گوی بی فروبی هوش	۴۶۲	۳۴
سخن نیز نشنید و نامه	۲۳۳۸	۱۲d	سخن گوی پاسخ چنین داد	۱۲۲۹	۴۱
سخن بیدین داستان شد	۱۰۳۶	۱۲b	سخن گوی چون بر گشاید	۱۳۲۸	۴۱
سخن هات چون در گلستان	۲۳۲۷	۱۳g	سخن گوی خراد برزین	۶۴	۴۴
سخن اجزا ز دخت مهرباب	۱۶۹۷	۷	سخن گوید از فیلسوفان	۳۴۹	۱۴
سخن اجزای این نیز بسیار	۲۶۰۷	۱۵	سخن گوی دانا زبان بر	۱۲۸۱	۴۱
سخن اجزای این نیز بسیار	۶۱۲	۳۰	سخن گوی دهقان چنین	۲۰	۱۲d
سخن اجزا از زاد فرخ	۴۱۲۹	۴۳	سخن گوی دهقان چو بنهاد	۱۶۵۱	۱۵

(۵) ستاره در سطر اول بجای « پاکتن » و در دوم بجای « پاکدین »

آمده است .

سخنهای این بنده چاره	۶۸۱ ، ۴۳	سخنها چو بشنید از وارد-	۶۲۰ ، ۲۱
سخنهای پار یک مرد خرد	۴۲۰ ، ۲۰	سخنها چو بشنید از و پهلو	۱۴۲۷ ، ۷
سخنهای بهرام از انسان	۴۶۴ ، ۴۲	سخنها چو بشنید از وساره	۶۲۸ ، ۴۲
سخنهای بیداد گوینده می	۱۰۴ ، ۳۸	سخنها چو بشنید از و شهر	۱۰۵۸ ، ۴۱
سخنهای بیهوده کم می	۱۴۵۸ ، ۱۲e	سخنها چو بشنید زوار نواز	۳۹۱ ، ۵
سخنهای پاک از تو باید	۱۵۸۲ ، ۴۳	سخنها چو بشنید زو کندرو	۴۲۷ ، ۵
سخنهای چرب و دراز	۶۶۹ ، ۱۲c	سخنها چو بشنید موبد	۲۴۱ ، ۴۱
سخنهای خسرو بر او یاد	۲۶۵۵ ، ۴۳	سخنها درازست و کاری	۷۱۲ ، ۴۳
سخنهای دستان چو آمد	۲۸۱۴ ، ۱۳g	سخنها زهر گونه آراستیم	۱۳۴۱ ، ۴۳
سخنهای دستان چو بشنید	۲۸۷۵ ، ۱۳g	سخنها زهر گونه بر ساختند	۷۵ ، ۱۲
سخنهای دستان شنیدم	۲۸۲۴ ، ۱۳g	سخنها سبک گوی و بسته	۱۵۶۷ ، ۴۱
سخنهای دستان یکایک	۸۴۲ ، ۷	سخنهاش بشنید بهرام	۲۲۴ ، ۴۳
سخنهای دیرینه باز آوریم	۲۴۹۲ ، ۱۵	سخنهاش بشنید شاه	۴۵۵ ، ۳۴
سخنهای دیرینه دستان	۳۲۲۴ ، ۱۳g	سخنهاش بشنید و نامه	۴۷۳ ، ۴۱
سخنهای دیوانگانست و	۶۱۱ ، ۳۰e	سخنهاش بشنید و نامه	۲۰۷ ، ۵۰
سخنهای رستم به نای و	۱۶۰۷ ، ۱۳c	سخنها شنیدی تو پاسخ	۵۶۲ ، ۳۴
سخنهای سهراب نشنیده	۱۴۷۳ ، ۱۲c	سخنها شنیدیم چندین	۳۰۲ ، ۴۳
سخنهای سیندخت گفت	۱۶۸۵ ، ۷	سخنها کنون گشت بر ما	۳۲۹۶ ، ۱۵
سخنهای شاهان همه خواند	۱۶۹۳ ، ۲۰	سخنها که بشنیدم از دختر	۳۵۱۰ ، ۴۳
سخنها یکایک بر او بر شمرد	۱۱۵ ، ۱۷	سخنها که پرسیدی از ما	۶۱۴ ، ۲۱
سخنهای کسری بگرد	۱۸۱۰ ، ۴۱	سخنها که جان را بود	۱۴۸۷ ، ۴۱
سخنهای کوتاه از و شد	۱۲۱۷ ، ۱۳c	سخنها که داند جز از تو	۵۵۱ ، ۱۳c
سخنهای کوتاه و معنی	۱۲۰۸ ، ۴۳	سخنها که گفتی تو بر گشت	۵۲۹ ، ۴۴
سخنهای گودرز بشنید	۲۶۳۲ ، ۱۳g	سخنها که دار و پاسخ	۱۳۸۵ ، ۴۳
سخنهای من چون شنیدی	۵۴۴ ، ۲۲	سخنها نه از یاد کار تو بود	۲۸۱ ، ۴۴
سخنهای موبد فراوان	۱۰۸ ، ۴۲	سخنهای آن ماه آمد بین	۱۲۱ ، ۱۲c
سخنهای ناخوش ز من دور	۲۹۵۶ ، ۱۵	سخنهای آن نام و ریشگاه	۲۸۳۵ ، ۱۵
سخنهای نوشین روان بر	۲۲۲۱ ، ۴۱	سخنهای امید گویم کنون	۲۵۵۳ ، ۴۱
سخنهای نیکوایا بیلین	۸۷۳ ، ۱۲d	سخنهای او نیست اندر	۲۹۹۰ ، ۱۳g
سخنهای هر مرد چون شد	۴۵۳۷ ، ۴۱	سخنهای ایران بر او کرد	۴۳۶ ، ۴۲
		سخنهای ایرانیان هر چه	۱۲۳۳ ، ۴۲

سخن هر چه گویی بروی	۱۶۶۵	۴۲	سخن هر چه از پیش رایست	۸۶۲	۱۳
سخن هر چه گویی تو پاسخ	۲۹۹۲	۴۳	سخن هر چه او گفت پاسخ	۴۴۸۱	۴۱
سخن هر چه گویی تو پاسخ	۱۷۵۷	۳۵	سخن هر چه باید بیاد	۱۲۳۰	۷
سخن همچو قفلست و پاسخ	۴۴۵۷	۴۱	سخن هر چه بر بنده دشوار	۸۵۲	۷
سخن هیچ بهتر ز توحید	۵	۱۳d	سخن هر چه بر گفتش رو	۲۹۳۴	۱۵
سخن هیچ مسرای باراز	۵۹۴	۲۲	سخن هر چه بشنید آن	۳۷۰	۱۲b
سخن یاد کرد آن زمان	۲۰۷۴	۱۳f	سخن هر چه بشنید با او	۵۸۰	۱۳g
سدیگر ببرد بیک هفته	۱۶۷۸	۱۵	سخن هر چه بشنید با او	۷۹۱	۴۱
سدیگر پیر سیدش از مام	۲۸۶۶	۱۲d	سخن هر چه بشنید زان	۵۹۲	۷
سدیگر بیمود راه دراز	۱۴۰۰	۴۲	سخن هر چه بشنیدم از شهر	۲۵۰	۴۰
سدیگر بتاریکی اندر	۱۴۵۶	۲۰	سخن هر چه بشنیدی اکنون	۱۱۸	۴۴
سدیگر بدانی که هرگز	۴۶۳	۲۲	سخن هر چه پذیرفتی از	۳۷۹۵	۱۵
سدیگر بگیتی هر آن	۴۴۴۷	۴۱	سخن هر چه پرسم همه	۸۵۳	۱۲c
سدیگر بنیکان ببخشید	۱۶۳۹	۳۵	سخن هر چه دانی بدیشان	۱۷۲	۱۳f
سدیگر ببزدان برد نا	۱۳۱۵	۴۱	سخن هر چه دیدی بخوبی	۴۲۴۳	۴۱
سدیگر بزشکی که هست	۲۰۲	۲۰	سخن هر چه دیدی بدیشان	۱۰۴۱	۱۳b
سدیگر تهمت چنین کرد	۲۲۰	۱۳d	سخن هر چه رفت آشکار	۷۱۴	۱۳b
سدیگر چنین گفت کان	۱۵۲۵	۷	سخن هر چه زین گوهران	۷	E
سدیگر چو بفر و خت گیتی	۶۸۰	۳۵	سخن هر چه گفتم بمادر	۹۷	۵۰
سدیگر چو بنشست بر تخت	۱۹۰	۳۵	سخن هر چه گفتم نیارا	۱۲۸۳	۱۳g
سدیگر چو شبر نگ به زاد	۱۱۷۸	۱۲e	سخن هر چه گفتم همه خیره	۱۳۰۸	۴۳
سدیگر چو رودا به ماهرو	۶۰۵	۷	سخن هر چه گفتم بدین	۱۴۱	۱۳c
سدیگر چو کشواد زرین	۲۰۲	۱۱	سخن هر چه گفتم پذیرم	۱۳۵	۶
سدیگر چو کوشایی ایزد	۴۱۳۰	۴۱	سخن هر چه گفتم نه گفتار	۱۲۴	۴۴
سدیگر چو گودرز کشواد	۱۸۶	۱۳	سخن هر چه گفتم همه	۳۹۱	۱۳e
سدیگر ز پیداد گر پادشا	۲۶۴۸	۴۱	سخن هر چه گویدش فرمان	۱۶۵	۴
سدیگر ز دم بر میان زفر	۱۲۷۵	۷	سخن هر چه گوید نباشد	۱۸۹۳	۴۲
سدیگر سحر که بیاورد	۶۰۷	۱۲c	سخن هر چه گویم دگر	۳۲۳۳	۴۳
سدیگر سخن آن که فنفور	۲۰۱۰	۴۱	سخن هر چه گویم زمن	۳۱۴۳	۱۵
سدیگر سخن چین دورویه	۱۴۹۸	۴۱	سخن هر چه گویم همه	۱۲۹	E

سدیگر که گفتم که خسرو	۱۴۴۹ ، ۱۳۴	سدیگر سخن گوی هنگام	۴۰۳۲ ، ۴۱
سدیگر که گویی که از	۱۳۵۰ ، ۱۲d	سدیگر سراسر زیروزه	۳۷۶۵ ، ۴۳
سدیگر که کیتی زقا بخرد	۵۴۸ ، ۵	سدیگر سکندر که آمد ز	۹۰۱ ، ۴۳
سدیگر که ماه آذرش بود	۶۹ ، ۴۲	سدیگر سیامک ز توران	۱۸۹۴ ، ۱۳۴
سدیگر که نزدیک موید	۸۹ ، ۴۱	سدیگر سیاوش ز تخم کیان	۶۲۲ ، ۵۰
سدیگر که یک دل پراز	۴۱۶ ، ۱۲d	سدیگر سیاوش که چون	۲۴۱۷ ، ۱۳g
سدیگر نیازی بنگ و	۴۷۷ ، ۲۲	سدیگر شب آمد بخوابم	۱۶۸ ، ۲۰
سدیگر هر آنکس که	۳۳۲۲ ، ۴۳	سدیگر فرستادن تخت	۷۰۰ ، ۶
سدیگر همان و چهارم	۱۵ ، ۳۸	سدیگر کجا دوستی	۲۰۷۵ ، ۴۱
سر آرم من این نامه باستان	۴۳۵۵ ، ۱۵	سدیگر کجا هفت چشمه	۳۷۰۱ ، ۴۳
سر آزاد کن دور شو زین	۱۴۰ ، ۱۳b	سدیگر کسی کو بروز	۱۵۷۷ ، ۴۳
سر آمد بتو بر همه رزم و	۱۶۸۷ ، ۱۳b	سدیگر کسی کوزتن باز	۲۹۴۸ ، ۱۳g
سر آمد کنون بر من این	۳۴۲۵ ، ۴۱	سدیگر که از کار شاهنشاه	۱۱۴ ، ۳۴
سر آمد کنون رزم اسفند-	۴۳۴۵ ، ۱۵	سدیگر که باداد و بخشایش	۱۴۴۱ ، ۴۱
سر آمد کنون قصه بار	۳۸۵۳ ، ۴۳	سدیگر که باشد ز تخم	۷۵۷ ، ۷
سر آمد کنون قصه یزد-	۹۵۲ ، ۵۰	سدیگر که با گنج خویش	۵۶۷ ، ۲۲
سر آمد کنون کار بیداد	۲۷۹۳ ، ۴۳	سدیگر که بالا و رویش	۵۷۰ ، ۴۴
سر آمد کنون کار پرویز	۵۰۷ ، ۴۴	سدیگر که برید توانا	۱۳۵۵ ، ۴۱
سر آمد مرا روزگار	۴۵۳۱ ، ۱۵	سدیگر که پرداغ دارد	۴۲۱ ، ۱۳۴
سر آمد همه کار نوذر	۱۶ ، ۹	سدیگر که پیدا کنی راستی	۴۹۰ ، ۲۲
سر آن دلیران زبان پر	۲۱۸ ، ۱۰	سدیگر که چندی دلبرو	۳۵ ، ۴۵
سر آوردم این رزم کاموس	۱۶۲۰ ، ۱۳c	سدیگر که چون من بیستم	۳۲۴۶ ، ۱۵
سر آورده بر چرخ گرجا-	۴۵۸۴ ، ۴۱	سدیگر که خون ریختن	۵۱۳ ، ۳۴
سرا پای آن زن بسی	۱۵۱۱ ، ۴۳	سدیگر که دارد بدل	۶۶۵ ، ۳۰
سرا پای او یک یک بگری	۳۳۱۵ ، ۴۱	سدیگر که رای خردمند	۱۲۴۲ ، ۴۱
سرا پای بستش بگری دار	۳۰۵ ، ۱۳e	سدیگر که رخشت بجای	۱۲۰ ، ۱۲c
سرا پای خود را نهانند	۵۳۶ ، ۱۳c	سدیگر که گفتم از آن	۱۵۵۲ ، ۷
سرا پرده از دیده رنگم	۶۴۶ ، ۶	سدیگر که گفتم ز چند	۲۴۲۶ ، ۱۵
سرا پرده از شهر بیرون *	۲۸۸۰ ، ۱۳g	سدیگر که گفتم زیزدان	۱۲۶۵ ، ۱۳۴
سرا پرده از شهر بیرون *	۹۸۷ ، ۱۲	سدیگر که گفتم که افرا-	۱۰۲۷ ، ۱۳۴

(* ستاره در سطر اول بجای « برید » و در دوم بجای « کشید » آمده است)

سراپردہ او بخاراچ داد	۲۲۱	۱۲b	سراپردہ و خیمہ فرمود	۱۹۸۳	۱۵
سراپردہ او پر از ناله	۳۲۰	۱۳c	سراپردہ و خیمہ هاسا ختند	۱۱۴۰	۳۵
سراپردہ ای بر کشیدہ سیاه	۸۷۴	۱۲c	سراپردہ و خیمہ هاگشت	۱۹۸۸	۱۵
سراپردہ ای دید دیگر	۱۳۷۳	۱۳b	سراپردہ و خیمہ هاگشت	۱۱۹۷	۱۳
سراپردہ ای گردش اندر	۹۷۷	۴۱	سرا پردہ و دشت جای	۱۶۸۱	۴۳
سراپردہ بردند از ایوان	۳۶۲	۱۳	سراپردہ و دیبہ و گنج و	۶۲۹	۴۳
سرا پردہ پرداخت از	۵۰۰	۶	سراپردہ و گنج و تاج و	۴۳۷	۱۲b
سراپردہ دیبہ رنگ رنگ	۸۶۸	۱۲c	سراپردہ یک بهره آمد	۱۰۳۵	۱۲c
سراپردہ را گفت بدروز	۳۴۹۲	۱۵	سرا از باره یکسر فرو	۴۴۱	۵
سرا پردہ زال نزدیک	۲۸۸۷	۱۳g	سرا از بانوان برتر آید	۲۲۷	۳۰
سراپردہ زد بر لب آب	۱۸۰۷	۱۵	سرا از برج ماهی بر آورد	۱۰۷۷	۱۳b
سراپردہ زد بر لب هیرمند	۲۹۰۰	۱۵	سرازیای دشمن ندانست	۸۰۵	۱۳c
سراپردہ زد درستم از دست	۱۱۱۹	۱۳g	سرا از تن جدا کرد و بردار	۲۶۳	۱۲e
سراپردہ زد شاه بردشت	۱۶۵۷	۴۳	سرا از تن جدا کرد و بفکند	۲۴۸۹	۴۳
سراپردہ زد شهریار جهان	۱۹۱۳	۱۵	سرا از تن جدا کن زمین را	۱۱۶۲	۷
سراپردہ زد گرد گیتی	۱۳۳۷	۱۳b	سرا از تیغ باران چو برگ	۲۳۷۴	۱۵
سراپردہ زد نیز بهرام	۴۹۷	۳۴	سرا از راه پیچیدہ و داد	۷۰۱	۲۰
سراپردہ سبز دیدم بزرگ	۱۲۹۱	۱۳c	سرا از کوه بر زدم آنگاه	۴۷۱	۱۳b
سراپردہ شاه بیرون زدند	۸۴۴	۶	سرا سپا اورا بر در گرفت	۱۶۴۹	۱۲c
سراپردہ شاه بیرون کشید	۸۳۴	۶	سراسر ببندید دست	۹	۲۵
سرا پردہ شاه پر خاک	۳۸۱۰	۱۵	سراسر بدان بارگاہ آمد	۲۰۲۴	۴۱
سراپردہ شهریار جوان	۹۵۶	۱۳g	سراسر بدرگاہ او آمد	۹۷	۳۵
سراپردہ شهریار و سران	۹۹۶	۱۲	سراسر بدرگاہ شاه آمد	۳۳۸۷	۴۱
سراپردہ قیصر بی هنر	۳۸۷	۳۰	سراسر بر آری بدینار	۴۳۸	۳۰
سراپردہ من زده بر کران	۷۷۷	۱۲d	سراسر بر ایشان ببخشید	۳۰۰۸	۴۱
سراپردہ نو برداختند	۱۲۱۴	۱۳f	سراسر بشمشیر بکذاشتند	۳۸۸	۴۱
سرا پردہ نوذر شهریار	۱۶۲	۸	سراسر بگفت آنچه رفت	۳۸۴۶	۴۳
سراپردہ و افسر و گرز	۴۷۵	۱۳c	سراسر بگفت آنچه شد	۲۳۷	۱۲
سراپردہ و خیمہ برداشتند	۲۴۸۵	۱۵	سراسر بنعمان و منذر	۷۱	۳۵
سراپردہ و خیمہ زد بردو	۷۶۴	۱۲c	سراسر بیاورد گردان	۳۰۲	۱۱

سراسر همه مرز آرزو در	۲۱۱۱۰	۳۵	سراسر پر آشوب گردد	۸۱۶	۱۲d
سراسر همه خدمت از دار	۱۳۹۵	۱۳	سراسر جگرشان بدوزم	۲۰۵۶	۱۵
سراسر همه گرم از آویختن	۱۲۴۱	۱۲c	سراسر جهان پیش او خوار	۱۸۲	E
سرافراز بوژر چهر	۱۱۸۴	۴۱	سراسر جهان گشت بر شاه	۱۶۱۹	۱۳e
سرافراز بهرام فرزند	۳۸۴	۳۴	سراسر زبندخواه کردم	۲۵۲۱	۱۳g
سرافراز پور یل اسفند	۶۱	۲۱	سراسر زدیدار من دور	۱۱۶۷	۶
سرافراز داماد رستم بود	۹۱۹	۱۲c	سراسر زمانه بدو گشت	۲	۵
سرافراز دو پهلوان با	۱۳۱۶	۱۲e	سراسر زمین زیر گنج	۲۰۷۴	۴۱
سرافراز در میان آور	۶۱۰	۱۳c	سراسر سید کوه بفروختی	۱۰۰۹	۱۳
سرافیل را دید صوری	۱۳۸۴	۲۰	سراسر سپه نره برداشتند	۴۱۴	۱۲c
سرافراز را کی قبادست	۲۱۵	۱۰	سراسر سپیدست مویش	۶۴۹	۷
سرافراز شد رستم چاره	۳۹۵۴	۱۵	سراسر سخن راست ز روان	۱۷۳۶	۴۱
سرافراز طرخان بیامد	۲۲۳۹	۱۵	سراسر سخنها همه باز	۳۹۲	۱۲d
سرافراز طوس سپهبد بود	۶۵۱	۱۳	سراسر سزای منوچهر	۶۵۱	۶
سرافراز قفقور بکشاد	۱۷۰۸	۲۰	سراسر فرستاد نزدیک	۱۵۶۰	۱۳c
سرافراز قفقور بنواختی	۱۰۸۴	۱۳g	سراسر همه باغ از روشن	۴۲۱۸	۴۳
سرافراز قیصر بگشتاسب	۷۱۵	۱۴	سراسر همه پر شمشادگیر	۴۴۵۰	۴۱
سرافراز گردان بسی دید	۶۳۸	۱۴	سراسر همه دشت آذین	۷۵۸	۱۲d
سرافراز کهرم سوی دژ	۲۲۵۳	۱۵	سراسر همه دشت بریان	۵۳۱	۱۲d
سرافراز کین خسروش نام	۲۴۰۶	۱۲d	سراسر همه دشت پر کشته	۱۷۵۰	۱۳
سرافراز کین خسرو نیک	۱۲۳۸	۱۲e	سراسر همه دشت شد رود	۳۰۰۵	۴۳
سرافراز گردان گیرنده	۳۹	۱۳f	سراسر همه دشت نخچیر	۴۴۷۵	۱۵
سرافراز گردد کسی کو	۱۱۴	۳۴	سراسر همه رز پر از فوره	۲۶۹	۴۲
سرافراز گردد مگر	۲۲۰۴	۳۵	سراسر همه روم گریان	۴۵۶	۳۰
سرافراز گردی و مردی	۱۴۷۱	۷	سراسر همه شهر آذین	۱۲۶۸	۱۲e
سرافراز گرمیوز رزم	۲۴۲	۸	سراسر همه کاخ و ایوانو	۱۹۲۹	۱۲d
سرافراز گشتاسب چون	۹۳۲	۶	سراسر همه کشور آراسته	۳۸	۱۲
سرافراز گودرز از آن	۱۴۶۹	۱۳	سراسر همه کشورش مرد	۶۰۷	۶
سرافراز محمود فرخنده	۲۰۳۲	۲۰	سراسر همه کوه پردشمن	۱۰۱۴	۱۳
سرافراز و بادا شرو	۲۴۲۱	۴۱	سراسر همه لشکر این دید	۱۰۳۳	۱۳g

سرانجام بگذاشت چیحون	۱۳۲۹	۱۲e	سر افراز و بیدار دل	۱۲۸۷	۱۳
سرانجام بگریزد آن بد	۱۱۵۵	۳۳	سر افراز و تخمه کیقباد	۵۸۴	۱۲e
سرانجام پیران بیامد ز	۱۳۰۲	۱۲e	سر افراز و گردنکش و پیل	۲۰۸۰	۷
سرانجام ترسم که پیروز	۳۷۹	۱۳b	سر افراز و گردنکش و نام	۵۲۳	۱۲c
سرانجام ترکان بتیرش	۳۹۶	۱۵	سران از بی پادشاهی	۱۸۶۱	۱۳f
سرانجام جان را بنحواری	۲۰	۴۷	سرانبان حیلت بتو کرد	۳۳۲۹	۱۵
سرانجام جای تو خاکست	۳۹۸۸	۴۳	سران بریده سوی تن برید	۴۹۹	۱۳b
سرانجام جز دخمه بی	۱۷۲	۴۲	سران بزرگ از همه کشور	۵۷	۱۵
سرانجام جوی از همه کار	۴۰۳	۴۰	سران بزرگان توران	۹۹۶	۴۲
سرانجام چون بگذرد نام	۲۱۶	۲۰	سرانجام ابری برآمد	۳۶۱	۲۱
سرانجام خاکست بالین	۱۰۷۶	۱۳	سرانجام از آن کینه و	۷۵۱	۱۲
سرانجام در بند و زندان	۵۷۱	۳۰	سرانجام از این بگذرانند	۲۱۰۹	۱۲d
سرانجام رستم بنخم کمند	۱۲۵۰	۱۳c	سرانجام از این دولت دیر	۹۴۲	۱۳c
سرانجام رفتم سوی پیشه‌ای	۱۷۷	۵	سرانجام از این کار سیر	۳۸۵۷	۱۵
سرانجام زان گاو و آن	۱۸۲	۵	سرانجام از این لشکر	۱۰۴۰	۱۳c
سرانجام زان دیشه ناچار	۱۳۶	۴۲	سرانجام از چین برون	۳۳۲۷	۱۵
سرانجام سنگی بینداخت	۲۰۰۵	۷	سرانجام از بهره خاک	۴۸۱	۱۳
سرانجام قیصر گرفتار	۳۹۰	۳۰	سرانجام اگر راه جویی	۸۷۹	۴۳
سرانجام کارش بکشتند	۵۵۴	۱۵	سرانجام او گشت همداستان	۹۵۴	۷
سرانجام کیخسرو آید	۷۴۵	۱۲e	سرانجام با خاک باشیم	۶۴۸	۲۲
سرانجام گردد بر او تیره	۴۰۹	۱۵	سرانجام ببرید هر دو ز	۱۸۸	۳
سرانجام گردی از آن	۲۱۳	۱۲c	سرانجام بختش کند خاک	۳۷۸	۱۵
سرانجام گشتنا سب بنمود	۱۲۰۵	۱۵	سرانجام بردست گرد	۱۰۶	۱۶
سرانجام گفت ای سر افراز	۴۵	۲۱	سرانجام بردست گودرز	۱۵۷۴	۱۳f
سرانجام گفت ایمن ازهر	۵۰۳	۱۲d	سرانجام برگشت پیروز	۵۵۸	۱۵
سرانجام گفت این ز کشتن	۳۱۰	۱۹	سرانجام برگشت یکسر	۱۱۳۶	۱۲e
سرانجام گفتم که من پیش	۱۱۷۹	۱۲c	سرانجام بستر بود تیره	۲۷۸۴	۱۵
سرانجام گفتند کاین کی	۴۵۶	۱۲d	سرانجام بستر بود تیره	۴۳۹۳	۴۱
سرانجام گوتی ز سیم رخ و	۲۵۷	۷	سرانجام بستر جز از خاک	۶۵۱	۱۲e
سرانجام لشکر نماید نه	۲۶۵	۲۰	سرانجام بستر ز خشتست	۲۹۸۰	۴۱

سران زاز لشکر سراسر	۱۷۵۵ ، ۱۳۴	سرانجام لشکر همه همگروه	۴۴ ، ۲۳
سران راهبرد آنکه او	۱۵۷۸ ، ۱۵	سرانجام مرد ستاره شهر	۱۳۲۵ ، ۴۳
سران ترا سر اندر شتاب	۷۹۲ ، ۱۳b	سرانجام مرگ آیدت بی	۶۷۲ ، ۳۰
سران را که بدوش و فر	۳۱۲ ، ۶	سرانجام مرگست وزو	۲۰۳۸ ، ۱۳۴
سران راهمه بندها ساختند	۲۹۵ ، ۱۲	سرانجام هر یکدگر را	۶۷۹ ، ۱۲d
سران راهمه خواندند نزدیک	۳۲۲ ، ۱۳۴	سرانجام نوزد ز قلب سپاه	۲۸۵ ، ۸
سران را همه خواند و	۱۰۳۷ ، ۱۵	سرانجام نومید بر گشت	۲۰۱۴ ، ۷
سران را همه سر پر از	۲۹۱۰ ، ۴۱	سرانجام نیک و بدش	۲۵۵ ، ۱۲b
سران راهمه سر جدا شد	۱۱۵۹ ، ۱۳e	سرانجام هر دو بنخاک اندر	۱۴۳۷ ، ۷
سران راهمه شهرها داد	۸۲۸ ، ۱۵	سرانجام هر دو بنخاک اندر	۲۵۷۲ ، ۱۲d
سران را همه هدیهها	۱۰۲۹ ، ۱۳c	سرانجام هر دو بنخاک اندر	۲۶ ، ۴۳
سران سپه راهمه کرد کرد	۱۰۶۸ ، ۱۳b	سرانجام هر دو بنخاک اندر	۴۱۹۳ ، ۴۳
سران سپه مهتران دلیر	۸۹۲ ، ۶	سرانجام هر زنده مردن	۱۰۲۰ ، ۱۳
سران سر پر پیش او	۲۴۸۳ ، ۱۳۴	سرانجام هر رمز گرفتار	۱۵۱۶ ، ۳۷
سران سر نهادند یکسر	۳۰۹۵ ، ۱۳g	سرانجام هم جز بیالهی	۲۳۳ ، ۱۱
سران سواران بجنک	۱۰۰۸ ، ۱۳g	سرانجام هم در غم او بمرد	۱۶۶۵ ، ۱۲c
سران سواران چو بر گ	۱۲۵۴ ، ۱۳e	سرانجام اشکش نامدار	۲۰۰ ، ۱۳
سران سوی ایران نهادند	۸۵۳ ، ۱۲e	سرانجام بد ز یاران	۷ ، ۲۰
سران شان بپر خانهاشان	۱۰۸۷ ، ۱۵	سرانجام پور داستان	۲۸۵۰ ، ۱۵
سران شان بپر بکر	۲۰۵۴ ، ۱۵	سرانجام نداد بر خاستند	۸۰۸ ، ۱۲b
سران شان بپر یکسر	۹۸۷ ، ۴۲	سرانجام رتر یا یکی کوه	۱۵۵ ، ۷
سران شان بخنجر برید	۱۳۴ ، ۱۳e	سرانجام سپهر اختر کاویان	۶۷۱ ، ۱۲d
سران شان بریدم بشمشیر	۱۱۹۵ ، ۶	سرانجام ستاره یکی کوه	۱۲۶۹ ، ۲۰
سران شان بریدم فکرم	۲۰۷ ، ۱۳e	سرانجام ریمان نکونسار	۲۳۸۷ ، ۱۵
سران شان بزخم من آمدند	۴۴۸ ، ۱۴	سران را بده پاک اسقام	۶۱۵ ، ۱۳
سران شان بشمس بر کرد	۱۷۱۸ ، ۱۵	سران را بریدی سرایدر	۱۸۰۷ ، ۱۳
سران شان بکوبم بدان	۸۱ ، ۱۰	سران را بیماری برون آور	۴۶۶ ، ۱۳g
سران شان بکوز گران	۳۶۹ ، ۵	سران را ز توران زمین	۱۴۸۰ ، ۱۳g
سران شان بران بکوز گران	۳۰۶۹ ، ۴۱	سران را ز زخمش بنخاک	۵۹۸ ، ۱۲
سران و سپاه خواران	۲۰۶۱ ، ۱۳g	سران را ز لشکر سراسر	۵۳۱ ، ۱۲e

سر باره دژبد اندر هوا	۱۴۹۷ ، ۱۲e	سران و گزینان ایران	۵۰ ، ۱۲b
سر بانوان بودم و فر شاه	۶۰۸ ، ۴۴	سران هر که بودند و کابل	۳۹۰ ، ۷
سر بانوان شد بنزدیک	۱۴۲۳ ، ۱۳g	سران یک بیک پاسخ آرا	۸۵۲ ، ۱۲d
سر بانوانی وز بیای تخت	۶۸ ، ۲۰	سران یکسره پیش شاه	۱۱۶۲ ، ۶
سر بانوانی وهم مهتری	۳۳۳ ، ۱۲d	سراو بیرم بشمیر تیز	۱۸۷۴ ، ۱۳g
سربت پرستان در آرم	۹۱۵ ، ۱۳c	سراو پنیزه فرستادمت	۱۰۱۷ ، ۶
سر بخت آنکس پراز	۳۰۵۶ ، ۱۳g	سراو زابر اندر آورد	۱۲۱۸ ، ۱۳c
سر بخت بدخواه ازخشم	۲۲۹ ، E	سرای سپنجست بر راهرو	۳۹۵۳ ، ۴۳
سر بخت برزین بر آید	۸۲۳ ، ۳۵	سرای سپنجست هر چون	۳۹۵۵ ، ۴۱
سر بخت ترکان در آمد	۵۶۵ ، ۱۲b	سرای سپنجی بدین سان	۹۸۵ ، ۷
سر بخت گردان افراسیاب	۵۴۷ ، ۱۲b	سرای سپنجی نما ند بکس	۴ ، ۲۷
سر بخت گردان فرو خفته	۴۳۰ ، ۱۲c	سراینده باش و فزاینده	۲۹ ، ۲۵
سر بدره بگشود گنجور	۹۰۵ ، ۱۳e	سراینده باشید و بسیار	۱۵۶ ، ۶
سر بدره ما گشاده ست	۲۴ ، ۲۵	سراینده بسهار همراه	۱۷۱۲ ، ۴۱
سر بدره ها را گشادند	۱۵۴۴ ، ۱۳	سراینده بوزر جمهر جوان	۱۴۳۳ ، ۴۱
سر بدره را گشادن	۵۰ ، ۱۳f	سراینده پاسخ آمد چو	۱۴۵ ، ۱۳b
سر بدره های کهن بسته	۹۴۲ ، ۵۰	سراینده چندل چو پاسخ	۱۴۶ ، ۶
سر بردباران نیاید بخشم	۵۲ ، ۲۴	سراینده دهقان موبد نژاد	۹ ، ۳۰
سر بند صندوقها بر گشاد	۲۲۶۴ ، ۱۵	سراینده رام شد پیش او	۱۵۲ ، ۱۳
سر بندگان شد پراز درد	۱۹۵۹ ، ۴۲	سراینده ز آواز بر گشت	۹ ، ۱۲e
سر بی بها را ستاند بها	۷۵۳ ، ۶	سرای بی پرداخت مهر	۲۸۱ ، ۱۲
سر بی تنان و تن بی سران	۷۹۴ ، ۱۳g	سربابت از مغز پرداخت	۱۷۶ ، ۵
سر بیخورد زان سخن تیز	۱۹۲۵ ، ۱۳g	سربابك از خواب بیدار	۴۰ ، ۲۱
سر بی گناهان کابل چه	۱۳۹۶ ، ۷	سربادبان تیز بر گاشتی	۱۹۹۲ ، ۱۳g
سر بی گناهی چه بر می	۸۰۸ ، ۲۰	سربار بگشاد بازارگان	۱۰۸۴ ، ۴۲
سربادشاهیش را کس ندید	۳۶۳ ، ۴۰	سربار بگشاد در بارگاه	۲۷۲۰ ، ۴۱
سر پاسخ نامه بود از نخست	۲۴۱۳ ، ۱۵	سربار بگشاد زود اردشیر	۶۶۵ ، ۴۱
سربا پها چون سر ازدها	۱۰۶۳ ، ۲۰	سرباره او ندیدی عقاب	۶۲۷ ، ۴۱
سر پر گناهی بیاید برید	۴۷ ، ۲۲	سرباره بر تر زابر سیاه	۱۶۸۳ ، ۱۵
سر پر گناهی بگفتا	۱۸۶۶ ، ۱۳		

سرت را بریده بخوار	۶۰۵	۶	سریشه و مور تا پیل و کرک	۸۰۷	۴۱
سرت را جدا کردمی از	۲۰۱۲	۳۵	سر پیل بکیرم بدان بد گمان	۸۱۸	۱۲b
سرت را چنان دور ماتم	۷۴۵	۱۳۴	سر پهلوان اندر آمد بپند	۱۰۳۹	۱۲e
سرت را از تاج شهان شرم	۴۲۰۹	۱۵	سر پهلوانان لشکر پناه	۶۳۸	۱۳e
سرت را از تن دور ماتم	۷۳۷	۱۳۴	سر پیر جادو بتیغ گران	۴۳۳	۱۳b
سرت را نخواهد همی تن	۹۵۶	۱۲c	سر پیر جادو نهادش بپیش	۷۵۵	۱۵
سرت سبز بادا تن و جان	۱۲۴	۱۲	سر پیلبانان برنگک و	۵۰۲	۱۳c
سرت سبز بادا دلت شاد	۷۵۹	۱۳b	سر تاج او شد ستون	۹۹۴	۴۱
سرت سبز بادا دلت شاد	۴۵۸۰	۴۱	سر تاجداران نبرد کسی	۲۵۶۹	۱۲d
سرت سبز بادو تن و جان	۱۴۳	۱۵	سر تاجداری فروشم بزر	۷۵۲	۶
سرت سبز بادو دلت شاد	۱۳۰۵	۱۳e	سر تاجداری چنان ارج	۱۲۵۴	۱۳g
سرت گر بساید بر ابر	۴۰۳	۸	سر تاجداری مبربی گناه	۲۵۶۵	۱۲d
سرتنگ تابوت را باز	۴۲۱۸	۱۵	سر تاجور از تن پیلوار	۵۵۱	۵
سرتنگ تابوت کردند*	۳۰	۱۷	سر تاجوران در آمد پنجاك	۱۶۵۲	۱۳
سرتنگ تابوت کردند*	۱۹۲۳	۲۰	سر تاجور فریزدان بود	۱۱۷۶	۴۱
سرتنگ تابوت کردند*	۴۱۸۹	۱۵	سر تازیان سرو شاه یمن	۲۰۷	۶
سرتیر بگرفت و بیرون	۴۰۵۰	۱۵	سر تازیان شاه افسونگر	۲۱۳	۶
سرتیرگی اندر آید بخواب	۹۸۲	۱۲c	سرت افسر از خاک جوید	۵۸۹	۸
سرتیغ بر گردن رختی	۱۶۷۷	۱۳b	سرت پر ز تیزی و کند آور	۹۶۲	۲۰
سرتیغ من خون شیران	۹۲۴	۶	سرتخت ایران ابی شهریار	۲۰۸	۱۰
سر جاودان جهان بیدر	۶۳۲	۱۵	سرتخت ایران بکام توباد	۲۳۸	۱۰
سر جادوان را بکنند	۳۳۰۴	۱۵	سرتخت ایران بیاراستند	۲۲۸	۱۰
سر جادوانرا نکو سازد	۱۴۸۷	۱۳g	سرتخت ایران در آمد	۴۳۲	۸
سر جنگجویان بخوردن	۲۰۴۷	۱۵	سرتخت را پادشاهی گزین	۲۶۸۴	۱۳g
سر جنگجویان سیه	۱۸۸۳	۱۵	سرتخت شاهان بیبچد سه	۵۶۵	۲۲
سر جنگیان کاین سخن	۹۱۳	۴۳	سرتخت شاهی بدوداد و	۶۶۹	۲۰
سر حوض شاهی و سر	۵۸۷	۶	سرتخت و بختش بر آمدز	۱۰	۱
سر چاه رازان سبزه	۴۴۳۰	۱۵	سرتخم ساسانیان بود شاه	۴۳۷	۴۴

(*) ستاره در سطر اول بجای « خشك » و در دوم و سوم بجای « سبزه »

آمده است .

سر سرکشان مهتر تاج	۲۰۱ . ۱۱	سر خاترا پیکر ازجاج	۹۳۶ . ۲۰
سر سروران زیر گرز	۱۷۹ . ۱۳b	سر خرد کودک بیاراستند	۲۸۱ . ۲۲
سر سله چون کرد بهرام	۱۵۷۷ . ۴۲	سر خوک را بگسلانم	۹۹ . ۱۳e
سر سنجه را آنکه از تن	۲۹۷۸ . ۱۳g	سر خویشتن بردی اندر	۲۲۵۵ . ۳۵
سر سندیان بود بنده نام	۱۷۴۴ . ۲۰	سر خویش داد از نخستین	۲۹۲۵ . ۴۳
سر شاه ایران بریدند خوار	۲۱۱۷ . ۱۳g	سر خویش گیرم بمانم	۳۰۹۰ . ۵۰
سر شاه ترکان از آن دید	۲۳۱۵ . ۱۵	سر داد و مهر از تو پیدا شد	۲۵۸۵ . ۱۵
سر شاه ساوه و که تر پسر	۱۰۳۱ . ۴۲	سر دردمندی بدو گفت	۴۴۱ . ۲۰
سر شاه کشور چنین گشته	۳۴۱ . ۱۳c	سر دشمنان تو بادا بکاز	۵۶۵ . ۱۳e
سرش بر گراید ز بالین	۸۴۵ . ۴۱	سر دشمنان را سپارم پپای	۱۹۰۶ . ۷
سرشت تن از چار گوهر	۱۲ . ۳۲	سر دیو جادو هزاران هزار	۷۸۱ . ۱۲
سرش تنگ بگرفت و یک	۳۱۷ . ۱۲d	سر راستی دانش آمد	۱۰۶ . ۳۴
سرش تیز شد کینه و جنگ	۳۳۴ . ۵	سر راه بر نامداران بیست	۱۹۱۰ . ۱۰
سرش تیز شد هو بدان را	۵۹۲ . ۳۰	سر رستم ز ابلی را بدار	۳۳۲ . ۱۳c
سرش چون سر پیل و مویش	۲۱۰ . ۱۳d	سر ز ابلی را بروز نبرد	۱۲۲۷ . ۱۳c
سرش چون سر شیرو بر	۱۸۴۴ . ۲۰	سر زال ز در را بر در گرفت	۵۸ . ۱۳
سرش را پیچم ز کند آوری	۵۷ . ۴۲	سر زخم آن شاه کردند	۷۳۷ . ۵۰
سرش را بنخجر ببر دز تن	۷۸۸ . ۱۳	سر زلف و جمدش چو مشک	۴۰۹ . ۷
سرش را بنخجر ببرید	۱۲۵۶ . ۱۳	سر زلف و جمدش چو مشک	۶۱۰ . ۷
سرش را بنخجر بریدند	۲۶۱ . ۱۲e	سر زنده زال چون برف	۲۳۲ . ۱۱
سرش را بدان رزمگاه	۲۵۷ . ۱۳	سر سال نو پیش او شد	۲۶۲۵ . ۳۵
سرش را بدیق و بمشک و	۶۹۲ . ۱۳g	سر سال نو هر مز فرودین	۵۵ . ۲
سرش را بدین گرز گار	۳۹۰ . ۵	سر سال نو هر مز فرودین	۳۷۷۸ . ۴۲
سرش را بفتراک زین بر	۱۹۱۵ . ۱۳f	سر سال هشتمه فرودین	۳ . ۳۳
سرش را بفتراک شبرنگ	۸۲۶ . ۱۳f	سر ساوه آمد بخاک اندر	۹۲۷ . ۴۲
سرش را بکافور کردند	۱۱۲۰ . ۱۳	سر سر فرازان و کاموس نام	۹۱۴ . ۱۳b
سرش را بیاراست از تاج	۲۷۱ . ۱۱	سر سرکشان اندر آمد	۳۴۷ . ۵
سرش راست بر شد چوسرو	۶۴ . E	سر سرکشان را بهنگام	۴۳ . ۵۰
سرش را کنم افسر نوزه	۹۴۸ . ۱۳c	سر سرکشان گشت بر گرد	۵۸۴ . ۸
سرش را همانکه ز تن دور	۹۸۷ . ۶	سر سرکشان فرخ اسفند-	۱۴۲۷ . ۳۳
سرش را همی خواست از	۲۰۵۹ . ۱۳f		

سر کشتگان را فکیده	۲۴۰۸	۱۳۴	سرش زیر پای اندر آمد	۲۳۳۱	۱۳۴
سر کودک مرده بینی جو	۱۸۵۴	۲۰	سرش سبز بادا تنش بی	۲۰۴۹	۲۰
سر کین زر سیوز آمد	۱۱۲	۱۳۵	سرش سبز بادادش پر ز	۶۸۰	۲۲
سر کینه و رشان پراه آور	۱۴	۲۲	سرش سبز بادو تنش ارج	۶۷۶	۶
سر گرزاز آن زخم اندر	۲۰۲۴	۴۳	سرش سبز باد و دلش پر	۳۰	۲۰
سر گنج بکشاد پیش پسر	۸۴۰	۱۲۵	سرشك از دویده ببارید	۳۱۲	۴۱
سر گنج داران پراز بیم	۶۱	۴۲	سرشك اندر آرد بمژگان	۴۹۰	۱۳
سر گنجهای پدر بر گشاد	۱۵	۱۹	سرش کردم از تن بخنجر	۲۱۳	۱۳۵
سر گنجهای کهن باز کرد	۱۰۵	۱۳۴	سرش کردن از تیزی من	۷۰۲	۱۲۵
سر گنجهای نیا باز کرد	۵۳	۱۹	سرشك سرا بر چون زاله	۳۲۵۲	۴۳
سر کیو بگرفت اندر	۱۳۳۲	۱۲۵	سرشك هوا بر زمین شد	۲۵۱۲	۱۵
سر گیو بر نیزه سازید	۸۶۴	۱۲۵	سرشکی سوی دیگر افتاد	۱۵۱۸	۴۳
سر لشکر روم شد با آسمان	۶۴۷	۲۰	سرشکی که انداخت يك	۱۵۱۶	۴۳
سر لشکر نامور گشته	۴۱۳۹	۴۳	سرش گشت از اندیشه دل	۸۵۱	۷
سر ما پیش تو افکنده	۱۹۷۱	۱۵	سرش گشت گردان و دل	۵۸۵	۱۳g
سر ماه با افسر زرنکار	۱۷۳۶	۷	سرش ماه زرین و بومش	۱۳۱۴	۱۲d
سر ماه باید که از کر نای	۲۰۵	۱۳	سرش می بساید بچرخ	۲۴۱۸	۱۵
سر ماه برخاست آواز	۱۷۴۱	۱۲d	سرش نیزه و تیغ بر نده	۲۱۹	۸
سر ماه داروی پرتافتند	۲۵۰۰	۳۵	سرش ویژه گفتی که سندان	۹۰۷	۱۲۵
سر ماه را کار شد ساخته	۶۰۸	۲۰	سر شهریان برزم اندر	۱۴۵۲	۳۵
سر ماه رویان گسسته	۲۶۴۸	۱۲d	سر شهریاران که برد	۱۹۴۸	۱۳g
سر ماه سام نریمان برفت	۱۷۴۷	۷	سر شهر یاری بریدی که	۲۴۲۵	۱۳g
سر ماه نو خلعت گیو	۱۸۳۲	۱۳g	سر شهر یاری چنان ارجمند	۳۰۱	۱۳
سر ماه نولشکر آباد کرد	۱۷۸	۱۹	سر شهر یاری همی نو	۳۰۳	۲۱
سر ماه نوه رمن از مهر ماه	۱۹۳۲	۷	سرش هفت همچون سر	۴۲۱	۱۳
سر مایه آن زضاک بود	۳۶۹۰	۴۳	سر طائر از تنگه در خون	۱۳۰	۳۰
سر مایه او بود و ما که بریم	۱۳۴۸	۳۵	سر عهد کرد آفرین از	۲۵۰۷	۳۵
سر مایه بداختن شاه را	۲۴	۳	سر فور دیدند پر خون و	۶۵۶	۲۰
سر مایه پیشروشان زهر	۱۷۲	۱۳g	سر فور هندی بنخاک اندر	۶۵۲	۲۰
سر مایه تست روشن خورد	۴۲۶	۱۳۵	سر کرگ راهست ببرد	۲۱۳۸	۳۵
سر مایه شاه بنخاک	۳۱	۴۲			

سرنامه داران زبان بر گشاد	۷۳۹ ، ۱۳b	سرمايه كرد آهن آبگون	۸ ، ۲
سرنامه داران زبان بر گشاد	۳ ، ۴۱	سرمايه مرد سنگ و خرد	۹ ، ۱۳f
سرنامه موردور كرد از تنش	۱۵۷ ، ۱۲e	سرمايه مردمي راستيست	۵۰۲ ، ۱۴
سرنامه از پادشاه كيان	۴۴۲ ، ۱۹	سرمايه مردی و جنگ از	۱۷ ، ۱۳b
سرنامه از دادگر كرد	۴۵۴۱ ، ۴۱	سرمايه من دروغست و بس	۳۲۳۴ ، ۴۳
سرنامه از كردگار سپهر	۱۲۲۳ ، ۲۰	سر م پر ز در دست و دل پر	۹ ، ۱۶
سرنامه بنوشت نام خدای	۲۰۹ ، ۵۰	سر م را بکافور و مشک و	۲۲۳۰ ، ۸
سرنامه بود آفرین مهان	۱۱۲۵ ، ۲۰	سر م راهمی باز داری ز	۴۸۲ ، ۱۲
سرنامه بود آفرین مهان	۱۵۸۸ ، ۳۵	سر مرد تازی بدام آورید	۱۲۸ ، ۴
سر نامه بود از نخست	۱۴۴۴ ، ۱۳	سر مرد جنگی خرد نسپرد	۶۶۶ ، ۸
سر نامه بود از نخست	۱۶۵۶ ، ۲۰	سر مرد کینه نیامد پنخواب	۲۱۱۷ ، ۱۲d
سر نامه بر از نخست	۲۰۰۸ ، ۴۱	سر مردمی بردباری بود	۱۴ ، ۲۶
سر نامه چون گشت مشکین	۴۷۶ ، ۴۱	سر مردمی بردباری بود	۶ ، ۳۸
سر نامه را نام او تاج گشت	۱۰۷۴ ، ۱۵	سر مرز ایران به پیران	۷۲ ، ۱۳f
سر نامه کرد آفرین از	۱۲۲۳ ، ۱۳f	سر مرز ایران گرفتیم	۴۷۹ ، ۱۲c
سر نامه کرد آفرین از	۱۴۸۶ ، ۱۳g	سر مرز توران در شهر ما	۶۶ ، ۱۳e
سر نامه کرد آفرین از	۴۲۸۶ ، ۱۵	سر مرز چون خنجر کابلی	۳ ، ۳۰
سر نامه کرد آفرین از	۲۸۵ ، ۲۰	سر مرز کردند هر دو پر	۷۳۱ ، ۷
سر نامه کرد آفرین از	۱۶۶۰ ، ۳۵	سر مشکبویش بدام آوریم	۶۱۸ ، ۷
سر نامه کرد آفرین از	۴۵۹ ، ۴۱	سر م گرز خواب خوش آگه	۴۰۵ ، ۱۲
سر نامه کرد آفرین از	۳۱۴۵ ، ۴۳	سر م گشت سیر و دم کرد	۷۲۲ ، ۱۲c
سر نامه کرد آفرین بزرگ	۱۱۱۷ ، ۱۳f	سر من ز کشتن پراز دود	۹۵۵ ، ۴۱
سر نامه کرد آفرین خدای	۴۷۱ ، ۶	سر موبدان بود مهراں	۲۴۰۲ ، ۴۱
سر نامه کرد آفرین خدای	۱۲۳۶ ، ۷	سر موبدان وردان اردشیر	۱۴۳۱ ، ۴۱
سر نامه کرد آفرین خدای	۲۰۹۷ ، ۷	سر موبدان بود شاه ردان	۳۴۸ ، ۱۵
سر نامه کرد آفرین خدای	۹۲۹ ، ۱۳c	سر مهتران جهان زیر او	۱۳۹۴ ، ۳۵
سر نامه کرد آفرین خدای	۸۷۴ ، ۱۳g	سر مهتران زنان سخن شد	۳۱۸۵ ، ۱۳g
سر نامه کرد آفرین خدای	۵۰۹ ، ۲۰	سر نامه داران ایران سپاه	۱۱۳ ، ۱۵
سر نامه کرد آفرین مهان	۳۹۸ ، ۳۰	سر نامه داران نهی شد ز	۳۲ ، ۹
سر نامه کرد آفرینی	۲۸۲۰ ، ۴۱	سر نامه داران جنگیش	۴۷۷ ، ۴۲

سروروی و چشمش بیوسید	۱۳۶ ، ۲۲	سرنامه کرد از جهاندار	۲۱۴۶ ، ۴۳
سروش از بیابان بدجوایشان	۱۵۳ ، ۶	سرنامه کرد از نخست	۱۹۱۶ ، ۳۵
سروشت نمود آن سرانجام	۱۲۴۳ ، ۱۲e	سرنامه کردم ثنای ورا	۲۱ ، ۲۰
سروش خجسته شبی ناگهان	۲۳۶۸ ، ۱۳g	سرنامه کردم ثنای ورا	۶۷۱ ، ۲۲
سروشی بد او آمده از	۳۱۱ ، ۵	سرنامه گفت آفرین مهان	۳۴۷۲ ، ۴۳
سرو گنج و تخت و سپاه	۱۶۳۳ ، ۱۲d	سرنامه گفت آنچه بهرام	۳۱۱۷ ، ۴۳
سرو گوش بگرفت و یالش	۶۶۲ ، ۱۲	سرنامه گفت آنچه گفتی	۲۲۶۶ ، ۳۵
سرو گوش و پایش بیک	۱۹۲ ، ۳۴	سر نامه گفت از جهان	۱۷۱۴ ، ۴۳
سرو مغز پولاد را زیر پای	۳۶۳ ، ۱۲	سر نامه گفت، از جهاندار	۵۲۸ ، ۲۰
سرو مغز کاووس آتشکده	۱۱۵۳ ، ۱۲d	سر نامه گفت، از جهاندار	۱۶۷ ، ۵۰
سرون چون گوزنان پیش	۴۰۵ ، ۱۴	سر نامه گفتند ما بنده ایم	۱۵۰۵ ، ۳۵
سرون دارد ویشک همچون	۳۱۱ ، ۱۴	سر نره دیوان چو دیو سپید	۶۲۳ ، ۱۲
سروهاش چون آبنوسی	۳۶۳ ، ۱۴	سر نوشاد ارزما بازگشت	۸۱۶ ، ۴۱
سروی و سر گاو میشی	۳۶۶۷ ، ۴۳	سر نوک نیزه ستاره ببرد	۳۰ ، ۱۱
سر ویسکانست هومان	۴۶۰ ، ۱۳f	سر نیکو بیها و دست بدی	۱۸۵۱ ، ۳۵
سر هفته بودند آراسته	۲۰۱ ، ۱۲b	سر نیزه هارا برزم افکنید	۶۶۵ ، ۱۵
سر هفته راز و خرد دور	۴۶۶۲ ، ۱۵	سر نیزه پر خون و خفتان	۱۱۲۴ ، ۱۲c
سر هفته را کرد آهنک	۲۱۸۴ ، ۱۳g	سر نیزه و گرز یار منند	۶۴۷ ، ۱۲c
سر هفته را گشت خسرو	۲۵۶۳ ، ۱۳g	سر نیزه را سوی سهراب	۳۳۲ ، ۱۲c
سر هندوان باد زفتن سپاه	۱۲۹۲ ، ۱۳f	سر نیزه و نام من مرگ	۵۷ ، ۱۳c
سری پر زشم و تیاهی	۵۴۰ ، ۱۲d	سر و پای اولاد من حکم	۷۲۱ ، ۱۲
سری را کجا تاج باشد	۲۵۱۹ ، ۱۲d	سر و پای و دست و دل و مغز	۷۰۸ ، ۱۳
سری را کجا مغز جوشیده	۱۰۱ ، ۸	سر و ترک آن نامور کرد	۹۱۷ ، ۶
سری را که پاشی بدو پادشا	۲۵۱۴ ، ۱۲d	سر و تن بشستند و دل شسته	۸۲۰ ، ۱۳c
سریک رده مردم بی گناه	۶۲۳ ، ۸	سر و تن بشستی نهفته بباغ	۱۳۵ ، ۴
سری کتی نباشد ز مغز	۱۱۰۱۲ ، ۱۲d	سر و تن بشویم با پا و دست	۲۲۳۴ ، ۱۳g
سزا باشد و سخت در خور	۵۶۲ ، ۷	سر و تیغ و اسپش که آرد	۲۲۴ ، ۱۳
سزا خود ز شاهم چنین نامه	۴۲۲۶ ، ۴۱	سر و چشم آن نامور بوسه	۷۵۴ ، ۱۴
سزا دید رفتن سوی بخان	۸۰ ، ۱۲c	سر و دل پراز کینه کرد و	۲۵۰ ، ۵
		سرودی با آواز خوش بر	۳۸۱۸ ، ۴۳

سزای گنه بین که یزدان	۸۳۲ ، ۱۲	سزادیده سودا به را جفت	۱۷۶ ، ۱۲b
سزایم بدین گفتن ناسزا	۷۱۷ ، ۱۲c	سزاشان ببخشید بسیار	۲۷۸۹ ، ۱۲d
سزدگر پس اندر فشانی	۱۳۱۱ ، ۱۳	سزاکیست کورائکوهش	۳۳۶۱ ، ۴۱
سزدگر ببخشی گناه مرا	۲۸۶۶ ، ۱۳g	سزانیست ایتر که داری	۲۵۴۹ ، ۱۲d
سزدگر ببخشی گناه مرا	۴۴۸۶ ، ۱۵	سزانیست این بیشتر مرا ترا	۲۵۶ ، ۳۵
سزدگر ببخشی گناه مرا	۱۱۱۴ ، ۳۵	سزاوار آرام بودن کجا	۳۴۶۰ ، ۴۱
سزدگر ببینی یکی کار من	۷۷۴ ، ۱۲	سزاوار او جای آرام و	۸۸ ، ۱۲c
سزدگر بیاسخ گشایی	۱۹۴ ، ۲۰	سزاوار او جای بگزید	۲۳۳۴ ، ۴۱
سزدگر بپرسی ز دانای	۱۲۹۹ ، ۴۳	سزاوار او جای که ساختند	۱۳۵۲ ، ۴۲
سزدگر بیبچد ز گفتار	۷۵۸ ، ۱۳	سزاوار او خلعت آراستند	۱۴۶۵ ، ۷
سزدگر بداری کنون	۱۷۹ ، ۱۲c	سزاوار او شهر یار زمین	۱۱۸۱ ، ۱۲
سزدگر بدین رنج باشید	۱۴۹۳ ، ۴۳	سزاوار باشد ستودن	۳۰۳۷ ، ۱۵
سزدگر بر این نوم زابل	۳۴۹۰ ، ۱۵	سزاوار ایشان یکی جای	۲۱۴۹ ، ۴۱
سزدگر برزم چنین یک	۹۹۷ ، ۱۳	سزاوار این جستن کین	۷۴۴ ، ۱۳
سزدگر بگویم یکی داستا-	۳۹۵۰ ، ۴۳	سزاوار باشد که اوداد	۸۳۸ ، ۱۳c
سزدگر بگویی تو ای نام	۲۱۱ ، ۱۰	سزاوار بنوشت نام گوان	۱۷۹ ، ۱۳
سزدگر بگویی تو این را	۸۰۶ ، ۱۳b	سزاوار خلعت هر آنکس	۳۲۲۹ ، ۴۱
سزدگر بگویی تو با پهلو	۷۴۵ ، ۱۳	سزاوار در بخش تخت و	۱۴۷۱ ، ۱۲e
سزدگر بگویی مرا نام	۱۳۲ ، ۱۲e	سزاوار شاهی سپاهست و	۲۹ ، ۴۶
سزدگر بگیری سرش در	۱۵۰۸ ، ۱۳b	سزاوار کشتن هر آنکس	۲۴۵ ، ۱۳b
سزدگر بمانیم ماهم بر آن	۲۲۴ ، ۱۱	سزاوار گنجست اگر مرد	۱۶۹ ، ۴۲
سزدگر بمانیم هر دو دژم	۳۳۲ ، ۶	سزاوار مساماری و بند	۱۴۹۶ ، ۱۳
سزدگر بهر کار پندم دهی	۱۰۵۵ ، ۱۳e	سزاوار من گرفتار نیست	۳۱۷۷ ، ۱۵
سزدگر تو آنرا نداری	۶۴۹ ، ۱۳e	سزاوار هر کس ببخشید	۱۱۴۵ ، ۱۲
سزدگر دل اندر سرای	۸۴۸ ، ۱۳c	سزاوار هر مهتری کشور	۱۸۳۳ ، ۲۰
سزدگر زخویشان افراسما	۱۹۲۳ ، ۴۱	سزای توام جایگاهی	۳۰۳ ، ۳۰
سزدگر ز دل خشم بیرون	۲۶۲ ، ۴۳	سزای تو گرفتار نیست چیزی	۳۰۴۴ ، ۱۵
سزدگر سر پیل را روز	۱۴ ، ۱۳c	سزای چنین مرد گویی که	۲۲۳ ، ۳۰
سزدگر شما بر جهان	۱۶۵۹ ، ۱۳f	سزای دهنش گرنهایش	۸۲۹ ، ۴۱
سزدگر شود مردی تاج	۳۰۷۹ ، ۱۵	سزای ستایش دگر گفت	۱۲۲۵ ، ۴۱

سکندر پیر سید و بنواخت	۱۷۶۴	۲۰	سزد گر شهنشاه با فروداد	۱۳۱۵	۷
سکندر پیش اندرون	۷۹۵	۲۰	سزد گر شهنشاه کهتر	۱۱۶۲	۱۲
سکندر بتخت نیا بر نشست	۲۶	۱۹	سزد گر کنون گرد این	۳۲	۱۳۴
سکندر پتر سید و بر گشت	۱۵۷۷	۲۰	سزد گر کنی جنگ را نیز	۸۷۹	۱۳۴
سکندر بخندید و زو گشت	۴۷۶	۲۰	سزد گر کنی یاد کردار	۸۸۸	۱۳۵
سکندر بدان پیشه بنهاد	۱۰۸۶	۲۰	سزد گر گمانی برد بر سه	۹	۱۳
سکندر بدان در شکفتی	۸۴۵	۲۰	سزد گر مرا این را نخواهیم	۲۸۹	۲۱
سکندر بدانست کاندر نهان	۱۳۱	۱۹	سزد گر من از جنگ این	۱۰۶۶	۱۲۵
سکندر بدانست کان مرد	۷۷۹	۲۰	سزد گر نباشیم همداستان	۱۹۱۰	۴۱
سکندر بدان گوشور گفت	۱۷۹۴	۲۰	سزد گر فر نجد شه از گفت	۱۷۸	۱۲
سکندر بدو گفت پوزش	۱۷۲۵	۲۰	سزد گر نمایی بمن رخس	۳۸۸۱	۱۵
سکندر بدو گفت تاریک	۱۴۲۷	۲۰	سزد گر نیاری بجان شان	۵۷۰	۸
سکندر بدو گفت فرمان	۳۸۷	۱۹	سزد گر هر آنکس که	۲۶۴	۱۱
سکندر بدو گفت کای سر	۹۵۶	۲۰	سزد گر هر آن کو بود	۴۵۹۹	۴۱
سکندر بدو گفت کای شهر	۸۸۶	۲۰	سقایست این لنیک آب	۱۱۸	۳۵
سکندر بدو گفت کای شهر	۱۱۰۱	۲۰	سقف خوبر و را بدار اسپرد	۹۳	۱۸
سکندر بدو گفت کای نام	۶۳۰	۲۰	سقف گفت کاین نیست کار	۲۶۴	۱۴
سکندر بدو گفت کای نام	۹۷۷	۲۰	سقف گفت ما بندگان تو	۷۶۴	۵۰
سکندر بدو گفت کاینست	۹۷۵	۲۰	سکوبا از آن سو کواران	۷۳۳	۵۰
سکندر بدو گفت من	۴۶۶	۲۰	سکوبا بدو گفت کای نام	۷۳۹	۴۳
سکندر بدو گفت نشیده ام	۴۵۱	۲۰	سکوبا بشستش بر روشن	۱۹۲۰	۲۰
سکندر بدو گفت هرگز	۹۰۵	۲۰	سکوبا ورهبان سوی شهر	۱۱۲۲	۴۳
سکندر بدو ماند اندر شکفت	۴۳۷	۲۰	سکوبا وقسیس ورهبان	۷۸۳	۵۰
سکندر بدید آن پستند	۶۰۵	۲۰	سکندر با بین صفی بر کشید	۳۳۰	۱۹
سکندر بدیدار او طار	۷۱۷	۲۰	سکندر با سپ اندر آورد	۱۰۸۱	۲۰
سکندر بر آمد بر آن کوه	۱۳۱۱	۲۰	سکندر بیارید از دیده	۱۶۱۵	۲۰
سکندر بر آمد در جای نشست	۹۹۵	۲۰	سکندر پذیرفت و بنواخت	۱۴۱۰	۲۰
سکندر بر او آفرین کرد	۱۷۶۷	۲۰	سکندر پیر سید از آن سر	۱۴۱۷	۲۰
سکندر بر ایشان نیاورد	۱۷۵۱	۲۰	سکندر پیر سید از خواب	۱۱۴۶	۲۰
سکندر بر خرنک نشین	۱۷۰۵	۲۰	سکندر پیر سید کاندر	۱۱۵۶	۲۰
			سکندر پیر سید و بنواخت	۱۲۶۰	۲۰

سکندر چنین داد پاسخ که	۱۱۷	۱۹	سکندر بشد با سواران	۱۵۹۵	۲۰
سکندر چنین گفت کای نیک	۸۹	۱۹	سکندر بشد تا اب رودبار	۱۷۳	۱۹
سکندر چو آمد بشهر اندر	۷۷۲	۲۰	سکندر بشد چون فرستاده	۱۶۴۲	۲۰
سکندر چو آن نامه بر	۳۰۰	۱۹	سکندر بفرمود تا جاثلیق	۷۷۱	۲۰
سکندر چون آن نامه پاسخ	۳۰۶	۱۹	سکندر بفرمود تا لشکر	۱۲۸۳	۲۰
سکندر چو آن نامه پاسخ	۱۳۷۰	۲۰	سکندر بماند اندر ایشان	۱۵۳۴	۲۰
سکندر چو از کارش آگاه	۲۲۵	۱۹	سکندر بمصر اندر آمد	۵۹	۱۹
سکندر چو باد اندر آن	۶۴۵	۲۰	سکندر بنزدیک فغفور	۱۶۸۶	۲۰
سکندر چو بر تخت بنشست	۳۲	۲۰	سکندر بیار دسیاهی گران	۱۹۷	۲۰
سکندر چو بشنید از آن یاد	۷۴۰	۲۰	سکندر پیامد با صطخر	۲۳۶	۱۹
سکندر چو بشنید زان شد	۱۸۵۷	۲۰	سکندر پیامد پیرده سرای	۱۰۸۹	۲۰
سکندر چو بشنید شد سوی	۱۴۸۳	۲۰	سکندر پیامد بدان بارگاه	۸۷۶	۲۰
سکندر چو بشنید کآمد	۷۴	۱۹	سکندر پیامد بدشت نبرد	۱۹۳	۱۹
سکندر چو بشنید کآمد	۱۵۷	۱۹	سکندر پیامد بسوی	۶۷۷	۲۰
سکندر چو بشنید لشکر	۱۸۰	۱۹	سکندر پیامد بفرمان او	۱۴۴۴	۲۰
سکندر چو پاسخ بدان گونه	۱۸۳۷	۲۰	سکندر پیامد بنزدیک	۱۰۲۳	۲۰
سکندر چو خوردی می	۱۱۲	۱۹	سکندر پیامد پس او چو	۱۸۷	۱۹
سکندر چو دید آن تن پیل	۶۴۱	۲۰	سکندر پیامد ترنجی	۱۶۸۴	۲۰
سکندر چو روی برهن	۱۱۴۰	۲۰	سکندر پیامد دلی همچو	۹۴۲	۲۰
سکندر چو کرد اندر ایران	۲۷۶	۲۰	سکندر پیامد زمین بوسه	۸۰۶	۲۰
سکندر چو گفتار ایشان	۱۱۷۸	۲۰	سکندر پیامد ز نزدیک	۱۰۲۰	۲۰
سکندر خروشید کای مرد	۱۰۹۶	۲۰	سکندر پیامد سوی خان	۸۷۴	۲۰
سکندر دگر باره پیروز	۱۸۳	۱۹	سکندر پیامد میان دو صف	۶۲۵	۲۰
سکندر دل از مردمان	۱۵۸۸	۲۰	سکندر پیامد نگه کرد	۱۵۴۰	۲۰
سکندر دل خسروانی	۱۲۱	۱۸	سکندر پیامد هم اندر	۱۸۰۴	۲۰
سکندر ز اسپ اندر آمد	۳۵۴	۱۹	سکندر بیاورد لشکر ز	۳۱۹	۱۹
سکندر ز دیده بیارید	۳۸۴	۱۹	سکندر پس لشکر بد گمان	۶۱۸	۲۰
سکندر ز قبطون پرسید	۷۳۲	۲۰	سکندر پیاده پیش اندر	۴۱۹	۱۹
سکندر ز گفتار او گشت شاد	۱۰۲	۲۰	سکندر چنین داد پاسخ بدو	۴۰۴	۱۹
سکندر ز گفتار او گشت زرد	۸۹۲	۲۰	سکندر چنین داد پاسخ بدو	۶۹۲	۲۰

سکندر یکی تیز کشتی	۱۲۰۷	۲۰	سکندر لشکر چو آگاہ	۱۹۰۳	۲۰
سک آن بہ کہ خواہندہ	۲۵۹	۳۴	سکندر ز منزل سپہ بر -	۱۳۹۱	۲۰
سکالش بدین سان در	۴۰۹	۱۲b	سکندر ز نصر این سخن ہا	۷۰۳	۲۰
سکالش بگردند زینسان	۶۲۲	۷	سکندر سیک پرش اندر	۱۷۳۷	۲۰
سکالش چنان بد نبشہ	۱۴۲	۱۳e	سکندر سپارد ہما کشوری	۳۴۲	۱۹
سکالں نجویم جز بارد	۸	۳۴	سکندر سپہ را سراسر	۴۷	۱۹
سکالیدہام دوش با پنج	۹۸۵	۴۳	سکندر سپہ سوی بابل	۱۷۶۹	۲۰
سکالیدہام روزگار ترا	۲۲۱	۴۳	سکندر سکالید از آن	۱۰	۲۱
سکالیدہ بریکد گر ساخت	۹۰۳	۵۰	سکندر سلیح گوان باز	۶۵۹	۲۰
سکالیدہ کاروزان پس	۳۹۴۳	۴۳	سکندر سواری بسان قلم	۶۳۹	۲۰
سک کاردیندہ بگرد پلنگ	۱۹۳	۱۲e	سکندر سوی روشنایی	۱۴۶۰	۲۰
سک و گرگ ہمسایہ و	۲۶۲۳	۳۵	سکندر شکفت اندر ایشان	۱۲۰۵	۲۰
سک ویوز با چرخ و شاہین	۱۲۹۶	۳۵	سکندر شمارا چنان شد	۶۵۴	۲۰
سک ویوز در پیش و شاہین	۳۶۰	۳۵	سکندر شنید آن پسند	۳۸	۱۹
سک ویوز و باز شدہ و در	۱۸۰	۵۰	سکندر شنید این سخن	۹۳۲	۲۰
سلاح ہمیدون بکار آید	۷۱۶	۱۳۴	سکندر شنیدی بایران	۴۸۴	۴۱
سلیح برادر بپوشید زن	۲۹۷۳	۴۳	سکندر فرستادہ را گفت	۳۰۹	۲۰
سلیح تن آرایش خویش	۶۷۰	۳۰	سکندر فرستادہ و نامہ	۱۱۳۵	۲۰
سلیح تنش آنچه در گنج	۲۹۵۸	۱۳g	سکندر فروماند از آن	۸۸۱	۲۰
سلیح تودر کارزار آورد	۳۹۶۵	۴۱	سکندر کہ آمد بدین روز	۶۰۴	۲۱
سلیحست بسیار و مردان	۱۴۱۴	۱۳c	سکندر کہ او خون دارا	۳۶۱۹	۴۳
سلیحست بسیار و مردم	۷۷۸	۱۲c	سکندر منم و آن زمان	۱۱۱۰	۲۰
سلیحست چندان بر او روز	۱۲۶۱	۱۳c	سکندر نخواہد شد از جنگ	۱۰۴۰	۲۰
سلیح سواران جنگی	۸۲۵	۱۳	سکندر نگہ کرد بالای	۳۹۰	۲۰
سلیح سواران و جینی کہ	۱۱۴۰	۴۲	سکندر نگہ کرد و او را	۴۱۲	۲۰
سلیحست و ایدر بسی خورد	۱۱۳۶	۱۳c	سکندر نگہ کرد و زو خیرہ	۱۷۸۲	۲۰
سلیحست و خر گاہ و پردہ	۷۳۷	۴۲	سکندر نہاد آینہ زیر	۴۰۸	۲۰
سلیحست و گنجست و مرد	۱۴۹۴	۳۵	سکندر نہ زین پایہ دارد	۱۰۶	۱۹
سلیحست و ہم گنج و نام	۱۲۶۰	۴۳	سکندر ہمان شب بتنها	۴۶۹	۲۰
سلیح سہ کشور سہ گنج بہ	۴۴۶	۱۲b	سکندر ہمہ جامہ ہا کرد	۴۱۱	۱۹

سنان سر نیزه شد بردونیم	۲۰۲۲ ، ۴۳	سلیح سیاوش پیوشد	۹۱۸ ، ۱۳
سنان گریبندگان بخاید	۸۱۳ ، ۷	سلیح سیاوش مراده بچنگ	۱۱۵۱ ، ۱۳
سنانهای درخشان وجوشان	۱۱۰۷ ، ۱۳b	سلیحش پدر کرد از جادو	۵۴۸ ، ۱۳g
سنانهای گرمی همی بر فر-	۱۴۹۵ ، ۱۲e	سلیحش یکی هندوی تیغ	۱۵۸ ، ۴۳
سنانهای الماس در تیره	۲۵۷ ، ۵۰	سلیح منار بامنستی کنون	۱۴۳۶ ، ۱۳e
سنانهای رخشان و تیغ	۳۷۲ ، ۱۳b	سلیحم نیامد بر او کارگر	۱۲۶۸ ، ۱۳e
سنانهای نیزه بچنگ سر	۱۸۸۰ ، ۱۳f	سلیح و برادر سپاه و پسر	۱۹۰۵ ، ۱۵
سنانهای نیزه بگرد اندر	۵۷۸ ، ۱۳e	سلیح و تن از خون ایشان	۱۷۲۰ ، ۱۵
سنانهای نیزه بهم بر شکست	۱۱۶۸ ، ۱۳	سلیح و درم خواست واسپ	۱۵۸۸ ، ۴۳
سوار آمد و سر بر سر بنگرید	۳۳۱۰ ، ۴۱	سلیح و درم خواست واسپ	۲۳۹۶ ، ۴۳
سوار آمد و گفت بامن	۲۵۱ ، ۳۵	سلیح و درم داد لشکرش	۹۰۴ ، ۱۳
سوار از دلیری بیفشرد	۱۶۸۱ ، ۱۳b	سلیح و درم داد لشکرش	۲۲۴ ، ۱۹
سواران ایران بر آویخت	۱۵۱۲ ، ۱۳f	سلیح و درم داد آغاز	۶۱۳ ، ۸
سواران ایران بسان پلنگ	۶۲۲ ، ۴۱	سلیح و را بر فتابد کسی	۱۵۶۹ ، ۱۳b
سواران ایران بکردار	۲۲۲ ، ۱۲e	سلیح و سپاه و درم پیش	۲۶۸۰ ، ۱۵
سواران ایران چو سیصد	۴۲۶۵ ، ۴۱	سلیح و سر نامبردارشان	۲۳۷۴ ، ۱۳f
سواران ایران گوان دلیر	۳۶۲ ، ۸	سلیح و سر واسپ آن نامجو	۱۱۷۶ ، ۱۳
سواران ایران همه شاه	۲۰۵ ، ۴	سلیح و سر واسپ هومان	۸۶۸ ، ۱۳f
سواران ایران همه کشته	۲۵ ، ۱۳b	سلیح و کمرها و اسپورهی	۱۰۸ ، ۳۹
سواران ایران همه همگروه	۵۷۵ ، ۱۳b	سلیح و هیوانان واسپان	۱۲۵۲ ، ۱۳e
سواران ببخشید تا بر سه	۱۸۵۳ ، ۱۳f	سلیحی دگر پوش تا من	۱۴۶۱ ، ۱۳e
سواران بجستن نهادند	۵۳۲ ، ۵۰	سماعیل چون زین جهان	۶۹۵ ، ۲۰
سواران بختان و خود	۳۶۴ ، ۱۳f	سمنبوی خوبان با ناز و شرم	۱۰۶۶ ، ۴۱
سواران بهار و بیلان	۹۱۳ ، ۱۲e	سمنبوی و زیبارخ و ماهرو	۴۱ ، ۲۵
سواران بمیدان بکردار	۲۰۳۹ ، ۱۲d	سمندسرافراز را بر نشست	۳۶۹۷ ، ۱۵
سواران بمیدان فرستاد	۱۶ ، ۴۷	سمند نونش همی راند	۲۳۹۶ ، ۱۳f
سواران به رسو بر افکند	۳۳۸۶ ، ۴۱	سمندی بلندست گویی	۳۲ ، ۱۳d
سواران بیاراست افراسیا-	۳۴۱ ، ۸	سنان اندر آمد بچرم کمر	۳۹۶ ، ۱۲e
سواری بهامد خرید آن	۵۹۳ ، ۴۲	سنان باز پس کرد سهراب	۳۰۰ ، ۱۲e
سواران بی باک روز نبرد	۳۷۶۷ ، ۴۳	سناندار نیزه بدو نیم	۹۷۳ ، ۱۲b

سواران جهان را حقی	۸۷۴ ، ۱۵	سواران پراکنده برگرد	۳۱۶ ، ۱۳۵
سواران چو شیران چسته	۶۳۷ ، ۱۳g	سواران پراکنده کردم	۲۶۵ ، ۴۴
سواران چو کشتی روان	۱۰۵۳ ، ۱۲	سواران پس از میمنه میسر	۱۵۴۲ ، ۱۳۴
سواران چین سوی او تا ختند	۵۶۴ ، ۱۵	سواران تازی سوی نیمروز	۴۲۵ ، ۸
سواران در و پام ایوان	۲۷۷ ، ۱۳e	سواران ترکان بسی دیده ام	۴۲۱ ، ۱۲c
سواران دشتی ز رومی	۴۲۲ ، ۴۱	سواران ترکان بگردار	۱۳۴۱ ، ۱۳g
سواران دوده همه بر نشانند	۶۶۱ ، ۱۳e	سواران ترکان پراکنده	۲۳۸۳ ، ۱۳۴
سواران رومی همه جنگ	۲۱۸۷ ، ۴۳	سواران ترکان پس پشت	۱۴۱۰ ، ۱۳
سواران زابل شنیدند نای	۶۱۵ ، ۱۲c	سواران ترکان تنی هفت	۳۶ ، ۱۲c
سواران زبس رفج و اسپان	۱۱۸۱ ، ۱۳e	سواران ترکان که روز	۱۶۵۹ ، ۱۳g
سواران زبس بود و خاقان	۱۳۳۷ ، ۴۲	سواران ترکان همه شاد	۱۶۸۷ ، ۱۳
سواران زهر سو بر او تاخت	۳۹۰ ، ۱۲c	سواران تنی چند گرد	۱۳۵۸ ، ۱۵
سواران سبک بر کشیدند	۲۱۰۷ ، ۴۳	سواران جنگ از پس و	۱۶۲ ، ۱۹
سواران سوی نیزه بردند	۵۳۹ ، ۸	سواران جنگی بر روز نبرد	۳۴۷ ، ۱۲c
سواران سوی نیزه بردند	۳۳۸ ، ۱۲b	سواران جنگی چو سوسد	۶۷ ، ۱۳۴
سواران از خاک برداشتند	۱۳۴ ، ۲۲	سواران جنگی ده و دو	۱۳۹۵ ، ۱۲e
سواران شایسته کارزار	۱۱۹ ، ۱۳۴	سواران جنگی ز توران	۱۲۷۰ ، ۱۳e
سواران شده گرد با شهر	۷۲ ، ۴۶	سواران جنگیش پیش	۶۱۷ ، ۱۳۴
سواران شمشیر زن چل	۸۰۷ ، ۱۳g	سواران جنگی فراوان	۲۲۶ ، ۲۱
سواران شیران ایران	۵۵۵ ، ۱۳g	سواران جنگی فکهدار	۱۳۴۵ ، ۱۳g
سواران عنانها بگردند	۱۴۷۹ ، ۱۲d	سواران جنگی و مردان*	۴۱۲ ، ۱۳
سواران فرستاد بر نا و	۴۲۸ ، ۲۱	سواران جنگی و مردان*	۲۴۶۰ ، ۴۳
سواران فرستاد ماهوی	۶۸۹ ، ۵۰	سواران جنگی و مردان*	۱۳۸۳ ، ۳۵
سواران کجا گوی او یافتی	۶۳۱ ، ۱۴	سواران جنگی هزاران	۳۹۸۱ ، ۴۳
سواران که آیین گمشد	۱۹۴۷ ، ۴۲	سواران جنگی همه همگروه	۱۶۲ ، ۱۱
سواران که بودند با او	۱۳۸ ، ۱۳d	سواران جنگی همی تاختند	۱۵۵۶ ، ۱۵
سواران که در میمنه با	۳۸۷ ، ۱۳g	سواران جوشنوران صد	۲۷۵ ، ۱۳۴

(*) ستاره در سطر اول بجای «زشت» و در دوم بجای «کار» و در سوم بجای

«کین» آمده است .

سواران گردنکشی از	۷۵۲	۱۳e	سواری برافکنند بر هر	۱۱۶۳	۱۵
سواران گردنکش اندر	۱۳۳۳	۳۵	سواری برافکنندزی شهر	۲۲۳	۳۴
سواران گرفتندش اندر	۱۰۲۰	۱۶	سواری بکابل بر افکنند	۱۶۴۳	۷
سواران لشکر برانگیختند	۵۵۹	۱۲d	سواری بکردار آذر گشسب	۸۲۸	۷
سواران لشکر زیر و جوان	۵۳۲	۱۳b	سواری بمژده پیامد ز	۱۰۵۰	۱۳b
سواران ماگر بباراندرند	۳۹۲	۱۳f	سواری بنزدیک او آمد	۸۰۱	۱۴
سواران ماهوی شوریده	۷۰۴	۵۰	سواری پیامد بکردار	۴۱۳	۴۱
سواران نیینم همی رزمجو	۱۷۷	۴۳	سواری پیامدهم اندر زمان	۶۸۷	۲۰
سواران واسپان پرمايه	۱۰۸۰	۴۲	سواری پیامدهم اندر شتاب	۱۰۲۶	۱۳g
سواران و پیلان بدر بر	۱۹۵۲	۳۵	سواری پیاموزد و رسم	۲۹۹	۲۲
سواران و پیلان و زرینه	۴۹۵	۱۳f	سواری پدید آمد از پشت	۱۵۲	۱۱
سواران و گردان ایران	۸۷۹	۱۲b	سواری تنومند خسرو	۳۴	۱۳c
سواران و گردان هر	۱۲۵۱	۱۳c	سواری تو و ماهمه بر خریم	۱۳۸۵	۳۵
سواران و گرسیوز رزم	۲۰۵۲	۱۲d	سواری چو بهرام با یال	۲۲۰	۳۴
سواران همه باز گشتند	۱۷۵۸	۱۳	سواری چومن پای بر زمین	۳۳	۱۰
سواران همه روی برگاشتند	۲۸۱	۱۰	سواری دمان از طلايه	۴۸۴	۱۳g
سواران همه نمره برداشتند	۲۲۱	۷	سواری دمان شد بر آن	۷۰۱	۱۳g
سوار جهان پور دستان	۳۱۰۸	۱۵	سواری ده از رومیان بر	۱۹	۸۱
سوار جهان رستم نامور	۱۰۳۰	۱۲c	سواری رسدهم کنون بادو	۴۶۴۰	۴۱
سوار جهان نیوزار دلیر	۵۶۵	۱۵	سواری ز قنوج تازان	۲۳۵۰	۳۵
سوار دلاور زبیم زبان	۲۷۳	۴۲	سوار بست با او بسی نیزه	۷۷۸	۱۴
سوار سرافراز و گرد تمام	۱۲۲	۷	سواری سرافراز با بوق	۶۱۰	۴۱
سوارش نگه کن که چند	۱۲۳۶	۱۳e	سوار سربنده ای سرفراز	۷۰	۳۸
سوار طلايه ندارد براه	۱۳۷۱	۱۳	سواریش چونان بدی در	۳۷۱	۷
سوار و پیاده بدی سی	۱۷۵	۱۳g	سواریش دیدم چو سرو	۳۰۹۱	۱۵
سوار و پیاده ده و دوهزار	۱۱۴۴	۷	سواری شودنیک و پیروز	۹۶۹	۱۵
سوار و پیاده ز هر دو گروه	۱۳۴۶	۱۳g	سواری فرستاد تا پشت پیل	۳۳۰۷	۴۱
سوار و پیاده همی بر شمرد	۳۳۲	۲۱	سواری فرستاد خاقان	۲۳۹۲	۴۳
سوار هیونان چو باز آمدند	۲۳۳۶	۱۵	سواری فرستاد نزدیک او	۷۲۰	۱۴
سواری بدانند کز ایران	۱۲۰۵	۲۳	سواری فرستاد نزدیک شاه	۱۲۹۰	۴۳

سوم دور بودن ز چیز کسان	۳۸ . ۴۳	سواری فرستاد نزدیک فور	۶۲۶ . ۲۰
سوم دیو کافر جهان چون	۶۹۰ . ۶	سواری فرستم بنزدیک تو	۲۳۰۵ . ۱۲d
سوم روز بزم مردان ساختند	۱۶۵۸ . ۳۵	سواری فرستم بنزدیک شاه	۶۸۲ . ۴۲
سوم روز خوان را بمرغ	۱۷۴ . ۴	سواری فرستم بنزدیک شاه	۱۹۰ . ۵۰
سوم روز آداب کردند نام	۶۳۰ . ۱۷	سواری که باشد بنیروی	۲۶۹۳ . ۱۵
سوم روز گشتاسپ آگاه	۲۵۴۵ . ۱۵	سواری که باشد و را فر	۲۷۶۵ . ۱۵
سوم روز لشکر بکردار	۴۶۸ . ۱۳g	سواری که پرورده باشد	۷۵ . ۴۳
سوم ره بخواب اندر آمد	۴۸۷ . ۱۲	سواری که دارد دل شیر	۲۰۹ . ۸
سوم شب چو برزد سراز	۱۹۲ . ۴۲	سواری که گفتی میان	۸۵۹ . ۵۰
سوم کش کایله است گویی	۱۱۵ . ۴۳	سواری که نامش کلاهور	۹۲۷ . ۱۲
سوم کومیانه گزیند ز کار	۱۴ . ۴۲	سواری گرانمایه نامش	۴۹۵ . ۱۵
سوم گفت کامروز پاسخ	۲۶۳۲ . ۴۳	سواریم و گردیم واسپ	۷۵ . ۳۴
سوم لشکر مصر صف پر	۳۹۲ . ۱۲b	سواری ندیدم چو اسفند	۴۱۰۰ . ۱۵
سوم هفته پیران چنان کرد	۱۹۱۲ . ۱۳	سواری نشد پیش او بکتنه	۱۱۷۰ . ۱۲c
سوم هفته چون کارها گشت	۱۱۵۴ . ۱۲	سواری نیارد برابر شدن	۵۹۴ . ۲۰
سوم هفته در جایگاه مهی	۱۸۲۹ . ۱۳g	سواری وتیر و کمان و کمند	۹۰ . ۱۲d
سوم هفته کیخسرو آمد	۱۱۰۳ . ۱۳g	سواری و می خوردن و بار	۴۲۸۰ . ۱۵
سوم هفته نزدیک شاه آمد	۱۰۳۱ . ۱۲b	سواری هزار و یکی دو	۲۰۴ . ۴۱
سوم یار بایست هنگام	۱۳۰۰ . ۴۱	سواری همی بینم ازدور	۱۲۵۳ . ۱۵
سوی آبت اندازم ارسوی	۱۰۰ . ۱۳d	سوم آرزو آنکه خال تواند	۶۶ . ۴۳
سوی آتش آورد روی	۴۱۳ . ۲۱	سوم آنکه از نیک و بد در	۴۰۱۶ . ۴۱
سوی آسمان سر بر آورد	۷۴ . ۷	سوم آنکه دارم یکی نو	۳۲۷ . ۲۰
سوی آشتی یاز تا هر چه	۳۲۵۲ . ۴۱	سوم آنکه دیدی تو کریاس	۲۱۷ . ۲۰
سوی آفریننده بی نیاز	۸ . ۱۳b	سوم بهره برسوی ایران	۹۵۰ . ۱۳b
سوی آن پرستار بی مقام	۱۵ . ۴۹	سوم بهره جایی که ویران	۱۰۴۲ . ۴۲
سوی او شدند آن بزرگ	۳۰۸۱ . ۴۳	سوم بهره را سوی خود باز	۷۶۰ . ۱۵
سوی باختر بود پشت	۴۳۲ . ۱۳g	سوم بهره را گفت از آن	۲۲۷۲ . ۱۵
سوی باختر تا بمرز خزر	۱۲۹۰ . ۱۳f	سوم بهره کارش نیایش	۳۳۱۳ . ۴۳
سوی باختر شد چو خاور	۱۵۰۷ . ۲۰	سوم بیست در پیش یزدان	۲۵۳۴ . ۳۵
سوی باختر گفت گیتی	۱۰۰۹ . ۱۳b	سوم پارس واهواز و مرز	۶۱ . ۴۱

سوی بارگاه آینه از درخیز	۴۲۵۰	۲۲	سوی خانه برد آن طرازی	۴۸۲۰	۲۱
سوی پارگاه منوچهر شاه	۱۰۹۴۰	۷	سوی خانه بنهاد سر با سپاه	۱۱۶۶۰	۷
سوی بیگان برد تا بشکرند	۱۰۴۰	۷	سوی خانه پهلو ان آمدند	۱۲۸۵۰	۱۲e
سوی پیشه شهر چین آمدند	۶۴۱۰	۱۲b	سوی خانه رفتند از آن	۱۱۳۹۰	۱۳e
سوی پارس آمد بجویش	۲۷۱۰	۲۱	سوی خانه رفتند باناز و	۲۰۶۰	۶
سوی پارس آمد زری نامجو	۳۹۲۰	۲۱	سوی خانه رفتند هر سه	۱۸۳۰	۶
سوی پارس بنهاد آن گاه و	۳۰۰۰	۱۱	سوی خانه زرنکار آمدند	۷۰۶۰	۷
سوی پارس شد با دلارام	۹۵۰	۱۸	سوی خانه شد دختر دل	۱۰۵۷۰	۷
سوی پارس شد طوس و	۵۵۵۰	۱۲e	سوی خانه لنبك آمد چو	۱۲۶۰	۳۵
سوی پارس فرمود تا بر	۳۴۳۰	۸	سوی خیمه خویش باز آمد	۸۹۶۰	۶
سوی پارس لشکر برون	۴۱۰	۹	سوی خیمه خویش رفتند	۴۷۹۰	۱۳c
سوی پاك یزدان شد از	۹۳۶۰	۴۱	سوی خیمه دخت افراسیاب	۲۲۱۰	۱۳e
سوی پهلو ان اندرون رفت	۴۲۳۰	۷	سوی خیمه رفتند از آن	۸۹۶۰	۱۳b
سوی پهلو انان و سویردان	۲۲۹۰	۴۱	سوی خیمه رفتند هر دو	۱۳۰۳۰	۱۳b
سوی پهلو ان روی بر گاشت	۸۵۶۰	۱۳f	سوی دایگانم فرستد	۲۹۹۰	۳۴
سوی تخت پیروزه باز آمد	۳۹۳۰	۷	سوی داوری پاك خواهم شد	۳۱۰۷۰	۱۳g
سوی تخت جمشید بنهاد	۲۰۹۰	۴	سوی دختر آمد بدل رام	۲۵۰۴۰	۳۵
سوی تخت شاهی نکردم	۶۵۱۰	۱۲c	سوی دختر اردوان شد	۳۳۰	۲۲
سوی تخت و ایوان نهادند	۲۴۲۰	۷	سوی در شد آن گاه آواز	۱۱۳۳۰	۲۳
سوی تور شد شاه نخچیر	۶۷۷۰	۳۵	سوی دژ فرستاد شیروی	۱۱۹۸۰	۶
سوی تویکی نامه ای بر	۱۷۴۰	۲۲	سوی دشت دوک اندر آورد	۱۷۰۱۰	۲۳
سوی تیغ برد آن زمان دست	۱۸۸۵۰	۱۳f	سوی دشت نخچیر بایوز	۲۴۹۷۰	۳۵
سوی جنگ دارم کنون	۹۴۷۰	۱۳e	سوی راست پستان بسان	۱۳۱۸۰	۲۰
سوی جنگ گستهم نوزر	۷۲۶۰	۱۳g	سوی راست جای فریبرز	۱۷۲۶۰	۱۳f
سوی چاره گشتم بیچاره	۴۱۰۲۰	۱۵	سوی راستش رستم جنگجو	۷۸۵۰	۱۳g
سوی چپ بگردار جوینده	۱۳۱۹۰	۲۰	سوی راست گرسوز پیاتن	۳۲۷۰	۸
سوی چشمه روشن آمد	۴۶۰۰	۱۲	سوی راست گویان کار آگه	۲۵۷۸۰	۳۵
سوی حجره خویش رفت	۱۰۵۵۰	۳۵	سوی راست گهواندر آمد	۱۶۰۸۰	۱۳f
سوی حجره خویش رفت	۱۱۲۳۰	۳۵	سوی راه چیچست بنهاد	۱۶۶۰۰	۲۳
سوی خانه آب شد آب	۶۹۹۰	۲۵	سوی راه یزدان بیازیم	۲۹۰	۱۵

سوی شاه توران فرستم	۱۱۶۱ . ۱۳۴	سوی رخسرخشان بیامد	۳۹۶ . ۱۲
سوی شاه هیئتال شد نا گهان	۳ . ۳۷	سوی رخنه دژ نهادند روی	۱۳۳۳ . ۱۳g
سوی شهر ایران بگردان	۹۷۰ . ۱۲	سوی رزم ارجاسپ اشکر	۳۳۹ . ۱۵
سوی شهر ایران دهم راه	۱۱۹۳ . ۱۳۴	سوی رستم آمد چو کوهی	۷۳۴ . ۱۲
سوی شهر ایران گرفتند	۴۰ . ۱۳	سوی رستم ورختی بنهاد	۵۶۵ . ۱۲
سوی شهر ایران نهادند	۸۵۷ . ۱۲e	سوی روشنک هم چنان نامه	۶۲ . ۲۰
سوی شهر ایران نهادند	۱۵۷۱ . ۱۳c	سوی روم رفتی روان پر	۴۲۶۷ . ۱۵
سوی شهر ایران نهادند	۷۶۰ . ۱۳e	سوی روم ره بادرنگ آید	۲۳۶۲ . ۱۲d
سوی شهر ایران نهادند	۲۵۵ . ۳۰	سوی روم گستهم نوذر	۶۵ . ۱۴
سوی شهر ایران یکی	۶۷ . ۱۳e	سوی روی پوشیدگان	۳۴۸ . ۸
سوی شهر توران بکین	۵۷۹ . ۱۳b	سوی زابلستان بشد زال	۴۲ . ۹
سوی شهر توران نهادند	۹۲۹ . ۱۳e	سوی زابلستان فرستاد	۳۱۰ . ۱۲
سوی شهر شد شاد دل با	۴۵۳ . ۳۵	سوی زابلستان نهادند	۳۰۶ . ۷
سوی طالقان آمد و مرو-	۶۹۲ . ۱۲d	سوی زابلستان نهادند	۱۶۷ . ۸
سوی طالقان آمد و مرو-	۲۱۷۶ . ۱۳g	سوی زابلستان نهادند	۵۸۵ . ۸
سوی طیسفون رفت گنج	۲۴۰۳ . ۴۱	سوی زابلستان نهادند	۲۵ . ۱۰
سوی طیسفون شد شهر	۲ . ۴۰	سوی زاد فرخ شدند آن	۴۲۱۱ . ۴۳
سوی فور هندی سپاهی	۵۴۹ . ۲۰	سوی زال کرد آنکھی	۳۳۲ . ۷
سوی فور هندی سپهدار	۵۰۸ . ۲۰	سوی ژرف دریا بیامد	۳۲۵ . ۱۲b
سوی قلب ایران سپه شد	۹۲۲ . ۱۲b	سوی ژرف دریا همی راند	۱۷۷۷ . ۲۰
سوی قیصرش برد سر بر	۴۰۳۱ . ۴۳	سوی سام نیرم نهادند	۱۰۸۱ . ۷
سوی کاخ بازار گانی	۶۱۲ . ۳۵	سوی سعد و قاص جوینده	۱۶۶ . ۵۰
سوی کارداران بازو خراج	۹۸ . ۴۱	سوی سیستان رفت باید	۲۶۴۳ . ۱۵
سوی کارداران شد ندی	۳۲۱ . ۲۲	سوی شارسان سر بر افرا-	۳۳۸ . ۳۰
سوی کار دارا گئی نامد	۸۳۶ . ۱۵	سوی شارسانها گشاده ست	۷۸۷ . ۴۲
سوی کانه رود اندر آمد	۱۱۹۰ . ۱۳	سوی شاه ایران بیامد	۲۸۲ . ۵۰
سوی کامدل تیر پیشافتی	۱۶۵۹ . ۷	سوی شاه برداشت اسپ	۶۲۰ . ۱۵
سوی کرد کار جهان کرد	۱۰۸۳ . ۱۳e	سوی شاه برد و بر او بر	۲۴۴ . ۱۵
سوی کشنده آمد آید	۲۵۱ . ۴۲	سوی شاه ترکان نهادند	۵۳۱ . ۸
سوی کشور گز گشاده	۶۱۱ . ۱۳e	سوی شاه ترکان رسید	۵۴۴ . ۸

سوی لشکر خویش کردند	۹۱۸ ، ۶	سوی کشور خواران کرد	۳۷۷ ، ۷
سوی لشکر رومیان حمله	۴۷۹ ، ۳۰	سوی کنده آورد ارزین	۶۸۲ ، ۲۱
سوی لشکر کرم برگشت	۷۰۰ ، ۲۱	سوی کوه و آن پیشه‌ها	۲۹۶ ، ۴۱
سوی مادر آمد که بر	۲۷۹ ، ۵	سوی کوه یکسر برفتند	۱۰۲۷ ، ۱۳
سوی مادرانشان فرستیم	۳۷۶۹ ، ۴۱	سوی کید ہندی سپہ بر	۲۷۷ ، ۲۰
سوی مادیان روی بنہاد	۱۷۴۴ ، ۱۳	سوی کید ہندی فرستیم	۱۶۵ ، ۲۲
سوی مرددانا فرستاد زود	۴۰۵ ، ۲۰	سوی کیش قیصر شتابد	۸۴۹ ، ۴۱
سوی مرز ایران سپہرا	۲۷۵ ، ۱۲	سوی گاہ بنہاد کاووس	۶۸۳ ، ۱۲d
سوی مرزبانان بادستگاہ	۳۹۱ ، ۵۰	سوی گرد تاریک بنہاد	۱۱۴۹ ، ۱۳b
سوی مرزبانان و فرمانبر	۱۷۰۳ ، ۳۵	سوی گرد گشتاسپ شاہ	۱۳۸ ، ۱۵
سوی مرز تورانش بنہاد	۲۶ ، ۱۲c	سوی گرد مہراب بنہاد	۴۸۴ ، ۸
سوی مرز خوارزم پنچہ	۷۳ ، ۱۳f	سوی گردیہ نامہ‌ای بد	۲۸۷۵ ، ۴۳
سوی مرزدارانش نامہ	۳۲۵ ، ۱۵	سوی گردیہ نامہ باید	۳۰۹۱ ، ۴۳
سوی مرز ہیتال کردند	۱۴۵ ، ۴۰	سوی گرگساران و مازندر	۳۲۱ ، ۷
سوی من فرستش ہم اکنون	۱۴۶ ، ۱۳c	سوی گرگسار و سوی	۱۷۵۷ ، ۷
سوی موبدان موبد آمد	۱۴۸۳ ، ۳۵	سوی گنبد آذر آریدروی	۸۴ ، ۱۵
سوی موبدان نامہ‌ای	۴۴۱ ، ۱۹	سوی گنبدان دژ بیغمبر	۳۲۷۵ ، ۱۵
سوی موبد موبدان شد	۳۶۷۲ ، ۴۳	سوی گنبدان دژ فرستاد	۲۵۹۵ ، ۱۵
سوی مہتر آمد بسان پری	۳۱۲ ، ۵	سوی گنج ایران درازست	۴۲۸۵ ، ۴۱
سوی مہتر بارہ آورد	۲۰۵۵ ، ۷	سوی گنج رفتند روزی	۴۲۷۷ ، ۴۱
سوی میسرہ اشکش تیز	۱۵۵۸ ، ۱۴	سوی گنگ باید کشیدن	۱۲۸۴ ، ۱۳a
سوی میسرہ بود شاہ چگل	۱۴۹۷ ، ۱۵	سوی گنگ دژ بادبان	۱۷۲۳ ، ۱۳g
سوی میسرہ جنگ دیدہ	۴۹۱ ، ۱۳e	سوی گوی گردان و کند	۲۰۳۳ ، ۱۳d
سوی میسرہ رود آب روان	۲۹۱ ، ۱۳f	سوی گیو کرد آنکھی	۶۱۴ ، ۱۳b
سوی میسرہ سی ہزار	۵۰۸ ، ۱۳e	سوی گیولہاک و فرشیدورد	۱۵۸۶ ، ۱۳f
سوی میسرہ شیر جنگی *	۹۷۳ ، ۱۳g	سوی لشکر آفریدون شد	۴۷۵ ، ۵
سوی میسرہ شیر جنگی *	۷۶۹ ، ۱۳g	سوی لشکر خویش بنہاد	۲۰۶۱ ، ۱۳f

(*) ستارہ در سطر اول بجای کلمہ « کبرد » و در دوم بجای « نبرد »

آمدہ است .

سوی میسره کهرم تیغ زن	۲۹۵ . ۱۲e	سه اسپر سه کشته بر او	۲۵۱۴ . ۱۳۴
سوی میسره کهرم تیغ زن	۱۱۸۴ . ۱۵	سه اندر شمشیران گریسوز	۱۵۴۸ . ۱۲d
سوی میسره گرد نستور	۱۱۸۱ . ۱۵	سه بار این سخنها بر ایشان	۶۰۴ . ۱۵
سوی میسره نامبردار شیر	۴۰۰ . ۱۲b	سه بار این هم آوازش آمده	۱۶۶ . ۱۷
سوی میسره نیز پیران	۱۴۲۴ . ۱۳b	سه بارت چنین رنج و سختی	۶۶۱ . ۱۲b
سوی میسره همچین لشکر	۸۰۶ . ۱۳g	سه بتروی یا او بیکجا	۱۳۸۷ . ۷
سوی میمنه بارمان و تزاو	۱۳۵۱ . ۱۳	سه پاس تو گوشت و چشم	۳۰ . E
سوی میمنه بیژن و گیو	۱۷۰ . ۱۳b	سه پرود و پیکان بدو در	۳۹۳۵ . ۱۵
سوی میمنه پور کشواد	۱۶۳۹ . ۱۳b	سه پور جوان را سپه داد	۲۴۵۴ . ۱۵
سوی میمنه پور کشواد	۴۸۵ . ۱۳c	سه پور فریدون سه داماد	۲۰۹ . ۶
سوی میمنه جهن افراسیاب	۱۷۱ . ۱۳g	سه پور گرانمایه دارم	۰۹۲ . ۶
سوی میمنه طوس نوذر	۹۹۷ . ۱۲	سه پور گزینش بلشکر	۹۲۸ . ۵۰
سوی میمنه گیو کودرز	۱۵۵۷ . ۱۳	سه پوشیده رخ راه دیهیم	۱۰۰ . ۶
سوی میمنه گیو و بیژن	۴۴۵ . ۱۳b	سه تخت از بر تخت بر پایه	۳۷۶۱ . ۴۳
سوی میمنه لشکری بر	۳۱۷ . ۱۳g	سه ترک دلاورز خاقانیاں	۱۶۱ . ۴۳
سوی میوه و باغ بودیش	۳۷۴۶ . ۴۳	سه تن دوش با خوارمایه	۸۸۶ . ۱۳b
سوی ناسزایان شود تاج	۱۱۳ . ۴۴	سه تن را گزید اندرون	۱۲۷ . ۱۳g
سوی نامداران خود کرد	۷۷۱ . ۱۳g	سه تن کشته شدزان سوار	۴۲ . ۱۲c
سوی ناواشد سبک باغبان	۴۲۰۵ . ۴۳	سه جام می خسروانی بخورد	۲۶ . ۳۲
سوی نیمررز آمد از راه	۱۷۵۳ . ۲۰	سه جام می خسروانی بداد	۱۸۶۷ . ۱۵
سوی نیمروز اندرون تا	۱۲۹۱ . ۱۳۴	سه جام میش داد و پریش	۱۷۳۲ . ۱۵
سوی او یکی نامه ننوشته	۲۷۹۳ . ۱۵	سه جام می لعل قامش بداد	۱۷۵۷ . ۱۵
سوی هر مز آن پاک فرزند	۳۹۳۴ . ۴۱	سه جنگ آور و خوارمایه	۶۸۴ . ۱۳b
سوی هفتخوان آمد اسفند	۲۴۵۹ . ۱۵	سه جنگ گران کرده شد	۱۰۰۴ . ۶
سوی هفتخوان رو بتوران	۱۷۰۳ . ۱۵	سه جنگ گران کرده شد	۶۵۷ . ۴۱
سوی هفتخوان من بنخیر	۲۴۵۷ . ۱۵	سه چیزت باید کز و جان	۱۳ . ۱۳۴
سه آزاده را دید چون ماه	۲۲۴ . ۶	سه چیزت با تو که اندر	۱۳۴۷ . ۱۲d
سه آهو کد امست بادل بر	۱۴۹۴ . ۴۱	سه خانه بر رفتی سرا فراد	۳۴۰۸ . ۴۱
سه اسپ گرانمایه کردند	۲۶۶۲ . ۱۲d	سه خانه بر رفتی سر	۳۴۰۹ . ۴۱
		سه خواهر زیاده کار	۶۰ . ۶

سهروزست قازین نشان	۵۱۲ . ۱۳b	سهروزشیدن خراجو باغ	۱۶۷ . ۶
سهروزست تا نا چریده	۱۷۸۴ . ۱۳	سهروزشیدرخداچو باغ	۲۲۸ . ۶
سهروزش درنگ آمداندر	۱۱۳۲ . ۱۳	سهروزش بر او نشسته چو	۸۱۴ . ۳۵
سهروزش همی جست از آن	۶۷ . ۱۳d	سهروزش بگردار خرم	۸۵۲ . ۳۵
سهروزش همی داشت مهمان	۸۶۶ . ۱۲	سهروزش پیامد چو خرم	۲۲۲۹ . ۳۵
سهروزش شب بود هم زمین	۷۵۱ . ۱۲d	سهروزش چنان چون فریدون	۱۹۵ . ۶
سهروزش شب زان نشان	۳۶ . ۱۸	سهروزش فرا پیش سرتاج	۲۰۵ . ۶
سهروزش شب شاد بوده	۲۳۳ . ۱۳e	سهروزش ست رخشان بدرج	۳۷۲۵ . ۴۱
سهروزش شب هم بدانسان	۱۹۸۷ . ۱۵	سهروزش دستار و دینار چون	۲۱۴۶ . ۴۱
سهروزش شب هم در آن	۸۵ . ۱۶	سهروزش از ایدر بدان	۱۶۷۳ . ۱۵
سهروزش تا این بزین	۱۲۰ . ۱۰	سهروزش آن سپه بر لب رود	۱۳۶ . ۱۱
سهروزش پدر و از آن	۱۴۲ . ۵	سهروزش روزار بود خوردنی	۶۳۶ . ۱۳b
سهروزش آن شاه افسون	۲۱۷ . ۶	سهروزش روز اندر آن بود با	۴۹۶ . ۴۱
سهروزش بودت خردمند	۳۶۳ . ۶	سهروزش روز اندر آن جایگه	۲۵۹ . ۵۰
سهروزش بودیم زیبای	۳۲۹ . ۶	سهروزش روز اندر آن رزمشان	۱۸۲ . ۱۹
سهروزش پیر مایه را چشم	۲۴۶۵ . ۱۵	سهروزش روز اندر آن سور	۵۷۲ . ۱۲d
سهروزش خواند شاه	۱۴۹ . ۵	سهروزش روز اندر آن شاه را شد	۶۵۴ . ۴۱
سهروزش خواهم آرام	۴۷۹ . ۶	سهروزش روز اندر آن کارشان	۱۵۰۰ . ۷
سهروزش بر تو هست	۱۲۷ . ۶	سهروزش روز اندر آن کارش در روز	۸۷ . ۵
سهروزش بالا و پهن	۲۰۶۷ . ۱۵	سهروزش روز اندر آن کارش در روز	۸۶۱ . ۱۳b
سهروزش بالای این	۱۳۲۸ . ۳۵	سهروزش روز اندر آن کارش در روز	۱۷۷ . ۴۱
سهروزش چون از دهای	۴۱۸ . ۱۲e	سهروزش روز اندر این جنگ شد	۷۲۰ . ۱۲d
سهروزش پیش آمده نا-	۲۱۶۰ . ۱۳f	سهروزش روز اندر این خان من	۷۳۸ . ۱۳e
سهروزش نهادی بر او از گهر	۱۶۷۲ . ۴۱	سهروزش روز اندر این خانه باشیم	۷۴۰ . ۱۳e
سهروزش از پس بیم خورده	۲۲۸۴ . ۱۳f	سهروزش روز اندر این خانه بودیم	۱۶۷ . ۳۵
سهروزش گر انما به گردن	۳۱۶۷ . ۱۳g	سهروزش روز اندر این کار رای	۲۱۲۹ . ۱۲d
سهروزش گوهر بدان پرده اندر	۳۷۲۹ . ۴۱	سهروزش روز اندر این کار شد	۲۳۷۰ . ۱۲d
سهروزش چنان شد از	۸۴ . ۱۲b	سهروزش روز اندر این کار شد	۵۳۷ . ۳۴
سهروزش از دبیران نوشیر-	۶۷ . ۴۲	سهروزش روز اندر این گلشن	۲۲۲۳ . ۱۳d
سهروزش از افراسیاب لشکر	۴۳۴ . ۵	سهروزش روز اندر ایوان رستم	۷۵۱ . ۱۳e

سیاوخش را دست بسته	۲۶۷۱ ، ۱۲d	سه مرد گرانمایه چرب	۲۱۴۳ ، ۴۱
سیاوخش را دلیر آزر	۱۶۶۵ ، ۱۲d	سه مرد گرانمایه هوشمند	۲۱۴۵ ، ۴۱
سیاوخش را دیدم این دم	۲۷۴۰ ، ۱۲d	سه من تافته باده سالخورد	۱۷۱۴ ، ۳۵
سیاوخش را زنده گر	۷۶۳ ، ۱۲e	سه منزل برفتند و گشتند	۱۹۴۶ ، ۷
سیاوخش را زنده گر	۱۲۷۹ ، ۱۲e	سه منزل زچین نزد شاه	۱۸۹۹ ، ۱۳g
سیاوخش را سر بیاید برید	۳۸۳ ، ۱۲d	سه منزل همی رفت قیصر	۱۶۱۸ ، ۴۳
سیاوخش را سر بریدند	۳۹ ، ۱۲e	سه موبد نکه کرد فرهنگ	۱۰۹ ، ۳۴
سیاوخش را کرد باید	۵۰۷ ، ۱۲d	سه مه با حریفان بدی	۲۳۵ ، ۴۲
سیاوخش رد را برادر تو	۴۹۸ ، ۱۳f	سه و بیست سال از در بار-	۸۶ ، ۴
سیاوخش رد را برادر	۸۰۴ ، ۱۳b	سه یا قوت رخشان و سه	۱۷۶ ، ۱۲c
سیاوخش رد را بفرجام	۱۶۷۳ ، ۱۳f	سه يك بود یا چار يك	۶۷ ، ۴۱
سیاوخش رد را همی بی	۵۳۲ ، ۱۳g	سه يك زان نخستین به	۱۰۳۹ ، ۴۲
سیاوخش کردش نهادند نام	۱۹۱۷ ، ۱۲d	سیامک بدست چنان زشت	۳۹ ، ۱
سیاوخش گفت ای خرد	۱۵۹۴ ، ۱۲d	سیامک بدش نام و فرخنده	۱۸۰ ، ۱
سیاوخش را گفت با او	۲۱۳ ، ۱۲d	سیامک بیامد برهنه تنه	۳۶ ، ۱
سیاوخش را گفت بخشید	۵۹۸ ، ۱۲d	سیامک خجسته یکی پور	۵۵ ، ۱
سیاوخش لشکر بجیحون	۱۲۹۵ ، ۱۲d	سیاوخش از ایرانیان	۱۴۵۲ ، ۱۲d
سیاوش ابر تخت زرین	۲۸۸ ، ۱۲d	سیاوخش از بهر پیمان	۲۴۸۵ ، ۱۲d
سیاوش از آن پس بسودابه	۳۲۴ ، ۱۲d	سیاوخش با رستم پیلتن	۸۹۸ ، ۱۲d
سیاوش از آن دل پر	۶۳۳ ، ۱۲d	سیاوخش بدخفته بر تخت	۱۱۰۳ ، ۱۳
سیاوش از آن کارید بی-	۴۱۸ ، ۱۲d	سیاوخش بر تخت و تینی	۲۷۳۵ ، ۱۲d
سیاوش از ایران بیدان	۲۰۲۶ ، ۱۲d	سیاوخش بنشانندش زیر	۸۸۵ ، ۱۲d
سیاوش از ایرانیان شاه	۲۰۳۶ ، ۱۲d	سیاوخش بنشست با او	۱۴۷۰ ، ۱۲d
سیاوش ازو خواست آمد	۶۴۳ ، ۱۲b	سیاوخش را پروراننده	۲۷۵۱ ، ۱۳g
سیاوش اگر سر ز فرمان	۱۰۴۰ ، ۱۲d	سیاوخش را تنگ در بر	۵۶۹ ، ۱۲d
سیاوش با آزار او کشته	۲۶۶۳ ، ۱۵	سیاوخش را چون پسر	۳۷۰ ، ۱۳g
سیاوش با سپه دگر بر	۱۴۶۱ ، ۱۲d	سیاوخش را خواستم چون	۲۵۰ ، ۱۳c
سیاوش با یوان خرامید	۱۴۱۳ ، ۱۲d	سیاوخش را خون بریزی	۲۱۰ ، ۱۲e
سیاوش بسوید تخت کرد	۵۹۹ ، ۱۲d	سیاوخش را دادو کردش	۱۳۹ ، ۱۲d
سیاوش پرورده در آن	۲۳۵۱ ، ۱۲d	سیاوخش را در بر خویش	۳۵۱ ، ۱۲d

سیاوش برانگیخت اسپ	۱۴۵۷، ۱۲د	سیاوش بیرون آید بر	۱۷۵۱، ۱۲د
سیاوش بسوگند تو بر بداد	۱۸۱۷، ۱۳ف	سیاوش بیرون آید کرد	۱۵۸۶، ۱۲د
سیاوش بشبگیر شد نزد	۲۵۷، ۱۲د	سیاوش ببیش پدر شد	۲۳۹، ۱۲د
سیاوش بگفت آن کجا	۳۹۱، ۱۲د	سیاوش ببیش جهاندار	۵۶۵، ۱۲د
سیاوش بگفتار او بگرو-	۲۳۱۵، ۱۲د	سیاوش بترسید از جان	۲۴۵۵، ۱۲د
سیاوش بگفتار او سر	۱۰۵۹، ۱۲ع	سیاوش بتوران زمین دل	۱۹۷۷، ۱۲د
سیاوش بگیرد جهان فراخ	۱۲۳۲، ۱۲د	سیاوش بدان آلت و در	۲۱۷۴، ۱۲د
سیاوش بنالید بر کرد-	۲۶۱۱، ۱۲د	سیاوش بدان جایکه هم	۷۰۴، ۱۲د
سیاوش بیامد ببیش پدر	۵۳۲، ۱۲د	سیاوش بدان خلعت شهر-	۱۹۹۸، ۱۲د
سیاوش بیامد کمر بر میان	۶۴۹، ۱۲د	سیاوش بدانست کان مهر	۲۳۳، ۱۲د
سیاوش بیک روی از آن	۱۲۶۷، ۱۲د	سیاوش بدشت اندرون	۱۵۱۹، ۱۲د
سیاوش جوانست و بافر-	۱۲۱۱، ۱۲د	سیاوش بدو آمرین کرد	۱۳۹۱، ۱۲د
سیاوش جهاندار و پر مایه	۳۴۳، ۱۳ع	سیاوش بدو گفت انده	۵۳۹، ۱۲د
سیاوش چنان شد که اندر	۹۴، ۱۲د	سیاوش بدو گفت پدرود	۲۶۱۶، ۱۲د
سیاوش چنین گفت باشهر-	۵۹۵، ۱۲د	سیاوش بدو گفت چون بود	۹۱۲، ۱۲د
سیاوش چنین گفت باشهر-	۱۴۳۵، ۱۲د	سیاوش بدو گفت دارم	۱۵۵۳، ۱۲د
سیاوش چنین گفت کای	۱۴۴۷، ۱۲د	سیاوش بدو گفت فرمان	۱۴۴۲، ۱۲د
سیاوش چنین گفت کاین	۲۴۶۲، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کان خوا-	۲۳۹۷، ۱۲د
سیاوش چنین گفت گر	۲۰۱، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کای بنخت	۱۷۵۸، ۱۲د
سیاوش چو آمد با تش فر-	۵۴۳، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کای ماه	۲۳۶۵، ۱۲د
سیاوش چو آن دید آب از	۱۳۳۵، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کاین خود	۳۶۳، ۱۲د
سیاوش چو از پیش پرده	۲۲۸، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کاین خود	۲۰۶۸، ۱۲د
سیاوش چو اندر شبستان	۲۲۲، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کاین رای	۲۰۷۳، ۱۲د
سیاوش چو او را بیاده	۱۳۸۰، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کای نیک	۱۸۴۷، ۱۲د
سیاوش چو با جفت غمها	۲۴۳۹، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کز تو	۲۰۸۷، ۱۲د
سیاوش چو بخروشد از	۲۵۴۰، ۱۲د	سیاوش بدو گفت کز خوا-	۲۳۷۶، ۱۲د
سیاوش چو بشنود گفتار	۱۸۲، ۱۲د	سیاوش بدو گفت گامهی	۲۰۰۹، ۱۲د
سیاوش چو بشنید آمد براه	۱۹۹۴، ۱۲د	سیاوش بدو گفت مندیش	۲۲۶۳، ۱۲د
سیاوش چو بشنید کامد	۱۳۱۸، ۱۲د	سیاوش بر آن گفتها شاد	۱۳۷۳، ۱۲د
سیاوش چو بشنید گفتار	۱۰۸۵، ۱۲د	سیاوش بر آن گوی برداد	۱۴۶۰، ۱۲د

سیاوش که شد کشته بر	۷۲۶ ، ۱۳	سیاوش چو بشنید گفتار	۲۴۷۳ ، ۱۲d
سیاوش که هست از نژاد	۳۹۰ ، ۱۳e	سیاوش چو پاسخ چنین داد	۱۱۶۸ ، ۱۲d
سیاوش گراز دخمه باز	۲۲۰۳ ، ۱۳g	سیاوش چو بیروز بودی	۱۰۲۰ ، ۱۲d
سیاوش گو پیلتن را بنخو-	۸۸۱ ، ۱۲d	سیاوش چو چشم اندکی	۲۹۳ ، ۱۲d
سیاوش مرا بود هم سالو	۲۴۶ ، ۱۲e	سیاوش چو چشم و روان	۶۵۵ ، ۱۲d
سیاوش مرا چون پدر	۲۱۹ ، ۱۳e	سیاوش چو خورشید وار	۱۷۰۳ ، ۱۲d
سیاوش مرا خود چو فرزند	۲۷۲۷ ، ۱۳g	سیاوش چو در باخ شد با	۷۱۱ ، ۱۲d
سیاوش نشست از بر تخت	۹۵۰ ، ۱۲d	سیاوش چو در پیش ایوان	۱۴۰۵ ، ۱۲d
سیاوش ندانست بازار	۲۳۹۳ ، ۱۲d	سیاوش چو در خسار ایشان	۱۵۳ ، ۱۲d
سیاوش فکر دایج بر من	۲۳۳۷ ، ۱۲d	سیاوش چو روی جریره	۱۵۶۷ ، ۱۲d
سیاوش نگشتی بخیره تباہ	۱۴۳۰ ، ۱۳g	سیاوش چو روی فرنگیسی	۱۶۹۶ ، ۱۲d
سیاوش نگه کرد خیره	۲۲۹۰ ، ۱۲d	سیاوش چو گشت از جهان	۷۹۶ ، ۱۲e
سیاوش نگه کن که از	۱۲۴۸ ، ۱۳g	سیاوش چو گفتار مهتر	۱۴۸۴ ، ۱۲d
سیاوش نه آنست کش دید	۲۱۷۶ ، ۱۲d	سیاوش ز رستم پرسید	۹۰۲ ، ۱۲d
سیاوش نه بر بیکنه کشته	۴۲۵ ، ۱۳g	سیاوش ز گاه اندر آمد	۱۴۶ ، ۱۲d
سیاوش نیم نه پری زاد	۲۰۵ ، ۱۳e	سیاوش ز گفتار او شاد شد	۲۷۳ ، ۱۲d
سیاوش و را دید و بر پای	۸۸۳ ، ۱۲d	سیاوش ز گفتار او شاد گشت	۹۵۷ ، ۱۲d
سیاوش و را دید پر آب	۲۲۳۲ ، ۱۲d	سیاوش ز گفتار او گشت	۱۷۳۲ ، ۱۲d
سیاوش همان نامدار هز-	۳۳۷ ، ۴۴	سیاوش ز گفتار زن شد	۷۸ ، ۱۲e
سیاوش همیدون بنخچیر	۱۵۲۶ ، ۱۲d	سیاوش ز گفت گروی زره	۲۰۸۵ ، ۱۲d
سیاوش یکی جایگه ساخت	۱۹۶۴ ، ۱۲d	سیاوش سپر خواست گیلی	۲۰۵۴ ، ۱۲d
سیاوش یکی روز و پیران	۱۵۳۴ ، ۱۲d	سیاوش سپه را بدانسان	۵۵۰ ، ۱۲d
سیاوش یکی نیزه شاهوار	۲۰۴۷ ، ۱۲d	سیاوش سپه را سراسر	۲۳۸۶ ، ۱۲d
سیاه اندرون باشد و سنگ	۵۴۲ ، ۵	سیاوش سخن راست گوید	۵۸۳ ، ۱۲d
سیاهش دو چنگ و بیستقار	۷۹۳ ، ۳۵	سیاوش غمی گشت از	۱۴۷۶ ، ۱۲d
سی و پنج و سال از سرای	۹۴۹ ، ۵۰	سیاوش فرود آمد از نیل	۱۹۲۶ ، ۱۲d
سیه جوشن خسروی در	۶۴ ، ۳۰	سیاوش فرو ماند و پاسخ	۳۰۰ ، ۱۲d
سیه چشم بدنام آن بی-	۱۳ ، ۴۹	سیاوش فرو ماند و پیران	۱۷۶۱ ، ۱۲d
سیه چشم دایند بر پای	۱۹ ، ۴۹	سیاوش که از فریزدان پاک	۲۰۳۸ ، ۱۳g
سیه چشم زبور ابرش و	۱۰۸ ، ۱۰	سیاوش که بگذاشت ابران	۲۵۶۶ ، ۱۲d

سپه کرده منشور شاهنشاهی	۴۹۸ ، ۲۲	سپه چشم و بر چشم و نابرد -	۳۹۰ ، ۴۲
سپه کرده میدان شاسپان	۱۲۸۰ ، ۱۳۵	سپه رنگ بهرام را پیش	۵۰۰ ، ۱۵
سپه گشت چون نام یزدان	۵۴۶ ، ۱۲	سپه روی و دندانها چون	۱۵۱۹ ، ۲۰
سپه گشت رخسندۀ روز	۱۹۹ ، ۴	سپه شد بسی کاغذ از هر شمار	۱۳۱۵ ، ۴۲
سپه مارچندان دمد روز	۷۰۳ ، ۱۳۴	سپه شد جهان پیش چشمش	۳۷۶۸ ، ۱۵
سپه مارچون سر بر آرد	۷۹ ، ۱۳۴	سپه شد رخان دیدگان شد	۵۷۳ ، ۶
سپه مژده بر نرگسان دژم	۱۰۵۵ ، ۷	سپه شد ز گرد سپه آفتاب	۷۴۹ ، ۱۳۵
سپه نرگسافنت پراز شرم	۵۱۹ ، ۷	سپه شد همه کشور از گرد	۷۰۹ ، ۴۲



حرف ش

۷	۲۸۲۲	شبان روز مادر زمی خفته	۱۴	۷۸۷	شب آمد باندیشه پیچان
۱۲d	۲۸۱۱	شبان زاده ای راجنان در	۱۹	۲۳۴	شب آمد بدارا در آمد
۵۰	۶۶۲	شبان زاده رادل پراز تخت	۲۰	۱۷۴۶	شب آمد بر آن دشت سندی
۳۵	۱۰۰۷	شبان سیه بر تو فرخنده	۲	۳۱	شب آمد بر افروخت آتش
۱۵	۸۳۷	شبان شده تیره مان روز	۱۳g	۳۵۲	شب آمد بکنده در افکند
۳۵	۱۲۰۲	شبانش همی گوشت جوشد	۳۵	۲۱۹۹	شب آمد بیاورد فرزانه
۴۱	۱۱۴	شبان کی اندیش و دشت	۸	۲۷۲	شب آمد جهان سر بس تیره
۵۰	۶۸۷	شبان که چو بنشست بر تخت	۱۷	۲۱۸	شب آمد جهان قیر گون شد
۸	۳۷۲	شبان که رسیدند دل نا امید	۱۵	۱۳۵۷	شب آمد چواهر یمن کینه
۱۳۴	۹۳۹	شبان که سوی خیمه رفتند	۷	۴۱۷	شب آمد در اندیشه بنشست
۱۲d	۲۸۱۴	شبان نیست از گوهر تو	۱۳g	۱۱۲۲	شب آمد ز هر سو بر آمد
۴۱	۳۹۱	شبان نبودی بر گوسفند	۴	۱۳۸	شب آمد سوی باغ بنهاد
۷	۱۱	شب تار جوینده کین منم	۴۳	۳۹۹۳	شب آمد شد آن کارگر نا
۱۳b	۶۶۷	شب تار و شمشیر و گرد سپاه	۴۱	۴۳۳۳	شب آمد غمی شد ز گفتار
۱۳۴	۱۶۵۷	شب خواب چون بود و چون	۳۵	۵۳۹	شب آمد گوان شمع بفرو-
۱۳b	۱۱۲۷	شب تیره آسودگان را	۳۵	۱۷۲	شب آمد ندانم همی راه
۱۲c	۱۱۳۸	شب تیره آمد سوی لشکرش	۱۵	۲۲۲۳	شب آمد یکی آتشی بر فر-
۱۲c	۶۴۸	شب تیره از تیغ رخشان کتم	۱۲	۲۶۷	شب آمد یکی ابر شد بر
۱۳g	۸۶۱	شب تیره از دست آزادگان	۱۴	۷۳۳	شب آمد یکی پرده آبنوس
۳۵	۱۰۴۵	شب تیره از رسم بیرون	۵۰	۱۲۴	شب آمد یکی چشم رخشان
۱۳g	۲۶۷۲	شب تیره از رنج نغمود	۲۱	۲۷	شبانان بدندی و گرسار-
۷	۶۸۰	شب تیره از روی توروز	۱۲d	۲۷۹۸	شبان اندر آمد ز کوه و ز
۴۰	۱۴۴	شب تیره از شهر بیرون شدند	۱۲d	۲۷۸۳	شبانان کوه قلور ابخواند
۴۲	۱۸۳۰	شب تیره از طیب بون در	۲۴	۹۵	شب اورمزد آمد از ماه دی
۴۳	۴۱۷۵	شب تیره افسون نیامد بکار	۱۳g	۱۴۰۰	شبان پروریده است، وز
۴۳	۳۱۴۰	شب تیره این ایوان را بچو-	۱۳g	۲۴۲۷	شبان چون که بگرفت درنده
۳۵	۵۰۱	شب تیره این جای که خون			
۴۲	۸۱۵	شب تیره با درد رخم کشت			
۱۳g	۸۴۷	شب تیره با لشکر افراسیاب			
۷	۲۰۸۶	شب تیره با نامداران جنگ			

شب تیره گون خود بترزین	۴۵۲ ، ۵	شب تیره باید شدن سوی	۴۱۷۲ ، ۴۳
شب تیره گون دوش بهرام	۵۱۲ ، ۳۵	شب تیره بگشاد چشم دژم	۱۲۸۷ ، ۱۳c
شب تیره گون رفت بهرام	۹۵۹ ، ۳۵	شب تیره بلبل نغسپدهمی	۲۵۰۷ ، ۱۵
شب تیره گون ماده گویا	۱۵۹۹ ، ۲۰	شب تیره بنشست با بخردان	۲۷۷ ، ۱۳g
شب تیره لشکر همی راند	۱۷۳۹ ، ۱۵	شب تیره بودند با گفت و گو	۱۴ ، ۳۵
شب تیره لشکر همی راند	۱۸۲۴ ، ۱۵	شب تیره بهرام را پیش خو-	۲۰۳ ، ۴۲
شب تیره مست آمد از بزم	۳۴ ، ۱۲d	شب تیره تا بر کشد روز چاک	۳۴۸ ، ۱۲
شب تیره می خواست از می	۷۰ ، ۱۴	شب تیره تا بر کشید آفتاب	۱۳۴ ، ۱۳
شب تیره و باد خسروی	۹۸۸ ، ۳۵	شب تیره تا سرزد از چرخ	۱۲۸۷ ، ۱۳g
شب تیره و پیل جسته ز بند	۱۹۶۷ ، ۷	شب تیره تا شد بلند آفتاب	۳۹۳ ، ۸
شب تیره و تیغ رخشان شده	۲۰۵۹ ، ۷	شب تیره تنها بتوران شوی	۱۰۹ ، ۱۲c
شب تیره و روز بیدار بود	۳۶۷۹ ، ۴۱	شب تیره حوشن بر در کشید	۳۷۰ ، ۳۰
شب تیره و روز دینار داد	۳۵ ، ۴۶	شب تیره چون چادر مشکبو	۴۳۳ ، ۴۲
شب تیره و روی هامون چو	۹۶۹ ، ۶	شب تیره چون روی زنگی	۵۵۳ ، ۱۲
شب تیره و لشکر بی شمار	۶۶۳ ، ۴۲	شب تیره چون روی زنگی	۱۰۱۰ ، ۱۳g
شب تیره همواره گردان	۴۱ ، ۴۶	شب تیره چون زاف راتاب	۹۸۱ ، ۴۲
شب تیره هنگام آرام و خو-	۲۸۲۰ ، ۱۲d	شب تیره چون سرزد از چرخ	۶۰۸ ، ۴۲
شب تیره هنگام بانگ خرو	۵۱۲ ، ۵۰	شب تیره چون ناله کر نای	۴۸۶ ، ۴۲
شبستان آن نامور پهلوان	۵۸ ، ۷	شب تیره چون من برفتم	۳۳۱۳ ، ۱۵
شبستان او درد من شد	۱۲۷۳ ، ۱۲d	شب تیره در پیش یزدان	۲۳۴۱ ، ۱۳g
شبستان او را بنخادم سپرد	۲۳۰۳ ، ۱۵	شب تیره را تا سپیده دمان	۱۱۶۸ ، ۱۳b
شبستان او گر گهر بار میخ	۲۱۸۴ ، ۴۱	شب تیره را کس نما ند بجای	۱۵۰۰ ، ۱۳f
شبستان او گشت زندان من	۱۱۰۲ ، ۱۲d	شب تیره زود امن اندر کشد	۴۶۲ ، ۱۳g
شبستان بدینگونه ویران	۱۴۳۷ ، ۳۵	شب تیره سازیم با جام می	۴۸۲ ، ۱۳
شبستان بهشتی بد آراسته	۲۲۱ ، ۱۲d	شب تیره شاه جهان خفته	۴۱۶۱ ، ۴۳
شبستان بهشتی بد آراسته	۲۲۳۸ ، ۴۱	شب تیره شب دیز لهر اسپی	۱۲۱ ، ۴
شبستان خانان نگه کن	۲۲۰۹ ، ۴۱	شب تیره فرمود تا شد دبیر	۲۵۰۹ ، ۴۳
شبستان خرد در باز کرد	۱۴۳۲ ، ۳۵	شب تیره کاین نامه بر خوا-	۷۵۵ ، ۱۳b
شبستان زرین پیار استند	۱۴۲۶ ، ۳۵	شب تیره کرد از جهاندار	۱۴۳۸ ، ۲۰
شبستان ما گر بدست آورد	۳۴۹ ، ۸	شب تیره گون اندر آمد	۴۱۸۲ ، ۴۲

شب و روز روشن روانش	۱۵۷۳ ، ۱۲d	شیستان مراورافزون از	۹۴۵ ، ۳۵
شب و روز کار آگهان	۱۵۲۹ ، ۳۵	شیستان همه بندگان کنده	۱۷۸۱ ، ۷
شب و روز کارش بدی سوختن	۳۱۱ ، ۱۵	شیستان همه پر شد از	۲۳۷ ، ۱۲d
شب و روز کرده طلایه بیای	۶۴۰ ، ۲۱	شیستان همه پیش باز آمدند	۲۱۶ ، ۱۲d
شب و روز گردان سپهر	۶۰۳ ، ۳۰	شیستان همه پیش سودابه	۶۰۱ ، ۱۲d
شب و روز گردن بر افراخته	۳۱۵ ، ۱۳f	شب عنبرین هند و بام اوی	۲۱۵ ، ۱۱
شب و روز گریان بد از مهر	۲۲۹۰ ، ۳۵	شب و روز آن خویش در	۳۵۹۹ ، ۴۱
شب و روز ماسای و سر بر	۹۷۰ ، ۱۳f	شب و روز از آن چرم	۲۱۱ ، ۳۰
شب و روز نی خورد بود و نه	۱۳۲۲ ، ۷	شب و روز از تاختن نغنوید	۲۶۳ ، ۱۰
شب و روز و گردان سپهر	۱۳ ، ۱۳b	شب و روز بارستم شیر مرد	۱۹۴۹ ، ۷
شب و روز و گردان سپهر	۴ ، ۲۹	شب و روز باشد که می	۱۵۴۹ ، ۷
شب و روز یکسان همی	۲۵۶ ، ۳۰	شب و روز بایدت رفتن چو	۴۴ ، ۱۳d
شب و روز یک ماهشان جنگ	۶۲ ، ۳۰	شب و روز بد بر گذرگاه	۳۳۹ ، ۸
شب و روز یک هفته بریای	۲۵۶۲ ، ۱۳g	شب و روز بریای پیش سپاه	۳۵۳ ، ۱۳f
شب از شبان داغ دل خفته	۱۲۰ ، ۷	شب و روز برسان شیر ژیان	۹۲۴ ، ۱۲e
شب با سیاوش چنین گفت	۱۴۲۳ ، ۱۲d	شب و روز بودند با او	۳۶۸ ، ۷
شب با ننگ بوق آمد و تاختن	۲۰۴ ، ۱۲b	شب و روز بودی بر زم اندر	۲۰۰۳ ، ۷
شب تا بر آمد ز کوه آفتاب	۴۴۱۷ ، ۱۵	شب و روز بودی دو بهره	۱۰۷ ، ۴
شب تیره کون ماه پنهان شد	۲۷۴۳ ، ۱۲d	شب و روز بهرام پیش پدر	۲۴۲ ، ۳۴
شب تیره هر مزد شهران	۵۱ ، ۴۶	شب و روز تا زان بهمندان	۳۳۸ ، ۳۴
شب چون شبه روی شسته	۱ ، ۱۳e	شب و روز تا زان چو باد دمان	۵۵۲ ، ۱۲c
شب خفته بد با یک رود یاب	۳۲ ، ۲۱	شب و روز چون مجلس	۱۰۹۹ ، ۱۳g
شب خفته بد شاه تو شیروان	۱۰۰۲ ، ۴۱	شب و روز خوانم همی آفر-	۴۳۶۴ ، ۱۵
شب خفته بد ماه باشهر یار	۹۶ ، ۱۸	شب و روز خوردن بدی	۱۴۶ ، ۲۱
شب خون سگالیده و ساخته	۹۶۲ ، ۶	شب و روز دارید کار آگهان	۳۰۶ ، ۸
شب خون کند گاه شادی	۲۰۰۴ ، ۱۳f	شب و روز در پیش چون	۱۹۸ ، ۱۲b
شب خون کلون نادر خان	۲۹ ، ۱۳f	شب و روز در پیش یزدان	۱۰۰۹ ، ۱۳c
شب خون نجویند کند آرد	۱۵۱۵ ، ۱۳	شب و روز در جنگ یکسان	۳۵ ، ۱۰
شب خون نه کار دلیران بود	۲۷۲ ، ۱۳b	شب و روز در جوشن و	۱۷۳۸ ، ۱۳f
شب داغ دل برز سیم	۸۶۸ ، ۱۳b	شب و روز رستم یکی داشت	۱۰۱۹ ، ۱۳g

شتر و ار بارست با او هزار	۲۷۱۴	۴۱	شبی زال بنشست هنگام	۱	۹
شتر و ار بار گران دو هزار	۲۸۲۷	۴۱	شبی کرد جشنی که تاروز	۹۵۸	۱۳g
شتر و ار باید که هم زین	۲۸۳۲	۴۱	شبی کرد جشنی که تاروز	۱۶۷۹	۱۳g
شتر و ار سیصد بیاراست	۳۴۵۱	۴۱	شبی می می خورد با موبد	۳۲۰۸	۴۳
شتر و ار سیصد ز گستر دنی	۸۹	۱۸	شتاب آمدش تا ببیند که شاه	۱۹۲۱	۱۲d
شتر و ار سیصد ز نفت سیاه	۴۴۷	۵۰	شتابان بشد خسرو سرفراز	۸۰۳	۱۲e
شتر و ار سیصد طرایف ز چین	۷۹۷	۳۵	شتابان همه روز و شب دیگر	۱۲۵	۵۰
شتر و ارها نار و سبب و بهی	۲۹۷	۳۵	شتابان همی تاخت چوپان	۱۵۲	۱۳d
شتر یافت چندان و چندان	۱۵۶۸	۱۳c	شتابان همی رفت پر خون	۱۱۷۳	۷
شخودند روی و بکنند	۳۱۰۹	۱۳g	شتابان همی کرد تخت	۴۹۰	۵۰
شد آگاه ازو بارمان دلیر	۳۷۹	۸	شتابم مگر تا همی یا بهش	۲۲۸۳	۴۳
شد آمد بیفزود نزدیک او	۱۶۵۰	۴۱	شتاب و بدی کار آهر منست	۲۵۱۳	۱۲d
شد آن پادشاهزاده لرزان	۳۷	۲۲	شتابید بر جنگ و برهم	۱۲۵۶	۱۳e
شد آن پادشاهی و چندان	۵۰۳	۴۴	شتابید گنجور و صندوق	۲۱۳	۴۲
شد آن تاج و آن تخت شاه	۷۱۹	۴۳	شتابی نباید پاسخ کنون	۱۰۶	۶
شد آن تاجور شاه با خاک	۲۸	۲۶	شتر آنکه در پیش بودش	۲۷۴۵	۱۵
شد آن تاجور شاه چندین	۹۲۸	۴۲	شتر بار بنهاد و خود رفت	۲۱۲۷	۱۵
شد آن تخت شاهی و آن	۲۱۸	۴	شتر بار کردند و اسپان	۱۱۴۵	۱۳e
شد آن جادوی زشت و نا	۶۱۲	۱۵	شتر بار کرده بدیبا ی چین	۲۲۸۲	۴۱
شد آن دردها برداش بر	۱۸۸	۱۴	شتر بار کن ز آنچه باشد	۲۱۰۳	۷
شد آن رنج من هفت ساله	۸۲۷	۱۲e	شتر بود بردشت ده کار	۱۲۱۹	۴۵
شد آن زیب خسرو و چو خرم	۶۷۳	۴۱	شتر بود پیش اندرون	۳۵۶۵	۴۳
شد آن شاهزاده سوار دایر	۷۵۴	۱۵	شتر بود و اسپان بدشت و	۲۴۴۰	۱۵
شد آن شهر آباد یکسر	۳۲۴۹	۴۳	شتر خواست از ساربان سه	۲۰۵۴	۴۳
شد آسیر کبی بچشمه در	۲۴۷۶	۴۳	شتر خواست پر مایه ده کار	۱۵۷	۳۰
شد آن لشکر نامور و وک	۱۸۸۳	۱۳	شتر در شتر بود فرسنگها	۱۱۹	۳۰
شد آن لشکر و تخت شاهی	۱۳۸۰	۴۳	شتر دو هزار آنکه از پیش	۲۸۷۰	۴۱
شد آن مرد تازی ز تیزی	۱۱۳۳	۶	شتر مرغ دیدند جای گله	۲۰۷	۴۴
شد آن مرد دستور بادرد	۷۸۷	۲۰	شتر مرغ و هامون و آن زخم	۲۲۲	۴۴
شد آن نامور پرهنر شهر	۲۱۷۶	۷	شتر و ار ارزن بدین هم	۴۴۲	۵

شد آن نامور مرد شیرین	۲۴ . ۳۰	شد این تخمه ویران و	۴۳۸ . ۴۴
شد آن نامه نامور ناپدید	۱۵۴۰ . ۱۲e	شد این گفت تو داروی جان	۴۹۹ . ۱۲c
شد آن یادگار منوچهر	۵۵۹ . ۸	شد این لشکر از خواسته	۸۵۹ . ۱۳g
شد آهنگ آورد کاموس	۱۶۵۶ . ۱۳b	شدست آنکه جنگی بد، از	۲۳۷ . ۱۷
شد آیین گشپ اندر آن	۱۸۶۱ . ۴۲	شدست از نوازش چنان پر	۱۶۶۰ . ۴۱
شد از باختر سوی دریای	۵۵۸ . ۱۲e	شدست اندرین کینه جستن	۱۱۷۷ . ۱۳g
شد از بی شبانی رمه تال و	۱۵۵۲ . ۱۳c	شدش دل پر آتش دودیده	۱۳۰۴ . ۱۲d
شد از بیم همچون تن بی	۹۰۷ . ۵۰	شدم تنگ دل رزم کردم	۸۵۱ . ۵۰
شد از پیش او کینه ور	۲۰۶ . ۱۵	شدم شیر ازین لشکر و تاج	۲۸۵۱ . ۱۳g
شد از تشنگی دست گردان	۲۶۰ . ۵۰	شدند آن بزرگان و دانند	۳۵۰ . ۴۴
شد از جادویی تنش یک	۱۱۱۰ . ۱۲	شدند آن زمان خسته هر دو	۲۳۲۸ . ۱۳f
شد از چشم من در جهان	۷۰۱ . ۱۲e	شدند آن زمان رومیان	۶۳۲ . ۱۴
شد از داد او این جهان	۲۳۶۵ . ۴۱	شدند آن زمین شاه را	۱۴۸۲ . ۱۳g
شد از دشت نیزه و ران تا	۴۹ . ۱۸	شدند آن سه پرمایه اندر	۱۸۹ . ۶
شد از رشک جوشان و دل	۳۴۶ . ۸	شدند آن همه یار خسرو	۱۹۶۶ . ۴۳
شد از رنج و از بستگی شاه	۳۴۱۸ . ۴۱	شدند از بد شیر کیی هلاک	۲۴۵۹ . ۴۳
شد از رنج و تنگی جهان	۵۷۷ . ۱۲e	شدند از دور و پیه سپه باز	۸۰۵ . ۴۲
شد از سم اسپان زمین مشک	۳۰۱ . ۱۲e	شدند انجمن بخردان و رود	۷۱ . ۴۱
شد از شادمانی رخسار غو-	۳۱۵ . ۵	شدند انجمن بر در شهر یار	۷۹۷ . ۱۲d
شد از کار آن کشمکان	۱۴۱۶ . ۱۳f	شدند انجمن پیش او بخرد	۵۳۲ . ۱۲e
شد از کار ایشان دلش پر	۲۱۷۴ . ۱۵	شدند انجمن پیش او بخرد	۲ . ۲۳
شد از گرد خورشید تابان	۱۰۱۰ . ۱۳b	شدند انجمن دیو بسیار	۳۱ . ۳
شد از هوش کاموس و	۱۶۸۳ . ۱۳b	شدند انجمن لشکری پر	۴۶۰ . ۳۰
شد امید کوتاه بر شه دراز	۶۱۷ . ۶	شدند انجمن موبدان و	۲۶۲۸ . ۱۳g
شد اندر نهان، نام او آشکار	۴۱۹۵ . ۴۱	شدند اندر آن یار گام	۴۰۳ . ۴۱
شد اندر هوا گرد برسان	۱۶۶۴ . ۱۳g	شدند اندر آن پهلوانان	۱۷۴۱ . ۱۳g
شد اندر هکین شاه چون آن	۲۹۶ . ۶	شدند اندر آن موبدان	۴۴۳۷ . ۴۱
شد او نیز و آن تخت بی شاه	۱۴ . ۴۸	شدند اندر ایران و یان	۶۳۸ . ۷
شد ایران بگردار خرم	۲۴۵۲ . ۴۱	شدند اندر ایران شاهان	۱۹۸۱ . ۴۲
شد این پادشاهی پر از	۲۶۳۰ . ۱۳g	شدندی پر سیدان و	۱۷۸ . ۲۰

ششم گفت بر مردم زیر دست	۲۹	۳۵	شدندی بر شاهستواران او	۳۳۴	۲۲
ششم هر که آمد ز راه دراز	۱۶۴۲	۳۵	شدندی شبانگه سوی خانه	۴۶۱	۲۱
ششم هفته را زال ورستم بهم	۲۶۹۴	۱۳g	شده انجمن بر سرش بخورد	۱۲۳	۵
شمیب اندر آفرزم که کشته	۳۸	۱۸	شده بام از گوهر تابناک	۶۸۳	۷
شفیع از گناهش محمد بود	۲۱۶	۵۰	شده بر بدی دست دیوان	۵	۵
شغاد آمد آن چرخ را بر	۴۵۴۶	۱۵	شده یادشاهی پدر سی و هشت	۱۷۹	۴۴
شغاد آن بنفرین شوریده	۴۵۷۱	۱۵	شده پاره پاره بچنگ ددان	۴۵۳	۱۲
شغاد از پس زخم او آه کرد	۴۵۵۴	۱۵	شده تا بر افراخته چرخ و	۳۰۲	۷
شکار بزرگان بدند آن	۲۱۳	۱۹	شده تند کاس چین در چین	۶۲۲	۱۲c
شکار تو بهرام باید بچنگ	۱۸۵۰	۱۳	شده تیره اندر سرای درنگ	۳	۱۲e
شکارست کارشهنشاه و رزم	۳۷۴۳	۴۱	شده دشت ویران و ویران	۳۸۴	۳۵
شکارش نباشد بجز شیر و	۴۶۷	۳۵	شده ژاله در گل چومل در	۲۵	۳۸
شکارومی و مجلس و بانگ	۱۵۲۶	۳۵	شده قلب ارجاسپ چون	۱۴۹۶	۱۵
شکاری که ناز کتر آن بر	۱۱۴	۷	شده کوز بالای سرو-هی	۲۷۰۵	۱۳g
شکاریم یکسر همه پیش مرگ	۱۴۴۸	۱۲c	شده گرسنه مرد پیر و جوان	۱۰۴۵	۴۳
شکافید کوه و زمین بردرید	۱۰۴۹	۱۲	شده مست و یاران شاه ارد-	۸۱	۴۵
شکر جست و بادام و مرغ	۶۴۴	۳۵	شده نامور لشکری انجمن	۶۱۶	۴۱
شکست آمد از ترک بر تازی	۲۵۲	۱۲b	شده هر یکی شاه بر کشوری	۲۳۳	E
شکست اندر آمد بهیتالیان	۱۸۶۲	۴۱	شده هفت گرد سوارانجمن	۷۹۹	۱۲b
شکست اندر آید بدین	۲۱۲	۸	شده باره دژهم آنگاه پست	۹۴۹	۱۳g
شکست اندر آید بر این	۹۳۴	۱۲d	شده تنگدل چون نیامد	۳۱۶۳	۱۵
شکستم درو بند و زندان	۱۱۶۳	۱۳e	شده روزگارش بچستن	۸۸	۱۷
شکستم سرش چون سر زنده	۱۲۷۹	۷	شده شراع بزد شاه و بنهاد	۲۷۵۵	۱۵
شکستند زندان و بر شد	۱۹۶۵	۴۲	ششم آن کجا رفت بیمار	۲۴۰	۲۰
شکست توجوید می زان	۶۸	۲۴	ششم بر پرستنده تخت	۱۴۴۵	۴۱
شکسته دری دید پهن و دراز	۱۱۵۴	۵۵	ششم بیژن گیو و روی بین دمان	۱۹۳۱	۱۳f
شکسته دگر باره خنجر	۱۵۸۵	۴۲	ششم دیدم ای مهتر ارجمند	۱۷۷	۲۰
شکسته دلست او بر این	۱۱۳۵	۱۳g	ششم سال آن دخت قیصر	۳۳۳۳	۴۳
شکسته دل و دست بر خاک	۲۰۵۳	۱۳f	ششم شهرهایی که کردی تو	۱۲۸۷	۱۳f
شکسته دل و گشته از رزم	۳۴۲	۱۹	ششم کرد دایمن بنا استوار	۱۳۱۸	۴۱

شکفته سروپشت پیروز	۱۲۱۰	۳۸	شکفت آمد از اشکر و سار	۲۰۳۷۰	۴۱
شکسته سلیح و گسته دل	۱۲۷۹۰	۱۳c	شکفت آمدش داستانی بزد	۱۰۳۸۰	۱۳e
شکسته سلیح و گسته کمر	۱۳۵۰	۱۱	شکفت آمدش سخت و بر گشت	۸۲۰۰	۱۳f
شکسته شد آن لشکر از	۵۹۹۰	۱۲	شکفت آمدش سخت و خیره	۸۲۱۰	۱۲c
شکسته شد آن مرد جنگ	۶۹۰	۳۹	شکفت آمدش کانچنان جای	۱۱۰۵۰	۱۳f
شکسته شدای نامور پشت	۴۲۳۳۰	۱۵	شکفت آمدش گفت از ایران	۳۴۶۰	۱۲c
شکسته شدند آن سپاه	۱۰۵۳۰	۱۳c	شکفت آمدش گفت خاقان	۲۹۸۳۰	۴۳
شکسته شدند آن شاه و	۹۹۰	۱۲b	شکفت آمدم ز آنکه چون	۳۰۵۰	۴۴
شکسته شدی لشکری کآمد	۵۲۲۰	۲۱	شکفت آیدم چون پسر	۱۰۶۰	۱۷
شکسته شود پشت افراسیاب	۱۵۳۹۰	۱۳f	شکفت آر به ماند بر این بر	۲۳۰۵۰	۱۳g
شکسته شود پشت پیران	۶۶۳۰	۱۳f	شکفت از جهان دیده گودرز	۲۷۳۰	۱۳f
شکسته شود چرخ و گردون	۳۷۰۰	۱۵	شکفت از تو دارم همی ای	۳۷۴۰	۱۳f
شکسته شود دل یلانرا بچنگ	۵۶۰۰	۱۳f	شکفت اندر آن آب مانده	۱۹۹۵۰	۱۳g
شکسته کنم من بدو پشت	۸۲۰	۱۰	شکفت اندر آن زخم او مانده	۱۳۸۱۰	۳۵
شکستی بود زشت بر موبد	۲۷۵۶۰	۴۱	شکفت اندر آن مانده بد	۷۰۸۰	۷e
شکفته شد آن روی پژمرده	۱۴۷۳۰	۷	شکفت اندر آن مرد جادو	۲۷۸۹۰	۴۱
شکم شان بدرید و پیرید	۱۰۸۱۰	۱۳	شکفت اندر او مانده ایران	۳۰۵۲۰	۱۳g
شکم گرسنه چند مردم به رد	۲۵۷۰	۴۰	شکفت اندر او مانده بد	۱۸۲۱۰	۷
شکم گرسنه روز نیمی	۳۳۸۴۰	۱۵	شکفت اندر این گنبد تیز	۸۵۰	۱۳g
شکم گرسنه کالبد برهنه	۱۱۹۹۰	۳۵	شکفتست این بز دل مرد	۲۰۷۵۰	۳۵
شکم گشت فریبی و تن شد	۱۷۶۷۰	۷	شکفتست کآمد بر ایشان	۱۹۰۳۰	۴۱
شکن زین نشان در جهان	۲۵۰۰	۱۹	شکفتم من از کار دیوتی نند	۱۱۶۹۰	۱۳g
شکوه آمد اندر دانشزان	۱۵۰۲۰	۱۵	شکفتی بر آن کی که آزاد	۱۴۷۸۰	۱۳f
شکیباز لشکر هر آن کس	۱۴۴۰۰	۲۰	شکفتی بر او بر فکندند	۱۱۳۰	۷
شکیبایید گنبد تیز گرد	۱۸۳۳۰	۳۵	شکفتی بدان بار که بر	۱۹۵۳۰	۳۵
شکیبای و باداش و راست	۱۵۵۶۰	۴۱	شکفتی بر آن بر رویالشی	۱۰۷۳۰	۴۲
شکیبای و باهوش و رای و خرد	۸۲۵۰	۶	شکفتی برودابه اندر	۴۵۳۰	۷
شکیبایی از ما نشاید	۱۱۳۱۰	۲۰	شکفتی بکوتی ز رستم	۱۵۰	۱۳b
شکیبایی از مهر نامیترست	۱۸۹۴۰	۲۰	شکفتی بر آن که میان	۶۳۰۰	۱۳f
شکیبایی و خامشی بر گزید	۱۳۵۸۰	۱۳f	شکفتی تر از کار دیوتی نند	۲۸۹۳۰	۴۱

شماره بفرمان یزدان پاک	۴۲ ، ۴۱	شکفتی تر از کارمن در	۱۲ ، ۱۱
شماره مدارید از او مستمند	۲۷ ، ۱۳c	شکفتی خروشی بگوش	۵۳۴ ، ۳۵
شماره مدارید بس مستمند	۳۰۸ ، ۸	شکفتیست ایدر که اندر	۱۵۹۱ ، ۲۰
شماره دل مدارید چندین	۲۷۱۲ ، ۱۳g	شکفتیست این کز گمان	۱۶۱۰ ، ۳۵
شماره ایدر ما نید و خر م بوید	۵۰۷ ، ۵	شکفتی فرو ماند از آن	۹۸۳ ، ۱۳c
شماره از آسایش و بز مگاه	۱۹۴۱ ، ۴۱	شکفتی فرو ماند از کار او	۲۳۸ ، ۳۴
شماره اگر دیگر است آرزو	۲۴۲۲ ، ۳۵	شکفتی فرو ماند اسفند	۳۸۰۴ ، ۱۵
شماره را بیاید بر او شدن	۷۰۱ ، ۱۲c	شکفتی فرو ماند سرویمن	۲۰۱ ، ۶
شماره ا بیاید شدن نزد شاه	۲۳ ، ۴۴	شکفتی نمایم هم امشب ترا	۳۹۱۷ ، ۱۵
شماره ا بیاید کنون ساختن	۵۰ ، ۱۹	شکفتی همی بینم از تو	۶۲۶ ، ۱۳f
شماره ا بچیزی نبودنی نیاز	۱۶۲ ، ۴۴	شماره از پس کشتگان	۶۶۳ ، ۱۵
شماره ا بداد جهان آفرین	۶۰۶ ، ۸	شماره از دم ازدهای بزرگ	۵۷۷ ، ۱۴
شماره ا بدان مردی خوا-	۱۰۰۰ ، ۱۲d	شماره ای گرامی فرستادگان	۳۲۳ ، ۴۴
شماره ا بد این پیشدستی	۱۵۲۹ ، ۱۳	شماره باز گردید پیروز و	۲۶۶۳ ، ۱۳g
شماره ا بدل دوستدار آمد	۷۷۲ ، ۱۳	شماره باز گردید پیروز و	۱۹۶۰ ، ۱۵
شماره ا بد و چیست اکنون	۳۰۵۹ ، ۴۳	شماره باز گردید تا من کنون	۶۳۲ ، ۱۲d
شماره ا بدیده درون شرم	۱۸۵ ، ۵۰	شماره بر خروشید و اندر دهید	۶۰۶ ، ۴۳
شماره ا بدین روزگار	۴۵۳ ، ۵۰	شماره بر نشینید با ساز جنگ	۵۶۱ ، ۴۳
شماره ا بدین مزد بسیار باد	۲۸۸۹ ، ۴۳	شماره پهلوانید و دانا ترید	۲۶۲۶ ، ۱۳g
شماره ا بزرگ است نزدیک	۶ ، ۳۹	شماره پیش یزدان ستایش	۲۶۰۰ ، ۱۳g
شماره ا بسرزان سوار دایر	۱۱۴۰ ، ۱۲c	شماره تینها در نیام آوردید	۲۵۹۳ ، ۱۳g
شماره ا بکشتن چگونه است	۱۶۹۸ ، ۱۳b	شماره تینها راهمه بر کشید	۳۲۰۱ ، ۴۱
شماره ا ب ما هر چه هست آرزو	۳۴ ، ۴۲	شماره جنگ توران مجوید	۱۴۱۵ ، ۱۲c
شماره ا ب مردانگی نیست کار	۲۰۴ ، ۵۰	شماره چارده یار و ایشان سه	۱۹۵۸ ، ۴۳
شماره ا بنزدیک افراسیاب	۱۷۵۷ ، ۱۳f	شماره چاره ها هر چه دانید	۱۶۲۱ ، ۴۲
شماره ا بویم اندرین پیشرو	۱۹۷۵ ، ۴۲	شماره خواردارید گفتار من	۴۰۹۴ ، ۴۳
شماره ا پسند آید این گفت	۳۰۶ ، ۵۰	شماره داد جوید و فرمان	۴۵۴ ، ۱۹
شماره ا جهان آفرین یار باد	۲۰ ، ۳۲	شماره دست شادی بخوردن	۲۹۲۰ ، ۱۳g
شماره ا چرا بیم باشد همی	۱۵۰۵ ، ۱۳c	شماره دست یکسر بیزدان	۴۵۲ ، ۴۲
شماره ا چرا ترس بایند ز ماه	۴۰۹۲ ، ۴۳	شماره دل بر رفتن مدارید تنگ	۲۹۴۵ ، ۴۳

شمارا نگهبان توران سپاہ	۱۷۸۶ ، ۱۳۴	شمارا چه باشم بگوهر	۱۱۲ ، ۱۷
شمارا هر آنکه که کاری	۱۳۶۲ ، ۴۳	شمارا چه کارست باتاج و	۷۰۳ ، ۱۳c
شمارا سوی بیابان برید	۲۱۴۱ ، ۱۳۴	شمارا احلاست خون ریختن	۹۴۶ ، ۱۳g
شمارا سوی بیابان برید	۲۴۵۶ ، ۱۵	شمارا خماند همان روزگار	۴۰۶ ، ۶
شمارا همه پاک برنا و پیر	۳۶۴ ، ۲۲	شمارا خور و آتش پر فروغ	۱۴۰۲ ، ۷
شمارا همه شادمانی بود	۳۱۸ ، ۱۳b	شمارا خوشی جستم و ایمنی	۴۵۱ ، ۲۲
شمارا همه شادمانیست رای	۱۰۰ ، ۱۳b	شمارا دل از مرز و شهر فراخ	۳۹۸ ، ۵۰
شمارا همه گنج پیشست و	۵۴۸ ، ۲۲	شمارا دل از مهر ما بر فرو-	۴۸ ، ۴۱
شمارا همه یکسره کرده	۳۷۳ ، ۳۵	شمارا از بان داد باید همان	۱۳۵۷ ، ۴۳
شمارا همین روز پیش آورد	۴۴۱ ، ۸	شمارا از بهر چنین روزگار	۵۵۰ ، ۱۲b
شمارا هوا بر خرد شاه گشت	۱۵۵۳ ، ۴۳	شمارا از بهر چنین روزگار	۱۵۸۰ ، ۱۳۴
شمارا جهان باز جستن بداد	۱۴۴ ، ۴۱	شمارا از پیمان شکستن چه	۱۵۰۹ ، ۱۳c
شمارا در گنجها ناپدید	۸۰۱ ، ۶	شمارا ز رستم نبود آگهی	۷۲۸ ، ۱۳c
شمارا سپاه آمدش صد هزار	۳۲۸ ، ۴۲	شمارا از رنگ و نکارست	۱۷۱۷ ، ۱۳
شمارا سپاهش پدیدار نیست	۱۰۷۵ ، ۴۲	شمارا از ما هیچ نیکی نبود ^۵	۵۴۸ ، ۴۳
شمارا سپاهش نداند کسی	۷۳۴ ، ۲۰	شمارا از من بیم آزار نیست	۱۸۹ ، ۱۹
شمارا سپاهش نداند سپهر	۱۶۶۲ ، ۲۰	شمارا از من زندگانی بست	۷۰۶ ، ۱۳c
شمارا سپه آمدش صد هزار	۱۳۵۸ ، ۱۳	شمارا از من هوش و جان در	۸۱ ، ۴
شمارا ستاره ده و دو و هفت	۳۷۵۲ ، ۴۳	شمارا اسپارم از آن روی	۲۵۴ ، ۱۱
شمارا سواران افراسیاب	۸۷۸ ، ۱۳g	شمارا سپردم بآموختن	۳۲۹ ، ۷
شمارا ش پدیدار ناید هنوز	۱۲۳۸ ، ۳۵	شمارا ستاره پیش پدر	۱۶۳۰ ، ۱۲d
شمارا ش ندانست کرد	۳۷۵۶ ، ۴۳	شمارا ستایش فزونست از	۴۰۵۷ ، ۴۱
شمارا ش ندانست کس در	۱۳۲۵ ، ۴۲	شمارا سر از رزم من سیر	۷۳۰ ، ۱۳c
شمارا همه تو بر این گونه دان	۱۵۵۴ ، ۷	شمارا سخن کمتر و راز	۴۰۷۵ ، ۴۱
شمارا رویها سوی بزدان	۲۷۹۴ ، ۴۳	شمارا سوی پارس باید شد	۳۰۰ ، ۸
شمارا روی یکسوی در	۱۰۵۴ ، ۶	شمارا سوی خانه باید شدن	۴۶۰ ، ۴۴
شمارا بت با من باید گرفت	۲۳۴ ، ۵	شمارا سوی من گشادست	۴ ، ۴۰
شمارا زین گذشته بشمار	۵۲ ، ۸	شمارا شب و روز فرخنده	۲۰ ، ۳۰
شمارا ساز گریه با پای	۳۵۷ ، ۵۰	شمارا اکنون از پی کیست	۶۵۳ ، ۲۰
شمارا ساین بالشکر روزگار	۵۲۸ ، ۸	شمارا اکنون کردل از رای	۴۱۵ ، ۶

شمانیز فردا بر این ریگ	۳۱۸۲ ، ۱۳g	شما ساس چون در بیابان	۵۳۲ ، ۸
شما هر چه گویم زمن بشنو-	۱۶۱ ، ۶	شما ساس را خواست کاید	۵۲۰ ، ۸
شما هر کسی چاره جان کنید	۱۶۱۹ ، ۴۲	شما ساس را دید کرد دلیر	۴۶ ، ۱۱
شما هر یکی چاره جان کنید	۶۶۲ ، ۱۲c	شما ساس کز پیش جیحون	۴۵۶ ، ۸
شما هم ازین عهد من مکنده-	۶۱۹ ، ۲۲	شما ساس کین تو ز لشکر پناه	۱۸۸ ، ۱۱
شما هم بدو نیز نازش کنید	۶ ، ۳۵	شما ساس گفت ای خزر روان	۴۹۷ ، ۸
شما هم بگردار روباه پیر	۵۳۸ ، ۱۳f	شما ساس و دیگر خزر روان	۱۶۵ ، ۸
شما هم بیزدان نیایش کنید	۱۲۱۰ ، ۴۲	شما ساس و گرسبوز از میسره	۲۴ ، ۱۱
شما هم چنین چادر راستی	۱۸۶۴ ، ۳۵	شما سر با سایش و خوابگاه	۸۷۲ ، ۱۳c
شما هیچ دل را مدارید تنگ	۶۱۳ ، ۱۳g	شما سر بر بهره دارید	۱۱۷۱ ، ۱۳c
شما یار باشید و نیرو کنید	۱۰۶۱ ، ۶	شما سر بر همکنان هم	۵۶۵ ، ۱۳c
شما یک بیک رازدار منید	۴۷۹ ، ۷	شما سوی توران شتابید	۱۷۸۹ ، ۱۳f
شما یک بیک سر پر از کین	۵۵۷ ، ۱۳c	شما سوی رستم بچنگ	۳۶۸۲ ، ۱۵
شما یک بیک نیک خواه	۲۵۱ ، ۱۲	شما شاد باشید و فرمان	۳۱۰ ، ۱۷
شما یکسر از کارها آگهید	۱۶۰۹ ، ۴۲	شما شش هزارید و من یک	۱۰۲۶ ، ۱۲e
شما یکسر چشم بر من نهید	۳۷۴ ، ۱۳c	شما گرچه از گوهر دیگر	۱۴۳۲ ، ۷
شما یکسر تیغها بر کشید	۳۴۲ ، ۱۳b	شما گر خرد را نبستید	۱۰۰۴ ، ۱۲d
شما دست خادم بمشکوی	۹۴۷ ، ۳۵	شما گر همه کینه دار منید	۱۱۶۸ ، ۶
شما درند بر میهنه سه هزار	۸۳۰ ، ۴۲	شما گوش دارید فرمان شاه	۱۹۰ ، ۱۲
شما دران و رو بین دژ و راده	۳۹۲ ، ۵۰	شما گفت از ایران به پند	۱۹۵۴ ، ۱۵
شما دران شکنی سرافراز	۹۳۲ ، ۱۳b	شما مهر بانی با فزون کنید	۳۸ ، ۴۲
شما دران شکن و شنگل ز	۱۵۹۷ ، ۱۳b	شما مه نهادند بر جام زر	۲۵۲ ، ۱۳
شما سای کشتی هر آنکس	۲۰۸۷ ، ۱۳g	شما می گسارید با من سه	۶۷۳ ، ۲۱
شما سد که این تخت و این	۱۲۵۲ ، ۴۳	شما می گسارید و مستان	۶۵۰ ، ۳۵
شما سدراننگ باشد از	۱۷۰۱ ، ۱۳	شما نیز از اندر ز او دست	۳۲۴۴ ، ۱۳g
شما سدر مگر پهلو ان جهان	۲۳ ، ۸	شما نیز باید که هم زین نشان	۱۴۲ ، ۸
شما سی بنزدیک من جاهشان	۶۴۸ ، ۱۳e	شما نیز باید که هم زین نشان	۱۶۹۸ ، ۱۳f
شما سی تو کردار گودرز	۸۲۸ ، ۱۳e	شما نیز دارید دانش بزرگ	۱۱ ، ۲۶
شما سی تو گفتار و کردار	۱۵۷ ، ۱۳f	شما نیز دلها بفرمان نهید	۳۶ ، ۴۳
شما شوند ایرانها آنچه	۲۹۰ ، ۴۴	شما نیز دیده پراز خون	۵۹۷ ، ۸

شنیدم که از تازیان بی شمار	۴۴ ، ۵۰	شنودند کانبجا یکی مهتر	۲۰۴ ، ۴
شنیدم که اویش کاروس	۲۷۲۵ ، ۱۵	شنو کارهایی که من کرده	۳۲۵۵ ، ۱۵
شنیدم که بر شاه من بدرسی	۱۴۱ ، ۴۴	شنید آن سخنهای ناکامرا	۲۲۸ ، ۴۲
شنیدم که بر نامور تخت	۴۲۱۱ ، ۴۱	شنید آنکه شد شاه ایران	۳۰۳۳ ، ۴۳
شنیدم که تورفت خواهی	۶۱۶ ، ۱۲e	شنید آنکه ما در زمین	۱۳۲۵ ، ۲۰
شنیدم که چل مادیان گشن	۴۶ ، ۱۲c	شنید آن همه لشکر آواز	۶۹۸ ، ۲۱
شنیدم که چون ماز پرده	۲۱۰۲ ، ۴۳	شنید این سخن در زمان	۱۹۱۱ ، ۱۵
شنیدم که خراد از ایران	۲۸۰۵ ، ۴۳	شنید این سخن زال و برپا	۲۷۸۰ ، ۱۳g
شنیدم که دستان جادو	۳۹۶۱ ، ۱۵	شنید این سخن شاه شد بد	۶۶۰ ، ۴۲
شنیدم که راهی گرفتی تباہ	۱۴۴ ، ۱۵	شنید این سخن شاه و نیرو	۵۰ ، ۴۰
شنیدم که روزی گوپیلتن	۷۱۵ ، ۱۲b	شنید این سخن گردیه شاد	۳۲۰۵ ، ۴۳
شنیدم که ساز شبیخون	۱۰۰۸ ، ۶	شنید این سخن شکل از	۲۳۵۱ ، ۳۵
شنیدم که فرزند تو اردشیر	۸۰ ، ۲۱	شنید این سخن مردم راه	۱۲۰ ، ۶
شنیدم که کاووس از آن بر	۶۳۵ ، ۱۲b	شنید این سخنهای بل اسفند-	۳۴۸۸ ، ۱۵
شنیدم که کسری بگرگان	۱۹۷۹ ، ۴۱	شنیدست خسرو که تا کی قبا	۷۶۹ ، ۱۳b
شنیدم که گشتا سپر اخویش	۸۸۳ ، ۱۵	شنیدستم از نا مور مهتران	۳۰۲ ، ۱۲d
شنیدم که هر کوهو ایرورد	۴۲۴۷ ، ۴۱	شنیدستم این داستان از	۲۰۳۷ ، ۱۳f
شنیدم همان باد بر تاج و	۱۲۲۱ ، ۱۳g	شنیدستی آن داستان بزرگ	۳۳۲ ، ۴۲
شنیدم همه یوزش نا بکار	۷۴۴ ، ۶	شنیدستی آن داستان مهان	۵۰۱ ، ۴۲
شنیدم همه خام گفتار تو	۳۱۶۸ ، ۴۱	شنیدم پیام از کران تا	۱۲۴۲ ، ۱۲d
شنیدم همه هر چه دادی	۴۷۳ ، ۴۴	شنیدم ز پیوستگی هر چه	۲۱۹۷ ، ۴۱
شنیدم همه هر چه رستم	۳۱۰۶ ، ۱۵	شنیدم ز دارنده این نیز	۲۸۳۱ ، ۱۲d
شنیدم همه هر چه گفتی بشاه	۵۲۳ ، ۱۳f	شنیدم ز دانا دگر گونه زین	۷۰ ، E
شنیدم همه هر چه گفتی به پسر	۸۶ ، ۲۰	شنیدم ز گفتار کار آگهان	۳۳۶ ، ۴۱
شنیدم همه هر چه گفتی سخن	۷۲۴ ، ۶	شنیدم سخن گفتن مهتران	۸۸۸ ، ۴۳
شنیدم یکی نو سخن پس	۱۲۹ ، ۱۲	شنیدم سخن های ناسودمند	۷۶۷ ، ۴۲
شنیدند از او این سخن	۵۸۶ ، ۵۰	شنیدم کتابیست گسترده	۳۵۰۱ ، ۴۱
شنیدند ابرائیان این سخن	۱۴۹۷ ، ۳۵	شنیدم کزین لشکر بی شمار	۱۹۷ ، ۱۳c
شنیدند چون این سخن	۶۳۱ ، ۴۴	شنیدم که آن ریمن بد هنر	۲۵۶۳ ، ۴۳
شنیدند دیوان گریختن	۶۰۱ ، ۱۲b	شنیدم که از پارس بگریختی	۶۵۴ ، ۴۲

شنیدی که در هفتخوان	۳۲۸۴	۱۵	شنیدند گروان همه سر بسر	۱۰۴۱	۱۲
شنیدی که دشمن با ایران	۱۰۶۱	۱۲d	شنیدند گردنکشان این	۸۴۹	۴۳
شنیدی که ضحاک بیداد	۶۱۶	۵۰	شنیدند گردنکشان این	۵۹۳	۴۳
شنیدی که ضحاک شد نا	۴۴۴	۴۳	شنیدند گفتار فرخ جوان	۱۲۱۷	۴۳
شنیدی همانا کز اکوان	۲۶۹۹	۱۵	شنیدند گفتار مرد جوان	۱۱۷۸	۴۱
شنیدی همانا که بر سو فرای	۱۷۲۲	۴۳	شنیدند گودرز و طوس این	۱۴۷۹	۱۲e
شنیدی همانا که کاووس	۲۶۶۰	۱۵	شنیدند مردم سخنهای شاه	۵۰۸	۵
شنیدی همانا که یزدان پاک	۵۱۲	۲۰	شنیدند هیشوی و اهرن	۵۸۱	۱۴
شنیدی همه جنگ مازند	۱۲۱۲	۱۲	شنیدن سخنهای ایرانیان	۴۸۶	۳۴
شنیدیم ازین مرزها هر چه	۴۲۸	۵۰	شنیده پیش منوچهر شاه	۹۵۶	۶
شنیدیم با آن سخنها کجا	۲۷۳	۱۵	شنیده بد این سرو سیمین	۹۲	۳۰
شنیدیم رستم ز آغاز کار	۱۳۱۱	۱۲c	شنیده بدیدار دیدم کنون	۲۰۶	۳۵
شنیدیم و دیدیم راز جهان	۲۵۴۵	۱۳g	شنیده بگفتند با شهریار	۳۶۴۴	۴۱
شو او را بخوبی بمادر	۲۸۷۶	۱۲d	شنیده سخنها فراموش مکن	۱۳۲۳	۴۱
شود آن زمان بردل ما	۳۴۵۷	۴۳	شنیده سخنها همه باز گفت	۶۰۱	۴۳
شود از نبره سراسر تباہ	۱۶۳۴	۱۲d	شنیده همی داشت اندر	۲۰۴۳	۱۳g
شود ایمن از گردش روز	۲۵۷۱	۱۵	شنیده یکایک بهر مزبگفت	۱۰۶	۴۲
شود ایمن و جان با ایران	۸۹۰	۴۲	شنیدی بسی نیک و بد در	۳۶۱۴	۴۳
شود برگ پزمرده و بیخ	۲	۱۲	شنیدید و دیدید کردار	۱۴۴۶	۴۲
شود برگ پزمرده و بیخ	۷	۱۲f	شنیدی سخن گر خرد	۳۴۶	۲۲
شود بسته بی بند پای نوند	۳۹۷	۴۰	شنیدی کجا ز آفریدون	۲۵۷۵	۱۲d
شود بنده بی هنر شهریار	۱۳۲۰	۵۰	شنیدی که او گفت کاووس	۱۴۶۵	۱۲e
شود بوم ایران از ایشان	۴۵۴	۴۳	شنیدی که با ایرج کم سخن	۲۲۲۷	۱۲d
شود می درم شاه بیدادگر	۲۵۴	۴۴	شنیدی که با شاه نوذر چه	۲۵۰	۱۱
شود پادشاه بر جهان سر بر	۲۴۸۸	۴۱	شنیدی که با نامور ساوه	۴۹۵	۴۴
شود پادشاه چون پدر بشنود	۳۹۳	۱۴	شنیدی که برای رچ نیکبخت	۱۲۲۷	۱۳f
شود پیر مهیار امشب جوان	۱۰۰۹	۳۵	شنیدی که برای رچ نیکبخت	۵۳۰	۱۳g
شود پیش او خوار مردم	۴۳۲۸	۴۱	شنیدی که بروی چه آمد	۳۲۳۶	۱۵
شود پیش یزدان و تن پر	۴۱۲۳	۴۱	شنیدی که جمهور چندین	۳۰۱۰	۴۱
شود تاج بر گیرد از تخت	۵۸۹	۳۴	شنیدی که جمهور چون	۳۰۵۷	۴۱
			شنیدی که در جنگ ماز	۱۲۳۳	۱۲e

شود کار درویش بیمار بست	۲۵۷ ، ۲۰	شود تارساندسوی شاهزاد	۱۶۹۰ ، ۱۲d
شود کشته هومان بر این	۵۵۶ ، ۱۳f	شود تازیان تا بمرزختن	۱۱۷۳ ، ۱۳c
شود کشور آسوده از ناختن	۳۴۵۹ ، ۴۳	شود تا سر بیشه فاسقون	۳۰۹ ، ۱۴
شود کنده این تخمه ماز بر	۳۸۹۰ ، ۱۵	شود تلخ از روز بر هر	۴۳۹۲ ، ۱۵
شود کوه آهن چودریای	۶۸ ، ۱۱	شود جانت از دشمن آژیر	۸۰ ، ۲۴
شود کوه آهن چودریای	۳۶۷ ، ۱۳g	شود جان کاووس بیره کند	۵۹۹ ، ۱۲b
شود مرد درویش زو خشک	۲۵۴ ، ۲۰	شود چرخ گردنده با او	۱۹ ، ۴۵
شود من میانش کنم بر دو	۲۶۹۳ ، ۴۳	شود خاک و بی بر شود رنج	۲۴۹۴ ، ۴۱
شود ناهتان در جهان بزرگ	۶۶۷ ، ۱۵	شود خانه خالی و من چاره	۲۴۲ ، ۳۰
شود نزد سالار مازندران	۸۱۷ ، ۱۲	شود خایه در زیر مرغان	۷۴۹ ، ۳۵
شود نزد لهاک و فرشیدورد	۲۲۰۵ ، ۱۳f	شود خوار هر کس که بود	۴۱۵ ، ۵۰
شود هر دو بردست او بر	۳۲۴ ، ۱۴	شود در جهان چشمه آب	۸۴۳ ، ۱۲d
شوم آنچه گفتم بجای آورم	۱۰۸۸ ، ۲۰	شود در نوازش بدان گونه	۴۴ ، ۲۲
شوم باز خواهم زار جاسب	۱۵۹۲ ، ۱۵	شود رایگانی پرستنده	۲۴۳ ، ۲۰
شوم باز گویم با سفندیار	۳۱۲۹ ، ۱۵	شود رنج این تخمه ما بباد	۱۷۵۲ ، ۴۲
شوم باز گویم بگردان	۲۹۵ ، ۱۳c	شود رنج من هفت ساله بباد	۹۶۸ ، ۱۲e
شوم بد کنش همچو ضحاک	۲۵۲۵ ، ۱۳g	شود رنجه آزرده گردد	۱۳۸۱ ، ۷
شوم بر گرایم تن بیاسم	۳۵۲ ، ۱۲e	شود روز چون چشمه	۱۳۳۷ ، ۷
شوم بزمکه شان ببینم	۱۷۴ ، ۱۳e	شود روز گارد لیران دژم	۲۲۹۹ ، ۳۳
شوم بر کنم چشم و آغوش	۱۰۲۶ ، ۱۳b	شود زو جهاز قرن تا قرن	۴۶۲۴ ، ۴۱
شوم پیش آن پیل آشفته	۶۰۸ ، ۱۵	شود سوی آن بیشه آخوک	۷۸ ، ۱۳e
شوم پیش او چون فرستاده	۱۹۱۱ ، ۳۵	شود شادمان دل ز دیدار	۱۴۲ ، ۶
شوم پیش او گر پذیرد	۲۹۹۰ ، ۱۵	شود شاه ایران بدین خشم	۹۶۳ ، ۷
شوم پیش بیژن بدلم بگون	۸۶۰ ، ۱۳e	شود شاه ایران بما خشمگین	۶۱۲ ، ۱۲c
شوم پیش سالار بست کمز	۶۲۲ ، ۱۳f	شود شاه پر مایه پیوند	۱۵۸۴ ، ۱۲d
شوم پیش یزدان بیرونم	۱۲۸۷ ، ۳۵	شود شاه و لشکر بدان	۲۳۰۹ ، ۳۵
شوم پیش یزدان ستایش	۷۲۲ ، ۷	شود شهر هاماوران ارج	۱۷۹ ، ۱۲b
شوم تا ببینم که چند و چند	۹۳۸ ، ۱۳b	شود فرخ این جشن و آیین	۳۴۵۴ ، ۴۳
شوم تا ببینم که گشتا بیست	۱۲۵۴ ، ۱۵	شود کاخ من تخت افراسیاب	۱۸۴۱ ، ۱۲d
شوم تا بپرسم بر نزد سالار	۱۵۳۷ ، ۱۳b	شود کاخ ویران و رارنج	۳۸۸۴ ، ۴۱

شوم نامها نزد خسرو	۱۷۴۱ ، ۴۳	شوم تا پیدان روی دریای	۱۲۷۴ ، ۱۲c
شوم نزد رستم بکین و	۲۶۷۷ ، ۱۵	شوم ناپدید از میان گروه	۱۴۸ ، ۵
شوم هر چه هستند پیوند	۱۴۸ ، ۱۲b	شوم تاجه خواهد جهان	۸۰ ، ۱۲c
شوم هم کنون پیش آن	۴۹۸ ، ۱۳c	شوم تا سپهد کمر بر	۷۷۷ ، ۱۲b
شوند آگه از من که باز	۴۹۱ ، ۸	شوم جامه رزم بیرون	۴۰۱ ، ۱۲f
شوند انجمن پیش تخت	۱۴۹۸ ، ۷	شوم چرمه گامزن زین	۴۲۲ ، ۱۳f
شوند انجمن کار دیده مهان	۵۶۱ ، ۱۳c	شوم چون فرستاده ای نزد	۸۹۰ ، ۱۲
شوی بر تن خویش بر کام	۴۴۸ ، ۲۰	شوم چون مرا گفت شاه	۲۸۵ ، ۱۳
شوید این شکفتی ببینید	۴۲۷ ، ۱۴	شوم زسته از دست این	۱۴۹۶ ، ۴۳
شوید و بکنجور دستان	۱۳۸۴ ، ۷	شوم ره بکیرم بر افراسیاب	۸۱۷ ، ۱۲b
شوید و همه بهره زو بر	۲۴۲ ، ۴۰	شوم زار من کشته بر بی	۱۸۵۴ ، ۱۲d
شوی زیر خاک سیه در تباہ	۶۳ ، ۳۹	شوم زو پرسم بگوید	۴۸۷ ، ۱۴
شوی نزد این دختر سوک	۱۴۹۱ ، ۴۳	شوم زود تازانه باز آورم	۱۷۰۲ ، ۱۳
شه از خانه خویش بر تر	۳۴۱۴ ، ۴۱	شوم زود چندی پز شک	۴۵۲۸ ، ۱۵
شه از درد و ازرنج کین	۹۲۳ ، ۱۲b	شوم زود و آیم بدر گاه باز	۲۲۲ ، ۱۲d
شها من چه کردم یکی باز	۲۲۵ ، ۵	شوم زی بر ادرت فرخنده	۷۰۴ ، ۱۵
شهانجم از پرده لاجورد	۲۷۶ ، ۸	شوم سوی دژ بان ببینمبری	۱۰۵۱ ، ۶
شهان دلاور ابا تخت زر	۴۶۹ ، ۱۲b	شوم شان یکایک بدم آورم	۱۶۲ ، ۱۲
شهان را همه تخت بودی	۶۰۴ ، ۱۳g	شوم کین این تنگه باز	۸۵ ، ۱۲b
شهان گفته خود بجای آور	۲۶۲۱ ، ۱۵	شوم گر پیاده بچنگ	۱۸۰۲ ، ۱۴
شه بانوان تازمانی دراز	۸۴۸ ، ۱۲b	شوم گر لبینم رخ پیلتن	۴۷۴ ، ۱۳e
شه بدمنش را خوش آمد	۷۴ ، ۵	شوم گفت آگه کنم شاه را	۷۶۴ ، ۱۲e
شه بر برستان بچنگه کراز	۴۲۵ ، ۱۲b	شوم گفت ببینم این	۴۳۶ ، ۱۳e
شه بر برستان بهار است	۷ ، ۱۲b	شوم گفت تا من ببینمش	۶۸۰ ، ۱۳e
شه بر برستان و شاهان	۸۴۲ ، ۱۵	شوم گفت کان پادشاهی	۱۷۵۸ ، ۷
شه تازیان چون بنخوان	۱۷۳ ، ۴	شوم گفت و بر سر شرا	۱۱۴۴ ، ۱۳
شه چینش گفتا با بران	۱۰۳۲ ، ۱۵	شوم گویمش هر چه آیدز	۹۵ ، ۱۲
شه خسروان گفت ای جان	۷۰۸ ، ۱۵	شوم کرد گیتی بر آیم یکی	۴۳ ، ۷
شه خسروان گفت باموید	۹۶۲ ، ۱۵	شوم گوشه ای جویم اندر	۱۱۲۸ ، ۱۲d
شه خسروان گفت بند	۹۸۷ ، ۱۵	شوم من ز پیش تو در پیش	۱۰۰۰ ، ۲۰
		شوم من هم اکنون بدین	۱۰۴۴ ، ۶

شهنشاه بر تخت زرین	۲۴۰۱	۳۵	شہ شہریاران بگفت ای	۹۳۴	۱۵
شهنشاه بر مہتران مہتر	۶۸	۱۸	شہ شہریاران تھی کرد	۸۹۵	۱۵
شهنشاه بسیار بنواختشان	۲۱۷۰	۴۱	شہ غرچگان بود برسان	۱۸۰	۱۳g
شهنشاه بشنید از ایشان	۲۱۸۷	۴۱	شہ کابلستان گرفت آفر-	۱۷۱۱	۷
شهنشاه بشنید بر یای	۱۰۳۳	۴۲	شہ مصر بالشکری کینہ	۶۰	۱۹
شهنشاه بشنید گفتار مرد	۱۲۱	۴۴	شہ نامبردار روزی یکاہ	۸۸۵	۱۵
شهنشاه بنشست بامہتران	۴۰۱۳	۴۳	شہ نامبردار نیکی گمان	۱۲۹۰	۱۳g
شهنشاه بنشست بامو بدان	۱۴۳۰	۴۱	شہ نامور پهلوان را بخواند	۲۸۲۱	۱۲d
شهنشاه بنشست بر تخت	۱۱۴۹	۱۳g	شهنشاه از آن پس گرفت	۱۳۵	۲۲
شهنشاه بہرام بود آنکہ	۱۰۸۶	۳۵	شهنشاه از آن خود کی	۵۱۳	۵۰
شهنشاه بہرام داماد تو	۵۱۶	۳۵	شهنشاه از آن کار خیرہ	۳۱۵۹	۱۳g
شهنشاه بہرام گورایدہ	۴۷۵	۳۴	شهنشاه ازودر شکفتی بماند	۴۱۱	۴۲
شهنشاه بہرام گورستو	۲۲۶۹	۳۵	شهنشاه اسپ تکاور براند	۱۳۴۷	۴۲
شهنشاه بیند بستند آیدش	۷۱	۱۸	شهنشاه ایران از آن شاد	۴۶۵	۴۲
شهنشاه پندرفت از ایشان	۲۳۸۰	۴۱	شهنشاه ایران چو تنہا	۸۵۲	۵۰
شهنشاه پرسید و بنواخت	۵۲۷	۳۴	شهنشاه ایران چو دید آن	۱۸	۳۸
شهنشاه پس جام دیگر	۳۸۳۳	۴۳	شهنشاه ایران چو زان	۲۶۵	۱۰
شهنشاه تاجاوردان زندہ	۲۵۱۱	۳۵	شهنشاه ایران زبان بر	۲۴۴۵	۱۳g
شهنشاه چون دید از اندیشہ	۳۶۶۵	۴۱	شهنشاه ایران سر و تن	۱۶۸۱	۱۳g
شهنشاه چون دید بنواخت	۴۳۴۴	۴۱	شهنشاه ایران و توران	۲۳۷۴	۳۵
شهنشاه چون روی دستان	۲۷۱۸	۱۳g	شهنشاه ایران وزا بلستان	۲۰۳۳	۲۰
شهنشاه چون زمزم آرا	۱۶۳۷	۴۱	شهنشاه با خود و برگستو-	۲۰۴۸	۴۱
شهنشاه خسرو بایران برم	۱۰۱۱	۱۲۵	شهنشاه باداد و بارای ر	۵۶۹	۴۱
شهنشاه خسرو بنرسی رسید	۷۶	۳۵	شهنشاه بازہ زہازہ بگفت	۱۶۱۸	۴۱
شهنشاه خواندند از آن	۳	۲۲	شهنشاه با فرو اورنگ و	۱۵۹۸	۱۳g
شهنشاه داند کہ او پادشا	۱۴۳۹	۱۲۵	شهنشاه با کویانی درفش	۱۶۳۸	۱۳g
شهنشاه داند کہ من کردم	۴۰۴۶	۴۳	شهنشاه بالشکر از ننگ	۷۰۰	۴۲
شهنشاه داندگان را	۵۵	۴۱	شهنشاه بامرد سیصد ہزار	۴۰۳۹	۴۳
شهنشاه در جنگ مردی	۵۲۷	۵۰	شهنشاه باید کہ اورا برنج	۳۱۳	۵۰
شهنشاه را چون بر آمد	۴۰۰۴	۴۳	شهنشاه باید کہ بیند	۲۷۶۳	۴۱
شهنشاه را دل بہار است	۱۰۰۴	۴۱	شهنشاه بر تخت زرین	۲۸۹۱	۱۳g

شهنشاه گیتی ترا بر گزید	۱۷۲۵	۴۲	شهنشاه رازان سخن مژده	۱۰۲۵	۴۲
شهنشاه گیتی مرا افسر	۲۲۹۸	۴۱	شهنشاه را سر بسردوست	۲۳۲	E
شهنشاه گیتی نکوشد بزر	۹۲۹	۳۵	شهنشاه را شاد در بر	۲۳۸۰	۳۵
شهنشاه لهر اسپ در شهر	۱۱۵۱	۱۵	شهنشاه را فرو نیر و بکاست	۴۳۴	۴۴
شهنشاه ما خیره سر شد	۱۵۲۴	۴۲	شهنشاه را فر یزدان بود	۱۱۳۱	۱۵
شهنشاه محمود بخشنده	۱۶	۲۰	شهنشاه را کار زار آمد	۶۰۵	۵۰
شهنشاه محمود پیروز بخت	۳	۱۸	شهنشاه را کارها ساختست	۱۶۱۸	۴۲
شهنشاه محمود گیرنده	۵	۱۵	شهنشاه را نامه کردی بر	۳۰۷	۲۲
شهنشاه مژگان پر از آب	۳۵۱	۵۰	شهنشاه را نیز فرمان بریم	۸۰	۵۰
شهنشاه نوزد پس پشت او	۱۶۰	۸	شهنشاه رخساره پر آب	۳۷۳۲	۴۱
شهنشاه ورستم بجنبد زجا	۳۹۰	۱۲c	شهنشاه شاپور گویم که	۱۸۲	۳۰
شهنشه بدان روشنی بنگر	۴۵۶	۳۵	شهنشاه شاید که بخشد بر او	۱۱۹۹	۴۲
شهنشه جواز گنگ بیرون	۱۷۷	۱۲c	شهنشاه فرمود تا در زمان	۳۶۲	۴۲
شه نیمروز آنکه رستمش	۱۰۰۲	۱۵	شهنشاه کسری بدو خیره	۴۵۲۲	۴۱
شه نیمروزست فرزند سام	۵۵۱	۷	شهنشاه کسری چو بنهاد	۱۸۹	۴۱
شه نوزدان طوس لشکر	۴۹	۱۳c	شهنشاه کورای و داد و خرد	۳۹۸۴	۴۱
شه نوزدی گفت من یافتم	۴۷	۱۲d	شهنشاه گفت این نه اندر	۳۰۷	۵۰
شه هندیوان باره ای بر-	۲۰۴۹	۳۵	شهنشاه گوید که از رنج من	۳۳۸	۲۲
شهی باید اکنون ز تخم	۱۶۵	۱۰	شهنشاه گیتی ببخشید	۱۲۹	۳۹
شهی کو باورنگ دارد	۱۶۶	۱۰	شهنشاه گیتی بدان آبگیر	۸۳۵	۳۵



حرف ص

۱۲d . ۱۹۰۱ . صد اشترز گنج و درم بار
 ۱۳e . ۱۰۲۶ . صد اشتر هفت بار دیبای
 ۷ . ۱۳۶۰ . صد اشتر همه ماده و سرخ مو
 ۱۲ . ۵۰۰ . صد اندر صد این دشت جای
 ۴ . ۲۱۴۰ . صد م سال روزی بدریای
 ۴۳ . ۳۷۳۸ . صد و بیست و شش نیز پهناش
 ۱۲d . ۲۳۱۱ . صد و بیست فرسنگ از
 ۱۲b . ۴۶۰ . صد و چهل کنیزک اباطوق
 ۱۳f . ۲۲۲۰ . صد و ده هزارش ز لشکر
 ۱۵ . ۲۱۰۷ . صد و شست مرد از یلان بر
 ۱۵ . ۱۵۱۶ . صد و شست مرد از دلیران
 ۴۳ . ۳۵۲۱ . صد و شست یا قوت چون ناز
 ۴۱ . ۳۳۸۹ . صفت کرد فرزانه آن رزم
 ۱۵ . ۴۰۷ . صف دشمنان سر بسر بر
 ۴e . ۲۲ . صفی برد گردست بنشاند
 ۱۳b . ۴۰۰ . صفی بر کشیدند پیش سوار
 ۴۳ . ۲۱۵۴ . صلیبی فرستاد گوهر نگار

۱۲c . ۴۷۲ . صد آهوی مشکین بنجم
 ۱۳c . ۱۰۲۵ . صد از جمعه مویان زرین
 ۴۱ . ۴۲۸۳ . صد از گنج مازندان بار
 ۱۲ . ۱۱۸۴ . صد از ماه رویان بزیرین
 ۱۵ . ۲۴۴۴ . صد از مشک و ز عنبر و گوهر
 ۱۳g . ۱۷۶۳ . صد از نامداران و گردن
 ۱۲d . ۱۳۱۶ . صد اسب گرانمایه بازین
 ۴۴ . ۳۰۰ . صد اسب گرانمایه پنجه
 ۱۲ . ۱۱۸۵ . صد اسب گرانمایه زرین
 ۱۲d . ۱۲۸۷ . صد اسب گزیده بزیرین
 ۲۰ . ۱۰۷ . صد اشترز گسترده نیا بپر
 ۳۵ . ۷۹۰ . صد اشتر بد از بهر رامشگر
 ۴۱ . ۲۲۸۴ . صد اشترز گسترده نی بار
 ۴۳ . ۳۳۷۸ . صد اشترز گنج درم کرد

حرف ط

طلایه پراکنده بر گرد	۱۵۳۳ ، ۱۳g
طلایه پراکنده بر کوه و	۸۵۸ ، ۱۳c
طلایه چو گرد سپه دید	۲۰۰ ، ۱۲e
طلایه چو گشت از لب کنده	۳۳۳۶ ، ۴۱
طلایه ز ترکان چو هشتاد	۱۴۲۰ ، ۱۵
طلایه ز کوه اندر آمد	۵۱۹ ، ۱۳b
طلایه زهر سو برون تاخت	۳۲۲ ، ۱۳b
طلایه شب تیره بهرام بود	۱۲۴۵ ، ۱۳
طلایه شب و روز در جنگ	۶۸۸ ، ۸
طلایه فرستاد بر دشت	۱۰۸۸ ، ۱۳b
طلایه فرستاد و کار آگهان	۹۵۵ ، ۱۳g
طلایه فرستاد هر سو براه	۶۲۱ ، ۲۰
طلایه فرستد برود و بکوه	۳۴۳ ، ۱۳f
طلایه ندارند شمع و چراغ	۱۶۰۸ ، ۱۳g
طلایه نگفتم که بیرون کنید	۸۷۱ ، ۱۳c
طلایه نگه کن که از خیل	۸۸۰ ، ۱۳c
طلایه نه و آتش و باد	۱۶۲۴ ، ۱۳g
طلایه نه و دید بان نیز	۱۴۴۲ ، ۳۵
طلایه همی رفت نزدیک	۱۹۳ ، ۱۷
طلایه همی گشت بر گرد	۳۱۷۹ ، ۴۱
طلایه همی گشت بر هر دو	۹۱ ، ۳۹
طلایه همی گشت بر هر سو	۱۴۳۳ ، ۱۳
طلایه همی گوید آمد سپاه	۸۶۳ ، ۵۰
طلایه هیونی بر افکند زود	۸۴۴ ، ۱۳f
طلب کرد کرد دلاوری کی	۳۷۴ ، ۱۲b
طلسم بزرگان چو آمد	۱۴۶۴ ، ۴۳
طلسمیست کاین رومیان	۱۵۲۱ ، ۴۳
طلسمی که ضحاک سازیده	۳۶۵ ، ۵

طبقهای زرین پرازمشک*	۱۳۲۳ ، ۱۲e
طبقهای زرین پرازمشک*	۱۶۱۴ ، ۱۳c
طبقهای زرین پیروزه جام	۱۸۳۳ ، ۱۳g
طبقهای زرین و سیمین نهاد	۸۵۳ ، ۲۰
طراقی بر آمد ز حلقوم	۶۸۵ ، ۲۱
طرایف که باشد بچین اندر	۱۸۱۷ ، ۴۱
طلایه بیاید بر روز و شبان	۳۲۹۱ ، ۴۳
طلایه بهرام شد ناگزیر	۱۵۵ ، ۴۳
طلایه پیش اندرون چون	۸۵۴ ، ۶
طلایه بدیدند و گشتند باز	۱۴۲ ، ۱۹
طلایه یرون آمد از هر دو	۷۱۷ ، ۳b
طلایه بفرمود تا ده هزار	۸۴۴ ، ۱۳g
طلایه بهر سو برون تاختند	۹۰۱ ، ۱۲d
طلایه بهر مزد خراد داد	۵۳۶ ، ۴۱
طلایه بیامد پیرموده گفت	۱۰۹۱ ، ۴۲
طلایه بیامد بر ترجمان	۴۵۵ ، ۱۳f
طلایه بیامد بگفت این بشاه	۲۰۶۰ ، ۴۳
طلایه بیامد بنزدیک شاه	۱۹۳۳ ، ۱۳g
طلایه بیامد بنزدیک طوس	۱۶۳ ، ۱۳b
طلایه بیامد ز پیش سپاه	۱۸۹۶ ، ۱۳
طلایه بیامد ز ترکان براه	۶۲۵ ، ۴۲
طلایه بیامد ز هر دو سپاه	۱۵۰ ، ۴۳
طلایه بیامد که آمد سپاه	۸۷۸ ، ۵۰
طلایه پراکنده بر گرد	۳۳۳۳ ، ۴۱

(*) ستاره در سطر اول بجای «تاب» و در دوم بجای «عود» آمده است.

حرف ع

۶	۲۴۰	عماری پشت هیوان	۳۵	۱۳۹	عجب ماند شاه از چنان
۴۰	۱۸۲	عماری بسپچید و آمد	۱۲e	۱۳۱۳	عجب ماند و نیست جای
۱۵	۲۴۴۷	عماری بسپچید و دیبا	۷	۲۱۳۰	عجب نیست از رستم تا
۱۳e	۲۳۸	عماری بسپچید و رفتن بر راه	۳۰	۱۳۳	عرابی ذوالاکتاف کردش
۱۲b	۱۶۵	عماری بماه نو آراسته	۴۲	۳۵۰	عرب چون شنیدند بسته
۴۳	۱۵۹۶	عماری بیاراست زرین	۴۲	۳۲۷	عرض با جریده بنزدیک
۳۵	۱۱۳۴	عماری بیاورد و خادم	۴۱	۲۴۷۴	عرض بستر دنام دیوان او
۷	۱۷۴۹	عماری و بالای هودج	۴۲	۳۲۶	عرض را بخوان تا بیارد
۵۰	۲۷	عمر آنکه بدو منان را امیر	۴۶	۳۴	عرض را بدیوان شاهی نشاند
E	۱۰۰	عمر کرد اسلام را آشکار	۴۱	۲۳۶	عرض شد ز در سوی هر
۱۳f	۷۹۱	عمود از پس تیغ برداشتن	۳۰	۴۵۰	عرضگاه و دیوان بیاراست
۱۳	۱۱۷۱	عمود گران بر کشیدند باز	۷	۱۴۴۵	عروس از بهر اندرون
۸	۵۱۱	عمودی بزد بر روشنش	۷	۴۴۴	عروسم نباید که رعناشوم
۱۳c	۱۱۲۴	عمودی بزد بر سرش پور	۴۱	۵۸۰	عزیزی بود خوار و زارو
۱۳c	۱۴۳۹	عمودی بزد بر سرش پیلش	۷	۱۵۰۸	عقاب از بر ترک او نکند
۱۳f	۱۸۸۷	عمودی بزد بر سر و ترگ	۷	۱۱۳۴	عقاب تکاور برانگیختم
۱۳f	۹۰۷	عمودی بزد کان سر ترگ	۱۵	۱۷۳۵	عقاب دلاور بر آن راه شیر
۱۳f	۱۶۱۸	عمودی فرو هشت بر گسهم	۲۰	۸۷۹	عقیق وز بر جد بر او بر نکار
۱۲e	۴۱۲	عمودی که کو بنده هومان	۴۲	۵	عقیق وز بر جد که دادت بهم
۱۵	۲۹۷۷	عنان از عنایت نییچم بر راه	۱۳e	۸۱۳	عقیق وز بر جد همه بر گ
۱۲c	۱۱۴۹	عنان باز پیچید و برداشت	۱۳	۲۵۴	عقیق و زمرد بر او ریخته
۱۳f	۷۳۰	عنان باز کس زین تکاور	۱۳b	۶۱۵	علف تنگ بود اندر آن رزم
۱۳e	۷۷۲	عنان با عنان من اندر بست	۴۲	۱۴۰۴	علف ساخت جایی که او بر
۱۳	۸۷۰	عنان بر گرایید و آمد چو	E	۱۰۵	علی را چنین دان و دیگر
۱۳c	۱۴۹۵	عنان بر گرایید و آمد چو			
۱۲c	۳۳۴	عنان بر گرایید و برداشت			
۱۲	۱۰۳۰	عنان بر گرایید و بر گاشت			
۱۳	۱۸۷۳	عنان بزرگی هر آنکس			

(*) ستاره در سطر اول بجای «باد» و در دوم بجای «شیر» آمده است.

عنان را بیچید و بگرفت	۱۰۰۴ ، ۱۲b	عنان پاک بریال اسپان	۳۳۵ ، ۱۲b
عنان را بیچید و بنمود	۱۱۴ ، ۳۸	عنان بیج و گردافکن و	۱۲۴۸ ، ۷
عنان را بیچید و تنها	۱۰۴۳ ، ۱۳	عنان تافت بر کین بر آمد	۱۱۱۶ ، ۱۲
عنان را بتندی یکی بر گرا	۸۸۶ ، ۱۲b	عنان تکاور بدو داد و گفت	۱۴۷۲ ، ۳۲
عنان را بدان باره کرده	۱۰۳۳ ، ۲۳	عنان تکاور همی داشت نرم	۱۸۲۸ ، ۱۲d
عنان را چپ و راست لختی	۱۹۶ ، ۴۱	عنان دار چون او ندیدست	۴۲۸ ، ۱۲c
عنان را چو گردان یکی بر	۱۶۲۷ ، ۱۳	عنان را ببورسرافراز داد	۲۰۷ ، ۱۲e
عنان را فکندند بر پیش	۱۱۵۵ ، ۱۳e	عنان را بیچید از آن	۳۶۴ ، ۱۲e
عنان را گران کرد در پیش	۳۰۰۰ ، ۱۵	عنان را بیچید با سر کشان	۵۸۰ ، ۱۲
عنان را گران کرد و اورا	۱۶۶۶ ، ۱۳b	عنان را بیچید بر دست	۱۵۰۰ ، ۱۲d
عنان را یکی باز پیچی	۲۰۱ ، ۴۱	عنان را بیچید بر میسره	۱۵۱۸ ، ۱۵
عنان رخسار داد و بنهاد	۵۵۵ ، ۱۲	عنان را بیچید بهرام گور	۵۲۹ ، ۳۵
عنانش سپرده بدان پیل	۱۶۶ ، ۱۱	عنان را بیچید سوی فرود	۸۴۷ ، ۱۳
عنانش گرفتند و بر تافتند	۸۲۱ ، ۱۳g	عنان را بیچید کاموس	۱۲۹۶ ، ۱۳b
عنان کرد پیمان بر ابراه	۱۶۰۳ ، ۱۳	عنان را بیچید گرد آفرید	۳۶۸ ، ۱۲e
عنان و سنان و سپرد داشتن	۱۰۱ ، ۱۷	عنان را بیچید موبد	۱۰۲۶ ، ۴۱
عنانها یک اندر دگر ساخته	۲۰۷ ، ۱۳g	عنان را بیچید و آمد	۹۸۵ ، ۱۳e
عنان هیون تکاور بتافت	۱۹۴۴ ، ۱۳f	عنان را بیچید و اورا	۱۶۸۴ ، ۱۳b
عوض خواهم آن را که	۵۳۹ ، ۳۰	عنان را بیچید و بر گاشت	۱۰۲۲ ، ۱۲
			۹۸۱ ، ۴



حرف غ

غلام و پرستنده و چار پای	۹۵۰ . ۱۳g	غریب آهویی آمدم در	۴۵۲ . ۱۲c
غلام و کثیر ک بیرون هم	۸۶۰ . ۱۲d	غریبان که بر شهر ما بگذرد	۴۷۲ . ۱۹
غلامی بیار است از خویشین	۶۰۴ . ۱۲b	غریبیم و تنها و بی دستیار	۲۷۶۷ . ۴۳
غلامی پدید آمدند در میان	۱۰۷۳ . ۴۱	غریبی همی برگزیدی که	۲۷۵ . ۱۴
غلامی پدید آمدی خوب	۱۴۱ . ۷	غریو آمد از شهر توران	۱۶۰۷ . ۱۲c
غل و بند بر هم شکستم همی	۲۶۱۰ . ۱۵	غریوان همی گشت بر کرد	۴۴۶ . ۱۳e
غله هر چه دارید پیرا کنید	۲۱ . ۳۸	غریوی بر آورد برسان	۵۱۷ . ۱۵
غم آمده همی بهره گر گار	۱۷۳۰ . ۱۵	غریوید بسیار و بردش نماز	۶۸۳ . ۱۲
غم ای جهان از بی آن جهان	۴۱۶۵ . ۴۱	غریویدن آمد ز توران سپاه	۸۵۱ . ۱۳f
غم پادشاهی جهان جویر است	۴۹۵ . ۲۲	غریویدن چنگ و بانگ	۲۷۶ . ۱۳e
غم جان بر آرد خروش از	۴۶۳ . ۱۲c	غریویدن مرد و غرنده	۱۱۷ . ۱۱
غم گنج و بومست و هم چار پای	۲۵۶ . ۱۳c	غلامان رومی بدی بای روم	۲۹۲ . ۷
غم و انده و رنج و تیمار و درد	۷۶۴ . ۱۲	غلامان رومی بزرین کمر	۲۲۶ . ۱۳d
غم و شادمانی ببايد کشید	۳۵۴۴ . ۴۳	غلامان رومی و چینی هزار	۷۹۴ . ۶
غم و شادمانی زیزدان پاک	۱۰۰۰ . ۱۳c	غلامان فرستمت با خواسته	۱۶۹ . ۱۵
غم و کام دل بیگمان بگذرد	۸۴۴ . ۱۳c	غلامان و اسپان بزرین ستام	۸۷ . ۸
غمی بد دلش ساز نخبیر کرد	۲۴ . ۱۲c	غلامان و اسپ و پرستند	۴۶۸ . ۱۲e
غمی دختر و کودکی در نهان	۱۰۷ . ۱۸	غلامان همه با کلاه و کمر	۸۹۲ . ۱۲d
غمی شد از آن روزهای شده	۲۱۶۷ . ۱۳g	غلام سمن پیکر مشک بو	۱۰۷۷ . ۴۱
غمی شد برابری صفی بر	۸۸۳ . ۵۰	غلام و پرستار رومی هزار	۹۰۱ . ۱۴
غمی شد چو از خواب بیدار	۸۱۴ . ۴۲	غلام و پرستار رومی هزار	۶۰۰ . ۲۳
غمی شد چو بشنید افراسیاب	۸۲۰ . ۱۲d	غلام و پرستندگان ده هزار	۵۴۹ . ۱۲e
غمی شد دل از چاسپدا *	۲۲۵۸ . ۱۵	غلام و پرستنده از هر دری	۳۹۶۱ . ۴۳
غمی شد دل از چاسپدا *	۱۵۴۷ . ۱۵		
غمی شد دل بهمن از کار آری	۲۸۸۴ . ۱۵		
غمی شد دل بهلوانان ز شاه	۲۷۶۸ . ۱۳g		
غمی شد دل شیر در نیستان	۸۸۱ . ۱۲e		

(*) ستاره در سطر اول بجای «زان سخن» و در دوم بجای «زان شکست»

آمده است .

غمی گشت فنفور خاقان	۱۸۷۶ ، ۱۳g	غمی شد دل طوس و اندیشه	۱۳۰۵ ، ۱۲e
غمی گشت قیصرز گفتار	۶۹۹ ، ۱۴	غمی شد دل گو چوپاسخ	۳۱۲۶ ، ۴۱
غمی گشت و با لشکر	۱۰۷۴ ، ۴۲	غمی شد دل گیو و خیره	۸۱۶ ، ۱۲e
غمی گشت و بانامور زال	۲۶۳۵ ، ۱۳g	غمی شد دل مرد پر خاشجو	۱۲۵۹ ، ۱۳
غمی گشت و بگذاشت دریا	۲۳۵۳ ، ۳۵	غمی شد دل مرد دیهیم جو	۱۲۴۱ ، ۱۳e
غمی گشت و پرما یگان را	۱۴۵۸ ، ۱۵	غمی شد دل مرد شمشیرزن	۳۷۰۷ ، ۱۵
غمی گشت و پوشید خفتان	۱۲۲۱ ، ۱۳e	غمی شد دل زانکه شاه	۱۲۴۳ ، ۱۲d
غمی گشت و پیراهنش بر	۱۴۶ ، ۳۵	غمی شد دل موبداز کاراو	۳۶۶۸ ، ۴۳
غمی گشت و لشکر همه باز	۵۳۵ ، ۲۱	غمی شد زبوزر جمهر او	۱۰۳۵ ، ۴۱
غمی گشت هومان از آن کار	۳۸۵ ، ۱۳e	غمی شد ز درد دل گیوشاه	۵۴۷ ، ۱۳e
غمین بد بدل شاه هاماور	۱۷۶ ، ۱۲b	غمی شد ز گفتار او شهر یار	۷۸۴ ، ۱۴
غمین بود از این کار و دل بر	۶۱۰ ، ۱۲e	غمی شد ز گفتار او مادرش	۲۵۳۷ ، ۱۵
غمین شد دل نامداران	۶۶۵ ، ۱۲e	غمی شد ز گفتار فرغارشاه	۱۲۹۹ ، ۱۳e
غمین شد دل هر دو از یک-	۱۱۰۰ ، ۱۲e	غمی شد ز مرگ آن سرتاج	۲۳ ، ۳۰
غمین شد زارژنگ و دیو	۸۶۴ ، ۱۲	غمی شد ز گفتار شاه	۵۶۲ ، ۲۰
غمین گشت بد گوهر نابکار	۹۴۳ ، ۱۲	غمی شد فرامرز در مرز	۷۶ ، ۱۶
غمین گشت رستم بیازید	۱۳۳۹ ، ۱۲e	غمی شد فرستاده هند سخت	۲۷۸۸ ، ۴۱
غمین گشت رستم ز گفتار	۱۱۷۲ ، ۱۲e	غمی گشت از آن اشتر	۲۷۵۰ ، ۱۵
غمین گشت سهراب رادل	۹۰۷ ، ۱۲e	غمی گشت از آن چارگرد	۱۴۰۶ ، ۱۳e
غمین گشت کاروس و آواز	۱۰۳۶ ، ۱۲e	غمی گشت از آن کارافرا-	۴۱۲ ، ۸
غمین گشت و آهنگ آویز	۴۰۳ ، ۱۲b	غمی گشت از آن کار بهرام	۵۵۹ ، ۴۴
غمین گشت و از شاه زنهار	۱۰۱ ، ۱۲b	غمی گشت از آن کار خسرو	۲۱۸۲ ، ۴۴
غمین گشت و بر زد خروشی	۳۱۱ ، ۱۲e	غمی گشت از آن کار داراب	۱۵۵ ، ۱۷
غمین گشت و بیجان شد از	۱۰۲۹ ، ۶	غمی گشت از آن کار دستان	۴۳۹۳ ، ۱۵
غمین گشت و زومان داندر	۱۳۲۵ ، ۱۲e	غمی گشت بیژن بدین	۱۲۲۱ ، ۱۳
غمین گشت و سودا به راه پیش	۱۴۸ ، ۱۲b	غمی گشت بولاد از آن یال	۱۴۵۹ ، ۱۳e
غمین گشت و سودا به راه خوار	۴۱۱ ، ۱۲d	غمی گشت پیران و توران	۱۹۷ ، ۱۳b
غمین گشت و نکشاد خود	۴۴۲ ، ۱۲d	غمی گشت چون بارگی را	۴۹ ، ۱۲e
غمیمت ببخشید پس بر سپاه	۱۰۵۸ ، ۴۴	غمی گشت رستم با و از گفت	۱۰۴۴ ، ۱۲d
غمیمت بر از بخش کوچنگ	۳۷۷ ، ۲۲	غمی گشت رستم چو بیدار	۹۱ ، ۱۳d

غوزی چهار و خروتن زنگان	۵۸۴ ، ۴۱	غنیمت که از لشکرش یافتی	۱۲۲۱ ، ۴۲
غوطبل بر کوهه زین	۱۶۳۳ ، ۱۳g	غنیمت همه بهر لشکر نهاد	۱۶۴۴ ، ۳۵
غو کوس با ناله کر نای	۱۰۳۰ ، ۱۳	غو پاسبانان و بانگ جرس	۹۲ ، ۳۹
غو کوس خواهیم ز آوای	۳۳۷۰ ، ۱۵	غو پاسبان خاست چون	۲۲۹ ، ۱۷
غو کوس و گرد دلیران	۵۳۷ ، ۱۲b	غودید بان باید از دیدگاه	۲۳۱۳ ، ۱۵
غو نای و آواز اسپان	۲۹۳۳ ، ۱۳g	غودیده بشنید دستان سام	۶۶۸ ، ۱۳e
		غودیده بشنید گودرز و	۱۰۱۱ ، ۱۳b



حرف ف

فراز آمدندش تنی سی هزار	۷۸۳ . ۴۱	فتاد آتش اندر پروم	۱۶۸ . ۱۳c
فراز آمد و تخت را داد	۳۰۵ . ۷	فتاد اندر آن بوم و بر گفت	۸۱۷ . ۶
فراز آمده بود مر شاه را	۳۳۲ . ۱۵	فتاده فروغ چراغ اندر آب	۱۵۶۸ . ۲۰
فراز آمد و بر گرفتش ز	۸۰۴ . ۱۵	فتادی بچنگال شیر زیان	۲۸۵ . ۱۳e
فراز آور از هر سوی ساز	۱۴۷۳ . ۱۳	فدا کردمش جان و بایست	۸۳۱ . ۴۳
فراز آورد گنج و هم خوا-	۶۴ . ۸	فدا کرده ای جان و فرزند	۱۷۱۳ . ۱۳f
فراز آورد لشکر و بوق و	۳۲۲ . ۳۴	فدا کرده جان راهمی پیش	۱۵۱ . ۴۴
فراز آورد لشکر و خوا-	۲۴۹۱ . ۴۱	فدای تو باد اتن و جان من	۱۱۷۳ . ۱۲d
فراز آورم چاره از هر در	۲۰۹۵ . ۱۵	فدای تو باد اتن و جان من	۱۵۴۶ . ۱۳g
فراز آورم لشکری گرز	۳۷۲ . ۶	فدای تو باد اتن و جان من	۱۹۶۸ . ۱۵
فراز آوریدند بیمر سپاه	۶۱۰ . ۸	فدای تو باد اتن و جان من	۱۵۲ . ۱۹
فراز آوریدند پیالی چو	۹۹۳ . ۱۵	فدای تو باد اتن و جان من	۲۷۲۳ . ۴۳
فراز اسپنوی و تزاو از	۱۳۱۳ . ۱۳	فدای تو بادا همه جان ما	۱۷۲۰ . ۱۳f
فرازش نباید کشیدن بی پیش	۸۹۰ . ۱۵	فدای تو بادا همه خواسته	۵۱۶ . ۳۰
فرازش نور دید و کردش	۱۸۲ . ۱۵	فدای تو بادا همه هر چه	۱۳۶۸ . ۱۲d
فرازش نیامد بر آن کار	۳۲۳ . ۳۵	فدای تو دارم تن و جان	۱۵۹۱ . ۱۵
فرازنده اختر کاویان	۱۸۸ . ۱۳	فدای سپه کرده ای جان و	۲۰۸۵ . ۱۳f
فرازنده جوشن وزین و	۲۵۷۶ . ۱۳g	فراخی که از تنگی آمد	۴۹۰ . ۹
فرازنده طاق فیروزه قام	۲۱۴ . ۱۱	فراز آر لشکر بیارای	۳۱۷۲ . ۴۱
فرازو نشیبش همه کشته	۱۰۳۹ . ۱۳	فراز آمد آن گردش ایزد	۲۰۱۲ . ۱۳f
فرازیکی پهل نر زال زر	۲۳۷ . ۷	فراز آمد آن گردش بخت	۱۹۰۸ . ۲۰
فرا مرز آمد نخستین ز راه	۱۶۵ . ۱۲e	فراز آمد از شاهزاده سخن	۸۸۸ . ۱۵
فرا مرز آن نجاست با لشکر	۱۸۲ . ۱۲e	فراز آمد از هر سوی لشکر	۳۳۷ . ۳۰
فرا مرز با اندکی رزمجو	۹۴ . ۱۶	فراز آمدش ارچو آزر مو	۴۹۷ . ۲۱
فرا مرز بگذاشت قلب سپاه	۲۰۸ . ۱۲e	فراز آمدش تیغزن صد	۳۶ . ۳۹
فرا مرز پور جهان بین من	۴۵۳۹ . ۱۵	فراز آمدند این دو لشکر	۳۲ . ۱۸
فرا مرز پور جهان پهلوان	۱۹۴ . ۱۲e		
فرا مرز پور گو پیلتن	۹۹ . ۱۲e		
فرا مرز پیش آمدش با سپاه	۸۰ . ۱۶		
فرا مرز پیش پند شد چو	۲۲۷ . ۱۲e		

فراوان از آن لشکری	۱۳۴۴	۱۳b	فراوان از آن لشکری	۱۳۴۴	۱۳b
فراوان از آن مردمان	۴۱۴	۱۲b	فراوان از آن مردمان	۴۱۴	۱۲b
فراوان از ایران کشته	۱۱۱۱	۱۳e	فراوان از ایران کشته	۱۱۱۱	۱۳e
فراوان از ایران کشته	۱۱۱۷	۱۳e	فراوان از ایران کشته	۱۱۱۷	۱۳e
فراوان ازین در سخن ها	۱۷۷۶	۴۲	فراوان ازین در سخن ها	۱۷۷۶	۴۲
فراوان بیار اندرون سیم	۲۷۲۱	۴۱	فراوان بیار اندرون سیم	۲۷۲۱	۴۱
فراوان ببودند پیشش بیا	۲۶۴۳	۱۳g	فراوان ببودند پیشش بیا	۲۶۴۳	۱۳g
فراوان بپرسیدندش افراسیاب	۲۳۳۴	۱۲d	فراوان بپرسیدندش افراسیاب	۲۳۳۴	۱۲d
فراوان بپرسید و بنشاخت	۹۸۲	۱۳f	فراوان بپرسید و بنشاخت	۹۸۲	۱۳f
فراوان بپرسید و بنواخت	۸۳۶	۲۰	فراوان بپرسید و بنواخت	۸۳۶	۲۰
فراوان بپرسید و بنواخت	۲۳۹	۳۴	فراوان بپرسید و بنواخت	۲۳۹	۳۴
فراوان بچستند و باز آمد	۳۸۲۳	۴۳	فراوان بچستند و باز آمد	۳۸۲۳	۴۳
فراوان بچستند و جای	۱۳۸۳	۱۳g	فراوان بچستند و جای	۱۳۸۳	۱۳g
فراوان بچندید از شهر	۹۹۸	۳۵	فراوان بچندید از شهر	۹۹۸	۳۵
فراوان بچندید و شیروان	۲۰۷	۴۱	فراوان بچندید و شیروان	۲۰۷	۴۱
فراوان بدویش دینار داد	۲۱۴۴	۴۳	فراوان بدویش دینار داد	۲۱۴۴	۴۳
فراوان بد و آفرین کرد	۳۴۴	۱۳	فراوان بد و آفرین کرد	۳۴۴	۱۳
فراوان بدو اندرون برده	۱۱۱۵	۴۳	فراوان بدو اندرون برده	۱۱۱۵	۴۳
فراوان بدین نکند در روز	۱۸۵۳	۱۲d	فراوان بدین نکند در روز	۱۸۵۳	۱۲d
فراوان بر آن عهدی کنی	۴۶۰۱	۴۱	فراوان بر آن عهدی کنی	۴۶۰۱	۴۱
فراوان بر او بگفت در روز	۴۰۶۴	۱۵	فراوان بر او بگفت در روز	۴۰۶۴	۱۵
فراوان بگو شهید اندر او	۴۰۸۶	۱۵	فراوان بگو شهید اندر او	۴۰۸۶	۱۵
فراوان بگفتند اگر روزی	۲۰۵۳	۱۲d	فراوان بگفتند اگر روزی	۲۰۵۳	۱۲d
فراوان بگفتند با او بگفتند	۳	۳۹	فراوان بگفتند با او بگفتند	۳	۳۹
فراوان بگفتند با یکدیگر	۲۱۰۴	۱۲d	فراوان بگفتند با یکدیگر	۲۱۰۴	۱۲d
فراوان بگفتند و انداختند	۴۴۸	۱۲e	فراوان بگفتند و انداختند	۴۴۸	۱۲e
فراوان بکشگر مرادید	۹۰۴	۱۲e	فراوان بکشگر مرادید	۹۰۴	۱۲e
فراوان بکشد خاک در	۱۶۸۵	۱۳g	فراوان بکشد خاک در	۱۶۸۵	۱۳g
فراوان بکشد رخ بر	۱۴۸	۱۳	فراوان بکشد رخ بر	۱۴۸	۱۳
فراوان جز کین مادر جهان	۸	۱۶	فراوان جز کین مادر جهان	۸	۱۶
فراوان چون دید یار آمد	۳۳۹	۱۲e	فراوان چون دید یار آمد	۳۳۹	۱۲e
فراوان چون سرخه را یافت	۲۲۳	۱۲e	فراوان چون سرخه را یافت	۲۲۳	۱۲e
فراوان چون سوک رستم	۴۶۲۳	۱۵	فراوان چون سوک رستم	۴۶۲۳	۱۵
فراوان چون نزد کابل	۴۵۸۶	۱۵	فراوان چون نزد کابل	۴۵۸۶	۱۵
فراوان زرادست بسته چو	۱۸۸	۱۲e	فراوان زرادست بسته چو	۱۸۸	۱۲e
فراوان زرادسته سپاهی گران	۳۳۹	۱۳	فراوان زرادسته سپاهی گران	۳۳۹	۱۳
فراوان زرادسته کلاه و نگین	۱۱۴	۱۳f	فراوان زرادسته کلاه و نگین	۱۱۴	۱۳f
فراوان ز را دید همچون	۲۳۲	۱۲e	فراوان ز را دید همچون	۲۳۲	۱۲e
فراوان ز زنده بردار کرد	۱۰۹	۱۶	فراوان ز زنده بردار کرد	۱۰۹	۱۶
فراوان ز را نیز بسته دو	۳۷۳۳	۱۵	فراوان ز را نیز بسته دو	۳۷۳۳	۱۵
فراوان ز رفت و پدر باز	۴۷۴	۱۲	فراوان ز رفت و پدر باز	۴۷۴	۱۲
فراوان ز کردش پیاده تباہ	۳۷۱۶	۱۵	فراوان ز کردش پیاده تباہ	۳۷۱۶	۱۵
فراوان ز کز بهر خون پدر	۲۲	۱۶	فراوان ز کز بهر خون پدر	۲۲	۱۶
فراوان ز گفت ای گو شور	۱۳۴	۱۲e	فراوان ز گفت ای گو شور	۱۳۴	۱۲e
فراوان ز شکفت اگر سر	۲۳۷	۱۲e	فراوان ز شکفت اگر سر	۲۳۷	۱۲e
فراوان ترا مهتران چون	۲۸۱۱	۱۵	فراوان ترا مهتران چون	۲۸۱۱	۱۵
فراوان ز شدم کار آن کارزار	۱۱۶۱	۱۳b	فراوان ز شدم کار آن کارزار	۱۱۶۱	۱۳b
فراوان ز کنم مهر نان و نمک	۳۰۸۱	۱۵	فراوان ز کنم مهر نان و نمک	۳۰۸۱	۱۵
فراوان ز مکن خون آن شهر	۵۱۸	۱۲e	فراوان ز مکن خون آن شهر	۵۱۸	۱۲e
فراوان ز مکن مهر دایه زدل	۱۹۷	۷	فراوان ز مکن مهر دایه زدل	۱۹۷	۷
فراوان ز کردی تو رزم	۸۵۷	۱۲b	فراوان ز کردی تو رزم	۸۵۷	۱۲b
فراوان ز کردی تو سگری	۳۹۶۹	۱۵	فراوان ز کردی تو سگری	۳۹۶۹	۱۵
فراوان ز کردی زها ماور	۶۸۹	۱۲c	فراوان ز کردی زها ماور	۶۸۹	۱۲c
فراوان ز کردی مگر کار	۲۵۲۶	۴۳	فراوان ز کردی مگر کار	۲۵۲۶	۴۳
فراوان ز کردی مگر گویو	۳۹۳	۱۳e	فراوان ز کردی مگر گویو	۳۹۳	۱۳e
فراوان ز نام و فرخنده	۱۳۲	۵	فراوان ز نام و فرخنده	۱۳۲	۵
فراوان ز بدوداد فرزندان	۱۴۱	۵	فراوان ز بدوداد فرزندان	۱۴۱	۵
فراوان ز بدو گفت کای پاک	۱۵۲	۵	فراوان ز بدو گفت کای پاک	۱۵۲	۵
فراوان ز بدو گفت کای نام	۱۶۶	۵	فراوان ز بدو گفت کای نام	۱۶۶	۵

۱۶۶۴ ، ۱۳	فراوان زهر دوسپه کشته	۸۸ ، ۴۶	فراوان بمانند بی شهر یار
۴۵۸۶ ، ۴۱	فراوان زهر گونه افکند	۴۵۳۲ ، ۱۵	فراوان بنانی سر آید
۴۳ ، ۲۳	فراوان زهر گونه جستند	۶۵۲ ، ۱۳e	فراوان بنزد منش دستگاه
۱۶۸۲ ، ۴۳	فراوان سپاهست با او بهم	۳۶۶۵ ، ۱۵	فراوان بنیزه بر آویختند
۲۱۰۰ ، ۴۳	فراوان سپاهست پیش اندر	۶۹۴ ، ۴۲	فراوان بیابمی زمین خواسته
۱۴۲۲ ، ۱۲d	فراوان سپهد فرستاد چیز	۱۴۸۸ ، ۴۲	فراوان پرستنده بر گرد
۱۴۵۴ ، ۱۳b	فراوان سپه دیده ام پیش از	۸۴۱ ، ۲۰	فراوان پرستنده پیشش بیا
۴۰۴ ، ۲۲	فراوان سخن در نهان	۵۵۲ ، ۱۳f	فراوان پسرداری ای نامور
۵۳۹ ، ۱۳	فراوان سخن راند از	۵۴۶ ، ۱۲b	فراوان تبه کرد مرد دستور
۱۷۶۱ ، ۲۳	فراوان سخن رفت از آن	۳۱۷ ، ۲۱	فراوان جهانجوی بنواخت
۱۱۳ ، ۴	فراوان سخن گفت زیبا	۳۲۹ ، ۱۳	فراوان در آن مرز پیلست
۲۱۱۲ ، ۱۲d	فراوان سخن گفت و نامه	۱۰۳۲ ، ۱۳b	فراوان درفش از میان
۱۰۵۷ ، ۱۲	فراوان سرافتاد مانند گو	۳۸۵۰ ، ۴۱	فراوان درم کرد گرد و
۲۸۳۸ ، ۴۱	فراوانش بستود بر پهلوی	۳۲۴ ، ۱۳	فراوان دگر مرز همچون
۱۹۱۴ ، ۴۲	فراوانش بستود و بخشید	۱۱۹۹ ، ۱۵	فراوان زایرانیان کشته *
۴۲۲ ، ۱۲e	فراوانش بستود و بردش	۱۸۵ ، ۱۹	فراوان زایرانیان کشته *
۸۹۴ ، ۱۴	فراوانش بستود و بردش	۱۲۹۵ ، ۱۲e	فراوان زترکان بپرسید شاه
۴۵۳ ، ۱۲e	فراوانش بستود و بنوا -	۱۳۵۱ ، ۱۳g	فراوان ز توران سپه کشته
۱۰۹ ، ۱۳b	فراوانش بستود و بنوا -	۱۸۲ ، ۱۰	فراوان ز تورانیان کشته
۲۹۴ ، ۲۰	فراوانش بستود و بنوا -	۴۵۲ ، ۸	فراوان ز جنگ آوران
۲۴۴۶ ، ۴۳	فراوانش بستود و کرد	۶۸۵ ، ۱۳b	فراوان ز رستم گرفتند یاد
۱۶۶۱ ، ۱۳f	فراوان شکفتی رسیدم	۹۴۲ ، ۴۱	فراوان ز گردان لشکر
۱۷۳۸ ، ۱۳g	فراوان شما رنج بردا -	۳۹۱ ، ۴۲	فراوان ز گنج پند بر خور
۲۶۲۴ ، ۱۳g	فراوان شنید ایچ پاسخ	۴۸۳ ، ۱۳b	فراوان ز گودرزیان خسته
۱۷۳۴ ، ۱۲d	فراوان عماری بهارا -	۷۵۱ ، ۱۳b	فراوان ز گودرزیان کشته
۹۶ ، ۵	فراوان غم و شادمانی	۲۷۸ ، ۴۰	فراوان ز گیتی سران بردر
۲۹۱۳ ، ۴۳	فراوان فرستاده راه دیده	۲۴۰ ، ۴۲	فراوان ز نامش سخن راند
۱۵۳ ، ۱۳b	فراوان فریبش فرستاده ام	۴۳۶۹ ، ۴۱	فراوان زهر در سخن راند

(*) ستاره در سطر اول بجای «بود» و در دوم بجای «شد» آمده است.

فرستاد با او یکی استوار	۱۵۰۸ . ۴۳	فراوان کس ازدشت نیزه	۱۰۹۰ . ۶
فرستاد با او یکی پر خرد	۴۶۷ . ۳۴	فراوان کس از اشکراو	۵۷۰ . ۳۰
فرستاد با او یکی نامدار	۴۵۸ . ۳۴	فراوان کم آمد زایرانی	۱۴۱۶ . ۱۳
فرستاد با باز و ساو گران	۷۰۴ . ۴۱	فراوان گرفتند واندا -	۲۴ . ۱۲d
فرستاد بازش با یوان خویش	۱۸ . ۳۷	فراوان گهر باید و زر و	۹۰۱ . ۱۳e
فرستاد بالای زرین ستام	۳۵۹۳ . ۴۳	فراوان مصور بجست از	۲۱۸ . ۳۴
فرستاد با مرد روی چهار	۳۳۸۵ . ۴۳	فراوان نبود آن زمان	۱۶۰ . ۴
فرستاد با نامور صد سوار	۱۲۱۱ . ۳۵	فراوان و را بدره و برده	۸۱۳ . ۱۴
فرستاد با نامه هدیه بسی	۲۱۲۱ . ۷	فراوان همی دادمش نیز	۲۴۳۳ . ۱۳f
فرستاد با نیزه ورده هزار	۳۴۰ . ۱۳f	فرایین برانکیخت ازجا	۷۱ . ۴۶
فرستاد باید براو نوا	۹۳۶ . ۱۲d	فرایین چو تاج کیان بر نهاد	۲ . ۴۶
فرستاد باید بنزد یک من	۴۷۲ . ۱۲b	فرایین که تخت کمی را	۶۵۴ . ۵۰
فرستاد با یدش تا سر کشان	۴۶۰ . ۱۲e	فرایین همه نا جوانمرد	۴۵ . ۴۶
فرستاد باید یکی پر خرد	۲۶۸ . ۱۲b	فرخزاد با مازیک پوست	۴۲۴ . ۵۰
فرستاد بدخرا را نزد شاه	۱۵۳۶ . ۱۵	فرخزاد برگشت و شد نژده	۲۹۲ . ۵۰
فرستاد بر میسر سی هزار	۱۹۲ . ۱۳g	فرخزاد بر هم بزده ردو	۳۳۱ . ۵۰
فرستاد بر میسر همه چنین	۸۳۱ . ۴۲	فرخزاد بفرود گفتار تند	۸۹۲ . ۴۳
فرستاد بر میمنه ده هزار	۱۸۸ . ۱۳g	فرخزاد چون روی ماهوی	۴۷۴ . ۵۰
فرستاد بر هر دری لشکر	۱۰۷۵ . ۱۳g	فرخ زاد را جمله فرمان	۶۷۸ . ۱۴
فرستاد بر هر سوی دید بان	۴۶۷ . ۱۵	فرخزاد را گفت پر مایه	۷۰۰ . ۱۴
فرستاد بر هر سوی لشکر	۲۷۵ . ۱۳g	فرخزاد گفت و شهنشه	۲۹۹ . ۵۰
فرستاد بر هر سوی لشکر	۱۳ . ۴۲	فرخزاد گوید که با انجمن	۳۰۳ . ۵۰
فرستاد بر هر سوی مویز	۱۰۱۴ . ۴۱	فرخزاد و چون خسرو سر	۱۹۳۰ . ۴۳
فرستاد بندوی پراشهریان	۲۲۰۰ . ۴۳	فرخزاد هر مزد از آن جای	۴۸۵ . ۵۰
فرستاد بهرام زی او	۲۹۶ . ۳۴	فرخزاد هر مزد با آب چشم	۲۸۹ . ۵۰
فرستاد بهرام مردی دین	۱۳۲۶ . ۴۲	فرخزاد هر مزد لشکر	۳۶۱ . ۵۰
فرستاد بهری بنزد یک شاه	۱۱۷۹ . ۱۳c	فرستاد آیین گشسب آن	۱۸۸۰ . ۴۲
فرستاد بهری ز گردان	۹۲۳ . ۱۳g	فرستاد از آن آهن تیره	۴۰۶ . ۲۰
فرستاد بیدار کار آگاهان	۱۴۹ . ۱۷	فرستاد از آن تازیان ده	۲۸۲ . ۳۴
فرستاد بیدار کار آگاهان	۹۸ . ۴۳	فرستاد با او سواران	۱۰۵۹ . ۴۲

فرستاد شاپور کار آگهان	۳۶۰	۳۰	فرستاد و پیدار کار آگهان	۱۷۰۳	۳۳
فرستادش اسپه بزرین ستام	۱۲۶۲	۴۲	فرستاد پاسخ بشیرویه باز	۵۲۸	۴۴
فرستادش او کندنی خورد	۳۴۶۱	۴۱	فرستاد پاسخ که این گفتگو	۵۱۹	۱۲b
فرستادشان سوی مرز خزر	۳۴۶	۴۲	فرستاد پاسخ هم اندر زمان	۲۱۶	۱۳e
فرستادشان شاه سوی	۳۵۳	۲۰	فرستاد پس چیزها سوی	۳۴۱۰	۴۳
فرستادشان لشکری گشن	۱۸۸	۶	فرستاد پیران مر او را چو	۴۶۱	۱۲e
فرستادشان نزد آن پیدر-	۴۸۷	۱۵	فرستاد پیران هم اندر زمان	۷۰۳	۱۲e
فرستادشان نزد گلنار شاه	۱۷۶	۲۱	فرستاد پیلان بر پیل شاه	۲۰۵	۱۳d
فرستاد شکل یکی راه	۲۱۷۲	۳۵	فرستاد تا آورد شاه را	۴۳۹	۱۲e
فرستاد شیروی پنجاه مرد	۵۴۳	۴۴	فرستاد تا باز خواهد زدشت	۴۳	۱۸
فرستاد شیرین بشیرویه	۶۲۸	۴۴	فرستاد تا از آن بنزد گراز	۴۰۴۸	۴۳
فرستاد صد بدره گنج درم	۲۴۹۶	۴۳	فرستاد تا کرد بر گرد	۱۰۹۳	۴۲
فرستاد فرزند را نزد شاه	۲۲۹۲	۴۱	فرستاد تا گیو را خواند	۱۸۳۶	۱۳g
فرستاد قیصر بر ما ز رزم	۳۶۷۲	۴۱	فرستاد تا هر که آن دخمه	۷۸۷	۵۰
فرستاد قیصر زهر گونه	۲۳۹	۱۷	فرستاد تا هر پیدر دهند	۱۰۴۱	۴۱
فرستاد قیصر سقف را	۶۰۳	۱۴	فرستاد تی تخت آراسته	۷۷۶	۴۲
فرستاد قیصر یکی باد گیر	۵۳	۲۳	فرستاد خاقان بنزدیک	۲۳۲۴	۴۳
فرستاد کس بخردان را	۱۴۰۴	۱۳g	فرستاد خاقان یلان را	۲۵۸۱	۴۳
فرستاد کسری بهر جای	۳۰۴	۴۰	فرستاد خراد او را بنخواند	۲۶۶۸	۴۳
فرستاد کس قیصر نامدار	۱۲۸۰	۴۳	فرستاد خسرو و بشاپور کس	۱۹۱۳	۴۳
فرستاد کس گسته را	۹۶۴	۱۳	فرستاد خسرو سوی مرز روم	۳۲۸۳	۴۳
فرستاد کس نزد آهنکران	۱۳۵۵	۱۵	فرستاد خسرو مهان را	۳۶۰۸	۴۳
فرستاد کس نزد خاقان	۱۸۷۰	۱۳g	فرستاد خلعت بهر مهتران	۹۵	۳۵
فرستادگان جست از آن	۱۱۶	۱۳g	فرستاد خواهم سپاهی	۸۲۹	۱۳b
فرستادگان خاک دادند	۴۳۶۰	۴۱	فرستاد درع سیاوش برش	۹۶۵	۱۳
فرستادگان خردمند من	۲۱۳۳	۴۱	فرستاد دیگر سوی رشنواد	۲۲۶	۱۷
فرستادگان خواند از	۴۳	۱۳f	فرستاد روز چهارم کسی	۱۱۰۳	۴۳
فرستادگان خواندند	۲۱۸۳	۴۱	فرستاد زربفت گستردنی	۷۸۶	۱۴
فرستادگان را بره کرد	۱۹۸	۱۵	فرستاد زندی بهر کشور	۸۶۵	۱۵
فرستادگان را چو بنشانند	۲۱۴۸	۴۱	فرستاد سید شتر و ارباب	۳۵۲۴	۴۲

فرستادم و دادمش	۸۹	۲۱	فرستادگان رازهر کشور	۲۰۳۶	۴۱
فرستادمهترینکی رادمان	۴۳۶	۷	فرستادگانرا ستایش	۷۱۵	۴۱
فرستادمیرین بقیصر پیام	۶۹۵	۱۴	فرستادگان را گران هدیه	۱۸۸۳	۱۳g
فرستادنامه بهر کشور	۴۴	۱۳۴	فرستادگان راهمه پیش	۲۰۸۸	۴۱
فرستادنامه سوی راهرا	۴۳۶	۱۲c	فرستادگان سپهدار چین	۲۵۸	۱۵
فرستاد نژد برادر پیام	۳۲۵	۶	فرستادگان کامدندی ز راه	۲۵	۳۴
فرستاد نژد برادرش کس	۳۱۶۵	۴۳	فرستادگانم جو آینه باز	۱۳۰۹	۴۳
فرستاد نژد فریدون گرد	۶۲۰	۵۰	فرستادگان يك بدیگر	۲۰۵۱	۴۱
فرستاد نژدمشعبه جهود	۱۷۳۹	۴۱	فرستاد گردی هم اندر	۱۲۳۹	۱۳
فرستاد نژد يك او بتدگان	۲۴۱	۳۴	فرستاد گرسیوزا ندر زمان	۹۲۶	۱۲d
فرستاد نژد يك او ده هزار	۱۳۴	۲۱	فرستاد گوینده اعرا ز	۱۳	۴۵
فرستاد نژد يك بهرام باز	۱۵۷۶	۴۲	فرستاد گیوش سوی اصفها	۱۲۶۱	۱۲e
فرستاد نژد يك بهرام کس	۹۸۹	۴۳	فرستاد لهراسپ چندی	۱۳۸	۱۴
فرستاد نژد يك بهرام و	۷۳۰	۴۲	فرستادم اورا پاک جوان	۱۴۷۲	۴۳
فرستاد نژد يك پیران سوار	۲۳۴	۱۳۴	فرستادم این بار طوس و	۵۴۶	۱۳
فرستاد نژد يك توتاج و	۸۷۱	۱۴	فرستادم این پیر جاماسپ	۹۱۹	۱۵
فرستاد نژد يك داراب کس	۲۲۱	۱۷	فرستادم اینک بر شهر	۹۴۶	۱۳c
فرستاد نژد يك داقای هند	۱۶۹	۲۲	فرستادم اینک بفرمان تو	۲۶۳	۱۲c
فرستاد نژد يك دستان سام	۹۱۰	۷	فرستادم اینک بنزد نیا	۱۰۱۳	۶
فرستاد نژد يك دستان سام	۲۷۸	۱۱	فرستادم اینک بنزد يك او	۴۱۶۵	۱۵
فرستاد نژد يك دستان سام	۳۸	۱۶	فرستادم اینک بنزد يك تو	۱۴۶۲	۱۳۴
فرستاد نژد يك رستم بیار	۸۵۲	۱۳e	فرستادم اینک بنزد يك تو	۳۴۰	۲۰
فرستاد نژد يك شاه اردواج	۱۰۴	۲۱	فرستادم اینک بنزد يك تو	۲۷۷	۳۴
فرستاد نژد يك شاهان بیار	۲۰۱۴	۱۳g	فرستادم اینک جهان بین	۲۳۰۴	۴۱
فرستاد نژد يك فرزند	۴۲۰۳	۴۱	فرستادم اینک فرستاده	۱۹۳۸	۳۵
فرستاد نژد يك فرزند	۳۱	۶	فرستادم اینک یکی بهلو	۷۰	۴۰
فرستاد نژد يك قیصر بیار	۳۰۲	۱۴	فرستادم اینک یکی هوش	۲۱۹۹	۴۱
فرستاد نژد يك قیصر بیار	۴۷۴	۱۴	فرستاد مردایه را چون	۱۹۳	۱۳e
فرستاد نژد يك کادوس	۴۶۲	۱۲b	فرستادمش زرو گوهر بسی	۵۶۸	۱۲c
			فرستادمش نامه ای پندمند	۷۳	۳۹

فرستاده آمد بر زال زر	۲۱۳۳	۷	فرستاد نزدیک هومان پیام	۱۴۲۱	۱۲c
فرستاده آمد بر ساوه شاه	۶۷۳	۴۲	فرستادن زنگه شاوران	۱۱۹۶	۱۲d
فرستاده آمد بر شاه نو	۳	۴۳	فرستادن کیو و پیوند	۹۴۸	۱۳f
فرستاده آمد بر شهریار	۱۱۳۴	۲۰	فرستادن نامه نزدیک او	۸۱۹	۱۲
فرستاده آمد بر شهریار	۱۸۵	۲۲	فرستاد او را پیاده ز راه	۱۲۴۲	۴۲
فرستاده آمد بزال این	۴۲	۱۶	فرستاد و ایرانیان را	۶۰۶	۴۴
فرستاده آمد بسان پلنگ	۲۵۶	۱۱	فرستاد و ایرانیان را	۳۱۰	۴۲
فرستاده آمد بکردار باد	۷۷۴	۱۴	فرستاد و ایرانیان را	۱۲۰۱	۴۲
فرستاده آمد بکردار باد	۳۰۸	۲۰	فرستاد و ایرانیان را	۱۵۷۹	۴۲
فرستاده آمد بکردار کرد	۷۷	۳۸	فرستاد و ایرانیان را	۲۵۴۹	۴۳
فرستاده آمد بگفت این*	۱۱۷۱	۴۲	فرستاد و بهرام یل را	۲۴۴۴	۴۳
فرستاده آمد بگفت این*	۱۱۹۴	۴۲	فرستاد و رفتند از ایوان	۳۹۰۸	۴۳
فرستاده آمد بگفت این*	۳۴۲	۴۱	فرستاد و فرزند را پیش	۱۲۴۲	۱۳c
فرستاده آمد بمهراب زود	۱۷۰۲	۷	فرستاد و فرمود تا باز	۱۰۳۱	۱۳c
فرستاده آمد بنزدیک زال	۸۸۸	۷	فرستاد و کاوس را آورد	۴۴۰	۱۲b
فرستاده آمد بنزدیک شاه	۸۸۰	۱۲d	فرستاد و گردن کشان را	۸۳۷	۴۳
فرستاده آمد بنزدیک شاه	۲۴۶۸	۱۳f	فرستاده آرنده نامه بود	۹۵۸	۷
فرستاده آمد بنزدیک شاه	۵۸۸	۴۲	فرستاده آمد به بهرام گفت	۶۷۶	۴۲
فرستاده آمد بنزدیک شاه	۷۵۴۷	۴۳	فرستاده آمد بتوران سپاه	۵۲۵	۱۳f
فرستاده آمد بنزدیک من	۲۳۱	۱۳f	فرستاده آمد بدادش پیام	۹۳۱	۱۲d
فرستاده آمد بهر کشوری	۱۸۷۵	۱۳g	فرستاده آمد بدرگاه فور	۵۲۴	۲۰
فرستاده آمد بهنگام شام	۲۸	۲۲	فرستاده آمد بر اردوان	۳۶۳۸	۴۱
فرستاده آمد پراز آب	۳۶۲۲	۴۱	فرستاده آمد بر پهلوان	۵۸۴	۴۲
فرستاده آمد بهامش	۱۹۲۴	۱۳g	فرستاده آمد بر پیلتن	۷۶۴	۱۳e
فرستاده آمد چو آب روان	۳۱۶۲	۴۱	فرستاده آمد بر خوشنواز	۹۸	۳۸
فرستاده آمد چو باد دمان	۲۰۹۲	۷	فرستاده آمد بر رشنواد	۲۳۶	۱۷
فرستاده آمد چو باد دمان	۱۸۶۳	۷	فرستاده آمد بر زن چو	۳۱۵۳	۴۳

(*) ستاره در سطر اول و دوم بجای « پیام » و در سوم بجای « سخن »

آمده است .

فرستاده‌ای جست بارای	۲۵۰	۲۲	فرستاده آمد دلی پر سخن	۶۹۶	۶
فرستاده‌ای جست بازای	۱۷۹۳	۴۲	فرستاده آمد دلی پر شتاب	۲۵۳۴	۴۳
فرستاده‌ای جست بوزر-	۴۲۸۹	۴۱	فرستاده آمد دورخ چون	۷۹۸	۴۲
فرستاده‌ای جست روشن	۳۲۹	۳۰	فرستاده آمد رخی پر ز	۱۰۲۲	۶
فرستاده‌ای جست گرد	۳۴۰	۴۲	فرستاده آمد ز کاووس شاه	۲۱۲۰	۱۲d
فرستاده‌ای جست و گرد	۱۲۳۹	۱۲e	فرستاده آمد ز نزدیک شاه	۱۷۲۶	۱۲d
فرستاده‌ای خواست از در	۵۸۰	۴۲	فرستاده آمد زها ماوران	۱۰۹	۱۲b
فرستاده‌ای خواست شیرین	۳۸	۳۹	فرستاده آمد زهر کشوری	۳۱۰	۱۳
فرستاده‌ای خواست شیرین	۳۱۵۰	۴۳	فرستاده آمد زهر کشوری	۹۷۴	۱۳c
فرستاده‌ای خواستی	۵۶۱	۴۱	فرستاده آمد زهر کشوری	۱۹	۱۹
فرستاده‌ای چون هزبر	۹۱۰۰	۱۲	فرستاده آمد ز هند وز	۲۷۴	۴۱
فرستاده‌ای را پرون کرد	۱۱۸۴	۶	فرستاده آمد سخنها بگفت	۱۳۸۲	۲۰
فرستاده‌ای را کتون چرب	۴۵۴	۴۱	فرستاده آمد لبان پر ز باد	۳۱۷۶	۴۱
فرستاده‌ای رفت بر هر	۲۰۱۰	۱۹	فرستاده آمد همان گه	۴۳۳۸	۴۱
فرستاده‌ای کرد گیو	۸۲۳	۱۲b ^e	فرستاده آمد همان ره نما	۲۱۹	۱۳e
فرستاده‌ایم از بر شهر یار	۷۳۴	۱۳b	فرستاده از پیش افراسیا-	۱۰۸۳	۱۳g
فرستاده‌ای ناسزا بر گزید	۱۴۲۵	۴۲	فرستاده از پیش اوباد	۸۳۱	۷
فرستاده‌ای نیز چون برق	۱۶۳	۵۰	فرستاده از پیش خاقان	۲۳۹۸	۴۳
فرستاده‌ای نیز کاید پرت	۲۵۴۳	۳۵	فرستاده از پیش کسری	۴۲۱۳	۴۱
فرستاده‌ای نیز نزدیک او	۳۱۳۳	۴۱	فرستاده از پیش کودک	۱۰۵۱	۴۱
فرستاده با او نزد هیچ	۴۹۲	۴۱	فرستاده از پیش نوشیرو-	۴۳۵	۴۱
فرستاده با خلعت آمد چو	۱۴۲۹	۴۲	فرستاده از نزد کاووس	۱۴۱۳	۱۲e
فرستاده با خلعت و کام	۳۳۲۸	۴۳	فرستاده اندر شکفتی	۱۰۴۸	۴۱
فرستاده باره بر افکند و	۴۹۱	۱۲b	فرستاده‌ای آمد از خشنو-	۱۱۷	۳۹
فرستاده باز آمد از پیش	۹۰۰	۷	فرستاده‌ای آمد از فیلفو-	۵۷	۱۸
فرستاده با نامه آمد چو	۹۴	۳۸	فرستاده‌ای آمد از نزد	۱۶۹۱	۷
فرستاده با نامه تازان ز	۸۲	۳۹	فرستاده‌ای آمد از نزد	۴۶۱	۸
فرستاده با نامه سوقرای	۶۴	۳۹	فرستاده‌ای باید اکنون	۲۷۶۴	۱۵
فرستاده با نامه شهر یار	۴۷۱	۴۱	فرستاده‌ای بر گزیدی	۳۴۳	۲۲
			فرستاده‌ای جست بارای	۵۰۰۰	۳۰

فرستاده بودی بگرد جهان	۴۱۷۰	۲۲	فرستاده بانامه شهریار	۴۱۴۰	۲۲
فرستاده بهرام را خواسته	۱۷۸۱	۴۲	فرستاده باهش و رای پیر	۱۳۷۲	۱۳۴
فرستاده بهرام را مزده	۴۲۶	۴۲	فرستاده بردغ و هندوروم	۲۰۳۰	۴۱
فرستاده پاسخ بدانسان	۴۶	۱۹	فرستاده برسان آب روان	۷۹۲	۴۱
فرستاده پاسخ بیاورد زود	۴۳۰۸	۱۵	فرستاده بر شاه کرد آفر-	۷۱۱	۶
فرستاده پس موبدان را	۳۸۵	۴۲	فرستاده برگشت برسان	۵۳۳	۱۲b
فرستاده پهلوان را بنخوا-	۱۰۴۸	۴۲	فرستاده برگشت از آن تا	۳۷۲	۲۰
فرستاده پهلوان را بنخوا-	۱۲۱۱	۴۲	فرستاده برگشت مانند	۶۹۲	۱۴
فرستاده پیر کرد آفرین	۱۷۵۸	۳۵	فرستاده برگشت و آمد	۷۳۱	۱۴
فرستاده پیغام شاه جهان	۳۴۷	۴۱	فرستاده برگشت و آمد	۱۷۳۱	۲۰
فرستاده تازان بایران	۱۵۲۱	۳۵	فرستاده برگشت و آمد	۱۵۹۱	۱۳g
فرستاده تازان بکابل	۱۶۴۶	۷	فرستاده برگشت و آمد	۱۷۰۷	۱۳g
فرستاده چرب گوی آمد	۱۵۰	۱۲b	فرستاده برگشت و آمد	۳۲۶۴	۴۱
فرستاده چون پاسخ آورد	۳۴۸	۶	فرستاده برگشت و آمد	۳۶۲۴	۴۱
فرستاده چون پیش بهرام	۱۰۵۷	۴۲	فرستاده برگشت و آمد	۶۸۸	۴۲
فرستاده چون پیش طلحند	۳۱۰۷	۴۱	فرستاده برگشت و آمد	۳۳۱۲	۴۱
فرستاده چون در خراسان	۳۰۲۹	۴۳	فرستاده برگشت و آمد	۴۲۴۵	۴۱
فرستاده چون دید در گاه	۷۰۷	۶	فرستاده برگشت و آمد	۲۰۴۱	۷
فرستاده چون دید سجده	۳۸۷	۶	فرستاده برگشت و پاسخ*	۵۲۹	۳۰
فرستاده چون شد بتنگی	۲۵۹۹	۴۳	فرستاده برگشت و پاسخ*	۱۳۹۰	۲۰
فرستاده چون شد بر یزد-	۲۲۴	۳۴	فرستاده برگشت و شد	۴۲۳۲	۴۱
فرستاده چون شد بنزدیک	۸۸	۴۵	فرستاده بشنید پیغام شاه	۱۴۶۷	۱۳۴
فرستاده چون گفت پیران	۱۴۱۱	۱۳۴	فرستاده بشنید گفتار اوی	۴۲۸	۶
فرستاده چون نزد ایشان	۲۰۱۷	۱۳g	فرستاده بشنید و آمد*	۷۷	۱۸
فرستاده چون نزد پیران	۲۱۸	۱۳۴	فرستاده بشنید و آمد*	۴۴۲	۴۱
فرستاده چون نزد شنگل	۲۴۴۸	۳۵	فرستاده بشنید و برگشت	۳۶۹	۱۲b
فرستاده چون نزد قیصر	۸۸۶	۱۴	فرستاده بنهاد در پیش	۱۸۴۶	۷

(*) ستاره در سطر اول بجای «برد» و در دوم بجای «بگفت» و در

سوم بجای «چوباد» و در چهارم بجای «چوگرد» آمده است.

فرستاده را سر بیرون	۱۸۳۴ ، ۴۱	فرستاده چون نزد قیصر	۳۴۳ ، ۴۲
فرستاده را گز کتم سرد	۱۳۹ ، ۱۲b	فرستاده خود باشم و رهنما	۱۱۶۵ ، ۱۲d
فرستاده را گفت بر خیز و	۷۲ ، ۳۸	فرستاده دیگر از انجمن	۳۸۱ ، ۵۰
فرستاده را گفت بر گرد	۱۹۲۷ ، ۱۳g	فرستاده را اسپ و دینار داد	۵۸ ، ۱۶
فرستاده را گفت پس بپلو	۱۳۸ ، ۱۳b	فرستاده را برده و بدره	۹۹ ، ۲۰
فرستاده را گفت پیش سپاه	۱۳۲ ، ۳۹	فرستاده را پس بر خویش	۱۴۲۱ ، ۱۳f
فرستاده را گفت چندان	۹۶ ، ۳۸	فرستاده را پیش بنشاختش	۳۱۶ ، ۲۰
فرستاده را گفت روباز	۸۶۳ ، ۱۳c	فرستاده را پیش بنشانند	۲۴۲۳ ، ۴۱
فرستاده را گفت روباز	۶۹۰ ، ۴۲	فرستاده را پیش بنشانندیم	۱۳۴۱ ، ۲۰
فرستاده را گفت ره در	۳۵۴ ، ۶	فرستاده را پیش خود	۳۹۰ ، ۲۲
فرستاده را گفت سوی	۶۱۳ ، ۴۲	فرستاده را جایگاهی	۱۰۷ ، ۶
فرستاده را گفت شاه جهان	۳۶۵۶ ، ۴۱	فرستاده را جای که ساختند	۲۰۱۹ ، ۴۱
فرستاده را گفت فردا بگاه	۲۵۳۳ ، ۴۳	فرستاده را چشم موبد بدید	۱۳۴ ، ۴۲
فرستاده را گفت کاین بی	۱۰۵۹ ، ۲۰	فرستاده را چند گفتند	۱۸۷۷ ، ۱۳g
فرستاده را گفت کای هوش	۳۹۸ ، ۶	فرستاده را چیز بخشید و	۱۷۲۷ ، ۲۰
فرستاده را گفت کردم	۱۷۸ ، ۲۲	فرستاده را چیز بخشید و	۱۸۳ ، ۲۲
فرستاده را گفت کور را	۱۷۰۵ ، ۱۳g	فرستاده را چیز بسیار	۱۵۱۴ ، ۳۵
فرستاده را گفت گریان	۲۶۳ ، ۱۷	فرستاده را خلعت آراست	۷۲۱ ، ۴۱
فرستاده را گفت هرگز	۱۸۷ ، ۲۲	فرستاده را خلعت آراست	۱۰۵۶ ، ۴۲
فرستاده را موبد شاه گفت	۱۸۱۲ ، ۳۵	فرستاده را خلعت و یاره	۲۱۲۴ ، ۷
فرستاده را نغز پاسخ دهم	۱۴۵ ، ۳۹	فرستاده را خوار کرد و	۳۱۴ ، ۱۲b
فرستاده را نیز دینار داد	۱۲۱۴ ، ۴۲	فرستاده را خواند پس	۱۲۰۳ ، ۱۳f
فرستاده را هیچ پاسخ نداد	۴۹۰ ، ۴۱	فرستاده را خواند پس	۱۴۹ ، ۳۹
فرستاده را ای را پیش خوا	۲۷۶۶ ، ۴۱	فرستاده را خواند و پرسید	۱۰۸۳ ، ۱۲d
فرستاده را ای را پیش خوا	۲۸۱۸ ، ۴۱	فرستاده را داد بسیار چیز	۹۵۶ ، ۷
فرستاده را ای را پیش خوا	۲۷۶۲ ، ۴۱	فرستاده را داد چندین درم	۸۸۲ ، ۷
فرستاده هر سو بهر کشور	۲۷۴ ، ۱۲b	فرستاده را داد چندین درم	۲۰۱۰ ، ۱۲d
فرستاده هر سو فرستاد گاه	۲۵۵۳ ، ۱۳f	فرستاده را داد و کرد آفر	۱۳۶۶ ، ۴۲
فرستاده هر سو فرستاد	۲۸۳۷ ، ۴۳	فرستاده را در زمان خواند	۱۱۰ ، ۱۹
فرستاده هر سوی کشور پاد	۷۸ ، ۱۵	فرستاده را دید سالار	۸۷۷ ، ۲۰

فرستاده کان هول گفتار	۷۵۸ ، ۶	فرستاده هر سوئیکی پهلوان	۵۷۱ ، ۱۲b
فرستاده کردست از خویش	۸۶۰ ، ۲۰	فرستاده رفت و بدادش پیام	۱۶۶ ، ۱۲d
فرستاده گفت آنکه دانا	۱۸۱۵ ، ۳۵	فرستاده رفتی بردشمنش	۳۴۵ ، ۲۲
فرستاده گفت آنکه روشن	۷۷۴ ، ۶	فرستاده رفتی بنزدیک او	۹ ، ۱۰
فرستاده گفت ای پسندیده	۱۸۱۹ ، ۳۵	فرستاده هر کس که بد بر	۱۶۰۵ ، ۳۳
فرستاده گفت ای خداوند	۷۷۶ ، ۱۳c	فرستاده هر گونه ای خورد	۸۳۷ ، ۲۰
فرستاده گفت ای خردمند	۷۹۸ ، ۱۴	فرستاده هر گونه ای خورد	۱۰۰ ، ۲۱
فرستاده گفت ای خردمند	۱۰۳۳ ، ۴۱	فرستاده روم را خواند شاه	۷۲ ، ۱۸
فرستاده گفت ای سپهدار	۱۶۷۵ ، ۲۰	فرستاده روی سکندر بدید	۱۲۳ ، ۱۹
فرستاده گفت ای سرافراز	۱۰۲۹ ، ۴۲	فرستاده زال باشد درست	۸۳۶ ، ۷
فرستاده گفت ای گران	۳۹۱ ، ۶	فرستاده زال را پیش خوا-	۸۷۶ ، ۷
فرستاده گفت این ندارم	۴۳۰۶ ، ۴۱	فرستاده زین روی برداشت	۴۶ ، ۳۴
فرستاده گفت و سپهبد	۷۲۰ ، ۶	فرستاده سعدوقا صرفت	۲۲۷ ، ۵۰
فرستاده گفت و سپهبد	۷۶۲ ، ۴۲	فرستاده سام چون گشت	۴۳۰ ، ۶
فرستاده گویا زبان بر گشاد	۲۰۹۲ ، ۴۱	فرستاده شاه ایران رسید	۴۲۳۱ ، ۴۱
فرستاده گوید چنین گفت	۱۱۴ ، ۶	فرستاده شاه چون آن	۵۷۵ ، ۴۲
فرستاده گوید که آن مرد	۴۳۱۸ ، ۴۱	فرستاده شاه چون باز گشت	۱۹۲۰ ، ۱۳g
فرستاده گوید که سالار	۳۶۷۳ ، ۴۱	فرستاده شاه را پیش خوا-	۱۳۱ ، ۶
فرستاده گوید که من نزد	۱۰۰۳ ، ۲۰	فرستاده شاه را پیش خوا-	۱۵۹ ، ۱۲b
فرستاده کیوروش روان	۱۲۴۷ ، ۱۲e	فرستاده شاه را پیش خوا-	۱۶۵۲ ، ۲۰
فرستاده گهوست و پیغام	۱۳۶۳ ، ۱۲e	فرستاده شاه گردن فراز	۶۹۶ ، ۴۲
فرستاده هم در زمان ره	۱۰۸ ، ۳۴	فرستاده شد بازیک ساله	۲۸۷۷ ، ۴۱
فرستاده هم در زمان گشت	۱۵۸ ، ۳۹	فرستاده شد با سکندر	۱۷۲۰ ، ۲۰
فرستاده موبد آمد دوان	۳۳۱ ، ۳۰	فرستاده شد تا به ما مور-	۳۰۳ ، ۱۲b
فرستاده نامور باز گشت	۳۳۱ ، ۲۰	فرستاده شد نزد سام بزرگ	۹۵۲ ، ۷
فرستاده هندی فرستاده ای	۲۴۴۴ ، ۳۵	فرستاده شد نزد قیصر شاه	۴۷۰ ، ۱۲b
فرستاده نزدیک افراسیا	۵۱۵ ، ۱۲b	فرستاده شد نزد کاروس کی	۱۲۵۰ ، ۱۲e
فرستاده نزد سیاوش رسید	۷۴۲ ، ۱۲d	فرستاده شهریاران کشی	۲۲۰۷ ، ۳۵
فرستاده نزد سیاوش رسید	۲۲۱۴ ، ۱۲d	فرستاده قیصر آمد بدر	۱۸۱۰ ، ۳۵
فرستاده نزدیک پیران	۵۹۱ ، ۱۳b	فرستاده قیصر نامدار	۱۸۹۸ ، ۳۵

فرستادہ نزدیک دستان	۴۸۲	۸	فرستم همه سوی الماس رود	۱۲۵۶	۱۲c
فرستادہ نزدیک گشتاسپ	۹۰۳	۱۴	فرستم همه نزد سالار شام	۱۲۶	۳۹
فرستادہ نیکدل را بنخواند	۱۶۹۹	۱۳g	فرستم همه همچین پیش تو	۴۴۶	۱۳g
فرستادیش تا ببر د سرم	۱۲۷۳	۱۳g	فرستم یکایک همه پیش تو	۳۲۵۳	۴۱
فرستادیش پیش صد تن	۲۹۵	۱۳	فرستم یکی مرد نزدیک او	۶۳۸	۴۲
فرستادیکسر بر سو فرای	۱۶۳	۳۹	فرستم یکی نامه نزدیک	۹۲۵	۱۲d
فرستادیکسر سوی طیسفون	۲۴۰۰	۴۱	فرستندگان خواندند آفر	۲۰۴۹	۴۱
فرستد از آن شهرها باز	۲۸۰۷	۱۵	فرسته چنن پاسخ آورد	۵۷۷	۱۲c
فرستد بنزدیک ماتاج و	۴۲۰	۱۳c	فرسته جوباد اندر آمد	۲۵۷	۱۷
فرستد تنی چند بر جای	۳۸۷۷	۴۳	فرسته زماز نهران رفت	۳۱۹	۱۲
فرستش بسوی سیاوخش	۲۸۷۷	۱۲d	فرسته فرستاد با خواسته	۸۴۱	۱۵
فرستش بسوی شبستان	۱۷۱	۱۲d	فرسته فرستاد هم زی	۸۷۵	۱۵
فرستم بکنج تواز گنج	۲۸۴	۱۹	فرستی برم تا بتون پدر	۳۰۷	۱۳
فرستم بنزدیک افراسیاب	۵۸۴	۱۳b	فرستی بر من مگر کام من	۲۶۱۱	۳۵
فرستم بنزدیک افراسیاب	۹۴۴	۱۳b	فرستی بنزدیک ما باز و	۷۴۷	۲۰c
فرستم بنزدیک اوسیم وزر	۸۲۶	۱۲d	فرستید از ایمن بلشکر	۱۸۳۶	۴۳
فرستم بنزدیک شاه جهان	۲۹۵	۱۲c	فرستید با او بهندوستان	۱۸۸۰	۲۰
فرستم بنزدیک شاه زمین	۷۰۵	۱۳c	فرستید زودش بنزدیک	۵۷	۲۰
فرستم بنیکی بنزد پدر	۱۶۴۵	۱۲d	فرستید سوی شبستان ما	۴۷۱	۱۹
فرستمت با نیکویی باز جا	۹۲۹	۲۰	فرستید نزدیک ما نامشان	۱۶۷۹	۳۵
فرستمت چندان که باید	۲۶۰	۱۲c	فرستید هر کس که داریت	۵۸۸	۴۳
فرستمت چندان گهرهاز	۳۲۲	۱۹	فرستیدیکسر بدین باره	۴۰۸۶	۴۳
فرستم جو فرماید پیش	۳۰۶	۲۰	فرستم باری چنان هم که	۵۶	۲۳
فرستمش نزدیک آن	۲۱۵۵	۳۵	فرستم باز از بگویی	۳۶۵۳	۴۱
فرستمش یکساله گنجی	۱۸۸۱	۳۵	فرستم جان و را آفرین	۷	۳۱
فرستم کنون با تو اورا	۸۱۱	۲۰	فرستم هر سال هم باج و	۷۶۳	۱۳c
فرستم گران لشکری نزد	۲۴۸	۱۲c	فرستم هم وین سلطان باز	۳۷۱۹	۴۱
فرستم گنه کار را نزد شاه	۱۱۰	۱۳c	فرستم یک نفر داور رسد	۶۴۰	۴۲
فرستم نکر دل نداری بر	۲۷۲	۳۴	فرسته بخوی و جو پیش	۱۷۰۱	۱۲d
فرستم همه سر بسر نزد شاه	۱۱۶۵	۱۳f	فرسته بدو کف تا هم سر و	۱۹۹۰	۴۳

فرنگیس وشهزاده هایك	۱۶۹۴	۱۲d	فرشته چو آید یکی جان	۲۵۹	۴۴
فرنگیس و کینخسرو آنجا	۲۸۸۸	۱۲d	فرنگیس از آن جایکه	۹۴۲	۱۲e
فرنگیس و کینخسرو خوب	۱۱۰۱	۱۲e	فرنگیس باز تیج دیده پسر	۸۶۸	۱۲e
فروبرد بنیاد ده شاه رش	۳۸۷۳	۴۳	فرنگیس بشنید رخ زا	۲۵۶۰	۱۲d
فروبرد چنگال و خون بر	۲۰۵۶	۱۳f	فرنگیس بگرفت کیسو	۲۳۵۶	۱۲d
فروبرد چون باد گاو	۱۲۹۷	۲۰	فرنگیس بهتر ز خوبان	۱۵۷۸	۱۲d
فروبرد خنجر دلش بر	۷۵۴	۱۲	فرنگیس ترکی بسر بر	۸۵۲	۱۲e
فروبرد سر پیش سیمرغ	۲۶۱	۷	فرنگیس چون روی بهزاد	۸۳۴	۱۲e
فروبرد سرور دادا دم	۹۹۲	۷	فرنگیس چون گنج بکشا	۱۷۱۱	۱۳
فروبرد سر یکدم و دم نزد	۱۳۷۸	۷	فرنگیس خواند دورا مادر	۱۶۲۲	۱۲d
فرو برد کشتی هم اندر	۱۲۱۲	۲۰	فرنگیس را از دم ازدها	۴۰۹	۱۳e
فروبرد گردون و اسباب	۱۷۸۸	۱۵	فرنگیس را افسر و گوش	۱۹۴۸	۱۲d
فروبرد ناخن دودیده	۱۶۱۳	۱۲c	فرنگیس را با فریبرز	۸۵۷	۱۳b
فروبرد دوسر کردش از تن	۸۱۷	۱۳f	فرنگیس را چون بچنگ	۱۱۵۴	۱۲e
فروبرده از شیز و صندل	۱۵۷	۷	فرنگیس را در عماری نشا	۱۷۳۵	۱۲d
فرو برده چوب ستاره	۲۹	۳۲	فرنگیس را دید بر تخت	۲۰۱۳	۱۲d
فرو بست دستش بدان کوه	۵۳۷	۵	فرنگیس را دید چون	۲۶۹۰	۱۲d
فرو بست شان زین سخن در	۴۸۳	۱۲d	فرنگیس را دید دیده بر	۱۰۶۸	۱۲e
فرو تر بریده بسی دست و	۳۹۲۹	۴۳	فرنگیس را کاخهای بلند	۱۹۸۱	۱۲d
فرو تر ز موبد مها نرا بدی	۳۹۲۶	۴۳	فرنگیس را گلشن زر نگار	۱۳۳۰	۱۲e
فرو تر که از دشت آموی و	۱۱۴۸	۱۳f	فرنگیس را من خریدم	۲۲۷	۱۳e
فرو تن بود شه که دانا بود	۱۱۵۴	۴۱	فرنگیس را نیز کردند یار	۷۷۸	۱۲e
فرو تن کند گردن خویش	۱۱۹۸	۴۱	فرنگیس را هدیه بر	۱۹۹۰	۱۲d
فرو جست بیژن ز شیر نگ	۲۳۵۶	۱۳f	فرنگیس را هم ندانی تو	۲۱۷۷	۱۲d
فرو جست رستم ببوسید	۱۱۹۴	۱۲	فرنگیس رخ خسته و کنده	۲۴۴۸	۲۲d
فرو خفت لهاک و فر شهید	۲۳۰۰	۱۳f	فرنگیس گفت اردرنگ	۷۸۰	۱۲e
فرو د آردا ز ابر پران مقاب	۱۴۴	۱۲c	فرنگیس گفت ای خرد	۲۳۹۴	۱۲d
فرو د آرمت من ز کوه بلند	۵۸۳	۱۳b	فرنگیس گفت ای گوشین	۲۳۵۲	۱۲d
فرو د آمد آن باره تور کرد	۱۱۵۰	۱۳c	فرنگیس گفت این جز از	۲۳۸۳	۱۲d
فرو د آمد آن بی درفش	۶۱۹	۱۵	فرنگیس نالنده بود این	۲۳۲۵	۱۲d

فرود آمد از اسپ لهر اسپ	۳۱۴۰ ، ۱۳g	فرود آمد آن پیر گریان	۹۳۰ ، ۳۲
فرود آمد از اسپ مهراب	۱۸۹۲ ، ۷	فرود آمد آن شب بدانجا	۷۹۳ ، ۳۳
فرود آمد از اسپ و آن بر	۱۷۴۲ ، ۱۳	فرود آمد از ابر سیمرخ	۱۰۲۰ ، ۷
فرود آمد از اسپ و اورا	۱۹۷۷ ، ۱۳f	فرود آمد از ابر گردی	۹۰۱ ، ۱۳f
فرود آمد از اسپ و اورا	۲۳۹۴ ، ۱۳f	فرود آمد از ابر مرغی	۳۵۷۹ ، ۴۱
فرود آمد از اسپ و بردش	۲۱۹۵ ، ۱۳g	فرود آمد از اسپ بهرام	۱۳۲ ، ۳۵
فرود آمد از اسپ و برسم	۲۴۲۸ ، ۴۱	فرود آمد از اسپ بهرام	۲۸۲ ، ۳۵
فرود آمد از اسپ و بفشارد	۲۰۹۷ ، ۱۲d	فرود آمد از اسپ بیژن	۱۱۷۵ ، ۱۳
فرود آمد از اسپ و بگشاد	۱۸۷۴ ، ۱۳f	فرود آمد از اسپ جنگی	۱۸۹۰ ، ۱۳f
فرود آمد از اسپ و بنوا-	۳۹۳ ، ۳۵	فرود آمد از اسپ جنگی	۵۲۹ ، ۱۴
فرود آمد از اسپ و جای	۳۰۹ ، ۳۵	فرود آمد از اسپ خاقان	۱۳۴۵ ، ۳۲
فرود آمد از اسپ و زین بر	۵۲۷ ، ۱۲	فرود آمد از اسپ روین	۱۳۴۱ ، ۱۳f
فرود آمد از اسپ و شد	۱۹۹۶ ، ۱۳f	فرود آمد از اسپ سام	۲۳۳ ، ۷
فرود آمد از اسپ و کرد	۱۹۰۶ ، ۱۳f	فرود آمد از اسپ سام	۱۱۹۰ ، ۷
فرود آمد از بارگی و بلو-	۱۲۷۳ ، ۱۲e	فرود آمد از اسپ سیندخت	۱۳۷۲ ، ۷
فرود آمد از بارگی چون	۱۸۳۰ ، ۱۵	فرود آمد از اسپ شاپور	۲۷۱ ، ۳۰
فرود آمد از بارگی شاه	۳۵۷۳ ، ۴۱	فرود آمد از اسپ شاه*	۳۷۱ ، ۲۱
فرود آمد از باره اسفندیار	۷۴۹ ، ۱۵	فرود آمد از اسپ شاه*	۵۳۱ ، ۵
فرود آمد از باره اسفندیار	۳۸۱۱ ، ۱۵	فرود آمد از اسپ شاه*	۵۳۸ ، ۳۵
فرود آمد از باره دژ فرود	۱۲۵۲ ، ۱۵	فرود آمد از اسپ شاه*	۷۳۴ ، ۱۳
فرود آمد از باره دژ فرود	۱۰۳۱ ، ۱۳	فرود آمد از اسپ شاه*	۴۱۵ ، ۲۱
فرود آمد از باره راهجوی	۱۱۹۵ ، ۱۲e	فرود آمد از اسپ فرخ*	۱۹۷۷ ، ۴۳
فرود آمد از باره راهجوی	۷۱۳ ، ۱۳f	فرود آمد از اسپ فرخ*	۱۹۵۶ ، ۱۳f
فرود آمد از باره سرفراز	۳۸۹ ، ۱۴	فرود آمد از اسپ کاووس	۵۶۴ ، ۱۲d
فرود آمد از باره گیودلیز	۶۴۵ ، ۱۲e	فرود آمد از اسپ گرگین	۱۹۶۸ ، ۱۳f
فرود آمد از باره نامدار	۱۲۳۷ ، ۴۲	فرود آمد از اسپ گشتاسپ	۹۱۶ ، ۱۴

(* ستاره در سطر اول بجای « اردشیر » و در دوم بجای « بلند » و در

سوم و ششم بجای « جوان » و در چهارم بجای « جهان » و در پنجم بجای « اسپهبد »

و در هفتم بجای « هجیر » آمده است .

فرود آمد از بام پندوی	۸۲۰۰	۳۳	فرود آمد از نامور تخت	۳۰۴۴	۱۳g
فرود آمد از بام کاخ بلند	۷۰۵۰	۷	فرود آمد الکوس تیزاز	۹۷۹	۱۲b
فرود آمد از پای سروسهی	۵۴۹	۵	فرود آمد این جایگه ارد-	۲۳۵	۲۱
فرود آمد از پشت اسپ	۱۳۲۲	۱۳	فرود آمدند از چمنده	۲۶۲	۱۵
فرود آمد از پشت باره	۱۵۳۳	۱۵	فرود آمدند از آب رودبار	۷۴۶	۱۲b
فرود آمد از پشت زین	۲۷۲	۵۰	فرود آمدند اندر آن رزم	۳۱۷۸	۴۱
فرود آمد از پشت شهرنگ	۶۷۷	۱۳g	فرود آمد و آبگون خنجر	۱۷۷	۱۳d
فرود آمد از تخت سام	۶۹	۷	فرود آمد و آفرین کرد	۵۲۱	۱۳c
فرود آمد از تخت شاهی	۳۸۱	۴۴	فرود آمد و اسپ را بالکام	۲۰۰	۳۵
فرود آمد از تخت کاووس	۱۷۹۵	۱۳g	فرود آمد و بامداد پگاه	۱۴۳۴	۲۰
فرود آمد از تخت و بردش	۲۰۱۶	۱۲d	فرود آمد و اسپ را بر	۲۳۳۷	۱۳f
فرود آمد از تخت و شد*	۲۸۷	۱۲d	فرود آمد و اسپ را در	۷۱۰	۱۲e
فرود آمد از تخت و شد*	۱۲۹۳	۱۲e	فرود آمد و برد پیشش نماز	۱۵۸۲	۱۳c
فرود آمد از تخت و شد*	۴۵۲	۱۲e	فرود آمد و برد پیشش نماز	۲۹۳	۵۰
فرود آمد از تخت و کرد	۵۵	۱۳	فرود آمد و بر گرفتش ز	۵۴۹	۱۵
فرود آمد از تخت و یله	۴۱	۱	فرود آمد و پیش یزدان	۹۸۶	۱۳c
فرود آمد از دژ بکردار	۳۱۷	۱۲c	فرود آمد و جامه خویش	۷۷۷	۴۳
فرود آمد از دژ دوان	۷۰۲	۲۱	فرود آمد و خاک را بوسه	۸۳۹	۷
فرود آمد از دژسرافراز	۱۲۳۹	۴۲	فرود آمد و خاک را داد	۱۹۹	۱۳d
فرود آمد از دژ فرستاده	۲۰۳۶	۷	فرود آمد و خنجری بر	۶۸۶	۳۵
فرود آمد از دژ فروهشت	۵۸۳	۱۳	فرود آمد و دست او را	۸۹۵	۵۰
فرود آمد از رخترخشان	۳۷۵۷	۱۵	فرود آمد و رختش را آب	۸۶	۱۳d
فرود آمد از شاخ سرو	۳۸۴۳	۴۳	فرود آمد و شاه بر پای	۱۵۰۲	۱۲d
فرود آمد از شولک خوب	۸۰۰۰	۱۵	فرود آمد و کس فرستاد	۲۱۵	۱۳f
فرود آمد از کوه و بالای	۲۱۶	۷	فرود آمد و که تران را	۵۰	۱۴
فرود آمد از کوه بکذاشت	۱۳۴۵	۱۳c	فرود آمد از زمان گفت سالار	۷۱۲	۱۳
فرود آمد از کوه و دلبد	۱۴۵۲	۱۳b	فرود آورد کاخ و ایوان او	۱۴۰۲	۱۳g
فرود آمد از نامور بارگی	۱۷۱۹	۱۵	فرود آوردم شان ز چرخ	۱۱۵۲	۱۲e

(*) ستاره در سطر اول و دوم بجای « پیش اوی » و در سوم بجای « پیش

باز » آمده است .

فرونده او چو مهر یخچو	۹۲۴۰	۵۰	فروید آورد اندر آن کاخ	۱۹۲۰	۶
فرونده تاج خورشید	۲۴۰	۴۱	فروید آوردش هم آنجا که	۳۱۲۰	۳۴
فرونده تخت و سود و	۱۴۶۵۰	۱۲e	فروید آوردنش از پشت	۹۸۰۰	۲۱
فرونده چون مشتری بر	۳۵۵۰	۵	فروید آید در خان فرزند	۹۵۸۰	۱۳e
فرونده رخسار شده بر	۳۶۸۱۰	۴۱	فروید از تخوار این سخنها	۸۷۷۰	۱۳
فرونده شد کار بوزر جمهر	۱۰۹۳۰	۴۱	فروید داشت دست از کمر بند	۱۱۰۵۰	۱۲e
فرونده گاه و برنده تیغ	۱۳۰	۷	فروید افکند ابر تین	۱۵۲۶۰	۲۰
فرونده گیتی بسان	۸۷۸۰	۱۵	فروید جوان ترگه بیژن	۱۰۴۶۰	۱۳
فرونده مجلس و میکسار	۱۳۲۰۰	۱۳e	فروید جوان تیز شد با	۸۵۴۰	۱۳
فروید جهان دیدگان را	۲۶۲۹۰	۴۳	فروید جوان را در آباد بود	۸۶۵۰	۱۳
فروید همه خریدار جو	۶۷۵۰	۲۱	فروید دلاور برانگیخت	۸۴۰۰	۱۳
فروید همه خریدار	۹۴۶۰	۱۳e	فروید سیا و خشی بی کام و نام	۱۰۷۷۰	۱۳
فروید گوهر بزرگ و بسیم	۵۶۹۰	۳۵	فروید سیاوش جوار را بدید	۹۰۲۰	۱۳
فروید و افزون مجوید	۳۷۷۲۰	۴۱	فروید سیاوش و چون ریو	۱۶۵۶۰	۱۱
فروغ از تو گیرد روان و	۱۹۲۸۰	۴۱	فروید چنین پاسخ آورد	۷۰۴۰	۱۳
فروغ رخسار که جان بر	۷۱۵۰	۷	فروید گرانمایه زو باز	۹۸۹۰	۱۳
فروغ سر نیزه و تیر و تیغ	۴۲۱۰	۱۵	فروید تو ای شهریار	۷۲۷۰	۱۳
فروغ و بلندای نبوشد	۵۶۸۰	۴۱	فروید رفت رستم ببوسید	۸۰۶۰	۱۳e
فروغی پدید آمد از هر دو	۲۵۰	۲	فروید رفت و بر رفت روز نبرد	۱۲۶۰	۱۱
فروغ رفت بر پیل روینه	۱۲۲۴۰	۱۳e	فروید ریخت آب از دودیده	۲۴۲۴۰	۱۳f
فروما ننداز آن آسیابان	۴۹۹۰	۳۵	فروید ریخت آب از دودیده	۱۷۰۶۰	۴۱
فروما نند از آن شاه گیتی	۱۱۰۲۰	۴۳	فروید ریخت آب از مژه مادر	۲۸۲۰	۵
فروما نند از شاه گیتی	۳۶۸۰	۲۲	فروید ریخت از ریز مرد	۶۸۴۰	۲۱
فروما نند از آنش او شکفت	۱۰۹۱۰	۴۱	فروید ریخت از باره بر گستو	۱۲۸۶۰	۷
فروما نند از کار رستم شکفت	۱۰۵۵۰	۱۳g	فروید ریخت از دیدگان آب	۹۴۴۰	۷
فروما نند اسپان تا زین رنگ	۱۹۸۵۰	۱۳f	فروید ریخت از دیدگان آب	۲۲۳۱۰	۱۲d
فروما نند اسپش همیدون	۱۵۵۹۰	۱۳f	فروید ریخت از دیدگان آب	۱۲۷۳۰	۱۲e
فروما نند اسپ و دلاور کار	۱۰۸۵۰	۱۲e	فروید ریخت از دیده خون بر	۶۵۵۰	۱۳b
فروما نند این اسپ جنگی	۱۳۱۸۰	۱۳	فروید ریخت از دیده سیند	۱۸۱۴۰	۷
فروما نند بهرام و اید	۲۲۲۲۰	۳۵	فروید از آثار تاریخ	۵۰۰	۱۳g
			فروید از یکی شمع بنهاد	۱۳۴۲۰	۱۳b

فروماید چوپان و لشکر	۳۵۰	۳۴	فروهشته زوجار بودی	۱۷۰	۳۴
فروماید رستم چوزان کونه	۲۰۶۹	۷	فروهشته زوسرخ زنجیر	۳۹۲۳	۴۳
فروماید نذران کاخ شنکل	۲۴۷۷	۳۵	فروهشته کین برگرفته	۴۷۰۴	۴۱
فروماید سهندخت از این	۹۵۹	۷	فروهشته کیسو زسرب	۱۱۸	۱۲b
فروماید شیروی گریان	۴۱۵۰	۴۳	فروهشته افج و بر آورده	۱۳۹۸	۲۰
فروماید کاوس و تشویر	۶۷۲	۱۲b	فروهل فروجست و ببرد	۱۹۱۴	۱۳f
فروماید مانی ز گفتار	۶۱۳	۳۰	فریب پری پیکران جوان	۴۷۳	۱۲e
فروماید مانی میان سخن	۵۹۹	۳۰	فریبز باشد سپه کش	۸۳۰	۱۳d
فروماید نذران در آن موبد	۳۰۲۸	۴۱	فریبز با طوس نوزر	۱۴۸۳	۱۲e
فروماید نذران در و خیر خیر	۳۵۵	۲۰	فریبز با فر و برز کیان	۱۴۲۱	۱۲e
فروماید واز کارش آمد	۹۶۲	۱۲b	فریبز بالشکر خویش	۱۵۶۰	۱۳
فروماید اسپان جنکی	۱۸۵۷	۱۳f	فریبز با لشکری گرد	۱۲۶۸	۱۳b
فروماید گروهون گردان	۱۰	۱۳e	فریبز بر گشت از پیش	۱۰۳۴	۱۳e
فروماید مردان و اسپان	۱۴۱۳	۱۳	فریبز باید کزین قلبگاه	۱۵۸۶	۱۳
فرومایه ای بود خسرو	۵۴۵	۵۰	فریبز بر میسره جای	۴۸۶	۱۳e
فرومایه تر جای درویش	۳۹۲۸	۴۳	فریبز بنهاد بر سر کلاه	۱۵۰۸	۱۳
فرومایه ضحاک بیدادگر	۱۴۸	۴	فریبز پیش آمدش با	۱۵۶۵	۱۲e
فروهشت جایی که بد جای	۱۶۶۲	۱۲c	فریبز چون لشکر تور	۱۵۵۵	۱۳
فروهشت رستم بزندان	۱۱۳۴	۱۳e	فریبز چون یافت یکمه	۱۵۲۳	۱۳
فروهشت زوسرخ و زرد	۲۷۲	۵	فریبز راداد پس مهمنه	۳۰۰	۱۳f
فروهشت کیسو از آن	۶۹۲	۷	فریبز را گرز و تنغ	۱۰۳۰	۱۳e
فروهشت و بنشست در بان	۲۶۶۶	۱۳g	فریبز را گفت بر کن	۷۹۴	۱۳b
فروهشته از پیل دیبای	۵۰۴	۱۳e	فریبز را گر جنینت	۱۴۸۹	۱۲e
فروهشته از ترک رومی	۱۹۲	۴۱	فریبز شد پیش بالشکر	۸۶۳	۱۳b
فروهشته از شاخ زرین	۴۲۱۹	۴۳	فریبز طوس و یلانرا	۱۴۷۸	۱۳
فروهشته از کوه زین	۱۲۹۶	۱۳e	فریبز فرزند کاوس	۱۳۷۹	۱۲e
فروهشته از گوش او گوش	۳۴۶۴	۴۳	فریبز کاوس آزادگان	۸۱۲	۳۵
فروهشته از گوش دو گوش	۳۵۴	۱۳	فریبز کاوس با پیل	۱۳۷۴	۱۳b
فروهشته از مشک تاپای	۳۱۰	۵	فریبز کاوس بر میسره	۱۴۳۶	۱۳b
فروهشته بر سرد و مشکین	۱۲۸۴	۴۲	فریبز کاوس بر میمنه	۹۷۸	۱۳g

فریدون بتاج و بنخت	۲۸۳۷	۱۲d	فریبرز کاوس پیروز بنخت	۸۴۲	۱۳b
فریدون بخور شد بر برد	۳۰۱	۵	فریبرز کاوس در قلب	۱۴۹۲	۱۲e
فریدون بدانت کان	۳۱۴	۵	فریبرز کاوس در نده	۲۵۲۷	۱۲d
فریدون بدو پهن بکشاد	۳۹۷	۶	فریبرز کاوس را بر	۹۱۸	۱۳c
فریدون بر آشف و بکشاد	۱۸۶	۵	فریبرز کاوس راداد شاه	۲۹۶۱	۱۳g
فریدون برایشان سخن	۲۸۸	۵	فریبرز کاوس راده سپاه	۷۹۰	۱۳b
فریدون بسروین گشت	۱۰۲۷	۷	فریبرز کاوس شادان	۹۵۲	۱۳c
فریدون بشد نام از و ماند	۱۲۵۰	۶	فریبرز کاوس شان پیشرو	۱۸۱	۱۳
فریدون بفرمود تا بر	۱۲۱۸	۶	فریبرز کاوس گویند	۱۲۰۶	۱۳b
فریدون بفرمود تارفت	۴۲۲	۵	فریبرز کاوس و بهرام	۹۷	۱۲e
فریدون بگرد سر تخت	۴۰۳	۵	فریبرز گفت آنچه خسرو	۳۱۹۲	۱۳g
فریدون بیدار دل زنده شد	۴۸	۱۳g	فریبرز گفت او پس از من	۱۱۶۷	۱۳b
فریدون برداشش و پر	۶۰	۱۲	فریبرز گفت ای سپهدار	۱۱۵۴	۱۳b
فریدون پیام برین گونه	۱۰۱	۶	فریبرز گفت ای گرانمایه	۱۱۷۱	۱۳b
فریدون چنین پاسخ آورد	۳۹۶	۵	فریبرز گفت ای یل تاج	۷۹۹	۱۳b
فریدون چو ایران با پرچ	۳۴۲۷	۴۳	فریبرز گفت ای هزبر	۹۲۶	۱۳c
فریدون چو بشنید شد	۳۳۲	۵	فریبرز نزدیک خسرو	۹۷۹	۱۳c
فریدون چو بشنید گفتار	۴۶۰	۶	فریبرز و چون بیژن شیر	۷۱۶	۱۳
فریدون چو بشنید ناسود	۴۹۸	۵	فریبرز و کاوس را تاج زر	۴۸۸	۱۲e
فریدون چو روش جهان	۶۳۴	۲	فریبرز و گودرز و گردن	۱۳۹۱	۱۳c
فریدون چو شد بر جهان	۱	۶	فریب زن جادو از گرگ	۱۶۸۰	۱۵
فریدون چو گیتی بر آن	۲۷۸	۵	فریبنده ای سخت دیوانه	۴۲۲	۳۰
فریدون چومی خورد در امش	۴۲۹	۵	فریبنده ترکی از آن	۵۳۳	۱۳g
فریدون ز بالا فرود آورد	۳۶۶	۵	فریبنده ترکی میان دو	۲۵۵	۱۳b
فریدون ز ضحاک گیتی	۱۰۶۴	۷	فریبنده دیوی ز دوزخ	۲۷۱۳	۱۲d
فریدون ز گازی که کرد	۵۴۵	۵	فریبنده گرسیوز بد نهاد	۸۱۲	۱۳g
فریدون ز کاوه سزای او	۱۴۶۱	۱۲e	فریبنده وریمن و چا پلوس	۸۱۰	۱۳
فریدون سبک سار رفتن	۲۸۵	۵	فریبیم و گویم هر گونه	۶۱۷	۷
فریدون سر شاه پور جوان	۵۸۵	۶	فریدون اباگرزه کاوسار	۷۴	۱۵
فریدون شهنشاه یکتا	۶۱۱	۶	فریدون از آن نامداران	۵۵	۶

فزاید بر این ننگها ننگ	۱۶۶۱ ، ۱۳	فریدون شدو زوره دین	۷۲ ، ۸
فزاینده باد آوردگاه	۷۹۹ ، ۷	فریدون فرخ جو بشتید	۲۶۲ ، ۶
فزاینده دانش و راستی	۸ ، ۲۶	فریدون فرخ ستاره نگشت	۱۲۲۷ ، ۱۳g
فزاینده نام و تخت قباد	۳۹۳۲ ، ۴۱	فریدون فرخ ستایش	۲۰۶۱ ، ۲۰
فزاییم پرروزی زیر دست	۴۵۸ ، ۵۰	فریدون فرخ شه دادگر	۱۶۶۸ ، ۱۳f
فزودن بفرزند بر مهر	۱۴۰۵ ، ۴۱	فریدون فرخ فرشته نبود	۵۴۳ ، ۵
فزون از پسر داشتی	۱۲۲ ، ۱۸	فریدون فرخ که او از	۳۲۹ ، ۴۴
فزون از خرد نیست اندر	۱۹۱۹ ، ۳۵	فریدون فرخ که با داغ	۱۵۹ ، ۱۳f
فزون از دو فرسنگ پیش	۳۷۳ ، ۳۰	فریدون فرخنده شهر یار	۸۹۸ ، ۴۳
فزون بایدم نیز از ایشان	۴۷ ، ۱۲	فریدون فرخ ندید این	۲۰۰۸ ، ۴۳
فزون ترا زوقارن رزمز	۱۳۸ ، ۱۳g	فریدون فرزانه بنواخت	۵۱۱ ، ۵
فزون زان فرستم که داری	۱۷۰۴ ، ۲۰	فریدون فرزانه شد سال	۳۱۵ ، ۶
فزون زان که دادت جهان	۳۶۰ ، ۱۲d	فریدون فرستادزی من	۱۱۲ ، ۶
فزون زین نباشد کسی را	۴۳۹ ، ۴۴	فریدون کمر بست و اندر	۳۲۹ ، ۵
فزونست از آن دانش اندر	۱۵۹۲ ، ۴۱	فریدون که از درد دل	۱۲۴۹ ، ۱۳f
فزونست از آن رنج کردار	۲۸۷۲ ، ۱۳g	فریدون که از درد سر	۱۱۶۹ ، ۱۳f
فزونست ازو نیکو بیها	۴۳۴ ، ۱۹	فریدون که بد آبتینش	۳۰ ، ۴۶
فزون کرد از این با سیاوش	۱۵۸۴ ، ۱۳g	فریدون که بگذشت از	۱۱۸۴ ، ۱۲e
فزون کرد باید بدیشان	۳۸۶۰ ، ۴۱	فریدون که بودش پدر	۱۲۶ ، ۵
فزون کرد خوبی و برهیز	۲۹۴۰ ، ۴۱	فریدون کی بر منوچهر	۱۰۲۷ ، ۶
فزون نیست ، او سواری	۱۹۴۹ ، ۴۳	فریدون گردست گویی	۲۷۶۰ ، ۱۲d
فزونی تو ای پهلوان زمین	۱۳۱۸ ، ۱۳b	فریدون منش بود و جمشید	۷۰۰ ، ۱۲b
فزونش هر روز افزون	۷۲ ، ۲۴	فریدون نکرد اینچنین	۱۴۳ ، ۱۲
فزونیش یکروز بکزاید	۴۵۰ ، ۱۳b	فریدون نهاد این کله بر	۲۶۴ ، ۸
فزونی مجوی ارشدی بی	۴۹۶ ، ۱۲b	فریدون نهاده دو دیده	۵۶۰ ، ۶
فزونی مرا و راست بر ما	۲۳۳۹ ، ۴۳	فریدون نه پیداست اندر	۱۲۵۵ ، ۳۵
فزونی نجست آنکه بودش	۲۰۹۷ ، ۳۵	فریدون و را تاج بر سر	۱۷۴۱ ، ۳۵
فزونی نجوید تن آسان	۴۰۹۹ ، ۴۱	فریدون و هوشنگ یزدان	۲۷۷۶ ، ۱۳g
فزونی نداری تو چیزی	۷۰۷ ، ۱۳	فریدون نهان نیز خویش تو	۶۸۴ ، ۴۳
فزونی همانست و کمتر	۱۹۳۹ ، ۱۵	فریدون یل چون تویک	۹۷۴ ، ۴۲

فکنندست گفتا میان	۶۹۴ ، ۱۵	فزونى هم ایدر بمانید باز	۲۰۰۳ ، ۱۵
فکنندند از آن پس بیازو	۱۵۸۲ ، ۱۳	فسانه کهن بودو منشور	۱۰۵۵ ، ۱۵
فکنندند بر یال اسبان	۷۷ ، ۱۲b	فسرده بسرما و بر گشته	۲۲۲ ، ۶
فکنندند چندان بهر جا	۱۰۰۶ ، ۱۲b	فسرده تن اندر میان گناه	۴۴۰۲ ، ۴۱
فکنندند گویی بمیدان	۱۴۵۵ ، ۱۲d	فسرد ز خون پنجه بر	۱۱۱۶ ، ۶
فکنندند ناگاه بر گردنش	۷۱۸ ، ۴۳	فسون گرچو بر تیغ بالا	۳۸۶۵ ، ۱۵
فکنندن همان بودو بردن	۵۱۲ ، ۱۳e	فسونها و این بندها زال	۴۰۹۳ ، ۱۵
فکنده بدین سان بآب	۷۳۲ ، ۵۰	فسیله ببند اندر آورد	۵۸۵ ، ۱۳
فکنده تن شاه ایران	۷۰۷ ، ۵۰	فسیله بدان جایگه داشتی	۱۲۳۷ ، ۱۳
فکنده فرنگوس راهم ز	۲۶۸۴ ، ۱۲d	فسیله چو آمد بتنگی فراز	۸۰۲ ، ۱۲e
فکنده نمودم دو کورک	۵۰۶ ، ۱۲d	فسیله ز کرک اندر آمد	۱۲۴۴ ، ۲۰
فکنده همه دشت خرطوم	۱۰۹۸ ، ۱۲	فشانند برس همی مشک	۱۶۷۷ ، ۷
فکندی بتیمار زاینده	۱۲۰۴ ، ۷	فغانش ز ایوان بکیوان	۱۵۸۰ ، ۱۲c
فکندی بدان کرز پیل	۹۲ ، ۱۰	فغان کرد از آن پس گهای	۱۰۲۲ ، ۱۲e
فکندی سر ادرتگ و پوره	۵۳۳ ، ۱۳e	فغان کرد کای ترک شوریده	۱۲۲۷ ، ۱۳e
فکندیم هر گونه ای رای	۲۶۳۱ ، ۱۳g	فغان کرد کای شهر یار	۲۳۹۰ ، ۱۳g
فلک را ز کرد سواران	۹۶ ، ۱۲b	فغان کرد کای نامور پهلو-	۲۰۲۷ ، ۱۳f
فلک را گراینده او کند	۴۰۵۹ ، ۴۱	فغانیش را گفت کای	۵ ، ۳۷
فلک را ندانم چه دارد	۹۸۸ ، ۶	فغانستان بیارید خونین	۳۸۴ ، ۲۰
فلک روشن از تاج گشتاسب	۲۴۰۸ ، ۱۵	فغانستان چو آمد بمشکوی	۳۸۶ ، ۲۰
فلک روشن از نامور بخت	۹۵۲ ، ۱۲e	فکند آن تن شاهزاده	۳۸ ، ۱
فلک رهنموتش بسختی	۲۶۸۶ ، ۴۱	فکند از سر تخت خود را	۷۶۳ ، ۱۲d
فلک زیر تخم کمند تو	۷۸۱ ، ۱۳b	فکندست از اسب کز تاختن	۶۲۵ ، ۱۵
فلکهایک اندر دگر بسته	۴۹ ، E	فکندست بر پیشه چینستان	۴۲۶ ، ۱۳e

قبادی بکوهی نشسته	۳۵۹۷	۱۵
قبایش سپید و حمایل سیاه	۱۸۹	۴۳
قدح دید سرو و رخ دید	۱۶۹۷	۱۲d
قدح هم چنان نامداری	۳۸۵	۲۰
قراخان که او بود مهتر	۲۸۱	۱۳g
قضا چون زگردون فرو	۹۱۱	۱۲c
قضا گفت گیر و قدر گفت	۱۵۲۰	۱۳b
قفای بلاب سوی او بدهمه	۱۰۵۱	۱۲e
قلاده بزر هفتصد بود	۳۵۶۱	۴۳
قلم چون دورخ را بمنبر	۲۰۵۸	۴۱
قلم خواست از ترک و قر-	۲۵۰۵	۳۵
قاون بستد آن مهر وهم	۲۷۳۲	۴۳
قلون دلاور شد آگه ز کار	۲۶۴	۱۰
قلون دلاور که رستم بکشت	۱۹۰	۱۱
قلون دید دیوی بجسته ز	۲۷۴	۱۰
قلون را بتوران دو فرزند	۲۸۳۴	۴۳
قلون را دل از درد جوش	۲۶۶۶	۴۳
قلون رفت با کار در	۲۷۴۸	۴۳
قلون رفت تنها بدرگاه	۲۷۳۵	۴۳
قلون گشت چون مرغ بر	۲۷۹	۱۰
قلون گفت شاهای پیامست	۲۷۴۶	۴۳
قوی استخوانها و بینی	۳۹۷	۴۲

حرف ق

قبا جوشن وایسب تخت	۲۵۱	۱۳g
قباد آمد آنکه بنزدیک	۸۷۱	۶
قباد آمد و تاج بر سر نهاد	۱۵۱	۱۱
قباد آمد و تاج بر سر نهاد	۴۲۶۱	۴۳
قباد آمد و رفت و گیتی	۱۱۱۳	۱۲d
قباد آن پرروی را پیش	۱۵۹	۴۰
قباد آن زمان چون بمردی	۱۷۰۸	۴۲
قباد آن سخن گوی را پیش	۲۴۸	۴۰
قباد آنکه آمد ز البرز کوه	۳۳۲	۴۴
قباد ارچه خرد دست کرد	۱۷۰۶	۴۲
قباد از بزرگان سخن چو	۵	۱۱
قباد از پس پشت پیروز	۴۵	۳۸
قباد از تودر کار دانا ترست	۱۹۴	۳۹
قباد اندر آمد چو آتش ز	۲۶۱	۱۰
قباد بداندیش نیرو گرفت	۱۷۲۴	۴۳
قباد دلاور بر آمد ز جای	۲۴۳	۱۰
قباد سراپنده گفتش بگو	۲۲۰	۴۰
قباد گزین راز البرز کوه	۳۲۱۲	۱۵
قباد و چو کشواد زرین	۶۵۹	۶

حرف ك

کجا آن پرچهرگان	۱۸۷۰	۳۵	کباب و می آورد و هم	۲۲۶۵	۱۵
کجا آن جهان جستن ساوه	۱۱۵۵	۴۲	کبوده بدش نام و شایسته	۱۲۴۰	۱۳
کجا آن حکیمان و دانند	۱۷۷۰	۱۲d	کبوده بیامد چو دیوی	۱۲۴۴	۱۳
کجا آن خردمند گند آور	۵۳۷	۲۲	کت آموخت این کار ناساز	۲۷۰۸	۱۲d
کجا آن سرو تاج شاهنش	۱۷۶۹	۱۲d	کتایون بدانست کورا	۴۴۵	۱۴
کجا آن سرو تاج شاهنش	۱۸۶۸	۳۵	کتایون بدو گفت امشب	۴۴۳	۱۴
کجا آن سرو تاج شاهنش	۳۹۷۳	۴۱	کتایون بدو گفت خیره	۴۵۰	۱۴
کجا آن سواران و گردن	۱۸۶۹	۳۵	کتایون بدو گفت کای بد	۲۷۷	۱۴
کجا آن کمین و کمان و	۲۳۹۲	۱۳g	کتایون بشد با پرستار	۲۴۱	۱۴
کجا آنکه بر سود تاجش	۴۵۶	۲۲	کتایون بی اندازه پیرایه	۲۸۴	۱۴
کجا آنکه بر کوه بودش	۱۷۷۲	۱۲d	کتایون چنان دید یک شی	۲۳۳	۱۴
کجا آنکه سودی سرش را	۱۷۷۳	۱۲d	کتایون چو آمد بنزدیک	۹۰۸	۱۴
کجا آنکه فرموده بدطشت	۲۶۳۰	۱۲d	کتایون خورشید رخ پر	۲۶۸۸	۱۵
کجا آنهمه بند و پیوندما	۳۵۸۹	۴۳	کتایونش خواندی گران	۳۳	۱۵
کجا آنهمه بند و سو کند	۵۲۷	۱۳g	کتایون قیصر که بد مادر	۲۵۱۹	۱۵
کجا آنهمه پیل و بر گشتو	۱۱۵۶	۴۲	کتایون که دیدش پرستار	۶۶۲	۱۴
کجا آنهمه تنبل و جادویی	۱۱۵۷	۴۲	کتایون می آورد همچون	۴۴۰	۱۴
کجا آنهمه خلعت و پند	۱۹۵۷	۱۵	کتایون و آن مرد ناسر	۳۰۵	۱۴
کجا آنهمه راهوار اشتران	۴۲۸	۴۴	کجا آذر برز برزین کنون	۷۱۷	۱۲b
کجا آنهمه روز کردن و	۳۵۸۸	۴۳	کجا آشتی خواهد افرا	۵۳۳	۱۳c
کجا آنهمه عهد و سو کند	۲۵۹۳	۱۲d	کجا آفرید او روان و خرد	۳	۱۳c
کجا آنهمه عهد و سو کند	۱۹۵۸	۱۵	کجا آفریدون و ضحاک و	۲۰۵۸	۲۰
کجا آنهمه کام و آرام	۴۲۴۶	۴۳	کجا آن بتانی پراز نازو	۱۷۷۱	۱۲d
کجا آنهمه مهر و خونین	۳۵۸۷	۴۳	کجا آن بزرگان باتاج	۵۳۶	۲۲
کجا آنش و دانش و	۱۹۴۷	۲۰	کجا آن بزرگان خسرو	۲۰۹۹	۳۵
کجا آن یلان و کیان	۳۲۳۶	۱۳g	کجا آن بزرگان سامان	۲۰۵۹	۲۰
کجا آورد دانش تو	۹۱۶	۲۰			
کجا ارج آن کشته نشاد	۷۱۳	۵۰			
کجا از پس پرده پوشیده	۹۶	۶			
کجا اشتر و گوسفند	۱۲۰۷	۳۵			

کجات آن بزرگی و آن	۴۱۸ ، ۴۴	کجا او پیکشود و دل نرم	۲۳۶۸ ، ۱۲d
کجات آن بزرگی و تخت	۲۲۸۶ ، ۱۳g	کجا او بود من نیایم بکار	۹۴۹ ، ۱۲
کجات آن بناهای کرده	۲۲۹۱ ، ۱۳g	کجا او سراپای آهر منست	۵۷۴ ، ۱۲
کجات آن چنان برز	۴۱۹ ، ۴۴	کجا او فتادست گفتی ز	۶۹۱ ، ۱۵
کجات آن دلیران و مردان	۲۲۹۳ ، ۱۳g	کجا با تو در پرده بازی	۱۴۲۲ ، ۱۳
کجات آن دلیری و نیرو	۶۹ ، ۱۲e	کجا باره او کند موی تر	۱۵۰۷ ، ۷
کجات آن رده بر در از	۲۲۹۲ ، ۱۳g	کجا باشد آن بیدرفش	۷۳۶ ، ۱۵
کجات آن زیا قوت رخشان	۲۲۸۸ ، ۱۳g	کجا باشد آن جادوی	۷۲۸ ، ۱۵
کجات آن سخنگوی	۴۲۹ ، ۴۴	کجا باشد او پیش تختم	۱۴۶۹ ، ۱۲c
کجات آن سرو افسر جان	۴۲۳ ، ۴۴	کجا باشد ایوان گوهر	۹۳۳ ، ۳۵
کجات آن سر و خود	۴۲۴ ، ۴۴	کجا بد علفزار و آب	۲۸۴ ، ۱۰
کجات آن سواران زرین	۴۲۶ ، ۴۴	کجا بر ته بودی نکهدار	۱۹۲ ، ۱۳
کجات آن سواری و میدان	۲۳۹۳ ، ۱۳g	کجا برد خواهی مرا بسته	۲۳۲۵ ، ۱۳g
کجات آن شبستان و	۴۲۱ ، ۴۴	کجا بر دم باد روز نبرد	۳۵۵ ، ۱۳f
کجات آن شبیخون ناگه	۲۳۹۴ ، ۱۳g	کجا بر فشانند مشک و عبیر	۱۶۷۶ ، ۷
کجات آن همه دانش و	۲۳۹۵ ، ۱۳g	کجا بود از گیتی آزاده	۲۴ ، ۱۳
کجات آن همه رسم و	۲۳۹۱ ، ۱۳g	کجا بودنی باشد از کرد-	۱۴۳۶ ، ۱۳f
کجات آن همه زور و مرد	۲۰۲۹ ، ۱۳f	کجا بیژن و گيو آزاد	۲۲۵ ، ۱۳b
کجات آن همه گنج و	۲۲۸۵ ، ۱۳g	کجا پادشا دادگر بود	۶۹۷ ، ۱۲b
کجات آن همه مردی و	۴۲۰ ، ۴۴	کجا پادشاه هست بی جنگ	۲۶۸ ، ۱۱
کجات اسب شبدیز و زر	۴۲۵ ، ۴۴	کجا پاسبانی کند بر سپاه	۳۷۶۱ ، ۴۱
کجات افسر و کاویانی	۴۲۲ ، ۴۴	کجا پهلوان بود و دستور	۱۴۶۶ ، ۳۵
کجات تره کان کاسنی خواند	۲۶۸۴ ، ۴۳	کجا پهلوان خواندش	۲۲۳ ، ۱۳
کجا تور و سلم و فریدون	۴۷۹ ، ۱۳	کجا پیشکار شبانان ماست	۳۲۳ ، ۵۰
کجا تیر او بکند بر	۱۵۴۳ ، ۱۳b	کجا پهل با او نکوشد	۸۸۷ ، ۱۲c
کجا تیغ و زوبین آهن	۱۲۱۰ ، ۱۳e	کجا پهلسم بود نام جوان	۲۵۰۸ ، ۱۲d
کجا جای با زور نستوه	۴۲۴ ، ۱۳b	کجات آن بر زم اندرون	۲۳۹۶ ، ۱۳g
کجا جای دیوان دژخیم	۲۰۲ ، ۱۲	کجات آن بر و بازوی	۲۲۸۷ ، ۱۳g
کجا چند شاپور خوانی	۱۵۷ ، ۳۲	کجات آن بروز و شب	۲۲۸۹ ، ۱۳g
کجا جهن بر زمین بدی	۳۶۹۳ ، ۴۳	کجات آن بهشت پهای	۲۲۹۰ ، ۱۳g
کجا چون بکین برادر	۸۱۵ ، ۱۳b		

کجا شد ترا دانش و رای	۳۱۵۶ ، ۱۳g	کجا چون تودرباغ بار	۵۶ ، ۱۳c
کجا شد جل و هشت شاه	۳۴۹ ، ۴۴	کجا خان ارمانش خوانند	۶۳ ، ۱۳e
کجا شد دل و هوش و	۴۰۷۳ ، ۱۵	کجا خرم آباد بد نام	۵۸۰ ، ۳۰
کجا شد زمین سبز و آب	۲۸۳ ، ۳۵	کجا خوار شان داشتی	۳۷۷ ، ۳۴
کجا شد شه ترک افرا-	۳۳۹ ، ۴۴	کجا خواستی گرد افرا-	۲۸۴ ، ۸
کجا شد فریدون وضحاك	۱۷۰۰ ، ۲۰	کجا خواندندش یزدان	۷۳۶ ، ۴۳
کجا شد فریدون و هوشنگ	۴۰۸۳ ، ۱۵	کجا خواهران جهاندار	۳۱۱۳ ، ۱۳g
کجا شد کنون روی چون	۱۴۸۵ ، ۱۳b	کجا خود پیام آرد از	۱۰۵ ، ۱۹
کجا شد که بنشست جوش	۳۳۰۹ ، ۴۱	کجا دادو بیداد پیشت	۱۱۸۰ ، ۱۳f
کجا شد که قیصر چنین	۲۹۰ ، ۳۰	کجا دختر تورماه آفرید	۳۱۱۵ ، ۱۳g
کجا شیر مردان جنگ	۲۳ ، ۴	کجا دشمن و دوست بیند	۷۳۳ ، ۱۳f
کجا فرش را مسند	۲۷ ، ۱۳g	کجا دیده ای جنگ جنگ	۳۳۶۷ ، ۱۵
کجا کارشان همگنان پیشه	۳۱ ، ۴	کجا دیزه تو چه دروز	۱۱۹۵ ، ۶
کجا کرگ و این نامدار	۲۲۵۳ ، ۳۵	کجا رستم و زال و اسفندیار	۳۴۰ ، ۴۴
کجا کور بد گیو و گودرز	۳۳۰۰ ، ۱۵	کجا رشك و خشمست	۲۸۸ ، ۴۰
کجا کوه بد دیده بان	۲۰۴ ، ۱۳g	کجا رفت آن مردی و	۳۷۶۲ ، ۱۵
کجا گفته بودش که از	۲۹۶ ، ۸	کجا رفت از این سهمگین	۴۰۷ ، ۸
کجا گفته بودش یکی پیش	۴۰۲ ، ۵	کجا رفت اسکندر نامور	۳۴۶ ، ۴۴
کجا گفته بودند بهرام را	۴۷۵ ، ۴۳	کجا رفت پیمان که کردی	۳۸۴ ، ۱۲c
کجا گنجد اندر جهان	۱۴۶۸ ، ۱۲c	کجا رفت خواهد همی	۴۵۷ ، ۱۳f
کجا گنجد دهقان بود گنج	۵۷۲ ، ۲۲	کجا زاد فرخ بدی نام	۴۱۹ ، ۴۲
کجا گنگ دژ کرد جا	۳۳۸ ، ۴۴	کجا زود کشتنش بار	۱۲۱۰ ، ۴۱
کجا گیو گودرز کشواد	۲۸۸ ، ۱۲e	کجا زور دارد بهشتاد پیل	۴۸۵ ، ۱۲d
کجا گیو و طوس و کجا	۲۵۹۵ ، ۱۲d	کجا زیر دستانش باشند	۲۱۵ ، ۲۰
کجا گیو و گودرز و طوس	۱۰۲۹ ، ۱۲c	کجا سالیان اندر آمد	۵۳۸ ، ۱۲e
کجا مادرش روشنک نام	۳۹۵ ، ۱۹	کجا سلم بودش نیای	۱۴۳۰ ، ۴۳
کجا مادرم دخت افرا سیا	۳۱۱۴ ، ۱۳g	کجا سنگ هر مهره ای	۲۹۷ ، ۴۴
کجا ماند از تو جدا بیرون	۵۶۷ ، ۱۳e	کجا شاه شید سپ خواند	۴۷۹ ، ۱۵
کجا ماه آذر بندو روزدی	۴۲۵۹ ، ۴۳	کجا شاه کاوس و گردن	۲۵۹۴ ، ۱۲d
کجا مرد را روشنای دهن	۱۳۳۴ ، ۴۱	کجا شد برزم آن نکو	۴۰۷۴ ، ۱۵
کجا من برینم سه شاه را	۱۴۰ ، ۶		

کجا هم چنین نزد شاه آور	۲۰۹۳ ، ۱۳۴	کجا من چمانی بادیا	۱۲۹۰ ، ۷
کجا هوش ضحاک بردست	۳۹۳ ، ۵	کجا من گشایم دل و گنج	۱۲۴۹ ، ۱۲د
کجا یافت خواهی تو آرام	۴۳۶ ، ۸	کجا مهتر یا توان تو اوست	۱۰۹۷ ، ۱۲ه
کجا یافتستم من از کی قباد	۳۳۷۵ ، ۱۵	کجا نام آن پیر خراد	۵۰۵ ، ۲۲
کجا بست آن جادوی خو-	۵۳۸ ، ۱۵	کجا نام آن رومی آزاده	۱۶۷ ، ۳۴
کجا برس پیل زد شاه	۷۸۵ ، ۱۳ه	کجا نام آن شهر بیداد	۱۰۸۸ ، ۱۳ه
کدام آهوا فکنده خواهی	۱۷۵ ، ۳۴	کجا نام آن گوجوانوی	۴۴۲ ، ۳۴
کدامست باننگ و باسر	۲۶۸۹ ، ۴۱	کجا نام آن مرد بهروز	۱۲۱۰ ، ۳۵
کدامست جنگی و گردان	۹۶۹ ، ۱۳ب	کجا نام آن نامور مای	۲۹۱۶ ، ۴۱
کدامست خوشتر مراروز	۱۲۲۸ ، ۴۱	کجا نام آن نامور هوم	۲۲۶۴ ، ۱۳گ
کدامست دانا بدو شاه	۲۵۲۳ ، ۴۱	کجا نام او آفریدون بود	۹۹ ، ۵
کدامست کاکوی و کاکوی	۱۱۰۴ ، ۶	کجا نام او بود دارا پناه	۱۷۰۹ ، ۴۳
کدامست کاین را ندانم	۷۸ ، ۱۱	کجا نام او بود شهران	۸۵۱ ، ۴۳
کدامست کو بایدت روز	۳۸۳۳ ، ۴۱	کجا نام او بود فرهاد گرد	۱۵۲۳ ، ۱۳۴
کدامست گرد کنارنگ	۶۴۴ ، ۸	کجا نام او بود گرد آفرید	۳۱۳ ، ۱۲ه
کدامست گفت از شما شیر	۵۳۷ ، ۱۵	کجا نام او چند راهبر	۵۶ ، ۶
کدامست مرد از شما چیر	۶۰۰ ، ۱۵	کجا نام او شاه فیروز	۱۷۹ ، ۱۳گ
کدامست مرد از شما نام*	۵۸۹ ، ۱۵	کجا نام او قارن رزمین	۷۹۰ ، ۶
کدامست مرد از شما نام*	۵۶۲ ، ۱۵	کجا نام او مهر بن داد بود	۲۷۳ ، ۳۵
کدامست مردی پژو هنده	۱۰۲۸ ، ۱۵	کجا نام چالوس خوانی	۴۸ ، ۶
کدامین پدر هر گز این کار	۱۴۹۹ ، ۱۲ه	کجا نامداری که باخشم	۸۹۸ ، ۱۲ب
کدامین پند آیدش زین	۵۵۳ ، ۱۳	کجا نام مازان برآمد	۱۵۰ ، ۱۳ه
کدامین ره آید کراسود	۱۵۰۵ ، ۴۱	کجا نامور گاو بر مایه	۱۳۴ ، ۵
کدیور بدو گفت از بدر	۱۱۷۹ ، ۳۵	کجا نامه خسروان داشتی	۴۳۵۰ ، ۱۵
کدیور بدو گفت پرورد-	۱۱۸۸ ، ۳۵	کجا نور و ظلمت بدو اندر	۶۰۲ ، ۳۰
کدیور بدو گفت کاین آب	۱۱۸۲ ، ۳۵	کجا نیزه رستم او داشتی	۱۶۵۳ ، ۱۳ب
کدیور یکا یک سپاهی شدند	۱۱ ، ۸	کجا هفت کشور بدو اندر	۵۸۸ ، ۱۳ه

(*) ستاره در سطر اول بجای « خواه » و در دوم بجای « دار » آمده است

کز اندیشه بدسخن دیگر	۹۹۱ ، ۱۳b	کز آید از بر تاج و	۱۲۴۲ ، ۶
کز اندیشه بد مکن یاد	۱۴۵۶ ، ۷	کز آنی گزیدستی اندر	۲۸۱۰ ، ۱۵
کز اندیشه بد همیشه	۲۸۲۲ ، ۱۲d	کرا = که را	
کزاو = کزو		کز آباد کردن جهان شاد	۳۴ ، ۲
کز آیدر بایران شوی	۱۲۵۷ ، ۱۲d	کز آن برتری رامش	۴۰۶۲ ، ۴۱
کز آیدر بایوان خرامید	۳۱۲۹ ، ۱۳g	کز آن بوم خیزد سپهد	۱۷۶۵ ، ۴۲
کز آیدر برایشان شبیخون	۱۲۴۳ ، ۱۳	کز آن بیخ برکنده فرخ	۲۸۹۰ ، ۱۲d
کز آیدر بنزدیک خاقان	۲۵۵۵ ، ۴۳	کز آن بیشتر نشوی در	۳۹۵۸ ، ۴۳
کز آیدر بنزدیک داستان	۲۹۸۳ ، ۱۵	کز آن پس بود غارت و	۲۷۳ ، ۴۴
کز ایران اگر زال زر	۶۳۸ ، ۸	کز آن پس تو با نامداران	۳۴۷۳ ، ۱۵
کز ایران بیلان بکوبند	۳۹۱ ، ۱۳e	کز آن پس چنان کرد کاروس	۲ ، ۱۲b
کز ایران بر آرد گرد	۳۰ ، ۱۸	کز آن پس که چنان رسید	۴۵۵۶ ، ۱۵
کز ایران ز گاه متوجهر	۱۳۸۵ ، ۱۳f	کز آن پس که من پیش	۶۰۷ ، ۴۴
کز ایران سپاه آمد	۱۵۲ ، ۱۳b	کز آن ره فرودست و بامادر	۳۶ ، ۱۳b
کز ایران فرستاده خسرو	۲۰۲۷ ، ۳۵	کز آن سان که کز دهم داد	۷۲۶ ، ۱۲c
کز ایران که و مه شناسد	۶۲۹ ، ۱۳	کز آن سو بدایران آزارا	۳۴۴ ، ۸
کز ایران نعمان یکی	۱۰۲۷ ، ۱۲c	کز آن شهر کار بگر آید	۳۹۰۰ ، ۴۳
کز ایران و توران نییند	۶۲۳ ، ۱۳g	کز آن گنج دیگر کسی	۱۸۶۹ ، ۱۲d
کز ایران همه کار تور است	۸۸۲ ، ۱۴	کز آن گونه بیکر پیر گار	۷۳۱ ، ۱۳
کز ایران آن چه پرسید	۹۷۳ ، ۱۳b	کز آن گونه گفتار رستم	۱۳۱ ، ۱۳c
کز ایران چندی چشم	۵۷۱ ، ۱۳f	کز آن مرد داننده جوشن	۲۶۹۶ ، ۴۱
کز ایران داشتنی او	۱۹۹ ، ۳۰	کز آن نامور بر تو آید	۳۴۴۱ ، ۱۵
کز ایران ده وزیران	۱۴۶۳ ، ۱۳f	کز آن نامور تیر بیرون	۱۵۲۵ ، ۱۳b
کز ایران سر بر سر	۱۴۷۴ ، ۱۲c	کز آن نامه جز گنج دادن	۴۰۵۰ ، ۴۳
کز ایران کس مر آردا	۱۶۸۲ ، ۱۳g	کز آن نیکو بیها که تو	۴۱۴۰ ، ۱۵
کز ایران گرسواری	۳۴۷ ، ۱۳f	کز آن هر سواری بهنگام	۲۹۳۷ ، ۴۳
کز ایران یکی لشکر	۱۱۷۷ ، ۱۳b	کز اسپان تو باره ای	۹۳۹ ، ۱۳
کز ایران یکی لشکر آمد	۱۰۵۲ ، ۱۳c	کز افراسیاب اندر آبی	۷۲۷ ، ۱۳f
کز ایران یکی مرد با	۱۴۸۹ ، ۳۵	کز انبوه دشمن نترسد	۲۰۹۲ ، ۱۵
کز ایشان از این پس	۱۳۷ ، ۳۹	کز اندازه بگذشت مارا	۱۱۹۵ ، ۱۳e
کز ایشان بداین پس	۵۹۴ ، ۱۳f	کز اندازه هدیه بر تر	۲۲۳۰ ، ۴۳

کز این تخمه نامدار	۵۰	۱۱۰	کز ایشان بود تخت شاهی	۲۲	۲۲
کز این تخمه ویسکان	۱۳۴	۱۷۹۰	کز ایشان شد آباد روی	۵۰	۳۹۰
کز این ترک ترسنده	۱۲۵	۷۲۵	کز ایشان شه نامبردار	۱۳g	۱۳۵۱
کز این توشه خوردن	۴۲	۱۲۴	کز ایشان کدامست پیروز	۴۱	۲۶۵۶
کز اینجا برو تا پدریای	۱۲d	۱۸۸۵	کز ایشان کسی راندانم	۱۳	۶۲۱
کز این خایه گر مایه	۷	۵۷۲	کز ایشان کنون مانده	۱۱	۳۲۵
کز این در سخن هر چه	۱۲d	۸۰۶	کز ایشان همی دانش	۴۱	۳۰۱۷
کز این دیو ، دل تان	۱۲	۱۰۱۳	کز ایشان مباد از باپی	۱۳c	۲۱۴
کز این رزمگه بر نتابیم	۱۳	۱۶۱۸	کز این آگهی یافت سام	۷	۱۰۱۵
کز اینسان بر آمدز ایران	۱۳c	۱۴۱۸	کز این آمدن کس مدارید	۱۳g	۹۱۵
کز این سان بر آن کوه	۷	۱۶۲	کز این از ره مهر گفتار	۱۳f	۱۱۶۳
کز این سان سپاهی دلیر	۴۳	۴۰۹۱	کز این بخشش بد مگر	۱۳g	۲۴۰۰
کز این سان یکی ازدهای	۱۴	۴۲۴	کز این بدتر اتیره گردد	۱۵	۳۵۶۲
کز این سه گذشتی همه	۱۳f	۱۵	کز این بد نشان دو گیتی	۵۰	۶۴۲
کز این شاه دیوانه تیز	۴۶	۶۱	کز این بگذری پنج	۲۲	۴۷۲
کز این شاه را دل نگردد	۱۳	۵۶۶	کز این بگذری خسرو	۴۱	۲۵۳۵
کز این شاه ناسا خورده	۳۴	۵۴۹	کز این بگذری شهر	۱۲d	۱۷۹۷
کز این کشتگان جان ما	۱۳f	۲۰۹۴	کز این پس دل از راستی	۳۵	۲۳۸۶
کز این کلک پولاد گریان	۱۴	۱۶۲	کز این پس سوی مازدژ	۶	۱۱۰۸
کز این کوه من بر نگر دانم	۱۳	۹۵۳	کز این پس شکست آید	۵۰	۷۳
کز این کینه تا زنده	۱۳b	۲۴۲	کز این پس شما راز من	۱۳g	۱۳۵۸
کز این کینه مرد گنهگار	۱۳b	۲۴۶	کز این پس فزون تر	۴۱	۲۴۲۵
کز این گفته اندیشه من	۴۳	۵۵۲	کز این پس کنون تانه	۲۱	۱۸۴
کز این گونه دارند تخم	۱۲c	۵۳۳	کز این پس مرا زندگانی	۱۳f	۲۰۳۵
کز این گونه دیدی مرادرد	۷	۱۰۲۵	کز این پس نبیند مرا	۴۱	۳۳۶۹
کز این لشکر کنون سوار	۱۴	۷۲۲	کز این پس نه نخچیر جویم	۱۲e	۵۱۲
کز این لشکر امروز جنگی	۴۳	۱۷۹۰	کز این پس نیایی بیغمه بر	۵	۴۵۸
کز این لشکر نوذر نام	۸	۲۰۰	کز این تخمه هر داغ	۲۰	۹۲۲
کز این مرد چینی جیره	۳۰	۵۹۳	کز این تخمه کسی را	۲۲	۵۳۲
کز این نامداران و گرد	۱۳e	۷۷		۲۱	۳۸۷

کزو یست نیک و بد ز کار	۵ ، ۴۱	کز این نامداران یکی	۸۲۴ ، ۱۳c
کز آکنده پوشیده بهرام	۲۴۷۰ ، ۴۳	کز این نامور نامه باستان	۱۴ ، ۱۲e
کس آمد بنخاقان کمار	۲۶۹۰ ، ۴۳	کز این نامه نامور شهر	۱۳۳ ، E
کس آمد بر شاه ایران	۹۷۷ ، ۱۳c	کزین تنگ تابوت سر	۴۲۱۵ ، ۱۵
کس آمد بگردوی از	۴۲۵۸ ، ۴۳	کز این تنگ تاجاوردان*	۴۱۰ ، ۱۳e
کس آمد بگفت آنکه	۶۰۳ ، ۴۱	کز این تنگ تاجاوردان*	۱۵۶۲ ، ۱۳
کس آمد بماهوی سوری	۷۸۲ ، ۵۰	کز این تنگ تاجاوردان*	۹۹۳ ، ۱۲e
کس آمد سوی خر تار دشت	۳۰۵ ، ۴۰	کز این هم نشان خون	۱۸۶۷ ، ۱۳g
کس آمد سیاووش را	۱۴۰۸ ، ۱۲d	کزو بر تن من نیاید	۹۶۴ ، ۴۳
کس آنرا ز پیدانیا رست	۴۰۷۴ ، ۴۳	کزو تاج و تختست ازویم	۱۹ ، ۷
کس آنرا گزارش ندانست	۱۴۶ ، ۲۰	کزو تازه شد کشور خوز	۶۳۷ ، ۲۲
کس آنرا نبرد مگر تیغ	۱۲۱ ، ۴۳	کزو دین یزدان بنیرو	۱۴۳۶ ، ۴۱
کس آهنگ آن تخت	۱۶۹۴ ، ۴۳	کزو شادمانیم و زو با	۲۷۶ ، ۱۹
کس آیین او را ندانند	۲۱۰۵ ، ۴۱	کزو شادمانیم و زو بر	۹۶ ، ۵۰
کس از بازخواهند زهند	۱۹۸۲ ، ۳۵e	کزو شاه راروز بر گشته	۴۲۲۴ ، ۱۵
کس از بد کند پیر دباری	۲۳ ، ۴۲	کزو شاه راما بکین خوا-	۱۷۷ ، ۱۳f
کس از آزمایش نیاید	۴۳ ، ۱۲b	کزو قارن رزمزن خسته	۳۷۵ ، ۸
کس از انجمن هیچ پاسخ	۸۶ ، ۱۳e	کزو کین تو باز جویم	۱۳۸۱ ، ۱۵
کس از بندگان تخت	۱۷۱۴ ، ۴۲	کزو گردد ایمن جهان	۲۶۶ ، ۲۰
کس از تاجداران بدین	۶۰۴ ، ۶	کزو گشت رخشنده فرخ	۱۹ ، ۸
کس از تخم کشاوران جنگی	۲۶۱ ، ۱۳b	کزو مهر یانتر بدود آیه	۱۵۰ ، ۷
کس از جنگجویان گیتی	۳۲۵۷ ، ۱۵	کزو یافتم جان و از کرد	۳۴۶ ، ۳۰
کس از حکم یزدان نیارد	۸۱۲ ، ۷	کزویت سپاس و بدویت	۱۲۵۶ ، ۴۱
کس از خاک دست و عنایتی	۱۰ ، ۱۲b	کزویت بر پای گردان	۱۶۸ ، ۵۰
کس از خواست یزدان*	۱۱۹۸ ، ۲۰	کزویت پیروزی و دست	۱۱۸۷ ، ۱۲c
کس از خواست یزدان*	۲۴۷۱ ، ۱۳f	کزویت پیروزی و دست	۱۱۱۴ ، ۱۳g
کس از روزیایان بد	۴۶۴ ، ۵	کزویت گردون گردان	۱۲ ، ۱۳d

(* ستاره در ستون اول در سطر اول بجای « بر درم » و در دوم بجای

« بر سپاه » و در سوم بجای « مهتران » و در ستون دوم در سطر اول بجای « کز آن

نیافت » و در دوم بجای « نیایدرها » آمده است

کسی با گنه گر ز مادر	۳۳۸	۷	کس از گردن آسمان	۲۶	۱۲c
کسی باید اکنون برفتن	۶۸۶	۱۲c	کس از مادران پیر هرگز	۴۹۶	۷
کسی برد زی نوشزاد	۷۵۴	۴۱	کس از ما نبودست همدا-	۱۹۳۱	۳۵
کسی بر کدیور نکر دی	۸۳	۴۱	کس از ما نبینند چیحون	۲۳۹	۱۱
کسی بر گرفت از کشنده	۱۳۶۰	۴۲	کس از نامداران ایران	۱۰۱۸	۱۲c
کسی بر نشستی بر آن	۱۶۷	۲۰	کس از نامداران پیشین	۶۵۵	۱۲b
کسی بی زمانه بگیتی	۳۵۲۹	۱۵	کس از نامداران نثر پاسخ	۲۰۲	۸
کسی پادشاهی کندهفت	۶۴۱	۴۴	کس از نامداران و شاه	۱۹۴۵	۱۵
کسی پر و پیکان تیرش	۱۳۸۲	۳۵	کس از نامه نامداران	۲۹۹	۸
کسی پیش من بر فزونی	۴۰۶۴	۴۱	کس اندازه آن ندانست	۱۸۰۷	۲۰
کسی تاجداری بدینسان	۷۲۲	۵۰	کس اندازه بخشش او	۷۲	۳۵
کسی خسته مهر دلبر بود	۴۹۴	۱۲c	کس اندازه نشناخت آنرا	۸۹۱	۱۲d
کسی در جهان این	۱۷۲	۱۷	کس اندر جهان این	۹۰۶	۴۳
کسی دشمن خویشتن	۱۴۷۶	۱۲c	کس اندر جهان جاودانه	۱۲۱۰	۱۲c
کسی دیگر از رنج ما	۱۵۶۶	۷	کس اندر جهان خم چونان	۳۹۲۱	۴۳
کسی را اگر ساها پرورد	۹۸۹	۶	کس اندر جهان زهره آن	۴۶۳	۴۴
کسی را بید از کسی بیم	۸۷۷	۱۵	کس اندر جهان کودکی	۱۸۷۷	۷
کسی را بود ارج از این	۱۴۷	۴۱	کس اندر نیارد شدن	۲۴۶۳	۴۳
کسی را بود زین سپس	۹۸	۵	کس اندیشه زینگونه	۲۲۰۸	۳۵
کسی را جز از تو نخواهند	۵۱۵	۴۴	کسانی کز این دانش آگه	۷۹۶	۱۲d
کسی را دهد تخت شاهی	۱۳۸۷	۱۲c	کسانی که اندر شبستان	۳۸۵	۱۲d
کسی را رسد گردی و سرور	۴۷۴	۱۲c	کسانی که بودند بر درگه	۱۹۶۳	۷
کسی را ز ترکان نباشد	۵۶۵	۱۳۴	کسانی که در خواب دانا	۴۱	۲۱
کسی را ز زندان بنزدیک	۱۸۷۶	۴۲	کسانی که دیدند رزم	۱۰۶۷	۱۲c
کسی را ز گردان پیش من	۵۰۴	۱۳۴	کس او را نپذیرفت کش	۲۵۲۴	۴۳
کسی راست پاسخ نیارست	۵۱	۱۲	کس این گنج از من نیارد	۶	۲۲
کسی را سزای تو کردار	۲۱۴۵	۳۵	کس آن سپه را نداند	۲۷۱	۴۱
کسی را فرستاد نزدیک او	۱۶۴	۱۲d	کس این نه بر گیرد از	۲۵۲۵	۴۳
کسی را کجا بخت آساز	۱۲۷۵	۴۱	کسی با ستاره نکوشد	۱۹۸۵	۳۵
کسی را کجا پادشاهی	۶۱۲	۳۴	کسی باشد از بخت پیروز	۳۶۲۳	۱۵

کسی را که چون سر بیچند	۲۴۱	۱۳	کسی را کجا پروراند	۲۰۰۳	۱۳۴
کسی را که خوانی همی	۳۴۹۶	۴۳	کسی را کجا پیش رو شده او	۸۱	۲۴
کسی را که خواهد بر آرد	۷۱۵	۱۲d	کسی را کجا تخم یا چارپا	۷۴	۴۱
کسی را که خواهد کند	۲۱۹۲	۴۱	کسی را کجا چون تو کهنتر	۱۰۲	۱۳e
کسی را که خواهی دهم	۳۰۹۹	۴۳	کسی را کجا دل پر آه بود	۵	۳۴
کسی را که خون ریختن	۱۱۸۶	۴۲	کسی را کجا را زنده بدیزد	۹۳	۳۴
کسی را که داری زیوند	۲۸۶	۱۹	کسی را کجا سرفرازی دهد	۱۰۳	۴۱
کسی را که دانی تو از تخم	۱۱۳	۱۳c	کسی را کجا فریزدان	۲۸۴۸	۱۳g
کسی را که دختر برد آب	۲۱۹۷	۱۵	کسی را کجا کور بدرهنمو	۱۰۱۸	۴۳
کسی را که در که شبان	۲۸۳۰	۱۲d	کسی را کجا مغز باشد	۶	۳۲
کسی را که درویش باشد	۵	۴۷	کسی را کزین گونه کهنتر	۱۵۸۳	۴۳
کسی را که درویش باشد	۶۱۴	۴۴	کسی را کس از بن نباشد	۴۹۶	۱۳
کسی را که درویش بداد	۲۴	۱۹	کسی را که از بن نباشد	۱۲۲۹	۱۳f
کسی را که دیدی توزینسان	۴۶	۲۱	کسی را که آسوده تر زین	۵۱۵	۱۳b
کسی را که رستم بود پهلوان	۱۰۲۱	۱۳c	کسی را که آید زمانش	۷۶۶	۴۲
کسی را که رستم بود هم نبرد	۹۶۵	۱۲ce	کسی را که از پیش ببرد	۵۸۱	۳۰
کسی را که زنده است بیجان	۴۷۵	۱۳b	کسی را که اندوه و امست	۵۷۲	۳۵
کسی را که سالت بدوسی	۲	۱۲e	کسی را که اندیشه ناخوش	۳	۱۲d
کسی را که شاه جهان خوار	۱۵۹۳	۴۱	کسی را که او پروراند	۱۷۷۵	۱۳g
کسی را که کمتر بدی	۳۲۰	۲۲	کسی را که او کرد پیروز	۵۱۰	۲۰
کسی را که کوتاه باشد	۸۳۶	۴۱	کسی را که با اوست هم	۲۰۲۸	۳۵
کسی را که ما تاج دادیم و	۲۴۱۳	۳۵	کسی را که باشد بدین پای	۱۳۸	۴۱
کسی را که مغزش بود	۱۱۲۶	۴۱	کسی را که بد باره بگریخت	۱۵۵۸	۱۵
کسی را که می انده آرد	۱۱۱۷	۳۵	کسی را که بد ز آمدنش	۱۶۸۰	۷
کسی را که نزدیک بد پیش	۱۰۵۸	۱۳g	کسی را که بردست و یا	۱۲۶۶	۱۵
کسی را که و امست و دستش	۱۶۸۲	۳۵	کسی را که بگرفت از	۲۰۴۱	۳۵
کسی را که و امست و درینار	۱۲۶۳	۳۵	کسی را که بینی تو پای از	۸۴۵	۱۲
کسی را که هستند از ایران	۹۴۴	۱۳b	کسی را که پوشیده دارد	۱۲۶۰	۳۵
کسی را که یزدان فرونی	۱۲	۲۶	کسی را که جنگی چو رستم	۶۹۶	۱۲c
کسی را که یزدان کند	۳۰	۴۲	کسی را که چون او بود	۱۳۳۰	۱۲e
کسی را که یزدان کند	۴۰۱	۱۳c	کسی را که چون پیلتن	۸۵۱	۱۳c
کسی را که یزدان کند	۵۵۱	۱۳g			

کسی سوی دوزخ نپوید	۳۲۰ ، ۱۲e	کسی را که یزدان بگهدار	۱۰۷ ، ۱۷
کسی سوی رستم فرستاد	۳۸۸۲ ، ۱۵	کسی را گزینید کز رنج	۳۸۰۹ ، ۴۱
کسی کاشتی جوید و سور	۱۰۱۸ ، ۱۲d	کسی را آمده بار در پیش من	۲۶۰۷ ، ۱۳g
کسی کاندرین بوم آباد	۴۰ ، ۱۲	کسی را نبد با جهاندار	۱۷۷۶ ، ۴۱
کسی کاندرین جنگ	۲۱۶ ، ۱۹	کسی را نبد بر درش	۲۷۸۶ ، ۴۳
کسی کاین جهان داد دیگر	۳۱۷ ، ۴۴	کسی را نبد تاب با او	۲۷۴ ، ۱۲c
کسی کت خوش آید سراپا	۲۹۲ ، ۱۲d	کسی را نبد دل که نکشاد	۲۰۷۶ ، ۱۳g
کسی کرد و برگاه تنها	۳۸۶ ، ۱۲d	کسی را نبد رزم کرد آرزو	۱۹۳۸ ، ۴۱
کسی کز بزرگی زند	۲۰۶۸ ، ۴۱	کسی را نبد نزد او پایگاه	۲۱ ، ۳۴
کسی کز پدر کزی و خوی	۱۲۳۰ ، ۱۲d	کسی را نبد یاد روز نبرد	۱۲۰۰ ، ۱۳
کسی کز پلنگان بخورد	۲۶۷ ، ۱۲b	کسی را نبد نیم از ایران سپاه	۵۶۸ ، ۱۳g
کسی کز تو ماند ستودان	۱۲۶۹ ، ۱۲c	کسی را نخواهم که افتد	۴ ، ۱۹
کسی کز دریا دشاهی بود	۶۶۴ ، ۳۰	کسی را نداد از یلان زینهار	۲۳۸۲ ، ۱۵
کسی کز گرانمایگان	۲۵۵ ، ۱۹	کسی را ندادم بجز از زینهار	۲۴۰۶ ، ۱۵
کسی کز گرافه سخن را ند	۲۵۷ ، ۱۳e	کسی را ندارم ز مردان	۵۸۲ ، ۳۴
کسی کز نژاد بزرگان بود	۴۹۱ ، ۱۳	کسی را ندرد بگفتار پوست	۱۳۴۷ ، ۴۱
کسی کز نژاد سیاوش بود	۱۶۴۸ ، ۱۲d	کسی را ندیدم از ایران	۵۳۷ ، ۱۳g
کسی کش بگیتی تو باشی	۲۲۰۶ ، ۱۳g	کسی را ندیدم بمرگ	۴۳۹۸ ، ۴۱
کسی کثر بود رای نیکو	۲۲۹ ، ۱۵	کسی را ندیدم که روز نبرد	۴۰۸ ، ۱۳g
کسی کش بود ماه و سنگ	۱۶۸۷ ، ۳۵	کسی را نماند که زشتی کند	۱۹۶۲ ، ۱۳g
کسی کش پدر ناصر الدین	۲۳۶ ، E	کسی را نه بر خیره فرمان	۲۵۲۵ ، ۴۱
کسی کش خرد باشد آموز	۱۶۰۴ ، ۱۳c	کسی را نیامد بر آن دشت	۱۱۴۱ ، ۳۵
کسی کش خرد بود آن	۲۱۷۱ ، ۴۳	کسی را نیامد همی رزم	۱۶۵۰ ، ۱۳b
کسی کثر درم بود دهقان	۸۱ ، ۴۱	کسی را نبد بگزید و بامن	۲۴۱۹ ، ۳۵
کسی کش ستایش نیاید	۶۹ ، ۲۴	کسی را نبد گریست بر تخت	۲۳۷۰ ، ۱۳g
کسی کش سرافراز بد	۲۳۷۷ ، ۱۵	کسی زنده بر آسمان	۲۱۷ ، ۸
کسی کش فلاطون بدست	۱۷۳۳ ، ۳۵	کسی زین بزرگان پدیدار	۱۲۵۸ ، ۳۵
کسی کش گنه کار داری	۱۱۸۶ ، ۱۳f	کسی زین نشان هیچ بر	۵۴ ، ۳۸
کسی کو بیاد فرما ندر خور	۱۳۹۳ ، ۴۱	کسی سام یل را نیارست	۵۹ ، ۷
کسی کو ببخشش توانا بود	۷ ، ۳۳	کسی سر نپسند از آن	۲۰۱۹ ، ۱۳g

کسی کو بیلا جوی گردان	۱۵۱۲	۱۳	کسی کو بپر هیزد از بد	۱۰	۲۵
کسی کو بلند آسمان آفرید	۶۰۱	۳۰	کسی کو بیبجد ز فرمان	۸۵۹	۲۳
کسی کو بمرگ شاه داد	۷۵۷	۴۱	کسی کو بپنمود روی	۱۱۹۰	۱۳e
کسی کو بمیرد نباشدش	۶۱۸	۳۴	کسی کو بپیوستگی شاه	۳۴۰۵	۴۳
کسی کو بنام بلندش نیاز	۴۳۲	۱۳۴	کسی کو بتا بدسراز راست	۱۲۶۸	۱۳g
کسی کو بود از بی ما برنج	۷	۴۹	کسی کو بتابد ز گفتار ما	۱۸۷۳	۱۳g
کسی کو بود پاک ویزدان	۱۷۵۹	۴۱	کسی کو بجنکت نبندد	۱۳۱	۱۳۴
کسی کو بود بهلوان جهان	۹۴۳	۱۲c	کسی کو بجوید ز ما راستی	۶	۳۴
کسی کو بود تیز و برتر	۶۰۱	۲۲	کسی کو بجوید همی تاج و	۲۹۶۴	۴۱
کسی کو بود در جهان پیش	۹۰	۱۲	کسی کو بجوید همی کارزار	۸۸۴	۲۱
کسی کو بود سوده روز	۳۹۱	۱۳۴	کسی کو بخلعت سزاوار	۳۱۵	۷
کسی کو بود شاه رازیر	۱۳۸۶	۴۱	کسی کو بخلعت سزاوار	۲۲۲۷	۴۳
کسی کو بود شهر یار جهان	۱۵۴	۱۲b	کسی کو بدانش بر درنج	۲۷۲۹	۴۱
کسی کو بود شهر یار زمین	۱۱۹	۶	کسی کو بدانش توانگر	۱۲۲۶	۱۳g
کسی کو بود شهر یار زمین	۱۳۷۸	۱۲e	کسی کو بدانش زبانش	۲۶۹	۱۹
کسی کو بود مهتر انجمن	۷۷	۱۲e	کسی کو بدین نیست هم	۹۴۳	۴۳
کسی کو بیا ساید از کشت	۲۵۸۶	۳۵	کسی کو بدیهات گیرد شمار	۱۲۶۲	۱۳g
کسی کو بیفتد ز کام و ز	۱۴۲۶	۱۳g	کسی کو برادر فروشد	۴۲۴	۶
کسی کو بدر را چنان خوار	۳۳۲۸	۱۵	کسی کو بر امش سزای من	۴۲۵	۵
کسی کو ترانیت آزر	۱۴۵۵	۴۲	کسی کو بر این پایکار	۲۵۹۶	۳۵
کسی کو جز از تو پرستد	۳۰۰	۴۱	کسی کو بر این یک درم	۱۲۳	۴۱
کسی کو جوان بود تاجی	۱۸۰۱	۲۰	کسی کو بزد آب و آتش	۵۹	۱۳۴
کسی کو جواست شادی	۱۸۹۳	۳۵	کسی کو بر زمت نبندد	۴۳۰	۱۳
کسی کو جهان را بنام بلند	۳۵۳	۱۲	کسی کو بر شاه بد گوی	۱۱۸	۴۰
کسی کو چون دید بر تخت	۳۰۸	۱۲d	کسی کو بره بر کند زرف	۱۴۳	۱۳e
کسی کو خورد جوید و ایمنی	۴۷۵	۱۲e	کسی کو بزندان و بند	۱۶۱۱	۱۲d
کسی کو خورد را ندارد ز	۲۵	E	کسی کو بساید عنان و	۹۵	۱۳۴
کسی کو خریدار نیکی	۱۹۸۸	۴۲	کسی کو بکشتی نبرد آورد	۱۲۸۵	۱۲c
کسی کو خورد داروی	۱۱۱۲	۳۵	کسی کو بگرد ز فرمان	۴۳۵۸	۴۱
کسی کو دل و منی را فریاد	۱۱۶	۱۳c	کسی کو بگنج و درم ننگرد	۱۳۵۶	۱۳e
کسی کو درم از دماغش	۲۲۷۱	۱۲d	کسی کو بگنج و درم ننگرد	۲۵۵۷	۴۱

کسی کوندارد بیاید بکنج	۱۷۱۳	۳۵	کسی کودهنی گاست باشد	۲۸۲۲	۲۱
کسی کوندارد شود خشک	۲۱۱	۳۵	کسی کوز بند خرد جسته	۷۷۸	۴۱
کسی کوندارد همی تخم	۲۵۸۸	۳۵	کسی کوز پیمان من بگذرد	۷۰	۴۸
کسی کوندارد هنر با خرد	۱۶۰۶	۴۱	کسی کو زعهد جهاندار	۲۶۶۴	۱۵
کسی کوندارد هنر با نژاد	۳۹۶۲	۴۱	کسی کوز فرزند او نامبرد	۱۵۰	۱۷
کسی کوندیدست بهرام	۱۰۲۰	۳۵	کسی کوز فرمان ما بگذرد	۵۰	۱۹
کسی کو ندیدست خرم	۶۶۷	۴۱	کسی کوز فرمان ما بگذرد	۲۴۳	۱۹
کسی کو نشاید بییوند	۱۷۲۶	۴۳	کسی کوز فرمان ما بگذرد	۳۸۱	۱۹
کسی کونگردد بروز شمار	۲۲۰	۳۵	کسی کو ز فرمان ماسر	۱۳۲۶	۲۰
کسی کوهمی داد خواهد	۶۲۲	۳۴	کسی کو ز فرمان یزدان	۱۱۵۸	۱۲d
کسی کوهمی میرد از قحط	۲۶	۳۸	کسی کو زند زین سخن	۶۲۸	۱۳c
کسی کو هوای فریدون	۲۶۲	۵	کسی کوسراز جنگ بر	۹۹۹	۱۳g
کسی گردد ایمن ز جنگ	۲۶۸۱	۱۳g	کسی کوسزاوار در گاه بود	۱۱۸۲	۴۱
کسی گر کند بر زن کس	۲۴۶۹	۴۱	کسی کوشود زیر نخل بلند	۱۳۱	E
کسی گر بره بر درم ریختی	۲۴۴۵	۴۱	کسی کوشود کشته زین رزم	۸۸۵	۶
کسی گفت خرم آد بر زین	۶۶۱	۴۲	کسی کوفروتن تر و رادتر	۴۴۹۸	۴۱
کسی نیز کاوس کی را	۲۵۰۶	۱۳g	کسی کو کند آفرین بر	۳۹۰۵	۴۱
کسی نیست بی آرزو در	۱۵۰۳	۴۱	کسی کو گراید بییونداو	۳۰۱	۱۹
کسی نیست بی آرزوی نام	۷۶۱	۱۳c	کسی کو گراید بگرز	۲۰۸	۱۲
کسی نیست زین نامدار	۲۸۵	۲۱	کسی کو گراید بگرز	۱۶۴۲	۴۳
کسی نیست کآید بسازد	۱۵۰۲	۱۲e	کسی کو گنهکار خواند ترا	۱۲۸	۴۴
کسی نیست مارا ز تخم	۵۱۵	۱۳g	کسی کو گنهکار و خونی	۹۱۳	۱۳c
کسی یکدگر را ندیدند	۲۶۳۷	۱۲d	کسی کومرد جای و چیزش	۳۳۰	۴۰
کشان بیژن گیوازی پیش	۴۳۶	۱۳e	کسی کومی آرد نخست	۲۷۶	۳۰
کشان دم در پای و پایالو	۳۴۶	۳۴	کسی کو نبیند ز پرتاب	۱۷۹۶	۳۵
کشان دیشه گاه او آمدی	۳۸۳	۵	کسی کونبیند سر انجام بد	۹۱۶	۱۲d
کشانش پیش سرا پرده	۵۹۹	۴۲	کسی کو نبیند همی گنج	۱۱۶۶	۱۲d
کشانش بیاورد در پیش من	۱۳۲۳	۱۲e	کسی کونپر هیزد از خشم	۱۲۰	۳۲
کشانش بیاورد گه دایر	۱۸۵۶	۱۳	کسی کو نجوید سر انجام	۲۲۷۱	۱۳f
کشانی بنخندید و خیره	۱۴۹۱	۱۳b	کسی کونخفتست از رنج ما	۱۴۰۹	۳۵

کشیدش سراپای یلخس	۷۱ ، ۱	کشانی بدو گفت بی بارگی	۱۴۹۵ ، ۱۳b
کشیدم بکوه کنا بد سپاه	۱۳۸۳ ، ۱۳f	کشانی بدو گفت کویت	۱۵۰۳ ، ۱۳b
کشیدند از آن روی ببهشت	۲۱۳۱ ، ۱۳g	کشانی پیاده شود هم چون	۱۵۰۱ ، ۱۳b
کشیدند بالشکری چون	۱۸۶ ، ۶	کشانی چو کاموس شمشیر	۹۱۸ ، ۱۳b
کشیدند بد بخت ز نرا بر راه	۴۶۹ ، ۱۲d	کشانی زمین پادشاهی مرا	۱۹۱۱ ، ۴۱
کشیدند بر دشت پرده سرا	۱۱۱۷ ، ۱۳g	کشانی و جینی و هندی	۱۰۴۶ ، ۱۳c
کشیدند بر دشت پرده سرا	۱۲۶۳ ، ۲۰	کشانی و سندی شدند	۱۸۵۵ ، ۴۱
کشیدند بر هفت فرسنگ	۹۶۹ ، ۱۳g	کشانی و شکنی و چینی	۹۳۵ ، ۱۳c
کشیدند نرج و سپردند راه	۱۰۰۲ ، ۴۲	کشانی و شکنی و سقلاب	۲۶۸ ، ۱۳c
کشیدندش از پیش افراسیا	۳۴۵ ، ۱۳e	کشانی و شکنی و گردان	۷ ، ۱۳c
کشیدندش از پیش دژخیم	۲۴۴۲ ، ۱۳g	کشانی و شکنی و هری سپاه	۱۴۴۱ ، ۱۳b
کشیدندش از جای ناپاک	۴۶۶۶ ، ۱۵	کشانی هم اندر زمان جان	۱۵۲۱ ، ۱۳b
کشیدندشان خسته و بسته	۴۱ ، ۳	کشاورز باشد و گر تاجور	۲۵۴۶ ، ۱۳g
کشیدند شمشیر کین هم	۲۰۲۹ ، ۴۳	کشاورز با مرد دهقان	۲۴۱۲ ، ۳۵
کشیدند شمشیر و برخاستند	۹۱۷ ، ۴۳	کشاورز جنگی شود بی هنر	۱۲۸ ، ۵۰
کشیدند شمشیر و زوین و	۸۳۳ ، ۱۲b	کشاورز را تنم ببریدی	۲۸۵۶ ، ۱۳g
کشیدند شه شیر و گر ز آن	۱۰۹۲ ، ۱۲	کشاورز را دختر ماهروی	۲۳۲ ، ۲۲
کشیدند شمشیر و گفتند	۲۳۱ ، ۱۵	کشاورز و دهقان و مرد	۳۲۷ ، ۴۱
کشیدند کویال و تیغ بنفش	۱۶۳۷ ، ۱۳	کشاورز یا مردم پیشه ور	۵۲۱ ، ۱۳
کشیدند لشکر بدان رود	۴۰۶۷ ، ۴۳	کشاد جوشن و خود و کویال	۱۴۲ ، ۱۰
کشیدند لشکر بدشت نبرد	۸۵۹ ، ۶	کشف رود پر خون و زرد	۱۲۸۱ ، ۷
کشیدند لشکر بر آن بهن	۱۲۱۴ ، ۱۳e	کشند آنکه دارند از ایران	۱۴۱ ، ۳۹
کشیدند می تاجهان تیره	۱۵۸۳ ، ۷	کشنده ببرد آن دو تن را	۱۰۸۸ ، ۴۱
کشیدند دشمن ندانند عتاک	۶ ، ۱۲e	کشنده بدو گفت ماهوش	۲۱۴۲ ، ۱۵
کشید و بیفکند گور آن	۳۸۵ ، ۱۲	کشنده پدر هر زمان پیش	۳۰۲۰ ، ۴۳
کشیده بن نجیر و بسته بیدند	۹۸۰ ، ۱۳e	کشنده درفش فریدون	۱۲۴۲ ، ۷
کشیده چو بهرام شمشیر	۹۱۹ ، ۴۳	کشنده سیاوخش چا کر نبود	۱۰۸۸ ، ۱۳
کشیده همه تیغ و کور	۳۲۶ ، ۱۳b	کشنده همی جست بدخواه	۴۶۲ ، ۴۴
کشیدی بر ستند هر ستورده	۳۸۹ ، ۲۲	کشید از بر زین تن روشنش	۲۰۸۰ ، ۱۳f
کشیدی سپهر امان در آن	۶۶۲ ، ۱۲b	کشیدش دو ان تا بدان چاه	۴۴۳ ، ۱۳e

۶	۶۴۵	۶	کشیدیم کن از سواران چین	۱۱۹۲	۶
۴۱	۲۲۳۳	۴۱	کشیدیم لشکر بما چین و	۱۷۸۲	۱۳g
۳۰	۱۹۳	۳۰	کشیدیم و گشتیم خشنود	۱۱۳۳	۱۳e
۴۱	۳۵۵۱	۴۱	کشیده و را گفت بسیار	۱۳۳۷	۱۲e
۴۱	۳۵۱۲	۴۱	کشیدی همه ساله تیمار من	۲۴۲۹	۱۳f
۴۲	۴۸۴	۴۲	کف اندر دهانشان شده	۳۶۷۸	۱۵
۴۲	۹۴۸	۴۲	کف دست او بر دهان بر نهاد	۴۰۸	۱۹
۱۵	۳۵۴۱	۱۵	کف شاه ابو القاسم آن	۱۶۳۶	۱۵
۱۳b	۱۲۸۳	۱۳b	کفن جوشن و بستر از خون	۱۸۲	۱۳b
۴۳	۶۴۷	۴۳	کفن دوز بروی ببارید	۴۵۹۵	۱۵
۱۳f	۱۹۱۹	۱۳f	کفن شد کنون مغر و	۱۶۹۷	۱۳b
۱۴	۶۳۳	۱۴	کفن هر که بستاند از جم	۵۷۶	۳۵
۱۵	۳۷۴۵	۱۵	کف و ساءش چون کف شیر	۶۴۸	۷
۵	۳۷۷۹	۵	کلاه برادر بر سر نهاد	۲	۳۴
۱۷	۹۰	۱۷	کلاه جهان پهلوان بر سر	۱۹۱	۱۳e
۷	۵۴۱	۷	کلاه کیانی بر سر نهاد	۵۷۹	۸
۱۳c	۵۹	۱۳c	کلاه کمی بر سر اردشیر	۳۶۳	۴۳
۱۲d	۲۰۵۵	۱۲d	کلاه و ر بادست آویخته	۹۳۷	۱۲
۲۱	۴۳۶	۲۱	کلاهی بر سر نهادش پندر	۱۲۵۸	۱۵
۲۴	۷۴	۲۴	کلاهی دگر بود مشکین	۲۳۳۰	۴۱
۱۳c	۱۲۳۸	۱۳c	کلنگند شاهان و من چون	۱۹۸۴	۳۵
۴۶	۷۶	۴۶	کلنگی بچنگ آمدش بر	۸۰۶	۳۵
۱۴	۳۹۷	۱۴	کله خود و شمشیر جام منست	۵۳	۱۲۵
۱۲c	۳۳۱	۱۲c	کلید چنین بند باید فریب	۸۹۸	۱۳e
۱۲d	۱۵۰۱	۱۲d	کلید خورش خانه پادشا	۱۵۹	۴
۱۳b	۱۴۸۸	۱۳b	کلید در خانه او را سپرد	۲۰۰	۳۰
۴۳	۴۸۲	۴۳	کلید در گنج آراسته	۶۵۲	۶
۱۳	۱۷۵۵	۱۳	کلید در گنج دو پادشا	۳۰۰۶	۴۱
۱۳	۱۸۱۰	۱۳	کلید در گنج ها پیش تست	۳۳۵	۷
۳۴	۱۸۲	۳۴	کلید در گنج ها بر شمرد	۲۲۶۱	۱۳

کمانها چو پایست بر	۷۷۹ ، ۱۳۴	کمانرا بزه کرد بهرام گور	۲۰۵۶ ، ۳۵
کمانها فکنده بپاز و درون	۲۹۳ ، ۱۳۴	کمانرا بزه کرد بیژن چو	۱۶۴۰ ، ۱۳
کمانها گرفتند و تیر خند	۱۵۹۵ ، ۷	کمانرا بزه کرد پس	۱۵۱۰ ، ۱۳b
کمانها گرفتند و تیر خند	۱۸۸۱ ، ۱۳۴	کمانرا بزه کرد جنگی	۹۲۱ ، ۱۳
کمانها همه پاک برهم	۱۹۲۰ ، ۱۳۴	کمان را بزه کرد زال	۵۲۴ ، ۸
کمانهای ترکی بینداخت	۷۷۹ ، ۱۵	کمانرا بزه کرد مرد جوان	۲۱۳۳ ، ۳۵
کمانهای چاچی بزه بر	۸۹۸ ، ۴۲	کمانرا بزه کرد مرد دلیر	۱۷۱۳ ، ۳۵
کمانهای چاچی و تیر خند	۶۴۹ ، ۶	کمانرا بزه کرد و آن تیر	۴۰۲۶ ، ۱۵
کمانهای چاچی و تیر خند	۷۱۵ ، ۱۳c	کمانرا بزه کرد و از باد	۸۱ ، ۱۳d
کمانهای چرخ و سپر های	۱۰۹۰ ، ۱۳g	کمانرا بزه کرد و بشارد	۱۲۴۷ ، ۱۳
کمانی بپاز و درافکنند	۴۹۲ ، ۸	کمانرا بزه کرد و بگزید	۲۱۸۱ ، ۳۵
کمانی که بودی زه از چرم	۱۴۷۵ ، ۱۳b	کمانرا بزه کرد و بکشاد	۳۲۶ ، ۱۲c
کمانی کیانی بتر کش	۴۵۰۴ ، ۱۵	کمانرا بزه کرد و بکشاد	۱۵۶۳ ، ۱۳۴
کمانی نبایست کردن بزه	۲۳۴۷ ، ۴۱	کمان را بزه کرد و تیر	۶۸۴ ، ۳۵
کمر بر گشاد و کله بر گر	۱۴۰۳ ، ۱۳c	کمانرا بزه کرد و زایشان	۵۸۴ ، ۱۳۴
کمر بر میان بر ستور نو نند	۱۳۴۰ ، ۱۳۴	کمانرا بفرمود کردن بزه	۹۰۳ ، ۱۳۴
کمر بر میان بست و ستم چو	۲۶۲ ، ۱۰	کمانرا بمالید بهرام گور	۲۴۸۲ ، ۴۳
کمر بر میان بست و بر جست	۱۳۲۰ ، ۱۳g	کمانرا بمالید جنگی	۲۰۹ ، ۳۴
کمر بست با فر شاهنشاهی	۴ ، ۴	کمانرا بمالید درستان سام	۱۶۰۰ ، ۷
کمر بست باید بکین پدر	۶۰۹ ، ۱۳	کمانرا بمالید و بر زه نهاد	۲۴۷۵ ، ۴۳
کمر بست تا گیتی آباد کرد	۵۱۱ ، ۱۳۴	کمان را بیفکنند و ژوبین	۱۶۰۵ ، ۷
کمر بست شیده پیش پدر	۱۳۳۴ ، ۱۳c	کمانرا نگه کرد خیره بماند	۱۴۸۶ ، ۱۲d
کمر بستن و رفتن شاهوار	۴۸ ، ۵	کمانش ببرد آنکه گنجور	۶۴۶ ، ۴۳
کمر بست و ایرانیان را	۲ ، ۳۱	کمانش تو دیدی و تیر ایدر	۱۵۵۵ ، ۱۳b
کمر بست و بر ساخت من	۲۲۵۸ ، ۱۳۴	کمانکش سواری گشاده	۸۹۳ ، ۱۳c
کمر بست و پنهان سو سوئی	۹۸ ، ۱۲	کمان کیانی گرفتم بچنگ	۱۱۳۳ ، ۷
کمر بست و رفت از در شاه	۲۱۴ ، ۱۲	کمان کیانی گرفته بچنگ	۲۱۳۵ ، ۳۵
کمر بسته ام پیش ایرانیان	۳۰۲۴ ، ۱۳g	کمان مهره انداز تا گوش	۱۷۹ ، ۳۴
کمر بسته ام لاجر چنگ	۳۸۹ ، ۵	کمان مهره و شیر و آهو	۲۲۱ ، ۳۴
کمر بسته پیش تو آید	۴۵۶ ، ۱۳g	کمانها بزه بر نهاده سپاه	۱۳۶۹ ، ۳۵
کمر بسته خواهی بر	۹۸ ، ۱۳۴		

کمنداندر اوکدوبرگا-	۴۶۱ ، ۱۳e	کمر بسته شهر یاران بود	۱۵۱۱ ، ۷
کمندتو بر شیر بند افکند	۵۳۰ ، ۱۲c	کمر بسته کین آزادگان	۵۲۱ ، ۱۳f
کمندست گیسوش هم رنگ	۳۱۹ ، ۲۰	کمر بسته و گرز شاهان	۲۰ ، ۲۲
کمندش بیاورد هفتاد باز	۱۶۵۶ ، ۱۲c	کمر بند او را گرفت و زجا	۸۴۷ ، ۱۲b
کمندش چو تن راست کرد	۱۰۶۴ ، ۱۲	کمر بند بگرفت و او را	۱۳۷۹ ، ۱۳c
کمند کیانی بینداخت شیر	۳۸۴ ، ۱۲	کمر بند بگرفت و او را	۸۹۴ ، ۵۰
کمند کیانی همی دادخم	۱۱۴ ، ۱۰	کمر بند بگرفت و ز پشت	۲۲۴ ، ۱۲e
کمندم بینداخت از دست	۱۲۹۶ ، ۷	کمر بند بگست و بند قبا	۱۶۰ ، ۱۱
کمند و بی رخسور رستم	۳۸۳ ، ۱۲	کمر بند بگست و بند قبا	۱۰۶۲ ، ۱۳c
کمند و سلیحش چو بفکند	۱۲۵ ، ۱۳d	کمر بند بگست و هومان	۲۹۵ ، ۱۳b
کمند و کمان برد و سه	۲۴۷۱ ، ۴۳	کمر بند رستم گرفت و	۱۲۷۶ ، ۱۲c
کمندی بدان کنگره در	۱۵۴ ، ۲۱	کمر بند سهراب را چاره	۱۱۰۳ ، ۱۲c
کمندی بفتراک برشت	۸۴۸ ، ۱۲c	کمر بند کاکوی بگرفت	۱۱۳۱ ، ۶
کمندی بفتراک زین در	۳۶۰۷ ، ۱۵	کمر بند گیرد کرا زور بیش	۷۹۴ ، ۱۳f
کمندی بفتراک و اسپ دو	۶۲۷ ، ۱۲e	کمر بند و برکش سوی	۶۲۶ ، ۱۳e
کمندی بینداخت بر پور	۱۱۲۲ ، ۱۳c	کمر بند گیرمش و از پشت	۷۱۲ ، ۱۴
کمندی بینداخت بولاد-	۱۳۸۳ ، ۱۳c	کمرخواست از گنج و	۶۷۵ ، ۱۴
کمندی فرو برده بالای او	۱۰۷ ، ۳۸	کمرخواست با گوهر شاه	۱۲۱۲ ، ۴۲
کمندی که بر جای ز ناز	۲۳۰۰ ، ۱۳g	کمرخواست پر گوهر شاه	۷۹ ، ۱۹
کمندی گشاد او ز گیسو	۶۹۰ ، ۷	کمر گاه او را بدو نیم کرد	۳۲۲۵ ، ۱۵
کمندی واسه مرا یار بس	۶۲۵ ، ۱۲e	کمر گاه طرخان بدو نیم	۲۲۵۰ ، ۱۵
کم و بیش ایشان همه باز	۱۴۱۲ ، ۲۰	کمرهای زرین و بیجاده	۸۹۰ ، ۱۳e
کم و بیش من پاک در دست	۳۰۱۲ ، ۱۳g	کمرهای زرین و سیمین	۴۳۳۰ ، ۱۵
کمی کرد ایرانیان را	۶۲۴ ، ۱۳b	کمرهای زرین و سیمین	۶۵ ، ۱۹
کمین ساختم از پس پشت	۱۰۰۹ ، ۶	کمند از ره بستد و دادخم	۷۰۱ ، ۷
کمینگاه را جای شایسته	۹۶۰ ، ۶	کمند از کمین برزجان	۳۲ ، ۱۱
کمین گاه کرد اندر آن	۵۲۸ ، ۲۱	کمند افکن آن گرد کاموس	۴۷ ، ۱۳e
کمی نیست در بخشش داد	۱۶۱۰ ، ۱۲e	کمند افکن و مرد پیدان	۱۰۹۹ ، ۱۳e
کمی و فزونی و نیک اختر	۷۶۵ ، ۱۲	کمنداندر او افکند و برزین	۱۹۴۲ ، ۱۳f

کنند چون بخواد ز نا چیز	۳۷۱	۵۰	کنارش پراز تاجداران	۳۱۱۸	۱۳g
کنند حلقه در گردن کنگره	۶۲۰	۷	کنارش پراز تاجداران	۸۰۹	۴۱
کنند دیده تاریک و رخساره	۹۵۲	۳۵	کنارنگ با آن که دارد	۶۴۱	۱۳
کنند شاه دور از میان گروه	۱۳۹۴	۴۱	کنارنگ با پهلوانان جز	۲۰۱	۱۳
کنند شهر ایران پر آشوب	۱۰۶۹	۷	کنارنگ با پهلوان وردان	۱۸	۳۴
کنند کرداری بدان چیز	۱۴۱۶	۳۵	کنارنگ با پهلوان هر که	۱۱۱	۱۲e
کنند هر کسی یاد کردار او	۴۵	۴۰	کنارنگ با پهلوان هر که	۵۲۱	۴۱
کنند یکسر آباد جوینده	۱۰۴۳	۴۲	کنارنگ با موبدانش بنحو	۱۳۴۰	۱۳c
کنند آفرین بر جهان سر بسر	۳۲۵	۴۴	کنارنگ با موبد و پهلوان	۳۷۲	۳۴
کنند آفرین بر نیاگان	۵۸۹	۱۳e	کنارنگ دیوی نگهبان	۶۲۹	۱۲
کنند آفرین پیش خاقان	۹۳۹	۱۳b	کنارنگ مردست ماهوی	۳۲۲	۵۰
کنند افسر نامداران	۹۱۲	۱۲b	کناریکی پر ز یاقوت	۱۵۰۳	۲۰
کنند بار بار گیهای خویش	۳۹۸۴	۱۵	کنام اسیرانش کردند نام	۵۸۵	۳۰
کنند بر تو بر پادشاهی تباه	۳۶۲	۱۲d	کنام دودام و نخچیر باد	۳۶۹	۳۵
کنند با تو پیمان که خسرو	۲۰۱	۱۳f	کنام نشست آمد و مرغ	۳۴۱	۷
کنند چاه آب اندر ده	۱۳۷۳	۱۵	کنند آفرین بر جهاندار	۷۱	۱۳g
کنند روی کشور همه بی سپاه	۸۷	۱۰	کنند آفرین بر خداوند	۳۴۷۴	۴۳
کنند زنده آیین ضحاک را	۱۹۲۹	۷	کنند آفرین تاج بر شهریار	۱۳۲۰	۴۱
کنند زنده بر دار بدنام را	۴۷۸	۱۹	کنند آفرین کیانی بر اوی	۲۲۹	۷
کنند زنده بر دار بیداد را	۱۴۲۲	۳۵	کنند بار همراه با بارمان	۲۸۳۳	۴۱
کنند زنده بر دار جایی که	۱۳۹	۴۱	کنند باز من راست آتشکده	۳۹۶	۴۳
کنند زنده در گور جایی که	۲۵۹۷	۳۵	کنند با سپاهی خود آهنگ	۹۷۶	۱۵
کنند زهر بامی بجام اندر	۱۸۲۴	۴۲	کنند بر تو آسان همه کار	۴۳۷	۲۲
کنند زین سپس روم را نام	۴۲۵۵	۴۱	کنند بست رستم بنیر و ترا	۱۴۶۳	۱۲c
کنند هر چه گوئی بفرمان	۲۰۷۶	۱۲d	کنند پشت پردخت و راند	۳۵۸	۱۳f
کنند آفرین بر تو مردان	۱۴۴۱	۱۲d	کنند پیش درویش را مشگر	۲۶۱۸	۳۵
کنند این زره در برت چاک	۹۷۸	۱۲e	کنند تازه آیین لهراسپی	۴۰۲	۱۹
کنند تیر زده می از برش	۵۴۵	۳۵	کنند تازه پزمرده کام ترا	۱۱۹۱	۱۲c
کنند همه کند باری	۳۶۰	۱۳e	کنند تخمه سام نیم تباه	۴۳۹۰	۱۵
			کنند چرخ منشور او را سپاه	۲۰۵۴	۲۰

کنون آب مارا و کشتی ترا	۱۱۸۲	۱۲b	کنون آنچه جستم همه یافتی	۲۹۴۴	۱۵
کنون آرد این مو بدوش	۲۸۲۶	۴۱	کنون آنچه جستی همه یافتی	۲۶۷۶	۱۳g
کنون آرزو خواهم از تو	۳۸۰۲	۴۳	کنون آنچه دیدم بگفتم	۴۰۷	۴۲
کنون آرزو کن یکی رزم	۶۲۹	۱۳g	کنون آنچه گفت او ز شیر	۶۰۰	۳۴
کنون آرزو گستم را	۲۵۲۵	۱۳f	کنون آنچه گفتمی بروب	۲۱۸	۳۵
کنون آرزوها بیاریم گر	۶۴۲	۳۵	کنون آنچه مارا بدل راز	۷۸۹	۴۳
کنون آزمونرا یکی کار	۱۲۶۹	۱۳c	کنون آن سیاهی که نزد تو	۴۰۵۸	۴۳
کنون آسیایی بیامدش	۵۳۸	۵۰	کنون آنکه آمد پیشت	۳۷۴	۱۳g
کنون آشتی را دو کار اندر	۲۷۸	۱۳c	کنون آنکه گفتمی ز کار	۱۵۴۷	۷
کنون آشکارا ببینی همی	۷۵	۱۲e	کنون آن گرامی کنایون	۶۵۳	۱۴
کنون آشکارا نمود آن	۱۰۱۶	۱۳f	کنون آن گهر کم ازو بد	۲۵۲	۱۳c
کنون آفرین از جهان	۱	۱۸	کنون آن همه باد شد پیش	۸۶	۱۲
کنون آفرین تو شد نا	۲۴۳۰	۳۵	کنون آن همی مر ترا باید	۹۱۷	۱۵
کنون آگهی شد بشاه	۶۱۶	۱۳b	کنون اختر گازر اندر	۳۱۹	۱۷
کنون آمد از کار تو آگهی	۴۸۸	۱۲b	کنون ار شما نادرستی	۳۶۹۲	۱۵
کنون آمد ای شاه گر گین	۵۴۲	۱۳e	کنون از بروم و فرزند	۱۷۶۷	۱۳f
کنون آمدستم بر این	۱۶۹	۳۰	کنون از بزرگان زنی بر	۲۶۴	۱۲d
کنون آمدم بادلای پر امید	۷۱۰	۱۳e	کنون از بزرگی خسرو	۳۹۴۷	۴۳
کنون آمدم تا ببینی مرا	۳۵۷	۱۲e	کنون از پس کوه چون	۵۲۹	۱۳f
کنون آمدم تا چه فرمان	۷۴۹	۱۲c	کنون از پس نامه من با	۱۶۰۱	۳۵
کنون آمدم تا زمانم کجا	۳۳۵	۴۴	کنون از تو اندازه گیریم	۲۷۸۶	۱۵
کنون آمدم تا هوای تو	۱۴۲۳	۷	کنون از تو سو گند خواهم	۱۰۳	۱۳
کنون آمدم جنگر ساخته	۵۲۳	۱۲b	کنون از خداوند خورشید	۱۸	۸
کنون آمدی بادلای پر	۸۲۸	۴۳	کنون از خدایماند	۱۲۹	۴۳
کنون آمدی با هزاران	۱۲۷۱	۱۳g	کنون از خرد مندی ارد-	۲۹۵	۲۲
کنون آن به آید که او در	۲۵۵۲	۱۲d	کنون از ره بیگناهان	۱۴۴۰	۱۳g
کنون آن به آید که من	۲۵۴۱	۱۳g	کنون از ره رستم جنگجو	۷۱۴	۱۲b
کنون آن بنون اندرون	۱۶۲۶	۱۲c	کنون از کمند تو ترسیده	۴۴۵	۱۳c
کنون آنچه اندر خور کار	۲۸۷	۱۲	کنون از گذشته مکن هیچ	۱۹۸	۱۱
کنون آنچه بد بود بر ما	۱۴۴۱	۱۵	کنون از گذشته نیاریم	۱۲۱۵	۱۳
کنون آنچه جستم همه یافتم	۲۹۱۳	۱۳g			

کنون ای سرایتده فر توت	۱۰	۲۱	کنون از مداین سخن نو	۳۸۵۹	۴۳
کنون این بر افراخته یال	۱۲۹۴	۷	کنون از من این یار مندی	۱۲۳	۱۳e
کنون این بزرگان هر	۹۰۷	۱۳c	کنون از منوچهر گویم	۲۱۳۶	۷
کنون اینجها نجوی فرزانه	۱۴۲۴	۱۲e	کنون از نیام این سخن	۱۵۵۶	۷
کنون اینجها نجوی نزد	۴۲۹۲	۱۵	کنون انجمن گر پراکنده	۵۲۷	۱۲e
کنون این زره چون زمین	۴۲۴۳	۴۳	کنون اندر آمد میان تان	۵۸۵	۱۵
کنون این زمان روز	۲۶۷	۲۰	کنون اندر آیند ایرانیان	۱۰۶۲	۱۳
کنون این سخنرا چه پاسخ	۱۰۷۳	۷	کنون اندر این رای مارا	۳۰۸۸	۴۳
کنون این سخنرا چه درمان	۴۸۶	۷	کنون اندر این هم بکار آور	۱۸۳۶	۱۲d
کنون این سخنها نیارد	۱۳۰۳	۴۳	کنون او بدخمه درون	۸۰۱	۵۰
کنون این سر افرازمرد	۱۶۹۳	۱۳b	کنون او بهر کشوری باز	۷۹۵	۱۴
کنون این سرای نشست	۴۶۶	۸	کنون اوسوی روشنایی	۲۲۹۰	۴۳
کنون اینکه گفتیم پاسخ	۵۹۵	۳۴	کنون او گماند که ما	۱۰۳۱	۱۳g
کنون این گرامی دو گونه	۹۹	۶	کنون او نشستست پرسوک	۱۴۷۳	۴۳
کنون این همه داستان	۷۶۲	۷	کنون ای تهمتین تودر کای	۲۹۴۷	۱۵
کنون این یکی رنج بردار	۱۰۹۳	۱۳e	کنون ای تهمتین مر این	۶۱	۱۳d
کنون این یکی کارشایسته	۶۴۵	۱۳e	کنون ای خردمند ، ارج	۱۶	E
کنون ای هنرمند مرد	۱۹۶۱	۲۰	کنون ای خردمند بیدار	۶۶۱	۱۲e
کنون با پرستنده و دایگان	۵۶	۲۰	کنون ای خردمند دانش	۶۶۶	۳۵
کنون باتو آیم بدرگاه	۲۲۶۷	۱۲d	کنون ای خردمند روشن	۱	۱۳e
کنون باتوای پهلوان سپاه	۴۴۴	۱۳c	کنون ای خردمند فرخنده	۱۱۲۳	۱۳c
کنون با تو پیوند جویم	۱۲۹	۱۲b	کنون ایرج اندر خور نام	۲۸۴	۶
کنون بار تریاک زهر	۱۳۵	۱۳b	کنون ایزد او را بمن باز	۲۶۸	۱۷
کنون بار گاه من آمد بسر	۲۷۶۷	۱۳g	کنون ایزد این کار بردست	۲۷۹	۳۵
کنون باز جویی همی کار	۸۰۰	۵۰	کنون ایزدم داد شاهنشهی	۳۲۹	۴۳
کنون باز کردم با غار کار	۶۴۳	E	کنون ای سخنگوی *	۱۰۴۰	۱۵
کنون باز کردم بکارهما	۱۶۹	۱۶	کنون ای سخنگوی *	۱	۱۲d
			کنون ای سرافراز با آبرو	۵۹۰	۱۲e

(* ستاره در سطر اول بجای « بیدارمرد » و در دوم بجای « بیدارمتر »

آمده است .

کنون بشنو ای نامور	۲۱۹ ، ۱۱	کنون بازگردم بکردار	۳۱۸ ، ۶
کنون بند بگشای از	۱۳۶۶ ، ۱۲c	کنون بازگردم بگفتار	۳۳۷۷ ، ۱۵
کنون بند فرما وخواهی	۹۸۶ ، ۱۵	کنون بازگردم سوی*	۳۱ ، ۲
کنون بند فرمود بندم	۹۷ ، ۴۰	کنون بازگردم سوی*	۱۹۲۰ ، ۴۲
کنون بندهای ناسزاوار	۱۲۴۹ ، ۴۳	کنون بازگردید باچار	۳۶۹ ، ۲۰
کنون بودنی برسر ما	۱۲۳ ، ۳۹	کنون باژوساوش بتوران	۳۲۳ ، ۱۳
کنون بودنی بود وپیران	۲۱۵۲ ، ۱۳f	کنون باسپاهی همه جنگ	۱۶۸۴ ، ۱۳f
کنون بودنی بود و مادل	۲۸۰ ، ۱۹	کنون باورم شد که او این	۱۶۳۶ ، ۱۲d
کنون بودنی هر چه بایست	۲۷۷۰ ، ۱۲d	کنون باید آژیر بودن ز	۱۳۲۷ ، ۳۵
کنون بهر ار جنگ و کین	۳۴۴ ، ۱۳c	کنون باید آیین نوساختن	۲۴۵۸ ، ۱۳g
کنون بهمن این نامور	۴۱۲۶ ، ۱۵	کنون بخت بد کردش از	۴۹۰ ، ۱۳e
کنون بی منش زینهارى	۱۲۴۶ ، ۴۲	کنون بر برادر ببايد	۱۴۵۷ ، ۱۳
کنون بی گمان باز باید	۲۳۴۳ ، ۱۵	کنون بر تو بر جای	۱۰۲۴ ، ۱۲
کنون بی گمان تشنه باشد	۲۰۷ ، ۲۲	کنون برد باید برایشان	۱۵۲۸ ، ۱۳f
کنون بی گمان خفته اند	۱۶۱۵ ، ۱۳g	کنون برسخن ها فزایش	۹ ، ۲۰
کنون پادشاه جهان را	۲۰۲۹ ، ۲۰	کنون برسخنها فزایش	۶۵۹ ، ۲۲
کنون پادشاهی بر آشوب	۲۷ ، ۸	کنون بر شما گشت کردار	۲۴۹۸ ، ۱۳f
کنون پادشاهی جز آن	۳۲۵۶ ، ۱۳g	کنون بر فریدون ازو	۱۱۸۹ ، ۶
کنون پادشاهی شاپور	۶۸۱ ، ۲۲	کنون بر کشیدم سپه رارده	۳۱۱۸ ، ۴۱
کنون پادشاهی شاه اردشیر	۶۴۳ ، ۴۴	کنون بر گشایم در داستان	۱۷۶۲ ، ۱۲d
کنون پادشاهی نوذر بگو	۲۱۸۴ ، ۷	کنون بر گل ناز و سیب	۱۲۸۹ ، ۳۵
کنون پاک یزدان ز کردار	۱۲۸۴ ، ۴۳	کنون بر نوشتی ره ایزدی	۲۸۰۳ ، ۱۳g
کنون پر شکفتی یکی	۴۹ ، ۷	کنون بر نیا جای بخشایش	۲۴۵۷ ، ۱۳g
کنون پنج هفته است تا من	۲۷۶۰ ، ۱۳g	کنون بستد از من سواری	۵۹۶ ، ۴۲
کنون پند تو داروی جان	۷۲ ، ۱۳b	کنون بسته آوردمش بر	۱۵۹۸ ، ۳۵
کنون پوزش این همه باز	۵۱ ، ۴۴	کنون بشنو از گنگ دز	۱۷۸۴ ، ۱۲d
کنون به او نی نکو بر	۶۲۹ ، ۱۲d	کنون بشنو از مرد	۳۲۸۹ ، ۱۳g
کنون پیش بر تر منش	۱۲۰۶ ، ۴۲	کنون بشنو ای بانوی	۱۴۳۸ ، ۷

(*) ستاره در سطر اول بجای « داستان » و در دوم بجای « طیسفون »

آمده است .

کنون پیشترزانکه آواز	۱۹۹۲ ، ۷	کنون تا سلیح و سپاه و	۱۲۷۳ ، ۴۳
کنون پیشرو باش و بیدار	۱۸۶ ، ۱۲e	کنون تا سنگان نشان	۷۰ ، ۱۲c
کنون پیش طوس سپهد	۱۲۷۷ ، ۱۳	کنون تا کسی از نژاد	۹۱۱ ، ۴۳
کنون پیش گرسیوز ایدر	۲۶۲۱ ، ۱۲d	کنون تا کنم کارهارا	۹۵۳ ، ۱۳b
کنون پیش من بسته بر	۱۰۹۲ ، ۱۲e	کنون تا که خسرو بایران	۲۳۷ ، ۱۳c
کنون تا ببینم که با جام می	۳۱۹۴ ، ۴۳	کنون تا که را برده در روز	۱۵۳۸ ، ۱۵
کنون تا بتنش اندرون	۴۲۳ ، ۱۳f	کنون تا لب رود جیحون	۷۴ ، ۳۸
کنون تا بجای قباد اردشیر	۵۵ ، ۴۵	کنون تا بیا بد بر او شدن	۱۵۵ ، ۶
کنون تا بجیحون سپاه	۷۲۲ ، ۱۲d	کنون تا نکویی که رستم	۱۱۶۶ ، ۱۳b
کنون تا بدوشم من از گاو	۷۳۷ ، ۳۵	کنون تا یکی شهر یاری	۴۱۱۲ ، ۴۳
کنون تا بر آمد ز دریای	۲۰۲۶ ، ۱۳g	کنون تخت ایران سزاوار	۸۵۸ ، ۴۳
کنون تا بنزدیک کاووس	۶۱۷ ، ۱۲	کنون تخت گشتا سب شد	۱۱۳۳ ، ۱۵
کنون تا بود هوش در تن	۵۴۵ ، ۱۳	کنون تخت و دیهیم را روز	۳۵۲ ، ۴۳
کنون تا پیامد از ایران *	۲۴۲۷ ، ۴۳	کنون تیر و پیکان آهن	۱۴۸ ، ۵۰
کنون تا پیامد از ایران *	۱۵۴۲ ، ۱۳b	کنون جامه رزم بیرون	۸۴۳ ، ۱۳c
کنون تا بیامد ز جنگ	۳۶۷ ، ۱۳f	کنون جان او با مسیحا	۹۶۹ ، ۴۱
کنون تا بیاموزمش	۱۸۰۸ ، ۴۳	کنون جان خسرو شد و	۸۱۸ ، ۱۲e
کنون تا پدید آید اندر	۸۴۵ ، ۴۳	کنون جان و دل زین	۲۹۱۲ ، ۱۳g
کنون تا تو رفتی بدین	۱۶۸۳ ، ۴۳	کنون جای سختی و جای	۲۶۲ ، ۱۲b
کنون تاجت آوردم ای	۱۱۴۳ ، ۶	کنون جست آنرا که آمد	۲۶۶ ، ۱۴
کنون تاج را در خور کار	۳۴۷ ، ۴۳	کنون جفت من باش تا	۵۴۹ ، ۴۴
کنون تاج و اورنگ لهر را -	۳۲۷۶ ، ۱۳g	کنون جمله این بند من	۸۰ ، ۱۵
کنون تاج و اورنگ هر مزد	۳۶۴۹ ، ۴۱	کنون جنگ خاقان و	۱۸۰۴ ، ۴۱
کنون تاجه پیش آرد	۳۵۴۷ ، ۱۵	کنون جنگ را تا ختن تو	۲۰۱۰ ، ۴۳
کنون تاجه فرمان دهد	۲۰۹۱ ، ۷	کنون جنگ سازیم با	۴۹۸ ، ۴۳
کنون تا ختن با پدم ساختن	۵۵۰ ، ۱۳b	کنون چاره ای با پدانداد	۲۶۳ ، ۱۲b
کنون تا خداوند خورشید	۵۶۰ ، ۱۳g	کنون چاره ای کنی که تا	۱۵۶۶ ، ۴۲
کنون تا در طمسفون	۳۷۵ ، ۵۰	کنون چاره این دام را	۱۶۱۷ ، ۴۲
کنون تازه کن بر من این	۳۱۳ ، ۴۳		

(* شماره در سطر اول بجای * بچین ، و در دوم بجای * سپاه ، آمده است .

است .

کنون چون گشایم سر	۵۰ ، ۱۷	کنون چاره‌ای هست نزدیک	۳۰۹۰ ، ۴۳
کنون چون گه رفتن آمد	۷۱۵ ، ۱۲	کنون چاره کار ایدر	۱۰۷۱ ، ۱۳b
کنون چون نشینیم یک	۲۹۰۱ ، ۴۳	کنون چاره کار بیژن	۸۳۳ ، ۱۳e
کنون چیست پاسخ	۱۶۹۲ ، ۷	کنون چاره کارما بازجو	۱۸ ، ۱۳c
کنون خاک را از تو جوشان	۱۹۲ ، ۱۳b	کنون چاره کار مهمان	۶۵۳ ، ۷
کنون خاور اوراست تا	۲۸۰۴ ، ۱۵	کنون چاره ما همینست	۱۸۸ ، ۱۲
کنون خطبه‌ای یافتم زین	۸۳ ، ۱۳g	کنون چشم تیره شد خیره	۳۱۴ ، ۱۲
کنون خلعت آمد سزاوار	۱۴۲۱ ، ۴۲	کنون چنبری گشت بالای	۲۱۵ ، ۳۰
کنون خلعت شاه باید	۱۱۶۳ ، ۱۲	کنون چنبری گشت پشت	۳۷ ، ۱۰
کنون خراب بر پاسخ آمد	۴۱۴ ، ۵۰	کنون چنبری گشت سرو	۱۲۲۷ ، ۶
کنون خوان و می باید	۱۱۵۸ ، ۱۲c	کنون چند سالست تا پشت	۱۲۹۱ ، ۷
کنون خواه تا جش ده و	۵۵۸ ، ۶	کنون چون از ایرج	۷۲۹ ، ۶
کنون خود تو این رفیع	۳۱۶۷ ، ۱۵	کنون چون بجنک اندر	۱۵۸۱ ، ۱۳f
کنون خورد باید می	۲۵۰۱ ، ۱۵	کنون چون بنخاک اندر	۹۵۰ ، ۴۱
کنون خوردنت زخم	۹۷۶ ، ۱۲e	کنون چون بر آرد سپهر	۳۱۸۱ ، ۱۳g
کنون خوردنیهات نان	۲۶۹۸ ، ۴۳	کنون چون بر آرد سپهر	۲۵۲۶ ، ۱۵
کنون خویش آور تو در	۷۹۸ ، ۱۲	کنون چون تهن تن بیاید	۱۲۲۸ ، ۱۳b
کنون خیره آزرم دشمن	۱۰۶۲ ، ۱۲d	کنون چون جهان گرم و	۳۷۶ ، ۱۳f
کنون خیره آهر من دل	۲۲۵۸ ، ۱۲d	کنون چون درست آمد	۱۰۷۷ ، ۱۳e
کنون خیز تا سوی ایران	۲۶۰ ، ۱۰	کنون چون دلاور سواری	۲۳۶۸ ، ۳۵
کنون خیز و پیش شهشه	۷۳۵ ، ۱۳b	کنون چون رخ روز شد	۴۶۷ ، ۱۳b
کنون خیز و دیبای رومی	۱۰۸۸ ، ۳۵	کنون چون زاندازه اندر	۷۵۷ ، ۱۳b
کنون خیمه و گاه و پرده	۵۴۶ ، ۱۳b	کنون چون ز دهقان و	۳۰۹ ، ۴۱
کنون داد ده باش و بشنو	۳۲۹۸ ، ۱۵	کنون چون زمان وی اندر	۸۳ ، ۲۰
کنون داستان کهن نو	۳۵۳۰ ، ۴۳	کنون چون زمین سر بسر	۱۱۸۳ ، ۱۳b
کنون داستان گوی در	۳۶۸۸ ، ۴۳	کنون چون شنیدم درست	۱۸۷۵ ، ۱۲d
کنون داستانهای دیرینه	۲۲۹۸ ، ۴۳	کنون چون شنیدم ز فرمان	۲۴۴ ، ۴۴
کنون داستانهای شاه	۶۷۹ ، ۳۰	کنون چون شود روی خور	۶۳۸ ، ۱۳b
کنون داستانی بگویم	۷۰۱ ، ۴۴	کنون چونکه دشمن بدو	۱۲۸۵ ، ۱۵
کنون داغ دل پیش خاقان	۳۵۰ ، ۵۰	کنون چون گشاده شد آن	۱۴۶۲ ، ۱۵

کنون رزم کاموس پیش	۱۸ ، ۱۳b	کنون دانش و داد باز	۸۴۶ ، ۱۲d
کنون رستم آید ز ننجیر	۲۸۵۳ ، ۱۵	کنون دختران توجفت	۵۱۴ ، ۳۵
کنون رفت باید بیچارگی	۵۴ ، ۱۲c	کنون دخترت بس که باشد	۳۲۶ ، ۱۲d
کنون رفت و رنج مرا	۸۲۶ ، ۱۲e	کنون دخمه را بر نهادیم	۶۴۱ ، ۲۲
کنون رفت و زونام بدماند	۱۸۵۸ ، ۳۵	کنون در بهشتت بازار	۷۵۳ ، ۵۰
کنون رفته باشد بزابلستان	۹۴۸ ، ۱۲c	کنون دردمندم من اندر	۱۶۰۸ ، ۴۲
کنون رفتی و جادویی	۳۹۷۲ ، ۱۵	کنون درسخنهای بوزر-	۹۹۷ ، ۴۱
کنون رنج بردار و ایدر	۲۲۵۸ ، ۳۵	کنون در کلاست و با مادر	۵۳۰ ، ۱۳
کنون رنج در کار بهمن	۴۶۹۹ ، ۱۵	کنون دست از این شست	۴۰ ، ۴۳
کنون رنج در کار خسرو	۲۹ ، ۴۳	کنون دست بسته پیاده	۲۵۹۲ ، ۱۲d
کنون رنج در کار خسرو	۴۱۹۶ ، ۴۳	کنون دست کرده بکش در	۹۰ ، ۴۴
کنون رنج مهرش بجایی	۱۳۱۰ ، ۷	کنون دست یازان ز خوردن	۲۵۳ ، ۳۵
کنون روز بادافره ایزد	۲۴۳۰ ، ۱۳g	کنون دشت روپاه بینم	۸۸۴ ، ۱۲b
کنون روز پیری بدانندگی	۴۰۷۲ ، ۴۱	کنون دشمن از خانه	۲۳۴۰ ، ۱۵
کنون روز تیزی و کین	۱۰۴ ، ۸	کنون دل بسو کند گستاخ	۱۰۷۸ ، ۱۲e
کنون روز دادست و بیداد	۱۱۷۰ ، ۶	کنون دوده را سر بس	۲۹۰۳ ، ۴۳
کنون روز گار تو پر صد	۲۷۰۰ ، ۴۳	کنون دور گشتم ز پرورد-	۳۴۲ ، ۷
کنون روز گار سخن گفتن	۳۰۹۴ ، ۴۳	کنون دیده پر خون و دل	۱۰۰۲ ، ۱۳e
کنون روز گار من آمد	۸۹ ، ۲۴	کنون دیگر از چشم شد	۳۲۲۳ ، ۱۳g
کنون روز گاری بر این	۲۶۵۱ ، ۱۳g	کنون دیو و پیل آمدستش	۱۹۳ ، ۱۳d
کنون روز من بر سر آمد	۱۹ ، ۳۶	کنون راز بنگشای و با من	۱۴۷ ، ۱۴
کنون روم و قنوج مارا	۴۹۱ ، ۳۰	کنون رای قنوج گوید که	۲۷۵۵ ، ۴۱
کنون روی گیتی همه سر	۱۱۱ ، ۴۱	کنون رای و گفتارها شد	۱۳۳۹ ، ۴۳
کنون ز آسمان خاست	۲۰۱۲ ، ۱۵	کنون رای هر دو بدان	۹۱۴ ، ۱۲d
کنون ز آنچه کردی رسیدی	۱۷۴۶ ، ۴۳	کنون رزم ارجاسپدا نو	۱۰۸۰ ، ۱۵
کنون زان درختی که دشمن	۷۳۸ ، ۶	کنون رزم اکوان ز من	۱۶۲۳ ، ۱۳c
کنون زان گره کم نیامد	۱۲۸۷ ، ۴۲	کنون رزم خاقان چین	۱۷۰۷ ، ۱۳b
کنون زندگانیت کوتاه	۱۵۷۶ ، ۲۰	کنون رزم خیره نباید	۳۴۸ ، ۱۳c
کنون زندگانیت ناخوش	۴۳۷ ، ۴۳	کنون رزم سهراب گویم	۲۱ ، ۱۲c
کنون زندگانیت ناخوش	۶۰۳ ، ۵۰	کنون رزم سهراب ورستم	۱ ، ۱۲c

کنون شاه خاقان نه مردی	۲۹۲۱ ، ۴۳	کنون زنده بر گاه کوروس	۲۵۷۷ ، ۱۲d
کنون شاه در جام گیتی	۷۰۴ ، ۱۳e	کنون زود بر تازو بر کش	۶۹۴ ، ۷
کنون شاه سیر آمد از تاج	۳۰۳۲ ، ۱۳g	کنون زود پیرایه بکشا	۱۰۴۵ ، ۷
کنون شاه مارا گرامی	۲۲۰۸ ، ۱۵	کنون زو گذشتی بفرزند	۲۷۱۷ ، ۱۲d
کنون شاه مازندران را	۲۵۲ ، ۱۲	کنون زهر فرماید از	۱۸۲۳ ، ۴۲
کنون شد جهانجوی	۲۹ ، ۱۰	کنون زین سپس دور عمر	۹۳۶ ، ۵۰
کنون شد مرا و ترا پشت	۱۸۶۲ ، ۷	کنون زین سپس رزم	۲۳۸ ، ۱۲d
کنون شهر ایران سرای	۱۳۴۴ ، ۱۲e	کنون زین سپس نامه	۷۹ ، ۱۳g
کنون شهر توران ترا	۱۳۸۷ ، ۱۲d	کنون زین سپس هفتخوان	۱۶۱۶ ، ۱۵
کنون شهر یاری بایران	۳۳۱ ، ۱۳	کنون زین سخن یافتی	۴۰۵۱ ، ۱۶
کنون شهر یاری گیهان	۱۳۳۱ ، ۳۵	کنون سال بر پنجصد بر	۳۵۱ ، ۴۳
کنون شیر مردی بکار	۱۵۳۱ ، ۱۳f	کنون سال من رفت بر	۱۲۸۲ ، ۳۵
کنون شیون بار بد گوش	۴۰۷ ، ۴۴	کنون سالیان اندر آمد	۲۹۱ ، ۲۲
کنون صد پسر جوی همسال	۱۱۱ ، ۲۲	کنون ساو بفرست و باز	۶۸۴ ، ۱۴
کنون طشت میشد بمشکوی	۳۶۴۹ ، ۴۳	کنونست هنگام کین	۱۰۲۷ ، ۱۵
کنون طوس و گوددزو گیو	۷۴۹ ، ۱۳b	کنون سر بسر تیزهش	۳۵۰ ، ۱۳e
کنون عمر نزدیک	۹۵۱ ، ۵۰	کنون سر بسر شاه را	۱۱۶۰ ، ۶
کنون غارت از تست و	۴۴۸ ، ۳۴	کنون سر بسر کوه و دریا	۵۶۰ ، ۲۰
کنون غارت و کشتن و	۱۱۴ ، ۱۶	کنون سر زدیبا بر آور	۱۹۶۳ ، ۲۰
کنون قیصر از من چه	۳۱۶ ، ۱۴	کنون سلم را رای جنگ	۱۰۹۸ ، ۶
کنون کار آن نامداران	۳۶۵ ، ۴۳	کنون سم آن بار کش	۱۴۳۰ ، ۱۳b
کنون کار با جملگی تازه	۱۷۵۶ ، ۳۵	کنون سوی ایران بیوید	۴۷۸ ، ۱۲b
کنون کار بر سازوستی	۱۰۸۲ ، ۳۵	کنون سوی جیحون نهاده	۸۳۳ ، ۵۰
کنون کار پیش آمدت	۳۵۴۵ ، ۱۵	کنون سوی راه سپاهان	۳۰۲ ، ۸
کنون کار دشمن بر آمد	۲۱۳۰ ، ۱۳f	کنون سوی من کرد میرین	۳۴۷ ، ۱۴
کنون کار دیهیم بهرام	۹۶ ، ۲۴	کنون سوی هومان شتابی	۷۰۵ ، ۱۳f
کنون کار زروان و مرد	۱۷۶۵ ، ۴۱	کنون شاد بادی بخرم	۴۶۱۷ ، ۱۵
کنون کار طلحند چون	۳۴۲۸ ، ۴۱	کنون شاد گشتم با وازنو	۶۸۷ ، ۷
کنون کارگر شد که به کار	۱۳۷۱ ، ۱۲e	کنون شادمان باش و انده	۲۳۸۵ ، ۱۲d
کنون کار مارا جز این	۵۰۳ ، ۱۳g	کنون شاد و ایمن بایوان	۹۴۱ ، ۲۰
		کنون شاه ایران بتن	۲۶۱۴ ، ۴۳

کنون گری بختک اندر	۸۷۵ . ۶	کنون کامدت سودمندی	۴۰۷۶ . ۱۵
کنون گری بچشم خورد	۱۳۷۳ . ۴۳	کنون کام دشمن همه راست	۲۳۶۴ . ۱۳۴
کنون گری بر زمیند یاران	۷۱۵ . ۱۲e	کنون کام دل را بدان کت	۱۹۳ . ۴۰
کنون گری بسازی و پیمان	۲۸۱ . ۱۹	کنون کامدم با سپاه گران	۵۳۷ . ۱۳۴
کنون گری بکویی مرا نام	۹۳ . ۱۳c	کنون کامدی جان ما	۱۵۸۷ . ۲۰
کنون گری بماند سخن در	۴۷ . ۱۷	کنون کامدی کار مردان	۶۱۹ . ۱۳b
کنون گری باید با آورد گاه	۴۸ . ۱۳c	کنون کامدی هیچ دیدی	۱۴۶۷ . ۲۰
کنون گری باید ببیند	۱۶۴۸ . ۱۳b	کنون کام رودابه و کام زال	۵۹۰ . ۷
کنون گری پذیرای مرا	۱۶۲ . ۲۱	کنون کام و خشنودی او	۱۳۹ . ۲۱
کنون گری باشد با پیران	۱۰۰۸ . ۱۳e	کنون کان کمر گاه تو	۴۵۸۳ . ۱۵
کنون گری تو این را کنی	۳۵۸ . ۱۴	کنون کین سپاه عدو گشت	۷۸۷ . ۱۵
کنون گری تو پر آن شوی	۸۱۰ . ۴۳	کنون کرد از آن تخمه	۳۸ . ۵
کنون گری تو در آب ماهی	۱۳۵۲ . ۱۲c	کنون کرد باید تر از رخس	۳۲۶ . ۱۲
کنون گری تویی پهلوان	۱۵۳۵ . ۱۳	کنون کردنی کرد جادو	۱۸۹ . ۵
کنون گری چه مادرت شد	۱۵۸ . ۱۲d	کنون کشتن رستم آریم	۴۳۴۸ . ۱۵
کنون کرد خویش اندر	۳۴۸ . ۷	کنون کشمکان پور آن	۴۲۶ . ۵۰
کنون کردن گور گردد	۱۲۹۵ . ۳۵	کنون کم جهان آفرین	۱۲۰۸ . ۷
کنون گری دهیم بجان	۸۱۲ . ۴۳	کنون کوه و دشت و در و رود	۹۵۸ . ۱۳b
کنون گری شدی آگه از	۸۳۳ . ۱۲	کنون که تر شاه هندوستان	۸۷ . ۱۴
کنون گری شهنشاه بیروز	۱۶۱۸ . ۳۵	کنون کینه را کوس بر پهل	۲۶۳ . ۱۳۴
کنون گری کند جنگ نری	۵۲۲ . ۱۴	کنون کینه نوشد ز بهر	۳۴ . ۱۳b
کنون گری کند منمزم اندیشه	۲۶۶۱ . ۳۵	کنون گاو مارا بچرم	۲۹۰۴ . ۱۳g
کنون گری کنی دل تو از	۱۲۳۹ . ۱۵	کنون گاه جنگ من آمد	۱۱۱۱ . ۶
کنون گری گری بزم نری	۳۵۷۲ . ۱۵	کنون گاه رزمست کین	۸ . ۱۱
کنون گری نتابی ساز با تو	۸۶۹ . ۲۰	کنون گاه رزمست و	۵۷ . ۱۰
کنون گری نباشی توفریاد	۲۳۴ . ۱۲	کنون گاه شادی و می	۸۰ . ۲۲
کنون گری نکویی مرا نام	۱۴۰ . ۱۳c	کنون گاه کینست و خون	۲۶۱ . ۱۳g
کنون گری وفای مرا	۱۰۴۳ . ۱۳e	کنون گاه و در بهیم شاه	۱ . ۲۴
کنون گری همه پیش بزندان	۸۳۷ . ۱۳c	کنون گری باشی بنزدیک	۲۰۸۰ . ۳۵
کنون گری همه در پیش یاری	۱۶۰۰ . ۱۳	کنون گری بترسم ز پور	۵۶۰ . ۱۰

کنون ما یکایک ترا	۱۳۹۹	۴۳	کنون گسستهم شد جنگ	۲۲۳۱	۱۳۴
کنون مایه دار تو گشتاسپ	۳۴۹۹	۱۵	کنون گشت رستم چوسرو	۴۰	۱۰
کنون مرد بازاری و چاره	۲۶	۳۰	کنون گشت کینخسرو آموز	۲۸۷۴	۱۳g
کنون مردمی کرد و	۱۷۴۲	۳۵	کنون گشتم آگاه کان	۲۸۶۸	۱۳g
کنون مر زبانم بر این	۱۲۷۰	۱۳	کنون گفتنیها بگویم ترا	۱۴۷	۱۳e
کنون مر زهندوستان مر	۴۲۷	۱۳	کنون گنج تاراج و دستان	۱۳۵	۱۶
کنونم گشاده بهامون بین	۱۱۷۰	۱۳e	کنون گنج شاهی مر ابا	۲۴۲۲	۱۳۴
کنون من از ایران بدین	۲۸۲۰	۱۵	کنون گورها کام شیران	۱۰۵۷	۱۳b
کنون من اگر کوه هامون	۴۵۸۰	۱۵	کنون گوش کن رفتن کار	۱۴۷۴	۷
کنون من باین کار نام آور	۲۲۱۱	۱۳۴	کنون گیورا ساختی پیل	۹۱۷	۱۲e
کنون من ببخت شه	۷۷۹	۱۲c	کنون لاجرم جود موجود	۳۹۸۹	۴۱
کنون من ببندی ببندم	۴۴۴	۳۰	کنون لاجرم روی گیتی	۲۳۹	۴۱
کنون من بدستوری شهر	۴۴	۳۴	کنون لاجرم کردگار	۴۰	۱۳b
کنون من بدستوری شهر	۳۴۴۰	۴۱	کنون لشکرو دژ فرمان	۳۶۰	۱۲c
کنون من بسال از شما	۱۲۲	۴۳	کنون لشکر گشن کند	۱۲۷۷	۱۳b
کنون من بگویم سخن کو	۱۵	۱۵	کنون لوری از پاک گفتار	۲۶۲۲	۳۵
کنون من ترا آزمایش	۲۹۹۷	۴۳	کنون ما بدستوری رهنما	۴۱۹	۵۰
کنون من جو کین پدر	۲۸۳۷	۱۳g	کنون ما بدین اختر نو	۲۲۱۸	۱۳g
کنون من دل و منز تا	۸۴	۱۲e	کنون ما بنزد شما آمدیم	۳۳۸	۴۱
کنون من رسیدم بهفتاد	۴۵۵۲	۴۱	کنون مادرت مانند بی تو	۱۶۳۵	۱۲c
کنون من زترکان جنگ	۱۸۹	۱۲c	کنون ما دل از گنج و	۸۹۷	۱۳g
کنون من زکهای آن	۲۸۶۰	۴۳	کنون ما ز دل ترس بیرون	۱۶۱۶	۱۳g
کنون من شنیدم که کردی	۱۹۶	۴۴	کنون ما شکاریم و ایشان	۲۱۴	۱۹
کنون من شوم در شب تیره	۴۹۰	۸	کنون ما نداریم پایاب	۳۵۴	۳۰
کنون من کجا گیرم	۱۱۶۹	۱۳b	کنون ما نده اندر کف دشمن	۲۶۲	۱۹
کنون من کمر بسته و رفته	۳۵۷	۱۲	کنون ما نده گشتم چنین	۱۵۳۰	۱۳g
کنون من که را گیرم اندر	۱۶۲۷	۱۲c	کنون ما نشستم بر گاه	۱۸۶۰	۳۵
کنون من گشاده چنین	۳۵۵	۱۲c	کنون ما همه پیش شاه اندر	۲۶۶	۱۳g
کنون من یکی بنده ام	۳۶	۱۴	کنون ما همه که تران	۵۱۸	۳۵
کنون من یکی نامجویم	۴۸۳	۳۴	کنون ما هیان اندر آمد	۶۰۱	۱۳b
کنون موبدان و مردان را	۴۴۳۵	۴۱			

کنون مهتری داسزاوار	۳۶۷ ، ۴۳	کنون هر چه زین باتو	۱۴۳۹ ، ۴۳
کنون می خورد چنگ	۴۴۵۱ ، ۱۵	کنون هر چه گفتم همه	۱۲۹ ، ۱۳c
کنون می گساریم تاجاک	۱۳۱۱ ، ۳۵	کنون هر چه گنجست	۱۲۵۵ ، ۱۳c
کنون می گساریم تانیم	۸۴۶ ، ۱۳c	کنون هر چه گویمش جز	۱۰۳ ، ۱۳d
کنون نامتان ساختیم	۲۷۴ ، ۶	کنون هر چه مانیده بود	۱۱۱ ، ۸
کنون نام چوبینه بهرام	۳۸۲ ، ۴۳	کنون هر که جویند خویشی	۳۰۶ ، ۱۴
کنون نامداران زرینه	۳۵۸ ، ۱۳b	کنون هر که دارید یا کیزه	۲۶۲۷ ، ۱۳g
کنون نامزد کن سراسر	۱۸۲۳ ، ۱۳f	کنون هر یکی از یک اندام	۳۶۲ ، ۲۰
کنون نامشان بیش یاد	۴۰۵۰ ، ۴۱	کنون هست لختی جو	۷۴۶ ، ۴۳
کنون نام کندز به بیکند	۲۲۲ ، ۱۳g	کنون هست هنگام آن	۱۲۱۸ ، ۱۳
کنون نام نیکت بیدباز	۴۱۴۱ ، ۱۵	کنون هفت سالست تا مهر	۳۵۸ ، ۱۲d
کنون نامه شاه نوشیروان	۳۹۲۷ ، ۴۱	کنون هفت ساله ست شاپور	۱۰۴ ، ۲۲
کنون نامه من سراسر	۱۳۸۴ ، ۴۳	کنون هفت کشور بگشتم	۱۸۱۶ ، ۲۰
کنون نزد آن پیر خسرو	۵۳۷ ، ۱۲e	کنون همچین بسته باید	۱۲۷۰ ، ۱۵
کنون نزد او جنگ شیر	۲۸۰۱ ، ۱۲d	کنون همچین کدخدایی	۱۶۲۰ ، ۱۲d
کنون نزد من چون زنان	۳۲۷ ، ۱۳e	کنون همچو نخچیر رفته	۵۸۰ ، ۱۳b
کنون نو شود در جهان	۲۱۶۲ ، ۷	کنون هیچ دل را مدارید	۱۹۵۶ ، ۴۳
کنون نهصد و سی تن از	۹۴۶ ، ۳۵	کنون هیچ مندیش کورا	۴۸۱ ، ۱۳e
کنون نیزه باتیرایشان	۱۵۳۰ ، ۱۳b	کنون یاد گارست از و ماه	۱۰ ، ۶
کنون نیزه من بگوشت	۷۷۸ ، ۴۲	کنون یار باید که زنده	۲۲۳۷ ، ۱۳f
کنون نیزه و گرز بایدزد	۶۶۰ ، ۱۳b	کنون یافت پادافره	۴۵۳ ، ۱۹
کنون نیست امروز جای	۱۳۴۷ ، ۱۳	کنون یافتم نامه زینهار	۱۲۴۸ ، ۴۲
کنون نیست مارا اباوی	۲۶۳ ، ۱۹	کنون یافتم هر چه جستم	۲۷۶۴ ، ۱۳g
کنون نیک بنگر که تا	۷۶۵ ، ۱۳	کنون یافتی پور ناخواستہ	۵۲ ، ۱۷
کنون هر بهاری بدان	۲۴۵۷ ، ۴۳	کنون یک یک بیک چاره	۱۵۹۱ ، ۴۲
کنون هر چه خواهد ز خوبی	۸۳۳ ، ۲۰	کنیزک ببرد آب دستان	۹۹۲ ، ۳۵
کنون هر چه خواهیم کردن	۴۴۵ ، ۲۲	کنیدش بختنجر سرازتن	۲۴۹۹ ، ۱۲d
کنون هر چه داری همه	۲۸۸۱ ، ۴۳	کنیزک بداد از سو کند	۲۲۲ ، ۳۰
کنون هر چه دانم بر رسم	۴۴۵۵ ، ۴۱	کنیزک بدان حجره هفتاد	۱۰۷۵ ، ۴۱
کنون هر چه دانید کن	۴۲۶ ، ۶	کنیزک بدش چار چون	۳۱۰۳ ، ۱۳g

که آرد پریچهره می گسار	۱۳۴۶	۳۵	کنیزك بدو گفت فردا	۲۳۹	۳۰
که آرمت بادخت ناپاک	۱۳۲۸	۷	کنیزك بدو گفت کای	۲۳۳	۲۲
که آری تو ایدر بسی	۱۰۱۳	۲۰	کنیزك بدو گفت کزراه	۲۳۷	۲۲
که آزرده شد پاک یزدان	۹۲	۴	کنیزك بفرمای تا پنج و	۱۵۳	۳۴
که آزرده گشتت از تو	۱۱۸۵	۷	کنیزك بگفت آنچه روشن	۱۹۰	۲۱
که آشوب بنشانند از روز	۳۹۸	۳۴	کنیزك بیامد بایوان	۱۹۹	۲۱
که آشوب ترکان و ایرانی	۲۰۹۵	۱۳۴	کنیزك پس پشت ناهید	۹۱	۱۸
که آغاز وانجام چونین	۱۱۸۸	۴۱	کنیزك پسر زاد از وی	۴۳۸۰	۱۵
که آکند ناگاه دریا پنخاک	۲۷۶۶	۴۳	کنیزك چو او دلو را بر	۲۲۱	۲۲
که آگاهی آمد با باد دوم	۴۱۹۹	۴۱	کنیزك در گنجها باز کرد	۲۰۱	۲۱
که آگاهی آن نباشد برم	۱۰۰۱	۱۲c	کنیزك دو ان رفت و بکشاد	۹۷۰	۳۵
که آگاهی ما بخسرو برد	۲۶۹۱	۴۳	کنیزك ز بر نا بیچید روی	۲۱۱	۲۲
که آگه شدی زان سخن	۴۱۵۲	۴۳	کنیزك سوی خانه بنهاد	۲۵۰	۳۰
که آلوده بینم همی زو	۱۷۲۷	۴۱	کنیزك که او را رها نیده	۵۶۵	۳۰
که آمد با خلعت و تاج زر	۳۰۸	۷	کنیزك نبودی ز شاپور	۲۱۰	۳۰
که آمد بتنگ اندرون	۱۰۴	۵۰	کنیزك نیامد ببا این او	۲۱۶	۲۱
که آمد بر ماسپاهی گران	۴۰۴	۱۲c	کنیزك همی خواستی شیر	۲۳۱	۳۰
که آمد بزابل یل اسفند	۲۸۵۱	۱۵	کنیم از سر آباد با خورد	۱۸۸۰	۱۳g
که آمد بکین رستم پیلتن	۱۶۴	۱۲e	کنی نزد شاه جهاندار	۲۳۷۵	۱۳۴
که آمد بمهمانی پیلتن	۱۳۳۷	۱۲d	که آباد بینیم روی زمین	۲۶۰۳	۳۵
که آمد بنزدیک او کاکله	۹۲۱	۱۳g	که آباد دارد جهانرا	۱۲۰۷	۱۴
که آمد بنزدیک ما آگهی	۱۳۸۹	۲۰	که آتش بدان گاه محراب	۲۲۴۶	۱۳g
که آمد پیاده گوتاج بخش	۶۱	۱۲c	که آخر پشیمانی آید ازو	۷۰	۱۲
که آمد تهمتن بمانند ابر	۵۹	۱۲e	که آخر همی روز تو بگذرد	۶۷۵	۳۰
که آمد خرامان بایران	۱۲۵۵	۱۲e	که آرام از ویست و هم	۲	۲۰
که آمد دل اور سپاهی گران	۶۹۸	۱۲d	که آرام این پادشاهی	۲۹	۱۳g
که آمد زایران سپاهی	۶۹۶	۱۲d	که آرام و شهر و نژادش	۶۶۷	۱۴
که آمد زایران سرافراز	۸۵۶	۱۲e	که آرایش چرخ رخشنده	۲۳	۱۳g
که آمد زبرگ درخت	۱۶۰۹	۲۰	که آرایش روم بد نام	۵۹۰	۴۱
که آمد ز توران سپاهی	۱۲۶۳	۱۳	که آرد بدو شور بختی	۱۳۳۱	۱۳g

۱۳b	۵۷۳	که آمد ز توران سپاهی	۱۳	۱۴۵۹	که آنجا فرودست و بانادری
۱۲e	۱۲۳۷	که آمد ز توران سپهدار	۱۵	۱۰۰۰	که آنجا کندزند و استا
۱۳f	۸۹۰	که آمد سپاهی جو آب	۱۳f	۳۸	که آن جای جنگست و
۱۲e	۲۸۶	که آمد سپهدار افراسیاب	۳۵	۱۲۹۷	که آن جای گورست و تیر
۱۳c	۱۳۰۰	که آمد سپهدار پیران چو	۱۳c	۵۸۸	که آن جنگجو مرد سگری
۲۰	۶۲۷	که آمد سکندر پیش سپاه	۱۳b	۱۶۴۷	که آن جنگجوی پیاده
۷	۸۳۵	که آمد سواری دمان کابلی	۱۳d	۳۵	که آن چشمه ای بد که
۱۲c	۵۵۴	که آمد سواری زایران	۴۲	۳۹۹۴	که آن چیست کز کردگار
۱۳e	۶۶۶	که آمد سواری سوی هیر-	۱۲	۱۴۹	که آن خانه دیو افسونگر
۱۳g	۵۹۷	که آمد سواری میان دو	۴۲	۲	که آن دسته گل بوقت بهار
۱۳	۸۰۶	که آمد سواری و بهرام	۴۳	۳۷۲۶	که آنرا بنام شاه گشتاسب
۵۰	۲۳۰	که آمد فرستاده ای پیر	۴۱	۳۴۳۸	که آنرا چو گرد آورد
۷	۱۳۶۹	که آمد فرستاده ای کابلی	۱۲d	۱۷۸۶	که آنرا سیاوش بر آورده
۶	۳۸۲	که آمد فرستاده ای نزد	۱۲d	۱۸۱۲	که آنرا کسی تا نبیند چشم
۴۱	۲۷۱۳	که آمد فرستاده شاه هند	۴۱	۲۲۳۷	که آنرا که اکنون تو
۴۲	۷۱۸	که آمد فریبنده ای نزد	۷	۴۹۴	که آنرا که اندازد از بر
۱۵	۴۴۷۹	که آمد گوپیلتن بی سپاه	۴۱	۳۰۰۲	که آنرا که خواهد دهد
۱۵	۲۸۴۰	که آمد نبرده سواری	۱۳g	۸۶۶	که آنرا که خواهد کند
۱۲d	۳۳۷	که آمد نگه کرد ایوان	۸	۱۵۲	که آن رامیان و کرانه
۱۵	۲۱۱۷	که آمد یکی مرد بازارگان	۱۳	۲۶۷	که آنرا نهادست افراسیاب
۴۲	۱۶۴۵	که آن آفرین باز نقرین	۱۲d	۲۶۲۶	که آن روز افکنده بودند
۴۲	۱۹۶۳	که آن آگهی باز جوید که	۴۲	۱۳۳	که آن زهر شد بر تنش
۷	۱۷۳	که آن آمدش از بی بچه	۳۵	۲۶	که آنست جاوید و ما بر
۱۳f	۱۳۸۰	که آن ایزدی بود و بود	۴۲	۸۷۲	که آن سر بر تنیل و
۴۳	۳۷۹۸	که آن باغبان بود مردوی	۵۰	۳۱۸	که آن سو فراوان مرا
۴۲	۱۸۰	که آن بر نخستین تو خواهی	۱۳g	۲۰۹۰	که آن شاه لشکر بدین سو
۶	۹۲۰	که آن پهلوان کوسپهدار	۲۰	۱۴۱۷	که آن شهر یکسر زمان
۱۲d	۷۳۶	که آن ترک بد پیشه در جنگ	۳۰	۳۲۸	که آن شردل مرد جز شاه
۱۱	۶۲	که آن ترک در جنگ فر	۱۳c	۷۷۱	که آن گنج و پولان و اسبان
۱۵	۱۵۲۸	که آن تیر بگذشت بر	۴۱	۳۴۳۶	که آن لشکر کسری خدای

۳۹۹ ، ۳۱	کہ آن من و چاکر پانڈک	۴۰۱۴ ، ۳۱	کہ از بخشش و دانش و رسم
۳۳۰ ، ۱۴	کہ آن مرد کزوی توداد	۲۹۷۸ ، ۳۱	کہ از بد کندجان و دلرا
۱۲۶ ، ۳۰	کہ آن مہر بان کینہ سو فرا	۴۰۰۵ ، ۱۵	کہ از بند توجاودان نام
۳۶۹۹ ، ۱۵	کہ آن نامور بودالوا	۳۱۲۴ ، ۳۱	کہ از بندگان نیز تاشہر
۳۲۳۹ ، ۳۱	کہ آن نامور تا نکردد	۱۵۱۹ ، ۱۲۵	کہ از بندہ اہریمن بد
۳۷۲۴ ، ۳۳	کہ آن نامور تخت رانو	۲۷۳۸ ، ۳۳	کہ از بہر او از در بستنست
۱۸۲۲ ، ۲۰	کہ آن نامہ شاہ کیمان	۸۴۳ ، ۳۳	کہ از بہر شاہی پدر را
۸۲۴ ، ۱۳g	کہ آن ہر سہ تن کویہ خارا	۳۰ ، ۹	کہ از بہر مازین سرای
۵۳۲ ، ۱۲	کہ آوارہ بدنشان رستم	۲۲۱۱ ، ۱۲d	کہ از بہر من بر نخیزی
۱۵۱۳ ، ۳۵	کہ آورد بی جنگ ایران	۸۶۷ ، ۶	کہ از بیشہ نارون تابچین
۲۰۷۲ ، ۱۲d	کہ آورد گیرند بایکدگر	۱۹۶۶ ، ۷	کہ از بیم اسپہد نامور
۲۵۱۲ ، ۱۲d	کہ آہستہ دل کی پشیمان	۲۶۳ ، ۱۲d	کہ از پشت توشہر باری
۲۵۸ ، ۳۳	کہ آہوست بر مرد گفتار	۳۱۵۱ ، ۱۵	کہ از پشت زین شان بنم
۹۶۳ ، ۱۳b	کہ آیا بہشتت یا بزمکام	۶۳۲ ، ۱۲c	کہ از پیش کاوس بیرون
۵۶۳ ، ۱۵	کہ آید بمیدان ونیزہ	۴۳۴ ، ۵۰	کہ از تاج و از تخت و مہر
۳۷۹ ، ۱۳f	کہ آید ز گردان پیش سپاہ	۱۱۰۹ ، ۷	کہ از تازی اسپان تاورتر
۲۲۳۹ ، ۱۳f	کہ آید ز گردان بدین کار	۱۱۵۶ ، ۱۵	کہ از تخت زرینش بر
۱۶۸۷ ، ۳۳	کہ آیم ببوسم کعب ترا	۵۹۸ ، ۶	کہ از تخم ایرج یکی نامور
۴۲۸ ، ۷	کہ آیی بشادی سوی خان	۹۲۲ ، ۱۳g	کہ از تخم تورست پر کین
۲۱۷ ، ۱۳e	کہ آیی خرامان بنزدیک	۲۵۲ ، ۱۲d	کہ از تخم خویشش یکی
۳۰۴۳ ، ۱۵	کہ آیی خرامان سوی خان	۲۷۶۹ ، ۳۳	کہ از تخم ساسان اگر
۴۱۳۵ ، ۳۱	کہ آیین گزینیم ازوگر	۲ ، ۳۷	کہ از تخم ساسان ہومو ماند
۱۵۴ ، ۱۳c	کہ ابلیس با او نتابد بچنگ	۱۶۳۱ ، ۱۲d	کہ از تخمہ توروز کی قباد
۱۰۸۳ ، ۱۵	کہ ارجاسپ را بود مہتر	۲۷۶۸ ، ۱۲d	کہ از تخمہ توروز کی قباد
۲۲۳ ، ۱۵	کہ ارجاسپ سالار ترکانو	۱۱۶۲ ، ۱۲۵	کہ از تخمہ توروز کی قباد
۶۶۳ ، ۱۳c	کہار کھانی بر آن جایگاہ	۱۶۹ ، ۱۳g	کہ از تخمہ نامور دشمہ
۱۵۹۸ ، ۱۳b	کہار کھانی سوار دلیر	۹۸ ، ۱۳c	کہ از ترک و چین کینہ خواہ
۳۳۳ ، ۳۳	کہ از آبکینہ ہمی خانہ	۳۷۸ ، ۱۲d	کہ از تست جان و تنم پر
۱۰۲۸ ، ۷	کہ از آتش و آب و از باد	۵۶۶ ، ۱۲d	کہ از تف آن کویہ آتش
۷۲۸ ، ۱۲d	کہ از آفرینندہ ہوروماہ	۶۰۷ ، ۱۳f	کہ از تن سران شان جدا

که از شاه خاقان نیچند	۱۳۹۳ ، ۴۲	که از تن سران شان جدا	۴۲۲ ، ۱۳۴
که از شاه گیتی مباداتهی	۴۴۷۸ ، ۴۱	که از تو بیرسم یکی نو	۹۹۹ ، ۱۳۵
که از شاه ودستور واز	۲۶۵۷ ، ۱۲d	که از تو بد آید بدینسان که	۱۶۶ ، ۴۴
که از شهر ایران بر آمد	۳۷ ، ۱۲e	که از تو پسندیدم این کار	۴۰۱۶ ، ۴۳
که از شهر توران بر وز نبرد	۱۲۶۲ ، ۱۳۴	که از تو پیر کهن خواستند	۶۲۰ ، ۳۵
که از شهر یاران سزاوار	۱۴۴۴ ، ۱۳g	که از تونه این بد سزاوار	۷۰۵ ، ۱۵
که از شهر یاری بنامی بسند	۳۹ ، ۴۰	که از تو نیاید بجانم گزند	۱۴۱۱ ، ۷
که از فرواورنگ اودر	۲۳۴۳ ، ۴۱	که از جان پیران بر آریم	۱۴۷ ، ۱۳۴
که از فریزدان کشادی	۷۴۳ ، ۱۲e	که از جنگ ایشان بدین	۵۳۸ ، ۱۳g
که از قادی تالبرودبار	۷۶ ، ۵۰	که از جنگ بر گشت پیروز	۱۷۲ ، ۳۹
که از کار کاموس و خاقان	۱۲۸۳ ، ۱۳c	که از جنگ بگریخت	۱۴۸۰ ، ۳۵
که از کشته گیتی بدین	۵۸۴ ، ۱۳c	که از جنگ و پیکار و خون	۱۱۸ ، ۳۹
که از کشور شورسان بود	۲۲۴۵ ، ۴۳	که از جنگیان زار و گریان	۱۶۴۵ ، ۱۳g
که از کینه خون پیروز شاه	۴۵ ، ۳۴	که از چرخ گردان پذیرد	۷۴۳ ، ۵۰
که از گردش دشت چون	۲۱۰۶ ، ۱۳۴	که از خایه تاناف او بر	۴۰۷ ، ۱۴
که از گفت اختر شناسان	۱۹۰۵ ، ۴۲	که از خسروان هر که این	۷۳۵ ، ۱۲b
که از گفت این ترک شور-	۱۹۵۶ ، ۱۵	که از داد و بیکاری و خوا-	۲۵۵۸ ، ۳۵
که از گفت دانا ستاره	۲۹۷ ، ۲۲	که از دخت خاقان و از پشت	۲۲۷۰ ، ۴۱
که از گلستان يك زمان	۵۷۷ ، ۷	که از دختر پهلوان سپاه	۲۰۰۲ ، ۱۲d
که از لشکرش کس نه آگاه	۱۳۷۷ ، ۱۳g	که از درد او بد دلش بر	۱۷۲ ، ۲۱
که از لشکر ما بزرگان که	۸۹۵ ، ۱۳g	که از دودمان تو هفتاد	۲۶۳ ، ۱۳b
که از لشکر ماقراخان	۱۰۲۷ ، ۱۳g	که از دیو و شیر و پلنگ	۱۰۸ ، ۱۲c
که از لشکر ویسه بر گشته	۵۳۳ ، ۸	که از راستی جان بد گوهر	۴۲۹ ، ۱۳c
که از ما با فراسیاب این	۷۵۸ ، ۱۲b	که از راه ایران یکی تیره	۱۰۳۱ ، ۱۳b
که از ما بر فتنه توران سپاه	۱۶۴۳ ، ۱۳	که از راه گردی بر آمد	۷۵۲ ، ۴۳
که از ما بیزدان که نزدیک	۳۹۴۲ ، ۴۱	که از رای او سر نیچم	۱۳۰۴ ، ۷
که از ما چنین ترس شان در	۱۴۶۴ ، ۱۳g	که از زرف دریا بر آورد	۳۴۳۵ ، ۴۳
که از ما دو فرزند کشور	۲۹۵۱ ، ۴۱	که از سروبالاش زیباتر	۱۱۶ ، ۱۲b
که از ما کد امست شایسته	۲۹۴۶ ، ۴۱	که از سوی ایران دوبار	۲۵۳ ، ۱۰
که از ما کسی گزارد	۱۴۱۰ ، ۱۲e	که از شاه ایران مشو نا امید	۹۵۲ ، ۴۳

که افراسیابش بسر بر	۱۳۰۶ ، ۱۳	که ازمانید پیشدستی نخست	۲۴۷ ، ۱۱
که افراسیاب و فراوان	۲۳۸۹ ، ۱۲d	که ازمانکورای و باهش	۹۲۰ ، ۱۳c
که افزایش آب این جام	۴۸۷ ، ۲۰	که ازماهر آن کس که	۲۳۳۷ ، ۴۳
که افزونی ازدوست بستا	۴۱۸۸ ، ۴۱	که ازمایکی را با آورد گاه	۵۸۰ ، ۱۳f
که اکنون بدر دجگر مادر	۱۰۲۷ ، ۱۲	که ازمرز چین و ختن دور	۱۷۰۹ ، ۱۳g
که اکنون بدر یا نیاز آمد	۲۳۹۷ ، ۱۳g	که ازمرز هیتال تا مرز	۳۲۹۸ ، ۴۳
که اکنون بدین تنگ غار	۲۲۹۴ ، ۱۳g	که ازمن برادر ستد تاج و	۲۰ ، ۳۷
که اکنون بر آمد بسی	۲۲۲ ، ۱۳c	که ازمن پس از مرگ ماند	۴۳۷۶ ، ۱۵
که اکنون برزم بزرگ	۴۱۸ ، ۱۴	که ازمن چه دیدی شما از	۵۵۸ ، ۴۴
که اکنون چنین سست شد	۱۹۵۹ ، ۱۵	که ازمن همی بار بایدت	۸۸ ، ۴۴
که اکنون چو روز من اندر	۱۳۹۱ ، ۱۲c	که ازمهر بانی بر این لشکر	۱۳۲۱ ، ۱۳f
که اکنون چه چاره ست با	۶۱۳ ، ۷	که از نام ایشان زمین شد	۱۷۲۱ ، ۴۳
که اکنون چه سازیم از این	۲۱۴۶ ، ۱۳f	که از نامداران با فروداد	۱۸۰۶ ، ۴۱
که اکنون ز گردان که	۸۱۳ ، ۱۳g	که از نزد پیروز بهرام	۱۹۵۵ ، ۳۵
که اکنون شمارا بدین برز	۷۶۹ ، ۴۳	که از نود گراشکر آورده	۵۰۱ ، ۱۲b
که اکنون شنیدستم از	۵۵۳ ، ۱۳e	که از نیکویی با سیاوش چه	۴۰۸ ، ۱۳c
که اکنون فراز آمد آن	۳۱۰ ، ۴۰	که از نیکوی مردایدون	۴۱۶ ، ۷
که اکنون فرود آمد اندر	۶۷۲ ، ۱۵	که از وی همی سر برگردون	۳۹ ، ۱۰
که اکنون که دشمن بیالین	۹۶۱ ، ۱۳g	که از هر سوی لشکر شهر	۱۴۷۱ ، ۱۳f
که اکنون گرانمایه دهقان	۳۹۴ ، ۲۱	که از هند و شنگان و سقلاب	۹۶۷ ، ۱۳c
که اکنون مرا این راجه	۱۴۴۷ ، ۴۳	که از یکدگر روی بر	۱۱۱۵ ، ۱۲c
که اکنون نداند کسی نام	۲۰۱۸ ، ۷	که اسپان چو روشن شود	۱۱۹۹ ، ۴۳
که اکنون همی خوانیش	۴۱ ، ۳۸	که اسپست خسته تو خسته	۹۲۵ ، ۱۳
که الیاس شیرست روز نبرد	۷۲۴ ، ۱۴	که اسپر جنگ جویان	۲۰۶ ، ۴۱
که امروز پیروزی روز	۶۳۸ ، ۱۳c	که اسفندیار از بنه خود	۲۱۸۵ ، ۱۵
که امروز ترکان چرا	۹۸۴ ، ۱۳b	که افراسیاب آمد و صد	۶۱۶ ، ۱۲d
که امروز تیزت بازار	۱۴ ، ۴۲	که افراسیاب آن بداندیش	۱۴۳۶ ، ۱۳g
که امروز دادی تو در	۳۱۱ ، ۱۳b	که افراسیاب از بلا پشت	۱۸۴۴ ، ۱۲d
که امروز رزمی بزرگست	۵۵۸ ، ۱۳c	که افراسیاب اندر ارمان	۱۶۴ ، ۸
که امروز روز دگر گونه	۶۲۸ ، ۷	که افراسیاب این سخنها	۱۰۲۳ ، ۱۲d
که امروز سهراب جنگ	۱۱۶۰ ، ۱۲c	که افراسیابش بسر بر	۲۳۳ ، ۱۳

که او از دها را اندازد ببرد	۷۲۹ ، ۱۳c	که امروز من از پی کین او	۷۱۴ ، ۱۵
که او با بزرگان ملزندی	۱۰۶۴ ، ۱۳e	که امروز من جز برای این	۱۴۱۳ ، ۱۳b
که او با دست و دیو	۸۹۵ ، ۱۳e	که امروز من دیدم ای سر	۲۰۰۹ ، ۴۳
که او باز گردد سوی راستی	۲۳۰۷ ، ۱۲d	که امروز هنگام کین	۱۲۵۷ ، ۱۳e
که او باشد اندر جهان پیش	۲۹۹۴ ، ۱۳g	که امشب همه ساز رفتی	۵۱ ، ۱۴
که او بد بدین بدمر اره نما	۲۵۰ ، ۱۳e	که انبارها در گشایند باز	۲۵ ، ۳۸
که او بر ترست از مکان و	۱۲۳۸ ، ۱۲d	که اندر برو بوم توران	۱۳۶۴ ، ۱۴f
که او بر خرد بر گزینند	۱۰۱۸ ، ۱۳f	که اندر جهان یار بختش	۴۰۶ ، ۴۳
که او بر لب رود جیحون	۱۰۳۱ ، ۱۳f	که اندر جهان چون سیاوختی	۶۰۶ ، ۱۳
که او بود از ایران سپه	۱۱۵۱ ، ۱۳b	که اندر جهان چون سیاوش	۱۰۱ ، ۱۲e
که او بود با کوس وز رینه	۱۳۵۶ ، ۱۲e	که اندر جهان چیست نا-	۲۵۷۹ ، ۳۵
که او بود برزین و نیزه	۱۱۶۳ ، ۱۲e	که اندر جهان داد گنج	۵ ، ۲۲
که او بود دانا پدایان روز-	۸۵ ، ۳۵	که اندر جهان سر بسر	۲۳۰۱ ، ۴۱
که او بود مه پانوی پهلوان	۱۶۷۰ ، ۱۲b	که اندر جهان سود بی رنج	۱۳۶۱ ، ۴۱
که او پهلوان جهان را	۱۰۱۰ ، ۱۵	که اندر جهان کینه رازین	۷۵۰ ، ۱۳
که او پهلوانست و من	۱۰۷۵ ، ۱۲c	که اندر خور باغ بایستمی	۱۰۶۹ ، ۱۵
که او پهلوانی بود نامدار	۲۸۷ ، ۷	که اندر دل من بجز داد	۳۲۵۴ ، ۱۴
که او پهلوانیست در روز	۹۰۵ ، ۱۲	که اندر زمانه مرا کودک	۴۳۰۳ ، ۴۱
که او پیش پادشاه ایران چه	۳۰۳ ، ۱۲d	که اندر شب تیره خورشید	۲۷۶ ، ۵
که او پیل جنگی و چاره	۷۰۳ ، ۱۲	که اندر شبستان شاه جهان	۱۶۵ ، ۱۲d
که او چون از این کشتن	۱۰۰ ، ۴۳	که اندر گشادم در کین و	۱۶۱ ، ۱۲e
که او چون شبانست و ما	۱۱۶۸ ، ۴۱	که اندر هنر این از آن به	۳۵۱ ، ۴۴
که او چون من و چون تو	۵۲۸ ، ۲۲	که اندر پادشاه ایزد	۱۴۵ ، ۵
که او داد بر نیک و بد	۲۶۰۱ ، ۱۳g	که اندر پادشاه کز و فرمان	۱۶۰۸ ، ۳۵
که او داد بر نیک و بد	۲۴۹۶ ، ۱۵	که اندر پادشاهان چنین	۱۴۹۶ ، ۳۵
که او داد بر نیکویی	۱۵۵۶ ، ۳۵	که ان در پادشاهان از آوازه	۲۶۰۹ ، ۴۳
که او داد پیروزی و دستکام	۲۴۰۷ ، ۳۵	که ان در پادشاهان را ز کابل	۴۴۳۲ ، ۱۵
که او دادت این خسروانی	۱۸۰۹ ، ۷	که او آورد باز کین پدر	۷۲۲ ، ۱۵
که او دادش آن دستکام	۵۶۸ ، ۱۴	که او از پی فور کین آور	۹۴۰ ، ۲۰
که او داد پادشاه را	۲۱۳۹ ، ۳۵	که او از ملوک طوایف	۳۰۵ ، ۲۱

که او را است تاهست زابل	۲۶۲۸ ، ۱۵	که او دادمان پرددان	۱۹ ، ۳
که او را فرستاد فغفور	۱۵۱۳ ، ۱۳g	که او داشتی تخت و گنج و	۴۱۲ ، ۵
که او را فروغی چنین هدیه	۲۹ ، ۲	که او در جهان جادوی جز	۵۳۰ ، ۴۴
که او را فکنندی کنون	۳۷۰۳ ، ۱۵	که او در سخن موی کافد	۲۷ ، ۳۳
که او را نیننی تو خشنود	۲۵۳۳ ، ۴۱	که او دست چپ رانده اند	۲۶۸۴ ، ۴۱
که او راه تو دادگر	۲۱۴۲ ، ۱۳g	که او دشمن نامور رستم	۱۸۱ ، ۱۲c
که او راه یزدان کیهان	۳۴۹۳ ، ۱۵	که او دیدرنجی از آن گنج	۴۸۷ ، ۳۰
که او راه می آشتی رای	۲۵۸ ، ۱۳f	که او را بیاید بیوز و بسک	۱۸۲ ، ۵۰
که او را یکی پاک دستور	۱۶۳۳ ، ۴۱	که او را بیستم در این بار-	۱۲۲۹ ، ۱۵
که او روشنک را بمن داد	۵۵ ، ۲۰	که او را بجز بسته در بار-	۲۸۱۹ ، ۱۵
که او رهنمایست و هم	۹۹۸ ، ۶	که او را بدست کسی بر	۳۳۷۱ ، ۴۱
که او رسمهای پدر در	۸ ، ۸	که او را بزرگی بجایی	۱۶۵۷ ، ۴۱
که او ریغ بد نام آن	۱۱۲۷ ، ۴۳	که او را بسی داوری در سر	۲۵ ، ۴۵
که او شاد باشد بنوشیروان	۱۸۷۹ ، ۴۱	که او را بگیتی کسی نیست	۱۴۸۳ ، ۱۲d
که او شاد خفتست و روشن	۴۲۷۴ ، ۱۵	که او را بگیرند از آن	۱۷۵۴ ، ۱۳
که او شاه باشد بمار زندان	۱۱۶۴ ، ۱۲	که او را بمشکوی زرین	۳۵۹۴ ، ۲۳
که او شد نخستین بکین	۴۲۵۱ ، ۱۵	که او را بنیزه بر افراختی	۶۱۱ ، ۱۳f
که او شهریار جوان را	۳۴۲۵ ، ۱۵	که او را بود زندگانی	۲۵۴۹ ، ۱۵
که او شهریار جوان را	۳۵۵۹ ، ۱۵	که او را بیاریم و یاری	۸۷۴ ، ۵۰
که او طالع زادش دیده	۳۶۷۱ ، ۴۳	که او را پرستش همی چون	۳۶۰۱ ، ۴۱
که او کار دیده است و دانا	۳۹۰ ، ۱۳f	که او را تن از آهن و سنگ	۱۷۲ ، ۱۳c
که او کار دیده است و دانا	۶۱۶ ، ۱۳f	که او را جز از راستی پیشه	۴۱۵ ، ۱۳c
که او گاه زهرست و گاه یاد-	۱۳ ، ۳۹	که او را چنان مانده ای	۱۳۰۸ ، ۱۵
که او گر به از خانه بیرون	۳۲۷۲ ، ۴۳	که او را ز بند آوریدم	۷۱۸ ، ۱۲c
که او گرد ما را نبیند بر راه	۷۰۰ ، ۴۳	که او را زمانه بر آن گونه	۲۸۷۳ ، ۴۳
که او گفت از بنده بگریختی	۱۸۱۰ ، ۴۳	که او را زمانه نهادم در از	۱۵۷۵ ، ۱۳f
که او گفت در پیشه فاسقون	۳۵۵ ، ۱۴	که او را یزدان همی باز	۳۵۹۷ ، ۱۵
که او ویژه پروردگار من	۲۴۸ ، ۱۳b	که او را سپارم بفرهنگیان	۴۳۰۵ ، ۴۱
که او هست شهزاده و	۳۹۰۴ ، ۱۵	که او را ستاره شمر گفته	۲۵۲۹ ، ۳۵
که او بست بر پادشا پادشا	۴۳ ، ۴۱	که او را ستاره شمر گفته	۴۲۳۹ ، ۴۳
		که او راست بر نیکوی	۳۹۹ ، ۳۰

که ای ترک بند گوهر دیو	۹۸۳ ، ۱۲e	که او یست برتر زهر بر	۶۳۷ ، ۱۲e
که ای خسرو جسر وان	۲۳۷ ، ۱۰	که او یست برتر زهر بر	۱۲۴۰ ، ۴۳
که ای خوب رخ کیست	۳۶۹۴ ، ۴۱	که او یست بر نیکویی	۲ ، ۱۳c
که ای خیر سر و به دیر	۹۲۸ ، ۶	که او یست پروردگار پدر	۴۲ ، ۱۳
که ای داد گرداور کار ساز	۱۱۴۹ ، ۱۲	که او یست جاوید برتر	۱۵۲۱ ، ۱۲e
که ای دایه بچه شیر نر	۱۶۲۶ ، ۱۲d	که او یست جاوید و فریاد	۲۵۴۸ ، ۱۳f
که ای در بباشید با داد	۱۵۲۳ ، ۱۳g	که او یست فریاد رس بنده	۲۷۴۴ ، ۱۳g
که ای در بدینسان بماندیم	۲۲۲۵ ، ۳۵	که او یست هم خویش	۶۳ ، ۱۲
که ای در بماند همی رنج	۱۷ ، ۳۳	که اهرن بود مرمر ایار	۵۰۴ ، ۱۴
که ای در بیاید مگر پیلتن	۷۵۴ ، ۱۳b	که اهرن که دارد ز قیصر	۵۱۰ ، ۱۴
که ای در تبه شد ز تنگی سپاه	۱۲۰۴ ، ۱۳	که ای افسر بانوان جهان	۴۸۹ ، ۷
که ای در تر باشد آرامگاه	۳۴۶ ، ۷	که ای باب شیر اوژن پهلو -	۹۲۷ ، ۱۳
که ای در ز جنگی سواری	۶۴۴ ، ۴۱	که ای بخردان راه اینکار	۲۱۱۱ ، ۴۱
که ای در ز رستم بر آرند	۳۲۶ ، ۱۳c	که ای برتر از جایگاه	۸۲۱ ، ۱۳f
که ای در فرستاده تو که	۱۲۵۱ ، ۱۳e	که ای برتر از دانش پار	۹۹۳ ، ۱۳g
که ای در من از بهر جنگ	۲۱۹۶ ، ۱۵	که ای برتر از دانش و	۴۱۸ ، ۱۳b
که ای در نفرمود ما را	۲۸۵۵ ، ۴۱	که ای برتر از کژی و	۷۵ ، ۷
که ای دوزخی بنده دیو	۲۸۹ ، ۴۳	که ای برتر از گردش روز	۱۴۴۴ ، ۱۳c
که ای دون ببالین شیر آمدی	۳۷۹ ، ۵	که ای بر تر از نام و از جا	۴۶۷۵ ، ۱۵
که ای دون شنید رستم از	۴۱۱۷ ، ۱۵	که ای بندگان خداوند	۹۲۰ ، ۵۰
که ای دون نتا بید با یکسوار	۸۸۲ ، ۱۳	که ای بنده آز چندین	۱۴۸۷ ، ۲۰
که ای دون همیشه زر آورده	۲۰۷۲ ، ۷	که ای پهلوان جهان دار	۶۲۵ ، ۱۳f
که ایران بپرداز و بیشی	۴۹۴ ، ۱۲b	که ای پهلوان جهان سر	۱۱۵۷ ، ۱۲
که ایران بهشتیست با	۲۴۷۸ ، ۳۵	که ای پهلوان جهان شاد	۱۹۰۳ ، ۷
که ایران چو باغیست خرم	۲۶۷ ، ۴۴	که ای پهلوان جهان شاد	۱۰۳۰ ، ۱۳b
که ایران سپهر ابد اند که	۱۲۹ ، ۱۳b	که ای پهلوان ردافرا سیاب	۴۰۴ ، ۱۳f
که ایرانیان از بی درد	۱۶۱۵ ، ۳۵	که ای پهلوان زاده بچه شیر	۱۵۷۶ ، ۱۲c
که ایرانیان با درفش و	۵۶۵ ، ۱۳b	که ای پهلوان زاده بی گزند	۴۹۵ ، ۵۰
که ایرانیان بر تو بر دشمن	۲۵۵ ، ۴۳	که ای پهلوان زاده پر	۶۳۱ ، ۱۳e
که ایرانیان را یکسوار	۳۶۵۶ ، ۱۵	که ای ترک بدبخت گم بوده	۸۵۶ ، ۱۲b

که ای شاه مرغان: تراداد-	۲۰۲ . ۷	که ایرانیان را که یار	۱۳۷۰ . ۱۳b
که ای شاه نیک اختر داد-	۱۶۸۶ . ۴۱	که ایرانیان را که کارزار	۱۲۷۶ . ۱۳b
* که ای شاه نیک اختر نیک *	۲۶۷۵ . ۱۳g	که ایرانیان راه را ساختند	۶۰۹ . ۸
* که ای شاه نیک اختر نیک *	۱۰۴ . ۱۳b	که ایرانیان راهم ایدر	۸۷۲ . ۱۳b
که ای شیردل چند خسپی	۳۹۵۵ . ۱۵	که ایرانیان زان بپیچیده	۱۵۶۵ . ۴۲
که ای طاق آزرده هشیار	۱۶۱ . ۱۷	که ایرانیان مردم ریمنند	۱۸۹ . ۱۰
که ای فر گیتی یکی لخت	۷۳۲ . ۷	که ایرج بدو مهر بسیار	۶۱۳ . ۶
که ای قیصر روم و سالار	۵۵۴ . ۲۰	که ای زن ترا بچه و شوی	۳۶۹۱ . ۴۱
که ای کاجکی دیده بودی	۶۳۲ . ۶	که ای زیردستان بیدار	۱۰۰ . ۳۵
که ای کاشکی ایزد داد گر	۳۵۶ . ۱۵	که ای زیردستان شاه جهان	۲۸۹ . ۴۱
که ای کم خرد نور سیده	۱۳۶ . ۲۱	که ای زیردستان شاه جهان	۲۴۶۴ . ۴۱
که ای گلرخان دختران	۴۷۸ . ۳۵	که ای زیردستان شاه جهان	۳۹۳۱ . ۴۳
که ای گم شده بخت از	۲۵۹ . ۱۳b	که ای زیردستان شاه زمین	۲۲۶۸ . ۴۳
که ای مادر مهر بان گوش	۳۳۶۰ . ۴۱	که ایشان برزم اندرون	۷۰۸ . ۱۴
که ای ماه چون من کمان	۱۷۴ . ۳۴	که ایشان بر من گرامی	۴۴۶ . ۲۵
که ای مرد بادانش و پاک	۷۹ . ۲۱	که ایشان بکوه هماون	۵۶۲ . ۱۳b
که ای مرد بی باک فایاک	۱۴۴ . ۷	که ایشان ز بهر من جنگجو	۱۳۹۳ . ۱۲c
که ای مهر بان از کجا	۱۰۲۳ . ۱۳e	که ایشان ز راه دراز آمد	۹۳۶ . ۱۳b
که این آرزوها همی دی	۶۴۰ . ۳۵	که ایشان همه میکسارند	۱۳۷۰ . ۱۳
که این آشتی جستن از بهر	۹۰۳ . ۱۲d	که ایشان همه نامجوینند	۴۳۲ . ۲۱
که این از خرد بود بهرام	۲۰۸۷ . ۴۳	که ای شاه بیدار باز آر	۱۷۴۹ . ۲۰
که ای ناسزایان چه پیش	۶۹۷ . ۴۳	که ای شاه پروز با فروداد	۱۹۴۹ . ۴۱
که ای نامداران ایرانیان	۷۸۶ . ۱۵	که ای شاه پروز بر ترمنش	۴۳۶۲ . ۴۱
که ای نامداران جنگ	۱۷۲ . ۴۱	که ای شاه پروز جاویدزی	۶۱ . ۱۳e
که ای نامداران فرخنده	۲۴۱۹ . ۱۳۴	که ای شاه پروز و بهروز-	۲۳۲۲ . ۱۲d
که ای نامداران گردان	۶۶۹ . ۱۵	که ای شاه پروز یزدان	۳۴ . ۶
که ای نامداران گردن	۱۶۰۳ . ۴۳	که ای شاه گند آوران	۳۶۵۱ . ۴۱
که ای نامداران و گردان	۳۳۳۵ . ۴۱		

(*) ستاره در سطر اول بجای « بخت » و در دوم بهای « دل » آمده

است .

که این تخت شاهی نماید	۱۳۵	۱۸	که ای نامداران و گردن	۴۷	۱۳g
که این تخت و شطرنج هرگز	۲۷۹۰	۴۱	که ای نامور بانوی بانوان	۶۱۱	۴۴
که این ترک بدساز مردم	۱۵۷۳	۱۳g	که ای نامور پرنس سرکش	۳۹۴۰	۴۳
که این ترک زاده سزاوار	۱۸۶	۴۲	که ای نامور پشت ایرانیان	۲۰۸۴	۱۳۴
که اینت سخنگوی وداننده	۲۸۶۴	۴۱	که ای نامور پهلوان دلیر	۱۶۲۸	۷
که اینت سزاوار شاهنشهی	۴۹۷	۶	که ای نامور شاه ترکانو	۱۱۵۴	۴۲
که این جام پیروزی جان	۱۴۶	۱۹	که ای نامور شهریار جهان	۱۴۲	۱۵
که این جز با آواز اسپ	۷۵	۱۴	که این اهرمن را بدست	۶۶۲	۱۳۴
که این جنگ هرگز نفرمود	۳۷۳۱	۱۵	که این باد بر اردوان ایزد	۳۶۵	۲۱
که این چرخ و ماهست یا	۲۱۱	E	که این باره آهنین رستمست	۱۷۵	۱۳c
که این خانه از پادشاهی	۶۴	۵۰	که این باره با خاک پست	۳۸۱	۱۲c
که این خانه زان خانه	۷۳۹	۱۳e	که این باره رانیست پایاب	۴۳۳	۱۲c
که این خرد کودک ندانند	۲۹۱۳	۴۱	که این باره رخشنده تخت	۲۴۹۵	۱۳۴
که این خواب و گفتار من	۸۰۰	۱۲d	که این باره شارسان پدر	۲۰۳۷	۱۳g
که این دادگر بر تو آسان	۷۱۶	۱۳g	که این بدکنش چون ز مادر	۴۱۶۹	۴۳
که این داستاها و چندین	۴۴۱۱	۴۱	که این برمن و بر تو هم	۴۲۶	۴۳
که این دخمه پر لاله باغ تو	۷۶۵	۵۰	که این بسته را تا دماوند	۵۲۹	۵
که این در بسی سالیان	۴۸۹	۲۰	که این بند را گر بوی کار	۵۲۴	۷
که این درج را چیست اندر	۳۶۷۴	۴۱	که این بوم آباد ویران	۴۱۱۳	۴۳
که این در دهر کنی بنخواهد	۴۲	۳۴	که این بی کراشه پکی	۱۷۷۷	۴۳
که این در سراو تو افکنده	۱۰۳۵	۱۲d	که این پادشاهی زهم نیست	۳۴۹	۱۲b
که این را با نداهما بر بمال	۳۹۹	۲۰	که این پرنس نامدار دلیر	۱۲۷۵	۱۳
که این را بدارید چون جان	۲۷۸۵	۱۲d	که این پورطوس است نامش	۸۳۳	۱۳
که این را بدر گاه قیصر	۵۹۴	۱۴	که این تاج بر شاه فرخنده	۸	۳۵
که این را بر شاه ایران	۵۴	۱۲d	که این تاج تو بر تو فرخنده	۳۰۴۶	۱۳g
که این رازها بر دل وی	۱۸۷۷	۱۲d	که این تاجور شاه لهر اسپ	۱۱۳۰	۱۵
که این راز هرگز برز	۵۰۷	۱۴	که این تازیانه بدر گاه بر	۷۶۵	۳۵
که این رامش اندر نهان	۴۱۶۷	۴۱	که اینت بهای سر بی بها	۲۲۲	۱۳
که این رامش بود و آنرا	۵۸۸	۳۵	که این تخت شاهی سزاوار	۳۹۶	۳۴
که این رزمگه یوشان	۶۲۷	۱۳۴	که این تخت شاهی فسوس	۲۱۴۸	۷

که این ماه نوبر تو فرخنده	۱۲۳ ، ۱۲c	که این روز یاد افرة	۱۵۰ ، ۱۲e
که این مرد ابله بماند	۷۰۰ ، ۳۵	که این روز بر هر کسی	۲۹۰۶ ، ۱۳g
که این مرده ری بپرو خفتان	۱۴۶۰ ، ۱۳c	که این روزگار خوشی	۱۴۷ ، ۴۲
که این مرد همسایه جانم	۱۹۲۳ ، ۴۲	که این زن زپیش که آید	۹۳۹ ، ۷
که این میزبانی ترا برده	۱۶۹ ، ۳۵	که این زن که او جفت	۲۹۳۱ ، ۴۱
که این نامدار پیاده که	۱۵۳۹ ، ۱۳b	که این سخت کاریست با	۲۶۹۴ ، ۱۲d
که این نامداری که آمد	۶۸۸ ، ۲۰	که این شاه را از نژاد	۴۷۶ ، ۵۰
که این نامور مرد بازار-	۱۸۱ ، ۳۰	که این شوخ مرد از درم	۱۹۴ ، ۳۵
که این نامه از بنده کردگار	۱۵۱۸ ، ۱۲e	که این شهر یاریست نیک	۶۷۷ ، ۴۲
که این نامه بر نام شاه جهان	۵۵ ، ۱۳g	که این شیر بازو گوپیلتن	۵۴۷ ، ۷
که این نامه را دست پیش	۱۵۹ ، E	که این شیر دل رستم ز ابلی	۱۵۳ ، ۱۳c
که این نامه شهر یاران	۹۲۹ ، ۱۴	که این شیر دل فامبردار	۴۵۹ ، ۱۳f
که این نامه نزد برادر برد	۱۶۲ ، ۵۰	که این شیر مردی ز رنگ	۸۳۷ ، ۱۳g
که این نیکو بیها بجای	۴۰۶ ، ۱۹	که این قادی دخمه گاه	۱۵۷ ، ۵۰
که ایوان او بود زندان من	۵۶۶ ، ۳۴	که این کار از اندازه اندر	۴۳۹ ، ۳۴
که ایوانش بر ترز کیوان	۳۵۴ ، ۵	که این کار بارنج بسیار	۴۲۷۵ ، ۴۱
که ایوانها تان بنکیوان	۱۵۵۴ ، ۴۳	که این کار پیش آدمم	۴۳ ، ۴۵
که این هر دو خالان خسرو	۱۸۵۷ ، ۴۲	که این کار جز بر بهی	۲۲۶۸ ، ۴۱
که این هر دو کودک ز جادو	۴۸۱ ، ۱۲d	که این کار چون بود بامن	۱۷۴۱ ، ۴۱
که با آنکه باید بسیچوم	۲۰۶ ، ۱۳f	که این کار گردد بامبر دراز	۱۸۵ ، ۴۰
که با آهویی گفت غرم ژیان	۷۶۰ ، ۱۳f	که این کار چون بود کردار	۴۹۷ ، ۱۳e
که با او بایران بر آویختی	۱۸۰۶ ، ۴۳	که این کار ما دیرو دشوار	۵۵۷ ، ۱۳g
که با او بجنگ اندرون پا	۶۲۷ ، ۱۳c	که این کرد گشتاسب بامن	۴۱۲۳ ، ۱۵
که با او بکرد آنچه بایست	۶۷۲ ، ۱۲e	که این کشور هند ویران	۳۰۹۸ ، ۴۱
که با او بکردم میان گروه	۱۳۰۳ ، ۷	که این کودک از نامداری	۴۱ ، ۱۷
که با او بود یار گاه نبرد	۲۲۴۵ ، ۱۳f	که این کودک خردخوی	۴۷ ، ۳۴
که با او بود یکدل و یک	۱۶۴۳ ، ۲۰	که این گر بدارد زمانی	۵۸۸ ، ۱۵
که با او چرا کرد چندین	۳۷۳۴ ، ۴۱	که این گرگ خوانیم یا	۱۷۲۶ ، ۱۵
که با او کسی رانید های	۱۶۵۱ ، ۱۳b	که این گوهران را چه سازی	۶۵ ، ۱۷
که با او مرا هست چندین	۲۹۸۰ ، ۴۳	که این مادیان چون در آید	۱۲۴ ، ۱۰

که با او یکی اند لشکر	۱۰۰۰	۴۳	که با او یکی اند لشکر	۱۵۶	۱۲
که با اهرمن جنت گردد	۱۰۵۲	۷	که با اهرمن جنت گردد	۶۸۷	۱۳b
که با این سران هر چه	۳۴۲	۴۰	که باز آمدی جامه هائیم	۴۳	۱۷
که با باد گردن برافراختی	۱۰۳۲	۴۱	که باز آورم آیین فرشید-	۱۳۹۵	۱۵
که با باره دژ شمارا چکار	۱۳۳۶	۱۳g	که بازارگانان ایران	۲۳۱۸	۳۵
که با برزواورنگی و جا	۸۳۰	۱۲e	که بازارگان خراسانیم	۶۶۰	۲۱
که با پیرسرپهلوان سپاه	۱۷۳۵	۱۳f	که بازیردستان جزازرم	۱۶۷۷	۳۵
که با پیل و فرست و با باج	۱۷۶	۵۰	که با زیردستان مدارا	۱۸۶۲	۳۵
که با تاج بودند بر تخت زر	۱۷۴۳	۴۲	که با شاه توران بجویم نبرد	۶۳۸	۱۲d
که با تاج شاهی مرا دشمن	۲۲۴	۴۱	که با شاه مارا دهد آشتی	۱۹۴۳	۴۲
که با توجه گفت آنکه	۵۷۴	۷	که با شاه نوشین روان	۱۰۱	۴۲
که با تورو باسام گردان	۷۶۱	۶	که باشد به پیری مرادستگیر	۵۳	۱۳g
که با تو مرار و ز پیکار نیست	۱۴۲۳	۱۲c	که باشد بجننگ اندرون یار	۱۹۱	۱۳g
که با تیر او گبر چون باد	۴۱۵۸	۱۵	که باشد بدانش نماینده	۳۴۹۷	۴۱
که با جوش وزین تنش	۸۴۱	۱۳	که باشد بدو فره ایزدی	۹	۹
که با خاک چون جفت گردد	۱۸۶۳	۳۵	که باشد بمن نام او بازگوی	۸۸۴	۱۲c
که با خواهران جهاندار	۴۵۰	۵	که باشد بنام آن سوار دلیر	۸۹۷	۱۲c
که با خون از آن رینگ بر	۶۹۵	۱۳g	که باشد بهای یکی بارگی	۱۲۲	۱۷
که با داد و مهریم و با تیغ	۳۹۰	۴۳	که باشد ترازند گانی سه	۲۵۳۰	۳۵
که با دافره ایزدی یافتی	۳۱	۴۴	که باشد در این بد مهرادست	۱۲۱۷	۱۵
که با دختری او بدشت	۳۵۶	۱۲c	که باشد زهر بدنگهدار	۶۲۹	۲۲
که با دزچه کردم بمردی	۱۹۶۵	۱۵	که باشد که آرد بروی تو	۶۳۷	۴۲
که با دشمنم تیغ بازی	۵۵۱	۱۲b	که باشد که بیند بدیشگونه	۱۰۳۵	۳۵
که با دیودر چنگ رستم	۱۲۲۵	۱۳b	که باشد که بیند ترادر نبرد	۸۶	۱۳c
که باران او بود شمشیر و تیر	۵۷۶	۱۳c	که باشد که پیو ندسام سوار	۱۰۲۱	۷
که باران او در بهاران بود	۱۶۳۲	۱۵	که باشد که جوید در کهنری	۳۲۸	۴۰
که با رستم روی آزار	۸۳۵	۱۳b	که باشد سران و دیو و پسته	۱۰	۳۷
که بارش کبست آید و برگ	۵۹۴	۵۰	که باشد مرا و تران کارگی	۳۳۹	۴۰
که بار نمک هست آنجا	۲۰۲۳	۷	که باشد نگهبان پشت برنگ	۳۱۵	۱۳g
که پاری نژادی مرا مادرم	۳	۵۰	که باشد نگهبان تخت و کار	۲۶	۳۹

۹۳۶ . ۱۲e	که باید گذشتن ازین روی	۲۲۶۴ . ۱۳f	که باشم ز تو پاکرمان شاد
۱۰۶۰ . ۱۳g	که ببهشت گنک آنهمه	۱۲۶ . ۱۳g	که باشند با او بقلب اندرون
۲۰۵ . ۱۲d	که بتخانه راهیج نکذاشتی	۱۱۰۶ . ۴۱	که باشند دانا و دانش پذیر
۲۴۲۷ . ۱۳f	که بخت بدست ازدهای	۵۴۸ . ۲۰	که باشند شایسته و پیشرو
۶۱۱ . ۳۴	که بخشش بهفزایم از گفت	۵۴۲ . ۴۴	که باشند نزد تو داغندگان
۲۶۲ . ۲۱	که بخشش پس پشت او در	۱۲۷۶ . ۱۳f	که باشه ایران شما کرده
۲۳۰۷ . ۴۱	که بخت و خرد رهنه و ن تو	۱۰۰ . ۵۰	که باشی و با پیل بازی کند
۳۱۱۸ . ۴۳	که بخشایش آراد بزندان	۱۱۷۶ . ۱۲e	که باشی که شه را کنی
۴۴۲۹ . ۴۱	که بخشایش آرد بدرویش	۱۹۸۸ . ۴۱	که با فرو با بخت او شاه
۲۷۶۱ . ۱۳g	که بخشد گذشته گناه مرا	۴۶۵ . ۳۵	که با فرو بر زست و با چهر
۷۴۱ . ۵۰	که بخشش ز کوشش بود در	۳۹ . ۳۵	که با فرو بر زست و با مهر و
۴۵۳ . ۲۲	که بخشنده او بست و دا-	۱۸۸۱ . ۴۱	که با فرو بر زست و بخش و
۶۳۶ . ۸	که بخشود بر ما جهاندار	۳۹۳۳ . ۴۱	که با فرو بر زست و فرهنگ
۱۳۵ . ۴۱	که بدخواه بر گنج ننگ	۷۶۸ . ۱۳b	که با فرو برزی و بارای
۴۵۵ . ۴۳	که بد شاه هنگام آرش بگو	۱۳۷۳ . ۳۵	که با کیست زینگونه تیرو
۱۴۵۵ . ۱۳g	که بد کرد با پرهنر مادرم	۵۹۸ . ۸	که با کین شاهان نباید که
۵۳۵ . ۴۲	که بد نام او رستم بهلوان	۱۸۴۹ . ۱۳	که بالاش با چرخ همسر
۱۶۹۰ . ۴۲	که بر آسمان اختران	۲۰۷۸ . ۱۵	که بالا و پهنای دژ را
۲۴۷۷ . ۴۳	که بر ازدها چون شدی و	۱۱۰۹ . ۱۳g	که با ما جهاندار یزدان چه
۱۲۳۶ . ۱۳g	که برانجمن بر زنی را	۷۴۳ . ۶	که بر ما چنین گشت گردان
۸ . ۳۲	که برانجمن مرد بسیار گو	۱۰۲ . ۸	که با ما چه کردند ایرانیان
۳۱۸۶ . ۴۱	که بر پای دارید یکسر	۲۸۵ . ۱۲c	که با من یگر در درین کینه
۴۲۷ . ۱۳g	که بر پشت اسپان بباست	۲۲۷۷ . ۱۳f	که با من چه کرد اندر آن
۱۶۳۳ . ۳۵	که بر پهلوی مو بد پارسی	۹۶۱ . ۱۳e	که با من ز هر گونه گوهر
۲۲۰ . ۲۲	که بر تافت داوی بر آنسان	۲۴۵۹ . ۱۳g	که با من نیا بود کافکنده خون
۳۴ . ۱۳	که بر تخت بنشست فر خنده	۵۶ . ۲۱	که با من نسازی بدی در
۵۸ . ۲۱	که بر نو نسازم بهیژی گزند	۱۳۳۷ . ۴۳	که با مو بدی نیکدل پاک
۱۱۶۶ . ۱۳e	که بر جان بیژن گرفتی	۹۴۸ . ۱۲b	که با نامداری بکردار
۱۳۴۰ . ۱۵	که بر جان ما بود زان	۶۲۰ . ۱۳	که باید که باشم را پایمرد
۴۱۱۹ . ۴۳	که بر خاست گرد سپاه تنخوار	۲۸۲ . ۱۲d	که باید که رنجه کنی پای

که بر طالعش بر کسی نیست	۸۱۲ ، ۱۲d	که بر خاک خیزد ز خون تو	۷۵۹ ، ۱۳f
که بر کارزاری و مرد و تراد	۳۹۵ ، ۵۰	که بر جان و بر خواسته	۶۶۱ ، ۱۲d
که بر کس نمازند جهان	۳۲ ، ۲۵	که بر خواندم آن نامه را	۱۲۲۴ ، ۱۳f
که بر کس نمازند چو بر تو	۱۹۷۱ ، ۲۰	که بر خوردی از جان واز	۹۷۲ ، ۱۳e
که بر کس نمازند همی روز	۱۹ ، ۵۰	که بر خیز شاه که مهتر	۷۸۶ ، ۴۱
که بر کشور پارس بودند	۱۳۱ ، ۱۳g	که برد آگهی نزد آن دیو-	۱۱۱۳ ، ۱۲e
که بر کند این کوه جنگی	۴۰۶۸ ، ۱۵	که بردارد آن سنگ گر	۱۳۹۷ ، ۲۰
که بر کین لهراسب	۲۳۲۶ ، ۱۵	که برد این ستون جهانرا	۲۷۶۱ ، ۴۳
که بر کینه تخمه زادش	۴۴ ، ۱۰	که بردر پیا پندارمانیان	۵۵ ، ۱۳e
که بر کینه که بر چوما را	۲۱۳۹ ، ۱۳f	که بردر چنین ازدها باشد	۷۴۲ ، ۱۴
که بر گرد آن کوه یک راه	۱۲۰۸ ، ۱۵	که بردر یکی تیر باران	۱۵۴۶ ، ۱۲e
که بر گرد از رزم امروز	۱۸۰۰ ، ۴۳	که بردست او شیر پیچان	۱۳۵ ، ۱۲e
که بر گشت از این گونه	۱۰۴۱ ، ۱۳g	که بردست رستم جهان آفرین	۱۳۱۴ ، ۱۳e
که بر گشت روز بزرگان	۹۱۲ ، ۲۰	که بردست من پور کاوس	۱۱۷۱ ، ۱۳g
که بر گشت و تار یک شد	۱۲۴۵ ، ۶	که بردی بنخروار تا خان ^۵	۱۱۴۷ ، ۳۵
که بر گوی آن رزم خاقانی	۳۱۶۹ ، ۴۳	که بردی بشاه جهان آگهی	۸۹۵ ، ۲۰
که بر گوی بامن که آن	۱۵۶۰ ، ۱۳b	که برزکیان داردو فر	۷۰۷ ، ۳۵
که بر گیرد آن را که تو	۱۰۷ ، ۴۴	که بر ساز تاسوی دشمن	۶۰۹ ، ۴۲
که بر گیرد این گرزو	۲۰۲ ، ۱۲c	که بر ساز کامد که رفتنت	۲۷۶۶ ، ۱۳g
که بر لشکر امروز فرمان	۱۶۱۴ ، ۱۳b	که بر سام پل روز فر خنده	۶۲ ، ۷
که بر ماسپاه آمد از چارسو	۲۴۳ ، ۱۳f	که بر سنگ و بر خاک شیرو	۱۳۰ ، ۷
که بر ملک ایران نیارم	۲۹۰ ، ۱۲	که بر سو فرا دشمن اندر	۵۸ ، ۴۰
که بر من چنین پشت بر	۱۳۱۰ ، ۱۳	که بر شاه ایران کمین	۲۸۹ ، ۱۲b
که بر من ز گشتاسب بیداد	۱۲۷۱ ، ۱۵	که بر شاه پیدا کند کارما	۲۹۲۹ ، ۴۳
که بر من زمانه کی آید	۸۲ ، ۵	که بر شهر جهرم بد او پادشا	۳۱۲ ، ۲۱
که بر من نباشد کسی	۷۲۶ ، ۷	که بر شهر خاور بد او پادشا	۱۳۹ ، ۱۳g
که بر من ندادش بدان روزم	۳۸۰۷ ، ۱۵	که بر شهر فریان چه آمد	۸۳۰ ، ۲۰
که بر من یکی آزمون را	۳۲۰ ، ۱۲c	که بر شهر کابل بد او پادشا	۱۳۶ ، ۱۳g
که بر نده پاک جان من را	۱۰۶۷ ، ۱۳	که بر شهر یاران گیتی سر	۱۶۱۳ ، ۴۱
که بر نیزه بر من ترا	۷۷۲ ، ۴۲	که بر شهر یاری ز بد بنده ای	۷۲۳ ، ۵۰

۵۴۸ ، ۷	که بگشاد ازین گونه تیر	۱۷۰۴ ، ۲۲	که بروی پشاهی کنند
۱۳۰۳ ، ۱۳۴	که بند سپهری فراز آمد	۴ ، ۲	که بر هفت کشور منم پادشا
۲۱۸۹ ، ۴۳	که بندوی نا کس همی پشت	۴۱۶ ، ۱۲۵	که بر هم زندمژه راجنگ
۴۰۷۱ ، ۱۵	که بنشانند این شمع افرو-	۸۷۷ ، ۶	که بر هم زندمژه زیروزبر
۳۵۳۹ ، ۴۱	که بنویسد این نامه بو زر-	۲۸۷ ، ۸	که بر هم نیچید از آن
۴۳۱۹ ، ۱۵	که بنویس یک نامه نزدیک	۱۲۶ ، ۴۲	که بستانی این توشه ز
۴۰۷۲ ، ۴۳	که بود آنکه از راه یزدان	۸۰ ، ۳۸	که بستند نیایش ز بهرام شاه
۲ ، ۱	که بود آنکه دیهیم بر سر	۷۸۸ ، ۱۵	که بس زار و خوارندو
۳۴۵۸ ، ۴۳	که بود از گه آفریدون	۳۵۹۲ ، ۴۱	که بس زود دید آن نشان
۳۸۳۷ ، ۴۳	که بود اندر آن جام یک	۱۵۰۵ ، ۴۳	که بس و کوارم من از
۳۰۹ ، ۱۲	که بود از شاه و ز لشکر	۱۸۵ ، ۱۲d	که بسیار دان بود و چیره
۲۲۷۳ ، ۱۵	که بود ندبا من همه دوش	۹۲۶ ، ۱۳۴	که بشکستی از بازوان
۱۴۵۵ ، ۱۵	که بودند کشته بدان رزم	۱۳۹۸ ، ۱۲d	که بشکید از روی چونین
۸۱۹ ، ۲۰	که بودند هر ده هم او از او	۲۶۶۴ ، ۱۲d	که بشنیده بد آنکه افرا-
۳۸۱ ، ۱۳b	که بودند هر یک یکی از دها	۱۶۹ ، ۱۲e	که بشنیده بود از لب بخرد
۳۳۰۵ ، ۴۳	که بودند یازان بخون پدر	۴۰۸۴ ، ۴۳	که بفریفتش قیصر شوم
۷۸۳ ، ۷	که بوده است از این کمتر	۱۸ ، ۱۰	که بگذار جی چون و بر کن
۳۸ ، ۲۳	که بودی بر قیصران ارج	۷۱۲ ، ۱۲c	که بگذار داین شهر ایران
۴۲۷ ، ۱۲	که بودی اگر با سپاهیم	۲۷۸۷ ، ۱۵	که بگذاشتی سالیان بی
۳۱۳ ، ۱۲g	که بودی پیش پدر را یزن	۳۴۳ ، ۲۰	که بگذشت بر چشم ما چار
۴۰۰۰ ، ۴۳	که بودی همیشه نگهبان	۸۲۲ ، ۱۲b	که بگذشته بودش بر این
۱۴۹۸ ، ۳۵	که بهرام از ایدر-پاهی	۱۸۳۲ ، ۱۳۴	که بگرفت ریش سیاوش
۱۰۲۶ ، ۴۲	که بهرام بر ساوه پیروز	۵۹۶ ، ۲۱	که بگریخت از کرم واز
۶۹۴ ، ۳۴	که بهرام بگرفت شاهنشه	۹۰۷ ، ۴۳	که بگریخت شاهی چو
۹۹۰ ، ۴۳	که بهرام پوشید پنهان زره	۱۴۲۵ ، ۱۳c	که بگریزد از پیش تو
۱۰۴۶ ، ۴۲	که بهرام پیروز شد بر سپاه	۱۸۵ ، ۲۱	که بگریزد از مهتری
۲۶۵۸ ، ۴۳	که بهرام چو بینه داماد	۱۴۶۳ ، ۴۳	که بگریستی بر مسیحا
۲۶۵۱ ، ۴۳	که بهرام دادش با ایران	۱۰۱۸ ، ۴۱	که بگزار داد او خواب شاه
۲۵۰۶ ، ۴۳	که بهرام را پادشاهی و	۱۸۰۳ ، ۴۳	که بگسست کوت از میان
۱۸۰۴ ، ۴۲	که بهرام راترس پرویز	۱۱۶۸ ، ۱۳۴	که بگسست هنگام شاه

که بی دشمن آرم جهان را	۱۶۳	۲۲	که بهرام را خواند از	۱۵۵۹	۴۲
که بی دین جهان به که بی	۳۸۹۵	۴۱	که بهرام رادل بباز بست	۱۴۴۱	۳۵
که بیرون شد از رای گردان	۴۶۱	۴۱	که بهرام رادل پراز تاج	۱۵۲۶	۴۲
که بیزار گشتیم ز افراسیاب	۵۲۵	۱۲e	که بهرام را دیدم اندر	۵۵۴	۴۳
که بیزارم از موبد و تخت	۱۴۵۴	۴۲	که بهرام را زوسترگی	۱۵۶۱	۴۲
که بیژن به پیروزی آمد	۸۵۸	۱۳۴	که بهرام را نزد شاه آورد	۲۰۲	۴۲
که بیژن بتوران بنده اندر	۶۲۷	۱۳e	که بهرام شاهست و پیروز	۹۲۸	۴۳
که بیژن بجایست و خر سند	۵۵۲	۱۳e	که بهرام شاهست و ما	۹۲۰	۴۳
که بیژن شد از بندوزندان	۱۲۷۴	۱۳e	که بهرام فرزند او همچو	۴۰۵	۳۴
که بیژن ندانی که با ما چه	۴۰۷	۱۳e	که بهر تو این آمد از رنج	۱۹۷۵	۲۰
که بیشر می و بد بسی کرده	۵۷۵	۱۲d	که بهر تو اینست از این	۳۴	۳۲
که بیکاری او ز بیدانشی	۲۵۸۷	۳۵	که بهمن زمین یاد گاری	۴۱۳۲	۱۵
که بیگانه ای زین بزرگ	۵۹۱	۱۳c	که بی جان شده باز یابد	۱۶۴۸	۷
که بیگانه چنین از کجار فته	۵۹۴	۲۱	که بیجان شده باز یابد	۶۹۶	۱۳e
که بیگانه ز درگاه بیرون	۶۲۶	۷	که بیچارگان را همی	۲۰۳	۷
که بی اشکر گشن بیرون	۳۸۱۶	۴۱	که بیچاره بیژن در آن	۱۰۰۵	۱۳e
که بینم پسندیده چهر ترا	۲۹۴۲	۱۵	که بی خاک و آبش بر آورده	۴۸	۱۵
که بیهوش گشتم من از دود	۱۷۹۹	۱۵	که بیخس ز خون و ز کین	۲۵۱۰	۱۲d
که پادشاه این آنکه بی جان	۵۸۸	۱۲d	که بی خواهش من سر اندر	۱۲۴۴	۴۲
که پاسخ کنم جا دو ار جاسب	۲۳۸	۱۵	که بیداد جوید کسی در	۸۸	۳۸
که پاکیزه چهرست و	۱۳۱	۱۲b	که بیداد جویدی همی جنگ	۹۱	۳۸
که پند رود بادی تو تا جاوردان	۳۲۲	۴۴	که بیداد گر باشد و کز	۲۱۱	۲۰
که پذیرفت خسرو زیزدان	۱۴۱۱	۴۳	که بیداد گر بکسلد از	۲۶۸۰	۱۳g
که پر خاشخویان سهره صد	۶۲۹	۱۳c	که بیداد و کزی زیبچار	۵۷۶	۳۴
که پردخت ما ند همی جای	۳۰۴	۱۳b	که بیدار دل باش و پیروز	۷۲۹	۴۱
که پردخته شد شاه ازین کار	۲۱۹۲	۳۵	که بیدار دل بود و پاکیزه	۶۳	۶
که پردرد باشم من در آن	۲۳۷	۱۳b	که بیدار دل پهلو ان شاد	۱۱۹۳	۷
که پرسد ترا نامور شهر باد	۱۷۲۷	۱۲d	که بیدار دل شاه توران	۴۶۳	۸
که پرسد که این جنگ کجور آن	۶۴۶	۴۲	که بیدار دل مرد جنگی	۱۳۲۹	۱۳
که پرس کن کی دل ز افراسیاب	۱۰۴	۱۳	که بیدار گردید یکسر	۱۷۱۵	۴۳

که پیروز رفتی و شاد آمدی	۱۳۶۰	۱۳	که پیروز در کار از پدید برتر	۲۸۳۴	۱۲d
که پیروز رفتی و شاد آمدی	۲۲۸۹	۱۳۴	که پروردگارش چنان آفرید	۳۸۲۵	۱۵
که پیروز را پاک فرزند	۴۶	۳۸	که پرورده بت پرستان بدند	۳۷۵	۵
که پیروز شد شاه و دشمن	۷۵۳	۱۵	که پرورده مرغ باشد بکوه	۴۹۵	۷
که پیروز شد فرخ اسفندیار	۲۳۱۷	۱۵	که پرورده مرغ بیدل شد	۱۴۴۴	۷
که پیروز کیخسرو از	۱۱۸	۱۳g	که پرویز اگر بر نشیند	۳۸۵	۴۴
که پیروز گرباد همواره	۱۱۲۶	۲۰	که پرهیز از آن کن که بد	۳۲۸	۵۰
که پیروز گر بود روز نبرد	۳۴۳	۱۳b	که پشت زمین راه می داد	۷۲۵	۴۱
که پیروز گر پشت و یار	۶۱۵	۴۳	که پشت سپه شان بهم بر	۱۵۲۹	۱۳۴
که پیروز گر در جهان	۳۳	۲۰	که پشتم شکستی و خستی	۲۳۵۲	۱۳۴
که پیروز گرسوی ایران	۱۲۷	۳۹	که پشت همه شهر توران	۱۵۳۵	۱۳۴
که پیروز گشتی بر ایشان	۱۶۹۵	۲۰	که پور پشنگ آن بداندیشه	۵۳	۱۱
که پیروز نامست و پیروز	۲۰۳۶	۲۰	که پور شهنشا را بی گزند	۱۶۷	۳۹
که پیروز و شادان زی از	۱۶۱۱	۱۵	که پوشیده رویان او در	۸۶۷	۴۱
که پیروزی شاه بردست	۴۰۹	۴۲	که پولادوندست بی جان	۱۵۱۵	۱۳c
که پیروزی و شور بختی ازو	۲۴۶۳	۱۳g	که پولادوند و تهمتن	۱۴۷۹	۱۳c
که پیری جهان ندیده ای بر	۷۷۷	۱۴	که پوینده گشتیم گرد	۱۲۵۴	۴۳
که پیش آمدندم همه سر-	۱۹۴	۱۱	که پیچد سراز رای و فرمان	۳۶۹۱	۱۵
که پیش از بد و غارت و	۱۴۹۰	۳۵	که پیچیده بد رستم از	۴۱۰۲	۴۳
که پیش از توجان بد	۱۸۵۹	۱۳	که پیدا شد آن فرشا پور	۳۳۰	۳۰
که پیش افکند باره بر کین	۶۴۴	۱۵	که پیران بدان شهر بدبا	۲۱۷	۱۳۴
که پیش تو آمد بدین	۱۹۴۶	۱۵	که پیران بدست تو گردد	۱۶۴۷	۱۳۴
که پیش جوانی یکی مرد	۸۸۴	۱۳	که پیران بیامد در آن	۱۲۹۰	۱۲d
که پیش زبان راز هرگز	۲۵۴۰	۱۵	که پیران ز مهتر سپه	۲۱۶۶	۱۳۴
که پیشم تو آیی و جنگ	۹۳۵	۶	که پیران سالار از آن شهر	۱۷۳۸	۱۲d
که پیشم چه شیر وجه دیو و	۵۱۸	۱۲	که پیران نراند سخن جز	۱۶۵	۱۳b
که پیش من آید باورد	۷۷۷	۱۲c	که پیران یکی شیر دل مرد	۲۰۷۳	۱۳۴
که پیش من آیند و خواری	۴۲۴۸	۴۳	که پیراهنت گریستاند کسی	۱۵۴۸	۴۳
که پیغام ایزد بلهر اسپ	۳۳۴	۴۳	که پیر فریبنده کانا بود	۳۴۵۳	۱۵
که پیغام دارم ز شاه جهان	۷۷۹	۴۳	که پیروز بر گشت شیراز	۱۵۸۸	۱۲b

که تاج تو آوردی من	۲۳۲ . ۱۳	که پیغمبر از قیصر آمد	۴۳۳۷ . ۴۱
که تاج تو تاج سرماه	۱۰۳ . ۱۴	که پیغمبر شاه توران سپاه	۴۸۵ . ۱۳g
که تاج کیان بود و فرزند	۱۸۵ . ۱۳	که پیغمبرش یار در خور	۲۲۵۷ . ۳۵
که تاج کیان خود نبیند	۱۳۴ . ۱۴	که پیکار گردش همی	۳۸۲۸ . ۴۳
که تاج کیی تار کت را	۴ . ۲۵	که پیکار گرشان سپهید	۲۲۴ . ۱۳b
که تاج کیی یافت از یزد-	۱۹۴۴ . ۳۵	که پهل سپید سپهید زبند	۱۹۶۱ . ۷
که تاج و کمر بی تو هرگز	۶۰۷ . ۳۵	که پیوسته گوید سراسر	۴۰۳۴ . ۴۱
که تاج و کمر چون تو بیند	۶۶۹ . ۸	که پیوند شاهست و همزاد	۷۹۲ . ۱۳
که تا چون بود کار آن	۱۸۵۶ . ۴۱	که پیوند کسی را نیار استم	۸۸ . ۶
که تا چون بود گردش	۳۰۷۶ . ۴۱	که تا آفرید این جهان	۸۹۴ . ۴۳
که تا چون رود بر سرما	۴۵۷ . ۱۴	که تا از پی تاج بیجان شود	۴۲۶۱ . ۱۵
که تا چون شود شاه را	۳۸۰۴ . ۴۳	که تا از گریزش چه گوید	۱۸۵۴ . ۴۲
که تا چون شود گشت گردا	۱۳۰۵ . ۱۲b	که تا از دهارا برون آورد	۵۲۱ . ۵
که تا چون گزینند و ایران	۱۳۹ . ۲۸	که تا اسپ گردان با خر	۱۴۹۴ . ۴۲
که تا چون نماید بما چرخ	۱۴۴۷ . ۱۲b	که تا اندر ایوان افراسیاب	۳۲۲ . ۱۳e
که تا چیست این در نهان	۱۷۷۱ . ۳۵	که تا او بتخت کیی بر	۴۳۶۶ . ۱۵
که تا خسرو از چنگه آن	۲۲۶ . ۱۳c	که تا اورها گشت از دست	۲۲۴ . ۱۳c
که تا دخترش بچه را بکند	۱۲۳۷ . ۱۳g	که تا او نکرد دببالی	۳۲۹ . ۱۲d
که تا دخترش را بجای	۶۵۷ . ۱۴	که تا این زمان هر چه رفت	۱۶۶۰ . ۱۳۴
که تا در تن ما بماند روان	۱۸۸ . ۱۳c	که تا بر کشم تیغ تیز از میان	۱۰۱ . ۱۱
که تا در جهان تخم ساسانی	۱۷۱۶ . ۴۳	که تا بر نهادم پشاهی کلاه	۲۶ . ۱۳۴
که تا در جهان مرد مست و	۶۰۶ . ۱۲e	که تا بندها را بداند کلید	۳۱۳ . ۵
که تا راج کردند انبار شاه	۲۴۷ . ۴۰	که تا بنده تر چیز و بیدشمن	۴۳۰ . ۲۰
که تا راه یزدان بجای	۴۰۸۷ . ۱۵	که تا بنگرد کوچه مرد دست	۵۸۱ . ۱۲
که تا رفت خورد رخشان	۳۷۶ . ۱۲b	که تا بوم و بارست و فرزند	۹۳۴ . ۲۰
که تا روز پیری مرا بر دهد	۳۳ . ۱۳g	که تا بهر بیژن نباشد یکی	۱۰۶۶ . ۱۳
که تا روز گاری که نیک	۳۵۴ . ۱۳۴	که تا تو برفتی نیم شادمان	۱۸۹۵ . ۱۲d
که تا روز و آون بر او	۱۳۹۸ . ۴۱	که تا تو رسیدی بگوز	۳۵۳۲ . ۱۵
که تا زنده ام جز مه جفت	۴۴۳ . ۷	که تا تو ز ایران شدستی	۱۶۸۰ . ۴۳
که تا زنده ام خون سرش	۴۵۷ . ۱۳c	که تا تو همی دوستداری	۳۰۹۲ . ۴۳

که تازنده امیر یار توام	۲۳۲۰	۲۳	که تازنده با مردمان کرد	۵۷۲	۳۳
که تازنده ای بر تو نفرین	۲۵۷۴	۱۲d	که تا هر سوی شهرها	۳۹۸	۲۲
که تازنده ای بر تو نفرین	۲۷۲۱	۱۲d	که تا هر کس اندازه خویش	۳۳	۴
که تازنده باشد جهاندار	۸۸۲	۳۳	که تا هر کسی را که دارد	۲۹۸	۲۲
که تا زنده یا مرده زین	۲۳۴۲	۱۳f	که تا هر کسی کو نبرد آورد	۵۴۵	۳۲
که تا مرستانند یا سردهند	۲۵۸۷	۱۳g	که تا هر که شد کشته از مهتر	۹۸۶	۳۲
که تا سینه کهرم بدونیم	۱۹۷۶	۱۳f	که تا هست گستم جز	۱۱۷۸	۳۳
که تا شاه گشتا سپراداد	۳۲۷۱	۱۵	که تخت دو فرزند خود	۲۹۳۶	۳۱
که تا شاهزگان بهم بر نهاد	۲۴	۸	که تخت عجم را کند	۱۸۴	۵۰
که تا کره اورا همی تاختی	۱۷	۳۷	که تخت کیان جست خواهی	۵۷۵	۱۳f
که تا کس نکوید سخن	۱۰۶	۳۰	که تخت کیان چون تو بسیار	۳۱	۱۹
که تا که تران نیز در کار-	۳۷۹۷	۳۱	که تخت و کله چون تو بسیار	۵۶۱	۸
که تا کی بود در جهان	۳۱۸	۳۴	که تخم بدی تا توانی مکار	۱۲۷۴	۳۲
که تا کیست اندر جهان	۳۴۴۰	۱۵	که تخمی که کشتی بدین	۳۴۷	۴۰
که تا کیست این پهلو پر	۲۳	۱۳c	که تر سنده باشند و پیدار	۵۲۰	۳۱
که تا کیست این مرداز	۲۵۱۶	۱۳f	که ترکان بدیدن پر بچهره	۹۱۰	۱۳f
که تا کینه شاه باز آورم	۵۲	۱۲e	که تفش بسوزده می اشکر	۵۹۹	۱۵
که تا گیتی از هر بدی پاک	۲۴۷۶	۱۳g	که تندی پشیمانی آردت	۱۱۰۸	۱۳
که تا ماه و خورشید را	۶۶۹	۱۲b	که تندی مرا گوهر ست و	۷۳۹	۱۲c
که تا من بیستم کمر بر	۲۷۷۲	۱۳g	که تندی و تیزی نپاید بکار	۷۶	۱۲c
که تا من بینم یکی روی	۵۹۶	۱۳b	که تن گردد از جنبش	۵۸۵	۲۲
که تا من بر آن خسته	۱۳۲۶	۱۵	که تنها بر او بجنگ آمدی	۲۸۴۶	۱۳g
که تا من بگیتی بوم زنده	۲۵۷	۱۲e	که تنها بر این رزمگاه آمد	۳۸۲	۱۳f
که تا من بمردی کمر	۴۰۹۹	۱۵	که تنها گله بردستم زدشت	۱۵۶	۱۳d
که تا من بوم شاه در پیشگاه	۱۴۱۲	۳۳	که تنها همی گو خسرو	۹۹۴	۱۲e
که تا من ترا دیده ام مرده ام	۳۵۶	۱۲d	که تو با بزرگان در این	۳۰۲۳	۱۵
که تا من شدم پهلو ان از میان	۱۴۵	۵۰	که تو باژ بدی بسالار	۹۲	۱۵
که تا من شوم کشته اندر	۱۲۹۹	۱۲e	که تو با سکندر ز یک	۹۳۹	۲۰
که تا من کمر بر میان	۴۹۷	۱۳b	که تو چند که بودی اندر	۳۹۴۱	۱۵
که تا ناورد ناگهان کرد	۳۵۷۱	۳۳			

که تو خود مرادیده وهم	۹۳ ، ۷	که جاوید در کشور میندو	۲۱۱۸ ، ۳۵
که توداغ بر چشم شاهان	۳۱۴ ، ۴۳	که جاوید هر کس کند	۱۶۲ ، ۴۱
که توران زمین را کند	۱۱۶۳ ، ۱۲e	که جای من از جای شاه	۳۶۱۸ ، ۴۱
که توران سپه سوی جنگ	۱۲۶۴ ، ۱۳b	که جایی که بودی زمین	۴۱۸ ، ۲۲
که توران شه آن ناجوان	۳۴۷ ، ۸	که جز ترگ رومی نبیند	۱۸۳۶ ، ۱۳
که تور فریدون بر آورده	۲۱۶۸ ، ۱۳g	که جز تو کسیرا نخواهم	۳۷۹ ، ۱۲d
که تور فریدون ز ایرج نهاد	۱۲۲۸ ، ۱۳g	که جز تو مبینا دایوان	۸۸ ، ۱۳e
که توزان فزونی بفرهنگ	۲۲۱۲ ، ۱۲d	که جز جنبش و گردش	۱۴۹۰ ، ۲۰
که توزنده بادی که قیصر	۴۲۰۰ ، ۴۱	که جز خاک تیره نشستش	۶۰۵ ، ۱۳g
که توشهر یاری و ما چون	۸۵۳ ، ۱۲d	که جز کام شیران کفر شان	۱۱۷۹ ، ۱۳g
که تونیک بختی زیزدان	۲۵۴۷ ، ۱۳f	که جز کشتن و خواری و	۳۸۰ ، ۳۴
که تیزی نه کار سپه بد بود	۱۱۰۹ ، ۱۳	که جز مرگ را کس ز مادر	۱۸۶۵ ، ۳۵
که تیغ دلیران بر اسفند-	۳۴۷۱ ، ۱۵	که جز مرگ را کس ز مادر	۸۰۶ ، ۴۱
که جادو بدی کس بمشکو	۵۳۲ ، ۴۴	که جستی سلامت ز کام	۲۷۶ ، ۶
که جام برادر برادر خورد	۸۱۴ ، ۱۲b	که جفتست با خواهرش	۸۳۴ ، ۱۳
که جان بزرگان فدای	۲۳۳۳ ، ۳۵	که جمشید با تاج و انگشت	۵۸ ، ۱۲
که جانت شگفتیست وین	۱۴ ، ۱۳d	که جمشید بر ترمنش و	۸۹۶ ، ۴۳
که جانش بدوزخ گرفتار	۱۴ ، ۲۵	که جمشید راه رود و خواهر	۷ ، ۵
که جان و دل اندر سپنجی	۴۳۹۱ ، ۴۱	که جنبنده باشند و چندی	۱۱۶۴ ، ۲۰
که جاوید بادا فریدون	۶۷۵ ، ۶	که جوشان شود زین میان	۶۸۱ ، ۱۳
که جاوید بادا ترا تخت	۳۸۱ ، ۱۳e	که جو یا بدش نام و جوینده	۱۰۰۳ ، ۱۲
که جاوید بادا جهان پهلو-	۱۹۱۰ ، ۱۵	که جوید کنون نام نزدیک	۲۲۰۴ ، ۱۳f
که جاوید بادا چنین روز-	۴۲ ، ۶	که جوید گذر سوی ایران	۱۷۹۲ ، ۱۳
که جاوید بادا خردمند	۹۵۷ ، ۵۰	که جوید نیر و مز کند آور	۴۷۷ ، ۱۳f
که جاوید بادا سرافراز	۷۳ ، ۶	که جوید همی در جهان	۲۱۳۱ ، ۱۳f
که جاوید بادا سرتاج	۲۰۶۷ ، ۲۰	که جوید همی راز گردان	۶۵۶ ، ۱۲b
که جاوید بادا سرتخت او	۶۲ ، ۱۳g	که چرخ و زمین و زمان	۹۰۲ ، ۱۳e
که جاوید بادا فسرو بخت	۳۵۴۲ ، ۴۳	که چرخ و زمین و زمان	۳۹۲ ، ۱۹
که جاوید بادی و روشن	۴۲۳ ، ۱۳	که چرخ و زمین و زمان	۲۶۰۵ ، ۴۳
که جاوید تاج تو تا بنده	۵۰۴ ، ۳۰	که چشم بد از فروردین باد	۹۰۸ ، ۳۵

که چندین ز ایران سپه	۱۸۸۶ ، ۱۳	که چشم بدان در دور باد	۱۳۳۷ ، ۱۳
که چندین ز خون سیاوش	۲۵۴۶ ، ۱۲d	که چشم بدان از کفش دور	۲۲۲۸ ، ۱۵
که چندین ز رستم سخن	۹۷۸ ، ۱۲c	که چندان بیوچند بر زم این	۳۳۲۷ ، ۴۱
که چندین سپه را بر این	۲۹۵ ، ۱۳g	که چندان بزرگان ایران	۸۲۸ ، ۱۳b
که چندین سپه سر با ایران	۳۱۲ ، ۴۲	که چندان بزرگان ترکان	۹۸۵ ، ۱۲e
که چندین سخنهای یاد	۲۰۵ ، ۱۱	که چندان بزرگی و شاهی	۳۷۳ ، ۱۹
که چندین سرافراز گرد	۵۶۸ ، ۸	که چندان بسوگندیه ان	۶۲۱ ، ۱۲d
که چندین سکندر چه پوید	۱۶۱۳ ، ۲۰	که چندان خوردمی که بر	۳۵۲ ، ۳۵
که چندین گزافه بیخشدز	۳۸۶۵ ، ۴۱	که چندان سپاهست کاندازه	۷۹۰ ، ۱۲b
که چندین نبیره و پسر	۱۳۹۹ ، ۱۳c	که چندان سپه کرد آهنگ	۱۶۶۹ ، ۳۵
که چندین نهاده درم باشد	۴۳۱۱ ، ۴۱	که چندان سرافرازی و	۳۹۵۷ ، ۴۳
که چنگش بدش نام و جوینده	۳۵ ، ۱۳c	که چندان سراید که آید	۴۰۳۱ ، ۴۱
که چوبینه آید با یوان شاه	۷۰۲ ، ۴۳	که چندان سر نامور بی	۴۳۶ ، ۱۳g
که چوپان همی دارد آنجا	۳۶ ، ۱۳d	که چندان کجا باشما	۱۵۵۲ ، ۱۳f
که چوگان و میدان و مردی	۲۶۰ ، ۲۲	که چندان کجاراه بکنا-	۵۰۴ ، ۶
که چون آزر گردد ز دلها	۴۲۳ ، ۶	که چندان کندسگ بتیز	۷۸۲ ، ۴۲
که چونان شدیم از بد بزد-	۵۷ ، ۳۵	که چندان که او خود کند	۳۸۱۲ ، ۴۱
که چون او بدین جای	۷۷۷ ، ۳۵	که چندان نما نام شمارا	۵۶۲ ، ۱۳g
که چون او زنی نیست	۵۶۵ ، ۴۴	که چندی با فسوس خوردی	۶۸۲ ، ۱۴
که چون او سوی شهر	۲۲۹۹ ، ۴۳	که چندین بیبش من آبی	۱۲۲۹ ، ۱۳e
که چون او نبود دست شاهی	۱۲ ، ۱۳g	که چندین بریسی مگر با	۴۸۶ ، ۲۱
که چون او یکی شاه اندر	۳۴۳۴ ، ۴۳	که چندین بزرگی و گنج	۲۷۸۹ ، ۱۵
که چون این سخنها بجا	۲۶۴۸ ، ۱۵	که چندین بگفتار بشتا فتم	۴۴۵۳ ، ۴۱
که چون این دولشکر برابر	۱۳۵ ، ۴۳	که چندین بلاها ببايد	۱۱۲۰ ، ۱۲d
که چون باد بر ماهمی	۴۴۴ ، ۶	که چندین بورزید مرد	۲۴۶ ، ۳۵
که چون بار بد کس چنان	۳۸۲۱ ، ۴۳	که چندین پسر پیش من	۱۶۸۳ ، ۱۳f
که چون باز خواهد که آید	۲۷۹ ، ۴۴	که چندین تن از تخمه	۱۷۹۰ ، ۱۳
که چون باز خواهی نیاید	۳۵۲ ، ۴۳	که چندین تو از بهر دینار	۶۵۴ ، ۲۳
که چون باز گردم از این	۶۷۴ ، ۱۵	که چندین چه باشی بیبش	۱۶۰۹ ، ۱۲d
که چون باز گردی نه پهی	۱۳۸۹ ، ۴۲	که چندین چه گویی تو از	۳۴۳۲ ، ۱۵

۲۸۷۵ ، ۴۱	که چون شاه نو شیروان	۳۵۴ ، ۱۵	که چون باشد انجام و فرجام
۹۵۲ ، ۶	که چون شب شود اما شبی خون	۱۲۲۷ ، ۱۲d	که چون بچه شیر نر پروری
۱۷۶۳ ، ۴۲	که چون شد بر زمین دژ	۳۶۲ ، ۴۴	که چون بخت بیدار گیرد
۴۱۴ ، ۸	که چون قازن کاوه جنگ	۵۰۳ ، ۴۲	که چون بخت پیروز یاور
۲۵۳ ، ۵	که چون کاوه آمد ز در که	۱۰۲۳ ، ۶	که چون بردخواهد سر شاه
۶۸۰ ، ۱۳۴	که چون کاهلی پیشه گیرد	۱۰۸۸ ، ۱۳۴	که چون بر سپه گسترید
۶۳۵ ، ۳۰	که چون کودک او بمردی	۲۶۵۷ ، ۳۵	که چون بگذرد زین جهان
۱۷۸۵ ، ۱۲d	که چون گنگ دژ در جهان	۱۴۰ ، ۵	که چون بنده بر پیش فرزند
۱۸۳۳ ، ۱۲d	که چون گنگ دژ در جهان	۶۴۲ ، ۷	که چون بود تان کار با یور
۱۸۱۵ ، ۱۳۴	که چون گوسفندش بریدند	۳۱۴ ، ۱۳b	که چون بود کار تو ای رزم
۲۷ ، ۱۳e	که چون گوشت از گفت من	۱۴۸۲ ، ۷	که چون بودی ای پهلوان
۱۱۶۰ ، ۱۲e	که چون گیو و خسرو	۱۳۶۹ ، ۴۲	که چون بینی این کار
۱۷۸ ، ۴۴	که چون ماه آرز بود روز	۳۳۳۱ ، ۴۱	که چون یادشا را ببیند
۷۸ ، ۱۳۴	که چون ماه ترکان بر آید	۸۹۱ ، ۱۵	که چون یور با سهم مهتر
۱۲۳۸ ، ۱۳b	که چون مرغ پر بسته بودی	۳۶۱۵ ، ۴۳	که چون تخمه مهتر آلوده
۲۵۱۸ ، ۱۵	که چون مست باز آمد	۷۹۵ ، ۱۲	که چون تود لیری پدید
۱۲۱۴ ، ۱۳b	که چون من شنیدم کز	۸۳۵ ، ۵۰	که چون تور سیدی بریگ
۴۷۹ ، ۵۰	که چون من فراوان با آورد	۳۰۶۷ ، ۱۵	که چون تو سپهد نژادی
۲۶۰۵ ، ۳۵	که چون می گسارد	۴۰۷۸ ، ۱۵	که چون تو سواری یل
۷۹۹ ، ۱۲c	که چون نامور سوی ایران	۱۸۲۷ ، ۳۵	که چون توشه نشاء بر
۴۲ ، ۸	که چون نودزی از تراو	۸۳۹ ، ۱۳e	که چون تو ندیدستی یک
۱۷۹ ، ۲۰	که چون بدینسان بدرد	۲۵۵۷ ، ۱۳۴	که چون خواست کینه
۹۷۸ ، ۱۳e	که چون جوانی ز گودرز	۵۱ ، ۴	که چون خواستی دیو بر
۳۱۰۸ ، ۴۳	که چون سخن نیست جز	۷۲۷ ، ۱۲c	که چون رستم از وی بترسد
۳۱۹۷ ، ۱۳g	که چون شکفتی نسیب	۴۲۲ ، ۱۴	که چون رفت با گرگ
۳۹۵۱ ، ۴۱	که چیز کسان دشمن گنج	۱۳۱۰ ، ۱۲c	که چون رفت خواهد سپهر
۱۱۹۱ ، ۴۳	که چیزی کزین من زیاد	۱۳۸۵ ، ۱۳g	که چون رفت و آرامگاه
۱۴۶۵ ، ۴۳	که چیزی که فرمود ای	۴۵۷ ، ۷	که چون رفتی امروز چون
۲۰۱۳ ، ۷	که حاجت نباشان	۱۶۷۱ ، ۴۱	که چون شاه کسری خورش

که خواتون چینی ز فغفور	۳۷۹	۴۲	که خوالیکر شمام ایشان	۱۶۹۰	۴۱
که خاقان بر اولشکر آرد	۱۰۳۲	۱۳۴	که خوانندشاهان براو	۱۶۵۵	۲۰
که خاقان پر موده یار من	۱۲۱۷	۴۲	که خوانی بنا پادشاه آرد	۶۴۰	۲۲
که خاقان چین زینهارى	۱۱۹۶	۴۲	که خوانی تو آن مرد را	۱۱۶۴	۴۲
که خاقان چینش فرستاده	۷۹۵	۳۵	که خواهد از این دشمنان	۲۶۱۳	۱۲d
که خاقان چین که تر ما بود	۱۲۰۴	۴۲	که خواهد از این دیو	۹۶	۱۳d
که خاقان نژادست و بد	۱۸۷	۴۲	که خواهد ز گردنکشان	۳۸۰۱	۱۵
که خاقان همی راست	۱۲۹۶	۴۲	که خواهد شدن در دم	۶۲۴	۱۳e
که خاک پی او ببوسد هزار	۱۷۹۱	۷	که خواهشگری کن بنزد	۵۶	۳۵
که خاک سکندر با سکندر	۱۹۳۹	۲۰	که خواهم شدن سوی ایران	۲۳۰	۱۲c
که خاک منوچهر گاه منست	۵۰	۸	که خواهم که بینم سراسر	۷۳	۱۳
که خاک منوچهر گاه منست	۵۳۲	۴۳	که خواهید بر خو یشتن	۳۰۲۷	۴۱
که خان حرم را بر آورده	۶۷۹	۲۰	که خوبی وزشتی ز ما یاد	۶	۲۷
که خراد برزین بر شهر یار	۱۵۹۰	۴۲	که خود را بدار خیره رسوا	۱۲	۴۶
که خراد برزین در آن	۲۵۹۳	۴۳	که خورشید از آن گرد تیره	۲۵۵۶	۱۲d
که خراد برزین و آن	۱۳۰۹	۴۲	که خورشید بدمد از رسولان	۹۹	E
که خرچنگ را نیست پر	۲۹۸	۴۳	که خورشید تا بان جو آنجا	۱۴۲۰	۲۰
که خرد که خواهد ز گاو	۵۰۱	۴۳	که خورشید تا بنده را تار	۴۰۷۰	۱۵
که خرطوم او از هوا برتر	۵۹۵	۲۰	که خورشید چون تو ندید	۲۲۰۰	۱۳g
که خرم کنم دل بدیدار تو	۳۰۶۲	۱۵	که خورشید روشن ز تاج	۱۲۷	۱۲b
که خسرو بسپیدش آرا	۷۱۷	۱۵	که خورشید شمشیر گردان	۶۲۹	۱۳۴
که خسرو بمردی بجایی	۱۸۱۴	۴۲	که خون برادر بریزی جو	۲۹۰	۱۳
که خسرو بهر کار پیروز	۵۶۴	۱۳e	که خون برادر بیاد آورد	۳۱۸۶	۴۳
که خسرو بیازرد از شهر یار	۱۸۳۳	۴۲	که خون بزرگان چرا	۱۹۶۷	۲۰
که خسرو چگونه نشیند بگو	۲	۱۳	که خون چندان خسروی	۴۶۴	۴۴
که خسرو فرستاد کسها	۳۸۶۱	۴۳	که خون ریختن نیست	۱۷۰۲	۲۰
که خشنود شد از تو بهرام	۲۸۰۲	۴۳	که خون سر شاه ایران	۱۱۰۷	۱۳g
که خضرا نهادند نامش	۳۹۷۱	۴۳	که خون سیاوش بریزد	۲۵۰۶	۱۲d
که خلعت بود شاه راهر	۴۳۷۳	۴۱	که خویشان بداند از گدیر	۷۱۶	۱۳e
که خم کمندم کنون مرگ	۱۰۱۹	۱۳e	که خیره بیدخواه منمای	۳۱۱	۵۰

که دادار دارنده یزدان	۲۸۴۶ . ۴۳	که دانا نیازد بیتی	۲۵۶۹ . ۴۱
که دادار کیهان مرایاور	۱۴۵۵ . ۳۵	که دانا ورا مغنیاطیس	۱۵۳۴ . ۴۳
که دادار نیکی دهتی بار	۳۵۲ . ۱۳b	که دانای هندیش خواند	۱۵۴۳ . ۴۳
که دادست از ایشان وگر	۳۳۵ . ۲۲	که داند بایران که من زنده	۷۶۲ . ۱۲e
که دادی بدو بردع و	۴۲۳ . ۴۲	که داند ز گیتی که اورا چه	۳۲۰۲ . ۱۳g
که دادی کسی از مهان	۲۳۱۰ . ۴۱	که داند صفت کردن داد	۵۱۰ . ۲۲
که دارا برادر پدر خواند	۳۶۲۰ . ۴۳	که داند کزین گنبد تیز	۱۸۷ . ۱۳d
که دارد بفر اهرمن را	۱۷۰ . ۵۰	که داند که ایرج نیای	۸۷۳ . ۶
که دارد بیاد این چنین	۴۵۷۳ . ۱۵	که داند که با شیر روباہ	۴۵۷۲ . ۱۵
که دارد پی و تاب افرا-	۶۳۱ . ۱۲d	که داند که بلبل چه گوید	۲۵۱۳ . ۱۵
که دارد کف رادوفر و	۵۳۶ . ۴۳	که داند که بیرون که آید	۱۷۴۳ . ۱۳g
که دارمسیحا بگنج شما	۳۴۴۷ . ۴۳	که داند که خود چون بود	۷۷۸ . ۱۳c
که دارم یکی کره رخش	۲۱۴ . ۱۲c	که داند که چندین نشیب	۱۸۵ . ۱۳d
که دارند از ایران سپه	۱۲۷۸ . ۱۳b	که داند که در جنگ پیروز	۲۰۲ . ۴۳
که دارند رفتار هر دو بهم	۲۸۰۳ . ۴۱	که داند که فر داجه خواهد	۳۰۸۴ . ۱۵
که دارند فرخ مر آن جای	۲۳۰۶ . ۳۵	که داند مگر کرد کار	۲۹۸۹ . ۱۳g
که دارند او بست و هم ره	۲۴۹ . ۴۱	که داند یکی رنج من	۸۵ . ۱۳e
که دارند و بر سر آرند	۱۷۷۲ . ۱۳g	که دانست جز شاه پیروز	۳۰۸۳ . ۱۳g
که داری از ایران تیز	۱۰۲۸ . ۱۲c	که دانست کاین چاره گر	۹۶۵ . ۱۳c
که دازی بگیتش جز از یاد	۴۳۱۷ . ۱۵	که دانست کاین کود کارچ	۱۵۰۳ . ۱۲c
که داری تن پیل و چنگال	۴۲ . ۵۰	که دانست نام و نشان فرود	۵۵ . ۱۳b
که داری که با او بدشت	۶۹۳ . ۱۲c	که دانست هر گز که سر	۱۳۹۴ . ۱۳f
که داماد او بود بر دختر	۱۶۶۶ . ۱۲d	که دانست هر گز که سر	۱۷ . ۴۵
که داماد را نام بد قید روش	۷۷۶ . ۲۰	که دانست هر گز که شایور	۳۳۴ . ۳۰
که داماد نکزیند این دختر	۴۷۸ . ۱۴	که دانش بشب با سبک	۴۳۲ . ۲۰
که دانا بهر کار سازد درنگ	۴۴۸ . ۱۳f	که دانش نباشد بنزدک	۲۶۲ . ۲۰
که دانا ترا دشمن جان بود	۳۵۲ . ۷	که دائم که چون این بود	۷۷۶ . ۷
که دانا ز داین داستان از	۲۹۶ . ۳۰	که داند را چشم برینا	۳۶۹۹ . ۴۱
که دانا ز داین داستان *	۲۳۰۶ . ۱۳f	که داند دانا ترا از خون	۳۴۷۹ . ۴۱
		که داند کاین کزین	۸۴۷ . ۴۳

(*) ستاره بجای * بزرگ آمده است .

که در روم آباد خسرو چه	۱۰۳۰	۴۳	که دانید گایدر گنه کار	۳۰۴	۱۳e
که در زیر پرت پیرورده ام	۱۹۵	۷	که دانی که بی نام و آرایش	۲۶۳۱	۴۱
که در سینه ازدهای بزرگه	۴۵۲	۱۲	که دختر بمن در بآیین	۱۰۳۰	۳۵
که در شب بنزدیک خسرو	۲	۴۳	که دختر مرا دادتی آن	۷۷۵	۴۲
که در کار این کودک شوم	۴۲۸	۱۲e	که در آبهر کو بی آیدش	۱۰۸	۱۳d
که در کشور من یکی موزه	۴۳۱۰	۴۱	که در آسیا ما هر وی ترا	۷۲۸	۵۰
که در کشور هند چون رزم	۱۹۵۹	۱۲d	که در بزم در یاش خواند	۱۰	۱۳g
که در گادوبی که کسی را	۳۹	۴۳	که در بزم گیتی بدوروشن	۱۹	۱۳g
که در گنج ما بدره بدصد	۲۹۵	۴۴	که در بنداو گنج قیصر	۵۸۹	۴۱
که در گنجهای که باز	۲۱۰	۴۲	که در بوستانش همیشه گل	۳۱	۱۲
که در مان این کار یزدان	۱۴۴۱	۱۲c	که در بیشه شیران بهنگام	۲۰۱۰	۳۵
که در ویش را شاد دارم	۵۵	۴۲	که در بیشه گوری بودره	۱۵۵۵	۴۲
که در هندی سرافراز	۲۸۹۶	۴۱	که در پرده پوشیده رویان	۲۱۸۶	۴۱
که در یای با موج و چندین	۱۷۴۲	۱۳g	که در پرده زال بد بندهای	۴۳۷۹	۱۵
که در یای چین نامیافتش	۳۲۲۲	۱۵	که در پستی رستم بدی روز	۵۳۲	۴۲
که در یای چین را ندارم	۲۰۷۳	۴۱	که در پستی قیصر بیارم	۱۲۳۵	۴۳
که درستان بد گوهر از دیو	۳۱۸۳	۱۵	که در پیش گیر دره راستی	۴۶۱۸	۴۱
که درستان بنزدیک ایران	۱۰۰	۱۲	که در تست فرزند شاه ارد-	۱۶۵	۱۷
که دست بد از شاه کوتاه	۲۵۹	۱۲	که در جنگ جستن دلیران	۸۸۳	۱۲b
که دست نمیند بجز دست	۹۵	۴۰	که در جنگ شیرست و بر	۶۴۵	۵۰
که دست نیای تو پیران	۹۱۲	۱۳	که در جنگ مارا چنین	۱۳۷۳	۱۳
که دستور باشد مرا تا جور	۷۸۷	۱۲c	که در جنگ مازندران	۲۰۴۸	۱۳d
که دستور باشد مرا شهر یار	۱۰۱۶	۱۲	که در جنگ هرگز نسازد	۲۹۱	۱۲b
که دستور باشد مرا شهر یار	۴۶۹	۴۲	که در چرم خرنازک اندام	۲۱۳	۳۰
که دستور و گنجور و گنج	۵۹۹	۴۱	که در حقه بازی بود شوخ	۳۲	۳۲
که دشت و در کوه پر لشکر	۶۳۲	۱۳	که در خورد تاج کیان جز	۱۷۴	۱۰
که دشمن اگر چه بود خوار	۲۰۶	۵	که در ددل مردم زیر دست	۳۸۸۲	۴۱
که دشمن سپه کرد و شد تیز	۲۶۰	۱۳g	که در دست ایشان بود	۱۳۸	۴۹
که دشمن که افکندی	۳۵۰	۱۹	که در دشت مازندران یافت	۵۴۱	۱۲
که دشمن که دانا بود بهز	۱۴۱۰	۱۵	که در دم میانش پیرم بتیر	۵۴۴	۴۱

که دشمن همی دوست با	۱۲۶۸	۱۲d	که را آمد این پیش کا آمد	۱۴۹۱	۱۲c
که دشنام او ویژه دشنام ما	۸۳۹	۴۱	که را از پس پرده دختر بود	۲۶۵	۱۳e
که دل رازمهر کسی بر	۲۶۸	۱۳f	که را باید اکنون سپردن	۲۳۶۰	۱۵
که دل شان زیکیاره بر	۱۵۹۸	۱۳	که را بخت خواهد شدن	۱۸۰۱	۴۳
که دلوگران بر نیامد ز	۲۱۵	۲۲	که را بر کشیدی توافکنده	۱۴۷۴	۱۳f
که دندان شان پیش شاه	۱۳۵	۱۳e	که را بر گزیدی بشاهنشهی	۵	۴۶
که دندانها شان بخان من	۶۴۹	۱۴	که را بر گزینی تو او خوار	۲۳۹۱	۴۱
که دو پهلوان ایدر آمد	۴۷۹	۸	که را بیشتر دوست اندر	۴۴۶۶	۴۱
که دو پهلوان دلیر سوار	۹۱۹	۱۲e	که را پادشاهی سزا بد	۸۲۹	۱۵
که دوزخ به از تخت افرا-	۲۶۶۰	۱۲d	که را پشت گرمی زیزدان	۵۶۴	۱۳g
که دولت گرفتست از ایشان	۱۷۰۰	۱۳f	که را پشت و پا و رجهاندار	۱۳۸۷	۳۵
که دهقان و رانام حیوان	۱۴۳۹	۲۰	که را تا ستاره بر آرد بلند	۳۷۶	۲۱
که ده نامور استواران	۳۳۸	۲۰	که را خوانم اکنون بجای	۱۶۲۸	۱۲c
که دیدار آن اژدها مرگ	۷۰۵	۴۲	که را داد خواهد جها ندار	۱۲۳۴	۱۳f
که دیدار دیده بدیشان	۱۸۲۸	۱۳f	که را داد دلیرا، شاهانودزا	۵۸۷	۸
که دیدست ازین پیش لشکر	۱۸۱۵	۱۵	که را دانی ای شهریار	۴۱۴۸	۴۱
که دیدم ترا خرم و شاد	۱۳۹۳	۱۲d	که را در پس پرده دختر	۱۵۸	۱۲b
که دیدم ترا شاد و روشن	۷۳۷	۱۳	که را در جهان هست هوش	۱۶۰۳	۱۲c
که دیدم ده و دو درخت	۱۵۲۰	۷	که را دل دهد نیز بستن	۲۱۴۷	۱۳f
که دیدم رخ مرد یزدان	۲۳۶۲	۱۳g	که را دی سر خوبی و مهر	۱۳۱	۱۲
که دیدیم خود بودنی هر چه	۳۱۱	۲۰	که را ز تو با کس نکویم	۱۱۸	۴
که دین دار دوشم و فرسو	۳۰۷۰	۱۳g	که را ز تو با کس نکویم	۲۲۴	۳۰
که دیگر فرستمت بسیار	۲۷۹	۳۴	که را ز خدایست وزین	۴۵۸	۱۵
که دین مسیحا است آیین	۹۳۴	۴۱	که را زش بهم بود با هر دو	۱۰۹۸	۱۲d
که دین مسیحا ندارد درست	۵۵۳	۳۰	که را سر که دارو بود بر	۵۰۶	۷
که دیوان بستند کاووس	۲۹۷۳	۱۳g	که را شاه بر گام بنشاند	۸۱۶	۱۳e
که دیوانگان این سخن	۳۵۹۶	۱۵	که را گردش روز ناکام	۱۴۸۸	۱۳f
که دیو و دودام فرمانش	۳۲۸	۴۴	که را گوز شد پشت و بالان	۳۲۸۴	۱۳g
که دیوی چنین بر سیاوش	۲۴۵۶	۱۳f	که را گوشت رویش ناکام	۱۵۵	۴۱
که را آرزو پیش تیمار	۱۶	۲۳	که را گوشتش بود ناکام	۴۳	۴۳

که روز و شبان بر تو فرخنده	۲۱۷۷	۱۵	که رامادرو خواهر و دختر	۲۵۹	۱۹
که روزی ببیند جهان بین	۱۸۶۱	۷	که راهی بد آن سخت	۱۶۰۸	۱۵
که روزی تو پیش من آیی	۱۸۲۱	۱۳۴	که راهی درازست و بی	۳۱۶۴	۱۳g
که روزی شوی ناگهان	۳۰۸	۱۳c	که رای آن چنان دارم	۱۸۱۵	۲۰
که روزی فرازست و روزی	۱۹۰۳	۱۳	که را یابم اکنون بدین	۹۳۰	۱۳۴
که روزی فرازست و روزی	۴۳۹۲	۴۱	که رایار باشد سپهر بلند	۲۳۸	۲۱
که روزی نبذند گانیم	۴۶۸۰	۱۵	که رای بزرگان گویی	۲۸۷۳	۴۱
که روزی نو آیین و جشنی	۲۷۳۷	۱۲d	که رزم آزماید بتوران	۲۱۶۳	۱۵
که روشاد و ایمن بشهر اندر	۹۵۵	۱۳e	که رزم مرا کرده ای آرزو	۹۳۷	۶
که روشاه توران زمین را	۱۳۷۳	۱۳۴	که رزمی بود در میان دو	۵۶۰	۱۳c
که روشاه توران سپه را	۱۱۷۵	۱۲d	که رستم بدش نام و بیدار	۳۷	۵۰
که روشن جهان بر تو فرخنده	۱۷۶	۱۲	که رستم بسی لابه و زار کرد	۴۰۲۲	۱۵
که روشن شدی زو شب تیره	۳۷۶۰	۴۳	که رستم بکوه هماون رسید	۱۳۲۹	۱۳b
که روشن شدی زو همه بزم	۱۷۸	۱۳e	که رستم بدینه بر او دست	۱۵۱۶	۱۲c
که روشن کنی نام سام سوار	۳۳۸	۱۲	که رستم بمصر و بپر بر چه	۴۷۷	۱۲b
که رو مرد بد بخت بد را	۳۶۳۵	۴۱	که رستم زدست جوانی	۳۴۲۲	۱۵
که رویت گزید این خور	۱۷۳۳	۷	که رستم زهر جا که بد	۳۳۹	۱۳c
که روی زمین از بد اژدها	۲۴۷۴	۱۳g	که رستم فراز آورد آن	۷۲	۱۶
که روی زمین سر بسر پیش	۱۱۶۹	۲۰	که رستم که باشد که فرمان	۶۲۴	۱۲c
که روی سیاوش اگر دیدم	۳۰۲۷	۱۵	که رستم که زندگانی چه	۷	۱۶
که رویش چنینست و بالا	۲۱۵	۱۳e	که رستم منم کم ممانا نام	۱۳۶۱	۱۲c
که روی فلک بخت خندان	۱۶۸۷	۴۱	که رستم همی پیل جنگی	۳۰۱۴	۱۵
که رهام گودرز از آن رزم	۱۵۲۳	۱۳	که رستم همی ز آشتی سر	۵۲۴	۱۳g
که زار ادلیرا گوار استما	۱۳۳	۱۶	که رستم همی سرفشانند	۳۹۷	۱۳b
که زارا، سرانامور مهترا	۲۲۸۲	۱۳g	که رستی ز کام و دم اژدها	۲۴۶	۲۱
که زار این دلیران خسرو	۱۰۵۶	۱۳b	که روای برادر بایوان	۳۲۲۲	۴۱
که زال آن سوار جهان	۶۴۴	۷	که رویش طلحند و او را	۳۰۹۴	۴۱
که زال سپهبد بکابل درست	۶۳۳	۷	که رویش هومان بترکی	۴۶۴	۱۳۴
که زاید بر آن خاک چونین	۲۱۹۶	۳۵	که روز جوانی هنر داشت	۴۰۷۱	۴۱
که ز دبر سرت تا زیانه بسی	۲۵۲۷	۴۳	که روز و شبان بر تو فرخنده	۸۲۹	۱۲b

که سر بر فراز ندو جنگ	۱۰۴۰ ، ۱۲	که زردشت گوید باستا	۸۶۶ ، ۴۳
که سرها بداد ندهر دو بیاد	۱۳۷۶ ، ۴۳	که زنده است آن خرد کودک	۱۲۷ ، ۷
که سودابه را باز جای	۲۲۳ ، ۱۲b	که زنده است بیژن تودل	۶۱۵ ، ۱۳e
که سودی نبینم ز خون	۳۸۱۴ ، ۱۵	که زنده برفتی تو از دشت	۳۲۲۵ ، ۴۱
که سوزد با تش دایری	۳۳۷۷ ، ۴۱	که زنده شد از تو تن پیلتن	۴۵۱ ، ۱۲
که سوزد تن خود با بین هند	۳۳۵۷ ، ۴۱	که زنده کن پاک جان من	۹۵۲ ، ۲۰
که سوزم با تش تن خویش	۲۳۷۵ ، ۴۱	که زنهار خواهد ز شاه	۹۵۷ ، ۱۲d
که سوگند خوردم بتخت و	۸۸۱ ، ۱۳e	که زنهار خواهم من از شاه	۱۴۹۳ ، ۳۵
که سوی فریدون فرستند	۶۶۵ ، ۶	که زود آید این روز آهر-	۱۶۰ ، ۵۰
که سهراب اسپ بیچنگ	۲۰۶ ، ۱۲c	که زور مرآت اب آرد بیچنگ	۷۹ ، ۱۰
که سهرابش از پشت زین بر	۴۱۷ ، ۱۲c	که زهر گزاینده پیرا کنند	۲۴۹۱ ، ۱۳f
که سهراب شد زین جهان	۱۴۸۴ ، ۱۲c	که زیبا بود جستن تخت را	۸۴۶ ، ۴۳
که سهراب کشتست و	۱۳۵۶ ، ۱۲c	که زید بر آن هر دو تن	۲۵۷۹ ، ۴۳
که سیمرغ خواند و را کار	۱۸۷۴ ، ۱۵	که زی در که آیند با ساز	۲۵۵۴ ، ۱۳f
که شاپور گردست بازور	۲۲۶ ، ۲۲	که زیر درفشش برفتی	۱۶۴۵ ، ۴۳
که شادان بدی شاد و خندان	۲۰۶ ، ۲۲	که زین بر ندارم من از پشت	۹۳۷ ، ۱۳
که شادان زی ای شاه تا	۱۱۰۷ ، ۷	که زین بر ندارم من از	۱۵۸۷ ، ۱۳b
که شاه آفریدون بدوشاد	۳۶۹۶ ، ۴۳	که زین بر نهد تا با یوان	۶۳۵ ، ۳۵
که شاهها بزرگ بلند اختر	۱۵۶۷ ، ۳۵	که ساسان بیپیل ژبان بر	۳۳ ، ۲۱
که شاهها بزرگ آردا بخردا	۷۷۴ ، ۳۵	که ساسان شبان و شبانزاد	۴۶۵ ، ۴۳
که شاهاد لیر اسر و رور	۲۵۷۳ ، ۱۳g	که سالار او بود بر نیمروز	۳۳۹۰ ، ۴۳
که شاهاد لیرا گوا سرور	۲۵۹۰ ، ۱۲b	که سالار باده یل نامدار	۲۱۷۶ ، ۱۳f
که شاهان پیاده سازند	۸۷۳ ، ۱۳	که سالار بودی تو بهرام	۳۰۶۲ ، ۴۳
که شاهان بر اسبها تها	۳۵۸۶ ، ۴۳	که سالار توران و ایران	۱۵۰۱ ، ۴۲
که شاه جهان از گمان بر تر	۶۶ ، ۱۳g	که سالارشان بود پنجم پسر	۳۱۹ ، ۱۳g
که شاه جهان بر نخرود	۲۶۳۷ ، ۳۵	که سالار ما باد پیروزگر	۱۸۷۷ ، ۱۳f
که شاه جهان بی نیام آید	۴۹۶ ، ۵۰	که سالاری و زور و مرد	۱۲۶۹ ، ۱۳f
که شان بیشتر بر گرفت	۱۱۵۵ ، ۷	که سال نو اکنون بجایی	۲۰۷ ، ۸
که شاه جهان جاردان زند	۱۰۱۱ ، ۱۳g	که سالی خراجی نخواهند	۲۰۴۴ ، ۲۰
که شاه جهان جاردان زند	۱۶۲۱ ، ۱۵	که سام آمده بد زهند و ستان	۱۲۲۰ ، ۶

۲۶۲۶ . ۳۵	که شد گنج شاه بزرگان	۱۳۷۲ . ۳۲	که شاه جهان خاوردان شاد
۲۰۸۵ . ۴۳	که شد لشکر او بنزدیک	۳۲۵۰ . ۱۲	که شاه جهان دردم ازوها
۲۳۴ . ۴۲	که شهری خنک بود روشن	۱۰۷۰ . ۳۵	که شاه جهانست مهمان تو
۱۹۴۰ . ۲۱	که شیران از آسایش و	۷۱۹ . ۵۰	که شاه زمانه بفرق اندرست
۲۸۳۴ . ۱۳g	که شیران ایران بدرباری	۸۰۶ . ۱۲b	که شاه زمانه مرا یاد باد
۷۷ . ۲۱	که شیر زیانست هنگام رزم	۲۷۲۹ . ۱۳g	که شاهست و بادا همیشه
۶۳۹ . ۴۴	که شیروی راز هر دادند	۳۵۸ . ۱۲b	که شاه سه کشور همه
۴۵۷۴ . ۱۵	که شیری چورستم بدان	۷۲۴ . ۱۲c	که شاه ودایران و گرد
۳۶۰۵ . ۴۳	که شیرین بمشکوی خسرو	۲۹۰ . ۱۰	که شاهی جوشه کیقباد از
۸۳ . ۶	که شیرینتر از جان و فرزند	۴۱۰۹ . ۴۳	که شاهی دگر بر نشاند
۱۲۳۲ . ۱۳e	که شیری نترسد زیک دشت	۴ . ۱۵	که شاهی گزیدی بگیتی
۲۴۲۰ . ۱۳c	که شیون نه برخاست از خان	۸۴۴ . ۱۴	که شاید بدن کاین سخن کو
۳۲۲۸ . ۱۵	که ضحاک بودش بپنجم پدر	۷۸۷ . ۱۳c	که شاید برستم شکست
۱۷ . ۱۶	که ضحاک را از پی خون جم	۴۶۹ . ۱۹	که شاید بمشکوی زرین
۷۷۳ . ۷	که ضحاک مهراب رابد	۵۴۲ . ۱۳g	که شاید جهاندار برتر
۸۳۱ . ۳۵	که طغرل بشاخی در	۶۰۴ . ۱۳	که شاید کزین غم بنالد
۸۲۶ . ۱۳c	که طوس سپهبد بکوه آمد	۸۲۱ . ۱۲e	که شاید که اندیشه پهلوان
۱۴۵۱ . ۱۳f	که طوس سپهبد همی با	۳۴۴۲ . ۱۵	که شاید که بر تاج نفرین
۱۵۰۷ . ۱۲e	که طوس و فریبرز گشتند	۱۰۸ . ۸	که شایسته جنگ شیران
۳۹۱ . ۴۴	که غمگین نباشد بدر پدر	۴۱۴۹ . ۴۳	که شایند هر یک بشاهنشهی
۶۰ . ۱۸	که فرجام این رزم بزم	۱۲۵۱ . ۱۲d	که شب چون بدی روز چون
۱۷۵۰ . ۲۰	که فرجام روز تو هم بگذرد	۱۳۸۷ . ۱۳b	که شبگیر از ایدر بر فتم
۴۸۰ . ۱۹	که فرجام هم روزتان بگذرد	۱۳۰۱ . ۱۲h	که شد پور فرخنده کاروس
۳۱۳ . ۷	که فرخنده بادا بی این	۴۳۳ . ۲۱	که شد تخت ایران ز خسرو
۹۷۹ . ۴۲	که فرخ نژادی و فرخ پهی	۱۸۲۶ . ۱۱	که شد ترک و چین شاه را
۲۹ . ۷	که فرخ نیای توای نیک	۳۲ . ۲	که شد تیره آن بخت ساسانی
۱۱۰ . ۱۸	که فرخ همی داشت آن نام	۳۰۷ . ۱۳h	که شد روزتاریک و بیگانه
۱۳۱۰ . ۳۵	که فردا بیاید مرا شیر	۱۹۶۱ . ۳۱	که شد شاه بالشکر از بهر
۱۳۰۳ . ۱۲c	که فردا بیاید بر من	۹۷۲ . ۳۱	که شد شهریاری دلیر و
۱۶۹ . ۴	که فردات از آن گونه سازم	۴۱۷۸ . ۱۱	که شد کشته شاهی چو

که قیصر بیابان فرستاد	۶۰۸ ، ۴۱	که فردا من آن گرزسام	۴۷۳ ، ۱۳c
که قیصر سپه کرد دولتگر	۱۴۴۸ ، ۳۵	که فرزانه و مرد پیر خاش	۱۱۹۴ ، ۲۰
که کار بزرگیت پیش	۹۱۶ ، ۱۵	که فرزند آرد و دراد در جهان	۲۵۳ ، ۱۲d
که کار تو اکنون بجایی	۸۷۰ ، ۱۲b	که فرزند آن نامور شاه	۱۵ ، ۲۸
که کار خدایی نه کار بست	۱۰۰۱ ، ۱۳b	که فرزند او بیم هر سه پسر	۲۶۰ ، ۶
که کار بست این خوارو	۲۵۷۳ ، ۴۳	که فرزند باشد کسیرا	۱۴۰۰ ، ۱۲d
که کامت بر آمد بیارای	۶۶۱ ، ۷	که فرزند بدگر بود فر	۱۴۵ ، ۴
که کامت بکیتی فزاینده	۳۶۶ ، ۱۲	که فرزند ساسان منم ارد	۶۰۹ ، ۲۱
که کام دودام بودش نهفت	۷۲۸ ، ۶	که فرزند سهراب دادم	۱۴۹۵ ، ۱۲c
که کاووس بی فر و بی پر و	۵۳۳ ، ۱۲e	که فرزند گبوست و گرد	۹۷۱ ، ۱۳
که کاووس تندست و هشیار	۶۰۹ ، ۱۲c	که فرزند ما گشت پیروز	۱۸۴۰ ، ۱۳g
که کاوس کی را بهماوران	۵۰۴ ، ۴۲	که فرزند من چون بمردی	۶۳۱ ، ۳۰
که کاووس کی را گشودی	۳۳۰۲ ، ۱۵	که فرزند هر چند پیچد	۱۰۲۴ ، ۶
که کرد آنچه کردی تو	۵۲ ، ۳۴	که فرسوده بودند بسیار	۲۰ ، ۴۳
که کردار چون بود*	۲۳۸۳ ، ۳۵	که فر کیان دارد و چنگک	۲۵۱ ، ۷
که کردار چون بود*	۷۷۵ ، ۱۳f	که فر کیان داری وزور	۲۰۶۴ ، ۱۵
که کردی مرا زین جهان	۱۵۹۲ ، ۱۲e	که فرمان داراست فرمان	۹۸ ، ۲۰
که کزی نیارد مگر کار	۱۷۳۵ ، ۴۱	که فرمان دهد شاه تا کتف	۱۸۲ ، ۴
که کس باز نشناخت از پهای	۵۳۱ ، ۴۱	که فرمان شه پیش یزدان	۳۴۱۵ ، ۱۵
که کس در جهان این	۲۴۹ ، ۱۷	که فرهنگ آرایش جان	۲۵۷۴ ، ۴۱
که کس در جهان پشت	۳۹۵ ، ۱۳	که فرهنگتان هست وارج	۱۷۹ ، ۶
که کس در جهان جاودانه	۱۶۹۵ ، ۱۳f	که فریاد رس مان نباشد	۷۶۴ ، ۱۳f
که کس در جهان زان فزون	۸۱۸ ، ۴۲	که فنفور چشم و دل ساوه	۶۴۹ ، ۴۲
که کس در جهان کودکی	۱۱۷۵ ، ۱۲c	که فنفور چین باوی انباز	۱۵۱۰ ، ۱۳g
که کس در جهان گاو چون	۱۲۴ ، ۵	که فیروز گردیم فردا	۳۵۶ ، ۱۳b
که کس را بسان تو فرزند	۲۳۲ ، ۱۲d	که قید افة پاک دل را بکوی	۸۶۳ ، ۲۰
که کس را از شاهنشاهان آن	۵۰۴ ، ۴۴	که قیصر زمی خوردن واز	۳۶۴ ، ۳۰
که کسری مرا و ترا پیش	۱۸۱ ، ۴۲		

(*) ستاره در سطر اول بجای « اندیشه چون » و در دوم بجای « بیکار

چون » آمده است .

که گر آب دریا بخواهد	۳۱۲	۱۹	که کشت آن در دشت کین	۶۵۳	۱۵
که گر ارجمندی سپارد	۱۲۳۶	۴۱	که کشتند پیروز را ناگهان	۱۹۱۹	۴۱
که گر اژدها را کنم زیر	۲۹۹	۵	که کشته شد از تخمه نهصد	۱۳۶	۱۳b
که گر او نیاید بفرمان	۳۴۷	۱۲d	که کشتی کسی را آمده تا	۳۳۱	۵
که گر با تو او را برابر	۳۷۸۸	۴۳	که کشتی و زورق هم اندر	۳۳۶	۱۵
که گر باد خیره نجستی	۲۱۹۱	۱۲d	که کند این پسندیده دندان	۴۰۶۹	۱۵
که گر باز گویم و او نشنود	۹۰۱	۱۵	که کند این چنین سبز سرو	۲۷۶۵	۴۳
که گر بازیابی بیچی ز	۳۵	۴۲	که کندی دل و مغز دیو	۶۵۹	۱۲c
که گر با من از داد پیمان	۶۳۰	۳۰	که کندی دل و مغز دیو	۳۳۰۱	۱۵
که گر بر خرد چیره گردد	۸۶۵	۱۳e	که کودک ز پهلوی برون آور	۱۹۲۱	۷
که گر بگذرم زین سخن	۴۱۳۵	۱۵	که کهتر برادر بد و سرفراز	۱۲۰۰	۴۰
که گر بودنی باز گویم	۸۵	۵	که کهتر پسر بود و پر خاش	۵۸	۱۳b
که گر بیندش آفتاب بلند	۳۱۸	۲۰	که که را بکه دارم و مه بمه	۵	۳۸
که گر پروری بچه نر	۴۱۷۵	۱۵	که کیخسرو آمد ز توران	۱۴۳۳	۱۳f
که گر پیلسم از بد روزگار	۳۴۸	۱۲e	که کیخسرو آنرا بلهر	۱۳۲۲	۴۲
که گر تاشب این جنگ	۸۹۶	۱۲b	که کیخسرو آید همی با	۱۴۰۵	۱۳f
که گر تخت ایران بدست	۲۵۸	۱۲c	که کیخسرو از من نگیرد	۱۴۳۷	۱۳f
که گر تو بدین کار هم	۴۱۴۷	۴۳	که کیخسرو امروز با	۱۹۲۲	۱۳
که گر تو بمادست یابی	۱۱۸۸	۱۳f	که کیخسرو ایدر بدان	۱۳۹۷	۱۳g
که گر جان ما را از ایران	۱۴۱۰	۱۳f	که کیروی را چشم روشن	۳۱۵	۳۵
که گر جز بداد و بهر	۵۵۱	۴۱	که کین پدر باز جست از نیا	۹۹	۱۳g
که گر جنگجویی همی باز	۷۲۵	۱۳f	که کین پدر بر تو آید بسر	۱۵۴۲	۱۳g
که گر چشم من در که کار	۵۲۷	۱۳f	که کین خواهد از مرد	۳۱۶۱	۱۵
که گر جم و کیخسرو کی	۱۶۴۱	۱۵	که کین سیاوش با سپو	۲۲۳	۱۳d
که گر حصن دریا شود جا	۱۰۳۴	۶	که کین سیاوش زافر اسباب	۲۴۵۸	۱۳f
که گر خر نماید بنزدیک	۱۹۸	۴۳	که گاهی پناهست و گاهی	۱۲۷۲	۴۳
که گر خسرو آید بدین	۹۶۲	۴۳	که گاه سکندر بود گاه	۶۷۱	۲۰
که کرد آمدن زود باشد	۳۱۶۲	۱۳g	که گاه گنه بگذرانی	۳۷۵۲	۴۱
که کرداد بودی بدلت اندر	۱۲۳۹	۱۳f			
که کرداد گیرید و فرمان	۱۸۷۱	۱۳g			

۱۵۴۴ ، ۱۳g	که گر شاه زاجست با آنگ	۱۵۰ ، ۳۰	که گردان پاند آسمان
۲۰۵۸ ، ۱۳g	که گر شاه را دل نجیب	۳۱۴۷ ، ۴۱	که گردانند در دلت هوش
۵۷۴ ، ۱۳e	که گز شیر با کین گودرز	۲۸۴ ، ۱۲c	که گردان کدامند و چنگ
۷۹۳ ، ۱۳	که گرسد سوار از میان	۳۱۹ ، ۱۲c	که گردان کدامند و سالار
۵۰۱ ، ۱۴	که گر کار آن نامدار	۴۶۸ ، ۱۳f	که گردان کدامند و لشکر
۱۸۷۴ ، ۳۵	که گر کار داری بیک مشت	۳۵۰ ، ۱۳b	که گردان مادلشکسته
۸۲۹ ، ۱۲c	که گر کم شد از تخت من	۱۲۶۷ ، ۱۳b	که گردنهم تن بر آمد
۸۲۴ ، ۱۲c	که گر گاندر آمد میان	۱۴۷۲ ، ۱۳b	که گردد باورد با من
۱۹۷۱ ، ۴۲	که گر گشت خواهد با ما	۱۳۵۶ ، ۳۵	که گردد سراسر بگرد
۱۲۸۹ ، ۴۱	که گر گل نبوی دوز نکش	۳۸۲۵ ، ۴۳	که گردد گل و سرور امتی
۸۸۲ ، ۱۳e	که گر گین نبیند ز من جز	۱۰۷۶ ، ۱۲e	که گردست یا بم بر او روز
۱۱۵۱ ، ۱۲e	که گر گویو گودرز و آن	۶۱۹ ، ۱۳f	که گردن بدین سان بر
۹۲۵ ، ۱۲e	که گر گیو و خسرو بایران	۱۶۱۱ ، ۱۳	که گرد و برادر نهی دشت
۱۰۴۵ ، ۱۳e	که گر لب بدوزی ز بهر	۹۹۳ ، ۷	که گردون نه زان سان همی
۱۶۸۸ ، ۱۳f	که گر ما بر این کارستی	۲۸۹ ، ۵	که گردون نگر در مگر
۲۵۳ ، ۴۰	که گر مار کشته بمیرد	۳۲۴۰ ، ۱۵	که گردی جو سهراب
۱۵۴۷ ، ۱۲d	که گر ماه را دیده بودی	۴۲۹ ، ۱۲e	که گر رستم او را بچنگ
۴۴۸۵ ، ۱۵	که گر مست شد بنده از	۲۵۱ ، ۲۰	که گر زابر گردد بهاران
۶۲۱ ، ۱۳g	که گر مغز بودیت با خال	۵۱۸ ، ۱۳e	که گر زاپلی بادرش
۸۲۲ ، ۱۲d	که گر من بچنگ سیاوش	۸۹ ، ۵	که گر زنده تان دار باید
۹۲ ، ۷	که گر من ترا خون دل داد	۵۵ ، ۱۴	که گزری من آبی یکی
۳۴۱۷ ، ۱۵	که گر من دهم دست بند و را	۱۰۰ ، ۴۲	که گر سر پیچی ز گفتار
۱۸۷ ، ۱۲d	که گر من شوم در شبستان	۶۸ ، ۱۲	که گر سر به گل داری اکتون
۱۴۳۵ ، ۱۵	که گر من شوم شاد و پیروز	۱۴۶۶ ، ۲۰	که گر سر بر آری بچرخ
۱۴۴۸ ، ۱۳e	که گر من شوم کشته بر	۱۳۱۲ ، ۱۲c	که گر سنگ را او بر سر بر
۲۱۳۶ ، ۱۳f	که گر من شوم کشته بر کینه	۳۸۲۱ ، ۴۱	که گر شاسب را باز کرد او
۲۱۵۷ ، ۱۳f	که گر من شوم کشته در	۲۱۴ ، ۵۰	که گر شاه پذیرد این
۱۸۷۱ ، ۱۳	که گر من کشم یا کشی	۱۷۸ ، ۱۲b	که گر شاه بیند بهمان من
۲۱۳۷ ، ۱۳f	که گر من نیاشم بر این	۳۸۷۶ ، ۴۳	که گر شاه بیند یکی کار
۶۸۷ ، ۱۳c	که گر نامداری ز آن	۲۰۹۰ ، ۱۳f	که گر شاه ترکان بیارد

که گودرز و گیواندر آمد	۲۶۱۰	۱۳۴	که گودرز و گیواندر آمد	۱۰۶۸	۱۳۴
که گوری بخوبی ندیدم	۲۰۸	۱۳۵	که گونام مردی بجویی	۷۰۵	۱۲ب
که گوری پدید آمد اندر	۲۸	۱۳۵	که گر هیچ جنبش بدی در	۹۰۰	۲۰
که گوری فر و شد بیازار	۱۴۰۰	۳۵	که گریک زمان نیز لشکر	۹۸۸	۱۳g
که گوهر فزون زین بکنج	۲۴۴	۳۵	که گسبهم رازیر سنگ	۳۰۹۶	۴۳
که گوید بر و دست رستم	۳۳۴۵	۱۵	که گشتاسپ خوانندش	۱۱۴	۱۵
که گوید کسی کو بجایی	۴۰۴۲	۴۱	که گشتاسپ لهر اسپ شه	۱۸۴	۱۵
که گوید که جان گرامی	۷۵۴	۶	که گشتی گریزان از آن	۳۱۹۶	۴۳
که گوید که فرز ندیزدان	۳۴۹۷	۴۳	که گفتار تلخست باراستی	۲۷۸۲	۱۳g
که گوید که کزی به از	۴۲۷	۴۳	که گفتار خیره نیرزد	۷۲۶	۶
که گوید که هر کوز فرمان	۳۵۲۵	۱۵	که گفت از جهاندار پیروز	۳۷۱۳	۴۱
که گویند از ایران سوار	۵۴۳	۱۳g	که گفت که با شاه جنگ	۴۸۵	۴۳
که گویند باز بر آویختی	۱۳۶۰	۲۰	که گفتند ما از کسری چه	۳۳۷	۴۱
که گویند پاکیزه یزدان	۶۰۵	۳۰	که گفتی بدید منزلت آب	۲۰۱۱	۱۵
که گویند دادار گیهان	۱۵۶۹	۴۳	که گفتی جهان سربس	۴۶۳۴	۴۱
که گوینی شاید مگر تاجرا	۲۷۴۶	۱۲d	که گفتی زمین بر نتابد	۱۵۱۹	۱۳g
که گوینی درازنده بردار	۶۹۰	۱۲c	که گفتی زمین بر نتابد	۲۲۹	۱۹
که گوینی همی آنچنان باید	۶۵۱	۷	که گفتی زمین شد سپهر	۲۰	۱۰
که گیتی با آغاز چون داشت	۱۴۲	E	که گفتی زمین گشت گودا	۱۷۸۲	۴۳
که گیتی بداد و دهش	۸۲	۸	که گفتی که زندان به از	۳۶۳۷	۴۱
که گیتی بشست او بتیغ از	۷۹۷	۷	که گفتی که لشکر بدریا	۱۸۶۹	۱۵
که گیتی بشویی زرنج	۱۸۴۹	۱۳g	که گفتی مرا چند خسپی	۲۷۴۱	۱۲d
که گیتی سپنجست و پردرد	۲۱۲۴	۱۲d	که گل شده خاک آورد	۴۶۳۸	۱۵
که گیتی سپنجست و جاوید	۴۷۸	۱۲e	که گلزار بد نام آن ماهرو	۱۴۸	۲۱
که گیتی سراسر بفرمان	۱۸۰۱	۳۵	که گم شد ز پالیز سوسهی	۲۳۹	۱۲b
که گیتی سراسر فریبست	۱۳۲۴	۱۳b	که گم شد ز گودرز هر دو	۱۳۹۸	۱۳c
که گیتی نجستم برنج و	۱۱	۱۸	که گنجش ز بخشش بنالد	۳	۱۳g
که گیتی نماند و نماند	۱۶۶۷	۳۵	که گودرز بردست پیران	۲۰۶۶	۱۳f
که گیتی نماند همی بر	۴۰۵	۱۳c	که گودرز راهوش کهنر	۶۰۵	۱۳f
که گیتی نماند همی بر	۹۲۵	۱۴	که گودرز کشوادگان با	۲۳۰	۱۳f

که ما پیش در نامور شهر	۳۰۲۳	۴۱	که گیتی همی بر تو بر	۷۷۳	۵۰
که ما تا جداران بسی دیده	۳۱	۴۱	که گیتی یکی نغز بازی	۴۰۱	۸
که ما تا سکندر بشد زین	۱۲۸۲	۴۳	که گیرد بدان خم ایوان	۳۹۹۲	۴۳
که ما جنگ را پیش از این	۶۱۳	۴۱	که گیرد بدین دشت نیزه	۳۶۸	۸
که ما خیل آن مرز فرخنده	۲۱۲	۱۰	که گیود لاور بگردان چه	۹۰۳	۱۲e
که ما در بیا بان خیر یافتیم	۱۰۱۸	۱۳g	که لختی ز زورش ستاند	۱۳۱۵	۱۲c
که ما در حصاریم و هامون	۱۱۸۵	۱۳g	که لشکر بدو خیره شد سر	۲۳۷	۸
که ما در صف کارزار و نبرد	۲۱۵	۴۱	که لشکر بنزدیک جیحون	۲۵۶	۱۳g
که ما در تنیم این سپاهی	۶۳۸	۴۳	که لشکر بهر کار با او یک	۱۰۵	۴۳
که ما را ازین جنگ تا	۱۱۹۶	۱۳e	که لشکر فزون بود از آن	۳۵۰	۱۳g
که ما را با آورد که مر کشند	۱۷۴۵	۱۳f	که لشکر کشد تیره شب	۱۰۹۸	۱۳e
که ما را ببر زین سپنجی	۳۱۱۱	۱۳g	که لشکر کشد جنگ را	۱۸۱۳	۲۰
که ما را بچنگ تو آهنگ	۴۶۵	۱۳f	که لشکر گذر کرد از این	۳۳۴۹	۴۱
که ما را بدیدارت آمد	۳۳۲۴	۱۵	که لشکر گریزان شد از	۵۳۳	۱۳b
که ما را بدین جام می جای	۸۰۹	۱۲b	که لشکر که نامور شاه بود	۱۰۸۵	۲۰
که ما را بر این گونه بکند	۴۶۳	۱۳b	که لهر اسب بد پورا و رند	۳۲۵۹	۱۵
که ما را بگاه جوانی پدر	۳۴۰	۶	که لهر اسب را شاه بایست	۳۳۱۹	۱۵
که ما را بهر جای دشمن	۳۲۹۴	۱۵	که لهر اسب را شاه خواند	۳۰۵۷	۱۳g
که ما را جدایی بود آرزوی	۲۸۷۳	۱۳g	که ما از نبشته همین یافتیم	۳۴۸۹	۴۱
که ما را جز این بود در	۱۴۵۹	۱۵	که ما باز گردیم و این پل	۷۱	۲۳
که ما را چو نیزه مهر مباد	۴۸۹	۳۰	که ما باز گشتیم از آن بد	۴۰۴	۴۱
که ما را چه پیش آمد از	۱۲۹	۲۱	که ما بر گزینیم زن دو	۱۳۸۴	۲۰
که ما را دل ایلیم بی راه	۱۲۶۶	۱۳g	که ما بندگانیم پیشت بیا	۶۲۳	۲۱
که ما را دل از بوم و آرام	۳۴۴	۵۰	که ما بندگانیم و او خسرو	۴۲۲۷	۴۳
که ما را دل و جان پر از مهر	۶۱۴	۷	که ما بوم آباد نکند اشتم	۳۴۹	۵۰
که ما را رسید از وی این	۱۶	۴۵	که ما بی گناهیم و بیچاره	۱۹۶۴	۱۳g
که ما را ز بدها تو باشی پناه	۲۵۸	۱۲b	که ما بی نیازیم ازین خوا-	۱۵۴	۴۱
که ما را ز جیحون بیاید	۳۶	۱۳	که ما بی نیازیم ازین کار	۷۷	۱۷
که ما را ز گیتی زبوتند	۱۱۱	۶	که ما پاسبانیم و گنج آن	۸۴۳	۱۲e
که ما را ز گیتی خریدار	۵	۲۸	که ما پند شهر را بگردار	۳۱۳۴	۱۳g

که ماندست شام بر آن	۷۱۰ ، ۱۵	که مار است که نیم و هم دین	۸۶۲ ، ۱۵
که مانده سام گردازمه	۵۶۲ ، ۱۲c	که ما را سراز جنگ	۱۱۶ ، ۱۳۴
که مانیز نام سه فرخ نژاد	۹۸ ، ۶	که مار سوی پارس باید	۳۶۵ ، ۸
که ماهر چه بایست بر	۲۵۹۶ ، ۱۳g	که مارا کنون جان باسپ	۱۳۵ ، ۱۹
که ماهر گز از راه بهرام	۲۳۲۶ ، ۳۵	که مارا گذر باشد از شهر	۲۳۸ ، ۳۰
که ماهم بر آنیم کاین پیر	۲۸۱۵ ، ۱۳g	که مارا مکش تا یکی نو	۴۲ ، ۳
که ماهمکنان این نبینیم	۱۲۳ ، ۶	که مارا نباید که شاپور	۵۵۲ ، ۳۰
که ماهوی ز اباد تن هم چنین	۷۰۹ ، ۵۰	که مارا نت رامنز فرزند	۲۳۶ ، ۵
که ماهوی گوید که آمد	۵۱۵ ، ۵۰	که مارا یکی کار پیشست	۱۵۱۳ ، ۲۰
که ماهیست مهر ابرادر	۵۵۴ ، ۷	که مازندران شهر مایاد باد	۳۰ ، ۱۲
که ماهی فروشد یکسر	۸۲۳ ، ۴۲	که مازنده اندر زمان تو	۵۱۲ ، ۲۲
که مرد از برای زنا نندو	۸۴۱ ، ۱۳b	که مازین پس از کین ایرج	۱۳۶۷ ، ۴۳
که مرد اس نام گرانمایه	۹۷ ، ۴	که ماسر بسر بنده قیصر	۵۷۳ ، ۲۰
که مرد بزرگش بسی بود	۳۷۸ ، ۴۳	که ماسر سر شاه را بنده	۲۶۴ ، ۱۳g
که مردم بمردم بود ارج	۲۱۳۲ ، ۴۱	که ماشاه را بنده و چاکر	۲۴۷۰ ، ۱۳۴
که مردم بود خود بکردار	۲۱۶ ، ۱۳d	که ماشاه را چاکر و بنده ایم	۳۱ ، ۱۲b
که مردی ز گرد نکشان	۱۳۵۸ ، ۲۰	که ماشاه را سر بسر بنده ایم	۱۷۵۳ ، ۱۳g
که مرد است بر سان سرو	۶۴۵ ، ۷	که ماشاه را سر بسر چاکر	۴۸۱ ، ۱۲b
که مردی گزین کرد از آن	۲۵۸ ، ۱۴	که ماشاه را سر بسر کهتر	۱۸۷۸ ، ۱۳g
که مردی گزینند فرخ	۳۸۰۵ ، ۴۱	که ماشهر یار همه بنده ایم	۵ ، ۸
که مرغی خریدی فزون	۶۵۴ ، ۳۵	که ما کهتر آنیم و قیصر تو	۱۴۵۰ ، ۴۳
که مرغی که ز رین همی خایه	۴۵ ، ۱۹	که ما بندگانیم و هم گرسنه	۱۰۵۳ ، ۴۳
که مرغ تو باشد میان دو	۴۲۴۰ ، ۴۳	که ما مر تر اسر بسر بنده	۷۸۲ ، ۷
که مریم پسر زاد در شب	۳۳۶۸ ، ۴۳	که ما مر تر اسر بسر بنده	۵۲ ، ۱۹
که ملاح گشت از کشیدن	۲۲۴ ، ۴۴	که ما میزبان و تو مهمان ما	۲۰۲ ، ۱۰
که من آمدم اردو منزل	۷۷۷ ، ۱۳e	که مامی گساریم و مستان	۴۳۱ ، ۸
که من آمدم با سپاه گران	۲۷۹ ، ۱۲b	که ما نام او از جهان کم	۴۴۱۸ ، ۱۵
که من از گشاد کمان روز	۳۳۴۱ ، ۱۵	که ما نام جویم و نوشهر	۳۲۸۰ ، ۴۱
که من امشب از کین افرا-	۱۱۵۰ ، ۱۳e	که ما نندز تو نام تو یادگار	۲۶۰ ، ۱۲d
		که ماندنم یادگاری	۷۷۱ ، ۴۱

که من چون رسیدم بوزان	۱۸۵۴	۱۳	که من با تو هر گز نکردم	۲۸۱۵	۴۳
که من چون زه مشیر گان	۱۶۵	۱۲c	که من با جوانی خرید یافته	۱۲۷۱	۱۲d
که من خود از دست آزرده	۹۸۳	۲۰	که من با زن جادو آن بد	۱۸۲۰	۱۵
که من خود بر آنم کن	۱۴۵۳	۱۳f	که من با سپاهی بستختی در	۱۰۷	۵۰
که من خویش ضحاکم ای	۱۴۱۹	۷	که من با سواران ایران	۵۵۴	۱۳e
که من دانم اکنون جز او	۱۹۴۷	۴۳	که من با فریبرز ورهام	۵۴۷	۱۳f
که من دخت مهر ابراجفت	۸۲۴	۷	که من بد نکردم بجای	۲۲۳	۱۳c
که من در دل ایدون گمانم	۱۹۴۱	۷	که من مرد خواهم سپهرا	۳۵۵	۸
که من دست را خیره بر جان	۷۰۰	۷	که من در دل پاک شیون کنم	۳۰۱	۱۲d
که من دوش پیش شهنشاه	۱۰۸۴	۳۵	که من بر فریدون وضحاک	۱۳۶۷	۱۳c
که من راندم پیش از این	۱۶۲۴	۱۲d	که من بنده بردست ایشان	۱۱۰۵	۱۵
که من رخسار باستم امروز	۱۶۲۱	۱۳b	که من بنده بر راه آیین دین	۲۵۰۹	۳۵
که من رفت خواهم بدیگر	۱۳۸۸	۱۵	که من بودم اندر جهان	۳۲۴۸	۱۵
که من رفت خواهم بفرمان	۳۳۱	۷	که من بیژن گیر خواستم	۷۵۱	۱۳f
که من رفتنی ام ز جای	۳۱۰۵	۱۳g	که من بیژنم پور کشوادم	۲۹۲	۱۳e
که من رفتنی ام سوی کار	۲۸۰	۵	که من بیگمانم کزین پس	۱۱۸۳	۱۳e
که من زان سگ بدر گ	۳۲۱	۱۲b	که من بی گمانم کزین راز	۵۷۶	۴۳
که من زان فریبنده گفتار	۱۰۶۶	۱۲d	که من بیگمانم که افرا-	۱۱۹۱	۱۲e
که من زندگانی پس از	۲۲۵۲	۱۳f	که من بی گمانم که پیران	۵۱۴	۱۳b
که من زین پشیمان کنم	۲۸۲۴	۱۵	که من تاشنیدستم از بخرد	۲۲۹۹	۴۱
که من زین سخنها نگیرم	۳۰۲۶	۱۵	که من تیغ بران نگیرم	۳۵۸۲	۱۵
که من زین سرافراز شیر	۲۷۹۹	۱۲d	که من جز بمهر این نکویم	۱۱۷۲	۱۳f
که من زین فرستاده شیر	۲۱۵۰	۳۵	که من جنگ را گردن	۱۲۶	۱۳b
که من سالیان تا بدین مرغ	۱۹۸	۱۳e	که من چشم خود هم چنین	۳۹۹	۶
که من سامیل را بخوانم	۳۱۵۶	۱۵	که من چشمه سو نبینم	۳۲۶	۳۴
که من سر فیچم ز جنگ	۱۹	۹۷	که من چند ازین جستم	۲۸۲۶	۱۵
که من شاه را بر تویی جان	۱۰۰۷	۱۲b	که من چند کوشم که	۴۰۳۰	۱۵
که من شهر علمم علم درست	۱۰۳	E	که من چند گفتم با سفند-	۴۲۸۸	۱۵
که من شهر یار ترا که هر	۱۳۲	۶	که من چند گونه پژوهش	۴۰۱۲	۱۵
که من عاشقی ام جو	۴۸۱	۷	که من چون رسوای شوم	۷۸	۱۹
که من قیصری را	۷۶۰	۲۰			

که نامست اندر جهان یاد	۱۴۰۷ ، ۱۳g	که من کر مر ادم ارزین	۶۹۷ ، ۲۱
که نام سران اندر آمد	۱۵۲۵ ، ۱۲d	که من کین کاووس و ایران	۲۹۹ ، ۱۲b
که ناید بدین کودک از من	۲۸۴۳ ، ۱۲d	که من لشکری کرد خواهم	۶۱ ، ۱
که ن بود در سال هشمار	۲۰ ، ۹	که من هر چه با پست کردم	۳۰۰ ، ۱۲
که ن بود و هم حاجب شاه	۱۶۴۳ ، ۴۱	که من هر چه گفتم بجای	۳۴۰۵ ، ۱۵
که نپسندد از ما بدی داد-	۱۳۲ ، ۱۳f	که من هم پیش تو خواهم	۱۴ ، ۱۵
که نپسندد از ما بدی داد-	۱۱۷۷ ، ۱۳f	که من همچو رویین تن	۳۸۴۲ ، ۱۵
که نپسندد از ما بدی کرد-	۳۰۶۸ ، ۱۳g	که موبد بزندان فرستاد	۸۶ ، ۴۲
که نپسندد او را بپیغمبری	۲۳۲ ، ۱۵	که موبد زبید پاک بودش	۷۵ ، ۴۲
که نخچیر گاه سیاوش بد	۵۰۴ ، ۱۲e	که موبد و را نام شاپور کرد	۱۰ ، ۳۰
که ن دژ بشهر نشاپور کرد	۶۷ ، ۲۳	که مه بود بد نام آن پاک	۱۶۳۵ ، ۴۱
که نراژدها با سرافراز	۶۱۱ ، ۱۴	که مه بود بردست ما کشته	۱۷۲۵ ، ۴۱
که نراژدها شد بجنکش	۸۰۹ ، ۱۴	که مهتر نباشد بفرزند	۳۴۸۳ ، ۴۳
که نزد من آمد ز ریراز	۷۳۵ ، ۱۵	که مهمان کندمان نیارد	۳۱۲۵ ، ۱۵
که نزد من نیز نزدیک ذره	۹۸۴ ، ۱۲	که مهراب و کابل بفرمان	۱۲۱۷ ، ۷
که نزدیک او فیلسوفان	۱۲۰۹ ، ۴۳	که مهرانند اندیکسربمه	۲۵۴۰ ، ۴۳
که نزدیک پیروز ترس خدا	۹۹ ، ۳۸	که مهمان بچرم خرا اندر	۵۲۶ ، ۳۰
که نزدیک خاتون مرا	۲۶۵۶ ، ۴۳	که میدان بازیست یا کارزار	۱۴۷۷ ، ۱۲d
که نزدیک ما او گنه کار	۴۰۸۵ ، ۴۳	که میراث بود از گه کی	۷۵۳ ، ۱۲e
که نزدیک ما پور شاه آمد	۲۹۸۸ ، ۱۵	که میرین شیر آن سرافراز	۴۷۱ ، ۱۴
که نزدیک ما گنج کیخسرو	۱۸۰۳ ، ۲۰	که ناپاید ارست و ناساز	۲۶۴۳ ، ۱۲d
که نستیهن اینک بدان رزم	۹۲۰ ، ۱۳f	که نادان زدانش گریزد	۱۳۸۹ ، ۴۱
که نشناسد این چشم تونیک	۷۵۰ ، ۴۲	که نادان فزونی ندارد	۳۹۴۴ ، ۴۱
که نشنید کاسکندر بد نهاد	۲۸۶ ، ۲۱	که نازار داز کینه بیکتار	۱۰۴۴ ، ۷
که نفرین بدو باد و هرگز	۹۳۲ ، ۵۰	که نازیدنت بود با اوبسی	۱۵۰۹ ، ۱۳b
که نفرین بر این تخت و	۴۰۷۷ ، ۱۵	که ناگاه بر ما بجنک آمد	۱۳۳۶ ، ۱۳f
که نفرین بود بهر بیداد	۳۹۷۲ ، ۴۱	که ناگشته باشد بگرد	۲۵۹۴ ، ۳۵
که ن فکند بر خاک پولاد روند	۱۳۹۴ ، ۱۳e	که نام بزرگی که آورد	۴۰ ، ۱
که نگشاید این بنده من کس	۱۰۹۹ ، ۱۲e	که نام تو یا بدنه پیرجان شود	۲۶۲۶ ، ۱۵
که نگشاید این بنده من هوج	۱۰۹۶ ، ۱۲e	که نام مرد خوانند مرا دشمن	۳۴۹ ، ۱۳e

که هر چای تنگی نماید	۱۴۰۵	۱۳g	که نکشاید این دست من	۱۱۴۵	۱۲e
که هر چار اکنون بجاک	۵۷۷	۴۴	که ن گشته این داستانها	۹	۱۲d
که هر چند بیژن جوانست	۶۷۵	۱۳f	که ن گشته این نامه باستا	۳۵۳۱	۴۳
که هر چند چرخ از برش	۴۴۸	۶	که ننگست بر تو ای پهلو	۴۰۹	۱۳f
که هر چند فرزند دشمن	۹۲۴	۴۱	که ننگست بر شاه رفتن	۱۵۷۷	۱۳g
که هر چند فرزند هست	۴۹۸	۱۲d	که ننگست بر ماز توران	۷۳۲	۱۲e
که هر چند کاین پادشاهی	۱۱۹۲	۴۳	که نوبت مرا بد تو بی کام	۲۲۸۴	۴۳
که هر چند گرد آورم	۱۸۳۱	۱۲d	که نورس روش از روان تو	۶۰۰	۳۵
که هر چند گفتیم و دادیم	۱۵۰۰	۴۳	که نوشه بزی تا بود روز	۲۲۲	۲۲
که هر چند من شهر یاری	۴۵۲	۴۱	که نوشه بزی شاه تا جاودا	۶۴	۱۳e
که هر چیز کز من بخواهی	۸۸	۳۰	که نوشه زیاد از بزرگان	۴۱۶۰	۴۳
که هر چیز کو آفرید از	۲۲۹۷	۴۱	که نوشی روان باد با فر	۲۶۳	۴۱
که هر خون که آید بکین	۳۰۹۵	۴۱	که نو میدبد لشکر از نام	۱۰۹۱	۲۰
که هر دوزیک بیخ و پیراهن	۳۶۴	۱۹	که نه سر بسر پیش من کهن	۱۳۷۳	۲۰
که هر روز یا قوت بار آورد	۵۲۵	۷	که نیکست فرجام این یا	۵۰۴	۳۵
که هر سال قیصر بر شهر یار	۷۱۹	۴۱	که نیک و بد اندر جهان	۳۹۸۶	۴۳
که هر سه بر امان در آرند	۷۷۹	۱۲e	که نیکی دهش نیک خواه	۴۵۷۸	۴۱
که هر شاه کز داد گنج	۳	۳۳	که و دشت نخچیر برداشت	۷۴۹	۱۲b
که هر کز او بیزدان شود نا	۱۲۹	۷	که وقتی مرا موبدی داد	۱۰۱۲	۱۲c
که هر کز بلوچی بیابند	۳۸۴	۴۱	که وی چند سختی ببرد	۱۳۱۴	۱۲e
که هر کز میان نه نهاد پیش یا	۶۴۶	۱۵	که ویران بود بوم در فر من	۱۳۶	۴۱
که هر کس کز این لنینک	۱۲۴	۳۵	که ویران کنی تاج و گاه	۴۰۴۹	۴۳
که هر کس که آرد بدین	۲۵۸۹	۱۵	که ویران کنی کاخ آباد	۱۲۱۴	۷
که هر کس که از داد گر	۴۴۷	۱۲	که ویرانی شهر ایران ازو	۱۷۴	۴۲
که هر کس که اندر سخن	۱۵	۱۲e	که و یسه بدش نام آن نامور	۲۰۷	۱۱
که هر کس که او خون	۳۱۱۸	۱۵	که و یسه بدش نام فرسخ بدر	۹۰۲	۱۲b
که هر کس که او دشمن	۱۹۲	۴۴	که هر باد را بست باید میان	۲۲۱۳	۱۲d
که هر کس که او دشمن	۸۷۴	۴۱	که هر بامدادی چو زرین	۸۲	E
که هر کس که او را کمانست	۹۰۰	۴۲	که هر برتری را ز بر برتر	۲۰۷۰	۴۱
که هر کس که این بدید	۵۶۳	۱۲e			

که هر گز بدین دو دمان غم	۶۵۰ . ۱۳e	که هر کس که این را بیارد	۴۵۵ . ۵۰
که هر گز بدین راه نگذشت	۱۴۰۲ . ۲۰	که هر کس که بر پادشا	۷۷۴ . ۴۱
که هر گز بروی تو من بد	۳۶۱ . ۱۵	که هر کس که بردارد از	۱۴۹۴ . ۲۰
که هر گز بگیتی کسی این	۱۲۳۵ . ۱۳g	که هر کس که بر گردد از	۴۳۲ . ۴۳
که هر گز بنادان و بر او	۳۵۱ . ۴۳	که هر کس که بودست	۷۲ . ۳۹
که هر گز چنین کس نیامد	۱۷۷۲ . ۱۳	که هر کس که بیداد گوید	۳۰۶۶ . ۱۳g
که هر گز ز ترکان چنین	۸۴۱ . ۱۲c	که هر کس که تحم جفارا	۷۴۵ . ۶
که هر گز کس اندر جهان	۳۹۸۰ . ۴۳	که هر کس که تیزی کند	۳۱۸۸ . ۴۱
که هر گز مبادا چنین تاج	۱۹۷۹ . ۴۲	که هر کس که چون تو نباشد	۱۱۶۸ . ۱۳c
که هر گز نبینند از آن	۴۵۱ . ۴۳	که هر کس که خون یل	۳۹۱۳ . ۱۵
که هر گز نپیچم سوی مهر	۱۱۸ . ۱۳	که هر کس که دارد خورید	۱۷۱۲ . ۳۵
که هر گز نجویند گاه و	۲۹۹۵ . ۴۱	که هر کس که دارد فزونی	۲۵۲ . ۳۵
که هر گز ندیدیم زینگونه	۶۳۹ . ۷	که هر کس که دارد هوش	۲۳۱ . ۴۱
که هر گز نرا ند بر او خرد	۳۱۰ . ۳۴	که هر کس که دید او دوال	۲۹۳۹ . ۴۳
که هر گز نکردد کهن در بر	۲۰۴۸ . ۲۰	که هر کس که هستیم بایک	۲۹۴ . ۲۱
که هر گز نکردد کهن نام	۴۳۱ . ۳۰	که هر کس که یابد ز من	۲۳۸۷ . ۴۱
که هر گوهری را بهاسی هزار	۲۹۹ . ۴۴	که هر کس درم بد خراجش	۲۵۷۰ . ۳۵
که هر مزبده سال و بر سردو	۲۱۷ . ۴۲	که هر کو بیدار جوید	۱۴۳۴ . ۱۳c
که هر مز بدین چند گه	۱۷۳۵ . ۴۲	که هر کو بجنگ اندر آید	۴۸۵ . ۱۳f
که هر مزد بادت بدین	۷۹۱ . ۱۳e	که هر کو بخون کیان دست	۱۸۵ . ۱۳f
که هر مزد خراد بد نام او	۵۹۸ . ۵۰	که هر کو بر گ پدر گشت	۸۵۲ . ۴۱
که هر مزد کشتت ابروی	۱۹۷۳ . ۴۲	که هر کو ز پیمان ما بگذرد	۴۶۲ . ۱۹
که هر زمان بوا موزد ترا	۱۰۴ . ۱۴	که هر کو زرای و ز فرمان	۱۳ . ۱۹
که هر است او ز فرزندوزن	۱۵۶۷ . ۴۳	که هر کو ز فرمان شه شد	۴۰۰۸ . ۱۵
که هر استند ایشان همه خسته	۱۷۰۶ . ۱۳f	که هر کو ز فرمان و پند	۱۳۴۳ . ۱۵
که هر استند با من پرستنده	۲۱۰ . ۲۲	که هر کو ز گفت خود اندر	۳۱۳۰ . ۱۵
که هر استند هم شیرگان	۷۲۴ . ۱۳	که هر کو سلیحتش بدشمن	۲۷۸ . ۴۴
که هر هستی بگوهر ز تخم	۱۴۱۰ . ۱۲e	که هر کو کند بر در شاه	۷۵۹ . ۴۳
که هر هستی تو پشت و پناه سپاه	۸۰۲ . ۱۳b	که هر کو نبید جوانی	۱۹۵ . ۵
که هر بی گمان از پس ما	۲۹۴۶ . ۴۳	که هر که تری کان بدی	۱۰۱۳ . ۱۳g

که یارد بدینگونه اندیشه	۲۳۳۵	۳۵	که همتای آن گرگ شیر	۴۸۲	۱۴
که یارد بدین مرغزار	۱۴۰	۱۳d	که همچون پدر بود همتای	۵۷۱	۱۵
که یازد شاهان بدن یار	۱۵۳	۱۹	که همچون تویی خواند	۹۷۶	۱۲c
که یارد شدن پیش او جنگ	۷۹۷	۶	که همچون دو داماد من در	۶۰۹	۱۴
که یارد شدن پیش اورزم	۱۲۰۹	۱۳c	که همدستان مکن روزو	۷۷	۴۴
که یارد سخن گفتن از تو	۶۱۶	۴۴	که هم داده بود و هم داد	۲۸۰	۴۲
که یارد شدن پیش گردان	۴۵۶	۱۵	که هم راهبر بود و هم فالگو	۵۶۷	۴۲
که یارد شدن نزد آن	۱۲۳۱	۱۵	که هم رزم جستی هم افسون	۳۷۵	۱۲c
که یارد که پیش تو آید	۴۴۶۸	۱۵	که هم رزمش از بخت خوا-	۱۹۸۲	۱۳f
که یارد گذشتن ز پیمان	۱۸	۱۳g	که هم شاه و هم مو بد و هم	۳۶۵۳	۴۳
که یارد گشادن بدین گونه	۲۳۳۲	۱۵	که هم شهری من بیند اندر	۱۸۸۱	۴۲
که یارست شد پیش اورزم	۳۳۶۷	۴۱	که همواره باشی تو زو	۴۴۵	۲۰
که یارست گفتن خود اندر	۸۲۰	۳۵	که همواره پست و بلند ی	۱۳۱۶	۱۳g
که یارش همه آفرین بود	۳۰۷	۱۹	که همواره شاه جهان شاه	۳۷۲۲	۴۱
که یاری نیاید کس از هر دو	۱۴۷۴	۱۳c	که همواره کارم بخوبی	۹۴۴	۵۰
که یزدان از آن پور خشنود	۳۶۶	۴۰	که هندوستان را بشویی	۲۱۵۹	۳۵
که یزدان بدین کار هم	۳۲۱۶	۳۳	که هنگام گردی و کند آور	۲۱۳۱	۷
که یزدان پاک از میان گروه	۵۱۴	۵	که هوش تو بردست همسایه	۱۹۰۶	۴۲
که یزدان پسر داد و	۲۶۶	۱۷	که هومان از آن رزمگه	۴۷۰	۱۳f
که یزدان پیروزگر یار	۱۳۱۱	۴۳	که هومان پیروزی شهر یار	۸۴۵	۱۳f
که یزدان ترا بی نیازی	۱۱۵۲	۴۳	که هومان نه از روی و نر	۷۰۸	۱۳f
که یزدان ترا زندگانی	۴۲۰۶	۴۱	که هومان یکی بد کنش	۶۴۶	۱۳f
که یزدان ترا مزد نیکان دهد	۴۶	۲۰	که هیچ آرزو بردلت نکسلم	۸۲۷	۷
که یزدان چرا خواند آن	۳۰۷	۴۴	که یابد بگیتی رهای ز	۳۳۷۲	۴۱
که یزدان ز گودر ز خشنود	۳۰۱۶	۱۳g	که یابد چنین روز کار از	۶۷	۳۴
که یزدان ز ناچیز چیز	۳۹	E	که یاد آمدش بزم زابلستان	۱۳۳۶	۱۲d
که یزدان سپاس ای جهان	۳۰۳۶	۱۵	که یار جوان چرب و شیرین	۸۳	۴۳
که یزدان سپاس ای جهان	۴۳۲۰	۱۵			

کی اژدها فتن بیامد چو باد	۲۰۷ ،	۴	که یزدان ستایش بخواهد	۷۰۰ ،	۲۴
کیا کی نژاد اشها خسروا	۶۷ ،	۱۲e	که یزدانش تاج کیی بر	۶۴۹ ،	۵۰
کیان زادگان با جوانان	۴۵۱ ،	۱۵	که یزدان شما را بدان	۳۲۵۴ ،	۱۳g
کیان زادگان هر کسی را	۸۰۶ ،	۱۵	که یزدان کسی را کند	۳۰۶۹ ،	۱۳g
کیان زاده گفت ای جهان	۷۰۹ ،	۱۵	که یزدان کسی را که دارد	۱۳۵ ،	۷
کیان شاه را گفت ناراست	۸۹۴ ،	۱۵	که یزدان گناهش ببخشد	۱۷۵۸ ،	۴۱
کیا نوش و پیر مایه بر دست	۳۰۵ ،	۵	که یزدان مرزندگان	۱۲۶۱ ،	۱۳f
کیانی کلاه و کمردامت	۱۴۹۱ ،	۱۳	که یزدان نیکی دهنده یار	۹۱۶ ،	۱۲b
کی تاجور بر آب آورده	۶۱۴ ،	۴۱	که یزدان و راجای نیکان	۴۸۲ ،	۵۰
کی نامبردار بنواختش	۱۲۱ ،	۱۲	که یزدان و راجای با اندازه	۴۰۰ ،	۳۵
کی نامبردار فرخنده شاه	۸۱۳ ،	۱۵	که یزدان هر آنچت هوا	۶۶۴ ،	۷
کی نامور پاسخ آورد زود	۲۵۲ ،	۵	که یکبار گفتم و این دیگر	۴۵۴ ،	۴۴
کی نامور تاج زرینش	۸۵۱ ،	۱۵	که یک پیرزن مایه دار ایدر	۱۸۹۲ ،	۴۲
کی نامور دادشان زینهار	۴۳ ،	۳	که یکتن سراز گل مشوید	۱۱۶۵ ،	۱۵
کی نامور سر سوی آسمان	۵۲ ،	۱	که یکتن نجنبید از آورد	۶۰۷ ،	۱۳g
کی نامور گفت از این سان	۱۴۶۷ ،	۱۲d	که یک چند باشد بهری مرز	۳۲۱۸ ،	۴۳
کیومرث زین خود کی آگاه	۲۹ ،	۱	که یک چند باشد بنزدیک	۱۷۱۹ ،	۲۰
کیومرث شد بر جهان	۹ ،	۱	که یک روزمان هدیه شهر-	۱۵۸۳ ،	۴۲
کیومرث و جمشید تا	۲۱۹۳ ،	۴۳	که یکسر ببخشد گناه ترا	۲۲۹۷ ،	۴۳
کیومرثی تخمه ای گردد	۲۰۵۲ ،	۲۰	که یکسر بیاییم و جنگ	۲۰۰ ،	۱۳b
کی وار بنشست بر تختگاه	۸۷۰ ،	۱۵	که یکسر بیزدان ستایش	۳۵۲ ،	۵۰
			که یکسر شما در پناه	۱۰۷ ،	۱۲b

حرف گ

گذشتند بر آب در هفت	۲۰۰۳ . ۱۳g	کچ و سنگ و هیزم فزون	۱۵۴۲ . ۲۰
گذشتن کنون به که با	۲۹۰۳ . ۱۳g	گذاره شد از خسروی	۶۱۷ . ۱۵
گذشته ازو قیله ما بت	۱۴۰۱ . ۷	گذارش پر از نره دیران	۶۹۳ . ۱۲
گذشتند بر آب هفتاد مرد	۱۷۹۸ . ۲۰	گذارم بدین مسیحاشوم	۲۱۹۵ . ۴۳
گذشتند بر کوه خار ابر	۱۷۷۴ . ۲۰	گذاریم یکچند و باشیم	۲۲۰۴ . ۱۲d
گذشته بر او سالیان دو	۱۰۵۷ . ۱۵	گذر بر کلات ایچ گونه	۵۲۶ . ۱۳
گذشته بر او سالیان هفتصد	۲۲۰ . ۴	گذر بود چندا نکه جنگ	۵۲۶ . ۱۲d
گذشته بهرد انشی از پیر	۲۵ . ۱۴	گذر جوی و چندین جهان	۹۸۱ . ۴۱
گذشته ز رستم با یران سوار	۸۹۴ . ۱۲e	گذر شان دهی تا بتوران	۱۱۹۰ . ۱۳f
گذشته ز شب نیمه بیشتر	۱۶۱ . ۲۰	گذر شان دهی تا بتوران	۲۱۵۸ . ۱۳f
گذشته ز سوال ده با چهار	۲۰۴۲ . ۲۰	گذر کرد زان پس بکشتی	۴۶ . ۴
گذشته ز من تاج و تخت و	۳۳۱ . ۶	گذر کرد باید ابر هفت	۶۹۱ . ۱۲
گذشته سخن یاد دار د خرد	۲۵۴۹ . ۴۱	گذر کرد پر خستکیها بر	۳۷۹۸ . ۱۵
گذشتی ز سوراخ پیل زبان	۱۶۴ . ۲۰	گذر کرد سوی شبستان	۴۵۰ . ۷
گذشتیم ازین سدا سکندر	۲۰۰۴ . ۲۰ ^e	گذر کرد همراه و ما مانده	۴۶۹۶ . ۱۵
گر آتشی ببیند پی شصت و	۱۲۵۹ . ۱۲d	گذر گاه این آب دریا	۲۰۳۷ . ۱۵
گر آرام گیری سخن تنگ	۱۱۴۴ . ۱۲b	گذر مرد را سوی هینتال	۱۸۲۳ . ۴۱
گر آری تو این نغز دارو	۴۵۲ . ۲۰	گذر نیست از حکم گردان	۳۴۷ . ۷
گر آزاده داری نت ز راز	۱۹ . ۴۰	گذر نیست کسر از فرمان	۹۶۳ . ۱۲d
گر آزار بودیش در دل ز	۲۲۶۵ . ۱۲d	گذر ها که راه دلیران	۱۸۷۹ . ۱۳g
گر آزرم بابت نبود ز	۱۰۱۵ . ۱۳e	گذرهای جیحون بگیرد	۲۵۸۴ . ۴۳
گر آساید از رنج بگزا-	۲۳۰۹ . ۴۳	گذر یافتندی به اروند	۴۱۰ . ۵۰
گر آسوده گرد دسرافشان	۶۵۳ . ۱۳g	گذر یافتی من گذشتم همان	۱۱۹۳ . ۲۰
گر آگاهی از شاه وز شهر	۲۱۸۳ . ۱۵	گذشت آن شب و بامداد	۶۰۵ . ۳۴
گر آگه کنی تارسانم پیام	۲۷۳۹ . ۴۳	گذشت آن شب و بامداد	۲۳۴۸ . ۴۳
گر آموزش آید زیزدان	۷۴۶ . ۶	گذشت از بر رود و بالا	۳۶۲۵ . ۱۵
گر آموزش آید شما را	۲۸۰۳ . ۴۳	گذشتم ز تویع نوشیروان	۳۹۲۰ . ۴۱
گر آموزش شاه فاید	۸۸۶ . ۱۳e		
گر آن بنده را پای کرده	۲۵۳۰ . ۴۳		
گر آن پهلوانی بود زور	۱۸۲ . ۱۳d		

گرازان بدی مرغ با این	۶۳۰ ، ۳۵	گر آنجا که رفتی خوشرو	۱۸۹۷ ، ۱۲d
گراز آمدا کنون فزون از	۷۰ ، ۱۳e	گر آنجا نخواهید فرمان	۶۰ ، ۲۰
گرازان بدرگاه شاه آمد	۶۲۰ ، ۱۲c	گر آن دار بیکار یزدان	۳۰۸ ، ۴۴
گرازان بدنندان و شیران	۳۳۰ ، ۱۳e	گر آن رستمست آنکه	۳۸۸ ، ۱۳c
گرازان بیامد بپرده سرا	۴۷۵ ، ۱۳	گر آن گرزها موم بودی	۹۱۰ ، ۱۲e
گرازان بیاورد سالار بار	۲۴۶ ، ۷	گر آن مایه نزد شهنشه رسد	۱۲ ، ۱۵
گراز اندر آمد بشهر	۱ ، ۴۶	گر آن مردری کاویانی	۵۶۷ ، ۱۳b
گراز اندر آمد بکردار	۵۰۳ ، ۱۳e	گر آهرمنست او و ناساز	۱۸۷ ، ۱۵
گراز اندر آن تیرگی کشته	۹۲۷ ، ۵۰	گر آهنگ بر میوه داری	۵۴۲ ، ۴۱
گرازان سواران دمان و	۱۲۸۱ ، ۱۳e	گر آهوست بر مردموی	۱۴۶ ، ۷
گرازان گرازان نه آگاه	۱۱۵ ، ۱۳e	گر آید بایران بچنگ	۷۱ ، ۱۳f
گرازان و تازان بنزدیک	۲۳۳۲ ، ۱۳g	گر آید بدست تو این کار	۳۶۷ ، ۱۴
گرازان و چون شیر نمره	۱۳۲۳ ، ۱۲c	گر آید بدیدار ایشان نیاز	۱۴۵ ، ۶
گراز باد جنبان شود کوه	۱۱۸۲ ، ۱۲c	گر آید بر او بر جهان بین	۱۱۲۷ ، ۱۳e
گر از بخشش کردگار	۳ ، ۱۳	گر آید بزشتی گمانی مبر	۶۳۴ ، ۴۲
گراز بودن ایدر مرز انیکو	۱۳۵۶ ، ۱۲d	گر آید بمرگانم اندر	۸۴۵ ، ۱۳e
گراز بوم ترکان بر آری	۱۱۸۸ ، ۴۲	گر آید درفتن منوچهر	۱۰۶۰ ، ۶
گر ازیند من سر بیچی	۱۲۱۵ ، ۱۳g	گر آید سپاه اندر آیند پس	۱۶۱۰ ، ۱۳g
گر از پیر و لشکر بگرم	۷۳۶ ، ۴۲	گر آید یکی روشنگ را	۱۸۷۳ ، ۲۰
گر از پیش من برنگردی	۴۳۷ ، ۱۳g	گر آیم مرا باشما نیست	۱۳۳۰ ، ۲۰
گراز تودل مردمان خسته	۱۹۲ ، ۴۰	گر آیند ایدر همه ساخته	۴۷۴ ، ۱۲b
گر از تور برای رج نیک	۲۲۰ ، ۱۱	گر آیندزی ما بچنگ آن	۸۰۶ ، ۶
گر از تور دارد ز مادر	۱۴۲۵ ، ۱۲e	گر آیندزی ما بچنگ آن	۱۰۴۹ ، ۱۳c
گر از تو یکی شهر یار	۲۶۵ ، ۴۳	گر آیی ببینی مرا با سپاه	۱۶۶۵ ، ۲۰
گراز جام پابی سر انجام	۲۱۳ ، ۳۵	گر آیی ترا آن هم آراسته	۸۱ ، ۳۹
گراز جایکه او نهاد پای	۱۰۳۶ ، ۱۳f	گر آیی سپارم ترا ناچو	۱۲۴۱ ، ۱۵
گراز چنگ دیوان بگویم	۱۲۸۸ ، ۷	گر آیی سرگاه و تاجش	۴۹۷ ، ۵۰
گراز چاچ بی رانهی پیش	۹۷ ، ۳۸	گر آیی فرود اندر این	۲۱۹ ، ۱۰
گراز خاک بر چرخ گردان	۸۰۱ ، ۴۱	گر آیین ایران جز اینست	۱۱۸ ، ۱۹
گراز خستن من تراغم	۱۳۹۰ ، ۱۵	گر آیین بدی هیچ آزاده	۲۰۱۱ ، ۳۵

گرازما پییزی پیاژرد	۲۵۸۳ ، ۱۳g	گرازخون ماخاک دریا	۵۷۵ ، ۲۰
گرازما بدلش افدرون	۲۴۸۴ ، ۱۳f	گرازداستان یک سخن کم	۱۶۲۱ ، ۱۳c
گرازما همی باژخواهی	۱۵۷۰ ، ۳۵	گر از دامن اودرفشی	۶۸۳ ، ۵۰
گرازمن پذیرفت خواهی	۲۶۲۳ ، ۴۳	گرازدخت مهرباب و از	۱۰۶۶ ، ۷
گر ازمن سر نامور گشته	۱۹۲ ، ۱۱	گرازدشت قحطان یکی	۱۰۵۳ ، ۷
گر از من شود تخت	۲۳۳۰ ، ۳۵	گرازدشمنت بد رسدیا	۱۴۳۵ ، ۱۳c
گرازمن کسی زشت گوید	۳۳ ، ۴۰	گر از دیر دیرینه آبی	۱۱۳۴ ، ۴۳
گر ازمن گناهی بیاید	۲۹۵۳ ، ۱۵	گرازرای من سربیک سو	۹۲۹ ، ۴۱
گرازمن همی بازجویی	۳۱۳۲ ، ۴۱	گر ازراه بی راه یکنسو	۲۶۱ ، ۶
گرازمن همی راه جوید	۱۸۹۱ ، ۱۳g	گرازرم او بار جزرنج	۱۹۹۴ ، ۴۱
گرازنام پرسیم برزوی	۲۱۰۴ ، ۳۵	گر از رزمکه پی نهی	۳۴۴ ، ۱۳f
گرازنام چینی بمانم همی	۹۴۱ ، ۱۲c	گر از رنج بر خویش	۲۵۵۱ ، ۱۳f
گر از نامداران ایران	۱۰۵۶ ، ۱۳f	گراز زخم پیکان اسفندیار	۳۷۷۳ ، ۱۵
گر از نامداران هزبری	۵۵۵ ، ۱۳f	گر از زیر دستان بناله	۲۲۷۰ ، ۴۳
گر از نزدما اوبایران	۲۲۰۲ ، ۳۵c	گر از سپهد یکی نامه	۴۰۰۶ ، ۴۳
گر از نزدما سوی ایران	۲۱۵۲ ، ۳۵	گراز شاه توران شدستی	۲۲۳۴ ، ۱۲d
گرازه برون آمدو گستم	۱۶۱۶ ، ۱۳	گراز شهر ایران چوسید	۱۸۴۵ ، ۴۲
گرازه برون آمدو گستم	۱۵۳ ، ۱۳f	گراز کابل وزابل و مرز	۱۱۸۵ ، ۱۳b
گرازه بزد دست بر سان	۱۹۰۰ ، ۱۳f	گر از کارداران و از	۴۹۶ ، ۲۲
گرازه بسان گرازی دژم	۸۵۰ ، ۱۲b	گراز کاهلان یارخواهی	۱۳ ، ۲۹
گرازه بشد با سیامک	۱۸۳۵ ، ۱۳f	گراز کیقباد اندر آری	۱۷۴۲ ، ۴۲
گرازه بود نام کرد دلیر	۶۶۳ ، ۱۳	گراز گردش روزگار سپهر	۵۳ ، ۸
گرازه بیاراست بر میمنه	۳۹۹ ، ۱۲b	گراز گرز من باد یابد	۳۴۷۹ ، ۱۵
گرازه بیامد بسان گراز	۱۰۷۷ ، ۱۲	گراز گفته خویش باز آید	۴۶۲ ، ۱۳c
گرازه جواز باد بکشاد	۱۶۱۰ ، ۱۳f	گر از گنج پرسی خود	۷۳۹ ، ۲۰
گرازه چو باد دمان باز	۷۸۷ ، ۱۲b	گر از گوهر شهر یاران	۴۵۸ ، ۱۲d
گرازه چو گرد سپه را	۷۸۴ ، ۱۲b	گراز گوهر مهرک نوشزاد	۱۷۹ ، ۲۲
گرازه سر تخمه گیوکان	۷۶۳ ، ۱۲b	گر از لشکر آزار داری	۳۱۵۳ ، ۱۳g
گرازه سر تخمه گیوکان	۴۰۹ ، ۱۳	گر از لشکر ساوه گیری	۲۸۶ ، ۴۲
گرازه سر تخمه گیوکان	۳۰۱ ، ۱۳f	گراز لشکر و کارداران	۲۴۱۸ ، ۳۵

گرامی پشوتن که دستور	۱۱۱۰	۱۶	گرازه سرگیوگان بانهل	۳۸۸	۱۳b
گرامی تراز خون دل چیز	۲۱۳۷	۴۱	گرازه شد آن نامبردار	۷۶۷	۱۲b
گرامی تر از دیده آنرا	۸۶	۶	گرازه طلایه است با	۱۲۹۸	۱۳c
گرامی تراز گنج بدخواه	۱۴۵	۴۱	گراز هفتخوان بر شمارم	۲۶۱۲	۱۵
گرامی جها نجوی را پیش	۴۳۱	۶	گرازه همان دم بیستش	۱۹۰۲	۱۳f
گرامی خرامید با خشم	۵۴۳	۱۵	گر از یال کاووس خون	۳۳۱۶	۱۵
گرامی دو پر خاشجوی	۳۷۱۱	۱۵	گرازی پیامد جو آهر من	۱۲۹	۱۳e
گرامی ده و پنج فرز ند بود	۴۹۸	۴۴	گرازید بهرام چون بنگرید	۱۴۶۹	۴۲
گرامیش دارید و پندش	۳۳۰	۷	گرازید بهرام و تازید	۱۴۶۸	۴۲
گرامیش دارید و نوشه	۴۸۵	۶	گرازیدن گور و آهو *	۱۵۰۴	۱۳g
گرامیش را تنگ در بر	۸۶۶	۱۴	گرازیدن گور و آهو *	۶۷۱	۳۵
گرامیش کردن سزاوار	۷۷۵	۱۳e	گرافراسیاب از ره بی	۵۳۴	۱۲e
گرامی شود بر دل پادشا	۱۳۴۱	۴۱	گرافراسیاب اندر آید	۱۰۴۴	۱۳f
گرامی کن آن را که در	۳۹۵۸	۴۱	گرافراسیاب اندر این کینه	۱۴۸۳	۱۳f
گرامی کن این خانه ما	۲۹۶۵	۱۵	گرافزون شود دانش و داد	۹۷۵	۳۵
گرامی که بیند ز اسپ	۳۸۴	۱۵	گرافکندنی هیچ بودی	۱۱۶۳	۳۵
گرامی که خواری کند	۸۴۶	۴۱	گراکتون بدی بندگی را	۷۰۱	۱۲b
گرامی گوی بود بازور	۵۴۱	۱۵	گراکتون بیایم سوی خان	۳۰۷۸	۱۵
گرامی یکی دخترش بود	۴۶۴	۲۱	گرامروز چون دی درنگ	۱۶۱۹	۱۳b
گران بود و اندر شکم بچه	۴۲۴	۱۲d	گرامروز کردیم پیروز	۳۲۹	۱۳b
گران تر چه دانی بدو گفت	۲۶۸۷	۴۱	گرامشب برایشان نیایم	۱۶۱۷	۱۳g
گران شد در کیب و سبک شد	۳۵۴	۱۲e	گرامشب در این خانه یابم	۱۷۵	۳۵
گرانداختی من سوی	۵۷۹	۲۱	گرامشب مرا میزبانی	۲۶۷	۳۰
گران شد در کاب پل اسفند	۱۵۱۲	۱۵	گرامی بد این شهر یار	۴۱۲۶	۴۳
گران کرد رستم زمانی	۱۱۱۵	۱۳c	گرامی بدندان بگیرد	۳۸۹	۱۵
گران گرز برداشت از	۳۶۲	۵	گرامی بدید آن درفش جو	۵۴۸	۱۵
گرانمایگان از پس اندر	۲۰۳۱	۴۳	گرامی پسر شیر شرز هجیر	۱۵۱۵	۱۳f

(*) ستاره در سطر اول بجای « بدشت » و در سطر دوم بجای « بشخ »

آمده است .

گرانمایہ را جایگہ	۳۴۶۶ ، ۴۳	گرانمایگان پاسخ آراستند	۱۰۶۷ ، ۱۳c
گرانمایہ را نام ہوشنگ	۵۶ ، ۱	گرانمایگان را زلشکر	۷۳ ، ۴
گرانمایہ رومی کہ بد	۳۸۶۷ ، ۴۳	گرانمایگان را زلشکر	۵۰۵ ، ۱۲c
گرانمایہ زن را بدرگاہ	۳۱۵۲ ، ۴۳	گرانمایگان را فسون و	۱۲۴۶ ، ۴۱
گرانمایہ سیمرغ برداشت	۳۲۵ ، ۷	گرانمایگان را ہمہ خواند	۳۰۲۴ ، ۴۱
گرانمایہ سیندخت بنہاد	۱۴۵۹ ، ۷	گرانمایگان را ہمہ خواند	۳۱ ، ۴۳
گرانمایہ سیندخت را پیش	۱۶۵۱ ، ۷	گرانمایگان را ہمہ خواند	۷۵۳ ، ۱۲c
گرانمایہ سیندخت را پیش	۹۷۱ ، ۷	گرانمایگان زینہاری	۳۳۴ ، ۱۹
گرانمایہ شاہ جہان کہ خدا	۷۱۰ ، ۶	گرانمایگان نزد شاہ	۷۱ ، ۱۳
گرانمایہ شاہی کیومرثی	۳۴۲۰ ، ۴۳	گرانمایہ از پیش تخت	۱۱۱ ، ۵
گرانمایہ شبگیر بر خاستی	۱۳۴ ، ۴	گرانمایہ از دختر مہرک	۲۷۶ ، ۲۲
گرانمایہ فرزند او پیش	۲۴۵ ، ۵	گرانمایہ اسپان بزین	۱۷۱۵ ، ۲۰
گرانمایہ فرزند گفتا	۹۳۳ ، ۱۵	گرانمایہ اسپان بزین	۱۱۷۷ ، ۱۳e
گرانمایہ کاخی بیاراستند	۲۲۴۷ ، ۴۳	گرانمایہ اسپان نازی	۹۵۱ ، ۱۳e
گرانمایہ کاوس کی را	۳۱۰ ، ۱۱	گرانمایہ اسپان کہ بودش	۲۹۵۶ ، ۱۳g
گرانمایہ کسری و رایار	۳۳۶ ، ۴۰	گرانمایہ اسپی بدو داد	۱۲۱۶ ، ۳۵
گرانمایہ گستہم بد پیشرو	۱۲۲۵ ، ۴۳	گرانمایہ اش نسل و گرز	۱۲۴ ، ۱۲b
گرانمایہ گستہم بنشست	۱۴۸۰ ، ۴۳	گرانمایہ اغریرت نیک	۶۳۹ ، ۸
گرانمایہ کنجی بدرویش	۹۱۶ ، ۱۳g	گرانمایہ بد نام دستور شاہ	۱۵۳ ، ۲۲
گرانمایہ گوی بی آتش	۲۹۷ ، ۱۴	گرانمایہ بو الفضل دستور	۳۵۵۳ ، ۴۱
گرانمایہ لہر اسپ آرام	۱۵ ، ۱۴	گرانمایہ ترکست از	۴۴۶۵ ، ۴۱
گرانمایہ مردی و دانش	۲۱۲ ، ۴۰	گرانمایہ جایی بیاراستند	۷۸۵ ، ۱۴
گرانمایہ و پاک ہر سہ پسر	۱۸۰ ، ۶	گرانمایہ جمشید فرزند	۲ ، ۴
گرانمایہ ہر مزد بر پای	۴۴۷۷ ، ۴۱	گرانمایہ خسرو بشاپور	۱۸۸۰ ، ۴۳
گرانمایہ ہشت اسپ در	۹۳۰ ، ۱۳e	گرانمایہ خوانی بیاورد	۹۸۱ ، ۳۵
گرانمایہ ہم شاہ و ہم نیک	۹۶ ، ۴	گرانمایہ خوبان و آن	۲۵۹ ، ۱۳
گرانمایہ در آید ترادر دو	۲۹۰۰ ، ۱۳g	گرانمایہ دستور باشہر یار	۳۲۱۴ ، ۴۳
گرانمایہ دین شود زشت	۲۲۰۹ ، ۴۳	گرانمایہ دستور گفتش	۷۲۰ ، ۱۵
گرانمایہ جوانی شود نیز	۴۹۱ ، ۴۳	گرانمایہ دستی بیوشیدو	۳۵۳۰ ، ۴۱
گرانمایہ رود چو خون	۹۵۶ ، ۱۳f	گرانمایہ دہقان بر زمہر	۱۵۵ ، ۴۰

گراورافروستی بنزدیک	۲۱۹۰ ، ۴۳	گراواندر ایران بماند	۱۰۷ ، ۴۰
گراورانگشتی جهاندار	۳۷۳ ، ۱۳g	گراواین سخنها که اندر	۲۸ ، ۳۳
گراورا همی بخت یار	۴۱۰۴ ، ۱۵	گراوباتهمن نبرد آورد	۳۱۸ ، ۱۲e
گراورفت ما از پس او	۳۱۲۰ ، ۴۳	گراوباز باتخت و افسر	۲۰۶۳ ، ۱۳g
گراوزین سپس شاه ایران	۶۴۶ ، ۳۴	گراوباز گردد توزفتی	۱۳۳ ، ۱۴
گراوزین نییچد سپهر بلند	۱۸۴ ، ۲۲	گراو باشدم زین سپس	۳۸۶۱ ، ۱۵
گراوسر زکیوان فرود	۳۵۷۸ ، ۱۵	گراوبامن آید باورد گاه	۴۱۵ ، ۱۳g
گراو سوی ایران شود پیر	۲۰۶۲ ، ۱۳g	گراو بد کند پیچد از روز-	۴۱۸۴ ، ۱۵
گر او شد جهان بر تو	۲۲۰۴ ، ۱۳g	گراو بر فرورد نباشد	۶۷ ، ۱۳b
گراوشهر یارست پس من	۸۷ ، ۴۴	گراو بفکند فرو نام پدر	۷ ، ۱۲
گراوشهر یارست من خود	۷۷۷ ، ۱۳	گراو بگذرد تاج جویی	۹۱۷ ، ۴۱
گراو کشته آید بدست تو	۵۴۳ ، ۱۴	گراو بی شمر سالیان	۵۸ ، ۲۲
گراو کینه جوید همی از	۶۰۳ ، ۱۳	گراو بی هنر شده از پشت	۸۸۱ ، ۴۱
گراو نا جوانمرد بود و	۱۳۵۱ ، ۳۵	گراو پور جمست و منز قباد	۸۹۸ ، ۱۳
گراو نره شیرست بیجان	۳۷ ، ۱۳c	گراو تیز گردد توزو بر	۱۵۳۰ ، ۴۱
گراو یابد از من رهایی	۴۱۱ ، ۱۳c	گر او جنگ را خواهد	۴۳۹ ، ۴۲
گراویست از او نیست هان	۵۸۰ ، ۱۲c	گراو چون زر بر سپهد	۲۵۶۲ ، ۱۵
گراویست فرمان بر او	۸۲۲ ، ۱۴	گراو در نیاید درین کارزار	۲۶۴ ، ۱۲
گراویک زمان اندر آید	۲۲۳۰ ، ۱۳g	گراو دوست و دشمن نداند	۴۲۴۸ ، ۴۱
گرایچ اندرین کالبد جان	۱۵۱۷ ، ۴۳	گراورا ببخشد ز مهرش	۹۷۶ ، ۱۲d
گرایدر بباشید با ما بهم	۳۰۶۳ ، ۴۳	گراورا ببینم در این روز	۱۲۳۰ ، ۱۵
گرایدر بباشی همه چین	۱۷۲۹ ، ۲۰	گراورا بد آید توشو پیش	۱۱۶ ، ۵۰
گرایدر چنین بیگناه آمد	۲۴۷۱ ، ۱۲d	گر او را بدرند شیران	۶۰۱ ، ۳۴
گرایدر مرا هوش بردست	۶۷۱ ، ۱۳g	گر او را بدست تو آید	۱۳۳۰ ، ۱۳c
گرایدون کز ایشان برای	۲۰۱۶ ، ۳۵	گراورا بدی بر تو بر	۲۷۹۶ ، ۱۳g
گرایدون که آید بنزدیک	۲۷۶۶ ، ۱۵	گراورا ز بهر فرو نیست	۱۱۱۰ ، ۱۲d
گرایدون که آید زمانم	۲۶۸۵ ، ۱۵	گراورا ز ترکان بد آید	۱۴۳ ، ۳۹
گرایدون که آید زمینو	۱۹۶۹ ، ۱۲d	گراورا زدستور بد بدرسد	۵۴۱ ، ۲۰
گرایدون که از جنگ این	۷۴۶ ، ۱۲	گراورا ز سر باز گیرد سپهر	۲۳۷۷ ، ۱۳g
گرایدون که از دشت نیزه	۴۴۰ ، ۴۱	گراورا ز هومان بد آید	۶۹۹ ، ۱۳f
گرایدون که از لشکر ما	۶۸۳ ، ۱۳	گراورافروستی بنزدیک	۲۶۳۴ ، ۴۳
گرایدون که از من نداری	۳۰۷ ، ۱۲e		

گرایدونکه که با من تو	۳۹۰۵ ، ۱۵	گرایدونکه امروز يك	۸۳۸ ، ۱۳g
گرایدونکه بپذیرد او	۱۲۷ ، ۱۵	گرایدونکه او بر گذشته	۱۳۶۱ ، ۱۳f
گرایدونکه بخشایش کرد	۲۵۴ ، ۱۹	گرایدون که او در پذیرد	۱۱۳۲ ، ۴۲
گرایدونکه بدبینی از	۲۷۷۶ ، ۱۲d	گرایدونکه او را بجان	۲۵۴۳ ، ۱۲d
گرایدونکه برابر ساید	۱۲۲۲ ، ۱۵	گرایدونکه او را بود	۳۱۱ ، ۴۰
گرایدونکه بردارمت من	۲۰۶۵ ، ۱۲d	گرایدونکه او را سر آید	۳۹۰۸ ، ۱۵
گرایدون که بر من نسا-	۶۴ ، ۴۶	گرایدون که او کز گوید	۳۱۵ ، ۴۰
گرایدونکه بکشاید این	۲۶۵۲ ، ۱۳g	گرایدونکه او است کامد	۱۵۶۳ ، ۱۳b
گرایدونکه بندست یاداش	۹۱ ، ۴۰	گرایدونکه ایدر پذیرد	۲۳۱۰ ، ۴۳
گرایدونکه بیچاره ای	۲۲۱ ، ۱۳b	گرایدون که این تیغزن	۱۶۷ ، ۱۳c
گرایدون که بیند سرب	۱۹۶۵ ، ۱۳g	گرایدون که این جادوی	۱۵۰۸ ، ۱۳c
گرایدون که پشت من آرد	۷۰۴ ، ۱۲	گرایدون که این داستان	۶۳ ، ۵
گرایدونکه پیران ز توران	۱۷۱۶ ، ۱۳f	گرایدون که این شاه گردد	۴۵ ، ۴۵
گرایدون که پیروز باشم	۱۲۰۲ ، ۱۲c	گرایدون که با این سپه	۵۱۱ ، ۱۲b
گرایدونکه پیروز باشم	۵۷۰ ، ۱۳g	گرایدونکه باز آرد آنرا	۴۱۶ ، ۱۳c
گرایدونکه پیروز گردد*	۵۲۱ ، ۴۲	گرایدون که بازو بشمشیر	۱۱۳۳ ، ۱۲c
گرایدونکه پیروز گردد*	۳۱۹۳ ، ۴۱	گرایدون که باشدت	۹۳۷ ، ۳۵
گرایدونکه پیروز گردد	۱۳۶۶ ، ۱۵	گرایدون که باشد زیان	۲۵۹۰ ، ۳۵
گرایدونکه پیمان بجای	۱۷۷۱ ، ۱۳f	گرایدون که با شهریار	۶۷۹ ، ۴۲
گرایدونکه تازانه باز	۱۷۱۸ ، ۱۳	گرایدون که باشی بوهم	۲۳۱۳ ، ۴۳
گرایدونکه ترسی همی	۳۵۲۸ ، ۱۵	گرایدون که باشید با من	۳۵۰ ، ۱۲b
گرایدونکه جنگی بود	۲۶۷ ، ۱۳c	گرایدون که باشید پیروز	۳۲۰۰ ، ۴۱
گرایدون که خاقان	۱۵۶۸ ، ۳۵	گرایدونکه باشید هم	۸۵۰ ، ۱۲d
گرایدون که خشنودی از	۴۱۷ ، ۱۲	گرایدون که باشید هم	۲۰۵ ، ۴۳
گرایدونکه خواهد جهان	۹۵۳ ، ۱۲e	گرایدونکه باشی مرایار	۳۲۱ ، ۱۹
گرایدونکه خواهی که بینی	۱۸۷ ، ۴۴	گرایدونکه با من تو	۳۱۰ ، ۱۲d
گرایدونکه خوی پدردارد	۴۸ ، ۳۴	گرایدون که با من تو	۱۳۵۴ ، ۱۲d

(* ستاره در سطر اول بجای « جنگ » و در سطر دوم بجای « سپاه »

آمده است

گرایدونکه فرمان دهد	۶۷۴ ، ۴۳	گرایدونکه دانیدمن کردم	۸۲ ، ۴
گرایدونکه فرمان دهی	۵۶ ، ۴۳	گرایدونکه دانی که من	۵۰ ، ۱۵
گرایدونکه فرمان شاه	۱۹۵ ، ۱۲d	گرایدونکه درویش باشد	۲۴۹۲ ، ۴۱
گرایدونکه فرمان کنی	۱۲۷۶ ، ۱۳	گرایدونکه دستان شود	۶۳۰ ، ۸
گرایدونکه قیصر بمیدان	۱۲۰۳ ، ۴۳	گرایدونکه دستور ایران	۳۵۲۲ ، ۱۵
گرایدونکه گرد در دست	۱۴۰۶ ، ۱۳f	گرایدون که دستور باشد	۲۳۳ ، ۴۰
گرایدون که گردیم پیروز	۱۹۷۴ ، ۱۵	گرایدون که دهقان بدی	۴۲۰ ، ۲۴
گرایدونکه گشتاسپ با	۳۴۳۷ ، ۱۵	گرایدونکه رایت نبرد	۱۵۸۷ ، ۱۳g
گرایدونکه گفتار من	۱۹۲۲ ، ۱۳g	گرایدونکه رایت نبرد	۲۰۷۸ ، ۱۲d
گرایدونکه گوید که نزد	۴۷۳ ، ۸	گرایدونکه رای شکار	۷۲۷ ، ۱۲b
گرایدونکه گویم بدریا	۱۰۴ ، ۱۳d	گرایدونکه رزم آورم با	۵۰۸ ، ۱۲b
گرایدونکه گوید پیروز	۱۳۱۹ ، ۴۳	گرایدونکه رستم بود	۱۰۵۸ ، ۱۳c
گرایدونکه گویی که ترک	۱۱۹۵ ، ۱۳g	گرایدونکه رستم نگرود	۳۸۸۸ ، ۱۵
گرایدونکه گویی ندانی	۴۵ ، ۴۲	گرایدونکه روشن شود	۹۰۰ ، ۱۳g
گرایدونکه لشکر فزون	۱۲۲۵ ، ۴۲	گرایدونکه زایدرباید	۱۳۰۰ ، ۱۳f
گرایدونکه من بدسگالم	۲۱۴۴ ، ۱۲d	گرایدونکه زایدرباید	۹۴۴ ، ۱۳
گرایدونکه من بودمی	۴۷۷ ، ۳۴	گرایدونکه زایشان یکی	۲۰۲ ، ۱۳b
گرایدونکه نیرو دهد داد	۶۴۰ ، ۱۳c	گرایدونکه زهارخواه	۶۹۳ ، ۴۲
گرایدونکه نیرو دهد کرد	۱۰۶ ، ۳۵	گرایدونکه زو بر تنم بد	۱۸۶۵ ، ۱۳
گرایدونکه نیرو دهد کرد	۴۰۰ ، ۵۰	گرایدونکه زو بهتر آمد	۲۸۸۷ ، ۱۵
گرایدونکه هر چت بپرسم	۱۶۶۲ ، ۱۵	گرایدونکه زین دانش	۳۶۵۴ ، ۴۱
گرایدونکه هر مزنه بر	۳۰۹ ، ۴۳	گرایدونکه زین روی	۷۳۹ ، ۱۲d
گرایدونکه هستم از آزاد	۴۰ ، ۱۴	گرایدونکه زینسان بود	۲۲۷۹ ، ۴۳
گرایدونکه یابم بجان	۹۰ ، ۲۲	گرایدونکه شاید بدین	۷۴۰ ، ۴۳
گرایدونکه یابم رهایی	۱۳۱ ، ۴۰	گرایدونکه فردا کند کار	۳۵۸۱ ، ۱۵
گرایدونکه یابم ز تو	۶۸۸ ، ۱۲e	گرایدونکه فرمان برد	۱۸۷۶ ، ۴۱
گرایدونکه یابی ز کشتن	۲۷۱۹ ، ۴۳	گرایدونکه فرمان دهد	۱۱۱۸ ، ۴۱
گرایدونکه یارم نباشی	۱۶۹ ، ۱۲	گرایدونکه فرمان دهد	۷۰۰ ، ۱۲d
گرایدونکه یزدان بود	۱۲۷۰ ، ۱۳c	گرایدونکه فرمان دهد	۷۲۴ ، ۱۲d
		گرایدونکه فرمان دهد	۱۴۴۹ ، ۱۲d

گراینده تیغ و گرز گران	۴۷۵ ، ۶	گراید و فک یک ماه خواهی	۱۵۳۶ ، ۱۳
گراینده دو تیز پای نوند	۸ ، ۱۲e	گرایزد بنخواهد من از	۳۴۶ ، ۴۳
گراینده گرز و گشاینده	۱۲۴۱ ، ۷	گرایزد مرا زندگانی	۴۸ ، ۳۵
گراینده گرز و نماینده	۱۶ ، ۷	گرایشان از ایران بتور	۲۲۰۳ ، ۱۳۴
گراینده مهر و پیوند تو	۱۱۵ ، ۶	گرایشان بمن چند بد	۱۵۴۷ ، ۱۲c
گراین راز درهند پیدا	۲۳۲۲ ، ۳۵	گرایشان بیایند و فرمان	۵۸۹ ، ۴۳
گراین رازها آشکارا کنی	۱۵۴۱ ، ۷	گرایشان نباشند پیش	۴۵۵ ، ۱۵
گراین راست گردد بهنگام	۱۴۰۷ ، ۴۳	گرایمن کنی مردمان را	۴۵۵۵ ، ۴۱
گراین را که گفتی بجای	۹۹۱ ، ۲۰	گراین آمدن از بی خواسته	۱۱۲۹ ، ۲۰
گراین رستخیز از بی	۷۱۱ ، ۴۱	گراین اسپ سرگین و آب	۱۹۶ ، ۳۵
گراین رفتن من همایون	۱۱۴۴ ، ۴۳	گراین بار سازی چنین	۴۸۳ ، ۱۲
گراینست آیین اسفندیار	۳۱۲۴ ، ۱۵	گراین باشد ای شاه سامان	۲۸۰۵ ، ۱۳g
گر این صورت کرده	۶۰۶ ، ۳۰	گراین بخت پرویز گردد	۴۱۳۵ ، ۴۳
گراین غرم دریا بد او را	۲۳۴ ، ۲۱	گراین بد که گفتی خوش	۷ ، ۴۳
گراین کرد ایران و را	۱۸۲ ، ۲۲	گراین بنده او را ندانده	۴۰۶۰ ، ۴۱
گراین کودک از پاک پشت	۱۶۸ ، ۷	گراین بی خرد سر بیچند	۸۳۸ ، ۴۱
گراین کین ایرج بدست از	۵۰۷ ، ۳۰	گراین پادشاهی ز تخم کی	۲۷۳ ، ۴۳
گراین کینه از ایرج آمد	۲۲۲ ، ۱۱	گراین پادشاهی ز تخم کی	۴۱۵ ، ۴۳
گراین کینه از دلت بیرون	۳۴۰۳ ، ۱۵	گراین پرسش از من بماند	۱۶۷ ، ۱۲c
گراین کینه از من بیرون	۳۰۶۹ ، ۱۵	گراین پند ما را شوی کار	۴۵۷۷ ، ۴۱
گراین گردش جنگ من	۱۴۴۵ ، ۱۳c	گراین پند من سر بسر	۲۸۱۰ ، ۱۳g
گراین گفت من سر بسر	۱۸۵ ، ۱۵	گراین جنگ بیداد بینی	۸۵۶ ، ۴۲
گر این مرد بهرام را	۲۰۷۴ ، ۳۵	گراین خواسته ز و پذیرم	۱۳۷۹ ، ۷
گراین مرد را سربکار	۲۲۱۰ ، ۳۵	گراین درج و این قفل و	۳۷۱۷ ، ۴۱
گراین نامداران ز تو	۱۵۴ ، ۱۲	گراین در خورد با خورد	۱۲۸۸ ، ۴۳
گراین نامور هست مهمان	۴۴۹ ، ۵	گراین دژ بر و بوم آهر من	۱۵۲۵ ، ۱۲e
گراین نشنوی آب من نزد	۴۳۱ ، ۱۲d	گراینده بادی بفرهنگ	۴۱۶۸ ، ۴۱
گراین نغز بازی بجای	۲۷۷۲ ، ۴۱	گراینده باشد بیزدان	۲۸۷ ، ۲۰
گراین نغز بازی بیرون	۲۷۳۳ ، ۴۱	گراینده بد مرد و رومی	۱۳۰۳ ، ۱۳
گر این نیزه در مشت	۱۰۲۵ ، ۱۲c	گراینده تاج و زرین	۸۰۰ ، ۷

گرش ز آرزو باز دارد	۴۹۴ ، ۱۳	گرایین هر چه گفتم نیاری	۴۴۵ ، ۳۰
گوش یکزمان اندر آرم	۱۱۸۸ ، ۱۳b	گرایین هفت یل را بچنگ	۷۷۵ ، ۱۲b
گرفت آفرین پس بدادار	۸۷۰ ، ۱۳f	گرایوان مادر خور شاه	۱۹۰۷ ، ۱۳g
گرفت آفرین زال بر کرد-	۸۹۰ ، ۷	گرایوان ما سربکیوان	۱۵۷۰ ، ۷
گرفت آن برویال گرد	۷۴۱ ، ۱۲	گرایوان من سربکیوان	۲۴۰۰ ، ۱۲d
گرفت آن دو فرزند رادر	۳۱۲ ، ۸	گراییده باشی بکردار	۴۱۶۲ ، ۴۱
گرفت آن زمان دست	۷۰۴ ، ۷	گرت چیره گردد برایشان	۱۷۳ ، ۱۳f
گرفت آن زمان دست مهتر	۳۳۵۴ ، ۱۵	گرت دل نه بارای آهر من	۵۴۲ ، ۱۲e
گرفت آن زمان سام دستش	۱۴۱۶ ، ۷	گرت دیگر آید یکی	۱۹۹ ، ۱۱
گرفت آن سخن بردل	۱۳۱۲ ، ۴۳	گرت رای با آزمایش بود	۷۹ ، ۲۴
گرفت آن سر تخت شاه	۱۸۹۰ ، ۴۱	گرت رای بیند جو شیر	۱۴۶۷ ، ۱۳c
گرفت آنکه اسپ سیامک	۱۹۰۳ ، ۱۳f	گرت رای جنگست چنگ	۴۰۸ ، ۱۳f
گرفتار در دست آزون نیاز	۱۲۰۰ ، ۳۵	گرت رنج نایدز گفتار من	۸۸۵ ، ۱۵
گرفتار دل زوشده نا امید	۱۸۶ ، E	گرت رنج نایدز گفتار من	۸۵۴ ، ۱۳e
گرفتار شد آن گونره شیر	۱۵۴۵ ، ۱۵	گرت زین بد آمد گناه	۱۱۹ ، E
گرفتار شد اردوان در	۳۶۸ ، ۲۱	گرت سربکارست بیسیج	۴۳۹ ، ۶
گرفتار شد قیصر نامدار	۴۵۵ ، ۳۰	گرت نام شاه آفریدون	۲۵۹ ، ۶
گرفتار فرمان یزدان بود	۸۱۴ ، ۷	گرت هست با شاه ایران	۱۲۶۷ ، ۴۲
گرفتار کشتن نه والابود	۵۶۹ ، ۸	گرت هست جامی می زرد	۹۹۵ ، ۴۱
گرفتار کشتند ازان سرور	۱۱۴۶ ، ۷	گرت هیچ گنجیست ای	۷۷۲ ، ۵۰
گرفتاری ورنج اوراسزا	۴۶۳ ، ۱۹	گرت هیچ سختی بروی	۱۹۳ ، ۷
گرفت از گرامی نبرده	۵۴۲ ، ۱۵	گرت هیچ یادست کردار	۱۴۵۵ ، ۱۲c
گرفت او از آن شهر راه	۱۰۰۱ ، ۴۳	گرتزم آن بداندیش بدخو	۱۴۳۲ ، ۱۵
گرفت او سبک تیغ هندی	۲۰۸۵ ، ۱۵	گرتزم بد آهوش گفت از	۸۹۷ ، ۱۵
گرفتش باغوش کاووس	۶۸۴ ، ۱۲	گرتزم دلاور چو زان	۸۴۳ ، ۱۲b
گرفتش باغوش در شاه	۱۵۸۳ ، ۱۳c	گرتش بار خارست خود	۱۱۴۶ ، ۶
گرفتش ببر باز فرزند	۸۴۴ ، ۱۳f	گرتش بینم آنگاه آیدت	۹۷۹ ، ۱۲c
گرفتش ببر تنگ و بنوا-	۱۱۸۸ ، ۱۲d	گرتش پیر خوانند با نو	۵۰۹ ، ۷
گرفتش ببر شهر یار زمین	۷۵۵ ، ۱۲e	گرتش خوار گیرد همانند	۵۱۱ ، ۲۰
		گرتش رای جنگست و خون	۱۱۶۱ ، ۶

گرفتند بر میمنه جایگه	۳۳۸ . ۱۳۴	گرفتش بچپ کردن و *	۶۸۶ . ۱۳g
گرفتند بسیار و بردند نیز	۱۳۷۸ . ۱۳	گرفتش بچپ کردن و *	۸۱۵ . ۱۳۴
گرفتند بسیار و کردند	۳۹۲ . ۳۰	گرفتش جهان پهلو ان در	۱۷۱۰ . ۷
گرفتند بیره گروهها گروه	۱۱۵۳ . ۶	گرفتش دوران بر کشید	۲۰۲۲ . ۱۵
گرفتند پیکار با بازخواه	۱۱۶۶ . ۱۲e	گرفتش ز کردار کیتی	۲۶۳۵ . ۳۵
گرفتند تا بوت او سر بزیز	۱۵۶۳ . ۱۲c	گرفتش سبک دست شاه	۱۲۳۱ . ۶
گرفتند ترکان همه تا ختن	۸۸۵ . ۱۳۴	گرفتش سپهدار چین در	۲۴۹۲ . ۴۳
گرفتند چون گورش اندر	۶۰۲ . ۱۳c	گرفتش سنان و کمان و	۱۰۱۱ . ۱۲c
گرفتند خاقان چین را پناه	۱۶۱۶ . ۳۵	گرفتش فش و یال اسب سیاه	۴۰۴۲ . ۱۵
گرفتندشان یکسر اندر	۶۶۵ . ۱۳b	گرفتش کمر بند و افکند	۱۰۵ . ۱۱
گرفتند شمشیر هندی	۲۹۱ . ۱۳b	گرفتش هم آنکه دوشاخ	۹۱۷ . ۱۲
گرفتند گردان بیاسخ	۱۷۷۶ . ۱۳۴	گرفتش بگوینده بر آفرین	۱۰۵۸ . ۱۵
گرفتند گرداندرش چار	۱۲۱۱ . ۱۵	گرفتش دوال کمر بند او	۱۱۸۰ . ۱۲c
گرفتند گردش دلاور	۱۰۶ . ۱۱	گرفتش کمر بند اسفندیار	۳۸۴۸ . ۱۵
گرفتند مریکد گرا بپر	۱۳۸۱ . ۱۲d	گرفتش کمر بند مرد دلیر	۱۱۴۰ . ۷
گرفتند مریکه گرا بپر	۲۱۹۶ . ۱۳g	گرفتش کمر گاه دیوسپید	۳۸۴۴ . ۱۵
گرفتند مریکد گرا بپر	۲۴۶۹ . ۳۵	گرفتند آن شاه را در میان	۸۴۰ . ۵۰
گرفتند مریکد گرا کنار	۱۹۹۵ . ۱۲d	گرفتند آن شهر تورانی	۳۲۲ . ۱۳
گرفتند مریکد گرا کنار	۱۱۵۳ . ۱۳b	گرفتند از آن پس دوال	۳۶۷۳ . ۱۵
گرفتند مریکد گرا کنار	۱۳۱۲ . ۱۲b	گرفتند از آن پس عمود	۱۰۸۲ . ۱۲c
گرفتند مریکد گرا کنار	۱۷۹۲ . ۱۳۴	گرفتند از آن پس عمود	۲۸۵ . ۱۳b
گرفتند مریکد گرا کنار	۸۱ . ۱۴	گرفتند از ایشان فراوان	۱۷۵۲ . ۲۰
گرفتند مریکد گرا کنار	۹۴ . ۴۲	گرفتند از ایشان هزار و	۱۴۹ . ۱۲e
گرفتند ناگاه کاووس را	۲۰۵ . ۱۲b	گرفتند از او سر بسردین	۱۱۸ . ۱۵
گرفتند نفرین بر آن	۵۱۰ . ۱۲e	گرفتند باژ و بخوردند	۲۰۷۵ . ۴۳
گرفتند نفرین بهرام	۳۲۱۱ . ۴۳	گرفتند با یکدگر گفتگو	۳۲۱۴ . ۱۳۴
گرفتند و بردند بسته چو	۱۲۹ . ۵	گرفتند بر پهلو ان آفرین	۱۰۸۳ . ۱۳c
		گرفتند بر کینه چستن	۱۱۷۴ . ۱۳e

(* ستاره در سطر اول بجای « راست پشت » و در سطر دوم بجای « راست

ران » آمده است .

گرفتند و بردند پویان	۴۴۰	۱۲c	گروگان فرستد بنزدیک	۹۰۵	۱۲d
گرفتند و بستند در بند	۲۰۷	۱۲b	گروگان که از کوچ آورد	۱۷۹۳	۴۱
گرفتند هر دو بر او آفرین	۱۷۲۰	۱۲d	گروگان که داری بدرگه	۱۰۶۴	۱۲d
گرفتند هر دو عمود گران	۱۹۸۳	۱۳f	گروگان و آن خواسته هر	۱۲۸۵	۱۳f
گرفتند هر سه و رادر کنار	۵۰	۱۳	گروگان و این خواسته هر	۱۱۶۷	۱۲d
گرفتند هر کس کمند و	۱۳۹	۱۳d	گروگان و این خواسته هر	۱۱۳۲	۱۲d
گرفتند هر مهتری یادپار	۱۶۸	۲۱	گروگان همی خواهد از	۹۲۹	۱۲d
گرفتند هر یک شمار سپه	۴۳۸۴	۱۵	گروگرد بودی نشست	۱۲۳۶	۱۳
گرفتند هر یک کمندی	۱۳۳۲	۱۳	گروهی بهرام باشند شاد	۶۴۷	۳۴
گرفتند یکسر بدو آفر-	۲۰۵۸	۳۵	گروهی بطلحند کردند	۳۰۷۱	۴۱
گرفتند یاران بر او آفر-	۱۰۶۵	۴۳	گروهی بکنده درون پر	۳۲۹۷	۴۱
گرفتند یکسر بر او آفر-	۴۲۸	۱۹	گروهی خداوند بر چارپا	۱۱۵۷	۶
گرفتند یکسر بر او آفر-	۱۹۱۵	۴۱	گرومی ز آهن گران رنجه	۱۰۹۱	۱۳g
گرفتند یکیک بر او آفر-	۸۸۶	۱۳	گروهی ز نام آوردان خسته	۴۳۳	۱۲b
گرفتندش بهتر ز کشتن	۸۴۲	۴۱	گروهی سران چون سر آمد	۱۹۹۸	۱۳g
گرفتن نیارست و بستن	۲۲	۹	گروهی سوی خسرو	۱۹۴۹	۴۲
گرفته بدست اسپشان	۷۹۸	۱۳f	گروهی که بایست کردند	۲۶۳۲	۳۵
گرفته دل افروز را بر کنار	۲۷۹	۲۲	گروهی که کاتوزیان	۱۹	۴
گرفته سپر پیش و زوین	۲۰۴۱	۱۳f	گروهی که یارند بانوش	۸۱۳	۴۱
گرفته سر خویش در	۲۳۱۳	۱۳g	گروی آنکه از کام و داد	۱۱۴	۱۳c
گرفته کسی تاج و تخت	۲۵۳۴	۱۳g	گروی زره آنکه از تخم	۳۰۵	۱۳
گرفته کمان کیانی بچنگ	۱۵۲۶	۱۵	گروی زره را بیاورد	۲۴۱۳	۱۳f
گرفته همان تیغ زهر آب	۷۴۰	۱۵	گروی زره را گره تا گره	۲۴۵۹	۱۳f
گرفته یکی جام هر یک	۱۳۸۸	۷	گروی زره کز میان سپاه	۱۸۳۱	۱۳f
گرفتند زمین و آنچه بد کام	۶۱۴	۱۲b	گره بسته و ز ناز بر نافته	۲۳۳۱	۴۱
گرفتیم و دیدیم راز	۴۳۸۸	۱۵	گره سست شد بر در رنج	۷۲۷	۱۲e
گرم از در شوی یابی	۲۹۹۸	۴۳	گریزان بیالا چرا بر شد	۳۷۶۳	۱۵
گرم بی هنر یافتی روز	۱۳۱۷	۱۳f	گریزان بر فست از این	۷۰۵	۴۳
گرم زندگانی دهد کرد-	۵۷۲	۱۴	گریزان بر فستد یکسر	۸۹۰	۱۲e
گرم نزد سالار توران	۲۹۹	۱۳e	گریزان بشد بهمن اردوان	۳۴۳	۲۱

گزارنده بردی بدیوان	۸۴ ، ۴۱	گریزان بشد پیش	۱۵۲۱ ، ۱۳c
گزارنده خواب باید کسی	۷۹۴ ، ۱۲d	گریزان بشد فیافوس و	۵۲ ، ۱۸
گزارنده خواب پاسخ	۱۰۱۱ ، ۴۱	گریزان بیامد بهاماوران	۳۴۵ ، ۱۲b
گزارنده خواب را بدره	۱۰۹۰ ، ۴۱	گریزان بیامد زدرگاه	۸۴۱ ، ۱۴
گزارنده خواب را خواند	۱۰۰۹ ، ۴۱	گریزان بیامد سوی	۶۷۲ ، ۱۳c
گزارنده خواب و جنگی	۱۲۸۱ ، ۱۲e	گریزان در این بیشه جستم	۳۶ ، ۱۲d
گزارنده خواب و دانا	۱۰۱۷ ، ۴۱	گریزان زیاد اندر آمد	۵۳۶ ، ۱۳b
گزارنده را پیش بنشانند	۳۵۵۷ ، ۴۱	گریزان زمن تاب داده	۱۱۳۷ ، ۱۲e
گزارنده گفت این نه اندر	۱۰۶۸ ، ۴۱	گریزان سپهرم از آن روی	۷۱۰ ، ۱۲d
گزارنده مفرمای خون	۳۹۷۵ ، ۴۱	گریزان شد از جاسپ از	۳۲۸۲ ، ۱۵
گزارنده کاری نو آمد	۵۳۵ ، ۱۲c	گریزان شد از کیو پیران	۱۰۳۶ ، ۱۲e
گزارنده هر که جوید بدی	۲۵۱۳ ، ۴۳	گریزان شد از نامدار دلیر	۱۰۳۱ ، ۱۲
گزند آمد از یاسبان	۴۴۰ ، ۴۴	گریزان شد دست او ز مادر	۱۱۱۱ ، ۱۳g
گزند آیدت زان سر بی	۵۷۷ ، ۱۳g	گریزان شما ساس با چند	۵۴۳ ، ۸
گزند آیدم زین جهاندار	۸۷ ، ۴۲	گریزان شما ساس و کرد	۵۲۳ ، ۸
گزند تو آید ز پور بشتنگ	۲۱۶۹ ، ۷	گریزانم و تو پس اندر	۱۱۲۷ ، ۴۲
گزند تو پیدا گزند من	۱۰۲۳ ، ۷	گریزان نباید شد از پیش	۲۳۱۶ ، ۱۳f
گزند و بلای توا ز من	۱۲۴۰ ، ۱۳g	گریزان و از خویشتن	۱۲۷ ، ۵
گزند که آید بایران	۳۰۷ ، ۴۱	گریزان و رخسارگان پر	۶۰۴ ، ۱۳c
گزیت رز با زورش درم	۷۷ ، ۴۱	گریزان و رستم پس اندر	۱۴۵ ، ۱۳d
گزیتش بدادند شاهان	۳۷ ، ۱۵	گریزان و لشکر پس اندر	۶۰۴ ، ۱۳b
گزیتش نپذیرفت و نشنید	۳۹ ، ۱۵	گریزان همه شهر ایران	۲۰۶ ، ۳۰
گزیت و خراج آنچه بد نام	۸۶ ، ۴۱	گریزان همه شهر گریان	۴۵۸۷ ، ۱۵
گزیتی نهادند بر یک درم	۷۳ ، ۴۱	گریزان همه رفت مهتر	۱۱۱۴ ، ۴۲
گزید این دلم دخت مهرباب	۷۶۶ ، ۷	گریزد سر انجام سالار	۴۳۱ ، ۱۵
گزیدش یکی روز فرخنده	۳۲۶۹ ، ۱۳g	گریزند از آن مرد دانش	۲۳۲ ، ۲۰
گزیدم بدان سوری آب	۱۱۰۴ ، ۱۲d	گریزندگان را در آن	۱۶۴۲ ، ۱۳g
گزیدند پس موبدی تون	۳۵۱ ، ۶	گریزند شد پیلسم زاردها	۹۵۵ ، ۱۲b
گزیدند تیغ یکی بر ز کوه	۶۳۸ ، ۱۳	گریزی بهنگام با سر	۶۷۱ ، ۱۳c
گزیدند جای که هر گز	۲۳۶۹ ، ۴۳	گزارش همه کرد اسفند	۸۵۷ ، ۱۵

گزین کرد از آن سرکشان	۵۷۹ ، ۴۳	گزیدند در قلبکه جای	۱۷۲ ، ۱۳b
گزین کرد از آن فیلسوف	۶۹۸ ، ۴۱	گزیدند میخوارگان خواب	۲۴۹۳ ، ۳۵
گزین کرد از آن لشکر	۱۳۷۴ ، ۱۳	گزید و فرستاد ز پهلوان	۲۱۰۷ ، ۷
گزین کرد از آن لشکر	۱۲۵۱ ، ۱۳g	گزیده پس اندرش فرهاد	۴۰۰ ، ۱۳
گزین کرد از آن لشکر	۴۳۵ ، ۲۱	گزیده ز نام آوران شش	۱۰۴۶ ، ۶
گزین کرد از آن لشکر	۴۴۹ ، ۴۱	گزیده سپاهی ز گردان	۱۵۹ ، ۱۳g
گزین کرد از آن مهتران	۶۴۵ ، ۲۱	گزیده سپهبد هم از بامداد	۸۱۵ ، ۱۵
گزین کرد از آن نامدار	۱۲۴۰ ، ۱۲e	گزیده سواری ز شهر	۵۲ ، ۴۶
گزین کرد از آن نامدار	۶۶۲ ، ۱۲d	گزیده شرعی بیمار استند	۱۶۳۹ ، ۴۳
گزین کرد از آن نامدار	۴۰۶۲ ، ۴۳	گزی دید بر خاک سر بر	۳۹۲۹ ، ۱۵
گزین کرد از ایران چل	۳۲۷۹ ، ۴۳	گزیدی ز لشکر ده و دو	۴۹۷ ، ۴۲
گزین کرد از ایران ده و	۱۶۹۸ ، ۴۲	گزینان ایران واسپهبد	۲۱۵ ، ۱۵
گزین کرد از ایران فرستاده	۴۲۰۲ ، ۴۱	گزینانش گفتند کای شهر	۹۷۸ ، ۱۵
گزین کرد از ایران نیان ده	۱۷۶۷ ، ۱۳g	گزینان کشورش را بار	۸۴۴ ، ۱۵
گزین کرد از ایران نیان سه	۳۶۹ ، ۳۰	گزینان لشکرش را بار	۸۸۶ ، ۱۵
گزین کرد از ایران نیان سی	۵۷۹ ، ۲۰	گزین بزرگان آن شهر	۸۴۱ ، ۱۲
گزین کرد از ایران نیان شش	۱۴۷۲ ، ۳۵	گزین بزرگان کیخسرو	۴۱۷ ، ۱۳f
گزین کرد از ایران نیان لشکر	۴۷۲ ، ۴۲	گزین تو باید بدو گفت زن	۲۷۱ ، ۱۲d
گزین کرد از ایشان ده و دو	۱۵۹۷ ، ۱۵	گزینند همیشه درون جای	۵۳۱ ، ۱۳f
گزین کرد از او بار گیده	۱۴۳۰ ، ۲۰	گزینند ز گردان لشکر	۱۳۳۴ ، ۴۲
گزین کرد بوژن ز لشکر	۸۹۸ ، ۱۳f	گزینند سپارد بدو جای	۱۵۱۹ ، ۱۳f
گزین کرد پس رستم ز ابلی	۱۲۰ ، ۱۲e	گزین سمدوقاص را با سپاه	۲۸ ، ۵۰
گزین کرد پس هر که بد	۷۶ ، ۴۰	گزین کرد از آن اشتران	۲۹۵۴ ، ۴۳
گزین کرد پیری خردمند	۲۲۰۵ ، ۴۱	گزین کرد از آن بخردان	۴۷۲ ، ۱۳g
گزین کرد خسرو برستم	۱۱۰ ، ۱۳f	گزین کرد از آن نازیان	۴۹۱ ، ۳۴
گزین کرد خسرو پس	۴۰۵۵ ، ۴۳	گزین کرد از آن جنگیان	۲۰۶۱ ، ۴۳
		گزین کرد از آن رومیان	۱۵۸۷ ، ۴۳
		گزین کرد از آن رومیان	۳۳۶ ، ۲۰

گزیبن کرد دست چیش را	۳۰۵ ، ۱۳g	۵	۵۳۴ ،	گسسته شد از خویش روی بوند
گزیبن کرد رستم ده و دو	۵۰۵ ، ۴۲	۱۱	۹۸ ،	گسسته شد از هم کمر بند
گزیبن کرد شاه از میان	۱۲۳ ، ۱۲b	۲۰	۲۰۶۴ ،	گسسته شد اندر جهان کام
گزیبن کرد شمشیر زنی سی	۷۷۹ ، ۱۲b	۱۵	۳۴۲۸ ،	گسته شود تخم دستان
گزیبن کرد شمشیر زنی سی	۳۳۳ ، ۱۳f	۱۳e	۴۵۸ ،	گسسته لکام و نکونسار
گزیبن کرد شمشیر زنی سی	۱۸۴ ، ۱۳g	۱۲d	۱۰۳ ،	گسی کرد از آن گونه او
گزیبن کرد قیصر ده و دو	۵۸۵ ، ۲۰	۱۳e	۱۱۴۷ ،	گسی کرد بار و بر آراست
گزیبن کرد گردی که	۲۸۶۵ ، ۱۵	۱۲d	۴۹۳ ،	گسی کرد سودا به را خسته
گزیبن کرد گسسته از ایران	۱۹۲۵ ، ۴۳	۱۲d	۲۸۸۶ ،	گسی کرد شان سوی آنجا
گزیبن کرد مردی سخن	۳۰۹۳ ، ۴۱	۳۵	۲۵۲۳ ،	گسی کرد شان شاد و خشنود
گزیبن کرده ام در خورت	۱۵۴ ، ۱۳f	۷	۸۸۳ ،	گسی کردش و خود براه
گزیبن کرد هشتاد تن نوذر	۱۸۳ ، ۱۳	۷	۱۳۱۲ ،	گسی کردمش بادل مستمند
گزیبن کرده و مان ز توران	۵۷۰ ، ۱۳b	۷	۱۶۳۷ ،	گسی کردمش بادای شاد
گزیبن کن از ایران یکی	۲۵۵۴ ، ۴۳	۲۲	۳۹۶ ،	گسی کردش را فرستاده
گزیبن کن ز جنگ آوران	۷۷۵ ، ۱۳g	۱۳f	۱۲۸۶ ،	گسی کن بزودی بنزدیک
گزیبن کن ز گردان ایران	۱۱۸۱ ، ۱۳f	۵۰	۵۴۴ ،	کشاد آسیابان در آسیا
گزیبن کن ز هندوستان صد	۲۰۱۶ ، ۳۵	۱۵	۳۳۶ ،	کشاد آن در گنج پر کرده
گزیبن کن یکی روزگار	۱۹ ، ۹۶	۷	۸۵۵ ،	کشاد آن سخن بر ستاره
گزیبن کن یکی مرد	۲۸۵۶ ، ۱۵	۱۳g	۲۴۰۵ ،	کشاد آن کیانی کمنداز
گزیبن کیانی و پشت سپاه	۸۰۳ ، ۱۳e	۱۵	۴۵۹۰ ،	کشاد آن میان بستن
گزیبن گوان شهره فرهاد	۶۶۵ ، ۱۳	۵	۴۱۰ ،	کشاد آن نکار جگر
گزیبن و مهین پور اهر اسپ	۱۳۹ ، ۱۵	۱۲	۷۵۸ ،	کشاد از میان آن کیانی
گزیبنیم شبگیر مردان مرد	۱۶۳۱ ، ۱۳f	۴۳	۱۶۹۶ ،	کشاد از میان شاه زرین
گسارنده آورد جام بلور	۴۷۲ ، ۳۵	۱۲c	۳۵۲ ،	کشادش رخ آنکاه گرد
گسارنده باده و رود ساز	۸۵ ، ۱۲c	۴۳	۳۵۱۵ ،	کشادند از این پس در گنج
گسارنده می آورد و	۳۹۵ ، ۷	۱۲e	۸۱۱ ،	کشادند از دیدگان هر دو
گسستنش پیدا و بستن نهان	۵۶۸ ، ۷	۵	۳۷۷ ،	کشادند بر آفریدون سخن
گسست و بخاک اندر آمد	۸۹ ، ۱۱	۵۰	۷۰۶ ،	کشادند بند قیای بنفش
گسسته شد آن لشکر و بار	۴۰۴ ، ۳۰	۴۱	۱۴۰۸ ،	کشادون بر او بر در گنج

کشاده شود زین سخن راز	۹۸۱ ، ۴۳	کشادن در گنج را گاه دید	۲۷ ، ۶
کشاده شود کار بر دست او	۳۴۲ ، ۱۳	کشادند گردان سراسر	۱۵۶۱ ، ۱۲c
کشاده شود هر چه ما بسته	۶۲۶ ، ۲۲	کشادند گردان سراسر	۸۹۷ ، ۱۳b
کشاده کن آن راز و با من	۱۱۶۶ ، ۴۲	کشادند گردان کمرهای	۹۲۸ ، ۱۳e
کشاده نباید که دارید	۸۹۱ ، ۱۳b	کشادند گویا زبان آن	۱۱۹ ، ۴۴
کشادی سپه را بدین تیغ و	۸۷۵ ، ۱۳f	کشادند لب کای سپهر	۲۶۴۶ ، ۱۳g
کشادی سر بدره ها شهر یار	۲۴۸۷ ، ۱۳g	کشادند هر جای رودی	۲۱۰ ، ۴۰
کشاید در گنج بر ناسزا	۱۳۱۴ ، ۴۱	کشادنش بر تیغ تیز منست	۱۱۲ ، ۸
کشایم در دخیله شاه باز	۶۲۹ ، ۴۴	کشاده برایشان بود راز من	۱۰۵ ، ۶
کشایم در گنج پر خواسته	۳۳۷۶ ، ۱۵	کشاده برت باشد و دست	۷۵ ، ۲۴
کشایم در گنج تاج و کمر	۱۲۲۷ ، ۱۳g	کشاده بری گرد زور آزما	۲۰۴۱ ، ۴۱
کشایم در گنج دیرینه باز	۳۹۸۳ ، ۱۵	کشاده بفرمود تا اگر گ	۲۰۴۹ ، ۱۵
کشایم در گنجهای کهن	۲۹۷۲ ، ۱۵	کشاده تر آن باشد اندر	۸۵۳ ، ۷
کشایند از این آب دریا	۲۱ ، ۱۸	کشاده در گنج وافکنده	۳۷۹ ، ۷
کشاینده بند بسته تویی	۶۴۲ ، ۱۳e	کشاده دلان را بود بخت	۱۲۹۷ ، ۴۱
کشاینده بندهای بدی	۱۱۹۱ ، ۶	کشاده زبان مرد بسیار	۷۱۵ ، ۶
کشسب آنکه بد نیز گنجور	۲۹۴ ، ۴۴	کشاده زبان و جوانیت	۱۷۱ ، E
کشسب سرافراز مردی	۳۸۰۷ ، ۴۱	کشاده زبان و دل و پاک	۳۰ ، ۱۳g
کشن لشکری ساخت افرا-	۲۴۲ ، ۱۲b	کشاده زنج کردش و تیز	۱۴۱ ، ۱۰
کشن لشکری سازد افرا-	۱۱۸۴ ، ۱۳e	کشاده ست بر پنج تن راز	۱۴۰ ، ۴۰
کلابست گفتمی هوارا	۲۴۵۴ ، ۴۱	کشاده ست بر مادر راستی	۱۵۷ ، ۴۱
کلابست گویی بجویش	۳۵ ، ۱۲	کشاده ست بر هر کس این	۱۱ ، ۲۲
کلاب و می وز افرا نجام	۴۵۹۲ ، ۴۱	کشاده سخن کس نیارست	۷۷۴ ، ۷
کل ارغوان را کند ز نفر-	۳۹۶ ، ۴۰	کشاده سخن مرد بارای	۱۴۲۴ ، ۲۰
کل اندر زمان بر نگینش	۲۷۳۰ ، ۴۳	کشاده سلیح و گسسته	۸۲۷ ، ۱۳f
کل خوبیا لیز شاهان مباد	۸۶۵ ، ۵۰	کشاده شد آن کس که او	۲۳۲۳ ، ۳۵
گلستان چین با چهل	۲۴۳۸ ، ۴۱	کشاده شد آن مرز آباد	۶۵۸ ، ۴۱
گلستانش بر کند و سرو	۵۹۱ ، ۶	کشاده شد این گنگ افرا	۱۴۹۰ ، ۱۳g
گلستان که امروز باشد	۱۴ ، ۴۱	کشاده شود از تو کار مگر	۱۵۰۷ ، ۴۳
گلستان که امروز گردد	۱۸۲ ، ۱۱	کشاده شود راه لشکر مگر	۱۲۱۹ ، ۱۳

گمانم چنان شد که سندان	۱۱۳۵	۷	گل شنبلیدش پراز زاله	۱۲۵۶	۴۳
گمانم که آن چینی این	۹۰۶	۱۲c	گلوی سیاوش بخنجر	۴۵۳۶	۱۵
گمانم که آن رستم بیلتن	۱۳۸۹	۱۳b	گله آن کجا بود یکسر	۱۳۶	۱۳d
گمانم که امشب شیخون	۱۶۰۰	۱۳g	گله دار اسپان افراسیاب	۱۳۱	۱۳d
گمانم که باشد نمک بار	۲۰۳۳	۷	گله دار اسپان من پیش	۱۲۹	۳۴
گمانم که تورستم دیگری	۵۳۷	۴۲	گله دار چون بانگ اسپان	۱۳۷	۱۳d
گمانم که رستم نزدیک	۱۳۸۱	۱۳b	گله دار و چوپان همه کشته	۱۳۷۹	۱۳
گمانم که ما راهم او دوست	۴۲۵۰	۴۱	گله کرد باید بکیتی یله	۱۹۷۰	۱۲d
گمانم که هست از نژاد	۶۷۱	۱۴	گله هر چه بودش بدشت و	۲۷۱	۱۳g
گمانند کاین بیشه پر خون	۱۵۳	۵۰	گله هر چه بودش بزابل	۱۰۰	۱۰
گمان و دل و دانش و رای	۱۲۰۰	۱۲d	گله هر چه بودش ز اسپان	۴۸	۱۳f
گمانی برم گفت کان گرد	۶۲۳	۱۵	گله هر چه هست اندر آن	۷۹۳	۱۲e
گمانی برم من که اورستم	۱۲۳۵	۱۲c	گلینوش بر پای جست آن	۶۲	۴۴
گمانی برم من که پیران	۹۴۲	۱۳f	گلینوش بشیند بر پای	۸۲	۴۴
گمانی چنان برد بیژن که	۲۲۲۳	۱۳f	گلینوش را گفت فرخ قباد	۶۵	۴۴
گمانی چنان برد کورا	۳۵۸۷	۴۱	گلینوش گفت ای جهان	۶۸	۴۴
گمانی چنان برد کورا پدر	۱۸۴	۱۲d	گلینوش گفت ای گران	۷۵	۴۴
گمانی چنان برد کورستم	۹۷۲	۱۲b	گمان برد باید که پیران	۱۶۰۷	۱۳b
گمانی چنان برد گودرز	۱۳۹۷	۱۳c	گمان برد رستم کش از دور	۳۶۴۰	۱۵
گمانی چنان بردم ای شهر	۱۲۶۷	۷	گمان برد رستم که پولاد-	۱۵۱۷	۱۳c
گمانی نبردم که از اردشیر	۳۵۲	۲۱	گمان برد کاندر نیستان	۶۱۷	۱۳c
گمانی نبردم که ایرانیان	۵۳۶	۱۳g	گمان برد کو گپورا یافت	۱۱۲۳	۱۲e
گمانی نبردم که رستم ز	۳۹۵۹	۱۵	گمانت چنینهست کاین تاج	۱۶۷۶	۴۲
گمانی نبردم که نزدیک	۱۴۳۴	۴۲	گماند کز و بگذری راه	۱۹۸۳	۴۱
گمانی نبردم که هرگز	۱۳۱۸	۱۲e	گمانم چنان بد که تاسال	۸۸	۲۴
گمانی همی آن برم بر سر	۶۹۹	۱۳	گمانش چنان بد که گردا	۶۱۶	۱۲b
گناه از گنه کار بکذاشتن	۶۴۵	۳۰	گمانم چنان بد که اوسر	۱۱۱۸	۱۲
گناه بزرگان ببخشید شاه	۱۹۵	۴۰	گمانم چنان بود گفتم	۱۶۲۰	۱۲c
گناهی بیزدان دارنده	۱۳۹۱	۴۳	گمانم چنانست کو با سپاه	۲۰۹۱	۱۳f

کنه گرم را بود پیران چه	۴۲۶ ، ۱۳g	گناهم بیامرز و یوزش پذیر	۳۵۵۸ ، ۱۵
کنه یکسر افکند سوی	۱۷۳۷ ، ۴۱	گناهی که باشد کم و بیش	۲۴۷۵ ، ۴۱
گوازه بسی باشدت با فسوس	۹۲۱ ، ۱۲e	گناهی که تا این زمان کرد	۱۶۷ ، ۱۳f
گوازه همی زد پس او فرود	۸۸۱ ، ۱۳	گناهی که کردی یزدان	۳۷۸۳ ، ۱۵
گوا شیر گیرا بلا مهترا	۴۵۷۸ ، ۱۵	گناهی مرا اندر این بوده	۳۲۳ ، ۱۳e
گوا کردستان و رستم بر	۱۲۸ ، ۱۳	کنه بس گران بود یوزش	۱۰۲۵ ، ۶
گوا کرد رزمهر و خرآد	۳۱۸ ، ۴۰	گنهکار اگر بود مهراب	۱۳۹۵ ، ۷
گوا کرد مر سرو آزاد را	۴۷ ، ۱۵	گنهکار با خواسته هر چه	۴۱۷ ، ۱۳c
گوان از بی گنج و فرزند	۱۱۵۲ ، ۱۳c	گنهکار باشد یزدان	۳۲۴۵ ، ۱۳g
گوان خوان و اگوان دیوش	۱۸۳ ، ۱۳d	گنهکار باشد تن زیر دست	۶۴۸ ، ۳۰
گوان را بتخت کیی بر نشان	۵۹ ، ۱۳	گنهکار با گنج و با خواسته	۴۵۰ ، ۱۳c
گوا دمن اندر جهان ایزد	۲۲۱ ، ۱۳c	گنهکار بد بیژن ترک نیز	۹۳۳ ، ۵۰
گواه منست آفریننده ام	۱۴۳۳ ، ۱۳g	گنهکار بهرام خود با سپاه	۱۴۲ ، ۴۴
گواهی دهد در جهان خاک	۱۱ ، ۱۳g	گنهکار بیبر تویی در جهان	۲۵۱ ، ۴۳
گواهی دهم کاین سخن راز	۱۰۴ ، E	گنهکار تر چیره مردم بود	۱۱۶۷ ، ۲۰
گواهی من از بهز این داد	۱۸۹ ، ۴۲	گنهکار تر در زمانه منم	۶۳ ، ۵۰
گواهی همی داد دل در	۶۸۱ ، ۱۲d	گنهکار جز خویش افرا-	۵۲۹ ، ۱۳c
گواهی نبشتندی یکیک مهان	۹۳۶ ، ۴۳	گنهکار چون روی بیژن	۹۰۶ ، ۵۰
گو پرمنش نام او اهرنا	۴۷۳ ، ۱۴	گنهکار خون سربی گناه	۱۰۴ ، ۱۳c
گو پیلتن با سپاه از پست	۱۳۷ ، ۱۲e	گنهکار خون سربی گناه	۲۸۱ ، ۱۳c
گو پیلتن جنگ را ساز	۷۰۱ ، ۱۲	گنهکار داری مرا بی گناه	۱۱۷۹ ، ۱۳f
گو پیلتن دید با تیغ تیز	۴۳۴ ، ۱۲b	گنهکار کردی یزدان تن	۵۱ ، ۳۴
گو پیلتن را بر خویش	۶۴۵ ، ۱۲d	گنهکار گشت آنکه بشکست	۱۲۲ ، ۳۹
گو پیلتن را چنان خسته	۴۵۲۶ ، ۱۵	گنهکار ما بیم وار پادشا	۲۴۸۲ ، ۱۳f
گو پیلتن را جوهر پشت	۱۳۸۰ ، ۱۲c	گنهکار و افکندگان تواند	۴۲۰ ، ۱۲
گو پیلتن سر سوی راه کرد	۱۴۸۳ ، ۱۲c	گنهکار هم پیش یزدان تویی	۳۱۱۲ ، ۴۱
گو پیلتن کرد جنگال باز	۱۱۲۵ ، ۱۲	گنهکار یزدان مباشید	۱۸۹۴ ، ۳۵
گو پیلتن نیز پیمان بست	۴۴۳ ، ۱۲b	گنهکار یزدانی و ناسپاس	۲۴۳ ، ۴۳
گو پیلتن گفت جنگی منم	۳۳۴ ، ۱۲b	کنه کردگان راه را سان	۲۲ ، ۴۲
گوزنست اگر آهوی دلبر	۵۸ ، ۱۲d	کنه کرده را بند پیش آور	۶۱۵ ، ۳۴

گرفتن آمد بدیگر سرا	۷۱۱ ، ۱۲b	گو سرفرازهای دلیر	۴۵۷۰ ، ۱۵
گهر کرد بسیار پیشش نثار	۲۷۱۸ ، ۴۱	گوشیردل کار اورا بساخت	۹۹ ، ۱۲d
گهرها که بود اندر آژده	۱۶۴۶ ، ۳۵	گوگرد کش نیزه اندر نهاد	۷۷۰ ، ۱۵
گهرها يك اندر دگر	۴۵ ، E	گو نامبردار به روزگار	۸۴۳ ، ۱۵
گهرها يك اندر دگر	۱۵۵۶ ، ۲۰	گو نامبردار شد پرخروش	۳۰۵۴ ، ۴۱
گهر هست و دینار و گنج	۲۰۸۴ ، ۳۵	گو نامور با سران سپاه	۷۹۶ ، ۱۵
گه کوشش و کینه کارزار	۲۱۶ ، ۱۳	گو نامور دست بردست	۶۵۰ ، ۱۵
گهی با تهمتن بدی می	۶۸۶ ، ۱۲d	گوی باید اکنون چوشیر	۳۹ ، ۱۲d
گهی بامی و رود و رامشگر	۱۴۴۳ ، ۱۳f	گوی بود از تخم جمشید	۶۲۴ ، ۶
گهی بخت گردد چو اسپ	۵۵۰ ، ۲۲	گوی بود باز و روگیرنده	۴۳۳۸ ، ۱۵
گهی بر دبار و گهی رازدار	۱۷۸۸ ، ۳۵	گوی پیشرو نام او خانگی	۳۳۸۶ ، ۴۳
گهی بر فراز و گهی بر	۶۱۴ ، ۱۳g	گوی چون درختی بدان	۱۱۰۲ ، ۱۳
گهی بر فرازی و گه در	۳۵۶۴ ، ۴۱	گوی دید بر سان سرو بلند	۵۴۷ ، ۵۰
گهی بزم دل شادمان می	۲۳ ، ۴۶	گوی غا تفر نام سالار شاه	۱۸۲۵ ، ۴۱
گهی بوسه زد بر سرش گه	۱۶۵۰ ، ۱۲c	گوی نامدارست و شاهی	۲۹۸۹ ، ۱۵
گهی تیغ زد گاه گرز	۹۴۴ ، ۱۲b	گه آمد که بخشایش آید	۱۱۲۷ ، ۱۳f
گهی جادوی سازی و گه	۶۱۴ ، ۱۳b	گه آمد که بر توست آید	۴۵۲۴ ، ۱۵
گهی جنگ بودی گهی ساز	۱۰۴۱ ، ۱۲c	گه آمد که کمتر کنی کین	۵۱۵ ، ۳۰
گهی رزم دیوان مازندر	۷۱۹ ، ۱۲c	گه آمد که گردی از این	۱۱۲۵ ، ۱۳f
گهی زوفراز آید و گه	۳۹۳ ، ۳۰	گه آمد که مارزم جویم و	۱۰۷۰ ، ۱۳c
گهی زیر جنگال مرغ اندر	۳۴۰ ، ۷	گه بزم در یاد و دست من	۱۴ ، ۷
گهی سوی چپ شد گهی سو	۶۲ ، ۱۱	گه بزم زر و گه رزم	۱۰۷۸ ، ۱۵
گهی شاد بر تخت دستان	۶۸۷ ، ۱۲d	گه تنگدستی دلش راد	۱۵ ، ۲۵
گهی گنج راروز آکندن	۲۹۳۹ ، ۱۳g	گهر آنکه از فر یزدان	۱۲ ، ۱۳
گهی گنج یا بیم ازو گاه	۱۹۸۶ ، ۴۲	گهر بافته پیکر و بوم زر	۸۷۲ ، ۱۳f
گهی می گسارید و گه چنگ	۲۲ ، ۱۳e	گهر بی هنر زار و خوارست	۲۵۷۵ ، ۴۱
گهی نام جست اندر آن گاه	۱۶۷ ، ۱۳e	گهر بی هنر ناپسندست و	۱۲۸۸ ، ۴۱
گیا چون سخندان و دانش	۳۴۹۲ ، ۴۱	گهر خواست از گنج و دینار	۱۴۰ ، ۲۲
گیارا دم من کنونت	۲۶۳۳ ، ۱۲d	گه رزم چون بزم پیش آور	۴۴۱ ، ۴۲
		گرفتن آمد بدیگر سرا	۲۱۴۲ ، ۷

گیاه و درودشت توسبز باد	۴۴۹ ، ۱۲	گیاه رست با چند گونه	۵۵ ، E
گیاهی برآمد همانکه	۲۶۳۱ ، ۱۲d	گیاشان بود زان سپس	۱۵۲۸ ، ۲۰
گیاهی که روید از آن بوم	۵۹۰۰ ، ۸	گیانست آبشخور چارپا	۱۶۷۷ ، ۱۵
گیاهی که سوزنده کام بود	۱۰۲۰ ، ۱۸	گیاهان ز خشک و ز تر بر	۳۴۶۹ ، ۴۱
گیاهی که گویم تو باشیر	۱۸۰۵ ، ۷	گیاهان کوهی فراوان	۴۵۷ ، ۲۰



حرف ل

لب شاه از آواز پر شده	۱۷۷۰ ، ۳۵	لب از چاره خویش در خند	۲۰۳۰ ، ۷
لب شاه ایران پر از خنده	۳۲۶۷ ، ۴۳	لبان از طبرزد زبان از	۹۸ ، ۱۲c
لب لعل رودابه پر خنده	۵۲۳ ، ۷	لبان پر ز خنده زبان چرب	۸۷۱ ، ۱۳b
لب لعل و بینی جو سیمین	۲۴۰۷ ، ۴۳	لب خامش و جان بچندین	۷۵۷ ، ۵۰
لب مرد بر نایر از خنده شد	۳۴۷۴ ، ۱۵	لب خسروان پر ز نفرین	۱۳۵۲ ، ۳۵
لب موبدان خشک و رخسار	۸۴ ، ۵	لب رستم از تشنگی شد	۲۶۱ ، ۵۰
لکام از سر اسپ برداشت	۵۶۱ ، ۱۲	لب رستم از خنده شد چون	۱۳۹ ، ۱۰
لکام از سر رخسار برداشت	۳۸۹ ، ۱۲	لب سام سیندخت پر خنده	۱۴۵۱ ، ۷
لکامش بسر برزد و بر	۱۳۵ ، ۱۳d		
لکامش بسر کرد و زین	۸۱۳ ، ۱۲e		
لویدی کر نجش علف ساختی	۵۱۳ ، ۲۱		

مبادا که تاج از تو گریان	۱۹	۲۸
مبادا که تنگ آید از	۲۷۸۷	۱۲d
مبادا که تنها بود نامجوی	۱۹۳۶	۴۲
مبادا که خم آورد ماه تو	۲۱۶	۳۴
مبادا که دین نیاگان	۲۱۹۴	۴۳
مبادا که روز تو گیرد	۵۲۲	۱۳c
مبادا که سودا به این بشنود	۲۶۸	۱۲d
مبادا که شد جان ما ناسپاس	۸۲۷	۴۱
مبادا که گردد بتو کینه	۱۸۲	۱۲c
مبادا که گستاخ باشی	۳۹۵۱	۴۳
مبادا که گستاخ باشی بدهر	۴۳۱	۴۴
مبادا که گیرد بنزد تو	۶۰۲	۲۲
مبادا لب تو بگفتار چاک	۹۶۷	۷
مبادا مرا پیشه جز راستی	۳۳	۴۳
مبادا فراموش گفتار من	۴۵۷۹	۴۱
مبارز پراکنده بیرون کنم	۴۰۵	۱۳g
مبارز چو شیروی درنده	۸۰۴	۶
مبارز خروشان کنم از	۵۷۱	۱۳g
مبارز دورخ بردو سوی	۳۴۰۴	۴۱
مبارز ز لشکر نخستین منم	۴۰۷	۱۳g
مبارز که اسپ افکند بر	۲۷۸۶	۴۱
مبارز همی کشته شد بردو	۶۸۹	۸
مباش اندر این بوم تیره	۱۲۷۱	۴۳
مباش اندر این نیز هم	۸۸۰	۴۱
مباش ایچ گستاخ با این	۴۱۶۱	۴۱
مباش ایمن و گنج را چاره	۲۵	۴۶
مباشید ایمن بدان رزمگاه	۵۹۹	۴۳
مباشید ترسان ز تخت و	۲۵۰	۴۱
مباشید جاوید جزراد و	۳۱۳۱	۱۳g
مباشید جز یک دل و یک	۴۰۷۸	۴۳

حرف م

مبادا از تخت پردخت	۲۶۴	۴۱
مبادا بر این بوم و برها	۱۲۰۵	۱۳
مبادا بگیتی جز از کام تو	۹۲	۲۰
مبادا بگیتی چو تو پهلوان	۶۰۹	۱۳b
مبادا بگیتی کسی مستمند	۶	۴۷
مبادا ترا پیشه خون ریختن	۲۴۲۸	۱۵
مبادا جز از بخت همراه	۶۷۵	۱۲d
مبادا جز از داد آیین من	۹۷۳	۳۵
مبادا جز از نیکوی در	۱۳۵۴	۳۵
مبادا جهان بی چنین شهر	۳۴۰۱	۴۳
مبادا جهان بی سر و تاج	۴۶۸	۱۳c
مبادا چنین هرگز آیین من	۳۶۵۵	۱۵
مبادا در آن دیده در آب	۷۱۲	۱۳g
مبادا افغانیش فرزنداوی	۲۳۶۷	۴۱
مبادا که آن بوم ویران	۱۳۴	۴۱
مبادا که آید بجان نیاز	۱۷۰۶	۱۳
مبادا که از کارداران من	۲۵۷	۴۱
مبادا که از لشکری یک	۱۸۵	۴۱
مبادا که او دارد ایدر	۱۲۱۰	۱۳b
مبادا که او در میان دو	۴۲۲	۱۲c
مبادا که این بد فرامش	۱۲۷۳	۱۵
مبادا که این کار گیرد شب	۸۳۹	۱۳c
مبادا که باشند یکروز	۱۹۲۰	۴۱
مبادا که باشی تو پیمان	۳۹۴۶	۴۱
مبادا که باوی نتابی	۱۱۴۸	۱۳
مبادا که بی تو ببینیم تاج	۴۴۷۹	۴۱
مبادا که بیدادگر شهر یار	۴۳۱۵	۴۱

مخسپیدنا ایمن از شهر یار	۲۹۰ ، ۴۱	مباشید گستاخ با این	۲۸۹۸ ، ۱۲d
مخندوبرا و هیچ مکشای	۲۳۴۷ ، ۴۳	مباشید گستاخ با این	۳۱۳۰ ، ۱۳g
مخواهید با زاندر آن بوم	۱۳۱ ، ۴۱	مباشید گستاخ با پادشا	۱۲ ، ۳۹
مخورانده و باده خور روز	۲۸۲۴ ، ۴۳	مباشید یک تن زد دیگر جدا	۲۷۹۹ ، ۴۳
مدار اخرد را برادر بود	۸ ، ۳۶	مباشید یک چند کز تازی	۳۵۹ ، ۵۰
مدار اخرد را برادر بود	۱۱۴۱ ، ۴۱	مبخشای بر هر که رنجت	۱۹۹ ، ۴۴
مدار ایچ اندیشه بد بدل	۱۹۸ ، ۱۲d	مبیر پیش پیل زبان هوش	۲۷۲۱ ، ۱۵
مدار ایچ تیمار با جان بهم	۲۶۴۲ ، ۱۲d	مبیر جز کسی را که نکزیرد	۵۳۰ ، ۵
مدارید از این پس بکیتی	۲۱۷ ، ۱۹	مبیر خود ز مهر زمانه گمان	۵۷۹ ، ۶
مدارید بازار بی پاسبان	۴۶۶ ، ۱۹	مبیر زین سخن جز بنیکی	۳۰۰۱ ، ۴۱
مدارید بی دیدبان مرز	۴۶۵ ، ۱۹	مبیناد بندوی جز درد و	۹۶۷ ، ۴۳
مداریدش اندر میان گروه	۲۷۷۱ ، ۱۲d	مبیناد چشم بد این شاه را	۱۳۹۳ ، ۳۵
مدارید کار جهان را برنج	۲۲ ، ۴۴	مبیناد چشم کس این	۱۳۶ ، ۱۶
مدارید کردار او بس	۱۸۵۴ ، ۳۵	مبیناد کس روز بی کام تو	۳۴۰۲ ، ۴۳
مدان این ز گسته کاین	۷۳ ، ۴۳	مبیناد هر گز جهان بین من	۱۴۸۷ ، ۱۳f
مدان خویشان را بجز	۵۱۱ ، ۴۴	مبیناد هر گز کس آن	۱۴۵۲ ، ۱۳f
مداین بی افکند جای کیان	۲۰۷ ، ۴۰	مبینید جز یال اسپ و	۳۳۳ ، ۱۳b
مده از پی تاج سر را بباد	۲۷۰۵ ، ۱۵	مبندار کاین نیز تا بودنی	۱۱۹۷ ، ۱۳g
مده جان ایرانیاں را بباد	۸۲۰ ، ۴۲	مپیچید سرها ز فرمان	۴۶۸۲ ، ۱۵
مده رنج و کردار قیصر	۲۲۱۰ ، ۴۳	متازید و این کشتگان	۷۹۰ ، ۱۵
مده شهر توران بخیره	۲۵۸۸ ، ۱۲d	متر سید از نیزه و تیر و	۶۷۰ ، ۱۵
مده کار کرد برادر بباد	۱۷۳۰ ، ۴۲	متر سید گفت ای بزرگان	۴۰۷۷ ، ۴۲
مده مرد بی ارزا ساز	۳۹۶۳ ، ۴۱	مجنبید از ایدر مکر جان	۹۲۴ ، ۱۳e
مر آن بچه را پیش او	۱۸۲۶ ، ۷	مجنبید گفت ایچ از جای	۴۰۱ ، ۱۳b
مر آن بند را از میان باز	۱۶۳ ، ۱۵	مجواز دل عامیان راستی	۵۸۹ ، ۲۲
مر آن بند را هیچ نتوان	۱۵۰ ، ۱۲	مجوید آزار همسایگان	۱۶۹۲ ، ۳۵
مر آن پادشاه را در اندر	۱۳۳ ، ۴	مجوید از این پس کس از	۱۶۳۷ ، ۴۲
مر آن پور خود را سپهدار	۴۹۶ ، ۱۵	مجوید از این رفتن آزار	۳۱۲۱ ، ۱۳g
مر آن پهلوان جهان نپویده	۲۱ ، ۸	مجوید کین و مریزید	۲۲۶۹ ، ۴۳
مر آن پیر نایاک را دور	۱۲۶ ، ۱۵	محمد بدواندرون با علی	۱۱۲ ، E

مر آن تخت را دیو برداشته	۶۴ ، ۴	مر آرزو نیست از مهر	۲۲۲۶ ، ۴۱
مر آن جادو ان را ببخشید	۱۴۶۸ ، ۴۳	مر آرزو نیست با شاه جنگ	۱۹ ، ۹۰
مر آن خانه را داشتندی	۱۸ ، ۱۵	مر آرزوئی بر این رزم	۱۲۷ ، ۱۳e
مر آن خستگان را ببرد	۸۱۷ ، ۱۵	مر آرزوئی که در کار	۲۳۵۸ ، ۳۵
مر آن درد را راه چاره	۱۴۴ ، ۴۲	مر آشتی بهتر آید ز	۲۷۰ ، ۱۳c
مر آنرا بشه شیر نتوان	۱۵۱ ، ۱۲	مر آفرین بر تو نفرین	۸۶ ، ۳۸
مر آنرا سکندر همه پاره	۳۷۱۴ ، ۴۳	مر آفریننده از فرخویش	۳۳۱ ، ۱۲d
مر آنرا که دانش بود	۲۰ ، ۴۰	مر آن بود تخت و گنج و	۱۴۳۸ ، ۱۵
مر آن زلف چون تاب داده	۱۶۱۴ ، ۱۲c	مر آن سخن این زمان شد	۱۸۱ ، ۴۴
مر آن شاه را دشمن از	۴۵۲ ، ۱۹	مر اختر خفته بیدار	۱۹۹ ، E
مر آن صورت رستم گرز	۱۸۳۹ ، ۷	مر ارج این زان ببايد	۱۷۴۶ ، ۳۵
مر آن کرم را خوار	۴۹۲ ، ۲۱	مر از بد و نیک آگه کنید	۲۵۵۶ ، ۳۵
مر آن گوهر ان را بهاسی	۴۲۰۴ ، ۴۳	مر از بزرگان ستایش بود	۹۵۶ ، ۵۰
مر آن لاله رخ را ز سر تا	۶۲۰ ، ۶	مر از بزرگان همی شرم	۲۶۱۹ ، ۱۵
مر آن ماه رخ را بپرده سرا	۱۰۹ ، ۳۰	مر از پیدر این کجا بد امید	۲۶۰۱ ، ۱۲d
مر آن مر زخر گاه خواند	۳۲۶ ، ۱۳	مر از پی فر هی داشتی	۵۳۳ ، ۴۴
مر آن نامه را خوب پاسخ	۷۹ ، ۲۰	مر از تو آنگاه بودی	۷۷۴ ، ۴۲
مر آن نامه را زود پاسخ	۲۹۹ ، ۲۰	مر از جهان بی نیازی	۶۱ ، ۱۳g
مر آن نامه بر خواند موبد	۸۶۰ ، ۱۲	مر از دروغ تو شاه جهان	۵۴۱ ، ۱۳c
مر آن نامه را زود پاسخ	۱۰۴۹ ، ۴۲	مر از هنرموی بد در نهان	۵۸۰ ، ۴۴
مر آن هر دورا پای کرده	۳۷۸ ، ۲۱	مر از اندر این دانش او داد	۳۶۱۳ ، ۴۱
مر آن هر سه را نوز نا کرده	۹۷ ، ۶	مر از اندر این سوک یاری	۷۰۸ ، ۱۳g
مر آن هر یکی را بها صد	۴۵۱۸ ، ۴۳	مر از اندر این کار یاری کنید	۱۲۵۳ ، ۴۳
مر آن هر یکی را یکی	۱۷۲۰ ، ۷	مر او بود نازش جان و تن	۱۵۵۵ ، ۱۲d
مر آرزو از پی خویش	۳۸۴ ، ۱۳e	مر او را نید و مادر بهم	۱۳۲۶ ، ۱۲e
مر آرزو بد که بر بسترت	۱۲۶۸ ، ۱۲c	مر ایدر اکتون نکینست	۱۲۸۱ ، ۱۳
مر آرزو جنگ کی خسرو	۴۰۹ ، ۱۳g	مر ایزد از بهر جنگ	۴۶۳ ، ۱۲
مر آرزو چهره رستم است	۶۱۸ ، ۱۲e	مر ایمنی ده ز گفتار	۱۱۸۲ ، ۴۳
مر آرزو دختر که بر	۴۹۷ ، ۱۴	مر این بد از اختر آید	۱۷۰۳ ، ۱۳
مر آرزو در زمانه یکی	۴۲۷ ، ۷	مر این در ستست کز باد	۱۹۲۷ ، ۱۵

۳۲۴۷ ، ۴۱	مرای این درستت کزیند	۱۶۳۲ ، ۱۲d	مرای بانیره شکفتی بسی
۵۳۸ ، ۱۳c	مرای این درستت کز پیل	۱۷۳۲ ، ۱۳g	مرای بانیا جز بنخجر سخن
۱۰۲۲ ، ۱۳f	مرای این درستت کز کار	۷۹۶ ، ۱۲	مرای بخت از این هر دو فرخ
۳۲۳۸ ، ۴۱	مرای این درستت و گفتم	۵۳۴ ، ۱۲c	مرای بخت روشن بدیدار
۱۳۸۳ ، ۱۵	مرای این ز گشتا سپ آمد	۱۰۰ ، ۳۴	مرای بخردی هست اگر سال
۴۶۲ ، ۶	مرای این سخن یاد باید	۵۵۹ ، ۱۳	مرای بد بدین راه روزی
۸۳۱ ، ۲۰	مرای این که آید همی با	۱۲۲۳ ، ۱۳	مرای برد باید بر این رنج
۹۷۹ ، ۲۰	مرای این نژدی ز اسکندر	۸۸۸ ، ۱۲	مرای برد باید سوی او
۱۶۳ ، ۱۳	مرای این هم از پیش بیرون	۳۴۶ ، ۱۴	مرای بر زمین دوست خوانی
۹۵۱ ، ۱۲c	مرای این همه از پی خسرو	۴۴۵۲ ، ۱۵	مرای بر سر انجمن خوار
۱۱۶۰ ، ۱۲	مرای این هنرها ز اولاد	۲۱۴۹ ، ۷	مرای بر صد و بیست شد
۹۴۸ ، ۱۲e	مرای با پسر هر دو دیده پر	۱۱۹۲ ، ۱۲e	مرای بر کشد زنده بردار
۱۳۸۸ ، ۱۲d	مرای باتن و جان همه پیش	۲۰۱۶ ، ۴۳	مرای بر گزیدند بر خسرو
۹۵۲ ، ۱۲c	مرای با تو امروز پیمان	۱۲۶۹ ، ۱۵	مرای بند کردند بر بی
۱۳۶ ، ۱۲e	مرای با تو تا جاودان کس	۱۲۷۱ ، ۴۲	مرای بند گردون گردنده
۱۲۳۲ ، ۱۳f	مرای با تو جز کین و پیکار	۳۳۴۳ ، ۱۵	مرای بود این گنج و آباد
۱۷۷۷ ، ۱۳	مرای با تونان و نمک خورد	۳۲۴۲ ، ۱۵	مرای بود این مردی و نام
۱۲۲۲ ، ۱۳	مرای با جوانی نباید نشست	۲۷ ، ۱۳f	مرای بود بر مهتران دست
۲۳۶۹ ، ۱۳f	مرای با چندان همی روز-	۳۱۶ ، ۴۴	مرای بود شاهی سی و هشت
۸۷۱ ، ۱۲	مرای بار که زان تو بر ترست	۴۸ ، ۱۲	مرای بود لشکر به از ندران
۹۴۵ ، ۱۳	مرای بارگی آنکه جوشن	۲۲۸۲ ، ۴۳	مرای بود نوبت برفت آن
۲۰۶۸ ، ۳۵	مرای باز گردان که دورست	۲۲۳ ، ۵	مرای بود هژده پسر در
۱۸۱۰ ، ۱۳f	مرای با سپاه تو پیکار نیست	۲۹۹۶ ، ۴۳	مرای بود هم مادر و هم پدر
۳۳۸ ، ۵	مرای با سپاهم بدان سوران	۲۶۴ ، ۷	مرای بویه پور کم بوده
۱۲۶۷ ، ۱۳c	مرای با سوارش بسی بود	۲۲۱ ، ۱۳d	مرای بویه زال سامست گفت
۱۶۸ ، ۴۰	مرای باشد آن مرز و فرمان	۹۵۳ ، ۴۱	مرای بهره این بود از این
۱۹ ، ۲۳	مرای باشمازان فروست	۲۹۱۸ ، ۴۳	مرای بی پدر داشت بهرام
۳۲۵۷ ، ۱۳g	مرای باشما گنج بخشیده	۱۲۴۷ ، ۱۳g	مرای بی دل و بی خرید یافتی
۵۲۹ ، ۶	مرای باشما نیست جنگ و	۱۸۵۹ ، ۲۰	مرای بیش از این زندگانی
۴۵۷ ، ۶	مرای باشما هم بفرجام کار	۱۷۹ ، ۸	مرای بیم از وید بایران

۴۳	۴۰۹۹	مرایم جانست اگر نیز	۲۰	۳۰۴	مرای چار چیزست کاندز
۱۲	۹۶۸	مرای بیهده خواندن پیش	۱۳c	۲۹۳	مرای چاره خویش باید گرفت
۶	۹۱	مرای پادشاهی آباد هست	۴۲	۹۶۲	مرای چاره زان پیش بایست
۱۵	۲۵۹۹	مرای پادشاهی پذیرفت و	۱۲d	۲۴۶۴	مرای چرخ گردان اگر بی
۲۲	۲۳۸	مرای پارسایی بیاورد	۱۳c	۱۴۱۷	مرای چشم اگر تیره گشتی
۴۲	۳۸۴	مرای پاسح این بود کاین	۱۲c	۴۵۱	مرای چشم زخمی عجب رو
۱۳c	۱۲۰۰	مرای پشت از آزادگانست	۱۵	۳۵۲۶	مرای چند گویی گنهگار
۳۵	۲۱۵۱	مرای پشت بودی گرایدر	۴۳	۲۴۴	مرای چون الان شاه خوانی
۱۲b	۱۴۵	مرای پشت گرمی بد از	۱۲e	۷۷۳	مرای چون پدر باش و با کس
۷	۴۴	مرای پهلوانی نیای توداد	۱۳e	۱۱۱۹	مرای چون خروش تو آمد
۴۱	۱۹۸۲	مرای پیش او رفت باید	۲۰	۷۸۹	مرای چون فرستادگان پیش
۶	۴۰۴	مرای پیشتر قیرگون بود مو	۱۲e	۱۳۴۶	مرای چیز و گنج و روان
۲۰	۵۳۰	مرای پیش خوانی تراشرم	۱۳	۱۷۸۵	مرای حاجت از تو یکی
۱۳g	۲۹۰۲	مرای پیش خود بر بزودی	۱۲d	۱۶۱۵	مرای حاجت از خواهش
۱۲d	۷۸۶	مرای پیش کاووس بردی	۱۳f	۱۸۲۰	مرای حاجت از کردگار
۳۵	۵۷۴	مرای تاجوان باشم و تندرست	۱۵	۲۷۰۹	مرای خاکسار دو گیتی
۴۴	۳۱۲	مرای تاج بزدان بسر بر نهاد	۱۵	۲۲۱۵	مرای خانه تنگست کاخ بلند
۶	۵۲۷	مرای تخت ایران اگر بود	۴۳	۱۲۵۹	مرای خسرو از خویش و
۱۲b	۳۶۱	مرای تخت بر بر نیاید بکار	۷	۳۲۶	مرای خوار بد مرغ را راج
۴۲	۱۶۹۷	مرای تخت زرباید و بسته شاه	۶	۱۳۷	مرای خوار ترزان که فرزند
۱۲c	۷۱۵	مرای تخت زین باشد و تاج	۱۲c	۱۰۹۳	مرای خوار شد جنگ دیو
۱۳c	۴۳۷	مرای تخت و گنجست و هم	۱۵	۲۵۹۳	مرای خوار کردی بگفت
۴۱	۸۲۶	مرای ترس و باک از جهان	۱۵	۳۳۴۷	مرای خواری از بوزش و
۱۲c	۴۵۶	مرای تلخ شدن زندگی بی رختی	۴۳	۴۰۴۰	مرای خواست افکنند در دام
۱۳	۱۲۱۴	مرای جام از و پرمی و شیر	۳۱	۲۹۸۶	مرای خواست انباز گشتیم
۱۳e	۴۷۹	مرای جان شیرین نباید همی	۱۳c	۱۸۰	مرای خواست زین بیکران
۱۳c	۵۵۲	مرای جان و دل زیر فرمان	۷	۱۱۳۲	مرای خواست کارد بخم کمند
۱۵	۱۵۸۸	مرای جایگاه پرستش بس	۱۲d	۳۹۹	مرای خواست کارد بکاری
۱۱	۵۷	مرای جز بدو نیست امروز	۱۲d	۱۶۱۶	مرای خواسته هست و گنج
۵۰	۳۱۰	مرای جنگ دشمن به آیدز	۴۳	۴۰۵۱	مرای خواستی تا بخسرو
۱۳f	۱۲۸۲	مرای جنگ فرمود و			

مراد درغم خود گدازی	۳۷۲ ، ۱۲	مراد خواستی شاد گشتم	۲۳۲۳ ، ۱۲d
مراد در نهانی یکی دشمنست	۲۰۳ ، ۵	مراد خواستی کس نبودی	۶۲۸ ، ۱۳g
مراد دستها بود نزدیک	۹۰ ، ۴۰	مراد خود با یران شدن روی	۲۹۰۵ ، ۴۳
مراد دست و کوهست یکچند	۶۲۸ ، ۱۲e	مراد خود بکیتی نکوهش	۳۱۱۳ ، ۱۵
مراد دل پر از رای دیدار	۲۳۲۷ ، ۱۲d	مراد خود زگیتی گه	۴۲۱ ، ۶
مراد دل سراسر پر از مهر	۱۸۰ ، ۴	مراد خود زگیتی همین بود	۴۸۹ ، ۱۳e
مراد ده از این کوه آتش	۵۴۴ ، ۱۲d	مراد خود نباید بدین	۸۶۴ ، ۱۲b
مراد تو فیروزی و فرهی	۱۰۷۲ ، ۱۲	مراد خود همی خواست	۱۳۹ ، ۴۴
مراد ده یکی کاروان شتر	۱۸۲ ، ۱۴	مراد خورد خون بود بر جا	۸۰۶ ، ۷
مراد دید با گرز گاوروی	۲۶۹ ، ۸	مراد خورد و پوشیدنی زین	۴۳۴ ، ۲۰
مراد دید پیران و یسه نخست	۱۸۳۱ ، ۳	مراد خیره خواهی که رسوا	۳۶۸ ، ۱۲d
مراد دید چون شاه مازندران	۱۱۱۵ ، ۱۲	مراد خیره گشتی سرازیر	۲۰۹ ، E
مراد دید، گفت اینهمه غم	۶۰۰ ، ۱۲e	مراد داد زین گونه سو گند	۱۱۴۴ ، ۱۲e
مراد دید و برجست و یافه	۵۷۶ ، ۱۲	مراد داد اورنگ و فر	۱۵۲۳ ، ۱۲e
مراد دیده پر آب بدروز و	۲۴۷ ، ۱۲e	مراد داد بی آرزو دخترش	۲۰۱۱ ، ۴۱
مراد دیده چون دید دیدار	۱۳۹۹ ، ۱۲d	مراد داد پیروزی و فرهی	۸۲۸ ، ۴۱
مراد دیده در جنگ دریا و	۱۰۶۵ ، ۱۲c	مراد داد فرمود و خود	۱۰۴ ، ۴۱
مراد دیدی اکنون سرایم	۱۱۵۸ ، ۳۵	مراد داد یزدان همه هر چه	۱۲۲۴ ، ۱۳g
مرادین کسری نباید همی	۹۳۳ ، ۴۱	مراد دانش ایزدی هست	۱۱۹۹ ، ۱۳g
مراد راه بنما سوی بخرد	۱۹۱ ، ۱۲d	مراد دخترانند مانند تو	۲۵۴ ، ۱۲d
مراد رای دیدار شهر شماس	۱۳۷۷ ، ۲۰	مراد دخل و خرج از برابر	۷۷۸ ، ۵۰
مراد رحمت آید بتو بر زدل	۱۱۱۱ ، ۱۲c	مراد دخمه در شهر ایران	۲۸۰۷ ، ۴۳
مراد رزم خاقان ز تو باز	۱۷۵۵ ، ۳۵	مراد در بلایی فکند او که	۳۵۷ ، ۱۳e
مراد رستم از دور بشناختی	۱۶۳۷ ، ۱۲c	مراد در پس پرده یک دختر	۲۲۲۴ ، ۴۱
مراد رفت باید بالبرز کوه	۲۰۵ ، ۱۰	مراد در جهان انده جان	۱۳۴۹ ، ۷
مراد رفت باید بدین چاره	۱۰۳۷ ، ۶	مراد در جهان این یکی دختر	۱۳۸ ، ۱۲b
مراد رفت باید کنون کینه	۶۲۳ ، ۱۲d	مراد در خوشاب سستی	۳۹۸ ، ۴۰
مراد رفت باید که از کاواو	۲۲۴۰ ، ۱۳f	مراد در درد بفروداز	۱۰۰۷ ، ۱۳e
مراد رفت باید همی پیش نام	۱۳۴۱ ، ۷	مراد دردتو بدتراز مرگ	۲۳۶۷ ، ۱۳f
مراد رفت باید همی سوی	۴۷۸ ، ۵۰	مراد در دل آمد که افرا-	۲۰۸۷ ، ۱۳f
		مراد در شبستان فرستاد	۳۷۴ ، ۴۲

۲۱۳ . ۱۳۵	مرا سوی آن خوب چهر	۹۹۷ . ۱۲d	مرا رفت بایست کردم
۸۴۵ . ۱۲d	مرا سیر شد دل ز جنگ و	۱۴۲۸ . ۱۲d	مرا روز روشن بدیدار
۱۵۳۹ . ۱۳g	مرا شاد بر گاه خواب	۱۰۴ . ۶	مرا روز روشن شود تیره
۷۹۰ . ۲۰	مرا شاد بفرست باده سوار	۵۶ . ۱۳d	مرا روز فرخ بدیدار تست
۲۱۹۸ . ۴۱	مرا شاد شد دل زیبوند	۲۲۷ . ۵	مرا روزگار این چنین گوژ
۸۰۴ . ۱۳e	مرا شاد کردی بدیدار	۳۱۷۶ . ۱۳g	مرا روزگار جدایی بود
۲۴۷ . ۱۳b	مرا شاه ایران چنین داد	۶۸۵ . ۱۳f	مرا روزگار درشتست
۲۲۸۰ . ۳۵	مرا شاه ایران فرستد بهند	۴۹ . ۱۹	مرا روی گیتی بباید
۱۶۳۱ . ۱۳	مرا شاه داد این درفش و سپاه	۲۱۰ . ۴۳	مرا ز آشتی سود مندی بود
۴۳۱ . ۳۵	مرا شاه فرمود کاین سبز	۷۵۹ . ۲۰	مرا زان فزونست فر و
۵۸۸ . ۱۲c	مرا شاه کاووس فرمود و گفت	۲۳۹۸ . ۱۲d	مرا زندگانی سر آمده می
۸۹۸ . ۱۵	مرا شاه کرد از جهان بی	۲۴۰۱ . ۱۳g	مرا زندگانی کنون خوار
۳۰۵۶ . ۱۵	مرا شاه گفتست کاین تخت	۶۵۳ . ۱۳f	مرا زندگانی نه اندر خور
۲۰۱۴ . ۳۵	مرا شاه من گفت کورا	۴۵۵۷ . ۱۵	مرا زوردادی که از مرگ
۷۴۴ . ۱۲c	مرا شاهی از فر و اورنگ	۶۴۵ . ۱۲c	مرا زور و فیروزی از داور
۲۲۹۳ . ۴۳	مرا شصت و پنج و وراسی و	۲۱۸ . ۱۳c	مرا زو کنون رنج بهر آمد
۲۲ . ۲۳	مرا شهر و هم گنج آباد	۲۰ . ۱۲	مرا زبید اندر جهان
۱۰۲ . ۱۵	مرا صد هزاران سوارست	۵۴۱ . ۱۳	مرا زی شبانان بی مایه داد
۳۹۲۱ . ۴۱	مرا طبع نشکفت اگر تیز	۱۰۱۴ . ۱۳f	مرا زین سخن پیش بود
۷۱۰ . ۱۲b	مرا عمر بر شست شد سالیان	۲۲۵۵ . ۱۲d	مرا زین سخن ویژه اندوه
۱۸۳۴ . ۱۲d	مرا فر نیکی دهش بار بود	۸۲۳ . ۱۳f	مرا زین هنر سر بر بهره
۱۴۱۲ . ۷	مرا کاخ و ایوان آباد هست	۱۹۳۵ . ۳۵	مرا ساز جنگست وهم
۱۱۱۷ . ۷	مرا کار افتاده بود آن زمان	۲۴۰ . ۴۱	مرا ساز لشکر ز شاهان پیش
۵۷۸ . ۱۴	مرا کار زارد لاور سران	۸۴ . ۲۲	مرا سال بر پنجه و یک
۱۰۰۹ . ۷	مرا کارزارست گفت آرزو	۲۲۸۰ . ۴۳	مرا سال بگذشت بر شصت
۱۵۱ . ۵۰	مرا کاشکی این خرد	۲۸۶۹ . ۱۳g	مرا سالیان شد فزون از
۲۵۵۴ . ۱۵	مرا کاشکی پیش فرخ	۱۵۶۴ . ۱۳g	مرا سالیان شست بر سر
۲۶۰۰ . ۱۲d	مرا کاشکی دیده گشتی	۱۷۱۹ . ۱۳g	مرا سالیان هست هفتاد و
۲۰۱۳ . ۳۰	مرا کاش هرگز نپورردی	۱۲۸۴ . ۷	مرا سام یکزخم از آن
۱۲۶۳ . ۷	مرا کردید درود هر کس که	۳۰۷۳ . ۱۵	مرا سر نهان گر شود زیر
۱۶۷۳ . ۳۵	مرا کرد پیروز بزدان پاک	۱۳۲۲ . ۱۳b	مرا سوک آن ارجمندان

مرا گفت با شاه توران بگو	۱۶۱۸ ، ۱۲d	مرا کرد خواهد همی	۷۳۰ ، ۱۲e
مرا گفت بردار آمل کنی	۱۳۰۶ ، ۷	مرا کردیزدان از آن بی	۲۲۸۳ ، ۳۵
مرا گفت بر کارستم بسیج	۳۰۷۷ ، ۱۵	مرا کردیزدان از این بی	۱۲۸۹ ، ۱۳f
مرا گفت بر گیر شمشیر	۱۴۲۵ ، ۱۵	مرا کشتن آسان تر آیدز	۳۹۰۲ ، ۱۵
مرا گفت بشتاب و با او	۲۹۸۶ ، ۴۳	مرا گر بخواب این نمودی	۱۳۲۵ ، ۱۲d
مرا گفت بنگر که بر تیغ	۷۶۰ ، ۱۳	مرا گر بخوای تو از شهر	۱۸۷۸ ، ۴۲
مرا گفت جز دخت خاتون	۳۷۰ ، ۴۲	مرا گر بخوای حصار آن	۷۳ ، ۳۰
مرا گفت چون تیره گردد	۱۰۷۹ ، ۱۳e	مرا گر بخوای ز شاه	۸۵۹ ، ۱۳e
مرا گفت چون راز گویی	۲۷۱۱ ، ۴۳	مرا گر بداری بکار آیمت	۱۷۲ ، ۱۴
مرا گفت چون کین	۲۵۲۲ ، ۱۵	مرا گر بداری تو یاری	۱۶۵ ، ۱۴
مرا گفت چون بر تو آید	۷۲۲ ، ۱۳	مرا گر بدین ره نمایش	۷۷۸ ، ۷
مرا گفت خاقان که دیگر	۳۸۳ ، ۴۲	مرا گر برزم اندر آید	۵۶۶ ، ۱۳c
مرا گفت خوب آمد این	۱۶۹ ، E	مرا گر بزابل سر آید	۲۷۱۶ ، ۱۵
مرا گفت در خوب فرخ	۱۴۳۳ ، ۱۲e	مرا گر بود بارگی صد	۹۵۷ ، ۱۳
مرا گفت دیهیم شاهی ترا	۲۷۸۷ ، ۴۳	مرا گر پذیری بسان رهی	۸۷۱ ، ۳۵
مرا گفت رستم ز بس	۲۸۱۵ ، ۱۵	مرا گر پذیری تو با پیر سر	۱۳۳۱ ، ۱۲b
مرا گفت روتا بالبرز کوه	۲۳۰ ، ۱۰	مرا گر توانی رهانید	۲۳۴۵ ، ۴۳
مرا گفت رو راه ایشان	۶۵۸ ، ۴۲	مرا گر جهاندار پیروز	۱۸۳۹ ، ۳۵
مرا گفت روسیستان را	۴۱۲۴ ، ۱۵	مرا گرد کافور و خاک سیاه	۱۳۷۴ ، ۲۰
مرا گفت رونزد دژبان	۱۰۵۸ ، ۶	مرا گر زایران رسد هیچ	۲۶ ، ۴۵
مرا گفت شاه یمن را بگو	۸۰ ، ۶	مرا گر زمانه بدین ازدها	۲۱۸۰ ، ۳۵
مرا گفت شمعت چه باید	۱۷ ، ۱۳e	مرا گر زمانه شد دست اسپری	۱۰۱۶ ، ۱۳
مرا گفت شو باژ مرزش	۹۵۷ ، ۲۰	مرا گر شویدا ندرین یار	۲۱۲ ، ۱۹
مرا گفت کاین از پدر یاد	۱۳۷۰ ، ۱۲c	مرا گر محمد بود پیشرو	۲۵۰ ، ۵۰
مرا گفت کاین مهره عا جو	۲۷۷۰ ، ۴۱	مرا گر نبودی خرد شهر	۳۵۷ ، ۱۵
مرا گفت کاین نامه شهر یار	۱۸۹ ، E	مرا گر نخواهد بی رای	۵۳۴ ، ۳۴
مرا گفت کز بنده بگر-	۱۸۳۲ ، ۴۳	مرا گر ندیدی برزم	۶۵۱ ، ۱۳f
مرا گفت کز خون چندین	۲۶۰۲ ، ۱۵	مرا گر همی داد خواهی	۱۰۳۴ ، ۳۵
مرا گفت کز من چه باید	۱۷۷ ، E	مرا گر همی سر بیاید برید	۵۸۱ ، ۱۲d
مرا گفت کز من سخن بشنو	۳۰ ، ۱۳e	مرا گفت آن داد گر شهر-	۴۴ ، ۱۴
مرا گفته بد کارستم بسیج	۲۷۶۰ ، ۱۵	مرا گفت آن ماه خورشید	۲۵ ، ۱۳e
مرا گفته بود آن ستان	۳۷۷ ، ۱۳b	مرا گفت با خواسته کار	۳۹۷ ، ۱۲d

۵۵۹ ، ۱۳c	مرا گفته بود آن ستاره	۱۲d ، ۱۳۶۳	مرا نزد او آبرویست
۲۶۱۹ ، ۱۲d	مرا گفته بود او که با صد	۴۲ ، ۱۸۶۴	مرا نزد او پای کرده ببند
۴۹۴ ، ۱۳c	مرا گفته بودی که فردا	۴۳ ، ۶۰	مرا نزد تو آرزو بدسه چیز
۳۶۹۵ ، ۴۱	مرا گفت هرگز نبودست	۳۵ ، ۲۰۱۷	مرا نیز با مرز تو کار نیست
۳۰۷۶ ، ۱۳g	مرا گفت یزدان بدو کن	۱۲d ، ۴۸۷	مرا نیز پایاب او چون بود
۱۴۳ ، ۴۱	مرا گنج دادست و دهقان	۳۸ ، ۶۸	مرا نیز پیمان ببايد
۱۷۵۹ ، ۱۲d	مرا گنج و خوبی همه زان	۱۲d ، ۱۸۴۵	مرا نیز تا جان بود در تنم
۲۲ ، ۲۵	مرا گنج و دینار بسیار	۴۴ ، ۲۹۱	مرا نیز چیزی که بایست
۱۱۷۳ ، ۱۳f	مرا گنج و مردان از آن	۱۲d ، ۱۳۶۲	مرا نیز خویشیست با او
۲۳۲ ، ۱۳f	مرا گوش و دل سوی فرمان	۱۲d ، ۱۴۹۱	مرا نیز روز جوانی کمان
۴۰۰۷ ، ۱۵	مرا گویی از راه یزدان	۴۳ ، ۲۶۴۴	مرا نیز شاید که چونان
۱۲۷۵ ، ۱۳g	مرا گویی اکنون که از	۱۲e ، ۱۱۹۰	مرا نیز مادر ز بهر تو زاد
۷۸۰ ، ۱۳	مرا گویی این لشکر او را	۱۳g ، ۱۲۳۳	مرا نیز نازاده از مادرم
۸۴۱ ، ۱۳e	مرا مادر از بهر رنج تو	۴۳ ، ۲۷۸۶	مرا نیز هم دیو بپراه کرد
۹۴۶ ، ۷	مرا مادرم گر نژادی ز بن	۱۳ ، ۴۶۹	مرا نیز هنگام آسودنست
۱۴۹۴ ، ۱۳b	مرا مام من نام ، مرگ	۲۰ ، ۹۱۸	مرا نیست آیین خون ریختن
۴۵۹ ، ۱۲c	مرا محنتی بی کران رو	۱۱ ، ۲۵۳	مرا نیست از کینه آزار
۱۸۷۱ ، ۲۰	مرا مرده در خاک مصر	۱۵ ، ۲۵۰۴	مرا نیست این خرم آنرا
۲۴۹ ، ۱۳f	مرا مرگ بهتر از این	۱۳c ، ۱۳۶۰	مرا نیست پایاب در جنگ
۴۴۸ ، ۱۳b	مرا مرگ نامیتر از سر زنش	۵۰ ، ۸۰۷	مرا نیست جز دختری در
۵۱۱ ، ۷	مرا مهر اردل ندیده گزید	۱۲e ، ۱۴۴۶	مرا نیست ز آهنگری ننگ
۲۴ ، ۱۳e	مرا مهربان یار بشنوجه	۷ ، ۱۰۱۹	مرا نیستی دل بدین درد
۹۲ ، ۱۳c	مرا مهربان نیست با مرد	۱۱ ، ۳۲۵	مرا نیک دل مهربان بنده
۴۷۹ ، ۴۴	مرا مهر هر مزد خوانند	۶ ، ۱۰۶۵	مرا و ترا بندگی پیشه باد
۳۲۱ ، ۱۳e	مرا ناگهان در عماری	۴۲ ، ۱۵۳۸	مرا و ترا بیم کشتن بود
۴۰۸۲ ، ۴۱	مرا نام بر جام چیره شدست	۱۳ ، ۴۳۸	مرا و ترا روزم بگذرد
۳۴۵۷ ، ۱۵	مرا نام خوانند نایک	۱۲e ، ۱۴۵۷	مرا و ترا گفت پیکار
۵۹۴ ، ۱۳c	مرا نام رستم کند زال	۱۴ ، ۹۴	مرا و ترا نزد او جای
۱۳۶ ، ۱۳c	مرا نام کوهست گردی	۴۳ ، ۳۶۰۳	مرا و ترا بآیین پوشین
		۱۵ ، ۲۷۱۳	مرا و ترا بیستن نباشد سزا

مر اورا دودستور بد کشته	۵۱۰ ، ۳۰	مر اورا بیبوست باشاه	۱۵۶۵ ، ۱۲d
مر اورا دم دختر خویش	۵۹۱ ، ۱۵	مر اورا ببرد اهر من دل	۲۴۳۲ ، ۱۳f
مر اورا زد و شیدنی چارپا	۹۸ ، ۴	مر اورا بتوران زمین شاه	۱۵۸۲ ، ۳۵
مر اورا سبک شاه در بر	۱۸۱ ، ۳۹	مر اورا بجای پدر داشت	۳۲۷ ، ۲۱
مر اورا اسپارم گل و برگ	۴ ، ۱۲	مر اورا بجویند جویند	۹۶۸ ، ۱۵
مر اورا ستودند يك يك	۴۳۹ ، ۷	مر اورا بچاره ز آورد گاه	۱۶۲۳ ، ۱۳f
مر اورا سوی تخت ایران	۷۴۷ ، ۱۲e	مر اورا بچاره ز روی زمین	۱۹۹۷ ، ۱۳f
مر اورا فراوان نمودند	۳۴۷ ، ۲۱	مر اورا بدانجا بستند	۹۹۶ ، ۱۵
مر اورا کتون مردم تیز	۷۳ ، ۲۱	مر اورا بخواند بدین	۵۱۴ ، ۱۲c
مر اورا گرفتش باغوش	۲۸۴ ، ۱۷	مر اورا بخیره بکشتن دهی	۲۲۲۸ ، ۱۳f
مر اورا گهر داد و دینار	۱۷۵۷ ، ۴۳	مر اورا بدان بوم همتا	۱۹۷ ، ۲۲
مر اورا امین چشم در پیش	۱۰۹۱ ، ۳۵	مر اورا بدانجا بستند	۹۹۶ ، ۱۵
مر اورا نکو کار از آن	۱۴ ، ۳۱	مر اورا بدیناری کنم	۶ ، ۴۸
مر اورا همه پاک فرمان	۳۰۱۹ ، ۱۳g	مر اورا بر امش همیداشتند	۱۰۱۶ ، ۱۵
مر اورا یکی بدره دینار	۳۹۱۶ ، ۴۳	مر اورا بر یک فرب در	۸۹۲ ، ۵۰
مر اورا یکی پاک دستور	۲۰ ، ۳	مر اورا بسی آب دادوزمین	۳۹۱۹ ، ۴۳
مر اورا یکی تیغ هندی	۴۲۷ ، ۱۵	مر اورا بشمشیر دشمن	۱۷۲۱ ، ۱۳g
مر اورا سپاه مرا شاد کن	۸۵۹ ، ۴۲	مر اورا بفرزند بر مژده	۶۱ ، ۷
مر اهدیه این جوشن و تیغ	۴۳۹ ، ۱۴	مر اورا بگفتن کزین راه	۱۲۵ ، ۱۵
مر اهدیه باید، اگر گفت	۱۴۸ ، ۱۴	مر اورا بود هفت کشور	۴۴ ، ۳۴
مر اهر چه اندر دل اندیشه	۲۲۸۴ ، ۱۲d	مر اورا بهر بوم دشمن	۶۲۴ ، ۳۰
مر اهر چه باید بخت تو	۳۸۳ ، ۱۳e	مر اورا بیاریم باخویش تن	۴۳۴ ، ۱۲e
مر اهر هست پیوسته بیش از	۱۳۲۷ ، ۱۲d	مر اورا بیاور بر این روی	۴۳۱ ، ۱۲e
مر اهر هست داماد و آزر	۲۶۴۸ ، ۴۳	مر اورا پدر کرد بهرام	۳۳ ، ۳۴
مر اهرمچو خسرو هزاران	۲۶۴۵ ، ۴۳	مر اورا پدر کرد پرویز	۲۴۸ ، ۴۲
مر اهرم سلیح است وهم	۱۲۶۸ ، ۴۳	مر اورا اجنان خوار بگذا	۳۱۹۱ ، ۱۵
مر اهر و شرو جان و جهان	۶۷۲ ، ۱۳f	مر اورا چه دینار و گوهر	۱۲۶۹ ، ۳۵
مر اهر یار باشند در زخم	۱۴۵۰ ، ۱۲d	مر اورا خجسته پسر بود	۳۱۳ ، ۲۱
مر اهر یار در جنگ یزدان	۳۶۵۹ ، ۱۵	مر اورا در آرد میان گروه	۲۱۲۸ ، ۷
مر اهر یار یزدان و ایران	۵۷۱ ، ۲۰	مر اورا درم داد و دینار	۲۶۶۹ ، ۴۳
مر اهر یکسر از کارش آگاه	۱۸۷۲ ، ۴۲		

۹۳۵ ، ۴۱	مسیحای دیندار اگر	۶۶ ، ۱۲	مر این بند را چاره اکنون
۱۳۷۷ ، ۴۳	مسیح پیغمبر چنین کرد	۲۳۷۵ ، ۱۳g	مر این بند را سست گردان
۹۰۹ ، ۴۱	مسیح فریبنده خود کشته	۳۵۵۴ ، ۱۵	مر این تخم دستان زین
۹۷۰ ، ۴۱	مسیحی بشهر اندرون هر	۴۰۰ ، ۴۲	مر این ترک را ناگهان
۴۱۵۵ ، ۱۵	مشو ایمن از گنج وز تاج	۳۶۰۲ ، ۴۳	مر این خوب رخ را بخسرو
۱۱۷۲ ، ۴۱	مشو با گرامیش کردن	۲۶۹ ، ۱۰	مر این دست و گلرنگ در
۱۲۲۶ ، ۷	مشوتیز تا چاره کار تو	۸۵۹ ، ۱۵	مر این دین به را بیار استند
۴۳۵ ، ۱۳	مشو در جوانی خریدار	۱۳۸ ، ۱۰	مر این را برو بوم ایران
۲۵۳۸ ، ۱۲d	مشو سست و بردار دشمن	۱۷۸۰ ، ۳۵	مر این را که گفتی تو پاسخ
۴۴۰۶ ، ۴۱	مشو شادمان آر بدی کرده	۱۰۰۸ ، ۱۳e	مر این رزمکه بزمگاه
۱۶۵۹ ، ۱۳b	مشو غره ز آب هنرهای	۹۴ ، ۶	مر این سه گرانمایه را در
۱۴۵۸ ، ۱۳	مشو گفتم او را بر آه جرم	۱۰۹۵ ، ۱۳c	مر این شاه را نام کافور بود
۲۵۱۸ ، ۱۲d	مفرمای اکنون و تیزی	۳۲۸ ، ۱۲	مر این کارها را توزیبی
۲۵۳۵ ، ۱۲d	مفرمای کردن بدین پر	۲۰۹۲ ، ۱۳f	مر این کشتگان را بر این
۲۳۶۰ ، ۴۳	مقاتوره از پیش خاقان	۱۷۹۱ ، ۱۲d	مر این کوهر اگنگ دژ
۲۳۵۹ ، ۴۳	مقاتوره بشنید گفتار او	۴۵۸۱ ، ۱۵	مر این کینه را از که خواهم
۲۳۸۰ ، ۴۳	مقاتوره پنداشت کوشد	۲۹۰۲ ، ۱۲d	مر نجان روان کاین سرای
۲۳۶۷ ، ۴۳	مقاتوره پوشید خفتان	۲۸۴۸ ، ۱۲d	مر و پیش او جز به بیکانه
۲۳۸۵ ، ۴۳	مقاتوره چون جنگ را	۱۸ ، ۲۶	مروت نیابد اگر چیز
۲۳۷۲ ، ۴۳	مقاتوره چون شد بدشت	۲۹۹۰ ، ۴۱	مریزید خون از بی تاج و
۲۶۶۵ ، ۴۳	مقاتوره چون گشت کشته	۳۱۹۴ ، ۴۱	مریزید خون از بی
۲۳۷۶ ، ۴۳	مقاتوره کرد از جها ندار	۱۸۸۴ ، ۳۵	مریزید هم خون گاوان
۱۵۳۴ ، ۱۳	مکافات آن بد اکنون یافتند	۱۷۲۸ ، ۴۲	مزنای برادر تو این رای
۲۳۷ ، ۴۰	مکافات آنکس که نان	۸۵ ، ۲۳	مزن بر کم آزار بانگ
۲۴۳۵ ، ۱۳f	مکافات او ما جز این	۶۵ ، ۲۴	مزن رای جز با خردمند
۷۴۹ ، ۶	مکافات این بد بهر دوسرا	۸ ، ۲۹	مزن نیز با مرد بدخواه
۱۱۹۷ ، ۱۳c	مکافات این کار یزدان	۱۹۳۵ ، ۷	مزه کرد سام نریمان پر
۴۳۰ ، ۳۰	مکافات بد گر کنی نیکو	۹۴۴ ، ۱۳g	مسازید جنگ و مریزید
۶۹۱ ، ۱۲c	مکافات رستم نمودی	۳۹۵۲ ، ۴۳	مساویج با آزو با کینه
۶۲۴ ، ۳۴	مکافات سازم بدان راز	۴ ، ۳۰	مسلل یک اندر دگر بافته

مکن درخورش خویشتن	۱۵۳۴	۴۱	مکافات کن بدکنش را	۷۴۲	۱۳g
مکن دلت را بیشترزین	۴۶۰	۱۵	مکافات من باشد و کام تو	۱۰۱۰	۲۰
مکن دوستی با دروغ آزما	۱۱۰	۳۲	مکافات یابد بدان بد	۴۱۰	۴۱
مکن دوستی نیز با دشمن	۴۲۵۲	۴۳	مکافات یابی ز کرده	۱۲۰	۴۷
مکن دیورا آشنا با	۳۰۴۹	۱۳g	مکش دست از ایشان	۱۴۶۶	۱۳f
مکن رای ویرانی شهر	۴۹۹	۴۳	مکش زود او را ابرخیر	۱۰۱۳	۱۳c
مکن رزم بالشکر شهر-	۹۰۷	۴۱	مکش گفتمت پور کاووس	۳۸۹	۱۳e
مکن رنج این لشکر مرا	۴۲۵	۱۲	مکش مر مرا تا دوان	۲۱۱۴	۴۳
مکن سرسری امشب	۱۰۴۱	۳۵	مکش مر مرا تا نمایمت	۱۲۵۴	۱۳
مکن سست از این آمدن	۲۲۶۳	۳۵	مکش مر مرا کت سر	۵۳۸	۵
مکن شهریارا تو تیزی	۲۵۱۵	۱۲d	مکن آز را بر خرد	۱۷۲۹	۴۲
مکن شهریارا جوانی	۳۴۴۵	۱۵	مکن آنچه گشت اسب گوید	۳۳۲۲	۱۵
مکن شهریارا دل ما تزند	۳۴۴۶	۱۵	مکن ای برادر ببیداد رای	۳۱۰۶	۴۱
مکن شهریارا گنه تا	۲۵۰۲	۴۱	مکن ای پسر بشنوا ز من	۳۳۳۳	۱۵
مکن گرترا من پدر مادر	۱۵۶۰	۱۳g	مکن ای جهاندار و باز آ	۹۷۷	۱۳
مکن گفتمت کاینچنین	۱۲۰۸	۱۳	مکن ایمنی در سرای	۴۳۶	۱۳
مکن نام من زشت و جان	۳۹۹۵	۱۵	مکن بخت فرزند خود را	۱۰۳۲	۱۲d
مکن نیک مردی بروی	۱۲۹۶	۴۱	مکن بد که بینی بفرجام	۲۴۶۰	۱۳g
مکن هیچ بر جنگ جستن	۷۳۸	۱۲d	مکن بر تن و جان ما بر	۱۷۴۹	۴۲
مکن هیچ بر جنگ جستن	۱۴۷۰	۱۳	مکن بی گنه بر تن من ستم	۲۵۷۰	۱۲d
مکن یاد از این نیز با کسی	۴۲۰	۱۲d	مکن پیشدستی که در	۴۴۲	۱۳b
مکن یاری مرد پیمان	۱۳۸۲	۴۳	مکن تا توانی تو کردار	۷۷۷	۵۰
مکوبید درهای بدرا	۵۸	۴۵	مکن تکیه بر گرز و	۱۶۶۱	۱۳b
مگر آرزوها همه یافته	۲۵۵	۴۱	مکن تیز مغزی و آتش	۱۱۲۹	۴۲
مگر آسمانی سخن دیگر	۳۴۳۳	۱۵	مکن خوار خواهنده	۶۰۸	۲۲
مگر آگه از پهلوانان نیی	۸۵۸	۱۲b	مکن خویشتن پیش من	۴۰۸۱	۱۵
مگر آنچه آید شمار افزون	۴۴۸	۲۲	مکن خویشتن راز مردم	۵۳۹	۵
مگر آن کسی کش سر آید	۱۰۰۶	۱۳c	مکن خیره اندیشه بر	۱۱۴۹	۱۲d
مگر آنکه باشد میان دو	۵۸۶	۷	مکن خیره بر خویشتن	۴۲۴	۴۳
مگر آنکه بودند بسته	۹۴۰	۴۲	مکن دخمه و تخت و رنج	۹۵۶	۴۱

مکر بخت رخشنده بیدار	۵۹۵ . ۱۲c	مکر آنکه تا دین	۹۳۵ . ۱۵
مکر بخشش یارمندی	۱۴۵۱ . ۱۳b	مکر آنکه خرطوم ماندی	۲۰۹ . ۲۰
مکر بدسکال دبدوروز-	۸۲۹ . ۶	مکر آنکه سام یلستم پدر	۱۲۰۲ . ۷
مکر بر تو بخشایش آرد	۱۰۱۴ . ۱۳e	مکر آنکه گفتار او بشنوی	۷۸ . ۴۴
مکر بر من این آشکارا	۳۳۷۹ . ۴۱	مکر ازدهارا بچنگ آورم	۶۷۷ . ۱۳
مکر بشکنی امشب این بند	۳۲۶ . ۳۵	مکر آنکه گفتند خاکست	۲۶۰۸ . ۴۱
مکر بشنود پند و اندرز	۱۴۹۴ . ۴۳	مکر او دهد یادمان بندگی	۴۴۴ . ۲۲
مکر بگذراند بکشتی	۴۵۲ . ۱۴	مکر با گهی و بفرمان	۳۲۹۹ . ۴۳
مکر بندگز بند عاری	۳۰۷۱ . ۱۵	مکر باد رود و سلام و پیام	۲۴۰ . ۱۱
مکر بندگی را پسند آیمت	۱۲۳۶ . ۴۳	مکر با توای پهلوان زمین	۸۰۱ . ۱۳b
مکر بود می گاه سختوت	۲۳۶۳ . ۱۳f	مکر باروان یار گردد	۲۸۵۲ . ۴۱
مکر بوم ایران بماند بجا	۱۴۹۱ . ۳۵	مکر بازبینم برو بوم را	۱۸۶۵ . ۱۳f
مکر بهره بر گیرم از پند	۲۲۸۱ . ۴۳	مکر بازبینم برو یال تو	۳۴۹ . ۱۲
مکر بهره مان زین سرای	۱۱ . ۱۴	مکر بازبینم ترا تند دست	۴۶۹ . ۶
مکر بیخ شان از بنه بر کنم	۱۵۵ . ۱۳b	مکر بازبینم شمارا در	۳۵۳ . ۵۰
مکر بی گناهان ز خون	۱۱۸۵ . ۱۳f	مکر بازبینم دیدار تو	۷۹۹ . ۱۲
مکر پاسخ از شاه یابیم	۳۶۲۹ . ۴۳	مکر باز بینم روی قباد	۱۴۶ . ۳۹
مکر پاسخی یا بی از دخترم	۱۴۹۲ . ۴۳	مکر باز دارد سرش را	۶۸۲ . ۱۳f
مکر پاک یزدان ببخشد	۳۱۵۸ . ۱۳g	مکر باز گردد بشیرین	۳۹۴۰ . ۱۵
مکر پر کر کس شود یا هما	۹۵۰ . ۱۳	مکر باز گردد ز بدنام	۸۵۸ . ۱۳e
مکر پند من سر بسر بشنود	۱۷۸ . ۱۳f	مکر باز گردند و یابند	۳۲۲۵ . ۱۳g
مکر پور دستان سام یلی	۱۲۶۰ . ۱۲c	مکر باز یابم بر و بوم	۱۰۸۶ . ۱۳e
مکر پور لهر اسپ گشت اسپ	۹۹ . ۱۵	مکر با سزاواری و خرمی	۵۲۷ . ۳۰
مکر پهلوان رستم بیلتن	۱۴۹۳ . ۱۲d	مکر با سواران بسیار	۵۴۲ . ۱۲c
مکر پیش آذر گشسپای	۱۸۴۸ . ۴۲	مکر با سیاوش بدی روز	۱۵۳۲ . ۱۲d
مکر تا زبان را براند	۱۱۸۸ . ۷	مکر باشد این از گشاد	۱۳۷۴ . ۳۵
مکر نایکی چاره سازد	۱۹۷ . ۴	مکر باشدم دادگر يك	۲۱۴۴ . ۱۳g
مکر تخته مهرک نوشزاد	۲۹۰ . ۲۲	مکر با من او چون برادر	۱۲۴۹ . ۴۲
مکر تیره شد بخت ایرانی	۲۷۰۷ . ۱۳g	مکر باشدم یا و رورهنما	۶۴۱ . ۱۲e
مکر جامه از مشتری بستدی	۸ . ۴۲	مکر بخت این کودک	۱۰۳۴ . ۴۱

مکر دست یا بید بردشت	۱۴۷ ، ۸	مکر جان تو شاد و روشن	۱۵۸۸ ، ۱۳b
مکر دشمنی بدسکالد	۳۸۱۷ ، ۴۱	مکر چون تو باشد بمردی	۱۱۹ ، ۱۲c
مکر دیدن او پسند آیدم	۱۴۴۷ ، ۷	مکر چهره دخت افراسیاب	۲۱۰ ، ۱۳e
مکر دیو با او هم آواز	۲۷۷۵ ، ۱۳g	مکر چیره گردند و جویند	۵۶۲ ، ۱۳f
مکر رام گردد بدین	۲۳۸ ، ۱۱	مکر خار یاسنگ خار	۸۹۵ ، ۱۳b
مکر رام گردد بدین مرز	۲۰۸۸ ، ۳۵	مکر خاست اندر جهان	۱۹۷ ، ۱۳e
مکر رستم آید بدین رزم	۹۸۸ ، ۱۳b	مکر خستکیهات گردد	۴۵۲۹ ، ۱۵
مکر رستم زال را با سپاه	۵۰۳ ، ۱۳b	مکر خسرو آید پیشت سپاه	۹۵۸ ، ۱۳f
مکر رستم زال سام سوار	۳۸ ، ۱۴	مکر خوار گیرم تن خویش	۲۰۸۹ ، ۱۵
مکر روز نور و زوجهش	۲۹۲ ، ۳۴	مکر خود بکام تو گردد	۱۲۳۳ ، ۷
مکر ز آب صندوق یابی	۳۱۷ ، ۱۷	مکر خود درنگم نباشد	۱۶۱ ، E
مکر ز اختر کرم گفتی	۴۹۰ ، ۲۱	مکر خود سروش آوریدش	۱۹۶۵ ، ۱۲d
مکر زالش آرد از این	۷۳ ، ۱۲	مکر خود نیازت نباشد	۲۵۳۴ ، ۱۲d
مکر زان یکی دو گزین	۱۵۴ ، ۳۴	مکر خود نیایدت از این	۴۵۵ ، ۴۱
مکر زنده از دست این	۶۴۰ ، ۸	مکر داد گر باشدت رهنما	۳۷۸۴ ، ۱۵
مکر زنده او را بچنگ	۱۷۶۵ ، ۱۳	مکر دان بما بر دژم	۱۱۵۰ ، ۱۲d
مکر زنده او را بر شهر	۲۳۹۸ ، ۱۳f	مکر دان دل از مهر افرا-	۱۳۵۹ ، ۱۲d
مکر زنده بیند مرا مادرم	۱۶۲۵ ، ۲۰	مکر دان زبان زین سپس	۳۰۴۸ ، ۱۳g
مکر زو ببینی یکی نامدار	۳۹۸ ، ۱۹	مکر دان سر از دین واز	۹۸۲ ، ۴۱
مکر زو مر آساید این بوم	۲۱۱۶ ، ۳۵	مکر دان سر از گفته	۵۶۴ ، ۱۳
مکر زین بلا سوی کشور	۳۵۲ ، ۱۳c	مکر دان همه نام مارا	۵۶۱ ، ۲۰
مکر زین دو تن را که ریزند	۲۲ ، ۵	مکر دایچ گونه بگردیدی	۱۵۴۳ ، ۴۱
مکر سرد هم یاسر خوشنواز	۹۶ ، ۴۰	مکر دایچ گونه بگرد خرد	۲۸۴۹ ، ۱۲d
مکر سیستان را پر آتش	۳۳۱ ، ۱۳c	مکر دخت خاتون که افسر	۲۲۴۰ ، ۴۱
مکر شاد باشیم زاندر ز	۳۹۷ ، ۴۴	مکر دختری کان نهان	۶۳۴ ، ۲۱
مکر شان بزین بر توانی	۲۳۷۳ ، ۱۳f	مکر در نهانی سخن دیگر	۱۴۶ ، ۴
مکر شاه از خاسپ توران	۳۸ ، ۱۵	مکر دست ارژنگ بسته	۳۶۲ ، ۱۲
مکر شاه ایران از آن خشم	۱۳۲۹ ، ۷	مکر دست بیژن گرفته	۷۲۰ ، ۱۳e
مکر شاه با بنده پیمان	۸۰۵ ، ۱۲d	مکر دست گیرد جهاندار	۳۴۷ ، ۱۳b
مکر شاه بال لشکر کینه جو	۱۴۰۸ ، ۱۳f	مکر دست یابی بدان	۹۱۹ ، ۱۲b

مگر کز شمار تو آید پدید	۲۳۵ . ۵	مگر شاه را نزد ماه آوریم	۵۲۲ . ۷
مگر کز میان دور و پیه سپاه	۱۱۱۹ . ۱۳۴	مگر شهر کابل نسوزد	۱۳۴۶ . ۷
مگر کز نهان من آگه شود	۴۷۱ . ۸	مگر شهر و دختر بماند	۱۸۱ . ۱۲b
مگر کس فرستم ز لشکر	۱۵۹۲ . ۴۲	مگر شهر یار آید از در	۱۱۵۱ . ۴۲
مگر کشته یا بد بجای مفاک	۴۶۹ . ۱۳b	مگر شهر یار اندر این	۱۲۲۸ . ۷
مگر کشور آید ز تنگی رها	۶۴۹ . ۱۲e	مگر طبع شوریده بکشایم	۳۲ . ۱۳e
مگر کم رهای بی دهد دادگر	۶۳۵ . ۱۲d	مگر غم نداری بزندان و	۶۱۶ . ۱۳e
مگر کو بیخت تو بهتر شود	۱۴۵۸ . ۱۲c	مگر کآتش تیز پودا کند	۵۰۴ . ۱۲d
مگر کو بر این هم نشان	۸۰۴ . ۴۳	مگر کاسمانی دگر گونه کار	۱۴۵۸ . ۱۳۴
مگر کو بماند بنزدیک	۱۲۱۷ . ۱۲d	مگر کان درختی که از	۶۹۴ . ۶
مگر کو بنزد تو انکشتری	۹۶۹ . ۴۳	مگر کان دلاور کوسال خورد	۲۵۰ . ۱۲c
مگر کودل سام و شاه زمین	۷۲۳ . ۷	مگر کان سخنگوی دانای	۳۴۸۴ . ۴۱
مگر کو ز روی زمین کم	۱۲۴ . ۱۳	مگر کان سر شهر یار	۱۰۳۳ . ۱۳c
مگر کو سروتن بشوید	۴۰۶ . ۵	مگر کاین بلاها ز ما بگذرد	۱۹۹۳ . ۱۵
مگر کو گشاید یکی پند	۷۱ . ۱۲	مگر کاین بلاها ز من بگذرد	۸۳۰ . ۱۲d
مگر کو یکی نامه نزدیک	۷۸۹ . ۷	مگر کاین بلاها ز من بگذرد	۹۳۷ . ۱۲d
مگر کین آن شهر یار جوان	۵۵ . ۱۲e	مگر کاین چنین بند و چندین	۴۲۸ . ۱۲d
مگر کین آن نامداران من	۲۵۳ . ۱۳g	مگر کاین سخن آشکارا	۳۳۷۰ . ۴۱
مگر کین هومان تو باز	۸۸۲ . ۱۳۴	مگر کاین سخن را پذیره	۱۱۹۲ . ۱۳
مگر گفتم این خاک بیداد	۵۴۵ . ۱۳c	مگر کاین شود بر سیاوش	۴۳۰ . ۱۲d
مگر کم کنم نام او در	۶۲۴ . ۱۲d	مگر کاین غمان بردات	۲۱۶ . ۱۴
مگر گنج ویژه تن ساوه	۱۰۵۳ . ۴۲	مگر کاین نشیمت نیاید	۱۸۹ . ۷
مگر گوشت از نام رستم	۹۵۹ . ۱۲	مگر کردگار آشکارا کند	۱۷۲۶ . ۴۱
مگر مادرت بر سرافسر	۳۷۶ . ۴۲	مگر کردگار روان و سپاه	۴۰۵۹ . ۱۵
مگر مادرش تنخه را تیره	۳۶۱۷ . ۴۳	مگر کردگار سپهر بلند	۶۷۴ . ۱۳b
مگر مانده گردند و سستی	۴۲۷ . ۱۳۴	مگر کز بدان پاک گردد	۱۲۸۰ . ۱۳g
مگر مان ز تاراج و خون	۱۹۰ . ۴۰	مگر کز پدیر یاد دارد پسر	۳۰ . ۱
مگر مرترا او بود دست	۵۳ . ۴۴	مگر کز پی جنگ او را سیا	۱۷۰ . ۱۳۴
مگر مرد بادانش و یاد	۳۳۹ . ۲۲	مگر کز پی چیز ترساشد	۲۱۶۵ . ۴۳
مگر مرد در ویش کز شهر	۲۶۰۴ . ۳۵	مگر کز نو آشوب خیزد	۱۳۷۲ . ۱۲d

ممان تابدار قدباده بدست	۱۰۰	۳۰	مکر مردمی جویی و راستی	۳۳۰	۴۲
ممان دیر تا خسرو سرفراز	۸۸۰	۴۳	مکر مردمی خیره دانی	۶۷	E
من آگاه بودم که از بخت	۱۸۲	۴۴	مکر مرگ را پیش دیوار	۶۱۹	۴۴
من آگاهی از فر یزدان	۱۸۴۹	۱۲۵	مکر مرگ کز مرگ خود	۱۸	۱۳
من آن ایزدی فره باز	۴۹	۸	مکر من بایران نخواهم	۱۵۹۶	۱۲۵
من آن بارگه را یکی	۱۱۳۳	۴۲	مکر من ز داد تو بی بهره ام	۱۱۹۹	۷
من آن بر گزینم که چشم	۴۱۸۳	۱۵	مکر من شوم در جهان شهر	۶۷۲	۲۱
می آنچه شنیدم بگفته ام	۹۰۸	۱۵	مکر من شوم نزد شاه جهان	۹۵۵	۱۲۵
من آن دیدم از گیو کز	۱۳۱۷	۱۲e	مکر مهر شاهی و تخت و	۳۱۴۰	۴۱
من آن دیدم از وی که از	۱۱۲۹	۱۲e	مکر ناسزا ام بشاهنشهی	۲۴۵	۴۳
من آن رستم زال نام آورم	۶۳۶	۱۲c	مکر ناگهان بر سر آن	۱۳۶۵	۱۳
من آن گرز یک زخم	۱۱۲۷	۷	مکر نام آن نامور پهلوان	۷۶	۱۳c
من آنم که از مرز توران	۲۷۴	۱۳b	مکر نام را باید و تنگ را	۲۱۲۳	۴۱
من آنم که گویی برو بوم	۸۷۰	۱۲	مکر نامور شنکل از هند	۱۹۰۳	۳۵
من آورد رستم بسی دیده	۹۰۸	۱۲e	مکر نشنوی بانگ و آوای ^e	۷۰۳	۱۳
من آوردمش نزد شاه جهان	۲۸۱	۷	مکر نیز فرزند بینم یکی	۱۵۵	۳۴
من آیم بپشت بخواهی	۷۸۵	۲۰	مکر هر کسی بس کند مرز	۳۲۸۵	۴۳
من آیم بفرمان بر این کار	۸۹	۱۳e	مکر هفت صد مرد آتش	۱۰۲۲	۱۵
منادی بر آمد ز در گاه شاه	۷	۱۱	مکر هم بدین خوبی اندر	۲۵۴۲	۱۳g
منادی گری بر کشیدی	۲۴۱	۴۲	مکر همچنان گفتم آباد	۴۱۴	۶
منادی گری را بفرمود	۱۲۳	۳۵	مکر همز هان جوان یافتی	۲۲۸۶	۴۳
منادی گری کرد خاقان	۲۶۹۲	۴۳	مکر یار باشدت یزدان	۶۹۰	۱۲
منادی گری کردی اندر	۳۹۳۹	۴۳	مکو ناسزا تخت شاهی	۳۰۶۴	۴۱
منادیگری کرد لشکر	۳۸۳	۴۱	مکوی آنچه هر گز نکفت	۲۹۵۷	۱۵
منادیگری کرد لشکر	۹۱۹	۵۰	مکوی آن سخن کاندرو	۱۱۵۲	۴۱
منادیگری نام او شیرزاد	۵۴۸	۴۱	مکوی ای برادر سخن جز	۳۲۵۱	۴۱
من ار چه شدم پیر روز نبرد	۳۵۷۴	۱۵	مکو بید یکسر جز از	۶۰۶	۴۴
مناره بر آرم بشمشیر و	۵۷	۳۸	مکبیرید خشم و مدارید	۴۵۴	۶
من از آفرینش یکی بنده	۲۰۲۴	۲۰	مکبیریدشان بهر جان زریب	۷۹۱	۱۵
			مک بود قیطون به صرا اندر	۷۱۴	۲۰
			مماناد گیتی ز خاقان تهی	۲۸۹۹	۴۳

من از ابر بینم همی بادونم	۲۵۰۸ ، ۱۵	۴۲	۱۶۲۰ ،	من از راز پردخته کردم
من از اختر کرم چندان	۴۸۰ ، ۲۱	۴۵	۳۷ ،	من از روم چندان سپاه
من از بهر آن دارم اورا	۳۹۱۶ ، ۴۱	۳۵	۲۰۹۴ ،	من از شاه ایران بیبچم
من از بهر ایشان یکی	۳۷۹ ، ۲۲	۱۵	۴۰۴۵ ،	من از شست توهشت تیر
من از بهر این فرواورند	۳۱۵۴ ، ۱۵	۱۳g	۴۲ ،	من از شست و شش سست
من از بهر این نامه شاه	۷۳۲ ، ۱۳e	۴۱	۳۶۵۷ ،	من از فراو این بجای آورم
من از بهر بیژن ندارم	۷۳۵ ، ۱۳e	۱۵	۳۳۴۶ ،	من از کودکی تاشدستم
من از بیم آن نامور شهر یار	۲۳۹ ، ۲۲	۱۳c	۸۲۷ ،	من از گفته شاه رفتم زهوش
من از پادشاهی آباد	۱۳۳۱ ، ۱۳c	۲۰	۹۹۲ ،	من از گنج و از بدره و هر
من از پادشاهیت آباد	۳۸۵ ، ۱۳e	۴۱	۲۹۹۸ ،	من از گل بدین گونه مردم
من از پند کیخسرو افزون	۱۲ ، ۱۴	۱۳f	۱۳۲۰ ،	من از لشکر ترک هم زین
من از تخم شاه آفریدون	۲۱۹ ، ۱۴	۳۴	۱۳۲ ،	من از سپ آن گزینم که اندر
من از تخمه ایرج پاک زاد	۲۲۷ ، ۱۵	۲۱	۶۴۲ ،	من از کنون بسازم یکی
من از تخمه تور توران	۵۰۰ ، ۱۳f	۶	۱۱۰۷ ،	من از کنون بهوش دل و پاک
من از تخمه نامدار آرشم	۳۹۳ ، ۴۳	۱۲c	۲۲۶ ،	من از کنون بباید سواری
من از تو بدین کین نکیرم	۹۷۸ ، ۲۰	۱۳f	۱۲۶۷ ،	من از کنون بدین چرب
من از تو بسال و پدر مهترم	۳۰۶۳ ، ۴۱	۱۲e	۱۰۰۹ ،	من از کنون بدین خنجر
من از تو نترسم نه جنگ	۱۷۰۱ ، ۲۰	۱۳g	۲۵۳۶ ،	من از کنون جو کین پدر
من از جام می همچنانم	۱۰۶۱ ، ۳۵	۱۳g	۳۰۹۹ ،	من از کنون روان را همی
من از جم و ضحاک و از	۴۶ ، ۱۲	۴۲	۱۱۳۰ ،	من از کنون شوم سوی درگاه
من از خاک پای تو بالین	۱۶۶۱ ، ۷	۱۳e	۵۸۰ ،	من از کنون زهر سو فراوان
من از خوردگی رانده ام با	۷۰۱ ، ۴۲	۱۵	۱۰۹۲ ،	من از کنون نجویم بخلخ
من از خستکیهای تو خسته	۱۳۲۲ ، ۱۵	۳۵	۱۰۹۳ ،	من از کنون نیایم مگر
من از دخت خاقان فرستاده	۲۷۳۶ ، ۴۳	۱۲d	۱۰۳۹ ،	من از کنون هیونی فرستم
من از دخت شاه سمنگان	۵۶۶ ، ۱۲c	۱۵	۳۷۸۷ ،	من از کنون همی سوی
من از دخت مهراب گریان	۸۱۷ ، ۷	۱۳f	۷۴۱ ،	من از کنون یکی باز لشکر
من از درد ایرانیان چون	۲۷۳۶ ، ۱۳g	۱۳	۱۲۸۵ ،	من از امروز با این سپه آن
من از درد دل بر کشیدم	۱۳۹۸ ، ۱۳f	۲۱	۴۷۲ ،	من از امروز بر اختر کرم
من از دور با این سپاه آمدم	۱۳۷ ، ۱۳c	۱۱	۵۸ ،	من از امروز بند کمر گاه
من از دور دیدم بروبال	۱۵۳۹ ، ۱۲c	۱۳b	۱۴۰۹ ،	من از امروز جنگ آورم با

۴۱	۳۴۳۶	من امروز در دفتر هندوان	۲۰	۱۸۸۱	من ایدر همه کار کردم
۱۵	۳۹۷۷	من امروز نر بهر جنگ	۱۳۴	۱۵۷۲	من ایدون شنیدستم از
۱۲c	۱۱۸۹	من امشب بپیش جهان	۱۵	۳۱۸۲	من ایدون شنیدستم از
۵۰	۶۶۹	من امشب بگردانم اینرا	۱۲d	۱۲۰۳	من ایدون شنیدم که اندر
۴۳	۵۵۳	من امشب سکا لیدہام	۴۴	۲۷۶	من ایدون شنیدم کہ جای
۴۱	۳۰۰۳	من انداختم هر چه آمد ز	۱۳۴	۱۳۱۶	من ایدون گمانم کہ تا این
۱۳۴	۱۰۵۳	من اندر پی طوس با پیل	۱۲c	۱۰۷۳	من ایدون گمانم کہ تو
۱۳۴	۲۰۳۶	من اندر جهان رگرازاده	۶	۵۲۴	من ایران نخواهم نہ خاور
۱۲e	۹۹۰	من اندر فرازو تو اندر	۳۴	۴۲۶	من ایرانیا نرا نمایم کہ
۵۰	۳۷۷	من اندر نشاپور یک هفته	۱۳c	۹۶۴	من این بارتشک اندر آیم
۴۲	۶۱۸	من اورا بدامت فراز آورم	۱۴	۸۱۹	من این پادشاهی مرا اورا
۲۰	۹۸۴	من اورا بدست تو اندر	۳۰	۶۳۳	من این تاج شاهی سپارم
۱۲d	۱۵۹۲	من اورا بدین کار خستو	۵۰	۸۰۹	من این تاج میرات دارم
۱۵	۴۴۵۹	من اورا بدین گفته بیجان	۱۲	۶۰۹	من این تاج و این تخت و
۷	۸۰۳	من اورا بسان یکی بندهام	۴۱	۳۰۶۶	من این تاج و تخت از پدیر
۱۵	۲۸۷۷	من اورا بیک سنگ بیجان	۳۱	۱۰	من این تخت را پایکار
۱۳c	۹۶۶	من اورا چنان مست و بی	۱۴	۳۱۷	من این چاره اکنون بجای
۱۲d	۱۸۷۲	من اورا کشیدم بتوران	۳۵	۱۷۹۸	من این دانم ارهست پاسخ
۱۲b	۱۲۲	من اورا کنم از پدیر خوا-	۱۳	۱۷۱۲	من این درع و تازانه بردا-
۱۳c	۲۸	من اورا کہ کاموس از روشد	۳۴	۵۰۵	من این دشت جهرم چو
۴۲	۳۸۲	من اورا گزین کردم از	۴۱	۲۲۵۶	من این را پسندم کہ بر
۴۱	۴۴۴	من اورا نمایم کہ فرمان	۴۰	۲۶۷	من این را کنم راست تا
۵۰	۳۳۰	من اورا نیاز مردم از هیچ رو	۴۱	۲۲۴۸	من اینرا کہ بی تاج و آرا-
۱۲e	۴۳۳	من اورا یکی چاره سازم	۱۵	۴۳۶	من این را کہ گفتم نگفتم
۱۳c	۱۳۶۲	من اورا یکی چاره سازم	۱۵	۱۰۴۸	من اینرا نوشتم کہ تا شهر
۳۵	۹۹۹	من ایدر باواز جنگ	۱۳c	۱۳۶۹	من این زابلی را بشمشیر
۴۲	۶۵۶	من ایدر برزم آمدم با سپاه	۷	۱۲۱۵	من اینک بپیش تو استادہام
۱۰	۱۶۲	من ایدر بسی لشکر آرا-	۱۲d	۲۰۲	من اینک بپیش تو استادہام
۱۴	۴۵۳	من ایدر بمانم بر نچ دراز	۱۲d	۳۱۵	من اینک بپیش تو استادہام
۱۳c	۱۲۵۴	من ایدر زمانم بسی گنج	۷	۱۴۲۵	من اینک بپیش تو ام مستمند

منم بیژن گیو از ایران	۲۰۶ ، ۱۳e	من اینک بخون چنگرا	۶۳۶ ، ۱۳f
منم بیطقون کد خدای	۸۹۶ ، ۲۰	من اینک برفتن کمر بسته	۲۲۲۲ ، ۱۲d
منم پاک فرزند شاه اردشیر	۴ ، ۲۳	من اینک بشبگیر از این	۸۸۰ ، ۷
منم پور آن نیکبخت	۳۸۵ ، ۵	من اینک بکردار باد	۷۹۷ ، ۱۳b
منم پورشاپور کو پورتست	۲۶۷ ، ۲۲	من اینک بمر و آمدم	۵۷ ، ۳۴
منم پور گودرز کشواد	۱۰۱۶ ، ۱۲e	من اینک بهر کار یارتوام	۲۲۳۸ ، ۱۲d
منم پور نوذر جهان شهر یار	۱۳۷۱ ، ۱۲e	من اینک پس اندر چو باد	۵۶۹ ، ۱۳b
منم پیش هر گه که جنگ	۳۶۵۷ ، ۱۵	من اینک پس نامه اندر دمان	۱۴۵۷ ، ۷
منم پیش و گر بمن بد	۱۷۰۷ ، ۱۵	من اینک پس نامه برسان	۱۱۹۷ ، ۶
منم پیش یزدان از داد	۲۴۲۱ ، ۳۵	من اینک پس نامه برسان	۳۸۰ ، ۵۰
منم داغدل پور آن بی گناه	۶۲۵ ، ۱۳g	من اینک سپاهی بیارم	۷۵ ، ۳۸
منم دل پر از غم ز کردار	۷۹ ، ۱۳b	من اینک میان را برومی	۸۳۰ ، ۶
منم رستم ز ابلی پور زال	۱۱۶۲ ، ۱۳e	من این کودک خرد با	۴۵۸ ، ۱۲e
منم زین بزرگان فریدون	۳۰۲۳ ، ۱۳g	من اینک همی با تو آیم	۲۲۳۵ ، ۱۲d
منم سرخه از تخم افرا	۲۱۳ ، ۱۲e	من اینک یکی نامه نزدیک	۸۷ ، ۲۱
منم سرکشی گفت از ایران	۱۲۷ ، ۳۵	من این کین اگر تابصد	۱۳۳۷ ، ۱۳f
منم شاه مازندران با سپاه	۹۶۷ ، ۱۲	من این کینه را ناوریده	۱۲۶۴ ، ۱۳f
منم شیردل نامدار مهان	۵۲۵ ، ۱۲b	من این لشکر مرا یکایک	۱۴۶۷ ، ۱۳g
منم عیسی آن مردگان را	۱۶۴۸ ، ۱۵	من این نامه فرخ گرفتم	۱۰۶۴ ، ۱۵
منم فور واز فور دارم	۵۳۶ ، ۲۰	من این نغز بازی بجا آورم	۲۷۵۳ ، ۴۱
منم کد خدای جهان سر بسر	۵۱۷ ، ۵	منجم بیاورد صلاب را	۱۴۰ ، ۳۰
منم کمترین بنده یزدان	۲۱۲ ، ۷	منش پستی و کام بر پادشا	۱۲۴۷ ، ۴۱
منم گرد گیر آن سوار دلیر	۲۹۳ ، ۱۲c	منش پست و کم دانش	۱۴۵۰ ، ۴۱
منم گفت آهسته و راهجوی	۱۰۳۱ ، ۱۵	منش دیگر و گفت و پاسخ	۱۵۰۶ ، ۴۲
منم گفت با فری ایزدی	۷ ، ۴	منش هست و فرهنگ و رای	۵۷۵ ، ۳۴
منم گفت بر تخت گردان	۸ ، ۷	منم بردت بنده بیخرد	۱۱۱۵ ، ۳۵
منم گفت بهرام ای سرفراز	۱۷۲۹ ، ۱۳	منم بنده اهل بیت نبی	۱۰۷ ، E
منم گفت فرزند شاهنشهان	۳ ، ۴۹	منم بنده اهل بیت نسی	۱۷ ، ۱۲e
منم گفت گرد افکن شیر	۵۱ ، ۱۳c	منم بنده ای شاه را ناسزا	۳۹۳ ، ۶
منم گفت شایسته کار کرد	۲۰۸۴ ، ۱۲d	منم بنده ای مهربان بنده	۳۴۸ ، ۳۰
		منم بی زواری بزدان شاه	۷۹ ، ۴۲

منوچهر شدشادمان زین	۱۵۱۴۰	۷	منم گفت نستور پور زریں	۷۲۷۰	۱۵
منوچهر فرمود تا بر نشست	۲۴۱۰	۷	منم گفت یزدان پرستنده	۲۷۰	۱۵
منوچهر کرد آن ز ترکان	۳۲۰۰	۱۳	منم گوش داده بفرمان	۸۴۲۰	۱۳e
منوچهر کردی بدین پیش	۶۲۰	۱۲	منم گوهر پاک آن پاک زاد	۹۶۰۰	۱۲e
منوچهر گفت ای سرافراز	۸۲۸۰	۶	منم مهربان تر ز افراسیاب	۱۳۴۵۰	۱۲e
منوچهر گفت این دلاور	۱۶۱۷۰	۷	منم ویژه زنده کن نام او	۴۰۳۰	۲۲
منوچهر گفتش که اینست	۱۰۴۵۰	۶	من واسپ شبدیز و شمشیر	۵۷۸۰	۳۵
منوچهر گیتی نبخشید	۸۲۷۰	۱۲d	من و این سواران و شمشیر	۵۱۰۰	۳۴
منوچهر منشور آن بومو	۱۷۵۹۰	۷	منوچهر آرش سپهدارشان	۱۷۷۰	۱۳g
منوچهر یک هفته با درد	۱۲۵۷۰	۶	منوچهر آمد ز اشکر بیرون	۱۱۲۰۰	۶
من و خسرو و دشت آورد	۵۹۱۰	۱۳g	منوچهر آن کینه را باز	۱۲۵۱۰	۱۳f
من و رخس و کویال و	۲۶۷۰	۱۰	منوچهر از آن تخمه آمد	۶۲۱۰	۵۰
من و رستم و اسپ شبدیز و	۱۹۲۸۰	۷	منوچهر از آن جایگه	۱۴۰۰	۸
من و رستم ز ابلی هر که	۳۲۵۰۰	۱۳g	منوچهر از ایران اگر کم	۱۲۵۰	۸
من و شیده و دشت و شمشیر	۵۶۹۰	۱۳g	منوچهر از رای سام سوار	۷۹۰۰	۷
من و گرد پیران و روین	۱۶۹۴۰	۱۳f	منوچهر با تور و سلم سترگ	۱۸۰۰	۱۶
من و گرز و چوبینه بد	۱۹۵۷۰	۲۳	منوچهر با قارن رزمزن	۸۴۸۰	۶
من و مندر و گرز و شمشیر	۵۹۳۰	۳۴	منوچهر بر خاست از بخت	۱۱۰۳۰	۷
منه از جوانی سراندر	۱۰۶۳۰	۱۲d	منوچهر بر خاست از قلب	۸۹۸۰	۶
منه نورهی کان نه آیین بود	۴۵۱۰	۱۳	منوچهر بر گاه بنشست	۲۴۲۰	۷
منه هیچ دل بر جهنده جهان	۶۵۹۰	۱۲e	منوچهر بر میسره جای	۹۷۹۰	۱۳g
منی چون بیبوست با کرد-	۸۷۰	۴	منوچهر بشنید و بکشاد	۹۵۷۰	۶
منیژه بدو گفت دل شاد	۲۵۱۰	۱۳e	منوچهر بنهاد تاج کیان	۱۲۵۲۰	۶
منیژه بدو گفت کز کار من	۹۹۷۰	۱۳e	منوچهر چون بشنود	۷۱۸۰	۷
منیژه بدو گفت کز کاروان	۱۰۲۵۰	۱۳e	منوچهر چون زاد سر و بلند	۷۸۷۰	۶
منیژه بشد آتشی بر فرو-	۱۰۹۹۰	۱۳e	منوچهر چون گشت فیروز	۹۹۳۰	۶
منیژه بهیزم شتابید	۱۰۹۴۰	۱۳e	منوچهر چون یافت زو	۱۰۹۵۰	۷
منیژه بیامد بدان چاهس	۱۰۲۰۰	۱۳e	منوچهر خندید و گفت	۸۷۲۰	۶
منیژه بیامد بیک چادرا	۴۴۲۰	۱۳e	منوچهر را با سپاهی گران	۶۹۲۰	۶
منیژه بیامد گرفتش بین	۲۲۳۰	۱۳e	منوچهر را بدو پور گزین	۲۲۵۰	۷
			منوچهر شد زین جهان	۱۴۶۰	۱۲

مهیژہ چو بشنید خندیدن	۱۰۳۷ ، ۱۳e	مہان کھتری را بیاراستند	۱۷۷۳ ، ۴۱
مہیژہ چو بشنید نالید	۱۰۴۶ ، ۱۳e	مہان و کھان پاک بر خاستند	۲۷ ، ۲۳
مہیژہ چو بیژن دژم روی	۲۳۵ ، ۱۳e	مہان و کھان را ہمہ بنگرید	۶۷۳ ، ۳
مہیژہ خبر یافت از کاروان	۹۶۹ ، ۱۳e	مہان و کھان را ہمہ خواند	۹۵۸ ، ۱۵
مہیژہ ز گفتار او شاد شد	۱۰۷۱ ، ۱۳e	مہان یکسر از جای بر	۴۰۸۱ ، ۴۳
مہیژہ عجب ماند از آن کار	۱۰۳۹ ، ۱۳e	مہانی کہ با زال سام سوار	۲۹۹۸ ، ۱۳g
مہیژہ کج دخت افراسیاب	۱۵۹ ، ۱۳e	مہ بانوان خواندش آفرین	۱۳۴۷ ، ۱۲e
مہیژہ نشسته بخیمه درون	۱۱۸۸ ، ۱۳e	مہست آن سرافراز پدram	۱۹۷۳ ، ۳۵
مہیژہ منم دخت افراسیاب	۱۰۰۱ ، ۱۳e	مہ فرودین و سر سال بود	۵۲۹ ، ۷
منی کرد آن شاه یزدان	۷۲ ، ۴	مهندس پذیرفت ایوان شاه	۳۸۷۲ ، ۴۳
منی کرد و گفت اینت آیین	۳۴۲ ، ۳۴	مہ نو ز راه سرافکنندگی	۲۱۷ ، ۱۱
مہاری ببینی او بر نهاد	۴۴۸ ، ۳۰	مہ و سال گردان بدی در	۲۴۵ ، ۴۲
مہان پیش او خاک دادند	۵۱۹ ، ۵	مہین برجپ و ماہیارش	۳۴۴ ، ۱۹
مہان تاج و تخت مرا	۲۸۹۱ ، ۴۱	مہین دخت بانو گشسپ	۱۰۰۳ ، ۱۲e
مہان جامہ ہا بردردند	۳۶۳ ، ۳۴	مہین دخت را نام ماہ آفرید	۸۸۴ ، ۳۵
مہان جهان آفرین خواند	۱۴ ، ۱۴	مہین مہان بانوی گیو بود	۶۱۳ ، ۱۲e
مہان جهان بردر کعباد	۲۱۶ ، ۴۰	می آورو با میکساران	۳۴۴ ، ۱۴
مہان جهان را کہ دارند	۹ ، ۱۷	می آورد برخوان و	۲۴۷۳ ، ۳۵
مہان چون شنیدند آواز	۴۰۸۰ ، ۴۳	می آورد چون سیر خورد	۲۰۷ ، ۳۵
مہان چون شنیدند فرمان	۵۱ ، ۱۹	می آورد برخوان و میخوار	۱۸۰۸ ، ۱۵
مہان را ہمہ دارد و کہ	۴۰۳ ، ۱۹	می آورد و چون اندکی	۲۲۲۱ ، ۱۵
مہان را چنین پاسخ آورد	۳۱۶ ، ۵۰	می آورد درامشکرا سفند	۲۷۵۶ ، ۱۵
مہان را کہ با فر و زبند	۲۲۵۱ ، ۴۱	می آورد درامشکران را	۱۸۵۳ ، ۷
مہان را ہمہ انجمن کرد	۴۸ ، ۹	می آورد درامشکران را	۵۷۱ ، ۱۲d
مہان را ہمہ چشم بر سو فرا	۱۸۶ ، ۳۹	می آورد درامشکران را	۳۱۴ ، ۱۳
مہان را ہمہ خواند شاه	۱۰۲۳ ، ۱۵	می آورد درامشکران را	۳۴۷ ، ۱۳
مہان را ہمہ شاه در بر	۳۴۳ ، ۳۰	می آورد درامشکران را	۱۶۷۸ ، ۱۳g
مہان سرافراز بر خاستند	۱۲۶۹ ، ۱۲e	می آورد درامشکران را	۱۷۹۹ ، ۱۳g
مہان سرافراز دارند	۵۰۶ ، ۳۰	می آورد درامشکران را	۳۳۹۷ ، ۱۵
مہان شاه را خواندند	۲۴۶ ، ۵	می آورد درامشکران را	۳۴۹۳ ، ۱۵

می آورد و رامشکرو بوی	۳۳۴ ، ۱۴	میانت چوغروست و بالا	۱۰۲۲ ، ۳۵
می آورد و نار و ترنج و	۲۱ ، ۱۳e	میان تل خستگان اندر	۱۷۴۱ ، ۱۳
می آورد کز این روز مابس	۷۸۱ ، ۵۰	میان تنگ چون پبر و بازو	۸۵۹ ، ۳۵
میازار کس را که آزاد	۳۵۱۴ ، ۱۵	میان تنگ خون ریختن را	۱۵۰ ، ۴۲
میازار موری که دانه	۵۴۱ ، ۵	میان تنگ و باریک ه چون	۳۳۵۱ ، ۱۵
میازار هرگز روان پدر	۹۸۵ ، ۴۱	میان جوانرا نبد آگهی	۱۱۰۴ ، ۱۲c
میاسا ز رفتن شب و روز	۱۴۷۵ ، ۱۳	میان جهان این دو بل را چه	۳۹۶۵ ، ۱۵
میاسای از آ و ختن یک	۱۶۲۱ ، ۴۱	میانجی بیدرفت و خاقان	۲۲۷۶ ، ۴۱
میاسای بر کین از افراسیا	۴۹۱ ، ۱۲e	میانجی نخواهی بجز تیغ	۱۱۳ ، ۱۳
میامیز با مردم کز گوی	۴۳ ، ۴۲	میان دو پیشه بیکروزه	۱۶۹ ، ۱۳e
میان ارببستی بکین آوری	۱۱۰ ، ۸	میان دو تن جنگ و کین	۲۵۴۲ ، ۴۱
میان اندر آن کوه خارا	۲۴۷۴ ، ۴۳	میان دو صد چاهساری	۶۲۰ ، ۱۲
می اندر قدح چون عقیق	۵۱ ، ۱۳e	میان دو صف تیغها بر کشید	۷۷۶ ، ۱۳g
میان اندرون ریگ و جای	۲۹۸۱ ، ۱۳g	میان دو صف شیده اورا	۶۱۷ ، ۱۳g
میان اندرون کاویانی	۲۸۸۶ ، ۱۳g	میان دو کشور دو شاه	۲۴۶ ، ۱۳c
میان اندرون مرد کوراز	۱۹۰۰ ، ۴۲	میان دو کوه از بر راغ و	۹۴۰ ، ۱۳c
میان باز نکشاد کس کشته	۱۰۲۳ ، ۱۲b	میان دو کوهست پر هول	۶۱۹ ، ۱۲
میان برادر بد و نیم کرد	۶۷۹ ، ۸	میان دولشکر دو پر تاب	۳۵۶ ، ۲۱
میان بزرگان در خشش	۳۷ ، ۴۲	میان دولشکر دو صف بر	۱۳۲۷ ، ۱۳f
میان بز و گاو میش و ستور	۱۳۰۱ ، ۱۲e	میان دولشکر دو فرسنگ	۱۸۶ ، ۸
میان بستم در آن کار	۸۵۵ ، ۱۳b	میان دولشکر دو فرسنگ	۱۰۶۷ ، ۴۲
میان بستن اورا بسان رهی	۷۱۸ ، ۶	میان دولشکر دو فرسنگ	۱۵۳۱ ، ۱۳g
میان بسته ام بندگی شاه را	۴۳۴ ، ۱۳c	میان دولشکر دو فرسنگ	۷۵ ، ۱۹
میان بسته ام تاجه فرمان	۵۳ ، ۱۳d	میانرا بستم اندر آن ریو	۷۸۹ ، ۱۳
میان بسته ای پیش ما چون	۱۷۷۸ ، ۱۳f	میانرا بستم بنام بلند	۱۲۶۰ ، ۷
میان بسته بانیزه و خود	۶۱۶ ، ۱۳g	میانرا بستم کنون رزمجو	۴۲۳ ، ۵۰
میان بسته دارند پیشم	۸۲۹ ، ۱۳e	میانرا ببندد بکین پدر	۵۸۶ ، ۱۲e
میان بسته دار بد و بیدار	۸۸۴ ، ۶	میانرا ببندم بدین کار	۱۲۱ ، ۱۳
میان بهی در خوشاب	۵۵۱ ، ۳۵	میانرا ببندم بکین پدر	۷۴۸ ، ۱۳
میانت پنخنجر کنم بر دو	۱۶۶۶ ، ۱۵	میانرا ببندید در کار	۱۶۲۳ ، ۱۳b
		میانرا بز نار خونین بستم	۵۹۰ ، ۶

میان رابکین برادر بوند	۴۹۰	۱۲e	میان رابکین برادر بوند	۴۹۰	۱۵
میان زیر جوشن بسوزد	۱۵۰۱	۱۲e	میان کیان دشمنی افکنی	۱۴۳۸	۱۲e
میان زیر خفتان رومی	۱۰۲۲	۱۳	میان کیان دشمنی افکنی	۴۲۳۹	۱۵
میان سپاه اندر آمد چو	۷۲۳	۱۲	میان کیی تاختن راببست	۱۰۴۳	۴۳
میان سپاه اندر آمد چو	۱۱۱۹	۱۲c	میان گاه لشکرش را هم	۴۹۰	۱۵
میان سپاه اندر آمد دلیر	۳۴	۱۱	میان گلستان یکی آبگیر	۸۱۲	۳۵
میان سپاه اندر آمد دلیر	۴۳	۱۱	میان من و او با یوان درست	۲۵۴	۵
میان سپاه اندرون تاختند	۱۵۴۶	۱۳f	میان من و او بسی رزم بود	۱۰۲۸	۱۲d
میان سپهد بدونیم کرد	۲۴۴۸	۱۳g	میان مهان بخت بوزر جمهر	۱۱۶۳	۴۱
میان سپه تیر بگذاشتند	۱۵۲۶	۱۳b	میان نیا و نبیره دوشاه	۱۴۷۹	۱۳f
میان سپهدارو آن سرو	۸۹۵	۷	میانها ببستند بارو میان	۳۶۱	۴۳
میان سپه دیدسهراب را	۱۱۲۳	۱۲c	میانها ببندیم و جنگ	۶۳۴	۲۰
میان سپه گویانی درفش	۹۳۵	۱۳f	میانزه برادر چو او را بدید	۲۵۳	۶
میان سپه گویانی درفش	۲۱۲۲	۱۳f	میانزه بود مرد گند آوری	۱۲۴۸	۴۱
میان سپه نیم فرسنگ بود	۱۴۷۸	۱۳c	میانزه خود اندر میانست	۱۷۶	۶
میان سخن هامیانجر بوید	۲۵۵۴	۳۵	میانزه کدامست و کهتر کدام	۱۷۴	۶
میان سرا پرده تخی زده	۹۱۵	۱۲c	میانزه کدامست و مهتر کدام	۱۹۹۰	۶
میان سواران در آمد چو	۸۷۵	۱۲e	میانزه کز آغاز تیزی نمود	۲۷۸	۶
میانش ابا کوهه زین	۵۲۶	۸	میانزه گزین در همه کار	۱۵۳۹	۴۱
میان شان همی داوری شد	۵۳	۱۲d	میانزه گزینی بمانی بجای	۴۷۱	۲۲
میانش ببرم بشمشیر تیز	۱۱۵۵	۱۲e	میانزه گزینی بمانی بجای	۱۱۵۰	۴۱
میانش ببرم بشمشیر تیز	۲۸	۳۱	میانزه نشیندم اندر میان	۱۷۲	۶
میانش بحلقه در آورد کرد	۴۲۱	۱۲b	میاور تو خشم و مکن روی	۱۵۵۰	۴۳
میانش بخنجر بدونیم کرد	۵۵۰	۱۲	میاپید دیگر برون از	۶۳۷	۷
میانش بخنجر کنم بردو	۸۴۸	۱۲b	میاپید یکتن به آورد گاه	۱۲۰۶	۱۲c
میانش بخنجر بدونیم کرد	۲۲۸۲	۱۲d	می خسروانی بجام بلور	۲۴۸۶	۱۵
میانش بخنجر بدونیم کرد	۶۰۰	۴۲	می خسروانی سه جامش بداد	۸۵۵	۱۳c
میانش به خنجر بدونیم	۲۵۹۰	۱۵	می خسروانی سه جامش بداد	۱۸۱۰	۱۵
میانش بخنجر کنم بردو	۶۰۳	۴۲	می خسروی خواست طائر	۱۰۳	۳۰
میانش بدو نوه کردی	۱۲۶۰	۱۳g	می روشن آورد و پر مایه	۶۳۶	۶
میانش نهر شاخ و برگش	۴۵۵۱	۱۵			

می روشن آورد درامشگر	۴۲۱ . ۵	می و جام بردند درامشگران	۱۲۷۴ . ۳۵
می روشن و جهره شاه نو	۷ . ۶	می و جام و آرام باید نخست	۱۵۹۳ . ۱۳c
می زابلی سرخ در جام زرد	۸۱۱ . ۱۲b	می و جام و بویا گل و مرغزار	۵۳۵ . ۱۲
می سالخورده بجام بلور	۲۳۲ . ۱۳e	می و جام و نخچیر بر هم زنیم	۷۴۰ . ۱۲b
می فکن تو آیین شاهان	۱۶۴ . ۱۵	می و خوان و خوالیگران	۱۷۱۵ . ۱۲d
می لعل پیش آوری روزبه	۱۴ . ۲۷	می و دبق و کافور و مشک و	۷۳۹ . ۵۰
می لعل پیش آوری هاشمی	۶۷۷ . ۲۰	می و رامش و زخم چو گان	۴۱۳۰ . ۱۵
می لعل رخشان بجام بلور	۵۸۲ . ۳۵	می و رود و رامش بیاراستی	۱۲۲۰ . ۱۳f
می لعل کون را بجام بلور	۱۹۵۲ . ۷	می و زعفران برد و مشک	۶۴۵ . ۳۵
می ندیش از آن کان نشاید	۱۱۵۳ . ۴۱	می و گرزیک زخم و میدان	۸۱۰ . ۱۲b
می ندیش از این پس بدین	۱۳۰ . ۴۴	می و گلشن و بانگ چنگ	۹۱۰ . ۱۳g
می ندیش از راه دور و دراز	۳۹۲۳ . ۱۵	می و مجلس آراست، شد	۱۱۵۰ . ۷
می ندیش از شاه و ایران	۲۳۹ . ۱۲	می و مشک و عنبر بر	۶۶۸ . ۷
می ندیش کو کینه پیش آورد	۶۳۵ . ۱۳f	می و هر چه خوردی ترا	۳۴۰۰ . ۱۵
می و بر بط و ساز بر ساختند	۲۴۳ . ۱۲d	می چند خوردند و بر	۲۳۸۴ . ۳۵
می و بوی و آواز را مشگران	۲۲۰ . ۱۲d	می چند خوردند و گشتند	۱۵۰۵ . ۱۲d

نباشد چنین کار آن بچه شیر	۵۷۶ ، ۱۲c
نباشد چنین کار کار زنان	۷۰۱ ، ۳۵
نباشد چو تو در جهان	۹۲۲ ، ۱۳c
نباشد خدنگ مرا پایدار	۸۶ ، ۱۰
نباشد خرد جان نباشد	۱۵۱۲ ، ۴۱
نباشد خرد هیچ نزدیک او	۲۹۷ ، ۳۰
نباشد زمن شاه همداستان	۱۳۲۵ ، ۱۲f
نباشد زمن شاه همداستان	۲۲۸۱ ، ۳۵
نباشد زیزدان کسی نا امید	۹۹۶ ، ۱۳b
نباشد سپاه تو هم پایدار	۴۴۲ ، ۴۴
نباشد سلیح شما کارگر	۵۴۹ ، ۱۳g
نباشد شکفت از بمن نگرود	۹۲ ، ۱۲
نباشد شکفت از بیه ننگرد	۳۰۹ ، ۱۲d
نباشد شکفت اردل آید	۲۹۳ ، ۱۷
نباشد شکفت ارشود ماه	۳۰۷ ، ۱۲d
نباشد شکفت از جها ندار	۳۴۵۶ ، ۴۱
نباشد شمارا جز از ایمنی	۴۴ ، ۴۳
نباشد فراوان خورش تن	۴۴۳ ، ۲۰
نباشد کس از خوردنی بی	۲۰۰ ، ۱۳g
نباشد مرا با کسی داوری	۴۲ ، ۴۳
نباشد مرا بهره جز رنج	۱۸۳ ، ۴۴
نباشد مرا زندگانی دراز	۱۸۴۰ ، ۱۲d
نباشد مرا زین سپس با تو	۱۵۹۰ ، ۱۳g
نباشد مرا سوی ایران	۱۲۸ ، ۳۹
نباشد مرا ننگ رفتن	۶۶۲ ، ۱۳g
نباشد مرا ننگ کز قلب	۱۳۶ ، ۴۳
نباشد مگر شاد و پیروزگر	۵۵۶ ، ۴۲
نباشد نه رخ را بشویم ز خاک	۵۱ ، ۱۲e
نباشد و گرچه بود بد	۶۹ ، ۴۳
نباشد همی رنجش از هیچ	۲۲۰۱ ، ۳۵
نباشد همی نهک و بد پایدار	۵۴۰ ، ۵

حرف ن

نیارد بر او نیز باران	۲۵۲ ، ۲۰
نباشد از این کار تان شرم	۵۸۱ ، ۱۳b
نباشد امید سرای دگر	۱۲۳۸ ، ۱۲c
نباشد بر او پایدار این	۸۱۷ ، ۴۱
نباشد بایران تن من مباد	۹۹۷ ، ۱۲c
نباشد بجز دخت افراسیاب	۸۱۷ ، ۱۳b
نباشد بدان نیز همداستان	۹۷۴ ، ۱۵
نباشد بدین سام همداستان	۴۳۰ ، ۷
نباشد بر این شاه همداستان	۲۴۷۶ ، ۴۱
نباشد بر این نیز همداستان	۴۳ ، ۴۴
نباشد بکیتی جز از	۲۰۷ ، ۴۴
نباشد بکیتی چو او رزم	۴۱۹ ، ۱۲c
نباشد بهار از زمستان	۱۴۰ ، ۵۰
نباشد پس از من کسی را	۳۰۵ ، ۲۰
نباشد پس اندیشه زافرا-	۷۹۶ ، ۱۲b
نباشد پسند جهان آفرین	۱۲۹۷ ، ۱۵
نباشد پسند جهان آفرین	۵۱۸ ، ۳۰
نباشد ترا بیش از این	۵۳۵ ، ۱۳e
نباشد جدا مرز ایران ز	۲۱۴۰ ، ۴۱
نباشد جز از بی پدر دشمنش	۱۲۲ ، E
نباشد جز از خوب گفتار	۷۱ ، ۳۴
نباشد جز از راستی در	۹۲۴ ، ۱۲d
نباشد جز از رای یزدان	۳۱۹۰ ، ۴۱
نباشد جز از کام افراسیاب	۱۴۰۷ ، ۱۲e
نباشد جز از اندیشه دوستان	۱۶۵۲ ، ۴۳
نباشد جهان بر کسی پایدار	۲۰۵۷ ، ۲۰
نباشد چنود در صف کارزار	۱۱۲۸ ، ۱۲e

نباید زدن چون بیابدش	۲۴۵ . ۱۳	نباشم بدین محضراندر	۲۴۳ . ۵
نبایدز گیتی ترا یارجست	۴۴۱ . ۶	نباشم بر آن ره که اورفته	۱۱۹ . ۱۳
نباید سپاه مرا بهره	۵۶۷ . ۳۵	نباشم بر این کار همداستان	۱۳۷۴ . ۱۲e
نباید سخن هیچ گفتن	۶۰۹ . ۴۴	نباشم بر این نیز همداستان	۹۳ . ۱۵
نباید شدن تان سوی کاخ	۵۷۸ . ۷	نباشم زدستور همداستان	۳۴ . ۴۱
نبایدش کردن بنخجر	۷۲ . ۱۳d	نباشم من اورا بگیتی	۱۴۳۸ . ۱۳f
نباید شکستن دلش را	۶۷۹ . ۱۳f	نباشم نکوهیده از کاراو	۲۱۵۶ . ۳۵
نباید شکوهید از ایشان	۱۷۰۳ . ۱۳f	نباشند پیروز ترسم بکین	۹۰۶ . ۱۳
نبایدش گفتن کسی رادرشت	۸ . ۱۵	نباشند شاهان مادین فروش	۱۵۷۴ . ۴۳
نباید شنیدن زن نادان سخن	۱۴۱۶ . ۴۱	نباشند یاور تر اتازیان	۶۷۷ . ۴۳
نباید کت اندر میان آورند	۴۶۱ . ۱۳b	نباشی بجز پهلوان بزرگ	۱۳۴ . ۱۳c
نباید کزین جنگ فرجام	۳۱۳۰ . ۴۱	نباشی بد اندیش یابد	۹۳۱ . ۲۰
نباید کزین خوب گفتار	۱۱۷۱ . ۱۳f	نباشی بر این گفته هم	۱۶ . ۱۳d
نباید کزین راستی بگذرم	۲۷۶۳ . ۱۳g	نباشی بر این نیز هم	۱۷۸۰ . ۱۲d
نباید کزین کین بتو بدرسد	۳۶۰ . ۱۲b	نباشی بس ایمن ببازوی	۳۹۳ . ۱۲c
نباید کزین گردش روز-	۱۰۳۹ . ۲۰	نباشی در این جنگ پیروز	۹۲ . ۳۸
نباید کس آسودن از کار	۲۵۸۴ . ۳۵	نباشیم تاجاودان بد کنش	۷ . ۴۴
نباید کشیدن کمان بدی	۴۰۴ . ۱۳c	نباشیم گفتند همداستان	۷۱۸ . ۱۵
نباید که آرند خوان بی بره	۱۰۵۸ . ۳۵	نباید بدن ایچ همداستان	۲۷۷۴ . ۱۳g
نباید که آزار گیری ز من	۲۷۸۳ . ۱۳g	نباید بر این کار کردن	۲۱۶۶ . ۴۱
نباید که آزار یابد تنش	۸۶۶ . ۴۱	نباید بنموجید ما را بچنگ	۱۶۵۹ . ۲۰
نباید که آن افسر شهر یار	۱۶۶۰ . ۱۳	نباید پراکنده کردن سپاه	۷۳۵ . ۱۲d
نباید که آن بچه نره شیر	۸۱۲ . ۶	نباید ترا پند آموزگار	۱۲۷۷ . ۱۳c
نباید که آن بد نژاد پلید	۵۷۲ . ۵۰	نباید ترا جست با او نبرد	۱۰۰۴ . ۱۲c
نباید که آن ریمن بد نشان	۷۵۹ . ۱۲b	نبایدت کردن بر فتن شتاب	۲۰۷۰ . ۳۵
نباید که آید بر او بی گزند	۲۸۰۲ . ۱۲d	نباید در پادشا بی سپاه	۶۶۸ . ۳۰
نباید که آیند ایدر بتنگ	۶۸۳ . ۱۲c	نباید دروغ ایچ دردین تو	۱۱۴۷ . ۴۳
نباید که آیی بخوردن فرود	۲۴۷ . ۲۱	نباید زبان از هنر چیره	۴۱۷۶ . ۴۱
نباید که ارژنگ و دیو	۳۳۴ . ۱۲	نباید ز بن کشت گاورهی	۱۸۸۶ . ۳۵
نباید که از کار داران من	۹ . ۲۲	نباید زدن تیر جز بر سرون	۱۳۷۱ . ۳۵

نباید که از من بدین روز-	۳۰۹۷ ، ۴۱	نباید که بر هیچ درویش	۳۵۴ ، ۲۲
نباید که انبوه برمازنی	۱۲۶۵ ، ۱۳b	نباید که بندد در گنج	۸ ، ۳۳
نباید که اندر فرازونشیب	۲۳۳ ، ۴۱	نباید که بی برکنی نام	۲۵۲۸ ، ۴۳
نباید که اندر نهان چاره‌ای	۹۷۳ ، ۲۰	نباید که بی رای توپیل و	۱۱۱ ، ۱۳b
نباید که اندیشه شهریار	۱۳۸۱ ، ۴۱	نباید که بی نام بردست من	۴۹۸ ، ۱۲
نباید که او یابد از تورها	۱۱۵۸ ، ۷	نباید که بی نام بردست من	۱۳۳ ، ۱۲e
نباید که ایشان شبی بی	۹۵۷ ، ۱۳b	نباید که بینم در نجی برآه	۱۳۹۶ ، ۱۲c
نباید که ایمن شوی از	۳۷۵ ، ۲۲	نباید که پیچد کس از رنج	۱۴ ، ۱۸
نباید که ایمن شوی زو	۱۹۵ ، ۱۲e	نباید که پیچد ز راه گزند	۹۰۶ ، ۲۰
نباید که این خانه ویران	۲۸۳۱ ، ۱۵	نباید که پیدا شود دراز تو	۶۱۷ ، ۴۲
نباید که این رنج بی بر شود	۱۷۴۷ ، ۱۳g	نباید که پیروز گشته بجنک	۲۱۱۲ ، ۴۱
نباید که این کار گردد دراز	۱۰۷۱ ، ۷	نباید که جز داد و مهر	۱۱۳ ، ۴۱
نباید که این گنبد تیز گرد	۵۹ ، ۴۵	نباید که جوید کسی جنگ	۶۰۸ ، ۱۳g
نباید که با این نژاد و گهر	۱۷۷۸ ، ۱۳	نباید که چندین در نک	۳۵۷ ، ۱۲c
نباید که با سوز جنگ آورد	۱۸۴ ، ۱۲b	نباید که چون او یکی	۵۸۰ ، ۲۱
نباید که باشد جز او شاه	۱۸۷۴ ، ۲۰	نباید که چون من بوم چاره	۱۳۴۸ ، ۷
نباید که باشد جهاندار	۱۲۶ ، ۲۸	نباید که چون نزد رستم شوی	۵۴۸ ، ۱۲c
نباید که باشد کسی زین	۳۲۶ ، ۴۱	نباید که خسپد کسی درد	۱۳۹۲ ، ۴۱
نباید که باشد کسی بر فرود	۲۶۴ ، ۴۰	نباید که خواهد ز ما باز	۲۷۷۶ ، ۴۱
نباید که باشی بر این تنک	۱۴۳۵ ، ۱۳f	نباید که خور جز بداد و	۱۱۸ ، ۴۱
نباید که باشید با ساز جنگ	۵۰۲ ، ۵	نباید که دارد بدو کس	۳۹۲ ، ۴۴
نباید که باشید یک تن بشهر	۲۰۳۲ ، ۱۳g	نباید که داری تو زین دست	۳۸۸۹ ، ۴۳
نباید که باشی فراوان	۶۰۵ ، ۲۲	نباید که در پیش خسرو	۳۷۹۴ ، ۴۳
نباید که باشیم همداستان	۳۳۳ ، ۴۱	نباید که راه پلنگ آوریم	۱۶۳۶ ، ۴۲
نباید که برخیره از عشق	۱۰۶۵ ، ۷	نباید که روز و شبان	۷۹۵ ، ۱۳b
نباید که بردست من بر تپاه	۱۶۹ ، ۱۳f	نباید که سیر آید از کار	۱۵۸۳ ، ۴۱
نباید که بردست من بر	۴۵۲ ، ۴۳	نباید که فردا گمانی بری	۲۲۶۱ ، ۱۲d
نباید که بر زبردستان	۱۱۵ ، ۴۱	نباید که گردد بگرد تو بد	۴۵۶۲ ، ۴۱
نباید که بر کاخ افراسیاب	۱۳۹۲ ، ۱۳g	نباید که گردی بنخیره هلاک	۳۹ ، ۴۵
نباید که بروی وزد باد سرد	۵۲۲ ، ۱۳	نباید که گرگ از پشردر	۲۳۰۷ ، ۱۳f

نیبختد نباشد سزاوار	۴۰۰۲۰	۴۱	نیاید گشادن در این کار لب	۱۵۲۳۰	۴۲
نیبخشود بر کس بهنگام	۵۸۷۰	۴۱	نیاید که گویی بجز نیکوی	۲۲۰	۲۴
نیبخشی همی گنج و دینار	۴۶۱۶۰	۱۵	نیاید که گیرند ما را از بون	۶۵۸۰	۱۳b
نیبداشتی پیش آوردشان	۲۶۱۰	۱۱	نیاید که لهاک و فرشیدورد	۲۲۲۴۰	۱۳f
نیبدر زمین پشه را جایگاه	۵۰۳۰	۴۱	نیاید که ما پیش باشیم چار	۱۹۵۲۰	۴۳
نیبدر شهراروزگار گذر	۱۵۵۰۰	۱۳	نیاید که ما ندجز از آفرین	۲۱۶۰۰	۷
نیبدر جای پوینده را بر زمین	۱۱۷۰	۱۲e	نیاید که ما ندزدانان نهان	۱۵۳۱۰	۴۳
نیبدر جای مرتنش را بر دو	۴۵۹۶۰	۱۵	نیاید که ماهوی سوری ز	۸۸۸۰	۵۰
نیبدر خسروان را چنان که خدا	۲۸۰	۱۳g	نیاید که مردم فروشی	۳۲۷۰	۲۲
نیبدر خواست یزدان که ترکان	۴۱۱۰	۴۳	نیاید که من با پدر جنگ	۱۲۳۶۰	۱۲c
نیبدر دادگر ترز نوشیروان	۱۶۵۰	۴۱	نیاید که نزد تو افراسیاب	۱۷۰۶۰	۱۳g
نیبدر در جهان کس بهنگام	۳۲۰	۱۳	نیاید که ویران شود بوم	۵۱۲۰	۳۰
نیبدر دلش کژی و کاستی	۳۹۳۰	۱۳g	نیاید که یابد بر تو نشست	۱۲۹۰	۴۴
نیبدر دسترسان بخون	۷۹۰۰	۱۳f	نیاید که یابد تهنی دست	۲۴۶۸۰	۴۱
نیبدر راه بر کوه از هیچ روی	۲۶۳۰	۷	نیاید که یابد شمار از بون	۱۶۵۰	۶
نیبدر رخس رخشان در آن	۱۲۷۰	۱۳d	نیاید که یابد خود آگهی	۱۳۶۴۰	۱۳
نیبدر روز پیکار ایرانیان	۱۶۷۸۰	۱۳	نیاید که یابد یک تنرها	۳۷۶۰	۱۳c
نیبدر روز پیکار و تیره شب	۱۸۶۳۰	۱۳g	نیاید که یزدان چو خواند	۳۱۲۵۰	۱۳g
نیبدر روز آرام و شب جای	۳۶۲۷۰	۴۱	نیاید که یکبار از بد کنش	۴۳۵۰	۱۲e
نیبدر زانم راهیج سودوزیان	۳۰۴۰	۴۴	نیاید که یکسر پر از خون	۶۹۱۰	۵۰
نیبدر زندگانی جز هفت	۴۲۶۳۰	۴۳	نیاید نشستن با آرام و ناز	۲۰۹۰	۱۰
نیبدر سودمندی با فسون و	۳۷۷۰	۴۱	نیاید مرا تاج و تخت و کلاه	۴۵۲۰	۶
نیبدر شاه را روزگار درنگ	۳۱۵۰	۸	نیاید نمودن به بی رنج رنج	۵۲۳۰	۱۳
نیبدر شیر درنده را جایگاه	۶۳۰	۱۲b	نیاید نهادن دل اندر فریب	۴۵۵۰	۲۲
نیبدر کارگر گرز بر ترک	۱۴۷۹۰	۱۳b	نیایدست آن خلعت ناسزا	۱۵۶۴۰	۴۲
نیبدر کارگر نیزه بر جوشنش	۸۲۸۰	۱۳g	نیایدست کردن بر این سو	۵۸۶۰	۱۲
نیبدر کس بچنگ اندرون	۱۴۱۲۰	۱۳	نیایدست کردن ز زندان	۱۹۱۰۰	۴۲
نیبدر کس بر این باره بر	۱۱۳۵۰	۱۳c	نیایدست کز نزد ما پایگاه	۸۱۸۰	۴۱
نیبدر کوه پیدانه ریگ و نه شیخ	۳۲۲۰	۸	نیایدست گفت این سخن با	۵۷۲۰	۴۳
نیبدر کهتر از مهتران بر	۱۸۴۴۰	۷	نیایدست می کاین چنین سوک	۷۳۱۰	۱۳e

۶۵۱، ۱۳e	نبرد گیورا خود جز او پور	۲۱۳۷، ۱۲d	نہستم بجنک سیاوش میان
۱۰۱۳، ۴۲	نبرد لشکرش زان ماصد یکی	۳۱۰۰، ۱۳g	نہستم دل اندر سپنجی سرا
۱۱۵۸، ۶	نبرد مان بدین کینه گه	۹۹۸، ۱۳b	نہستند بر ما در آسمان
۲۴۷۳، ۱۳f	نبرد مان بکار سیاوش گناه	۲۱۲۵، ۷	نہشت آنکھی پاسخ نامه
۲۷۸۰، ۴۳	نبرد مهتری بر تر از جمشید	۱۴۱، ۱۵	نہشت اندر آن نامه خسروی
۶۶۱، ۱۳c	نبرد نیز پیشش کسی پایدار	۱۷۴۸، ۴۳	نہشت اندر آن نامه های
۲۵۲۴، ۳۵	نبرد هم بر این هدیه هم	۱۲۴۸، ۳۵	نہشت این که گر داد گر
۲۱۲، ۱۲c	نبرد هیچ اسی سزاوار او	۲۰۷، ۴۲	نہشتت بر پر نیان سپید
۳۴۵، ۴۳	نبرد هیچ بد جز فرمان	۶۶، ۱۵	نہشتش بر آن زاد سر و سہی
۱۵۶۶، ۱۳	نبرد هیچ پر نده را جایگاه	۱۳۷، ۱۵	نہستم من این نامه شاهوار
۱۴، ۱۳e	نبرد هیچ پیدا نشیب و فراز	۱۵۹۲، ۳۵	نہستم یکی نامه از مرز چین
۲۶۴۵، ۳۵	نبرد هیچ مانند بهرام گور	۴۷، ۲۰	نہستم یکی نامه ای پیش
۱۰۳۴، ۱۳	نبرد هیچ هامون و جای نبرد	۴۵، ۳	نہستن بخسرو پیامو ختند
۳۰۹، ۱۳c	نبرد آن جفا پیشه فرمان	۱۶۸، ۲۲	نہستن پیامو ختس پهلوی
۱۳۰۲، ۴۳	نبرد داشتند از کسی سر کشی	۲۰۳، ۱۳	نہشتند بر دفتر شهر یار
۵۳۷، ۱۳c	نبرد تو خواهد همی شاه	۱۸۲۲، ۴۱	نہشتند بر سان ارژنگ
۲۰۷۴، ۱۲d	نبرد دو تن جنگ میدان	۳۵۴۶، ۴۱	نہشتند بر نامه خسروی
۹۶۱، ۱۲c	نبرد کسی جوید اندر جهان	۱۵۴، ۲۲	نہشتند بر نامه ها همچین
۱۲۴۸، ۶	نبرد ند فرمان من لاجرم	۵۳۸، ۳۴	نہشتند پس نام صد نامور
۶۶۶، ۱۳c	نبرد وی از مهتران با	۱۱۲۴، ۲۰	نہشتند پس نامه آن بخرد
۵۵، ۱۵	نبرده برادرش فرخ زریں	۱۰۴۵، ۴۲	نہشتند پس نامه از شهر یار
۶۲۴، ۱۵	نبرده برادرم فرخ زریں	۷۴۱، ۲۰	نہشتند پس نامه ای بر حریر
۳۴۹، ۱۲e	نبرده چنودر جهان سر بسر	۱۱۹۵، ۴۲	نہشتند پس نامه ای سودمند
۵۳۴، ۱۵	نبرده سواری گرامیش	۱۵۰۴، ۳۵	نہشتند پس نامه ای بنده
۱۰۱۴، ۲۵	نبرده گزینان اسفندیار	۲۲۱۱، ۱۳g	نہشتند در گلشن زرنگار
۱۸۶، ۱۲c	نبرده نژادی که چونین	۳۷۷۸، ۴۱	نہشتند روزی که نوشه
۱۵۰، ۵۰	نبرد همی پوست بر تازیان	۴۵۲۴، ۴۱	نہشتند عہدی بفرمان شاه
۱۰۵۶، ۱۵	نبرد دی بیوند او کس	۵۴۶، ۳۰	نہشتند عہدی ز شاه پور شاه
۲۱۱۶، ۴۳	نبرد سرت را که ننگ	۲۹۹۲، ۱۳g	نہشتند عہدی ز شاه زمین
۱۱۴۲، ۱۲e	نبرد سر لیک بدرید گوش	۲۲۵۰، ۴۳	نہشتند منشور ایرانہان

نہشتہ من این نامہ پہلوی	۱۷۰ ، E	نہشتند منشور بر پر نیان	۱۴۲ ، ۱۲d
نہشتہ یکی دفتر آرد مرا	۶۵ ، ۴۳	نہشتند منشور بر پر نیان	۱۳۳۵ ، ۱۲e
نہشتہ یکی نامہ ای بر حریر	۱۱۸۹ ، ۱۲	نہشتند نام دہ و دو ہزار	۴۷۳ ، ۴۲
نہشتیم نامہ بر مادرت	۶۹ ، ۲۰	نہشتند نامش بدیوان شاه	۱۰۹۲ ، ۴۱
نہشتیم نامہ سوی مہتران	۹۷ ، ۲۰	نہشتند نامہ بکاوس شاه	۱۰۲۵ ، ۱۲b
نہشتی ہمی پاسخ نامہ باز	۳۳۲۷ ، ۴۳	نہشتند نامہ بکاوس شاه	۸۷۳ ، ۱۳g
نہشتی ہمی نام من بردم	۴۱۹ ، ۴۳	نہشتند نامہ بہر کشوری	۲۴۷۲ ، ۱۳g
نہندم دل از دسر ای سپنج	۵۹۱ ، ۳۵	نہشتند نامہ بہر کشوری	۴۳۸ ، ۱۹
نہندند دل در ترا د تو نیز	۶۷۸ ، ۴۳	نہشتند نامہ بہر کشوری	۳۹۷ ، ۳۰
نہندیم اگر بگندری بر تو	۱۸۹۲ ، ۱۳g	نہشتند نامہ بہر کشوری	۱۹۶۰ ، ۴۱
نبود آگہ از کارهای نہان	۴۲۸۲ ، ۱۵	نہشتند نامہ بہر مہتری	۶۱۰ ، ۱۴
نبود آگہی در میان سپاہ	۲۰۵ ، ۳۰	نہشتند نامہ کہ پورہمای	۴۶ ، ۱۸
نبود آگہی کس ز جنگ	۱۱۱۲ ، ۱۲e	نہشتند نامہ یکی شاہوار	۴۸۰ ، ۱۲b
نبود آن زمان رسم بانگ	۳۳۳۴ ، ۴۳	نہشتند ہر موبدی آنکہ	۳۶۴ ، ۲۰
نبود اندر او نیز یک چیز	۱۷۰۲ ، ۱۲d	نہشتند یکیک ہمہ خواستہ	۱۳۲۴ ، ۴۴
نبود ایچ از اندیشہ مغز	۲۶۴ ، ۱۷	نہشتن یکی نہ کہ نزدیک	۴۶ ، ۳
نبود ایچ فرزند مرسام را	۵۱ ، ۷	نہشتہ بدین گونه بد بر صرم	۲۷۸۹ ، ۴۳
نبود این جز از کار ایرانی	۲۸۱۱ ، ۴۳	نہشتہ بر آن نیز بد پہلوی	۵۷۷ ، ۲۱
نبود این چنین کار کس را	۷۶۳ ، ۱۳b	نہشتہ بر آن چرم نام منست	۱۷۰۰ ، ۱۳
نبود این ہنر ہا بر و ما اندر	۷۹۴ ، ۱۴	نہشتہ بر آن حقہ تاریخ آن	۷۲ ، ۲۲
نبودت زد پوسید آگہی	۲۸۶ ، ۱۲	نہشتہ ہزاو بار گاہ مرا	۴۵۸۵ ، ۴۱
نبودست چیز پاک فرزند او	۲۶۲ ، ۱۷	نہشتہ ہر بر دگر گونه	۹۱۰ ، ۱۲c
نبودست جز جادوی پر	۲۹۴ ، ۴۳	نہشتہ بیاورد بنہاد پیش	۳۱۹ ، ۱۴
نبودش ہر ہیچ دخترش	۲۱ ، ۳۳	نہشتہ چنین است کار نبرد	۱۴۴۵ ، ۱۳f
نبودش ہر ہندیدہ بخش پدر	۳۲۱ ، ۶	نہشتہ چنین بد کہ در کوه	۳۴۳۷ ، ۴۱
نبودش جز از رزم چین	۷۳۴ ، ۱۳c	نہشتہ چنین بد مگر بر سرت	۹۲۰ ، ۱۴
نبودش ز قیدافہ چین در	۹۴۳ ، ۲۰	نہشتہ چنین بود و بود آنچه	۳۱۷ ، ۴۳
نبودش یکی خیمہ و یار	۱۶۲ ، ۱۷	نہشتہ چنین بود و بود آنچه	۲۷۹۱ ، ۴۳
نبودم ہر فرمان تو ہوشمند	۳۱۷ ، ۱۲	نہشتہ سوی مہتر باہلہ	۱۰۳۸ ، ۴۳
نبودم ہر گوتی جز این نیز	۲۷۹۶ ، ۴۳	نہشتہ شد و شمع برداشتند	۹۳۰ ، ۴۳

نبیره بدیدم جهان بین خویش	۲۴۹۳، ۱۳g	نبودم فراوان من از تاج شاد	۲۸، ۲۵
نبیره بزرگان و آزادگان	۸۲۴، ۱۴	نبودم من آگه که پرویز	۲۲، ۴۵
نبیره پسر خسرو زادم	۱۱۹۸، ۱۳g	نبودند یازان بتخت کیان	۱۶۸۶، ۴۴
نبیره پسر داشتم لشکری	۳۲۲۱، ۱۳g	نبودند آنست کس خواب	۱۸۷۴، ۴۱
نبیره پسر دشت هفتادو	۱۸۷، ۱۳	نبودی از ایشان جدا یک	۲۹۴۳، ۴۱
نبیره جهانجوی گرگین	۳۹۴، ۴۳	نبودی بجز خاک بالین من	۴۶، ۸
نبیره جهاندار افراسیاب	۳۱۶، ۱۳g	نبودی بروم و بچین تاج و	۱۳۳۶، ۳۵
نبیره جهاندار سام سوار	۱۴۹۲، ۱۲c	نبودی بگیتی چنین کهنتر	۲۱۸، ۱۳d
نبیره جهاندار سلم سترگ	۱۱۲۲، ۷	نبودی بهر پادشاهی روا	۳۶۴، ۱۳
نبیره جهاندار شاه اردوان	۶۰، ۲۱	نبودی بهر پادشاهی روا	۱۰۹، ۱۳g
نبیره جهاندار ضحاک بود	۱۰۹۵، ۶	نبودی تموز ایچ پیدانهدی	۵۹۱، ۱۲b
نبیره جهاندار کاووس کی	۲۸۳۱، ۱۳g	نبودی جدا یک زمان از	۲۴۹، ۴۲
نبیره جهاندار کاووس کی	۸۷۶، ۱۴	نبودی جدا یک زمان اردشیر	۱۵۹، ۲۲
نبیره جهاندار نوشیروان	۱۹۲، ۵۰	نبودی جز آن چیز کو	۱۹۰، ۳۹
نبیره جهاندار هوشنگ	۳۰۷۲، ۱۳g	نبودی جز از ساوه سالار	۵۲۵، ۴۳
نبیره چو شدرای زن بانیا	۸۱۴، ۶	نبودی جز از شاه رانیک	۴۰۳، ۴۴
نبیره زان دیشه چون کم	۱۲۲۸، ۱۳c	نبودی چنین پیش از این بد	۴۴۹، ۳۴
نبیره سپهدار توران سپاه	۶۱۹، ۱۳g	نبودی چو شیرین بمشکوی	۳۶۲۵، ۴۳
نبیره سرافراز گیودلیر	۸۲۶، ۱۴	نبودی دل من بدین خرمی	۷۶۱، ۱۲e
نبیره سماعیل پینه مبرست	۶۸۹، ۲۰	نبودیش فریاد رس روز درد	۱۳۱۳، ۱۳f
نبیره فریدون بد افراسیاب	۲۲۳، ۱۳g	نبودی شکفت ابر و یال	۹۱۱، ۱۲e
نبیره فریدون شبان پرورد	۲۸۲۴، ۱۲d	نبودی گذر جز بفرمان	۱۵۸۰، ۳۵
نبیره فریدون فرخ پشنگ	۲۶۳، ۱۱	نبودی هر ارنج و تیمارو	۴۹۶، ۱۳b
نبیره فریدون فرخ منم	۲۳۲۴، ۱۳g	نبودی مکرمان چنین رزم	۴۹۹، ۸
نبیره فریدون و پور پشنگ	۱۵۷۵، ۱۳g	نبودند نیاز بدو نیز دست	۳۸۱۳، ۴۱
نبیره فریدون و پور پشنگ	۲۴۰۲، ۱۳g	نبی آفتاب و صحابان جو	۱۰۶، E
نبیره فریدون و پور پشنگ	۲۸۳۳، ۱۳g	نبید آرو را مشکران را	۴۲۴، ۵
نبیره فریدون و پور قباد	۵۵۳، ۱۳g	نبیرو پسر بود هفتاد و هشت	۳۸۱، ۱۳
نبیره فریدون و پور پشنگ	۱۵۴۹، ۱۲d	نبیرو پسر پشت کاووس پیر	۱۶۵۵، ۱۳
نبیره کجا چون تو دارد	۱۰۲۳، ۱۳f	نبیرو پسر داشتم لشکری	۱۰۱۵، ۱۳b

نبینم چو تو باره تیز تک	۴۰۳ ، ۱۲	نبیره که از جان گرامی	۴۳۲۱ ، ۱۵
نبینم خرده هیچ نزدیک تو	۹۱۵ ، ۴۱	نبیره که جنگ آورد با	۴۲۳ ، ۱۳g
نبینم ز خود کامه گودرز	۷۸۱ ، ۱۳	نبیره که کین نیارا نجست	۱۳۳ ، ۸
نبینم سزای کسی در سپاه	۱۵۷۸ ، ۱۲e	نبیره منوچهر شاه دلیر	۱۳۶۹ ، ۱۲e
نبینم کنون دشمنی در جهان	۲۶۲۵ ، ۱۵	نبیره نمایم نه پر خاش جو	۱۲۲۹ ، ۱۳c
نبینم من آن بد کنش را	۵۲۳ ، ۴۴	نبیره و پسر بود هفتاد و هشت	۳۰۰۵ ، ۱۳g
نبینم همی از تو جز پای بند	۲۰۲۸ ، ۱۵	نبیره و پسر داشت هفتاد و	۱۳۹۴ ، ۱۲e
نبینم همی جنبش جان	۱۵۱۹ ، ۴۳	نبیند بخواب او که بر من	۳۳۳۲ ، ۱۵
نبینم همی در سرش یار کس	۳۱۴ ، ۱۹	نبیند بر و بوم ز ابلستان	۲۵۷۰ ، ۱۵
نبینم همی در جهان کهتری	۱۹۶ ، ۴۳	نبیند جهان جز با فراسیاب	۱۰۱۷ ، ۱۳f
نبینم همی یار با من کسی	۲۶۲۲ ، ۱۲d	نبیند چنو شاه خورشید و	۲۶۵۰ ، ۳۵
نبیند از این پس جهان را	۶۷ ، ۴۳	نبیند چنو کس بیالاوزور	۹۵۰ ، ۳۵
نبیند جز مرگ پیران	۴۰۰ ، ۱۳g	نبیند چو تو نیز خورشید	۱۴۹۰ ، ۱۲c
نبینی از و جز همه درد و	۲۱۵۸ ، ۱۲d	نبیند چو تو نیز گردان	۱۶۲۹ ، ۷
نبینی بجایی یکی قطره	۱۹۳۰ ، ۱۵	نبیند دو چشم مگر گری	۱۱۰ ، ۱۲e
نبینی بچشم و نیوی بیای	۲۹۰۱ ، ۱۳g	نبیند ز برداشتن هیچ رای	۱۸۷۶ ، ۱۵
نبینی بدواندر ایوان و	۱۷۸۸ ، ۲۰	نبیند ز ما هیچ بد نیز شاه	۱۰۷ ، ۱۳b
نبینی توزین لشکر بیکران	۷۷۶ ، ۱۲c	نبیند ز من دیده بر تیغ	۱۸۱۴ ، ۱۲d
نبینی تو کوپال گودرز را	۳۹۶ ، ۱۳f	نبیند سپه چون تو سالار نیز	۱۴۳۱ ، ۱۳f
نبینی جز از برهنه يك	۱۱۳۲ ، ۲۰	نبیند کسی پای من بر	۱۳۷۱ ، ۱۵
نبینی جز از خوبی و راستی	۸۷۰ ، ۲۰	نبیند کسی پشت ماروز	۵۷۶ ، ۲۰
نبینی جز از راستی پیشه	۸۶۱ ، ۱۲c	نبیند کسی نامه پارسا	۳۵۳۴ ، ۴۳
نبیند جاوید از این پس	۳۱۰۶ ، ۱۳g	نبیند مر از نده با بند کس	۳۰۷۲ ، ۱۵
نبیند خو شان و پیوستگی	۵۹۷ ، ۱۵	نبیند مگر تخته گور	۳۰۲ ، ۱۹
نبینی در آن شهر بیمار کس	۱۸۰۲ ، ۱۲d	نبیند مگر بند یادار و	۶۸۸ ، ۱۳c
نبیند رویش مگر با سپاه	۷۳۰ ، ۶	نبیند مگر چاه و دار بلند	۲۴۷۰ ، ۴۱
نبیند کایدن فرو شده ام	۲۱۸۷ ، ۱۵	نبیند نه لشکر فرستم	۱۰۳۰ ، ۲۰
نبیند کز کاخ کابل خدای	۶۳۴ ، ۷	نبیند همی دشمن از هیچ	۳۶۷ ، ۳۰
نبینی ز گردان ما جز	۱۴۸۴ ، ۱۳c	نبیند همی رستم زال را	۱۹۷۹ ، ۱۲d
نبینی ز من يك سخن پیش	۴۳۵ ، ۱۵	نبینم جز از شیر و نراژدها	۱۸۳۴ ، ۱۵

نپیچد از این رفتن از من	۲۹۴۱ ، ۴۳	نبینی زمین سپس جز	۱۴۲۸ ، ۱۳c
نپیچد کسی سر ز فرمان او	۲۱۹ ، E	نبینی زهر دو سپه کس	۱۱۳۴ ، ۱۳f
نپیچد کسی سر ز فرمان تو	۳۲ ، ۱۶	نبینی کزین بیهنر دخترم	۴۰۸ ، ۱۳e
نپیچم از این جایگه سر	۱۶۰۹ ، ۱۳	نبینی که از ما غمی شد ز	۹۰۶ ، ۱۲d
نپیچید رستم ز فرمان او	۴۶ ، ۱۶	نبینی که این بد کنش	۳۳۹ ، ۱۳e
نپیچید کس سر ز گفتار	۸۵۰ ، ۴۳	نبینی که با گرز سام آمد	۸۰ ، ۱۱
نپیمود کس خاک کاخش	۲۸۶ ، ۲۱	نبینی که بر من پیران سرا	۶۹۹ ، ۱۳e
نپیوست خواهد جهان با	۴۷ ، ۲	نبینی که پروردگار پلنگ	۲۱۶۲ ، ۱۲d
ننابی تو با من بدشت نبرد	۳۴۱۱ ، ۱۵	نبینی که پیکار چندین	۱۵۰ ، ۱۳c
نناید با او بتا بیدروی	۱۱۶۶ ، ۱۲c	نبینی که عیسی مریم چه	۱۵۴۷ ، ۴۳
نناید رستم ز فرمان	۷۷۰ ، ۱۳e	نبینی که کاووس دیرینه	۱۲۳۱ ، ۱۲d
نتازم بکین و نجویم نبرد	۱۰۸ ، ۱۳c	نبینی که گیتی پر از خواسته	۱۶۰۹ ، ۱۲e
نترسد زانبوه مردم کشان	۲۹۴۰ ، ۴۳	نبینی که ماییم پیروزگر	۲۲۴۲ ، ۱۳f
نترسد زعراده و منجنیق	۷۶ ، ۱۰	نبینی که موبد بخسرو چه	۹۵۷ ، ۱۲c
نترسد ز کردار چرخ بانند	۶ ، ۴۳	نبینیم بخشنده ای دادگر	۳۹۷ ، ۳۴
نترسید اسفندیار از گزند	۱۵۳۰ ، ۱۵	نبینی مرا جز بروز نبرد	۷۰۴ ، ۴۲
نترسیدم از دولت شهریار	۹۳۷ ، ۱۳c	نبینی همی شاه را جز بروم	۸۱۱ ، ۴۳
نترسیدی از شیرو زاردها	۳۵۵۲ ، ۱۵	نناید بدندان شان سنگ	۷۴ ، ۱۳e
نترسی زرنج و ننازی	۲۵۷۷ ، ۱۳g	نناید جهان ای برادر بکس	۵۰۹ ، ۴۳
نترسی همی از جهاندار	۱۴۹۰ ، ۱۳	نپذیرفت از آن دو خردمند	۱۱۵۵ ، ۱۲d
نثار و پرستنده واسپ و پیل	۱۳۷۴ ، ۷	نپذیرفت از ایشان و خود	۱۵۶۲ ، ۲۰
نثاری بر از گوهر شاهوار	۱۰۸۹ ، ۳۵	نپذیرفت از هر چه آورده	۱۴۰۷ ، ۴۲
نثاری فرستم چنان چون	۴۷۲ ، ۸	نپذیرفت بد گوهرش پندمن	۱۰۱۱ ، ۱۳f
نثاری که پوشیده شد روی	۲۴۲۰ ، ۴۱	نپذیرفت زو جامه واسپو	۹۷۷ ، ۱۲
نجست از کسی باز و ساو	۱۳ ، ۳۱	نپرداختی شاه روزی ز	۱۶۰ ، ۲۲
نجستست بندوی جز شور	۲۲۱۹ ، ۴۳	نپرسد نه اندیشد از کارشان	۱۰۸۹ ، ۱۲d
نجستست هر گز تبار تو این	۲۹۶ ، ۴۳	نپرسید چون دید ، مرد	۵۰۵ ، ۳۵
نجستم بدین من مگر نام	۱۶۴۵ ، ۱۵	نپرسید بر آس ، انش عقاب	۶۳۵ ، ۱۳g
نجستم هموشه جز از راستی	۵۶۰ ، ۴۴	نپرسید بر گرد ایشان مقاب	۷۵۰ ، ۱۲d
نجستمند جز داد و آهستگی	۲۷ ، ۴۲		
نجستند روز و شب آرام و	۹۳۰ ، ۱۲e		

نخست آفرین کرد برداد	۸۲۳ ، ۱۲	نجستند شاهی که کهر	۳۲۳ ، ۴۳
نخست آفرین کرد برداد	۷۱۳ ، ۱۲d	نجستی بداد اندر آزر	۴۱۳ ، ۲۲
نخست آفرین کرد برداد	۹۶۰ ، ۱۲d	نجستی دل من جز ازداد	۱۱۰ ، ۴۱
نخست آفرین کرد برداد	۸۰ ، ۲۰	نجستیم رزم اندر آن کینه	۱۳۸۸ ، ۱۳۴
نخست آفرین کرد برداد	۱۶۹۰ ، ۲۰	نجنبا ندا و داستان را دو	۱۰۴۸ ، ۱۳۴
نخست آفرین کرد برداد	۱۲۴۶ ، ۳۵	نجنبا ندت کوه آهن ز جای	۲۹۳۲ ، ۴۳
نخست آفرین کرد برداد	۳۶۱ ، ۴۰	نجنبید رستم نه بنهاد	۲۸۸۱ ، ۱۵
نخست آفرین کرد برداد	۲۱۳۱ ، ۴۳	نجوید پدر هیچ آرامگاه	۲۷۲ ، ۱۲e
نخست آفرین کرد بر شهر	۳۸۳ ، ۵۰	نجوید جز از خوبی و راستی	۱۹۷۳ ، ۱۲g
نخست آفرین کرد بر شهر	۸۸ ، ۱۹	نجوید جز ازداد و از راستی	۴ ، ۱۸
نخست آفرین کرد بر شهر	۴۰۳ ، ۱۲c	نجوید جز از راستی در	۹۲۹ ، ۴۳
نخست آفرین کرد بر شهر	۳۴۳ ، ۳۵	نجوید ز من جزمه نا	۳۸۵۲ ، ۱۵
نخست آفرین کرد بر شهر	۱۲۸۲ ، ۴۱	نجوید کس از مهتران تاج	۱۴۰۶ ، ۴۳
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۱۸۶ ، ۶	نجوید همی جنگ توفور	۵۵۵ ، ۲۰
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۸۵۶ ، ۷e	نجویم بر این کینه آرام	۱۷۶ ، ۱۳۴
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۰۵۶ ، ۱۲d	نجویم کلاه و نخواهم سپاه	۵۷ ، ۴۳
نخست آفرین کرد بر کرد	۹۹۶ ، ۱۳c	نجویند جز رای و فرمان	۱۸۶۷ ، ۲۰
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۸۱۲ ، ۱۳۴	نجویی فزونی ز اسفندیار	۳۹۰۶ ، ۱۵
نخست آفرین کرد بر کرد	۲۷۴ ، ۱۹	نجویم کس رزم در کارزار	۳۰۶۴ ، ۱۲g
نخست آفرین کرد بر کرد	۶۳ ، ۲۰	نجویی همی ناله بوق را	۱۹۷۶ ، ۲۰
نخست آفرین کرد بر کرد	۳۰۰ ، ۲۰	نخسپد روان چونکه بالا	۵۳۴ ، ۲۲
نخست آفرین کرد بر کرد	۷ ، ۲۶	نخست آذر مهر بر زین	۶۳ ، ۱۵
نخست آفرین کرد بر کرد	۳ ، ۲۹	نخست آفرین بر جهاندار	۹۹۶ ، ۶
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۲۲۶ ، ۳۵	نخست آفرین بر جهاندار	۷۴۰ ، ۷
نخست آفرین کرد بر کرد	۲۱۹۰ ، ۴۱	نخست آفرین بر جهاندار	۱۲۳۹ ، ۴۳
نخست آفرین کرد بر کرد	۲۱۲۶ ، ۴۱	نخست آفرین بر خداوند	۷۴۳ ، ۲۰
نخست آفرین کرد بر کرد	۱۹ ، ۴۲	نخست آفرین بر خداوند	۲۰۷۵ ، ۷
نخست آفرین کرد بر کرد	۲۶۰۴ ، ۴۳	نخست آفرینش خرد را	۲۹ ، E
نخست آفرین کرد بر کرد	۶۱ ، ۵۰	نخست آفرین کرد بر پهلو	۵۱۷ ، ۱۲c
نخست آفرین کرد بر کرد	۳۶۹ ، ۵۰	نخست آفرین کرد برداد	۱۰۰۴ ، ۱۳۴

نخست از هس و دانش و رورای	۲۰۸۹،	۴۱	نخست آفرین کرد بربیک	۲۵۱۱،	۴۳
نخست اسپر اگفت باید	۳۹۵،	۱۲	نخست آفرین کرد مر شاه	۹۱،	۱۳e
نخست اشک بود از نژاد	۱۱،	۲۱	نخست آفرین کرد و بردش	۱۱۹،	۱۲d
نخست اندر آمد بگرز	۱۱۳۱،	۱۲e	نخست آفرین کن بدادار	۱۳۱۵،	۱۳c
نخست اندر آیم ز خاقان	۹۱۶،	۱۳b	نخست آفریننده را یاد	۲۳۲۰،	۱۲d
نخست اندر آیم ز سلم	۳۵۰۸،	۴۳	نخست آکنید اندرو انکبین	۱۸۸۶،	۲۰
نخست ای برادر مرانام	۱۵۶،	۱۳c	نخست آلت جنگ را دست	۹،	۴
نخستین از آن اشکر نامدار	۱۰۹،	۱۳f	نخست آنکه تا بوت زرین	۱۸۸۳،	۲۰
نخستین از این جنگیان	۱۹۲۶،	۴۳	نخست آنکه تا شاه زابل	۱۶۸۹،	۷
نخستین از این بر تو آید	۵۹۳،	۵۰	نخست آنکه دانده که هست	۴۱۵۶،	۴۱
نخستین با نبوه زخمی جو	۱۳۲۶،	۱۳f	نخست آنکه کردی ستایش	۳۴۷۵،	۴۳
نخستین بپر سید قیصر ز	۱۲۲۹،	۴۳	نخست آنکه کردی مرا	۱۲۱۹،	۱۳g
نخستین بپندش توانگر	۹،	۳۹	نخست آنکه گفتی ز توران	۲۸۲۹،	۱۳g
نخستین بپیش تو آید دو	۱۶۹۶،	۱۵	نخست آنکه گفتی ز هیتال	۲۰۶۳،	۴۱
نخستین بر آتش نیایش	۲۳۵۵،	۱۳g	نخست آن که گفتی که مر	۱۰۰۹،	۱۳f
نخستین بر آن آفرین	۷۹۸،	۴۱	نخست آنکه گفتی من *	۱۴۳۲،	۱۳f
نخستین برادرش که تر	۲۳۴،	E	نخست آنکه گفتی من *	۱۲۳۶،	۱۳f
نخستین بر این کین تو بستی	۱۶۷۲،	۱۳g	نخست آنکه هر کس که	۱۳۰۸،	۴۱
نخستین بسلم اندرون	۳۰۲،	۶	نخست آنکه یابی بدو آرزو	۱۲۶۸،	۴۱
نخستین بشتند در آب	۴۵۹۱،	۱۵	نخست از جهان آفرین کرد	۲۸۴،	۱۲b
نخستین بشه شیر شیر افکنیم	۱۳۱۲،	۳۵	نخست از جهان آفرین یاد	۲۴۰۴،	۳۵
نخستین بطوس اندرون	۳۲۱۵،	۱۵	نخست از جهان آفرین یاد	۴۲۲۵،	۴۱
نخستین بفرمود پنجاه	۱۷۰۹،	۲۰	نخست از جهان آفرین یاد	۱۱،	۱۳d
نخستین بکین من آراستی	۱۴۹۳،	۱۳	نخست ازده و دو درخت	۱۵۴۴،	۷
نخستین بگل شاد خوارت	۳۲۳،	۱۱	نخست ازری آمد سپاه	۳۶۰،	۴۳
نخستون بمی ماه رامست	۱۸۰۰،	۷	نخست از سر با بکان اردشیر	۱۷۱۸،	۴۳
نخستین بنام خدای جهان	۱۳۶،	۱۵	نخست از سیاوش زبان	۹۹۱،	۱۲d
نخستین بنرمی سخن گوی	۴۴۸،	۱۳			

(*) ستاره در سطر اول بجای « از انجمن » و در دوم بجای « از مهر نیز »

آمده است .

نخستین سخن گفت بوزر	۴۴۳۹ ، ۴۱	نخستین بنیزه نمودند	۱۱۶۷ ، ۱۳
نخستین سخن گفت کز	۷۱ ، ۳۹	نخستین بهار است طلحند	۳۰۷۳ ، ۴۱
نخستین سخن گفتن بنده	۸۸۹ ، ۴۳	نخستین جگر خسته او منم	۱۵۴ ، ۱۳
نخستین سخن گفتن سود	۴۰۲۹ ، ۴۱	نخستین چنین گفت با	۳ ، ۳۸
نخستین سر ساوه بر نیزه	۹۹۵ ، ۴۲	نخستین چنین گفت کان	۴ ، ۳۶
نخستین سر نامه گفت از	۹۵ ، ۴۱	نخستین چنین گفت کای *	۳ ، ۴۸
نخستین سوی رخس بنهاد	۴۷۲ ، ۱۲	نخستین چنین گفت کای *	۳۹۱ ، ۱۹
نخستین شهنشاه را چاه	۸۵۵ ، ۳۵	نخستین چو از بند بکشاد	۱۱۲۴ ، ۴۱
نخستین صد و شصت پیدا	۳۵۱۶ ، ۴۳	نخستین چو کاووس با	۳۰۶ ، ۱۱
نخستین فرستش یکی	۱۸۶۷ ، ۴۲	نخستین خراسان از آن	۵۷ ، ۴۱
نخستین فریبرز بد پیش	۳۶۷ ، ۱۳	نخستین در آیم ز جم برین	۲۶۱۰ ، ۴۳
نخستین فریبرز گرد لیر	۱۸۷۰ ، ۱۳۴	نخستین در از من کن دیاد	۳۵۴۰ ، ۴۱
نخستین فطرت پسین شمار	۶۹ ، E	نخستین درودش زرستم	۳۰۰۴ ، ۱۵
نخستین کسی از کسی نان	۲۴۱۲ ، ۴۱	نخستین درودی رسانم	۱۱۶۲ ، ۱۳g
نخستین کسی کو بیفکند	۱۷۹ ، ۱۳۴	نخستین دمیدن سیه شد	۵۲۹ ، ۱۲d
نخستین کمر بستم از بهر	۳۲۵۶ ، ۱۵	نخستین رسیدند پیش	۱۳۷۷ ، ۱۳
نخستین که آتش ز جنبش	۴۲ ، E	نخستین زاغ ریخت اندازه	۲۲۵۲ ، ۱۲d
نخستین که آمد پیش تو	۱۲۴۰ ، ۱۳۴	نخستین ز پیمان مر اشاد	۲۸۳۶ ، ۱۲d
نخستین که آمد برادرش	۱۰۹۳ ، ۱۳	نخستین ز تن دست و پایش	۳۰۵۸ ، ۴۳
نخستین که آمد میان دو	۱۶۴۳ ، ۱۳b	نخستین ز توراندر آمد	۲۲۴۶ ، ۱۲d
نخستین که آیدش نیروی	۱۶۲۸ ، ۱۲d	نخستین ز خویشان کاووس	۱۸۰ ، ۱۳
نخستین که از کلمک بکشاد	۱۰۲۲ ، ۱۳g	نخستین ز کار من اندازه	۴۳۸ ، ۲۲
نخستین که بر نامه بنهاد	۱۲۳۶ ، ۱۲d	نخستین ز گوهر یکی سفته	۳۷۳۰ ، ۴۱
نخستین که بنهاد گنج	۳۹۶۵ ، ۴۳	نخستین ز مهمان گشادی	۲۴۸ ، ۴۳
نخستین که پشتش نهاد بر	۱۲۸۶ ، ۱۲c	نخستین سپهدارها ماوران	۱۰۰ ، ۱۲b
نخستین که داماد کردت	۲۲۷۸ ، ۱۲d	نخستین ستود آفریننده را	۲۲۹۶ ، ۴۱
نخستین که دیهیم بر سر	۵ ، ۱۷	نخستین سخن چون گشایش	۱۰۰ ، ۴۱

(* ستاره در سطر اول بجای « بخردان » و در سطر دوم بجای « نامدار »

آمده است .

نخواستین که ضحاک بیداد	۱۶۶۳ ، ۱۳۴	نخواهد همانا فرنگیس	۲۷۱۹ ، ۱۲d
نخواستین که گفتی ز شاهان	۱۳۴۲ ، ۲۰	نخواهد همی کشور و تاج	۳۸۷۹ ، ۱۵
نخواستین که گفتی ز هر مز	۱۳۶ ، ۴۴	نخواهد همی ماند ای در	۳۵۲ ، ۱۲
نخواستین که ما رزمگه	۴۳۲ ، ۱۳c	نخواهم بیخشم شمارا	۴۴۷ ، ۴۲
نخواستین که نوک قام شد	۲۳۹۵ ، ۱۵	نخواهم بدن زنده بی	۹۴۹ ، ۷
نخواستین کی نامدار اردشیر	۳۷۲ ، ۱۵	نخواهم بدن کار یاری	۱۹۲۱ ، ۴۳
نخواستین کیو مرث پس	۱۴۲۲ ، ۴۳	نخواهم بر این کار فرمانت	۲۲۸۷ ، ۱۳۴
نخواستین من آیم بر این کینه	۸۷۴ ، ۱۳e	نخواهم بکیتی جز از	۲۹۰ ، ۱۱
نخواستین نشان خرد آن بود	۱۹۲۳ ، ۳۵	نخواهم بنیکی سوی او	۱۴۷۰ ، ۱۲c
نخواستین نیایش بیزدان کنم	۴ ، ۳۴	نخواهم جز از مرد قیصر	۴۴۱ ، ۳۰
نخواستین همی گویم از	۱۷۲۰ ، ۴۳	نخواهم جز از نامه هفت	۱۷۶۲ ، ۴۲
نخواستین یکی گوهر آمد	۳۶۲ ، ۲۲	نخواهم خراج از جهان	۱۶۷۵ ، ۳۵
نخواستین یکی گوهر آمد	۷ ، ۲	نخواهم زایران یار	۶۳۶ ، ۱۳c
نخفتند ایشان یکی تیره	۳۳۹۱ ، ۴۱	نخواهم ز بیخ سیاوش	۲۶۵۵ ، ۱۲d
نخفت و نیاسود تا با ممداد	۱۳۱۹ ، ۷	نخواهم ز تو بوم توران	۵۵۹ ، ۱۳g
نخفتی بمنزل چو برداشتی	۱۱۴۳ ، ۱۵	نخواهم ز تو گفت با زانند کی	۱۱۷۲ ، ۱۲e
نخندد زمین تا نگرید	۱۶۳۱ ، ۱۵	نخواهم ز دارندگان باز	۱۴۱۳ ، ۴۳
نخواند مرا دانشی مرد	۷۹۶ ، ۵۰	نخواهم زمان از تو ، یابم	۹۲ ، ۴۰
نخواند مرا مردم از آب	۲۵۴۴ ، ۴۳	نخواهم زمانه جز آن کو	۸۳۲ ، ۱۲d
نخوانم ترا زین سپس	۱۰۴۳ ، ۱۲d	نخواهمش کردن ز چشمم	۶۷۳ ، ۱۳۴
نخوانم نبرده بر ادرم را	۴۴۹ ، ۱۵	نخواهم که آید شمارا	۳۵۵ ، ۵۰
نخوانند بر ما همی آفرین	۳۲۰ ، ۴۱	نخواهم که آید مرا پیش	۱۲۳۷ ، ۱۳۴
نخواهد بتو بد با زرم کس	۲۶۶۰ ، ۴۱	نخواهم که او را بد آید	۱۴۶۰ ، ۱۲c
نخواهد بدن نیز دیدار	۱۱۷۱ ، ۱۲d	نخواهم که این راز داند	۱۳۸۶ ، ۴۳
نخواهد ترا ماندن جاودان	۱۸۰۲ ، ۴۱	نخواهم که با او بصحرا	۴۲۳ ، ۱۲c
نخواهد جزایران یار را	۳۸۳۰ ، ۴۱	نخواهم که با او بصحرا	۹۶۹ ، ۱۲c
نخواهد شهنشاه جز نام	۵۴۱ ، ۱۳g	نخواهم که باشد چنوشهر	۲۴ ، ۴۵
نخواهد که از تخم ما بر	۹۶۴ ، ۷	نخواهم که باشد مرا بوم	۱۷۵۷ ، ۱۲d
نخواهد که جان باشد اندر	۲۱۹۵ ، ۴۱	نخواهم که باشد مرا رهنما	۸ ، ۱۹
نخواهد که انبوه باشد	۲۷۰۷ ، ۴۳	نخواهم که باشم ز خسرو	۲۸۷۱ ، ۱۳g
نخواهد مگر خسرو موبد	۵۴۵ ، ۱۳g		

نخوردی جز از دست مهبود	۱۶۳۸ ، ۴۱	نخواهم که پیروز باشم	۹۹۵ ، ۱۳g
نخوردی می و دور بودی	۳۲۱ ، ۳۵	نخواهم که جان باشد اندر	۳۱۱۷ ، ۴۱
نداد آن سر پر بهار ایگان	۱۸۳۱ ، ۴۲	نخواهم که جایی بود در	۱۳۲۷ ، ۲۰
نداد ایچ پاسخ مرا از شرم	۸۷ ، ۱۲e	نخواهم که جنگی سپاهی	۴۵۳ ، ۴۳
نداد ایچ پاسخ و راجز	۴۳۷ ، ۴۱	نخواهم که چون تویکی	۲۶۱ ، ۴۳
ندادند پاسخ بجز گسهم	۲۲۰۷ ، ۱۳f	نخواهم که چون تویکی	۳۱۵۵ ، ۱۵
ندادند بیهوده دل را زدست	۴۷۱ ، ۱۲c	نخواهم که در پیش آن مرز	۲۵۳ ، ۱۲
ندادند پاسخ دلیران پشاه	۱۰۱۴ ، ۱۲	نخواهم که رومی شود سر	۱۹۱۸ ، ۴۳
ندادند پاسخ کس از	۲۲۳۷ ، ۱۳f	نخواهم که گویند از ایشان	۳۲۰۴ ، ۴۳
ندادی بمن کشور و تاج و	۲۲۶۶ ، ۱۲d	نخواهم من از رومیان باز	۱۳۵۹ ، ۴۳
ندادی کنون هدیه تو	۱۲۱۴ ، ۱۲e	نخواهم من او را بجز	۲۷۶۸ ، ۱۵
ندادی و این مایه رایت	۴۲ ، ۴۴	نخواهم من این زندگانی	۲۲۷۶ ، ۱۳g
ندارند ابا زخم او شیر تا و	۸۸۰ ، ۱۲c	نخواهم همی خویشان را	۴۷۸ ، ۶
ندارند ازین هیچ نامرد	۱۴ ، ۴۶	نخواهند از آن پس پشاهی	۲۱۸۰ ، ۱۲d
ندارند بر آورد که پیل پا	۱۸۰ ، ۴۳	نخواهند جز تو کسی تخت	۵۰۸ ، ۲۴
ندارند در جز یکی تاج و	۹۷۲ ، ۱۵	نخواهند نیز از شمار و	۲۶۱ ، ۴۱
ندارد تن خویش در رنج	۴۰۷۷ ، ۴۱	نخواهی دبیری تو آموختن	۲۸۷۱ ، ۱۲d
ندارد جز از دختری	۹۲۶ ، ۳۵	نخواهی شد از خون مرد	۱۱۲۱ ، ۴۲
ندارد جز این گیو فرزند	۹۷۲ ، ۱۳	نخواهیم آکندن زر	۴۷ ، ۳۵
ندارد جهان آفرین دست	۹۹۴ ، ۱۳b	نخواهیم با از جهان پنج	۳۹ ، ۲۰
ندارد در گنج را بسته	۶۶۷ ، ۳۰	نخواهیم بر تخت از این	۳۸۳ ، ۳۴
ندارد دلش خویشی با	۱۴۵ ، ۱۳	نخواهیم بر گاه ضحاک را	۴۸۰ ، ۵
ندارد شاهان کسی را	۴۲۳۴ ، ۴۱	نخواهیم روزی جز از	۴۳۳۰ ، ۴۱
ندارد ز کس روشنایی	۵۶۶ ، ۴۱	نخواهیم شاه از نژاد	۱۳۷۶ ، ۱۲e
ندارد زن و زاده و کشت و	۵۱۹ ، ۴۲	نخواهیم گفتند بهرام را	۵۴۶ ، ۲۴
ندارد شهنشا از و کین و	۴۳۵۲ ، ۴۱	نخواهیم ما با از این مرز	۲۰۲۰ ، ۳۵
ندارد کسی با تو زین داور	۵۴۹ ، ۱۳c	نخواهیم هرگز جز از	۲۶ ، ۲۳
ندارد کسی تاب من روز	۵۲۴ ، ۱۲b	نخواهیم یکسر پشاهی ترا	۵۳۱ ، ۳۴
ندارد کسی خوار فال مرا	۲۰۵۰ ، ۲۰	نخورد ایچ می نیز و شادی	۹۱۱ ، ۱۵
ندارد کسی را بزرگی	۴۱۷۷ ، ۴۱	نخوردم غم خرد فرزند او	۲۸۶۲ ، ۴۳

نداری نمک سود و هیزم نه	۷۰۹ ، ۳۵	ندارد نکه از مردم جهان	۱۷۶۳ ، ۴۱
نداری هما ناز خاقان چین	۷۶۶ ، ۱۳c	ندارد نیاید ببالین من	۲۲۱ ، ۲۱
نداند بدونیک فرجام	۶۰ ، E	ندارد همانا زما آگهی	۱۹۸۰ ، ۴۱
نداند جز از تنبل و جادو	۵۰۷ ، ۱۳g	ندارد همی روشنائیش	۱۶۳۵ ، ۱۵
نداند ز آغاز انجام را	۱۴۶۸ ، ۴۱	ندارم از این کار هیچ	۴۷۸ ، ۱۲d
نداند کسی آرزوی جهان	۲۳۷۶ ، ۱۵	ندارم ازو گنج و گوهر	۲۹۹۷ ، ۱۵
نداند کسی راز گردان	۸۹ ، ۵۰	ندارم بکنج اندرون زر	۲۷۵ ، ۴۳
نداند کسی ارز آن خوا-	۱۵۱۲ ، ۱۳g	ندارم دریغ از تومن گنج	۳۷۹ ، ۱۳e
نداند کسی را از ایران	۵۳۱ ، ۱۳	ندارم دریغ از شما گنج	۱۱۸۱ ، ۲۰
نداند کسی راز گردان	۱۱۷۵ ، ۴۲	ندارم ز گودرز و گیو	۹۸۴ ، ۱۳e
نداند کسی راز من جز شما	۴۸۴ ، ۷	ندارم سواری و راه منبرد	۱۰۳۸ ، ۱۲c
نداند کسی کان سپهد کجا	۵۲۹ ، ۱۲e	ندارم کسی را ز مردان	۳۷ ، ۱۴
نداند که آن از دهای دژم	۲۴۳۸ ، ۴۳	ندارم من از شاه خود باز	۸۹۹ ، ۱۵
نداند که این لشکر از بن	۱۴۶۰ ، ۱۳	ندارم هر آینه از شاه	۹۰۰ ، ۱۵
نداند که تو دل بیاراستی	۸۱۷ ، ۱۳	ندارم همی انده خویشتن	۱۳۵۰ ، ۷
نداند که دانا چه گوید	۶۵۹ ، ۳۰	ندارم همی دشمن خرد	۲۰۷ ، ۵
نداند که گردنده چرخ	۵۰۲ ، ۱۳g	ندارم سر کم ز افراسیاب	۹۳۷ ، ۱۳b
نداند که من شب شبیخون	۵۵۸ ، ۴۳	نداری از ایران یکی شیر	۵۷۷ ، ۱۳f
نداند نهان جز خدای	۱۷۰۹ ، ۴۱	نداری تن خویش را رنج	۱۸۹۱ ، ۲۰
نداند همی مردم از رنج و	۱۰۹۱ ، ۱۲c	نداری تو همتا بر و ز نبرد	۷۶۵ ، ۱۳b
ندانست خود جز بد آمو-	۱۲ ، ۵	ندارید ازین آگهی بی	۳۳۶ ، ۱۳c
ندانست کاین چرخ را پایه	۶۱۷ ، ۱۲b	نداری دریغ آنچه داری	۴۱۷۲ ، ۴۱
ندانست کاین شیر پر خاش	۱۵۲۵ ، ۴۲	ندارید شرم از خدای	۸۸۱ ، ۴۲
ندانست کس در جهان کان	۶۰۳ ، ۳۵	نداری ز افراسیاب آگهی	۱۳۱ ، ۱۲e
ندانست کس در جهان نام	۲۶۳۱ ، ۴۳	نداری زمن شرم و ز کرد	۳۷۲۶ ، ۱۵
ندانست کس غارت و	۲۴۴۳ ، ۴۱	نداریم ازو باز چیزی که	۳۵۰۸ ، ۴۱
ندانست کس گنج او را	۱۵۶۶ ، ۱۲d	نداریم چاره در این بند	۶۷۸ ، ۱۲
ندانست کس لشکرش را	۲۸۰۱ ، ۱۵	نداریم کس را بکشتن	۴۲۲ ، ۱۳c
ندانست کس نام او در	۴۶۸ ، ۴۴	نداریم ما تاب این جنگجو	۴۲۹ ، ۱۲c
ندانست کس نام او در	۱۲۴۲ ، ۳۵	نداریم ما تاب خاقان چین	۱۸۷۵ ، ۴۱
ندانست کس نام تو در	۴۰۷ ، ۴۳	نداریم نه از تو آنرا	۹۵۸ ، ۱۳

ندانم که بخت که شد کند	۳۹۶۶ ، ۱۵	ندانست کش باز بیند دگر	۶۴۴ ، ۱۲e
ندانم که بر تو چه خواهد	۵۳۷ ، ۴۳	ندانست کش چون ستاید	۱۷۳۱ ، ۷
ندانم که پاسخ چهارنم	۲۳۵۴ ، ۱۲d	ندانست کوجادوی ریمن	۵۴۲ ، ۱۲
ندانم که چشم بد آمد بر	۲۷۰۶ ، ۱۳g	ندانست مرد جوان زال	۲۸۴۸ ، ۱۵
ندانم که چندست و سالار	۱۱۷۹ ، ۱۳b	ندانست مردم هنرهای	۶۴۲ ، ۳۴
ندانم که چون کردش از	۸۵۴ ، ۵۰	ندانست موبد مر آنرا شمار	۲۴۱ ، ۳۵
ندانم که در دل چه دارد	۹۹۱ ، ۴۳	ندانست و آزر م کس را	۳۸۱ ، ۳۴
ندانم که دیدار باشد جز	۳۰۵ ، ۸	ندانسته در کار تندی مکن	۱۰۷۱ ، ۶
ندانم که دیدار باشد جز	۶۳۵ ، ۱۲e	ندانم بایران گر آید	۱۶۴۱ ، ۱۲d
ندانم که عاشق گل آمد	۲۵۱۰ ، ۱۵	ندانم بدینها که گفتی بمن	۲۸۶۱ ، ۱۳g
ندانم که گریوز نیکخوا	۲۲۱۷ ، ۱۲d	ندانم بر او بر چه خواهد	۲۹۳۲ ، ۱۳g
ندانم گناهی من ای شهر	۹۸۳ ، ۱۵	ندانم بگرد جهان سربس	۱۱۴۴ ، ۱۲c
ندانم همی خویشتن را	۱۲۰۱ ، ۷	ندانم بکیتی یکی شهریار	۲۹۹۶ ، ۱۵
ندانند درمان آنرا به	۲۱۵۶ ، ۱۲d	ندانم تو خامش چرا مانده	۱۵۲۳ ، ۱۵
ندانم تو ای مهتر شیر مرد	۱۱۲۶ ، ۱۳ee	ندانم جز آن کش بخوانم	۲۱۵۱ ، ۱۲d
ندانم تو خوی بدش بی	۲۲۵۱ ، ۱۲d	ندانم چه آید بر این بومر	۸۸۵ ، ۱۲e
ندانم تو گفتن سخن جز	۴۲۱ ، ۳۰	ندانم چه بازی گرفت او	۱۵۰۶ ، ۴۳
ندانم جز افسون و بند	۳۱۷۴ ، ۴۱	ندانم چه رازست نزد	۱۱۴۷ ، ۱۲e
ندانم چو گویی که دانا	۱۶۳۰ ، ۴۱	ندانم چه شاید بدن زین	۲۵۶ ، ۵
ندانم چو رستم کندرای	۸۳۸ ، ۱۲	ندانم چه کرد آن فسون	۴۵۷ ، ۱۲c
ندانم شبیخون بس برش	۶۵ ، ۸	ندانم در این رای یزدان	۵۶۴ ، ۱۲c
ندانم کزین خیره خون	۱۲۴۶ ، ۱۳f	ندانم زبن گیو و گودرز	۹۹۳ ، ۱۳e
ندانم که آرش و رابنده	۴۵۸ ، ۴۳	ندانم سر انجام این چون	۵۰۵ ، ۴۳
ندانم که ایران نشست	۴۹۸ ، ۱۲b	ندانم سر انجام و فرجام	۱۸۶ ، ۱۳b
ندانم که بهرام پور گشپ	۲۰۸۹ ، ۴۳	ندانم کزین کار گردان	۱۲۸۰ ، ۱۲d
ندانم که پیش که داری	۹۶۱ ، ۲۰	ندانم کسی را ز گردن	۹۲۳ ، ۲۰
ندانم که چون من کنم	۲۹۵ ، ۱۲b	ندانم که آموختت بر تنی	۲۶۷ ، ۴۳
ندانم که دهقان ز دین	۲۲۰۷ ، ۴۳	ندانم که او را نشیمن کجا	۲۱۷۱ ، ۳۵
ندانم که شیر زیان روز	۵۶۶ ، ۱۳f	ندانم که این فر کی خسرو	۱۵۴۱ ، ۱۳g
ندانم که فردا چه آیدت	۱۷۶۱ ، ۱۵	ندانم که این گفتن بد	۲۷۱۶ ، ۱۲d
		ندانم که با دافره ایزدی	۲۸۶۲ ، ۱۳g

ندیدم کس را بدین بخورد	۲۷۲۸ ، ۱۳g	ندانی که مردان پیمان شکن	۳۷۲۷ ، ۱۵
ندیدم کسی را که دل شاد	۱۵۲ ، ۱۳	ندانی که مردان پیمان شکن	۱۴۸ ، ۱۱
ندیدم کسی کز بی نام و	۱۵۸۲ ، ۱۳f	ندانی که هر کس که هنگام	۱۰۲ ، ۳۴
ندیدم کسی کس سزاوار	۱۶۵ ، E	ندانیم ای پهلوان جهان	۱۲۲ ، ۱۰
ندیدم که بر شاه بنهفتمی	۴۳۸ ، ۱۵	ندانیم جز داد پادشاه این	۱۳ ، ۱۱
ندیدم که رزمی بود زین	۵۸۳ ، ۱۳c	ندانیمش انبار و فرزند و	۳۴۹۲ ، ۴۳
ندیدم من اندر جهان تاج	۶۳ ، ۱۳	ندانیم کاندیشه شهر یار	۲۵۸۱ ، ۱۳g
ندیدم نه هرگز شنیدم	۱۲۲۰ ، ۱۲e	ندانی همی ای بدشور بخت	۱۸۴۸ ، ۱۳
ندیدند از اینسان کسی در	۱۰۶۷ ، ۴۱	ندانی همی جز بد آموختن	۴۲۴۰ ، ۱۵
ندیدند با چرخ گردان	۱۶۶۰ ، ۱۳g	ندانی همی چاره از مهر	۲۲۷۶ ، ۱۲d
ندیدند با خوبش تن تا و او	۲۷۵ ، ۴۱	ندرد مگر زنده شیری	۴۵۴۵ ، ۱۵
ندیدند بر جای کوس و	۱۵۹۵ ، ۱۳	ندرد همی جوشن اندر بر	۳۸۵۰ ، ۱۵
ندیدند جز پورطهماسب	۱۲ ، ۹	ندید از برش جای پرواز	۲۲۵۳ ، ۱۳g
ندیدند چیزی جز از بود	۳۷۳۲ ، ۴۳	ندید از بزرگان کسی کینه	۳۰۱۸ ، ۴۳
ندیدند روزش کشیدن	۲۱۴۰ ، ۷	ندید از پرستندگان هیچ	۳۵۷۵ ، ۴۱
ندیدند زنده کسی را بجای	۸۶۶ ، ۱۳c	ندید از درخت اندرو	۱۸۲۹ ، ۱۵
ندیدند کس یال اسپ و	۶۷۸ ، ۱۳b	ندید از سیاوش چنان نیز	۴۱۰ ، ۱۲d
ندیدند گرسیوز و جهن	۸۲۰ ، ۱۳g	ندید اندر شاه گشتاسب	۱۰۳۴ ، ۱۵
ندیدند هرگز سواری چو	۵۲۸ ، ۴۳	ندید او همی مردم رای	۳۰۹ ، ۴۲
ندید و نبیند کس اندر	۹۱۶ ، ۳۵	ندیدست جز کوه و مرغ و	۲۵۳ ، ۷
ندید ویلان و سپه را ندید	۱۶۰۲ ، ۱۳	ندیدست کس بند بر پای	۲۹۶۱ ، ۱۵
ندیدی بدیهای ایرانیان	۳۹۴ ، ۱۳e	ندیدست کس خفته با پیل	۲۱۸۳ ، ۱۲d
ندیدی تو بدیهای افراسیاب	۹۹۶ ، ۱۲d	ندیدستم از تو بجز نیکو	۲۷۴ ، ۱۳c
ندیدی جهان از بنه به بدی	۲۸ ، ۴۳	ندیدم بر این گونه اسپ و	۳۵۰۶ ، ۱۵
ندیدی جهان از بنه به بدی	۴۱۹۵ ، ۴۳	ندیدم جهاندار بنخشنده	۳۴ ، ۱۳g
ندیدی جوار جاسپ آمد	۲۶۴۰ ، ۱۵	ندیدم جوتو هیچ ای ماه	۲۰۱ ، ۱۳e
ندیدی سر نیزه بخت مرا	۲۴۶ ، ۵۰	ندیدم خردمندی اندر سر	۵۵۵ ، ۴۳
ندیدی که با شاه قیصر چه	۲۲۰۳ ، ۴۳	ندیدم سرافراز بنخشنده	۱۰۶۵ ، ۱۵
ندیدی که چند از بزرگان	۱۹۶۸ ، ۲۰	ندیدم سواران و گردن	۱۱۱۸ ، ۱۳b
ندیدیم از آن رنج راه دراز	۵۶۰ ، ۱۳	ندیدم سواری بدان فرسو	۸۶۱ ، ۵۰
ندیدیم چیزی به از راستی	۱۳۵۲ ، ۴۳		

نزیب برایشان همی تاج و	۸۰	۹	ندیدیم زبندده تر زین سوار	۵۴۹	۷
نژاد آنکه باشد ز تخم پدر	۱۳	۱۳	ندیدیم کس کاینچنین زهره	۳۸۲	۵
نژاد بزرگی و تخت و کلاه	۱۹۲۳	۱۳	ندیدی مگر سهمگین دست	۱۱۲	۱۳b
نژاد تو از مادر و از پدر	۵۹۹	۱۳	ندیدیم ما کار زین زشت تر	۲۵۱	۵
نژاد سما عیل را بر کشید	۷۰۶	۲۰	ندیدیم مانند او برو	۱۲۸	۱۹
نژادش نبد جز سه جام	۳۳۹	۳۵	ندیدی همان تیغ ارجاسپ	۲۵۹۷	۱۵
نژادش ندانم ندیدم هنر	۳۰۶۰	۱۳g	ندیدی هنر با یکی پیشتر	۳۶۴	۶
نژاد فریدون بدوزنده بود	۵۹۲	۸	نراند بهره ایچ و بهره شو	۱۰۲۹	۱۵
نژادم بگوهر زایران بد	۱۲۶۹	۱۳	نرسند جز از دنگ از دست	۱۱۰۱	۴۲
نژاد من از پشت گشتاسپ	۳۲۵۸	۱۵	نرفت از دلیران کسی پیش	۱۰۰۹	۱۱
نژاد منوچهر و وریش سفید	۱۵۰۳	۱۳	نرفت از دلیران کسی پیش	۵۹۸	۱۳f
نژادی از این نامور تر	۳۲۲۹	۱۵	نرفت اندر آن جز با بین	۶۴۶	۱۴
نژاد بست این ساخته داد	۲۹۳۳	۴۱	نرفت ایچ با من سخن ز	۱۰۶۷	۱۲d
نژد آن زمان شد که بیداد	۴۱۲۸	۴۳	نرفتم از آنجا بدان رزم	۳۲۸۱	۱۵
نژندی و هم شادمانی ز تست	۹۷۲	۴۲	نرفتم که گفتند از ایدر	۹۹۸	۱۲d
ن سازد تو ناچار با او بساز	۷۱۷	۲۱	نرفتند از ایشان پس گوی	۲۵۶	۲۲
ن سازم بر ایرانیاں بر کمین	۱۱۹۲	۱۳f	نرفتند نزدیک خسرو سه	۳۶۰۷	۴۳
ن سازم جز از خوبی و	۹۳۵	۲۰	ن رفتی بدان نامور بارگاه	۲۸۰۹	۱۵
ن سازیم از این رفیع بنیاد	۱۲۵۴	۳۵	ن رفتی بدرگاه او بنده	۲۷۹۴	۱۵
ن سازی همی کشور خود	۸۹۷	۱۲	ن رفتی بدرگاه بی آن جهود	۱۶۶۷	۴۱
ن ساید دو پای و را بند تو	۳۱۰۷	۱۵	ن رفتی سخن گفتن از خواب	۴۶۰	۲۱
ن ساید سرتیغ مارا نیام	۴۲۵۱	۴۱	نر و ماده را هر دو بر هم	۹۰۶	۳۵
ن سودی سدیگر گره را	۲۵	۴	نریمان جنگی و فرخنده	۷۹۳	۶
ن سوزد بر آتش نه بر آب	۱۵۷۷	۱۳b	نریمان که گوی از دلیران	۲۰۰۱	۷
ن سوزد دلت بر چنین کار	۲۶۰۶	۱۵	نریمان و سام آن دو گردن	۱۲۱۸	۱۲c
ن سوزد دلت بر دو خواهر	۱۲۹۹	۱۵	ن زادی مرا کاشکی مادرم	۱۱۱۹	۱۲d
ن سوزد همانا دلت بر پدر	۲۲۵۵	۱۳f	ن زادی مرا کاشکی مادرم	۱۰۱۸	۱۳b
ن سوزی تو از بهر بیژن	۶۹۵	۱۳f	ن زاید بجز مرگ را جانور	۹۵۴	۴۱
نشاط و طرب جوی و مستی	۹۹۶	۴۱	ن زاید بهنگام در دشت	۸۴۱	۱۲d
نشان آمد از گفته راستان	۱۱۶۱	۱۲e	ن زاید جز از مرگ را	۴۲۰۷	۴۱

نشان آنکه ترکی بیامد	۶۰۸ ، ۱۳۴	نشانم تراشاد بر تخت او	۳۳۷۴ ، ۱۵
نشان ارتوانی تو دادن مرا	۲۳۳ ، ۱۰	نشانم تراشاد بر تخت او	۴۴۶۰ ، ۱۵
نشان بد اندیش ناپاک	۴۶۰ ، ۱۲d	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۰۱۲ ، ۱۲e
نشان بس بود شهر یار ارد-	۵۳۹ ، ۲۲	نشانم تراشاد بر تخت او	۳۵۹۰ ، ۱۵
نشان پدر باید اندر پرس	۱۰۱۰ ، ۷	نشانم تراشاد بر تخت او	۴۱۳۶ ، ۱۵
نشان پدر جست با او نکفت	۱۴۳۰ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۲۴۲۳ ، ۱۲d
نشان پدر جست و با او نکفت	۹۳۴ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۴۶۹ ، ۷
نشان جست باید زهر کشور	۴۱۶ ، ۴۲	نشانم تراشاد بر تخت او	۲۰۷۸ ، ۷
نشان خواست از شاه توران	۱۵۶۳ ، ۱۳c	نشانم تراشاد بر تخت او	۷۷۵ ، ۱۲
نشان خواه ازین دو گوسر	۶۲۴ ، ۱۳	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۲۳۴ ، ۱۲c
نشان داد مادر مرا از پدر	۱۳۴۹ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۴۳۱ ، ۴۲
نشان داد موبد مرا در	۱۶۷ ، ۱۰	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۴۹۹ ، ۱۲d
نشان داده بد از پدر مادر	۹۰۸ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۸۵۱ ، ۱۲c
نشان داده بود از پدر مادر	۱۶۳۴ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۸۶۷ ، ۲۰
نشان در آن خانه زر	۱۶۷۱ ، ۷	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۴۹۵ ، ۱۲d
نشان در آن تخت شاهنشهی	۱۶۸ ، ۶	نشانم تراشاد بر تخت او	۷۰ ، ۶
نشان دش بیک دست خود	۱۴۲ ، ۱۱	نشانم تراشاد بر تخت او	۹۱۸ ، ۱۳۴
نشان دل افروز بر جای	۱۵۹۷ ، ۱۲e	نشانم تراشاد بر تخت او	۵۴۲ ، ۴۳
نشان دش همان که فر بدون	۳۸۸ ، ۶	نشانم تراشاد بر تخت او	۹۰۲ ، ۴۲
نشانم بدین تخت من	۶۵۴ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۲۱۶ ، ۱۰
نشانم بر این تخت من	۲۷۲۸ ، ۱۵	نشانم تراشاد بر تخت او	۸۰ ، ۴۷
نشانندش آنکه بر اسب	۱۸۳۶ ، ۷	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۵۶۹ ، ۱۲c
نشانده سیاوش بخاک اندر	۲۵۵ ، ۱۲e	نشانم تراشاد بر تخت او	۸۰۵ ، ۱۴
نشان ده که بیکار سازم بدو	۵۵ ، ۱۱	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۴۰۲ ، ۱۲c
نشان سپه دار ایران بنفش	۱۳۴۹ ، ۱۳g	نشانم تراشاد بر تخت او	۵۲ ، ۳۸
نشان سیاوش پدیدار بود	۷۵۰ ، ۱۲e	نشانم تراشاد بر تخت او	۲۱۵۹ ، ۷
نشان شب تیره آمد پدید	۴۱۸ ، ۵۰	نشانم تراشاد بر تخت او	۲۶۴ ، ۲۱
نشانش پراکنده شد در	۱۱۸ ، ۷	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۳۸۰ ، ۱۳g
نشان فر بدون بگرد جهان	۱۱۳ ، ۵	نشانم تراشاد بر تخت او	۱۵۶۴ ، ۱۳c
نشان کمند تو دارده ز بر	۱۱۳ ، ۱۲c	نشانم تراشاد بر تخت او	۴۳۹۴ ، ۴۱

نشست مار کشته ولیکنز	۲۶ ، ۲	نشاید بدین کار آهر منی	۳۳۰ ، ۱۲
نشده هیچ خست و بدان داستان	۴۷۳ ، ۱۲d	نشاید بر این بیهوده کام	۸۶۸ ، ۱۳e
نشده هیچکس پیش جویا	۱۰۱۱ ، ۱۲	نشاید بر این کوه سر برید	۳۲۲۶ ، ۱۳g
نشست آزمون را بصندوق	۱۷۷۲ ، ۱۵	نشاید بماندن از این کار	۲۰۶ ، ۱۰
نشست آن زمان شاه و لشکر	۲۴۳۶ ، ۳۵	نشاید جز از من که با او	۶۱۳ ، ۱۳f
نشست آن ستم دیده با شهر	۲۳۵ ، ۱۲b	نشاید چشید نش یک قطره	۱۵۷۱ ، ۴۳
نشست آن سه پر مایه نیک	۱۲۳۲ ، ۴۳	نشاید خور و خواب و با او	۶۶۴ ، ۱۲e
نشست آنکهی رای زن با	۵۱۵ ، ۱۲c	نشاید درنگ اندر این کار	۳۴۷ ، ۶
نشست از بر ابلق مشک دم	۱۵۷ ، ۴۳	نشاید کزین پس جمیم و	۳۲۴ ، ۱۲
نشست از بر اژدهای	۹۰۰ ، ۱۳	نشاید کزین پس جمیم و	۳۱۴ ، ۴۱
نشست از بر اسپ جنگی	۵۹۳ ، ۱۳g	نشاید کزین کم کنم یا	۴۳۱ ، ۴۳
نشست از بر اسپ سالار	۸۰۰ ، ۱۲e	نشاید که باشد جز او جفت	۱۲۰ ، ۱۲b
نشست از بر اسپ شبرنگ	۱۱۲۵ ، ۱۳g	نشاید که باشی تواندر	۵۷۹ ، ۱۲d
نشست از بر اسپ کسری	۳۵۹۴ ، ۴۱	نشاید که باشیم همدستان	۸۹۲ ، ۱۳
نشست از بر اسپ و آن اسپ	۱۹۵۷ ، ۱۳f	نشاید که بی آفرین تو	۱۱۸۳ ، ۱۳c
نشست از بر اسپ و او را	۱۸۴۴ ، ۱۳	نشاید که داریم چیزی	۳۰۳ ، ۲۰
نشست از بر اسپ و بالا	۱۹۹۸ ، ۱۳f	نشاید که در شهرها بگذرم	۶۲۹ ، ۱۲e
نشست از بر اشقری همچو	۹۲۱ ، ۱۲b	نشاید که گیرم از او پند باز	۱۰۹ ، ۱۲
نشست از بر باد پای نوند	۱۴۱۲ ، ۱۳f	نشاید گذر کردن از رای	۳۰۴۷ ، ۱۵
نشست از بر باد پای جو	۱۴۹۶ ، ۱۲d	نشاید گذشتن ز پیمان او	۱۱۶۹ ، ۴۱
نشست از بر باد پای جو	۲۸۲ ، ۱۲c	نشاید گنه کار دادن بدوی	۵۲۸ ، ۱۳c
نشست از بر باره باد پای	۲۸۸۸ ، ۱۵	نشاید مگردانش و بخت	۳۳۶۹ ، ۴۳
نشست از بر باره بهرام شاه	۲۳۱۵ ، ۳۵	نشاید مگر رستم تیز	۶۲۵ ، ۱۳e
نشست از بر باره تندتاز	۱۷۷۴ ، ۱۳	نشاید نگه کردن آسان	۱۰۲۱ ، ۱۲c
نشست از بر باره تیور و	۱۷۱۲ ، ۷	نشایدست بد در نیستان بسی	۱۲۲۰ ، ۲۰
نشست از بر باره دست کش	۲۸۰۴ ، ۱۲d	نشایدست جز رستم زال	۴۱ ، ۱۳d
نشست از بر باره راهجوی	۴۳۱ ، ۵	نشد اسپ خسته به پیران	۱۵۶۶ ، ۱۳f
نشست از بر باره راهجوی	۳۱۱ ، ۱۳	نشد پیش گشت اسپ اسفند	۲۵۴۳ ، ۱۵
نشست از بر باره رهنما	۱۱۴۸ ، ۱۳b	نشد سیر ضحاک از آن جست	۱۴۳ ، ۵
نشست از بر باره کامزن	۱۹۹۹ ، ۱۲d	نشد کشته از رومیان صد	۵۶۵ ، ۲۰

نشست از بر پشت پیل سفید	۱۸۷۴ ، ۴۳	نشست از بر رخس برسان	۳۱۳۱ ، ۱۵
نشست از بر تازی اسپ	۱۱۸۳ ، ۷	نشست از بر رخس رخشان	۴۰۹ ، ۱۲
نشست از بر تازی اسپ	۹۱۶ ، ۴۲	نشست از بر رخس رستم	۱۴۰۶ ، ۱۲c
نشست از بر تخت باتاج	۳۲۳۸ ، ۱۳g	نشست از بر رخس و پیمود	۱۰۴۹ ، ۱۲c
نشست از بر تخت باتاج	۱۰۶ ، ۱۳g	نشست از بر رخس و نام	۱۱۴۶ ، ۱۳e
نشست از بر تخت باسوک	۳۸۲۱ ، ۱۵	نشست از بر زین و برنده	۵۸۳ ، ۱۲
نشست از بر تخت با گوش	۳۵۰ ، ۱۲d	نشست از بر زین چو کوهی	۸۴۶ ، ۱۳
نشست از بر تخت با موبد	۳۰۱ ، ۱۱	نشست از بر زین سپیده	۴۴۴ ، ۱۳f
نشست از بر تخت بر بیطقون	۷۹۴ ، ۲۰	نشست از بر زین مراورا	۱۸۹۱ ، ۱۳f
نشست از بر تخت بر پیلتن	۱۳۴۰ ، ۱۳b	نشست از بر زین و اورا	۱۹۲۸ ، ۱۳f
نشست از بر تخت پرهایه	۱۶۸۴ ، ۷	نشست از بر زین و ره بر	۵۲۱ ، ۱۲
نشست از بر تخت پیروزه	۷۰۰ ، ۶	نشست از بر سینه پیلتن	۱۲۷۹ ، ۱۲c
نشست از بر تخت پیروزه	۲۱۵۱ ، ۴۱	نشست از بر شولک اسفند-	۱۷۷۷ ، ۱۵
نشست از بر تخت خسرو	۱۰۰۸ ، ۴۱	نشست از بر کوهه ژنده	۳۹۵۲ ، ۱۵
نشست از بر تخت خورشید	۳۵۱ ، ۲۰	نشست از بر گاه بهرامشاه	۹۳۴ ، ۴۳
نشست از بر تخت زر با	۶۸۷ ، ۱۲b	نشست از بر گاه و بنهاد	۴۶۲ ، ۱۵
نشست از بر تخت زرپور	۱۸۸۷ ، ۷	نشست از بر نامور تخت	۳۶۴ ، ۷
نشست از بر تخت زرشهر-	۱۵۶۹ ، ۱۲e	نشست از بر نامور تخت	۱۲۲۳ ، ۴۳
نشست از بر تخت زرشهر-	۱۵۸۹ ، ۱۳c	نشست از بر نرگس و زعفر	۴۱۸۴ ، ۴۳
نشست از بر تخت زرشهر-	۲۵۷۹ ، ۱۵	نشست از پس پرده پادشاه	۵۴۷ ، ۴۴
نشست از بر تخت زرین او	۵۰۰ ، ۵	نشست اندر آن پاک فر به	۵۷۳ ، ۲۱
نشست از بر تخت سودابه	۲۷۸ ، ۱۲d	نشست اندر آن جا بسی	۲۰۱۱ ، ۷
نشست از بر تخت شاه جهان	۱۷۵۰ ، ۳۵	نشست اندران شهر از آن	۲۱۹ ، ۱۳g
نشست از بر تخت شاهنشهی	۲۱ ، ۱۳	نشست اندر ایران پیمبر	۱۱۹ ، ۱۵
نشست از بر تخت کاووس	۶۳۱ ، ۱۲b	نشست اندر ایوان گوهر	۱۷۷۸ ، ۴۱
نشست از بر تخت گوهر	۶۹۴ ، ۱۲b	نشست او و شهری بر پای	۶۰۴ ، ۵۰
نشست از بر تخت مازندر	۸۰۴ ، ۱۲	نشست تو بر تخت شاهنشهی	۲۳۹ ، ۱۰
نشست از بر تخت نوشیرو-	۲۴۴ ، ۴۱	نشست تو بر گاه فرخنده	۶۸۹ ، ۳۴
نشست از بر چشمه فرخنده	۵۲۹ ، ۱۲	نشست تو در خره اردشیر	۱۰۹۴ ، ۴۳
نشست از بر خاک و کسرا	۲۴۰ ، ۵۰	نشست خاقان بدین رو	۱۹۰۷ ، ۴۱

نشستند بیدار دل بخرد	۱۵۱۷ ، ۷	نشستش بمرز سمرقند	۴۹۳ ، ۵۰
نشستند بیدار هر دو بهم	۸۹۹ ، ۱۲d	نشست کیی بر تو فرخنده	۲۱۳ ، ۱۷
نشستند پس فیلسوفان بهم	۳۶۳ ، ۲۰	نشستم بآموی تا پاسخم	۳۰۱۶ ، ۴۳
نشستند چون باد هر دو بر	۲۲۳۹ ، ۱۳g	نشستم بر این تخت فرخ	۴۱ ، ۳-
نشستند دانش پژوهان بهم	۵۹۹ ، ۲۰	نشستم پشاهی صد و بیست	۴۶۸۶ ، ۱۵
نشستند دانش پژوهان بهم	۳۰۷ ، ۴۰	نشستم بکابل بفرمان تو	۱۲۱۱ ، ۷
نشستند سالی چنین سوک	۴۸ ، ۱	نشستم کنون تا چه فرمان	۳۱۴۸ ، ۴۳
نشستند شادان همه شب	۱۶۵۹ ، ۱۲d	نشستن بآیین شاهنشهان	۵۲۰ ، ۳۴
نشستند فرزنانگان شاد کام	۶ ، ۶	نشستند با او بدان سوک	۳ ، ۲۶
نشستند گردان درش موبد	۱۵۵۹ ، ۱۲e	نشستند با او بهم شادمان	۹۲ ، ۱۳
نشستند گردان سراسر	۵۳۶ ، ۱۲c	نشستند با بخردان ورد	۲ ، ۳۶
نشستند گردان ورستم بر	۷۸۷ ، ۱۳e	نشستند بارامش ورود	۹۵۶ ، ۱۳c
نشستند گردوی و خسرو	۳۰۸۵ ، ۴۳	نشستند بارود سازان بهم	۸۶ ، ۱۲c
نشستند و اورا بآیین	۳۹۴ ، ۲۰	نشستند باروی کرده دژم	۳۸۹ ، ۴۴
نشستند و برسبزه می	۳۲۵۷ ، ۴۳	نشستند باشاه ایران بهم	۵۰۶ ، ۱۲c
نشستند و پاسخ نبشتند باز	۱۳۴۰ ، ۲۰	نشستند باشاه ایران بهم	۸۲ ، ۱۳f
نشستند و پیشش صد و شصت	۲۳۵ ، ۵۰	نشستند باشاه ایران بر از	۱۱۸ ، ۴۳
نشستند و جستند هر گونه	۸۱۰ ، ۶	نشستند باشاه گردان	۶۰۰ ، ۲۱
نشستند و جستند هر گونه	۴۶ ، ۳۴	نشستند با صلح و گفتند باز	۳۶ ، ۹
نشستند و خوان می آرا-	۱۵۰۴ ، ۱۲d	نشستند بر اسب هر دو سوار	۲۳۰۹ ، ۱۳f
نشستند و رامش بر آرا-	۷۵۴ ، ۱۲b	نشستند بر باره هر دو سوار	۲۹۲۴ ، ۱۵
نشستند و گفتند بایکدگر	۵۵ ، ۱۲	نشستند بر پیل رامشگر-	۱۶۷۴ ، ۷
نشستند هر دو بر آن	۱۶۸۵ ، ۱۳	نشستند بر تخت بامهتر	۸۶۷ ، ۱۴
نشستند هر دو بهم رایزن	۳۳۸۲ ، ۴۱	نشستند بر جایگاه ترازو	۱۳۳۴ ، ۱۳
نشستند هر دو راندیشگان	۶۶۳ ، ۶	نشستند بر خوان و می	۳۶۰ ، ۸
نشستند هر سه بآرام و شاد	۳۱۳ ، ۶	نشستند بر زین بفرمان شاه	۱۲۸ ، ۱۳f
نشستند هر سه بر آن هم	۱۹۷ ، ۶	نشستند بر زین پرستند-	۲۳۹۹ ، ۴۱
نشستند هر کس که پر مایه	۳۲۳۹ ، ۱۳g	نشستند بر زین سپیده دم	۱۷۸۳ ، ۱۳f
نشستند هر یک بر آن جای	۱۶۷ ، ۴۲	نشستند بر کوه دوک آن	۱۷۹۴ ، ۴۳
نشستند بیکروز شادان بهم	۲۲۹۲ ، ۳۵	نشستند بر نرم ریگ کبود	۷۴۳ ، ۴۳
نشستند یک ماه با سوک	۲۹۲۸ ، ۴۱		

نشسته بر آن خوب تا بنده	۴۸۴ ، ۱۵	نشستند يك هفته بارای	۲۸۹ ، ۱۰
نشسته بر ابری پر از باد و	۵۹۹ ، ۱۲e	نشستند يک هفته بارود	۲۱۰۰ ، ۱۲d
نشسته بر او بر زنی تاجدار	۱۴۸۳ ، ۴۲	نشستند يك روز و يك شب	۹۹۵ ، ۱۳f
نشسته بر او شاه توران سپاه	۲۲۸ ، ۱۳g	نشستش با گورو آهو بود	۱۵۱ ، ۲۰
نشسته بر او شهر یاری چو	۲۰۶ ، E	نشستنگه آنکه با سطرخر	۲۸۵ ، ۴۱
نشسته بر او شهر یاری چو	۷۸۴ ، ۶	نشستنگه خسروی ساختند	۹۴۴ ، ۱۳f
نشسته بر او گیو و بیژن بهم	۱۱۴۱ ، ۱۳	نشستنگه سو کواران بدی	۷۳۷ ، ۴۳
نشسته بر رخس اندرون	۱۰۵۹ ، ۱۲	نشستنگهش کند شاپور	۷۵۰ ، ۴۱
نشسته بر شاه برد دست راست	۷۸۸ ، ۶	نشستنگه شهر یاران خویش	۴۶۴ ، ۱۹
نشسته بر شاه پوشیده روی	۶۳۴ ، ۴۴	نشستنگه من بروم است	۸۴۸ ، ۱۴
نشسته برش زال باداغ و	۳۸۷۰ ، ۱۵	نشستنگه و رود و می	۲۲۸ ، ۱۳e
نشسته بزابل یل پیلتن	۵۷۸ ، ۱۲e	نشستنگه و مجلس و می	۹۱ ، ۱۲d
نشسته بسفند اندرون شهر	۱۱۰۶ ، ۱۲d	نشستنگهی بر فرازم بماه	۱۷۵۴ ، ۱۲d
نشسته بنزد يك اورهنمای	۱۹۶۳ ، ۳۵	نشستنگهی داشت میرین	۴۸۹ ، ۱۴
نشسته بهر جای رامشگر	۱۲۹۰ ، ۱۲e	نشستنگهی دید قیصر که	۸۴۶ ، ۲۰
نشسته بیازید و دستش	۱۳۸۷ ، ۴۲	نشستنگهی ساخت شاه	۲۲۶ ، ۶
نشسته بیکجا سپهدار	۱۳۶۹ ، ۱۳	نشستنگهی ساخت شایسته	۴۹۲ ، ۱۴
نشسته بيك جایگه بردو	۴۵۵ ، ۴۴	نشستنگهی سازبی انجمن	۷۸۶ ، ۲۰
نشسته بيك دست چون زرد	۲۵۰۰ ، ۱۵	نشستنگهی نو بیار استند	۷۶۸ ، ۶
نشسته بيك هفته با او بهم	۱۳۳ ، ۲۰	نشست و کیی تاج بر سر نهاد	۸۲۶ ، ۱۵
نشسته جهاندار بر تخت	۱۰۲۱ ، ۴۲	نشست و نشانت کنون ایدر	۱۶۰۵ ، ۱۲d
نشسته جهاندار بر خننگ	۱۶۶ ، ۴۳	نشسته بآرام در پیشگاه	۴۱۵ ، ۵
نشسته چو تا بان سهیل یمن	۲۲۵ ، ۱۲d	نشسته بایوان خویش	۷۷ ، ۴۵
نشسته در شاه جوان بردو	۳۰۲۹ ، ۴۱	نشسته بخیمه در آیین	۱۹۲۸ ، ۳۲
نشسته زنی خوب بر تخت	۱۴۵۷ ، ۴۳	نشسته بد او پیش فرخنده	۸۸۷ ، ۱۵
نشسته سپهدار بر تخت عاج	۹۲۳ ، ۱۲c	نشسته بدر بر گرانمایگان	۳۷۷ ، ۶
نشسته ستاره شهر پیش	۲۷۹ ، ۱۷	نشسته بدر بر گلپنوش	۵۷ ، ۴۴
نشسته سر افکنده بی	۳۷۷ ، ۴۲	نشسته بر آن باره خسرو	۷۳۸ ، ۱۵
نشسته سر اینده رامشگر	۱۹۱۶ ، ۱۲d	نشسته بر آن تخت بی گفت	۱۴۵۹ ، ۴۳
نشسته شب و روز پردرد	۳۴۲۱ ، ۴۱	نشسته بر آن تخت جمشید	۶۳ ، ۴
		نشسته بر آن تخت کاووس	۲۴۸ ، ۱۲

نشسته شبی شاه در طیسفون	۲۲ ، ۳۰	۳۱	۱۰۸ ،	نفرمود ما را جز از راستی
نشسته نظاره من از دور	۹۴۰ ، ۵۰	۱۵	۳۶۹۰ ،	نفرمود ما را یل اسفندیار
نشسته همه باغم و اندهان	۱۳۸ ، ۳۸	۸	۶۶۴ ،	نفرمود مت کاین بدان را
نشستی بر آراست بر پیش	۳۴۳ ، ۱۴	۴۱	۲۰۶۱ ،	نفس جز بفرمان او نکذرد
نشستی بیاراست شاهنش	۱۵۱۸ ، ۴۲	۷	۵۵۹ ،	نفس را مگر بر لبش راه
نشستی کنون در دزی	۱۱۵۹ ، ۴۲	۴۱	۳۱۱ ،	نکاهد از این گنج کافزایش
نشستیم و گفتیم بارای	۴۳۲ ، ۵۰	۴۳	۳۵۳۷ ،	نکرد اندرین داستانها
نشستی و می خوردن آرا-	۱۰۰۶ ، ۴۱	۲۱	۱۳۸ ،	نکرد او بتو دشمنی از بد
نشیب و فراز و بیابان و	۱۱۴۳ ، ۷	۲۱	۳۱۰ ،	نکرد ایچ بر تخت شاهی
نشیمی تور خشنده گادمن	۱۸۶ ، ۷	۱۰	۱۳۳ ،	نکرد ایچ پشت از فشردن
نشیمی ازو بر کشیده بلند	۱۵۶ ، ۷	۱۲	۷۲۰ ،	نکرد ایچ رستم بر رفتن
نشیند با آرام بر تخت شاه	۱۸۰ ، ۲۲	۱۲e	۱۰۳۱ ،	نکرد ایچ گیو آزمون
نشیند با آرام بر تخت گاه	۲۶۵ ، ۱۲b	۳۵	۲۱۲۸ ،	نکرد دست کس جنگه با
نشیند چو دستور بردست	۷۰۳ ، ۴۳	۱۵	۴۴۳۹ ،	نکرد دست یاد از تو دوستان
نشیند کهن نزد مهتر پسر	۱۷۱ ، ۶	۱۲	۱۴۲ ،	نکردش بدین کار اوسر
نشینم بشاهی همی سالیان	۱۹ ، ۴۶	۱۲b	۶۴۲ ،	نکردش تباہ از شکفتی
نشینند صد سال گرداندر	۱۹۳۸ ، ۱۵	۷	۱۲۹۳ ،	نکردم زمانی برو بوم یاد
نشینی تو همراه با بخردان	۴۱۶۶ ، ۴۱	۱۳g	۳۰۳۱ ،	نکردم سپه را بجایی یله
نشینیم و گفتار فرخ نهیم	۳۰۲۴ ، ۱۵	۱۲d	۴۰۰ ،	نکردمش فرمان همه موی
نشینیم هر دو پیاده بهم	۱۲۵۳ ، ۱۲c	۱۵	۲۷۶۱ ،	نکردم نرفتم بر راه پندر
نشینیم یک بادگر شاد کام	۲۹۴۳ ، ۱۵	۱۲d	۱۸۷۴ ،	نکردم همی یاد گفتار شاه
نظاره بر آن از دورویه	۱۶۴ ، ۴۳	۳۵	۳۶۶ ،	نکردند از ایشان کسی
نظاره بر ایشان دورویه	۱۵۲۲ ، ۱۳b	۱۲	۶۶۵ ،	نکردند یاد از برو بوم
نظاره بکوه هماون شدند	۱۱۱۲ ، ۱۳b	۲۱	۹ ،	نکردند یاد این از آن آن
نظاره شو آنجا که قیصر	۶۲۲ ، ۱۴	۱۲d	۲۴۱۷ ،	نکرده کناهی بجان
نفر ما یمش نیز رفتن بر زم	۴۵۰ ، ۱۵	۲۱	۴۴۶ ،	نکردی بدینار او کس
نفر ما یم و خود نیازم بید	۱۲۶۲ ، ۱۲d	۴۲	۲۸۱ ،	نکردی بشهر مداین
نفرمود با او کسی را نبرد	۶۱۸ ، ۱۳f	۱۲d	۳۸۸ ،	نکردی تو این بد که من
نفرمود بر دن بپیشش نماز	۲۳۲۰ ، ۳۵	۶	۳۶۲ ،	نکردی جز از کژی و
نفرمود کسرا ز یاران	۲۴۸۶ ، ۱۲d	۴۳	۵۲۰ ،	نکردی جوان جز برای

نکارنده چرخ گردنده	۴۰	۱۴	نکردی خدای جهان را	۱۵۸۰	۱۵
نکارنده چونین نگاری	۹۲۲	۴۱	نکردی کسی را چومن	۲۴۹۱	۱۳g
نکارنده گونه گون جان	۱۴۴۹	۱۳b	نکردیم برای شاه بزرگ	۱۳۰۱	۷
نکارنده هورو کیوان	۷۹۹	۴۱	نکشتم که فرزند بددر	۱۰۱	۲۲
نکاری بداندربستان	۵۲	۷	نکشتم نرفتم براه نیا	۱۰۰۶	۷
نکاریده بربر گهاچهر	۲۸۹۵	۱۲d	نکشتیم بندوی را از نخست	۱۰۲۱	۴۳
نکاریده همزین نشان بر	۹۲۴	۲۰	نکو بشنو این پندواندروز	۴۱۰۹	۱۵
نکاریکه ناهید خوانی	۷۵	۱۸	نکو بشنو و بردلت نقش	۴۵۴۲	۴۱
نکاری نگارید بر خاک	۲۹۴	۵	نکو تر هفر مرد را بخردی	۱۰	۴۶
نگاهش همی داشت پشت	۴۹۳	۱۵	نکورنگ اسپان باسیم	۱۶۸	۱۵
نگر تا بشاهی نداری امید	۸۲	۲۳	نکورنگ اسپ زریر و	۷۵۱	۱۵
نگر تا بود هیچ شیر اندرو	۱۶۶۳	۴۱	نگوشم با کندن گنج من	۲۴۱۶	۳۵
نگر تا پسند آید اندر خرد	۸۹	۱۴	نگوشید چندی نیامدش	۶۹۱	۲۱
نگر تا پسندت که آید همی	۷۲	۳۴	نگو کار ترزو بایران کسی	۲۷۱۲	۱۵
نگر تا پسندد چنین دادگر	۳۰۱۳	۴۱	نگو هش بدان بخش لهر ا-	۱۴۰	۱۴
نگر تا تواند چنین کرد	۴۹	۱۵	نگو هش کند هر که این	۲۸۶۱	۴۳
نگر تا توانی یکی چاره	۳۲۶۱	۴۳	نگو هش منخواه از جهان	۵۰۲	۴۳
نگر تا تو دیوار او نفکنی	۲۷۲	۴۴	نگو هش نباشد که دانا زبان	۱۱۲۰	۴۱
نگر تا جز از هر مز شهر یار	۵۱۰	۴۳	نگو هیده باشد جفا پیشه	۶۶۰	۳۰
نگر تا چسان گردد اکنون	۱۲۳۳	۱۳f	نگو هیده باشد گل آن	۱۵۸۷	۴۱
نگر تا چگونه کنی چاره	۳۰۹۵	۴۳	نگو هیده باشیم از این هر	۳۱۵۳	۴۱
نگر تا چه باید کنون	۲۱۴۳	۷	نگو هیده تر شاه ضحاک بود	۲۰۶۰	۲۰
نگر تا چه باید کنون	۲۳۹۲	۱۲d	نگو هیده در کار نزد گروه	۱۴۶۸	۴۱
نگر تا چه به ترز کار آن	۳۰۰۴	۴۱	نگویی بهر جا چو آید بکار	۱۲۵	E
نگر تا چه دارد کنون آرزو	۴۳۱۲	۴۱	نگارا بهارا کجارفته ای	۱۱	۴۲
نگر تا چه فرمایی اکنون	۵۵	۴۳	نگار رخ توبه قنوج و مای	۴۹۲	۷
نگر تا چه کاری همان	۱۷	۱۲d	نگار سرتاج کاووس شاه	۱۹۱۱	۱۲d
نگر تا چه کرد آن شه خویش	۵۷۸	۱۲b	نگار سکندر چنان هم که	۷۲۸	۲۰
نگر تا چه گفت آن خرد-	۱۴۵۳	۴۲	نکارنده بر کشیده سپهر	۴۷۷	۴۱
نگر تا چه گفتست مرد	۴۴۱۶	۱۵	نکارنده بشنود ازو بر	۷۲۵	۲۰

نکر تا نیازی بپیدا دست	۱۳۰ ، ۱۳۴	نکر تا چه گوید بر آن کار	۵۲ ، ۱۵
نکر تا یکی مهتر تیز مغز	۱۰۷۴ ، ۶	نکر تا چه گوید سخنکو	۴۹۷ ، ۴۳
نکر خواب را بیهده	۹۹۸ ، ۴۱	نکر تا چه گوید نکوبشنو	۶۵۹ ، ۱۵
نکر خویشان را نداری	۱۴ ، ۲۹	نکر تا چه گویی بر هیز	۵۹۲ ، ۵۰
نکر دانند رامش روز	۴۱۷۰ ، ۴۱	نکر تا چه مایه ستام بزر	۱۸۳ ، ۱۱
نکر دانم این آلت کارزار	۱۴۶۳ ، ۱۳۵	نکر تا ز کردار بد گوهر	۱۳۰۴ ، ۱۳۴
نکر دد بهنگام نیروش کم	۳۸۳۶ ، ۴۱	نکر تا سخنگوی دهقان	۱۰۶۴ ، ۶
نکر دد پراکنده مویت	۴۵۰ ، ۲۰	نکر تا سیا ووش از افراسیا	۲۹۲۴ ، ۴۳
نکر دد چنین آهن از آب	۱۱۸۰ ، ۱۲۵	نکر تا کدامست با شرمو	۲۲۱۳ ، ۴۱
نکر دد دلش سیر از آه	۱۴۴۷ ، ۴۱	نکر تا که بینی بکاخ اندر	۲۷۴ ، ۱۳۵
نکر دد سپاه انجمن جز	۲۲۶ ، ۴۱	نکر تا که بینی بگرد جهان	۱۸۹۷ ، ۲۰
نکر دد سپاهش بگردیم	۷۲ ، ۴۱	نکر تا که دارد از ایران	۸۸۵ ، ۱۳۵
نکر دد فرامش بدل رنج	۱۹۷۵ ، ۱۵	نکر تا که رایابی از دشمن	۱۰۸۶ ، ۱۵
نکر دد فلک بر چنویک	۵۵۲ ، ۷	نکر تا نباشی با باد شهر	۳۳۰ ، ۵
نکر دد همی بر ره بخردی	۳۷ ، ۸	نکر تا نباشی جز از بردبار	۴۵۵۷ ، ۴۱
نکر دد همی گردن سرین	۱۱ ، ۱۲۵	نکر تا نباشی جز از دادگر	۱۷۲۲ ، ۳۵
نکر دم ز پیمان قید افمن	۱۱۰۳ ، ۲۰	نکر تا نباشی نکهبان	۵۷۰ ، ۲۲
نکر دم همی جز بفرمان او	۲۰۲۵ ، ۲۰	نکر تا نبندی دل اندر	۴۰۲ ، ۸
نکر دیم زنده ازین جنگ	۷۶۳ ، ۱۵	نکر تا نبینید بگریختن	۶۶۴ ، ۱۵
نکر سر نیچی ز فرمان ما	۸۶۴ ، ۲۰	نکر تا نیچی ز دین خدا	۲۱۶۱ ، ۷
نکر نامور طوس را نشکنی	۸۷۲ ، ۱۳	نکر تا نیچی سراز داد	۳۸ ، ۲۴
نکر نره دیو اندر این	۱۹۶ ، ۴	نکر تا نترسید از مرگ	۶۶۱ ، ۱۵
نکشت آن دلاور ز پیمان	۱۶ ، ۳۱	نکر تا نجوشی بکردار	۱۳۴ ، ۱۳۴
نکشت ایچ فرهاد را روی	۸۵۷ ، ۱۲	نکر تا نداری بیازی	۱۲۴ ، E
نکشتم ز فرمان نکفتم	۱۳۴۵ ، ۱۵	نکر تا نداری و رار استکو	۱۹۵ ، ۱۵
نکشتند از و باز چون طوس	۳۱۶۹ ، ۱۳۵	نکر تا نداری هراس از	۱۸۴۲ ، ۴۲
نکشتند هر دو ز فرمان	۵۵ ، ۱۲۵	نکر تا نسازی تو باناز	۶۴ ، ۲۴
نکفت آن سخن پیش آن	۴۷۱ ، ۱۲۵	نکر تا نکردد بگرد تو	۴۷ ، ۲۴
نکفت این سخن گیورا	۴۶۵ ، ۱۲۵	نکر تا نکردد زبان تان	۳۳۴۶ ، ۴۳
نکفتست مادر سخن جز	۳۰۱۴ ، ۴۱	نکر تا نکویی که او زنده	۱۳۴ ، ۷
		نکر تا ننازی به سخت بلند	۹۳۰ ، ۴۲

نگون کرده کوس و دریده	۴۱۹۳ ، ۱۵	نگفتم سه روز این سخن	۷۵۶ ، ۱۳b
نگون کن سر جادوان را	۱۳۱۸ ، ۱۳g	نگفتم که امشب بمن بر	۴۸۶ ، ۱۲
نگون گشت کوس و درفش	۱۵۹۷ ، ۱۳	نگفتم که بارستم شوم دست	۱۵۳۳ ، ۱۳c
نگوید بدل کان نبشتست	۳۵۱۰ ، ۴۱	نگفتم مروسوی راه جرم	۱۴۹۲ ، ۱۳
نگوید چنین مردم سا انخورد	۳۶۰۱ ، ۱۵	نگفتم من این تا نکشتم غمی	۷۶۴ ، ۷
نگوید زبانت جز از بهتر	۱۷۴۸ ، ۳۵	نگفتی سخن جز ز نقصان	۱۵۵۵ ، ۷
نگوید سخن جز همه بد	۱۷۵ ، ۴۲	نگفتی که ایدر نیابی تو	۲۰۲۵ ، ۱۵
نگوید سخن جز همه راستی	۲۱۲ ، ۵	نگفتی که لشکر نیارم	۳۷۲۵ ، ۱۵
نگوید کس این نامدار از	۵۶۵ ، ۱۲c	نگنجد ترا این سخن در	۲۱۵ ، ۴۴
نگوید کسی جز به بد نام	۱۲۴۰ ، ۱۲c	نگنجد جهان آفرین در	۶۱۰ ، ۳۰
نگوید که جز مهتر ده	۷۷۰ ، ۴۲	نگون اندر آمد زیشت	۳۸۴ ، ۸
نگوید همی پیش من راز	۶۶۹ ، ۱۴	نگون اندر آمد شما ساس	۴۹ ، ۱۱
نگوید همی یک سخن جز	۵۹۹ ، ۳۴	نگون باره گفتی که بر	۱۳۲۹ ، ۱۳g
نگویم من این ، گفت جز	۱۰۳۶ ، ۴۱	نگو نبخت را زنده بردار	۳۴۳ ، ۱۳e
نگویند بی نام کردی بمرد	۱۰۷۴ ، ۱۳b	نگو نبخت را زنده بردار	۳۵۲ ، ۴۰
نگویی بیدخواه راز مرا	۲۲۰ ، ۳۰	نگو نبخت راز زنده بردار	۱۹۴۶ ، ۴۲
نگویی چه آمدت پیش از	۱۵۷۹ ، ۱۲c	نگونسار شد تخت ساسانی	۲۷ ، ۴۹
نگوییم چندین سخن بر	۵۲۹ ، ۲۰	نگونسار کرد آن درفش *	۸۱۰ ، ۱۳c
نگویی مرا تا مراد تو	۲۹۷ ، ۱۲d	نگونسار کرد آن درفش *	۶۷۷ ، ۱۳c
نگویی مرا کاین ددان را	۹۳۰ ، ۳۵	نگونسار گشتند از ابر	۶۴۰ ، ۱۲b
نگویی مگر آنکه بهتر	۱۰۵۰ ، ۲۰	نگون شد سربارگی جان	۸۷۹ ، ۱۳
نگویی هم اکنون بپر م	۴۲۱۵ ، ۴۳	نگون شد سر ز نکل جان	۱۹۱۳ ، ۱۳۴
نگهبان آن دست گردوی	۱۹۰۰ ، ۴۳	نگونش بجا اندر انداختند	۴۳۹ ، ۱۳e
نگهبان آن زر نبود	۲۷۱ ، ۴۲	نگون شد سر شاه یزدان	۴۰۴۱ ، ۱۵
نگهبان اشکش بود روز	۱۰۷۲ ، ۱۳۴	نگون شد سر نامبردار شاه	۳۴۶ ، ۱۹
نگهبان او پای کرده بکش	۱۷۹ ، ۵	نگون شد سرو تاج افرا -	۲۶۹ ، ۱۲e
نگهبان او من بسم بی -	۲۱۷۰ ، ۱۲d	نگون شد هم اندر زمان	۲۳۲۲ ، ۱۳۴
		نگونش همی زنده بردار	۱۹۷ ، ۱۵

(*) ستاره در سطر اول بجای « سهام » و در سطر دوم بجای « کبود »

آمده است .

نکهدار ایران و پشت	۵۸۸ ، ۸	نکهبان ایشان همی بود	۱۹۴ ، ۱۳
نکهدار ایران و توران	۴۴۵ ، ۳۴	نکهبان براو کرد پس چند	۹۹۷ ، ۱۵
نکه دار این کودک شیر خوار	۱۰۹ ، ۷	نکهبان بندوی بهرام	۹۵۰ ، ۴۳
نکهدار پشت سپاه مرا	۱۴۱۰ ، ۱۳b	نکهبان بود شاه گنج	۵۷۳ ، ۲۲
نکهدار تاجست و تخت بلند	۴۷ ، ۴۱	نکهبان پیل و سپاه و	۵۴۶ ، ۴۱
نکه دار تا مردم عیب جوی	۵۶ ، ۲۴	نکهبان در دخمه را باز	۶۳۱ ، ۴۴
نکهدار تن باش و آن	۲۴۲۵ ، ۱۵	نکهبان در گفت کامروز کار	۶۳۲ ، ۷
نکهدار تن باش و آن	۵۵۳ ، ۲۲	نکهبان دژ رزم دیده مجیر	۲۷۷ ، ۱۲c
نکه دار جان از بد پور زال	۱۸۳ ، ۱۲e	نکهبان دیده بر آمد ز	۱۱۸۷ ، ۱۳e
نکهدار جان و سپاه مرا	۱۹۸۸ ، ۱۳g	نکهبان دیده گرفتی	۳۴۸ ، ۱۳f
نکه دار داین فال و جشن	۴۰۰ ، ۱۹	نکهبان دین و نکهدار	۳۶ ، ۱۳g
نکه دار چیزی که رای	۲۲۳ ، ۱۷	نکهبان رستم بدان رای و	۱۸۹۶ ، ۷
نکهدار خشکی و دریا	۱۹۸۷ ، ۱۳g	نکهبان زندان چو اورا	۹۱ ، ۴۲
نکه دارد از دشمنان	۶۴۳ ، ۳۰	نکهبانش بر کرد و با کس	۱۸۴ ، ۲۰
نکهدار شاهان ایران منم	۳۱۵۲ ، ۱۵	نکهبان شد از بیم خسرو	۲۶۳ ، ۴۲
نکهدار گفتا تو پشت سپاه	۳۱۶ ، ۱۵	نکهبان گفت اسپ پرویز	۲۵۴ ، ۴۲
نکهدار من بود باید	۱۹۳۸ ، ۴۳	نکهبان فرستاد سوی	۱۳۹۴ ، ۱۳g
نکهدار و چندی خرد ده	۲۵۵۴ ، ۱۳g	نکهبان فرستاد هم در	۱۳۸ ، ۱۹
نکهدار و پرو تن و توش	۱۱۰۴ ، ۱۵	نکهبان کاخ و در گنج اوی	۸۱۶ ، ۱۳b
نکه داشت بیدار فرمان	۷۴۴ ، ۱۲d	نکهبان کشور بهنگام	۲۶ ، ۸
نکه داشتن جان پاک از	۲۹۷۳ ، ۴۱	نکهبان گنج و روانش منم	۳۷۶۵ ، ۴۱
نکه داشتندی بروز و شب	۴۴۲۴ ، ۴۱	نکهبان گودرز خود با	۱۵۱۰ ، ۱۳f
نکه داشتن کار در گاه را	۱۳۹۱ ، ۴۱	نکهبان لشکر زایران	۱۹۳۸ ، ۱۳g
نکه داشتن مردم خویش	۱۲۵۹ ، ۴۱	نکهبان ما باد پروردگار	۳۹۳ ، ۵۰
نکه سوی من بنده زانگونه	۳۶۰۴ ، ۴۱	نکهبان مرز مداین	۷۹۰ ، ۴۱
نکه کرد آن رزم که ساوه	۷۱۵ ، ۴۲	نکهبان مرو اندر آن روز	۹۲۳ ، ۵۰
نکه کرد از آغاز فرجام را	۸۰ ، ۳۴	نکهبان هر پیل سه صد	۱۵۷ ، ۱۳g
نکه کرد از آن پس	۲۸۶۹ ، ۱۵	نکهدار آن لشکر اکنون	۱۴۲۲ ، ۱۲c
نکه کرد از آن رزم که	۸۷۴ ، ۴۲	نکهدار آن مرز خوارزم	۵۵ ، ۱۳f
نکه کرد از افرا تا بالا	۹۰۹ ، ۱۳	نکه دار از ماه بهرام روز	۲۷۰۵ ، ۴۳
		نکهدار اورا بروز و شب	۱۱۱ ، ۵۰

نگه کرد تا کیست زیشان	۱۶۱۲ ،	۷	نگه کرد افراسیاب آن	۹۵۸ ،	۱۲b
نگه کرد جایی که بدخار	۱۵۶ ،	۲۲	نگه کرد افراسیاب ازدو	۷۶۲ ،	۱۳g
نگه کرد جایی که تاریک	۲۷۹۶ ،	۲۱	نگه کرد افراسیاب از*	۸۹۵ ،	۱۲b
نگه کرد جوشن گذاری	۲۳۸۳ ،	۴۳	نگه کرد با بک بد و خیره	۲۰۳ ،	۴۱
نگه کرد چنگش بر آن پیل	۶۲ ،	۱۳c	نگه کرد با بک بگرد سپاه	۱۸۲ ،	۴۱
نگه کرد چوپان و بنوا-	۱۶۹ ،	۱۴	نگه کرد با بک پسند آمد	۱۹۷ ،	۴۱
نگه کرد خاتون بگفتار	۲۲۵۸ ،	۴۱	نگه کرد باید بدین بر	۴۰۵ ،	۱۲d
نگه کرد خاقان از آن	۷۵۱ ،	۱۳c	نگه کرد باید بدین تازه	۶۶۹ ،	۴۱
نگه کرد خرا دبر زین بر	۱۵۱۰ ،	۴۲	نگه کرد باید بر وی تو	۱۰۲۱ ،	۳۵
نگه کرد خسرو بدان زاد	۳۱۶۲ ،	۴۳	نگه کرد باید بفرزند او	۴۱۱۴ ،	۴۳
نگه کرد خسرو بد و خیره	۵۵۱ ،	۵۰	نگه کرد باید که جایش	۴۲ ،	۱۳c
نگه کرد خسرو بر آن بسته	۹۸۴ ،	۱۳c	نگه کرد بر نابدان خوب رو	۱۵۸ ،	۲۱
نگه کرد خسرو بر آن رزم	۱۷۹۱ ،	۴۳	نگه کرد بهرام از آن قلب	۸۷۸ ،	۴۲
نگه کرد خسرو بر آن زشت	۲۴۵۳ ،	۱۳f	نگه کرد به زاد و کی را	۸۰۵ ،	۱۲e
نگه کرد خسرو بهر کس	۴۰ ،	۱۳d	نگه کرد بیدار و چیزی	۱۳۵ ،	۲۰
نگه کرد خسرو پس پشت	۱۹۷۲ ،	۴۳	نگه کرد بیژن بخیره بماند	۱۰۲۲ ،	۱۳e
نگه کرد خندان ابارد	۱۵۲ ،	۲۱	نگه کرد بیژن بدان پیلتن	۸۱۹ ،	۱۳f
نگه کرد در بان بر آراست	۶۲۵ ،	۷	نگه کرد بیژن درفشش	۸۸۶ ،	۵۰
نگه کرد در خط نوشیروان	۲۱۶ ،	۴۲	نگه کرد پیرسند بوزر-	۴۴۴۸ ،	۴۱
نگه کرد در قلب که جای	۳۰۴ ،	۱۳g	نگه کرد پیرموده او را بدید	۱۰۶۹ ،	۴۲
نگه کرد در کار چرخ بلند	۱۷۷ ،	۲۲	نگه کرد پس ایرج پرهیز	۴۴۲ ،	۶
نگه کرد درستان ز تخت	۵۳۳ ،	۷	نگه کرد پس ترجمه انشز	۶۹۴ ،	۱۳g
نگه کرد رستم به آواز	۱۲۸۲ ،	۱۲c	نگه کرد پس شاه هاماور	۴۳۲ ،	۱۲b
نگه کرد رستم بدان سر	۱۰۶۰ ،	۱۲c	نگه کرد پیران بدان کار	۸۰۶ ،	۱۳c
نگه کرد رستم بروشن	۹۷۴ ،	۱۲	نگه کرد پیران بدیدار او	۱۳۴۴ ،	۱۲d
نگه کرد رستم سراپای او	۶۰ ،	۱۳	نگه کرد پیران که هنگام	۲۰۱۴ ،	۱۳f
نگه کرد روشن دل اسفند-	۱۷۱۶ ،	۱۵	نگه کرد پیشش یکی مار	۱۰۴۴ ،	۴۱
نگه کرد در هام و بیژن ز راه	۱۳۸۴ ،	۱۳c	نگه کرد بیکار دو پیل مست	۱۴۹۶ ،	۱۳c
نگه کرد زال آن گهی از	۳۸۶۸ ،	۱۵	نگه کرد تا جای گردان	۴۹۳ ،	۸
			نگه کرد تا خسته گوینده	۳۵۵ ،	۱۹

(*) ستاره در سطر سوم بجای «کران» آمده است .

نکه کرد کردنکشی از گو	۴۸۹ ، ۱۳g	نکه کرد زال اندر آن ماه	۶۹۷ ، ۷
نکه کرد گرسیوز آهنگ	۳۰۱ ، ۱۳e	نکه کرد زرمهر کس را	۱۷۱۲ ، ۴۲
نکه کرد گرسیوز از پشت	۸۰۴ ، ۱۳g	نکه کرد زروان بگفتار	۱۶۶۶ ، ۴۱
نکه کرد گرسیوز اندر	۲۶۰۸ ، ۱۲d	نکه کرد سام اندر آن ماه	۱۷۳۰ ، ۷
نکه کرد گرسیوز جنگ	۷۰۶ ، ۱۲d	نکه کرد سودابه خیره	۳۴۶ ، ۱۲d
نکه کرد گرسیوز رنگ	۲۴۸۰ ، ۱۲d	نکه کرد سهراب تازنده	۸۱۵ ، ۱۲c
نکه کرد گرسیوز نامدار	۱۹۹۲ ، ۱۲d	نکه کرد سهراب و آمدش	۳۲۸ ، ۱۲c
نکه کرد گرسیوز نامدار	۲۱۱۳ ، ۱۲d	نکه کرد سیمرغ با بچگان	۱۱۲ ، ۷
نکه کرد گواندر آن دشت	۳۰۹۰ ، ۴۱	نکه کرد سیمرغ زافراز	۱۷۲ ، ۷
نکه کرد گودرز تا پشت	۱۵۱۴ ، ۱۳f	نکه کرد شاه اندران چار	۳۴۱۶ ، ۴۱
نکه کرد گودرز تیر	۲۰۱۸ ، ۱۳f	نکه کرد شاه اندرویک	۴۳۰ ، ۴۲
نکه کرد گودرز و بگریست	۲۰۲۵ ، ۱۳f	نکه کرد شیروی و شد چون	۹۱۵ ، ۶
نکه کرد گیواندر افرا	۱۴۹۹ ، ۱۳c	نکه کرد طلحنند از پشت	۳۲۹۹ ، ۴۱
نکه کرد لهراسب بر پای	۳۲۴۰ ، ۱۳g	نکه کرد فرزانه ملاح	۲۷۵ ، ۲۱
نکه کردم از گرد چون	۱۱۳۶ ، ۷	نکه کرد فرزندان زال زر	۱۳۱ ، ۱۱
نکه کرد از گردش آسمان	۳۱۳۷ ، ۴۱	نکه کرد قارن بمردان	۲۰۱ ، ۸
نکه کردم اکنون بسود	۶۷۳ ، ۴۳	نکه کرد قارن بتورانیان	۴۳۰ ، ۸
نکه کردم این خواب را	۴۶۱۶ ، ۴۱	نکه کرد قیدافه سوگند او	۱۰۳۴ ، ۲۰
نکه کردم این زیجهای	۱۳۲۶ ، ۴۳	نکه کرد قیصر بر آن سر	۶۳۶ ، ۱۴
نکه کردم این نظم سست	۱۰۴۷ ، ۱۵	نکه کرد قیصر بشاپور	۱۷۷ ، ۳۰
نکه کرد مرغ اندر آن	۳۸۹۱ ، ۱۵	نکه کرد کارش دبیر بزرگ	۱۵۱۹ ، ۴۲
نکه کرد منذر بد و خیره	۱۰۷ ، ۳۴	نکه کرد کاموس و خاقان	۱۵۲۳ ، ۱۳b
نکه کرد موبد شبستان	۲ ، ۳۰	نکه کرد کاووس و خیره	۱۷۲ ، ۱۲b
نکه کردمی نیک هر سو	۷۸۵ ، ۱۲d	نکه کرد کاووس در چهر	۸۶ ، ۱۲e
نکه کرد ناگاه بهرام	۴۲۳ ، ۳۵	نکه کرد کسری بداننده	۱۱۲۱ ، ۴۱
نکه کرد و آن بند بازو	۳۵۸۰ ، ۴۱	نکه کرد کسری بگفتار	۱۶۱۴ ، ۴۱
نکه کرد و آن جشن و آتش	۵۱۳ ، ۳۵	نکه کرد کو کیست شهر	۲۵۹ ، ۱۳e
نکه کرد و بنشاند اندر	۹۴۵ ، ۱۲	نکه کرد کوهی خروشنده	۱۹۷۴ ، ۷
نکه کرد و چون کود کائرا	۱۲۱ ، ۲۲	نکه کرد کهنسرو از پشت	۳۹۸ ، ۱۳
نکه کرد و موسیل دید	۱۰۲۶ ، ۴۳	نکه کرد گازر سواری تمام	۹۹ ، ۱۷

نگه کن تو آنرا بخوبی	۱۷۸۰	۱۲c	نگه کرد ویران یکی جای	۱۵۶۰	۱۷
نگه کن تو اکنون که دانا	۱۳۳۳	۴۳	نگه کرد هر یک ز هر باره	۳۶۶۰	۴۱
نگه کن تو در کار این گوژ	۸۵۵	۱۳e	نگه کرد و هوشنگ با هوش	۲۲	۲
نگه کن رباطی که ویران	۲۹۴۰	۱۳g	نگه کرد هومان بدید از	۴۰۰	۱۲e
نگه کن سحر گاه تا بشنو	۲۵۱۴	۱۵	نگه کرد هومان بگفتار	۴۳۸	۱۳f
نگه کن سر انجام خود را	۷۱	E	نگه کرد یک تن باواز	۶۵۷	۲۱
نگه کن سواران ز گند آور	۶۲۳	۱۳	نگه کرد یکسر بدید آن	۷۸۵	۱۲b
نگه کن کجا آفریدون	۵۵۰	۵	نگه کرد یکسر برومند	۲۴۱۶	۴۱
نگه کن کز ایران و توران	۱۱۲۶	۱۳f	نگه کن از این گنبد تیز	۷۵	E
نگه کن کز ایران کشته	۹۴۶	۴۲	نگه کن بایران و توران	۱۰۲۰	۱۳b
نگه کن کز این بد که	۴۰۱	۱۳c	نگه کن بین تاورا نام	۹۶۹	۱۳
نگه کن کنون آتش جنگ	۱۴۲۶	۱۳c	نگه کن بتدبیر آن را دگرد	۴۱۶	۲۲
نگه کن کنون تا پسند تو	۲۲۲	۱۷	نگه کن بجایی که دانش بود	۵۳	۳۴
نگه کن کنون تا چه فرمان	۵۱۶	۷	نگه کن بجایی که دشمن	۱۲۲۳	۴۲
نگه کن کنون تا چه فرمان	۳۱۵	۵۰	نگه کن بجمشید شاه بلند	۱۲۱۵	۱۲c
نگه کن کنون تا نیاگان	۱۲۹۷	۴۳	نگه کن بدل تا پسند تو	۱۰۳۸	۳۵
نگه کن کنون رای و فرمان	۱۴۵۱	۴۳	نگه کن بدو تا پسند آید	۱۰۳۲	۳۵
نگه کن کنون روز خاقان	۱۹۳۲	۳۵	نگه کن بدین تا پسند آید	۴۵۰	۳۴
نگه کن کنون کار بوزر-	۳۵۶۶	۴۱	نگه کن بدین خواهر نیک	۲۷۹۸	۴۳
نگه کن کنون کان سزاوار	۶۹۸	۱۴	نگه کن بدین کار گردنده	۱۴۷۶	۱۳f
نگه کن که آن کیست کاید	۳۶۸۴	۴۱	نگه کن بدین گردش روز	۱۱۸۴	۱۳g
نگه کن که آن ماه دیدار	۱۹۴	۱۳e	نگه کن بدین گنج تا نام	۵۵۹	۳۵
نگه کن که این موم ویران	۳۰۵	۱۳c	نگه کن بدین لشکر نام	۱۲۲۰	۱۳c
نگه کن که این جمگجوه	۲۲۳۸	۱۵	نگه کن بدین نامه پندمند	۳۹۷۶	۴۱
نگه کن که این کار فرخ بود	۱۶۵۴	۱۲d	نگه که بدین نامه پندمند	۱۹۵	۵۰
نگه کن که این گنبد تیز	۲۴۶۱	۱۳g	نگه کن بر این پاک دستور	۸۱۳	۲۰
نگه کن که این نامه تا	۲۰۵۱	۲۰	نگه کن بر این دشت با	۸۷۷	۱۳c
نگه کن که با او باورد گاه	۶۴۵	۱۳f	نگه کن بر این گرد قیصر	۵۳۱	۱۴
نگه کن که با شاه ایران چه	۴۶۱	۱۳c	نگه کن بشهری که ویران	۲۹۴۵	۱۳g
نگه کن که با قارن رزمزن	۲۱۳	۸	نگه کن بفرزند و پیوند	۳۹۳	۱۹
نگه کن که بر خیزد از	۷۷۲	۱۴	نگه کن بگردار افراسیاب	۱۵۰۲	۱۲c

نگیرد ز تو یاد فرزند تو	۹۰ . ۲۳	نگه کن که تا تاج با سر چه	۲۴۴۰ . ۱۳g
نگیرد ز کار درم نیز یاد	۴۴۰۸ . ۱۵	نگه کن که تا چاره کار	۳۷۷۲ . ۱۵
نگیرند مر یکد گرا گذر	۸۵ . E	نگه کن که تا چند شهر	۱۱۷۶ . ۱۳g
نگیری بیاد آن سخنها که	۳۹۸۱ . ۱۵	نگه کن که تا چند گونه بلا	۶۶۷ . ۱۲b
نگیری تو بدخواه را خیره	۴۵۴ . ۱۳	نگه کن که تا چون بود	۱۲۷۶ . ۱۳g
نگیری همی پادشاهی و بزم	۴۶۱۵ . ۱۵	نگه کن که چند آن دایران	۱۱۲۲ . ۱۳f
نگین زمانه سر تخت تست	۶۸ . ۵	نگه کن که چندست از	۱۲۴۲ . ۱۳
نگینش نگه کرد و نامش	۱۰۳۳ . ۱۳e	نگه کن که چندین ز کند	۸۴۹ . ۱۲d
نمازش بریم و نثار آوریم	۱۷۴ . ۱۲d	نگه کن که چون او شود	۴۱۸۰ . ۱۵
نماند آن زمان بردرش	۲۳۰ . ۴۲	نگه کن که خسرو بدین	۱۳۱۸ . ۴۳
نماند آن زمان جایگاه	۲۲۰ . ۱۳e	نگه کن که خلعت کراداد	۲۲۹ . ۱۳b
نماند او که بردی بسر نامه	۱۰۴۴ . ۱۵	نگه کن که خون سیاوش که	۱۰۱ . ۱۳c
نماند ایچ باروی خورشید	۱۴۶۴ . ۱۳b	نگه کن که دانای ایران	۱۴۰۹ . ۱۵
نماند ایچ بر نیزه بند	۱۰۷۹ . ۱۲c	نگه کن که دانای پیشین	۳۹۸۷ . ۱۵
نماند ایچ بر نیزه هاشان	۶۳۹ . ۱۳g	نگه کن که در خاک جفت	۵۴۶ . ۱۲e
نماند ایچ در دشت اسپان	۱۷۱ . ۱۲e	نگه کن که در کار ایمن بود	۹۱۸ . ۱۲b
نماند ایچ کس را از ایشان	۳۲۱۱ . ۱۳g	نگه کن که رستم چو باد	۸۷۷ . ۱۳b
نماند این سخن یک زمان	۸۵۵ . ۱۲e	نگه کن که زین بیهده کار	۱۲۹۹ . ۱۲c
نماند بهرام هم تاج و	۹۵۵ . ۴۳	نگه کن که سگزی کنون	۵۹۵ . ۱۳c
نماند بر این بوم و بر خاک	۹۲۶ . ۱۲e	نگه کن که شادان بر زین	۳۴۲۶ . ۴۱
نماند بر این خاک جاوید	۱۲۹ . ۳۸	نگه کن که شهری بزرگ	۳۲۱۵ . ۴۳
نماند بر این خاک جاوید	۱۲ . ۳۸	نگه کن که ضحاک بیداد	۶۰۲ . ۲۱
نماند بر این رزمگه زنده	۱۴۹۴ . ۱۳c	نگه کن که ما از کجا	۱۹۱۶ . ۱۳g
نماند بر بوم نهام و باب	۱۰۳۹ . ۷	نگه کن که مرسام را روز	۵۰ . ۷
نماند بر بوم هندوستان	۲۱۰۲ . ۳۵	نگه کن که هوش تو بردست	۷۲ . ۵
نماند بزابلستان آب و	۳۵۵۶ . ۱۵	نگه کن مرا تا مرا نیز	۷۰۹ . ۱۳
نماند بزرگی بفرزندما	۱۱۵ . ۴۴	نگه کن مرا تا ببینی	۱۰۶۴ . ۱۲c
نماند بفردا از امروز	۱۲۰ . ۳۵	نگه کن یکی شاخ بر تر	۷۶۶ . ۳۵
نماند بفرزند من نیز	۳۵۸ . ۴۴	نگیرد از راه و دین بهی	۲۳۴ . ۱۵
نماند بکس روز بختی	۲۰۳ . ۱۴	نگیرد ترا دست جز نیکو	۴۶۹۸ . ۱۵
نماندت بگیتی فراوان	۱۶۲۲ . ۲۰	نگیرد جز از دست دختر	۹۲۷ . ۳۵

نماند ترا با پدر جنگ	۱۲۵۸ ، ۱۲d	نمانم که آبی تو هر بامداد	۲۳۵۶ ، ۴۳
نماند جز از نام او در	۴۳۲ ، ۲۲	نمانم که بادی بتو برورد	۱۸۴۶ ، ۱۲d
نماند چنین دان جهان	۱۳ ، ۶	نمانم که بادی بتو برورد	۲۸۳۴ ، ۱۵
نماند درود و نماندت	۲۸۱۱ ، ۱۳g	نمانم که باشی تو پیروز	۱۸۹۵ ، ۱۳g
نماند دل سنگ و سندان	۴۱۱ ، ۱۲e	نمانم که بر خاک ما بگذرد	۱۸۹۴ ، ۱۳g
نماند ز تو نام ایدر بیدی	۲۹۶ ، ۱۹	نمانم که بر هم زند نیز چشم	۷۲ ، ۴۰
نماند ز خوبی بگیتی بکس	۲۷۵۷ ، ۱۲d	نمانم که تاشب بمانی ببند	۳۰۵۴ ، ۱۵
نماند ز ناتندرستی جو	۱۴۶۲ ، ۴۱	نمانم که رستم بر آساید	۵۱۳ ، ۱۲e
نماندست با او مرا تاب	۱۷۵ ، ۱۱	نمانم که کس تاج دارد نه	۱۹۷۲ ، ۴۱
نماند کس از ما بدین بوم	۲۲۱۲ ، ۳۵	نمانم که کس تاجداری کند	۹۱۵ ، ۴۳
نماند کس اندر جهان	۲۴۵ ، ۴۴	نمانم که کوه خسرو از بخت	۱۲۲۶ ، ۱۳c
نماند کسی زنده اندر	۱۶۰۶ ، ۱۳	نمانم که ویران بود گوشه	۲۵۳۳ ، ۳۵
نماند که نیکی از او بگذرد	۱۳۵۷ ، ۴۱	نمانم که یا بی زبدها گزند	۱۳۷۱ ، ۱۲d
نماندم بکین تو مانیده	۲۱۲۱ ، ۱۳g	نمانم که یازد بر او شاه	۲۷۵۱ ، ۱۲d
نماندم بگیتی یکی کینه	۱۱۹۶ ، ۶	نمانم که بیکتن بیبچد ز درد	۱۵۷۱ ، ۱۳g
نماندم نمک سود و هیزم	۶۹۸ ، ۳۴	نمانم و را زنده بر پشت	۵۰۲ ، ۸
نماندند يك تن در آن	۷۵۷ ، ۱۲	نمانم همی سایه خوشنواز	۷۶ ، ۳۸
نماند و جهان مردری ماند	۳۷۲ ، ۴۰	نمانم یکی خوبی اندر	۳۴۰ ، ۴۳
نمانده کسی خود بگیتی	۲۸۹۸ ، ۱۳g	نماند اندر سرای سپنج	۱۱۲۷ ، ۱۳
نماند همی این فرستاده	۲۰۶۰ ، ۳۵	نماند بسیار و اندک بجای	۳۰۶ ، ۴۱
نماندمی روز ما بگذرد	۵۱۴ ، ۲۰	نمانی بترکان بدین یال	۱۰۶۹ ، ۱۲c
نماندهمین نیز بر هفتواد	۶۰۶ ، ۲۱	نمانی بخوبی مگر ماه	۳۲۵ ، ۱۲d
نماندی که بودی کسی را	۴۱۱ ، ۲۲	نمانی که آید به ما برگزند	۳۱۴ ، ۱۲d
نماند یکی زان سپه باتو	۴۴۹ ، ۴۳	نمانی که بادی بر او بر جهد	۴۷۷ ، ۵۰
نماند یکی زنده از لشکر	۳۹۱ ، ۱۲c	نمانیم کارام گیرند هیچ	۱۱۲۸ ، ۱۳b
نماند یکی زین سواران	۹۸۹ ، ۱۳g	نمانیم کاین بوم ویران	۳۱۸ ، ۴۱
نمانم بجایویی خوشنواز	۶۰ ، ۳۸	نمانی مگر بر فلک ماه	۸۵۶ ، ۳۵
نمانم بدو بد کنان را بدهر	۹۱۱ ، ۱۳c	نمانی همی جز سیا و خش	۳۰۲۸ ، ۱۵
نمانم بدو کشور و تاج و	۹۵۸ ، ۲۰	نمانی همی در سرای سپنج	۱۹۲۴ ، ۲۰
نمانم جهانرا بفرزند	۶۰ ، ۳۴	نماید که او نامداری بود	۱۴۴ ، ۱۷
		نمایم ترا من گرانمایه	۳۹۲۵ ، ۱۵

نمایم تراهم یکی دستبرد	۴۴۷ ، ۸	نمی ما ندمی زنده از لشکر	۹۶۱ ، ۱۲
نمایم دلم را با فراسیاب	۲۲۶۹ ، ۱۲d	نوا آیین یکی شاه بنشانند	۱۹۰۶ ، ۴۱
نمایم شمارا کنون راه	۴۵۹ ، ۲۲	نوا چون نیا بند جنگ آور	۱۹۲۱ ، ۱۳g
نمایم شمارا یکی مرغزار	۱۹۳۲ ، ۲۰	نوا خواست از گیل و دیلم	۴۰۹ ، ۲۱
نماینده رازهای نهان	۱۱۹۰ ، ۶	نوازش بهر جا بود دستگیر	۲۸۶۱ ، ۱۵
نماینده رنج درویش را	۲۲ ، ۷	نوازش کنون من با فزون	۶۶۱ ، ۲۰
نماینده شب پروزسپید	۴۷۶ ، ۶	نوا زنده بلبل بباغ اندرون	۳۳ ، ۱۲
نمایم اورا، که فرمان	۱۳۹۳ ، ۱۲e	نوا زنده رود بامی گسار	۲۰۲۳ ، ۱۲d
نمایم مراجای دیوسپید	۶۰۶ ، ۱۲	نوا زنده رود بامی گسار	۷۴۹ ، ۱۳e
نمایم و پیدا کنی راستی	۶۰۸ ، ۱۲	نوا زنده شاهی که از مهر تو	۲۰۸۵ ، ۳۵
نمد زین بزیر تن خسته	۲۳۸۰ ، ۱۳f	نوا زنده مردم خویش باش	۱۳۹۴ ، ۴۳
نمد زین بگستر دو بالین	۲۰۱ ، ۳۵	نوا زیدن شاه بشتودازو	۱۰۹۰ ، ۱۳f
نمرد آنکه او نیک کردار	۴۱۰۶ ، ۴۱	نوا زیدن شاه و پیوند او	۱۰۸۷ ، ۱۳f
نمک بر پرا کند، ببرد	۲۹۰۹ ، ۱۵	نوا زیدن شهریار جهان	۱۶۴۴ ، ۷
نمک خورده هر گوشت	۴۴۶ ، ۵۰	نوا زید و مالید وزین بر	۲۲۳ ، ۱۲c
نمود آن چنان کاسب و مرد	۸۶۸ ، ۴۲	نواگر فرستی بنزدیک	۱۱۴۵ ، ۱۲d ^e
نمود آن نشانی که اندر	۷۷۲ ، ۱۳	نوا اندر آمد با تشکده	۵۱۰ ، ۴۱
نمودار گفتار من بسم	۳۷۲ ، ۱۹	نوا ن پیش آتش نیایش	۲۴۲۹ ، ۴۱
نمودش هنرهای نیکو	۵۳۰ ، ۴۲	نوا ن گشت بوژن ز زخم	۱۰۴۹ ، ۱۳
نمودم بر ارژنگک یک	۲۱۵ ، ۱۳b	نوا ن و برهنه تن و پای و	۱۱۴۱ ، ۲۰
نمودم بدو هر چه در خوا-	۲۹ ، ۳۴	نواها که از شهرها یاد	۱۷۶۶ ، ۱۳g
نمودم زهر سو بچشم اهر من	۷ ، ۱۳e	نود بار و صد بار کرده	۸۷ ، ۳۵
نمودم همینست آن جادو	۵۸۱ ، ۴۴	نوشتش یکی نامه استوار	۹۱۸ ، ۱۵
نمودند گردان سراسر	۱۸ ، ۴۴	نوشتم بهر کشوری نامه ای	۲۳۰ ، ۴۱
نمودی بمن پشت همچون	۹۹۱ ، ۱۲e	نوشتم سخن چند بر پهلوی	۲۴۸۳ ، ۴۱
نمودی همی این بدان آن	۲۰۰۱ ، ۱۳g	نوشتم من این نامه دوست	۱۶۱ ، ۱۵
نمولیم تا نزد خسر و شوند	۵۴۸ ، ۱۳b	نوشتم یکی نامه نزدیک	۲۸۹ ، ۲۰
نمی دید بر چاره جستن	۴۱۵ ، ۱۲	نوشتند پاسخ که از داد	۲۵۸۰ ، ۳۵
نمیرد کسی کور و آن پرورد	۱۴۴۷ ، ۲۰	نوشتند پاسخ که از کرد	۱۸۳۹ ، ۱۳g
نمیرم از این پس که من زنده	۹۶۱ ، ۵۰	نوشتند پس پاسخ نامه زود	۴۲۲۴ ، ۴۱
		نوشتند عهده بر این	۳۰۳۷ ، ۱۳g

نوشتند عهدی و گشتند	۲۹۴ ، ۱۹	نوندی برافکند نزدیک *	۴۷۷ ، ۸
نوشتند کز روم صدمایه	۳۷۷۰ ، ۴۱	نویدی برافکند نزدیک *	۱۶۳۹ ، ۷
نوشتند منشور بر پرریان	۱۷۱۲ ، ۱۲d	نویدی برافکند هم در	۱۰۴۰ ، ۱۳g
نوشتند نامه بار جاسپ	۲۴۲ ، ۱۵	نویدی برافکند هنگام	۶۹۷ ، ۱۲d
نوشتند نامه بمشک و عبیر	۷۱۲ ، ۱۲d	نویدی به رسو برافکند	۱۲۳۶ ، ۱۲e
نوشتند نامه بهر کشوری	۱۸۲۵ ، ۱۳g	نویدی پیامد ز کار آگهان	۱۵۳۹ ، ۳۵
نوشتند نامه بهر کشوری	۲۴۴۹ ، ۴۱	نویدی پیامد ز هر سودوان	۱۵۱۳ ، ۱۳f
نوشتند نامه بهر مهتری	۴۷۰ ، ۱۴	نویدی جها ندیده شایسته	۱۰۴۳ ، ۱۳g
نوشت و نهاد از برش مهر	۱۹۱۳ ، ۴۲	نویدی دل اور بکردار باد	۱۴۵۵ ، ۷
نوشته ببايد همی آن	۳۷۲۵ ، ۴۳	نویدی ز گفتار کار آگهان	۶۰۷ ، ۴۱
نوشته بدستار چیزی که	۱۰۲۱ ، ۱۳e	نویدی کجا باد بانث نو	۱۱۶۷ ، ۱۲e
نوشته بر او نام شاه جهان	۲۹۶۳ ، ۱۳g	نوید بنامه درون نام	۵۴۶ ، ۴۲
نوشته بر این برگوای	۱۴۳۷ ، ۴۳	نوید یکی نامه زی شهر-	۱۱۳۱ ، ۴۲
نوشته بیاورد موبد	۳۷۲۷ ، ۴۳	نوید نامه بشاه جهان	۱۳۱۰ ، ۴۲
نوشته بیاورد و بنهاد پیش	۲۹۱۱ ، ۶	نوید آهنگ قرطاس	۱۸۲۴ ، ۱۳g
نوشته چنین بودمان از	۶۸۳ ، ۶	نوید از کلک چون	۴۵ ، ۲۰
نوشته در آن نامه شهریار	۲۶۸ ، ۱۵	نوید از کلک چون	۳۵۴۵ ، ۴۱
نوشته در آنچه پیش آمد	۲۴۲۱ ، ۱۵	نوید ای خواست از	۴۵۶ ، ۴
نوشته زمشک و زعنبر د بیر	۳۰۱۴ ، ۱۳g	نوید ای خواند بر پشت	۱۵۱۶ ، ۱۲e
نوشته سراسر بخط منست	۱۴۳۴ ، ۴۳	نوید ای خواند و پاسخ	۴۷۵ ، ۴۱
نوشته مگر بر سر دیگر	۷۱۰ ، ۱۳f	نوید بنهاد پس خامه	۵۲۰ ، ۳۰
نوشته نگردد به پرهیز	۲۲۷۹ ، ۱۳f	نوید را پیش بنشانند	۱۲۳۵ ، ۷
نوشته یکی عهد شاهنشهان	۵۳ ، ۳۸	نوید را خواند و پاسخ	۲۲۶۵ ، ۳۵
نوشتی عرض نام و دیوان	۳۰۲ ، ۲۲	نوید پر دخته شد ز	۱۰۲۳ ، ۱۳c
نوند اسپار بوی اسپان	۲۳۰۲ ، ۱۳f	نوید چون خامه بیکار	۲۲۰۲ ، ۴۱
نویدی برافکند پس دیده	۱۵۰۹ ، ۱۳f	نوید گفت این نه کار	۱۰۲۷ ، ۴۱
نویدی برافکند پویان	۳۰ ، ۴۵	نوید گفتی که گنج	۳۲۳ ، ۲۲

(*) ستاره در سطر اول بجای « زال » و در سطر دوم بجای « سام »

آمده است .

نه آورده که دید و نه جای	۳۲۹ ، ۱۳۴	نویسنده نامه را پیش خواند	۱۰۵۴ ، ۱۲d
نه آیین پرما یه دهقان بود	۲۱۶۱ ، ۴۳	نویسنده نامه را پیش خواند	۶۲۹ ، ۱۳e
نه آیین شاهان بود تا ختن	۱۹۲۹ ، ۳۵	نویسنده نامه را پیش خواند	۴۲ ، ۱۳۴
نه آیین شاهان بود زین	۲۳۷ ، ۴۳	نویسنده نامه را پیش خواند	۹۸۶ ، ۱۳۴
نهاد آنچه بودش بدژ در	۱۰۶۳ ، ۴۲	نویسنده نامه را پیش خواند	۷۸ ، ۲۰
نهاد آن خط خسرو اندر	۳۱۲۳ ، ۴۲	نویسنده نامه را پیش خواند	۲۱۸۸ ، ۴۱
نهاد آن سرخسته را بر	۲۷۵۹ ، ۴۳	نویسنده نامه را پیش خواند	۱۱۶۲ ، ۱۵
نهاد آن سرش پست بر خاک	۱۸ ، ۶	نویسنده نامه را خواندند	۷۳ ، ۴
نهاد آن گرانمایه را در	۶۳۱ ، ۶	نویسنده نامه را خواندند	۲۸۲ ، ۲۰
نهاد از بر پیل پیروزه مهد	۱۲۴ ، ۱۳b	نویسنده نامه را خواندند	۹۴۴ ، ۱۳۴
نهاد ازین تخت ضحاک	۳۷۰ ، ۵	نویسنده نامه را داد و	۶۷ ، ۳۹
نهاد از بران بندوی سر	۷۵۰ ، ۴۳	نویسنده نامه را گفت	۴۹ ، ۴۴
نهاد از بر رخسار خشنده	۱۰۴۴ ، ۱۲c	نویسنده نامه ای بر پرند	۳۴۴ ، ۲۰
نهاد از برش کاسه شیر	۷۶۳ ، ۳۵	نه آباد بوم و نه پرورد-	۱۴۱۹ ، ۱۳
نهاد از بر نامه بر مهر	۷۴۰ ، ۱۲d	نه آتش پرستندونی آفتاب	۴۶۲۹ ، ۴۱
نهاد از بر نامه مهری چو	۵۴۵ ، ۱۲c	نه آخر تو مردی جهان ندیده	۹۹۴ ، ۱۲d
نهاد از میان گوان پیش	۸۷ ، ۱۳e	نه آرام بادا شمارا نه خوا-	۱۱۹ ، ۱۳g
نهاد اندر آن مرز آتشکده	۲۰۶ ، ۴۰	نه آرام بودش نه خواب و	۱۱۴ ، ۵
نهاد اندرو بجه اهرمن	۴۳۶ ، ۱۲d	نه آرام سازم بدین کین نه	۳۰۹ ، ۱۳
نهاد اندرو تختهای گران	۲۴۴۸ ، ۱۳۴	نه آزار دارم ز کار سپه	۲۵۹۱ ، ۱۳g
نهاد او بن نیزه را بر زمین	۳۶۳۳ ، ۱۵	نه آسانی دید بی رنج	۸۵۴ ، ۴۱
نهاد دست بر قیصران باز	۱۸۸۲ ، ۴۱	نه آسیمه گشت و نه پرسید	۴۱۸ ، ۵
نهادش بتا بوت ذرا اندرون	۴۱۷ ، ۱۹	نه آن تخمه را کردیزدان	۱۸۰۹ ، ۴۲
نهادش بر آن دژ دری	۵۰۷ ، ۲۱	نه آن خستگانرا ببالین	۱۴۲۶ ، ۱۳
نهادش بصدوق در نرم نرم	۲۹ ، ۱۷	نه آن زین، نه این زان بود	۵۵۹ ، ۲۲
نهادم بر این نامه بر مهر	۱۴۳۵ ، ۴۳	نه آن کز پی سودمندی بود	۴۱۲۸ ، ۴۱
نهادم ترا نام دستان زند	۱۷۶ ، ۷	نه آن کس که این کردماند	۵۹ ، ۴۳
نهادن چه باید بخوردن	۲۹۰۳ ، ۱۲d	نه آن ماندای پیردانا نه	۳۳۰۴ ، ۴۱
نهادند آورد گاهی بزرگ	۱۶۶۴ ، ۱۳b	نه آنی که دیواز تو گریان	۳۷۶۴ ، ۱۵
نهادند آورد گاهی بزرگ	۶۳۶ ، ۱۳g	نه آوای مرغونه هر ای	۱۳ ، ۱۳e

نهادند بر نامه بر مهر شاه	۲۱۳۹ ، ۴۳	نهادند انگشت بر چشم	۲۷۹۰ ، ۱۲d
نهادند بر نامه بر مهر شاه	۳۵۱۴ ، ۴۳	نهادند بر پای بندوی بند	۸۳۴ ، ۴۳
نهادند بر نامه ها بر نکین	۵۱ ، ۳۵	نهادند بر پشت آن نامه	۲۰۰۷ ، ۱۲d
نهادند بر نامه ها مهر او	۱۷۳۴ ، ۴۳	نهادند بر پشت شان تخت	۱۴۴ ، ۱۳f
نهادند بر نامه مهری ز	۸۸۴ ، ۱۳g	نهادند بر پشت شبرنگ	۱۸۲ ، ۱۳e
نهادند بهرام را تخت عاج	۵۱۹ ، ۳۴	نهادند بر پیشکه تخت عاج	۱۹ ، ۴۳
نهادند پس تخت شطرنج	۲۷۴۷ ، ۴۱	نهادند بر تخت زر شاه را	۳۷۶ ، ۴۰
نهادند پس داغ بر چشم	۱۹۸۳ ، ۴۲	نهادند بر تخت و گشتند	۱۱۲۱ ، ۱۳
نهادند پس گیور را با گروی	۱۸۳۰ ، ۱۳f	نهادند بر ترک و بهرام	۸۵۳ ، ۴۲
نهادند پس مهر قیصر	۵۲۱ ، ۳۰	نهادند بر چشم روشنش داغ	۹۰ ، ۴۳
نهادند پیش سرافراز شاه	۲۲۱ ، ۱۳	نهادند بردشت هیزم دو	۵۲۵ ، ۱۲d
نهادند پیمان دو جنگی	۳۶۶۳ ، ۱۵	نهادند بر دشمنان باز	۳۴۳۲ ، ۴۳
نهادند پیمان که از هر دو	۶۳۰ ، ۱۳g	نهادند بر دشمنان تیغ کین	۸۹ ، ۱۲b
نهادند پیمان که با ترجمان	۷۷۲ ، ۱۳f	نهادند بر روم بر بازوساو	۱۸ ، ۴۱
نهادند خوان پیش یزدان	۹۶ ، ۴۲	نهادند بر طرف آورد گاه	۲۰۴۶ ، ۱۲d
نهادند خوان خورشهای	۱۷۵۵ ، ۱۵	نهادند بر عهد بر مهر زر	۲۹۹۶ ، ۱۳g
نهادند خوان کرد باغ	۱۴۹۷ ، ۴۲	نهادند بر کوه و گشتند	۸۸ ، ۷
نهادند خوان و بخندید شاه	۱۵۹۴ ، ۱۳c	نهادند بر کوهه پیل تخت	۳۵۱ ، ۱۳
نهادند خوان و خورش	۲۲۷ ، ۱۳e	نهادند بر کوهه پیل زین	۳۰۸۱ ، ۴۱
نهادند خوان و گرفتند	۱۰۹۰ ، ۷	نهادند بر گردنش پالهنک	۲۴۹۴ ، ۱۲d
نهادند خوان و می چند	۳۰۲۲ ، ۴۳	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۴۸۷ ، ۶
نهادند در پیش تختی ز عاج	۱۳۳۹ ، ۱۳b	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۱۰۸۱ ، ۱۲d
نهادند در کاخ زرین دو	۲۰۲۲ ، ۱۲d	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۱۴۷۴ ، ۱۳
نهادند در گلشن سور	۲۱۷۴ ، ۴۳	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۱۳۳۳ ، ۱۳c
نهادند دینار و گوهرش	۶۴۱ ، ۷	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۱۸۵۵ ، ۱۳g
نهادند درخسوی بوزر جمهر	۱۱۸۶ ، ۴۱	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۱۲۷۱ ، ۳۵
نهادند زرین یکی پیشگاه	۲۳۴ ، ۵۰	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۲۵۹۸ ، ۳۵
نهادند زرین یکی زیر گاه	۱۵۱۷ ، ۴۲	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۴۶۹ ، ۴۱
نهادند زیر اندرش تخت	۱۲۵۴ ، ۶	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۸۸۷ ، ۴۱
نهادند زیر اندرش تخت	۸۰۳ ، ۱۲	نهادند بر نامه بر مهر شاه	۲۰۸۲ ، ۴۱

نهاده بدست چپ و دست	۴۵۹۳ ، ۴۱	نهادند زیر اندرش تخت	۶۹ ، ۱۲d
نهاده بدو نامه زند و	۵۱۱ ، ۴۱	نهادند زیر اندرش تخت	۱۱۱۸ ، ۱۳
نهاده بر اسپان نکونسار	۱۹۱۸ ، ۲۰	نهادند زیر اندرش تخت	۲۵۰۴ ، ۱۳g
نهاده بر چشمه زرین دو	۱۵۶۹ ، ۲۰	نهادند زیر خردمند مرد	۱۱۶۰ ، ۱۳g
نهاده بر بر کفائی کلاه	۸۴۶ ، ۱۵	نهادند زیر بر سمند چمان	۱۰۲۹ ، ۱۳b
نهاده بر صندوق در حقه ای	۲۰۶ ، ۴۲	نهادند سر پیش او بر زمین	۲۰۷ ، ۱۳
نهاده بطاق اندرون تخت	۱۴۸۱ ، ۴۲	نهادند سر پیش او بر زمین	۲۰۰۵ ، ۴۱
نهاده بقراطس بر مهر زر	۳۰۳۸ ، ۱۳g	نهادند سر سوی آتشکده	۱۱۳۵ ، ۱۵
نهاده بکوت و بیهرام چشم	۱۸۲۰ ، ۴۳	نهادند سر سوی افراسیاب	۱۸۴ ، ۱۰
نهاده زهر چیز گنجی	۱۰۳۶ ، ۶	نهادند سر سوی افراسیاب	۴۲۴ ، ۱۲e
نهاده سر ایرج اندر کنار	۵۹۲ ، ۶	نهادند سر سوی خرم بهار	۱۹۰۷ ، ۱۲d
نهاده شد اندر یک ایوان	۳۰۲۲ ، ۴۱	نهادند سر سوی شاه جهان	۵۵۶ ، ۱۲e
نهاده مر آن گرز بریال	۱۲۶۰ ، ۱۳b	نهادند سر سوی هاماوران	۳۵۵ ، ۱۲b
نهاده همان درج در پیش	۳۷۰۴ ، ۴۱	نهادند سر یکسره بر زمین	۱۳۳۹ ، ۱۲e
نهاده همه چشم بر چهر	۲۸۹۴ ، ۱۳g	نهادند سوی فرامر زروی	۵۲ ، ۱۳
نهادی بر آن سیم نام خراج	۲۵۶۶ ، ۳۵	نهادند شطرنج نزدیک	۲۷۳۹ ، ۴۱
نهادی بر او دست را آزمون	۲۱۰ ، ۱۲c	نهادند شمع و بر آمد بتخت	۷۷۱ ، ۱۲d
نهادی کلاه کیی بر سرش	۶۵۵ ، ۳۴	نهادند صندوق بر پشت	۱۵۵ ، ۱۳g
نهادیم بر جای شطرنج نرد	۲۸۲۸ ، ۴۱	نهادند کافور و مشک و	۱۳۴۲ ، ۳۵
نهادیم بر سر ترا تاج زر	۳۹۳۷ ، ۴۱	نهادند مهر پهلوان را بگاہ	۲۴۴۹ ، ۱۳f
نهادیم روی زمین را خراج	۱۲۱ ، ۴۱	نهادند مهد از بر پنج پیل	۲۷۵ ، ۱۱
نهادی یکی گنج خسرو	۳۳۳۱ ، ۴۳	نهادند مهر از بر مشک چین	۲۳۰۸ ، ۴۱
نهاد جاسپ مانم نه آياس	۱۴۴۳ ، ۱۵	نهادند مهر سکندر بروی	۵۲۳ ، ۲۰
نهاد زیدایران بویک مهره	۱۶۱۳ ، ۴۲	نهادند مهر جای چون کوه	۱۱۴۴ ، ۱۲
نهاد زنگ مانم نه دیو	۳۲۳۸ ، ۱۵	نهادند هر دو بخوردن	۲۵۳ ، ۱۳e
نهاد زنگ مانم نه دیو سپید	۳۶۰ ، ۱۲	نهادند همواره سر بر	۳۳۹۵ ، ۴۳
نهاد بهر پیغام افراسیاب	۵۷۵ ، ۱۳g	نهادند همیزم دو کوه بلند	۵۱۹ ، ۱۲d
نهاد از بوم رفتن نه از گفت و	۴۴۵ ، ۸	نهادند یک خانه خوانهای	۸۵۱ ، ۲۰
نهاد پادشاهی نیازست دین	۵۵۷ ، ۲۲	نهادند یکسره همه پیش	۲۷۲۴ ، ۴۱
نهاد از پاك یزدان نکو هوش	۴۴۸ ، ۴۲	نهادند بخیمه درون تخت زر	۲۲۷ ، ۱۳g

نهالی همه خاک دارند و	۴۵۷ ، ۲۲	نه از پشت من رفت يك قطره	۸۳۰ ، ۴۱
نه امید عقبی نه دنیا بدست	۲۶۶۰ ، ۳۵	نه از تخت یاد و نه جان	۴۹۰ ، ۵
نهان آشکارا بگرد این	۱۱۷ ، ۴۴	نه از تخم ایرج زمین پاک	۱۴۹ ، ۱۱
نهان از سپه باز بهرام تفت	۱۷۲ ، ۳۵	نه از تخمه و یسه ماند کسی	۲۱۳۸ ، ۱۳۴
نهان اورمزد از میان گروه	۲۵۰ ، ۲۲	نه از تخمه یزدگردم نه	۲۰۶۶ ، ۳۵
نهان بود چند از دم اژدها	۲۱۷ ، ۴	نه از دشمنی آمدستم برنج	۲۲۴۴ ، ۱۲d
نهان تن و جان من پیش	۴۲۹۵ ، ۱۵	نه از دشمنی بدنه از رنج	۱۶۱۷ ، ۳۵
نهان تو را کرد کار جهان	۱۰۶۳ ، ۴۱	نه از دشمنی دور دارم	۱۹۰ ، ۷
نهان داشت دارنده کار	۲۰۰۷ ، ۴۳	نه از دل بر او خواندند	۹۴۶ ، ۴۳
نهان داشت کاووس با کس	۴۶۱ ، ۱۲d	نه از ریختن زان دوان کم	۱۸۷ ، ۲۰
نهان داشتم چند از شهر یار	۲۷۵ ، ۲۲	نه از شهر توران سران	۱۶۰۷ ، ۱۳۴
نه اندر زمین کس چو فرزند	۱۷۰ ، ۱۲d	نه از فر تو کشته شد فورهند	۹۱۱ ، ۲۰
نه اندر شکاری که گور	۲۵۸۶ ، ۱۲d	نه از کاهلی بدنه از بددلی	۲۰۰۵ ، ۴۳
نه اندر هوا باشد اورا	۱۹۰ ، ۱۳c	نه از گردش آرام گیرد	۷۷ ، E
نهان دل آن دو مرد پلید	۷۲۳ ، ۶	نه از لشکر ما کسی کم	۱۰۶۹ ، ۱۳c
نهان دل خویش پیدا نکرد	۲۰۲ ، ۱۲d	نه از من پسندد جهان آفرین	۹۴ ، ۱۲
نه اندیشه در دل نه در سر	۱۶۰ ، ۲۰	نه از من که نرا زده دادیده	۵۸۹ ، ۱۴
نهان شاه در خانه آسیا	۵۳۵ ، ۵۰	نه از يك سوارست چندین	۹۱۵ ، ۱۲e
نهان شد بگرد اندرون	۱۸۶۰ ، ۴۱	نه اسب و سلیح و نه پا و نه	۲۱۷۸ ، ۱۳۴
نهانش نوا کرد و کس را	۲۱ ، ۶	نه اسب و نه جوشن نه تیغ و	۱۲۵۰ ، ۲۰
نهانش همی داشت تا هفت	۷۶ ، ۲۲	نه اسب و نه گنج و نه تاج و	۵۶۰ ، ۱۲e
نهانش همی کرد خواهم	۲۲۰۵ ، ۳۵	نه استاد کس پیش رو در	۷۲۵ ، ۱۲
نهانش همین آشکارا کتون	۲۲۸۳ ، ۱۲d	نه استاد کس آن پهلوی شاه	۴۰۲ ، ۱۵
نهان کرد از روی و	۱۰۰۶ ، ۱۲c	نه افسر نه دبای رومی	۹۶۸ ، ۴۱
نهان کرد ز ترا و او خود	۴۳۷ ، ۱۲d	نه افکنده هست و نه	۱۱۶۴ ، ۳۵
نهان کرد کیس و بزرزه	۳۱۶ ، ۱۲c	نه الیاس مانم نه با او سپاه	۷۱۱ ، ۱۴
نهان کرده دینار فرشید	۱۲۶۸ ، ۳۵	نهالی بدوزخ فرستاده ای	۱۲۶۳ ، ۱۳g
نهان گشت آیین فرزانشگان	۳ ، ۵	نهالی بپفکند و بالشی	۹۸۰ ، ۳۵
نهان گشت و گیتی بر او شد	۲۱۲ ، ۴	نهالش از خاک و بالینش	۱۶۷۵ ، ۱۳۴
نهان میکند درد و خونین	۴۶۸ ، ۱۲c	نهالیش در زبردیبای زر	۹۵ ، ۴۴

نهان نیست کردار او در	۲۵۲۲ . ۴۳	نهان نیست کردار او در	۱۶۶۷ . ۱۲c
نهانی از آن پهلوان بلند	۱۰۳۷ . ۱۲e	نهانی از آن پهلوان بلند	۱۲۷۱ . ۱۳c
نهانی بیالیزبان گفت	۳۱۰ . ۳۰	نهانی بیالیزبان گفت	۸۵۰ . ۱۴
نهانی بترزاشکارا شود	۱۳۰ . ۵۰	نهانی بترزاشکارا شود	۴۵۷ . ۴۴
نهانی بدل کینه دارد بما	۲۶۳۹ . ۱۵	نهانی بدل کینه دارد بما	۲۲۵۰ . ۱۳g
نهانی بدوداد دادن بروی	۱۵۸ . ۴۱	نهانی بدوداد دادن بروی	۱۸۷۷ . ۴۳
نهانی بدوداد فرزند را	۱۴ . ۱۷	نهانی بدوداد فرزند را	۲۸۰۹ . ۴۳
نهانی بدو کار کردن بروی	۴۷۷ . ۱۹	نهانی بدو کار کردن بروی	۲۰۹۹ . ۲۰
نهانی بدو گفت مهتر	۲۴ . ۴۶	نهانی بدو گفت مهتر	۲۵۸ . ۳۴
نهانی بدیشان نمودم بدی	۴۴۳ . ۳۵	نهانی بدیشان نمودم بدی	۶۶ . ۳۸
نهانی بسازیم بهتر بود	۳۵۸ . ۱۲c	نهانی بسازیم بهتر بود	۳۶۴۰ . ۴۱
نهانی بگفتش بگوش	۳۳۳۶ . ۴۳	نهانی بگفتش بگوش	۳۹۰ . ۱۳c
نهانی بگفتند بسیار چیز	۱۵۰۴ . ۴۲	نهانی بگفتند بسیار چیز	۷۹۸ . ۱۳c
نهانی بیک جای گرد آمد	۵۰ . ۴۶	نهانی بیک جای گرد آمد	۲۶۰۸ . ۴۳
نهانی پسر زاد و با کس نه	۱۲ . ۱۷	نهانی پسر زاد و با کس نه	۱۰۳۱ . ۲۰
نهانی چرا داشتی از من این	۱۸۷ . ۱۲c	نهانی چرا داشتی از من این	۶۱۴ . ۱۳c
نهانی چرا گفت باید سخن	۱۰۳۰ . ۱۲d	نهانی چرا گفت باید سخن	۲۳۳۱ . ۳۵
نهانی روانش پر از درد	۱۴۷۰ . ۱۳f	نهانی روانش پر از درد	۱۸۶۰ . ۱۵
نهانی ز سودابه چاره گر	۲۷۵ . ۱۲d	نهانی ز سودابه چاره گر	۲۴۷۸ . ۱۲d
نهانی زمن سوی ایران	۲۳۵۵ . ۳۵	نهانی زمن سوی ایران	۲۵۳۹ . ۴۱
نهانی سخن کردشان خوا-	۸۱۰ . ۵	نهانی سخن کردشان خوا-	۷۳۳ . ۴۱
نهانی که دارد که گوید	۲۵۸۸ . ۱۳g	نهانی که دارد که گوید	۲۴۷۷ . ۱۳f
نهانی مرا خاک توران	۲۴۰۹ . ۱۲d	نهانی مرا خاک توران	۷۷۰ . ۱۳f
نهانی همی بود با تاب و	۸۳۴ . ۱۳b	نهانی همی بود با تاب و	۱۲۱ . ۳۹
نهانی ندانم ترا دوست	۵۵۳ . ۵	نهانی ندانم ترا دوست	۱۲۱۱ . ۱۳
نهانی یکی مرد را خواند	۱۸۲۰ . ۴۲	نهانی یکی مرد را خواند	۱۲۶۳ . ۱۳c
نه او در جهان نامدار	۲۶۵۶ . ۱۵	نه او در جهان نامدار	۱۱۲۴ . ۱۲
نه او دست یابد بدین گنج	۱۰۵۲ . ۲۰	نه او دست یابد بدین گنج	۱۹۳۱ . ۱۵
نه او کشته آید بچنگ و نه	۸۲۳ . ۱۲d	نه او کشته آید بچنگ و نه	۲۷۳۵ . ۱۳g
نه ایدر پینکار و چنگ	۶۸۸ . ۱۳b	نه ایدر پینکار و چنگ	۷۴۱ . ۴۲
نه این بود پیمان با مادر	۲۰۹۹ . ۲۰	نه این بود پیمان با مادر	۲۰۹۹ . ۲۰
نه این باشد آیین آزادگان	۱۸۷۷ . ۴۳	نه این باشد آیین آزادگان	۱۸۷۷ . ۴۳
نه این بود از آن رنج	۲۸۰۹ . ۴۳	نه این بود از آن رنج	۲۸۰۹ . ۴۳
نه این بود چشم امیدم	۲۵۸ . ۳۴	نه این بود چشم امیدم	۲۵۸ . ۳۴
نه این بود رسم نیاگان تو	۶۶ . ۳۸	نه این بود رسم نیاگان تو	۶۶ . ۳۸
نه این پای دارد بگردش	۳۶۴۰ . ۴۱	نه این پای دارد بگردش	۳۶۴۰ . ۴۱
نه این ژنده پیلان آراسته	۳۹۰ . ۱۳c	نه این ژنده پیلان آراسته	۳۹۰ . ۱۳c
نه با آنت مهر و نه با اینت	۷۹۸ . ۱۳c	نه با آنت مهر و نه با اینت	۷۹۸ . ۱۳c
نه با آتش مهر و با اینش	۲۶۰۸ . ۴۳	نه با آتش مهر و با اینش	۲۶۰۸ . ۴۳
نه با پاک فرزند تو بد کنم	۱۰۳۱ . ۲۰	نه با پاک فرزند تو بد کنم	۱۰۳۱ . ۲۰
نه با چنگ او کوه را جای	۶۱۴ . ۱۳c	نه با چنگ او کوه را جای	۶۱۴ . ۱۳c
نه بازارگان ماند ایدر	۲۳۳۱ . ۳۵	نه بازارگان ماند ایدر	۲۳۳۱ . ۳۵
نه بازخم تو پای دارد نهنگ	۱۸۶۰ . ۱۵	نه بازخم تو پای دارد نهنگ	۱۸۶۰ . ۱۵
نه باز بست این خون من	۲۴۷۸ . ۱۲d	نه باز بست این خون من	۲۴۷۸ . ۱۲d
نه بخشایس آرد بکس بر	۲۵۳۹ . ۴۱	نه بخشایس آرد بکس بر	۲۵۳۹ . ۴۱
نه بخشایس آرد بهنگام	۷۳۳ . ۴۱	نه بخشایس آرد بهنگام	۷۳۳ . ۴۱
نه بر آرزو رزم خواه	۲۴۷۷ . ۱۳f	نه بر آرزو رزم خواه	۲۴۷۷ . ۱۳f
نه بر آسمان کرگسان را	۷۷۰ . ۱۳f	نه بر آسمان کرگسان را	۷۷۰ . ۱۳f
نه بر باد شد کشته پیروز	۱۲۱ . ۳۹	نه بر باد شد کشته پیروز	۱۲۱ . ۳۹
نه بر بی گنه کشته آمد	۱۲۱۱ . ۱۳	نه بر بی گنه کشته آمد	۱۲۱۱ . ۱۳
نه بر تابد آهنگ او ژنده	۱۲۶۳ . ۱۳c	نه بر تابد آهنگ او ژنده	۱۲۶۳ . ۱۳c
نه بر خاست از جای سنگ	۱۱۲۴ . ۱۲	نه بر خاست از جای سنگ	۱۱۲۴ . ۱۲
نه بر خاک او شیر یابد گنر	۱۹۳۱ . ۱۵	نه بر خاک او شیر یابد گنر	۱۹۳۱ . ۱۵
نه بردارد از پیش سالار	۲۷۳۵ . ۱۳g	نه بردارد از پیش سالار	۲۷۳۵ . ۱۳g
نه بردارد از جای گنج مرا	۷۴۱ . ۴۲	نه بردارد از جای گنج مرا	۷۴۱ . ۴۲

نه تو مغز داری نه رای و	۹۳۵ ، ۱۳	نه بر رای و راه مسیحا بود	۸۶۲ ، ۴۱
نه تیرو نه نیزه گذار آید	۸۴ ، ۱۰	نه بر شخ و ریکش بروید	۱۹۳۲ ، ۱۵
نه تیزی نه سستی بکار	۵۵ ، ۲۴	نه برگشت از ایشان بد	۱۲۶۷ ، ۱۳g
نه جامه است مارانه بوم	۴۹۱ ، ۳۵	نه برگرد از جای گرزش	۱۵۷۱ ، ۱۳b
نه جای درختی چنان سایه	۱۴۰۱ ، ۱۵	نه بس اینکه سروسهی را	۲۷۰۲ ، ۱۲d
نه جای درنگ و نه راه	۱۹۷۹ ، ۴۳	نه بس دیر شاهی بخسرو	۱۳۲۷ ، ۴۳
نه جای گذردید از ایشان	۳۵۷ ، ۲۰	نه بنوشتنی بد نه بنمودنی	۲۷۴ ، ۱۵
نه جشن و نه رامش نه گوهر	۱۳۸ ، ۵۰	نه بی تخت شاهی بود دین	۵۵۵ ، ۲۲
نه چنگ پلنگ و نه خرطوم	۳۴۵ ، ۱۳c	نه بی رای او گردد این	۶۳۸ ، ۱۲e
نه چنگی سواری نه بخشنده	۴۹۳ ، ۴۳	نه بیرون توانست کردن	۱۷۹۵ ، ۱۵
نه جهن و برادر نه بوم و	۱۳۷۰ ، ۱۳g	نه بیگانه از بخت و افسر	۱۶۸۸ ، ۴۲
نه چندان که یا بدنکوهش	۱۱۱۰ ، ۴۱	نه بتک و نه آهن، نه سنگ	۲۰۱ ، ۱۴
نه چندان که چشمش کلاغ	۳۵۳ ، ۳۵	نه پر خاش بهرام یک باره	۱۴۶ ، ۴۴
نه چون تو سوار و نه چون	۳۴۲۳ ، ۴۳	نه پندم پذیرد نه گوید سخن	۱۴۷۴ ، ۴۳
نه چون تو کسی در جهان	۲۲۱۷ ، ۱۳g	نه پیداست رازش در این	۴۵۹ ، ۱۲d
نه چون من بود خوار و	۲۶۵۹ ، ۳۵	نه پیر و جوان ماندایدر نه	۳۰۶ ، ۱۳c
نه چیز و نه دانش نه رای	۱۹ ، ۳۰	نه پیلست و نه گشته باشیر	۳۶۷ ، ۱۳c
نه خاکست پیدا نه دریا نه	۸۴۵ ، ۴۲	نه پیمانت آن بد بنامه درو	۱۸۷۶ ، ۴۳
نه خان و نه مان و نه بوم و	۳۲۰ ، ۴۳	نه پیوند با آن نه با این	۶۶۵ ، ۵۰
نه خسرو پرست و نه یزدان	۵۹۱ ، ۲۲	نه پیوند و فرزند و تخت	۳۲۰ ، ۱۹
نه خسرو پرستی نه یزدان	۲۷۶۳ ، ۴۳	نه تابوت یا بم نه گورو کفن	۲۴۱۳ ، ۱۲d
نه خسرو شناس و نه یزدان	۱۲۳۳ ، ۳۵	نه تاج کیی خواهم اکنون	۵۲۳ ، ۶
نه خسرو نژادی نه والاسر	۱۴۴۱ ، ۱۲e	نه تاج و نه تخت و نه پرده	۱۴۱۸ ، ۱۳
نه خشنوشوم زو بتخت و	۱۲۳ ، ۱۳	نه تازی چنین کرد و نه	۲۳۸ ، ۴۳
نه خواب آمد او را نه	۲۰۹۴ ، ۴۳	نه تخت و نه تاج و نه زرینه	۱۲۲ ، ۵۰
نه خوب آمدی باد و فرزند	۷۳۷ ، ۶	نه تخت و نه دیهیم بینی نه	۱۱۹ ، ۵۰
نه خوب آیدای پهلوان از	۲۲۲۷ ، ۱۳۴	نه توران بمانم نه افراسیاب	۵۴ ، ۱۲e
نه خود اردشیر اردوان را	۳۵۰ ، ۴۳	نه توران بمانم نه افراسیاب	۱۰۱۵ ، ۱۲e
نه خورشید شمشیر گردان	۳۶۳ ، ۱۳۴	نه نوشیر جنگی نه من گور	۷۰۶ ، ۱۳
نه خورشید نوشیروان	۴۸۸ ، ۴۱		

نهزان گفتم این کز تو ترس	۴۳۲ ، ۱۳g	نه خون ریخت از آن پس	۲۳۹ ، ۴۲
نه زوبار باید که ماند نه	۷۶۵ ، ۴	نه خیمه نه خرگه نه بار	۶۳۷ ، ۱۳b
نه زو بر دمیدی یکی روشن	۲۶۰ ، ۲۰	نه دارید شرم و نه ترس از	۴۰۳ ، ۶
نه زو پر هتر تر بمردانگی	۱۶۶ ، ۴۱	نه دانا بود شاه با ترسو	۱۴۷۶ ، ۱۵
نه زوزنده بینم نه مرده نشان	۱۸۴ ، E	نه دانا گذریابد از جنگ	۲۵۰۸ ، ۱۳g
نه زوشاید ایمن شدن روز	۱۰۳۴ ، ۱۲b	نه د تخت خشنودی آندر	۷ ، ۴۰
نه زیبا بود جز تو مرتخت	۱۳۷۶ ، ۱۳f	نه در بند گاهم نه در بند	۱۵۸۹ ، ۱۲d
نه زین سان کسی رنج برد	۲۲۰۲ ، ۱۳g	نه در کشوری دشمن آمد	۲۶۵۹ ، ۱۳g
نه زین شاد باشد نه زان درد	۳۲۳۵ ، ۱۳g	نه در سرش مغز و نه در تنش	۴۷ ، ۱۳b
نه زینگونه مردم بود در	۱۳۹۶ ، ۱۲d	نه درویش یا بدازو بهره	۲۴۶ ، ۲۰
نه زین نامداران سواری	۴۱۲ ، ۱۳f	نه دریا پدیدست و نه دشت	۶۹۶ ، ۳۴
نه ساسا نیست و نه تخم کیان	۵۶ ، ۴۶	نه دژمانداید نه اسپ و نه	۱۳۳۹ ، ۱۳
نه سگسارماند نه مازندر-	۸۶۶ ، ۷	نه دژمانداید نه سنگ و نه	۸۶۰ ، ۱۳
نه سیم است با من نه زر	۱۳۰۰ ، ۱۵	نه دشواری از چیز برتر	۱۶ ، ۸
نه سیمرخ پیدا نه شیر و نه	۱۹۱۸ ، ۱۵	نه د گنج و فرزند گرد	۲۴۹۰ ، ۴۱
نه سیمرخ کشتش نه رستم نه	۴۲۶۲ ، ۱۵	نه دورست از ایدر بهر	۲۳۱۰ ، ۱۲d
نه شادی کند زانکه نایافته	۱۳۰۹ ، ۴۱	نه دو ماه بایدهمی نه چهار	۲۷۶ ، ۱۵
نه شاهش بمانیم و نی لشکر	۲۵۵ ، ۱۲	نه دهقان نه ترک و نه تازی	۱۳۵ ، ۵۰
نه شب خواب کرد و نه روز	۸۹۳ ، ۷	نه دینار خواهد همی نه کلاه	۳۸۲ ، ۱۳g
نه شیرنگ با من نه رهوار	۲۸۷ ، ۱۳e	نه دیوارماندی نه طاق و نه	۳۹۱۳ ، ۴۳
نه شنگل بماند بر این دشت	۳۸۹ ، ۱۳c	نه راه گریزست زافرا-	۲۵۵ ، ۱۳c
نه شنگل بمانم نه خاقان	۱۲۴ ، ۱۳c	نه رستم بکابل بنخچیر گاه	۱۱۸ ، ۱۶
نه شنگل بمانم نه خاقان	۵۹۲ ، ۱۳c	نه رستم نه از سوستان اشکر	۱۲۱۳ ، ۱۳b
نه طلحند پیدا نه پیل و	۳۳۵۰ ، ۴۱	نه رستم نه مرغ و نه تیر و	۴۱۲۲ ، ۱۵
نهفتند صندوق اورا بخاک	۱۹۹۳ ، ۲۰	نه رسم جهانگیری و سرور	۴۷۶ ، ۱۲c
نهفته بجستی همه رازشان	۶۷ ، ۶	نه روبه شود ز آزمون	۱۲۳۵ ، ۱۳e
نهفته برون آورید از نهفت	۱۱۰ ، ۶	نه روز بزرگی نه روز	۴ ، ۵۰
نهفته بکاخ آندر آمد پیش	۲۴۲ ، ۱۳e	نه روزش طلایه نه شب پاس	۳۶۶ ، ۳۰
نهفته چو بیرون کشید از	۳۰۰ ، ۶	نه زال و نه آن ماه بیجاده	۱۷۴۲ ، ۷
نهفته جز این نیز دارم بیسی	۱۳۶۷ ، ۱۲d		

نه کوشیدنی کان تن آرد	۲۰ ، ۲۶	نهفته مرا گنج آکنده هست	۵۸۳ ، ۳۴
نه کیخسرو آباد ماند نه	۱۲۱۹ ، ۱۳c	نهفته نشد تیغ اسکندر	۴۸۵ ، ۴۱
نه کین باشد این چند	۶۲ ، ۳۹	نهفته همه بوم گنج منست	۱۹۸۸ ، ۳۵
نه گاوستم ایدر نه پوشش	۱۱۵۷ ، ۳۵	نهفته همه رازها باز جست	۲۵۸ ، ۱۳e
نه گرزو کمان یادت آید	۱۹۲۲ ، ۱۵	نهفته همه گنج کابلستان	۱۴۱۴ ، ۷
نه گرزوی پترگی فرود	۱۴۷۷ ، ۱۵	نهفته یکی حقه بد در میان	۳۷۲۸ ، ۴۱
نه گرگست کر چاره بیجان	۶۹۶ ، ۱۴	نه فرخ بود دست زن خواست	۱۰۴۶ ، ۳۵
نه گرگین بمانم نه گودرز	۱۹۲ ، ۱۲c	نه فرزند باید نه گنج و سپاه	۶۸۴ ، ۱۳f
نه گرماش گرم و نه سرماش	۱۸۰۱ ، ۱۲d	نه فرزند زالی مرا گفت	۳۳۵۵ ، ۱۵
نه گشتاسپ آن شاه بیداد	۲۱۸۶ ، ۱۵	نه فرزند کاووس کی ریونیز	۵۷ ، ۱۳b
نه گشت زمانه بفرسایدش	۷۶ ، E	نه فرزندماند نه تخت و کلاه	۲۴۹۵ ، ۴۱
نه گنجت بامن نه نام	۷۹۳ ، ۵۰	نه فرزندم ایدر نه چون	۲۵۹ ، ۳۴
نه گنج و نه تخت و نه نام و	۴۰۴ ، ۵۰	نه فرمان اورا کرانه پدید	۸۰۲ ، ۴۱
نه گند آوری گیرد از تاج	۲۳۰ ، E	نه فرمانش باشد بچیزی	۳۷ ، ۴۰
نه گودرز باید که ماند نه	۲۳۶ ، ۱۳f	نه قیصر بخوام نه فنفور	۵۰۷ ، ۷
نه گودرزماند نه خسرو نه	۹۵ ، ۱۳d	نه کار تو بود این که فرمود	۸۲۳ ، ۴۳
نه گودرزمانم نه خسرو	۱۴۵۴ ، ۱۳f	نه کاریست کز دست من	۶۲ ، ۲۲
نه گویا زبان و نه جویا	۵۹ ، F	نه کافور باید نه مشک و عبیر	۹۵۷ ، ۴۱
نه گویندگان بردرش کمتر	۱۰۴ ، ۱۹	نه کاموس ماند نه خاقان	۱۳۸۴ ، ۱۳b
نه گهواره دیدم نه پستان	۱۲۰۵ ، ۷	نه کاووس خواهد ز من نیز	۸۲۴ ، ۱۲d
نه گیتی شود پاک ویران	۲۶۶ ، ۱۳b	نه کرپاس جایی دریداز	۱۷۰ ، ۲۰
نه لشکر بدشت شکار اندر	۸۸۴ ، ۱۳b	نه کرپاس نغز از کشیدن	۲۱۸ ، ۲۰
نه لشکر بماند نه اورا -	۱۴۰ ، ۱۲e	نه کس پای برخاک ایران	۱۹۳۴ ، ۴۱
نه لشکر پسندد نه یزدان	۴۱۸ ، ۱۳g	نه کس چون تو دارد	۵۱۸ ، ۲۲
نه لشکر نه کوس و نه بار و	۱۴۰۸ ، ۱۳	نه کس دانشی تر زدستور	۲۸۷۶ ، ۴۱
نه مادرت بیند نه خویشان	۱۶۲۷ ، ۲۰	نه کس راهمی آید از رشک	۵۹ ، ۴۶
نه مازو بمام و پدر کمتریم	۳۶۷ ، ۶	نه کس موی او پیش از این	۵۸۲ ، ۴۴
نهم آنکه کاوی چنان	۲۵۵ ، ۲۰	نه کشت و نه در آتش اندا -	۴۲۶۹ ، ۱۵
نهم برته با گهرم تیغزن	۱۹۷۳ ، ۱۳f	نه کشور نه افسر نه گنج	۲۸۹ ، ۲۲
		نه کشور نه شهر و نه تخت	۲۵۳ ، ۱۹
		نه کمتر شود بر تو نام بلند	۱۹۶ ، ۲۰

نهم دین زردشت پیشین	۴۵ ، ۳۵	نهمه ابمانندی نه لشکر	۴۹۸ ، ۸
نهم دست هر کس که با کام	۲۳۷۱ ، ۱۳۴	نهمه وپرستنده بارگاه	۷۲۷ ، ۵۰
نهم مرد کشاورز، نه پیشه ور	۱۴۴۹ ، ۱۳c	نهند و زهر گونه رای	۲۷۳۰ ، ۴۱
نهم مردم بکارست و نه بارگی	۷۵۴ ، ۴۳	نه نزدیک دادار باشد گناه	۳۰۵۸ ، ۱۵
نهم مردم شمر بل زدیوودد	۷۱۱ ، ۱۳g	نهنگان که کردند آهنگ	۱۱۷ ، ۱۳d
نهم مرد نیردی تو خود	۱۱۱۸ ، ۴۲	نهنگ اوزدریا بر آرد	۶۶ ، ۱۱
نهم مردی بدان جنگ و	۲۷۱ ، ۱۳b	نهنگ بلا بر کشید از	۵۹۵ ، ۱۲
نهم مردی بد این رزم مابا	۲۷۹ ، ۱۹	نهنگ دژم بر کشیدی	۱۲۵۶ ، ۷
نهم مردی بود چاره جستن	۲۹۰ ، ۱۲b	نهنگی مگر دام ماهی	۲۳۳۶ ، ۱۳g
نهم مردی بود خیره آشوفتن	۱۴۶۹ ، ۱۳g	نهنگ آمدش هر گزاز	۳۰۱۲ ، ۴۱
نهم مردی نه دانش نه کشور	۱۹۸۷ ، ۳۵	نه نیروت بودی نه شمشیر	۹۰۴ ، ۲۰
نه مرگ از تن خویش	۱۷۴ ، ۱۲	نه نیروی جنگ و نه راه	۲۱۷۹ ، ۱۳f
نه مزد و نه دارد کسی زو	۴۷۰ ، ۲۲	نه نیزه نه شمشیر هندی نه	۱۱۸۱ ، ۱۲e
نهم شب یکنی گاو دیدم	۱۸۸ ، ۲۰	نه نیکو بود بی تو تخت	۱۱۵۲ ، ۱۲d
نه من اورمزد و گر بهمنم	۳۵۸۹ ، ۴۱	نه نیکوست این دانش و	۱۶۸۳ ، ۴۲
نه من بآرزو جستم این	۳۱۰ ، ۱۳e	نه نیکو نماید ز راه خرد	۱۲۰۹ ، ۱۲d
نه من با پدر بیوفایی کنم	۳۲۰ ، ۱۲d	نه والا بود خیره خون	۲۰۳۴ ، ۴۳
نه من پای دارم نه مانند	۲۵۳۲ ، ۱۲d	نه هامون پدید و نه دشت	۹۸۹ ، ۱۲
نه من بیش دارم ز جمشید	۴۵۳۳ ، ۱۵	نه هر پادشاه و نه هر بنده را	۱۵۲۶ ، ۱۲c
نه من جنگ را آمدم با زنان	۱۳۷۵ ، ۲۰	نه هر کس که در روم شنس	۱۳۰۰ ، ۴۳
نه من زان شمارم که ازهر	۱۲۶۹ ، ۴۲	نه هر کس که شد پادشاهی	۱۸۲۶ ، ۲۰
نه من شاد باشم نه فرزند من	۱۸۳۹ ، ۱۲d	نه هرگز گشاید سر گنج	۲۵۸ ، ۲۰
نه من شاه را پیش از این	۳۸۷ ، ۱۳e	نه هنگام آرام و آرایش	۷۱۷ ، ۱۳c
نه من کشتم او را که ناپاک	۱۱۷۳ ، ۱۳g	نه هنگام بد مردن او را	۲۹۸۲ ، ۴۱
نه من کشتم او را نه یاران	۳۳۶۱ ، ۴۱	نه هنگام رازست و روز	۹۱۹ ، ۴۲
نه من کودکم گر تو هستی	۱۲۶۳ ، ۱۲c	نه هنگام رزمست و تنگ	۶۶ ، ۱۰
نه من کوهم وزیرم اسپ	۳۴۷۷ ، ۱۵	نهیبی بدل زان فراز	۶۷۴ ، ۲۰
نه موبد بد او را نه فرمان	۲۶ ، ۴۰	نه هیتال مانم نه خاقان	۱۹۴۶ ، ۴۱
نه موبد بود شاد و نه پهلوان	۴۹ ، ۳۴	نهی داغ بر چشم شاه جهان	۳۸۷ ، ۴۳
نه مهتر نه که تر ز نام آور	۷۲۷ ، ۱۲	نه یزدان پسند و نه یزدان	۸۷ ، ۳۸

نیابد بدو نیز اندیشه راه	۶۰	E	نیاراهمی بود انده گسار	۶۱۹۰	۶
نیابد برایشان گذر صد	۱۷۹۶	۱۲d	نیاراهمین بود آیین و کیش	۱۶۰	۲
نیابد بهر جای آرامشی	۸۴۷	۱۴	نیارد پیریدن بسر بر عقاب	۵۰۱	۱۲
نیابد رهایی ز ما گسستم	۲۳۱۷	۱۳f	نیارد زدن کس بدو باد	۴۲۲۸	۴۳
نیابد ستمکاره جز دار	۲۲۷۱	۴۳	نیارد سراندر به پیمان تو	۲۷۲۲	۱۵
نیابد کسی چاره از چنگ	۵۳	۲۰	نیارد شدن پیش گرد گزین	۴۱۱	۱۵
نیابد کسی زین فزون	۲۵۴۴	۱۳g	نیارد شکست اندرین عهد	۶۳۱	۲۲
نیابد گذر شیر از تیغ	۱۹۴	۱۳d	نیارد کس اوراز گردان	۶۰۳۰	۱۲e
نیابدهمی سیری از خفت	۹۴۴	۳۵	نیارد گذشتن بر او بر سپاه	۱۲۷۵	۲۰
نیابم بر این چرخ گردنده	۹۵	۱۳g	نیارست آمد کسی پیش	۳۷۵	۱۲b
نیابم دگر نیز همتای اوی	۹۴۶	۱۳	نیارست تازنده بد شیرمن	۲۹۲۰	۴۳
نیابم ز درویشی خویش	۹۸۱	۱۳e	نیارست دم زد بر او کس	۳۳۶۲	۴۱
نیابم ز یزدان همی کام	۱۸۳۶	۱۵	نیارست رفتنش در پیش	۶۱۵	۱۵
نیابم همی زین جهان بهره	۱۸۳۵	۱۵	نیارست رفتن کسی نزد	۴۰۰۳	۴۳
نیابند مریکد گر را بتگ	۱۵۵۱	۷	نیارست شد پیششان کس	۴۸۷	۵۰
نیابی بچون و چرا نیز	۱۹۹۵	۲۰	نیارست کردن کس آنجا	۴۷۰	۱۲
نیابی بگیتی درون بس	۱۳۸	۴۲	نیارست کس کرد بیکاری	۶۰	۴
نیابی تو داماد بهتر زمن	۸۶۷	۳۵	نیارست گفتن بزندان مرو	۹۲	۴۲
نیابی ز فرزند من سرزنتش	۳۹۶	۱۹	نیارست گفتن که ایدر	۸۲۲	۳۵
نیابی جز این نیز بی نام	۷۶۱	۴۲	نیارست لب را گشاد ایچ	۴۰۸۹	۴۳
نیابی شب تیره آنرا بخواب	۴۲۲	۴۳	نیارم بر او کرد نیر و بسی	۱۴۳۱	۱۳b
نیابی گذر تو ز گردان	۱۶۰۳	۱۲d	نیارم کسی را همان بد	۱۴۵۳	۱۳g
نیابی همانا زمن رنج تن	۳۲۲۳	۴۱	نیارید از مرغ و مرداریاد	۳۲۰۴	۱۵
نیابی همان رفته را باز	۱۵۳۸	۱۲c	نیاریم گردن بر افراختن	۳۰۵	۴۱
نیابی همی سیری از کار	۲۲۵۴	۱۳f	نیاز آنکه اوراز اندوه	۲۵۳۴	۴۱
نیاه تخت زرین و گرز	۶۴۴	۶	نیازادشم را بدیهم و زور	۲۸۳۹	۱۲d
نیا چون شنید از نبیره	۲۲۳۲	۱۳g	نیازادشم شاه توران سپاه	۱۲۸	۸
نیارا یخنجر بدو نیم کرد	۶۲۶	۵۰	نیازارد او را کس زین	۳۷۱	۲۰
نیارا بدید از کران شاه	۲۱۹۴	۱۳g	نیازاردت کس بتوران	۲۱۳۶	۱۵
نیارا بکشت و خود ایدر	۱۰۰۰	۱۳g	نیازارم آنرا که پیوند	۱۶۶۴	۱۵
نیارامد از بانگه منگام	۱۵۷۹	۱۳b	نیازارم آنرا که فرزند	۲۰۳۳	۱۵

نیازاری از بن سپاه مرا	۱۱۸۹ ، ۱۳۴	نیاطوس رادید و در بر	۱۶۳۳ ، ۴۳
نیازد بداد او جهاندار	۴۹۷ ، ۲۲	نیاطوس را مهره دادم	۲۹۶ ، ۴۴
نیازد بکاری که نا کردنی	۱۳۵۶ ، ۴۱	نیاطوس کان دیدانداخت	۲۱۷۹ ، ۴۳
نیازرد باید کسی را بر او	۵۲۰ ، ۱۳	نیاطوس گفت ای جهاندار	۲۲۲۱ ، ۴۳
نیازرد شاه ترا شاه روم	۲۶۴۶ ، ۴۳	نیاطوس و گسته و بندوی	۱۷۹۳ ، ۴۳
نیازرد یک موی گیواژتن	۱۰۵۰ ، ۱۲e	نیاطوس یکسر پذیرفت	۱۶۲۶ ، ۴۳
نیازست ما را بیدار	۲۲۰۲ ، ۱۲d	نیا کفشگر بدیدر کفشگر	۳۴۸ ، ۳۵
نیازست ما را بیدار	۲۴۳۳ ، ۱۵	نیا گانت آن دانشی راست	۳۶۲۶ ، ۴۳
نیازش نیاید چیزی ز کس	۲۰۸۴ ، ۱۵	نیا گانت راپادشاهی زما	۳۲۱۱ ، ۱۵
نیازم بدانک او شکار آورد	۸۰۸ ، ۷	نیا گانت را همچنین نام	۱۷۲۶ ، ۴۲
نیاساید و بر نکردد	۳۲۴۰ ، ۴۱	نیاگان ما آن که بودند	۷۸۷ ، ۴۳
نیاسایم از جنگ او یک	۱۲۲ ، ۱۳	نیاگان ما تاجداران دهر	۲۶ ، ۴۲
نیاسود از آن پهلو او سپاه	۸۵۸ ، ۱۳b	نیاگان ما جز بگرزگران	۳۱۵ ، ۱۴
نیاسود تیره شب و پاک روز	۶۴۳ ، ۱۲	نیاگان ما را پرستنده آید	۵۴۹ ، ۴۳
نیاسود در ره گونیکنخواه	۷۱۰ ، ۱۲	نیاگان ما را یک یک بکشت	۲۸۷ ، ۲۱c
نیاسود روز و شب از تاختن	۴۸۵ ، ۸	نیاگان ما نامداران بدند	۱۳۰۶ ، ۴۳
نیاسود کس تا بمرز حلب	۸۲۹ ، ۱۴	نیاگان من پهلو آنان بدند	۴۱ ، ۷
نیاسود لشکر زمانی ز کار	۷۲۴ ، ۱۲b	نیاگان و شاهان ما تا بدند	۲۰۷ ، ۱۹
نیاسود هر کس کز او باز	۴۱۰۸ ، ۴۱	نیام از دل و خون دشمن	۱۵۵۲ ، ۱۵
نیاسود یکتن ز خورد	۲۱۳۴ ، ۱۳g	نیامد بدامم بسان تو گور	۳۵۱ ، ۱۲c
نیاشیر جنگی پدر گیوگرد	۱۱۶۲ ، ۱۳	نیامد بدانکه ترا داد	۱۲۵۷ ، ۱۳۴
نیاطوس از آن جایکه بر	۲۱۸۵ ، ۴۳	نیامد بدلیش اندرون ترس	۱۷۸۶ ، ۴۳
نیاطوس از آن روی بر کوه	۱۹۹۷ ، ۴۳	نیامد بدین دوده هر گز	۱۲۴۸ ، ۴۲
نیاطوس بالشکر رومیان	۱۹۵۹ ، ۴۳	نیامد بر او تیغ زهر آبدار	۷۴۶ ، ۱۵
نیاطوس بگزید هفتاد مرد	۱۶۴۴ ، ۴۳	نیامد بر این باره بر	۱۱۳۸ ، ۱۳c
نیاطوس جنگی بخوابید	۱۸۲۵ ، ۴۳	نیامد بر این بر بسی روز	۳۳۱ ، ۱۵
نیاطوس جنگی برادرش	۱۶۲۳ ، ۴۳	نیامد بگوشت بهر انجمن	۵۹۲ ، ۱۲
نیاطوس را داد چندان	۲۲۲۹ ، ۴۳	نیامد پدید از میان سپاه	۳۳۴۸ ، ۴۱
نیاطوس را داد لشکر همه	۱۶۵۸ ، ۴۳	نیامد پسند جهان آفرین	۷۸ ، ۳۹
نیاطوس را داد و بنوشت	۲۲۳۲ ، ۴۳	نیامد تن اسپ را زان	۱۶۷۸ ، ۱۳b

نیاید تو مارا پرستنده	۱۹۳۰ ، ۳۵	نیامد جهان آفرین را	۶۹۸ ، ۲۰
نیاید بدرگاه تویی سپاه	۲۱۷۵ ، ۱۲d	نیامد جهان آفرین را	۳۶۲ ، ۴۳
نیاید بدرگاه فرخنده شاه	۲۳۳ ، ۱۵	نیامد خود از تو بجز راستی	۲۷۵ ، ۱۳c
نیاید بدو منجنیق و نه	۱۸۱۱ ، ۱۲d	نیامدش خوش پیر جاماسب	۳۵۵ ، ۱۵
نیاید بر تو بجز یک سوار	۷۶۴ ، ۱۳	نیامد ز بیژن بایران خبر	۹۷۷ ، ۱۳e
نیاید بروی تو هر گز بدی	۱۱۷۲ ، ۴۳	نیامد ز شاهان کسی پیش	۳۶۹ ، ۱۳g
نیاید بگیتی ز راه زهش	۱۷۹۷ ، ۷	نیامد ز گفتار من هیچ سود	۲۳۹۱ ، ۱۲d
نیاید بنزدیک ایرانیان	۱۵۹۶ ، ۴۲	نیامد ز گیتیش جز زهر	۲۰۶ ، ۱۴
نیاید پدیدار پیروزی	۱۵۰۵ ، ۱۵	نیامد ز من هیچ کارش پسند	۱۲۷۷ ، ۱۲d
نیاید پسند جهان آفرین	۲۱۴۷ ، ۱۲d	نیامد سخنها بر او کارگر	۱۷۶۸ ، ۴۳
نیاید پسند جهان آفرین	۲۹۷ ، ۲۰	نیامد سرافراز طرخان	۲۲۴۸ ، ۱۵
نیاید ترا پوزش اکنون	۵۷۸ ، ۱۲d	نیامدش بامنز گفتار او	۹۷۵ ، ۱۲
نیایدت گفت ایچ ترس از	۵۳۷ ، ۵	نیامدش گفتار ایرج پسند	۵۲۳ ، ۵
نیاید جهان آفرین را پسند	۱۱۸۲ ، ۱۳g	نیامد مرا کشتنش دل	۱۰۱۱ ، ۱۳c
نیاید جهان آفرین را پسند	۱۴۷۲ ، ۱۳g	نیامد همی ز آسمان آب	۲۴ ، ۹
نیاید چنین کارش از تو	۱۳۹۹ ، ۷	نیامد همی ز ندواستش	۷۴۶ ، ۴۱
نیاید ز سودا به هم جز بدی	۱۰۹۵ ، ۱۲d	نیامد همی یادت ازرنج	۱۴۱۸ ، ۴۲
نیاید ز شاهان پرستندگی	۹۰ ، ۲۰	نیامد زرد از کس خرد با	۲۷۷۳ ، ۱۲d
نیاید ز گفتار تو جز بهی	۸۲۱ ، ۱۳b	نیامد کرد شویس	۶۲۲ ، ۶
نیاید ز مرد خرد کار بد	۲۹۹۷ ، ۱۵	نیامد بازارگان آنچه	۶۱۷ ، ۳۵
نیاید سلیحم بر او کارگر	۱۳۵۴ ، ۱۳c	نیامدت ای در مگر بخت	۶۸۷ ، ۴۲
نیاید همانا بدو نیک زو	۲۸۷۵ ، ۱۲d	نیامد کس نام دارا بر	۱۱۲ ، ۱۸
نیاید همی بانگ مهزاد-	۶۲۶ ، ۱۵	نیامد کشتی نگهبان رود	۳۳۹ ، ۵
نیایش ببوسه دندان و	۲۲۰۷ ، ۱۳g	نیامد گرد این ز دزدی	۱۲۴۹ ، ۳۵
نیایش بجای سرداشتی	۵۸ ، ۱	نیامد همی من بایران	۶۵۶ ، ۱۲c
نیایش کنان پیش آتش	۱۶۹۷ ، ۴۳	نیامد یک تن در رود پشنگ	۶ ، ۱۰
نیایش کنان پیش پیل زبان	۳۱۹۷ ، ۴۱	نیامد دی و داده بودم	۶۲۱ ، ۳۵
نیایش کنان پیش خورشود	۱۰۹۸ ، ۳۵	نیامد بختند ایچ بارو میان	۳۳۳ ، ۱۹
نیایش کنان پیش یزدان	۲۱۶۹ ، ۱۳g	نیامد تو پیر جهان دیده	۵۱۶ ، ۱۳g
نیایش کنان پیش یزدان	۶۷۸ ، ۳۴	نیامد تو زین خاندان زنده	۵۶ ، ۳۴

نیرزد که هر بامداد پگاه	۲۳۵۸ ، ۴۳	نیایش کنان شد سروتن	۱۷ ، ۶
نیستان سراسر شد افرو-	۲۱۰۹ ، ۴۳	نیایش کنان هوام بر کوه	۲۲۶۷ ، ۱۳g
نیستان شد از نیزه آورد	۵۴۰ ، ۸	نیایش کند پیش یزدان	۱۳۶۱ ، ۳۵
نیستان شد از نیزه آورد	۳۳۹ ، ۱۲b	نیایش کنی پیش یزدان	۳۳۳ ، ۳۴
نیم آگه از اصل وفرع	۹۴۷ ، ۵۰	نیایش نمودند چون بنده	۲۱۱ ، ۱۵
نیم از نژاد دلاور قباد	۴۲۵۴ ، ۴۱	نیایش همی کرد پیش خدا	۳۲۹ ، ۲۱
نیم تا بدم مرد پیمان	۲۵۴۲ ، ۴۳	نیایش همی کرد خود با	۱۵۶۸ ، ۱۵
نیم خواستار سرای سپنج	۲۵ ، ۳۵	نیایش همی کرد خورشید	۲۴ ، ۱۵
نیم من بخون شما شسته	۲۴۹۹ ، ۱۳f	نیایش همی کردم اندر	۱۸۶۰ ، ۷
نیم من بداندیش و پیمان	۲۶۳۸ ، ۴۳	نیایم برون من ز فرمان	۵۸۷ ، ۴۴
نیم من بدین کار همه داستان	۶۲۰ ، ۱۳f	نیای من آن شاه روشن	۳۴۸ ، ۴۴
نیمندازد از دست کویال	۱۶۹۶ ، ۱۳b	نیای من آهنگر کاره بود	۱۴۴۷ ، ۱۲e
نیمدیشد از کار بدیک زمان	۲۵۵۵ ، ۴۱	نیایم همی پیش تو تا گهان	۱۱۹۰ ، ۴۲
نیمدیشم از روم و از شاه	۱۷۳۳ ، ۴۳	نیای زمانی تو در خان	۳۰۶۸ ، ۱۵
نیوشنده بودند و لب با	۲۰۸۳ ، ۱۲d		

حرف و

۶ ، ۸۲۶	و دیگر کجا مردم بد کنش	۱۲d ، ۹۲۲	و دیگر از ایران زمین هر
۱۳b ، ۶۸	و دیگر کز آن بد گمان	۱۳b ، ۲۳۶	و دیگر اگر بشنود پند
۱۵ ، ۲۴۳۰	و دیگر کز آن بیور گشته	۱۳c ، ۱۰۱۶	و دیگر اگر چند در کار
۱۳f ، ۱۰۲۳	و دیگر کز آن لشکر بی	۱۲b ، ۵۲۹	و دیگر ببازوی شمشیر زن
۱۲d ، ۶۳۶	و دیگر کزین کار نام آورم	۱۳b ، ۹۹۳	و دیگر بیخت جهاندار
۱۳c ، ۱۱۷	و دیگر کسی را کز ایران	۱۳e ، ۹۹۲	و دیگر بجایی که کیخسرو
۴۱ ، ۴۳۳	و دیگر که آن پادشاهی	۱۲d ، ۲۲۷۳	و دیگر بجایی که گردان
۱۳f ، ۳۹۷	و دیگر که از اختر نیک و	۱۲d ، ۴۱۴	و دیگر بدانکه که در بند
۱۳f ، ۴۱۹	و دیگر که از پهلوانان	۱۲e ، ۹۹۵	و دیگر بزرگان روی زمین
۱۲e ، ۳۴۶	و دیگر که از پیر سر موبد	۱۳f ، ۱۵۱۸	و دیگر بفرمود گفتن
۱۲d ، ۱۶۲۹	و دیگر که از پیش گند آور	۶ ، ۳۵۷	و دیگر بگویش که ترس
۱۲c ، ۱۱۸	و دیگر که از تو مگر کرد	۶ ، ۶۸۹	و دیگر بهانه سپهر بلند
۱۳f ، ۹۶۱	و دیگر که از رستم دیو بند	۴۴ ، ۵۷۹	و دیگر چنینست رویم که
۱۲d ، ۲۱۸۱	و دیگر که از شهر آباد	۱۳f ، ۴	و دیگر چو گیتی ندارد
۱۳f ، ۱۱۷۶	و دیگر که از کردگار	۱۳ ، ۴۶۷	و دیگر چو من پازدم در
۱۳f ، ۵۱۳	و دیگر که از گرز او بی	۴۱ ، ۱۲۶۹	و دیگر چو یابی نیاری
۴۱ ، ۸۱۵	و دیگر که از مرگ شاهان	۱۲ ، ۹۰۱	و دیگر چه حاجت مرا با
۱۳f ، ۴۳۳	و دیگر که از نامداران	E ، ۲۳۸	و دیگر دل اور سپهدار طوس
E ، ۱۶۲	و دیگر که انجم وفادار	۱۳f ، ۲۳۷۲	و دیگر دو بدخواه با ترس
۴۱ ، ۸۶۳	و دیگر که انداز پیرا کننده	۱۳f ، ۵۶۷	و دیگر دو لشکر چنین
۴۱ ، ۱۵۸۵	و دیگر که از درد لشر راز	۱۲d ، ۱۳۴۹	و دیگر زبانی بدین راستی
۱۳c ، ۶۳۶	و دیگر که اورا بخشم آور	۶ ، ۷۷۱	و دیگر ز کردار گردان
۱۳f ، ۶۷۶	و دیگر که این جای کین	۴۳ ، ۶۲	و دیگر سواری ز گردن
۱۳c ، ۱۴۱۱	و دیگر که این دیو ناسا گار	۱۲d ، ۲۲۲۴	و دیگر فرنگیس را
۱۳g ، ۱۷۴۸	و دیگر که این شاه پیر	۱۳f ، ۱۸۳۹	و دیگر فروهل ابا زنگله
۱۳ ، ۸۷۴	و دیگر که باشد که ویرا	۱۲d ، ۲۲۷۹	و دیگر کت از خوبستن
۱۳c ، ۲۸۲	و دیگر که با من ببندی		
۴۱ ، ۲۰۷۷	و دیگر که با نامبردار		
۴۲ ، ۴۴۰	و دیگر که بدخواه گردد		
۱۲d ، ۱۱۷۹	و دیگر که بر خیره ناکرده		

۲۴۶ ، ۱۳۴	و دیگر که گویی سلیح و	۲۷۱۷ ، ۴۳	و دیگر که برداشتی کین
۲۵۸۹ ، ۴۱	و دیگر که گیتی فسانه است	۱۵ ، ۱۳د	و دیگر که برسرت گردان
۶۶۵ ، ۳۴	و دیگر که من پیرم و او	۷۵۶ ، ۷	و دیگر که بی جفت دین
۱۳۹۶ ، ۱۳۴	و دیگر که نستیه ن نامدار	۳۳۰ ، ۱۲د	و دیگر که پرسیدی از
۲۹۵ ، ۲۱	و دیگر که هستیم ساسانیان	۱۹۴ ، ۱۳۴	و دیگر که پور گزین
۳۵۵ ، ۱۳ب	و دیگر که هومان بتوری	۱۹۲۴ ، ۴۱	و دیگر که پیروز شد دل
۱۸۷۸ ، ۱۳۴	و دیگر گروی زره دیو	۲۵۲ ، ۱۳۴	و دیگر که پیغام شاه
۲۹۵ ، ۱۱	و آنکس کجا بازماند	۱۰۱۹ ، ۱۲د	و دیگر که پیمان شکستن
۵۷۹ ، ۴۲	و آن سخن بتر آمد	۷۳۱ ، ۱۲ع	و دیگر که تنگ اندر آمد
۲۴۲۰ ، ۳۵	و از تن خویش باشد	۲۲۲۴ ، ۳۵	و دیگر که جان را بپایم از
۱۴۴۳ ، ۲۰	و از اندرین خضر بدرای	۱۱۲ ، ۳۴	و دیگر که چوگان و تیر
۲۴۴۶ ، ۱۲د	و از بارگی باش و گیتی	۱۸۲۸ ، ۲۰	و دیگر که چون اندر ایران
۷۹۹ ، ۱۲ع	و از بارگی باش و گیتی	۳۴ ، ۱۳د	و دیگر که خسرو جهان ندیده
۶۱ ، ۳۰	و از اسپاهش بدر در بیافت	۱۴۷۴ ، ۱۳گ	و دیگر که خوانند بیداد
۲۱۸۴ ، ۴۳ ^ع	و از بانیا طوس رومی چه کار	۹۷۴ ، ۱۳	و دیگر که دارد همان او
۱۱ ، ۶	و از بد جهان سالیان پنج	۳۶۴ ، ۱۲ب	و دیگر که دارند یار
۲۳۰۳ ، ۱۳گ	و از بر زمین هوم افکند	۱۲۶۵ ، ۱۲ع	و دیگر که در جای تنگ
۳۲۴ ، ۵۰	و از بر کشیدم که پوینده	۱۹۷۲ ، ۱۲د	و دیگر که دو کشور از
۳۱۹۹ ، ۱۵	و از بر کشیدند و دادند	۱۶۱۰ ، ۱۳ب	و دیگر که فردا زافرا-
۱۵۰۳ ، ۳۵	و از بر گزیدند ایرانیان	۶۸۵ ، ۶	و دیگر که فرمان ناپاک
۱۲۱ ، ۴۰	و از بر گزیدند و بنشانند	۱۷۶۷ ، ۳۵	و دیگر که فرمود تا هفت
۲۳۹۳ ، ۴۳	و از بسته و کشته دیدند	۱۲۱۰ ، ۱۲د	و دیگر که کاووس شد پیر
۱۷ ، ۲۱	و از بود شیراز با صنفهان	۲۶۳۶ ، ۴۱	و دیگر که کردار دارد
۶۵۹ ، ۱۳	و از این گوی خوانده می	۱۲۲۲ ، ۱۳گ	و دیگر که کردی زیزدان
۲۹۲۳ ، ۴۱	و از پادشاه نام طلحند کرد	۵۴۷ ، ۵	و دیگر که کین پدر باز
۲۴۶ ، ۲۲	و از پادشاه نام کرد اورمزد	۳۱۱۴ ، ۴۱	و دیگر که گفتی ببخشم
۸۶ ، ۴۵	و از پادشاهی دومه بود و	۱۲۵۹ ، ۱۳۴	و دیگر که گفتی تو با پیر
۳۱۱ ، ۴۴	و از پاسخ این بد که ریزنده	۱۴۴۱ ، ۱۳۴	و دیگر که گفتی ز کار سپاه
۴۷۷ ، ۷	و از پنج ترک پرستنده بود	۲۰۶۷ ، ۴۱	و دیگر که گفتی ز گنج و
		۷۴۲ ، ۶	و دیگر که گفتید باید که

ورادید قیدافه بشناختش	۸۴۸ ، ۲۰	وراپنجدختر بداند رنهان	۳۷۲ ، ۴۲
ورادید کاووس برپای	۱۷۹۰ ، ۱۳g	ورا پهلوان زود دربر	۲۸۹۶ ، ۱۵
ورادید کز پیش آن	۱۰۷۲ ، ۴۲	وراپهلوان کرد بر لشکرش	۷۸ ، ۳۵
ورادید نوذرفروریخت	۲۵۸ ، ۸	وراپهلوان هیچ پاسخ نداد	۱۵۱۲ ، ۴۲
ورا دیده بودند گردان	۱۶۴۹ ، ۱۳b	ورا پیش خوانیم هنگام	۱۷۴۳ ، ۳۵
ورارام بنشانند بردست	۲۷۲ ، ۴۰	ورا پیلتن گفت کاین غم	۵۴۸ ، ۱۳
وراراهبر پیش جاماسب	۱۳۶۲ ، ۱۵	ورراتنگ لهر اسپ دربر	۱۰۲ ، ۱۴
ورارستم شاه خواندی	۲۶۴۶ ، ۳۵	وراتور خوانیم و شیر	۲۷۹ ، ۶
ورازاد از قلب لشکر	۱۲۸ ، ۱۲e	وراجان ودل بربرادر	۲۹ ، ۲۲
ورازاد بشنید گفتار او	۱۴۱ ، ۱۲e	وراجنگ و بخشش چو	۵۷۰ ، ۴۱
ورازاد راسر بریدند زار	۱۶۶ ، ۱۲e	وراجشم بی آب و لب پر	۵۰۰ ، ۱۳g
ورازاد شاه سپیجاب بود	۱۲۴ ، ۱۲e	وراجون تن خویش خواهی	۴۹۲ ، ۲۲
ورازار بر خاک بر خفته	۱۳۷۸ ، ۱۵	وراخرم خواند جهان دیده	۱۹۳۳ ، ۲۰
ورازان سخن تند و ناکام	۲۷۵۱ ، ۴۱	ورا خلعت خسروی ساختند	۴۴۹ ، ۳۵
ورازان سخن هیچ پاسخ	۱۸۱۱ ، ۴۳	ورا خلعت و نیکوییها	۴۵۴ ، ۲۰
ورازشاه توران بترسی	۲۰۳ ، ۱۳f	وراخوانندند اردوان بزر	۱۶ ، ۲۱
ورازمن بد آگاهی آرد	۹۹ ، ۵۰	وراخوانندی گوگرد	۳۲۰ ، ۱۳g
ورازنامداران این انجمن	۵۵۹ ، ۱۳f	وراخواندی هر زمان	۷۴ ، ۴۵
ورازود سالار اشکر کنیم	۲۰۸۹ ، ۳۵	وراخوشر آمد بدین	۳۳ ، ۴۶
وراسام یل گفت بر گرد	۱۴۶۴ ، ۷	وراداد پاسخ که آمد پدید	۱۱۱۹ ، ۱۲e
وراسورسان خواند کسری	۱۷۹۹ ، ۴۱	وراداد سالار جمشید فر	۱۲۳۶ ، ۱۲e
وراشاد بر تخت باید	۴۱۱۵ ، ۴۳	ورادادگر جای نیکان	۵۲ ، ۲۰
وراشاد مردم نخوانده می	۱۴۷۲ ، ۲۰	ورادرجهان هوش بردست	۲۵۶۴ ، ۱۵
وراشیر کپی همی خواندند	۲۴۰۴ ، ۴۳	ورادرزمین دوست شیرین	۳۵۴۷ ، ۴۳
وراغول خوانند شاهان	۱۸۱۷ ، ۱۵	ورادر شبستان فرستاد	۳۱۶۴ ، ۴۳
ورافراسیاب است بیداد	۱۴۴۶ ، ۱۳c	ورادرگر آمد زروم وز	۳۷۳۲ ، ۴۳
وراکرد پدرود و باو	۲۴۳۴ ، ۱۲d	ورادید با دیدگان پر	۲۱۳ ، ۱۴
وراکرد پدر رود و زایران	۱۶۱۸ ، ۱۳c	ورادید بر تازی چون	۹۲۲ ، ۴۲
وراکرد سالار بر لشکرش	۴۶۶ ، ۴۲	ورادید بسته بزین بر	۱۱۲۵ ، ۱۲e
وراکرد مهتر به مکران	۲۱۰۵ ، ۱۳g	ورادید پژمرد رنگ	۲۶۳۹ ، ۳۵

۷۴۳ ، ۴۱	ورا نامور خواندی نوش	۹۶۲ ، ۴۱	ورا کشته دیدند و افکنده
۳۵۳۷ ، ۱۵	ورا نامور هیچ پاسخ نداد	۴۱۳ ، ۵	ورا کندر و خواندندی بنام
۹۵۱ ، ۴۳	ورا نیز بندوی بفریفتی	۶۶۱ ، ۱۳	ورا گردشیدوش دارد بیای
۱۹۰۸ ، ۴۲	ورا هدیه داد و گسی گرد	۱۶۷۴ ، ۴۲	ورا گردیه هیچ پاسخ نداد
۱۵۷۰ ، ۱۲d	ورا هر زمان پیش افرآ-	۱۹۹ ، ۴۰	ورا گشت آن شاهی آراسته
۲۶۳۰ ، ۴۳	ورا هر مز تا جور بر کشید	۱۱۶۶ ، ۳۵	ورا گفت بالمشنگه کن
۱۹۸۴ ، ۴۲	ورا همچنان زنده بگذا-	۵۸۶ ، ۴۴	ورا گفت جز تو نباید
۲۵۶۶ ، ۱۵	ورا هوش در زابلستان بود	۴۷۰ ، ۴۳	ورا گفت خسرو چو دارا
۴۹۵ ، ۱۳	ورا هیچ خوبی نخواهد بدل	۱۲۹۹ ، ۴۲	ورا گفت خاقان که این بد
۱۱۳۷ ، ۱۵	ورا هیر بد بود هشتاد مرد	۲۷۴۷ ، ۴۳	ورا گفت زود اندر آوی و
۱۹۱ ، ۱۴	ورا یار و شاگرد بدسی و	۴۳۲ ، ۶	ورا گفت کان دو پسر
۱۱۵۱ ، ۲۰	ورا ایدر برهنه شود باز	۷۳۲ ، ۱۲e	ورا گفت کای گیوشاد آمد
۶۰۳ ، ۳۴	ورا ایدون کجا تاج بردارد	۱۵۷۷ ، ۱۲e	ورا گفت کاین کاویانی
۹۰۴ ، ۱۳b	ورا ایدون کجا داد اور آسمان	۳۰۲ ، ۴۰	ورا گفت کسر از زمان پنج
۲۸۳۱ ، ۴۱e	ورا ایدون کجا رای با ره	۱۰۶ ، ۱۴	ورا گفت گشتاسپ کای
۵۰۴ ، ۳۴	ورا ایدون کجا کین و جنگ	۹۱۶ ، ۱۳	ورا گیو خوانند پیلست و
۲۲۷۸ ، ۱۳f	ورا ایدون کجا گردش ایزد	۱۲۳ ، ۷	ورا مژده دادی ز فرزند
۱۴۲ ، ۱۲c	ورا ایدون که آید ز اختر	۱۸۷۳ ، ۱۲d	ورا من بتوران کشیدم
۱۷۴۲ ، ۱۳f	ورا ایدون که آید ز توران	۹۸۶ ، ۲۰	ورا من بدین روز پاسخ
۲۵۶ ، ۴۴	ورا ایدون که از تو بدشمن	۲۵۵۵ ، ۱۵	ورا من ندیدی پراز خاک
۱۷۴۴ ، ۱۳f	ورا ایدون که از ما بر این	۱۶۷ ، ۴۱	ورا موبدی بود با یک بنام
۲۷۲۳ ، ۱۲d	ورا ایدون که اندیشه زین	۱۲۸۴ ، ۱۳f	ورا امیدداری که خسرو
۳۵۵۷ ، ۱۵	ورا ایدون که اورا رسد زین	۱۸۶۸ ، ۴۳	ورا میمنه دار گردوی بود
۶۸۴ ، ۴۲	ورا ایدون که این پادشاهی	۴۲۳۷ ، ۴۱	ورا ناسزاخلعتی ساختند
۴۷ ، ۲۱	ورا ایدون که این خواب از	۱۰۶ ، ۲۲	ورا نام شاپور کردم ز مهر
۳۶ ، ۴۵	ورا ایدون که این را ز بیرون	۴۱۷۱ ، ۴۳	ورا نام شیروی بود آشکار
۹۵۵ ، ۱۲c	ورا ایدون که این را ز داری	۲۰۰۳ ، ۱۲d	ورا نام کردند فرخ فرود
۴۶۰ ، ۱۳g	ورا ایدون که با او نجویی	۳۸۷ ، ۴۰	ورا نام کردند نو شیروان
۶۳۶ ، ۴۲	ورا ایدون که بازار گانی	۲۲۱ ، ۱۳g	ورا نام کنند ز بدی پهلوی
۱۸۹۳ ، ۱۳g	ورا ایدون که بالشکر آبی	۶۵۵ ، ۱۳	ورا نام گستمم گزدمم

ورایدونکه نایم بفرمانبر	۹۴۷ ، ۱۵	ورایدون که با مانسازد	۵ ، ۳۱
ورایدونکه نپذیردازما	۱۲۸ ، ۱۵	ورایدون که بامن باورد	۱۳۳۰ ، ۱۳f
ورایدونکه نپذیری این	۱۷۰ ، ۱۵	ورایدونکه بر ما بگیرند	۲۱۷۴ ، ۱۳f
ورایدونکه نزدیک افرا-	۲۲۳۹ ، ۱۲d	ورایدن و که بیچاره پیمان	۴۳۰ ، ۱۳c
ورایدون که هست این که	۵۴۵ ، ۱۳f	ورایدون که پیران از آن	۱۶۹۱ ، ۱۳f
ورایدون که هستی چنین	۱۸۰۳ ، ۱۳f	ورایدون که پیران نخواهد	۱۷۰۴ ، ۱۳f
ورایدون گمانی که بر کار	۱۱۹۳ ، ۱۳g	ورایدونکه پیران کند دست	۹۵۹ ، ۱۳f
وراین رنج آسان کنم بر	۹۳ ، ۱۲	ورایدون که پیروز باشی	۶۶۵ ، ۱۳f
وراین کین زقیصر فزاید	۵۱۱ ، ۳۰	ورایدون که پیروز گر باشد	۱۳۲۱ ، ۴۳
وراین گفته‌های مرا نشنوی	۲۱۱ ، ۱۳f	ورایدون که تان رای باشد	۲۱۶۵ ، ۱۳f
ورت آرزو نیست خون	۴۱۳ ، ۱۳f	ورایدون که تان رای شهر	۲۱۶۸ ، ۱۳f
ورت سوی افراسیابست	۲۰۵ ، ۱۳f	ورایدون که ترسی همی از	۳۸۰ ، ۱۳f
وز آبان تهم کار فرخنده باد	۷۹۷ ، ۱۳e	ورایدون که تنگ اندر	۸۴۱ ، ۴۱
وزان آبخور شد بجای	۱۳۲۱ ، ۱۲c	ورایدونکه جان ترا اهرمن	۴۴۸ ، ۱۳g
وزان آبراه بیابان گرفت	۲۰۹۵ ، ۱۳g	ورایدون که جنگ آورم	۱۰۹۱ ، ۱۲d
وزان آب لختی بسر بر نهاد	۳۴۰ ، ۳۴	ورایدون که خواهی تو	۱۱۳۶ ، ۱۳f
وزان آگهی شد بهر کشور	۶۷۹ ، ۱۴	ورایدون که خونس بریزم	۲۵۵۵ ، ۱۲d
وزان ابر بر شارسان باد	۱۱۰۷ ، ۴۳	ورایدن که داور بود تیز	۱۴۵۶ ، ۴۱
وزان اختر فیلسوفان	۳۲۸ ، ۱۴	ورابدون که دشمن شود	۴۵۷۶ ، ۴۱
وزان انجمن کشته شد	۱۹۵۲ ، ۱۳g	ورایدون که رایت جز از	۳۲۵۶ ، ۴۱
وزان باره چندی ز ترکان	۱۳۳۰ ، ۱۳g	ورایدون که رخشم نیاید	۷۲ ، ۱۲c
وزان بخت پیروز و آن	۱۹۷۵ ، ۴۱	ورایدون که زینسان نجویی	۱۱۹۵ ، ۱۳f
وزان بگذری رود آبست	۶۲۸ ، ۱۲	ورایدونکه زین کار هستم	۵۴۱ ، ۱۲d
وزان بهره‌ای آذر آباد	۵۹ ، ۴۱	ورایدون که سوی تو گردد	۱۷۵ ، ۱۳f
وزان بهره خویشتن بر	۱۵۶۱ ، ۱۲c	ورایدون که کزی بود رای	۸۵۸ ، ۱۲c
وزان بهره نیمی شب دیر	۳۳۱۶ ، ۴۳	ورایدونکه گم کرده دارند	۵۰۹ ، ۳۴
وزان بوشه بهرام شد تا	۲۱۱۹ ، ۴۳	ورایدونکه گویی که تو	۴۲۸ ، ۱۳g
وزان بیشه پویان برآه	۱۰۵۰ ، ۴۱	ورایدون که گویی مرو،	۲۲۵۱ ، ۱۳f
وزان بیشه تنها سراندر	۴۱۵ ، ۱۴	ورایدون که لشکر همه	۱۷۱۸ ، ۱۳f
وز آن بیشه کژدم جو	۱۲۲۴ ، ۲۰	ورایدون که مار از گردان	۱۷۸۸ ، ۱۳f

وز آن پس بتازیم نزدیک	۵۹۴ ، ۱۲c	وز آن پر گناهان زندان	۸۰۴ ، ۴۱
وز آن پس بتخت کیی بر	۲۴۷۱ ، ۱۳g	وز آن پس ابر میمنه حمله	۱۵۱۵ ، ۱۵
وز آن پس بجویم ز رستم	۴۹۶ ، ۱۳c	وز آن پس اسیران توران	۱۳۰۳ ، ۱۳e
وز آن پس بچین اندر آرد	۷ ، ۱۵	وز آن پس با آرام بنشست	۳۰۱۷ ، ۴۳
وز آن پس بخراد بر زین	۹۴۵ ، ۴۲	وز آن پس باغریرت آمد	۶۱۵ ، ۸
وز آن پس بخواری و خوب	۴۷۲ ، ۱۲d	وز آن پس بایران نمائیم	۵۴۱ ، ۱۳b
وز آن پس بخوان و میش	۳۹۴ ، ۲۲	وز آن پس ببازارگان	۱۰۹۲ ، ۴۳
وز آن پس بخوردن بیارا-	۱۷۰۹ ، ۳۵	وز آن پس بباشیم پیشش	۲۸۳۳ ، ۱۵
وز آن پس بخوردند چیزی	۳۲۰۶ ، ۱۳g	وز آن پس ببستند بر شاه	۳۴۱۵ ، ۴۱
وز آن پس بخوردن گرفت	۱۹۴۳ ، ۱۲d	وز آن پس ببستند پای	۱۷۱۰ ، ۴۲
وز آن پس بخون سیا و خش	۱۲۵۶ ، ۱۳f	وز آن پس ببلیخ اندر آمد	۱۱۳۴ ، ۱۵
وز آن پس بخون من آراستی	۳۰۲ ، ۱۳	وز آن پس ببندم کمر بر	۳۳۵۰ ، ۱۵
وز آن پس بدان کوه آواز	۱۲۷۹ ، ۱۳b	وز آن پس ببندوی و گستم	۱۱۶ ، ۴۳
وز آن پس بدستور پر ماه	۱۳۱۶ ، ۴۳	وز آن پس ببندوی و گستم	۱۹۷ ، ۴۳
وز آن پس بدور سم و رای	۳۵۵۵ ، ۴۱	وز آن پس ببهرام بهرام	۱۶۴۸ ، ۴۲
وز آن پس بدوز آن کجا	۱۸۰۴ ، ۷	وز آن پس ببهرام گفت ای	۲۰۳ ، ۳۵
وز آن پس بدو گفت چون	۱۷۵ ، ۱۲b	وز آن پس ببین تا چه آید	۲۸۸۲ ، ۴۳
وز آن پس بدو گفت رستم	۹۴۷ ، ۱۲	وز آن پس ببین تا که آید	۷۶۷ ، ۳۵
وز آن پس بدو گفت شاه	۷۸۸ ، ۲۰	وز آن پس ببیر سید از آن	۹۵۶ ، ۴۲
وز آن پس بدو گفت کای بد	۱۴۸۹ ، ۱۳	وز آن پس ببیر سید از پادشا	۲۶۵۵ ، ۴۱
وز آن پس بدو گفت کای تیره	۱۶۶۱ ، ۱۵	وز آن پس ببیر سید کز شهر یار	۸۷۲ ، ۵۰
وز آن پس بدو گفت کای شهر	۵۴ ، ۲۱	وز آن پس ببیر سید کز مهتر	۹۱۲ ، ۱۲c
وز آن پس بدو گفت کز	۸۷۳ ، ۱۲c	وز آن پس ببیر سید کسری	۲۵۸۳ ، ۴۱
وز آن پس بدو گفت یزدان	۳۳۵۷ ، ۴۳	وز آن پس ببیر سید و بنوا-	۴۳۲ ، ۴۲
وز آن پس بر آب زره	۱۷۸۳ ، ۱۳g	وز آن پس ببیر سید و پاسخ	۲۵۹ ، ۴۰
وز آن پس بر آراست هر	۴۴۶۲ ، ۱۵	وز آن پس ببیشش پر ستار	۴۰۰۲ ، ۱۵
وز آن پس بر آید در گاه	۴۵۹۵ ، ۴۱	وز آن پس ببوشم گران	۱۰۱۳ ، ۱۲e
وز آن پس بر آمد ز لشکر	۱۵۴۹ ، ۱۳g	وز آن پس ببیچد سوی	۲۰۹۴ ، ۱۲d
وز آن پس بر آمد یگی	۱۴۹۳ ، ۱۳g	وز آن پس ببیران چنین	۱۳۹۷ ، ۱۲d
وز آن پس بر آن بر نهادند	۷۹۲ ، ۱۳f		

وزان پس بر آن پندشاه	۲۸۵ ، ۳۴	وزان پس بر آن پندشاه	۲۸۵ ، ۳۴
وزان پس بر آن تیرگی	۲۵۳۰ ، ۱۳g	وزان پس بر آن تیرگی	۲۵۳۰ ، ۱۳g
وزان پس بر آن درایشان	۱۶۰۱ ، ۱۳b	وزان پس بر آن درایشان	۱۶۰۱ ، ۱۳b
وزان پس بر آن رزمگه	۹۴ ، ۱۸	وزان پس بر آن رزمگه	۹۴ ، ۱۸
وزان پس بر آن کس کنید	۱۰۱ ، ۳۵	وزان پس بر آن کس کنید	۱۰۱ ، ۳۵
وزان پس بر آن کشتگان	۲۴۲۳ ، ۱۳f	وزان پس بر آن کشتگان	۲۴۲۳ ، ۱۳f
وزان پس بر آن نام چندی	۳۱۹ ، ۳۰	وزان پس بر آن نام چندی	۳۱۹ ، ۳۰
وزان پس بر آوردن ایران	۱۸۱۶ ، ۱۳f	وزان پس بر آوردن ایران	۱۸۱۶ ، ۱۳f
وزان پس بر آوردن هومان	۴۱۳ ، ۱۳b	وزان پس بر آوردن هومان	۴۱۳ ، ۱۳b
وزان پس بر او آفرین	۱۱۹۲ ، ۱۲	وزان پس بر او آفرین	۱۱۹۲ ، ۱۲
وزان پس بر اهام را خواند	۲۴۹ ، ۳۵	وزان پس بر اهام را خواند	۲۴۹ ، ۳۵
وزان پس بر ایشان ببخشد	۴۳۹ ، ۳۵	وزان پس بر ایشان ببخشد	۴۳۹ ، ۳۵
وزان پس بر این شهر	۲۸۸۰ ، ۴۳	وزان پس بر این شهر	۲۸۸۰ ، ۴۳
وزان پس بر رفتند سوی	۱۳۳۱ ، ۱۳	وزان پس بر رفتند سوی	۱۳۳۱ ، ۱۳
وزان پس بر رفتند سیصد	۳۵۵۸ ، ۴۳	وزان پس بر رفتند سیصد	۳۵۵۸ ، ۴۳
وزان پس بروی سپه	۱۶۵۰ ، ۱۳f	وزان پس بروی سپه	۱۶۵۰ ، ۱۳f
وزان پس بزرگان شدند	۲۳۵۰ ، ۴۱	وزان پس بزرگان شدند	۲۳۵۰ ، ۴۱
وزان پس بسازیم سهراب	۲۵۲ ، ۱۲c	وزان پس بسازیم سهراب	۲۵۲ ، ۱۲c
وزان پس بسالار بیدار	۱۹۰ ، ۸	وزان پس بسالار بیدار	۱۹۰ ، ۸
وزان پس بسوی خراسان	۳۰۲۶ ، ۴۳	وزان پس بسوی خراسان	۳۰۲۶ ، ۴۳
وزان پس بسوی عماری	۱۶۳۵ ، ۴۳	وزان پس بسوی عماری	۱۶۳۵ ، ۴۳
وزان پس بسی نامور بی	۲۲۵۴ ، ۱۲d	وزان پس بسی نامور بی	۲۲۵۴ ، ۱۲d
وزان پس بشادی و می دست	۱۲۰۱ ، ۱۲	وزان پس بشادی و می دست	۱۲۰۱ ، ۱۲
وزان پس بشد روشنگ	۱۹۸۳ ، ۲۰	وزان پس بشد روشنگ	۱۹۸۳ ، ۲۰
وزان پس بشمشیر یازید	۲۴۸۸ ، ۴۳	وزان پس بشمشیر یازید	۲۴۸۸ ، ۴۳
وزان پس بشمشیر یازیم	۲۶ ، ۷	وزان پس بشمشیر یازیم	۲۶ ، ۷
وزان پس بشیرین فرستاد	۵۴۴ ، ۴۴	وزان پس بشیرین فرستاد	۵۴۴ ، ۴۴
وزان پس بفرزانه خوبش	۲۰۷۳ ، ۳۵	وزان پس بفرزانه خوبش	۲۰۷۳ ، ۳۵
وزان پس بفرمود افرای	۴۰۵ ، ۸	وزان پس بفرمود افرای	۴۰۵ ، ۸
وزان پس بفرمود بهرام	۱۲۸۱ ، ۱۲d	وزان پس بفرمود بهرام	۱۲۸۱ ، ۱۲d
وزان پس بفرمود بیدار	۲۰۴۹ ، ۱۳g	وزان پس بفرمود بیدار	۲۰۴۹ ، ۱۳g
وزان پس بفرمود تا تارجمان	۷۲۴ ، ۱۳f	وزان پس بفرمود تا تارجمان	۷۲۴ ، ۱۳f
وزان پس بفرمود تا سار	۱۵۰۳ ، ۱۵	وزان پس بفرمود تا سار	۱۵۰۳ ، ۱۵
وزان پس بفرمود تا شد	۱۶۸۸ ، ۲۰	وزان پس بفرمود تا شد	۱۶۸۸ ، ۲۰
وزان پس بفرمود تا کهنتر	۱۲۶۱ ، ۲۰	وزان پس بفرمود تا کهنتر	۱۲۶۱ ، ۲۰
وزان پس بفرمود تا گرگ	۱۶۵۹ ، ۱۵	وزان پس بفرمود تا گرگ	۱۶۵۹ ، ۱۵
وزان پس بفرمود تا گرگ	۱۹۱۵ ، ۱۵	وزان پس بفرمود تا گرگ	۱۹۱۵ ، ۱۵
وزان پس بفرمود تا هر چه	۹۹۳ ، ۱۳c	وزان پس بفرمود تا هر چه	۹۹۳ ، ۱۳c
وزان پس بفرمود رهام	۱۵۰۹ ، ۱۳	وزان پس بفرمود رهام	۱۵۰۹ ، ۱۳
وزان پس بفرمود شاه جهان	۱۰۴۹ ، ۱۳g	وزان پس بفرمود شاه جهان	۱۰۴۹ ، ۱۳g
وزان پس بفرمود کان جام	۴۸۰ ، ۲۰	وزان پس بفرمود کان جام	۴۸۰ ، ۲۰
وزان پس بکافید مو بر	۳۶۴ ، ۳۴	وزان پس بکافید مو بر	۳۶۴ ، ۳۴
وزان پس بکاوس گوینده	۱۱۵ ، ۱۲b	وزان پس بکاوس گوینده	۱۱۵ ، ۱۲b
وزان پس بکشتش بیاران	۳۵۳ ، ۴۰	وزان پس بکشتش بیاران	۳۵۳ ، ۴۰
وزان پس بکین سیامک	۵۴ ، ۱	وزان پس بکین سیامک	۵۴ ، ۱
وزان پس بکین سیاوش	۱۶۸۱ ، ۱۳f	وزان پس بکین سیاوش	۱۶۸۱ ، ۱۳f
وزان پس بگردان چنین	۳۸ ، ۱۳d	وزان پس بگردان چنین	۳۸ ، ۱۳d
وزان پس بگردد جهان	۳۳۹ ، ۱۲	وزان پس بگردد جهان	۳۳۹ ، ۱۲
وزان پس بگردنکشان	۵۹۵ ، ۱۳f	وزان پس بگردنکشان	۵۹۵ ، ۱۳f
وزان پس بگستهم گزدهم	۱۹۷ ، ۱۳g	وزان پس بگستهم گزدهم	۱۹۷ ، ۱۳g
وزان پس بگفت آنچه در	۸۰۳ ، ۱۲d	وزان پس بگفت آنچه در	۸۰۳ ، ۱۲d
وزان پس بگفتا که گوهر	۱۱۰۷ ، ۳۵	وزان پس بگفتا که گوهر	۱۱۰۷ ، ۳۵
وزان پس بگنجور فرمود	۲۶۱ ، ۱۳	وزان پس بگنجور فرمود	۲۶۱ ، ۱۳
وزان پس بگویم بکی خسرو	۱۰۹ ، ۱۳c	وزان پس بگویم بکی خسرو	۱۰۹ ، ۱۳c
وزان پس بلشکر بفرمود	۱۴۷۵ ، ۱۳g	وزان پس بلشکر بفرمود	۱۴۷۵ ، ۱۳g
وزان پس بلشکر چنین	۱۳۸۵ ، ۱۲c	وزان پس بلشکر چنین	۱۳۸۵ ، ۱۲c
وزان پس بلشکر سراسر	۷۷۳ ، ۱۲b	وزان پس بلشکر سراسر	۷۷۳ ، ۱۲b
وزان پس بمالید بر خاک	۱۰۷۰ ، ۱۲	وزان پس بمالید بر خاک	۱۰۷۰ ، ۱۲
وزان پس بمغز اندر افکند	۱۱۵۰ ، ۱۲e	وزان پس بمغز اندر افکند	۱۱۵۰ ، ۱۲e

وز آن پس پراکنده گشت *	۳۰ ، ۲۳	وز آن پس بنخچیر شد	۲۶۷ ، ۴۲
وز آن پس پراکنده گشت *	۱۹۵۷ ، ۷	وز آن پس بهامون نهادند	۱۸۵۱ ، ۱۳۴
وز آن پس پراکنده گشت *	۴۳ ، ۲۰	وز آن پس بهر موبدی	۲۵۹۹ ، ۲۵
وز آن پس پرستنده ماهرو	۱۵۹۸ ، ۴۳	وز آن پس بیابی همه کام	۳۵ ، ۴۵
وز آن پس تن بیهنر خاک	۵۶ ، ۱۳g	وز آن پس بیاراست ایوان	۱۷۱۴ ، ۱۲d
وز آن پس تن رخس را بر	۴۶۰۲ ، ۱۵	وز آن پس بیاراست لیرا	۳۳۲۳ ، ۴۱
وز آن پس تن من نهید	۱۸۸۷ ، ۲۰	وز آن پس بیاراست یک	۶۸۲ ، ۸
وز آن پس توپیکار پر موده	۱۰۵۴ ، ۴۲	وز آن پس بیازید چون	۱۵۱۰ ، ۱۳c
وز آن پس تهمن یکی	۱۱۰۵ ، ۱۲	وز آن پس بیامد بایوان	۳۸۸۳ ، ۴۳
وز آن پس جوان و خرد	۲۹۱۴ ، ۴۳	وز آن پس بیامد پرده	۱۵۷۹ ، ۱۵
وز آن پس جهان دیدگان	۳۷ ، ۶	وز آن پس بیامد بر ارد-	۳۸۷ ، ۲۱
وز آن پس جهان یکسر	۶ ، ۲	وز آن پس بیامد بر شهر	۱۲۰ ، ۱۲d
وز آن پس چنان بد که افرا-	۲۲۴۹ ، ۱۳g	وز آن پس بیامد بسالار	۳۲۰ ، ۱۳۴
وز آن پس چنان بد که شاه	۱۷۳ ، ۲۱	وز آن پس بیامد بشادی	۱۵۰۱ ، ۱۳g
وز آن پس چنین گفت افرا-	۱۳۸۲ ، ۱۲d	وز آن پس بیامد بنزدیک	۶۹۳ ، ۱۲d
وز آن پس چنین گفت با پیل	۸۵۰ ، ۱۳b	وز آن پس بیامد خرامان	۱۸۳۸ ، ۱۳g
وز آن پس چنین گفت با دل	۱۸۷۶ ، ۱۲d	وز آن پس بیامد دبیر	۹۷۳ ، ۴۲
وز آن پس چنین گفت باره	۳۰۲۳ ، ۴۳	وز آن پس بیامد در دژ	۵۸۷ ، ۱۳
وز آن پس چنین گفت با سر	۷۸۶ ، ۱۳	وز آن پس بیامد دمان	۱۹۷۹ ، ۲۰
وز آن پس چنین گفت با سر	۱۷۱ ، ۴۳	وز آن پس بیامد سوی *	۸۸۲ ، ۴۲
وز آن پس چنین گفت با شهر	۱۶۰۹ ، ۱۳c	وز آن پس بیامد سوی *	۲۷۵۳ ، ۱۵
وز آن پس چنین گفت با کد-	۱۰۹ ، ۲۲	وز آن پس بیامد عنوشان	۱۱۵۰ ، ۱۳g
وز آن پس چنین گفت با کد-	۷۵۹ ، ۳۵	وز آن پس بیامد یل رهنما	۱۷۵۴ ، ۱۵
وز آن پس چنین گفت با موبد	۱۸۴۵ ، ۳۵	وز آن پس بیاورد جام	۸۳۸ ، ۳۵
وز آن پس چنین گفت با مهتر	۸۹۷ ، ۴۲	وز آن پس بیاورد چندان	۱۵۹۲ ، ۴۳
وز آن پس چنین گفت شاه	۲۴۷۸ ، ۱۳g	وز آن پس بیاورد اشکر	۲۰۳ ، ۴۰
وز آن پس چنین گفت کاسف-	۲۸۹۹ ، ۱۵	وز آن پس پر آشوب گردد	۲۱۸ ، ۴۲
وز آن پس چنین گفت کای	۱۰ ، ۲۶		

(*) ستاره در سطر اول ستون اول بجای « میمنه » و در دوم بجای « هیرمند »

و در سطر اول ستون دوم بجای « آگهی » و در سطر دوم و سوم بجای « انجمن » آمده است .

۱۳c	۱۰۰۱	وز آن پس چنین گفت کای پهلو	۴۳	۲۸۳۸	وز آن پس چون نوبت بنخاتو-
۱۳c	۱۲۰۲	وز آن پس چنین گفت کایدرد	۱۳	۱۶۹۵	وز آن پس جوهر دوسپه
۱۲d	۲۴۷۷	وز آن پس چنین گفت کای شهر	۱۳	۱۱۸۹	وز آن پس خبر شد با فرا-
۱۳g	۵۲۶	وز آن پس چنین گفت کاین	۳۵	۴۶۴	وز آن پس فروش آمد از جشن
۸	۶۴۳	وز آن پس چنین گفت کای یاور	۱۳۴	۲۵۱۳	وز آن پس فروش آمد از دید
۱۳b	۱۳۵۷	وز آن پس چنین گفت کز	۲۲	۲۵۹	وز آن پس خروشی بر آورد
۱۲d	۹۱۳	وز آن پس چنین گفت کز	۱۲c	۱۰۲۲	وز آن پس خروشید سهراب
۴۶	۲۸	وز آن پس چنین گفت کهتر	۱۳c	۱۳۹۶	وز آن پس خروشیدن و ناله
۱۳g	۹۲۰	وز آن پس جو آگاهی آمد	۴۳	۲۳۲۱	وز آن پس دوا یوان بیارا-
۳۴	۲۳۵	وز آن پس جو آگاهی آمد	۳۵	۶۹	وز آن پس در گنج بکشاد
۱۳b	۱۲۲۰	وز آن پس جو آگاهی آمد	۴۴	۱۴۴	وز آن پس دگر باره باز
۴۱	۳۳۵۲	وز آن پس جو آمد بدو	۲۲	۱۵۱	وز آن پس دگر میخ در
۱۵	۲۸۰۰	وز آن پس جو ار جاسپ آمد	۱۳g	۷۵۷	وز آن پس دلیران افراسیاب-
۴۱	۲۳۵۷	وز آن پس جو ار جاسپ شد	۱۳g	۱۹۵۶	وز آن پس دلیران پر خاش
۱۳	۶۴	وز آن پس جو از تخت بر	۱۲c	۱۰۲۰	وز آن پس دلیران شدند
۴۱	۱۹۵۲	وز آن پس جو بنشست با	۱۲c	۱۰۱۶	وز آن پس دمان شد بپرده
E	۵۷	وز آن پس جو جنبنده آمد	۷	۱۳۳۳	وز آن پس دوان دست کرده
۳۳	۲۸۵۷	وز آن پس جو خاقان	E	۴۳	وز آن پس آرام سردی
۴۳	۱۵۸۶	وز آن پس جو دانست کامد	۳۴	۶۴۱	وز آن پس زایرانیا نش
۱۳b	۱۰۳۸	وز آن پس جو روزی	۷	۱۵۴۳	وز آن پس زبان را بپاسخ
۱۵	۱۶۸۳	وز آن پس جو رو بین دژ	۷	۲۱۶۶	وز آن پس زترکان بیاید
۱۳	۴۶۴	وز آن پس جو سام یل آمد	۴۲	۱۵۸	وز آن پس زمن هر چه
۲۰	۳۰۷	وز آن پس جو فرماید	۴۱	۲۳۷۱	وز آن پس زهپتال ترک و
۴۳	۳۰۴۴	وز آن پس جو گردوی شد	۱۳۴	۱۷۹۳	وز آن پس زهم روی بر
۱۲d	۷۴۵	وز آن پس جو گرسبوز	۱۸	۱۶	وز آن پس زهند و ستان وز
۳۵	۱۴۸۸	وز آن پس جو گفتار هاشد	۸	۵۷۵	وز آن پس سیه دار ترکان
۱۳c	۱۱۷۸	وز آن پس جو گودرزو	۳۰	۵۷۸	وز آن پس سوی کشور خور
۱۳۴	۲۳۷۰	وز آن پس جو مرگ آیدم	۶	۲۷۱	وز آن پس سه فرزند خود
۴۱	۲۳۶۰	وز آن پس جو نرسی سیه دار	۱۲d	۲۴۲۳	وز آن پس سیا و خش آزاد
۶	۳۰۹	وز آن پس چون نوبت با یرج	۱۳۴	۱۴۰۴	وز آن پس شنیدم یکی بد

وز آن پس شود شهریاری	۱۸۶ ، ۲۱	۷	۲۱۵۶ ،	وز آن پس که بر دم بسی درد
وز آن پس شهنشاه یزدان	۲۳۸۴ ، ۴۱	۱۵	۴۳۷ ،	وز آن پس که پرسید فرخنده
وز آن پس غم و شادی یزد	۳۱۵ ، ۳۴	۱۵	۴۱۸۸ ،	وز آن پس که پوشید روشن
وز آن پس فرستاد اندر	۲۶۴ ، ۳۴	۱۲e	۱۳۲۰ ،	وز آن پس که پیران بیامد
وز آن پس فرستاد کار آگه	۹۲ ، ۳۵	۱۲d	۱۱۱۸ ،	وز آن پس که داند کزین
وز آن پس فرستاد کسها	۱۶ ، ۱۴	۱۳f	۱۱۳۵ ،	وز آن پس که داند که پیروز
وز آن پس فرستاد نزد	۴۱ ، ۳۴	۴۱	۴۱۷۹ ،	وز آن پس که سستی گمانی
وز آن پس فرستاده را پیش	۱۸۴۹ ، ۷	۱۳f	۵۲۶ ،	وز آن پس که سوگند
وز آن پس فرستاده را شاه	۳۱۷ ، ۲۰	۱۵	۳۳۰۶ ،	وز آن پس که شد سوی
وز آن پس فرستاده را گفت	۳۷۱۱ ، ۴۱	۱۳g	۱۲۴۱ ،	وز آن پس که گشتم ز مادر
وز آن پس فرستیم یک یک	۳۰۳۵ ، ۴۱	۱۵	۳۲۷۳ ،	وز آن پس که ما را با گفت
وز آن پس فرود آمد از	۱۹۰۸ ، ۷	۱۳e	۷۱۳ ،	وز آن پس که نامه برستم
وز آن پس فریبرز داماد	۸۵۹ ، ۱۳b	۱۸	۱۲۷ ،	وز آن پس که ناهید نزد
وز آن پس فریدون بگرد	۴۳ ، ۶	۱۳f	۱۸۱۸ ،	وز آن پس که نزد تو
وز آن پس کجا آفرین ^۴	۹ ، ۳۵	۱۶	۱۱۰ ،	وز آن پس کی نامدار ارد-
وز آن پس کجا بر گشایند	۷۷ ، ۵۰	۱۳	۷۴۳ ،	وز آن پس گرازان پیش
وز آن پس کجا رزم کاموس	۲۹۸۵ ، ۱۳g	۲۰	۱۰۳۷ ،	وز آن پس گرامی دو فرزند
وز آن پس کجا رزمکه	۹۵۱ ، ۱۳f	۱۲d	۱۲۸۹ ،	وز آن پس گرانمایگان را
وز آن پس کجا گیو از	۱۶۷۴ ، ۱۳f	۱۲e	۸۷۹ ،	وز آن پس گرفتندش اندر
وز آن پس کز ایشان بپردا-	۱۸۲۳ ، ۱۳g	۱۳f	۲۴۵۲ ،	وز آن پس گروی زره را
وز آن پس کمان بر گرفتند	۲۰۱۶ ، ۱۳f	۱۳g	۳۲۹ ،	وز آن پس گزید از یلان
وز آن پس کند یاد بر شهر	۳۵۴۱ ، ۴۳	۴۱	۲۹۶۲ ،	وز آن پس گزیده بزرگان
وز آن پس کنی رزم با	۳۰۴ ، ۲۱	۱۲e	۱۲۵۷ ،	وز آن پس گسی کرد بانو
وز آن پس که آن کرده	۱۱۶۶ ، ۱۳f	۲۰	۸۸۹ ،	وز آن پس گسی کرد کسها
وز آن پس که آورد گیوم	۵۴۲ ، ۱۳	۳۰	۵۴۸ ،	وز آن پس گسی کرد و
وز آن پس که ارجاسب آمد	۲۵۹۱ ، ۱۵	۴۳	۳۹۳۴ ،	وز آن پس گنه کار گریب
وز آن پس که اندر بیابان	۱۹۲۸ ، ۱۵	۴۲	۱۰۰۹ ،	وز آن پس گوان را بر
وز آن پس که او شد بها ماور	۱۶۹۳ ، ۴۲	۱۳b	۸۳۷ ،	وز آن پس گوپیلتن بهلو
وز آن پس که این کرده با	۱۱۵۸ ، ۱۳f	۱۳c	۲۶۳ ،	وز آن پس مرا بیم جان
وز آن پس که این یک یک	۴۴۶ ، ۳۰	۱۲d	۲۱۰۳ ،	وز آن پس مرا اورا بسی

وز آن پس مگر خاک را	۷۸۲ ، ۱۲	وز آن پس همی جست بی	۱۲۶۷ ، ۲۰
وز آن پس منوچهر عهدی	۲۹۷ ، ۷	وز آن پس همی خوان و	۱۳۰۰ ، ۱۳
وز آن پس نبرد زندگانیش	۲۳۲ ، ۴۲	وز آن پس هنرها چو کردی	۲۲۶ ، ۳۴
وز آن پس ندانم چه آید	۹۴۹ ، ۱۲e	وز آن پس هیونرا بر انگیز	۱۷۸ ، ۳۴
وز آن پس نشان تهمتین	۶۷۸ ، ۱۳e	وز آن پس یکی انجمن	۵۴ ، ۱۲
وز آن پس نشست از بر تازی	۹۰ ، ۴۲	وز آن پس یکی با تو	۱۷۸۱ ، ۱۳
وز آن پس نشستند بی	۲۲۲۶ ، ۱۳g	وز آن پس یکی چاره ای	۲۱ ، ۵
وز آن پس نگر تا چه دارد	۴۶۹ ، ۳۴	وز آن پس یکی روشنی بر	۱۵۴۹ ، ۱۲e
وز آن پس نگه کرد جای	۳۲۸ ، ۱۳f	وز آن پس یکی شاه خیزد	۳۹۲ ، ۴۲
وز آن پس نهادیم مهری	۱۶۷ ، ۴۴	وز آن پس یکی کوه بینی	۱۷۹۰ ، ۱۲d
وز آن پس نیا دست اورا	۱۵۹۶ ، ۱۲e	وز آن پس یکی گنج آرا -	۲۲۷۸ ، ۴۱
وز آن پس ورا گفت مندیش	۹۸۲ ، ۱۲	وز آن پس یکی مرد بر پشت	۳۵۲ ، ۲۲
وز آن پس هجیر سپهبدش	۹۴۰ ، ۱۲c	وز آن پس یکی نیز نگشاد	۱۶۱۶ ، ۲۰
وز آن پس هر آنکس که	۳۱۱۰ ، ۱۳g	وز آن پس یلان را بسه بهره	۲۲۶۹ ، ۱۵
وز آن پس هر آنکس که	۲۷۱۴ ، ۱۳g	وز آن پس یلان را همه بر	۳۴۲ ، ۱۳g
وز آن پس هر آنکس که	۶۵۶ ، ۳۴	وز آن پس یلان راهمه هم	۵۷۲ ، ۱۳g
وز آن پس هم آموز گارش	۲۹۳۸ ، ۴۱	وز آن پس یلان سینه را	۱۶۴۱ ، ۴۲
وز آن پس همان شب بفرمود	۱۴۱۵ ، ۱۲d	وز آن تخت زرین بایوان	۲۰۹۹ ، ۱۲d
وز آن پس همان کن که	۱۰۰۳ ، ۷	وز آنجا بایران نهادند	۱۶۷۸ ، ۱۳f
وز آن پس همه بخردان را	۳۰۰۵ ، ۴۱	وز آنجا بایران نهادیم	۵۰۶ ، ۱۳c
وز آن پس همه پیش مرگ	۲۳۶۳ ، ۱۵	وز آنجا بایوان آن بی	۴۲۹ ، ۱۳e
وز آن پس همه تن بکشتن	۲۱ ، ۱۳c	وز آنجا بایوان آن دختر	۴۴۰ ، ۱۳e
وز آن پس همه جنگجوی	۱۱۷۹ ، ۶	وز آنجا بایوان داستان سام	۲۱۱۶ ، ۷
وز آن پس همه خواسته	۱۸۱۴ ، ۱۳g	وز آنجا بایوان رستم شد	۷۲۲ ، ۱۳e
وز آن پس همه رای با او	۳۵۸ ، ۴۰	وز آنجا بایوان شاه آمد	۲۰۳ ، ۱۳d
وز آن پس همه شادمانی	۲۶۰۲ ، ۱۳g	وز آنجا بایوان شاه آمد	۲۴۸۲ ، ۱۵
وز آن پس همه فیله و فان	۸۴ ، ۱۸	وز آنجا بایوان نهادند	۱۳۴ ، ۱۱
وز آن پس همه کارداران او	۲۹۴ ، ۲۲	وز آنجا بدستوری یکدگر	۸۰۳ ، ۱۳f
وز آن پس همه گربکان را	۳۲۵۰ ، ۴۳	وز آنجا برانگه تخت شبرنگ	۹۱۰ ، ۳۵
وز آن پس همه گنج شاه	۲۹۷ ، ۱۲	وز آنجا بر رفتند هر دو	۲۱۹۶ ، ۱۳f
وز آن همه نامداران شهر	۵۰۹ ، ۵		

وز آنجا بیامد سوی مرز	۹۱۷ ، ۱۳g	وز آنجا بروین دژ آید	۱۹۳۴ ، ۱۵
وز آنجا خروشی بر آورد	۴۷۲ ، ۱۳f	وز آنجا بزد اسپ و بر	۶۲۳ ، ۱۳f
وز آنجا دلاور بهامون	۲۳۱۹ ، ۱۵	وز آنجا بشد تازیان پیش	۷۴۱ ، ۱۳c
وز آنجا دمان پیش کاموس	۱۳۸۶ ، ۱۳b	وز آنجا بشهر بخارا کشید	۲۱۶۵ ، ۱۳g
وز آنجا دمان سوی سالار	۸۶۵ ، ۱۳f	وز آنجا بفرمود تا پاسبان	۲۳۱۶ ، ۱۵
وز آنجا دمان گردن افراخ-	۷۴۲ ، ۱۳f	وز آنجا بقلب سپه بر	۴۹۲ ، ۱۳f
وز آنجا دوان کاندرا یوان	۳۶۸ ، ۵	وز آنجا بکاخ اندر آمد دژم	۹۳۲ ، ۷
وز آنجا دوان هم بکردار	۷۰۱ ، ۱۳f	وز آنجا بکار سیاوش رسید	۱۹۶۰ ، ۱۲d
وز آنجا سوی پارس اندر	۲۸۴ ، ۱۱	وز آنجا بمشکوی زرین	۹۴۳ ، ۳۵
وز آنجا سوی پارس بنهاد	۱۵۸۱ ، ۱۲e	وز آنجا بنزدیک قیصر	۱۴۹۹ ، ۴۳
وز آنجا سوی دامغان بر	۲۱۸۲ ، ۱۳g	وز آنجا بنوش آذر اندر	۱۱۵۲ ، ۱۵
وز آنجا سوی دیو فرسنگ	۶۱۸ ، ۱۲	وز آنجا بیامد به پرده سرا	۲۰۸۶ ، ۱۵
وز آنجا سوی راه بنهاد	۵۵۱ ، ۱۲	وز آنجا بیامد بجای نشست	۲۲۸ ، ۱۳
وز آنجا سوی روشنایی	۵۵۶ ، ۱۲	وز آنجا بیامد بجای نشست	۱۰۹۹ ، ۳۵
وز آنجا سوی زابلستان شود	۲۳۱ ، ۷	وز آنجا بیامد بجای نماز	۲۵۴۰ ، ۱۳f
وز آنجا سوی زابلستان کشید	۱۵۴ ، ۱۲c	وز آنجا بیامد بدان جای	۱۴۰۳ ، ۱۵
وز آنجا سوی شهر ایران	۴۶۳ ، ۱۳e	وز آنجا بیامد بکردار دود	۴۷۵ ، ۲۱
وز آنجا سوی شهر دیگر	۸۷ ، ۱۳	وز آنجا بیامد بکردار گرد	۲۳۸۸ ، ۱۳f
وز آنجا سوی قلب لشکر	۱۷۴۰ ، ۱۳	وز آنجا بیامد بلشکر چو	۲۹۷ ، ۱۳c
وز آنجا سوی کاخ رفتند	۱۵۹۳ ، ۱۲e	وز آنجا بیامد بنزدیک شاه	۵۳۷ ، ۱۳e
وز آنجا سوی گسته تازی	۲۳۹۳ ، ۱۳f	وز آنجا بیامد بیابان	۱۳۷۹ ، ۱۳g
وز آنجا ش گردون برد	۱۳۴۸ ، ۱۳e	وز آنجا بیامد چو سرو	۱۰۰۱ ، ۱۳f
وز آنجا کجا نامه پهلوان	۱۰۲۰ ، ۴۲	وز آنجا بیامد خردمند	۶۸۲ ، ۳۴
وز آنجا کشیدن سوی زاو	۳۰۱ ، ۸	وز آنجا بیامد دلی پرز	۹۳۸ ، ۱۳
وز آنجا همانکه بیچم	۱۷۵ ، ۱۳e	وز آنجا بیامد دمان و	۱۴۰۴ ، ۲۰
وز آنجا هونی بسان نوند	۸۵۷ ، ۱۳f	وز آنجا بیامد سوی تاج	۱۶۸۶ ، ۱۳g
وز آنجا جای باچاکر و یار	۱۳۴۶ ، ۱۵	وز آنجا بیامد سوی خانه	۶۶۰ ، ۱۳e
وز آنجا بر گشت دلشاد	۲۱۰۹ ، ۷	وز آنجا بیامد سوی شاه	۲۱۹۱ ، ۳۵
وز آنجا تاریک چندان	۱۴۲۲ ، ۲۰	وز آنجا بیامد سوی طیب-	۲۴۳۴ ، ۴۱
وز آنجا یکی تیز پی بر	۱۷۷۶ ، ۱۴	وز آنجا بیامد سوی طیب-	۴۳۷۹ ، ۴۱
وز آنجا یکه اسپ اوبی	۲۳۷۹ ، ۱۳f		
وز آنجا یکه بادلی پر زخم	۷۴۳ ، ۱۳g		

وز آنجایکه بارگی بر	۲۰۶۵ ، ۱۵	وز آنجایکه بارگی بر	۶۴۹ ، ۱۳c
وز آنجایکه بازگشتندشاد	۱۷۲۴ ، ۱۲d	وز آنجایکه بازگشتندشاد	۸۳۹ ، ۱۲c
وز آنجایکه بازگشتندشاد	۷۵۵ ، ۱۴	وز آنجایکه روی برگاشتند	۷۴۶ ، ۱۳f
وز آنجایکه بازگشتندشاد	۲۴۱ ، ۱۷	وز آنجایکه ساروان را	۲۱۰۲ ، ۱۵
وز آنجایکه با سواران	۱۶۵۹ ، ۴۳	وز آنجایکه ساز ایران	۶۸ ، ۱۹
وز آنجایکه بانگ صنج	۳۴ ، ۱۲b	وز آن جایکه سر بر رفتن	۲۱۷۱ ، ۱۳g
وز آنجایکه بر خروشید	۷۲۶ ، ۱۳c	وز آنجایکه سوی ایران*	۱۳۸۰ ، ۱۳
وز آنجایکه پیش خاقان	۱۴۰۳ ، ۱۳b	وز آنجایکه سوی ایران*	۲۴۶۹ ، ۱۵
وز آنجایکه پیلتن باز	۴۱۹ ، ۱۲e	وز آنجایکه سوی ایوان*	۱۵۲۹ ، ۱۲d
وز آنجایکه تابدان رزم	۱۷۴۹ ، ۱۳	وز آنجایکه سوی ایوان*	۶۷۲ ، ۱۴
وز آنجایکه تابنزد سپاه	۱۶۴۶ ، ۱۳	وز آنجایکه سوی بالادوان	۲۳۸۲ ، ۱۳f
وز آنجایکه تنگ بسته	۳۱۲۸ ، ۱۳g	وز آنجایکه سوی دیو	۷۲۶ ، ۱۲
وز آنجایکه تیز برداشتند	۱۳۰۲ ، ۲۰	وز آنجایکه سوی شاه آمد	۵۳ ، ۱۳
وز آنجایکه تیز لشکر	۱۰۸۵ ، ۱۳c	وز آنجایکه سوی کاخ باند	۱۵۰۳ ، ۱۲d
وز آنجایکه تیز لشکر	۷۱۱ ، ۲۰	وز آنجایکه سوی کیلان	۳۹۳ ، ۴۱
وز آنجایکه تیز لشکر	۱۲۴۸ ، ۲۰	وز آنجایکه سوی نخبچیر	۱۷۱۰ ، ۴۱
وز آنجایکه تیز لشکر	۱۵۷۸ ، ۲۰	وز آنجایکه شاد دل بر	۳۹۴۷ ، ۱۵
وز آنجایکه تیز لشکر	۳۳۴۲ ، ۴۱	وز آنجایکه شاد دل خوش	۱۱۹ ، ۳۸
وز آنجایکه جنگ دشمن	۶۴۱ ، ۵۰	وز آنجایکه شاد گشتند	۱۲۸۴ ، ۱۲e
وز آنجایکه چون فریدون	۲۹۸ ، ۵۰	وز آنجایکه شاد لشکر	۱۴۳۱ ، ۲۰
وز آنجایکه خواسته بر	۲۴۶۲ ، ۱۵	وز آنجایکه شاد و خرم	۵۹۰ ، ۱۴
وز آنجایکه خواسته هر چه	۲۱۵۶ ، ۱۳g	وز آنجایکه شاه خورشید	۱۲۳۰ ، ۲۰
وز آنجایکه خیره شد نا	۱۳۷۵ ، ۱۳g	وز آنجایکه شاه لشکر	۱۵۵۱ ، ۱۲c
وز آنجایکه رخس رابر	۳۰۸۸ ، ۱۵	وز آنجایکه شاه لشکر	۳۶۲ ، ۴۱
وز آنجایکه رفت به بهشت	۱۴۹۵ ، ۱۳g	وز آنجایکه شد با آورد گاه	۱۵۳۹ ، ۱۵
وز آنجایکه رفت به بهشت	۱۶۹۱ ، ۱۳g	وز آنجایکه شد با ندیوشهر	۲۲۴۴ ، ۴۳
وز آنجایکه رفت پیروزو	۷۱۲ ، ۲۱f	وز آنجایکه شد با ایوان	۳۱۹ ، ۴۰

(*) ستاره در سطر اول بجای « سپاه » و در دوم بجای « کشید » و در

سوم بجای « شاه » و در چهارم بجای « گذشت » آمده است .

وز آنجا یکه شد پیرده سرا	۳۳۱ ، ۲۱	وز آنجا یکه اشکر اندر	۴۰۴۱ ، ۴۳
وز آنجا یکه شد پیرده سرا	۲۱۲۸ ، ۴۳	وز آنجا یکه من شوم سوی	۷۵۶ ، ۴۲
وز آنجا یکه شد پیش پدر	۶۶۲ ، ۴۳	وز آنجا یکه ناله گاودم	۷۲۲ ، ۴۱
وز آنجا یکه شد بدان	۵۲۰ ، ۱۳c	وز آنجا یکه نزد افراسیاب	۱۹۵۷ ، ۱۲d
وز آنجا یکه شد بدشت	۳۵۹۵ ، ۴۳	وز آنجا یکه نزد کاموس	۱۵۴۸ ، ۱۳b
وز آنجا یکه شد بر تخت	۶۶۴ ، ۲۰	وز آن جنبش تیز بهرام	۱۵۱۰ ، ۳۵
وز آنجا یکه شد بر هام	۳۲۹ ، ۳۵	وز آن جنگسازان افر-	۳۳۲ ، ۱۳f
وز آنجا یکه شد بشهر یمن	۱۷۵۴ ، ۲۰	وز آن جنگ و آن چاره	۹۹۲ ، ۴۲
وز آنجا یکه شد بشیر و	۲۷۹۶ ، ۱۲d	وز آن چاره جستن بدان	۱۶۷۷ ، ۴۳
وز آنجا یکه شد بنزد پدر	۱۳۹۱ ، ۱۳	وز آن چاره هایی که من	۲۴۰۴ ، ۱۵
وز آنجا یکه شد بنزدیک	۲۴۹۰ ، ۳۵	وز آن جو بهشت برین	۱۰۳۵ ، ۷
وز آنجا یکه شد سوی پارس	۱۳۴ ، ۳۰	وز آن خسروانی زره یاد	۶۷۰ ، ۱۳f
وز آنجا یکه شد سوی تخت	۱۴۹ ، ۱۳	وز آن خلعتی کامد اورا	۱۷۹۶ ، ۴۲
وز آنجا یکه شد سوی تخت	۱۸۶۸ ، ۱۳g	وز آن خواسته کوتبه کرد	۸۲۲ ، ۴۱
وز آنجا یکه شد سوی جنگ	۶۳۵ ، ۲۱	وز آن خواسته نیز کآورده	۳۴۷۵ ، ۴۱
وز آنجا یکه شد سوی ساره	۶۲۱ ، ۴۲	وز آن خوردنیهای خرداد	۸۰ ، ۴۱
وز آنجا یکه شد سوی طیسفو-	۷۱۵ ، ۲۱	وز آن خیمه نامداران	۳۹۱ ، ۳۰
وز آنجا یکه شد سوی طیسفو-	۱۶۴۸ ، ۳۵	وز آن دژ برفتند سوی	۱۳۴۰ ، ۱۳
وز آنجا یکه شد سوی قلب	۸۸۴ ، ۴۲	وز آن دشت بیبر بر	۱۶۹۳ ، ۴۳
وز آنجا یکه شد سوی گنج	۵۷۹ ، ۳۵	وز آن دشت گریان سر	۱۴۱۶ ، ۱۵
وز آنجا یکه شد سوی میسره	۶۶۲ ، ۱۳c	وز آن دشمنان کشته بد	۸۱۱ ، ۱۵
وز آنجا یکه شد سوی میمنه	۲۱۱ ، ۱۷	وز آن دورتر آرش رزم	۱۳۲ ، ۱۳g
وز آنجا یکه شد سوی میمنه	۱۸۹۸ ، ۴۳	وز آن دیر چون برق رخشان	۱۱۸۸ ، ۴۳
وز آنجا یکه کوس بر پیل	۶۷۷ ، ۱۲d	وز آن رزم جایی فتد دور	۱۱۵۶ ، ۴۳
وز آنجا یکه کرد لشکر	۱۵۹۱ ، ۱۳b	وز آن رزمهایی که از پیش	۱۵۹۷ ، ۱۳c
وز آنجا یکه گردن افراخته	۹۳۸ ، ۱۳g	وز آن رستمی از دهافتن	۱۲۴۹ ، ۱۳e
وز آنجا یکه لشکر اندر	۱۰۸۷ ، ۱۳c	وز آن رفتن گور و آن راه	۱۵۴۵ ، ۴۲
وز آنجا یکه لشکر اندر	۱۲۱۶ ، ۲۰	وز آن رفتن کار نوذر	۹۲ ، ۸
وز آنجا یکه لشکر اندر	۱۴۷۶ ، ۳۵	وز آن رقه بودی دلش	۲۳۸ ، ۴۲
وز آنجا یکه لشکر اندر	۵۸۸ ، ۴۱		
وز آنجا یکه لشکر اندر	۶۰۲ ، ۴۱		

وز آن روی دارا بیامد	۳۲۸	۱۹	وز آن رنج بردن بتوران	۱۰۰۷	۱۳c
وز آن روی دژ بارمان	۳۷۴	۸	وز آن رنجهای کهن یاد	۱۱۳۷	۱۲
وز آن روی دیگر مهان	۱۲۶۳	۱۲e	وز آن روز فرخ مرا یاد	۱۶۵۸	۱۳f
وز آن روی رستم بایوان	۲۸۳۲	۱۵	وز آن رومیان کشته شده	۵۱	۲۳
وز آن روی رستم بکردار	۹۵۱	۱۲b	وز آن روی آتش همه	۴۵۸	۵۳
وز آن روی رستم دلیر	۱۹۲	۱۰	وز آن روی ارجاسپ صف	۱۴۹۴	۱۵
وز آن روی رستم سپه بر	۲۹۴	۱۲e	وز آن روی افراسیاب دلیر	۳۲۵	۸
وز آن روی رستم سپه را	۱۱۵۹	۱۲c	وز آن روی باتاج بر سر	۱۲۹۵	۱۳
وز آن روی زال سپهبد	۱۹۴۷	۷	وز آن روی با تیغ کین	۹۹	۳۹
وز آن روی رومی سواران	۱۷۷۸	۴۳	وز آن روی با کدخدای	۲۶۷۳	۴۳
وز آن روی سرگشته پیروز	۱۱۰	۳۸	وز آن روی بزگوش تانرم	۶۳۰	۱۲
وز آن روی سهراب با	۱۲۲۹	۱۲c	وز آن روی بندی وانديك	۱۰۲۳	۴۳
وز آن روی شد شهریار	۵۴۳	۴۳	وز آن روی بهرام آواز	۱۸۳۴	۴۳
وز آن روی طلحند پیش	۳۱۹۹	۴۱	وز آن روی بهرام بیدار	۱۵۲۸	۳۵
وز آن روی قیصر بیامد	۲۹۴	۴۲	وز آن روی بهرام شد پیر	۲۰۱۲	۴۳
وز آن روی قیصر سپه	۱۴۴۶	۳۵	وز آن روی بهرام شد تا	۲۶۸۹	۴۳
وز آن روی کندر سوی	۱۱۸۳	۱۵	وز آن روی بهمن صفی	۸۱	۱۶
وز آن روی کین خسرو آمد	۲۱۷۷	۱۳f	وز آن روی پیران براه	۱۰۴۵	۱۳c
وز آن روی گردان ایرانی	۱۰۷۹	۱۳c	وز آن روی پیران بکردار	۱۰۴۹	۱۳b
وز آن روی گرسیوز اندر	۹۷۸	۱۲d	وز آن روی پیران بیامد	۱۵۷۲	۱۳
وز آن روی گسته هم بشنید	۳۰۴۶	۴۳	وز آن روی پیران پراز درد	۸۷۷	۱۳f
وز آن روی اشکر بیامد	۶۹۴	۲۱	وز آن روی پیران نهاده	۲۵۷	۱۳f
وز آن روی گیو و فرنگیس	۹۳۱	۱۲e	وز آن روی پیران و افرا-	۱۶۸۶	۱۲d
وز آن روی اشکر بکردار	۷۴۶	۱۳g	وز آن روی پیوسته شد	۴۲۵	۲۱
وز آن روی اشکر بیاورد	۳۵۵	۲۱	وز آن روی ترکان همه	۱۰۰۴	۴۲
وز آن روی هامونی آید	۱۸۰۶	۱۲d	وز آن روی چون بادمیرین	۴۵۸	۱۴
وز آن روی هومان بتوران	۱۶۰۵	۱۲c	وز آن روی چون رخش	۳۷۶۶	۱۵
وز آن زاری و خستگی	۲۵۲۴	۱۳f	وز آن روی خاقان بقلب	۴۸۹	۱۳c
وز آن زخم و آن گرزها	۳۶۸	۱۵	وز آن روی خاقان غمی	۷۴	۱۳c
وز آن زنده پیلان هندی	۱۳۶۴	۷	وز آن روی خسرو بیابان	۷۳۴	۴۳
			وز آن روی خسرو هم آزرده	۲۴۰	۱۳c

وز آن سوی تنگ اندر آمد	۱۰۴۸ ، ۱۳c	وز آنسان بسالی بهر برزنی	۴۲۷۷ ، ۱۵
وز آن سوی ریبدیکی تیره	۲۱۲۱ ، ۱۳f	وز آنسو بر آراست افرا-	۲۲ ، ۱۱
وز آن سوی کاووس نازان	۲۴۲ ، ۱۲	وز آنسو برآه نشاپور شاه	۲۱۷۹ ، ۱۳g
وز آن سوی کی گرد لشکر	۳۶۹۸ ، ۱۵	وز آنسو بر شیده شد	۶۶۳ ، ۱۳g
وز آن سوی گرسیوز و	۶۹۴ ، ۱۲d	وز آنسو بزرگان گزیده	۱۷۳ ، ۱۳b
وز آن سوی هومان بگردار	۳۸۴ ، ۱۳b	وز آنسو بکنگ اندر	۹۵۹ ، ۱۳g
وز آن سه گزیدند رومی	۳۸۶۶ ، ۴۳	وز آنسو بکنگ اندر	۱۰۸۵ ، ۱۳g
وز آن شادمانی بفرزند او	۲۳۳۶ ، ۴۱	وز آنسو بیامد سپاه گران	۱۳۸۴ ، ۱۳f
وز آن شارسان سوی مانوی	۱۱۲۰ ، ۴۳	وز آنسو بیامد سپهدار	۱۳۹۷ ، ۱۲e
وز آن شهر تا خان ماروسمند	۵۶ ، ۴۴	وز آنسو پدر آرزومند	۲۳۱۳ ، ۱۲d
وز آن شهر راه بیابان	۱۹۷۴ ، ۱۳g	وز آنسو تهمتن جوشیر	۸۶۱ ، ۱۲b
وز آن شهر سوی مداین	۲۴۳۷ ، ۴۱	وز آنسو چون نامه بخسرو	۵۰۴ ، ۱۲c
وز آن شهرها هر که درویش	۱۴۰۳ ، ۳۵	وز آنسو دمان زال و یاران	۱۶۷۸ ، ۷
وز آن فیلسوفان رومی	۱۶۰۱ ، ۴۳	وز آنسو دو چشم بزرگان	۷۸۴ ، ۱۲
وز آن فیلسوفان رومی	۲۱۵۵ ، ۴۳	وز آنسو روان شدن ندی	۱۶۳ ، ۱۲e
وز آن فیلسوفان رومی	۴۳۴۱ ، ۴۱	وز آنسو سرا پرده شهر یار	۷۸۳ ، ۱۲c
وز آن کاخ و آن تخت گوهر	۱۵۴۶ ، ۴۲	وز آنسوهان نیز بر پشت	۳۸۹ ، ۱۲b
وز آن کرده خویش یوزش	۸۹۵ ، ۱۴	وز آن سو فرامر ز چون	۳۷۰۹ ، ۱۵
وز آن کزد لیران نشد کشته	۱۰۲۶ ، ۱۲b	وز آن سو که بدطوس و دیگر	۵۴۹ ، ۱۳
وز آن کس که مانده می نام	۴۱۰۷ ، ۴۱	وز آن سو که بگریخت	۱۴۳ ، ۱۱
وز آن کو با سپا اندر آورد	۲۵۴ ، ۱۷	وز آن سو که رفت اشکش	۱۰۴۰ ، ۱۳f
وز آن کودکان نیز بسیار	۴۵۳ ، ۱۲d	وز آنسو که شد رستم نیو	۱۱۵۱ ، ۱۳f
وز آن کوشش و جنگ	۹۹۳ ، ۴۲	وز آنسو که گودرز کشواد	۷۶ ، ۱۲b
وز آن کوه راه بیابان گر-	۱۵۷۹ ، ۲۰	وز آنسو که اشکش بشد	۱۱۵۷ ، ۱۳f
وز آن گرداران و نیزه	۵۰۷ ، ۱۵	وز آنسو که لهر اسپ شد با	۱۰۴۲ ، ۱۳f
وز آن گنج گویا نگبرد	۱۴۸۸ ، ۴۱	وز آنسو که لهر اسپ شد *	۱۱۵۵ ، ۱۳f
وز آن لشکر ترک هومان	۴۰۳ ، ۱۳f	وز آنسو همی بر خروشید	۳۱۹ ، ۱۳b
		وز آن سو هیونی تکاور	۴۶۹ ، ۱۳f

(* ستاره بجای جنگجو آمده است .)

وزا صخر مهر آذر پارسی	۳۰۶ ، ۴۰	وز آن لشکری کز پیش	۹۵۰ ، ۱۳۴
وزا فکندن زال بگشاد	۲۵۶ ، ۷	وز آن مردری تاج شاهنشاه	۱۰۷۰ ، ۱۲۵
وز انطاکیه شاه لشکر	۶۸۸ ، ۴۱	وز آن مردمی خود همی	۳۱۱۹ ، ۱۵
وزا نیشة تیغ او در جهان	۹۱۰ ، ۱۲	وز آن مرزبانان ایرانی	۸۷۲ ، ۴۱
وز ایدر بیایم بنزدیک	۳۳۷۸ ، ۱۵	وز آن مرز چندانکه بد	۲۱۰۳ ، ۱۳g
وز ایدر چو فردا بمنزل	۱۷۶۲ ، ۱۵	وز آن مرز چون رفتن	۷۲۶ ، ۴۱
وز ایدر شوم تازیان تا	۹۱۲ ، ۱۳c	وز آن مرز دانا سری را	۴۰۳۶ ، ۴۳
وز ایران بیامد دمام	۱۵۹ ، ۱۰	وز آن مشت بر گردن	۸۴۳ ، ۱۲c
وز ایران زمین هر که بد	۱۴۴۹ ، ۳۵	وز آن نامداران ایران	۲۵۲۳ ، ۱۲d
وز ایران سپه نیست همتای	۲۰۶۴ ، ۱۲d	وز آن نامداران بسته	۸۸۱ ، ۱۳g
وز ایرانیان نامورده سوار	۱۵۱ ، ۱۳f	وز آن نامداران فراوان	۱۲۴۶ ، ۲۰
وز ایرانیان نامور صد هزار	۲۲۰۶ ، ۴۱	وز آن نامداران فرخنده	۸ ، ۱۸
وز ایرانیان نامور مرد چند	۲۳۰۹ ، ۱۵	وز آن نامور شاه خشنود	۴۲۹۹ ، ۱۵
وز ایشان امیدست آهسته	۲۵۶۵ ، ۴۱	وز آن نامه گر قیصر آمد	۸۳۴ ، ۴۱
وز ایشان بخواهم فراوان	۳۷۹ ، ۵۰	وز آن نره دیوان خنجر	۲۹۳ ، ۱۲
وز ایشان بدی شهر ایران	۳۴۵ ، ۴۱	وز آن ننگ و خواری	۱۲۷۵ ، ۱۲d
وز ایشان بسی نیز ترسا	۲۸۷ ، ۳۰	وز آن نیز کز دشمنان	۱۴۱۷ ، ۱۳f
وز ایشان بهر مزدنازان	۴۴۳۲ ، ۴۱	وز آن هدیه کز پیش نزد	۲۰۱۲ ، ۴۱
وز ایشان تراگر بد آید	۵۹۰ ، ۲۲	وز آن هدیه ها شادمانی	۲۶۳ ، ۳۴
وز ایشان دل اور گزین کرد	۳۸۶۵ ، ۴۳	وز آن هر یکی دسته گل	۴۶۳ ، ۳۵
وز ایشان فراوان بکشتند	۳۴۹ ، ۴۲	وز آن هفت ساله غم و درد	۷۶۶ ، ۱۲e
وز ایشان فراوان تبه کرد	۲۷۱ ، ۱۲	وز آن هفت گرد سوار دلیر	۷۷۲ ، ۱۲b
وز ایشان کسیرا که خواب	۷۵۲ ، ۱۲d	وز آن یادریها پشیمان	۱۶۹۴ ، ۱۳g
وز ایشان گروهی که بیدار	۱۵۰۴ ، ۱۳f	وز آن آواز او چرم جنگی	۱۷۹۲ ، ۷
وز ایشان هر آنکس که*	۳۸۶۳ ، ۴۳	وز آن آواز کامد مر اورا	۲۵۳ ، ۱۷
وز ایشان هر آنکس که*	۶۶۲ ، ۴۱	وز آن آوردن مادر پارسا	۵۴۰ ، ۱۳
وز ایشان یکی زنده اندر	۳۶۶ ، ۱۲b	وز آن مینیه تادر اردبیل	۶۰ ، ۴۱
وزین آگهی شد سوی	۱۲۵۴ ، ۱۲e		

(* ستاره در سطر اول بجای « استاد بود » و در دوم بجای « جنگی بدند »

آمده است .

وزاین سوی لشکر سپهدار	۳۴۱ ، ۱۳b	وزاین بر شما جز نظاره	۱۱۵۲ ، ۱۲c
وزاین کار کاندیشه کردست	۱۰۳۱ ، ۱۲d	وزاین پس خود از شاه تور	۲۱۸۳ ، ۱۳f
وزاین گونه پیمان که من	۱۱۲۲ ، ۱۲d	وزاین پس نه آرام جویم	۱۳۰۶ ، ۴۳
وزاین گوهران آزدیدم	۲۵۶۶ ، ۴۱	وزاین تخمه و بسگان کس	۲۱۷۲ ، ۱۳f
وزاین گوهران گوهری	۲۵۶۴ ، ۴۱	وزاین چهره و سرو بالای	۹۷۷ ، ۷
وزاین لشکر من فزون از	۷۸۰ ، ۱۲d	وزاین دختر شاه ما اوران	۴۹۹ ، ۱۲d
وزاین مرز پیوسته تا کوه	۱۱۵۶ ، ۱۳f	وزاین رو چو طوس اندر	۱۳۰۰ ، ۱۲d
وزاین مرزها هر که	۶۳ ، ۴۱	وزاین و فریبرز بر میسره	۱۶۳۸ ، ۱۳b
وزاین ناسکالیده بدخواه	۷۴۰ ، ۱۲c	وزاین روی ایران سپهدار	۱۲۶۱ ، ۱۳b
وزاین نامداران با تخت	۴۱۹ ، ۱۳c	وزاین روی بنشست بهرام	۵۸۶ ، ۴۳
وزاین نامور پر هنر مهترا	۱۳۱۹ ، ۱۳c	وزاین روی پر کینه دل	۸۹ ، ۳۹
وزاین نو درختی که از	۲۱۷۱ ، ۷	وزاین روی تامل و لشکر	۲۸۹ ، ۴۲
وزاین نیمه ایرانیان	۴۷۸ ، ۱۳b	وزاین روی چون رستم شیر	۹۸۶ ، ۱۲d
وزاینها همه مهتر و بهتری	۱۳۱۷ ، ۱۳b	وزاین روی خراد بر زین	۱۵۴۲ ، ۴۲
وزاین هر چه گویم پژوهش	۶ ، ۲۳	وزاین روی دشخوار یابی	۱۲۵۲ ، ۱۲d
وزاین هر سه بر تر سر بخت	۱۳۰۹ ، ۱۳e	وزاین روی رستم با ایرانی	۱۶۱۶ ، ۱۳b
وزاین هر یکی رایگی کار	۱۷۹۵ ، ۴۱	وزاین روی رستم بر آن	۳۲۱۲ ، ۱۳g
وزایوان سوی کاخ رفتند	۱۷۴۴ ، ۷	وزاین روی رستم یلانرا	۳۹۷ ، ۱۳c
وزایوان ما تا بخورشید	۱۸۵ ، ۵	وزاین روی کابل بمهراب	۲۶۷ ، ۱۱
وزو آفرین باد بر شهر یار	۹۳۲ ، ۱۳c	وزاین روی کیخسرو از	۹۷۵ ، ۱۳g
وزو آفرین بر سپهدار زال	۲۰۷۷ ، ۷	وزاین روی کیخسرو کینه	۱۰۴۷ ، ۱۳g
وزو باد بر شاه ایران	۲۱۲۹ ، ۴۱	وزاین روی گفتم ز توران	۱۲۵۷ ، ۱۳b
وزو باد بر شاه گیتی	۱۷۷۶ ، ۱۳g	وزاین روی لشکر بیاورد	۱۳۱ ، ۱۳b
وزو باد بر شهر یار آفرین	۱۶۹ ، ۵۰	وزاین ریدگان سپهدار پرست	۹۷۶ ، ۷
وزو باد بر نامداران	۴۴۸ ، ۱۹	وزاین سو بر آمد یکی تند	۱۱۹۵ ، ۱۳
وزو بچه شیر بیرون کشید	۱۸۰۳ ، ۷	وزاین سو بشد نامداری	۴۰ ، ۲۳
وزو بر ترا سپان جنگی	۲۷۸۵ ، ۴۱	وزاین سو تهمت چو بر گشت	۱۴۰ ، ۱۱
وزو بر روان فریدون	۲۱۸ ، ۱۱	وزاین سو فرستاده سر فراز	۳۱۷ ، ۱۲b
وزو بر روان محمد درود	۶ ، ۲۰	وزاین سو من و تو بجزنگ	۱۲۹۸ ، ۱۳f
وزو بر روان محمد درود	۲۰۲۸ ، ۲۰	وزاین سوی دیگر گو	۷۳۱ ، ۱۵

۶۵۷ ، ۲۲	وزو بر روان محمد درود	۱۵۹۸ ، ۴۱	وگر باتو گردد بچیزی
۵۱۵ ، ۴۱	وزو خواست پیروزی و	۱۴۷۵ ، ۴۱	وگر بادنوشین بتو بر جهد
۴۱۵۷ ، ۴۱	وزو دارد از کار نیکی	۶۷۸ ، ۱۳۴	وگر بارد از میخ پولاد
۳۵ ، ۳۰	وزو شادمان شد دل مادر	۶۵۴ ، ۱۳۴	وگر باز داری مرا زین
۴۰ ، E	وزو مایه گوهر آمد چهار	۲۹۹۳ ، ۱۵	وگر باز گرداندم نا امید
۱۴۲۶ ، ۴۳	وزو نیز روتا بلهر اسپ	۱۳۸۰ ، ۷	وگر باز گردانم از پیش
۵۷۴ ، ۴۴	وزو نیز فرزندانم آمد چهار	۱۲۱۸ ، ۱۲d	وگر باز گردد سوی شهر
۹۴۳ ، ۱۳۴	وزو یار خواهد بچنگ	۱۱۶۱ ، ۱۲d	وگر باز گردم ازین رزم
۳۸۴ ، ۵۰	وزو یست پیروزی و فرهی	۱۰۹۳ ، ۱۲d	وگر باز گردم بدر کاه
۱۴۴۶ ، ۱۳	وزو یست پیروزی و هم	۳۰۵۹ ، ۱۵	وگر باز گردی بزابل
۱۹۰۱ ، ۳۵	وزو خردمند بر پای	۲۱۶۲ ، ۱۳۴	وگر باز گشتن ببنگاه
۱۲۵۱ ، ۱۳g	وفا جست و بگذاشت آن	۱۷ ، ۲۹	وگر باز گیرند از و خوا-
۲۱۳۳ ، ۱۳g	وفا چون درختی بود میوه	۲۳۶ ، ۱۱	وگر باز اشکر بچنگ
۲۳۸۷ ، ۳۵	وفا دار باشیم تا جاودان	۵۵۷ ، ۴۱	وگر بازماندی از وسیم و
۳۰۳ ، ۱۳e	وفا کرد با او بسو گندها	۳۷۲۰ ، ۴۱	وگر بازمانند از این مایه
۲۸۲ ، ۴۴	وفا کردن او از ما جفا	۱۰۳ ، ۳۴	وگر باز هنگام جویی همی
۲۰۱۲ ، ۲۰	وفا و خرد نیست نزدیک	۳۶۲۲ ، ۱۵	وگر با سپه پیشم آید بچنگ
۶۳۱ ، ۵۰	وگر دار ایشان فکر دایج	۶۸۴ ، ۱۳	وگر باشد او نیز پرخاش
۱۱۷ ، ۶	وگر آرزوها سپارم بدوی	۴۵۵ ، ۱۳g	وگر بامن ایدر نیائی
۲۴ ، ۲۶	وگر آرز گیرد دات را به	۹۹۹ ، ۱۳b	وگر بخشش کرد گار
۳۱۵ ، ۱۱	وگر آرز گیرد سر ترا بدم	۴۵ ، ۱۲	وگر بد دلی پیشه گرد
۱۳۴ ، ۳۴	وگر آزموده نباشد ستور	۱۳۹۷ ، ۴۱	وگر بد کنش باشد و شوخ
۱۰۲۰ ، ۴۳	وگر آزمون ترا کسی خورد	۴۱۶۰ ، ۴۱	وگر بد کنش باشی و بد
۱۵۶۹ ، ۷	وگر آزر زیم و بیجان	۳۶ ، ۱۹	وگر بد کنی جز بدی
۱۱۵۴ ، ۱۲d	وگر آسمانی جز اینست	۸۳۰ ، ۱۲	وگر بدنهان باشی و بد
۶۱۳ ، ۲۲	وگر آشتی جوید و راستی	۴۳۷ ، ۱۳۴	وگر بر تو بر دست یابد
۲۴۳ ، ۴۲	وگر اسپ در کشتزاری	۳۹۴۸ ، ۴۳	وگر بر چنین رویتان
۲۴۷۱ ، ۴۱	وگر اسپ یا بند جایی بله	۱۹ ، ۴۱	وگر بر خرد چهره گردد
۳۸۵ ، ۴۱	وگر انجمن باشد از اندکی	۵۳ ، ۳۴	وگر بردباری ز حد بگذرد
۸۱۵ ، ۱۲d	وگر او شود کشته بر دست	۱۵۴۹ ، ۴۳	وگر برزند کف بر خسار

۲۰۶۷ ، ۱۲d	وگر تو مرا بر نهی بر زمین	۱۲۱۲ ، ۴۱	وگر بر ستاننده دارد
۵۰۳ ، ۱۳f	وگر تو نیایی بجنکم	۱۸۷۶ ، ۳۵	وگر بر گذشته ز شب چند
۳۶۱ ، ۱۲d	وگر تو نیایی بفرمان	۱۲ ، ۳۳	وگر بر گزینی ز گیتی
۱۶۲۸ ، ۱۳	وگو تو نیایی بمن ده	۱۴۹۵ ، ۲۰	وگر بر ندارد پشیمان
۴۷۶ ، ۱۳f	وگر تو نیایی مگر گستم	۱۹۷۲ ، ۴۲	وگر بست خواهی یک یک
۹۶ ، ۱۲	وگر نیز گردد گشودست	۳۳۴۰ ، ۱۵	وگر بستن من همی بایدت
۱۴۵۵ ، ۱۲e	وگر تیغ تو هست سندان	۷۶۸ ، ۷	وگر بشنود این منو چهر
۴۷۹ ، ۱۳f	وگر تیغ ما را ببیند	۹۳ ، ۱۳g	وگر بگذرد آن هم از برتر
۱۵۲۷ ، ۱۲e	وگو جادو انراست این	۴۰۹۶ ، ۴۱	وگر بگذرد کم بود در داو
۱۳۶۴ ، ۲۰	وگر جز بر این باشی ای	۲۹۲ ، ۲۰	وگر بگذری زین سخن
۱۱۷۹ ، ۴۳	وگر جز بر این روی گستم	۴۳۰ ، ۴۳	وگر بگذری زین سرای
۸۷۳ ، ۱۳e	وگر جز بر این گونه گردد	۲۰۸ ، ۱۳f	وگر بگذری زین و جنگت
۱۲۲ ، ۱۳c	وگر جز بر این گونه گویی	۱۴۱۳ ، ۳۵	وگر بی پدر کود کاندنیز
۷۶۳ ، ۱۳	وگر جز من آید ز لشکر	۵۷۸ ، ۲۲	وگر بیم داری بدل یک زمان
۵۶۳ ، ۴۱	وگر جنگ جستی بجنک	۸۸۳ ، ۴۳	وگر بیم داری ز خسرو بدل
۹۴۵ ، ۱۳g	وگر جنگ جوید کسی	۲۳۰۸ ، ۱۲d	وگر بینم اندر سرش پیچ
۱۴۱ ، ۴۳	وگر جنگ جوید منم*	۱۵۹۷ ، ۴۱	وگر پرورد دیگری را
۱۵۳۷ ، ۱۳	وگر جنگ جوین منم*	۱۵۹۱ ، ۴۱	وگر پرسدت آنچه دانی
۲۱۶۳ ، ۱۳f	وگر جنگ را گرد کرده	۲۱۶۴ ، ۴۳	وگر پوشم این نامداران
۱۱۶۹ ، ۴۲	وگر جنگ را یار داری	۱۰۶۸ ، ۷	وگر تاب گیر دسوی مادر
۳۷۸۲ ، ۱۵	وگر جنگ سازی تواندر	۲۱۶۹ ، ۱۳f	وگر تان بز نهار شاهست
۳۱۰۴ ، ۴۱	وگر جنگ و بیداد جویی	۲۱۷۰ ، ۱۳f	وگر تان همی سوی ایران
۱۲۸ ، ۶	وگر چاره ای کرد خواهی	۲۷۰۸ ، ۱۳g	وگر ترس یزدان یا کست
۲۶۵۵ ، ۱۳g	وگر چاره این بر آید ز	۹۶۷ ، ۱۲e	وگر توشوی دور از ایدر
۱۰۱۷ ، ۴۳	وگر چشمه خواهی که بینی	۱۸۰۹ ، ۱۳f	وگر توشوی کشته بردست
۹ ، ۳۳	وگر چند بخشی ز گنج	۴۵۳ ، ۱۳g	وگر توشوی کشته بردست
۱۷۶۰ ، ۴۱	وگر چند بد کردن آسان	۱۵۷۰ ، ۱۳g	وگر توشوی کشته بردست

(*) ستاره در سطر اول بجای « جنگجو » و در دوم بجای « جنگخواه »

آمده است .

۷	۷۸۵۰	وگر چند بر تازیان پادشا	۴۱	۱۴۱۱	وگر دشمنی یابی اندر
۱۵	۳۸۵۱۰	وگر چند من نیز پوزش	۱۳g	۵۱۳۰	وگر دور از ایدرتو کردی
۱۲c	۱۳۵۳۰	وگر چون ستاره شوی	۴۱	۱۴۱۲۰	وگر دیر باشد بنیر و شود
۴۳	۴۴۱۰	وگر چیره شد بردات کامو	۴۳	۴۳۸۰	وگر دیر مانی بر این هم
۲۲	۵۹۹۰	وگر چیره گردد هوا بر	۱۳e	۵۸۲۰	وگر دیر یا بم ازو آگهی
۱۳g	۱۲۰۹۰	وگر چین و ما چین بگیری	۱۳g	۴۱۱۰	وگر دیگری پیشم آید
۱۲c	۵۴۱۰	وگر خفته‌ای زود برجه	۱۳g	۲۷۰۹۰	وگر دیو بردست اورا
۴۱	۸۴۴۰	وگر خوار گیر دتن ارجمند	۴۳	۳۸۳۹۰	وگر دیو بودی نگفتی
۲۰	۷۶۲۰	وگر خوانم از هر سوئی	۱۴	۱۸۶۰	وگر راه دورست دارم
۱۵	۲۰۸۳۰	وگر خواهد از چین و ما چین	۱۳	۶۸۶۰	وگر زانکه باشد ز کار
۴۳	۹۷۹۰	وگر خود بر آنی که گویی	۱۲e	۶۹۱۰	وگر زانکه پرسیم هست
۴۱	۲۵۵۱۰	وگر خود بود آنکه خوانیم	۱۲	۴۲۹۰	وگر زانکه پیش آمدهی
۱۲d	۱۶۵۲۰	وگر خود جز این راز	۱۲	۴۳۱۰	وگر زانکه دریای جیحون
۱۲e	۱۵۲۹۰	وگر خود خجسته سروش	۱۲b	۳۶۷۰	وگر زانکه ما را ز چرخ
۱۲c	۱۲۰۳۰	وگر خود گر گونه گردد	۲۰	۱۳۵۳۰	وگر زو پسر زاید آنجا
۱۳	۱۶۲۴۰	وگر خود فریبرز با آن	۴۱	۱۶۵۵۰	وگر زو خورد بی گمان
۴۳	۲۷۱۶۰	وگر خود کشندت جهان	۴۱	۳۹۵۰۰	وگر زیر دستی شود گنج
۵۰	۷۷۰۰	وگر خود ندانده می کین	۴۲	۱۰۸۶۰	وگر زین بیبچی گزند
۱۳g	۱۰۸۲۰	وگر خود نیاید فرستد	۱۲c	۱۴۴۷۰	وگر زین جهان آن جوان
۵۰	۷۴۸۰	وگر خود نیاید همی این	۳۴	۵۹۲۰	وگر زین که گفتم بتا بید
۵۰	۶۷۸۰	وگر خون اورا بریزی	۴۲	۶۳۵۰	وگر زینهار ی یکی نامچو
۱۳e	۲۹۴۰	وگر خیزد اندر جهان	۴۱	۴۰۱۹۰	وگر زین هنرها نیابی در
۴۱	۲۵۹۳۰	وگر دادگر باشد و نیک	۱۵	۳۰۸۲۰	وگر سر بیبچم ز فرمان
۲۰	۱۸۷۵۰	وگر دختر آید بهنگام	۶	۱۱۸۰	وگر سر بیبچم ز گفتار
۱۳	۶۸۸۰	وگر در کمین اند بی مر	۱۲b	۲۹۴۰	وگر سر بتا بی زاندر زمن
۱۳f	۷۳۲۰	وگر در میان دورویه سپاه	۲۹	۱۲۰	وگر سستی آرد بکار اندرو
۱۳c	۱۲۷۲۰	وگر دست رستم بود روز	۴۱	۴۰۲۴۰	وگر سفلگی بر گزید او
۲۲	۵۸۶۰	وگر دشمن آید ز جای	۱۲d	۲۳۴۳۰	وگر سوی ایران براند
۱۲d	۲۲۳۷۰	وگر دشمنی آمدست	۱۲d	۲۱۶۹۰	وگر سوی درگاه خوانمش
۱۳g	۲۵۸۵۰	وگر دشمنی دارد اندر	۴۱	۴۶۴۰	وگر سوی منذر فرستی

وگر گیرم از تیغ و جوشن	۱۹۹۱ ، ۳۵	وگر شاه از این رسم و	۵۲۱ ، ۴۴
وگر گویم از من گروگان	۹۳۵ ، ۱۲d	وگر شاه بر تخت قیصر	۴۲۰ ، ۴۱
وگر لشکر آید نترسم	۲۷۲ ، ۱۳	وگر شاه فرزانشان این	۲۷۷۵ ، ۴۱
وگر مایه داری توانگر	۱۴۱۵ ، ۳۵	وگر شاهی آسانتر از	۱۶۷۸ ، ۴۲
وگر مردفش باشد و سر	۱۳۵۲ ، ۲۰	وگر شده زیر یک چادر	۴۰۷۹ ، ۴۳
وگر من بجنبم از این	۱۶۵۹ ، ۱۳	وگر شهر یارت بود دادگر	۴۴ ، ۴۲
وگر من بسال و خردمهر	۲۹۶۹ ، ۴۱	وگر طوس رازین گزند	۸۶۱ ، ۱۳
وگر من پیاده بگردم	۶۵۴ ، ۱۳g	وگر طوس گردد بدستم	۲۶۸ ، ۱۳b
وگر من بوم بر تو پیر و زگر	۱۱۹۱ ، ۱۳f	وگر غارت و کشتنت بود	۵۱۳ ، ۳۰
وگر من ز بهر تو کوشم	۸۵۸ ، ۴۲	وگر قلب ایشان بجنبد	۳۷۱ ، ۲۲
وگر من شوم زین دد بد	۳۹۵ ، ۱۴	وگر کت بکین جستن	۴۴۱ ، ۱۳f
وگر من شوم کشته بردست	۳۴۲۷ ، ۱۵	وگر کژی آرد برای اندر	۲۸ ، ۴۱
وگر من کنون خود بسیجم	۱۳۰۹ ، ۱۵	وگر کژی آری بگفت	۶۱۱ ، ۱۲
وگر من نپوشم بیازارد	۲۱۶۳ ، ۴۳	وگر کشت خواهد همی	۶۶۲ ، ۱۵
وگر من نیامم هنرمند	۸۷۵ ، ۱۳e	وگر کشتمندی بگوید	۵۴۱ ، ۴۱
وگر مهر برخسته شیر	۲۴۲۹ ، ۱۳g	وگر کشته آید بدشت نبرد	۳۴۲۴ ، ۱۵
وگر میش گیری ز جنگال	۴۶۳ ، ۴۱	وگر کشته آید بدشت نبرد	۸۰۲ ، ۴۳
وگر می گسارد باوای	۲۰۹۹ ، ۴۱	وگر کشته آید کشانس	۶۸۵ ، ۱۳
وگر نابرومند راهی بود	۲۵۹۳ ، ۳۵	وگر کشته آیی ز پیکان تیر	۳۷۴۱ ، ۱۵
وگر نامداران ایران	۲۷۳۵ ، ۴۱	وگر کشته گردد بدست	۲۵۳ ، ۱۲c
وگر نامداری بود زین	۳۱۹۵ ، ۴۱	وگر کشته نابی باورد گاه	۳۴۸۰ ، ۱۵
وگر نام رنج تو گیرم	۲۷۵۵ ، ۱۳g	وگر کند باشی پیش آمد	۱۶۶۷ ، ۲۰
وگر نشنود بود نیهادرست	۸۶ ، ۵	وگر کوه باشد زین بر کنیم	۲۶۵۴ ، ۱۳g
وگر نور دیده فرستم بدو	۱۴۰ ، ۱۲b	وگر کیه بادم زال برز کوه	۶۵۵ ، ۱۲c
وگر نه از این بر همه بد	۳۵۲ ، ۱۲b	وگر کین داراست واسکندر	۵۰۹ ، ۳۰
وگر نه ببرد عقاب اندر	۶۷۵ ، ۱۳b	وگر کینه از مغز بیرون	۱۲۲۶ ، ۱۳g
وگر نه بپوشم سلیح نبرد	۸۱۴ ، ۴۳	وگر گردی اندر جهان	۳۹۵۴ ، ۴۱
وگر نه بپولاد تیغ و تبر	۱۱۳۱ ، ۱۲	وگر گرز تو هست با	۱۴۵۶ ، ۱۲e
وگر نه بجای تن بارگی	۱۴۹۸ ، ۱۳	وگر گفت مار اسخن بسته	۷۷۱ ، ۵۰
وگر نه بجنگ اندر آیم	۱۵۴۰ ، ۱۳	وگر گوسفندی برند از	۱۸۷۸ ، ۳۵

وگر نه من ایدر همی بودم	۵۱۸ ، ۵	وگر نه بچنگک تولشکر	۸۹۹ ، ۱۲
وگر نه من این خاک آورد	۷۰۷ ، ۱۳c	وگر نه بچنگک پلنگک	۲۴۹۷ ، ۱۳f
وگر نه من وگر زوشمشیر	۱۰۹ ، ۱۲e	وگر نه بدادار یزدان	۳۰۸ ، ۱۳
وگر نه نباشم بدرگاه	۹۷ ، ۱۴	وگر نه بفرمود تاگردنم	۸۳۲ ، ۲۰
وگر نه نما من یکی مرد کین	۲۸۵ ، ۱۳c	وگر نه بفرمود می تاسرت	۱۵۰۴ ، ۱۳
وگر نه هم از نامداران	۱۳۲۸ ، ۱۳f	وگر نه بفرمود می تاهزار	۳۱ ، ۱۳b
وگر نه هم اکنون بپریم	۵۸۵ ، ۵۰	وگر نه بگویند کز بیم	۵۰۳ ، ۵۰
وگر نه هم اکنون سپاهی	۷۷۱ ، ۱۴	وگر نه بیارای جنگک	۲۹۷ ، ۱۲b
وگر نه همه دار بینید و	۴۰۸۷ ، ۴۳	وگر نه تو از هدیه روشن	۲۶۲۴ ، ۴۳
وگر نه یکی بت پرستنده	۳۲۱۳ ، ۱۵	وگر نه تو بی جان بدی	۱۱۶۸ ، ۴۲
وگر نیز جویی چنین راه	۲۸۰۷ ، ۱۳g	وگر نه چنین نرم راندن	۶۹۸ ، ۴۳
وگر نیز من ناسزا بنده ام	۲۱۴۵ ، ۱۳g	وگر نه جوارزنگک و دیو	۸۳۷ ، ۱۲
وگر نیست آگاهیت زان	۱۵۹۹ ، ۴۱	وگر نه خود از تخمه	۱۸۷۸ ، ۴۱
وگر نیست این تا نباشم	۱۷۲ ، ۲۲	وگر نه روانم جدا کن	۲۲۷۵ ، ۱۳g
وگر نیست این جنگک را	۱۵۰۷ ، ۱۳c	وگر نه زایران بیاید سپاه	۱۱۹۳ ، ۱۳
وگر نیست دژخیم با تیغ	۳۶۳۶ ، ۴۱	وگر نه زکین سیاوخش	۱۵۶ ، ۱۲b
وگر نیست فرمای تا بگذرم	۱۳۵۷ ، ۱۲d	وگر نه ز مردان جنگک	۲۰۱۸ ، ۳۵
وگر نیستی مان زهر کشور	۱۲۶۹ ، ۴۳	وگر نه زن و کودکان مان	۲۶۶ ، ۱۲b
وگر و امنخواهی بیاید ز راه	۲۴۶۷ ، ۴۱	وگر نه سپاهی فرستم	۷۶۵ ، ۱۴
وگر و ام دارد کسی زین	۱۴۱۲ ، ۳۵	وگر نه سران شان بر آرم	۱۷۸۴ ، ۱۳f
وگر هر که دارد زهر کار	۹ ، ۲۶	وگر نه سواران ترکان و	۳۷۱ ، ۶
وگر همچنانم بر او بسته	۱۰۷ ، ۱۲e	وگر نه شد این پادشاهی	۱۲۴۰ ، ۱۵
وگر هم چنین ویژه کهنتر	۱۸۶۹ ، ۴۲	وگر نه شود بوم ما پر	۳۸۶۲ ، ۱۵
وگر هم گروه اندر آید	۱۷۷۲ ، ۱۳f	وگر نه فرازست این مرد	۵۵۰ ، ۱۲c
وگر هوش تو نیز بردست	۳۵۰ ، ۱۲	وگر نه فرستم ز ایران	۲۵۳۱ ، ۴۳
وگر هیچ پیروز شد بر نشی	۵۲۲ ، ۴۲	وگر نه فرخ زاد چون	۶۸۵ ، ۱۴
وگر هیچ تاب اندر آرد	۲۵۲۹ ، ۱۵	وگر نه کرا بودی این	۲۱۹۰ ، ۳۵
وگر هیچ تاب اندر آرد	۶ ، ۱۹	وگر نه مرا پشت لشکر	۷۴۲ ، ۱۲c
وگر هیچ تاب اندر آری	۸۶۵ ، ۲۰	وگر نه مرا روز برگشته	۱۵۹۳ ، ۴۲
وگر هیچ تاب اندر آری	۱۶۰۰ ، ۴۱	وگر نه مرا هم بسان پدر	۱۳۲۷ ، ۱۲e

۲۶۷۴۰	۱۵	ولیکن ترا من یکی بنده ام	۷۴۹	۲۰	وگر هیچ تاب اندر آری
۳۸۹۰	۱۳۴	ولیکن تو ای پور چیره	۲۸۲۷	۱۲d	وگر هیچ خوی بد آید پدید
۳۹۲	۱۳g	ولیکن تودانی که پیران	۲۳۲	۲۲	وگر هیچ درویش خسپد
۹۸۵	۱۵	ولیکن نوشاهی و فرمان	۲۳۱۲	۴۳	وگر هیچ رنج آیدت
۸۳۳	۴۳	ولیکن تو هم کشته بردست	۲۹۶۷	۴۳	وگر هیچ سازد کسی باتو
۳۵۰۷	۴۱	ولیکن جهاندار نوشیروان	۱۹۷۶	۴۲	وگر هیچ سستی کنیدی
۴۲۲	۶	ولیکن چنین گوید آن	۵۹۹	۷	وگر هیچ کژی گمانی برم
۳۸۹	۱۲c	ولیکن چو آگاهی آید	۱۶۶۵	۱۵	وگر هیچ گردی بگرد
۸۶۴	۶	ولیکن چو اندیشه گردد	۷۰۵	۱۲	وگر یار باشد خداوند
۲۹۲۲	۴۳	ولیکن چو با ترک ایرانیان	۴۶۶	۱۲c	ولی از فراست بدل نقش
۲۴۹	۵۰	ولیکن چو بد ز اختر بی	۴۶۲	۱۲c	ولی عشق پنهان نماند
۲۵۷۴	۴۳	ولیکن چو بهرام راند	۱۲۴	۱۸	ولیمهد گشت از پس
۸۷۸	۷	ولیکن چو پیمان بدین	۱۵۷	۱۶	ولیمهد من او بود در جهان
۴۶۴	۶	ولیکن چو جان و سرب بی بها	۱۲۳۵	۱۳۴	ولیکن ازین گفته پاسخ
۱۲۸۱	۴۲	ولیکن چو در جنگ	۱۴۶۲	۱۲c	ولیکن اگر داروی نوش
۱۵۴۸	۱۲c	ولیکن چو رای تو با	۳۵۵	۱۲	ولیکن بدوزخ چمیدن
۴۸۷	۱۳۴	ولیکن چو فرمان سالار	۴۱۵	۱۳e	ولیکن بدین رای هشیار
۱۸	۱۳d	ولیکن چو معنیش یاد	۲۹۶	۲۰	ولیکن بدین گونه ناساخته
۴۳۳	۱۲	ولیکن چه سودست مردی	۱۴۸۶	۷	ولیکن بدین نامه داپذیر
۹۰۵	۱۳	ولیکن خرد نیست با پهلوا-	۱۱۷۴	۱۳۴	ولیکن بر این کینه انگینخت
۸۵	۴۳	ولیکن ز آموختن چاره	۳۵۴۳	۴۱	ولیکن برنج تو اندر
۲۲۲۷	۳۵	ولیکن ز دختر یکی بر	۱۶۶	۱۲	ولیکن بسی رنج باید کشید
۳۲	۴۱	ولیکن ز دستور باید	۱۳۱۷	۳۵	ولیکن بشمشیر یازم بشیر
۳۰۴۸	۱۵	ولیکن ز فرمان شاه جهان	۱۱۵۷	۱۲d	ولیکن بفرمان یزدان
۱۱۸۵	۴۳	ولیکن ز کار سپهر بلند	۲۵۵۴	۱۲d	ولیکن بگفت ستاره شمر
۶۳	۱۰	ولیکن ز کردار افراسیاب	۲۴۵۷	۱۳۴	ولیکن بنیروی کیهان
۲۸۹	۱۲	ولیکن ز گرشاسب لشکر	۸	۴۳	ولیکن پدر چون بنخون
۸۵۲	۱۳b	ولیکن ز گفتارت ای	۳۰۷۶	۱۵	ولیکن پشوتن شناسد که
۱۲۴۴	۱۲d	ولیکن ز گیتی جز از تاج	۱۵۷۷	۱۲d	ولیکن ترا آن سزاوار
۲۰۱۵	۱۳۴	ولیکن ز مردی همی کرد	۶۲۵	۱۴	ولیکن ترا اگر چنه نیست
			۶۷۶	۱۳g	ولیکن ترا اگر چنه نیست

ولیکن نباید که روز نبرد	۷۰۷ ، ۱۴	ولیکن سپهبد خردمند	۷۵۳ ، ۱۳
ولیکن نبیند کس آهوی	۵ ، ۱۲d	ولیکن ستمکاره دیوی	۲۶۳ ، ۱۲
ولیکن نتخوانی مگر پیش	۳۵۰۹ ، ۴۱	ولیکن ستودان مرا از	۶۶۹ ، ۱۳g
ولیکن نخواهم که بر	۴۱۴ ، ۱۳c	ولیکن سرانجام کشته	۳۷۵ ، ۱۵
ولیکن ندارم همی دل	۲۶۵۸ ، ۱۳g	ولیکن سرشت بدو خوی	۱۲۳۵ ، ۱۳f
ولیکن ندارند بهره	۴۸۸ ، ۳۵	ولیکن شکفت آید از کار	۱۲۲۶ ، ۱۳f
ولیکن نگه کن بروشن	۷۰ ، ۴۳	ولیکن شنیدم یکی داستان	۱۲۲۶ ، ۱۲d
ولیکن نه پرما یه جانست	۷۲۰ ، ۷	ولیکن فدا کرده باشم	۷۵۸ ، ۴۳
ولیکن نه کار فریبست و	۱۲۳۱ ، ۱۳f	ولیکن کنون پس بیچارگی	۸۶۹ ، ۱۳e
ولیکن نیامد به پیران	۱۵۷۰ ، ۱۳f	ولیکن کنون زین سخن	۱۸۸۵ ، ۴۲
ولیکن هر آنک او گزیند	۷۷۷ ، ۷	ولیکن کنونست هنگام	۶۸۲ ، ۱۲c
ولیکن همانا که اوزین	۲۸۱۰ ، ۴۳	ولیکن کنون کار از این در	۵۳۹ ، ۴۳
ولیکن همی ترسم از کرد-	۴۳۵ ، ۱۳g	ولیکن که اندر گذشت از	۱۶۷۲ ، ۱۲c
ولیکن همی خوب گفتار	۳۴۲۹ ، ۱۵	ولیکن مرا از فریدون و	۱۵۸ ، ۱۲
ولیکن هنوزش که رزم	۵۷۱ ، ۱۲c	ولیکن مرا او فرستاده	۹۵۵ ، ۱۲
ولیکن یکی داستان است	۸۶۵ ، ۴۳	ولیکن مرا با جریره	۱۵۸۸ ، ۱۲d
ونستور پور ز ریر سوار	۶۸۳ ، ۱۵	ولیکن مرا زانکه هست	۳۲۴۸ ، ۴۱
ویا او سر آرد بمن روز کار	۳۵۱۱ ، ۱۵	ولیکن مرا شاه ایران قباد	۷۶ ، ۴۴
ویا باره رستم جنگ جوی	۳۶۶۲ ، ۱۵	ولیکن مرا شاه چندان	۸۰۰ ، ۱۴
ویا خود بکشتی پدر مر	۲۵۵۶ ، ۱۵	ولیکن من از بهر بد کامه	۲۱۶ ، ۴۴
ویا خود ز باد بز ان زاده	۱۲۲۳ ، ۱۲e	ولیکن من از خوب کردار	۴۶۰ ، ۱۳c
وی از گر گساران بدین	۱۰۱۶ ، ۷	ولیکن من از خوب کردار	۱۰۱۵ ، ۱۳f
وی اندر شتاب و من اندر	۱۱۲۸ ، ۷	ولیکن من اندر خوررای	۱۸۹۶ ، ۱۲d
وی اندر شتاب و من اندر	۲۲۹۴ ، ۴۳	ولیکن نباید شکستن	۲۷۱۴ ، ۱۵
وی این روز را شوم دارد	۲۷۰۶ ، ۴۳		

هر آنجا که روشن شود	۲۲۶۸	۱۲d
هر آنجا که ویران باد	۲۶	۱۳
هر آنجی آفریدست جفت	۷۵۲	۷
هر آنجی آن پسندت نیاید	۲۲۴	۱۷
هر آنجی از گل آمد چو	۳۶	۴
هر آنچت بگویم تو بپذیر	۳۴۱۳	۱۵
هر آنچش بیاست از خور-	۴۵۴	۱۲e
هر آن چیز کان بهره تن بود	۲۵۱۴	۴۱
هر آن چیز کانت نباشد	۱۲۲۱	۴۱
هر آن چیز کانت نیاید	۷	۳۶
هر آن چیز کاند در جهان	۷	۳
هر آن چیز کان در خور	۱۰۵	۳۴
هر آن چیز کان دور گشت	۱۶۹۸	۳۵
هر آن چیز کان نزره ایزد	۱۱۶۶	۶
هر آنچیز کاید همی در شمار	۲۶	۳۶e
هر آن چیز کز راه بیداد	۴۴	۶
هر آن چیز کو خواست	۱۲۳۸	۷
هر آن خون که آید بر این	۱۶۴	۱۳
هر آن خون که آید بکین	۱۱۹۷	۱۳f
هر آن خون که ریزی از این	۳۱۱۳	۴۱
هر آن خون که شد در جهان	۴۲۱	۴۳
هر آن در کز آن نامه بر	۳۵۱۳	۴۱
هر آن دل که از آرزو دردد-	۲۰۰	۴۳
هر آن دین که باشد	۳۴۹۵	۴۳
هر آن دینوری کونه زین	۲۵	۷
هر آن دیو کاید ز مانش	۲۶۰	۴۳
هر آنرا که خواهد بر آرد	۴۳۱	۲۲
هر آن ساو و بازی که فرمود	۲۷۳۴	۴۱
هر آن شارسانی کز آن	۱۴۱۴	۴۳
هر آن شهر کز بوم ایران	۵۲۱	۱۳g

حرف ه

هجیر آمد از پیش خسرو	۱۰۸۲	۱۳f
هجیر آنکهی گفت با	۸۹۸	۱۲c
هجیر اندر آمد، چو خسرو	۹۸۱	۱۳f
هجیر دلاور ببسته کمر	۱۵۲۰	۱۳f
هجیر دلاور بکردار	۱۹۵۲	۱۳f
هجیر دلاور بیامد ز راه	۱۵۵۰	۱۲c
هجیر دلاور میان را بست	۴۱۴	۱۲c
هجیر دلیر سپهد منم	۲۹۴	۱۲c
هجیر ستیزنده بدگمان	۱۴۲۹	۱۲c
هجیرش چنین داد پاسخ که	۲۹۲	۱۲c
هجیر و بزرگان خسرو	۹۹۴	۱۳f
هجیر و سپهرم بکردار	۱۸۴۰	۱۳f
هر آن باره وزخم کویال	۷۵	۱۰
هر آن بد کز اندیشه بیرون	۳۵۱	۲۱
هر آن بند کز دست تو	۶۴۱	۱۳e
هر آن بوم و بر کان زایران	۴۴۲	۱۳g
هر آن بوم و بر کان نه آباد	۸۳	۱۳
هر آن پادشا کو جز این راه	۶۵۷	۳۰
هر آن پادشا کو کشیدی	۵۲۱	۲۱
هر آن پادشاهی که دارد	۱۷۵۹	۳۵
هر آن تن که چشمش سنان	۳۳۲	۱۲
هر آنجا که آواز او آمد	۸۸۴	۱۵
هر آنجا که بد مهتری با	۵۲۴	۱۲e
هر آنجا که بد مهتری نام	۳۱۲	۷
هر آنجا که پر خاش جویم	۱۳۷۲	۱۲e
هر آنجا که خوشتر بود	۲۰۸۱	۳۵

هر آنکس که از بدهراسان	۱۹۹۷، ۴۱	هر آن شهر کز مرزایران	۱۱۴۱، ۱۳۴
هر آنکس که از بهر تو	۲۶۸۲، ۱۳g	هر آن شهر کز روم بستد	۲۲۳۱، ۴۳
هر آنکس که از تخت من	۳۲۴۲، ۱۳g	هر آن کاین سخن با تو گوید	۲۶۸، ۴۳
هر آنکس که از تخمش	۶۳۳، ۲۱	هر آن کز چهل روزه در	۹۹، ۱۳۴
هر آنکس که از تخمه کی	۱۴۰، ۱۳g	هر آن کز شما او گنه کارتر	۲۰۴۵، ۴۳
هر آنکس که از خواسته بر	۲۶۲۷، ۳۵	هر آن کز شما بود بنده	۶۲۴، ۴۴
هر آنکس که از داد بگریز	۱۰۵، ۳۵	هر آنکس ز درگاه بر-	۸۵، ۴
هر آنکس که از دانش	۲۴۶۱، ۴۱	هر آن کس کجا پیش کرد	۱۰۶۳، ۴۳
هر آنکس که از رای تو	۸۲۰، ۱۳b	هر آن کس کجا یافتی	۱۳۱، ۳۰
هر آنکس که از دفتر	۱۵۳۵، ۴۳	هر آنکس کز ایشان گریز	۱۵۵۲، ۳۵
هر آنکس که از دور بیند	۲۹۸، ۱۲d	هر آن کس کز آن تخمه	۸۱۸، ۵۰
هر آنکس که از زابلستان	۱۴۸، ۱۳g	هر آنکس کز اندرز من	۳۰۷۸، ۱۳g
هر آنکس که از شهر بغداد	۴۱۵، ۱۳	هر آنکس کز ایشان بجان	۷۵۲، ۱۳b
هر آنکس که از فور دل	۱۷۴۲، ۲۰	هر آنکس کز این لشکر	۱۰۰، ۳۹
هر آنکس که از کار داران	۱۶۶۴، ۳۵	هر آنکس کزو داشت	۳۶۱۱، ۴۳
هر آنکس که از کلردید	۲۴۶۵، ۴۱	هر آنکس کزو در جهان	۲۰۰، ۴۴
هر آنکس که از لشکر او	۳۱۳۳، ۱۵	هر آنکس که آمد بر او فراز	۲۴۰، ۲۱
هر آنکس که از لشکر روم	۸۸۶، ۶	هر آنکس که آمد ز توران	۱۱۷۳، ۱۳e
هر آنکس که از مردگان	۳۷۸۲، ۴۱	هر آنکس که آن نازیانه	۷۷۰، ۳۵
هر آنکس که اندر سرش	۷۷، ۲۴	هر آنکس که آن زخم	۵۹۸، ۱۴
هر آنکس که اندیشه بد	۹، ۴۱	هر آنکس که آواز او بشنود	۲۷۱۴، ۴۳
هر آنکس که او آتشی بر	۱۵۴۱، ۴۳	هر آنکس که آواز او یافت	۱۱۱۵، ۱۵
هر آنکس که او از در کار	۱۹۲۲، ۱۲d	هر آنکس که آهوی تو با	۴۹۸، ۴۳
هر آنکس که او از گنه کار	۷۱، ۲۴	هر آنکس که آید بدرگه	۱۰۷۷، ۳۵
هر آنکس که او این هنر	۶۴۶، ۳۰	هر آنکس که آید بدین	۳۵، ۲۰
هر آنکس که او باشد از	۱۵، ۱۶	هر آنکس که آید بدین	۳۳، ۴۱
هر آنکس که او برگ	۶۰۲، ۴۲	هر آنکس که آید بر این	۴۵۸، ۱۹
هر آنکس که او برگزیند	۲۶۷، ۱۲d	هر آنکس که آید بر من	۵۶۳، ۱۳c
هر آنکس که او بر نشیند	۱۲۵۱، ۴۳	هر آنکس که آید بروز	۲۵۱، ۴۱
هر آنکس که او پارس بود	۱۹۲۷، ۲۰	هر آنکس که از باره سر	۱۱۴۵، ۱۳c
هر آنکس که او پند ما داشت	۴۷، ۴۲	هر آنکس که از بدتری	۳۹۹۸، ۴۳

هر آنکس که با او بهم	۸۲۳ ، ۴۱	هر آنکس که او پوشش	۲۵۳۵ ، ۴۱
هر آنکس که با تو بجوید	۴۲۹ ، ۱۳	هر آنکس که او پیشه گیرد	۴۵۱۲ ، ۴۱
هر آنکس که با تو نکوید	۶۵۸ ، ۵۰	هر آنکس که او تاج شاهی	۳۷۰۳ ، ۴۳
هر آنکس که با داد و روشن	۴۸۵ ، ۲۲	هر آنکس که او تاج و تخت	۱۹۷۰ ، ۲۰
هر آنکس که باشد بزندان	۱۳۹۵ ، ۴۱	هر آنکس که او جز بدین	۲۶۸ ، ۴۰
هر آنکس که باشد ترا	۴۵۷۰ ، ۴۱	هر آنکس که او جز بر این	۳۲۵۱ ، ۱۳g
هر آنکس که باشد خداوند	۵۴ ، ۴۸	هر آنس که او چون تو باشد	۳۰۴۶ ، ۱۵
هر آنکس که باشد ز	۳۸ ، ۴۱	هر آنکس که او دفتر شاه	۳۹۴۹ ، ۴۳
هر آنکس که باشد مرا *	۵ ، ۲۴	هر آنکس که او رزم خاقان	۱۵۹۴ ، ۳۵
هر آنکس که باشد مرا *	۱۸ ، ۲۴	هر آنکس که او را بدشت	۵۵۶ ، ۱۲b
هر آنکس که باشد ورا	۱۳۸۴ ، ۴۱	هر آنکس که او را خور	۴۶۷۲ ، ۱۵
هر آنکس که باشد پیوسته	۹۴۷ ، ۴۳	هر آنکس که او راه دارد	۳۹۴۵ ، ۴۳
هر آنکس که با طوس در	۴۵۸ ، ۱۳b	هر آنکس که او راه یزدان *	۱۵۱ ، ۴۱
هر آنکس که با کفت ز نهار	۱۳۵ ، ۳۰	هر آنکس که او راه یزدان *	۲۵۱۷ ، ۴۳
هر آنکس که با ما سازند	۳۳ ، ۳۵c	هر آنکس که او رخنه داند	۸۸۹ ، ۴۲
هر آنکس که بد با یکی	۲۷۹ ، ۲۱	هر آنکس که او زین سخن	۲۰۱۶ ، ۱۳g
هر آنکس که بد باشد و بد	۸ ، ۳۹	هر آنکس که او سوی بالا	۳۹۳۲ ، ۴۳
هر آنکس که بد بر در شهر	۶۷۲ ، ۶	هر آنکس که او شاد گشت	۱۹۲۰ ، ۳۵
هر آنکس که بد پیش در	۱۲۳۴ ، ۱۳g	هر آنکس که او فر یزدان	۵۸۰ ، ۵۰
هر آنکس که بد رازدار	۳۸ ، ۴۰	هر آنکس که او کار خسرو	۴۳۵ ، ۴۴
هر آنکس که بد زنده زان	۵۳۳ ، ۲۱	هر آنکس که او کرده کرد	۱۱۵۵ ، ۴۱
هر آنکس که بد کار دیده	۱۸ ، ۱۹	هر آنکس که او کم کند	۱۷۱۰ ، ۱۳g
هر آنکس که بد نزد آن	۴۴۹ ، ۴۴	هر آنکس که او هست زیبا	۵۳۸ ، ۱۴
هر آنکس که بر پادشا	۱۵۷۱ ، ۴۱	هر آنکس که او هست سر	۲۰۰۱ ، ۱۵
هر آنکس که بر تخت حشمت	۶۰۴ ، ۲۲	هر آنکس که او یمن شد از	۳۳ ، ۴۲
هر آنکس که بر تخت شاهی	۲۹۷۲ ، ۴۱	هر آنکس که با آب دریا	۷۳ ، ۲۴
هر آنکس که بر تو گرامی	۱۳۸۹ ، ۴۳	هر آنکس که با او بجوید	۱۶۱۸ ، ۷

(* ستاره در سطر اول ستون اول بجای « بجست » و در دوم بجای « گزید » و در

سطر اول ستون دوم بجای « دوستار » و در دوم بجای « زیر دست » آمده است .

هر آنکس که بودند نخبچیر	۸۰۱ ، ۳۵	هر آنکس که بر دادگر	۵۶۲ ، ۲۲
هر آنکس که بودی مراورا	۲۲۷ ، ۱۴	هر آنکس که بر سنگ آهن	۲۷ ، ۲
هر آنکس که بودی ورا	۳۳۲۰ ، ۴۳	هر آنکس که بر گاه شاهی	۵ ، ۴۵
هر آنکس که بیداد بد	۱۸۴۴ ، ۳۵	هر آنکس که برگشت از	۳۲۷۲ ، ۱۵
هر آنکس که بهی کند	۴۰۲۳ ، ۴۱	هر آنکس که بر نیکویی	۱۲۰۱ ، ۱۲d
هر آنکس که بینید خط	۳۶۴ ، ۴۰	هر آنکس که بروی بدرید	۳۱۳ ، ۱۴
هر آنکس که بینی زبیر	۲۱۱ ، ۱۲	هر آنکس که بسوار گوید	۱۵۸۹ ، ۴۱
هر آنکس که پرهیز کرد	۳۹ ، ۴۲	هر آنکس که بشنید ازو	۴۰۹۶ ، ۴۳
هر آنکس که پوزش کند	۶۰۹ ، ۲۲	هر آنکس که بشنید گفتار	۴۵ ، ۴۳
هر آنکس که پوشید درد	۱۶۰۶ ، ۴۲	هر آنکس که بگریزد از	۱۰ ، ۲۸
هر آنکس که بیچدس راز	۲۰۹۶ ، ۳۵	هر آنکس که بگزید فرمان	۱۰۳ ، ۳۵
هر آنکس که پیش آید	۷۳۱ ، ۲۰	هر آنکس که بود از پر-	۴۶۱۲ ، ۱۵
هر آنکس که پیش من آید	۲۲۳ ، ۵۰	هر آنکس که بود از در	۹۳۶ ، ۱۳g
هر آنکس که پیش من آید	۴۷۸ ، ۱۳f	هر آنکس که بود از نژاد	۲۶۹۷ ، ۱۳g
هر آنکس که پیمود با	۴۳۸۵ ، ۴۱	هر آنکس که بود اندر آباد	۲۹۳ ، ۳۰
هر آنکس که پیوسته او بود	۱۱۶۰ ، ۷	هر آنکس که بود اندر آن*	۲۹۲ ، ۲۱
هر آنکس که تازانه دانست	۱۰۶۶ ، ۳۵	هر آنکس که بود اندر آن*	۴۴۷ ، ۱۲c
هر آنکس که ترساست از	۸۶۰ ، ۴۱	هر آنکس که بود اندر ایوان	۴۴۰ ، ۵
هر آنکس که جانش ندارد	۳۱۱۹ ، ۴۳	هر آنکس که بود او پیاده	۵۵ ، ۱۹
هر آنکس که جست از	۴۶۷ ، ۴۲	هر آنکس که بود او ز*	۹۰۵ ، ۱۴
هر آنکس که جوید بدل	۵ ، ۴۹	هر آنکس که بود او ز*	۲۴۸۲ ، ۱۳g
هر آنکس که جوید هم بر	۱۲۹۸ ، ۴۱	هر آنکس که بود او ز*	۱۸۱۸ ، ۲۰
هر آنکس که جوید همی را-	۱۴۷۳ ، ۱۳g	هر آنکس که بودند از	۱۸۶۸ ، ۲۰
هر آنکس که جویند نام	۳۲۷۳ ، ۴۱	هر آنکس که بودند پیرو	۱۲۸ ، ۷
هر آنکس که خشنودی	۳۱۴ ، ۲۲	هر آنکس که بودند پیرو	۱۵۸۸ ، ۱۲c
هر آنکس که خواهدزما	۳۲۱۷ ، ۴۱	هر آنکس که بودند خسرو	۱۰۲۵ ، ۱۳g

(*) ستاره در سطر اول بجای «انجمن» و در دوو بجای «جایگاه» و

در سوم بجای «تخم بزرگ» و در چهارم «تخم زرسپ» و در پنجم «تخم کیان»

آمده است.

هر آنکس که در دلش بنض	۱۲۳ .	E	هر آنکس که خواهد زما	۲۰۳۵ .	۴۳
هر آنکس که در سایه من	۱۲۸ .	۱۲b	هر آنکس که خواهد که با-	۲۵۰۱ .	۱۳f
هر آنکس که در کار پیشی	۱۱۳۴ .	۴۱	هر آنکس که خواهد که زی	۲۵۰۲ .	۱۳f
هر آنکس که در ویش باشد	۱۶۷۸ .	۳۵	هر آنکس که خواهد که یا-	۲۴۰۸ .	۳۵
هر آنکس که در ویش بود	۳۹۳۶ .	۴۳	هر آنکس که از راه یزدان	۲۶۵۹ .	۱۵
هر آنکس که در هفت	۲۱ .	۷	هر آنکس که دارد بدل	۱۱۱۱ .	۴۱
هر آنکس که دستور بد	۲۲ .	۳۴	هر آنکس که دارد خورد	۲۰۹ .	۳۵
هر آنکس که دل بندد	۶۳ .	۸	هر آنکس که دارد خورد	۲۹۴ .	۱۱
هر آنکس که دهقان بد	۳۷۶۶ .	۴۳	هر آنکس که دارد دلش	۲۱۰ .	۳۵
هر آنکس که دید از در	۶۵۱ .	۴۱	هر آنکس که دارد روانش	۷۴۷ .	۶
هر آنکس که دیدند از	۹۰۴ .	۵۰	هر آنکس که دارد روانش	۲۹۲۹ .	۱۵
هر آنکس که دیدی ز	۱۱۳۴ .	۱۳	هر آنکس که دارد روانش	۱۳۲۴ .	۲۰
هر آنکس که دیدی هر	۱۴۶۲ .	۴۳	هر آنکس که دارد روانش	۲۱۷۶ .	۴۱
هر آنکس که راند سخن	۴۵۱۶ .	۴۱	هر آنکس که دارد ز پرورد	۲۳۱ .	E
هر آنکس که رخ زیر	۱۸۷۱ .	۳۵	هر آنکس که دارد ز گرد	۲۱۶۴ .	۴۱
هر آنکس که رسم جهان	۴۲۶۵ .	۴۳	هر آنکس که دارد ز گیتی	۵۰۸ .	۴۴
هر آنکس که رفتی بدر	۳۳۳ .	۲۲	هر آنکس که دارد نهانی	۲۲ .	۳۸
هر آنکس که رفتی بر آن	۱۳۰۹ .	۲۰	هر آنکس که دارد هش	۳۸۵۸ .	۴۳
هر آنکس که رفتی بمید-	۹۹۳ .	۴۳	هر آنکس که دارد هش	۹۶۲ .	۵۰
هر آنکس که رفتی که	۱۵۷۲ .	۲۰	هر آنکس که دارد رای	۲۸۹۶ .	۱۳g
هر آنکس که روی سیاوش	۸۰۰ .	۱۳	هر آنکس که دارید فر*	۳۰۹۸ .	۱۳g
هر آنکس که زاد او ز	۱۵۷ .	۱۲d	هر آنکس که دانا بد از	۳۸۳۶ .	۱۵
هر آنکس که زاید بیايد	۱۸۶۵ .	۲۰	هر آنکس که داند که	۴۶۱ .	۲۲
هر آنکس که زنده از	۱۸۶۳ .	۴۱	هر آنکس که دانش فرا-	۱۱۴۶ .	۴۱
هر آنکس که زنده است	۳۵۹ .	۱۲	هر آنکس که دانش نیابی	۱۳ .	۲۴
هر آنکس که ز نهار خواهد	۲۳۸ .	۱۹	هر آنکس که در بارگاه	۱۴۱۸ .	۴۳
هر آنکس که زی کرم	۶۶۸ .	۲۱	هر آنکس که در بوم و	۴۱۱۱ .	۴۱
هر آنکس که سیر آید از	۲۱۰۷ .	۴۱	هر آنکس که در پیش من	۲۹۱۴ .	۱۳g
هر آنکس که شد در جهان	۵۶ .	۴۲	هر آنکس که در جنگ تند	۳۲۷۵ .	۴۱
هر آنکس که شد در دم	۲۳۷۸ .	۱۵	هر آنکس که در جنگ سست	۳۰۶ .	۲۲

هر آنکو بزرگست و دارد	۲۹۰۲ ، ۴۳	هر آنکس که شد کامران	۴۹۵ ، ۱۲c
هر آنکو بزندان تو بسته	۴۱۸ ، ۱۳e	هر آنکس که شد کشته در	۳۸۴۶ ، ۴۱
هر آنکو بما شادمانی	۲۲ ، ۴۶	هر آنکس که عهد نیا	۷۹ ، ۳۹
هر آنکو بیابد ز چنگم	۱۲۰ ، ۱۳e	هر آنکس که فرمان ما بر	۳۴ ، ۳۵
هر آنکو ز تخم منوچهر	۱۸۲ ، ۱۳	هر آنکس که گرد ز راه	۸۸۷ ، ۱۳e
هر آنکو ز تخم منوچهر	۵۱۲ ، ۱۳	هر آنکس که گشت ایمن	۱۵ ، ۲۶
هر آنکو سخن سر بسر	۱۵۰۰ ، ۴۱	هر آنکس که گیتی بید	۲۸۶ ، ۴۴
هر آنکو گذشت از ره	۱۸۰ ، ۱۳d	هر آنکس که گیرد بدست	۱۰۱۹ ، ۴۳
هر آن گرد کاواز کوپال	۱۷۹۳ ، ۷	هر آنکس که گیرد مراو	۳۲۸۷ ، ۱۳g
هر آن گنج کان جز بشمشیر	۵۶۴ ، ۳۵	هر آنکس که مارا بدی	۲۲۷ ، ۴۴
هر آن گوهری کش بها	۳۷۵۷ ، ۴۳	هر آنکس که مارا نمود	۳۳۵ ، ۴۳
هر آنکه پشیمانی آمد	۱۹۶ ، ۱۱	هر آنکس که مردی کند	۹ ، ۱۱
هر آنکه کت آید بید	۶۶۸ ، ۸	هر آنکس که ناچیز بد	۱۶۹۳ ، ۳۵
هر آنکه کز این تیرگی	۲۰۱۴ ، ۲۰	هر آنکس که نپسندد این	۲۴۷۷ ، ۴۱
هر آنکه کزو بچه آید	۶۱ ، ۲۲	هر آنکس که نزد پدرش	۶۵ ، ۴۲
هر آنکه که آید گمانتان	۲۳۱۲ ، ۱۵	هر آنکس که نزدیک یا	۳۷۳ ، ۷
هر آنکه که از دشمن ایمن	۳۷۶ ، ۲۲	هر آنکس که نیکی فراموش	۴۴۸۹ ، ۴۱
هر آنکه که از زبردستان	۵۹۳ ، ۳۵	هر آنکس که هست از شما	۴۷۵ ، ۱۹
هر آنکه که اندیشه گردد	۲۸۴۰ ، ۱۳g	هر آنکس که هست از شما	۲۹۱۷ ، ۱۳g
هر آنکه که او مهتری را	۷۳۵ ، ۱۳c	هر آنکس که هست از شما	۳۶ ، ۴۲
هر آنکه که او خویشان	۷۰۶ ، ۴۳	هر آنکس که هست از نژاد	۱۸۳۱ ، ۲۰
هر آنکه که این مایه بردی	۱۴۱ ، ۲۱	هر آنکس که هست اندر	۲۹ ، ۴۱
هر آنکه که باشی بدوشاد	۴۵۴۴ ، ۴۱	هر آنکس که هست او	۱۸۷ ، ۴۱
هر آنکه که باشی تن آسان	۳۱۳۷ ، ۱۳g	هر آنکس که هستند با	۱۱۹۸ ، ۱۳b
هر آنکه که باشی تو بارای	۷۸ ، ۲۴	هر آنکس که یابم سرش	۲۵۸ ، ۱۲e
هر آنکه که برزد یکی باد	۸ ، ۱۳e	هر آنکس که یا بیدرومی	۴۰۵ ، ۳۰
هر آنکه که بر گاه خندان	۱۷۸ ، ۵۰	هر آنکس که یازد بید	۲۵۹۸ ، ۱۲d
هر آنکه که بی شاه یابند	۱۹۳۲ ، ۴۱	هر آنکس که یکروز	۲۷۳۲ ، ۱۵
هر آنکه که بیگانه شد	۱۰۳۰ ، ۷	هر آنکو بد از مهتران	۴۳۸۷ ، ۴۱
هر آنکه که بیگانه شد	۲۱۵۹ ، ۱۲d	هر آنکو بدان گردکش	۶۰۱ ، ۱۵

هر آن مام کو چون تو	۵۹۳ ، ۱۲	هر آنکه که پردخت گشتی	۱۰۹۸ ، ۴۱
هر آن مغز کورا خرد	۱۲۰ ، ۴۳	هر آنکه که تو تشنه گشتی	۱۳۴۳ ، ۱۲c
هر آن می که با تو خورم	۳۴۰۲ ، ۱۵	هر آنکه که تو شهر یاری	۳۱۱۶ ، ۴۱
هر آن نامور کو نباشدش	۷ ، ۹	هر آنکه که جوشن ببرد	۷۴ ، ۱۰
هر آن نامور کو ندارد	۹ ، ۳۸	هر آنکه که چاچی بزد	۷۰ ، ۱۰
هر اسان بود مردم سخت	۱۱ ، ۲۹	هر آنکه که خسرو نشیند	۱۷۹۸ ، ۴۲
هر اسانم از رستم تیز چنگ	۱۲۵۷ ، ۱۳c	هر آنکه که خشم آورد	۱۳۳۶ ، ۱۲c
هر اسپ که با باد همس	۱۳۹ ، ۳۴	هر آنکه که خنجر بر اندا-	۶۱۳ ، ۱۳c
هر اسپ که دیدی بنیرو	۲۰۹ ، ۱۲c	هر آنکه که دانا بودی	۱۲ ، ۴۰
هر اسپ که رستم کشیدی	۱۰۲ ، ۱۰	هر آنکه که در کارستی	۱۷ ، ۴۱
هر اس نو آنکه که جویی	۴۱۵۸ ، ۴۱	هر آنکه که دل تیره گردد	۵ ، ۳۶
هر است ازین دوستی بهر	۱۸۳۰ ، ۲۱	هر آنکه که دیدی شکست	۳۰۷۸ ، ۴۳
هری از پس پشت بهرام	۷۱۶ ، ۴۲	هر آنکه که دینار بردی	۲۷۸ ، ۳۴
هزار آفرین باد بر خاک	۱۱۶۲ ، ۱۵	هر آنکه که رشک آورد	۸۶ ، ۲۴
هزار آفرین باد بر خوی	۱۷۷۵ ، ۴۲	هر آنکه که رفتی همی	۳۷ ، ۴۶
هزار آفرین باد بر زال زر	۷۹۴ ، ۱۲	هر آنکه که روزی تواند	۳۲ ، ۴۹
هزار آفرین باد بر شهر یار	۱۶۰۱ ، ۱۳c	هر آنکه که سالار باشد	۹۵۹ ، ۴۲
هزارار بهندی زنی در	۱۹۹۳ ، ۳۵	هر آنکه که سال اندر آمد	۹۱ ، ۱۳g
هزار از خردمند مردان	۱۹۲۳ ، ۱۲d	هر آنکه که سال اندر آمد	۴۰۶۹ ، ۴۱
هزار از دلیران نیزه گذار	۱۵۰ ، ۱۳f	هر آنکه که شد پادشاکتر	۹ ، ۴۰
هزار از گنج و دنیا	۲۴۴۳ ، ۱۵	هر آنکه که شد تخت بی	۳۹۰۲ ، ۴۱
هزار از کس بار	۱۷۱۲ ، ۲۰	هر آنکه که شد سال بر	۳۸۵۵ ، ۴۳
هزار از ماده سرخ موی	۱۹۰۰ ، ۱۲d	هر آنکه که فرمان دهد	۱۹۵۱ ، ۴۱
هزار از اشتر واسپ و استر	۱۶۳ ، ۱۲b	هر آنکه که فرمان دهم	۴۳۴ ، ۱۳g
هزاران پس پشت او سر	۳۷۸ ، ۱۳	هر آنکه که گشتی زنجیر	۳۳۱۹ ، ۴۳
هزارانت کودک دهم نوش	۳۹۹۷ ، ۱۵	هر آنکه که گویی رسیدم	۳۲ ، ۱۹
هزارانت گوهر دهم شاه	۳۹۹۶ ، ۱۵	هر آنکه که گویی که دانا	۱۶ ، ۳۹
هزاران دلیران روز نبرد	۱۵۶ ، ۱۳g	هر آنکه که لشکر براند	۱۰۶ ، ۴۳
هزاران سر مردم بیگناه	۲۴۷۵ ، ۱۲d	هر آنکه که موی سیه شد	۱۱۳۲ ، ۱۳f
هزاران هزارم بدر لشکر	۷۶۱ ، ۲۰	هر آنکه که یازد بپیداد	۱۴۰۹ ، ۴۱
هزارت کنیزک دهم خلجی	۳۹۹۸ ، ۱۵		

هلاتیغ و کوپالها بر کشید	۶۶۱ ، ۱۳b	هزار و چهل مرد شمشیر	۳۵۵۶ ، ۴۳
هلاچامه پیش آوری چامه	۸۴۳ ، ۳۵	هزار و چهل نامور خسته	۸۱۰ ، ۱۵
هلازود بشتاب کا آمد سپاه	۲۳۰۸ ، ۱۳f	هزار و دو صد گرفتار	۵۲ ، ۲۳
هلازود بشتاب و بامن بگو	۲۵۶۳ ، ۱۵	هزار و دو صد نامور	۱۲۵۸ ، ۱۲e
هلاگفت بر خیز و پاسخش	۲۳۹ ، ۱۵	هزار و صد و بیست استاد بود	۳۷۳۳ ، ۴۳
هلاهل چنین زهر هندی	۲۷ ، ۲۲	هزار و صد و چل گرفتار شد	۱۹۵۳ ، ۱۳g
هم آتش بمردی با تشکده	۴۱۲ ، ۵۰	هزار و صد و دوتن آمد شمار	۴۱۱ ، ۳۰
هم آرام از ویست و هم کام	۶۵۳ ، ۲۲	هزار و صد و شصت خسرو	۳۵۵۵ ، ۴۳
هم آرایش پادشاهی بود	۲۵۳ ، ۴۴	هزار و صد و شصت قنطار	۱۶۳۲ ، ۳۵
هم آرایش تاج و گنج و	۶۳ ، ۲۴	هزار و صد و شصت گرد	۱۳۰ ، ۱۱
هم آزادی برده خوبچهر	۳۴۵ ، ۳۰	هز بر جهان سوز و نراژدها	۶۸۴ ، ۶
هم آزادی تو بیزدان کنیم	۲۴۳۱ ، ۳۵	هزبری که آورده بودی	۱۲۹۸ ، ۱۲c
هم آنان که پیوسته او بد	۳۶۸۱ ، ۴۳	هزیمت بهنگام بهتر ز	۶۴۰ ، ۴۳
هم آنجا = همانجا		هزیمت سوی کوه باز آمد	۱۶۸۰ ، ۱۳
هم آن کس = همانکس		هزیمت شد از وی سپاه	۲۸۲ ، ۱۰
هم آنگاه = همانگاه		هزیمت گرفت آن سپاه	۴۰۱ ، ۴۳
هم آنگه = همانگه		هزیمت گرفتند ایرانیان	۲۸۰ ، ۵۰
هم آواز = هماواز		هزیمت گرفتند ترکان چو	۴۱۷ ، ۱۲e
هم آورد = هماورد		هزینه باندازه گنج کن	۳۹۷۰ ، ۴۱
هم آیین پیشین نگه داشته	۱۱۶۸ ، ۱۲c	هزینه چنان کن که بایدت	۱۱۴۸ ، ۴۱
هم آیین پیشین نگه داشتی	۴۶۱ ، ۴۳	هزینه مکن سیمت از بهر	۴۶۹ ، ۲۲
هم از آشتی راندم و هم	۵۲۵ ، ۱۳c	هش و دانش و رای دستور	۳۷۹۳ ، ۴۱
هم از اختر شاه بهرام بود	۲۲۷۳ ، ۳۵	هش و رای پیران سبک	۱۳۴۶ ، ۱۳f
هم از اسب وزرین ستام و	۲۲۳۷ ، ۳۵	هشیوار با جامه های سپید	۵۳۳ ، ۱۲d
هم از ایمنی شادمانی بود	۶ ، ۲۸	هشیوار بینا دل او را ببرد	۸۲ ، ۳۰
هم از این سخن ده خود آباد	۴۳۰ ، ۳۵	هشیوار دستور بردست	۲۷۸۳ ، ۴۱
هم از بد خوینی هم ز کردار	۱۲۴۷ ، ۶	هشیوار دیوانه خواندورا	۲۶ ، E
		هشیوار و آهسته و بانژاد	۱۳۰۴ ، ۴۲
		هشیوار و از تخمه گیوکان	۹۳۳ ، ۱۲c
		هشیوار و سازنده با پادشا	۱۵۵۵ ، ۴۱

هم از بند او بد شود نام من	۳۴۱۹ . ۱۵	هم از دشمن آژیر بودن	۲۹۷۴ . ۴۱
هم از بهر بهرام پیروزه	۲۲۳۸ . ۳۵	هم از دوره چنگش	۳۲۸ . ۱۳c
هم از بهر مهراب و سیندخت	۱۴۶۶ . ۷	هم از راه تا خان رستم بران	۲۷۷۶ . ۱۵
هم از پشت آن باره بردش	۲۲۵ . ۴۳	هم از راز یزدان بگردد	۳۳۴۳ . ۴۳
هم از پشت او داور کردگار	۶۷۱ . ۱۲e	هم از رزمزن نامداران	۲ . ۹
هم از پهلوی پارس کوچ و	۶۶۳ . ۱۲d	هم از رشک ضحاک شد چاره	۴۸۳ . ۵
هم از پیش آنکس که با بو	۳۵۶۹ . ۴۳	هم از شاه ایران دلش بود	۱۴۷۲ . ۱۳f
هم از پیشه‌ها آن گزین	۱۵۱۹ . ۴۱	هم از شاه کشمیر و قفقور	۳۱۵۲ . ۴۱
هم از تازیان بی‌شماران جمن	۵۸۳ . ۲۰	هم از شاه و دستور و زلشکر	۲۰۱۰ . ۵۰
هم از تخت و هم بدره‌های	۲۸۸۴ . ۱۲d	هم از شاه یا بند دیهیم	۸۸۸ . ۶
هم از تخم کاووس هفتاد مرد	۱۶۷۳ . ۱۳	هم از شهر پیراهنی لا زورد	۱۴۲۴ . ۴۲
هم از تخم کی آرش و کی	۲۵۵ . ۱۲d	هم از شهر پرسید و هم نام او	۳۳ . ۱۳c
هم از تخمه سر فرازان بد	۴۰۰ . ۳۴	هم از طوق و هم تخت و هم	۱۴ . ۱۲
هم از تخمه قیصرانست	۵۳۲ . ۱۴	هم از فیلسوفان بسیار	۶۷ . ۳۴
هم از تخمه گیو چون بیست	۱۶۷۲ . ۱۳	هم از کین نوش آذرو نوش	۴۰ . ۱۶e
هم از تیغ هندی و گرز	۴۴۸ . ۱۲b	هم از گردش چرخ بر نکذریم	۶۷۰ . ۱۳g
هم از جامه و برده و تخت	۱۶۶۹ . ۲۰	هم از گنج بد پوشش و	۲۵۶۴ . ۳۵
هم از جنگ ترکان اوروز	۴۹۶ . ۴۲	هم از گنج صدر خوشاب	۲۷۶ . ۱۳
هم از جنگ جستن نکشتم	۱۰۲۴ . ۱۲d	هم از گنج ما بینیازی دهید	۱۶۸۵ . ۳۵
هم از جنگ و پیکار با خشنو-	۱۷۱ . ۳۹	هم از گنج ماشان بتوزید	۱۶۸۳ . ۳۵
هم از چارپای و هم از	۷۲ . ۱۳e	هم از گنج و دینار چون	۱۰۸ . ۲۰
هم از چاره تدبیر کردش	۵۰۵ . ۶	هم از گوهر سلم دارد نژاد	۳۵۰ . ۱۵
هم از خاوران تادر باختر	۲۵۲۰ . ۱۳g	هم از گوهر و افسر و رنگ	۲۱۳۱ . ۱۵
هم از خسرو نامدار جهان	۲۰۸ . ۱۳c	هم از گوهر و تاج و هم تخت	۲۴۲ . ۱۱
هم از خوردنیها و هر گونه	۴۳۸ . ۵۰	هم از گوهر و کشور و مهر	۳۱۵۹ . ۴۱
هم از خون آن نامداران	۱۴ . ۱۶	هم از لشکرش بر گرفته	۱۴۷ . ۱۹
هم از داد تو کس نیاز ارم	۹۴۹ . ۱۳e	هم از لؤلؤ و گوهر شاهوار	۲۱۰۶ . ۷
هم از داغ دیگر کمی	۱۴۱ . ۳۴	هم از مادرش دخت افرا-	۲۰۹ . ۱۳c
هم از دانش و رای بوزر-	۲۸۸۹ . ۴۱	هم از موبدان موبد و	۳۳۲ . ۴۳
هم از دسته بشکست گرز	۳۶۷۲ . ۱۵	هم از موبد موبدان اردشیر	۱۶۵ . ۳۹

هم از مهر ایزد گشسب	۸۸ ، ۴۲	هم از مهر ایزد گشسب	۶۸۲ ، ۱۳c
هم از مهر مهتر دلش	۳۹۱ ، ۱۲	هم از مهر مهتر دلش	۶۳۴ ، ۱۳c
هم از نزد هشتی گنه	۱۱۰ ، ۴۴	همان آب دریای یک ساله	۲۰۸۹ ، ۱۳g
هم از نوشزاد آمد این	۷۷۵ ، ۴۱	همان آدمی بود کان چهره	۳۶۰ ، ۲۰
هم از نامداران ده و دو	۳۲۸۶ ، ۴۳	همان آرزو تندرستی بود	۲۶۴۰ ، ۴۱
هم از نامداران سوی	۵۸ ، ۳۴	همان آرزو را پدیدست راه	۱۵۰۴ ، ۴۱
هم از هفت کشور برابر	۳۷۷۴ ، ۴۳	همان آرزوها بیفزایدت	۴۴۶ ، ۲۰
هم از باره و تاج و انکستر	۳۴۲ ، ۱۲d	همان آرزوی پدر خیزدم	۲۲۹ ، ۳۴
هم از باره و گوهر شاهوار	۳۴۵۰ ، ۴۱	همان آرزو ازیر خاک آوری	۶۵۳ ، ۱۲e
هم از یال اسپان و دست	۱۵۴۹ ، ۱۳	همان آفریننده هور و ماه	۹۶۵ ، ۱۲d
هم افراسیاب آن بداندیش	۶۰۳ ، ۲۱	همان آفرین نیز کردیم	۳۹۳۸ ، ۴۱
هم اکنون از ایدر بدژ	۱۳۱۲ ، ۴۲	همانا به تنها جو من کس	۱۱۸۶ ، ۱۳
هم اکنون ازین رزم کومه	۳۶۱۷ ، ۱۵	همانا بتو کس نپردازی	۲۷۱۸ ، ۴۳
هم اکنون باین زور و این	۱۴۸۳ ، ۱۳c	همانا بداندیش افراسیاب	۲۰۵۹ ، ۱۳g
هم اکنون بخاک اندر آید	۴۰۴۷ ، ۱۵	همانا بدان راغ و کوه بلند	۴۵۲ ، ۵۰
هم اکنون بخروار دینار	۱۴۳۶ ، ۳۵	همانا بر این بوم و بر صد	۱۳۶۴ ، ۱۲d
هم اکنون بدین با تو ییمان	۹۹۷ ، ۳۵	همانا بر این سوک با ما سپهر	۵۹۶ ، ۸
هم اکنون برانم سوی	۲۶۷۵ ، ۱۵	همانا بفرمان شاه آمدی	۱۳۰ ، ۱۲e
هم اکنون برو سوی ایران	۱۲۳۵ ، ۱۳c	همانا بکان اندرون زرنماند	۲۰۷۱ ، ۷
هم اکنون بنیروی یزدان	۶۵ ، ۴۶	همانا بمردی سبک داریم	۳۱۴۵ ، ۱۵
هم اکنون ترا ای نبرده	۱۴۹۹ ، ۱۳b	همانا پس هر کسی بنکرد	۱۹۷۸ ، ۲۰
هم اکنون ترا هم چو کاموس	۵۲ ، ۱۳c	همانا ترا زندگانی نماند	۸۷۵ ، ۱۲
هم اکنون تن کشتگانرا	۴۹۸ ، ۱۳b	همانا ترا من بسم پایمرد	۲۳۰۲ ، ۱۲d
هم اکنون چو دستان بر من	۱۶۴۵ ، ۷	همانا چنو مرد دیده ندید	۵۳۰ ، ۱۵
هم اکنون ز بن بر کنم بیخ	۲۱۴ ، ۱۳b	همانا چو سهراب دیگر	۲۶۹۶ ، ۱۵
هم اکنون ز زینش بسان	۳۱۹۱ ، ۴۳	همانا خوش آمدش گفتار	۱۱۰ ، ۴
هم امشب سرت را من از	۹۶۴ ، ۲۰	همانا خوش آمدش گفتار	۱۵۸۳ ، ۱۳b
هم اکنون سرویال پولاد-	۱۵۰۶ ، ۱۳c	همانا دلش دیو بفریفتست	۹۳۷ ، ۱۵
هم اکنون شب تیره نزد من	۲۱۲ ، ۴۲	همانا اردشیرش پدر کرد	۷۱ ، ۲۱
هم اکنون شتر بازگردان	۴۳۳۱ ، ۴۱		

همانا فریبرز کاووس شاه	۷۰ ، ۱۳	همان ارزن پسته و نارदान	۴۴۱ ، ۵۰
همان افسر پیلما نان بزر	۱۲۳۱ ، ۱۳b	همان از پی شاه فرزندرا	۳۲۳۹ ، ۱۵
همان افسر و گوهر و سیم	۱۸۷۹ ، ۲۰	همان از تن خویش ناهوده	۳۵۶ ، ۱۲
همانا کز ایران یکی	۱۲۵۷ ، ۱۵	همانا از تو هست ترسان دلش	۳۳۳۱ ، ۱۵
همانا کز ایرانیان صد	۱۵۳۶ ، ۱۳c	همانا ز جنگ آوران	۳۶۹ ، ۱۳c
همانا کزین بد نشانه	۴۱۰۶ ، ۱۵	همانا ز خروار پانصد هزار	۲۰۸۸ ، ۷
همانا کزین گونه سازیم	۳۲۵ ، ۴۱	همان از دل پاک و پاکیزه	۱۲۴۴ ، ۷
همانا کنون زورم افزونتر	۳۲۶ ، ۱۲e	همان از فریدون و از	۴۵۳۴ ، ۱۵
همانا که آمد شمارا خیر	۴۰۲ ، ۵۰	همان از گروگان کم اندیشد	۱۰۰۳ ، ۱۲d
همانا که آمد گو پیلتن	۱۳۰۷ ، ۱۳b	همانا زمان آمدستم فراز	۱۷۷۱ ، ۷
همانا که آن خاک گریان	۷۳۰ ، ۵۰	همانا زمانت فراز آمدست	۳۱۷۰ ، ۴۱
همانا که آن رزم آسان	۶۲ ، ۱۰	همانا زمان بود سی هزار	۱۳۵۷ ، ۲۰
همانا که آن سگری جنگ	۱۵۵۶ ، ۱۳b	همان از منوچهر شاه بزرگ	۲۵۷۶ ، ۱۲d
همانا که از بهر این روز-	۳۲۷ ، ۱۲	همان از منوچهر و از کی قباد	۱۵۹ ، ۱۲
همانا که از بهر ما یک	۳۶۰ ، ۱۳b e	همانا ز هنگام هوشنگ باز	۶۱۳ ، ۴۴
همانا که از جان تو سیر	۱۳۳۰ ، ۱۲c	همان اسپ تو شاه اسپ	۲۰۶۹ ، ۱۲d
همانا که از دیونا سازگار	۴۰۹۸ ، ۱۵	همان اسپش از تشنگی شد	۶۴۴ ، ۱۳g
همانا که از صد نماندست	۸۹۶ ، ۱۳g	همان اسپش از دیو دارد	۵۵۰ ، ۱۳g
همانا که از گاه سیر آمدی	۱۲۳۱ ، ۱۲e	همان اسپ و اشتر دوره ده	۱۲۲۱ ، ۳۵
همانا که افکنده شد چل	۱۴۹۲ ، ۱۳g	همان اسپ و جامه و تخت	۳۵۲۶ ، ۴۳
همانا که او را زمان	۳۵۰ ، ۱۲e	همانا سر آمد کنون روز	۴۲۴۵ ، ۴۳
همانا که این مایه دانی	۶۶۶ ، ۴۲	همانا اشتر وار باشد دو بیست	۸۷۸ ، ۳۵
همانا که این مهتر پارسی	۲۳۵۲ ، ۴۳	همانا شمارش نداند کسی	۲۰۹۰ ، ۷
همانا که باران نیارد ز	۱۱۳۴ ، ۱۲e	همانا شما ساس در نیمروز	۱۸۱ ، ۸
همانا که با زال پیمان من	۱۳۰۲ ، ۷	همانا شنیدستی آوای سام	۳۲۱۴ ، ۱۵
همانا که باشد بروز شمار	۸۵۷ ، ۷	همانا شنیدند گردنکشان	۳۹۴ ، ۵۰
همانا که باشد مراد ستگیر	۱۱۶ ، E	همانا شنیدی تو از مهتران	۳۰۰ ، ۱۲b
همانا که بخشایش کردگار	۴۳۹ ، ۱۲	همانا شنیدی که سام سوار	۴۹ ، ۱۶
همانا که بر خون اسفندیار	۱۳ ، ۱۶	همانا شنیدی که لهر اسپ	۲۶۳۴ ، ۱۵
همانا که بر زد یکی تیز دم	۹۷ ، ۱۸	همانا فراموش کردی زمن	۵۴ ، ۱۰

همانا که یزدان نکردش	۶۲۰ ، ۱۲d	همانا که بر گشت از روزگار	۸۰۲ ، ۱۲b
همانا مرا چشم دارد همی	۲۲۹۲ ، ۴۳	همانا که بر گشت پیکار ما	۱۴۰۹ ، ۱۳c
همانا مرا سال بر صدر سید	۲۷۲۲ ، ۴۳	همانا که پیران بیاید پگاه	۲۵۳۳ ، ۱۲d
همانا مرا مرگ نزدیک	۱۸۱۷ ، ۲۰	همانا که تارسته خیز این	۲۸۰۳ ، ۱۵
همانا نداند از آن شهر	۱۹۶۳ ، ۱۲d	همانا که تاهست گیتی فروز	۴۶۵۵ ، ۱۵
همانا اندر یمان که پیروز	۲۰۵۳ ، ۱۵	همانا که تو خود ز ترکان	۳۸۷ ، ۱۲c
همانا ندیدست گور از	۳۲۸۷ ، ۱۵	همانا که چونین نباشد	۸۸۵ ، ۲۰
همانا ندیدی تو درویش	۱۱۸۴ ، ۳۵	همانا که خسرو ز مادر	۷۱۴ ، ۱۲e
همانا نگنجند در پیش	۲۸۱ ، ۴۰	همانا که داری ز گردان	۱۲۵۷ ، ۱۲c
همانا نما ندست یک جا نور	۱۱۶۵ ، ۱۳b	همانا که دریای قلزم شود	۱۵۵۷ ، ۱۳g
همانا نهان داشت لختی	۳۲۴ ، ۳۵	همانا که دلتان ز بربر	۵۷ ، ۴۶
همانا نه اندیشد از ماهمی	۶۹۴ ، ۱۳	همانا که دل را ندارد مبرنج	۴۴۱۴ ، ۴۱
همانا نه مردم بدند آن	۱۸۶۶ ، ۴۱	همانا که رستم بدین رزمگاه	۱۵۴۰ ، ۱۳b
همانا نیاید نیازش بر	۱۸۷۰ ، ۲۰	همانا که زان باره فرسنگ	۱۰۶۸ ، ۱۳g
همانا اورمزد و همان روز	۴۰۱ ، ۱۹	همانا که مالش نباشد دو	۵۷۰ ، ۱۲c
همانا همی خواستار آوری	۴۰۲ ، ۱۲e	همانا که شمشیر زنی سی	۹۴۳ ، ۱۲c
همانا این سه دختر پرستنده	۸۷۳ ، ۳۵	همانا که شمشیر زن صد	۹۳۴ ، ۱۲c
همانا با بزرگان توران	۱۰۶۵ ، ۱۳c	همانا که فرسنگ از ایران	۱۵۵۳ ، ۱۳g
همانا با خردمند گیرد	۱۴۵۴ ، ۴۱	همانا که فرسنگ باشد	۹۴۱ ، ۱۳c
همانا بادبان را کند مایه	۱۶۰۹ ، ۴۱	همانا که فرسنگ بودی	۵۵ ، ۱۲b
همانا باد بر سوی طلحند	۳۳۰۰ ، ۴۱	همانا که فرسنگ ده رفته	۵۰۷ ، ۱۳b
همانا بارگی رخس زیر	۳۹۶۰ ، ۱۵	همانا که کاووس بد کرده	۲۴۵۵ ، ۱۳f
همانا بارو بر گش دروغ	۲۱۳ ، ۱۳b	همانا که کوپال بیش از	۱۶۸ ، ۱۱
همانا باره دژ فرود آورد	۱۱۳۲ ، ۱۳g	همانا که کوپال بیش از	۹۰۶ ، ۱۲c
همانا با ژباید پذیرفت	۲۷۳۷ ، ۴۱	همانا که گرسیوز نهک	۲۳۶۷ ، ۱۲d
همانا باز کشور که بدچار	۳۳۸۴ ، ۴۳	همانا که گل را بها خواستی	۶ ، ۴۲
همانا باشما او نیاید	۵۵۲ ، ۱۳g	همانا که ما را سر آمد زمان	۴۳۹ ، ۱۳b
همانا باغبان را بسی	۵۶۷ ، ۳۰	همانا که ما را نکوهش کند	۶۳۱ ، ۱۳c
همانا با کلاهست و پادست	۷۳۷ ، ۱۲d	همانا که نزد تو آمد خبر	۳۱۸ ، ۱۹
همانا با هنرمندی و رای	۸۱۳ ، ۱۳b	همانا که نیکی به از کار بد	۲۳۷ ، ۱۱

همان به که با او باواز	۳۲۳ ، ۱۲d	همان بچه شیر، ناخورده	۲۱۲ ، ۷
همان به که با او نسازیم کین	۵۶۱ ، ۱۳f	همان بخش ایرج بدایران	۲۲۷ ، ۱۱
همان به که با جام گیتی	۱۹۰۴ ، ۱۳	همان بدتن سفله رادوست	۵ ، ۳۲
همان به که با کینه داد	۱۴۰۶ ، ۱۳g	همان بدول و سفله و بی	۳۲۲۳ ، ۴۳
همان به که سوی خراسان	۳۱۷ ، ۵۰	همان بدره و برده و چارپا	۲۹۱۸ ، ۱۳g
همان به که سوی کلات و	۵۵۷ ، ۱۳	همان بدره و جام می خواستی	۸۶ ، ۱۳
همان به که گفتار من	۸۴۷ ، ۱۳b	همان بد که آن مرد بد	۱۲۵۰ ، ۳۵
همان به که گیتی نبیند	۲۹۵۱ ، ۱۵	همان بد که بیدادگر بود	۱۴۹۷ ، ۱۳g
همان به که گیتی نبینی	۷۰۱ ، ۵۰	همان بد که تنگی بداند	۲۳ ، ۹
همان به که لشکر بدان سو	۵۶۱ ، ۱۳	همان بردر تو یکی کهترم	۷۴۸ ، ۱۲c
همان به که ما جام می	۸۴۵ ، ۱۳c	همان بردل هر کسی بوده	۲۳ ، ۳
همان به که ما را بر این جای	۳۵۹ ، ۵	همان برده و بدره و بازو	۲۷۷۳ ، ۴۱
همان به که من بازگردم	۲۱۰۳ ، ۳۵	همان برده و بدره های	۷۳ ، ۱۶
همان به که من با سپاه	۱۹۲۰ ، ۳۳	همان برده و جامه و سیم وزر	۳۵۰ ، ۴۱
همان به که من سوی ایشان	۸۵۷ ، ۱۴	همان بر نیا طوس و بر	۱۶۴۸ ، ۴۳
همان به که نیکی کند	۴۱۰۳ ، ۴۱	همان بزمش آید همان	۳۸۳۵ ، ۴۱
همان به که یا بددل لشکری	۱۳ ، ۴۰	همان بس که من شیر بینم	۱۶۶۴ ، ۴۱
همان بوم کورا بهشتست	۱۰۶۵ ، ۱۳g	همان بندگانش را مدارید	۱۶۸۶ ، ۳۵
همان بوی مشک آمد از	۲۰۳۱ ، ۳۵	همان بنده بودند ایرانیان	۳۹۷ ، ۴۳
همان بیزن از دختر پیلتن	۷۱۸ ، ۱۳e	همان بنده پرگناه تو	۲۲۷۳ ، ۱۳g
همان بیژن گیو برجست	۲۳۴ ، ۱۳	همان بهز جانش که دانش	۲۵۲۰ ، ۴۱
همان بیژن گیو و راهام را	۱۰۲۷ ، ۱۳b	همان به کز ایدر شود با سپاه	۱۳۲۲ ، ۴۳
همان بیکران آتش	۱۲۸۶ ، ۲۰	همان به کز این زشت اندیشه	۵۱۴ ، ۱۲d
همان بیکران از جهان	۱۷۸۲ ، ۳۵	همان به کزین شهر بیرون	۶۷ ، ۱۷
همان بیکنه روی پوشیده	۱۸۰۶ ، ۱۳g	همان به کز این کار ناسود	۵۹ ، ۲۲
همان بیور اسپش همی خواند	۱۰۴ ، ۴	همان به که امروز باشیم	۸۰۳ ، ۴۳
همان پادشا بود بر هندوان	۲۸۹۸ ، ۴۱	همان به که او را بر پهلوان	۸۱۷ ، ۴۳
همان پاسخش نیز در خور	۳۱۳ ، ۱۲b	همان به که این بر نشیند	۹۱۲ ، ۴۳
همان پاسخ نامه پیش	۱۳۴۴ ، ۱۳f	همان به که این در درانیز	۱۴۱ ، ۱۲b
همان پاسی از تیره شب	۲۲۸ ، ۱۷	همان به که این زن بود	۲۹۳۴ ، ۴۱

همان تازی اسپان آکنده	۱۵ . ۱۲	همان پاکزاده نیاکان ما	۴۰۸۴ . ۱۵
همان تازی اسپان بزرگین	۱۸۴ . ۱۱	همان پایة تخت زرین بلور	۱۹۶۰ . ۳۵
همان تازیان را بسی هدیه	۷۳ . ۳۵	همان پر خرد موبد راه	۳۷۱۵ . ۳۱
همان تا کسی دیگر آمد	۱۲۵۵ . ۱۲c	همان پر سیمرغش آمد	۱۷۸۳ . ۷
همان تالب رود جیحون	۴۰۵ . ۴۲	همان پر گزندان که نزد	۲۴۷ . ۴۴
همان تخت با تاج پیروز	۱۶۲ . ۳۹	همان پر گناهان که پیش	۲۱۱ . ۴۴
همان تخت پرویز زده لخت	۳۷۴۰ . ۴۳	همان پر گهر گوشتوار	۱۳۶۵ . ۴۲
همان تخت پیروزه بر پشت	۲۱۰۸ . ۱۳۴	همان پروریده بتان بناز	۱۴۲۴ . ۱۳g
همان تخت پیروزه و تاج	۲۹۶ . ۷	همان پنج تن را بر خویش	۳۱۳۳ . ۴۳
همان تخت زرین و انگشتر	۸۳۸ . ۵۰	همان پنج موبد از ایرانیان	۶۶۸ . ۱۲d
همان تخت زرین و تاج	۵۱۹ . ۱۳g	همان پند بر من نبد کارگر	۲۷۷۹ . ۴۳
همان تخت شطرنج و پیغام	۲۸۲۳ . ۴۱	همان پورمهتر که طینوش	۱۰۰۲ . ۲۰
همان تخت قیصر نمایدش	۱۹۶ . ۳۰	همان پوشش از جامه ناپرید	۱۵۰۷ . ۱۲d
همان تخت کیخسرو و تاج	۲۸۳ . ۱۹	همان پهلوان است با فر	۹۱۱ . ۱۳
همان تخت و آن گرز	۳۷۰۰ . ۴۳	همان پیش پیلان تبیره	۹۰۴ . ۶
همان ترکش و تیزوزرین	۴۱۸۱ . ۴۳	همان پیش خاقان بروز	۲۶۷۲ . ۴۳
همان ترک و پرمايه	۸۴۹ . ۱۲e	همان پیشرو بود گستم	۱۹۳۲ . ۴۳
همان تشنگیها و راه دراز	۷۷۳ . ۱۳b	همان پیش کاوس کی بنده	۲۶۳۱ . ۱۵
همان تور بدکار بر گشته	۱۰۰۷ . ۶	همان پیش منشور و خاقان	۱۴۲ . ۱۳c
همان تور کش بخت و	۲۸۳۸ . ۱۲d	همان پیل بدروز جنگ او	۳۹۴ . ۱۳g
همان تیر باران گرفتند	۱۸۹۱ . ۴۳	همان پیل بر گستوان کش	۷۴۵ . ۴۲
همان تیر و کیوان برابر	۶۷ . ۵۰	همان پیلتن خواهر گیو	۷۱۷ . ۱۳e
همان تیز خنجر کشیداز	۴۹۱ . ۵	همان تابش ماه نتوان	۲۹۵۹ . ۱۵
همان تیز زوپن زهر آب	۶۱۱ . ۱۵	همان تا بود نیز دستور شاه	۱۰۰۰۰ . ۴۲
همان تیغزن کندر شیر	۱۵۴۳ . ۱۵	همان تاج چه هور بر سر	۲۹۲۰ . ۳۱
همان تیغ زهر آب داده	۴۲۳ . ۱۵	همان تاج زرین بر سر بر	۱۵۸۴ . ۳۵
همان تیغ کان گردن پیل	۱۴۹ . ۵۰	همان تاج شاهی بر سر نهاد	۱۶ . ۱۷
همان توغ من گر بد بدی	۳۸۴۹ . ۱۵	همان تاج و گنجش فرستم	۸۴۹ . ۵۰
همان تیغ و کوهال چون	۴۵۲ . ۴۲	همان تاج یابد همان	۲۱۵ . ۵۰
همان تیغ هندی و تیر	۹۴۲ . ۴۲	همان تازه شد رسم شاه	۲۹ . ۲۳

همان چل هزار از دلیران	۷۲۴ ، ۴۲	همان تیغ هندی و خنجر	۱۰۷۶ ، ۲۰
همان چند زرین و سیمین	۳۳۸۱ ، ۴۳	همانجا ببودند گردان	۱۹۹۸ ، ۱۵
همان چون بنخواب اندر	۷۵۱ ، ۴۳	همانجا بدو نیم بایدزدن	۶۸۷ ، ۱۳
همان چون بنخوردند از	۱۶۹۲ ، ۴۱	همانجا بلند آتشی بر-	۹۲۹ ، ۵۰
همان چون بیک شهر دو	۴۳۴ ، ۳۵	همانجا بمان تخت مازندر-	۸۳۴ ، ۱۲
همان چون زگوینده بشنید	۱۰۷۳ ، ۳۵	همانجا رسیدیم هنگام	۱۰۲۰ ، ۱۳g
همان چون سبکسار شد	۱۴۵۳ ، ۴۱	همانجا که بینیش بر جای	۳۱۷ ، ۱۵
همان چون سر آری بسوی	۱۷۴۰ ، ۱۳f	همان جام را کودک میکسار	۳۳۹۳ ، ۱۵
همان چون فرود آمد	۱۰۳۶ ، ۴۳	همان جام رخشنده بنهاد	۷۰۷ ، ۱۳e
همان چهر کین خسرو جنگ	۱۷۹۰ ، ۲۰	همان جام زرین گرفته	۱۴۱۹ ، ۱۳g
همان چهره ارغوان زعفران	۵۳۳ ، ۲۲	همان جامه برداشت و آن	۲۲۶ ، ۱۳
همان حربه و دشنه آبگون	۴۴۲۷ ، ۱۵	همان جامه پاک زربفته	۴۵۸۸ ، ۴۱
همان خارسان این سرای	۱۵۶۲ ، ۷	همان جامه واسپ و دینار	۱۶۰۶ ، ۴۳
همان خانه جاوید جای	۱۳۵۱ ، ۲۰	همان جامه و تخت افکند	۱۸۳۵ ، ۱۳g
همان خرد کودک بدان	۹۵ ، ۷	همان جامه و گوهر شاهوار	۲۸ ، ۶
همان خز و دیبا و هم پریان	۲۳۰ ، ۱۳	همان جای را نامداران	۱۱۳۹ ، ۴۲
همان خز و منسوج و هم	۲۲۰ ، ۱۳	همان جنگ پیران نه بر-	۲۵۲ ، ۱۳b
همان خسروش داد پیغام	۲۲۱۱ ، ۴۳	همان جنگ را کرد کردن	۱۴۹ ، ۲۲
همان خسرو و اشک و	۱۹۸۵ ، ۲۰	همان جوشن و ترگ و	۲۹۵ ، ۷
همان خشت پخته تو تاوان	۱۹۸ ، ۳۵	همان جوشن و خود و	۲۹ ، ۶
همان خشم و پیکار باز آورد	۱۱۶۲ ، ۱۲d	همان جهن را پای کرده	۱۸۰۹ ، ۱۳g
همان خلعت شاه پیش آوردید	۱۲۳۲ ، ۴۳	همان جهن و گرسیوز بند	۱۸۰۷ ، ۱۳g
همان خواب گودرز و رنج	۷۶۸ ، ۱۲e	همان چاره جویم که تا	۳۹۸۸ ، ۱۵
همان خواسته گیورا داد	۲۷۳ ، ۱۳	همان جامه و جنگ مارا	۱۱۰۵ ، ۳۵
همان خواهران را با سپان	۲۳۰۸ ، ۱۵	همان چتر کز دم طاووس	۱۲۳۳ ، ۱۳b
همان خواهران را و جفت	۴۱۶۲ ، ۱۵	همان چرمش آکنده باید	۶۱۸ ، ۳۰
همان خواهرش نیز بهرام	۱۶۸۲ ، ۴۲	همان چرمه در زیر تخت	۶۰۲ ، ۸
		همان چشمه عنبر و عود	۱۹۹۵ ، ۳۵

هم اندر زمان باز خواهان	۱۲۱ ، ۱۹	همان خود و برگستوان	۴۴۹ ، ۱۲b
هم اندر زمان باز خواهد	۱۲۸۷ ، ۴۳	همان خود و خفتان و کویال	۲۰۴۲ ، ۴۱
هم اندر زمان بر نشاند	۵۳ ، ۴۰	همان خود و شمشیر و بر گس-	۱۰۹۵ ، ۱۳g
هم اندر زمان بهمن آمد	۲۸۴۷ ، ۱۵	همان خود و منفرد هزار	۱۰۷۷ ، ۲۰
هم اندر زمان بیژن آمد	۲۵۱۷ ، ۱۳۴	همان خوش منتش مردم	۲۵۸۰ ، ۴۱
هم اندر زمان بیژن آمد	۷۵۴ ، ۱۳۴	همان خوک بینی و خوابیده	۱۹۴ ، ۴۳
هم اندر زمان پاسخ نامه	۱۸۲۱ ، ۲۰	همان خون پر مایه گودرز	۱۰۲ ، ۱۳c
هم اندر زمان پای کردش	۵۷۸ ، ۱۳e	همان خوی نیکو که مردم	۲۵۶۳ ، ۴۱
هم اندر زمان پای کردش	۶۸ ، ۱۶	همان خیمه و دیبه رنگ	۱۵۰۹ ، ۱۲c
هم اندر زمان پیش او شد	۸۳۸ ، ۷	همان دار عیسی نیرزد	۳۵۰۰ ، ۴۳
هم اندر زمان پیش بنهاد	۲۰۹ ، ۲۱	همان داستان زد یکی نام	۷۸۱ ، ۴۲
هم اندر زمان تند بادی	۱۹۸۴ ، ۱۵	همان دانش و دین و پر هیز	۴۳۷۲ ، ۱۵
هم اندر زمان تیره گون شد	۱۷۸۵ ، ۷	همان دخت پیران و مام	۱۰۰۶ ، ۱۳
هم اندر زمان چون گشاید	۴۵۱۸ ، ۴۱	همان دخت خرم نگهدار	۵۱۶ ، ۲۱
هم اندر زمان حقه رامهر	۶۹ ، ۲۲	همان دخترت شمع خاور	۲۳۷۷ ، ۳۵
هم اندر زمان داغ با سپاه	۱۰ ، ۴۳	هم اندر تنگ اسپ یک چوبه	۱۶۰۲ ، ۷
هم اندر زمان دید بانش	۲۸۳۹ ، ۱۵	همان در جهان ارجمند	۱۵۹۴ ، ۴۱
هم اندر زمان دیگری	۱۲۷۴ ، ۷	همان در جهان نیز نامی	۳۲۳ ، ۱۹
هم اندر زمان رستم پر هنر	۸۰۱ ، ۱۲	همان در جهان یاد گاری	۲۱۸ ، ۴۴
هم اندر زمان رفت سالار	۱۹۵۶ ، ۳۵	همان در خوشاب بد پیکر	۳۳۶ ، ۴۴
هم اندر زمان زال برزین	۲۸۴۲ ، ۱۵	همان در خوشاب بگزیده	۲۹۸ ، ۴۴
هم اندر زمان زنده بردار	۱۵۲۶ ، ۱۳g	همان درد بندوی باوی	۳۰۵۳ ، ۴۳
هم اندر زمان زود پاسخ	۲۶۶ ، ۳۴	هم اندر دژش کشتمند	۱۶۸۸ ، ۱۵
هم اندر زمان شد بنزدیک	۱۲۶۲ ، ۴۲	هم اندرز بهمن برستم	۴۲۴۶ ، ۱۵
هم اندر زمان زود پاسخ	۷۰ ، ۳۹	هم اندر زمان آسیابان	۴۸۲ ، ۳۵
هم اندر زمان شیده آنجا	۴۷۹ ، ۱۳g	هم اندر زمان آن دو گردن	۵۸۲ ، ۱۴
هم اندر زمان طوس را	۱۰۴۸ ، ۱۲d	هم اندر زمان آنکه فریاد	۶۴۰ ، ۴۱
هم اندر زمان گفت چو بینه	۱۳۸۰ ، ۴۲	هم اندر زمان از لب دیده	۲۱۰۵ ، ۱۳f
هم اندر زمان گهو بر جست	۲۲۶۱ ، ۱۳f	هم اندر زمان اسپ اورا	۶۵۶ ، ۴۳
هم اندر زمان لشکر آنجا	۱۷۵۲ ، ۱۵	هم اندر زمان بار کن بر	۱۰۷۳ ، ۱۲d

همان رزم پولادغندیو	۳۰۱ ، ۱۲b	هم اندر زمان لشکر اورا	۱۴۸۴ ، ۱۵
همان رزم کاموس و خاقان	۳۵۷۱ ، ۱۵	هم اندر زمان لشکری	۳۱۵ ، ۱۲b
همان رستم از گنج آراسته	۱۰۶۹ ، ۱۲d	هم اندر زمان لعل کردش	۳۴۷ ، ۳۵
همان رستمست این که	۱۴۳۶ ، ۱۳c	هم اندر زمان مردپا کیزه	۲۵۰ ، ۱۷
همان رستم نیو با تیغ تیز	۱۲۹۲ ، ۱۳f	هم اندر زمان نره چون	۱۸۶ ، ۳۴
همان رسم شاپور شاه	۲۷ ، ۲۴	هم اندر زمان نامه پاسخ	۴۳۰۱ ، ۱۵
همان رسم شاه بلند	۲۰ ، ۲۳	هم اندر زمان نامه پاسخ	۵۲۵ ، ۳۰
همان رشک شمشیر نادان	۹ ، ۲۵	همان در سرو گاه ماده دو	۱۷ ، ۳۴
همان رفتن اسپ سه خانه	۳۴۱۰ ، ۴۱	هم ایدر مرا گنج و ایدر	۱۱۸۷ ، ۱۳g
همان رنج ما بس کز این	۱۳۶۵ ، ۳۵	همان دشت پیران بدو روز	۱۶۷۷ ، ۱۳
همان رنج و سختی بپیش	۲۲۳۱ ، ۱۳g	همان دوده و لشکر و کشور	۲۰۶۹ ، ۲۰
همان رنگ چهرت بجای	۴۴۹ ، ۲۰	همان دوری از کژی و راه	۲۶۵۳ ، ۴۱
همان رنگ خورشید دارد	۳۰ ، ۱۳d	همان دوستی با کسی کن	۱۵۲۰ ، ۴۱
همان روز بد کز تو اندر	۳۷۷ ، ۱۲	همان ده دلاور کز ایدر	۲۱۱۹ ، ۱۳f
همان روز از آن مرز	۲۰۱ ، ۳۰	همان ده مبارز که در رزم	۲۴۰۷ ، ۱۳f
همان روز تو ناکهان	۲۵ ، ۳۳	همان دیده بان بر سر کوه	۵ ، ۱۲e
همان روز داراش کردند	۱۲۹ ، ۱۸	همان دیده بان بر سر کوه	۳۴۶ ، ۱۳f
همان روز قیدافه آگاه	۱۱۱۱ ، ۲۰	همان دیده بان دارو هم	۶۴۱ ، ۲۱
همان روز قیصر سقف را	۴۶۹ ، ۱۴	همان رادگر باره آویزش	۳۷۵۳ ، ۴۱
همان روز کز بهر کاوس	۳۴۹۶ ، ۱۵	همان راز بکشاد بر کد خدا	۱۵۴ ، ۳۰
همان روز کین خسرو آنجا	۲۳۸ ، ۱۳g	همان راز دارانش را پیش	۷۹۱ ، ۵۰
همان روز گردان بمیدان	۱۴۳۲ ، ۱۲d	همان راز و اندیشه با او	۱۵۵ ، ۳۰
همان روز گفتی که نرسی	۲۴ ، ۲۸	همان رازها کرد نیز	۴۵ ، ۴
همان روز منشور هر کشور	۳۳۲۹ ، ۴۳	همان راست داریم دل	۶۱۷ ، ۳۴
همان روستایی دو مرد	۶۵۳ ، ۲۱	همان راز که پرورد در بر	۱۳۴۹ ، ۱۳e
همان زاد فرخ بدر گاه	۴۱۵۱ ، ۴۳	همان راه پیغمبر و دین	۴۵۵۹ ، ۱۵
همان زاد فرخ زبان بر	۴۱۲۲ ، ۴۳	همان راه یزدان بیاید	۱۲۸۴ ، ۴۲
همان زاری و پند و اندرز	۲۲۹۸ ، ۱۵	همان رخش خسته سوی	۳۷۵۸ ، ۱۵
همان زال با فر شاهنشاهی	۷۱۱ ، ۷	همان رخش را بر در دخمه	۴۶۱۹ ، ۱۵
همان زال کو مرغ پرورده	۶۵۵ ، ۷	همان رخش گویی که	۳۸۷۷ ، ۱۵

همان سکزی بدرگ تیره	۹۰۹ ، ۱۲b	همان زخم چوگان و تیرو	۱۰۲ ، ۱۷
همان سکزی بدرگ شیر	۵۵۴ ، ۱۲b	همان زخم کوپال و باران	۱۷۹ ، ۴۳
همان سلم پور فریدون	۳۲۶۵ ، ۱۵	همان زخمکاهش فرو	۱۸۲۳ ، ۷
همان شاره هندی و تیغ	۳۵۲۲ ، ۴۱	همان زرو گوهر بر او	۹۴ ، ۴۴
همان شاه چون مجلس	۳۲۰ ، ۳۵	همان زشت شد خوب و شد	۳۱ ، ۵۰
همان شاه کاووس با کیقباد	۱۲۵۶ ، ۳۵	همان زنده بیشت گر	۱۱۵۷ ، ۲۰
همان شاه لهراسب با پیره	۱۳۸۵ ، ۱۵	همان زنگ زرین و زرین	۱۲۳۲ ، ۱۳b
همان شب از آن راه دژ	۴۳۹ ، ۱۲c	همان زوایا نوذر کیقباد	۱۴۷ ، ۱۲
همان شب خبر فزدارجا-	۱۴۵۶ ، ۱۵	همان زو بود دین بزدان	۱۵۲ ، ۳۴
همان شب سپاه اندر آورد	۲۱۶ ، ۱۳f	همان زورخواهم کز آغاز	۱۳۱۹ ، ۱۲c
همان شب سکندر ببابل	۱۸۴۲ ، ۲۰	همان زو طهماسپ و کاووس	۲۷۲۶ ، ۱۳g
همان شد سوی این بلند	۳۳۵ ، ۴۴	همان زیر دستان زمن	۹ ، ۴۹
همان شوشه زر بر او بافته	۱۳۳۱ ، ۴۲	همان زیر ترکش کمان	۱۷۲ ، ۳۴
همان شه بر این بر گواه	۲۲۸ ، ۱۳c	همان زیر دستی که فرمان	۵۰۰ ، ۲۲
همان شب یکی کره ای	۱۱۶ ، ۱۸	همان زنده پیلان فرستاد	۵۳۸ ، ۲۰
همان شهر ایران سپارم	۵۵۸ ، ۱۲b	همان ساده و یزد گرد	۱۵۶۳ ، ۴۱
همان شهر ایرانش آمد	۱۳۳۹ ، ۱۲d	همان ساقه و جایگاه	۳۰۲ ، ۱۳g
همان شهرها را که بگرفت	۳۳۹ ، ۴۲	همان سام از تخم جمشید	۳۱۷۶ ، ۱۵
همان شهریاران بدو	۲۳۶۰ ، ۱۳g	همان سام پور نریمان	۳۲۰۹ ، ۱۵
همان شه کزوهر شب آرام	۱۴۷۴ ، ۴۱	همان سام نیرم بر آرد	۷۱۹ ، ۷
همان شیر درنده را بشکرد	۱۸۶۷ ، ۳۵	همانست ایران که بود از	۴۳۷ ، ۱۹
همان طشت زرین و سیمین	۳۹ ، ۴۶	همانست رستم که دانی	۲۷۱۱ ، ۱۵
همان طشت و خنجر زواره	۲۶۰ ، ۱۲e	همانست رستم که مازندر	۱۳۵۸ ، ۱۳c
همان طوس با کاویانی	۱۵۷۰ ، ۱۲e	همانست کاووس کز پیش	۹۵۴ ، ۱۲d
همان طوس نوذر در آن	۴۹ ، ۱۲d	همانست کان شاه آزر مجو	۱۶۴ ، ۱۳f
همان طوس و گتهم و	۲۵۸۱ ، ۱۲d	همانست کاین واژگونه	۲۱۳ ، ۲۰
همان طوق داران ابا	۲۳۷ ، ۵۰	همانست کز تور و سلم	۸۶۳ ، ۱۲d
همان طوق کینخسرو و	۱۷۹ ، ۱۳e	همان سرخ گوهر بدوداد	۲۵۶ ، ۱۷
همان عهد کاووس دارم	۳۲۳۱ ، ۱۵	همان سرو نازنده شد چون	۲۴۹۶ ، ۱۳g

همان کهنتر دایگان تو	۵۲ ، ۱۶	همان عهد کیخسرو دادگر	۳۲۳۲ ، ۱۵
همان کین ورشکش بماتد	۲۶۱۸ ، ۴۱	همان قارن گردو کشواد	۲۸۱ ، ۱۱
همان گاو برمایه کم دایه	۳۸۷ ، ۵	همان قبله شان برترین	۱۵۷۳ ، ۴۳
همان گاو دوشا بفرمانبری	۱۰۰ ، ۴	همان قیصر از سلم دارد	۳۲۶۴ ، ۱۵
همان گاورا چشم یاقوت	۵۵۲ ، ۳۵	همان کاخ جادو ستانی	۱۵۶۰ ، ۴۲
همان گاو قیصر زایوان	۶۰۰ ، ۱۴	همان کار بی گاه بی بر	۱۰۴ ، ۳۴
همان گاو کش نام برمایه	۱۲۱ ، ۵	همان کارداران باشرم و داد	۵۹ ، ۲۰
همان گاه اندر گریز	۷۷۴ ، ۱۵	همان کارزاری سواران	۱۱۷۸ ، ۱۳g
همان گاه برخاست آوای	۷۲۳ ، ۴۳	همان کالبد مرد را کوشش	۲۵۸۷ ، ۴۱
همان گاه برخاست فرزندان	۱۰۸۰ ، ۷	همان کاوه آن بر سر نیزه	۲۶۰ ، ۵
همان گاه برداشت زین	۳۵۱ ، ۳۴	همان کاهلی مردم از بد	۱۱ ، ۲۸
همان گاه بهرام بالای	۱۸۹۰ ، ۴۳	همان کرم فرخ بد پشان	۴۸۸ ، ۲۱
همان گاه بیرون خرامید	۲۶۸ ، ۳۵	همان کرم گز مغز آهر من	۶۱۶ ، ۲۱
همان گاه بیرون خرامید	۱۳۱۵ ، ۳۵	همان کس که آواز دارد	۲۶۶۶ ، ۴۱
همان گاه پیران پیامد چو	۲۶۹۶ ، ۱۲d	همان کس که استاد طلخند	۳۰۲۰ ، ۴۱
همان گاه چنگش برانگیخت	۴۴ ، ۱۳c	همان کس اورا بر آن	۲۹۹۰ ، ۴۳
همان گاه خراد برزین	۸۱۶ ، ۴۲	همان کس که با او شدند	۸۳۳ ، ۴۱
همان گاه خسرو از آن روی	۲۰۰۱ ، ۴۳	همان کس که بردش بابر	۳۵۶۷ ، ۴۱
همان گاه دینار بر دی هزار	۲۳۳۱ ، ۴۳	همان کس که بودی هم آواز	۶۴۶ ، ۲۱
همان گاه راهب چو آوا	۱۱۳۵ ، ۴۳	همان کشتگان را بنخسرو	۲۴۱۲ ، ۱۳f
همان گاه رومی پیامد چو	۳۹۰۴ ، ۴۳	همان کشته را نیز بردار	۱۵۶۱ ، ۴۳
همان گاه زهر هلاهل بخورد	۶۳۳ ، ۴۴	همان کم سخن مرد خسرو	۱۳۵۳ ، ۴۱
همان گاه سیمرغ بر شد	۲۰۵ ، ۷	همان کن کجا با خورد در	۱۰۷۵ ، ۷
همان گاه شد شاه را دل پذیر	۲۲۴ ، ۲۱	همان کن که با مهتری در	۱۳۱۳ ، ۷
همان گاه شان خواند از جا	۲۴۴ ، ۱۷	همان کن که پرسد ز تو	۱۴۴۶ ، ۱۳g
همان گاه شنگل گزین کرد	۲۶۱۳ ، ۳۵	همان کن که جان رانداری	۲۹۸۸ ، ۴۱
همان گاه صدمرد از آن	۳۷۷ ، ۲۰	همان کودکش را بفرهنگ	۴۰۹ ، ۲۲
همان گاه طنبور در بر	۱۸۳۲ ، ۱۵	همان کوس بر کوه زند	۴۲۵۹ ، ۴۱
همان گاه فیروز نامه بداد	۲۰۶ ، ۵۰	همان کو کمان کبی بر-	۸۲ ، ۱۳d
همان گاه کردش سرازتن	۷۱ ، ۱۳c	همان کوه کو گرد دارد	۱۴۶۵ ، ۱۳f
همان گاه کوهی بر آمد	۱۲۰۶ ، ۲۰		

همان گوهرو جامه نابرید	۳۷۹ ، ۲۰	همان نگاه گستههم باذر گشپ	۱ ، ۴۳
همان گوهری تخت و دیبای	۱۹۸۷ ، ۱۲d	همان نگاه گودرز و گودرز	۱۲۳۸ ، ۱۲e
همان گوی سیمین وزرین	۳۷۴۹ ، ۴۳	همان نگاه گوراندر آمد	۱۳۸۰ ، ۳۵
همان گوی و آن کن که	۱۶۸۱ ، ۴۲	همان نگاه گیودلاور رسید	۸۴۵ ، ۱۲b
همانکه با سپاندر آورد	۱۵۴ ، ۲۰	همان نگاه مرع آن بخورد	۴۱ ، ۲۲
همانکه بیرم سران تان	۱۸۵۱ ، ۲۰	همان نگاه منزان پشیمان	۱۲۲۸ ، ۱۵
همانکه ببهمن رسید آگهی	۴۰۵۱ ، ۱۵	همان نگاه نستور برد آن	۸۲۵ ، ۱۵
همانکه ببیزن رسید آگهی	۸۹۹ ، ۵۰	همان گرد بر رفت مانند	۵۶۱ ، ۱۲b
همانکه بپیران رسید آگهی	۸۵۰ ، ۱۳f	همان گرد بر گرد او موبد	۱۴۸۵ ، ۴۰
همانکه بخواند ترانزد	۱۸۴ ، ۱۲c	همان گردش روز کاران	۱۳۴۰ ، ۱۳e
همانکه بدو اندر آورد	۴۷۱ ، ۱۲e	همان گردن شاهمازندان	۳۳۵ ، ۱۲
همانکه بدو حال سهراب	۱۱۹۷ ، ۱۲c	همان گرنبارد بنوروز	۱۳۰ ، ۴۱
همانکه بر آمد براو	۲۸۰۵ ، ۱۲b	همان گرنیایدنخوانمش	۳۰۹۸ ، ۱۵
همانکه بر آمد زدرگه	۳۱۷ ، ۳۵	همان گردیه با سپاهی	۳۰۴۷ ، ۴۳
همانکه بر آمد یکی باد*	۹۹۷ ، ۱۳g	همان گنج دینار و زر و گهر	۱۷۳ ، ۱۲e
همانکه بر آمد یکی باد*	۳۲۰۷ ، ۱۳g	همان گنج کوپال و بر گستو-	۸۳۹ ، ۱۲e
همانکه بر آمد یکی تند	۱۶۵۵ ، ۱۳g	همان گنج گشتاسپ و	۲۸۲ ، ۱۹
همانکه بر آمد یکی تیره	۱۱۰۶ ، ۴۳	همان گنج و آن لشکر	۳۱۲ ، ۱۲
همانکه بر رفت از نمش	۴۱۶۷ ، ۱۵	همان گنج و دینار و تاج و	۱۰۵۰ ، ۱۳e
همانکه بشدقارن رزمزن	۳۷۱ ، ۸	همان گنج و دینار و کاخ بلند	۵۴۱ ، ۵
همانکه بفرمان یزدان	۱۵۴۱ ، ۱۲e	همان گنجها اندر آوازه	۱۳۱۹ ، ۴۲
همانکه بفرمود تا شدد بیر	۲۹۸ ، ۲۰	همان گنجها کز که تور باز	۴۹ ، ۱۳f
همانکه بگفت آنچه بد	۴۴۳ ، ۱۲e	همان گنجهای سلیم نبرد	۴۹۱ ، ۴۲
همانکه بنزد سیاوش چو باد	۲۰۰۱ ، ۱۲d	همان گوش پیران بدین	۱۷۵ ، ۱۳b
همانکه بیامد بپیشش	۸۶۵ ، ۱۴	همان گوشوار سیاوش	۱۳۷۶ ، ۴۲
همانکه بیامد بر زمهر	۱۵۱ ، ۴۰	همان گوشوارش که اندر	۱۳۲۱ ، ۴۲
همانکه بیامد سپهدار	۱۰۹۶ ، ۱۳	همان گونه آبرائیر دید	۲۳۳۴ ، ۱۳g
همانکه بیامد یکی باد*	۱۹۹۶ ، ۱۵		

(*) ستاره در سطر اول بجای « سخت » و در دوم بجای « و ابر »

و در سوم بجای « خوش » آمده است .

همانکه ز گنجور قرطاس	۳۱۱۲ ، ۴۳	همانکه بیاورد جامی	۷۴۷ ، ۴۳
همانکه ز لشکر سواری	۲۱۸۸ ، ۴۳	همانکه بیاید ز ایران	۲۲۱۱ ، ۳۵
همانکه ز لشکر گه اندر	۱۳۸۵ ، ۱۳b	همانکه بیایم جوا بر سیاه	۱۹۶ ، ۷
همانکه ز لشکر یکی نام	۱۷۰۸ ، ۴۳	همانکه پدید آمد از دشت	۸۰ ، ۱۳d
همانکه ز مهره بخاروش	۱۸۰ ، ۳۴	همانکه جهان دیده را کی	۵۱ ، ۴۰
همانکه زمین گشت چون	۲۴۴ ، ۱۴	همانکه چو آمد بمنزل	۵۵۳ ، ۲۰
همانکه زنی دیگر آمد	۳۶۹۰ ، ۴۱	همان که چو آهوشداندر	۱۸۴ ، ۳۴
همانکه سپهدار کابل ز راه	۴۵۲۵ ، ۱۵	همانکه چو از باده خرم	۱۱۳۲ ، ۳۵
همانکه سپه را سه بهره	۵۰۰ ، ۱۳c	همانکه چو از کوه بر شد	۱۹۸۵ ، ۴۳
همانکه سپینود را بر نشانند	۲۳۴۶ ، ۳۵	همانکه چو بشنید بیدار	۲۷۱۵ ، ۴۱
همانکه سد بگرزن آمد	۳۶۹۳ ، ۴۱	همانکه چو بنشست بر پای	۸۷ ، ۱۹
همانکه سرش را ز تن دور	۱۰۹۰ ، ۱۵	همانکه چو دید از تنش	۳۵۰ ، ۴۰
همانکه سرش را ز تن دور	۴۷۴ ، ۱۲e	همانکه چو روی پسر دید	۴۴۴۴ ، ۱۵
همانکه سر نامبردار شاه	۴۰۴۸ ، ۱۵	همانکه چو گفت این سخن	۲۳۰ ، ۱۵
همانکه سلیح و سپاه و درم	۱۳۸۸ ، ۴۳	همانکه چو مرغ از هوا	۳۸۶۹ ، ۱۵
همانکه سوی آسمان کرد	۱۰۶ ، ۴۴	همانکه چو مندر با بوان	۲۱۷ ، ۳۴
همانکه سوی خانه شد مرد	۴۱۰ ، ۳۵	همانکه خبر با فریدون	۸۲۱ ، ۶
همانکه سوی کاروان شد	۲۹۵۳ ، ۴۳	همانکه خروش آمد از دیده	۱۹۴۳ ، ۴۳
همانکه شه نوزدان را	۱۰۷۰ ، ۱۳f	همانکه خروش آمد و	۱۹۰۴ ، ۱۵
همانکه طلایه بیامد ز دشت	۱۰۳۵ ، ۱۳g	همانکه خروشی بر آورد	۳۸۹۸ ، ۱۵
همانکه طلایه ز لشکر براه	۱۶۳۷ ، ۱۳f	همانکه خروشیدن کرنا	۳۲۰۴ ، ۴۱
همانکه فرامرز را با	۳۵۸۴ ، ۱۵	همانکه در دژ گشادند باز	۱۰۶۳ ، ۶
همانکه فرستاد کس رشنواد	۱۸۹ ، ۱۷	همانکه در دژ گشادند باز	۱۱۴۵ ، ۱۳g
همانکه فرستاد کسها	۵۷ ، ۳۴	همانکه در فشی بر آورد	۴۱۱ ، ۲۱
همانکه فرستادگان را	۱۴۹۳ ، ۴۲	همانکه رسیدند نزدیک	۱۶۷۳ ، ۴۳
همانکه فروهشت پرده	۱۶۸ ، ۳۹	همانکه رسیدند یاران	۸۹۶ ، ۵۰
همانکه که بخت اندر آید	۱۷۲۰ ، ۱۳	همانکه ز در پرده برداشتنند	۲۷۱۵ ، ۱۳g
همانکه که خشم آورد	۵۷۶ ، ۲۲	همانکه ز دهلیز پرده سرای	۹۵۹ ، ۱۳c
همانکه که شد چهن پیش	۱۲۸۴ ، ۱۳g	همانکه زره خواست از	۴۱۸۰ ، ۴۳
		همانکه ز کسری پسر رسید	۲۹۸ ، ۴۰
		همانکه ز کوه اندر آمد	۲۰۱۱ ، ۴۳

همان مادرش نیز با او	۱۰۷ ، ۱۲	همانکه که گفت این سخن	۱۰۲۴ ، ۴۲
همان مادر کودک ارجمند	۲۰۰۵ ، ۱۲d	همانکه که نزد تهمت نرسید	۵۱۴ ، ۱۲e
همان مادرم دختر قیصر	۳۲۶۳ ، ۱۵	همانکه گمان برد روشن	۲۳۴۳ ، ۱۳g
همان مادرم دخت مهرباب	۳۲۲۷ ، ۱۵	همانکه مرا با سواری	۲۰۰۴ ، ۱۲d
همان مادرم راز پرده برآه	۱۲۳۲ ، ۱۳g	همانکه نشست از بر بادپا	۶۵۵ ، ۱۴
همان ماده آهنگ بهرام	۲۷۰ ، ۳۵	همانکه نشست از بر پادشا	۸۸۹ ، ۱۴
همان مام رودابه ماه روی	۱۴۲۰ ، ۷	همانکه نشستند با یکدگر	۶۷۰ ، ۱۲c
همان ماه رخ برد گر بار-	۲۱۱ ، ۲۱	همانکه نشستند شادان	۲۳۵۷ ، ۱۳g
همان مایه و جاه بفراختش	۸۶۰ ، ۱۳b	همانکه نهادش ورا در	۴۰۲۷ ، ۱۵
همان مایه ورتیغ الماس	۳۷۱ ، ۱۴	همانکه یکا یک زدرگاه	۲۱۵ ، ۵
همان مرد ایزد ندارد	۴۱۸۹ ، ۴۱	همانکه یکی از دهافتش	۶۳۱ ، ۴۳
همان مرد فرزانه یک خانه	۳۴۰۷ ، ۴۱	همانکه یکی بنده آمد	۱۰۹۶ ، ۳۵
همان مردم و مویها چون	۱۹۹۷ ، ۱۳g	همانکه یکی بنده را گفت	۸۲۹ ، ۳۵
همان مرد نیکو بگشتاسب	۲۴۹ ، ۱۴	همانکه یکی تند پاسخ	۵۲۷ ، ۲۰
همان مرزبان بدبزابل	۲۹ ، ۳۹	همانکه یکی دست بر-	۸۸۹ ، ۱۵
همان مرز تابود بارنج	۳۷۵ ، ۴۱	همانکه یکی میش نیکو	۴۳۷ ، ۱۲
همان مرغ باماهیان اندر	۶۰۵ ، ۱۳	همانکه یکی نامه بنوشت	۱۳۳۶ ، ۴۳
همان مرغ و گاو و خرو	۴۱۸ ، ۳۵	همان گیل مردم جوشیر	۱۲۱۲ ، ۶
همان مرگ خوشتر بنام	۹۰۶ ، ۱۳b	همان گیو بیدار دل	۳۰۰۶ ، ۱۳g
همان من برم کلویانی	۱۴۸۵ ، ۱۲e	همان گیو گفت این شکار	۲۷۱ ، ۱۳
همان من ترا یار باشم	۲۸۵ ، ۱۹	همان گیو گودرز کوروز	۲۵۸۰ ، ۱۲d
همان من نه از پشت آهر من	۱۵۳۰ ، ۱۲e	همان لشکر ترک رفتند	۴۳ ، ۹
همان موبدان موبدو بخرد	۶۲۶ ، ۳۴	همان لشکر شاه ایران	۴۷۴ ، ۳۰
همان موبد موبدان اردشیر	۱۳۹ ، ۳۹	همان لشکر ست این که از	۴۱۰ ، ۱۳f
همان موبد موبدان اردشیر	۱۴۷ ، ۳۹	همان لشکر ست این که در	۱۷۶۶ ، ۱۳f
همان موبد موبدان اردشیر	۱۶۵ ، ۳۹	همان لشکر ست این که سر	۲۴۹۰ ، ۱۳f
همان موبد موبدان اردشیر	۱۷۳ ، ۳۹	همان لشکر نامور صد-	۴۸۶ ، ۱۲d
همان موزه از پای بیرون	۴۴۸۳ ، ۱۵	همان لشکر وزیرستان	۱۰۶ ، ۴۰
همان مهتران از همه کشور	۳۹ ، ۶	همان مادرت خویش	۱۳۵۱ ، ۱۲d
همان مهتران سام را	۵۳۰ ، ۴۳	همان مادرش را که از	۱۳۹۹ ، ۱۳g

همان نیز بیدار کاووس	۲۷۸۲ ، ۴۳	همان میزبان رایکی زیر	۹۸۴ ، ۳۵
همان نیز پرمایه اسفندیار	۵۰۹ ، ۴۲	همان می فرستاد و رامشگر	۳۶۸۶ ، ۴۳
همان نیز پور سپهبد چه	۲۹۲۶ ، ۴۳	همان نافه مشک و موی	۵۵۰ ، ۱۲e
همان نیز پیروز چون کشته	۱۷۰۰ ، ۴۲	همان ناله کوس با کر نای	۸۸۶ ، ۷
همان نیز پیری که بیکار	۱۲۶۱ ، ۳۵	همان نامبرد ارسیده هزار	۲۰۰۷ ، ۳۵
همان نیز تا اشکش تیز	۱۹۶۱ ، ۱۳g	همان نام بهتر که ماند	۱۶۹۶ ، ۱۳f
همان نیز تازنده باشدز	۳۹۱۴ ، ۱۵	همان نامداران جوشن	۸۴۵ ، ۶
همان نیز تا گردش روز	۱۷۵ ، ۲۱	همان نامداران زابل	۳۴۳ ، ۱۲b
همان نیز تا وان بفرمان	۲۶۵ ، ۴۲	همان نامور خود و خفتان	۴۱۹۶ ، ۱۵
همان نیز جانم پراز شرم	۸۰ ، ۱۳b	همان نامور رستم پیلتن	۲۷۵۰ ، ۱۳g
همان نیز چنداں سلیح و	۳۷۴ ، ۱۹	همان نامور شاه بهرام گور	۳۴۶ ، ۴۴
همان نیز چون سام جنگی	۵۹۹ ، ۱۲c	همان نامور گیو گودرز	۱۴۷۹ ، ۱۳
همان نیز چیزی که کانی	۱۳۱۸ ، ۴۲	همان نامور نامه زینهار	۱۲۳۵ ، ۴۲
همان نیز خاتون بکاخ	۲۴۱۱ ، ۴۳	همان نامه بنمود و بر خواند	۲۵۵۰ ، ۴۳
همان نیز خروار گندم	۲۶۱۶ ، ۳۵	همان نامه پهلوان رابداد	۱۷۷۸ ، ۴۲
همان نیز خورشید بر شد	۷۹۷ ، ۴۳	همان نامه راز و پاسخ	۱۷۸۰ ، ۴۲
همان نیز داماد اوربو نیز	۵۴ ، ۱۳b	همان نامه را نیز پاسخ	۲۱۴۵ ، ۴۳
همان نیز داننده مرد کهن	۶۴ ، ۴۳	همان نامه قیصر آورد	۱۲۹۳ ، ۴۳
همان نیز دختر کز آن مادر	۱۴۱۶ ، ۴۳	همان نامه نزدیک خاقان	۲۸۲۶ ، ۴۳
همان نیز دستورت از	۱۸۰۳ ، ۳۵	همان ندان کننده و رزمگاه	۳۳۹۴ ، ۴۱
همان نیز دشمن کرا بیشتر	۴۴۶۷ ، ۴۱	همان نزد سالارها ماوران	۲۸۲ ، ۱۲b
همان نیز زنان مارها بر دو	۴۰۷ ، ۵	همان نیز از بهر فرخنده	۹۰۶ ، ۷
همان نیز زایرانیا نهر	۲۷۲۲ ، ۱۳g	همان نیز با باز فرمان	۵۷ ، ۲۳
همان نیز سهراب بر گشته	۱۴۶۶ ، ۱۲c	همان نیز بار گنه کار مرد	۴۱۶۴ ، ۴۱
همان نیز شاپور مهتر نژاد	۱۴۹۰ ، ۴۳	همان نیز با کین زهم گوشه	۷۲ ، ۳۰
همان نیز شادی سر آید	۶۵۶ ، ۱۲e	همان نیز بامیسره میمنه	۳۶۹ ، ۲۲
همان نیز شاهوی میار او	۷۰۱ ، ۲۱	همان نیز با هدیه ها باژو	۱۵۰۷ ، ۳۵
همان نیز شاهی چو افرا-	۱۲۸۲ ، ۱۳	همان نیز بزم آمدت رزم	۵۳۴ ، ۲۰
همان نیز صد بدره دینار	۲۸۰ ، ۴۳	همان نیز بهرام بر لشکر	۲۰۶۴ ، ۴۳
همان نیز فرزند و پیوستگان	۳۷۵ ، ۱۹	همان نیز بیدار دو پهلوان	۲۷۰ ، ۱۲c
همان نیز کاوس زور آزما	۳۳۴ ، ۴۴		

همان یاره و طوق و هم گوش	۲۷۹ ، ۴۳	همان نیز گاه فریدون شاه	۳۴۹۴ ، ۱۵
هم او آفریننده روزگار	۴۰۰ ، ۳۰	همان نیز گفتار آن فال	۱۵۵۰ ، ۴۲
هم او آفریننده مور و پیل	۱۷۷۳ ، ۱۳g	همان نیز گفتار اختر	۱۶۴ ، ۴۴
هم او از رع دست و همزور	۳۹۴ ، ۴۰	همان نیز گفت شما نیست	۱۵۴۶ ، ۴۳
هم او از گشتند با یکدگر	۶۰ ، ۱۲b	همان نیز گو در زکشواد	۵۰۷ ، ۴۱
هم او بود جنگی و موبد	۳۷۴۸ ، ۴۱	همان نیز مریم زن هوشمند	۲۲۰۱ ، ۴۲
هم او بود گوینده راه	۱۰۶۰ ، ۱۵	همان نیز من خود جگر	۲۸۶۸ ، ۴۳
هم او بی نیازست و ما	۱۰ ، ۱۳b	همان نیز نستور پور زریر	۱۴۸۹ ، ۱۵
هم او تاج و تخت و بلندی	۳۹۹ ، ۸	همان نیز در جنگ دارد	۲۲۵۷ ، ۱۵
هم او در جهان نامداری	۳۰۸ ، ۱۴	همان نیز هر سال با باژوساو	۱۶۲۵ ، ۳۵
هم او را تن از آهن و روی	۱۸۹ ، ۱۳c	همان نیز هر ماهیانه دو	۶۶۲ ، ۳۵
هم او را ستاینده کردار	۷۲ ، ۱۳g	همان نیز ه و خود و خفتان	۳۱۷۲ ، ۴۳
هم او را کنون چون یکی	۹ ، ۴۳	همان نیز یار انشرا هدیه	۲۳۱۱ ، ۴۱
هم او را با گوی نزدیک شد	۱۰۳۳ ، ۱۲e	همان نیز یکماه بر چار	۳۳۱۷ ، ۴۳
هم او را خود ه و چو خود	۱۶۶۲ ، ۱۳b	همان نیز مردان که تند	۲۶۹۳ ، ۴۱
هم او را در آید کرد آفرید	۳۳۰ ، ۱۲c	همان نیز روز از تو خالی	۱۳۱۲ ، ۱۳e
هم او را بر زمین پیل	۹۶۶ ، ۱۲c	همان نیز نیکی باندازه	۳۹۶۸ ، ۴۱
هم او را در جهان سربس	۴۲۰ ، ۱۲c	همان و هم این ایزد ت هدیه	۱۴۷ ، ۷
هم او را گر بیاید	۱۴۷۸ ، ۱۵	همان هدیه شاه و پیمان تو	۵۲۴ ، ۱۳f
هم او را این نر شیران	۶۷۴ ، ۳۴	همان هدیه هایی که آورده	۲۴۸۷ ، ۳۵
هم او را رفت و پس کار سازی	۴۵۷ ، ۱۲b	همان هر چه زرین پیش	۴۵۹۱ ، ۴۱
هم او را از تخمه کی پشین	۳۲۶۰ ، ۱۵	همان هر چه گوید بپاشد	۱۱۳۲ ، ۴۳
هم او را زین سخنها پشیمان	۷۱۳ ، ۱۲c	همان هر دورا روز بد	۱۱۷۷ ، ۲۰
هم او را بر گاه بنشاندی	۶۵۳ ، ۳۴	همان هر که از تخم بهمن	۴۱۳۳ ، ۱۵
هم او را شاه ها ماوران را	۲۶۹۵ ، ۱۵	همان هفت کشور پشاهنش	۷۶۰ ، ۱۲e
هم او را مرد جنگست و کرد	۵۲۳ ، ۱۳	همان هفت کشور بفرمان	۵۹ ، ۵
هم او را می گسارست و هم	۱۰۰۱ ، ۳۵	همان هر بد پریزدان	۱۲۷۷ ، ۱۵
هم او را آمد و تاج بر سر	۲ ، ۱۷	همان یاره و افسر و طوق و	۹۲۵ ، ۱۳c
هم او را آن زمان گفت با	۳۰۸ ، ۱۷	همان یاره و طوق با تاج و	۸۷۹ ، ۳۵
هم او را زبر و خیزرانش	۵۸ ، ۱۹	همان یاره و طوق با گوش	۱۵۹۵ ، ۴۳

همش داد و دین است و هم	۱۰۰۰۰ ، ۶	همای خردمند و به آفرین	۱۲۸۸ ، ۱۵
همش دستگاهست و هم دل	۱۰۲۸ ، ۱۳e	هم ایدر بدش ناچ و گنج	۲۹۰۱ ، ۴۱
همش رفتن آید بدیگر	۹۷۷ ، ۱۳g	هم ایدر مرا پشت گرمی	۲۵ ، ۸
همش رنگ و بوی و همش	۶۴۶ ، ۷	هم ایدر نشینیم امروز شاد	۵۹۲ ، ۱۲c
همش زور دادی همش	۳۸۵ ، ۱۳f	همای دل افروز تابنده	۱۵۱ ، ۱۶
همش زهره باشد همش	۱۵۰۶ ، ۷	هم ایدون بانبوه مارا چو	۱۷۰۵ ، ۱۳f
همش عهد ساری و آمل	۳۶۹۷ ، ۴۳	هم ایدون ز گنج درم	۱۷۵۹ ، ۱۳g
همش گنج بسیار و هم	۱۶۴ ، ۶	هم ایدون فزونم بمردان	۱۳۱۵ ، ۱۳f
همم این سخن بردل آسان	۱۰۶۶ ، ۱۵	هم ایران و هم دشت نیزه	۳۱۰ ، ۶
همم بیم جانست و هم جای	۱۰۱۱ ، ۷	هم ایرانیان را ز چنگال	۴۱۹ ، ۱۲
همم بوم و بر هست و هم	۱۳۶۶ ، ۱۲d	هم ایرانیان را فرستاد	۱۰۵۵ ، ۴۲
همم داد دادی و هم یآوری	۱۲۳۴ ، ۶	هم ایرانیان نیز چندین	۴۰۳ ، ۱۳g
همم دانش و گنج آباد	۱۸۹۰ ، ۱۳g	هم ایزد گشسب ویلان	۲۳۰۵ ، ۴۳
همم دین و هم فرۀ ایزدی	۱۰ ، ۷	هم اینان که دارند با ما	۶۳۱ ، ۱۳g
همم رنج مهرست و هم	۲۶۲ ، ۱۳g ^e	هم این را و آن را که او	۲۶۳ ، ۱۴
همو = هم او		هم این روز پیمان من شد	۱۱۰۹ ، ۲۰
همه آب و باغ و همه کشت و	۴۲۵ ، ۳۵	هم این زابلی نام بردار	۱۹۳ ، ۱۳c
همه آبها روشن و خوش	۱۸۰۳ ، ۱۲d	هم این گوسفندان گوهر	۹۲۳ ، ۳۵
همه آرزو روزی پرویز بود	۵۲ ، ۴۵	هم این لعل زربفت چینی	۷۶۵ ، ۴۳
همه آرزوها سپردم بدوی	۱۶۳۵ ، ۷	هم این نامداران و گردان	۱۹۴۵ ، ۴۱
همه آشتی کردد این جنگ	۲۰۹ ، ۴۳	هم ایوان او به که زندان	۸۶۸ ، ۴۱
همه آفرین باد بر شهر یار	۷۱۸ ، ۱۲d	همایون بدی گاه کاوس	۳۴۸۶ ، ۱۵
همه آفرین را افزایش کنیم	۵۱۱ ، ۲۲	همایون نباشد چنین خود	۲۶۹ ، ۱۴
همه آلت لشکر و ساز	۱۱۸۰ ، ۶	همایون ندارد کس آنجا	۱۵۲ ، ۱۲
همه آلت لشکر و سیم و زر	۱۸۹ ، ۱۳f	همت شیر مردی همت رای	۹۷۵ ، ۴۲
همه آلت ناز و سورت و	۱۰۰۵ ، ۱۳c	همت می دهد جام و هم	۳۲۶ ، ۲۰
همه اختر بد بجان تو باد	۲۰۶۰ ، ۱۵	همت یار باشم همت کهنتر	۷۲۷ ، ۱۴
همه از بی سود بردم بکار	۴۵۰ ، ۲۲	همش پادشاهی و هم تخت	۲۰۱۹ ، ۱۲d
همه از در پادشاهی و گاه	۲۸۱ ، ۱۵	همش خیره سر دید و هم	۵۷۲ ، ۱۳e
		همش داد و بخشش همش	۵۶۷ ، ۴۱

همه از نیاکان من یافتی	۲۷۹۰ ، ۱۵	همه باز روم آنچه بود	۴۳۵۳ ، ۴۱
همه اسپر اتنگها بر کشید	۲۱۰۶ ، ۴۳	همه باز کشور سراسر	۱۸۸۷ ، ۱۲d
همه اسقف و موبدورای	۴۲۲۳ ، ۴۱	همه باز گشتند از ایرانیان	۱۵۱۷ ، ۱۳g
همه انجمن خواندند	۱۲ ، ۲۲	همه باز گشتند دیده پر آب	۴۱۸۸ ، ۴۳
همه انجمن خواندند	۲۵ ، ۲۴	همه باز گشتند سر پرزداغ	۸۵۴ ، ۱۲d
همه انجمن زار و گریان	۵۹۹ ، ۸	همه باز گشتند یکسر*	۴۷۰ ، ۱۳b
همه انجمن گشت ازوپرز	۵۸۷ ، ۵۰	همه باز گشتند یکسر*	۲۲۲۱ ، ۱۳f
همه ایرجی زاده پهلوی	۲۷۹ ، ۱۵	همه با سلیح و کمان و	۱۸۰ ، ۴۱
همه ایستادند در پیش او	۶۵۷ ، ۱۵	همه با سنان سرافشان	۹۶۹ ، ۱۲b
همه ایمنی باید و راستی	۲۳ ، ۲۶	همه باغ و گلشن بکودرز	۲۹۵۷ ، ۱۳g
همه با رز و خواستی رسم	۳۶۱ ، ۶	همه بام و در جامه آویختند	۱۹۰۸ ، ۱۳
همه با تو آیم تار و زگار	۳۴۷ ، ۵۰	همه بچه را پروراننده اند	۱۳۱ ، ۷
همه با توانایی او یکيست	۱۷ ، ۸	همه بخردان نماینده راه	۱۸۹۵ ، ۴۱
همه با توانایی او یکيست	۱۷۷۴ ، ۱۳g	همه بخردان و ردان سپاه	۵۰۵ ، ۱۳g
همه با تو ایم آنچه گوئی	۲۷۷۹ ، ۱۳g	همه بخش کرد آنچه بد	۱۰۴۸ ، ۱۳g
همه باد بد گفتن پهلوان	۱۴۸۴ ، ۴۳	همه بخش کن برد ایران	۶۱۴ ، ۱۳
همه باد پایان برانگیختند	۱۳۶ ، ۱۹	همه بد ز شاهست و نیکی	۱۱۷۴ ، ۴۱
همه باد پایان برانگیختند	۱۱۳ ، ۲۱	همه بد سکا لان بنزد تواند	۳۱۱۱ ، ۴۱
همه بادل شاد و با ساز	۲۷۲ ، ۴۱	همه بد سکا لندوبی دانستند	۱۱۱ ، ۴۴
همه باده خسروانی بدست	۵۰ ، ۱۳e	همه بد سکا لید و با کس	۱۳۰۱ ، ۴۲
همه بار زرین ترنج و	۸۱۴ ، ۱۳e	همه بد گمانان بزندان	۴۹۷ ، ۴۴
همه بارشان دیبه خسروی	۱۱۸۶ ، ۱۲	همه بر تو خوانوم و زال	۱۴۲۲ ، ۷
همه بار کردند و خود	۲۰۵۷ ، ۴۳	همه برج ماه و همه کاه	۲۷۱۰ ، ۴۱
همه بار گاهش چنان شد	۲۲۸۴ ، ۱۵	همه بردباری کن و راستی	۴۸ ، ۲۴
همه بار گاهش سپاهست	۲۷۰۲ ، ۱۳g	همه بردرش با تیره شدند	۲۴۷۵ ، ۱۵
همه باره دژ بزد بر زمین	۲۴۵۳ ، ۱۵	همه بردل اندیشه این بود	۱۳۲۲ ، ۱۲d
همه باز خواهم بشه شیر	۵۹ ، ۳۴	همه بر سران افسران گران	۱۳۲۱ ، ۱۳e

(*) ستاره در سطر اول بجای « ز جنگ » و در دوم بجای « ز راه » آمده

است .

همه بندگانیم و فرمان	۲۶۰	۱۲	همه بر سر باره نظر-اره	۸۶۸	۱۳
همه بندگانیم و فرمان	۵۷۷	۲۰	همه بر کشیدند گرز	۸۰۸	۱۲
همه بند و نیرنگ ارژنگ	۴۶۲	۵	همه برگ او بند و بارش	۴۳	۱۶
همه بنده باشیم و فرمان	۴۰	۸	همه برگذشتند زیر همای	۴۱۶	۱۳
همه بنده پرگناه تواند	۴۱۹	۱۳b	همه برگرفتند با او	۱۴۱۳	۱۲c
همه بنده خاک پای توایم	۷۱۳	۶	همه برگرفتند یکسر	۱۱۲	۱۲e
همه بنده سیم وزرند و	۲۱۳	۴۴	همه برگرفتند یکسر	۹۳۴	۴۲
همه بنده کردی تو این	۱۲۹۲	۱۳e	همه برگزیدند فرمان او	۳۹۶۴	۴۳
همه بودت ای نامور شهریار	۱۵۵	۱۵	همه برگشادند گویا زبان	۹۶۲	۱۳g
همه بودنی گفته بودم بشاه	۳۳۲۶	۴۱	همه بر نشستند گردان	۱۷۷۶	۴۳
همه بودنیها ببینم همی	۶۹	۵۰	همه بر نهادند جان را بکف	۴۵۷	۱۳b
همه بودنیها بدو اندر	۶۰۹	۱۳e	همه بر نهادند سر بر زمین	۲۴۸۸	۱۳f
همه بودنیها بر دشمن روان	۷۶۰	۶	همه بر نهادند سر بر زمین	۲۳۷۷	۴۱
همه بودنیها بگوید بشاه	۳۳۰	۲۰	همه بزمکه پر زرنگ و	۵۳	۱۳e
همه بوستان زیر برگ	۲۵۰۵	۱۵ ^e	همه بزم و رزمست و رای	۴۳۷۱	۱۵
همه بوسه دادند گردان	۱۲۹۳	۱۲d	همه بزم و میدان بدی کار	۶۹۶	۱۲b
همه بوم آباد و فرزند و	۳۴۵	۵۰	همه بزم و نخچیر بدکار	۱۱۰	۳۵
همه بوم ایران تو دیران	۴۳۶	۴۴	همه بستگان بند برداشتند	۱۹۶۲	۴۲
همه بوم ایران سراسر	۸۲	۱۳	همه بسته دامن یک اندر	۷۹۵	۶
همه بوم بامن بدین باور	۲۳۱۶	۴۳	همه بسته و خسته باز آهندند	۳۰۸۷	۴۳
همه بوم تان یاک ویران	۷۷۳	۱۴	همه بشنوم هر چه باید	۲۹۰۹	۴۳
همه بوم توران پر از داغ	۲۵	۱۲e	همه بلخ پر غارت و کشتن	۱۱۴۷	۱۵
همه بوم زیر و زبر کرده	۵۵۹	۱۲e	همه بند آهر منی بر گشاد	۱۶۶۹	۱۳f
همه بوم شد پیش ما کارگر	۲۲۳	۴۴	همه بند از پایشان بر گشود	۶۵۲	۸
همه بوم مارا ازینسان	۱۹۹۷	۳۵	همه بندگان را بر خویش	۶۰۲	۴۴
همه بوم و بر باز یابیم و	۷۰۶	۱۲	همه بندگان موی کردند	۲۶۴۶	۱۲d
همه بوم و بر باغ آباد بود	۱۵۸۲	۲۰	همه بندگانیم پیشت بیای	۲۶۴۹	۱۳g
همه بوم و بر زیر نعل اندر	۷۵۶	۱۳g	همه بندگانیم و او پادشا-	۲۰۶۰	۴۱
همه بوم و مرز آتش اندر	۱۳۴۲	۱۳	همه بندگانیم و ایزدیکی	۱۱	۳۵
همه بومها پر ز گنج منسی	۳۵۶	۴۴	همه بندگانیم و شاهی ترا	۲۰۹	۱۳

همه پاسخش را بیاراستند	۴۸۸ . ۷	همه بومها پر زنجیر	۶۷۰ . ۳۵
همه پاسخ گو بدیشان	۳۲۶۷ . ۴۱	همه بومهاشان بتاراج	۴۴۴ . ۲۱
همه پاسخ من بشنکل	۲۱۰۵ . ۳۵	همه بی‌رهان را بدین	۱۳۷۵ . ۱۵
همه پاک‌ازین شهر بیرون	۶۳۷ . ۴۱	همه بیشه آمد بچشمش	۱۳۹ . ۱۳e
همه پاک بادل‌پرازخون	۳۱۵ . ۱۳b	همه بیشه برگشت و کس را	۴۵۵ . ۱۳e
همه پاک بالشکر و ساز	۲۴۵۵ . ۳۵	همه بیشه سر تاسر آن	۴۶۰ . ۱۴
همه پاک باهدیه و باژ و	۲۲ . ۱۹	همه بیشه شیرند با بچکان	۱۳۲۶ . ۳۵
همه پاک باهدیه و بانثار	۱۲۱۰ . ۱۲	همه بیشه و آبهای روان	۱۳۰ . ۱۳d
همه پاک باهدیه و بانثار	۲۴۰۷ . ۴۱	همه بیشه و باغ و آبروان	۱۵۳ . ۱۳e
همه پاک بر باره باید	۱۰۶۵ . ۱۳	همه بیگمانی بچنگ	۵۵۲ . ۱۳b
همه پاک بر بیطقون بر	۱۰۷۸ . ۲۰	همه بیم‌ازین لشکر چاچ	۲۱۶۲ . ۴۱
همه پاک برداشت آمد	۱۸۰۸ . ۲۰	همه بی‌نیازی و نیک‌اختر	۳۴۲۹ . ۴۳
همه پاک بردند پیشش	۸۶۴ . ۱۴	همه پادشاهان مرالشکرند	۲۹۲ . ۱۱
همه پاک کردند و پرهیز	۶۵۸ . ۲۲	همه پادشاهی بیایان رسید	۲۶ . ۴۹
همه پاک بودند و پرهیز	۸ . ۲۰	همه پادشاهید بر چیز خویش	۴۶ . ۳۵
همه پاک پروردگار منید	۳۵۴ . ۵۰	همه پادشاهید بر گنج خویش	۲۲۷۲ . ۴۳
همه پاک پوش و همه پاک	۴۵۶۳ . ۴۱	همه پادشاهی سپارم بدوی	۴۷۴ . ۸
همه پاک پوشیده رویان	۲۶۰ . ۱۹	همه پادشاهی سراسر ترا	۲۰۳۲ . ۱۵
همه پاک پیش تو گرد	۴۰۰۰ . ۱۵	همه پادشاهی سکندر	۲۰۹ . ۱۹
همه پاک پیوسته خسرویم	۱۴۴۱ . ۱۳g	همه پادشاهی شدند انجمن	۷۲ . ۴۱
همه پاک در بارگاه تواند	۳۷۱۶ . ۴۱	همه پادشاهی شود بر دو	۳۰۳۱ . ۴۱
همه پاک در یارس گرد	۳۷۳ . ۴۴	همه پادشاهی شود بر گزند	۲۹۱۴ . ۴۱
همه پاک در زینهار منید	۲۰۳۷ . ۴۳	همه پادشاهی و لشکر ترا	۲۵۲۵ . ۱۵
همه پاک در زینهار منید	۳۳۳۷ . ۴۱	همه یارس او را شده چون	۳۱ . ۴۰
همه پاک در گردن پادشا-	۱۸۵۲ . ۳۵	همه یارس چون بنده او	۴۱ . ۴۰
همه پاک رستم به بهمن	۴۳۳۳ . ۱۵	همه پاسبان بنام قباد	۴۱۵۷ . ۴۳
همه پاک سوی سپد کوه	۵۸۶ . ۱۳	همه پاسبانان تخت تواند	۱۱۶۷ . ۱۳g
همه پاکشان پیش خسرو	۷۲۵ . ۱۳c	همه پاسبانان گنج تواند	۲۶۵۶ . ۱۳g
همه پاک شمشیرها بر کشید	۱۷۵۲ . ۴۳	همه پاسخت را بنخوبی	۲۸۲۲ . ۱۳g
همه پای کرده ببند گران	۱۱۹۹ . ۱۳b		

همه پهلوانان کاووس شاه	۱۵۲۰ ، ۱۲c	همه پایه تخت زرو بلور	۷۸۸ ، ۳۵
همه پهلوانان لشکرش را	۶۵۳ ، ۶	همه پرش این بود و پاسخ	۴۵۲۰ ، ۴۱
همه پهلوانان و گردن	۱۶۴۶ ، ۱۵	همه پشت ایشان بکاموس	۴۴۶ ، ۱۳c
همه پیر و برنانش فرمان	۴۷۹ ، ۵	همه پشت بر تاجور	۵۲۴ ، ۵۰
همه پیش آذر بکشتندشان	۱۱۳۸ ، ۱۵	همه پشت پیلان بی پروزه	۱۲۰۵ ، ۶
همه پیش آن پهلوان زمین	۷۳۲ ، ۱۳b	همه پشت پیلان برنگین	۱۱۷۷ ، ۷
همه پیش ارجاسپ چون	۲۰۸۰ ، ۱۵	همه پشت پیلان بیاراستند	۱۶۷۳ ، ۷
همه پیش از این پاسبانان	۸۷۷ ، ۴۱	همه پشت پیلان بر از کوس	۱۷۱۸ ، ۷
همه پیش او بنده فرمان	۶۱۱ ، ۱۳g	همه پشت را سوی یزدان	۱۸۷ ، ۱۳c
همه پیش او دین پژوه	۱۱۷ ، ۱۵	همه پند پیرانش آید بیاد	۱۰۸ ، ۱۲
همه پیش بهرام رفتند	۱۵۶۶ ، ۳۵	همه پند تو یاد کارمنست	۲۷۹۲ ، ۴۳
همه پیش بهرام گور	۱۴۵۰ ، ۳۵	همه پند دیوان پذیری همی	۳۴۳۴ ، ۱۵
همه پیش تو تن بکشتن	۱۸۴۶ ، ۴۲	همه پندشان داد و کرد	۵۱۲ ، ۵
همه پیش توجان گروگان	۱۴۵۱ ، ۱۵	همه پند من سر بسریاد کرد	۸۶ ، ۲۳
همه پیش تو یک بیک راندم	۲۲۸۵ ، ۱۲d	همه پند من یک بیک بشنوی	۲۸۳۰ ، ۱۵
همه پیش رستم همی رانند	۱۰۱ ، ۱۰	همه پهلوانان آزاد مرد	۲۶۶۴ ، ۱۳g
همه پیش ساسان فروزان	۳۹ ، ۲۱	همه پهلوانان ابامو بدان	۲۶۴۲ ، ۱۳g
همه پیش شاه جهان کد خدا	۱۳۳۱ ، ۱۳e	همه پهلوانان ایران زمین	۱۳۷ ، ۲۰
همه پیش فرزند تو بنده ایم	۷۸ ، ۳۴	همه پهلوانان ایران سپاه	۱۳۷ ، ۱۱
همه پیش کاووس شاه آمدند	۳۰ ، ۱۲b	همه پهلوانان ایران سپاه	۲۰۵۷ ، ۱۳g
همه پیش کاووس کهتر	۵۷۵ ، ۱۲b	همه پهلوانان ایران سپاه	۲۵۶۵ ، ۱۳g
همه پیش کسری پیاده	۴۳۸۴ ، ۴۱	همه پهلوانان ایران و شاه	۳۰۱ ، ۱۲
همه پیش کیخسرو آورد	۲۸۸۵ ، ۱۲d	همه پهلوانان پذیر شدند	۱۰۸۳ ، ۷
همه پیش من جنگجوی	۱۱۱۴ ، ۷	همه پهلوانان ترا بنده اند	۲۵۷۸ ، ۱۳g
همه پیش من دستگیر آور	۶۷۰ ، ۱۳b	همه پهلوانان ترا بنده ایم	۲۶۴۸ ، ۱۳g
همه پیش فوشروان آمدند	۳۵۲ ، ۴۱	همه پهلوانان خسرو پرست	۱۳۲۵ ، ۱۳e
همه پیش یزدان ستایش	۳۱۵۷ ، ۱۳g	همه پهلوانان روی زمین	۴ ، ۷
همه پیش یزدان نیایش	۱۹۹۲ ، ۱۵	همه پهلوانان ز نزدیک	۲۶۰۵ ، ۱۳g
همه پیش سرخ کرده	۱۶۷۵ ، ۱۲d	همه پهلوانان شدند انجمن	۲۶۱۳ ، ۱۳g
همه پیش سرخ یا قوس	۹۰۸ ، ۷	همه پهلوانان فرخنده پی	۲۰۴ ، ۱۲

همه تیغها یکسره بر-	۴۳۸ ، ۱۳b	همه پیکرش گوهر آکنده	۱۶۶۸ ، ۷
همه جانلیقان و بطریق	۸۹۵ ، ۴۱	همه تاجداران بفرمان اوی	۸۶ ، ۱۵
همه جادوان جادویی	۸۶۵ ، ۴۲	همه تاجدارانش کهتر	۳۲۷۸ ، ۴۳
همه جادوان را شکستی	۶۳۹ ، ۱۳e	همه تاجداران که بودند	۲۵۸۶ ، ۱۳g
همه جادویی دانی و بد	۵۱۸ ، ۴۴	همه تاجمارا ستاینده اند	۲۰۰۳ ، ۳۵
همه جادویی زال کرد	۵۸۴ ، ۱۲d	همه ناختن را بیاراستند	۴۳۴ ، ۳۴
همه جام می بود یکسر	۲۴۷۵ ، ۳۵	همه تادر آزر رفته فراز	۷ ، ۱۲c
همه جامه بدریدورخ را	۲۹ ، ۱۲e	همه تالب رود جیحون	۱۸۰۸ ، ۴۱
همه جامه بدریدورخ را	۳۳۵۵ ، ۴۱	همه تخت و تاج و همه	۲۱۹ ، ۵۰
همه جامه برتنش چون	۵۵۸ ، ۱۲	همه ترس یزدان بداندر	۴۱۲ ، ۶
همه جامه برسان بازار	۹۲۷ ، ۱۳e	همه ترک و چین زیر فرمان	۲۲۸۳ ، ۱۳g
همه جامه پوشیده با او	۱۱۲ ، ۲۲	همه ترک و جوشن بخون	۸۱۷ ، ۱۳c
همه جامه پهلوی کرد چاک	۳۰۳۵ ، ۴۳	همه ترک و خفتان فرو	۲۳۸۰ ، ۱۵
همه جامه تا پای بدرید	۶۳۴ ، ۱۵	همه تر و خشکش بوم	۱۵۲۹ ، ۷
همه جامه خسروی کرد	۲۷۰ ، ۱۲e	همه تلخی از بهر بیشی بود	۱۲۲۸ ، ۱۲c
همه جامه رزم بیرون کنید	۱۵۵۵ ، ۱۳c	همه تن بشتش بدان آب	۴۵۵ ، ۱۲
همه جامه کرده کبود و	۶۰۸ ، ۶	همه تن پراز خون و رخسار	۱۱۳۶ ، ۱۳e
همه جامه کرده کبود و	۳۵ ، ۱۲e	همه تن پراز موی هم رنگ	۱۵۲۰ ، ۲۰
همه جامه واسپ ترو تپاه	۱۷۰ ، ۱۷	همه تندرستی بفرمان	۴۹ ، ۴۱
همه جامه ها بارید سبز	۳۸۰۸ ، ۴۳	همه تنش بر جای لرزان	۱۵۷۳ ، ۲۰
همه جامه ها بر برش کرد	۲۶۸۰ ، ۱۲d	همه تنش پر زخم شمشیر	۹۵ ، ۱۵
همه جامه ها بر برش کرد	۴۲۰۰ ، ۱۵	همه تنگدل گشته و تافته	۳۱۸۹ ، ۱۳g
همه جامه ها را بپوشید	۴۸۸ ، ۴۴	همه تن گرفته ز زنجیر	۱۳۴۷ ، ۱۵
همه جامه ها زرد و سرخ	۳۵۷۳ ، ۴۳	همه تیر و چوگان کنند	۲۰۵۳ ، ۳۵
همه جامه ها سبز و خنگی	۱۹۸۶ ، ۴۳	همه تیغ زهر آب گون بر	۵۹۴ ، ۸
همه جامه هاشان زخزو	۱۷۹۹ ، ۲۰	همه تیغ زهر آب گون بر	۱۴۴۹ ، ۱۵
همه جامه هاشان کبود و	۲۵۰۰ ، ۱۳g	همه تیغ و ساعد زخون	۱۴۶۲ ، ۱۳b
همه جامه ها کرده پیروز	۴۵ ، ۱	همه تیغ و گرز و کمند	۱۴۶۶ ، ۱۳b
همه جامه های تنش برش مرد	۲۹۵۳ ، ۱۳g	همه تیغها بر کشید از نیام	۲۳۴۸ ، ۱۵
همه جان شیرین بکف بر	۳۹۷ ، ۱۳b	همه تیغها جنگ را بر-	۱۰۰۳ ، ۱۳b

همه چیرگی بامنوچهر بود	۹۴۵ ، ۶	همه جان فدای سیاوش	۸۹۵ ، ۱۳
همه چیز بخشید درویش را	۲۴۸۰ ، ۱۳g	همه جان فدای شهنشه	۲۶۲ ، ۱۲
همه چین بر اوزار و گریان	۲۸۳۰ ، ۴۳	همه جان و تنها فدا کرده	۲۴۲۱ ، ۱۳f
همه چین و ترکان پیش	۱۵۴۵ ، ۱۳g	همه جان یکایک بکف بر	۲۹۴۷ ، ۴۳
همه چین و توران سراسر	۲۵۴۱ ، ۴۳	همه جای پیشش سپهبد	۳۰۳۰ ، ۱۳g
همه چین و مکران سپه	۱۷۳۴ ، ۱۳g	همه جای جنگست میدان	۵۳۳ ، ۱۲
همه چین همی گفت ما	۲۵۰۳ ، ۴۳	همه جای جنگی سواران	۲۶۱ ، ۱۲b
همه حصن بی تن سرویای	۵۸۳ ، ۴۱	همه جای گشته کتام	۵۰۱ ، ۱۳e
همه رخ چو دیبای رومی	۱۲۲۲ ، ۱۳e	همه جستنش داد و دانش	۱۱ ، ۲۳
همه خادمان و پرستندگان	۶۱۴ ، ۴۴	همه جشنگاه و هم ایوان	۱۵۶۵ ، ۱۳c
همه خار آن شهر شمشاد	۲۸۹۲ ، ۱۲d	همه جنگ با چشم گریان	۸۵ ، ۱۲e
همه خارسانها کنم چون	۳۳۹ ، ۴۳	همه جنگ با دیو و نر ازدها	۵۳۴ ، ۱۲
همه خاک ایران بچین آورد	۱۹۷۱ ، ۴۱	همه جنگ بردشت خوارزم	۸۸۲ ، ۱۳g
همه خاک باشیم اسپ ترا	۳۱۵۵ ، ۱۳g	همه جنگ را پیش او	۱۲۸ ، ۱۳e
همه خاک بر سر همی ریختند	۱۹۱۶ ، ۲۰	همه جنگ را تنگ بسته	۶۱۷ ، ۴۱
همه خاک کپای ترا جا کریم	۱۱۱ ، ۱۲b	همه جنگ را تیغها بر	۱۴۸ ، ۱۹
همه خاک تیره بر سر بر فکند	۱۶۱۶ ، ۱۲c	همه جنگ نا کرده	۳۱۴۹ ، ۱۵
همه خاک دارند بالین و	۱۷۷۴ ، ۱۲d	همه جنگ و پر خاش بد-	۶۶۷ ، ۴۳
همه خاک دارند بالین و	۳۱۱۶ ، ۱۳g	همه جوشن و ترگ پر خاک	۲۳۵۵ ، ۱۳f
همه خاک دارند بالین و	۱۳۰۴ ، ۱۵	همه جوشن و خود و ترگ	۱۶۳۹ ، ۱۳f
همه خاک دارند بالین و	۵۳۸ ، ۲۲	همه جویباران پر از مشک	۶۷۲ ، ۳۵
همه خاک مشکین شد از	۱۳۳۴ ، ۱۲d	همه چار پایان بکردار	۱۵۰۶ ، ۱۳g
همه خانه از بیم بگذاشتند	۳۲۴۶ ، ۴۳	همه چامه رزم خسرو	۴۶۰ ، ۳۵
همه خانهها که ده از چوب	۱۲۱۹ ، ۲۰	همه چامه گو سو فرارا	۱۸۵ ، ۳۹
همه خانه بد از کران تا	۲۱۷ ، ۱۲d	همه چرخ گردان بدیوان	۳۱۳ ، ۱۲
همه خانه سرگین بد از	۱۱۶۰ ، ۳۵	همه چشم پر آب و دل پرز	۱۱۰۶ ، ۱۳
همه خانه قندیلهای بلور	۱۵۶۶ ، ۲۰	همه چشمه گردد بیابان	۱۵۵۷ ، ۴۳
همه خرد در تن شده	۱۵۲۲ ، ۱۳c	همه چنگهاشان بسان	۱۸۷۰ ، ۴۱
همه خستگان از پی	۲۳۴ ، ۱۳g	همه چوب بالاش از عود	۴۵۴ ، ۱۲b
		همه چهره ازدها داشتند	۱۸۶۹ ، ۴۱

همه داد خواهیم وزاری	۵۹۱ ، ۸	همه خستگان را ببخشیم	۲۴۰ ، ۱۹
همه دادده باش و پرورد	۶۱۰ ، ۲۲	همه خستگانند زافرا-	۱۵۳ ، ۱۳
همه داد کرد و همه داد	۶۹۸ ، ۱۲b	همه خسته رفته از اینجا	۵۴۴ ، ۱۳b
همه داد کن تو بگیتی	۴۹۲ ، ۱۲e	همه خسته و بسته بد آنکه	۱۴۱۷ ، ۱۳
همه داد گفتی و بیداد	۶۷۴ ، ۱۲b	همه خسته و کشته شد	۶۴۵ ، ۴۱
همه داد و نیکی و شرمست	۳۴۹۰ ، ۴۳	همه خسته و کشته گشتند	۸۹۱ ، ۱۲e
همه داستان بیژن اورا	۳۶۸ ، ۱۳e	همه خفتگان سر بسر مرده	۱۶۲۶ ، ۱۳g
همه داستان را سخن	۱۲۱۰ ، ۴۳	همه خلعت خسروی داد	۲۲۶۶ ، ۴۳
همه داستانها زدند از	۲۶۱۶ ، ۱۳g	همه خوابها پیش ایشان	۱۴۵ ، ۲۰
همه داستان یاد باید	۲۷۷ ، ۱۲	همه خواسته بر شتر بار	۳۰ ، ۶
همه داغ دل دست کرده	۲۷ ، ۱۳b	همه خواسته سر بسر گرد	۱۶۱ ، ۳۹
همه داغ کن بر سرانجمن	۸۸۳ ، ۴۱	همه خواسته سر بسر مر	۹۶۰ ، ۱۳e
همه دامن کرته بدرید	۲۳۸۱ ، ۱۳f	همه خواسته سر بسر هم-	۵۶۸ ، ۳۵
همه دامن کوه پر اشکر	۱۲۳۶ ، ۱۳b	همه خواسته هر چه بد در	۱۲۳۸ ، ۴۲
همه دامن کوه تا پیش رود	۱۰۰۴ ، ۱۳g	همه خواند بر ما یکایک	۳۴۸۸ ، ۴۳
همه دامن کوه تا روی	۳۸۲ ، ۴۱	همه خواندند آفرین بزرگ	۱۴۵۰ ، ۱۳g
همه دام و دد پاسبان منند	۲۳۹۰ ، ۴۱	همه خواهش او همی خوار	۳۴۵۹ ، ۱۵
همه دانش او راست ما	۵ ، ۳۳	همه خوب کاری زبزدان	۳۲۲۴ ، ۴۱
همه دانش ما بیچار گیت	۳ ، ۱۲d	همه خود مرا و را بفرمان	۸۶۸ ، ۱۵
همه دخت ترکان پوشیده	۱۶۱ ، ۱۳e	همه خوردش از دست	۴۰۲ ، ۴۴
همه دخترانرا بر خویش	۲۷۹ ، ۱۲d	همه خوردنیشان بر میوه	۱۱۴۴ ، ۲۰
همه دختران شاد و خندان	۴۷۳ ، ۲۱	همه خوردنی شان ز مردم	۱۰۸۹ ، ۱۳c
همه دخت رستم همی	۹۹۷ ، ۱۲e	همه خود بکام نهنگ اندر	۲۴۸۰ ، ۱۳f
همه دخت شاهان و پوشیده	۱۴۱۰ ، ۱۳g	همه خویش و پیوند افرا-	۳۸۶ ، ۱۲e
همه در بیمارید بر خاک	۳۴ ، ۳۸	همه خویش و پیوند افرا-	۱۷۶۴ ، ۱۳g
همه در پناه تو باید نشست	۳۹۵۲ ، ۴۱	همه خویش و پیوند قیصر	۴۱۲ ، ۳۰
همه در پناه جهاندار	۲۹۳ ، ۱۱	همه خیمه ببینم و یرده سرا	۸۵۱ ، ۱۳g
همه در جهان خاک را آمدیم	۴۱۳ ، ۳۴	همه خیمه ها خوان زرین	۱۳۴۳ ، ۳۵
همه در دل پیش داستان	۶۷۵ ، ۱۳e	همه دادجوی و همه داد کن	۳۱۳۹ ، ۱۳g
همه در دلم راستی بود	۲۱۰ ، ۴۱	همه داد جوید و فرمان	۴۰۶ ، ۳۰

همه دشت بی تن سرویال	۴۵۴ ، ۱۳b	همه درز تابوت مارا	۱۸۸۵ ، ۲۰
همه دشت بی تن سرویال	۲۳۶۶ ، ۱۵	همه درد و خوشی توشد	۱۲۶۴ ، ۶
همه دشت بر مرد خرگاه	۲۰۵۰ ، ۴۳	همه درد ورنجست و تیمار	۱۷۰۲ ، ۱۳b
همه دشت بینی بیاراسته	۱۶۳ ، ۱۳e	همه درزهارا گرفته بقیر	۴۵۹۸ ، ۱۵
همه دشت پای و سرو پشت	۱۵۵۵ ، ۱۵	همه در عماری بر آ آورید	۱۷۶۲ ، ۱۳g
همه دشت پر آهن و سیم	۴۲۱ ، ۱۲e	همه در گرفتند ایران سپاه	۲۵۶ ، ۱۲b
همه دشت پر خرگه و خیمه	۷۴۷ ، ۱۲b	همه در هوای فریدون	۴۷۱ ، ۵
همه دشت پر کشته و خسته	۴۷۹ ، ۱۳b	همه دژ پر از نام اسفندیار	۲۲۳۳ ، ۱۵
همه دشت چون پر نیاز شد	۱۵۰۳ ، ۱۳g	همه دست بر آسمان داشتند	۱۹۶۳ ، ۴۳
همه دشت چون جوی خون	۸۸۸ ، ۱۳b	همه دست برداشته با آسمان	۴۱ ، ۶
همه دشت خرگاه و پرده	۱۳۵۲ ، ۱۳b	همه دست برداشته با آسمان	۲۳۴۱ ، ۴۱
همه دشت خرگاه و خیمه	۱۰۳۷ ، ۱۳g	همه دست برده بکار بدی	۱۸۴۹ ، ۳۵
همه دشت خونست و بی تن	۳۲۲۹ ، ۴۱	همه دست بر زوی گریان	۱۸ ، ۷
همه دشت زین بود و خفتان	۶۹۷ ، ۱۳e	همه دست بکشای تایک	۱۰۱۰ ، ۱۲d
همه دشت ژوپینو و روخشت	۲۰۳۵ ، ۴۱	همه دست پاکی و نیکی	۱۸۷۲ ، ۳۵
همه دشت سر بود بی تن	۱۱۸۸ ، ۱۵	همه دست جام از می لعل فام	۷۵۰ ، ۱۳e
همه دشت غرمت و آهو	۴۴۹۶ ، ۱۵	همه دست نیزه گذاران ز	۴۰۹ ، ۱۳b
همه دشت مردست و پیل	۷۷۷ ، ۱۳e	همه دست نیزه گذاران ز	۴۶۲ ، ۱۳f
همه دشت مغز و جگر بود	۳۲۹۶ ، ۴۱	همه دست و شمشیرش از کار	۱۲۰۳ ، ۱۵
همه دشت مغز و سر و خون	۱۶۵۸ ، ۱۳g	همه دستها سوی بند آورید	۷۰۴ ، ۱۳e
همه دشت مغز و سر و دست	۹۸۵ ، ۱۳g	همه دستهاشان فروماند	۱۸۵۵ ، ۱۳f
همه دشت نخچیر و مرغ	۲۹۶۹ ، ۱۵	همه دست یکسر بیزدان	۳۴۶ ، ۱۳b
همه دشت نیزه سواران	۱۳۶ ، ۳۴	همه دشت از آوازشان	۹۳۳ ، ۱۳e
همه دشت و کوه و بیابان	۱۲۲۴ ، ۳۵	همه دشت از آوای رود	۱۸۸ ، ۱۳e
همه دشت یکسر از ایرانی	۴۳۶ ، ۱۳b	همه دشت از ایرانیان	۱۳۹۸ ، ۱۳
همه دشت یکسر پر از آب	۱۹۳ ، ۲۰	همه دشت از ایشان پر از	۴۳۹ ، ۲۱
همه دشت یکسر پر از گور	۸۹۸ ، ۳۵	همه دشت از ایشان تن بی	۱۰۱۶ ، ۱۳g
همه دشت یکسر پر از ماه	۴۷۰ ، ۳۵	همه دشت از ایشان سرو	۴۴۲ ، ۲۱
همه دشت یکسر خروشان	۱۹۰۶ ، ۲۰	همه دشت با پاده و نای	۱۸۴۱ ، ۷
همه دشمنان از تو پر بیم	۳۰۳۲ ، ۱۵	همه دشت بر گستوانور	۱۵۴۷ ، ۱۳f

همه دین پذیر و همه هوشیار	۲۸۴ ، ۱۵	همه دشمنان پیش تو کهتر	۲۱۶۱ ، ۴۱
همه دیو و دبدب فرمان او	۱۴۱ ، ۱۲	همه دشمنان را سپردی	۲۵۷۹ ، ۱۳g
همه راز این کار با من بگو	۲۲۴۱ ، ۱۲d	همه دشمنان کام دل یافتند	۱۹۰۹ ، ۲۰
همه راز بر ما باید گشاد	۸۳ ، ۵	همه دل بگردار او خوش	۱۸۹۶ ، ۳۵
همه راز شاپور با او بگفت	۲۲۵ ، ۳۰	همه دل بکینه بیاراستند	۱۰۹۹ ، ۱۵
همه راز من آشکارای تست	۱۸۴۸ ، ۱۲d	همه دل پر از بیم برخاستند	۳۵۴ ، ۱۲b
همه رازها بر تو باید گشاد	۲۱۳۵ ، ۱۲d	همه دل پر از خون و دیده	۷۵۰ ، ۱۳b
همه رازهای سیاوش بگفت	۹۷۹ ، ۱۲d	همه دل پر از درد از بیم شاه	۲۴ ، ۱۳b
همه رازیان از بنه خود که	۳۵۹ ، ۴۳	همه دل پر از درد دیده	۲۶۹۲ ، ۱۲d
همه راست کردند گردان	۱۶۰۹ ، ۷	همه دل پر از شادی و می	۸۲۱ ، ۱۳e
همه راست گفتید و زین بد	۵۶۴ ، ۳۴	همه دل پر از کین و پر چین	۸۰۷ ، ۶
همه راست گفتی نکفتی	۳۰۷۵ ، ۱۵	همه دو دمان نزدیکان	۱۴۲۱ ، ۷
همه راست گوید سخن کم	۱۴۴۴ ، ۴۱	همه دوده اکنون نباید	۲۸۲۸ ، ۱۵
همه راستی باشد و مردمی	۶۱ ، ۱۸	همه دوده را سر بر افرا-	۶۶۱ ، ۱۴
همه راستی باید آراستن	۱۴۱۷ ، ۴۱	همه دوستان بر تو بردشمن	۳۸۸ ، ۴۳
همه راستی جوی و بنمای	۳۹۰ ، ۱۲d	همه دوستان را گرامی	۸ ، ۴۹
همه راستی جوی و فرزانی	۳۲۸ ، ۲۲	همه دوستان ویژه دشمن	۱۱۶ ، ۴۴
همه راستی خواستم زین	۴۱۱ ، ۶	همه دوستدار و برادر شویم	۱۳۶۳ ، ۴۳
همه راستی خواهی و نیکو	۹۲ ، ۱۹	همه دوستی جستم اندر	۲۰۱۷ ، ۴۱
همه راستی راست از بخت	۱۰۰۱ ، ۶	همه ده بوی رانی آورد روی	۳۸۳ ، ۳۵
همه راستی کن که از راستی	۳۶۸۹ ، ۱۵	همه دیبه خسروانی بباغ	۸۱۰ ، ۱۳e
همه راستی و همه مردمی	۲۸۷۶ ، ۴۳	همه دیده اند آنچه من	۱۴۳۶ ، ۴۲
همه راغها شد چو پشت	۳۲۵۳ ، ۴۳	همه دیده بر مغز من	۶۴۸ ، ۱۳c
همی راند با ناچ و با گوش	۳۵۷۴ ، ۴۳	همه دیده پر خون و دل پر	۵۱۰ ، ۱۲b
همه راه از اینگونه بدگفت	۱۸۸۰ ، ۱۲d	همه دیده پر خون و رخسار	۳۱ ، ۱۲e
همه راه بر گستان بود	۹۴۱ ، ۴۲	همه دیده پیش پدر بازگفت	۳۰۰۵ ، ۱۵
همه راه پر پوشش و خورد	۱۹۰۱ ، ۱۳g	همه دیده کردند یکسر پر	۱۸۹۹ ، ۳۵
همه راه پر کشته و خواسته	۱۰۷ ، ۳۹	همه دیده هاز و شده پر سر شکن	۵۵ ، ۴۶
همه راه را پاک کرده چو	۱۹۰۰ ، ۱۳g	همه دیده هاشان بشد روشنا	۸۰۲ ، ۱۲
همه راه نمکین و دیده پر	۴۵۰ ، ۱۲e	همه دیده هاشان بگردار	۱۳۹۹ ، ۲۰

همراه نیکی نمودی بشاه	۲۵۰	۳	همه رنج و تیمار من باد	۳۵۲۴	۱۵
همراه و بی راه او ای رود	۲۰۹۹	۱۳g	همه رنجها خوار بگذاشت	۳۹۲	۴۱
همراه و بی راه گنبد زده	۲۱۹۱	۱۳g	همه رنجها گشته آسان ازو	۴۷۷	۶
همه راه و بیراه لشکر	۱۱۳۹	۳۵	همه رنجهای تو بی بر شود	۶۸۸	۱۲
همراه و رسم پلنگ آورم	۸۸	۱۰	همه رود گانش سوراخ	۱۲۹۹	۲۰
همه راه و رسم پلنگ آورم	۸۵۲	۱۲	همه رودها همچو دریا شده	۲۴۵۷	۴۱
همه رای با کار دانا نزنیم	۶۲۰	۳۴	همه روز بادخت قیصر	۳۶۵۵	۴۳
همه رای با مرد دانا زنید	۱۸۸۷	۳۵	همه روز با درد و غم بود	۴۶۳۲	۴۱
همه رای تو برتری جستن	۵۴۴	۲۰	همه روز بانان در گاه شاه	۴۶۶	۱۲d
همه رخ پراز گل همه چشم	۱۶۲	۱۳e	همه روزش آمد شدن پیش	۶۳۵	۷
همه رخ چو دیبای رومی	۸۲۲	۱۳e	همه روز شه نامه پاسخ	۹۹۵	۱۳c
همه رخ کبود و همه جامه	۱۵۶۲	۱۲c	همه روشنی در تن از	۱۱۳۱	۴۱
همه رخ کبود و همه جامه	۱۵۸۹	۱۲c	همه روم با هدیه و بانثار	۷۵۶	۱۴
همه رخنه پادشاهی بمرد	۱۴۰۳	۴۱	همه رومیان آفرین خواند	۱۱۱۷	۴۳
همه رزم رادل پراز کین	۲۸۱	۱۲e	همه رومیان پیش موبد	۴۳۶۸	۴۱
همه رزم گاهش بتاراج	۲۱۲۲	۴۳	همه رومیان دل شکسته	۱۸۴۴	۴۳
همه رزم که پرستام و کمر	۳۸۱	۲۱	همه رومیان سر بگردون	۱۹۱۷	۴۳
همه رزم که دخمه ها ساخت	۱۶۸۹	۱۳g	همه روم یکسر ترا کهنتر	۱۱۹۴	۴۳
همه رزم که سر بسر جوی	۱۲۶۴	۱۳e	همه روی آهن گرفته بزر	۶۴	۱۱
همه رزم که سر بسر کشته	۱۴۰۳	۱۳	همه روی پر خاک و پایش	۲۱۹۱	۱۵
همه رزم که سر بسر ماتم	۱۳۹۵	۱۳c	همه روی پوشیدگان را	۱۷۳	۱۲d
همه رزم که کشته چون کوه	۹۳	۱۶	همه روی دریا شده قیر	۱۰۸۶	۶
همه رزم که گشت ازو پر	۹۶۳	۴۱	همه روی را سوی یزدان	۱۹۳۵	۴۳
همه رستم زابلی راسپر	۱۳۳۲	۱۳e	همه روی سرخ و همه	۱۴۱۵	۲۰
همه رفتنی ایم و گیتی سپنج	۲۸۹۷	۱۳g	همه روی صحرا چو دریا	۸۴۰	۱۳g
همه رنج اوسر بسر باد	۱۳۸۳	۴۲	همه روی صحرا سرودست	۱۲۵	۱۱
همه رنج این مرز ازو یست	۱۳۲۹	۱۳c	همه روی کشور به بیراه	۸۴۸	۱۳g
همه رنج تو داد خواهد بیاد	۸۴	۱۲	همه روی کشور درفش است	۱۹۳۵	۱۳g
همه رنج لشکر بتن بر نهم	۸۶	۱۳b	همه روی کشور سپه گسترید	۱۴۹۸	۱۳g
همه رنج ما مانده با خار-	۱۵۶۵	۷	همه روی کشور شود بینه	۲۷۷۰	۴۳

همه زیردستان ازایشان	۱۹۱۲ ، ۴۱	همه روی کشور نگهبان	۳۳۰ ، ۴۱
همه زیردستان بیابندبهر	۳۸ ، ۲۰	همه روی گیتی پر از داد	۱۳۸ ، ۲۰
همه زیردستان توانگر	۴۳۱۴ ، ۴۱	همه روی گیتی پر از داد	۹۲ ، ۴۱
همه زیردستان جو گوهر	۹۷۶ ، ۳۵	همه روی گیتی شب لاجورد	۲۰۴ ، E
همه زیر دستان خود را	۳۰۳ ، ۳۴	همه رویها سوی درگه	۱۸۱۹ ، ۲۰
همه زیر دستان زپیش	۱۳۰۵ ، ۳۵	همه رویهاشان چوروی	۱۵۱۸ ، ۲۰
همه زیردستانش بیچان	۱۸۵۷ ، ۳۵	همه روی هامون پر از	۸۶۵ ، ۱۳c
همه زیر سوگند و بند و	۶۴۵ ، ۳۴	همه روی یکسر بجنک	۲۲۱ ، ۱۹
همه زیر فرمائش بیچاره اند	۶۱۸ ، ۱۲b	همه ره زدانا همی لب	۳۵۹۵ ، ۴۱
همه زین شمارند و این	۲۹۲ ، ۱۳c	همه ره همی آبرابر زدند	۳۵۷۰ ، ۴۳
همه ژنده پیلان و لشکر	۷۶۳ ، ۱۳g	همه ریگ پر خسته و	۷۸۹ ، ۱۳g
همه ساخته کینه و جنگ	۲۸۷ ، ۱۲e	همه ریگ تفت است با	۱۹۲۹ ، ۱۵
همه سال خرم ز کردار	۱۳۳ ، ۱۲	همه ریگ خون و سرو	۷۵۵ ، ۱۳g
همه سال خندان لب جویبار	۳۷ ، ۱۲	همه ریگ دریا مرالشکر	۴۳۲ ، ۱۳g
همه ساله اردی بهشت هژیر	۷۹۲ ، ۱۳e	همه زابلستان بتاراج	۷۵ ، ۱۶
همه ساله بخت تو پیروز	۱۴۸۴ ، ۱۳	همه زاد بر زاد خویش	۲۰۰۹ ، ۳۵
همه ساله بخت تو پیروز	۳۰۳۳ ، ۱۵	همه زار باشاه گریان	۴۱۱ ، ۳۴
همه ساله بسته دودست	۱۹۳۸ ، ۷	همه زار گشتند و گریان	۱۱۶۰ ، ۱۵
همه ساله بودی شب و روز	۶۰۹ ، ۳۰	همه زار و گریان و پر آب	۶۲ ، ۱۲e
همه ساله بیکار و نالان ز	۱۶ ، ۲۹	همه زر گشتند و پر چین	۵۰ ، ۱۲
همه ساله پیروز بادی و شاد	۱۲۰ ، ۱۲	همه زر فشاندند بر تخت	۲۶۳۵ ، ۱۵
همه ساله پیروز بادی و شاد	۱۱۲ ، ۱۲b	همه زر و پیروزه بد جام	۶۷۰ ، ۷
همه ساله تا بود خون ریز	۱۸۴۳ ، ۱۳g	همه زر و عنبر بیامیختند	۱۰۶ ، ۱۲d
همه ساله در جوشن آکین	۵۸۸ ، ۱۲e	همه زر و گوهر بر آمیختند	۲۸ ، ۶
همه ساله روزش بهاران	۵۹۲ ، ۱۲b	همه زر و گوهر فزونی	۲۴۳۰ ، ۴۱
همه ساله گیتی بکام تو باد	۱۱۱۱ ، ۳۵	همه زند و استا بر افرو-	۱۱۳۶ ، ۱۵
همه سام را آفرین خوان	۱۷۲۱ ، ۷	همه زور و بخت از جهاندار	۱۹۵۹ ، ۱۳f
همه ساخته باید که راند	۲۱ ، ۲۴	همه زریج و صلاب برداشت	۴۵۵ ، ۱۲d
همه سر بنخاک سپه بر نهید	۸۲۳ ، ۱۳c	همه زیر بر گستوان اندر	۸۴۲ ، ۶
همه سر بدادند یکسر	۱۱۵۳ ، ۱۳c	همه زیر خفتان و خود	۲۲۳۱ ، ۱۵

همه سو فرار است بهراز	۶۳ ، ۴۰	همه سر بریدن بر ناوپر	۵۲۲ ، ۱۲e
همه سو گوار و پراز آب رو	۲۱ ، ۱۳b	همه سر بسر باتو پیمان	۸۸۴ ، ۱۴
همه سوی آن دامن کوه	۱۶۸۶ ، ۱۳	همه سر بسر باژدار توایم	۴۳۴۷ ، ۴۱
همه سوی بهرام دارید	۱۲۹۲ ، ۱۲d	همه سر بسر بندگان و بیم	۱۴۵۷ ، ۴۲
همه سوی خاقان نهادند	۶۹۰ ، ۱۳c	همه سر بسر پاک در چنگ	۴۳۵ ، ۸
همه سوی دژها نهادند	۹۴۱ ، ۱۳g	همه سر بسر پشت بر گاشت	۹۲ ، ۱۶
همه سوی دستان نهادند	۲۶۳۹ ، ۱۳g	همه سر بسر پیش او تا ختند	۱۷۳۴ ، ۱۳f
همه سوی دوزخ نهادند	۲۴۲ ، ۵	همه سر بسر تن بکشتن	۱۲۲۲ ، ۱۳c
همه سوی شاه زمین آمدند	۵۸ ، ۱۵	همه سر بسر خاک پای توایم	۷۱ ، ۳۴
همه سیستان پاک ویران	۳۸۸۹ ، ۱۵	همه سر بسر خاک رنج توایم	۴۳۶۲ ، ۴۱
همه سیستان پیش باز آمد-	۱۵۵۶ ، ۱۲c	همه سر بسر دست نیکی	۲۱ ، ۴۰
همه سیستان زو شود پر	۴۳۹۱ ، ۱۵	همه سر بسر زار و گریان	۲۱۴۴ ، ۳۴
همه سیهزار از یلان تر کمان	۳۲۴ ، ۱۳g	همه سر بسر سو گوار و	۱۷۵۳ ، ۱۳f
همه شاد باشی و شادی بدو	۲۲۴ ، ۴	همه سر بسر ما ترا بنده ایم	۱۷۱۵ ، ۱۳f
همه شاد خوانم بهمان	۲۲۰۶ ، ۱۵	همه سر بسر نزد من کافر	۲۴ ، ۷
همه شادمان نزد شاه آمدند	۱۱۷۸ ، ۱۲	همه سر بسر نیکخواه توایم	۱۰۶ ، ۱۲
همه شادمانی نما ند بجای	۴۵۴۵ ، ۴۱	همه سر بسر نیکخواه توایم	۱۵۴۸ ، ۱۳g
همه شاد و بارامش و من	۱۳۰۶ ، ۱۵	همه سر بسر از گرد و دیده	۱۰۰۸ ، ۴۲
همه شاد و خرم بیزدان	۳۱۳۲ ، ۱۳g	همه سر سوی جنگ ترکان	۲۰۶ ، ۱۳
همه شاد و روشن ببخت	۱۲۵ ، ۱۲	همه سر فر از ان پر هیز کار	۲۱۵۷ ، ۵۱
همه شاد و روشن بچهر تو	۷۵۸ ، ۱۲e	همه سر فر ازیم با ساز جنگ	۲۳۷۹ ، ۴۱
همه شاد و شنکل دلی	۲۱۹۸ ، ۳۵	همه سر کشان آفرین خوا-	۳۱۴۲ ، ۴۳
همه شارسان دود و فریاد	۱۳۶۷ ، ۱۳g	همه سر کشان خود پیاده	۷۷۸ ، ۱۵
همه شارسان زو توانگر	۲۰۷۰ ، ۱۳g	همه سر نهاده سوی آسمان	۷۵۳ ، ۱۳b
همه شارسان ماند زان در	۱۱۰۹ ، ۴۳	همه سر و رانرا سراز تن	۹۱۱ ، ۱۲b
همه شارسانهای گیتی مرا	۷۸۶ ، ۴۲	همه سندلی پیش اوی آمد-	۲۹۸۴ ، ۴۱
همه شان بگرد جهان بر	۲۵۳۸ ، ۱۳f	همه سندلی خوار و گریان	۲۹۲۷ ، ۴۱
همه شاه ایران برستم	۷۸۵ ، ۱۳b	همه سنگ مر جان شد و خاک	۳۷۱ ، ۱۲e
همه شاه بگذارد از تو	۱۶۸ ، ۱۳f	همه سوخت آباد و بوم و	۵۷۵ ، ۱۲e
همه شاه چهر و همه ماه	۲۸۰ ، ۱۵	همه سودمندی زگفتار	۲۰۹۸ ، ۱۳f
		همه سودمندی ز مردم	۷۱۰ ، ۴۱

۲۵۱۰ ، ۱۳۴	همه شاه را چاکر و بنده	۳۶۰۶ ، ۴۳	همه شهر از آن کار غمگین
۴۰۵ ، ۱۳	همه شاهزاده ز تخم قباد	۱۳۳۳ ، ۱۲d	همه شهر از آواز جنگ و
۲۱۱۶ ، ۱۲d	همه شب بیبچید تار و زپاک	۱۰ ، ۴۸	همه شهر ایران از و شادمان
۲۱۳۹ ، ۱۳g	همه شب بپیش جهان آفر-	۵۶۷ ، ۱۲e	همه شهر ایران بپای آوریم
۱۸۷۳ ، ۴۱	همه شب بجز جستن و	۹۷۶ ، ۴۲	همه شهر ایران بتوزنده
۱۳۴۵ ، ۲۰	همه شب بخفتان جنگ	۵۶۶ ، ۲۰	همه شهر ایران بدست شما
۷۴۸ ، ۱۳۴	همه شب بخواب اندر آسیب	۲۷۶۳ ، ۱۵	همه شهر ایران بدو زنده
۴۰ ، ۴۶	همه شب بدی خوردن آیین	۱۸۷ ، ۳۹	همه شهر ایران بدو گشته
۳۴۶۲ ، ۴۱	همه شب بزدرای بامو بد	۱۰۹۱ ، ۱۵	همه شهر ایران بکام تو
۲۳۴۴ ، ۱۳۴	همه شب بنا لید تار و زپاک	۴۵ ، ۱۰	همه شهر ایران بگفتار
۱۰۸۹ ، ۱۳b	همه شب بیاد جهان پهلوان	۱۰۸ ، ۳۵	همه شهر ایران بگفتار
۴۷۷ ، ۱۳b	همه شب ز آواز جنگ و	۹۳ ، ۱۲e	همه شهر ایران بماتم
۷۹۸ ، ۵۰	همه شب ز اندیشه پر خون	۱۱۷۳ ، ۱۲	همه شهر ایران بیاراستند
۷۹۴ ، ۱۵	همه شب نخفتند از خر می	۲۴۷۵ ، ۱۵	همه شهر ایران بیاراستند
۷۲۵ ، ۱۳g	همه شب همی جنگ براسا-	۱۹۹ ، ۱۹	همه شهر ایران پر از ناله
۴۸۱ ، ۱۳b	همه شب همی خسته بردا-	۷۸۷ ، ۴۱	همه شهر ایران ترا شد
۸۳ ، ۴۶	همه شب همی خنجر اندا-	۴۲۳۶ ، ۴۳	همه شهر ایران ترا دشمن
۵۰۵ ، ۱۳b	همه شب همیراند با درد	۱۴۶۲ ، ۳۵	همه شهر ایران ز کارش
۱۸۸۴ ، ۱۵	همه شب همی راند خود با	۲۱۰۱ ، ۴۱	همه شهر ایران سپاه و بند
۱۷۸۱ ، ۱۳۴	همه شب همی ساختند این	۵۲۸ ، ۱۲b	همه شهر ایران سرای من
۲۱۵۴ ، ۳۵	همه شب همی کار او ساختند	۲۷۷۱ ، ۴۳	همه شهر ایرانش فرمان
۱۸۰۰ ، ۱۳g	همه شب همی گفت و پاسخ	۲۶۸ ، ۱۲e	همه شهر ایران کمربسته-
۳۲۰ ، ۸	همه شب همی لشکر آراستند	۲۹ ، ۱۳c	همه شهر ایران کم رود
۱۴۵۲ ، ۱۵	همه شب همی لشکر آراستند	۵۹۷ ، ۱۳e	همه شهر ایران و توران
۲۰۵ ، ۱۷	همه شب همی لشکر آراستند	۷۹۵ ، ۵۰	همه شهر ایران و را بنده
۲۰۵ ، ۱۲	همه شب همی مجلس آراستند	۱۲۷۷ ، ۲۰	همه شهر با او نداریم تاو
۳۹۳ ، ۱۳۴	همه شور بختند و بر گشته	۴۳۶۵ ، ۱۵	همه شهر با من بدین باور
۱۵۶۶ ، ۱۳c	همه شهر آباد او را بسوخت	۱۷۴۱ ، ۷	همه شهر بودی پر آوای
۱۵ ، ۴۳	همه شهر از آگاهی آرام	۲۶۷۶ ، ۱۲d	همه شهر پر زاری و ناله
		۳۰۸۲ ، ۴۱	همه شهر پر زنگ و هندی

همه شهر یکسر پراز لشکر	۴۱۷۰	۵	همه شهر ترکان تراپس	۱۱۵۸۰	۴۲
همه شیر مردان و گرد و	۶۷۱۰	۱۳	همه شهر توران بدی	۱۵۸۰	۱۳۴
همه طاقها بسته بودی از	۳۷۴۸۰	۴۳	همه شهر توران بر نندت	۱۲۴۶۰	۱۲۵
همه طاقها سر بسرسیم و	۱۷۸۴۰	۴۱	همه شهر توران گرفته	۱۴۶۲۰	۱۳۶
همه طوق بر بسته و گوش	۸۲۰۰	۱۳e	همه شهر توران گریزان	۱۳۵۹۰	۱۳g
همه عهد کردند یک بادگر	۲۳۰	۳۴	همه شهر دیده بدرگاه	۵۲۰۰	۵
همه غارت و کشتن اندر	۵۲۰۰	۱۲e	همه شهر ز آوای هندی	۱۷۱۵۰	۷
همه غار و کوه و بیابان	۲۰۶۰	۱۳g	همه شهر زنده برای تو اذ	۱۳۹۷۰	۷
همه غار و هامون پراز	۲۲۹۰	۱۲e	همه شهر زو بود پرداغ	۳۲۵۰۰	۴۳
همه غار و هامون پراز	۸۸۹۰	۱۲e	همه شهر سگسار و مازندر	۱۸۵۲۰	۷
همه غار یکسر تن کشته	۷۵۵۰	۱۲	همه شهر کرمان مراورا	۲۲۵۸۰	۴۳
همه غالیه جمع مشکین	۱۰۵۸۰	۱۳	همه شهر گرما به ورود و	۱۷۹۸۰	۱۲d
همه غرق در آهن و سیم	۱۶۹۰	۴۳	همه شهر گفتند کی شهر یار	۱۵۳۷۰	۲۰
همه غرق در آهن و سیم	۱۹۸۰	۵۰	همه شهر گوئی مکر بتکده	۲۲۵۰	۱۲
همه فردا راه می خواستیم	۸۲۰	۲۰	همه شهر مازندر ان سوخت	۲۳۲۰	۱۲
همه فیلسوفان و را بنده اند	۱۸۰۴۰	۳۵	همه شهر مکران بیار استند	۲۰۹۸۰	۱۳g
همه قلب که پاک در هم درید	۱۸۹۷۰	۴۳	همه شهر مکران تو ویران	۱۹۲۳۰	۱۳g
همه قلب که دید پر گفتگو	۳۳۱۱۰	۴۱	همه شهر و برزن بیای آور	۴۶۷۰	۱۲d
همه کابلستان شد آراسته	۱۶۷۲۰	۷	همه شهر و برزن یکایک	۲۰۰۰۰	۱۲d
همه کابل و دنیرو مای و هند	۲۹۸۰	۷	همه شهر و لشکر بدونیم	۲۹۵۷۰	۴۲
همه کاخ او پر زیگانه دید	۸۷۸۰	۲۰	همه شهر ویران کنند از	۳۰۵۰۰	۴۱
همه کاخ پر موبد و مرزبان	۲۷۱۱۰	۴۱	همه شهر هادید بر سان چین	۲۰۰۰۸۰	۱۳g
همه کاخ تا بوت بدسر بسر	۱۵۸۹۰	۱۲c	همه شهر هایی که بدگرد	۷۸۴۰	۴۱
همه کاخ کرسی زرین نهاد	۱۰۳۵۰	۲۰	همه شهر یاران ایران بدی	۴۵۳۷۰	۱۵
همه کاخ کرسی زرین نهاد	۱۵۱۶۰	۴۲	همه شهر یاران کشور بدی	۹۳۹۰	۱۳c
همه کاخ مهراب مهرمن	۷۶۵۰	۷	همه شهر یاران که بستم	۹۴۴۰	۱۳c
همه کاخ و تخت بزرگی	۳۳۵۶۰	۴۱	همه شهر یاران مرا که ترند	۷۳۹۰	۴۲
همه کاخها تخت زرین نهاد	۱۹۱۱۰	۷	همه شهر یکسر بدونیم	۳۰۷۵۰	۴۱
همه کاخها راه یک دردگر	۳۶۸۳۰	۴۳	همه شهر یکسر بیار استند	۲۱۷۷۰	۱۳g
همه کار آن پادشاهی خویش	۱۹۸۰	۴۰	همه شهر یکسر پراز گفتگو	۸۵۴۰	۱۲e

همه کار او را به اندام کرد	۸۳۴ ، ۱۵	همه کام و پیروزی از نام	۴۱۳ ، ۱۴
همه کار ایران مرا اورا سپرد	۸۵۲ ، ۱۵	همه کام و رایش بشطرنج	۳۴۲۲ ، ۴۱
همه کار ایران و توران بسا-	۲۰۲ ، ۴۰	همه کامها دادیم ای خدای	۱۲۳۵ ، ۶
همه کار این جای بر بدتری	۴۰۱ ، ۳۵	همه کدخدایند مزدور	۳۳۲ ، ۴۰
همه کار برداد و آیین کشید	۴ ، ۴۸	همه کرد گرد اندر آن	۱۷۸۸ ، ۴۱
همه کارت از یکدگر بدتر	۶۳۴ ، ۱۲c	همه کردنی‌ها چو آمد	۴۸ ، ۴
همه کار دانان بر این دا-	۱۴۳ ، ۴۳	همه کرده پیکر بآیین	۳۳۹۹ ، ۴۱
همه کار درویش دارد	۵۳ ، ۴۲	همه کس فرستید و آگه	۳۵۰ ، ۳۰
همه کار و شوارش آسان	۱۳۴۸ ، ۴۱	همه کس و را آفرین خواند	۱۴۴۷ ، ۱۵
همه کار سازان دریا	۱۹۸۰ ، ۱۳g	همه کشته بودیم و بر گشته	۸۵۳ ، ۱۳c
همه کار گردنده چرخ این	۱۵ ، ۴۸	همه کشته شد هیچ جنگی	۱۵۲۲ ، ۱۵
همه کار گشتاسپ نخچیر	۲۹۰ ، ۱۴	همه کشته گشتند بردشت	۲۴۹۰ ، ۱۲d
همه کار گیتی با اندازه	۱۲۳۰ ، ۳۵	همه کشته بودند یا خسته	۱۰۱۸ ، ۱۲b
همه کار ما سخت با ساز	۱۱۴۶ ، ۱۲c	همه کشتگان را بهم در	۱۸۵۳ ، ۴۳
همه کار مردم نبودی بپرگ	۱۵ ، ۲	همه کشور آگاه شد زین	۳۰۷۷ ، ۴۱
همه کار من بر تو بیداد بود	۱۲۲۳ ، ۷	همه کشور از برق شد نا	۱۱۹۸ ، ۱۳
همه کار نیکوست زودر	۳۵۱۷ ، ۱۵	همه کشورم کوه و دریاست	۱۹۹۹ ، ۳۵
همه کار و کردار من داد باد	۹۷۴ ، ۳۵	همه کنده موی و همه خسته	۱۳۷ ، ۳۸
همه کار و گفتار او ایزد	۲۹۲۵ ، ۱۳g	همه کنده روی و همه کنده	۴۱۹۲ ، ۱۵
همه کارها پهلو انراندی	۲۵ ، ۴۰	همه کودکان را بچوگان	۱۱۳ ، ۲۲
همه کارها را سر انجام بین	۴۵۰ ، ۱۳	همه کودکان همگروه	۸۴ ، ۱۷
همه کارها شد سر اندر	۷۰۰ ، ۳۴	همه کوس بستند بر پشت	۱۷۰۵ ، ۴۳
همه کارها کرد باید درست	۳۵۳ ، ۱۳c	همه کوشش او بکار بدیست	۳۲۴۲ ، ۴۱
همه کارهای جهان را در	۳۸۵۹ ، ۱۵	همه کوفته اشکر و ریخته	۱۰۵۶ ، ۱۳g
همه کارهای شگرف آورد	۹۱۹ ، ۱۳b	همه کوه پر ناله و پر خروش	۳۱۵۱ ، ۱۳g
همه کارهای شما ایزدیست	۱۶۳۵ ، ۴۲	همه کوهساران پرازمرد	۱۲۸۲ ، ۷
همه کارپزدان پسندیده	۳۱۵ ، ۴۴	همه کوهسارانش نخچیر	۶۹ ، ۱۴
همه کام خاک و همه دشت	۳۰۹۱ ، ۴۱	همه کوه نخچیر و آهو	۱۷۹۹ ، ۱۲d
همه کام خود بر گرفت از	۶۹۹ ، ۱۲b	همه کوه نخچیر و هامون	۹۵۴ ، ۱۳g
همه کام ما باز گردد بدرد	۲۲۳۲ ، ۱۳f	همه کوه و دریا پر آواز	۳۲۰۶ ، ۴۱

همه گرز دارانش زرین	۲۱۰۳ ، ۴۱	همه کوه و دریا و راه	۵۵۱ ، ۲۰
همه گرزور بودوشمشیر	۶۹۹ ، ۱۳b	همه کوه و هامون همه	۱۹۰۱ ، ۱۳
همه گرزها بر کشیدند	۹۰۰ ، ۱۳f	همه کوه یکسر سپاهست	۵۸۸ ، ۱۳b
همه گر گساران و مازندر	۱۲۹۲ ، ۷	همه کهتران زو بر آشو-	۲۷۵۳ ، ۴۳
همه گرم و دردست و تیمار	۱۳۵۸ ، ۱۳b	همه کهترانش بکردار	۱۷۳۶ ، ۳۵
همه گسته را کنید آفرین	۱۷۳۲ ، ۱۳f	همه کهتران شما بوده اند	۳۴۴۱ ، ۴۳
همه گشته از جان تو نا	۴۲۷ ، ۴۴	همه کهترانیم و فرمان	۲۹۳۴ ، ۴۳
همه گشته نوید از آن	۱۴۶۳ ، ۳۵	همه کهتری را بسازند	۲۳۸۸ ، ۴۱
همه گفتم اکنون تویی به	۳۱۱۶ ، ۱۵	همه کهتری را بیار استند	۲۷۶ ، ۴۱
همه گفتنیها بدو باز گفت	۶۰ ، ۱	همه که سپردند يك يك	۳۴۷۲ ، ۴۱
همه گفتنیها بدو باز گفت	۱۵۴۳ ، ۴۲	همه کینه برداشتیم از	۱۴۳۱ ، ۴۳
همه گنج ارجاسپ در باز	۲۳۴۲ ، ۱۵	همه کینه جویان و پر خاش	۲۰۶۳ ، ۱۳f
همه گنج اورا بتاراج داد	۴۴۱ ، ۱۳e	همه کینه جوی و همه رزم	۵۷۹ ، ۱۳f
همه گنج اورا بتاراج داد	۵۶۱ ، ۲۱	همه کینه را چشم روشن	۲۷۵ ، ۱۲e
همه گنج با آنکه کردش	۵۰۳ ، ۲۰	همه کینه و جنگ جوید	۱۰۰ ، ۳۸
همه گنج بدتاج و هم تخت	۱۸۰۶ ، ۲۰	همه گرد آن نارسان چون	۱۲۹۹ ، ۱۳g
همه گنج بیرنج در پیش	۱۳۹۰ ، ۱۲d	همه گرد ایوان دورویه	۸۰۲ ، ۶
همه گنج پیرانش آمد	۱۵۱۴ ، ۱۳g	همه گرد بر گرد آن پیشه	۱۰۹۵ ، ۲۰
همه گنج پیش تو آراسته	۱۶۵۵ ، ۷	همه گرد بر گرد آن مرغ	۳۵۹۳ ، ۴۱
همه گنج تاراج و لشکر	۲۷۶ ، ۱۲	همه گرد بر گرد او پیخرد	۳۰۶ ، ۴۴
همه گنج توران شمار ادهم	۱۴۶۵ ، ۱۳g	همه گرد بر گرد اوسیمو	۱۳۰۸ ، ۲۰
همه گنج زروان برایشان	۱۷۵۴ ، ۴۱	همه گرد بر گرد او شیر و	۵۵۳ ، ۳۵
همه گنج قیصر بتاراج داد	۵۹۵ ، ۴۱	همه گرد بر گرد پرده سرا	۵۲۲ ، ۳۴
همه گنج گیتی بچشم تو	۳۰۴ ، ۷	همه گرد بر گرد مادشمن	۳۱۵۱ ، ۴۱
همه گنج من سر بسر پیش	۱۳۲۹ ، ۱۲d	همه گرد بر گرد مالشکر	۹۰۰ ، ۱۳b
همه گنج و آن خواسته پیش	۳۱۵۹ ، ۴۳	همه گرد در ز لشکران کیخت	۱۰۲۸ ، ۱۳
همه گنج و دیباودینار سام	۵۶ ، ۱۶	همه گرد کردند ایران	۱۰۲۲ ، ۱۲b
همه گنج و فرمان و رای	۲۵۳۵ ، ۱۵	همه گرد کن خواسته هر چه	۹۱ ، ۵۰
همه گنجها ز بردامن نهند	۱۳۶ ، ۵۰	همه گردن سر کشان گشت	۱۵۹۹ ، ۳۵
همه کند شاپور گریان	۹۷۹ ، ۴۱	همه گردن گورخم کمند	۱۱۰ ، ۱۳e
همه کورشان کام شیران	۲۰۵۵ ، ۱۵		

همه لشکر سلم همچون رمه	۱۱۵۲ ، ۶	همه گوش پر ناله بوق بود	۱۵۴۴ ، ۳۵
همه لشکر شاه دارند شرم	۱۳۷۶ ، ۳۵	همه گوش دارید آوازشان	۸۹۳ ، ۱۳۴
همه لشکر شاه نیر و گرفت	۲۰۲۵ ، ۴۳	همه گوش دارید پند مرا	۴۸۰ ، ۲۲
همه لشکر شاه و آن انجمن	۸۵۶ ، ۱۴	همه گوش دارید فرمان	۵ ، ۲۳
همه لشکرش بر گرفته	۸۴۷ ، ۱۳۴	همه گوش دارید گفتار اوی	۲۷۸۰ ، ۴۱
همه لشکرش دست بر بر	۱۱۴ ، ۳۹	همه گوش دارید گفتار من	۸۴۱ ، ۴۳
همه لشکرش را بهمن	۹۵۵ ، ۱۵	همه گوش دارید گفتار من	۶۰۴ ، ۴۴
همه لشکرش را بهم بر زدیم	۲۱۳۷ ، ۴۳	همه گوش دارید و فرمان	۱۳۴ ، ۱۸
همه لشکرش زار و گریان	۶۰۲ ، ۱۳g	همه گوش دارید و فرمان	۲۴۲۴ ، ۳۵
همه لشکرش گشت روشن	۱۹۰۷ ، ۱۳	همه گوش دارید و فرمان	۲۱ ، ۳۶
همه لشکرش یکسر آراسته	۵۸ ، ۴۴	همه گوش و دل سوی	۴۵۷۳ ، ۴۱
همه لشکر طوس با این	۱۱۶۳ ، ۱۳b	همه گوش یکسر بفرمان	۱۴ ، ۱۹
همه لشکر ما بکردار	۸۷۶ ، ۱۳۴	همه گوهر کوه و دریا	۱۹۹۴ ، ۳۵
همه لشکر ما بهم بردرید	۱۵۶ ، ۱۱	همه گوهر و تاج با جامه	۲۴۸۹ ، ۳۵
همه لشکر نوزار به شمریم	۱۷۷ ، ۸	همه گوهر و زعفران	۱۹۰ ، ۱۶
همه لشکر هند گشتند	۶۱۶ ، ۲۰	همه لشکر آید بز نهار	۶۳۰ ، ۱۳b
همه مانده بر پیش صندوق	۷۶۵ ، ۱۳g	همه لشکر از بهر آن ارج	۱۴۴۰ ، ۱۲c
همه مانده بودند ایرانیان	۲۲۰۶ ، ۱۳۴	همه لشکر از جای برخا-	۱۱۷۵ ، ۷
همه ماهروی و همه جمع	۴۶۱ ، ۳۵	همه لشکر از شهر بیرون	۱۳۳۷ ، ۲۰
همه مرترا پاک فرمان برند	۴۰۰۱ ، ۱۵	همه لشکر از گنج و دینار	۱۰۶ ، ۱۳۴
همه مردگان را کند بیش	۳۷۸۰ ، ۴۱	همه لشکر امروز یارتو	۶۷ ، ۴۶
همه مردم از خانه ها شد	۲۰۶۶ ، ۲۰	همه لشکر اندر میان آورید	۲۲۶۰ ، ۱۵
همه مردم از داد تو شادمان	۱۱۹۸ ، ۷	همه لشکر ترا توانگر	۱۲۱۲ ، ۱۳g
همه مردم از شهر بیرون	۳۲۱۳ ، ۴۳	همه لشکر ترک از اشکبوس	۱۶۱۹ ، ۱۳b
همه مردم خویش دارد	۱۰۹ ، ۴۳	همه لشکر ترک بر هم زدند	۱۵۶۳ ، ۳۵
همه مردم دژ خیر یافتند	۲۰۵۸ ، ۷	همه لشکر چین بهم بر شکست	۳۰۰۳ ، ۴۳
همه مردمش کور بودی	۱۷۵ ، ۲۰	همه لشکر دژ بر آه آمدند	۲۲۶۲ ، ۱۵
همه مردمی باید آیین تو	۱۶ ، ۴۶	همه لشکر روم بر هم درید	۲۱۲ ، ۱۷
همه مردمی باید و راستی	۳۷ ، ۴۱	همه لشکر روم گرد آمدند	۴۸۸ ، ۳۰
همه مردمی چستی و راستی	۲۲۵۷ ، ۱۲d	همه لشکر روم میان عرض	۲۲۲۵ ، ۴۳

همه موبدان پاسخ آراستند	۷۸۱ ، ۷	همه مردمی و همه راستی	۳۴۲۴ ، ۴۳
همه موبدان پیش تختش	۲۵۸۲ ، ۱۵	همه مردوزن بندگان تواند	۱۵۷۱ ، ۳۵
همه موبدان تاجهان شد	۶۶۶ ، ۵۰	همه مرده از روزگار	۱۶۴۷ ، ۱۵
همه موبدان را بکرسی	۹۵۹ ، ۱۵	همه مرزایران پراز دشمن	۲۰۷ ، ۱۰
همه موبدان را ز لشکر	۳ ، ۳	همه مرزبانان زرین کمر	۲۰۲۳ ، ۴۱
همه موبدان رای هشیار	۳۵ ، ۱۳۴	همه مرزبانان فراز آمدند	۳۱۳ ، ۴۲
همه موبدان زوتوانگر	۲۴۳۲ ، ۴۱	همه مرز نوران شکسته	۳۹۹ ، ۱۳g
همه موبدان سر فکنده	۸۳ ، ۴	همه مرز چین باخطا و ختن	۴۶۳ ، ۱۲e
همه موبدان سر فکنده	۹۰ ، ۵	همه مرز را زیر پا آوریم	۲۵۷ ، ۱۲
همه موبدان شاد گشتند	۳۳ ، ۳۰	همه مرز شده چو دریای	۱۵۹۶ ، ۳۵
همه موبدان مانده زودر	۳۲۲۵ ، ۴۳	همه مرز لشکر پراکنده	۱۱۱۰ ، ۱۲e
همه موبدان نزد شاه آمدند	۵۰ ، ۳۴	همه مرزها کرد بی تار و پود	۱۱۳۵ ، ۱۳
همه موبدان و دبیران	۳۱۶ ، ۴۲	همه مرز هیتال آهر مند	۱۹۱۶ ، ۴۱
همه موبدان و ردان را	۲۱۴۶ ، ۷	همه مرگ راییم بر ناو پیر	۳۸۱۵ ، ۱۵
همه موبدان و ردان را	۱۰۵۱ ، ۱۳c	همه مرگ راییم بر ناو پیر	۵۷ ، ۲۲
همه موبدان و ردان را	۱۸۸ ، ۱۵	همه مرگ راییم پیر و جوان	۱۲۲۲ ، ۱۲c
همه موبدان و ردان را	۴۹۵ ، ۴۱	همه مرگ راییم پیر و جوان	۱۱۲۵ ، ۱۳
همه موبدان و ردان را	۳۷۱۰ ، ۴۱	همه مرگ راییم تا زاده ایم	۱۸۲۵ ، ۲۰
همه مواش و رای چندان	۱۳۴۳ ، ۴۳	همه مرگ راییم شاه و سپاه	۴۳۵ ، ۱۹
همه موی اندام او هم چو	۷۱ ، ۷	همه مزده بردند نزد قباد	۱۷۵ ، ۴۰
همه موی سر سرخ و رویش	۱۸۱۹ ، ۷	همه مست بودند ایرانیان	۱۳۸۱ ، ۱۳
همه موی شاهانه از سر	۱۳۵ ، ۳۸	همه مست بودند و گشتند	۷۵۷ ، ۱۲c
همه مهتران آفرین خواند	۲۲ ، ۴۰	همه مشک با گل بر آمیختند	۴۶۱۳ ، ۱۵
همه مهتران آفرین خواند	۲۸۶۱ ، ۴۱	همه مشک و گوهر بر سر	۲۱۹۲ ، ۱۳g
همه مهتران با نثار آمدند	۲ ، ۲۸	همه مشک بر آتش افشاند	۹۱ ، ۳۵
همه مهتران پیش موبد	۳۳۵۰ ، ۴۳	همه مغز مردم خورد شیر	۲۴۰۷ ، ۱۵
همه مهتران پیشواز آمدند	۱۹۷ ، ۱۹	همه موبدان آفرین خواند	۱۰۷۳ ، ۷
همه مهتران جامه کردند	۴۸۵ ، ۱۳b	همه موبدان آفرین خواند	۳۷۳۱ ، ۴۱
همه مهتران خواندند	۱۱۷۶ ، ۶	همه موبدان بر گرفتند	۳۶۳۳ ، ۴۳
همه مهتران خواندند	۳۲۶۷ ، ۱۳g	همه موبدان بر گزیدند	۱۱۰۹ ، ۱۲d

همه میمنه شد چو دریای	۳۸۳ ، ۱۲e	همه مهتران خواندند	۶۷ ، ۱۸
همه میمنه گیوتاراج کرد	۸۱۱ ، ۱۳c	همه مهتران خواندند	۶۸ ، ۳۵
همه ناخنش پرزخوناب	۳۳۵۸ ، ۱۵	همه مهتران خواندند	۳۳۸۶ ، ۴۱
همه نارسیده بتان طراز	۲۹۱ ، ۱۲d	همه مهتران خواندند	۲۸۵۵ ، ۴۳
همه نام ایشان بدیوان من	۱۸۳ ، ۱۳f	همه مهتران خواندند	۳۵۲۹ ، ۴۳
همه نام پوشیده رویان من	۴۰۹ ، ۱۳e	همه مهتران خواندند	۳۶۵۱ ، ۴۳
همه نامجوی و همه تاجدار	۲۴۵۴ ، ۳۵	همه مهتران خود تن آسان	۲۴۳ ، ۴۴
همه نامجوی و همه کینه	۱۳۰۸ ، ۱۳f	همه مهتران دگر را ببند	۲۱۹ ، ۱۲b
همه نام جوید و نیکی کنید	۲۱ ، ۲۵	همه مهتران را بدانجا	۷۵ ، ۱۵
همه نامداران آن انجمن	۲۶۵۶ ، ۱۲d	همه مهتران را زایران	۴۲۷ ، ۲۲
همه نامداران آن مرزرا	۸۶۴ ، ۱۲c	همه مهتران را ز لشکر	۵۴۴ ، ۴۳
همه نامداران ایران زمین	۷۲ ، ۱۳c	همه مهتران را ز لشکر	۸۱۲ ، ۵۰
همه نامداران ایران سپاه	۲۵۱۵ ، ۱۳f	همه مهتران روی بر گاه	۳۴۸۴ ، ۴۳
همه نامداران ایران سپاه	۳۱۳۳ ، ۱۳g	همه مهتران زارو گریان	۲۹۶۷ ، ۱۳g
همه نامداران ایرانیان	۲ ، ۲۵	همه مهتران زارو گریان	۲۴۸ ، ۱۹
همه نامداران بر این هم	۱۲۴۲ ، ۱۳b	همه مهتران سر بر افرا	۱۰۴۸ ، ۲۰
همه نامداران بر این هم	۴۲۲ ، ۳۴	همه مهتران که تر اوشد	۶۹۳ ، ۱۲b
همه نامداران بر رفتند	۲۲۲۲ ، ۱۵	همه مهتران نزد شاه	۵۳۴ ، ۳۰
همه نامداران بهرامیان	۲۰۴۸ ، ۴۳	همه مهتران يك بيك با	۱۵۶۴ ، ۱۲e
همه نامداران پاسخ گذار	۷۱۵ ، ۱۳g	همه مهد زرین بدیبای	۱۲۰۶ ، ۶
همه نامداران پر خاشجوی	۱۰۴۸ ، ۶	همه مهر اوسوی ایران	۱۵۱۲ ، ۷
همه نامداران پر خاشجوی	۳۰۶ ، ۱۳b	همه مهر باجان برابر	۳۱۰۲ ، ۴۱
همه نامداران پر خاشجوی	۵۷۹ ، ۱۳f	همه مهر بانی بدان کن	۱۳۹۲ ، ۱۲c
همه نامداران پر خاشجوی	۱۶۳۲ ، ۱۳f	همه مهر پروردگارست	۲۵۴۵ ، ۱۳f
همه نامداران پر خاشخر	۹۳۶ ، ۱۳f	همه مهر پیران به ترکان	۲۶۹ ، ۱۳f
همه نامداران ترا بنده	۱۹۵۰ ، ۴۱	همه مهر پیران فراموش	۳۷۹ ، ۱۳g
همه نامداران چو گفتار	۱۸۹۸ ، ۳۵	همه مهر جوید و افسون	۱۱۷۲ ، ۶
همه نامداران روی زمین	۲۸ ، ۷	همه مهره پشت او هم چو	۶۸۷ ، ۱۳g
همه نامداران زرینه کفش	۲۶۹۸ ، ۱۳g	همه میگساران پیش	۸۱۸ ، ۱۳e
همه نامداران شدند انجمن	۲ ، ۱۱	همه میمنه پاك بر هم درید	۶۵۱ ، ۱۳c

همه نامداران شدند انجمن	۱۱۲ ، ۱۲d	همه نیکنامی بد و راستی	۱۲۵۱ ، ۶
همه نامداران شمشیرزن	۴۸۵ ، ۱۲b	همه نیک و بد زیر فرمان	۱۱۸۸ ، ۶
همه نامداران فروماندند	۸۵ ، ۱۹	همه نیکویی بادتان پایگاه	۱۱۷۵ ، ۶
همه نامداران فروماندند	۲۲۵ ، ۳۴	همه نیکویی باد کردار	۷ ، ۱۷
همه نامداران فروماندند	۱۹۴۸ ، ۴۱	همه نیکویی پیشه کن گر	۱۵ ، ۴۶
همه نامداران کشورش را	۹۶ ، ۸	همه نیکویی در جهان بهر	۲۴۰ ، ۱۲d
همه نامداران لشکرپگاه	۱۰۹۴ ، ۱۳f	همه نیکویی ماند و مردمی	۱۹۹۷ ، ۲۰
همه نامداران ماچین و	۲۱۶ ، ۱۳g	همه نیکوییها بیابیم ازو	۶۳۶ ، ۳۴
همه نامداران نشستند	۲۱۵۴ ، ۴۱	همه نیکوییها ز یزدان	۹۶۸ ، ۴۲
همه نامداران و خاقان	۳۷۹ ، ۱۳c	همه نیکوییها ز یزدان	۱۶۶۲ ، ۳۵
همه نامداران و گردان	۱۸۳۲ ، ۱۳	همه نیکوییها ز یزدان	۹۱۴ ، ۲۰
همه نامداران و گردان	۲۹۲۹ ، ۴۱	همه نیکوییها ز یزدان	۵۱۳ ، ۴۳
همه نامداران هر کشوری	۲۰۷۳ ، ۱۳g	همه نیکوییها نهادی	۲۶۱۵ ، ۱۵
همه نام من باز گردد به	۳۴۲۳ ، ۱۵	همه نیکوییهای گیتی ز	۱۲۷ ، ۱۲d
همه نامه کردند زی شهر	۸۶۱ ، ۱۵	همه نیکیت باید آغاز کرد	۱۲۶ ، E۵
همه نامه های تو بر خواندیم	۱۷۴۹ ، ۴۳	همه ویژه با گوهر و سیم	۲۴۵۶ ، ۳۵
همه نره دیوان و افسون	۳۴ ، ۳	همه ویژه گردان و آزاد	۲۴۰۴ ، ۴۱
همه نقره خام بد میخ و	۳۷۴۲ ، ۴۳	همه ویژه گفتند کایدون	۱۸۶۰ ، ۴۳
همه نیروی خویش چون	۲۸۳ ، ۱۲	همه هدیه ها پیش شاه آورید	۱۲۱۱ ، ۱۲e
همه نیزه آهنین داشتی	۳۰۹ ، ۱۳g	همه هدیه ها را فرستاد نیز	۱۰۲۹ ، ۱۲b
همه نیزه بردست و باره	۲۸۳ ، ۱۵	همه هدیه ها ساختند و تار	۴۹۵ ، ۱۲e
همه نیزه داران زدوده سنان	۱۱۸۶ ، ۱۳e	همه هدیه و ساو و بازی که	۳۴۵۲ ، ۴۳
همه نیزه داران و شمشیر	۲۸۲ ، ۱۵	همه هر چه از ما پراکندنی	۴۳۶ ، ۵۰
همه نیزه و تیرشان رهنمون	۹۲۱ ، ۱۳e	همه هر چه باید بدو در	۱۴۳۳ ، ۲۰
همه نیزه و تیغ بار آورد	۵۹۰ ، ۱۲	همه هر چه بد لشکر ترک	۵۴۱ ، ۸
همه نیزه ها شان سر آورده	۷۸۲ ، ۱۲d	همه هر چه بود از بزرگان	۲۹۳ ، ۱۴
همه نیستان آتش اندر	۲۱۰۸ ، ۴۳	همه هر چه بودند اسپان	۲۰۷ ، ۱۲c
همه نیک بادا سرانجام تو	۹۲۴ ، ۱۴	همه هر چه در چین و را	۲۸۴۰ ، ۴۳
همه نیک خواه و همه بی	۱۰۸۸ ، ۱۲d	همه هر چه دید آشکارو	۵۸۲ ، ۱۳g
همه نیکنامند تا جاودان	۸۸۷ ، ۶	همه هر چه دید اندر و چارپا	۱۵۹ ، ۵

همه هر چه شاه از فریبز	۱۷۱۴ ، ۱۳۴	همه یال پیل از کران تا	۱۵۷۸ ، ۱۳c
همه هر چه گفتم ترا گوش	۱۵۷ ، ۳۹	همه یک بدیگر بر آمیختند	۱۹۵ ، ۱۵
همه هر چه گفتم کنون یاد	۲۹۸۰ ، ۱۵	همه یک بدیگر در آویختند	۳۸۰ ، ۱۳b
همه هر چه گفتمی سزای	۶۵۲ ، ۱۲c	همه یک بدیگر فراز آوریم	۱۱۸۳ ، ۱۳۴
همه هر چه گفتمی همان بود	۱۱۹۳ ، ۱۳b	همه یک بدیگر نهادند رو	۸ ، ۱۳c
همه هر کسی یاد کرد آنچه	۲۳۵ ، ۱۳g	همه یک بیک پیش تو بنده	۱۰۵ ، ۱۳b
همه هر که آید درین مرز	۴۵۸ ، ۲۲	همه یک بیک پیش تختش	۱۸۹۱ ، ۴۱
همه هر که بینی تواندر	۱۴۸ ، ۳۴	همه یک بیک خواندند	۸۰۷ ، ۱۲c
همه هر یک از گنج گشته	۱۳۸ ، ۱۱	همه یک بیک دل پر از کین	۵۶۴ ، ۱۲e
همه همچنان شاد و خرم	۳۷۷۷ ، ۴۱	همه یک بیک شاه را بنده	۱۷۲۴ ، ۴۲
همه هم زبان آفرین خواند	۱۹۳۹ ، ۴۳	همه یک بیک مر ترا بنده ایم	۶۱۶ ، ۸
همه همکنان خاک دادند	۱۰۲ ، ۱۳b	همه یکدگر را بکشتن	۳۶۶ ، ۴۴
همه همکنان رزم ساز آمد	۱۶۰۸ ، ۱۳b	همه یکدلانند و یزدان	۲۲۷۵ ، ۳۵
همه هندوان را توانگر	۶۶۳ ، ۲۰	همه یک زبان آفرین خواند	۱۲۲۸ ، ۴۳
همه هوشمندان اسکندری	۴۳۵۷ ، ۴۱	همه یک زدیگر دلاور	۹۰۴ ، ۱۳
همه یاددارید پیرو جوان	۶ ، ۱۶	همه یکسر آباد از سیم	۴۳۸۰ ، ۴۱
همه یاد دارید گفتار من	۴۸۴ ، ۲۲	همه یکسر از بیم بیجان	۲۴ ، ۳۴
همه یادشان رزم کاموس	۲۴ ، ۱۳d	همه یکسر از جای برخاستند	۸۳۱ ، ۱۲b
همه یاد کرد آن کجارفته	۱۳۱ ، ۲۱	همه یکسر از جای برخاستند	۷۶۶ ، ۱۵
همه یاد کرد این بنامه	۱۸۰۵ ، ۴۲	همه یکسر از جای برخاستند	۵۴ ، ۴۱
همه یاد کرد این بنامه	۱۶۱۵ ، ۴۳	همه یکسر از جای برخاستند	۴۰۹۷ ، ۴۳
همه یاد کردند رزم فرود	۲۳ ، ۱۳b	همه یکسر از جای برخاستند	۶۱۰ ، ۴۴
همه یار پیروز خسرو بدند	۸۵ ، ۴۵	همه یکسر از جای برخاستیم	۱۸۵ ، ۴۲
همه یار شاهند تنها منم	۱۴۴۸ ، ۱۲d	همه یکسر از خانه باز آوری	۴۳۶ ، ۳۰
همه یاره و طوق کند آوران	۲۹۵۴ ، ۱۳g	همه یکسر اندر پناه منند	۳۳۶ ، ۴۳
همه یافتی جنگ خیره مجو	۱۰۲۲ ، ۱۲d	همه یکسر اندر پناه منود	۲۳۹ ، ۱۹
همه یال اسپ از کران تا	۱۰۹ ، ۱۲d	همه یکسر باز گشتند	۴۶۳ ، ۱۳۴
همه یال اسپان پرازمشک	۱۹۱ ، ۶	همه یکسر پشت پشت	۱۶۱۹ ، ۱۳
همه یال اسپان پرازمشک	۱۲۹۱ ، ۱۲e	همه یکسر پیش خسرو شوید	۲۸۰۱ ، ۴۳
همه یال اسپان پرازمشک	۲۳۲۶ ، ۴۱	همه یکسر بهوش شاه آمدند	۱۱۲ ، ۱۲

همی آفرین کرد بر شهر	۱۳۱۶ . ۱۳e	همه یکسره تیغ کین	۱۰۴۴ . ۱۲
همی آفرین کرد فرزند	۶۵۹ . ۱۴	همه یکسره خواندند	۲۰۹۷ . ۱۳f
همی آفرین کرد کاوس	۲۱۹۸ . ۱۳g	همه یکسره خواندند	۱۲۷۲ . ۲۰
همی آگهی جست از آن	۸۶۰ . ۱۳f	همه یکسره در پناه منید	۲۵۰۰ . ۱۳f
همی آمد آن ازدهای	۲۴۸۱ . ۴۳	همه یکسره دل بدین در	۸۹۱ . ۴۲
همی آمد آواز کوپال و	۶۹۱ . ۱۳b	همه یکسره دل پر از کین	۱۶۲۰ . ۱۳b
همی آمد از چرخ بانگ	۵۹۷ . ۱۴	همه یکسره نیز جنگ	۱۸۶ . ۱۳c
همی آمد از دشت آوای	۶۹۴ . ۱۳b	همه یکسره کدخدای ده	۳۹۸ . ۳۵
همی آمد از دشت نخچیر	۱۰۸۷ . ۳۵	همه یکسره گرزها بر کشیم	۲۰۶ . ۱۳b
همی آمد از راه پور جوان	۱۱۷۹ . ۱۳	همی آب بردم بدین مرز	۵۳۲ . ۳۵
همی آن بدین این بدان	۱۰۴۶ . ۱۲c	همی آب داده بزهر اندر	۵۴۸ . ۱۴
همی آن بدین این بدان	۶۷۲ . ۱۲c	همی آب گشت آهن و کوه	۷۵۱ . ۱۳g
همی آن کنم کار کزمن	۴۳۱ . ۴۱	همی آب گیرد چو گیرد	۴۹۵ . ۲۰
همی آید از آب آوای	۵۳۵ . ۳۵	همی آب ماهی بر اورینختی	۱۷۲ . ۲۰
همی ابر بکداخت اندر	۳۹۷ . ۱۲b ^e	همی آتش افر وخت از نمل	۱۴۲ . ۳۴
همی از بی آن بدین تنگ	۱۶۵ . ۴۴	همی آتش افروزد از کام	۱۷۶۴ . ۱۵
همی از بی دوده هر کس	۳۲۹ . ۱۳c	همی آتش افروزد از کام	۱۲۷۶ . ۲۰
همی از توجویند شاهان	۱۴۲۷ . ۱۲d	همی آتش افروزد از گوهر	۷۳۰ . ۱۰
همی از جهان جایگاهی	۲۲۵۱ . ۱۳g	همی آرزو کرد بامن نبرد	۵۳۴ . ۱۳g
همی از درت باز گردد	۱۰۵۴ . ۲۰	همی آرزو گاه و شهر آمد	۱۵۰۶ . ۱۲c
همی از شتابش به آمد	۲۱۸۹ . ۱۲d	همی آرزو نکرد دسال	۱۳ . ۱۲d
همی از شما این شکفت	۵۳۵ . ۱۳g	همی آزمودش بیک چند	۴۳۴۰ . ۱۵
همی از شهنشاہ ترسانیم	۱۳۰۲ . ۴۲	همی آزمودند هر گونه	۱۹۷۴ . ۱۳f
همی از لب شیر بویدهنوز	۷۳۲ . ۱۲d	همی آشتی را کند پایگاه	۳۸۳ . ۱۳e
همی ازدها خوانم آنرا	۳۶۶ . ۱۴	همی آفرین خواند بر کرد-	۱۹ . ۶
همی ازدها دام آهن کند	۵۱۲ . ۱۴	همی آفرین خواند بر کرد-	۴۱۱ . ۱۴
همی اسپ وزین خواهم و	۱۹۰۵ . ۷	همی آفرین خواند بر یک	۱۸۸۹ . ۱۵
همی استخوان تنش بکساید	۱۵۱۶ . ۱۳c	همی آفرین خواند سرکش	۳۷۸۳ . ۴۳
همی اشک بازید بر کوه	۲۳۵۸ . ۱۲d	همی آفرین خواند منذر	۲۱۴ . ۳۴
همی این از آن بستدی آن	۸۴ . ۴۶	همی آفرین خواند هر کس	۲۰۳۰ . ۳۳

همی باش در پیش او در بی پای	۳۵۶۰ ، ۱۵	همی این بدان آن بدین	۲۸۰۷ ، ۴۱
همی باش در پیش پرده سرای	۱۲۰۱ ، ۱۲c	همی این بدان آن بدین	۲۹۲۸ ، ۱۳g
همی باش در کوه و در	۷۹۸ ، ۱۲e	همی این بدان آن بدین	۱۸۶۵ ، ۴۱
همی باش نزدیک یاران	۱۴۹۱ ، ۴۲	همی این بدان آن بدین	۲۹۴ ، ۱۲d
همی باش و دل را ممکن هیچ	۳۵۳ ، ۸	همی این بدان گفت و هم	۳۲۱۲ ، ۴۱
همی بچه را باز داندستور	۱۰۹۰ ، ۱۲c	همی این بر آن برزوی آن	۳۰۲۱ ، ۴۱
همی بد گمانی تو ای به او ان	۳۰۵۵ ، ۱۵	همی باستین خون مژگان	۹۷۱ ، ۱۳e
همی برتری را بیماراستی	۲۸۲ ، ۱۲	همی باسماں اندر آمد	۳۰ ، ۳۸
همی بر جهانند یلان سینه	۱۷۱۹ ، ۴۲	همی باسماں بر فرازید	۶۹۳ ، ۱۳f
همی بر خروشید چون پیل	۱۶۶۵ ، ۱۳b	همی باسماں شد پیر	۲۶۶۱ ، ۱۵
همی بر خروشید خواهر	۲۸۱۹ ، ۴۳	همی باسماں شد که گردان	۲۷۸۴ ، ۴۳
همی بر خروشید و فریاد	۲۵۸ ، ۵	همی باد تا جاودان شاد	۲۰۳۱ ، ۲۰
همی برد باخویشتن شصت	۵۸۸ ، ۲۰	همی باد شرم آمد از رنگ	۳ ، ۴۲
همی برد بدخواه را بسته	۴۶۴۲ ، ۱۵	همی باد مشک آید از	۵۷۸ ، ۵۰
همی برد بر هر سویی	۳۰۴۰ ، ۴۳	همی باده خوردند تا نیم	۷۵۵ ، ۱۲c
همی برد خواهد بگردش	۱۵۳۴ ، ۱۲c	همی بار کردند و چیزی	۲۴۲ ، ۳۵
همی برد دانه‌ی رومی رسن	۳۹۰۹ ، ۴۳	همی باز جستند بازی نرد	۲۸۵۰ ، ۴۱
همی بردل آن یاد باید	۱۲۹۶ ، ۴۳	همی باز جستند راز سپهر	۳۶۲ ، ۱۳g
همی برد هر سو بزانش	۶۸ ، ۲۳	همی باز دانست بهرام را	۱۷۲۸ ، ۱۳
همی برد هر کس سوی	۱۰۹ ، ۲۹	همی باز بردند نزدیک شاه	۳۹۶۰ ، ۴۳
همی برد هر کس که بد	۱۰۲۴ ، ۴۳	همی باز جستی ز هر	۳۴ ، ۴۰
همی برد یکسال از آن	۶۳ ، ۲۳	همی باز خواهد زهر مرز	۹۴۸ ، ۳۵
همی بر زمین زد چنان	۲۰۴۲ ، ۳۵	همی باز خواهد زهر مهتری	۱۶ ، ۱۳g
همی برزنند این بر آن	۴۱۱۸ ، ۱۵	همی باز خواهد ز هند	۱۹۸۹ ، ۴۱
همی بر سرانشان فرود	۳۰۴۳ ، ۴۳	همی باز از ایرانیان چشم	۱۵۲۷ ، ۳۵
همی بر سر نیزه پیش سپاه	۱۴ ، ۳۸	همی باز یابم ز روم و ز هند	۴۴۱ ، ۲۲
همی بر سر و چشم او داد	۱۹۰۹ ، ۷	همی باش با کویانی درفتی	۳۰۳۵ ، ۱۳g
همی بر شد آتش فرود آمد	۵۴ ، E	همی باش پیشش پرستار	۲۷۳۱ ، ۱۲d
همی بر شد آوازشان نادو	۵۰۶ ، ۴۱	همی باش تا کودکان نازه	۱۲۵ ، ۲۲
همی بر وزودی بر آن چند	۳۷۱۳ ، ۴۳	همی باش تا من بجنبم	۴۰۱۹ ، ۴۳
همی بر فرونی بهنداختند	۹۱۴ ، ۱۳e		

همی بود بارج در گنج	۳۵۴۷ ، ۴۱	همی برفشانم بخیر روان	۷۱۷ ، ۱۲e
همی بود با او شب و روز شاد	۱۵۶۸ ، ۱۲d	همی بر کدامین ره آید	۱۰۶ ، ۱۳b
همی بود با رامش و می	۹۷۳ ، ۱۴c	همی بر کشد تا بخورشید	۱۴۴۶ ، ۱۳f
همی بود با سوک مادر دژم	۱۴۸ ، ۱۲d	همی بر کشند این از آن	۲۲۷ ، ۲۰
همی بود با شرم چندی قباد	۳۵۵ ، ۴۰	همی بر کشید آب چندی	۲۱۷ ، ۲۲
همی بود با گرز و پیلان	۱۲۳ ، ۱۳b	همی بر کشیدی ز دریا	۳۸۲۷ ، ۱۵
همی بود با نیزه در قلبگاه	۵۲۰ ، ۵۰	همی بر گراید سپاه ترا	۱۲۹ ، ۱۹
همی بود بر پای پردرد و	۱۳۱۱ ، ۱۵	همی بر گرفتند از ایشان	۳۶۸۲ ، ۴۳
همی بود بر پیش او بر پای	۱۹۱۰ ، ۱۳g	همی بر نوشتند روی زمین	۲۰۰۹ ، ۱۳f
همی بود بر پیش یزدان	۱۰۳۴ ، ۴۲	همی بر نوشتی تو بازار	۹۹۰ ، ۱۳e
همی بود بر پیل در پهن	۳۶۶ ، ۱۳	همی بزم و بازی کنم تادو	۱۲۸۶ ، ۳۵
همی بود بر تخت بر چار	۱۲ ، ۴۸	همی بست با گرز رهام	۱۰۴۵ ، ۱۲c
همی بود بر تخت قیصر دو	۶۶۷ ، ۲۰	همی بست باید سلیح و کمر	۵۵ ، ۱۲c
همی بود بر جای شمر نگ	۸۰۹ ، ۱۲e	همی بستند از ماه و خورشید	۳۲۴ ، ۱۳f
همی بود بر جای گودرز	۱۶۰۱ ، ۱۳	همی بستراز خاک جوید	۱۳ ، ۳۴
همی بود بندوی بسته چو	۹۴۹ ، ۴۳	همی بستر دمرگ ویرانها	۱۲۷۷ ، ۳۵
همی بود بوس و کنار و نبید	۷۱۶ ، ۷	همی بشکند عهد بهرام	۶۲ ، ۳۸
همی بود بهرام تا کشت	۸۹۴ ، ۳۵	همی بگذرد بر تو ایام تو	۴ ، ۱۳c
همی بود بهرام تا گورنر	۹۰۲ ، ۳۵	همی بگذرد بر تو ایام تو	۱۰ ، ۱۳d
همی بود بهمن بزا بلستان	۴۲۷۹ ، ۱۵	همی بگذرد چرخ و یزدان	۲۶۳۰ ، ۳۵
همی بود پیچان دل از	۴۴۶ ، ۷	همی بکشد ز آرزو جان	۱۳۱۶ ، ۱۵
همی بود پیروز و شادان سه	۱۸۵۹ ، ۱۳g	همی بنگرید این بدان	۲۹ ، ۵
همی بود پیشش پرستارش	۲۵۸۰ ، ۱۵	همی بنگرید این بدان	۲۴۵۷ ، ۱۲d
همی بود پیشش زمانی	۱۵۱۰ ، ۴۳	همی بود آن شب بر ماه	۱۴۶ ، ۱۲c
همی بود تا آن سپه شارسان	۷۱۹ ، ۴۲	همی بود از ایشان دلش	۷۲ ، ۴۲
همی بود تا بر شهر یوری	۱۳۰۰ ، ۳۵	همی بود از این گونه تا *	۱۶۷۰ ، ۱۳
همی بود تا او میان را بست	۱۲۶۴ ، ۴۲	همی بود از اینگونه تا *	۱۹۵۳ ، ۴۱

(*) ستاره در سطر اول بجای « تیره گشت » و در دوم بجای « ماه نو »

آمده است .

همی بود خواهش چو آمد	۳۸۰ ، ۱۳g	همی بود تا بر چه گردد	۹۱۲ ، ۱۳g
همی بود در بلخ چندی	۱۴۱۲ ، ۴۲	همی بود تا پیش او رفت	۸۲۰ ، ۱۲e
همی بود در پیش او يك	۱۶۰۸ ، ۱۲d	همی بود تا تازه شد جشنگاه	۲۳۳۸ ، ۳۵
همی بود در پیش تختش	۳۷۵ ، ۱۳e	همی بود تا تیره تر گشت	۱۳۲ ، ۱۹
همی بود در گنگ دز	۲۰۵۴ ، ۱۳g	همی بود تا جای پردخت	۲۷۵۴ ، ۱۲d
همی بود رستم بایوان	۳۱۲۰ ، ۱۵	همی بود تا چو نش بیند	۱۳۴۱ ، ۴۲
همی بود رستم بدان جاز دور	۸۰۸ ، ۱۲c	همی بود تا خسرو آنجا	۳۵۸۱ ، ۴۳
همی بود سی سال پیش	۲۳ ، ۱۵	همی بود تا خورشید اندر	۸۳۵ ، ۴۳
همی بود شاپور با باژوسا	۵۹ ، ۲۳	همی بود تا خویشتن را	۹۳۵ ، ۵۰
همی بود شاپور با داد	۷۸ ، ۲۳	همی بود تا رود بگذاشتند	۲۳۱۴ ، ۴۱
همی بود شاپور تا کشته	۳۳۴ ، ۸	همی بود تا روز بهرام بود	۲۷۳۳ ، ۴۳
همی بود شادان دل و تن	۳۵۱۷ ، ۴۱	همی بود تا روز تاريك	۱۵۳ ، ۲۱
همی بودش از روز آرام بهر	۲۴ ، ۴۹	همی بود تا زرد گشت	۱۲۵ ، ۳۵
همی بودش از گنج و از رنج	۴۶۹۳ ، ۱۵	همی بود تا سنگ نزدیک	۲۸۸۲ ، ۱۵
همی بودش اندر بخارا	۱۹۱ ، ۱۳g	همی بود تا شب بر آمد	۲۰۴ ، ۲۱
همی بود قیصر بزنندان و	۵۶۸ ، ۳۰	همی بود تا شب نمودار	۶۴۴ ، ۱۳b
همی بود گرسیوز بد نشان	۲۵۰۵ ، ۱۲d	همی بود تا شمع رخشان	۲۵۳۵ ، ۴۳
همی بود گریان و رخ بر	۲۶۹۰ ، ۱۳g	همی بود تا شمع گردان	۱۴۵۳ ، ۴۳
همی بود گسته هم بردست	۱۸۷۱ ، ۴۳	همی بود تا کار او گشت	۲۵۵۷ ، ۴۳
همی بود گشت اسب دل درد-	۲۰۵ ، ۱۴	همی بود تا گشت خورشید	۱۴۳۵ ، ۲۰
همی بود می یار هر کس	۳۱۳ ، ۱۹	همی بود تا گشت گردون	۱۱۲۴ ، ۳۵
همی بود نالان ز درد شکم	۶۱۵ ، ۳۵	همی بود تا لشکر رزم ساز	۷۷۳ ، ۴۳
همی بود همراه شان چار	۲۰۷۳ ، ۱۵	همی بود تا نامود شهر یار	۶۰۵ ، ۱۲b
همی بود همواره با من	۲۲۸۸ ، ۴۳	همی بود ترسان ز آزار	۳۶۷۸ ، ۴۱
همی بود یکچند با رود	۶۸۵ ، ۱۲d	همی بود جشنی نه بر آرزوی	۱۸۴ ، ۳۹
همی بود یکچند با گفت و	۱۹۷۳ ، ۴۱	همی بود چندی بفار اندر	۱۳۹ ، ۱۷
همی بود یکچند با مهتران	۶۶۸ ، ۳۵	همی بود چندی خرید و	۲۱۶۸ ، ۱۵
همی بود یکچند چوپان	۱۶۸ ، ۱۶	همی بود چندی خرید و	۱۱۴۴ ، ۳۵
همی بود یکدل پراز کین	۲۱۱۴ ، ۱۲d	همی بود خراد بر زین سه	۲۶۹۴ ، ۴۳
همی بود یکسال با داد و پند	۱۳ ، ۳۸	همی بود خسرو بر آن مرغ	۴۱۹۷ ، ۴۳

همی پور را زال زرخواند	۲۱۷۰	۷	همی بود يك سال بهشت	۲۱۵۰۰	۱۳g
همی بوزش آرد بدین بد	۵۱۷۰	۱۳g	همی بود يك ماه بادرد و	۱۵۰۰	۱۲d
همی پوست از باد بر من	۸۰۹۰	۷	همی بود يكماه مهمان او	۱۷۳۹۰	۱۲d
همی پوست کنده این از آن	۹۰۱	۳۵	همی بود يك هفته بامی	۱۹۷۰	۱۲b
همی پوستین بود پوشیدن	۲۶۶۲۰	۴۳	همی بوی تاج آید از مغرم	۴۰۳۰	۴۳
همی پهلو ان بودم اندر	۳۲۴۲۰	۱۵	همی بوی مهر آمد از باد	۲۶۲۰	۷
همی پیش بودند تا باد بوی	۳۵۶۸۰	۴۳	همی بوی مهر آید از روی	۷۲۴۰	۱۲e
همی پیشرو غرقه گشت	۲۰۲۱۰	۱۵	همی بی تن و تاب و بی توش	۱۳۵۸۰	۱۲c
همی پیش یزدان بیاشم	۱۲۷۹۰	۱۳g	همه بی گناهیم و این کار	۶۷۲۰	۳۴
همی پیلتن را نخواهی	۱۰۰۰۳۰	۱۲c	همی بی من آیین و رای	۱۳۷۳۰	۱۲e
همی پیل را در کشیدی	۳۲۱۸۰	۱۵	همی بی نیازی و نیک	۱۱۸۷۰	۱۳c
همی پیل مرزندگان را چو	۱۳۶۶۰	۱۳g	همی بینم از دورشان سر	۲۱۲۰۰	۱۳f
همی تا بایران رسیدم زروم	۵۶۴۰	۲۰	همی بینم اندر جهان تاج و	۶۵۱۰	۱۲b
همی تا بتو تاج نسپرد و	۴۲۶۸۰	۱۵	همی بینم این دشت آراسته	۲۱۱۰	۱۳e
همی تا بدین اندرون بود	۹۳۸۰	۱۵	همی بینی این پاک جان	۴۰۲۹۰	۱۵
همی تا بگردد فلک چرخ	۷۷۰	۱۳g	همی پادشاهی بیازی کنی	۱۹۳۰	۳۹
همی تا توانی بنیکی گرا	۱۷۰۵۰	۱۳b	همی پادشاهی تو ویران	۳۱۱۰۰	۴۱
همی تاج شاهی بما بر	۴۰۳۰	۳۰	همی پادشاهی و گنج و سپاه	۳۰۶۷۰	۴۱
همی تاج و تخت از تو گیرد	۱۳۱۵۰	۱۳b	همی پاسبان بر خروشید	۲۳۲۴۰	۱۵
همی تاخت اسپ اندر آن	۸۳۰	۱۳d	همی پر بشکافت بر تیز	۲۱۱۰	۳۴
همی تاخت اسپ اندر این	۱۱۴۸۰	۶	همی پرستی از ناسزایان	۴۰۳۸۰	۴۱
همی تاخت اندر بیابان و	۱۰۷۵۰	۴۳	همی پروراندت باشهدو	۲۲۲۰	۴
همی تاخت اندر پی شاه شام	۴۲۰۰	۱۲b	همی پروراندش اندر	۲۸۱۷۰	۱۲d
همی تاخت اندر فرازو	۱۵۴۰	۱۱	همی پروراندشان سال	۶۲۵۰	۱۲b
همی تاخت بر غرم و آهو	۳۵۷۱۰	۴۱	همی پرورد پیر و برنا	۲۶۰۴۰	۱۳g
همی تاخت بر گردش	۳۷۵۱۰	۱۵	همی پروریدش ببرد دنیا	۷۲۰	۲۰۱
همی تاخت بهرام خشتی	۱۱۰۰۰	۴۲	همی پروریدش بنار و برنج	۱۴۲۰	۴
همی تاخت بیژن پس	۲۲۹۰۰	۱۳f	همی پزمراند رخ ارغوان	۴۴۵۰	۶
همی تاخت پیش اندرون	۱۱۴۰	۲۱	همی پند گفتند با کینه	۶۶۷۰	۵۰
همی تاخت پیش کهندژ	۱۰۵۰	۳۹	همی پند گودرز و فرمان	۲۴۳۹۰	۱۳f

همی تاختندی چپ و دست	۶۱۵ ، ۱۴	همی تاخت تا آذر آبادگان	۱۷۷۰ ، ۴۳
همی تاخت و آن باره را	۶۸۹ ، ۱۵	همی تاخت تا پیشه نارون	۳۱۲۵ ، ۴۳
همی تاخت همچون شب	۵۳۰ ، ۵۰	همی تاخت تا پیش آب فرات	۱۰۴۴ ، ۴۳
همی تاختی تا دماوند کوه	۵۳ ، ۵	همی تاخت تا پیش خاقان	۲۴۳۵ ، ۴۳
همی تاخت یکسان چوروز	۱۷۱ ، ۱۱	همی تاخت تا پیش دریا	۲۱۷۴ ، ۳۵
همی تاخت پوزش کنان	۱۴۰۵ ، ۴۲	همی تاخت تا پیش ریگ	۸۹۱ ، ۵۰
همی تاخت تا آذر آبادگان	۹۲ ، ۵۰	همی تاخت تا پیش قیصر	۱۴۴۳ ، ۴۳
همی تاخت از تخت شاهنشهی	۱۳ ، ۱	همی تاخت تا پیش کابل	۶۷ ، ۱۴
همی تاخت از فر شاهنشهی	۱۳۲۴ ، ۱۳e	همی تاخت تا قلب توران	۳۶۲ ، ۱۲e
همی تاخت چون مه میان	۸۵۲ ، ۶	همی تاخت تا مرز توران	۶۸۰ ، ۱۲e
همی تاختی بر جهان یکسر	۱۵۶ ، ۱۵	همی تاخت تیز از پس او	۷۲ ، ۱۴
همی تاخت تو خواست	۴۸۴ ، ۱۲b	همی تاخت چون باد افرات	۱۰۱۵ ، ۱۲b
همی تاخت زرین کمینگه	۲۲۹ ، ۱۲b	همی تاخت چون باد تا	۹۰ ، ۳۵
همی تاخت شاهی پسند آمدت	۱۱ ، ۱۷	همی تاخت چون باد گرگین	۸۵۳ ، ۱۲b
همی ترس از کین گزاینده	۱۱۸۵ ، ۴۲	همی تاخت چون کودکی	۳۲۶۶ ، ۴۳
همی تشنگان را بخواند	۲۳۱ ، ۲۰	همی تاخت چون گرد با	۱۲۱۵ ، ۱۳
همی تنگ شد دو کدان	۴۹۴ ، ۲۱	همی تاخت خسرو پیش	۱۰۳۲ ، ۴۳
همی تیر بارید همچون	۱۹۶۴ ، ۱۳f	همی تاخت رستم پس او	۶۷۴ ، ۱۳c
همی تیر بارید همچون	۲۱۳۶ ، ۳۵	همی تاخت سهراب چون	۱۳۲۲ ، ۱۲c
همی تیر بارید همچون	۶۴۸ ، ۴۳	همی تاخت شاپور تا پیش	۲۰۲ ، ۲۲
همی تیر بکشای بر مرد	۸۱۶ ، ۱۳	همی تاختش تا بدیشان	۷۴۳ ، ۱۵
همی تیر پیکان بر او بر نشاند	۳۹۴۹ ، ۱۵	همی تاختش تا بر او رسید	۶۹۷ ، ۱۵
همی تیر تا پر در خون	۷۹ ، ۴۶	همی تاخت کز روز بد	۳۸۸ ، ۸
همی تیره بهنم دل و هوش	۶۰۰ ، ۵۰	همی تاخت گرد اندرون	۳۱۸۹ ، ۴۳
همی تیره شد روی اختر	۴۵۵ ، ۱۲b	همی تاخت گلگون باوای	۹۶۱ ، ۳۵
همی نیز بکشود هیشوی	۵۳۰ ، ۱۴	همی تاختند از پس اردشیر	۲۳۶ ، ۲۱
همی تیغ سهراب را بر کشید	۱۶۵۸ ، ۱۲c	همی تاختند از پس او	۳۱۱ ، ۳۵
همی جان سپارد باوردگاه	۱۳۱۷ ، ۱۵	همی تاختند اندر آن	۲۶۷ ، ۵۰
همی جانش از رفتن من	۱۳۶۹ ، ۱۲c	همی تاختندش پیاده کشان	۲۴۹۶ ، ۱۲d
همی جان من در نکوهش	۳۴۴۳ ، ۱۵	همی تاختندی بدرگاه ماه	۲۳۸ ، ۴۴

همی جرم پوشد بجای	۲۷۰ ، ۷	همی جست از کینه بر شاه	۲۳ ، ۴۹
همی چشم دارد زیر و	۸۸۳ ، ۱۴	همی جست از هر کسی	۱۲۶۸ ، ۲۰
همی چشم دارم بدین روز	۴۳۷۵ ، ۱۵	همی جست اسب از گزندش	۱۷۸۷ ، ۱۵
همی چشم داریم از آن	۶۸۷ ، ۶	همی جست استاد آن تاسه	۳۹۰۱ ، ۴۳
همی چشم روشن جهانرا	۳۶۰ ، ۱۳	همی جست بازی چپ و دست	۲۷۵۸ ، ۴۱
همی چشم و رویش ببوسید	۲۳۰ ، ۱۲d	همی جست بردشت جای	۷۱۸ ، ۱۴
همی چوب زد بر سرش	۲۷۴۶ ، ۱۵	همی جست تا کیست نزدیک	۲۶۵۳ ، ۴۳
همی چون پلنگان بر-	۱۱۲۷ ، ۶	همی جست جایی که بدیک	۳۲۴۵ ، ۴۳
همی خاک برداشت از	۹۹۸ ، ۱۳g	همی جست چاره که یابد	۶۸۲ ، ۱۳g
همی خاک برداشت از	۱۶۵۶ ، ۱۳g	همی جست رستم کمر گاه	۳۹۹ ، ۱۲e
همی خفتن و خاست با جفت	۳۹۵ ، ۵	همی جست گرد آفریدو	۴۴۹ ، ۱۲c
همی خلعت و هدیه ها دادمش	۴۲ ، ۱۳b	همی جست مر پهلوان را	۲۷۸ ، ۵۰
همی خوار بودی بجنگ	۲۸۴۷ ، ۱۳g	همی جستش تا ببینمش	۱۳۵۰ ، ۱۲c
همی خوار کردی سراسر	۱۵۳۱ ، ۱۳b	همی جست و ترسان شد از	۴۵۰۹ ، ۱۵
همی خوار گیرد سخنهای	۳۵۷۷ ، ۱۵	همی جست و روزیش خالی ^e	۲۶۲۷ ، ۴۳
همی خوار گیری شمارورا	۱۷۹۵ ، ۳۵	همی جست هر کس بگرد	۳۲۲۶ ، ۴۳
همی خواست آمد فرود	۲۴۲ ، ۲۱	همی جنگجویان بیگانه	۳۴۱ ، ۴۱
همی خواست از تن سرش	۲۷۱ ، ۵۰	همی جنگ را ساخت	۱۰۰۶ ، ۱۳g
همی خواست از کردگار	۱۹۸۵ ، ۱۳g	همی جنگ شیران که	۶۷۰ ، ۲۴
همی خواست بردن پیش	۸۷ ، ۱۱	همی جنگ ما خواهد از	۱۰۴۱ ، ۲۰
همی خواست پیروزی و	۱۳۰۹ ، ۱۲d	همی جوشن اندر تنش بر-	۱۰۰۵ ، ۱۲
همی خواست تا برپس	۱۸۰۲ ، ۴۲	همی جوی ز افراسیاب	۲۱۵۵ ، ۱۳g
همیخواست تا بردازتن	۱۱۴۱ ، ۱۲e	همی چاره جست آن شب	۱۰۲۱ ، ۲۰
همیخواست تا بر سرش بر	۱۰۴۸ ، ۱۳	همی چاره جست از بد-	۲۸۰ ، ۱۳g
همیخواست تا گنجهها	۲۵۲۸ ، ۳۵	همی چاره جستند از آن	۲۴۱۷ ، ۴۳
همیخواست دار مسیحا	۴۰ ، ۴۴	همی چاره سازد بر آن تا	۱۶۸۶ ، ۱۳f
همیخواست دستوری از	۱۱۸۰ ، ۱۲	همی چاره سازند بر	۴۰۹ ، ۴۴
همیخواست دیدن بر	۵۲۱ ، ۱۲d	همی چاره سازید و دستان	۵۳۹ ، ۱۳f
همیخواست زد بر ساسپ	۱۳۲۰ ، ۳۵	همی چاره سازیم تا جای	۱۵۰۱ ، ۳۵
		همی جامه گفتند بهرام	۴۷۶ ، ۳۵

همیخواندند آفرینی بدرد	۱۳g	۱۴۲۵	همیخواست زد بر سر شهر	۴۳	۶۱۸
همیخواندندش خداوند	۱۵	۲۶۵۵	همیخواست فرزانه گو که	۴۱	۳۰۱۹
همیخواندندش بوزر جمهر	۴۱	۱۰۲۵	همیخواست کان خام خم	۱۳b	۱۶۸۲
همیخواندندش بهرام	۴۳	۱۸۵۴	همیخواست کاید بیشت	۱۳g	۲۳۲
همیخواندندش پیروز	۳۰	۵۶۴	همیخواست کز آسمان	۱۳g	۲۷۸۸
همیخواندندش طغرل بنام	۳۵	۷۹۴	همیخواست کورا بد آید	۱۲d	۵۴۸
همیخواندندی مرا پور سما	۷	۸۱۰	همیخواست کورا رباید	۱۳f	۱۵۸۸
همیخواندندی ورا چهر زاد	۱۶	۱۴۹	همیخواستم تاجهان آفر-	۱۳g	۲۳۶۶
همیخواهد از شاه ایران	۱۳g	۵۰۹	همیخواستم تاخدای جهان	۷	۶۸۶
همیخواهد از من که بی کام	۱۲b	۱۵۱	همیخواستم کش ز زین	۱۲c	۱۱۸۱
همیخواهد از من گرامی	۱۲b	۱۴۴	همیخواست منذر که بهرام	۳۴	۲۰۶
همیخواهد این پیر کار آزما	۱۳f	۳۹۴	همیخواستند آن زمان	۳۰	۵۶۱
همیخواهم از پاک پروردگار	۴۲	۵۴	همیخواست نستوه ازو	۴۳	۲۱۱۲
همیخواهم از تو من امشب	۳۵	۱۸۰	همیخواست جوید و نام	۵۰	۷۴۵
همیخواهم از دادگر یک	۱۴	۹۲۸	همیخواست هر مز کزین	۴۲	۷۱
همیخواهم از داور بی نیاز	۳۸	۴	همیخواستی آشکار و نهان	۴۱	۳۵۵۶
همیخواهم از داور کرد-	۱۲e	۱۳	همیخواستی از یلان زینهار	۴۲	۸۱۳
همیخواهم از داور کرد-	۴۳	۲۲۹۶	همیخوان تو بر کردگار	۱۵	۳۹۲۲
همیخواهم از کردگار بلند	۱۳g	۵۴	همیخواند او ز نذر دشت	۱۵	۴۰۸
همیخواهم از کردگار جهان	۲۲	۶۲۸	همی خواند بر شهریار	۱۳	۳۹۱
همیخواهم از کردگار جهان	۳۵	۱۸۶۱	همیخواند بر شهریار	۴۱	۱۴۳۴
همیخواهم ای داور کرد	۶	۵۹۷	همیخواند بر کردگار	۱۳d	۱۷۸
همی خوب دانی چنین	۱۵	۱۵۲۳	همیخواند بر کردگار	۴۳	۱۶۴۷
همی خوردا فکنده مردار	۱۵	۳۱۹۴	همیخواند بروی بسی	۱۵	۲۴۸۱
همی خورد باده همی تاخت	۱۳	۸۹	همیخواند پس مادرش	۱۲c	۷۹۶
همی خورد باده همی گفت	۱۲	۲۱	همیخواندش شاه و او چاره	۴۳	۴۰۱۱
همی خورد باید کسی را که	۱۳	۱۰۷۳	همیخواند لشکر بدو	۳۵	۱۳۳۹
همی خورد بهرام و بنشیند	۴۳	۲۵۰۴	همیخواندند آفرین سر	۱۲f	۲۰۸۳
همی خورد بهمن ز گور	۱۵	۲۹۱۰	همیخواندند آفرین سر	۴۳	۱۲۱۸
همی خورد رستم از آنها	۱۵	۳۳۸۸	همیخواندند آفرین نهان	۳۵	۱۷۰۸

همی خورد سیلی و نکشاد	۲۷۵۴	۴۳	همی داشت آن اختر بد	۳۳۴۷	۴۳
همی خورد مهراب چند	۱۹۲۶	۷	همی داشت آن زهر با	۵۲۷	۴۴
همی خورد می تا جهان تیره	۱۶۸۱	۲۰	همی داشت از پارس آهنک	۷۱	۱۹
همی خورد می روز و شب	۹۱۱	۱۳g	همی داشت اندر برش	۲۳۷۳	۱۲d
همی خورد می شاد با چنگک	۱۱۱۲	۱۳f	همی داشت اندر دل این	۵۶۳	۴۲
همی خوردنی آرزو آیدم	۸۰	۴۲	همی داشت او را زمانی	۷۶۹	۴۵
همی خورد واسپش چمان	۱۱۵۵	۱۳	همی داشت بر آبخور پای	۸۰۷	۱۲e
همی خورد هر چیز تا گشت	۳۶۶۸	۱۵	همی داشت پوران جهان را	۲۲	۴۷
همی خورد هر کس از آن جام	۳۸۱	۲۰	همی داشت تا شد تباه	۸۴	۴۵
همی خورد هر کس با آواز	۱۹۱۳	۷	همی داشت تخم کیی در	۱۶۳	۱۶
همی خون چکانید بر چرخ	۶۹۲	۱۳c	همی داشت تن را زدشمن	۱۹۷۳	۴۳
همی خون دام و دود و مردوزن	۴۰۵	۵	همی داشتشان چون یکی	۱۴۵	۳۴
همی خون فشام بجای	۲۴۳	۱۳c	همی داشتش تا بشد سیر	۴۳۹۸	۱۵
همی خون من جوید اندر	۱۸۶۳	۴۲	همی داشتش چون یکی	۴۴۰۴	۱۵
همی خویشتن بس بزرگه	۳۱۴۴	۱۵	همی داشتش چون یکی	۳۰۷۶	۴۳
همی خویشتن را چلیپا کند	۴	۱۲d	همی داشتش روز چند	۴۴۶۱	۱۵
همی خیره بر بد شتاب	۲۳۰۱	۱۲d	همی داشتش مرزبان ارج	۱۲۸	۱۷
همی داد خواهم ز بیداد	۱۲۵۰	۴۳	همی داشتش همچو پیوند	۱۰۸	۲۱
همی داد خواهند تختت	۲۴۸	۴۴	همی داشت لختی بصندوق	۵۲۶	۴۴
همی داد ز نهار و بنواخت	۱۴۷۹	۱۳g	همی داشت تا کی آید پدید	۳۵	۱۳g
همی داد شاه جهان را درود	۳۱۹۱	۱۳g	همی داشتم چون یکی	۱۷۹	E
همی داد شهراستایش کنند	۳۸۵۸	۴۱	همی داشت موبد مراورا	۳۶۶۲	۴۳
همی داد مادر و را خواسته	۷۸۲	۴۱	همی داشتندش چنان ارج	۸۱	۱۷
همی داد مزده یکیرا دگر	۵۶۱	۱۲d	همی داشتندش چنین چار	۹۱	۳۴
همی دادمش پند و سودی	۱۴۳۲	۱۳g	همی داشتی تا بر آورد	۳۷۶	۱۳g
همی داد هر روز گنجی	۱۱۰۰	۱۳g	همی داشت یکچند گیتی	۱۳	۳۶
همی داد هر سال با سام ساو	۳۸۵۰	۷	همی دام و دد مغز مردم	۶۳۱	۲۰
همی دارد او دین یزدان	۳۳۸	۴۰	همی داند آن کس که گوید	۲۳۹	۲۰
همی داردش تا شود چیره	۹۶۵	۱۵	همی در دل اندیشه بفرزندش	۲۵۴۶	۱۵
همی داند او مهتران را سبک	۵۴	۴۶	همی در سخن بس دایری	۵۵۸	۴۲
همی داستان زد تهمتن	۱۱۸۹	۱۳e			

همیدون سوی رود فرسید	۱۵۰۷ ، ۱۳f	همی در کشیدی بدم ژنده	۲۱۴۸ ، ۳۵
همیدون سه چوبه براسپ	۱۵۶۵ ، ۱۳f	همی در گمان افتد از نام	۳۱۹ ، ۱۲e
همیدون شکسته ببندش	۴۹۶ ، ۵	همی دست بر سود شنکل	۲۴۸۵ ، ۳۵
همیدون شه بر بر مصر و	۱۰۵ ، ۱۲b	همی دست رستم بخواید	۳۶۸۳ ، ۱۵
همیدون فرستاد بر سوی	۳۱۳ ، ۱۳f	همی دست سودند بر یکدگر	۱۴۸۰ ، ۱۳c
همیدون گله هر چه داری	۹۳ ، ۵۰	همی دست یازید باید بخون	۱۱۵۹ ، ۱۲d
همیدون گمانم که چون	۱۰۶۱ ، ۱۳f	همی دل گواهی بدادش بر	۴۷۷ ، ۴۴
همیدون من از لشکر	۱۱۸۲ ، ۱۳f	همی دم زدن بر تو بر بشمرد	۱۵۶۳ ، ۷
همیدون من و تو باورد-	۱۱۸۴ ، ۱۳f	همی دود آتش بر آمدز	۱۶۴۲ ، ۱۳b
همیدون نداد ایچ کس	۶۰۳ ، ۱۵	همی دوختشان سینه ها باز	۷۷۱ ، ۱۵
همیدون نگشتند از اسپان	۷۹۶ ، ۱۳f	همی دود و خاکستر و خون	۱۱۶۴ ، ۱۳
همی دید بهرام یک چند	۲۳۳۲ ، ۴۳	همی دود و زهرش بسوزد	۵۴۲ ، ۱۴
همی دید پیران شمار سپهر	۱۸۶۶ ، ۱۳f	همی دور مانی ز رسم	۲۶۵۱ ، ۱۵
همی دید پیران مراورا ز	۲۰۴۲ ، ۱۳f	همیدون ببرند پیش	۹۹۱ ، ۱۳f
همی دید تا هر یکی بر	۲۲۸۵ ، ۴۱	همیدون ببستند پیمان	۷۶۲ ، ۱۵
همی دید چشم بدر روزگار	۱۱۷۰ ، ۱۲d	همیدون بیوندند یک هفته	۲۹۱ ، ۱۰
همی دید زینش بر و بر	۲۳۴۹ ، ۱۳f	همیدون بدل گفت دیو	۷۴۵ ، ۱۲
همی دید کامدش بدخواه	۸۷۵ ، ۴۲	همیدون برو تا در سفدنیز	۱۱۵۰ ، ۱۳f
همی دید نیرو و آهنگ	۲۴۸۵ ، ۴۳	همیدون بشد گیو بر سان	۱۵۶۹ ، ۱۳f
همی دیده بان بنگرید از	۳۳۴۷ ، ۴۱	همیدون بضحاك بنهادرو	۱۵۶ ، ۴
همی دیر شد باز هومان	۱۲۹۴ ، ۱۲c	همیدون بهر کار با گنج	۱۴۲۷ ، ۱۳f
همی دیر شد سوده آن	۱۳۳۰ ، ۱۵	همیدون پیاده پس نیزه	۲۹۲ ، ۱۳f
همی دین یزدان شود	۵۹۶ ، ۵۰	همیدون تو نزدیک خسرو	۱۱۶۲ ، ۱۳f
همی دیو پیچد سر بخردان	۲۹۳ ، ۴۰	همیدون جهان بر تو سازم	۵۸۸ ، ۱۲
همی راست گویند لشکر	۲۱۸۷ ، ۱۳f	همیدون جهودان درو بنگر	۱۶۸۲ ، ۴۱
همی راستی خواستی زین	۲۹۳۲ ، ۴۱	همیدون چو او زد بر بر	۲۵۵ ، ۵
همی راند آن پیل نامیمنه	۱۸۷۵ ، ۴۳	همیدون ز زین دست	۱۸۸۸ ، ۱۳f
همی راند از دیده خون در	۹۳ ، ۴	همیدون ز لشکر گزین	۱۴۷۷ ، ۳۵
همی راند از اینگونه تا شیر	۵۲۴ ، ۵	همیدون سپهبد شه نوذران	۸۴۹ ، ۱۲b
همی راند اندیشه بر خوب	۱۰۹ ، ۴۲	همیدون سپهدار او شاد	۲۰۳۹ ، ۲۰

همی راند دستان گرفته	۱۶۷۹ ،	۷	همی راند او را بکوه	۵۲۷ ،	۵
همی راند زان کوه تاشهر	۴۰۲ ،	۲۱	همی راند با اردوان اردشیر	۱۱۱ ،	۲۱
همی راند غمگین سوی	۶۵۹ ،	۴۳	همی راند باداد چوبین	۶۰۴ ،	۴۲
همی راند فرزند شاه جهان	۳۲۱ ،	۴۰	همی راند بارو میان نیک	۱۶۰۳ ،	۲۰
همی راند کار جهان سو فرا	۲۴ ،	۴۰	همی راند با شاه بوزر جمهر	۳۵۷۲ ،	۴۱
همی راند گردوی تاپیش	۱۹۱۰ ،	۴۳	همی راند با شرم و باداد	۲۹ ،	۲۴
همی راند لشکر جواز کوه	۱۵۲۳ ،	۳۵	همی راند با کام دل خوشنواز	۱۲۳ ،	۳۸
همی راند لشکر چو باد	۹۹۱ ،	۱۲	همی راند با لشکر و گنج	۵۱ ،	۳۸
همی راند م بادل خوبش	۲۲۸ ،	۴۱	همی راند با هر کسی داستان	۴۱۰۸ ،	۳۳
همی راند منزل بمنزل	۱۶۳۸ ،	۲۰	همی راند بهرام با او	۱۴۰۸ ،	۴۲
همی راند نا کار دیده جوان	۶۴۱ ،	۴۳	همی راند بهرام پیش	۲۰۶۹ ،	۴۳
همی راند آن دو تن نزم	۶۹۶ ،	۴۳	همی راند بپراه و دل پر	۲۰۶۵ ،	۴۳
همی راند نستوه دل پر ز	۲۰۶۳ ،	۴۳	همی راند بیژن پراز درد	۲۳۹۷ ،	۱۳۴
همی راندی در بیابان و	۳۷۲ ،	۳۰	همی راند پر خاشجوی و	۴۷۸ ،	۴۳
همی راند هر یک بمیدان	۳۴۱۲ ،	۴۱	همی راند پردرد و گریان	۱۵۸۰ ،	۲۰
همی راند یک ماه پویان	۱۵۶۳ ،	۲۰	همی راند پویان براه	۵۲۲ ،	۱۲
همی راند یک ماه خود با	۱۷۷۰ ،	۲۰	همی راند تاپیش آن کاخ	۱۴۷۱ ،	۴۲
همی راه جستند و کی بود	۶۵ ،	۱۲b	همی راند تاپیش پالوینه	۳۴ ،	۲۳
همی راه جستیم و بگر بختیم	۱۴۰ ،	۴۴	همی راند تا پیش دریا	۳۹۲۷ ،	۱۵
همی راه جوید بدین پیشگاه	۲۷ ،	۱۲	همی راند تا پیش دریا	۲۳۴۷ ،	۳۵
همی راه جوید که دیرینه	۱۴۰۴ ،	۴۳	همی راند تا پیش دریا	۲۳۵۲ ،	۳۵
همی راه جویند نزدیک شاه	۵۶ ،	۱۳e	همی راند تاپیشش آمد	۱۶۵۶ ،	۱۵
همی رای بد باشد آیین او	۱۴۶ ،	۱۳	همی راند تاپیشش آمد	۲۷۴۳ ،	۱۵
همی رای داری که افزون	۱۱۷۰ ،	۲۰	همی راند تا در میان سه	۵۶ ،	۱۲b
همی رای زد با بزرگان بهم	۲۵۰۸ ،	۴۳	همی راند تا سوی ایران	۹۱۳ ،	۱۴
همی رای زد با چنین مهتران	۱۶۰۱ ،	۴۲	همی راند تا نزد ایشان	۸۹۰ ،	۱۴
همی رای زد تا جهان شد	۱۹۷۶ ،	۱۵	همی راند قانیزه را کرد	۵۷۲ ،	۴۲
همی رای زد تا یکی چرب	۹۵۱ ،	۱۲d	همی راند چون باد لشکر	۲۹۵۷ ،	۴۳
همی رای زد جنگ را با	۸۰۸ ،	۴۲	همی راند حیران و پیچان	۶۹۰ ،	۳۵
همی رای زد زین نشان	۴۱۱۸ ،	۴۳	همی راند در پیش باطوس	۲۷ ،	۱۲d

همی رفت با گرزۀ کاوری	۶۸۳ ، ۳۴	همی رحمت آرد بتو بردلم	۱۰۶۸ ، ۱۲c
همی رفت با گرزۀ کاوسار	۷۱۷ ، ۱۴	همی رخ بمالید بر تیره	۶۸۳ ، ۱۲b
همی رفت بالشکراز دژ	۱۲۴۰ ، ۴۲	همی رخش از آن خاک نو	۴۵۰۸ ، ۱۵
همی رفت بالشکرو خواسته	۳۰۵ ، ۱۲	همی رخش خوانیم و بور	۱۱۸ ، ۱۰
همی رفت باناز و بازیب	۳۷۰ ، ۱۳	همی رخش رستم نماید	۷۷ ، ۱۲c
همی رفت باناله و درد	۳۶۲ ، ۵۰	همی رزم از آن گونه گودرز	۸۵۱ ، ۱۲b
همی رفت بانامداران روم	۱۳۱۶ ، ۲۰	همی رزم بیژن بگویم	۲۳۹ ، ۱۳d
همی رفت بانامورسی سوار	۲۱۳۷ ، ۳۵	همی رزم جستم بسان پلنگ	۱۱۶۹ ، ۱۳e
همی رفت بانامورکاروان	۲۱۱۳ ، ۳۵	همی رزم جستند بایکدگر	۸۰۱ ، ۱۳f
همی رفت بانیکدلره	۲۱۱۳ ، ۱۵	همی رشته خوانی کمند مرا	۱۶۷۲ ، ۱۳
همی رفت بانیکدل رهنمون	۲۱۲۲ ، ۳۵	همی رفت از آن گونه برسان	۱۹۸ ، ۱۷
همی رفت باید چو تیره شود	۲۹۴۴ ، ۴۳	همی رفت از آن لشکر	۳۶ ، ۱۶
همی رفت باید کزین چاره	۱۳۲۶ ، ۱۳b	همی رفت از اینسان دوروز	۱۴۵۵ ، ۲۰
همی رفت بر پیل رستم دژم	۱۹۳۴ ، ۷	همی رفت از دیده اش آب	۲۶۸۱ ، ۱۲d
همی رفت بر خاک بر خوار	۲۳۹ ، ۵۰	همی رفت اورا پس اندر	۲۳۰۴ ، ۱۳g
همی رفت برسان شیر دمان	۴۰۳ ، ۱۳	همی رفت با او تهمتن بهم	۱۰۴ ، ۱۲d
همی رفت بیژن چو شیر	۱۶۴۷ ، ۱۳	همی رفت با او دوستور	۳۴۳ ، ۱۹
همی رفت پویان بجایی	۵۵۲ ، ۱۲	همی رفت با او گوپیلتن	۹۵۳ ، ۱۳c
همی رفت پیچان بایوان	۲۳۳۷ ، ۳۵	همی رفت با او همیدون	۶۸۶ ، ۱۲e
همی رفت پیران پراز درد	۱۹۵ ، ۱۳c	همی رفت با بانگک تاپیش	۷۰۷ ، ۱۵
همی رفت پیش اندرون*	۲۸۶۶ ، ۱۵	همی رفت با پیل و با خواسته	۱۹۰ ، ۱۳d
همی رفت پیش اندرون*	۱۱۳ ، ۱۲	همی رفت با خادمان نام	۲۴۸۱ ، ۳۵
همی رفت پیش اندرون*	۸۲۱ ، ۲۰	همی رفت بادختر و خواسته	۲۳۱۲ ، ۴۱
همی رفت پیش اندرون*	۲۶۶ ، ۵	همی رفت بادل پراز درد	۱۷۲۸ ، ۴۱
همی رفت پیش اندرون*	۵۰۳ ، ۲۱	همی رفت بارای وهوش	۳۶۳ ، ۱۳g
همی رفت پیش برهنه	۴۴۸۷ ، ۱۵	همی رفت با شاه چندی	۱۱۲۳ ، ۴۳
همی رفت تاپیش آن شاه	۲۸۵۴ ، ۱۲d	همی رفت با کابلی چندمرد	۴۴۴۲ ، ۱۵

(* ستاره در سطر اول بجای « رهنمون » و در دوم بجای « زال رز » و در سوم بجای « قیدروش » و در چهارم بجای « مرد گرد » و در پنجم بجای « هفتواد » آمده است .

همی رفت گشتاست تاپیش	۵۵۷ ، ۱۴	همی رفت تا راز گوید	۲۷۴۹ ، ۴۳
همی رفت گم بوده چون	۱۶۷۶ ، ۱۳۴	همی رفت [تازان بکردار	۴۴۰ ، ۱۲e
همی رفت گودرز باشهر	۱۳۵۳ ، ۱۲e	همی رفت تازان سوی ژنده	۱۹۷۳ ، ۷
همی رفت لشکر بر راه وریغ	۱۶۲۷ ، ۴۳	همی رفت تاسوی شهری	۱۴۳۲ ، ۲۰
همی رفت لشکر بکردار	۱۱۵۰ ، ۳۵	همی رفت تا کشور خوزیان	۵۹۱ ، ۴۲
همی رفت لشکر بکردار	۱۶۳۰ ، ۴۳	همی رفت تا مرز توران	۱۲۳ ، ۱۲e
همی رفت لشکر گروهها-	۸۳۵ ، ۶	همی رفت جوشان و نیزه	۱۸۱۵ ، ۴۳
همی رفت لشکر گروهها-	۱۳۶۲ ، ۱۳	همی رفت جوینده چون	۲۰۵۱ ، ۱۳g
همی رفت لشکر گروهها-	۳۱۴۵ ، ۱۳g	همی رفت جوینده چون	۹۵۰ ، ۴۲
همی رفت لهاک برسان	۵۵۸ ، ۱۳b	همی رفت چون باد فرمان	۱۸۸۷ ، ۱۵
همی رفت مردم ز دریا	۲۸۲ ، ۲۱	همی رفت چون پیش رستم	۱۰۴۴ ، ۱۳g
همی رفت منزل بمنزل چو	۳۰۶ ، ۵	همی رفت چون شیر کف	۱۰۸ ، ۱۳e
همی رفت منزل بمنزل سپاه	۷۶۵ ، ۱۲c	همی رفت خاتون بدیدار	۲۴۱۹ ، ۴۳
همی رفت منزل بمنزل سپاه	۱۵۱ ، ۱۷	همی رفت خواهم پیکار او	۹۴۲ ، ۱۳
همی رفتم و کوفتم نغز شان	۱۱۱۹ ، ۷	همی رفت خواهم زهند-	۲۲۹۵ ، ۳۵
همی رفت میش و همی رفت	۴۴۲ ، ۱۲	همی رفت خواهند از پیش	۴۴۷ ، ۱۵
همی رفت نرم از بر خاک	۴۷۱ ، ۵۰	همی رفت خواهند ماهان	۴۴۴ ، ۱۵
همی رفت و آگاهی آمد	۳۶۸ ، ۴۱	همی رفت چون از تن خسته	۲۷۵۷ ، ۴۳
همی رفت و گودرز با او	۱۱۷۴ ، ۱۳b	همی رفت رستم چو پیل دژم	۶۰۱ ، ۱۲
همی رفت هر جای چون	۶۹۵ ، ۱۲e	همی رفت رستم زواره	۳۶۱۳ ، ۱۵
همی رفت هر سوز چپ و ز	۴۹ ، ۱۳c	همی رفت روزی بر آن کوه	۲۲۶۶ ، ۱۳g
همی رفت هر گونه ای	۵۰۹ ، ۳۵	همی رفت روشن دل و یاد گیر	۶۲۶ ، ۲۱
همی رفت هر مهتری با	۸۲۸ ، ۱۴	همی رفت روی زمین را	۳۲۰۶ ، ۴۳
همی رفت يك ماه پویان	۷۶۷ ، ۲۰	همی رفت زین گونه تاپیش	۱۷۰۹ ، ۷
همی رنجه داری تن خویش	۱۵۱۲ ، ۱۳b	همی رفت سوی سیا و خش	۲۱۱۴ ، ۱۳g
همی رنگ شرم آید از	۷ ، ۴۲	همی رفت سهراب با او بهم	۳۶۹ ، ۱۲c
همی رنگ شرم آید از مهر	۳۲۶ ، ۳۰	همی رفت شادان با صطخر	۵۵۰ ، ۳۰
همی رو بکردار باد دستان	۷۸۷ ، ۱۳b	همی رفت شادان سوی شهر	۳۰ ، ۴۰
همی رو چنین تاسر کی قباد	۲۷۹۶ ، ۱۵	همی رفت شنگل میان دو	۵۱۰ ، ۱۳c
همی رو چنین تاسر مر زهند	۱۸۸۶ ، ۱۲d	همی رفت کاووس لشکر	۲۰۰ ، ۱۲
همی رو چنین تا فریدون	۳۲۶۲ ، ۱۵	همی رفت گسته و بندوی	۱۹۶۷ ، ۴۲

همی زد براو تیغ تا پاره	۱۹۰۰، ۱۵	همی روزروزش فزون بود	۱۰۹۴، ۴۱
همی زد بلب هر زمان سرد	۸۴۹، ۱۳b	همی روز روشن نبینم زدرد	۳۵۷، ۱۲d
همی زد سرش را بر آن کوه	۱۳۰۰، ۲۰	همی ریخت از درد گشتاسپ	۱۱۴، ۱۴
همی زدش بر خاک تا پاره	۳۹۸، ۱۲	همی ریخت از دیدگان آب	۶۷۵، ۱۲b
همی زد میان سپه پیل گام	۳۵۶، ۱۳	همی ریخت از دیده خونین	۷۱۴، ۱۳g
همی زد همی کشت گردان	۱۱۳۳، ۱۲e	همی ریخت بالا به از دیده	۶۸۰، ۱۲b
همی زرد گردد گل کام	۲۰۰۸، ۲۰	همی ریخت بر تارکش	۴۵۹۳، ۱۵
همی زنده بایست مرگیو	۱۸۸۲، ۱۳f	همی ریخت بر سراز آن	۲۱۱۸، ۱۳g
همی زور کرد آن بر این	۲۰۳۵، ۳۵	همی ریخت بطریق رومی	۱۸۴۵، ۴۳
همی زور کرد این بر آن	۸۱۱، ۱۳f	همی ریخت تا شد سرش	۲۸۲، ۲۲
همی زور کرد این بر آن	۳۶۷۶، ۱۵	همی ریخت خون از دو	۴۱۱۲، ۱۵
همی زور گردی بجای	۱۲۵۸، ۱۳e	همی ریخت خون سربی گناد	۴۸، ۴۶
همی زهر ساید بنوک سنان	۶۶، ۱۳f	همی ریخت خون و همی کند	۱۵۱۴، ۱۲c
همی زیب تاج آید از روی	۲۸۰، ۳۰	همی ریخت خون و همی	۱۳۷۴، ۱۲c
همی زیست نه سال بارای	۱۲، ۲۸	همی ریخت زال از بریال	۴۵۶۸، ۱۵
همی زین فزون بایدم لشکر	۲۰۸، ۵	همی ریخت زوزهر تا گشت	۵۶۳، ۱۴
همی ساخت آیین گشپ	۱۸۷۳، ۴۲	همی ریخت کافور گرد	۲۸۲۲، ۴۳
همی ساخت او کار لشکر	۱۴۶۱، ۳۵	همی ریخت گنجورد در پای	۲۸۵۲، ۴۴
همی ساخت تا چاره ای	۱۶۱، ۴۲	همی ریخت گوگردش	۱۵۴۹، ۲۰
همی ساختند آن دو لشکر	۱۴۷۲، ۱۲d	همی ریخت مغزش بر آن	۵۶۵، ۱۴
همی ساخت همواره با	۴۱۰۷، ۴۳	همی ریختند اندر آورد	۳۶۷۰، ۱۵
همی ساختی تا سر پادشا	۱۶۴۵، ۴۱	همی ریخت هر گوهری یک	۱۵۵۰، ۲۰
همی سازم اکنون پذیره	۱۲۹۱، ۱۲d	همی ز آسمان کرگس	۵۴۱، ۱۴
همی سبز در سبز خوانی	۳۸۳۵، ۴۳	همی زار بگریست بر تاج	۱۶۴۷، ۱۲c
همی سر بیچی بفرمان	۶۳۶، ۵۰	همی زار بگریست بر کشته	۱۷۲۲، ۱۳
همی سر بچرخ فلک بر	۱۲۰۵، ۴۲	همی زار بگریست بر کشته	۱۴۰۵، ۱۵
همی سر زیزدان نباید کشید	۱۱۱۶، ۱۲d	همی زار بگریست لشکر	۲۰۶۷، ۱۳f
همی سرفرازد که من قهرم	۴۲۵۳، ۴۱	همی زار گفتند کای نره شیر	۲۱۲۸، ۱۳f
همی سرفرازند آنان که	۸۶، ۵۰	همی زال را دیده در خون	۳۶۱، ۷
همی سر گراید بسوی نشیب	۷۴۱، ۱۳b	همی زاید را مشب نخواهد	۱۸۲، ۳۵

همیشه بدل شاد و روشن	۳۴۱۹ ، ۴۳	همی سرو کشتی بباغ بهشت	۷۵۰ ، ۵۰
همیشه بدل کین او داشتی	۲۶۶۴ ، ۴۳	همی سر نیچد ز فرمان	۳۵۱۸ ، ۱۵
همیشه بره دید بان داشتی	۳۳۴۴ ، ۴۱	هموسنگ را در کشیدی	۲۴۰۵ ، ۴۳
همیشه بزی شاد و برتر	۱۱۸۷ ، ۱۳	همی سوخت شهر و همی کند	۵۷۲ ، ۱۳
همیشه بزی شاد و به روز	۲۴۳۲ ، ۱۵	همی سوزد از فر چهرش	۳۵۰۹ ، ۱۵
همیشه بزی شاد و پیروز بخت	۵۰۷ ، ۲۲	همی شاه خواندند بهرام را	۶۷۰ ، ۴۳
همیشه بزی شاد و روشن	۱۱۸۴ ، ۱۳c	همی شاه خواهد که داند	۳۱۴ ، ۲۰
همیشه بزی شاد و یزدان	۱۱۵۶ ، ۱۳g	همی شاه را تخت پیروزه	۵۶۲ ، ۶
همیشه بزی نامبردار	۱۳۶۵ ، ۱۳b	همی شاه مازندران راز گاه	۷۸۰ ، ۱۲
همیشه بنیکی بود رای	۴۴۳۴ ، ۴۱	همی شد بر آن کوه سر	۲۰۲۴ ، ۱۳۴
همیشه بود آن و این بگذرد	۲۲۵ ، ۵۰	همی شد بر راه اندرون زال	۲۱۱۳ ، ۷
همیشه بود شاد و خرم	۱۲۳۸ ، ۴۱	همی شد بر این گونه با	۳۳۸۷ ، ۴۳
همیشه بهر جای گسترده	۳۶۷ ، ۱۲	همی شد پس پشت او	۲۶۱۵ ، ۱۲d
همیشه بهر نیک و بد دسترس	۱۳۵۲ ، ۱۳e	همی شد پس گرد با تیغ تیز	۸۹ ، ۱۶
همیشه بیزدان پرستی	۱۰۳ ، ۵۰e	همی شد چون نزد تهمت رسید	۳۶۳۶ ، ۱۵
همیشه بیک ساق موزه	۲۹۰ ، ۱۳e	همی شد خلیده دل و راه	۶۵۲ ، ۲۱
همیشه ترا جان پر از شرم	۲۲۰۱ ، ۴۱	همی شد دمان تا رسید	۱۷۴۵ ، ۱۳
همیشه ترا جاودان باد	۱۷۲۱ ، ۱۲d	همی شد روان شیر بان چون	۳۳۴ ، ۳۵
همیشه تن آباد با تاج و	۲۴۲ ، E	همی شد فرامرز نیزه	۱۴۸ ، ۱۲e
همیشه تن آزاد بادت ز	۸۱ ، ۶	همی شد گریزان تراو	۱۳۰۰ ، ۱۳
همیشه تن شاه بی رنج باد	۲۰۳۸ ، ۲۰	همی شرم دارم من از تو	۳۰ ، ۱۳b
همیشه جز از میزبانی مکن	۷۷۹ ، ۳۵	همیشه از ایران بدی یاد	۹۶۱ ، ۱۲b
همیشه جوان باد اسفندیار	۲۳۲۵ ، ۱۵	همیشه به ازوی داننده بر	۳۵۷۷ ، ۴۱
همیشه جوان تا جوانی بود	۶ ، ۱۸	همیشه بهرام دارید چشم	۲۵۸۳ ، ۴۳
همیشه جهاندار یار تو	۳۵۱۳ ، ۴۳	همیشه بیروزی و فر هی	۷۳۰ ، ۱۲d
همیشه خرد بادت آموز	۹۷۵ ، ۱۳e	همیشه پیش اندرون دار	۳۶۱ ، ۲۲
همیشه خرد پاسبان تو باد	۴۵۸۱ ، ۴۱	همیشه پیش سپه کینه	۵۱۲ ، ۱۳f
همیشه خرد را تو دستور	۳۴ ، E	همیشه بجنک نهنگ	۵۳۶ ، ۱۲
همیشه خرد مند امیدوار	۲۵۵۴ ، ۴۱	همیشه بد اندیشت آزرده	۱۰۱۵ ، ۳۵
همیشه دل از رنج پرداخته	۴۳۴۶ ، ۱۵	همیشه بدل داشتی کین اوی	۲۶۶۷ ، ۴۳

همی کاست زو فرء ایزدی	۹۴ ، ۴	همیشه دلت مهر بان باد	۲۴۲۷ ، ۱۵
همی کام دل باشد و تاج و	۷۹۳ ، ۱۲d	همیشه دل شاه نوشیروان	۱۳۳۲ ، ۴۱
همی کرد از آن بوم و بر	۲۰۴ ، ۴۰	همیشه دل ما پر از داد	۶ ، ۲۹
همی کرد از آن که بهر سو	۱۰۶۲ ، ۱۲b	همیشه دل و جان افراسیاب	۲۵۳ ، ۱۲e
همی کرد اندیشه از بیش	۱۷۸۷ ، ۴۲	همیشه دل و شرم جفت تو	۷۳ ، ۲۰
همی کرد او نعل اسپان	۱۹۰ ، ۱۴	همیشه دل و هوش آباد باد	۲۲ ، ۸
همی کرد باید کز آن چاره	۱۴۶ ، ۵	همی شهر بگرفت و اورا	۵۰۴ ، ۲۱
همی کرد بر تار کشر دست	۱۶۱۴ ، ۱۳f	همی شهریاری ربایی ز	۲۵۸۷ ، ۱۲d
همی کرد پوش بر آن	۳۷۰۰ ، ۴۱	همیشه ز داد ارداد آفرین	۲۴۹۹ ، ۱۵
همی کرد پوش ز کرده	۶۴۸ ، ۱۲b	همیشه سخنگوی هفتاد مرد	۱۰۹۷ ، ۴۱
همی کرد پوش که بدخواه	۱۳۰ ، ۴۰	همیشه سر تخت جای تو باد	۵۲۶ ، ۲۲
همی کرد پیران برفتن	۱۳۵۶ ، ۱۳	همیشه سر تختش آباد باد	۱۰۷۹ ، ۱۵
همی کرد خسرو بهر کس	۳۶۳۸ ، ۴۳	همیشه سرو نام تو زنده باد	۶۲۵ ، ۱۳
همی کرد خواهد ز چشم	۱۱۳ ، ۶	همیشه گدار سواران بود	۷۲۵ ، ۳۵
همی کرد خواهش مرا ورا	۱۸۶۰ ، ۱۳	همیشه نگهدار یزدانت باد	۷۹۰ ، ۱۲c
همی کرد خواهی جهان	۲۴۶ ، ۴۴	همیشه نهان دل خویش جوی	۳۹۶۷ ، ۴۱
همی کرد رامش بر آن هم	۱۴۵۸ ، ۳۵	همیشه نیاساید از جست و	۳۴ ، ۱۲
همی کرد غارت همی	۲۱۷ ، ۱۲	همیشه هنرمند باد انت	۷۳۳ ، ۱۲d
همی کرد غارت همی	۳۲۰ ، ۱۵	همیشه همه نیکویی ساختی	۲۸۱۲ ، ۱۵
همی کرد گودرز هر سو	۱۲۹۹ ، ۱۳	همیشه همی ریخت خونین	۳۴۲۳ ، ۴۱
همی کرد مادر بیازی	۳۴۲۰ ، ۴۱	همی شیده گوید که هستم	۴۸۶ ، ۱۳g
همی کرد موبد باختر	۲۲۶۶ ، ۳۱	همی شیر خوردی از ماده	۱۹۰ ، ۲۰
همی کرد ننجیر آهو نخست	۲۸۰۰ ، ۱۲d	همی شیر کپی خورد دخترم	۲۴۲۷ ، ۴۳
همی کرد ننجیر بایوز و باز	۴۹۸ ، ۱۲e	همیشه یکی دانشی پیش	۳۹۶۰ ، ۴۱
همی کرد ننجیر ناشب	۱۷۱ ، ۳۵	همی صد طبق مشک و صد	۱۶۸۰ ، ۱۲d
همی کرد ننجیر و بادش	۱۲۹۳ ، ۱۲e	همی غم خورم تا با آرامن	۳۸۶ ، ۱۳e
همی کرد هر کس بایوان	۳۹۲۰ ، ۴۳	همی قیصر روم قیصر	۱۷۴۰ ، ۳۵
همی کرد هر کس بدو	۲۱۴۳ ، ۳۵	همی کار آهنگران دیر	۲۶۰۹ ، ۱۵
همی کرد هوی و همی کند	۵۸۹ ، ۶	همی کار آهنگران دیر	۲۲۷۸ ، ۱۵
همی کرد گس آورد از ابر	۷۵۳ ، ۱۳e	همی کار اختر نگه داشتند	۴۹۲ ، ۲۰
همی کرد خوانی بهرم	۶۱۹ ، ۲۱	همی کار سازید رودابه	۶۶۵ ، ۷

همی گز دلشکر بگشتی	۵۵۴۰	۴۱	همی کز بدافست گفتار	۹۲۵۰	۷
همی گرز بارید بر خود	۱۰۵۶۰	۱۲	همی کز بود کار این گوز	۲۵۱۰	۵۰
همی گرز بارید گفتی ز	۱۴۱۱۰	۱۳	همی کز بینیم پرگار اوی	۳۹۱۳۰	۴۱
همی گرز بارید و پولاد	۸۶۰	۱۶	همی کشت از ایشان و سر	۶۸۲۰	۱۵
همی گرز بارید همچون	۱۶۷۰	۱۳d	همی کشت از ایشان و می	۵۸۰۰	۱۵
همی گرز بارید همچون	۲۳۷۳۰	۱۵	همی کشت هر مهتری بارگی	۱۲۱۳۰	۱۵
همی گرز پولاد همچون	۱۲۴۸۰	۱۳e	همی کندموی از سروروی	۴۸۵۰	۱۳e
همی گر گذر بایدت ز آب	۱۱۶۹۰	۱۲e	همی کندجان آن گزیده	۱۰۵۹۰	۱۳
همی گشت از آن گونه بر	۱۸۶۸۰	۷	همی کند سودابه از خشم	۵۶۲۰	۱۲d
همی گشت اولاد در مرغزار	۵۷۸۰	۱۲	همی کند گودرز کشواد	۳۲۱۹۰	۱۳g
همی گشت با او با آورد گاه	۶۴۳۰	۲۰	همی کندموی و همی خست	۱۷۸۰۰	۷
همی گشت با هر دو یل	۳۴۲۰	۱۲e	همی کندموی و همی ریخت	۲۳۵۹۰	۱۲d
همی گشت بر خاک تیره چو	۲۴۹۳۰	۱۲d	همی کندموی و همی ریخت	۹۲۴۰	۱۳f
همی گشت بر سان گردان	۱۵۰۸۰	۱۵	همی کودکان را بیاموخت	۱۰۲۳۰	۴۱
همی گشت بر گرد آن رزم	۳۴۱۰	۱۳g	همی کودکی بی خرد داندم	۵۵۷۰	۴۳
همی گشت بر گرد آن شار	۱۰۷۲۰	۱۳g	همی کودکی نارسیده	۲۲۵۳۰	۴۱
همی گشت بر گرد آن مرغ	۴۵۶۰	۱۳e	همی کوفت بر خاک رویینه	۴۷۳۰	۱۲
همی گشت بر گرد آن مرغ	۲۳۴۶۰	۱۳f	همی کوفتند این بر آن آن	۱۵۷۶۰	۱۳
همی گشت بر گرد ایوان	۲۵۴۰	۱۴	همی کوفتند این بر آن آن	۱۵۹۱۰	۱۳
همی گشت بر گرد دشت	۱۱۲۷۰	۴۲	همی کوه از خون گودرز	۹۷۰	۱۳b
همی گشت بر گرد گردان	۵۶۶۰	۱۵	همی کین هر مز کنم خوا-	۳۱۲۰	۴۳
همی گشت بر گرد لشکر	۱۳۹۲۰	۱۳	همی کینه با پاک یزدان	۶۶۱۰	۵۰
همی گشت بر لب بر آورده	۳۵۵۰	۱۲e	همی گرد آن کشتگان	۷۹۷۰	۱۵
همی گشت بهرام چون	۶۳۴۰	۴۳	همی گرد باغ سواوش	۱۸۶۵۰	۱۳g
همی گشت بهرام گرد سپاه	۹۴۴۰	۴۲	همی گرد بر گرد آن کنده	۳۴۴۰	۴۰
همی گشت بهمن بنخاک	۴۰۵۷۰	۱۵	همی گردد این خواسته	۸۹۷۰	۱۳c
همی گشت پر خون بر و	۱۱۲۹۰	۶	همی گرد کافور گیر دسرم	۱۲۴۶۰	۷
همی گشت پیران پیش	۴۹۲۰	۱۳c	همی گرد کردی بر وز دراز	۴۴۹۰	۱۳e
همی گشت چندان که آمد	۲۴۲۰	۱۴	همی گرد کینه بر آنکسختند	۱۶۲۶۰	۱۳f
همی گشت در پیش گردان	۵۲۹۰	۱۵	همی گرد گیتی دواند	۳۴۳۸۰	۱۵
همی گشت درویش با او	۲۶۹۰	۴۰			

همی گفت اگر گویم این	۸۴۷ ، ۷	همی گشت رخس اندر آن	۲۸۷۳ ، ۱۵
همی گفت اگر لشکر	۱۰۶۸ ، ۱۳۴	همی گشت رستم میان دو	۷۳ ، ۱۳c
همی گفت اگر مردرومی	۱۸۵۵ ، ۴۳	همی گشت غر آن میان دو	۱۰۰۸ ، ۱۲
همی گفت اگر من فرستم	۴۳ ، ۴۰	همی گشت غلطان بنخاک	۴۷۶ ، ۱۳e
همی گفت اگر من گنه	۱۳۵۲ ، ۱۵	همی گشت گرد بیا بانو	۶۹۸ ، ۱۲e
همی گفت اگر ناودانی	۳۲۴۳ ، ۴۳	همی گشت گرد جهان سر-	۲۸۳ ، ۴۲
همی گفت اگر نوذریاک	۴۹۵ ، ۱۳b	همی گشت گرد سپه یک تنه	۱۷۸۸ ، ۴۳
همی گفت انباز و نشنید	۷۱۲ ، ۳۵	همی گشت گردون شتاب	۹۸۳ ، ۴۲
همی گفت ایا کرد کار سپهر	۴۸۶ ، ۱۳e	همی گشت گرد یکی کوه	۸۳۳ ، ۷
همی گفت ای داورداد پاک	۲۱۸۹ ، ۳۵	همی گشت گودرز بر گرد	۲۰۳۹ ، ۱۳۴
همی گفت ایدر بدن روی	۱۵۳۶ ، ۴۲	همی گشت گویا منادی	۲۲۶۷ ، ۴۳
همی گفت ای کاش کاین	۳۰۹۱ ، ۱۳g	همی گشت و تیرش نیامد	۱۸۷۲ ، ۱۳۴
همی گفت ای مرد گم کرده	۱۹۳۲ ، ۴۲	همی گشت یک هفته زین	۱۱۵۳ ، ۱۲
همی گفت این از هنرها	۱۰۷۹ ، ۴۲	همی گشت یک هفته در گرد	۱۵۶ ، ۱۴
همی گفت این بنده ناتوان	۲۱۴۰ ، ۱۳g	همی گشت یک چند بر سر	۴۴۷ ، ۷
همی گفت اینست پاداش	۱۴۳۱ ، ۴۲	همی گفت آن دیو بد	۲۹۲ ، ۱۲
همی گفت با آن همه	۱۳۱۸ ، ۱۵	همی گفت از آن چاره اندر	۸۱۷ ، ۴۲
همی گفت بایبیر زن راز	۱۸۹۹ ، ۴۲	همی گفت از اینسان بود	۸۸۰ ، ۴۲
همی گفت با خود سپهدار	۱۱۳۰ ، ۱۳	همی گفت از این گونه تا	۳۰۸۳ ، ۴۳
همی گفت با خود یل	۱۸۳۳ ، ۱۵	همی گفت از این گونه دیو	۷۴۸ ، ۱۲
همی گفت با خویشتن	۴۲۶ ، ۱۲	همی گفت از تخمه نوذر	۷۵۷ ، ۱۳
همی گفت بادل که آمد	۸۵۹ ، ۱۲e	همی گفت اکنون چه	۱۷۵۲ ، ۱۳
همی گفت با دل که بر	۵۹۳ ، ۱۲d	همی گفت اگر ازدهای	۱۱۷۱ ، ۷
همی گفت بادیدگان پر	۳۳۰ ، ۱۳c	همی گفت اگر بر سر	۳۴۷ ، ۱۳e
همی گفت باری بداندیش	۳۱۹۰ ، ۴۳	همی گفت اگر تخت راسر	۱۰ ، ۱۰
همی گفت باز و چلیپا بهم	۲۱۸۰ ، ۴۳	همی گفت اگر تیز بشتافتم	۲۶۹۱ ، ۱۳g
همی گفت باشاه گیو آنچه	۱۷۹۸ ، ۱۳g	همی گفت اگر داد گریک	۱۸۶۶ ، ۱۳g
همی گفت باشاه گهو این	۷۶۷ ، ۱۲e	همی گفت اگر دخمه زرین	۱۵۹۳ ، ۱۲c
همی گفت با کرد کار جهان	۱۳۲۴ ، ۱۲d	همی گفت اگر فرخ اسفند-	۲۸۸۵ ، ۱۵
همی گفت بالب پر از باد	۱۹۷ ، ۲۱	همی گفت اگر کرد کار	۲۱۷ ، ۱۳d
همی گفت بامن رداورا-	۲۳۰ ، ۱۳c		

همی گفت خرم زیاد آنکه	۲۲۴ . ۱۲	همی گفت بامن که جوید	۱۰۰۷ . ۱۲
همی گفت دارم ز یزدان	۱۲۰۳ . ۴۲	همی گفت با نامور مادرم	۷۴۴ . ۱۲e
همی گفت دارم سخنها	۱۱۴۰ . ۴	همی گفت با هر کسی راز	۲۸ . ۱
همی گفت دادا دلیرا گوا	۲۷۱ . ۱۲e	همی گفت با هر که بد کردان	۹۶۰ . ۱۳g
همی گفت رخساره کرده	۱۱۹۵ . ۱۲d	همی گفت بدر روز و بد اختر	۲۵۵۳ . ۱۵
همی گفت رستم با نامدار	۴۳ . ۱۲e	همی گفت بر خیره امشب	۱۳۸۷ . ۱۳
همی گفت رنج من از یک	۱۳۵۳ . ۱۳c	همی گفت بر کینه شهریار	۳۳ . ۳۹
همی گفت رودا بهر ارود	۱۰۰۰۰ . ۷	همی گفت بی تو مبادا جهان	۲۱۹۹ . ۱۳g
همی گفت رویم نبینی	۶۷۶ . ۱۳e	همی گفت بی خنجری در	۹۰۲ . ۲۰
همی گفت زاراد دلیرا گوا	۱۳۲۱ . ۱۵	همی گفت بیرنج تخت این	۱۹۶۰ . ۳۹
همی گفت زارای جهان	۲۲۵ . ۱۳g	همی گفت بیژن نیامد	۴۶۸ . ۱۳e
همی گفت زار ای دو گرد	۳۸۱۲ . ۱۵	همی گفت بیگانگان را	۴۸ . ۱۴
همی گفت زارای سزاوار	۲۶۸۲ . ۱۲d	همی گفت پاداش این نیکو	۲۹۸۵ . ۴۳
همی گفت زار ای سوار	۲۷۶۰ . ۴۳	همی گفت پر مایه بازار-	۶۲۸ . ۳۵
همی گفت زارای گوپیلتن	۴۵۶۹ . ۱۵e	همی گفت پشت دلیران منم	۳۶ . ۱۱
همی گفت زارای گوسر-	۱۵۷۴ . ۱۲c	همی گفت پشت و پناهم	۱۱۹۶ . ۱۲e
همی گفت زارای نبرده*	۱۴۸۹ . ۱۲c	همی گفت پیروزگر باد	۱۹۴۶ . ۱۲f
همی گفت زارای نبرده*	۳۳۱۷ . ۴۱	همی گفت پیغام با ساوه	۷۹۹ . ۴۲
همی گفت زارای نبرده*	۴۱۶۹ . ۱۵	همی گفت پیغمبری کس	۵۵۸ . ۳۰
همی گفت زار ای یل	۴۰۶۷ . ۱۵	همی گفت تاجنگ مردم	۱۹۹۵ . ۴۳
همی گفت زال اینت کاری	۱۵۶۸ . ۱۲c	همی گفت تا کردگار	۳۶۷۶ . ۴۳
همی گفت زندان و بند	۱۹۱۸ . ۴۲	همی گفت تا من کمر بسته ام	۱۴۵۳ . ۱۳b
همی گفت شادی ترایار	۴۷۸ . ۱۳	همی گفت چشم بدان کور	۱۱۰۳ . ۱۲e
همی گفت شادی کنم بیست	۲۵۳۱ . ۳۵	همی گفت چندی ز آرام	۲۱۲۳ . ۳۵
همی گفت شاه آن شکفتی	۲۲۱۲ . ۱۳g	همی گفت چندین چرا	۱۵۸۶ . ۱۳c
همی گفت شاها چه شاید	۴۱۶۳ . ۴۳	همی گفت چون دختر آمد	۱۰۰۵ . ۷
همی گفت شاهاردا خسروا	۴۱۷ . ۴۴	همی گفت چون من بر آرام	۳۳۱ . ۱۳b
		همی گفت خاقان سپاه مرا	۱۹۶۹ . ۴۱

(*) ستاره در سطر اول و دوم بجای « جوان » و در سوم بجای « سوار »

آمده است .

همی گفت کای پاک پرورد-	۳۹۰ ، ۱۴	همی گفت شاه این سخن	۱۹۱۱ ، ۴۲
همی گفت کای جان مادر	۱۶۱۸ ، ۱۲c	همی گفت شاهست پیروز گر	۱۹۸۰ ، ۱۳f
همی گفت کای داد گریک	۱۳۵ ، ۱۳	همی گفت شاهی کنی یک	۱۷ ، ۴۶
همی گفت کای داورداد پاک	۲۰۳۵ ، ۱۳g	همی گفتش ای شاه گردان	۸۰۱ ، ۱۵
همی گفت کای داورداد پاک	۳۸۰۰ ، ۱۵	همی گفتش ای ماه تابان	۶۹۹ ، ۱۵
همی گفت کای داورداد پاک	۱۶۹۸ ، ۴۳	همی گفت صدره زیزدان	۲۳۱ ، ۱۲d
همی گفت کای داورداد گر	۵۹۳ ، ۶	همی گفت صدمرد گرد و	۱۰۸۷ ، ۱۲d
همی گفت کای داورداد گر	۱۷۲۲ ، ۱۵	همی گفت فغفور کافر آسیاب	۱۶۹۵ ، ۱۳g
همی گفت کای داورداد کرد	۲۱۰ ، ۱۴	همی گفت قیصر بهر مهتری	۱۱۱ ، ۱۵
همی گفت کای داورداد کرد	۳۶۰۴ ، ۱۵	همی گفت کاهر من چاره	۸۱۷ ، ۱۲e
همی گفت کای داورداد کرد	۶۹۳ ، ۵۰	همی گفت کاکنون پیاده	۵۰ ، ۱۲c
همی گفت کای داورداد ماه و	۴۰۲۸ ، ۱۵	همی گفت کاکنون چه سازم	۱۳۹۹ ، ۱۵
همی گفت کای روشن	۸۵۳ ، ۱۳g	همی گفت کاکنون شود	۸۵ ، ۴۲
همی گفت کای شاه دانش	۱۰۶۱ ، ۱۲e	همی گفت کامروز روز	۲۵۱۲ ، ۱۲e
همی گفت کای شهر یار زمین	۱۱۷۱ ، ۱۵	همی گفت کامروز رزمی	۹۴۲ ، ۱۳f
همی گفت کای کردگار *	۱۴۱۵ ، ۱۳c	همی گفت کامروز مردن	۱۹ ، ۲۰
همی گفت کای کردگار *	۹۲۵ ، ۱۳f	همی گفت کامشبشی بر	۲۲۶۷ ، ۱۵
همی گفت کای کردگار *	۲۳۴۰ ، ۱۳f	همی گفت کان بخت بهرام	۱۵۷۰ ، ۴۲
همی گفت کای کردگار *	۲۴۵۴ ، ۱۳f	همی گفت کاندر جهان	۴۸۶ ، ۱۳b
همی گفت کای کردگار *	۱۹۸۶ ، ۱۳g	همی گفت کانسگ چگونه	۲۸۳۳ ، ۴۳
همی گفت کای کردگار *	۱۲۶ ، ۱۲d	همی گفت کاینم جهاندار	۴۳۴۳ ، ۱۵
همی گفت کای کردگار *	۲۶۶۸ ، ۱۳g	همی گفت کاووس خود کامه	۸۸ ، ۱۲
همی گفت کای کشته بردست	۱۳۷۳ ، ۱۲c	همی گفت کای باب کار آزما	۳۶۱ ، ۱۳f
همی گفت کای مرد روشن	۲۸۱۳ ، ۴۱	همی گفت کای برتر از برتر	۲۲۷۱ ، ۱۳g
همی گفت کای مهر بان نیک	۲۳۵۱ ، ۱۳f	همی گفت کای برتر از برتر	۲۶۰۹ ، ۱۳g
همی گفت کاین ازدهارا	۱۸۰۴ ، ۱۵	همی گفت کای برتر از جای	۱۶۶ ، ۷
همی گفت کای نامور پادشا	۱۹۸۰ ، ۲۰	همی گفت کای پاک برتر	۱۳۹۴ ، ۱۵

(*) ستاره در سطر های یکم تا پنجم بجای « جهان » و در ششم و هفتم

بجای « سپهر » آمده است .

همی گفت مادرش کای شوم	۴۲۲۵	۱۵	همی گفت کاین بودنی کار	۱۸۶۱	۱۳
همی گفت مارا سمرقند	۸۲۸	۵۰	همی گفت کاین تاج فرخنده	۶	۱۷
همی گفتم از بامداد پگاه	۳۱۶۵	۱۵	همی گفت کاینست چراغ	۳۹۱	۲۰
همی گفت ما تا که دیو پلید	۷۱۲	۱۲e	همی گفت کاینست سرای	۸۸۲	۲۰
همی گفتم اورا من از	۳۵۸	۴۲	همی گفت کاین جایگاه	۵۱۳	۵
همی گفتم ای مهتر انجمن	۲۷۶۸	۴۳	همی گفت کاینرا چه درمان	۴۴۸	۱۲d
همی گفتم این شاه بیدادرا	۳۰۷	۱۳c	همی گفت کاین راز گردان	۳۶۶۴	۴۱
همی گفتم این نامه را چند	۳۹۲۲	۴۱	همی گفت کاینرا نخواهند	۳۸۰۳	۱۵
همی گفتمت کوچه کرداز	۴۴۶	۱۲d	همی گفت کاین رزم راروی	۵۸	۵۰
همی گفت من زنده با پیر	۳۸۳۹	۱۵	همی گفت کاین روز فرخنده	۶۳۵	۶
همی گفت من سر ز فرمان	۳۴۶۰	۱۵	همی گفت کاین زخم آهر من	۵۹۹	۱۴
همی گفت ناساخته خانه را	۵۶۳	۲۱	همی گفت کاین کارها نغز	۲۷۰۱	۱۲d
همی گفت نندیشم از زال	۱۹۲۷	۷	همی گفت کاین لشکر	۹۰۳	۱۳
همی گفت و از دیده خوناب	۳۵۹۰	۴۳	همی گفت کاین مرد نا	۱۷۲۴	۴۱
همی گفت و یاسخ نداد ایچ	۳۶۱۰	۴۳	همی گفت کای نیکدل یار	۲۳۶۱	۱۳f
همی گفت و جوشن همی بست	۸۹۹	۱۳	همی گفت کز داوور روزگار	۲۸۸۱	۱۲d
همی گفت و چنگش بچنگ	۳۳۵۷	۱۵	همی گفت کز کردگار	۱۶۲	۲۲
همی گفت و خاقان بدو	۲۶۱۸	۴۳	همی گفت کز من بدآمد	۱۸۷۱	۱۲d
همی گفت و زودش بیاراست	۱۶۹۲	۱۲d	همی گفت کی بینمت نیز	۱۳۷۴	۱۳g
همی گفت و لبها پر از خنده	۶۵۸	۷	همی گفت کینخسروای شهر	۲۱۲۰	۱۳g
همی گفت و مژگان پراز	۷۱۲	۱۳e	همی گفت کز زغم بی	۱۵۱۳	۴۳
همی گفت و مژگان پراز	۱۵۷۰	۱۲c	همی گفت گریان و دل پر	۲۱۸	۱۹
همی گفت و مژگان پراز	۱۶۰۱	۱۲d	همی گفت گشتاسپ کای	۴۲۰۳	۱۵
همی گفت و مژگان پراز	۲۲۸۹	۱۲d	همی گفت گفتارهای درشت	۹۳۲	۱۳
همی گفت و میخست و می	۱۶۳۹	۱۲c	همی گفت گودرز گر جای	۳۵۱	۱۳f
همی گفت و میسوخت از غم	۴۶۱	۱۲c	همی گفت لشکر که کاروس	۶۷۶	۱۲
همی گفت هر جای آباد	۲۵۱۹	۱۳g	همی گفت لشکر همه سر بسر	۲۲۱۷	۱۳f
همی گفت هر چند کز پهلوان	۳	۹	همی گفت لهر اسپ و فرخ	۵۶۹	۱۴
همی گفت هر کس از ایدر	۱۷۶۵	۴۳	همی گفتم آن دیورا گر	۱۴۶۰	۱۵
همی گفت هر کس کز این	۱۴۵۹	۳۵	همی گفت مادر ت بیچاره	۱۶۴۰	۱۲c
همی گفت هر کس که افرا	۳۲۲	۱۳c			

۱۸۳۹ ، ۴۲	همی گفت هر کس که ای *	۲۰۱۴ ، ۴۳	همی گفت هر کس که براند
۱۵۸۵ ، ۲۰	همی گفت هر کس که ای *	۳۱۵۲ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که شاها
۱۴۴ ، ۴۳	همی گفت هر کس که ای *	۲۱۶۰ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که کس
۴۶۱۴ ، ۱۵	همی گفت هر کس که ای *	۱۱۶۱ ، ۱۵	همی گفت هر کس که لهر اسپ
۴۵۷ ، ۳۰	همی گفت هر کس که این بد	۶۶ ، ۴۴	همی گفت هر کس که ما
۱۷۵۵ ، ۴۲	همی گفت هر کس که این پاک	۱۱۲۴ ، ۴۳	همی گفت هر کس که ما
۵۸۹ ، ۲۱	همی گفت هر کس که اینت *	۲۹۵۲ ، ۴۳	همی گفت هر کس که مردن
۸۶۰ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که اینت *	۱۷۰۶ ، ۳۵	همی گفت هر کس که یزدان
۲۰۴۸ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که اینت *	۲۶۳ ، ۴۰	همی گفت هر کو توانگر
۷۷۵ ، ۴۳	همی گفت هر کس که این *	۲۰۸۴ ، ۱۳g	همی گفت هو کوند بدست
۶۳ ، ۱۲c	همی گفت هر کس که این *	۳۲۲۰ ، ۱۳g	همی گفت هر گز کس این
۱۹۰ ، ۳۰	همی گفت هر کس که این *	۱۷۴۵ ، ۱۳g	همی گفت هر گونه ای هر
۱۱۱۳ ، ۱۵	همی گفت هر کس که این *	۷۰۱ ، ۱۳b	همی گیو ورهام چون نره
۳۱۳۴ ، ۱۵ ^m	همی گفت هر کس که این *	۲۱۴۸ ، ۱۳g	همی گفت هر موبدی در
۱۹۰۷ ، ۲۰	همی گفت هر کس که بد	۴۶۳ ، ۱۲d	همی گفت همه داستانم ز شاه
۱۸۸۱ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که بودش	۳۲۰ ، ۱۳b	همی گفت هومان چه مرد
۱۴۸۴ ، ۳۵	همی گفت هر کس که بهرام	۲۶۱۷ ، ۱۵	همی گفتی ارباز بینم ترا
۱۹۶۱ ، ۴۳	همی گفت هر کس که پر مایه	۱۳۷۱ ، ۱۳g	همی گفت یکدل پر از داغ
۲۹۶۸ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که تا	۲۴۸۸ ، ۱۲d	همی گفت یکسر بخنجر
۱۱۵ ، ۴۰	همی گفت هر کس که تخت	۵۳۱ ، ۷	همی گل چندنند از لب رود
۳۶ ، ۴۰	همی گفت هر کس که جز نام	۸۲ ، ۱۲	همی گنج بی رنج بگزایدش
۲۰۳۱ ، ۱۳g	همی گفت هر کس که جوید	۱۱۸۶ ، ۱۳g	همی گنگ خوانم بهشت
۶۱۰ ، ۴۳	همی گفت هر کس که خسرو	۱۱۹۷ ، ۳۵	همی گوسفندش بود صد
۱۷۶ ، ۱۴	همی گفت هر کس که درد	۷۴۳ ، ۱۲	همی گوشت کنند این از آن

(*) ستاره در سطر اول بجای « پور شاه » و در دوم و سوم بجای « شهریار »
و در چهارم و یازدهم و دوازدهم بجای « نامدار » و در پنجم بجای « شکفت » و
در ششم بجای « فسوس » و در هفتم بجای « نهاد » و در هشتم بجای « خسرو است »
و در نهم بجای « رستم است » و در دهم بجای « شور بخت » آمده است .

همی مزده دادش که جنگی	۱۰۴۲ ، ۷	همی گوهر افشانی اندر	۲۱۳ ، ۴۳
همی مشتری بارداز فراو	۶۶۶ ، ۲۲	همی گوهر و زعفران	۱۹۱ ، ۱۲b
همی مشتری تابداز فراو	۱۵ ، ۲۰	همی گوید آن روزهر گز	۶۹۵ ، ۱۲c
همی موبدا آورده از هند	۱۰۶۷ ، ۱۳g	همی گوید آن نامور تیز	۵۹۹ ، ۱۳g
همی مویه کردی جداهر	۱۶۹۱ ، ۱۳	همی گوید از آسمان آمدم	۱۰۹ ، ۱۵
همی موج زد خون در آن	۲۳۷۵ ، ۱۵	همی گوید از دخت خاقان	۲۷۴۲ ، ۴۳
همی موشکافی بیپیکان تیر	۸۶۲ ، ۳۵	همی گوید اسپان و گنج	۵۱۸ ، ۱۳g
همی مهرشان هر زمان	۷۲۸ ، ۷	همی گوید اسپم بزرین	۹۶۸ ، ۳۵
همی مهرگان بوید از باد	۱۲ ، ۴۲	همی گوید ای رزم دیده	۷۲۶ ، ۱۳f
همی می چکد گویی از رو	۴۶۱ ، ۳۴	همی گوید این بد تو کردی	۲۳۹ ، ۱۳c
همی می چکد گویی از رو	۶۰۷ ، ۷	همی گوید این لشکر بی	۱۵۸۱ ، ۴۲
همی می چکد گویی از رو	۴۶۶ ، ۳۵	همی گویدت رستم نامدار	۹۵۶ ، ۱۲
همی می خورد بالب شیر بو	۵۷۲ ، ۱۲c	همی گویدش ازدها گیر	۵۳۶ ، ۱۴
همی نام باید که ماند نه	۵۱۵ ، ۲۰	همی گویی از خویشتن	۲۴۸ ، ۱۳f
همی نام ببر بیان خواندش	۱۵۷۶ ، ۱۳b	همی لابه سازی بسان زنان	۱۰۹۳ ، ۱۲e
همین است رای ای گو نام	۷۳۸ ، ۱۲b	همی لب بدندان بنخاید	۵۲۵ ، ۱۳g
همین است رای و همین است	۴۱۹۲ ، ۴۱	همی لختکی سیب هر بامداد	۴۸۳ ، ۲۱
همین است فرجام و آغاز ما	۵۸ ، ۴۲	همی لرز لرزان شده	۱۶۳۴ ، ۱۳b
همین است یکسر سراسر	۱۵۷۸ ، ۷	همی لشکر آراست	۱۲۸۸ ، ۱۳g
همی نالد از مرگ اسفند	۲۵۱۵ ، ۱۵	همی لشکر آمد سه روز و	۹۶۸ ، ۱۳g
همی نام جاوید ماند نه کام	۲۰ ، ۵۰	همی لشکر و کشور آراستی	۷۰۲ ، ۱۵
همی نام جست ازدهان	۹۰۹ ، ۱۲c	همی مادرش را جگرزان	۳۸۰ ، ۴۲
همی نام جستی میان دو	۶۰۵ ، ۱۲e	همی ماند از رستم اودر	۲۹۲۲ ، ۱۵
همی نامه کردم پشاه جهان	۱۲۷۷ ، ۴۲	همی ماهی از آب برداشتی	۳۲۲۳ ، ۱۵
همی نان کشکین فراز آورم	۱۰۰۳ ، ۱۳e	همی محضر ما بیپیمان تو	۲۴۹ ، ۵
همین بد که کردی ترا خود	۲۵۴۱ ، ۱۲d	همی مرترا بند و تنبل	۲۲۷۷ ، ۱۲d
همین بندوز ندانت آراسته	۳۰۹ ، ۱۲b	همی مردگان را پر آری	۲۴۳۳ ، ۳۵
همین بی هنر ترک بد گوهر	۷۸۴ ، ۱۳	همی مردمان را بدوزخ	۳۳۴ ، ۴۰
همین پادشاهی که میوات	۵۱۴ ، ۳۴	همی مرغ و ماهی برایشان	۹۸ ، ۱۳b
		همی مزده دادش بدیدار	۱۶۵۷ ، ۷

همی هر چه باید بخواهد	۲۰۱ ، ۱۳g	همین پور فرخنده زال دلیر	۱۶۳۰ ، ۷
همی هر دو ان زار بگری	۲۱۹۷ ، ۱۳g	همین پیشه خوانی ز پیشه چه	۷۹ ، ۱۷
همی هر زمان اسپ بر	۳۱۸۳ ، ۴۳	همین جای کشت و همین جا	۱۱۸۸ ، ۱۳g
همی هر زمان بر فزایی	۳۲۴ ، ۴۳	همین چرخ گردان بر او	۲۶۵ ، ۱۹
همی هر زمان تیز و جوشان	۹۱۲ ، ۱۲e	همین چرخ گردنده باهر	۱۰۴۸ ، ۱۳g
همی هر زمان رزم شد تیز	۱۶۶۸ ، ۱۳	همین خواست دارا پس از	۲۹۷ ، ۱۹
همی هر زمان زار بگری	۱۲۴۳ ، ۶	همین خواسته بر هیونان	۹۰۹ ، ۱۳c
همی هر زمان شاه بر تر	۳۷۸۵ ، ۴۳	همین رسم و این نامه بنهید	۱۲۶ ، ۴۱
همی هر زمانش فزون بود	۳۲۷۶ ، ۴۳	همین رنج بر خویشتن بر	۱۷۳۹ ، ۱۳g
همی هر زمان نو کند لشکر	۲۶۴ ، ۲۰	همین روزه پاک یکشنبیدی	۳۴۵۵ ، ۴۳
همی هر کسی خواندند	۵۸۳ ، ۲۱	همی نشکنم تا بما نم بجای	۴۹۸ ، ۲۰
همی هر کسی داستاها	۳۵۵۸ ، ۱۵	همی نشنوی پند و چندین	۷۳۱ ، ۴۲
همی هر کسی در شکفتی	۳۰۵۳ ، ۱۳g	همی نعل اسپان سر کشته	۹۸۶ ، ۱۳g
همی هر یکی گفت شاهی	۳۹۲ ، ۲۴	همین کار در آستین برهنه	۲۷۰۹ ، ۴۳
همی همچو رو باه بند آور	۱۴۷۱ ، ۱۳c	همین کارزار شبیخون	۵۶۵ ، ۴۳
همی یا بداندر میان دیو	۳۰۶۵ ، ۱۵	همین کزهوا سوی دریا	۱۱۶ ، ۱۳d
همی یاد دار این سخن های	۴۴۷ ، ۲۰	همین کودک از پشت آن	۲۵۴ ، ۱۲e
همی یاد کرد از گناه و	۴۰۶ ، ۴۴	همین گویش از گفته هایک	۲۰۴۰ ، ۷
همی یاد نایدش خون پدر	۱۳۹۸ ، ۱۳g	همین مایه از بهر فرزندرا	۹۵۶ ، ۳۵
همی یافت از مهر ان ارج	۱۰۶۱ ، ۱۵	همین مه که با میوه و بوی	۲۹۹ ، ۳۵
همی یزد گردشهنشاه را	۶۴۴ ، ۵۰	همی ننگ این بگذرد بر	۱۵۹ ، ۱۳d
هنر آنکه آموزی از هر	۱۴ ، ۱۳	همی ننگش آمد که گفتی	۱۱۳ ، ۱۸
هنر آنکه اندر جهان سر	۳۲۳۰ ، ۱۵	همی نوبهر بامدادی پگاه	۱۷۱۱ ، ۳۵
هنر با خورد در دل مرد تنند	۱۱۱۴ ، ۱۳	همی نو و واریش پنداشتند	۱۱۲۴ ، ۱۵
هنر با خورد نیز بیش از	۱۲۰۵ ، ۱۲d	همین نیز کام دنیا بدرها	۴۷۱ ، ۱۲
هنر با نژادست و با گوهر	۱۰ ، ۱۳	همی نیزه بر گاشت بر گرد	۵۸۸ ، ۱۳f
هنر یا بد از مرد موزه	۴۳۲۶ ، ۴۱	همی نیزه بر منقر آبدار	۲۵۸ ، ۵۰
هنر یا بد و گوهر نامدار	۲۳۴ ، ۱۲e	همی نیزه بودی بچنگش	۳۸۷ ، ۱۳
هنر بر گهر نیز کرده	۲۰۴۲ ، ۱۲d	همی نهی از روز لشکر	۱۴۵۷ ، ۱۳b
هنر بهتر از گفتن نابکار	۱۹۸۶ ، ۳۵	همی ویژه در خون لشکر	۱۶۲۹ ، ۱۵
هنر بهتر از گوهر نامدار	۴۸۴ ، ۱۲e		

هنرها ز دیدار او بگذرد	۳۴۱ ، ۱۴	هنر بهتر از گوهر نامدار	۴۹۴ ، ۴۳
هنرها ز یزدان نبینی	۱۴۱۷ ، ۴۲	هنر بیش بینی ز گفتار	۳۴۱۲ ، ۱۵
هنرهاش گسترد اندر	۱۱۷۱ ، ۴۱	هنر بین و این نامور گوهر	۳۱۷۵ ، ۱۵
هنرها کنون کرد باید	۱۲۱۱ ، ۱۳e	هنر پرور و راد و بخشنده	۳۴۳۱ ، ۴۳
هنرها که باشد کیان را	۱۲۵ ، ۱۸	هنر تان بدیباست پیراستن	۲۰۵ ، ۵۰
هنرها که بدیادش را بکار	۶۴۲ ، ۶	هنر جوید و هم پیچد	۲۰۵۲ ، ۴۱
هنرها که بنمودمان شهر-	۲۰۵۳ ، ۴۱	هنر جوی و بامرد دانا	۳۹۵۶ ، ۴۱
هنرها و دانش ز دیدار	۱۵۸۱ ، ۱۲d	هنر جوی و تیمار بیشی	۱۱۲۸ ، ۴۱
هنرها و مردی بجای آورد	۲۶۱۴ ، ۱۲d	هنر خوار شد جادوی ارج	۴ ، ۵
هنرها همه نیست نزدیک	۱۴۶۵ ، ۱۳	هنر خود بد و بودش آموز	۱۸۷۵ ، ۷
هنرها همه هست و آهو	۹۶۲ ، ۷	هنر خود دلیر است بر جای	۲۸۰ ، ۶
هنرهای رستم بگرد جهان	۹۷۰ ، ۱۲c	هنر دارد و خواسته ، هم	۷۵۴ ، ۱۳
هنرهای شاهانش آموختم	۴۲۹۳ ، ۱۵	هنر در جهان از من آمد	۷۵ ، ۴
هنرهای ما شاه داند	۷۴ ، ۳۴	هنر زان همی خویشان را	۴۱۴ ، ۴۳
هنرهای مردان بر روز نبرد	۲۷۷ ، ۱۳b	هنر زیر افسوس پنهان	۱۱۸۱ ، ۴۲
هنر هر چه بگذشت بر	۱۱۹ ، ۳۴	هنر کم شود ناسپاسی بجای	۲۵۳۳ ، ۱۳g
هنر هست و مردی و تیغ	۱۲۰۹ ، ۷	هنر کن پیش سواران	۱۴۴۰ ، ۱۲d
هنر هم خرد هم بزرگیم	۵۸۱ ، ۳۴	هنر کی بود تا نباشد گهر	۱۱ ، ۱۳
هنر یافته مرد جنگی	۵۵۸ ، ۱۳g	هنر گیر و این شاه خرم نهان	۵۵ ، ۳۴
هنوز آن پسر گاه آرایش	۱۲۲۶ ، ۱۳	هنر مردمی باشد و راستی	۴۰۶ ، ۱۳c
هنوز آن زمان کفشگر	۳۳۱ ، ۳۵	هنر مند با مردم بی هنر	۸۴ ، ۴۳
هنوز آن زمان گسته خرد	۲۷۸ ، ۱۲c	هنر مند جمهور و فرهنگ	۲۹۰۲ ، ۴۱
هنوز آن سپید ز مادر	۱۰ ، ۵	هنر مند را خلعت آراستی	۳۰۹ ، ۲۲
هنوز آن سر تیغ دستان	۳۹۶ ، ۱۳e	هنر مند را شاد و نزدیک	۴۵۶۷ ، ۴۱
هنوز آن کمر بند نکشاده	۲۶۵ ، ۸	هنر مند کز خویشان در	۲۵۷۹ ، ۴۱
هنوز آن گرامی نداند که	۵۶۷ ، ۱۲c	هنر مند گر مردم بی هنر	۴۵۱۹ ، ۴۱
هنوز آن گرانمایه بیدار	۱۰۴۳ ، ۴۱	هنر مند و بادانش و با نژاد	۹۲۱ ، ۱۳c
هنوز آن نیاز دل و جان	۵۶۹ ، ۱۲c	هنر مندی و رای و پرهیز	۲۹۴۸ ، ۴۱
هنوز آهنی نیست ز نکار	۴۸ ، ۸	هنر نزد ایرانیان است	۲۲۷۴ ، ۳۵
هنوز از بدی تا چه آیدت	۱۲۰۹ ، ۱۳	هنرها پیاموختی سر بسر	۹۳ ، ۱۲d
هنوز از دهن بوی شیر	۲۳۷ ، ۱۲c		

هوا شد چنانچون پرند	۲۱۰۹ . ۱۳f	هنوز ازابت شیر بوید	۵۰ . ۱۰
هواشد ز بس پرتیانی	۱۱۰۳ . ۱۳b	هنوز اندر آوردن بسودمش	۱۱۰۰ . ۶
هواشد ز گرد سپاه آبنوس	۳۲۹۰ . ۴۱	هنوز اندر این بد که گرد	۷۷ . ۱۴
هواشد ز گرد سواران سیاه	۶۴۱ . ۱۳g	هوا با جوایشان برابر	۷۵۸ . ۲۰
هوا شد سیاه و زمین نیل	۹۲ . ۱۳f	هوا پاک کرده ز پرنندگان	۱۲۵۴ . ۷
هوا گشت از آنسان که از	۴۳۲ . ۱۳b	هوا پر خروش و زمین پر	۲۵۰۲ . ۱۵
هوا گشت از نیزه چون	۹۳ . ۱۲b	هوا پر ز آواز را مشکران	۲۴۷۲ . ۱۵
هوا گشت چون چادر آبنوس	۹۸۴ . ۱۳g	هوا پر زابر و زمین پر	۱۹۷۶ . ۱۳g
هوا گشت چون چادر نیل	۱۶۶۶ . ۱۳g	هوا پر ز تیر و زمین پر	۱۹۴۵ . ۱۳g
هوا گشت چون روی	۶۹۶ . ۱۳c	هوا پر شد از تیرهای	۱۰۳۲ . ۱۳
هوا گشت سرخ و سیاه و	۱۰۴۷ . ۱۲	هوا پر شد از جوش و گرد	۲۰۳۳ . ۴۱
هوا گشتی از گرز واز	۳۷۳ . ۱۳b	هوا پود شد برف چون	۱۹۸۹ . ۱۵
هوا گشتی از نیزه چون	۹ . ۱۲b	هوا تیره فام و زمین تیره	۳۶ . ۳
هوا نیلگون شد زمین	۷۶۴ . ۱۲c	هوا تیره گشت از فروغ	۳۲۵ . ۱۳b
هوا همچو ابر بهاران	۳۷۲ . ۱۳c	هوا چون سرشک قلم کرد	۲۲۰۳ . ۴۱
هیون از بر ماه چهره	۱۹۶ . ۳۴	هوا خوشگوار و زمین پر	۳۲ . ۱۲
هیونان بسیار و افکنندی	۱۰۰۴ . ۱۳c	هوا خوش گوار و زمین پر	۲۴۶۱ . ۱۵
هیونان بهیزم کشیدن	۵۱۷ . ۱۲d	هوا خوشگوار و زمین خوب	۱۷۴۹ . ۱۲d
هیونان پر بار چون سه	۱۶۰۷ . ۱۵	هوا دم کر گس شد از پر	۹۶ . ۳۹
هیونان فرستاد چندی	۲۱۸۶ . ۱۳g	هوا را بیوشید پر عقاب	۷۱۲ . ۱۳c
هیونان کفک افکن بادهای	۱۲۴۶ . ۱۲e	هوا را تو گشتی همی بر	۹۶۶ . ۶
هیونان کفک افکن تیزرو	۲۴۱۰ . ۱۵	هوا را دهان خشک چون	۱۶ . ۳۸
هیونان کفک افکن و بادیا	۱۶۰۲ . ۳۵	هوا راست گردد نه گرم و	۱۲۹۲ . ۳۵
هیون بر نشستند و اسپان	۵۴ . ۳۰	هوا را مبر پیش رای	۱۵۴۵ . ۴۱
هیون تکاور بر آورد هر	۱۸۴ . ۸	هوا را آمده چیرگی بر خرد	۹۸۷ . ۴۱
هیون تکاور ز در باز گشت	۲۴۳۵ . ۱۵	هوا روشن از بار و ر بنخت	۲۵ . ۲۰
هیون خواست از هر سوی	۲۴۴۱ . ۱۵	هوا روشن از مایه و ر بنخت	۶۷۵ . ۲۲
هیون را سوی جفت دیگر	۱۸۹ . ۳۴	هوا زین جهان بود شبگون	۵۰۸ . ۱۵
هیونی بپیران فرستاد زود	۵۸۶ . ۱۳b	هوا سر بسر سرخ و زرد	۱۳۵۴ . ۱۳
هیونی بتازید تار زمگاه	۶۲۷ . ۱۵	هوا سر گشته ز نکار	۹۱۲ . ۱۳f
		هوا سرخ و زرد و کبود و	۵۰۴ . ۱۳

هیونی تکاور بر زال سام	۶۷ . ۱۲	هیونی بر افکند پویان	۱۲۴۲ . ۳۵
هیونی ز کرمان پیامد دمان	۲۹۹ . ۱۹	هیونی بر افکند تازی	۱۰۷۴ . ۴۳
هیونی ز نزدیک افراسیاب	۱۸۹۳ . ۱۲d	هیونی بر افکند مرد دلیر	۱۷۰۰ . ۷
هیونی سرافراز و مردی	۳۸۷ . ۲۲	هیونی بر افکند نزد گراز	۸۷ . ۴۵
هیونی فرستاد بر سان باد	۳۲۴ . ۱۹	هیونی برون آمد از تیره	۵۶۶ . ۶
هیونی فرستاد نزدیک	۴۴۱ . ۱۳c	هیونی برون تاختند آن	۹۱۹ . ۱۳f
هیونی فرستاد و بگنارد	۳۳۶ . ۶	هیونی بگردار باد دمان	۱۲۵ . ۱۳b
هیونی فرستاد هنگام	۱۵۱ . ۱۳b	هیونی بیاراست کاوس	۱۰۵۳ . ۱۲d
هیونی فرستم با فراسیاب	۲۹۶ . ۱۳c	هیونی پیامد به رسودوان	۴۰۷ . ۳۰
هیونی فرستم نزدیک	۵۰۱ . ۱۳b	هیونی پیامد هم آنکه	۱۳۷۳ . ۴۲
هیونی که بود اندر آن	۲۰۲۰ . ۱۵	هیونی تکاور بر افکند	۴۲۴ . ۴۲
		هیونی تکاور برانگیختند	۱۸۳۸ . ۷



حرفی

یکایک بخسرو نهادند روی	۱۸۳۸ ، ۴۲	یقین دان که کاری که دارد	۴۹۰ ، ۱۲c
یکایک بدادند پیغام شاه	۳۷۷ ، ۴۴	یک از دیگر استاد آنگاه	۱۰۸۷ ، ۱۲c
یکایک بدانست و پرسید	۳۳۴ ، ۲۱	یک از گردش آسمان بلند	۲۶۸۵ ، ۴۱
یکایک بدشمن سپردند	۱۵۹۴ ، ۱۳	یک امروز با کام دل می	۹۸۱ ، ۱۳b
یکایک بدستان رسیده آگهی	۱۷۷۸ ، ۷	یک امروز با ما بباید	۲۲۹ ، ۱۳d
یکایک بر آمد ز جای و نشست	۵۳۵ ، ۶	یک امروز بنگر بر این	۱۶۱۵ ، ۱۳b
یکایک بر آن رایشان شد	۶۶۴ ، ۶	یک امروز چون شیر جنگ	۱۵۶۱ ، ۱۳
یکایک بر آویخت با گیو	۱۵۷۳ ، ۱۳	یک امروز در جنگ یاری	۱۳۳۲ ، ۱۳b
یکایک برادر بنخواهر	۳۲۶۰ ، ۴۳	یک امروز در کار جستی	۱۰۹۱ ، ۱۲
یکایک بر این کار بر ساختند	۴۴۴ ، ۱۲b	یک امروز رای پلنگ	۳۷۸ ، ۱۲e
یکایک بر این کوه وز می	۱۲۴۹ ، ۱۲b	یک امروز مهمان من باش	۱۴۲ ، ۳۵
یکایک بر زاد فرخ شدند	۴۲۲۶ ، ۴۳	یک امسال با مرد بر فنا	۴۲۲۸ ، ۴۱
یکایک بر او بر شمر هر چه	۱۱۳۷ ، ۱۲d	یک امشب بعی شاد داریم	۷۵ ، ۱۲c
یکایک بر او گسته دست	۲۳۲۹ ، ۱۳f	یک امشب زخم رای با	۵۵۳ ، ۱۳c
یکایک بروی اندر آریم	۱۷۷۰ ، ۱۳f	یک امشب شمارا نباید	۸۲۳ ، ۱۲c
یکایک بسا لار اشکر بگفت	۱۸۸ ، ۱۷	یک امشب گشاده مدارید	۱۱۳۷ ، ۱۳b
یکایک بگشتند گرد سر	۴۱۸۶ ، ۴۳	یکایک از ایران بر آمد	۲۰۳ ، ۴
یکایک بگفت آنچه را	۱۵۴۷ ، ۴۲	یکایک ازو بخت برگشته	۱۵۴ ، E
یکایک بگفتند با او همه	۱۲۰ ، ۴۴	یکایک بایران رسیده آگهی	۲۲ ، ۱۰
یکایک بمرد گرانمایه	۷۲۲ ، ۶	یکایک ببردند پیشش نماز	۲۷۲۳ ، ۱۳g
یکایک بنزد فریدون شویم	۲۶۳ ، ۵	یکایک بپرف اندرون ماند	۳۲۰۹ ، ۱۳g
یکایک بنوبت همی بگذریم	۵۸۹ ، ۳۵	یکایک ببین تا چه خواهی	۳۷۰۸ ، ۴۳
یکایک بنه در پس پشت	۲۹۷۲ ، ۴۳	یکایک بپرسید باره نمون	۲۹۶۳ ، ۴۱
یکایک بویدش نماینده	۴۶۸۳ ، ۱۵	یکایک بپرسید و بنواخت	۲۷۲۱ ، ۱۳g
یکایک بهار است با دیو	۳۹ ، ۳	یکایک بپهچید از بر تهروی	۱۹۷۵ ، ۱۳f
یکایک بیاریم و سازیم	۱۳۸۷ ، ۲۰	یکایک بتخت مهی بنگرید	۷۱ ، ۴
یکایک بیامد خجسته سر و ش	۳۰ ، ۱		
یکایک پذیرفت گفتار	۴۷۳ ، ۱۳		
یکایک تبه کردشان بی	۶۶ ، ۴۲		
یکایک چو آیند هم در	۱۳۴۲ ، ۴۳		

۲۳۴۰ ، ۴۱	یکایک همی خواندند	۱۰۱۰ ، ۶	یکایک جواز جنگ بر-
۲۳۱۷ ، ۴۱	یکایک همی خواندند	۲۲۳ ، ۴	یکایک چو گویی که گسترد
۲۱۰ ، ۳۴	یکایک همی راند اندر	۱۶۷۷ ، ۱۳۴	یکایک چو نزدیک خسرو
۱۸۰۵ ، ۱۲d	یک ونیم فرسنگ بالای	۱۵۰ ، ۱۳d	یکایک خروشیدن آمد
۱۴۱۹ ، ۲۰	یکی آبگیرست از آن سو	۱۰۷۱ ، ۳۵	یکایک دل مرد گوهر
۳۴۹ ، ۱۳c	یکی آتش آمد ز چرخ	۲۷۲ ، ۱۰	یکایک ربودی سواران
۱۸۶۲ ، ۱۵	یکی آتش از تارک گرگ	۶۵ ، ۶	یکایک زایران سراندر
۲۴ ، ۱۸	یکی آتش افروخت از تیغ	۲۹۱ ، ۵۰	یکایک ز بغداد بیرون
۷۱۵ ، ۱۵	یکی آتش اندازم اندر	۴۵۷ ، ۱۳e	یکایک زدوراسپ بیژن
۴۱ ، E	یکی آتشی بر شده تابناک	۱۹۶۸ ، ۴۲	یکایک زدیده بشتند
۳۹۴۸ ، ۱۵	یکی آتشی خوب درخواست	۴۷۰ ، ۱۲e	یکایک ز هر سو بچنگ
۱۵۴۲ ، ۴۳	یکی آتشی داند اندر هوا	۹۹۵ ، ۱۳e	یکایک سخن گرد ازو
۴۱۲ ، ۲۱	یکی آتشی دید بر سوی	۳۱۲ ، ۱۲b	یکایک سخن نزد رستم
۴۵۵ ، ۳۵	یکی آتشی دید تابان ز	۷۹۴ ، ۱۲c	یکایک سرانرا نگه کرد
۲۲ ، ۱۴	یکی آذری ساخت بر زمین	۹۰۶ ، ۱۴	یکایک سرانرا همه هدیه
۲۶۶۰ ، ۱۳g	یکی آرزو خواست روشن	۱۰۱۴ ، ۱۲b	یکایک سواران پس اندر
۳۵۳۸ ، ۴۱	یکی آرزو خواهم از شهر	۴۱۷ ، ۳۵	یکایک سوی ده نهادند
۵۴۴ ، ۴۲	یکی آرزو خواهم از شهر	۱۲۰۷ ، ۱۲c	یکایک سوی زابلستان
۳۴۴۶ ، ۴۳	یکی آرزو خواهم از شهر	۸۶۰ ، ۶	یکایک طلایه بیامد قباد
۲۴۴۷ ، ۴۳	یکی آرزو خواهم از نام	۱۵۴ ، ۳۹	یکایک فرستید نزدیک
۸۱۴ ، ۱۳b	یکی آرزو دارد از شهر	۱۰۷۲ ، ۱۲c	یکایک نزادت مرا یاددار
۱۲۹۹ ، ۷	یکی آرزو دارد اندر	۸۶۷ ، ۱۲c	یکایک نشانی بمن بر نما
۸۰۰ ، ۱۳b	یکی آرزو دارم اندر	۱۸۹۳ ، ۷	یکایک نهادند سر بر زمین
۲۵۹۸ ، ۱۳g	یکی آرزو دارم اندر	۵۰ ، ۵	یکایک همان گرد کهنتر
۳۰۴۲ ، ۱۵	یکی آرزو دارم ای	۱۳۷۵ ، ۷	یکایک همه پیش سام آورد
۲۴۳۰ ، ۴۳	یکی آرزو زو بخوام	۲۵۵ ، ۷	یکایک همه سام با او بگفت
۱۳۰۰ ، ۷	یکی آرزو کان بیزدان	۲۸۳۱ ، ۴۳	یکایک همه کار او باز
۴۳۱۷ ، ۴۱	یکی آرزو کرد موزه	۵۳۶ ، ۱۲e	یکایک همه نام و کین توخت
۹۹ ، ۱۳d	یکی آرزو کن که تا از	۱۲۶۱ ، ۶	یکایک همی پروری شان
۱۱۴۲ ، ۴۲	یکی آزمونرا بدو گفت	۱۱۳۹ ، ۲۰	یکایک همی خواندند

یکی آسیا بود بر رهگذر	۸۴۲ . ۵۰	یکی آنکه گفتی که ایران	۳۶۷ . ۱۹
یکی آسیا دید در پیش	۴۵۷ . ۳۵	یکی آنکه گفتی زمانه	۳۹۰۴ . ۴۱
یکی آسیاسنگ را در بود	۷۳۵ . ۱۲	یکی آنکه گفتی شمار سپاه	۱۱۸۲ . ۴۲
یکی آفرین خاست از	۱۳۶۷ . ۴۲	یکی آنکه گفتی کشم	۷۶۸ . ۴۲
یکی آفرین خواند بر زال	۹۷ . ۱۰	یکی آنکه گفتی که کین	۲۴۲۲ . ۱۵
یکی آفرین کرد بر سار	۱۷۸ . ۱۴	یکی آنکه من با تو جنگ	۳۰۸۰ . ۱۵
یکی آفرین کرد بر سام	۱۱۹۲ . ۷	یکی آنکه ناپاک خون پدر	۳۲ . ۴۴
یکی آفرین کرد بر شهر	۲۴۸۰ . ۴۱	یکی آنکه نر ازدهارا	۶۱۹ . ۱۴
یکی آفرین کرد بوزر جمهر	۱۳۷۳ . ۴۱	یکی آنکه هر کس که از	۲۷۹ . ۱۳c
یکی آفرین کرد پر مایه	۶۷۴ . ۱۲d	یکی آنکه هستی اوراز	۲۰۲۳ . ۲۰
یکی آفرین کرد و بر پای	۱۱۱۶ . ۴۱	یکی ابر بست از بی گرد	۱۲۰ . ۱۳b
یکی آگهی یافتم ناپسند	۱۸۹۷ . ۴۱	یکی ابر دارم بچنگ	۷۲ . ۱۰
یکی آنکه از بخشش داد	۴۷۴ . ۲۲	یکی اختری کرد از آن	۵۷۳ . ۴۲
یکی آن که از تخمه کیقباد	۱۳۴۸ . ۱۲d	یکی ارجمندی بود گشته	۸۴۷ . ۴۱
یکی آن که از نامداران	۲۴۵ . ۱۳f	یکی از برش سرخ دیبای	۳۵۷۸ . ۴۳
یکی آنکه امروز من کاهلم	۱۴۱۰ . ۱۳c	یکی از بزرگان مازندران	۹۲۱ . ۱۲
یکی آنکه اندیشد از	۲۶۴۶ . ۴۱	یکی از دلیری دوم از	۱۲۹۱ . ۱۲c
یکی آنکه باشم و با	۵۶۸ . ۴۴	یکی ازردان نامش آزاد	۱۰۲۱ . ۴۱
یکی آن که بر تو چنین	۱۱۷ . ۱۲c	یکی از شما سوی لشکرش	۶۴۲ . ۱۳c
یکی آنکه بر خور یان شاه	۱۳۳ . ۱۳g	یکی از شما گر کنم من	۲۹۸۹ . ۴۱
یکی آنکه بردست گنجور	۸۷ . ۴۱	یکی از فزونی دل آراسته	۱۴۳۶ . ۷
یکی آنکه پیروز گر باشد	۶۶۲ . ۳۰	یکی از یلان پیش منهد	۳۱۸۷ . ۴۱
یکی آنکه پیمان شکستن	۱۴۷ . ۱۱	یکی ازدها بر سر تیغ کوه	۵۴۰ . ۱۴
یکی آنکه ترسد دشمن	۱۲۴۱ . ۴۱	یکی ازدها بود بر خشک	۲۱۴۷ . ۳۵
یکی آنکه تندست و هشیار	۶۵ . ۱۳b	یکی ازدها پیشت آید دزم	۱۷۶۳ . ۱۵
یکی آنکه خاقان چین را	۱۳۸۱ . ۴۲	یکی ازدها فتن در فشی سیاه	۱۲۹۲ . ۱۳c
یکی آنکه داماد قیصر	۳۲۲ . ۱۴	یکی ازدها گشت و دیگر	۸۸ . ۱۲b
یکی آنکه داور بود	۱۴۶۹ . ۴۱	یکی ازدها بست زان سوی	۱۲۷۴ . ۲۰
یکی آنکه شبگیر هر بامداد	۶۱ . ۴۳	یکی اسپ آسوده تیز رو	۶۸۴ . ۱۵
یکی آنکه کین خسرو از	۴۱۸ . ۱۳f	یکی اسپ باید مرا گام زن	۲۰۰۰ . ۱۲c

یکی باد باتیره گرد سیاه	۲۶۳۶ . ۱۲d	یکی اسپ پرمایه تاوان	۱۸۷۹ . ۳۵
یکی باد برخاست از رزم	۳۷۳ . ۱۲e	یکی اسپ تازی بزرین	۹۴۷ . ۱۲d
یکی باد برخاست پس	۳۶۲ . ۲۱	یکی اسپ جنگیش باید	۴۱ . ۱۰
یکی باد برخاست و گرد	۱۸۵۲ . ۴۱	یکی اسپ خواهم کجا گرز	۹۸ . ۱۰
یکی باد برخاستی پرز گرد	۷۷۸ . ۱۲d	یکی اسپ دارد نکونسار	۵۴۴ . ۱۳e
یکی باد رنگ و یکی با	۱۵۹۴ . ۱۳g	یکی اسپ رهوار زیر	۴۵۳ . ۱۲b
یکی باد سارست و داماد	۹۳۸ . ۲۰	یکی اسپ زرین ستام	۱۲۶۵ . ۱۲d
یکی باد سارست و ناپاک	۲۴۷۴ . ۱۳f	یکی اسپ فرما و گرز	۳۳۵ . ۱۳e
یکی باد سرد از جگر	۱۶۶ . ۱۴	یکی اسپ مرهر یکی را	۶۵۳ . ۸
یکی باد گر گفت کاین	۳۴۰ . ۱۱	یکی استواری فرستاد شاه	۱۳۲ . ۴۲
یکی باد ناخوش ز روی	۳۷۱ . ۱۳g	یکی اشتری زیر تابوت	۴۱۹۱ . ۱۵
یکی باد نوشین درود	۷۶۲ . ۱۳e	یکی افسر خسروی بر سرش	۵۴۸ . ۵۰
یکی باد و ابری در آن	۷۹۹ . ۱۳g	یکی افسری خواست از	۲۸۶۸ . ۴۱
یکی باد و ابری بر آمد	۱۸۵۷ . ۱۵	یکی انجمن باید از	۳۷۰۳ . ۴۱
یکی بار دست من اندر	۱۱۹۰ . ۱۳b ^e	یکی انجمن ساخت از	۸۳۵ . ۱۲d
یکی بار که ساخت روزی	۲۰۲۲ . ۴۱	یکی انجمن ساخت از	۴ . ۱۶
یکی بارگی بر نشسته	۵۳۴ . ۱۲d	یکی انجمن ساخت با	۱۷۳ . ۱۲b
یکی بارگی ساختند آهنین	۶۰۲ . ۲۰	یکی انجمن کرد از	۶۰۰ . ۲۰
یکی باره از آب بر کش	۳۲۳ . ۴۱	یکی انجمن کرد با	۳۰۱ . ۵۰
یکی باره افکنند از اینگونه	۱۱۳۲ . ۱۳c	یکی انجمن کرد خاقان	۱۰۹۱ . ۱۳b
یکی باره ای بر نشسته	۵۲۳ . ۱۵	یکی انجمن کرد ز ایرانی	۶۱۸ . ۱۲d
یکی باره ای بر نشسته	۳۶۹ . ۱۳	یکی انجمن کرد قیصر	۲۴۰ . ۱۴
یکی باره ای کرد کرد	۵۰۹ . ۲۱	یکی انجمن کردم از	۴۰۹ . ۶
یکی باره ای گردش اندر	۳۵۹ . ۴۱	یکی انجمن کرد و بکشاد	۲۹۸ . ۱۳c
یکی باره باید بزرش	۱۶۳ . ۱۴	یکی انجمن لب پراز	۱۴۲۷ . ۴۱
یکی باره باید چو کوه	۷۸ . ۱۰	یکی انجمن مرد پیدا	۲۳۴ . ۱۴
یکی باره بردند هم در	۱۸۹۵ . ۴۳	یکی اندر آیدد گر بگذرد	۹۸۶ . ۷
یکی باره پیشش ببالای	۸۹۲ . ۱۲c	یکی اندر آیدد گر بگذرد	۳۹۵۴ . ۴۳
یکی باره تیز تک بر	۱۱۵۳ . ۱۳	یکی اندر آید و شگفتی	۲۷۴۵ . ۱۲d
یکی باره تیز تک بر	۲۶۰ . ۳۵	یکی با خرد پیر کردم	۴۴۰ . ۳۵

یکی بانگ برزد بزیر	۲۱۸۴ ، ۱۵	یکی باره تیز رو بر	۲۱۲۳ ، ۴۳
یکی بانگ برزد بکیواز	۶۲۳ ، ۱۲c	یکی باره خوب وزرین	۱۹ ، ۸۰
یکی بانگ برزد پیشش	۱۱۴۹ ، ۱۲e	یکی باره در زیر دارد	۶۹۵ ، ۱۳
یکی بانگ زد سوی کار	۸۸۸ ، ۱۳f	یکی باره گام زن بر نشین	۲۳۹۵ ، ۱۲d
یکی بانگ زد تند بر	۱۲۱۸ ، ۱۲e	یکی باره گام زن خواست	۲۸۵۱ ، ۱۲d
یکی بت پرست و دگر	۳۸۹۸ ، ۴۱	یکی باره و گرزو بر گستو-	۵۴۹ ، ۱۴
یکی بچه بد چون گوی	۱۸۱۸ ، ۷	یکی باز بودش بدست	۵۰۸ ، ۱۲e
یکی بچه بودش چو گرگ	۲۵ ، ۱	یکی باز پرسش که باشم	۱۶۲۴ ، ۲۰
یکی بچه فرخ آمد پدید	۷۵ ، ۱۲d	یکی با سیاوش نبرد آورد	۲۰۸۲ ، ۱۲d
یکی بد بدست یل اسفندیار	۳۶۷۴ ، ۱۵	یکی با شمانهز پیمان کنم	۵۸۵ ، ۳۴
یکی بد برادر مراین	۲۹۱۵ ، ۴۱	یکی با فرستاده شمشیر	۳۶۳۴ ، ۴۱
یکی بدره آکنده اورا	۱۰۱۹ ، ۴۱	یکی باغ بدره میان سپاه	۱۰۸۷ ، ۴۲
یکی بدره باهر یکی بار	۱۰۱۵ ، ۴۱	یکی باغ پیش اندر آمد	۸۰۹ ، ۳۵
یکی بدره بردند نزدیک	۶۶۰ ، ۳۵	یکی باغ خوش بودش اندر	۲۰۳ ، ۲۲
یکی بدره دینار واسپی	۲۷۹۴ ، ۴۱	یکی باغ دیدم سراسر	۱۰۶۷ ، ۱۵
یکی بدره دینار واسپی	۴۷۸ ، ۲۰	یکی با گهر بود نامش	۶۶۸ ، ۲۰
یکی بدسکال و یکی ساده	۱۰۶۸ ، ۶	یکی با گهر بود و با گنج	۴۵ ، ۱۲b
یکی بد کجا نام او جان	۱۹۵۳ ، ۴۳	یکی با من اکنون با آورد	۵۰۱ ، ۱۳f
یکی بد کند نیک پیش	۲۶۴۰ ، ۱۲d	یکی با من ایدر باین	۵۵۱ ، ۱۳f
یکی بر خروشید بهرام	۸۴۶ ، ۴۲	یکی بانگ برزد ببیدادگر	۹۷۶ ، ۶
یکی بر خروشید چون	۸۳۲ ، ۱۲c	یکی بانگ برزد ببیدادگر	۹۷۹ ، ۶
یکی بر خروشه د کای بد	۴۹۴ ، ۱۳f	یکی بانگ برزد ببیدادگر	۹۸۳ ، ۶
یکی برداز آن سنگ و	۱۵۰۰ ، ۲۰	یکی بانگ برزد بیژن	۱۱۵۸ ، ۱۳
یکی برز بالا بود زور مند	۱۵۰۹ ، ۷	یکی بانگ برزد بیژن	۱۶۳۰ ، ۱۳
یکی برز کوه است از ایدر	۵۳۹ ، ۱۴	یکی بانگ برزد بنخواب	۵۵ ، ۵
یکی بر فراز و یکی در	۱۴۳۵ ، ۷	یکی بانگ برزد بدان	۲۶۶ ، ۳۵
یکی برف و سرما و باد دمان	۴۰۷ ، ۱۳b	یکی بانگ برزد بدو	۹۶۵ ، ۲۰
یکی بر کشیده خط از یال	۳۱ ، ۱۳d	یکی بانگ برزد بر آنکس	۱۶۹۶ ، ۴۲
یکی بر گرایید رستم	۱۰۱۵ ، ۱۲	یکی بانگ برزد بر اندش	۷۵۶ ، ۱۲d
یکی بر گراییدش اندر	۱۶۰۸ ، ۷	یکی بانگ برزد بر او	۱۰۳۱ ، ۴۱

یکی بود دستار در زیر	۱۴۷ . ۳۵	یکی برگزین از میان	۵۴۶ . ۱۳f
یکی بود مهتر کتابون	۲۳۲ . ۱۴	یکی برگزین جایگاه	۷۳۱ . ۱۳f
یکی بورا برش پیشش	۱۲۹۵ . ۱۳c	یکی برگزیند که نامی	۲۱۸۰ . ۴۱
یکی بوستان بود اندر	۳۶۳ . ۱۲c	یکی برنگردیم از این	۲۶۸ . ۱۳g
یکی بومهن خیزد از	۱۵۳۸ . ۷	یکی بر نهاده ز پیروزه	۱۳۱۳ . ۱۲d
یکی بهره زو بهره پادشا-	۱۲۶ . ۴۳	یکی بزم جوید دگر رزم	۳۱۱۱ . ۱۵
یکی بهره زیشان فرستم	۹۴۸ . ۱۳d	یکی بزم خرم بیاراستند	۸۴ . ۱۲c
یکی بهره زیشان میان	۲۲۷۰ . ۱۵	یکی بزم سازم بهر کشور	۲۲۰۵ . ۱۵
یکی بی زیان مرد آهنکرم	۲۳۱ . ۵	یکی بزم سام آنکهی ساز	۱۷۵۳ . ۷
یکی بیژن گیو و دیگر	۱۰۹۵ . ۱۳c	یکی بزم مگه است گفتی	۹۰۵ . ۶
یکی بیژن گیو و رهام گرد	۱۴۳ . ۱۳g	یکی بزم مگه ساخت با	۲۸۵ . ۲۲
یکی بیشه ای دید پر گوسفند	۹۱۹ . ۳۵	یکی بزم مگه ساخت در	۵۸۱ . ۳۵
یکی بیشه ای دید و آمد	۹۷۱ . ۱۳c	یکی بانگ بشنید گای	۱۳۱۲ . ۲۰
یکی بیشه ای دید همچون	۱۸۲۸ . ۱۵	یکی بندگی کردم ای	۶۷ . ۱۳g
یکی بیشه بد پر ز آب و	۱۴۰۶ . ۲۰	یکی بنده ام با دلی پر	۲۶۷ . ۷
یکی بیشه پیش آمدش	۲۶۱ . ۳۵	یکی بنده ام پهلو ان سام را	۱۹۰۴ . ۷
یکی بیشه پیش اندر آمد	۱۴۶۳ . ۴۲	یکی بنده ام من رسیده	۱۲۴۵ . ۷
یکی بیشه پیش اندر آمد	۲۶ . ۱۲d	یکی بنده ام من گنه کار تو	۱۳۷۸ . ۱۳f
یکی بیشه دید اندر آن	۵۰۱ . ۱۲e	یکی بنده ای من یکی	۱۱۹۱ . ۴۲
یکی بیشه دیدند و آب	۲۲۹۳ . ۱۳f	یکی بنده باشم پیشت	۱۵۷۳ . ۱۵
یکی بیشه دیدیم کرده	۵۰۰ . ۱۳e	یکی بنده باشم بدرگاه	۴۳۳ . ۳۰
یکی بیشه نزدیک شهر	۲۱۱۳ . ۳۵	یکی بنده باشم روان	۱۸۶۳ . ۱۳
یکی بیم و آزر و شرم	۴۸۷ . ۲۲	یکی بنده بد شاه را شاد کام	۳۵۳ . ۴۲
یکی بی نوا مرد درویش	۱۵۵۸ . ۴۳	یکی بنده بد شاه را ناسپاس	۲۵۱۹ . ۴۳
یکی بی هنر بود نامش	۳۹۹۹ . ۴۳	یکی بنده بودش چو سرو	۱۲ . ۴۹
یکی بی هنر خفته بر تخت	۱۱۹۱ . ۴۱	یکی بنده بودم من او را	۶۹۷ . ۱۳g
یکی پادشا بود پولاد و نند	۱۳۳۷ . ۱۳c	یکی بنده تازانه شاه را	۸۹۱ . ۳۵
یکی پادشا بود شکل	۲۲۷۷ . ۳۵	یکی بنده چون زخم پیکان	۲۰۱۹ . ۴۳
یکی پادشا بود فریان	۷۶۸ . ۲۰	یکی بنده را گفت شاه	۱۲۴ . ۲۲
یکی پادشا بود مهرباب	۳۸۱ . ۷	یکی بنده شمع معنبر	۹۲ . ۱۲c
		یکی بود از ایشان کیا نوش	۲۸۷ . ۵

یکی پند گویم ترا از	۲۱۷۷ .	۷	یکی پادشا پاسبان جهان	۸ .	۲۳
یکی پند گویم ترا من	۵۸۲ .	۶	یکی پارسی بود بس نام	۴۸ .	۳۸
یکی پند گویم چو خوانی	۱۹۸ .	۴۲	یکی پارسی بود هشیار	۳۶ .	۳۴
یکی پور بد سوфра را	۱۲۳۰ .	۴۰	یکی پارسی نیز گفت	۱۹۳۱ .	۲۰
یکی پور بودش دلارام	۲۶ .	۲۵	یکی پاره پاره بگسترد	۲۰۷۳ .	۴۳
یکی پور دارم رسیده	۴۳۱۹ .	۴۱	یکی پاسبان بد بدین	۱۲۵۱ .	۳۵
یکی پور زاد آن هنرمند	۶۲۷ .	۶	یکی پاسخ آوردش اسفند	۳۵۲۰ .	۱۵
یکی پور قیدافه داماد بود	۷۷۳ .	۲۰	یکی پاسخ پند منندش دهم	۱۰۴۳ .	۲۰
یکی پول دیگر ببا بدزدن	۳۰ .	۳۰	یکی پاسخ نامه افکند	۲۰۹۵ .	۷
یکی پهلوان بچه شیردل	۶۵ .	۷	یکی پاسخ نامه باید	۲۳۰۳ .	۱۲d
یکی پهلوان بود دهقان	۱۳۸ .	E	یکی پاسخ نامه بنوشت	۱۵۱۵ .	۳۵
یکی پهلوان بود شیری نام	۹۰۹ .	۶	یکی پاک انبازش آرم بجای	۱۵۴ .	۴۰
یکی پهلوان بود گسترده	۴۹۲ .	۵۰	یکی پاک چین پوشیده	۵۷۰ .	۴۲
یکی پهلوان بود نامش	۸۴۰ .	۱۲b	یکی پاک دامن که آهسته	۲۱۳۸ .	۴۱
یکی پهلوان خواستی نامجو	۳۵۰ .	۲۲	یکی پاک دستور پیشش	۲۰۸ .	E
یکی پهلوانست گردودلیر	۵۲۰ .	۱۲c	یکی پاک صندوق کردش	۴۹۶ .	۲۱
یکی پهلوان شیر مردی	۱۷۳۸ .	۴۲	یکی پای بریان ببرداز	۷۱۶ .	۳۵
یکی پهلوان گفت کای	۱۳۷۲ .	۳۵	یکی پایکوب بود گر چنگ	۸۴۵ .	۳۵
یکی پهلوان گفت کاین کار	۸۱۴ .	۵۰	یکی پر بها نغز طنبور	۱۸۲۷ .	۱۵
یکی پهلوان نزد ایشان	۴۱۰ .	۴۱	یکی پر خرد مرد پاکیزه	۱۱۵۴ .	۶
یکی پهلوانی پیش اندر	۴۰۵ .	۱۲c	یکی پر ز آتش یکی پر خرد	۶۷۷ .	۸
یکی پهلوانی نهادند خوان	۳۹۴ .	۷	یکی پر ستارش بدل دوست	۱۴ .	۴۹
یکی پهلوی نامه از خط	۲۴۴۷ .	۳۵	یکی پر من تر بگردان	۳۸۹۵ .	۱۵
یکی پهن کشتی بسان عروس	۱۱۱ .	E	یکی پر منش بود کامد	۱۷۳۴ .	۳۵
یکی پیر از آن شهر بد نام	۱۸۹۱ .	۴۲	یکی پر هنر مرد باشرم	۱۳ .	۳۲
یکی پیر بد پهلوانی سخن	۳۹۹۲ .	۴۱	یکی پشت برد دیگری بر	۱۵۸۴ .	۱۳
یکی پیر بد مرزبان هری	۱۵ .	۴۲	یکی پشته بهنی بالای	۱۱۳۹ .	۱۳b
یکی پیر بد نام او ماهار	۵۹۵ .	۳۵	یکی پل بفرمود موبد	۳۴ .	۳۰
یکی پیر بد نامش آزاد	۴۳۴۹ .	۱۵	یکی پند آن شاه یاد آرم	۱۸۸ .	E
یکی پیر سر پور پر مایه	۷۰ .	۷	یکی پند دیگر بگویم ترا	۱۳۸ .	۱۲

یکی تاج زرین نگارش	۱۷۱۳ . ۷	یکی پیر مرد دست برسان شیر	۱۱۴۳ . ۱۲c
یکی تاج کز قیصران یاد-	۲۱۵۰ . ۴۳	یکی پیر مرده بر آن تخت	۱۳۰۶ . ۲۰
یکی تاج وده بدره دینار	۱۳۴۳ . ۱۳e	یکی پیر موبد بدان کار	۳۲۸ . ۴۱
یکی تاجور شاه و کهتر	۱۶۵۱ . ۱۳	یکی پیر سر بود هیشوی	۱۴۲ . ۱۴
یکی تاخت تاپیش خسرو	۶۱۷ . ۴۳	یکی پیشتر بنده ضحاک بود	۵۴۶ . ۵
یکی تاختن کرد با صد هزار	۱۰۹۶ . ۶	یکی پیشرو بود مهتر ز	۱۲۴۵ . ۲۰
یکی تادبیری پیاموزدش	۱۱۰ . ۳۴	یکی پیشر سام آمدی زان	۱۴۳ . ۷
یکی تاسرافراز گرد نکش	۱۰۹۳ . ۱۳b	یکی پیش و دیگر ز پس	۲۱۸۲ . ۷
یکی تازیانه بر آن تیز رو	۱۵۶۰ . ۱۳f	یکی پیشه کار و یکی کشتور	۱۷۹۶ . ۴۱
یکی تازیانه بر آوردنم	۳۵۱۲ . ۱۵	یکی پیکر آهو درفش از	۴۰۲ . ۱۳
یکی تازیانه بر این رزم	۱۷۳۸ . ۱۳	یکی پیل باری نمایم بوی	۱۹۴ . ۱۳c
یکی تازیانه بزر تافته	۱۰۷۹ . ۳۵	یکی پیل بر پشت کوهی	۷۵۲ . ۱۳c
یکی تازیانه زمن گم شد	۱۶۹۸ . ۱۳	یکی پیل پیکر درفش از	۵۱۱ . ۱۳
یکی تازی اسپی بزرین	۱۸۲ . ۱۷	یکی پیلتن دیدم و شیر	۱۶۵ . ۱۱
یکی تخت بر کوهه ژنده	۱۴۰۰ . ۱۲e	یکی تاج با او بدو مهر شاه	۷۹۰ . ۵۰
یکی تخت بنهاد پیکر	۱۲۶۶ . ۱۲e	یکی تاج بدشاهزاده پسر	۱۶۵۷ . ۱۳
یکی تخت بنهاد نزدیک	۱۹۵ . ۱۰	یکی تاج بدکاندر آن شهر	۱۰۵۸ . ۲۰
یکی تخت بودش بهفتاد	۱۰۶۱ . ۲۰	یکی تاج بر سر بیابان تو	۳۶۶ . ۶
یکی تخت بودی سرش نزد	۷۸۷ . ۱۲d	یکی تاج بر سر زردرو گهر	۳۵۳ . ۱۳
یکی تخت پر مایه ازعاج	۱۹۱۶ . ۱۳	یکی تاج بر سر نهاده پلند	۲۲۶ . ۱۲d
یکی تخت پر مایه اندر	۸۸۹ . ۱۲c	یکی تاج بودی از آن بر سر	۲۶۷۶ . ۴۳
یکی تخت پر مایه کرده	۶۲ . ۴	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۳۸۹ . ۷
یکی تخت پیروزه اندر	۱۱۹ . ۳۰	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۱۳۶۱ . ۷
یکی تخت پیروزه بر پشت	۱۰۵ . ۱۳g	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۸۵۹ . ۱۲d
یکی تخت پیروزه چون	۴۵۸ . ۱۲b	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۴۸۰ . ۱۲e
یکی تخت پیروزه میش سار	۱۱۸۲ . ۱۲	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۴۳۳۲ . ۱۵
یکی تخت جامه بفرمود	۱۳۶۴ . ۴۲	یکی تاج پر گوهر شاهوار	۲۷۷ . ۷
یکی تخت دیگر زواره بر	۴۶۱۱ . ۱۵	یکی تاج دادش ز بر جد	۱۲۸۳ . ۱۳g
یکی تخت را نام بدمیش	۳۷۶۳ . ۴۳	یکی تاج دارد پدرت ای	۲۵۳۶ . ۱۵
یکی تخت زرین بر آن تیغ	۱۳۰۵ . ۲۰	یکی تاج زربینش بر سر نهم	۱۳۵۶ . ۲۰

یکی تنگ آورد گاهی	۱۸۴ ، ۳۳	یکی تخت زرین بلورینش	۱۷ ، ۱۲
یکی تنگ تابوت کردش	۳۳۳۹ ، ۴۱	یکی تخت زرین زبرجد	۱۵۰۹ ، ۱۲e
یکی تنگ صندوق از آن	۹۸۰ ، ۷	یکی تخت زرین نهادند	۱۴۰۲ ، ۱۲d
یکی تنگ مهدان فرو	۱۰۷۸ ، ۱۲c	یکی تخت زرین نهاده	۹۱۲ ، ۴۲
یکی تیر الماس پیکان	۱۲۷۱ ، ۷	یکی تخت زرین و کرسی	۱۶۷۷ ، ۱۲d
یکی تیر باران بکردند	۱۵۶۴ ، ۱۳	یکی تخت سیمین فرستاد	۱۰۵۰ ، ۴۲
یکی تیر باران بکردند	۷۱۱ ، ۱۳c	یکی تخت شطرنج کرده	۲۷۲۷ ، ۴۱
یکی تیر باران بکردند	۲۰۱۷ ، ۱۳f	یکی تخت کردند از آن	۳۳۹۳ ، ۴۱
یکی تیر براسپ نستوهنا	۹۰۵ ، ۱۳f	یکی تخم کشتی تو اندر	۴۲۴۱ ، ۱۵
یکی تیر برتر گ رستم بزد	۴۰۳۶ ، ۱۵	یکی ترجمان راز لشکر *	۷۲۰ ، ۱۳f
یکی تیر بگرفت و بکشاد	۲۰۵۷ ، ۲۵	یکی ترجمان راز لشکر *	۷۵۲ ، ۱۳f
یکی تیر بکشاد و نکشاد	۱۲۴۸ ، ۱۳	یکی ترک بد پیر و نامش	۲۶۶۱ ، ۴۳
یکی تیر در دست رنگ	۱۴۸۹ ، ۱۳b	یکی ترک بد نام او بارمان	۱۸۷ ، ۸
یکی تیر دیگر بینداخت	۹۸۶ ، ۱۳	یکی ترک بد نام او گر گسار	۳۰۸ ، ۱۵
یکی تیر زد بر براسپ او	۱۵۰۶ ، ۱۳b	یکی ترک بد نام او گر گسار	۱۴۷۱ ، ۱۵
یکی تیر زد بر بر بارگی	۶۵۲ ، ۳۳	یکی ترک بد نام او هوش دیو	۳۱۵ ، ۱۵
یکی تیر زد بر میان نشان	۱۴۹۷ ، ۱۲d	یکی ترک تا باشدش رهنمای	۵۰۰ ، ۱۲e
یکی تیر گر گین بزد بر سر	۱۹۶۵ ، ۱۳f	یکی ترک تیری بر او بر	۵۳۱ ، ۱۵
یکی تیره گرد از میان	۱۲۹۱ ، ۱۳	یکی ترک تیری زند بر برش	۳۹۱ ، ۱۵
یکی تیز خنجر بزد بر سر	۱۸۵۵ ، ۱۵	یکی ترک رفته ست بر تیغ	۹۴۱ ، ۱۳
یکی تیز گردان و دیگر	۶ ، ۱۴	یکی ترک زاده جوزاغ سپاه	۷۷۸ ، ۱۳
یکی تیغ الماس گون بر	۱۵۲۹ ، ۱۵	یکی ترک رومی بسر بر	۱۳۶۶ ، ۷
یکی تیغ باریک در گردنش	۲۳۱ ، ۵۰	یکی ترک رومی بسر بر	۶۰۱ ، ۱۳g
یکی تیغ بگرفت از آن	۱۰۸۰ ، ۱۳	یکی تن پدر را نکفت ایچ	۱۳۰۷ ، ۱۵
یکی تیغ بگرفت بهژن	۱۶۳۳ ، ۱۳	یکی تن چوماهی و سر چون	۱۹۹۹ ، ۱۳g
یکی تیغ پذیرت واسپی	۵۸۶ ، ۱۴	یکی تند ابر از در آمد	۱۱۹۶ ، ۱۳
یکی تیغ تیز از میان بر	۶۸۸ ، ۱۳g	یکی تند بالا بدیدند دور	۸۵۱ ، ۴۲

(*) ستاره در سطر اول بجای «بجست» و در دوم بجای «بخواند» آمده

است

یکی جام پرمی بدست	۲۸۷۲	۱۵	یکی تیغ در دست بیژن	۱۶۱۲	۱۳۴
یکی جام دارم که پرمی	۳۲۴	۲۰	یکی تیغ زد بر بروگردنش	۱۱۴۹	۶
یکی جام ده هر یکی را	۱۱۰	۲۰	یکی تیغ زد بر سراسپ	۹۲۴	۱۲b
یکی جام دید او پرازمی	۳۰۱	۳۵	یکی تیغ زد بر سر ترگ او	۹۳۰	۱۲b
یکی جام دیگر بد از	۱۷۶۱	۲۰	یکی تیغ زد بر سر ترگ او	۱۹۵۴	۱۳۴
یکی جام زرین بفرمود	۴۸۴	۳۵	یکی تیغ زد بر سر ترگ او	۲۷۴	۵۰
یکی جام زرین بکف بر	۱۶۵۲	۱۵	یکی تیغ زد بر سرش	۲۳۲۱	۱۳۴
یکی جام زرین بکف بر	۱۸۳۱	۱۵	یکی تیغ زد بر سر کتف	۱۸۱۵	۱۳
یکی جام زرین پرازاباده	۲۹۱۷	۱۵	یکی تیغ زد بر سر و گردن	۱۸۲۳	۴۳
یکی جام زرین پراز	۹۳۷	۱۳e	یکی تیغ زد بر میانش	۲۷۱	۳۵
یکی جام فرمود پس شهر	۲۷۹۳	۴۱	یکی تیغ زد شاه بر گردن	۱۱۲۵	۶
یکی جام کافور پر با گلاب	۱۰۶۰	۳۵	یکی تیغ زهر آبگون بر	۳۵	۱۲d
یکی جام می خواست از	۷۸۱	۱۲c	یکی تیغ زهر آبگون بر	۱۷۱۷	۱۵
یکی جام می برگرفته	۷۲۱	۱۲e	یکی تیغ گسته هم زد بر	۴۸۱	۴۳
یکی جامه افکنده بد	۳۷۷۰	۴۳e	یکی تیغ هندی بداندر بر	۸۴۷	۱۲c
یکی جامه ترسکاران	۱۵۶۶	۱۵	یکی تیغ هندی بزد بر سر	۲۰۶۳	۱۵
یکی جامه خسروانی	۱۳۴۸	۱۵	یکی تیغ هندی گرفته	۷۷۵	۱۲e
یکی جامه خسروانی	۲۷۸	۱۷	یکی تیغ هندی و پیلی	۱۷۲	۴۴
یکی جامه دارد ز جرم	۱۵۷۵	۱۳b	یکی تیغ یازید کورازند	۳۷۱۴	۱۵
یکی جامه داشته در برش	۲۲۴۱	۴۱	یکی جادویی بایدت ساختن	۱۶۵۶	۴۱
یکی جامه شهریاری بزر	۲۷۷	۱۱	یکی جادوی بر نشسته	۸۶۶	۴۲
یکی جام یاقوت پر می	۴۶	۱۳e	یکی جادویی بود نامش	۱۰۳۰	۱۵
یکی جامه باشدت نزدیک	۲۱۱۷	۳۵	یکی جادوی ساخت بامن	۲۷۱	۸
یکی جای آرام باید گزید	۴۶۸	۱۳b	یکی جادویی سازد اندر	۳۲۲	۱۲d
یکی جای بگزید خالی	۳	۴۶	یکی جام بردست هر یک	۸۱۶	۳۵
یکی جای خرم بپرداختند	۲۶۲۵	۴۳	یکی جام پر باده خسروان	۳۱۹۵	۴۳
یکی جای خرم بپیراستند	۵۹۹	۲۱	یکی جام پر باده مشکبوی	۱۸۴۷	۱۵
یکی جای خواهم که فرزند	۳۸۷۰	۴۳	یکی جام پر بر کفش بر	۲۰۸۱	۴۳
یکی جای خوبش فرود	۹۵۳	۱۵	یکی جام پر سرخ یاقوت	۲۸۱	۱۷
یکی جای دارد سر اندر	۱۰۳۵	۶	یکی جام پر گوهر شاهوار	۱۳۲۹	۱۳e

یکی چاره دانم من این را	۳۸۶۰ ، ۱۵	یکی جای دارم بر این تیغ	۲۳۴۰ ، ۱۳g
یکی چاره راه دیدار جو	۶۸۸ ، ۷	یکی جای دارم که بردشت	۴۴۹۵ ، ۱۵
یکی چاره سازی خرد-	۹۴۸ ، ۱۵	یکی جای دارند بر تیغ	۶۱۴ ، ۲۱
یکی چاره سازد بیابد	۷۶۰ ، ۱۲b	یکی جای دورش فرود	۴۲۱۸ ، ۴۱
یکی چاره سازم دگر گونه	۶۲۹ ، ۸	یکی جای سازد بدین کشور	۱۲۱۵ ، ۱۲d
یکی چاره سازم کنون من	۲۱۰۸ ، ۳۵	یکی جای کرد اندر البرز	۵۷۹ ، ۱۲b
یکی چاره سازم که بد	۶۶ ، ۲۲	یکی جز بنیکی زمین	۲۶۴۱ ، ۱۲d
یکی چاره سازم که هر دو	۱۴۷۴ ، ۱۲e	یکی جشن باشد بروم	۲۴۰ ، ۳۰
یکی چاره سازم و گرنه	۱۳۶۴ ، ۱۳c	یکی جشن کرد آن شب و	۳۲ ، ۲
یکی چاره کن تا ازین	۲۳۶۸ ، ۱۳f	یکی جشن کردند در	۱۸۴۰ ، ۷
یکی چاکری نیک باشد	۱۱۶۵ ، ۱۲	یکی جشن کردند کز چرخ	۱۱۰ ، ۱۴
یکی چاه گوی و دگر	۸۵۰ ، ۳۵	یکی جشنگاهست از ایدر	۱۵۱ ، ۱۳e
یکی چتر توری بر آمد	۳۱۷ ، ۱۳e	یکی جشنگاهست از ایدر	۲۳۰۵ ، ۳۵
یکی چتر هندی بسر بر	۵۱۱ ، ۱۳c	یکی جشنگاهی بیاراست	۱۵۸۲ ، ۷
یکی چرخ گردنده بر	۷۵۵ ، ۲۰	یکی جنگ با بیژن افکند	۱۳۹۳ ، ۱۳
یکی چرمهای بر نشسته	۵۳۵ ، ۱۵	یکی جوشنی بود تا بان	۱۶۳۲ ، ۲۰
یکی چشم بر کرد و زد	۱۰۶۰ ، ۱۳	یکی جویباراست و آب	۷۹۱ ، ۱۲e
یکی چشمهای بود بر	۵۰۸ ، ۲۱	یکی چادر آورد خورشید	۳۱۸۱ ، ۴۱
یکی چشمه ای دیدرخشان	۷۲۰ ، ۱۲e	یکی چادر نو بسر بر	۴۸۹ ، ۴۴
یکی چشمه بد بی کران	۳۹۵ ، ۲۱	یکی چاره آورد از دل	۱۳۳۲ ، ۷
یکی چشمه دیدم بدشتی	۱۹۲ ، ۲۰	یکی چاره ای ساخت تا	۱۳۵ ، ۳۵
یکی چوب زد بر سرش	۱۰۱ ، ۳۹	یکی چاره باید سگالید	۵۸۷ ، ۱۵
یکی چون بهشت برین دفتر	۲۰۰ ، ۲۰	یکی چاره باید کنون	۴۸۵ ، ۷
یکی چون بهشت برین شهر	۲۱۸ ، ۱۲	یکی چاره باید کنون	۲۲۲۹ ، ۱۲d
یکی چون شود دیگر آید	۱۵۰ ، ۱۱	یکی چاره باید کنون	۱۰۶ ، ۱۳d
یکی حاجت من نزدیک شاه	۱۸۱ ، ۴	یکی چاره باید کنون	۲۳۷ ، ۳۰
یکی حاجتی دارم کنون	۸۰۹ ، ۱۳b	یکی چاره باید کنون	۴۴۰ ، ۳۴
یکی حقه دادم بگنججور	۹۴ ، ۲۲	یکی چاره باید نمودن	۶۴ ، ۱۲
یکی حلقه ای بد ز زر	۳۹۲۲ ، ۴۳	یکی چاره باید همی ساختن	۱۳۱۹ ، ۱۳
یکی حمله آورد بر پهلوان	۱۰۳۵ ، ۱۲e	یکی چاره جست اندر آن	۴۲۲ ، ۱۲d

۲۰۲۳ ، ۳۵	یکی خرم ایوان پیرداختند	۹۳۴ ، ۱۲b	یکی حمله آورد بر پیاسم
۲۷۴۵ ، ۴۱	یکی خرم ایوان پیرداختند	۹۹ ، ۱۶	یکی حمله آورد بر قلبگاه
۹۹۴ ، ۱۳c	یکی خرم ایوان پیرداختند	۱۷۹ ، ۱۰	یکی حمله آورد رستم جو
۲۸۴۶ ، ۴۱	یکی خرم ایوان بیاراستند	۱۱۱۹ ، ۱۳c	یکی حمله آورد کافور سخت
۲۱۵۱ ، ۴۴	یکی خسروی طوق و دو	۱۵۷۵ ، ۱۳	یکی حمله برد از میان سپاه
۲۳۳ ، ۸	یکی خشت زد بر سرین	۱۵۹۰ ، ۱۳	یکی حمله برد از میان سپاه
۱۲۷ ، ۱۳	یکی خط نوشتند بر پهلوی	۱۸۴۷ ، ۴۳	یکی حمله بردند از آنسان
۱۰۱۱ ، ۴۳	یکی خفته بر تیغ دندان	۱۲۴۱ ، ۱۳b	یکی حمله سازیم چون شیر
۱۳۹۶ ، ۴۲	یکی خلعت آراست بر ماه	۶۰۱ ، ۱۳c	یکی حمله کردند بر پهلوان
۱۹۱۳ ، ۱۳	یکی خلعت آراست افراسیا-	۸۸۷ ، ۱۲e	یکی حمله کردند بر سان
۱۵۴۱ ، ۱۳	یکی خلعت آراست رهام	۱۵۸۰ ، ۱۳	یکی حمله کردند بر سوی
۱۶۲۳ ، ۷	یکی خلعت آراست شاه*	۶۷۶ ، ۱۳b	یکی حمله کردند هر سه
۲۸۹ ، ۷	یکی خلعت آراست شاه*	۱۲۸۵ ، ۴۳	یکی خامشی بر گزین از
۲۳۰۹ ، ۴۱	یکی خلعت از بهر مهران	۸۹۷ ، ۱۲d	یکی خانه او را بیاراستند
۳۵۲۵ ، ۴۳	یکی خلعت افکند بر خا-	۱۹۱ ، ۳۰	یکی خانه ای بود تاریک
۲۳۶ ، ۸	یکی خلعتش داد اندر	۹۶۴ ، ۱۳e	یکی خانه بگزید و بر
۱۳۳۴ ، ۱۲e	یکی خلعتش داد کاندر	۱۱۷۳ ، ۳۵	یکی خانه بگزین که دارد
۹۷۶ ، ۱۲	یکی خلعتی ساختش شاهوار	۶۶۶ ، ۷	یکی خانه بودش جو خرم
۱۲۸۱ ، ۱۲c	یکی خنجر آبگون بر-	۵۵۷ ، ۳۵	یکی خانه پر گوهر آمد
۱۴۳۶ ، ۱۲c	یکی خنجر آبگون بر-	۱۵۲۵ ، ۴۳	یکی خانه دارم با پوان
۱۴۵۷ ، ۱۳c	یکی خنجر آورد پولادوند	۱۶۲ ، ۲۰	یکی خانه دیدم چو کاخی
۵۴۷ ، ۶	یکی خنجر از موزه بیرون	۵۴۷ ، ۳۵	یکی خانه دیدند پهن و
۴۷۴ ، ۴۴	یکی خنجر تیز دادش جو	۲۰۸ ، ۲۰	یکی خانه دیدی و سوراخ
۶۳۴ ، ۲۲	یکی خواندم خردش بر	۵۴۴ ، ۳۵	یکی خانه ای کرده از پنخته
۸۰ ، ۱۳e	یکی خوان زرین بفرمود	۲۵۲۰ ، ۴۳	یکی خرد بی نام و بی کام
۱۸۸۲ ، ۱۲d	یکی خوان زرین بیارا-	۱۸۹ ، ۲۰	یکی خرد گو ساله در پیش
۱۷۲۹ ، ۱۵	یکی خوان زرین بیارا-		

(* ستاره در سطر اول بجای « جهان » و در دوم بجای « زمین » آمده

است .

یکی داستان زد بر این ماده	۹۱۰	۷	یکی خواهرت بود و دیگر	۹۸۹	۱۲e
یکی داستان زد بر این مرد	۷۶۹	۴۲	یکی خواهرش بود گرد	۲۷۹	۱۲c
یکی داستان زد پس از	۲۴۲۶	۱۳۴	یکی خوب چهره پرستنده	۶۱۲	۶
یکی داستان زد جهان دیده	۸۲۳	۶	یکی خوب پر مایه انگشتری	۹۰۹	۷
یکی داستان زد سوار	۱۲۰۸	۱۳e	یکی خوب دستار بودش	۲۲۴	۳۵
یکی داستان زد هزبر	۹۷۹	۱۲e	یکی خوب سر بند پیکر	۴۵۶	۵۰
یکی داستانست پر آب	۲	۱۲c	یکی خوب صندوق از آن	۲۳	۱۷
یکی داستانست پر آب	۱۶۷۵	۱۲c	یکی خورد و دیگر بهرام	۲۸۷	۳۵
یکی داستان کردم از	۷۶۶	۴۱	یکی خویشش بودش دلیر	۳۵۹۸	۴۱
یکی داستان گفته بودم	۲۶۷	۱۳۴	یکی خویش کاموس بد ساوه	۶۵۲	۱۳c
یکی داستان گویم اربشنوید	۴۱۷	۶	یکی خیمه پر نیان ساخته	۷۶۵	۶
یکی داستان گویمت بس	۱۷۶۳	۱۲d	یکی خیمه زد بر سر از دود	۲۶۹	۱۲
یکی دان ازو هر چه آید	۲۶۴۴	۱۲d	یکی خیمه زد پیش آتشکده	۵۱۷	۴۱
یکی داشتی مهربان پیش	۱۳۴۱	۳۵	یکی داد جامه یکی زرو	۲۰۵۳	۷
یکی دایره آمده چنبری	۱۵۲۵	۱۲c	یکی داد گسترد کزداد	۳۱	۱۵
یکی دایه بودش بگردار	۶۰	۷	یکی دار بر پای کرده بلند	۳۶۲	۱۳e
یکی دخترش بود مریم بنام	۱۵۸۹	۴۳	یکی دار بر نام جانوسیار	۴۲۳	۱۹
یکی دخترش بود نامش	۱۴۸	۱۶	یکی دار فرمود کسری	۳۵۱	۴۰
یکی دخترم بد ز خاقان	۲۴۵۴	۴۳	یکی دارویی ساز کاین	۴۲۷	۱۲d
یکی دختر مهتر جاج	۱۰۷۶	۴۱	یکی داستان از جهاندار	۵۷۴	۱۳۴
یکی دختری نارسیده	۳۱۱	۱۲d	یکی داستان از کیان یاد	۴۸۴	۱۳۴
یکی دختری از نژاد	۶۱۳	۱۳e	یکی داستان برزد آن	۱۵۷	۱۲b
یکی دختری بود بوران	۱	۴۷	یکی داستان دارم از روز	۱۹۲	۱۲e
یکی دختری داد خواهم	۲۲۲۳	۴۱	یکی داستان زد بدین شهر	۱۳۰۰	۱۲c
یکی دختری دارد آن نام	۶۹	۱۸	یکی داستان زد بر او پیلتن	۲۳۳	۱۲e
یکی دختری داشت خاقان	۲۴۰۶	۴۳	یکی داستان زد بر این بر	۱۰۰۸	۷
یکی دختری داشت دهقان	۱۴۹	۴۰	یکی داستان زد بر این بر	۲۵۰	۱۳۴
یکی دختری دید برسان	۲۰۴	۲۲	یکی داستان زد بر این بر	۸۲۳	۱۳
یکی دختری دیگر آزر	۱	۴۸	یکی داستان زد بر این بر	۴۶۵	۱۲e
یکی دختری یافت پوشیده	۱۷۵۳	۴۱	یکی داستان زد بر این بر	۶۱۲	۱۲d

یکی دشت بینی همه سرخ	۱۵۲	۱۳e	یکی دخت شاه سمنگان	۱۰۴	۱۲c
یکی دشنه بگرفت جانو-	۳۴۵	۱۱	یکی دخمه خسروانی کنید	۲۲۲	۸
یکی دشنه بگرفت رستم	۱۴۴۲	۱۲c	یکی دخمه سازید مشک و	۱۹۴۹	۱۳g
یکی دشنه زد بر تهیگاه	۶۹۷	۵۰	یکی دخمه فرمود خسرو	۲۴۴۷	۱۳f
یکی دفتری دید پیش	۳۶۶۵	۴۳	یکی دخمه کردش بآیین	۴۱۲	۱۹
یکی دفتری سازم از	۱۲	۳۶	یکی دخمه کردش چوسم	۱۵۹۶	۱۲c
یکی دفتری هست در گنج	۳۴۹۵	۴۱	یکی دخمه کردند از	۴۶۹۲	۱۵
یکی دود دیدی سراندر	۱۰۸۲	۶	یکی دخمه کردند اورا	۷۸۵	۵۰
یکی دور بین مردجویای	۱۰۸	۴۳	یکی دخمه کردند شاه	۳۷۵	۴۰
یکی دیده بان آمد از	۶۳۱	۱۳	یکی درج پر گوهر شاهوار	۵۸۰	۷
یکی دیده بان بر سر کوه	۱۴۳۲	۱۳	یکی درج زرین سرش بسته	۳۶۷۱	۴۱
یکی دیده بان بر سر کوه	۱۷۴۱	۱۳f	یکی درز آهن بر او ساخته	۲۰۶۶	۷
یکی دیده بان بر سر کوه	۳۱۴	۱۳f	یکی در سه ماه و یکی در	۱۶۷۴	۱۵
یکی دیده بان بر سر کوه	۱۷۸۷	۱۳f	یکی در ع خواهم زبیر بیان	۸۳	۱۰
یکی دیر یاز آنکه کاوس	۳۴۴	۱۲	یکی در کمان راند و	۲۰۵۶	۱۲d
یکی دیزه ای بر نشسته	۶۸۰	۱۵	یکی دژ بر آورده در کوه	۲۱۷	۱۲b
یکی دیگر از هودهندی	۲۲۸۰	۴۱	یکی دژ بکرد از بر تیغ	۵۰۶	۲۱
یکی دیگر افکن بر این	۱۲۱	۲۱	یکی دژ همان بر سر کوه	۳۲۸۸	۱۵
یکی دیگر رو بین مباراندر	۶۴۹	۲۱	یکی دست بازور جادو	۴۳۱	۱۳b
یکی دیگری را بود	۲۲۲	۴۰	یکی دست بر داشته	۳۹۹۶	۴۱
یکی دین دهقان آتش	۲۲۰	۲۰	یکی دست بسته برهنه	۳۳۲	۱۳e
یکی دین نو ساختی در	۳۲۵	۴۰	یکی دست بگرفت و بفشارد	۸۵۶	۱۲
یکی دینور بود یزدان	۵۹۷	۵۰	یکی دست بگرفت و بفشارد	۹۲۲	۸۲
یکی دی نیامد بنزدیک	۳۳۲	۱۴	یکی دست جامه فرمود	۱۳۲۸	۱۳e
یکی دیو باید کنون چوب	۵۹۸	۱۲b	یکی دستخطش ببایدستند	۲۸۶	۴۰
یکی دیو جنگش گویند	۱۰۹۹	۶	یکی دست زربفت شاه	۱۱۸۳	۱۲
یکی دیو دژخیم بریای	۶۰۲	۱۲b	یکی دست زر جامه شهر	۹۹۰	۱۳f
یکی را بستر سر آید	۲۲۰	۸	یکی دسته دادی کتابیون	۲۳۷	۱۴
یکی را ببیشی یکی را	۱۳۲۵	۱۳b	یکی دسته راسیم و زراندر	۱۷۱۰	۱۳
یکی را ببیش من آور	۵۵۳	۱۳f	یکی دشت بادیدگان پر	۵۵۲	۱۲d

یکی را از سقلاب و شکنان	۶۳۷ ، ۱۳c	یکی را بجان داد ز نهارو	۳۲ ، ۵
یکی را ز فرزانگان بر	۲۱۸۵ ، ۴۱	یکی را بچاه افکند با	۲۵۷۱ ، ۱۳d
یکی را ز کمی شده خشک	۱۱۷۶ ، ۲۰	یکی را بخاک اندر آرد	۳۰۹ ، ۸
یکی را ز گردان بگو بود	۳۰۴۲ ، ۴۱	یکی را بر آرد با بر بلند	۱۱۶ ، ۱۶
یکی را ز گردنکشان مرز	۲۰ ، ۱۹	یکی را بر آرد بچرخ	۱۵۱۳ ، ۱۳
یکی را ز گفت ابن زن	۲۷۳۷ ، ۴۳	یکی را بر آرد بچرخ	۱۳۴۷ ، ۱۳e
یکی را ز گمراهی آورد	۱۷۲۶ ، ۱۳	یکی را بر آرد بچرخ	۶۶۴ ، ۵۰
یکی را ز ما زنده اندر	۷۸۳ ، ۱۲e	یکی را بر آری بچرخ	۷۹۵ ، ۱۳c
یکی را ز ما زنده اندر	۱۷۶۲ ، ۱۳f	یکی را بر آری و شاهی	۷۹۷ ، ۱۳c
یکی را ز ماه اندر آری	۷۹۶ ، ۱۳c	یکی را بر آید ز شمشیر	۲۱۸ ، ۸
یکی را ز ماهی بماه آورد	۴۰۴ ، ۸	یکی را برهنه سر و پای	۲۴ ، ۴۳
یکی را سر اندر نیاید	۳۷۷۵ ، ۴۱	یکی را برهنه سر و پای	۴۱۹۱ ، ۴۳
یکی را سرش بر کشد تا بماه	۲۹۰۵ ، ۱۲d	یکی را بشمشیر زد بر دو	۱۵۲۱ ، ۱۲d
یکی را سر خوک و تن چون	۲۰۰۰ ، ۱۳g	یکی را بمسمار کنده دو	۵۵۸ ، ۳۴
یکی را فرستاد فرهاد پیش	۸۴۷ ، ۱۲	یکی را بنام شهنشه کند	۲۱۱۷ ، ۴۱
یکی را فرستم که دارد خرد	۲۱۷۹ ، ۴۱	یکی را چنین تیره بخت	۹۹۹ ، ۱۳e
یکی را که نامش یلان سینه	۴۷۶ ، ۴۲	یکی را چو تنها بگیرد دو	۲۸۰۵ ، ۴۱
یکی را گرفت زدی بردگر	۲۷۱ ، ۱۰	یکی را چو من کرده باشم	۱۴۷۳ ، ۱۲e
یکی را آمده بددگر دستگاه	۱۸۳۵ ، ۲۰	یکی را دگر شور بختی	۱۴۵۰ ، ۱۳
یکی را امشی نامه خوانید	۴۹ ، ۳۵	یکی را دم ازدها ساختی	۳۶۵ ، ۶
یکی را نگهبان یکی را	۱۸۱۱ ، ۱۳g	یکی را دو گوش و دو دست	۵۵۶ ، ۳۴
یکی را نما من سرو تن بهم	۸۰۱ ، ۱۲d	یکی را دهد تاج و تخت	۲۶۰۷ ، ۴۳
یکی را بروی دری ساختند	۲۰۰۰ ، ۷	یکی را دهد توشه از شه دو	۲۵ ، ۴۳
یکی را به بکشای تا بگذرد	۱۱۸۰ ، ۱۲d	یکی را دهد نوش از شه دو	۴۱۹۲ ، ۴۳
یکی را به باکی و پر بدی	۱۵۰۷ ، ۴۱	یکی را ز تن دور کرده دو	۵۵۷ ، ۳۴
یکی را به آب و خرگاه	۱۶۷۵ ، ۱۵	یکی را ز چاه آورد سوی	۱۳۵۰ ، ۱۳e
یکی را پیش آمدش ناگزیر!	۴۱۰ ، ۱۲	یکی را ز خاک سیه بر کشید	۳۲۳۴ ، ۱۳g
یکی را همه بهره شه دست	۸۸ ، ۱۳g	یکی را ز خواهم همی بانو	۲۲۹۴ ، ۳۵
یکی را همه رفتن اندر	۸۹ ، ۱۳g	یکی را ز دار است بالوی	۱۶۱۱ ، ۴۳
یکی را همه ز رفتی و ابلاهت	۵۷۴ ، ۳۰	یکی را ز دریا بر آرد بماه	۱۶۸۱ ، ۱۵

یکی روز کاووس کی با	۱۶۱۰	۱۲d	یکی را همه ساله رنجست	۸۷	۱۳g
یکی روز مرد آرزومند	۹۲۷	۱۴	یکی راهمی برد با خویش	۶۸۵	۱۲e
یکی روستا دید نزدیک	۱۶۰	۳۰	یکی را همی تاج شاهی دهد	۲۳	۴۳
یکی روم و خاور، دگر	۳۰۱	۶	یکی راهمی تاج شاهی دهد	۴۱۹۰	۴۳
یکی رومی بود میرین	۳۰۱	۱۴	یکی رای و فرهنگ باید	۱۲۹۹	۴۱
یکی روی آن بچه اژدها	۱۴۴۶	۷	یکی رخش دارد بزیر	۱۵۷۸	۱۳b
یکی روی بنمای تازین	۱۶۷۹	۴۱	یکی رخش دارد بزیر	۳۴۷	۱۳c
یکی روی بنمای و خیز	۴۷	۱۳d	یکی رخش را تیز بفشرد	۳۸۲	۱۲
یکی رید کی پیش او بد	۴۸۲	۴۴	یکی رخش بودش بکردار	۹۶۱	۱۳
یکی زاشتی روی بنمایمش	۱۳۸	۴۳	یکی رنج بردار و اورا	۱۴۷۵	۴۳
یکی زابلی بود الوای	۱۶۵۲	۱۳b	یکی رنج برگیر از ایدر	۹۲۳	۱۳c
یکی زار بگریست زان	۲۳۷۴	۱۳g	یکی رزم باید همه هم-	۱۶۱۱	۱۳b
یکی زاری رفت کاندر	۲۶۷۰	۱۲d	یکی رزم بودش نه بر	۱۱۴۰	۱۳c
یکی زان بکردار دریای	۱۵۲۳	۷	یکی رزم، تاش بر آمد	۲۵۰	۸
یکی زان تو بر گیر و در پیش	۱۴۴۹	۲۰	یکی رزم تاش بر آمد	۱۳۹۹	۱۳f
یکی زانچمن سر بر آورد	۳۰۳۲	۴۱	یکی رزم جوید سپاه آورد	۱۷۴۵	۳۵
یکی زرد پیراهن مشکبوی	۳۵۷۷	۴۳	یکی رزم سازم که خورشید	۷۲۱	۱۳b
یکی زرد خورشید پیکر	۸۷۰	۱۲c	یکی رزم ساز بست خسرو	۱۵۶۷	۱۳b
یکی زرد ماهی بدان لخت	۱۲۱۱	۲۰	یکی رزمشان کرده شد	۱۷۴۵	۲۰
یکی زشت رو بود و بالا	۱۱۳۶	۱۲	یکی رزم کردند برسان	۱۱۰۱	۱۳c
یکی زنده از ما نماند	۵۱۴	۱۳g	یکی رزم کردند تاجاک	۷۰۲	۱۳b
یکی زنده زیشان ممانید	۲۲۶۱	۱۵	یکی رزم گاهست پر خون	۵۳۴	۱۳b
یکی زن نکه کن سزاوار	۱۵۴۴	۱۲d	یکی رزم گاهی گزین دور	۱۵۶۶	۱۳g
یکی زود زنجیر بگست	۶۸۴	۳۴	یکی رزم گاه ساخت شطرنج	۲۸۰۰	۴۱
یکی زود سازد یکی دیر تر	۱۵۳۵	۱۲c	یکی رسد و باران با برق	۱۵۳	۲۷
یکی زور بنمود و پولادوند	۱۵۱۱	۱۳c	یکی رود بد پهن در	۶۹	۲۳
یکی زین اسپان نبرد اشند	۱۰۸۷۱	۴۱	یکی روز بنشست گو	۸۸۰	۱۵
یکی ژرف بین است شاه	۱۶۲	۶	یکی روز پیران پرهیز	۱۵۷۱	۱۲d
یکی ژرف خنده بنخندید	۹۳۰	۱۵	یکی روز تاش بر آویختند	۴۰۷	۲۱
یکی ژرف در یاد آرزو	۲۲۰۱	۱۵	یکی روز شاه جهان سوی	۱۹	۲

یکی سروفدی و سیمین	۴۰ ، ۲۵	یکی ژرف دریاست بن	۱۱ ، ۱۳۴
یکی سفته و دیگری نیم	۳۷۲۶ ، ۴۱	یکی ژند و است آر با	۳۰۵ ، ۳۰
یکی سفره پیش پرستندگان	۶۶۶ ، ۲۱	یکی ژنده پیل است بر پشت	۶۰۶ ، ۱۳۵
یکی سله از خنجر انباشتند	۱۵۷۳ ، ۴۲	یکی ژنده پیل است بر کوه	۳۵۰۷ ، ۱۵
یکی سنگ از آن کوه خارا	۲۸۷۸ ، ۱۵	یکی ژنده پیل است گویی	۴۲۸ ، ۱۴
یکی سنگ باران بگردند	۱۲۵۴ ، ۲۰	یکی ژند پیلی بیمار استند	۱۸۸۶ ، ۷
یکی سور بد در جهان	۲۵۱۶ ، ۱۳g	یکی سال و دو ماه بر تخت	۸۷ ، ۲۴
یکی سور سازم چنانچون	۷۴۰ ، ۱۳	یکی سبز خفتان بزر	۲۱۵۳ ، ۴۳
یکی سور فرمود کاندرا	۱۳۳ ، ۱۲d	یکی سخت پیمانت خواهم	۱۴۱۰ ، ۷
یکی سور کن مهتران را	۴۴۲۰ ، ۱۵	یکی سخت پیمان ستدزو	۱۰۳۶ ، ۷
یکی سوی آن دختر اندر	۱۵۰۴ ، ۴۳	یکی سخت پیمان ستدزو	۱۳۵۱ ، ۷
یکی سوی اسپ و یکی	۲۷۱۵ ، ۴۳	یکی سخت پیمان فکنندیم	۶۳۷ ، ۸
یکی سوی ایران یکی	۱۸۴۶ ، ۱۳۴	یکی سخت سو گند خوردم	۱۰۲۶ ، ۱۲c
یکی سوی ایشان نگر تا	۱۶۶۶ ، ۴۳	یکی سخت سو گند خوردم	۱۰۷۵ ، ۱۲e
یکی سوی بهن که هم در	۴۳۲۳ ، ۱۵	یکی سخت سو گند خوردم	۹۵۲ ، ۱۳
یکی سوی چین شد یکی	۳۷ ، ۴۴	یکی سخت سو گند خوردم	۹۶۱ ، ۴۳
یکی سوی خاقان بیمایه	۲۵۹۱ ، ۴۳	یکی سخت سو گند را یاد	۱۰۹۵ ، ۱۲e
یکی سوی خشکی دگر	۲۳۹۰ ، ۳۵	یکی سخت سو گند شاهانه	۲۸۴۱ ، ۱۲d
یکی سوی طلحند پیام	۲۰۴۵ ، ۴۱	یکی سخت سو گندهای	۱۴۱۲ ، ۱۳b
یکی سوی قیصر بر ازمن	۱۳۰۴ ، ۴۳	یکی سرخ گوهر بجای	۱۵۶۷ ، ۲۰
یکی سوی کوه کنا بد برت	۱۶۳۶ ، ۱۳۴	یکی سرشبان دید بهرام	۹۲۰ ، ۳۵
یکی سینۀ شیر باشدش	۲۴۰۲ ، ۱۲d	یکی سرکشی بود نامش	۸۸۱ ، ۱۵
یکی شاخ پیدا کن از تخم	۲۶۱۲ ، ۱۲d	یکی سرو آزاده رازرد-	۶۵ ، ۱۵
یکی شاخ نرگس بهایک	۱۷۱۷ ، ۳۵	یکی سرو بد بر سرش ماه	۲۲۴۳ ، ۴۱
یکی شادمانی بد اندر	۵۶۰ ، ۱۲d	یکی سرو بد سبز بر گش	۳۸۱۰ ، ۴۳
یکی شادمانی بد اندر	۱۵۷۴ ، ۱۳c	یکی سرو بدنا بسوده سرش	۳۲۰۰ ، ۱۵
یکی شادمانی شد اندر	۳۱۱ ، ۷	یکی سرو دید از برش گرد	۴۵۴ ، ۷
یکی شاد کن در نهانی	۳۵۹ ، ۱۲d	یکی سرو دید از برش گرد	۲۳۲۹ ، ۴۱
یکی شاد و دیگری پر از درد	۱۳۶۸ ، ۱۳g	یکی سرو فرمود کشتن	۱۲۰ ، ۱۵
یکی شارسان بد بروم	۱۵۳ ، ۱۴		

یکی شهر سازم بدین جای	۱۷۶۰ . ۱۲d	یکی شارسان پیشش آمد	۱۴۱۴ . ۲۰
یکی شهر فرمود نوشیروان	۶۷۰ . ۴۱	یکی شارسان پیشش آمد	۱۱۵۱ . ۳۵
یکی شهر یارست افراسیا-	۷۵۹ . ۱۳e	یکی شارسان داشت با	۷۶۹ . ۲۰
یکی شیر پیکر درفش	۸۸۲ . ۱۲c	یکی شارسان دید بارتک	۲۵۲ . ۲۱
یکی شیر خواره خروشنده	۹۸ . ۷	یکی شارسان دید و جای	۵۹۱ . ۲۱
یکی شیر دل بود فرغار	۱۲۳۲ . ۱۳c	یکی شارسانست آن چون	۱۷۸۷ . ۲۰
یکی شیر دل لشکر جنگجو	۱۶۳۶ . ۱۳	یکی شارسان کرد آباد	۶۴ . ۲۳
یکی شیر کپیش خوانم	۲۴۵۳ . ۴۳	یکی شارسان کرد پر کاخ	۳۹۳ . ۲۱
یکی طاس پر گوهر شاه	۲۱۲۳ . ۱۵	یکی شارسان کرد پیروز	۳۸ . ۳۸
یکی طاس می بر کفش بر	۵۴۳ . ۱۲	یکی شارسان کرد در راه	۱۷۷۹ . ۴۱
یکی طشت بنهاد پیشش	۲۶۷۴ . ۱۲d	یکی شارسان کرد دیگر	۵۸۳ . ۳۰
یکی طشت بنهاد زرین	۲۶۲۹ . ۱۲d	یکی شارسان کرد زرنوش	۲۳ . ۱۹
یکی طشت بنهاد زرین	۲۶ . ۱۲e	یکی شارسان کرده دارد	۷۳۷ . ۲۰
یکی طشت زرین بیاورد	۴۳۵ . ۱۲d	یکی شارسان گردش اندر	۶۲۸ . ۴۱
یکی طوس را داد آن تخت	۴۷۲ . ۱۲e	یکی شارسان نام شاپور	۶۲ . ۲۳
یکی طوق روشنتر از مشتری	۲۹۶۲ . ۱۳g	یکی شارسانی بر آرنند	۳۵۸ . ۴۱
یکی طوق زرین زبرجد	۷۹۶ . ۳۵	یکی شارسانی بر آورد	۲۰ . ۱۴
یکی عهد بنوشت تاهریکی	۱۸۴۰ . ۲۰	یکی شاره سربند پیش	۹۰۷ . ۷
یکی عهد خواهم کنون	۱۳۶۶ . ۴۳	یکی شاه بد هند را کید	۱۴۰ . ۲۰
یکی عهد نوخواست از	۲۴۴۵ . ۳۵	یکی شاه ختلان یکی شاه	۷۵۸ . ۱۳c
یکی غار بود اندر آن برز	۲۲۶۵ . ۱۳g	یکی شاه را در دل اندیشه	۸۰ . ۱۲
یکی غار پیش آیدت	۶۹۲ . ۱۲	یکی شاه زاده پیش اندر	۸۱۱ . ۱۲d
یکی غار داری به بهره	۲۲۸۴ . ۱۳g	یکی شاه کابل دگر شاه هند	۲۴۵۱ . ۳۵
یکی غرم بریان و نان از	۵۲۵ . ۱۲	یکی شاه کرمان که هنگام	۱۳۴ . ۱۳g
یکی غرم بود از پس يك	۲۵۷ . ۲۱	یکی شاه گیلان یکی شاه	۱۴۶۹ . ۳۵
یکی فرش گسترده شد در	۲۶ . ۱۳g	یکی شد بر شاه مازندران	۹۲۶ . ۱۲
یکی فرصتی جست و گفتش	۴۶۹ . ۱۲c	یکی شهر بد شاه اشاه	۱۸۸ . ۱۲b
یکی کاخ آراسته چون	۱۹۲ . ۶	یکی شهر بد نیک مردم	۴۵۴ . ۲۱
یکی کاخ بد تارک اندر	۱۵۹ . ۷	یکی شهر دید اندر آن	۱۵۵۴ . ۱۲e
یکی کاخ بد کرده زندانش	۱۶۳ . ۴۴	یکی شهر دیدم که اندر	۱۹۶۶ . ۱۲d

یکی کاروان نیز دیگر	۱۰۷۶ ، ۴۳	یکی کاخ بود اردوان را	۱۴۷ ، ۲۱
یکی کاروانی زهر کونه	۱۷۳۶ ، ۴۳	یکی کاخ بودش سراندر	۱۰۷۳ ، ۱۳g
یکی کدخدایی بدست	۲۶۵۴ ، ۴۳	یکی کاخ پرمايه اورا	۶۵ ، ۲۱
یکی کرگ بود اندر آن	۲۱۰۹ ، ۳۵	یکی کاخ زرین ز بهر	۵۸۸ ، ۱۲b
یکی کرگه دروی بسان	۲۱۱۴ ، ۳۵	یکی کاخ کرد اندر شهر	۱۷۸۳ ، ۴۱
یکی کره از پس بیالای او	۱۰۷ ، ۱۰	یکی کاخ کشواد بد در	۱۳۵۱ ، ۱۲e
یکی کره چون کوه وادی	۲۱۵ ، ۱۲c	یکی کاخ وایوان فرخنده	۱۴۷۹ ، ۴۲
یکی کشوری جویم اندر	۱۱۸۱ ، ۱۲d	یکی کار بایش کردن	۳۰۷ ، ۱۴
یکی کفشگر بود موزه	۴۲۹۶ ، ۴۱	یکی کار بدخوار دشوار	۴۰۵ ، ۲۱
یکی کفشگر دید بر پشت	۳۳۵ ، ۳۵	یکی کار پیش آمده کنون	۷۸ ، ۱۲
یکی کلبه ای ساخت اسفند-	۲۱۴۳ ، ۱۵	یکی کار پیش آمده پیلتن	۵۷ ، ۱۳d
یکی کم بود شاید از شانزده	۴۱۴۸ ، ۴۳	یکی کار پیش آمده دل	۸۱۵ ، ۷
یکی کم شود راست چون	۱۵۲۶ ، ۷	یکی کار پیش آمده ناگزیر	۳۶۷۰ ، ۴۱
یکی کننده ای زیر باره	۱۳۰۷ ، ۱۳g	یکی کار پیش است بآورد	۲۱۶۰ ، ۳۵
یکی کننده سازیم پیش	۱۰۰۲ ، ۱۳b	یکی کار پیش است بارنج	۱۴۳ ، ۳۰
یکی کننده سازیم گرد سپاه	۳۲۵۹ ، ۴۱	یکی کار پیش است فردا که	۱۹۲۱ ، ۱۵
یکی کننده فرمود کردن	۱۶۰۱ ، ۱۳g	یکی کار پیش است ورنج	۴۸ ، ۱۰
یکی کننده کرده بگرد	۱۴۱۸ ، ۱۵	یکی کار پیش است ورنج	۷۷۹ ، ۱۲
یکی کودک آمد زنی را	۱۸۴۳ ، ۲۰	یکی کار دارم ترا بیمناک	۲۷۰۱ ، ۴۳
یکی کودک آمدش با فرو	۱۲۸ ، ۱۸	یکی کار سازم که ایرانیان	۶۲۶ ، ۱۳b
یکی کودک آمدش خورشید	۷۴۲ ، ۴۱	یکی کار سخت است ایدر مرا	۷۱۴ ، ۱۲
یکی کودک آمدش هر مزد	۳۲ ، ۳۴	یکی کار سازم کنون بر در	۱۱۵۱ ، ۱۳e
یکی کودک بود بر سان	۱۰۶۰ ، ۱۳c	یکی کار کردی که تا	۱۱۸۱ ، ۱۳
یکی کودک خرد چون	۲۸۲۹ ، ۱۲d	یکی کار مانند است تادر	۶۱۰ ، ۱۲b
یکی کودک دارم اندر	۴۰۱ ، ۱۲d	یکی کار نو ساخت اندر	۶۸۸ ، ۱۲b
یکی کودک دوختند از	۱۸۳۲ ، ۷	یکی کار روز و دیگر گرز	۵۰۴ ، ۵
یکی کودک مهتر اندر	۱۰۲۴ ، ۴۱	یکی کاروان خانه ای بد	۲۳۹ ، ۳۵
یکی کوس بودش ز چرم	۶۴۸ ، ۲۰	یکی کاروانست گفتا تمام	۲۰۴۲ ، ۷
یکی کوه آتش بدیگر	۲۳۷۸ ، ۱۲d	یکی کاروان شتر با منست	۲۱۳۰ ، ۱۵
یکی کوه باشد بر زم اندر	۹۵۱ ، ۱۲	یکی کاروان شد که کس	۲۸۷۱ ، ۴۱

یکی گرز خواهم چویک	۸۰۰	۱۰	یکی کوه بد پیش مرد	۲۸۶۸	۱۵
یکی گرزدار از ترا دهامی	۳۹۳	۱۳	یکی کوه بد در میان دو کوه	۸۹۲	۱۳c
یکی گرز دارد جو یک	۴۳۷	۵	یکی کوه بد نامش البرز	۸۶	۷
یکی گرز زد بر سر سام شیر	۹۱۶	۶	یکی کوه بود از برش	۳۲۰	۵
یکی گرز و خنجر بپاید	۱۲۸۹	۱۳	یکی کوه بودش سر اندر	۲۱۶	۱۲b
یکی گرزۀ گاو پیکر	۱۸۸۶	۱۳f	یکی کوه بینی سر اندر	۱۹۹۴	۷
یکی گرزۀ گاو پیکر	۱۹۳	۴۱	یکی کوه بینی سر اندر	۱۸۷۳	۱۵
یکی گرزۀ گاو سر بر سرش	۳۶۷	۵	یکی کوه پیش آمدش	۱۲۰۷	۱۵
یکی گرزۀ گاو سر بر سرش	۶۶۸	۳۴	یکی کوه دارند خارا و	۸۸۹	۱۳b
یکی گرز هم چون سر گاو	۱۲۵۹	۱۳b	یکی کوه داری پیش	۲۶۴	۴۳
یکی گرگ بیند بگردار	۳۱۰	۱۴	یکی کوه دید از برش	۱۵۶۵	۲۰
یکی گرگ پیکر درفش از	۹۱۴	۱۲c	یکی کوه دیدم سر اندر	۲۵۹	۷
یکی گرگ پیکر درفش	۳۷۹	۱۲	یکی کوه زرین یکی کوه	۴۲۴۱	۴۳
یکی گرگ دیگر چوپیلی	۸۰۶	۱۴	یکی کوه زیرش بگردار	۱۲۶۴	۱۳c
یکی گشت با باد نزدیک	۱۹	۳۴	یکی کوه یابی مر او را	۶۲۴	۱۲
یکی گشت با سال خورده	۴۰۰۵	۴۳	یکی کهتری باشد در دور	۳۹۵	۴۲
یکی گشت از آن جمله کای	۱۸۷	۴۰	یکی کهتری نام بردار	۴۱۸	۴۲
یکی گشت از آن فیلسوفان	۱۲۰۸	۲۰	یکی کهنه چین نهادمش	۵۶۹	۵۰
یکی گشت از ایشان که راه	۵۲	۱۴	یکی کیسه دینار دارم ترا	۴۷۳	۴۴
یکی گشت اسفندیار از	۲۱۶۱	۱۵	یکی کین نو ساختی در	۵۴	۳۴
یکی گشت این شاه روم	۲۱۲	E	یکی کینه خیزد که افرا-	۱۴۱۱	۱۲e
یکی گشت با کید کای شهر-	۱۴۷	۲۰	یکی گازر آن خرد صندوق	۳۷	۱۷
یکی گشت بهرام شد جنگ	۱۹۵۶	۴۲	یکی گاو بر مایه خواهد	۱۰۸	۵
یکی گشت بهرام شیراؤن	۱۷۶۳	۱۳	یکی گاو دیدم چو خرم	۱۷۸	۵
یکی گشت ز ایشان کهای	۵۱۷	۷	یکی گبر پوشید زال دلیر	۵۱۳	۸
یکی گشت سالار خوالی	۳۸۱۱	۴۱	یکی گرد بر خاست در دشت	۱۰۹۴	۱۲
یکی گشت شاها سرش را	۱۹۴۷	۱۳g	یکی گرد بر شد که گشتی	۵۰۱	۴۱
یکی گشت کاید بر سر	۲۳۰	۲۱	یکی گرد تیره بر آمدز	۶۹۱	۴۳
یکی گشت کای سرو بالا	۴۷۹	۳۵	یکی گرد تیره بر انگیختند	۹۳۹	۱۲b
یکی گشت کای شاه خرم	۳۹۰۳	۴۱	یکی گرد کردی بکاخ	۲۲۶	۱۴
			یکی گرز پروزه دسته	۷۶۶	۱۳

یکی گوشت تخت دستان	۱۹۱۴ ، ۷	یکی گفت کای شاه خورشید	۱۳۲۵ ، ۳۵
یکی گوهری از میان	۲۸۵ ، ۱۴	یکی گفت کای شاه خورشید	۳۹۱۱ ، ۴۱
یکی گوی نرکان بینداخت	۱۴۸۰ ، ۱۲d	یکی گفت کای شاه کهتر	۳۷۸۳ ، ۴۱
یکی گیو گودرز بودست	۱۱۱۶ ، ۱۲e	یکی گفت کای شاه کهتر	۳۸۹۱ ، ۴۱
یکی لشکر آراست افرا-	۱۹ ، ۱۰	یکی گفت کای شهریار بلند	۱۱۸۲ ، ۲۰
یکی لشکر آراست افرا-	۱۵۹ ، ۱۲b	یکی گفت کاینرا نبایست	۳۶۳۱ ، ۴۳
یکی لشکر آراسته چون	۱۶۶ ، ۱۲b	یکی گفت کاین رنج هست	۱۴۹۸ ، ۲۰
یکی لشکر آراسته چون	۸۵۵ ، ۶	یکی گفت کاین شاه دیوانه	۲۹۲۳ ، ۱۳g
یکی لشکر آمد پس ما	۸۹۴ ، ۱۲e	یکی گفت گیرم که تو	۳۷۹۰ ، ۴۱
یکی لشکر آمد پس ما	۹۴۵ ، ۱۲e	یکی گفت مارا بنحوالی	۲۰ ، ۵
یکی لشکر آمد ز پهلو	۷۶۲ ، ۱۲c	یکی گفت و پرسید و دیگر	۲۷۴۹ ، ۴۱
یکی لشکر از نزد افرا-	۲۲۱۸ ، ۱۳f	یکی گم شده نام فرسیدورد	۱۲۳۱ ، ۳۵
یکی لشکر است این چو	۷۲۴ ، ۱۳c	یکی گنبد از آنوس وز عاج	۱۷۸۵ ، ۴۱
یکی لشکر است این چو	۲۰۳۳ ، ۴۳	یکی گنبدی دید افراشته	۲۰۶۸ ، ۷
یکی لشکر ترا بهومان	۵۳۲ ، ۱۳f	یکی گنج از اینسان همی	۸۳۸ ، ۱۲e
یکی لشکر نامورسی هزار	۱۴۶۱ ، ۱۳f	یکی گنج آکنده دینار بود	۸۹۸ ، ۱۳c
یکی لشکری از مداین	۱۹۶۳ ، ۴۱	یکی گنج پر زر بسپارمش	۶۰۲ ، ۱۵
یکی لشکری بایدا کنون	۳۳۲ ، ۱۳	یکی گنج بر مایه تر بر گزید	۲۲۳۴ ، ۳۵
یکی لشکری پر گنه پیش	۱۳۲۴ ، ۱۳f	یکی گنج خواهم نهادن	۲۴۱۷ ، ۳۵
یکی لشکری خواهم	۲۰۹ ، ۵	یکی گنج در پیش هر مهتری	۷۶۳ ، ۲۰
یکی لشکری راند از	۳۱ ، ۸	یکی گنج ویژه بدروش	۶۵۵ ، ۸
یکی لشکری سوی گرگان	۱۹۶۵ ، ۴۱	یکی گنده پری شد اندر	۵۴۹ ، ۱۲
یکی لشکری شد بر او انجمن	۲۳۶ ، ۱۲c	یکی گنگک بودش بسان	۹۰۷ ، ۱۳g
یکی لشکری کوه تا کوه	۱۸۸۴ ، ۷	یکی گور پیش اندر آمد	۱۳۸۹ ، ۳۵
یکی لشکری گرد شد	۴۰۶ ، ۲۱	یکی گور دید اندر آن	۱۴۶۴ ، ۴۲
یکی لشکری گشت برسان	۱۱۰۳ ، ۱۳f	یکی گورسان کرد از دشت	۲۸۰۲ ، ۱۵
یکی لشکری نامزد کرد	۳۰۶ ، ۶	یکی گورسان کردم از	۲۵۹۲ ، ۱۵
یکی مادرش سخت سوگند	۲۹۹۹ ، ۴۱	یکی گوش بکشای بر پند	۳۰۹۶ ، ۴۱
یکی ماده و دیگری نر	۱۵۹۳ ، ۲۰	یکی گوشه ای بس کنیم از	۱۹۷۷ ، ۴۲
یکی مادیان تیز بگذشت	۱۰۵ ، ۱۰	یکی گوشه ای گیر تا نزد	۴۳۹ ، ۱۳c

یکی مرد بد نام او شهر گیر	۷۷۸ ، ۲۰	یکی ماز خسرو نگر دیم	۵۹۸ ، ۴۳
یکی مرد بد نام او شهر گیر	۶۳۸ ، ۲۱	یکی ماه با او چوسر و سہی	۳۲۱ ، ۳۰
یکی مرد بد نام او ہیر بد	۲۰۴ ، ۱۲d	یکی ماه باید زمان در ننگ	۱۵۱۷ ، ۱۳
یکی مرد بد ہر مز شہر یار	۲۷۸ ، ۴۲	یکی ماه پیکر در فتن از	۳۹۰ ، ۱۳
یکی مرد بر گاہ بنشانند	۴۰۶ ، ۳۴	یکی ماه رخ بود گنجور	۱۹۸ ، ۳۰
یکی مرد بر گرد لشکر	۱۳۹۹ ، ۳۵	یکی ماه روی است نام	۲۴۴ ، ۱۳
یکی مرد بر ناست کز	۱۰۵۹ ، ۴۱	یکی مایہور بود با فر و	۳۵ ، ۳۴
یکی مرد بر نا فرو بردہ	۶۸۷ ، ۳۵	یکی مایہور پور اسفندیار	۱۲۴۷ ، ۱۵
یکی مرد بگزید بیدار	۴۸ ، ۳۴	یکی مایہور مالدار ایدر	۳۷۶۳ ، ۴۱
یکی مرد بود از نژاد	۴۹۲ ، ۳۰	یکی مجلس آراست با	۵۳۸ ، ۱۳
یکی مرد بود اندر آن روز	۹۵ ، ۴	یکی مجمر آتش بیاورد	۴۶ ، ۱۵
یکی مرد بیدار با فرہی	۳۹۰۳ ، ۴۳	یکی مجمر آتش یکی	۱۲۱ ، ۱۵
یکی مرد بیدار جویندہ	۲۷۸ ، ۱۲b	یکی مجمر آورد و آتش	۱۷۸۴ ، ۷
یکی مرد بی دشمنم پاریسی	۱۷۳۹ ، ۴۳	یکی محضر اکنون بیاید	۲۱۱ ، ۵
یکی مرد بیناد دل پر شتاب	۴۷۰ ، ۸	یکی مرد آسودہ چون	۲۰۸ ، ۸
یکی مرد بیناد دل و چرب	۸۱ ، ۳۸	یکی مرد آمد بدین آوری	۱۰۸ ، ۱۵
یکی مرد بیناد دل و نہکرای	۱۰۱ ، ۱۸	یکی مرد ایرانیم را ہجو	۲۶۵ ، ۳۰
یکی مرد بی نام باید گزید	۱۹۵ ، ۸	یکی مرد با پانصد و دو ہزار	۸۰۰ ، ۱۲b
یکی مرد بینی تو باد ستگاہ	۲۶۸۳ ، ۴۱	یکی مرد باتیز داسی	۱۵۲۸ ، ۷
یکی مرد بینی چوسر و سہی	۱۵۶۵ ، ۱۳b	یکی مرد بازارگان مایہ	۱۰۷۷ ، ۴۳
یکی مرد بینیم جویندہ داد	۳۹۱۲ ، ۴۱	یکی مرد بازارگانم دزم	۲۳۱۲ ، ۱۳g
یکی مرد پا کیزہ با ہوش و	۱۰۲۷ ، ۱۳e	یکی مرد با سنگ و شیرین	۱۷۱۷ ، ۲۰
یکی مرد پا کیزہ نوک خوی	۲۲۵ ، ۲۰	یکی مرد با ہوش دل بر-	۲۰۶ ، ۱۱
یکی مرد پیرست بارای و	۱۷۳۲ ، ۳۵	یکی مرد بخرد پیرسید	۲۱۴۱ ، ۱۵
یکی مرد ترسا گزین کرد	۶۸۴ ، ۴۱	یکی مرد بد بستہ از شہر	۱۸۷۴ ، ۴۲
یکی مرد جنگست و من	۷۰۹ ، ۱۳۴	یکی مرد بد پیر خسرو بنام	۳۹۹ ، ۳۴
یکی مرد خواہم سوار دلیر	۳۷ ، ۱۱	یکی مرد بد تیز و بر ناو	۲ ، ۱۹
یکی مرد خونریزی کار	۱۸۸۴ ، ۴۲	یکی مرد بد در دماوند	۳۶۹۲ ، ۴۳
یکی مرد دہقانم ای پالک	۲۷۷ ، ۳۵	یکی مرد بد نام او اردشیر	۶۹۲ ، ۱۵
یکی مرد دہقان بن زال	۲۷۴ ، ۳۵	یکی مرد بد نام او رشنواد	۱۳۲ ، ۱۷

یکی موبدی نام او بر ز مهر	۱۶۲۰ ، ۳۵	یکی مرد دینی بدان کوه	۱۵۱۰ ، ۵
یکی موبدی نام او ماهیار	۳۲۸ ، ۱۹	یکی مرد را شاه از ایران	۲۱۰۶ ، ۱۲b
یکی مهد با چتر و با خادم	۱۲۵ ، ۲۰	یکی مرد شد چون یکی زاد	۱۱۷ ، ۷
یکی مهد پر مایه از عود	۳۸۲ ، ۲۰	یکی مرد گرا ندانست	۱۱۱۱ ، ۴۲
یکی مهد زرین بیار استند	۸۷ ، ۱۸	یکی مردم ای شاه بازار -	۲۱۲۸ ، ۱۵
یکی مهتر آمد از آن روی	۹۱۱ ، ۱۳b	یکی مردواری خرامد	۵۹۰ ، ۱۵
یکی مهتری بود نامش	۹۲۲ ، ۵۰	یکی مرده زنده نگشت از	۳۴۷۱ ، ۴۱
یکی مهرستان ز خاقان	۲۷۲۷ ، ۴۳	یکی مرده چون که بیستون	۲۸۷۰۰ ، ۱۵
یکی مهر پیروزه رستم	۱۰۳۴ ، ۱۳e	یکی مرزبان بود با سنگ	۱۲۶۰ ، ۱۷
یکی مهر خواندش و دیگر	۱۷۸۶ ، ۳۵	یکی مرغ بریان بفرمود	۱۰۱۷ ، ۱۳e
یکی مهر زرین بر او بر	۳۰۱۵ ، ۱۳g	یکی مرغ پرورده ام خاک	۱۲۰۰۰ ، ۷
یکی مهر و منشور باید	۱۱۹۷ ، ۴۲	یکی مرغ دارد بر ایشان	۱۵۳۱ ، ۷
یکی مهره در جام در دست	۳۵۷ ، ۱۳	یکی مرغزارست از ایدر	۷۸۷ ، ۱۲e
یکی میر بود اندر آن شهر	۴۹۹ ، ۲۱	یکی مژده بردند نزدیک زو	۱۴۰ ، ۹
یکی میوه داری بماند	۱۱ ، ۱۲d	یکی مژده بردند نزدیک شاه	۱۰۳ ، ۱۱
یکی ناسزا آگهی یافتند	۲۷۳۲ ، ۱۳g	یکی مشت زد بر سر و	۱۲۹ ، ۱۰
یکی ناسکا لیده شان جنگ	۲۱۹۳ ، ۱۳f	یکی مشکنازود گر مشکنگ	۴۷۴ ، ۳۵
یکی ناگهان مرگ بود	۲۸۸۸ ، ۴۳	یکی مطربی بود سرکش	۳۷۸۲ ، ۴۳
یکی نام او بی درفش	۱۳۳ ، ۱۵	یکی مغفر خسروی بر سر	۶۵۷ ، ۱۲
یکی نام بردار و گردی	۴۰۸ ، ۱۳	یکی منزل اندر بیابان	۱۱۸۰ ، ۱۳g
یکی نام بودش خشاش دلیر	۳۱۳ ، ۱۵	یکی منظری بد بایوان	۶۱۲ ، ۱۴
یکی نام بهمن یکی مهر نوش	۹۲۷ ، ۱۵	یکی من که شاه جهانم بداد	۷۳۴ ، ۴۲
یکی نامجوی و دگرشاد	۷۱۶ ، ۱۲e	یکی موبدی بود زاری	۵۸۸ ، ۵۰
یکی نامدار از میان مهان	۴۰۱ ، ۷	یکی موبدی بود شهری	۱۷ ، ۳۰
یکی نامدار است مهراں	۱۴۸ ، ۲۰	یکی موبدی بود نامش هما	۱۵۰۲ ، ۳۵
یکی نامدار و غریب و جوان	۵۲۱ ، ۱۴	یکی موبدی داستان زد	۱۶۵۶ ، ۴۲
یکی نامداری از ایرانیان	۱۴۳۴ ، ۱۳	یکی موبدی راز کار آگهان	۳۰۴ ، ۲۲
یکی نامداری از ایران منم	۱۲۵ ، ۱۳c	یکی موبدی رفت و پیمود	۲۶۹ ، ۱۲b
یکی نامداری بد آنکه	۲۷ ، ۱۹	یکی موبدی طوس یل را	۴۶۰ ، ۱۳b
یکی نامداری بدار زنگ	۱۸۷ ، ۱۳b	یکی موبدی گفت با اردشیر	۳۰۲ ، ۲۱

یکی نامه باید نوشتن درشت	۶۷ ، ۴۰	یکی نامداری چو خاقان	۱۶۷۱ ، ۳۵
یکی نامه باید نوشتن کنون	۱۲۳ ، ۱۵	یکی نامداری زمازندان	۱۰۰۲ ، ۱۲
یکی نامه بنیشت بر آفرین	۵۰۳ ، ۳۰	یکی نامداری ز لشکر	۷۵۵ ، ۱۳c
یکی نامه بنیشت سوی	۱۷۶ ، ۸	یکی نامداری که بدیار	۲۳۲۷ ، ۴۳
یکی نامه بنوشت ارتنگ	۲۰۹ ، ۱۱	یکی نام دزدی نه دبر کسی	۷۲۶ ، ۳۵
یکی نامه بنوشت ارتنگ	۲۲۹۵ ، ۴۱	یکی نامش ارما یل پاکدین	۱۷ ، ۵
یکی نامه بنوشت با آفرین	۶۴ ، ۳۸	یکی نام گشتاسپ ، دیگر	۲۴ ، ۱۴
یکی نامه بنوشت بآباد و	۴۰۴۴ ، ۴۳	یکی نام نوذر دگر چون	۲۲۶ ، ۷
یکی نامه بنوشت باداغ و	۲۷۲ ، ۱۹	یکی نامور بود بوراب نام	۱۸۹ ، ۱۴
یکی نامه بنوشت بادرد و	۳۶۷ ، ۵۰	یکی نامور بود ز روان	۱۶۴۲ ، ۴۱
یکی نامه بنوشت بارسم	۱۳۲۱ ، ۲۰	یکی نامور بود فالوس نام	۷۶۷ ، ۱۴
یکی نامه بنوشت با سوک	۴۲۰۵ ، ۴۱	یکی نامور بود نامش تباک	۳۱۱ ، ۲۱
یکی نامه بنوشت با گبرو	۲۸۳ ، ۱۲b	یکی نامور پیش او اندرون	۸۲۶ ، ۵۰
یکی نامه بنوشت بر پهلوی	۱۴۱۰ ، ۴۳	یکی نامور ترک را کرد یاد	۳۴۲ ، ۸
یکی نامه بنوشت بر هندوی	۲۵۰۶ ، ۳۵ ^e	یکی نامور خواهم و نامجوی	۷۸۷ ، ۱۳
یکی نامه بنوشت بهرام	۲۵۷ ، ۳۴	یکی نامور دختر خوبرو	۴۲ ، ۵
یکی نامه بنوشت بهروز	۱۲۲۵ ، ۳۵	یکی نامور زان پسندیده	۲۱۲ ، ۱۴
یکی نامه بنوشت بر آفرین	۱۹۹۹ ، ۴۱	یکی نامور شاه را تخت	۳۶۹۴ ، ۴۳
یکی نامه بنوشت بر باد و	۱۷۹۴ ، ۴۲	یکی نامور فرخ - سفندیار	۳۴ ، ۱۳
یکی نامه بنوشت بر پند	۱۹۱۵ ، ۳۵	یکی نامه از رستم جنگ	۱۷۵ ، ۱۲c
یکی نامه بنوشت پرداغ	۳۹ ، ۳۴	یکی نامه از قیر و مشک	۱۷۷۰ ، ۱۳g
یکی نامه بنوشت پرداغ	۷۹۷ ، ۴۱	یکی نامه ای بر حریر	۸۲۱ ، ۱۲
یکی نامه بنوشت پر مهر	۴۲ ، ۱۳d	یکی نامه ای بر حریر	۱۶۴ ، ۵۰
یکی نامه بنوشت پس اردو -	۷۸ ، ۲۱	یکی نامه ای سوی فغفور	۱۰۷۸ ، ۱۳g
یکی نامه بنوشت پس بر	۳۶۰ ، ۴۰	یکی نامه پالابه دردمند	۱۴۴۰ ، ۷
یکی نامه بنوشت پس شهر	۳۳۷ ، ۲۰	یکی نامه پالابه و دلپسند	۲۵۷ ، ۱۲c
یکی نامه بنوشت پس شهر	۱۴۱۶ ، ۴۲	یکی نامه پاهدیة شاهوار	۶۱۲ ، ۴۲
یکی نامه بنوشت چون	۳۱۱۳ ، ۴۳	یکی نامه باید چو بر نده تیغ	۸۸۹ ، ۱۲
یکی نامه بنوشت خوب و	۱۳۵ ، ۱۵	یکی نامه باید سوی پهلوان	۷۸۷ ، ۷
یکی نامه بنوشت دل پرور	۱۴۴۲ ، ۱۳	یکی نامه باید که زی شه	۷۱۰ ، ۱۳b

یکی نامه بنوشت دیگر	۳۸۲ ، ۵۰	یکی نامه دارم بر شاه	۱۹۶۶ ، ۳۵
یکی نامه بنوشت رستم	۴۲۸۵ ، ۱۵	یکی نامه دارم من از شاه	۵۴ ، ۱۴
یکی نامه بنوشت زری شهر	۱۱۴۱ ، ۴۲	یکی نامه دیدم پرازداستان	۱۰۵۴ ، ۱۵
یکی نامه بنوشت سوی	۴۰۵۶ ، ۴۳	یکی نامه را گرم پاسخ	۱۶۸۹ ، ۲۰
یکی نامه بنوشت شاه زمین	۴۷۰ ، ۶	یکی نامه سوی برادر	۳۰۰۹ ، ۴۳
یکی نامه بنوشت فرخ دبیر	۱۱ ، ۱۹	یکی نامه سوی برادر	۶۰ ، ۵۰
یکی نامه بنوشت گردوی	۳۱۱۶ ، ۴۳	یکی نامه شهریاران	۴۵۳۰ ، ۴۱
یکی نامه بنوشت نزد پدر	۲۰۷۴ ، ۷	یکی نامه فرمایم اکنون	۱۲۲۷ ، ۷
یکی نامه بنوشت نزد پدر	۱۲۷۰ ، ۱۲d	یکی نامه فرمود با آفرین	۵۱۹ ، ۴۱
یکی نامه بنوشت نزد پدر	۱۶۰ ، ۱۲e	یکی نامه فرمود بر پریان	۱۶۰۷ ، ۴۳
یکی نامه بنوشت نزد پدر	۲۶۹ ، ۲۱	یکی نامه فرمود بر پهلوی	۹۴ ، ۴۱
یکی نامه بنوشت نزد نیا	۱۱۸۵ ، ۶	یکی نامه فرمود پرخشم	۱۰۵۵ ، ۱۲d
یکی نامه بنوشت نزد نیا	۱۳۰ ، ۲۱	یکی نامه فرمود پس تادبیر	۱۱۱۶ ، ۱۳f
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۷۸۵ ، ۴۱	یکی نامه فرمود پس تادبیر	۱۶۴۰ ، ۲۰
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۲۸۱۹ ، ۴۱	یکی نامه فرمود پس شهر	۵۱۶ ، ۱۲c
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۴۰۲ ، ۱۲c	یکی نامه نزدیک بهرام	۲۲۴۸ ، ۳۵
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۲۱۰۲ ، ۱۲d	یکی نامه فرمود نزدیک	۷۹۲ ، ۷
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۱۹۰۹ ، ۴۲	یکی نامه فرمود نزدیک	۹۴۶ ، ۱۳f
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۳۱۴۴ ، ۴۳	یکی نامه نزدیک نزد سیاهوش بهر	۱۸۹۴ ، ۱۲d
یکی نامه بنوشت نزدیک*	۲۸۳ ، ۲۰	یکی نامه نزدیک پولادوند	۱۳۱۴ ، ۱۳c
یکی نامه بنویس به مهر و	۳۷ ، ۳۵	یکی نامه نزدیک کاووس	۱۲۴۵ ، ۱۲e
یکی نامه بنویس زری	۵۰ ، ۳۴	یکی نامه هر یک بدست	۳۴۸ ، ۱۲b
یکی نامه بنویس نزد پدر	۲۶۲ ، ۲۱	یکی نره شیرست روزشکار	۱۳۲ ، ۸
یکی نامه بنویس نزدیک	۲۶۸ ، ۱۹	یکی نره شیرست گویی	۲۹ ، ۱۳d
یکی نامه بنویس نزدیک	۱۱۴۲ ، ۱۲b	یکی نره شیر و دگر ماده	۱۷۴۵ ، ۱۵
یکی نامه بود از گه باستان	۱۳۶ ، E	یکی نره گوری بزد بر	۲۲ ، ۱۲c
یکی نامه برسان ارژنگ	۳۱۵۱ ، ۴۳	یکی نره گوری زده بر	۲۸۷۱ ، ۱۵
یکی نامه چون بوستان	۲۰۹۶ ، ۷	یکی نزد رستم برید آگهی	۱۰۳۷ ، ۱۲c
یکی نامه خواهم بر او مهر	۳۱۰۶ ، ۴۳		

(*) ستاره در سطر اول بجای « خویش » و در دوم بجای « رای » و در

سوم و چهارم و پنجم و ششم بجای « شاه » و در هفتم بجای « کید » آمده است .

۶	۲۲	یکی هفته زین گونه بخشید	۴۳	۶۵۴	یلان سینه پیش اندر آمد
۱۳۴	۱۲۱۸	یکی هفته گودرز بارود و	۴۲	۱۴۷۸	یلان سینه در کاخ بنهاد روی
۷	۲۰۰۹	یکی هفته می بود باسوک	۴۳	۳۰۵۴	یلان سینه را دید و آذر-
۷	۴۵۱	یکی همچو رودا به خوب	۴۳	۳۰۶۹	یلان سینه را گفت این زن
۴۰	۲۰۵	یکی هندیا ودگر فارقین	۴۲	۱۵۳۰	یلان سینه را گفت با صد
۱۲۵	۸۸۸	یکی یادگاری بنزدیک	۴۲	۱۱۴۸	یلان سینه را گفت تاسه هزار
۵۰	۶۴۶	یکی یادگاری ز سامانیان	۴۳	۱۷۸۹	یلان سینه را گفت در قلبگاه
۱۲e	۱۲۶۷	یکی یاره و طوق با گوشوار	۴۲	۱۰۹۵	یلان سینه را گفت کای
۱۵	۳۳۸۷	یل اسفند یار و یلان یکسره	۴۳	۱۹۴۶	یلان سینه را گفت کاین
۱۳g	۳۱۹۳	یلان پیش او پاسخ آراستند	۴۳	۲۷۹۷	یلان سینه را گفت یکسر
۱۲c	۶۹۴	یلان ترا سربسر گزدهم	۴۲	۱۶۴۲	یلان سینه گفت ای سپهدار
۱۳	۱۵۵۹	یلان با فربرز کاووس شاه	۴۲	۱۷۳۴	یلان سینه گفت ای گران
۴۲	۱۸۵۱	یلان چون شنیدند گفتار	۴۳	۱۸۳۵	یلان سینه و رام ایزد گشسب
۱۵	۴۱۹	یلان را بباشد همه روی	۴۳	۲۰۶۶	یلان سینه و گرد آذر گشسب
۱۲b	۵۵۳	یلانرا بزوپین و خنجر	۴۳	۲۹۵۱	یلان سینه و مهتر ایزد گشسب
۱۵	۲۱۰۸	یلان را بصند و قها در نشانند	۱۳	۱۲۹۶	یلانش بدارژنگ و مردوی
۱۳۴	۳۰۹۰	یلان راهمه پاک در بر گرفت	۱۳e	۱۲۰۱	یلان صف کشید ند پیش
۴۲	۱۴۷۵	یلان سینه آمد پس او	۸	۶۱۹	یلانند با چنگهای دراز
۴۲	۱۵۳۱	یلان سینه اندر دیر بزرگ	۱۳e	۳۳۱	یلان هم بشمشیر و تیر و
۴۳	۳۰۷۵	یلان سینه او را بگستهم داد	۴۱	۳۲۱۳	یلانی که بودند خنجر
۴۳	۳۰۰۲	یلان سینه با آن گزیده	۱۲b	۳۷۹	یل پیلتن رستم سرفراز
۴۳	۳۰۷۱	یلان سینه با گردیه گفت	۱۳b	۸۰۸	یل پیلتن شد بر شهریار
۴۳	۲۰۷۴	یلان سینه برسم بهرام داد	۱۵	۸۵۰	یل تیغ زن گفت فرمان
۴۳	۱۸۱۶	یلان سینه بهرام را بانگ			



(کشف الایات شاهنامه تمام شد بحمد الله تعالی)

خواهند است این چند بیت را که در ردیف الفبایی خود

قرار نگرفته است در جای خود به متن بیفزایید

صفحه ستون

۵۵۱	۲	بین سطر ۲۷ و ۲۸ افزوده شود،	۹۵۹،۵۰	زمان سر آورد و گفت و شنید
۵۹۶	۲	بین سطر ۱۲ و ۱۳ افزوده شود،	۱۶۸۷،۱۳۴	سران را هم میخوانند اکنون
۶۰۶	۲	بین سطر ۲۶ و ۲۷ افزوده شود،	۱۰۸۱،۴۲	سلیح هست و بهرامشان پیشرو
۷۸۰	۱	بین سطر ۲۲ و ۲۳ افزوده شود،	۱۸۳۸،۱۲d	نباید مرآه بودن بسی
۷۸۴	۱	بین سطر ۱۹ و ۲۰ افزوده شود،	۷۰۵،۱۳g	نبیند سرتیغ ما را نیام
۷۸۴	۱	بین سطر ۲۹ و ۳۰ افزوده شود،	۱۵۴۱،۱۲d	نبینمت پیوسته خون کس
۷۸۵	۲	بین سطر ۵۳ و ۵۴ افزوده شود،	۳۵۸۳،۱۵	نبیچم باورد که بر عنان
۷۹۳	۱	بین سطر ۱۰ و ۱۱ افزوده شود،	۲۹۳،۱۳e	نبرد کسی پوست بر من مگر
۸۰۳	۲	بین سطر ۱۴ و ۱۵ افزوده شود،	۱۳۳۳،۱۲c	نکویند زینگونه مردان مرد

خواهشمند است غلطهای چاپی متن کتاب را
بر حسب این جدول اصلاح فرمائید

صفحه	ستون	نادرست	درست
۴۵۹	ستون ۲	پاورقی	«و کلاه آمده است»
۴۶۹	ستون ۱	جای سطر ۹ با ۱۰ تمویض شود	
۴۷۲	ستون ۲	جای سطر ۷ را میان سطر ۲ و ۳ قرار دهید	
۶۱۶	ستون ۲	سطرهای ۱۵ و ۱۶ را بین سطر ۸ و ۹ قرار دهید	
۶۳۱	ستون ۲	سطر ۹ مازند-	مازندر
۶۷۰	ستون ۱	سطر ۱۳ وزو-	وزوبا
۶۹۸	ستون ۱	سطر ۲۸ پهلون	پهلوان
۷۱۱	ستون ۲	سطر ماقبل آخر اراین	ازاین
۷۲۱	ستون ۲	جای سطر ۲۴ را بین سطرهای ۲۱ و ۲۲ قرار دهید	
۷۶۰	ستون ۱	سطر ۱۶ ۱۲b	۱۲d
۸۲۵	ستون ۲	سطر ۲ کزین	کزاین
۸۶۹	ستون ۲	سطر ۱۳ ۱۲b	۱۲d
۸۸۴	ستون ۱	سطر ۲ ادای	آوای
۹۰۷	ستون ۲	سطر ۸ ۲۱۳۷	۲۱۷۳

تاریخ انتشار	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	شماره
شهریورماه ۱۳۰۴	فهرست مختصری از آثار وابنیة تاریخی ایران	۱
مهرماه ۱۳۰۴	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	۲
شهریورماه ۱۳۰۵	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	۳
اسفندماه ۱۳۰۵	کشف دو لوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد - ترجمه آقای مجتبی مینوی)	۴
مهرماه ۱۳۰۶	سه خطابه در باره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلد وهانی بال)	۵
بهمن ماه ۱۳۱۲	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	۶
بهمن ماه ۱۳۱۳	کنفرانس محمد علی فروغی راجع بفردوسی	۷
۱۳۱۳	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۸
اسفندماه ۱۳۲۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	۹
اسفندماه ۱۳۳۰	رساله جودیه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	۱۰
اسفندماه ۱۳۳۰	رساله نبض ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	۱۱
۱۳۳۱	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقایان دکتر محمد معین و سید محمد مشکوة استادان دانشگاه)	۱۲
۱۳۳۱	طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	۱۳
۱۳۳۱	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه)	۱۴
۱۳۳۱	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه)	۱۵
۱۳۳۱	رساله نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۶
۱۳۳۱	رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۷
۱۳۳۱	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۸
-	معراج نامه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۹
-	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۲۰
-	رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۲۱

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۳۴۸
۲۳	رساله کنوز المعزمین ابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رساله معیار العقول، جرثقیل از ابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رساله حی بن یقطان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (بتصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمه مجلد اول جشن نامه بفرانسه (بوسیله آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمه اشارات و تنبیها (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی با مداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضاء کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضاء کنگره ابن سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سر لشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر و مقابله خیام (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیه آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضا زاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	دره نادره تألیف میرزا مهدی خان (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰

شماره	فہرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۴۱	شرح احوال و نقل و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خسرو نامہ تألیف شیخ فریدالدین عطار (بہ تصحیح و اہتمام آقای احمد سہیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامہ های طبیب نادرشاه ترجمہ آقای دکتر علی اصغر حریری (بہتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (بہتمام و تصحیح آقای دکتر نفی تفضلی رئیس کتابخانہ مجلس شورای ملی)	۱۳۴۱
۴۵	جہانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تعلیقہ آقای سید عبداللہ انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانہ (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (بامقدمہ و تصحیح و تحشیہ آقای جلال الدین ہمایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادرہ ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل بکائی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و اہنیہ تاریخی فارس) - تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش نامہ انجمن آثار ملی	اردی بہشت ۱۳۴۴
۵۰	یادنامہ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیرہ خوارزمشاہی، تألیف زین الدین ابو ابراہیم اسمعیل جرجانی - سنہ ۵۰۴ ہجری - (بہتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی - دکتر محمد شہراد - دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵ شہر یور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح بخط خود استاد - مقدمہ و شرح حال بخط و خامہ استاد امیری فیروز کوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابو القاسم عبداللہ کاشانی بسال ۷۰۰ ہجری بامقدمہ و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان - مجلد اول مباحث جغرافیائی شہر ری بمہد آبادی تألیف آقای دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی نامہ جلد اول تألیف استاد جلال الدین ہمائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶
۵۷	خرد نامہ تألیف و نگارش ابو الفضل یوسف بن علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷